
۹
علم مفاهیم شناسی
در
قرآن
نویسنده: رسول ملکیان اصفهانی

بسم الله الرحمن الرحیم

علم مفاهیم شناسی در قرآن

نویسنده:

رسول ملکیان اصفهانی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد نهم – حرف خ

مشخصات کتاب

سرشناسه:رسول ملکیان اصفهانی،۱۳۴۴

عنوان و نام پدیدآور:علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد نهم – حرف خ/ رسول ملکیان اصفهانی

مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه

تلفن همراه مولف : ۰۹۱۳۱۱۴۰۱۴۰

موضوع: علم – مفاهیم قرآنی

رده بندی کنگره : BP۶۵/۴ ۵آ/

رده بندی دیویی : ۳۷۲/۲۱ د۵۷۷آ ۱۳۹۰

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم

علم مفاهیم شناسی قرآن

۱–قرآن کتاب خداست که برای هدایت ناس وبشروانسان و مسلمان و مومنین و متقین نازل شده است ؛ و ازمعجزات جاویدان محسوب می شود ؛ چه انسانهای مومن و خدا جوئی که با معرفت و عمل به این کتاب آسمانی به سعادت رسیدند و چه دانشمندان بزرگی که درطول بیش از چهارده قرآن برای فهم و نشر معارف این کتاب کریم عمرخود را گذاشته اند. هرزمانی که ازاین کتاب می گذرد تازه هائی ازمعارف این کتاب الهی کشف می گردد و این جریان همچنان ادامه دارد. درپرتو این تلاشهای شایسته علومی زیادی ازمعارف و علوم قرآنی برای ما به یادگارباقی مانده است . که ازمهمترین آن می توان از تفسیرقرآن نام برد. این علم براساس مقدماتی ازعلوم است مثل مفردات قرآن.

شاید بتوان گفت علم مفاهیم شناسی قرآن حد واسط بین معنی کلمه (علم مفردات) و (علم تفسیر قرآن) است. علم مفاهیم شناسی قرآن یک علم جدیدی است که نه می توان علم مفردات قرآن آن را دانست زیرا فراترازآن است و نه می توان آن را علم تفسیرنامید زیرا اساسا با آن متفاوت است.

تفسیر به معنای «دانش تفسیر»، یعنی علمی که دارای ارکان مشهور علم (موضوع، مسائل، مبادی تصوری و تصدیقی) است و

تفسیر دارای موضوع، تعریف،هدف، فایده،

پیش انگاره ها (مبانی و مبادی) و ... است. ازاین رو، تفسیر از علوم مرتبط با قرآن به شمار می آید که بیش از هزار سال عمر دارد.

علم تفسیر به دانشی گفته می شود که انسان را با معانی و مقاصد آیات قرآن و منابع، مبانی، روش ها، معیارها و قواعد آن آشنا می سازد.

به عبارت دیگر، دانش تفسیر از چند بخش اساسی تشکیل می شود: ۱) مبانی تفسیر؛ ۲) قواعد تفسیر؛ ۳) منابع تفسیر؛ ۴) شرایط مفسر؛ ۵) سنجه های فهم تفسیر و معیارهای تفسیر معتبر؛ ۶) روش های تفسیری؛ ۷) گرایش ها (مکاتب) تفسیری.

موضوع علم تفسیر: آیات قرآن (سخنان الهی که در قالب وحی قرآنی بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است).

هدف دانش تفسیر: کسب توان استنباط صحیح از آیات قرآن.

فایده علم تفسیر: فهم مراد استعمالی (معانی آیات) و مراد جدّی خدا (مقاصد آیات).

۲-اگرمفاهیم قرآن خوب تبیین و توصیف شودمقدمه تفسیرخواهد شد و تفسیر قرآن از غنای بیشتری برخوردار خواهد شد. این دانش که مربوط به مجموعه دانشهای نوین زبانشناسی است می باشد . زبانشناسی بیشتر ناظر به کلام انسانی است که دردورهای مختلف شامل کلام های مقدس(کتابهای آسمانی) نیز شده است . زبان شناسی شامل: زبان شناسی نظری؛ آواشناسی ؛ واج شناسی ؛ واژه شناسی ؛ ساخت واژه ؛ نحو ؛ معناشناسی ؛ معناشناسی واژگانی ؛ معناشناسی آماری ؛ معناشناسی ساختاری ؛ سبک شناسی ؛ تجویز و توصیف ؛ کاربردشناسی ؛ زبانشناسی کاربردی ؛ اکتساب زبان ؛ زبان شناسی روان شناختی ؛ زبان شناسی جامعه شناختی ؛ زبان شناسی شناختی ؛ جامعه شناسی زبان ؛ زبان شناسی محاسباتی؛ زبان شناسی توصیفی ؛ زبان شناسی تاریخی ؛ زبان شناسی تطبیقی ؛ رده شناسی زبان ؛ دستور گشتاری ؛ریشه شناسی. و همچنین توجه به نظریات هرمنوتیک ومتودولوژی

می تواند تاثیرات خوبی درمباحث شناخت قرآن داشته باشد وفضاهای جدید تحقیقات قرآنی ایجاد نماید.

۳-اگر تفسیرما از پیشرفت مناسبی برخوردار نیست دلیل عمده آن این است که روی مقدمات تفسیر کارهای اصلی صورت نگرفته است . این مسئله برای هرکس که باتفسیرقرآن آشنا باشد بدیهی است. برای روشن شدن زوایای پنهان و آشکارقرآن بیش از ده هزارکتاب نوشته شده است ولی می توان به جرات گفت مسلمانان و بشرهنوزبه صورت کامل ازاین ذخیره الهی بهره لازم را نبرده است و استخراجات لازم راازاین گنج الهی نکرده است.

۴-بعضی آیات قرآن قرنها از نظر تفسیری هیچ پیشرفتی نداشته است .و مثل آن است که تفاسیر از روی هم بازنویسی کرده اند و اگر حرف تازه ای هم زده شده است بیشتر جنبه فرقه ای و گرایشی داشته که اکثرا به تاویل آیات و یا بهتر بگوئیم تفسیر به رای شده است.چگونه می توان یک آیه و یا یک سوره را خوب تفسیرکرد در صورتی که زوایای آشکار و پنهان کلمات خوب کالبد شکافی نشده باشد. برای آشکارشدن این مدعی تفاسیرقرآن را براساس قرون طبقه بندی کرده و سیرپیشرفت معانی و مفاهیم و تفاسیرآیات را درآن براساس استاندارهای علمی و روش های نوین بررسی کنید.

۵-متاسفانه در زمان معاصر که به این مسئله مهم یعنی مفاهیم آیات کمی توجه شده است بعضی آن را با شرح لغت اشتباه گرفته اند وکتابهائی به همین نام تالیف شده است واسم کتاب خود را مفا هیم قرآن گذاشته اند و حال آنکه اصلا به مفاهیم نپرداخته اند و یک مقداربیشتر از حد معمول از ترجمه لغت فرارفته اند و دراین زمینه مراکز

قرآنی وعلمی را نیز به اشتباه انداخته اند.

۶-علم مفردات یا واژه شناسی در قرآن دانشی است که در باره تک واژ ه های قرآنی از نظر ریشه اشتقاق لغوی و دلالت آن بر معنای مطلوب مناسب و نوع کاربرد آن در قران بحث می کند بدین منظور که هرگاه شخصی معنای واژه های قرآنی را نمی داند با مراجعه به کتابهای لغوی مانند مفردات راغب می تواند معنا و ریشه موارد اشتقاقی و نوع کاربرد آن را بشناسد . و حال آنکه علم مفاهیم شناسی قرآن درباره یک واژه و معنای آن درتمام حالات علمی و ادبی درقرآن بحث می کند با این توضیح تفاوت عمده و عمیق علم مفردات با علم مفاهیم تا حدودی روشن شد.

علم مفردات شاخه های فراوانی دارد که به بعضی از آنها اشاره می شود:

الف- دانش غریب القرآن

ب-معرب القرآن که در آن در مورد واژه هائی که از زبانهای دیگر به زبان قرآن وارد شده و به صورت عربی در آمده بحث می کند.

ج- اعراب القرآن در خصوص چگونکی اعراب الفاظ قرآن بحث می کند

د-مجازات قرآن انواع مجازهای به کار رفته در قرآن در این شاخه بحث می شود.

ه- وجوه و نظائر در قرآن

و بعضی دیگر از موضوعات علوم قرآن که بنوعی با مفردات قرآن سرو کار دارد.

دانشمندا ن بزرگی به تبیین واژه های قرآنی پرداخته اند و برخی از آنها کتابهائی را نیز تدوین نموده اند که تفصیل آنها در کتابهای رجال مانند : معجم الادباء ، تاریخ بغداد، فهرست ابن ندیم، اعلام زرکلی و .....آمده است.

برای آگاهی از این کتابها می توانید به مجله بینات

شماره هفت و نه مراجعه کنید که بیش از سیصد جلد کتاب معرفی شده است.

۷- مفاهیم قرآن به معنای تحقیق کامل و جامع در باره بنیان آشکارو نهان یک لغت است؛ وبررسی سابقه و شرح آن در کل مجموعه آیات قرآن است. و همچنین تمام کاربردهای علمی و ادبی آن را بررسی کردن است. واین تقریبا یک علم کاملا جدید درباره قرآن است. زیرا باید نقش یک مفهوم را در تمام قرآن درقالب یک کلمه و ارتباطات آن مشخص کرد.تحقیق درباره مفاهیم شناسی قرآن کارساده ای نیست وافراد باید صاحب تخصص های گوناگونی باشند. و بصورت گروهی کارکنند . مفهوم شناسی قرآن بعد ازآشنائی علوم ادبی و منطقی وفلسفی و عرفانی و تاریخی وفقهی و غیره برای محققین حاصل می شود. تازه این بررسی نقش یک کلمه و مفهوم درقرآن است ؛ حال آنکه اگرما خواستیم نقش مفهوم یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه و یا یک سوره را نسبت به یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه ویا یک سوره دیگربررسی کنیم ؛ ببینید چه نیروی انسانی دانشمند و چه سرمایه مالی هنگفت و چه تکنولوژی(ابررایانه) و امکانات نرم افزاری و علمی و سخت افزاری نیاز است. ولی به هرحال کاری است که باید درآینده نزدیک انشاء الله بشود.

۸-قران را می توان مثل قطعات متنوع هندسی (Magnets game) فرض کرد که به بی نهایت اشکال قابل تصوراست اگرشما به یک آجردریک ساختمان بسیاربزرگ و چند هکتاری توجه کنید و نقش این آجردرکل مجموعه را بررسی کنید یک تصورمفهومی بدست آورده اید که جایگاه ومعنای آن را درمنظومه

این ساختمان به شما نشان می دهد و تصور بود ونبود آن دراین منظومه به کل آن می تواند کمک کند و یا آسیب برساند. پس باید درنظرداشت هریک ازکلمات قرآن مفهومی دربردارد که باتمام کلمات و جملات قرآن ارتباط دارد ارتباطی که درطول تاریخ تفسیرقرآن کشف نشده است . و ازاین مبنا استنتاجات بسیاری می توان استخراج کرد که درلابلای بعضی از تفاسیر آمده است.

۹–البته شاید بتوان گفت مفاهیم قرآن یک رشته جدید در علوم و معارف قرآن است و مربوط به دوران معاصر است زیراکه بسیاری از علوم در حدود نیم قرن جدید تحولات جدی بخود گرفته اند. با استفاده ازابزارو امکانات جدید بویژه رایانه وبرنامه ریزی برای آن می توان به این علم دسترسی پیدا کرد. این علم بصورت رسمی هنوزوارد حوزه و دانشگاه نشده است و مطالب آن بصورت گسیخته درضمن مطالب دیگربیان می شود. هراستادی با توجه به شناخت نسبی خود از آن بحث می کند وبسیاری آن را بعنوان یک علم قرآنی نه می شناسند و نه قبول دارند. اینجانب بعد ازحدود سی سال آشنائی با علوم دینی و اسلامی وقرآنی و بعد تمرکزبرروی این موضوع (علم مفاهیم شناسی قرآن) وکشف آن در تفسیرشریف راهنما به این امرخطیرنائل شدم و خداوند رحیم افق نوردیدن آن را بمن نشان داد. و این چیزی بود که بصورت متفاوت در بعضی مکتوبات قرآنی با آن برخورد می کردم که خود داستانهای زیبا و دلنشینی دارد. خیلی دوست داشتم با قرآن مانوس باشم و روزانه چندین نوبت تلاوت داشته باشم ولی بعضی از مواقع یک کلمه و یا یک جمله قرآن و نقش آن

درکل قرآن فکرودل من را بخودش مشغول می کرد و ساعتها و روزها وقت مرا می گرفت و رهایم نمی کرد ؛ نمی توانستم از آن مفهوم کلمه و جمله و آیه دلم را جدا بکنم ؛ هرلحظه و زمانی که می گذشت رخ جدیدی از آن برایم کشف می شد ولی همیشه دوست داشتم یک راهی پیدا کنم که آن را به صورت علمی درمعرض دیگران قراردهم ؛ ولی عظمت کاروناداشتن ابزار و امکانات لازم من را از آن باز می داشت تا اینکه این توفیق نسبی برایم حاصل شد. و برای همین همیشه درحیرتم که قلب مقدس اشرف و اکرم واعظم انبیاء یعنی حضرت محمد مصطفی (ص) چگونه این حجم با عظمت معنوی را درسینه مبارکشان داشتند و آن را حمل می کردنند. آری این کلمات و آیات الهی است که بی نهایت بارقابل استناد و استدلال و فیض جاری است و هنرنمائی می کند.کاری که ازعهده هیچ مجموعه و دستگاه علمی برنمی آید. کاریکه من انجام داده ام کاری است که اصل زحمت آن را دانشمندان اسلامی درتفسیرقیم راهنما انجام داد ه اند و من فقط آن را دیده و استخراج و تالیف کرد ه ام ؛ هرچند که قبل ازمن به این صورت کسی انجام نداده است.

۱۰–ازخوبیهای علم دردوران جدید این است که آنچه را درتصورذهن و یا کشف دل و یا توهم و یا خیال بود امروز می توان بصورت علم درآورد و به معرض نمایش و عموم گذاشت . شما نگاه کنید در زمان ما مسائلی حتی مثل طی الارض و روی آب راه رفتن ونامرئی شدن و صدها

نمونه از این دست به صورت علمی دسته بندی و طبقه بندی شده است. چه برسد به علومی که ازقواعد و ضوابط مثل تفسیرقرآن برخورداراست.

۱۱- بسیاری ازتفاسیر که دردوران قدیم نوشته شده است درمحدوده علم آموزی ودانش یک فرد و بسته به نوع کتابهای تفسیری و امکاناتی که دراختیارداشته و گرایش و هدفی که داشته است.درصورتیکه درزمان معاصرباید ازنوشتن تکراری و بیهوده این تفاسیرخودداری کرد و زیرنظرمجموعه ای ازاساتید ، تفسیرهمه جانبه نوشت.وحوزهای پژوهشی عظیمی به این امرمهم اختصاص یابد. امید است درآینده حوزه های علمی بزرگ و دانشگاههای بزرگ قرآنی درراستای آموزش و پژوهش های قرآنی بیش ازآن چیزی که امروزوجود دارد تاسیس شود.

۱۲- داشتن روش هدفمند و اصولی و رعایت آن درطول نگارش تفاسیرازنکات مهمی است که مفسرین باید رعایت کنند. زیرا مفسرین بزرگ قرآن بعضی ازموارد یک مفهوم را دریک جای قرآن به یک معنا گرفته اند و درجاهای دیگرقرآن از آن عدول کرده اند مثل آن است که یک جا در قرآن ما کلمه(صلوة) را به این شکل و درجاهای دیگرقرآن بصورت (صلاة) بنویسیم. اگرما توانستیم به معنای واقعی و مفهوم (روح) یا (امر) یا (امام) و ....درقرآن برسیم باید بااین ملاک واحد درکل قرآن به تحقیق بپردازیم.

۱۳-اگرخواستیم عظمت قرآن را درنظربگیریم باید اینطورتصورکرد که تمام عالم هستی دو بارتکرار شده است یکباربصورت عینی درعالم خارج و یکباربصورت مکتوب به صورت قرآن و اگرگفته عرفاء را به آن اضافه کنیم به این صورت استکه وجود انسان قرآنی (کامل) دو چهره دارد یکی به صورت عینی یعنی جهان خارج و دیگری بصورت مکتوب یعنی قرآن.

۱۴-قرآن کریم در آیه ی بیست و یکم

سوره ی حجر به سرچشمه و منبع موجودات و نزول معیّن آنها اشاره کرده، می فرماید:

(وَ إِن مِّن شَیْ ءٍ إِلَّا عِندَنَا خَزَآئِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ)

و هیچ چیزی نیست جز آن که منابعش نزد ماست؛ و [لی] جز به اندازه معیّن آن را فرو نمی فرستیم.

«خزائـن» در اصـل بـه معنـای حفـظ و نگه داری چیزی است و در اصـطلاح به معنـای محلی است که افراد، اموالشـان را در آن گردآوری و حفظ می کنند.

این مفهوم در مورد انسان ها صادق است که قـدرت محـدود دارند و نمی توانند در هر عصـری همه چیز را فراهم کنند، اما در مورد خدا تصور نمی شود.

پس خزاین الهی، یـا به معنـای «مقـدورات الهی» است؛ یعنی همه چیز در منبـع قـدرت الهی جمـع است و هر وقت بخواهـد هر مقـدار که لازم باشـد ایجاد می کنـد و یا به معنای مجموعه ی اموری است که در عالم هستی و جهانِ ماده وجود دارنـد؛ مثل عناصر و اسباب، که در این مجموعه همه چیز فراوان است، اما هر موجود خاص آن به صورت محدود ایجاد می شود.

قرآن خداونـد نیز ازهمین سـنخ است که متصل به دریای بی کرانه وجود خداونـد است و هروقت خداونـد بخواهد مقداری از معنای آن را برای ما ایجاد می کند . و چهره کامل آن درزمان حکومت حضرت ولی عصر(عج) ظهور می کند. انشاء الله.

۱۵- قرآن کریم در آیه ی چهـل و یکم سوره ی بقره بـا اشاره به رابطه ی قرآن با کتب آسـمانی پیشـین، چهار فرمان در مورد پاس داشت قرآن می دهد و می فرماید:

(وَآمِنُوْا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقاً لِمَا مَعَکُمْ وَلَا تَکُونُوا أَوَّلَ کَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِی ثَمَناً قَلِيلًا وَإِيَّایَ فَاتَّقُونِ)

و به آنچه فرو

فرستادم (/ قرآن) ایمان آورید، در حالی که مؤید چیزی است که با شماست. و نخستین انکار کننده آن نباشید؛ و بهای اندک را با آیات من مبادله نکنید؛ و تنها (از عذاب) من (خودتان) را حفظ کنید.

خداوند می فرماید قرآن را ارزان نفروشید قدروقیمت وعظمت آن را دریابید و برای رسیدن به آن بهای لازم را بپردازید. هرآیه قرآن مثل عروسی بلند مرتبه ای است که تا بهای آن پرداخته نشود رخ نمی نماید بعضی ازموارد این بهاء به قیمت جان و حقیقت انسان است . کسانیکه خادم قرآن هستند باید همیشه این را مد نظرداشته باشند.

عروس حضرت قرآن نقاب آن گه براندازدکه دارالملک ایمان را مجرد یابد از غوغا

(سنائی)

–

۱۶- دراین قسمت برای اینکه وظیفه ما نسبت به قرآن مشخص شود سخن رهبرعظیم الشان انقلاب اسلامی دردنیای معاصرحضرت امام خمینی(ره) را می آورم: (جلد بیستم صحیفه امام خمینی(ره)- صفحه ۹۱ تا ۹۳- پیام به مردم زائران بیت الله الحرام به مناسبت ایام حج "مهجوریت حج ابراهیمی "):

(از انس با قرآن کریم ، این صحیفه الهی و کتاب هدایت ، غفلت نورزند که مسلمانان هر چه دارند و خواهند داشت در طول تاریخ گذشته و آینده ازبرکات سرشار این کتاب مقدس است . و از همین فرصت از تمامی علمای اعلام و فرزندان قرآن و دانشمندان ارجمند تقاضا دارم که از کتاب مقدسی که تبیان کل شی ءاست و صادر از مقام جمع الهی به قلب نور اول و ظهور جمع الجمع تابیده است ، غفلت نفرمایند. این کتاب آسمانی – الهی که صورت عینی و کتبی جمع اسما و صفات و آیات وبینات است

و از مقامـات غیبی آن دست ما کوتاه است و جز وجود اقـدس جامع من خوطب به از اسـرار آن کسـی آگاه نیست و به برکت آن ذات مقـدس و به تعلیم او خلص اولیـای عظام دریافت آن نموده انـد و به برکت مجاهـدات و ریاضـتهای قلبیه ، خلص اهل معرفت به پرتوی از آن به قـدر اسـتعداد و مراتب سـیر بهره منـد شـده انـد و اکنون صورت کتبی آن ،که به لسان وحی بعـد از نزول از مراحـل و مراتب ، بی کم و کـاست و بـدون یـک حرف کم وزیـاد به دست مـا افتاده است ، خـدای نخواسـته مباد که مهجور شود و گر چه ابعـاد مختلفه آن و در هر بعـد مراحـل و مراتب آن از دسـترس بشـر عـادی دور است لکن به انـدازه علم ومعرفت و اسـتعدادهای اهـل معرفت و تحقیق در رشـته هـای مختلف ، به بیانها و زبانهای متفاوت نزدیک به فهم از این خزینه لایتناهای عرفان الهی و بحر مواج کشف محمـدی –صـلی الله علیه و آله و سـلم – بهره هایی بردارند و به دیگران بدهند و اهل فلسـفه و برهان بابررسـی رموزی که خاص این کتاب الهی است و با اشارات از آن مسائل عمیق گذشته ،براهین فلسفه الهی را کشف و حل کرده ، در دسترس اهلش قرار دهند. و وارستگان صاحب آداب قلبی و مراقبات باطنی رشحه و جرعه ای از آنچه قلب عوالم از "ادبنی ربی " دریافت فرموده ، برای تشنگان این کوثر به هدیه آورند و آنان را مودب به آداب الله تا حد میسور نمایند. و متقیان تشنه هدایت بارقه

ای از آنچه به نور تقوا از این سرچشمه جوشان هدی للمتقین هدایت یافته اند، برای عاشقان سوخته هدایت الله به ارمغان آورند. و بالاخره هر طایفه ای از علمای اعلام و دانشمندان معظم به بعدی از ابعاد الهی این کتاب مقدس دامن به کمر زده و قلم به دست گرفته و آرزوی عاشقان قرآن رابرآورند و در ابعاد سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی ، نظامی ، فرهنگی و جنگ و صلح قرآن وقت صرف فرمایند تا معلوم شود این کتاب سرچشمه همه چیز است ؛ از عرفان و فلسفه تاادب و سیاست ، تا بیخبران نگویند عرفان و فلسفه بافته ها و تخیلاتی بیش نیست وریاضت و سیر و سلوک کار درویشان قلندر است ، یا اسلام به سیاست و حکومت و اداره کشور چه کار دارد که این کار سلاطین و روسای جمهور و اهل دنیاست . یا اسلام دین صلح و سازش است و حتی از جنگ و جدال با ستمکاران بری است . و به سر قرآن آن آورند که کلیسای جاهل و سیاستمداران بازیگر به سر دین مسیح عظیم الشان آوردند.

هان ای حوزه های علمیه و دانشگاههای اهل تحقیق ! بپاخیزید و قرآن کریم را ازشرجاهلان متنسک و عالمان متهتک که از روی علم و عمد به قرآن و اسلام تاخته ومی تازند، نجات دهید. و اینجانب از روی جد، نه تعارف معمولی ، می گویم از عمر به بادرفته خود در راه اشتباه و جهالت تاسف دارم . و شما ای فرزندان برومند اسلام ! حوزه ها ودانشگاهها را از توجه به شئونات قرآن و ابعاد بسیار مختلف آن

بیـدار کنیـد. تـدریس قرآن در هر رشـته ای از آن را محط نظر و مقصـد اعلای خود قرار دهید. مبادا خدای ناخواسـته در آخر عمر که ضعف پیری بر شما هجوم کرد از کرده ها پشیمان و تاسف برایام جوانی بخورید همچون نویسنده .

باید بدانیم حکمت آنکه این کتاب جاوید ابدی که برای راهنمایی بشر به هر رنگ و ملیت و در هر قطب و قطر، تا قیام ساعت نـازل گردیـده اسـت ، آن است که مسائـل مهم حیـاتی را چه در معنویـات و چه در نظـام ملکی زنـده نگه دارد و بفهمانـد که مسائل این کتاب برای یک عصر و یک ناحیه نیست .)

۱۷- منطق شیوه ی تفکر صحیح را می آموزد حال اگر کسی بخواهد اندیشه ها و تفکرات خود را به دیگری منتقل کند. یعنی بخواهد از آنچه در ذهن خودش می گذرد دیگری را آگاه سازد ناچار از سـخن اسـتفاده می کند، یعنی الفاظ را برای افاده ی مقصود خود به کار می برد.

مردم عادی چنین می پندارنـد که انسان نخست می اندیشـند سـپس اندیشه های خود را در قالب الفاظ بر زبان می آورد. اما با کمی دقت نظر معلوم می شود که اساساً تفکر بـدون اسـتعمال الفـاظ امکان پـذیر نیست. حتی وقتی که آدمی لب را از سـخن فروبسـته و به انـدیشه فرورفته باشـد، بـاز در واقع بـا یک سلسـله الفاظ مخیّل به تفکر می پردازد و به قول حکما، گویی با خود «حدیث نفس» یا نجوا می کند، به همین جهت است که تفکر و تعقل را نطق باطن می نامند (در مقابل نطق ظاهر

که با الفاظ مسموع انجام می یابد) پرورش ذهنی و فکری آدمی و از قوه به فعل درآوردن استعدادهای معرفتی او جز به کار بردن لفظ امکان پذیر نیست. پس زبان اولاً توأم و همراه با اندیشه های درونی آدمی است. ثانیاً موجب انتقال دانش و فرهنگ و تمدن به دیگران است و آموزش و پرورش بدون استعانت از آن امکانپذیر نیست. همین نیاز مبرم آدمی به زبان موجب شده است که به وضع الفاظ بپردازد و در برابر هر معنایی لفظی را که نمایانگر آن معنی باشد قرار دهد.

چنانکه معلوم است هر لفظ مسموع صوتی است که در هوا پخش می شود و به سرعت محو می گردد. یعنی علامتی است فرار و ناپایدار که عمرآن لحظه ای بیش نیست و فقط هنگام رویارویی با دیگران بکار می رود. اما آدمی مایل است افکار و اندیشه ها و خواسته های خود را به مکانهای دور دست و به آیندگان و کسانی که با او رویاروی نیستند نیز برساند. به همین جهت به وضع الفاظ بسنده نکرده و یک سلسله علایم دیگر نیز وضع کرده که همان خط یا علایم مکتوب یا الفباست. علایمی به مراتب پایدارتر و ثابت تر از الفاظ، این علائم مکتوب را نشان و دال بر الفاظ قرار داده است.

بنابراین علایم مکتوب یا خط یا وجود کتبی دلالت بر حفظ، یعنی اصوات معین ، دارد. به عبارت مختصرتر وجود کتبی دال بر وجود لفظی است ، همانطور که وجود لفظی دال بر معنای ذهنی است و معنای ذهنی دال بر شیء خارجی.

وجود کتبی (علایم کتبی یا خطی) ← وجود لفظی

(علایم ملفوظ یعنی اصواتی که با اتکاء به مخارج حروف از دهان خارج می شود) – وجود ذهنی (معنی ذهنی یا صورت ذهنی) – وجود عینی (وجود خارجی یا شی خارجی)

به عبارت موجزتر شیء دارای چهار نحوه وجود است. وجود عینی و وجود ذهنی و وجود لفظی و وجود کتبی . از آنجا که نقش الفاظ در تفکرات آدمی تا این درجه است. منطق دانان در آغاز منطق مبحثی را نیز به الفاظ اختصاص می دهند و البته بحث آنها از الفاظ بحثی است بسیار کلی به نحوی که کم و بیش شامل همه زبانها می شود. بر خلاف بحث علمای دستورزبان که اختصاص بزبانی معین دارد.(علم منطق – رشته های نظری و علوم انسانی و معارف اسلامی)

براین اساس وجود لفظی و کتبی را اعتباری و وجود ذهنی و عینی را حقیقی می دانند.

اگربراین مبنا به قرآن رانگاه کنیم؛ فعالیتهای علمی و قرآنی ما ازچهارحالت خارج نیست:

الف-وجود لفظی قرآن که شامل روخوانی ؛ روان خوانی ؛ تندخوانی؛ صوت ولحن؛ علم تجوید ؛ انواع قرائات قرآنی؛ حفظ ظاهری قرآن؛و تمام فعالیتهائی که دراین حوزه لفظی قرآن می شود.

ب-وجود کتبی قرآن که شامل انواع رسم الخط ونوشتن قرآن ؛ چاپ قرآن؛ تمام کارهای هنری مربوط به قرآن.

ج-وجود ذهنی قرآن یعنی آنچه درذهن مردم مسلمان یا جامعه بشری یا مفسرومحقق قرآن وجود داردو بر روی آن تدبرو تفکرمی کند و آن را نشر وارائه می دهد.و شامل تمام تفاسیر و معارف و علوم قرآنی می شود.

د-وجود عینی قرآن که به دوصورت جلوه می کند یا بصورت فردی که دریک انسان قرآنی درخارج مصداق پیدا می کند و

حقیقی ترین آن امام معصوم است که واقعیت قرآن و مظهرعینی کامل قرآن درعالم خارج است و قرآن ناطق است و درزمان ما حضرت امام ولی عصر(عج) می باشد ویا بصورت جمعی تجلی و ظهورپیدا می کند که جامعه اسلامی و قرآنی و حکومت اسلامی مهدویت است که انشاء الله درآینده ما شاهد و عامل آن خواهیم بود.

به هرحال هرکس که عالم وخادم قرآن باشد بصورت حصرعقلی ازیکی ازاین چهارقسم خارج نیست ؛ و کسیکه درحوزه علم مفاهیم شناسی قرآن فعالیت و تحقیق و مطالعه می کند دربخش سوم (وجود ذهنی) جایگاه می یابد ووقتی درعرصه نشرمکتوب می پردازد درجایگاه دوم (وجود کتبی) فعال است.

اگربخواهیم توضیح مفصل دهیم که علم مفاهیم قرآن شناسی چیست ؟ باید کتابهای مستقلی تالیف گردد ؛ که امیدواریم این مهم درآینده نزدیک انجام گیرد.

۱۷-ما در اینجا براساس امکانات و ابزار و نرم افزارهای علمی بیش ازهزارتا از کلمات قرآن را مفهوم شناسی وبراساس حروف الفبا استخراج کرده ایم ؛ باشد که انشا ء الله در آینده این علم(مفهوم شناسی قرآنی) توسعه لازم را بنماید. از بین تفاسیرتفسیرراهنما را ملاک قرارداده ایم که نسبت به تمام تفسیرهای قرآن بعضی ازاستاندارهای لازم را دارد که می توانید ویژگیهای آن را درمقدمه آن تفسیرشایسته و مهم بخوانید. باید توجه داشت که بعضی ازکلمات مشترک لفظی و بعضی ازآنها مشترک معنوی می باشند ؛ وتعدادی ازکلمات نیز عربی وفارسی می باشد ؛ برای همین کسی که می خواهد مفهومی را بررسی کند لازم است یکدورفهرست کلمات را بررسی کند. . این مجموعه کتاب مفاهیم شناسی قرآن بیشتربرای محققین و پژوهشگران قرآنی و کسانیکه

می خواهند پایان نامه حوزوی و دانشگاهی تالیف کنند ویا علاقه به مباحث عمیق قرآنی هستند می باشد.

حوزه علمیه اصفهان

رسول ملکیان اصفهانی

خائنان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خائنان

{خائنان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۸

۸ منافقان ، خائنِ به جبهه اسلام و مؤمنان و خوش خدمت به کافرانند .

قالوا ألم نستحوذ علیکم و نمنعکم من المؤمنین

<استحوذ> به معنای غلبه و استیلا است و مراد از جمله <و ان کان للکافرین . .. الم نستحوذ> با توجه به سیاق آیه این است که منافقان پس از پیروزی کافران به آنان می گویند: در هنگامه جنگ ما بر شما استیلا داشتیم ولی شما را نکشتیم، بر این اساس جمله <نمنعکم من المؤمنین> به این معنا خواهد بود که بین شما و اهل ایمان حائل شدیم و نگذاشتیم آنان نیز به شما دسترسی پیدا کنند، تا پیروزی برای شما حاصل شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۸ - ۷

۷ پیمان شکنان و کسانی که در اندیشه شکستن پیمان های خویشند ، خائن و محروم از محبت خداوند هستند .

إن اللّه لایحب الخائنین

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <إن اللّه . .. > تعلیل برای <فانبذ إلیهم> باشد ; یعنی کسانی که در صدد پیمان شکنی هستند، خائنند و چون خداوند خائنان را دوست ندارد، تو ای پیامبر(ص) موظف هستی معاهده آنان را لغو کنی تا راه برای نبرد با آنان باز شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - ۷۱

۲ اسیران جنگ بدر از خیانتکاران به دین خدا تا پیش از آن نبرد

و إن یریدوا خیانتک فقد خانوا اللّه من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۱۰

۱۰ زنان اشراف مصر و متهم کنندگان یوسف (ع) به خیانت ، از زمره خائنان بودند .

أن الله لایهدی کید الخائنین

مصداق مورد نظر برای <الخائنین> زلیخا و زنان اشراف و نیز درباریانی می باشند که تصمیم به زندانی کردن یوسف(ع) گرفتند (ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأیات لیسجننه) آیه ۳۵.

آمرزش خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۰ - ۴

۴ خداوند آمرزنده گناه خیانتکاران و حامیان آنان ، در صورت استغفار و توبه

هأنتم هؤلاء . .. او یظلم نفسه ثم یستغفر اللّه یجداللّه غفوراً رحیماً

با توجه به آیات قبل می توان گفت از مصادیق مورد نظر برای <من یعمل سوءاً> خیانتکاران هستند و حامیان آنان از مصادیق <یظلم نفسه> می باشند.

اغواگری خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۳ - ۷

۷ رهبران الهی در معرض توطئه و دسیسه های اغوا کننده از سوی خائنان

و لا تجدل عن الذین یختانون أنفسهم . .. و لولا فضل اللّه علیک و رحمته

توطئه خائنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۱۳ – ۴،۶،۷

۴ دسیسه ها و صحنه سازی های خائنان ، خطری در جهت به انحراف کشیدن دستگاه قضایی

لتحکم بین الناس بما اریک اللّه

. .. لهمت طائفه منهم ان یضلوک

آیه شریفه در حقیقت توصیه ای است به قاضیان که همواره مراقب توطئه گران و دسیسه بازان باشند تا مبادا آنان را به انحراف و خلاف حق بکشانند; چنانچه نسبت به پیامبر(ص) در قصه طعمه بن ابی ابیرق چنین پنداری را داشتند.

۶ فضل و رحمت الهی ، مانع تأثیر دسیسه و زمینه سازی های خائنان در قضاوت پیامبر (ص)

لتحکم بین الناس . .. و لولا فضل اللّه علیک و رحمته لهمت طائفه منهم

۷ رهبران الهی در معرض توطئه و دسیسه های اغوا کننده از سوی خائنان

و لا تجدل عن الذین یختانون أنفسهم . .. و لولا فضل اللّه علیک و رحمته

حفظ منافع خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۵ - ۱۹

۱۹ قضاوت و داوری های به دور از معیار های تبیین شده در قرآن و سنت ، تحکیم بخش اغراض و منافع خیانتکاران

إنّا انزلنا إلیک الکتب بالحق . .. بما اریک اللّه و لاتکن للخائنین خصیماً

حمایت از خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۵ - ۱۶،۱۷،۱۸

۱۶ قاضی و دستگاه قضایی نباید در مسیر حمایت از خائنان قرار گیرد .

و لاتکن للخائنین خصیماً

<خصیم> به کسی گفته می شود که از ادعایی طرفداری می کند، و مراد از <خائنین>، به قرینه <لتحکم بین الناس>، کسانی هستند که در محضر قاضی مدعی امر باطل هستند و حق با طرف مقابل آنهاست.

۱۷ پشتیبانی و حمایت از خائنان ، حرام است .

و لاتکن للخائنین خصیماً

بنابر اینکه مراد

از <خائنین> مطلق کسانی باشند که مرتکب خیانت شده اند، نه خصوص کسانی که در محاکم قضایی حاضر می شوند و مدعی امری باطل هستند.

۱۸ حمایت از خائنان ، انحراف از حق است .

إنّا انزلنا إلیک الکتب بالحق لتحکم . .. و لاتکن للخائنین خصیماً

جمله <و لا تکن . ..> بیان مصداقی از <بالحق> است. یعنی از مسائل حقی که خواست قرآن است، پرهیز کردن از حمایت خائنان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۷ - ۱،۲،۱۳

۱ هشدار خداوند به پیامبر (ص) در مورد دفاع از خائنان

لاتجدل عن الذین یختانون انفسهم

<جدال> هنگامی که به حرف <عن> متعدی شود، به معنای دفاع و طرفداری است.

۲ حرمت دفاع از خائن

و لاتجدل عن الذین یختانون انفسهم

۱۳ دفاع از خائنین ، خیانت و گناهی بزرگ است .

و لاتجدل عن الذین یختانون انفسهم إنّ اللّه لایحب من کان خواناً اثیماً

مراد از <خواناً اثیماً> می تواند قاضیانی باشد که از خیانتکاران دفاع می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۹ - ۱،۲،۳،۴

۱ دفاع از خائن ، عملی نکوهیده و مورد توبیخ خداوند

هأنتم هؤلاء جدلتم عنهم فی الحیوه الدنیا

کلمه <هولاء>، اشاره به خیانتکاران است.

۲ در روز قیامت ، هیچکس توان دفاع از خائن را در برابر خداوند ندارد .

هأنتم هؤلاء جدلتم . .. فمن یجدل اللّه عنهم یوم القیمه

۳ تلاش برخی مسلمانان در صدر اسلام ، برای دفاع از خیانتکاران در پیشگاه پیامبر (ص)

هأنتم هؤلاء جدلتم عنهم

با توجه به شأن نزول که

در مورد ابن ابیرق و دیگران وارده شده است.

۴ تبرئه خیانتکاران در دنیا ، مانع گرفتاری آنان به عذاب اخروی نخواهد شد .

هأنتم هؤلاء جدلتم عنهم فی الحیوه الدنیا فمن یجدل اللّه عنهم یوم القیمه

خائنان اهل کتاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۷۵ – ۶

۶ برخی از اهل کتاب ، تنها با اعمال زور و قدرت تن به بازگردانی امانت خواهند داد .

الاّ مادُمت علیه قائماً

جمله <مادمت . .. >، کنایه از مطلب فوق است.

خائنان به اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۴ – ۹

۹ توبیخ منافقان ، به خاطر حرکت های خیانت آمیز علیه اسلام و پیامبر (ص) با وجود برخورداری از تفضلات خدا و رسولش

و ما نقموا إلا أن أغنیهم اللّه و رسوله من فضله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۳۲ – ۵

۵- مخالفت اهل کتاب با اسلام و پیامبر (ص) ، مخالفتی خائنانه و نه از روی جهل و بی خبری *

إنّ الذین کفروا و . .. من بعد ما تبیّن لهم الهدی

می توان گفت: مراد از <الذین کفروا. ..> به قرینه <تبیّن لهم الهدی> اهل کتاب است.

خائنان به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۹

۹ توبیخ منافقان ، به خاطر حرکت های خیانت آمیز علیه اسلام و پیامبر (ص) با وجود برخورداری از تفضلات خدا و رسولش

و ما نقموا

إلا أن أغنيهم اللّه و رسوله من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۵

۵- مخالفت اهل كتاب با اسلام و پيامبر (ص) ، مخالفتى خائنانه و نه از روى جهل و بى خبرى *

إنّ الذين كفروا و . .. من بعد ما تبيّن لهم الهدى

مى توان گفت: مراد از <الذين كفروا. ..> به قرينه <تبيّن لهم الهدى> اهل كتاب است.

خائنان به يوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۱۰

۱۰ زنان اشراف مصر و متهم كنندگان يوسف (ع) به خيانت ، از زمره خائنان بودند .

أن الله لايهدى كيد الخائنين

مصداق مورد نظر براى <الخائنين> زليخا و زنان اشراف و نيز درباريانى مى باشند كه تصميم به زندانى كردن يوسف(ع) گرفتند (ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأيات ليسجننه) آيه ۳۵.

خائنان در جهنّم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۲ - ۱۲

۱۲ دوزخ ، جايگاه شوم ترك كنندگان جهاد ، خيانتكاران و آنانكه پيامبر (ص) را متّهم به خيانتكارى مى كنند .

انّ الّذين تولّوا منكم . .. و ما كان لنبىّ ان يغلّ ... كمن بآء بسخط من اللّه و م

خائنان در قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۶،۷،۸،۱۱،۱۶

۶ روز رستاخیز ، عرصه حشر خیانتکاران به همراه آنچه (اموال و . . .) در آن خیانت کرده اند .

و من یغلل

یأت بما غلّ یوم القیمه

در برداشت فوق، <باء> در <بما غلّ>، باء مصاحبت گرفته شده است.

۷ تجسم رفتار ناپسند خیانتکاران در روز رستاخیز

و من یغلل یأت بما غلّ یوم القیمه

برخی برآننـد که مراد از <مـا غـلّ>، آن مـالی که در دنیـا مورد خیـانت واقع شـده، نیست ; بلکه گنـاه خیـانتکاری در قیامت تجسّم می یابد و خیانتکار همراه آن گناهِ مجسّم در صحنه قیامت حاضر می شود.

۸ رسوایی و مجازات خیانتکاران در قیامت

و من یغلل یأت بما غلّ یوم القیمه ثمّ توفّی کلّ نفس ما کسبت

۱۱ خیانتکاران ، دریافت کنندگان کامل (بدون کم و زیاد) جزای رفتار ناپسند خویش ، در روز رستاخیز

و من یغلل . .. ثمّ توفّی کلّ نفس ما کسبت و هم لایظلمون

۱۶ به مجازات رسیدن خیانتکاران در اموال امام در قیامت

و من یغلل یأت بما غلّ

امام صادق (ع): الغلول کلّ شیء غلّ عن الامام.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۵، ح ۱۴۸ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۴، ح ۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۹ - ۲،۵،۶

۲ در روز قیامت ، هیچکس توان دفاع از خائن را در برابر خداوند ندارد .

هأنتم هؤلاء جدلتم . .. فمن یجدل اللّه عنهم یوم القیمه

۵ دادخواهی خداوند از خیانت پیشگان در قیامت

فمن یجدل اللّه عنهم یوم القیمه

۶ در قیامت ، مانعی در برابر اجرای حکم الهی در مورد خائنان نخواهد بود .

فمن یجدل اللّه عنهم یوم القیمه ام من یکون علیهم وکیلا

خائنان گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء

- ۴ - ۱۰۸ - ۱

۱ خیانت پیشگان گنهکار ، علی رغم شرم از مردم ، از خدا شرم و پروایی ندارند .

یستخفون من الناس و لایستخفون من اللّه

چون <استخفاء> (پنهان سازی) از خداوند مقدور نیست تا نهی و یا مذمتی به فعل و یا ترک آن تعلق گیرد; بنابراین <استخفاء> می تواند کنایه از <استحیاء> (شرم کردن) باشد.

خائنان مکّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۷ - ۵

۵ خطر بهره برداری خیانتکاران نیرنگ باز از دستگاه قضایی در جهت خواسته های خویش

لتحکم بین الناس . .. و لاتجدل عن الذین یختانون انفسهم

خائنان و قاضی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۷ - ۵

۵ خطر بهره برداری خیانتکاران نیرنگ باز از دستگاه قضایی در جهت خواسته های خویش

لتحکم بین الناس . .. و لاتجدل عن الذین یختانون انفسهم

خائنان و محمّد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۳ - ۳،۶،۸

۳ تلاش گروهی از خائنان برای به اشتباه انداختن پیامبر (ص) ، در قضاوت

هانتم هؤلاء جدلتم عنهم فی الحیوه الدنیا . .. لهمت طائفه منهم ان یضلوک

اگر چه ظاهر جمله شرطیه <لولا. .. لهمت>، نفی تلاش است، ولی مراد از آن نفی تأثیر تلاش می باشد. یعنی تلاش آنان برای لغزاندن پیامبر(ص)، هیچگونه اثری نداشت و گویا اصلا تلاشی در این جهت نکردند، این معنا با آیات قبل تأیید می شود.

۶ فضل و رحمت الهی ، مانع تأثیر دسیسه و زمینه سازی

های خائنان در قضاوت پیامبر (ص)

لتحکم بین الناس . .. و لولا فضل اللّه علیک و رحمته لهمت طائفه منهم

۸ کسانی که در صدد گمراه ساختن و به اشتباه انداختن پیامبر (ص) بودند ، تنها خود را به گمراهی و اشتباه افکندند .

لهمت طائفه منهم ان یضلوک و ما یضلون الا أنفسهم و ما یضرونک من شیء

خدا و مکر خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۹

۹ خداوند نخواهد گذاشت مکر و حیله خیانتکاران به فرجام رسد و به ثمر نشیند .

و أن الله لایهدی کید الخائنین

ذلت خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۱ - ۸،۱۰

۸ ذلت و ناکامی ، فرجام خائنان به خدا

فقد خانوا اللّه من قبل فأمکن منهم

۱۰ علم و حکمت گسترده الهی ، پشتوانه وعده الهی به ناکامی خائنان به پیامبر (ص) و دین الهی

فقد خانوا اللّه من قبل فأمکن منهم و اللّه علیم حکیم

شکست خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۱ - ۱۰

۱۰ علم و حکمت گسترده الهی ، پشتوانه وعده الهی به ناکامی خائنان به پیامبر (ص) و دین الهی

فقد خانوا اللّه من قبل فأمكن منهم و اللّه عليم حكيم

شكست مكر خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۹،۱۲

۹ خداوند نخواهد گذاشت مكر و حيله خيانتكاران به فرجام رسد و به ثمر نشيند .

و أن الله

لایهدی کید الخائنین

۱۲ یوسف (ع) بـا تقاضـای دادرسـی درصـدد بود به پادشـاه مصـر ثـابت کنـد که خیانتکـاران هرگز به پیروزی نمی رسـند و مکرشان فرجامی ندارد .

ذلک لیعلم . .. أن الله لایهدی کید الخائنین

چنان چه گـذشت عبارت <أن الله لایهدی . ..> عطف بر <أنی ...> است ; یعنی: <ذلک لیعلم أن الله ...>. این بدان خاطر بود که عزیز و یا پادشاه بداند که خداوند مکر خیانتکاران را به ثمر نمی نشاند.

صحنه سازی خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۳ - ۴

۴ دسیسه ها و صحنه سازی های خائنان ، خطری در جهت به انحراف کشیدن دستگاه قضایی

لتحکم بین الناس بما اریک اللّه . .. لهمت طائفه منهم ان یضلوک

آیه شریفه در حقیقت توصیه ای است به قاضیان که همواره مراقب توطئه گران و دسیسه بازان باشند تا مبادا آنان را به انحراف و خلاف حق بکشانند; چنانچه نسبت به پیامبر(ص) در قصه طعمه بن ابی ابیرق چنین پنداری را داشتند.

عذاب اخروی خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۹ - ۴

۴ تبرئه خیانتکاران در دنیا ، مانع گرفتاری آنان به عذاب اخروی نخواهد شد .

هأنتم هؤلاء جدلتم عنهم فی الحیوه الدنیا فمن یجدل اللّه عنهم یوم القیمه

عذاب خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۷ - ۱۱

۱۱- لحظه مرگ ، لحظه آغاز عذاب منافقان و خیانتکاران به اسلام

فکیف إذا توفّتهم الملئکه یضربون وجوههم و أدبرهم

عقیده خائنان

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۸ - ۲

۲ خیانت پیشگان گنهکار ، ناباور به نظارت و آگاهی خداوند بر اعمال انسانها

یستخفون من الناس و لایستخفون من اللّه

پنهان سازی از خداوند نامعقول است. بنابراین جمله < و لایستخفون من اللّه> می تواند اشاره به این معنا باشد که گناهکاران، در حقیقت خداوند را ناظر و آگاه به اعمال نمی دانند تا در صدد پنهان سازی اعمال ناروای خویش از او باشند.

فرجام خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۱ - ۸

۸ ذلت و ناکامی ، فرجام خائنان به خدا

فقد خانوا اللّه من قبل فأمکن منهم

کفران خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۸ - ۶

۶ - خیانت کاران ناسپاس ، محروم از حمایت و محبت خداوندانند .

إنّ اللّه لایحبّ کلّ خوّان کفور

کیفر خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۸

۸ رسوایی و مجازات خیانتکاران در قیامت

و من یغلل یأت بما غلّ یوم القیمه ثمّ توفّی کلّ نفس ما کسبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۹ - ۶

۶ در قیامت ، مانعی در برابر اجرای حکم الهی در مورد خائنان نخواهد بود .

فمن یجدل اللّه عنهم یوم القیمه ام من یکون علیهم وکیلا

مبغوضیّت خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۷ - ۷

۷ خداوند ، خیانتکاران گناهکار را

دوست ندارد .

إنّ اللّه لايحب من كان خواناً اثيماً

محرومیت خائنان

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۳۸ – ۶

۶ – خيانت كاران ناسپاس ، محروم از حمايت و محبت خداوندانند .

إنّ اللّه لايحبّ كلّ خوّان كفور

محمد(ص) و خائنان

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۴ – نساء – ۴ – ۱۰۷ – ۱

۱ هشدار خداوند به پيامبر (ص) در مورد دفاع از خائنان

لاتجدل عن الذين يختانون انفسهم

<جدال> هنگامى كه به حرف <عن> متعدى شود، به معناى دفاع و طرفدارى است.

مرگ خائنان

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۷ – ۱۱

۱۱– لحظه مرگ ، لحظه آغاز عذاب منافقان و خيانتكاران به اسلام

فكيف إذا توفّتهم الملئكه يضربون وجوههم و أدبرهم

مؤاخذه خائنان

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۴ – نساء – ۴ – ۱۰۹ – ۵

۵ دادخواهی خداوند از خیانت پیشگان در قیامت

فمن یجدل اللّه عنهم یوم القیمه

هشدار به خائنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۸ – ۱۷

۱۷ هشدار خداوند به خیانتکاران در امانت و ستمگران در قضاوت

انّ اللّه . .. انّ اللّه کان سمیعاً بصیراً

خادم از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خادم

استیذان خادم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵۸ – ۸

۸ – آگاه نشدن خدمت کاران از وضعیت متناسب با خواب و استراحت (برهنگی و خلوت) صاحبان خود در اتاق هایشان ، فلسفه و حکمت تشریع حکم اذن گرفتن آنان برای

دیدار با صاحبان خویش

لیستئذنکم الذین ملکت أیمنکم . .. من قبل صلوه الفجر ... و من بعد صلوه العشاء ثلث

اهتمام به تلاش خادم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۲ - ۸

۸- همراه شدن با خدمت کاران در تناول غذا و مدِّ نظر داشتن تلاش و خستگی آنان ، لازم است .

قال لفتیه ءاتنا غداءنا لقد لقینا من سفرنا هذا نصبًا

تأمین نیازهای خادم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۲ - ۶

۶ - مؤمنان ، وظیفه دار بر آوردن نیاز های اولیه و طبیعی بردگان و خدمت گذاران خویش

و أنکحوا . .. و الصلحین من عبادکم و إمائکم

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که از مورد آیه، الغای خصوصیت شود؛ چرا که ازدواج از مصادیق نیازهای اساسی و طبیعی انسان است و به نظر می رسد که نیاز به ازدواج، خصوصیتی ندارد و شامل هر نوع نیازی می شود.

خادم موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۰ - ۲

۲- موسی (ع) در جُستار تحقیقیِ خویش برای یافتن خضر ، با خدمت کار خود (یوشع (ع)) همراه بود .

و إذ قال موسی لفتیه لاأبرح

<فتی> به معنای جوان است. در تعبیرات قرآن، از غلام و خدمت کار نیز با این تعبیر یاد شده است. لازم به ذکر است که بنابر برخی از روایات مأثور، همراه و همسفر موسی(ع)، <یوشع بن نون> وصی آن حضرت بوده است.

آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۶۲ – ۷

۷- موسی (ع) و جوان خدمت کارِ همراه او ، در کنار هم و از یک نوع غذا می خوردند .

ءاتنا غداءنا لقد لقینا من سفرنا هذا نصبًا

ضمایر جمع در تمام آیه، گویای همراهی و همدلی دو همسفر، حتی در تناول غذا است؛ زیرا، در غیر این صورت، باید برخی ضمایر را به صورت مفرد ذکر می کرد و مثلاًمی گفت <آتنی غدائی>.

روش برخورد با خادم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵۸ – ۷

۷ – زنـان و مردان مؤمن ، حق ندارنـد با وضـعیت و پوشـش متناسب با خواب و خلوت ، در انظار خـدمت کاران خویش ظاهر شوند .

لیستئذنکم الذین ملکت أیمنکم . .. من قبل صلوه الفجر ... و من بعد صلوه العشاء ثلث

روش برخورد خادم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۶۲ – ۸

۸- همراه شدن با خدمت کاران در تناول غذا و مدِّ نظر داشتن تلاش و خستگی آنان ، لازم است .

قال لفتیه ءاتنا غداءنا لقد لقینا من سفرنا هذا نصبًا

سختی استیذان خادم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵۸ – ۱۵

۱۵ – ضـرورت معاشـرت تنگاتنـگ خـدمت کـاران بـا صاحبان خود و مشـقت اجازه خواسـتن ، فلسـفه و دلیل لازم نبودن اذن

خواستن برای رفت و آمد نزدیك آنان در غیر از سه وقت مقرر

لیستئذنکم . .. ثلث عورت لکم لیس علیکم و لا علیهم جناح بعدهنّ طوّفون علیکم بعضکم

محرمیت خادم ساده لوح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۱ – ۲۴

۲۴ – پوشاندن زینت و مواضع آنها (بدن) از خدمت کارانی که ساده لوح اند و از بصیرت و عقل کامل برخوردار نیستند ، بر زنان مؤمن واجب نیست .

و لایبدین زینتهنّ إلاّ. .. أو التبعین غیر أُوْلی الإربه

یکی از معانی و موارد کاربرد واژه <إربه> بصیرت در امور و عقل است (لسان العرب و قاموس المحیط). بنابراین <غیر أُوْلی الإربه>; یعنی، کسانی که ساده لوح اند و از عقل و بصیرت کافی، از جمله در امور جنسی، برخوردار نیستند و از چنین اموری کاملاً بی خبراند.

مسؤولیت خادم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵۸ – ۱۰

۱۰ – رفت و آمد خدمت کاران به اتاق صاحبان خود ، در غیر از سه وقت پیش از طلوع فجر ، استراحت نیمروزی و هنگام خواب شب ، بدون اذن جایز است .

لیستئذنکم الذین ملکت أیمنکم . .. من قبل صلوه الفجر ... لیس علیکم و لا علیهم جنا

نعمت خادم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۰ – ۱۵

۱۵ داشتن همسر ، خادم و مسکن ، از نعمت های خداوند بر بنی اسرائیل

و جعلکم ملوکاً

از رسوا خدا(ص) در توضیح < جعلکم ملوکاَ> در آیه فوق روایت شده: زوجه و مسکن و خادم. حدیث فوق در صدد بیان معنای تنزیلی برای <ملك> می باشد، چنانکه در عرف عامه نیز مرسوم است که می گویند هر کس همسر، خادم

و مسکن داشته باشد، پادشاه است.

الدر المنثور، ج ۳، ص ۴۷، سطر ۵.

خاشاک از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خاشاک

تبدیل به خاشاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۵ - ۳

۳ - سیر صعودی و نزولی گیاهان و روییدن و تبدیل شدن آنها به خاشاک ، نمونه ای از نظم تقدیر شده آفریده های خداوند است .

الذی قدّر . .. أخرج المرعی . فجعله غثاء أحوی

تبدیل به خاشاک تیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۵ - ۱

۱ - تبدیل گیاهان سبز و خرّم ، در زمانی کوتاه به خس و خاشاک تیره و سیاه فام ، کار خداوند است .

فجعله غثاء أحوی

<غثاء> به گیاهان خشکی گفته می شود که روی سیلاب ها، قرار گرفته و جابه جا می شوند و <أحوی> به معنای سیاه پر رنگ است. (مفردات راغب)

تبدیل کافران به خاشاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۱ - ۵

۵ – تبدیل شدن کافران حق ستیز به موجوداتی بی جان همچون خس و خاشاک در پی نزول عذاب

فجعلنهم غثاءً

<جعل> (مصدر <جعلنا>) در جمله بالا، به معنای گردانیدن و تغییر دادن از صورتی یا حالتی، به صورت یا حالت دیگر است. <غثاء> نیز به خس و خاشاک روی آب گفته می شود.

تشبیه به خاشاک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فیل – ۱۰۵ – ۵ – ۳

۳ – بارش سنگ$ های پرندگان بر اصحاب فیل ، آنان را مانند کاه و خاشاک مرغزاری ساخت که حیوانات

در آن چرانده شده و ساقه های نرم شده گیاهان آن ، بر زمین مانده باشد .

فجعلهم کعصف مأکول

<عصف>; یعنی، خاشاک گیاهی که خرد شـده است (مفردات). توصـیف آن به مأکول، به اعتبار خورده شـدن مقـداری از آن، در چرای حیوانات است.

خاشعان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خاشعان

{خاشعان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۶ - ۳

۳ - کسانی که < بازگشت به خدا > را قبول دارند ، مردمی فروتن و منزه از خود بزرگ بینی هستند .

إلا علی الخشعین. الذین یظنون ... أنّهم إلیه رجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۷

۱۷- زکریا (ع) و همسر و فرزند او (یحیی) ، از خاشعان درگاه الهی بودند .

و کانوا لنا خشعین

ایمان خاشعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۵ - ۹

۹ - باور به آسان شدن مشکلات در پرتو نماز ، حقیقتی که تنها خاشعان بدان ایمان دارند .

و استعینوا بالصبر و الصلوه و إنها لکبیره إلا علی الخشعین

دشواری استعانت از نماز - که مقتضای برگشت ضمیر <إنها> به <استعانت> است - به معنای ناباوری به کارساز بودن نماز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۶ - ۶

۶ - خاشعان ، خویشتن را در محضر خداوند و در حال بازگشت به او می بینند .

الذین یظنون أنهم ملقوا ربهم و أنهم إلیه رجعون

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که: زمان <ملاقوا ربهم> و نیز زمان <إلیه

راجعون> را زمان حال بدانیم نه زمان مستقبل

ویژگیهای خاشعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۵ - ۶،۸،۹

۶ - برپایی نماز کاری سنگین و دشوار مگر برای خاشعان و فروتنان

و إنها لکبیره إلا علی الخشعین

ضمیر در <إنها> می تواند به <الصلاه> برگردد و نیز می تواند به <استعانت> - که از <استعینوا> فهمیده می شود - ارجاع شود. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است. گفتنی است که دشوار بودن نماز به معنای دشوار بودن برپایی آن است.

۸ - استعانت از صبر و نماز برای موفقیت و پیروزی ، امری دشوار جز برای خاشعان

و استعینوا بالصبر و الصلوه و إنها لکبیره إلا علی الخشعین

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر در <إنها> به <استعانت> بر گردد.

۹ - باور به آسان شدن مشکلات در پرتو نماز ، حقیقتی که تنها خاشعان بدان ایمان دارند .

و استعینوا بالصبر و الصلوه و إنها لکبیره إلا علی الخشعین

دشواری استعانت از نماز - که مقتضای برگشت ضمیر <إنها> به <استعانت> است - به معنای ناباوری به کارساز بودن نماز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۶ - ۶

۶ - خاشعان ، خویشتن را در محضر خداوند و در حال بازگشت به او می بینند .

الذین یظنون أنهم ملقوا ربهم و أنهم إلیه رجعون

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که: زمان <ملاقوا ربهم> و نیز زمان <إلیه راجعون> را زمان حال بدانیم نه زمان مستقبل

خشوع

آثار خشوع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳

۷ رابطه اطاعت خاضعانه با پیراسته گشتن نفس از ناخالصی ها *

اصطفیک . .. یا مریم اقنتی

خداوند سه نعمت را به مریم ارزانی داشت: گزینش (اصطفیک)، تطهیر (طهّرک) و سرآمد بودن (اصطفیک علی نساء العالمین). و در برابر این سه نعمت، سه مسؤولیت از وی خواست: قنوت، سجود، رکوع. به نظر می رسد هر یک از آن سه نعمت به ترتیب، مقتضی هر یک از این سه مسؤولیت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۹

۱۹- نقش مؤثر پیشی گرفتن در کار های نیک و دعای همراه با رغبت و امید و خشوع به درگاه الهی ، در استجابت دعا

فاستجبنا له . .. إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت ... و کانوا لنا خشعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۱۸

۱۸ - شکیبایی و فروتنی ، زمینه آمرزش را فراهم می آورد .

و الصبرین . .. و الخشعین ... أعدّ اللّه لهم مغفره

آثار خشوع ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۴ - ۱۶

۱۶ تبرّی ابراهیم (ع) از < آزر > ، علی رغم داشتن خویشاوندی با وی ، تبلور خشوع عمیق او در برابر خدا

أنه عدو للّه تبرأ منه إن إبرهیم لأوّه حلیم

یکی از معانی که اهل لغت برای <أوّاه> برشمرده اند، خضوع و خشوع شدید است. یعنی ابراهیم (ع)، در برابر خدا بسیار خاضع و خاشع بود. برداشت فوق بدان احتمال است که جمله <إن إبراهیم لأوّاه>

برای بیان علت تبرّی حضرت ابراهیم (ع) از آزر باشد.

آثار خشوع انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۸

۱۸- پیشی گرفتن در کار های نیک ، دعای همراه با رغبت و بیم و نیز خشوع پیامبران (ع) ، عامل بهره مندی آنان از موهبت های الهی بود .

و لقد ءاتینا موسی و هرون . .. إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت ... و کانوا لنا خش

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: ۱ ضمیرهای جمع در جمله <إنّهم کانوا یسارعون. ..> به پیامبران بازگردد، چه این که آیات پیشین در مورد آنان بود. ۲ جمله <إنّهم کانوا یسارعون...> و جملات بعد، در مقام تعلیل باشد.

آثار خشوع در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰ - ۳

۳ خشوع در نماز ، اجتناب از لغو (گفتاربیهوده و کردار عبث) ، پرداخت زکات ، عفت و پاک دامنی ، امانت داری ، پایبندی به عهد و پیمان و اهمیت دادن به نماز و انجام به موقع آن ، تضمین کننده رستگاری اخروی و دستیابی مؤمنان به بهشت

قد أفلح المؤمنون . الذین هم ... أُولئک هم الورثون

آثار خشوع قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۱،۲

۱ - یاد خداوند و ذکر عظمت و کبریایی او ، تأثیرگذار در دل های نرم و خاشع

ألم یأن للذین ءامنوا أن تخشع قلوبهم لذکر اللّه

<خشوع> در مقابل <قساوت> (سختی و صلابت)، به معنای نرمی [قلب]

است.

۲ – تلاوت قرآن و شنیدن آیات آن ، اثربخش دل های نرم و خاشع

ألم یأن للذین ءامنوا أن تخشع قلوبهم . .. و ما نزل من الحقّ

مقصود از <ما نزل من الحقّ> قرآن کریم است.

اهمیت خشوع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۵۸ – ۷

۷ – اظهار خشوع و خضوع در برابر خدا – به هنگام تصرف بیت المقدس – از دستور های خداوند به بنی اسرائیل

و ادخلوا الباب سجداً

کلمه <سجداً> جمع ساجد و حال برای فاعل <ادخلوا> می باشد. از آن رو که سجده در حال ورود با معنای اصطلاحی آن (پیشانی بر خاک نهادن) سازگار نیست، می توان گفت: در اینجا معنای لغوی آن (خضوع و خشوع) اراده شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۷ – ۲۲

۲۲ ترس و خشیت ، تنها سزاوار مقام بلند و رفیع خداوند است .

اذا فریق منهم یخشون النّاس کخشیه اللّه او اشدّ خشیه

ترسِ آمیخته با تعظیم را <خشیه> می گویند. یعنی اگر عظمت کسی یا چیزی باعث ترس از او شود، می گویند از او خشیت دارد. و نکوهش خداوند از ترسیدن از غیر او دلالت می کند که تنها باید از او خشیت داشت.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۹۴ – ۸

۸ تضرع به درگاه خداوند و خشوع در برابر او امری لازم بر عهده بندگان

لعلهم یضرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۷

۷ -

بی ارزش بودن نماز بی خشوع ، در پیشگاه خداوند .

ألم یأن . .. أن تخشع قلوبهم لذکر اللّه

در صورتی که مراد از <ذکر اللّه> نماز باشد; نکوهش کسانی که نماز را بدون خشوع می خوانند، مفید برداشت یاد شده است.

اهمیت خشوع در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲ - ۳

۳ - رعایت خضوع و تذلل در نماز ، توصیه خدا به اهل ایمان

قد أفلح المؤمنون . الذین هم فی صلاتهم خشعون

خشوع اخروی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۲،۳

۲ - گردن فرازان ستمگر ، خاشع و سرافکنده در صحنه قیامت

و تریهم . .. خشعین من الذلّ

۳ - خشوع و فروتنی ظالمان در قیامت ، خشوعی ذلیلانه و از سر ترس و هراس

و تریهم . .. خشعین من الذلّ ینظرون من طرف خفیّ

خشوع اولیاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۲۰

۲۰- شتاب و پیشگامی در کار های خیر ، دعای همراه با رغبت و امید و خشوع به درگاه الهی ، از ارزش های والا و صفات برجسته مردان الهی

إنّهم كانوا يسرعون فی الخيرت و يدعوننا رغبًا و رهبًا و كانوا لنا خشعين

برداشت یاد شده به خاطر این است که آیه شریفه، در توصیف پیامبران الهی است و از میان ده ها صفات و ویژگی های ایشان، تنها به این سه صفت و ویژگی اشاره شده است.

خشوع برای حاکمان بر حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱۱

۱۱ لزوم احترام به حاکمان برحق و تواضع و خشوع در برابر آنان

و خرّوا له سجّدًا

خشوع در برابر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۹ - ۱،۲،۳

۱- خضوع و خشوع همیشگی عالمان حق پذیر در برابر قرآن

إن الذین أُوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم . .. یخرّون للأذقان یبکون

۲- قرآن ، حاوی آن چنان معارف عظیم که خضوع و خشوع تمامی عالمان اندیشمند را برمی انگیزاند .

إن الذین أُوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم . .. یخرّون للأذقان یبکون

۳- خضوع عالمان و آگاهان به معارف آسمانی در برابر قرآن ، همراه با سرشک دیدگان

إن الذین أُوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم . .. و یخرّون للأذقان یبکون و یزیده

خشوع در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۸

۱۸- پیشی گرفتن در کار های نیک ، دعای همراه با رغبت و بیم و نیز خشوع پیامبران (ع) ، عامل بهره مندی آنان از موهبت های الهی بود .

و لقد ءاتینا موسی و هرون . .. إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت ... و کانوا لنا خش

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: ۱ ضمیرهای جمع در جمله <إنّهم کانوا یسارعون. ..> به پیامبران بازگردد، چه این که آیات پیشین در مورد آنان بود. ۲ جمله <إنّهم کانوا یسارعون...> و جملات بعد، در مقام تعلیل باشد.

خشوع در ذکر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷

۲ خشوع در برابر خدا و هراس از مقام ربوبی او ، از آداب توجه به خدا و یاد کردن اوست .

و اذکر ربک فی نفسک تضرعا و خیفه

<تضرع> به معنای خشوع و اظهار کوچکی است و <خیفه> به معنای ترسیدن و هراس داشتن است. <تضرعا> و <خیفه> مصدر و در آیه شریفه به معنای اسم فاعل (متضرعا) و (خائفا) می باشند. یعنی: یاد کن پروردگارت را با حالت خشوع و هراس.

خشوع در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲ - ۲،۵

۲ - نماز مطلوب و مقبول خداوند ، نماز همراه با خشوع و فروتنی است .

الذین هم فی صلاتهم خشعون

۵ - داشتن خشوع و تذلل در نماز ، از ستوده ترین و ارجمندترین خصلت ها در پیشگاه خداوند

قد أفلح المؤمنون . الذین هم فی صلاتهم خشعون

در این آیات خداوند هفت صفت را برای مؤمنان برشمرده است که خشوع و فروتنی آنان در نماز یکی از آنها است و در این جا پیش از همه ذکر شده است. بنابراین، تقدیم آن بر سایر صفات، می تواند بیانگر پسندیده تر و ارجمندتر بودن آن در نزد خداوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۶،۷

۶ - نماز ، باید همراه با خشوع و تذلل باشد .

ألم یأن . ..أن تخشع قلوبهم لذکر اللّه

برخی از مفسران، <ذکر اللّه> را در آیه شریفه، کنایه از نماز دانسته اند. برداشت یاد شده براساس این احتمال است.

۷ – بی ارزش بودن نماز بی خشوع ، در

پیشگاه خداوند .

ألم یأن . .. أن تخشع قلوبهم لذکر اللّه

در صورتی که مراد از <ذکر اللّه> نماز باشد; نکوهش کسانی که نماز را بدون خشوع می خوانند، مفید برداشت یاد شده است.

خشوع زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۷

۱۷- زکریا (ع) و همسر و فرزند او (یحیی) ، از خاشعان درگاه الهی بودند .

و کانوا لنا خشعین

خشوع علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۹ - ۱،۲،۳

۱- خضوع و خشوع همیشگی عالمان حق پذیر در برابر قرآن

إن الذین أُوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم . .. یخرّون للأذقان یبکون

۲- قرآن ، حاوی آن چنان معارف عظیم که خضوع و خشوع تمامی عالمان اندیشمند را برمی انگیزاند .

إن الذین أُوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم . .. یخرّون للأذقان یبکون

۳- خضوع عالمان و آگاهان به معارف آسمانی در برابر قرآن ، همراه با سرشک دیدگان

إن الذین أُوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم . .. و یخرّون للأذقان یبکون و یزیده

خشوع مشمولان نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۸

۱۸- خضوع و خشوع و سجده و گریه به هنگام استماع آیات الهی ، نشانه برخورداری از نعمت ویژه خداوند است .

أُولئک الذین أنعم اللّه علیهم . .. إذا تتلی علیهم ءایت الرحمن خرّوا سجّدًا و ب

<إذا تتلی> خبر اول و یا خبر بعد از خبر برای <أُولئک> است؛ یعنی آنان این چنین هستند که هنگام استماع آیات

به سجده افتاده و گریه می کنند.

خشوع مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۳

۳ - دل مؤمن ، باید چنان نرم باشد که با یاد خدا و تلاوت قرآن کریم ، تأثیرپذیر و خاشع گردد .

ألم یأن للذین ءامنوا أن تخشع قلوبهم لذكر اللّه و ما نزل من الحقّ

خداوند، در آیه شریفه، مؤمنان بی تفاوت را نکوهش کرده و به آنان هشدار می دهد تا فرصت باقی است و گرفتار قساوت قلب نشده اند; دل های خود را با یاد او و تلاوت آیاتش خاشع و نرم گردانند.

خشوع همسر زكريا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۷

۱۷- زکریا (ع) و همسر و فرزند او (یحیی) ، از خاشعان درگاه الهی بودند .

و كانوا لنا خشعين

خشوع هنگام استماع آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۸

۱۸- خضوع و خشوع و سجده و گریه به هنگام استماع آیات الهی ، نشانه برخورداری از نعمت ویژه خداوند است .

أُولئك الذين أنعم اللّه عليهم . .. إذا تتلى عليهم ءايت الرحمن خرّوا سجّدًا و ب

<إذا تتلى> خبر اول و یا خبر بعد از خبر برای <أُولئك> است; یعنی آنان این چنین هستند که هنگام استماع آیات به سجده افتاده و گریه می کنند.

خشوع یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۷

۱۷- زکریا (ع) و همسر و فرزند

او (يحيى) ، از خاشعان درگاه الهى بودند .

و كانوا لنا خشعين

زمينه خشوع

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۴۶ - ۲،۵

۲ - كسانى كه به لقاى خدا باور دارند ، از خود بزرگ بينى رهيده و به خصلت نيكوى خشوع آراسته مى شوند .

إلا على الخشعين. الذين يظنون أنهم ملقوا ربهم

۵ - گمان به لقاى خدا و بازگشت به او ، در ايجاد روحيه خشوع و فروتنى كافى است .

الذين يظنون أنهم ملقوا ربهم و أنهم إليه رجعون

به كارگيرى <يظنون> (گمان دارند) در مسأله رجوع به خداوند - كه هر مسلمانى بايد اعتقاد جزمى به آن داشته باشد - اشاره به اين دارد كه: حتى گمان به قيامت و رجوع به خداوند نيز در زايل ساختن خود بزرگ بينى تأثير بسزايى داشته و مايه فروتنى خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۱ - ۱۸

۱۸ تأمين محل سكونت و اسباب معيشت پيش از امر به نيايش و استغفار ، روشى نيكو براى واداشتن مردم به خضوع و خشوع در برابر خداوند و طلب آمرزش از او

و إذ قيل لهم اسكنوا . .. ادخلوا الباب سجداً نغفر لكم خطيئتكم

بيان طبيعى داستان ورود بنى اسرائيل به بيت المقدس اقتضا مى كرد كه جمله <ادخلوا الباب سجداً> و جمله <قولوا حطه> پيش از جمله <اسكنوا . .. > و <كلوا ... > آورده شود. زيرا اول بايد تصرف شود و سپس سكونت انجام گيرد. اين تقديم و تأخير مى تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۲۳ – ۳

۳ توجه به ربوبیت خدا ، گرایش دهنده آدمی به خضوع و خشوع در برابر او

و أخبتوا إلی ربهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۲۱ – ۹

۹ – تفکر در آیات وحی ، زمینه ساز خشیت و خشوع انسان در برابر خداوند

لو أنزلنا هذا القرءان علی جبل لرأیته خشعًا متصدّعًا من خشیه اللّه . .. لعلّهم

عوامل خشوع برای یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۰۰ – ۱۴

۱۴ خداوند ، اعطا کننده مقام و منزلت به یوسف (ع) و وادار کننده بستگانش به خضوع و خشوع در برابر او

قد جعلها ربی حقًا

عوامل خشوع علما

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۹ – ۶

۶– تلاوت آیات قرآن ، فزاینده خشوع عالمان

إن الذین أُوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم . .. و یزیدهم خشوعًا

عوامل خشوع کوه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۲۱ – ۱،۲،۷

۱ – صخره های ستبر کوه ، خاشع و فروتن از بیم خدا ، در صورت نزول وحی و آیات قرآن بر آن

لو أنزلنا هذا القرءان علی جبل لرأیته خشعًا متصدّعًا من خشیه اللّه

۲ – از هم پاشیده شدن صخره های کوه از بیم خداوند ، در صورت نازل شدن وحی و آیات قرآن بر آن

لو أنزلنا هذا القرءان . .. و تلک الأمثل نضربها

<تصدّع> (مصدر <متصدّعاً>)

به معنای شکافته و از هم پاشیده شدن است.

۷ - فروتنی و < فروپاشی کوه ها در صورت نزول قرآن بر آنها > ، تمثیلی به منظور گرایش یافتن انسان ها به اندیشه درباره آیات وحی

لو أنزلنا هذا القرءان علی جبل . .. و تلک الأمثل نضربها للناس لعلّهم یتفکّرون

مراد از خشوع در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲ - ۶

۶ - < عن جعفر بن محمد (ص) إنّه قال فی قول اللّه عزّوجلّ : < الذین هم فی صلاتهم خاشعون > قال : الخشوع غضّ البصر فی الصلاه . . . ;

از امام صادق(ع) رایت شده است که در باره سخن خدای عزّوجلّ <الذین هم فی صلاتهم خاشعون> فرمود: مراد از خشوع، فرو نهادن چشم در نماز است>

موارد خشوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۶ - ۹

۹ ایمان به خدا و رسالت انبیا و رعایت تقوا ، اظهار تذلل به پیشگاه خداوند و خشوع در برابر اوست .

لعلهم یضرعون . .. و لو أن أهل القری ءامنوا و اتقوا

در آیه ۹۴ بیان شد که خداوند به منظور خضوع و خشوع مردم در برابر او، آنان را به سختیها گرفتار می سازد و در این آیه بیان می دارد که اگر همان جوامع ایمان می آروند و تقواپیشه بودند، نه تنها به سختیها گرفتار نمی شدند، بلکه برکتهای آسمان و زمین آنان را فرامی گرفت. با توجه به این دو معنا معلوم می شود ایمان و تقوا مصداق بارز

تضرع و خشوع در برابر خداوند است.

خاضعان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خاضعان

{خاضعان}

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۷ – ۴

۴- برخورداران از علم و آگاهی به معارف آسمانی ، دارای روحیه حق پذیری و خضوع در برابر آیات قرآن

إن الذین أُوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم یخرّون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۹ – ۶

۶- مقربان الهی (فرشتگان) ، از عبادت خداوند تکبر نمیورزند .

و من عنده لایستکبرون

مقصود از <من عنده> طبق نظر مفسران فرشتگان است.

خضوع

{خضوع}

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۹۱ – ۲۲

۲۲ خضوع و کرنش خردمندان برای خداوند ، در پی تفکّر در آفرینش و پی بردن به هدفداری آن

ربّنا ما خلقت هذا باطلاً سبحانک

اعتراف خردمندان به مالکیّت خداوند نسبت به آنان با کلمه <ربّنا> که به معنای مالک و مدبّر آمده، دلالت بر خشوع و

خضوع ایشان در برابر خداوند دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۲،۲۸

۲ خشوع و فروتنی گروهی از عالمان اهل کتاب در برابر خداوند

انّ من اهل الکتب لمن یؤمن . .. خاشعین للّه

۲۸ نجاشی (پادشاه حبشه) ، مؤمن به خدا ، قرآن و کتب آسمانی و خاضع در برابر خداوند

انّ من اهل الکتب لمن یؤمن باللّه

رسول خدا (ص) پس از مرگ نجاشی، به یاران خود فرمود: انّ اخاکم النّجاشی قد مات، قوموا فصلّوا علیه; فقال رجل یا رسول

اللّه کیف نصلی علیه و قد مات فی کفره؟ قال (ص) الا تسمعون قول اللّه <و انّ من اهل الکتاب . .. >

الدّرالمنثور، ج ۲، ص ۴۱۶.

آثار خضوع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۳۱ – ۲۰

۲۰ تبعیّت از پیامبر (ص) ، در نیکوکاری ، تقوا ، تواضع و خضوع ، موجب جلب محبّت خداوند

قل ان کنتم تحبّون اللّه فاتّبعونی یحببکم اللّه

رسول خدا (ص) درباره آیه فوق فرمود: علی البرّ و التقوی و التواضع و ذلّه النّفس.

الدرّ المنثور، ج ۲، ص ۱۷۸.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۴۳ – ۵

۵ خضوع در برابر خدا ، زمینه کسب فیض ربوبی او

اقنتی لربک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۹۹ – ۳،۸،۲۱

۳ خشوع و فروتنی گروهی از عالمان اهل کتاب ، زمینه ساز ایمان واقعی آنان به خدا و کتب آسمانی

انّ من اهل الکتب لمن یؤمن . .. خاشعین للّه

توصیف اهل کتاب به خشوع و فروتنی، می توانـد اشاره به علّت ایمان و اقرار آنان به حقانیّت قرآن و ایمان واقعی به تورات و

انجیل باشد.

۸ خشوع در برابر خداوند ، کمالی در ایمان

انّ من اهل الکتب لمن یؤمن . .. خاشعین للّه

۲۱ ایمان به خدا ، قرآن ، تورات ، انجیل ، فروتنی در برابر خدا و ارج نهادن به آیات الهی ، ملاک ارزش انسان نزد خداوند

لهم اجرهم عند ربّهم

اضافه تشریفیّه در <ربّهم> بیانگر آن است که دارندگان صفات

یاد شده، در پیشگاه خداوند دارای ارزشی والا هستند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۲۳ – ۱

۱ بهشت از آنِ مؤمنانی است که اعمال صالح انجام دهند و در برابر خدا خاضع و فروتن باشند .

إن الذین ءامنوا . .. أُولئک أصحب الجنه

إخبات (مصدر أخبتوا) به معنای خضوع و خشوع و نیز به معنای اطمینان است. برداشت فوق ، براساس معنای اول می باشد. گفتنی است که در این صورت <إلی> به معنای لام است; یعنی: <أخبتوا لربهم; در برابر خدا خاضع هستند>.

آثار خضوع سایه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۴۸ – ۱۲

۱۲– انقیاد و خضوع کامل سایه ها در برابر خداوند ، ارزشی والا به آنها بخشیده است .

من شیء یتفیّؤا ظلله . .. سجّدًا لله و هم دخرون

ضمیر <هم> برای ذوی العقول به کار می رود و استعمال آن درباره <ظلال> می تواند مشعر به نکته فوق باشد.

آثار خضوع قلب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳ – ۶

۶ اقامه نماز و انفاق در راه خدا ، تجلی خشیت قلب و فزونی ایمان و توکل بر خدا

وجلت قلوبهم . .. زادتهم إیمنا ... الذین یقیمون الصلوه و مما رزقنهم ینفقون

تکرار <الذین>، بدون حرف عطف، برای رساندن این معناست که اقامه نماز انفاق نمود خارجی و تجلی صفات برشمرده شده در آیه قبل است.

آثار ذکر خضوع موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۸ -

۱۰- توجه به انقیاد و تذلّل پدیده های مادی در برابر خداوند ، زمینه ساز تسلیم شدن انسان در برابر اوست .

أو لم یروا إلی ما خلق الله من شیء . .. سجّدًا لله و هم دخرون

دعوت به ژرف اندیشی درباره سجده و تذلّل موجودات مادی دربرابر خداوند، در واقع دعوت به عبرت آموزی از آنهاست.

ارزش خضوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۷ - ۶

۶ صبر ، صداقت ، خضوع ، انفاق و استغفارِ در سحرگاهان ، از ارزش های اخلاقی و معنوی مورد توجّه اسلام

الصابرین . .. و المستغفرین بالاسحار

برداشت فوق، از ذکر این صفات به عنوان ارزش برای بندگان برگزیده، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۵ - ۱۶

۱۶ ارزشمندی تواضع و فروتنی به هنگام انفاق و دستگیری از مستمندان

و یؤتون الزکوه و هم رکعون

بنابر اینکه رکوع به معنای لغوی خود (خضوع) باشد.

ارزش خضوع بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۵

۵ - اهمیت و ارزش ویژه سجده و اظهار خضوع و تذلل در برابر خداوند ، در مقایسه با دیگر اجزا و ارکان عبادت

أمّن هو قنت ءاناء الّیل ساجدًا و قائمًا

<سجده> در اصل به معنای خضوع و تذلل است. تقدم آن در آیه شریفه، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

اهمیت خضوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۷ - ۳

۳ اظهار خضوع و فروتنی در

پیشگاه خدا ، حکمت و فلسفه ساختن مساجد

ما کان للمشرکین أن یعمروا مسجد اللّه

نامگذاری اماکن عبادت به <مساجد> بیانگر برداشت فوق می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۸ - ۳

۳ اظهار خضوع و فروتنی در پیشگاه خدا ، فلسفه و حکمت ساختن مساجد

إنما یعمر مسجد اللّه

نامگذاری اماکن عبادت به <مساجد> بیانگر برداشت فوق است.

اهمیت خضوع بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۵

۵ - اهمیت و ارزش ویژه سجده و اظهار خضوع و تذلل در برابر خداوند ، در مقایسه با دیگر اجزا و ارکان عبادت

أمّن هو قنت ءاناء الّیل ساجدًا و قائمًا

<سجده> در اصل به معنای خضوع و تذلل است. تقدم آن در آیه شریفه، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

اهمیت خضوع برای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۱ - ۴

۴ - لزوم کرنش و سر فرود آوردن ، در برابر عظمت قرآن

و إذا قریء علیهم القرءان لایسجدون

اهمیت خضوع در عبادت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۲۱۹ – ۴

۴ – سجده و خضوع در برابر خداوند ، مهم ترین رکن نماز و روح عبادت

و تقلّبک فی السجدین

از اختصاص به ذکر یافتن موضوع سجده، در میان مجموعه ارکان نماز و مصادیق عبادت، برداشت یاد شده به دست می آید.

اهمیت خضوع در نماز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۹۸ – ۸

-۸

سجده و خضوع ، رکن اصلی و روح نماز و دارای جایگاه ویژه در میان سایر عبادات

فسبّح بحمد ربّک و کن من السجدین

مقصود از <سجده> می تواند نماز باشد و علت اینکه به جای نماز به سجده امر شده، می تواند گویای این حقیقت باشد که سجده رکن مهم و روح نماز است. گفتنی است دستور خداوند به سجده، پس از توصیه به تسبیح و حمد که هر دو نوعی عبادت به شمار می آیند نشان دهنده اهمیت و جایگاه ویژه آن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۲۱۹ – ۴

۴ – سجده و خضوع در برابر خداوند ، مهم ترین رکن نماز و روح عبادت

و تقلّبک فی السجدین

از اختصاص به ذکر یافتن موضوع سجده، در میان مجموعه ارکان نماز و مصادیق عبادت، برداشت یاد شده به دست می آید.

خضوع آثار موجودات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۵ – ۸

۸ موجودات هستی و آثار آنها همواره تسلیم خدا بوده و در برابر او خاضعند .

و لله یسجد من فی السموت و الأرض طوعًا و کرهًا و ظللهم

<ظلال> در آیه شریفه می تواند به عنوان نمونه ای از آثار و تبعات موجودات، مطرح باشد.

خضوع آفرینش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۵ – ۱

۱ همه کسانی که در آسمان ها و زمینند در برابر خداوند خاضعند و بر او سجده می کنند .

و لله یسجد من فی السموت و الأرض

آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۱۱ – ۶

۶ – خضوع و کرنش نظام تکوین و قوانین هستی ، در برابر اراده و فرمان خداوند

فقال لها . .. ائتیا ... قالتا أتینا طائعین

بنابر این که گفتوگوی یاد شـده در این آیه بیان حال و کنایه از تسـلیم محض شـدن آسـمان ها و زمین و قوانین حاکم بر عالم در برابر اراده خدا باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

خضوع اخروی انسان ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۱۱ – ۱،۶

۱ – نشانه های خضوع و تسلیم در برابر خداوند ، بر چهره تمامی انسان ها (در قیامت) نقش خواهد بست .

. .. و عنت الوجوه للحیّ القیّوم

<عناء> به معنای خاضع شـدن و مطیع گشـتن است (لسان العرب). <وجه> به معنای صورت است و از آن جهت که آثار خضـوع و ذلت، بیش از همه جـا در چهره آشـکار می گردد، این واژه اسـتفاده شـده است. <ال> در <الوجـوه> نیز محتمل است معنای اسـتغراق داشـته باشد و یا آن که عوض مضاف الیه بوده و مراد از آن <وجوه المجرمین> باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر اولین احتمال است.

۶ – ظهور حیـات حقیقی و فنـا ناپـذیر خداونـد و قیومیت او بر هستی در قیـامت ، مـایه خضوع و ذلت عمیق آدمیان در برابر او خواهد شد .

و عنت الوجوه للحیّ القیّوم

خضوع اخروی طغیانگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۱۱ – ۲

۲ – مجرمان و گردن فرازان ، با چهره هایی ذلت بار و

خاضع در برابر خداوند ، در صحنه قیامت حضور خواهند یافت .

و عنت الوجوه للحیّ القیّوم

از معانی <عناء> ذلیل گشتن است (مصباح). حرف <ال> در <الوجوه> جایگزین مضاف الیه است; یعنی، <وجوههم> و مراد چهره مجرمانی است که در آیات پیشین از آنان سخن گفته شده است. فعل <عنت> می رساند که فروتنی آنان نوظهور است و پیش از این در دنیا، در برابر خداوند خضوع نداشته اند.

خضوع اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۱ - ۲

۲ - مجرمان و گردن فرازان ، با چهره هایی ذلت بار و خاضع در برابر خداوند ، در صحنه قیامت حضور خواهند یافت .

و عنت الوجوه للحیّ القیّوم

از معانی <عناء> ذلیل گشتن است (مصباح). حرف <ال> در <الوجوه> جایگزین مضاف الیه است; یعنی، <وجوههم> و مراد چهره مجرمانی است که در آیات پیشین از آنان سخن گفته شده است. فعل <عنت> می رساند که فروتنی آنان نوظهور است و پیش از این در دنیا، در برابر خداوند خضوع نداشته اند.

خضوع اخروی موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۷ - ۹

۹ - ذلت و خضوع همه موجودات در برابر خداوند در روز رستاخیز

و کلّ أتوه دخرین

<دُخُور> به معنای ذلت و کوچکی است.

خضوع اولیاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۱۵ – ۸

۸ – مغرور نشدن مردان الهی به علم و کمالات خود و احتمال وجود کسانی برتراز ایشان در میان بندگان مؤمن خدا

و قالا الحمد للّه الذی فضّلنا

على كثير من عباده المؤمنين

خضوع بر آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۹

۱۹- گریه در حال سجده و خضوع در مقابل آیات الهی ، از آثار نعمت هدایت و برگزیدگی در پیشگاه خداوند است .

و ممّن هدينا واجتبينا إذا تتلى عليهم ءايت الرحمن خرّوا سجّدًا و بكيًّا

خضوع بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۷ - ۳

۳ - اظهار تذلل و خضوع در پیشگاه خداوند ، روح و حقیقت نماز

يأيّها الذين ءامنوا اركعوا و اسجدوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۶ - ۸

۸ - < عن محمدبن مسلم قال : سألت أباجعفر (ع) عن قوله اللّه عزّوجلّ < فما استكانوا لربّهم و ما يتضرّعون > فقال : الإستكانه هو الخضوع والتضرع هو رفع اليدين و التضرع بهما ;

محمد بن مسلم گوید: از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند عزّوجلّ <فما استکانوا لربّهم و ما یتفرعون> سؤال کردم؟ پس حضرت فرمود: مراد از <استکانه> خضوع و خشوع است و مراد از <تضرع>، بالا بردن دست ها و تضرع با آنها است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴ - ۴

۴ - قدرت خداوند بر به خضوع کشاندن سردمداران کفر در برابر خویش

إن نشأ . .. فظلّت أعنقهم لها خضعين

برخی بر آننـد همان گونه که به بزرگ قوم <رأس القوم> و <صدرالقوم> گفته می شود، <عنق القوم> نیز گفته می شود بنابراین <أعناقهم>; یعنی،

<سادتهم>. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۸۷ – ۹

۹ – ذلت و خضوع همه موجودات در برابر خداوند در روز رستاخیز

و كلّ أتوه دخرين

<دُخُور> به معنای ذلت و کوچکی است.

خضوع برای خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۷ – ۱۲

۱۲– با تمام وجود سر بر آستان خداوند ساییدن و حریصانه به سجده افتادن جمعی از علمای اهل کتاب به هنگام آشنایی با قرآن

إن الذين أُوتوا العلم من قبله . .. يخرّون للأذقان سجّدًا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <أُوتوا العلم من قبله> اهل کتاب باشد و تعبیر از سجده به <خرّ> که به معنای سقوط و به رو افتادن است می تواند اشاره به حقیقت یاد شده داشته باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۸ – ۳

۳– مطلوبیت تسبیح پروردگار همراه با خضوع و سجده برای او ، با مشاهده آیات بحقّ او

إذا يتلى عليهم يخرّون للأذقان سجّدًا . و يقولون سبحن ربّنا

خضوع برای قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۲۵ – ۴

۴ – مؤمنانِ نیکوکار ، با شنیدن آیات قرآن ، در برابر آن سر تسلیم فرود آورده ، خضوع می کنند .

فما لهم . .. و إذا قرىء عليهم القرءان لايسجدون ... إلّا الذين ءامنوا و عملوا الص

خضوع برگزیدگان خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

– ۱۰

مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۹

۱۹- گریه در حال سجده و خضوع در مقابل آیات الهی ، از آثار نعمت هدایت و برگزیدگی در پیشگاه خداوند است .

و ممّن هدینا واجتبینا إذا تتلی علیهم ءایت الرحمن خرّوا سجّدًا و بکیًّا

خضوع در اطاعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۱۳

۱۳ - اطاعت خاضعانه از خدا و صداقت ، سبب می شود که فرد ، مشمول آمرزش خداوند شوند .

و القنتین . .. و الصدقین ... أعدّ اللّه لهم مغفره

خضوع در برابر آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۴ - ۲

۲ - بشر هر اندازه که به جهان آفرینش بیشتر بنگرد ، بر شگفتی و فروتنی او در برابر عظمت آن افزوده خواهد شد .

ثمّ ارجع البصر کرّتین ینقلب إلیک البصر خاسئًا و هو حسیر

<خاسیء>به معنای دور شده از مراد و ناکام و <حسیر> به معنای خسته و درمانده است. مقصود آیه شریفه، بیان این حقیقت است که آدمی هرچند بسیار تلاش و فکر کند، به مراد خویش که پیدا کردن عیب و نقصی در نظام خلقت است نخواهد رسید; بلکه در برابر عظمت آن شگفت زده شده و سر تعظیم فرود خواهد آورد.

خضوع در برابر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۵ - ۱

۱ همه کسانی که در آسمان ها و زمینند در برابر خداوند خاضعند و بر او سجده می کنند .

و لله یسجد من فی السموت و الأرض

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۱ - ۶

۶ - ظهور حیات حقیقی و فنا ناپذیر خداوند و قیومیت او بر هستی در قیامت ، مایه خضوع و ذلت عمیق آدمیان در برابر او خواهد شد .

و عنت الوجوه للحیّ القیّوم

خضوع در برابر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۴،۱۳

۴- برخورداران از علم و آگاهی به معارف آسمانی ، دارای روحیه حق پذیری و خضوع در برابر آیات قرآن

إن الذین أُوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم یخرّون

۱۳- خضوع و سجود آگاهان در برابر قرآن ، گواه بی نیازی آن از ایمان دیگران و بی تأثیری بی ایمانی آنان *

ءامنوا به أو لاتؤمنوا إن الذین أُوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم یخرّون

برداشت فوق بر این اساس است که <إن> تعلیل باشد برای جمله <آمنوا به أو. ..>; یعنی، چون اهل دانش به قرآن ایمان می آورند، ایمان و عدم ایمان دیگران مساوی بوده و نیازی به ایمان آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۹ - ۱،۲

۱- خضوع و خشوع همیشگی عالمان حق پذیر در برابر قرآن

إن الذین أُوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم . .. یخرّون للأذقان یبکون

۲- قرآن ، حاوی آن چنان معارف عظیم که خضوع و خشوع تمامی عالمان اندیشمند را برمی انگیزاند .

إن الذین أُوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم . .. یخرّون للأذقان یبکون

خضوع در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰

۱ اظهار خضوع و تذلل همراه توسل به ربوبیت خداوند و اعتراف مکرر به آن ، از آداب دعاست .

و قال موسی ربنا . .. ربنا لیضلوا ... ربنا اطمس

خضوع در عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۹ - ۶،۹

۶- مقربان الهی (فرشتگان) ، از عبادت خداوند تکبر نمیورزند .

و من عنده لایستکبرون

مقصود از <من عنده> طبق نظر مفسران فرشتگان است.

۹- تأثیر دستیابی به مقام قرب الهی ، در خستگی نیافتن از عبادت و پرستش خداوند و تکبر نورزیدن

و من عنده لایستکبرون عن عبادته و لایستحسرون

از این که خداوند فرمود <آنها که پیش ما هستند و مقرب اند، از عبادت خسته نمی شوند و تکبر نمیورزند>، به دست می آید که دستیابی به قرب الهی، در خستگی ناپذیری و تکبرنورزیدن تأثیر دارد.

خضوع در عبودیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۸ - ۸،۱۰

۸ لزوم حرکت برای خداوند ، توأم با خضوع و اطاعت در برابر وی

و قوموا للّه قانتین

چنانچه گذشت، <قنوت>، اطاعتی است همراه خضوع و خشوع.

۱۰ طاعت و خضوع در برابر خداوند ، ملاکی برای ارزشگذاری رفتار آدمی

و قوموا للّه قانتين

از اینکه خداونـد امر می کنـد که قیام، همراه <قنوت> باشـد، معلوم می شود که حرکت و عمل برای خدا آنگاه که خالی از خضوع در برابر او باشد، فاقد ارزش است.

خضوع در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۱ - ۶

۶ - ظهور حیات

حقیقی و فنا ناپذیر خداوند و قیومیت او بر هستی در قیامت ، مایه خضوع و ذلت عمیق آدمیان در برابر او خواهد شد .

و عنت الوجوه للحیّ القیّوم

خضوع در مناجات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۱۴ – ۲

۲ رعایت ادب با ابراز خضوع و کاربرد تعابیر شایسته از آداب نیایش به درگاه خداوند

قال عیسی ابن مریم اللّهم ربنا . .. و ارزقنا و انت خیر الرزقین

خضوع در نماز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۳۸ – ۶

۶ لزوم بجا آوردن نماز برای خدا ، همراه خضوع و توجه کامل به پروردگار

حافظوا علی الصّلوات . .. و قوموا للّه قانتین

<قنوت> به معنای خضوع در اطاعت و خضوع مستلزم توجه کامل می باشد و مراد از قیام در <قومواللّه>، یا خصوص نماز است و یا نماز مصداقی بارز برای آن.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۴۳ – ۵

۵ – سجده و خضوع ، رکن اصلی و روح نماز است .

یدعون إلی السجود

از این که به جای نماز، سجود و خضوع مطرح شده است، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

خضوع رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴ - ۴

۴ - قدرت خداوند بر به خضوع کشاندن سردمداران کفر در برابر خویش

إن نشأ . .. فظلّت أعنقهم لها خضعين

برخی بر آنند همان گونه که به بزرگ قوم <رأس القوم> و <صدرالقوم> گفته می شود،

<عنق القوم> نیز گفته می شود بنابراین <أعناقهم>; یعنی، <سادتهم>. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

خضوع سایه در صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۵ - ۷

۷ خضوع سایه ها در برابر خدا و فرمانبری آنها به هنگام صبح و عصر ، نمود بیشتر و روشن تری دارد .

و ظللهم بالغدو و الأصال

<غدو> (جمع غداه) به معنای صبحگاهها و <آصال> (جمع اصیل) به معنای عصرهاست. سجده سایه ها که به معنای پیروی آنها از قوانین الهی در تکوین است، در همه زمانهاست نه خصوص صبح و یا عصر. از این رو به نظر می رسد آوردن آن دو قید به خاطر وضوح و روشنی این دو هنگام برای فرمانبری سایه هااز قوانین الهی است.

خضوع سایه در عصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۵ - ۷

۷ خضوع سایه ها در برابر خدا و فرمانبری آنها به هنگام صبح و عصر ، نمود بیشتر و روشن تری دارد .

و ظللهم بالغدو و الأصال

<غدو> (جمع غداه) به معنای صبحگاهها و <آصال> (جمع اصیل) به معنای عصرهاست. سجده سایه ها که به معنای پیروی آنها از قوانین الهی در تکوین است، در همه زمانهاست نه خصوص صبح و یا عصر. از این رو به نظر می رسد آوردن آن دو قید به خاطر وضوح و روشنی این دو هنگام برای فرمانبری سایه هااز قوانین الهی است.

خضوع سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۸ - ۸

۸- گردش

سایه های اجسام ، نشانگر سجده ، انقیاد و تذلل آنها در برابر خداوند است .

أو لم یروا إلی ما خلق الله من شیء یتفیّؤا ظلله عن الیمین و الشمائل سجّدًا لله و

خضوع صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۲۵ – ۴

۴ – مؤمنانِ نیکوکار ، با شنیدن آیات قرآن ، در برابر آن سر تسلیم فرود آورده ، خضوع می کنند .

فما لهم . .. و إذا قریء علیهم القرءان لایسجدون ... إلاّ الذین ءامنوا و عملوا الص

خضوع عاقلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۹۱ – ۲۲

۲۲ خضوع و کرنش خردمندان برای خداوند ، در پی تفکّر در آفرینش و پی بردن به هدفداری آن

ربّنا ما خلقت هذا باطلًا سبحانک

اعتراف خردمندان به مالکیّت خداوند نسبت به آنان با کلمه <ربّنا> که به معنای مالك و مدبّر آمده، دلالت بر خشوع و خضوع ایشان در برابر خداوند دارد.

خضوع علما

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۹ – ۱،۲

۱– خضوع و خشوع همیشگی عالمان حق پذیر در برابر قرآن

إن الذین أُوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم . .. یخرّون للأذقان یبکون

۲– قرآن ، حاوی آن چنان معارف عظیم که خضوع و خشوع تمامی عالمان اندیشمند را برمی انگیزاند .

إن الذين أَوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم . .. يخرّون للأذقان يبكون

خضوع علمای اهل کتاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۷ – ۱۲

۱۲– با

تمام وجود سر بر آستان خداوند ساییدن و حریصانه به سجده افتادن جمعی از علمای اهل کتاب به هنگام آشنایی با قرآن

إن الذین أُوتوا العلم من قبله . .. یخرّون للأذقان سجّدًا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <أُوتوا العلم من قبله> اهـل کتـاب باشـد و تعـبیر از سـجده به <خرّ> که به معنای سقوط و به رو افتادن است می تواند اشاره به حقیقت یاد شده داشته باشد.

خضوع علمای دینی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۷ – ۴

۴- برخورداران از علم و آگاهی به معارف آسمانی ، دارای روحیه حق پذیری و خضوع در برابر آیات قرآن

إن الذین أُوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم یخرّون

خضوع قلب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴ – ۱

۱ خشیت قلب از یاد خدا ، افزایش ایمان با تلاوت قرآن و تنها بر خدا توکل داشتن ، نشان ایمان حقیقی

أولئک هم المؤمنون حقا

خضوع متقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۷ – ۱

۱ صبر و راستی در گفتار ، خضوع در برابر خداوند ، انفاق و استغفار در سحرگاهان ، از صفات متّقین

للّذین اتّقوا . .. الصابرین ... بالاسحار

آیه فوق (الصابرین و الصادقین . ..)، بیان و توضیح دیگری برای <للّذین اتقوا> است.

خضوع مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۳ - ۱،۲

۱ مریم ، مأمور به اطاعت خاضعانه

، سجده و رکوع (نماز) ، در برابر پروردگارش

یا مریم اقنتی لربّک و اسجدی و ارکعی

۲ سخن فرشتگان با مریم و فرمان دادن به او ، درباره اطاعت خاضعانه

و اذ قالت الملئکه . .. یا مریم اقنتی لربّک و اسجدی

ظاهراً جمله <یا مریم اقنتی>، گفتار ملائکه با حضرت مریم است.

خضوع مشمولان نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۸،۱۹

۱۸- خضوع و خشوع و سجده و گریه به هنگام استماع آیات الهی ، نشانه برخورداری از نعمت ویژه خداوند است .

أُولئک الذین أنعم اللّه علیهم . .. إذا تتلی علیهم ءایت الرحمن خرّوا سجّدًا و ب

<إذا تتلی> خبر اول و یا خبر بعد از خبر برای <أُولئک> است; یعنی آنان این چنین هستند که هنگام استماع آیات به سجده افتاده و گریه می کنند.

۱۹- گریه در حال سجده و خضوع در مقابل آیات الهی ، از آثار نعمت هدایت و برگزیدگی در پیشگاه خداوند است .

و ممّن هدینا واجتبینا إذا تتلی علیهم ءایت الرحمن خرّوا سجّدًا و بکیًّا

خضوع مقربان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۹ - ۶

۶- مقربان الهی (فرشتگان) ، از عبادت خداوند تکبر نمیورزند .

و من عنده لایستکبرون

مقصود از <من عنده> طبق نظر مفسران فرشتگان است.

خضوع ملائکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶۱ – ۱۴

۱۴– همه فرشتگان به جز ابلیس ، به فرمان الهی در برابر آدم (ع) خضوع کرده و او را مورد

تکریم خویش قرار دادند .

و إذ قلنا للملئکه اسجدوا لأدم فسجدوا إلاّ إبلیس

برداشت فوق، با توجه به ریشه لغوی <سجده> است که به معنای <خضوع> و <تذلل> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۹ - ۶

۶- مقربان الهی (فرشتگان) ، از عبادت خداوند تکبر نمیورزند .

و من عنده لایستکبرون

مقصود از <من عنده> طبق نظر مفسران فرشتگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۴ - ۱۰

۱۰ - فرشتگان ، موجوداتی مطیع و خاضع در برابر فرمان های خداوند

فسجد الملئکه کلّهم أجمعون . إلاّ إبلیس استکبر

خضوع موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۵ - ۳

۳ موجودات آسمان ها و زمین برای غیر خدا خاضع نبوده و به غیر او سجده نمی کنند .

و لله یسجد من فی السموت و الأرض

تقدیم <لله> بر <یسجد> حاکی از حصر است. بنابراین <لله یسجد ...> ; یعنی ، برای خداوند سجده می کنند و به غیر او سجده نمی برند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۸ - ۱۱

۱۱- همه پدیده های مادی با خضوع تمام ، خداوند را سجده می کنند .

أو لم یروا . .. من شیء ... سجّدًا لله و هم دخرون

<داخر> در لغت به معنای ذلیل است و جمله <و هم داخرون> حال برای <ظلال> می باشد.

خضوع مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲ - ۱

۱

دل مؤمنان راستین ، لرزان و بیمناک به هنگام یاد خدا

إنما المؤمنون الذین إذا ذکر اللّه وجلت قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۵ - ۴

۴ - مؤمنانِ نیکوکار ، با شنیدن آیات قرآن ، در برابر آن سر تسلیم فرود آورده ، خضوع می کنند .

فما لهم . .. و إذا قرىء علیهم القرءان لایسجدون ... إلاّ الذین ءامنوا و عملوا الص

خضوع مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۱۹

۱۹- گریه در حال سجده و خضوع در مقابل آیات الهی ، از آثار نعمت هدایت و برگزیدگی در پیشگاه خداوند است .

و ممّن هدینا واجتبینا إذا تتلی علیهم ءایت الرحمن خرّوا سجّدًا و بکیًّا

خضوع نجاشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۲۸

۲۸ نجاشی (پادشاه حبشه) ، مؤمن به خدا ، قرآن و کتب آسمانی و خاضع در برابر خداوند

انّ من اهل الکتب لمن یؤمن باللّه

رسول خدا (ص) پس از مرگ نجاشی، به یاران خود فرمود: انّ اخاکم النّجاشی قد مات، قوموا فصلّوا علیه; فقال رجل یا رسول اللّه کیف نصلی علیه و قد مات فی کفره؟ قال (ص) الا تسمعون قول اللّه <و انّ من اهل الکتاب . .. >

الدّرالمنثور، ج ۲، ص ۴۱۶.

خضوع هنگام استماع آیات خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۵۸ – ۱۸

۱۸- خضوع و خشوع و سجده و گریه به هنگام استماع آیات الهی

، نشانه برخورداری از نعمت ویژه خداوند است .

أُولئک الذین أنعم اللّه علیهم . .. إذا تتلی علیهم ءایت الرحمن خرّوا سجّدًا و ب

<إذا تتلی> خبر اول و یا خبر بعد از خبر برای <أُولئک> است; یعنی آنان این چنین هستند که هنگام استماع آیات به سجده افتاده و گریه می کنند.

خضوع یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۱۷

۱۷- خضوع یونس (ع) به درگاه الهی و اعتراف وی به ظلم و نادرستی رفتار عجولانه خود

فنادی . .. إنّی کنت من الظلمین

دعوت به خضوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۶ - ۷

۷ - خداوند ، خواهان خضوع و تضرع انسان ها به درگاه او

فما استکانوا لربّهم و ما یتضرّعون

دعوت به خضوع بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۳ - ۳

۳ - فراخوانده شدن کافران و مشرکان به سجده و خضوع در برابر خداوند در دنیا و امتناع آنان از این کار

و قد کانوا یدعون إلی السجود و هم سلمون

روش خضوع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۶۱ – ۱۸

۱۸ تأمین محل سکونت و اسباب معیشت پیش از امر به نیایش و استغفار ، روشی نیکو برای واداشتن مردم به خضوع و خشوع در برابر خداوند و طلب آمرزش از او

و إذ قیل لهم اسکنوا . .. ادخلوا الباب سجداً نغفر لکم خطیئتکم

بیان طبیعی داستان ورود بنی اسرائیل به بیت المقدس اقتضا

می کرد که جمله <ادخلوا البـاب سـجداً> و جمله <قولوا حطه> پیش از جمله <اسـکنوا . .. > و <کلوا ... > آورده شود. زیرا اول باید تصرف شود و سپس سکونت انجام گیرد. این تقدیم و تأخیر می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

زمینه خضوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۳ - ۳

۳ توجه به ربوبیت خدا ، گرایش دهنده آدمی به خضوع و خشوع در برابر او

و أخبتوا إلی ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۲ - ۶

۶ - علم و معرفت ، زمینه ساز خضوع و تسلیم انسان در برابر حق

و أُوتینا العلم من قبلها و کنّا مسلمین

تقدیم <علم> بر <اسلام> می تواند بیانگر مطلب فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲ - ۱۱

۱۱- توجه به حکمت و کاردانی خداوند ، مستلزم خضوع انسان در برابر قوانین حکیمانه و خدشه ناپذیر وی *

تنزیل الکتب من اللّه . .. الحکیم

تـذکر خداوند به وصف <الحکیم>، می تواند یاد آور انسان ها باشد که قرآن به عنوان مجموعه قوانین از جانب کسـی نازل شده که حکیم و کاردان است و نقصی در برنامه او نیست، تا کسی مجاز به تخلف گردد.

زمینه خضوع بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۶ - ۲

۲ – بلا های دنیوی ، زداینده خوی استکبار و دمنده روح خضوع و فروتنی در انسان ها نسبت به پروردگار

و لقد

أخذنهم بالعذاب فما استكانوا لربّهم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۶۲ – ۴

۴ – توجه به تدبير و قدرت الهى در نظام هستى ، مقتضى خضوع و سجود انسان در برابر آفريدگار آن

و أنّ إلى ربّك المنتهى . .. فاسجدوا للّه و اعبدوا

عوامل خضوع

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲ – آل عمران – ۳ – ۴۳ – ۴،۶

۴ ربوبيّت الهى ، مقتضى خضوع در برابر او

اقنتى لربّك

۶ برخوردارى از نعمت هاى الهى ، مستلزم اطاعت خاضعانه در برابر او

انّ اللّه اصطفيك . .. يا مريم اقنتى

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۲۱ – ۱

۱ – شنيدن آيات قرآن ، بايد مايه خضوع و فروتنى انسان گردد .

و إذا قرىء عليهم القرءان لايسجدون

<سجود> به معناى خضوع است. (قاموس)

عوامل خضوع بر خدا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۰ – ۱۴

۱۴ - توجه به عظمت خداوند ، مایه خضوع به درگاه او و وادارسازنده انسان به پذیرش ربوبیت او

فأُلقی السحره سجّدًا قالوا ءامنّا بربّ هرون و موسی

عوامل خضوع برای یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱۴

۱۴ خداوند ، اعطا کننده مقام و منزلت به یوسف (ع) و وادار کننده بستگانش به خضوع و خشوع در برابر او

قد جعلها ربی حقًا

موانع خضوع برای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۱

۵ - روحیه ناباوری ، مانع پذیرش قرآن و خضوع در برابر آن

لایؤمنون . و إذا قرئ‌ء علیهم القرءان لایسجدون

نشانه خضوع بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۶ - ۴

۴ - سجده ، مظهر حق پرستی و خضوع در برابر خداوند

فأُلقی السحره سجدین

برداشت یاد شده از آن جا است که نخستین واکنش مثبت ساحران پس از پی بردن به آیت الهی و معجزه موسی، سجده بود.

نشانه های خضوع بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۲۷

۲۷- سجده ، مظهر بندگی و خضوع به درگاه خداوند

سیماهم فی وجوههم من أثر السجود

از میان همه عبادات و مظاهر عبادی، <سجده> اختصاص به ذکر یافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۱۵

۱۵ - پیشانی بر خاک نهادن ، از دیرباز نشانه خضوع و فروتنی دربرابر خداوند و جلوه بارز بندگی او بوده است .

فأُلقی السحره سجّدًا

نشانه های خضوع برخدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۱۵

۱۵ - پیشانی بر خاک نهادن ، از دیرباز نشانه خضوع و فروتنی دربرابر خداوند و جلوه بارز بندگی او بوده است .

فأُلقی السحره سجّدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۲۷

۲۷- سجده ، مظهر بندگی و خضوع به درگاه خداوند

سیماهم فی وجوههم من أثر السجود

از میان همه عبادات و مظاهر عبادی، <سجده> اختصاص به ذکر یافته است.

خاک از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خاک

آثار رطوبت خاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶ - ۶

۶ - رطوبت خاک ، نشانه وجود منابع و چیز های ارزشمند در زیر آن است . *

له . .. و ما تحت الثری

وصف نمناکی برای خاک با آن که آنچه زیر خاک خشک قرار دارد نیز ملک خداونـد است اشاره به مهم تربودن موجودات زیر خاک نمناک در مقایسه با موجودات زیر خاک خشک است.

آدم(ع) از خاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۲ - ۳

۳ ابلیس، آفریده شده از آتشی خاص و آدم، آفریده شده از گلی مخصوص

خلقتنی من نار و خلقته من طین

نکره آمـدن <نـار> و <طین> حکایت از این دارد که آدم و ابلیس از گل و آتشـی مخصوص آفریـده شدنـد و چنانچه این معنا در نظر نبود، آن دو کلمه با <ال> جنس آورده می شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۱ - ۱۰

۱۰- حضرت آدم (ع) ، از دو عنصر خاک و آب (گِل) آفریده شد .

خلقت طینًا

<طین> در لغت به معنای <خاک آمیخته با آب (گِل)> آمده است (مفردات راغب).

آرزوی تبدیل به خاک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۴۰ – ۱۵،۱۷

۱۵ – آفریده شدن به صورت خاک و محرومیت از شعور و تکلیف از آغاز پیدایش ، آرزوی کافران در قیامت

و یقول الکافر یلیتنی کنت تربًا

۱۷ – کافران در قیامت ، حیات اخروی

را سرآغاز سختی ها دیده و باقی ماندن به صورت خاک را آرزو خواهند کرد .

یلیتنی کنت تربًا

آرزوی خاک بودن، ممکن است به این معنا باشد که کاش دوباره زنده نشده بودم و به همان حالت پس از مرگ که خاک شده بودم باقی می ماندم.

ارزش خاک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۱۲ – ۴

۴ آتش، عنصری برتر و شریفتر از خاک در دیدگاه ابلیس

أنا خیر منه خلقتنی من نار و خلقته من طین

انسان از خاک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۳۷ – ۶،۹

۶– آفرینش آدمی از خاک و سپس نطفه و تکامل آن به صورت انسانی کامل ، سیر پیدایش انسان است .

بالذی خلقک من تراب ثمّ من نطفه ثمّ سوّیک رجلاً

جمله <خلقک من تراب> یا نظر به این دارد که خداوند، حضرت آدم(ع) را از خاک آفرید بنابراین، اصل همه انسان ها خاک است و یا این که نطفه از غذاهایی تولید می شود که از خاک گرفته شده است.

۹– آفرینش انسان از خاک و نطفه و معتدل ساختن او ، دلایلی روشن بر امکان برپایی معاد و کافی در رفع استبعاد قیامت است .

و ما أظنّ الساعه قائمه . .. أکفرت بالذی خلقک من تراب

پاسخ مرد مؤمن به ثروت مند مغرور، با جمله <أکفرت بالذی. ..> حکایت از آن دارد که انکار معاد از جانب او که با جمله <و ما أظنّ...> بیان شده بود، به جهت استبعاد تجدید حیات آدمی پس از مرگ بوده است، لذا

مرد مؤمن، با یادآوری قدرت خداوند و بیان سابقه خاک و نطفه بودن آدمی، به رفع این استبعاد و بیان قدرت خداوند پرداخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۵

۵- خاک ، مبدأ نخستین آفرینش انسان

فإنّا خلقنکم من تراب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۱ - ۲

۲ - خاک ، ماده و عنصر نخستین آفرینش انسان ها است .

و اللّه خلقکم من تراب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۷ - ۲

۲ - خاک ، مبدأ نخستین آفرینش انسان

خلقکم من تراب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۲ - ۱۵

۱۵ - خاک و عناصر آن ، ماده اصلی پیدایش انسان به اراده الهی

إذ أنشأکم من الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۵ - ۳

۳ – آفرینش انسان و جن ، دو موجود شعورمند ، از دو عنصر کاملاً متفاوت (خاک و آتش) ، نمود قدرت خداوند

خلق الإنسن من . .. و خلق الجانّ من مارج من نار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۱۶ – ۱،۲،۳

۱ – جلوه های ربوبیت الهی در آفرینش انسان از < خاک > و جن از < آتش > ، غیر قابل انکار و تکذیب ناپذیر است .

خلق الإنسن . .. و خلق الجانّ ... فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

۲ – تبدیل گلی خشکیده به موجودی

چون < انسان > و شعله آتش به موجود زنده ای چون < جن > ، نمود ربوبیت یگانه خداوند

خلق الإنسن من صلصل كالفخار. .. فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

۳ - پیدایش خصلت های ویژه انسانی از مشتی خاک و پیدایش موجود زنده دارای درک و شعورمندی چون جن از شعله آتش ، نعمت هایی شایان تأمل و قدرشناسی *

خلق الإنسن من صلصل . .. فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۷ - ۳

۳ - خاک ، عنصر اصلی آفرینش آدم

و اللّه أنبتكم من الأرض

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از <أنبتكم> پیدایش اصل انسان ها (حضرت آدم(ع)) باشد. بر این اساس <الأرض> اشاره به عنصر خاکی آفرینش آدم خواهد بود.

تبدیل انسان به خاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۸ - ۱،۳

۱ - بازگشت انسان پس از مرگ ، به عناصر نخستین آفرینش خود (خاک و . . .)

و اللّه أنبتكم من الأرض نباتًا . ثمّ يعيدكم فيها

۳ - بازگشت انسان ها پس از مرگ ، به عناصر نخستین آفرینش خود و زنده شدن مجدد آنان از همان عناصر ، جلوه قدرت و عظمت خداوند

ما لكم لاترجون للّه وقارًا . .. ثمّ يعيدكم فيها و يخرجكم إخراجًا

تبدیل به خاک بی حاصل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸ – ۱

۱– خداوند ، تمام موهبت ها و موجودات زمین را ، به خاکی بی حاصل تبدیل خواهد کرد .

إنّا جعلنا

ما علی الأرض . .. و إنّا لجعلون ما علیها صعیدًا جرزًا

<صعید> یعنی <خاک>، و <جرز> به زمینی که فاقد هرگونه گیاه و روییدنی باشد، گفته می شود.

تبدیل خاک به نطفه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۵ – ۷

۷- تحول خاک به نطفه ، تبدیل نطفه به علقه و تکامل علقه به مضغه ، روند آفرینش انسان

فإنّا خلقنکم من تراب ثمّ من نطفه ثمّ من علقه ثمّ من مضغه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۶۷ – ۴،۵

۴ – تحوّل خاک به نطفه تبدیل نطفه به علقه و تکامل آن ، روند آفرینش انسان

خلقکم من تراب ثمّ من نطفه ثمّ من علقه ثمّ یخرجکم طفلاً

۵ – وجود فاصله زمانی میان تحوّل خاک به نطفه ، نطفه به علقه و علقه به صورت طفل

خلقکم من تراب ثمّ من نطفه ثمّ من علقه ثمّ یخرجکم طفلاً

با توجه به کاربرد <ثمّ> که برای بیان فاصله زمانی است برداشت بالا به دست می آید.

تبدیل گیاهان به خاک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۶۵ – ۲

۲ – خداوند ، در صورتی که بخواهد ، می تواند زراعت ها را به خس و خاشاک تبدیل کند .

لو نشاء لجعلنه حطمًا

<حطام> به چیز خشک و شکسته شده گفته می شود (قاموس المحیط).

تبدیل موجودات به خاک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸ – ۱

۱– خداوند ، تمام موهبت ها و موجودات زمین را

، به خاکی بی حاصل تبدیل خواهد کرد .

إنّا جعلنا ما علی الأرض . .. و إنّا لجعلون ما علیها صعیدًا جرزًا

<صعید> یعنی <خاک>، و <جرز> به زمینی که فاقد هرگونه گیاه و روییدنی باشد، گفته می شود.

تیمم بر خاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۱۹

۱۹ تیمم ، بر خاک ، جایز و مجزی است .

فتیمموا صعیداً طیباً

برخی از اهل لغت برآنند که <صعید> تنها بر خاک اطلاق می شود. با توجه به کلمه <منه> بعید نیست این معنی در آیه مراد باشد.

خاک های مرطوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶ - ۵

۵ - آنچه در زیرخاک های نمناک جهان قرار دارد از آن خداوند است .

له . .. و ما تحت الثری

<ثری> به معنای خاک نمناک است (مصباح). ال در <الثری> ظاهراً معنای جنس دارد، لذا شامل هر خاک نمناکی می شود، چه در زمین باشد و چه در کرات دیگر، بلکه چون در آیه <ما فی الأرض> ذکر شده است، احتمال می رود که <ما تحت الثری> مربوط به غیر زمین باشد.

خلقت از خاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۵،۶،۷

۵- خاک ، مبدأ نخستین آفرینش انسان

فإنّا خلقنکم من تراب

۶- قابلیت خاک برای پیدایش موجودات زنده از آن

فإنّا خلقنکم من تراب

۷- تحول خاک به نطفه ، تبدیل نطفه به علقه و تکامل علقه به مضغه ، روند آفرینش انسان

فإنّا خلقنکم من تراب ثمّ من نطفه ثمّ من علقه ثمّ

من مضغه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶ - ۲،۴،۶

۲ آفرینش انسان از خاک ، رشد مرحله به مرحله او در رحم ، صعود تدریجی از طفولیت (مرحله ضعف جسمی و عقلی) به اوج جوانی و نزول تدریجی از اوج بتوانایی (جوانی) به حضیض ناتوانی (کهولت و پیری) ، جلوه های ربوبیت خدا و یگانگی او

فإنّا خلقناکم من تراب . ..لکیلا یعلم من بعد علم شیئًا ... ذلک بأنّ اللّه هو الحق

۴ - آفرینش انسان و انواع گیاهان از بستر خاک مرده و بی جان ، نمایشی است از قدرتمندی و توانایی خداوند بر احیای همه مردگان در روز رستاخیز .

فإنا خلقناکم من تراب. .. و تری الأرض هامده... و أنّه یحی الموتی

جمله <و أنّه یحیی. ..> عطف بر <أنّ الله هو الحقّ> و به تقدیر <و ذلک بأنّ اللّه یحیی الموتی > می باشد; یعنی، آن قدرت نمایی ها بدان سبب است که خداوند می تواند مردگان را زنده کند.

۶ - آفرینش انسان و رویاندن انواع گیاهان از بستر خاک مرده و بی جان ، نمودی از قدرت بی کران و نامحدود خداوند

و أنّه علی کلّ شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷ - ۶،۸

۶ - آفرینش انسان و انواع گیاهان از بستر خاک مرده و بی جان ، یادآور رستاخیز و دلیلی گویا بر قطعی بودن برپایی آن .

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <الساعه> به برپایی قیامت و <ذلک> در آیه قبل به خلقت

انسـان و ایجـاد انواع گیاهان: إن کنتم فی ریب من البعث فإنّا خلقناکم من تراب. .. فإذا أنزلنا علیها الماء اهتزّت و ربت> اشاره داشته باشد.

۸ - خلقت انسان و رویش انواع گیاهان از خاک بی جان ، نشانگر توانمندی خدا بر احیای مردگان در روز رستاخیز

فإنّا خلقناکم . .. و تری الأرض هامده ... و أنّ اللّه یبعث من فی القبور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۰ - ۱،۲،۳،۴،۶،۸،۹،۱۰

۱ - از جمله آیات خداوند ، آفریدن انسان ها از خاک است .

و من ءایته أن خلقکم من تراب

۲ - خداوند ، پدید آورنده انسان ها از خاک است .

خلقکم من تراب

۳ - خاک ، مبدأ پیدایش انسان ها است .

و من ءایته أن خلقکم من تراب

۴ - پدیدآمـدن انسـان هـای زنـده از دل خـاک مرده ، نمـودی از پدیـد آوردن موجود جـان دار از موجود بی جـان به دسـت خداوند است .

یخرج الحیّ من المیّت . .. و من ءایته أن خلقکم من تراب

۶ - پدیـد آوردن موجودی زنـده ماننـد انسان از دل خاک مرده ، از نشانه های توان منـدی خداونـد بر احیای مجـدد انسان ها است .

و کذلک تخرجون . و من ءایته أن خلقکم من تراب

از این آیه به بعـد، چنـدین آیه، در صـدد شـمارش آیـات الهی است. از میان آن آیات، ذکر مناسب ترین آیه با <و کـذالک تخرجون> پس از آن، می تواند در ضمن بیان آیات الهی، اشاره به نکته فوق باشد.

۸ - آفرینش انسان از خاک تا صورت آدمی ، مراحل مختلفی داشته است .

أن خلقكم من تراب

ثمّ إذا أنتم بشر تنتشرون

<ثمّ> حرف تراخی است و دلالـت بر مهلت و مـدت می کنـد و از طرفی <إذا> فجـاییه است و دلالت بر ناگهانی بودن می کنـد. جمع بین این دو، به این است که میان خلق انسان از مبـدأ خاک تا صورت انسانی، مراحلی طی شده که چندان روشن و آشکار نبوده است.

۹ - پدید آمدن موجودی زنده به نام انسان از خاک مرده ، امری غیر منتظره و سزاوار تأمل است .

أن خلقکم من تراب ثمّ إذا أنتم بشر تنتشرون

<إذا>ی فجاییه در آیه، می تواند حکایت از این حقیقت باشد.

۱۰ - تبدیل شدن خاک پس از گذر از مراحل لازم به انسان ، جهش گون و سریع است .

أن خلقکم من تراب ثمّ إذا أنتم بشر تنتشرون

<إذا> فجاییه است و دلالت بر ناگهانی بودن می کند، لذا از آن، سرعت و حالت جهشی بودن به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۱ - ۱۳

۱۳ - آیه بودن آفرینش انسان از خاک ، برای متفکران ، قابل درک است .

و من ءایته أن خلقکم من تراب . .. إنّ فی ذلک لأیت لقوم یتفکّرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۷ - ۲،۳،۴

۲ - خاک ، مبدأ نخستین آفرینش انسان

خلقکم من تراب

۳ - قابلیت خاک برای پیدایش موجودات زنده از آن

خلقکم من تراب

۴ - تحوّل خاک به نطفه تبدیل نطفه به علقه و تکامل آن ، روند آفرینش انسان

خلقکم من تراب ثمّ من نطفه ثمّ من علقه ثمّ یخرجکم طفلاً

خلقت

خاک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۷ – ۱۰

۱۰ – قبل از انسان ها ، پدیده های دیگری چون گِل (آب و خاک) آفریده شده بودند .

و بدأ خلق الإنسن من طین

فواید خاک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۵ – ۶

۶– قابلیت خاک برای پیدایش موجودات زنده از آن

فإنّا خلقنکم من تراب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۶۷ – ۳

۳ – قابلیت خاک برای پیدایش موجودات زنده از آن

خلقکم من تراب

نقش خاک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۲۷ – ۲

۲ – رویش گیاهان مختلف ، با کاربرد های گوناگون ، از آمیختن دو عنصر آب و خاک ، به منظور استفاده انسان ها و دام ها ، از آیات الهی است .

أوَلم یروا أنّا نسوق الماء إلی الأرض الجرز فنخرج به زرعًا تأکل منه أنعمهم و أنف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۱ - ۲۸

۲ - خاک ، ماده و عنصر نخستین آفرینش انسان ها است .

و اللّه خلقکم من تراب

۸ - آفرینش آدم (ع) از خاک و انسان از نطفه و در قالب زن و مرد ، از نشانه های قدرت خدا و یکتایی او است .

و اللّه خلقکم من تراب ثمّ من نطفه ثمّ جعلکم أزوجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۲ -

۱۵ - خاك و عناصر آن ، ماده اصلی پیدایش انسان به اراده الهی

إذ أنشأكم من الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۴ - ۴

۴ - آب و خاك ، دارای نقش عمده در شكل گیری وجود انسان

خلق الإنسن من صلصل كالفخّار

برداشت یاد شده با توجه به این نكته است كه واژه <صلصال> گر چه به معنای گل خشكیده است; ولی به هرحال در آن آمیختگی خاك با آب مطرح است.

خالق از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خالق

استمداد از خالق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۰ - ۱۰

۱۰- تنها خداوند خالق ، شأن مورد پرستش قرار گرفتن و كمك طلبیدن را دارد .

و الذین یدعون من دون الله لایخلقون شیئًا

آیه درصدد سرزنش عمل مشركان در اتخاذ معبودهای متعدد است و استفاده می شود كه چنان كاری مذموم و قبیح می باشد.

بداهت بی نظیری خالق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۷ - ۴

۴- قابل قیاس نبودن موجود آفرینشگر با موجود فاقد قدرت خلق ، از بدیهیات عقلی است .

أفمن یخلق کمن لایخلق

طرح سؤال یاد شده در آیه بی آنکه جوابی برای او بدهد ارشاد به حکم عقل است.

بهترین خالق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۴ - ۱۲

۱۲ - خدا ، أحسن الخالقین (بهترین آفریننده ها) است .

فتبارک اللّه أحسن الخلقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۵ - ۵،۹

۵ - خداوند ، نیکوترین

آفریننده

أحسن الخلقین

۹ - پرستش ، تنها شایسته نیکوترین آفریننده ها (خدا) است .

أتدعون بعلًا و تذرون أحسن الخلقین

بی نظیری خالق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۷ - ۳

۳- هیچ گاه آفرینشگر با غیر آفرینشگر ، قابل مقایسه نیست .

أفمن یخلق کمن لایخلق

بی نظیری خالق موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۷ - ۲

۲- کسی که تمام موجودات را آفریده با کسی که هیچ موجودی را نیافریده ، هیچ گونه شباهتی ندارد .

أفمن یخلق کمن لایخلق

تعقل در خالق آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۵ - ۷

۷ - نوح (ع) ، قوم خود را به اندیشه و مطالعه درباره چگونگی و مبدأ آفرینش جهان ، به منظور پی بردن به عظمت خداوند تشویق و تحرض می کرد .

ألم تروا کیف خلق اللّه سبع سموت طباقًا

تعبیر <ألم تروا کیف. ..>، می تواند برای تشویق و تحریض ادا شده باشد.

خالق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۶ – ۲۴

۲۴ خداوند خالق و آفریننده همه پدیده هاست .

قل الله خلق کل شیء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۲۴ – ۱

۱ – یگانه معبود هستی ، پدیدآورنده و آفریننده خلق بدون هیچ الگوی پیشین

هو اللّه الخلق البارئ

در معنای خلق، <ابداء و ابداع> نهفته است و آفرینش بدون الگو و بی سابقه را می نمایاند; چنان که <بارئ>

بنابر نظریه ای می تواند پیامدار همین معنا و تأکیدی بر آن باشد.

خالق آب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۱

۱ - آب ، زمین ، دانه ها ، انگور ، سبزیجات ، زیتون ، نخل ، بوستان ، میوه و چراگاه ، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام های آنان است .

متعًا لکم و لأنعمکم

<متاعاً> اسم مصدر و جایگزین مصدر حقیقی <تمتیعاً>(بهره رساندن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

خالق آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۴ - ۸

۸ قدرت پدید آوردن جهان و تواناییِ برپا کردن جهان آخرت ، در انحصار خداوند است .

قل هل من شرکائکم . .. قل اللّه یبدؤا الخلق ثم یعیده

خالق آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۷ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده و مبتکر آسمان ها و زمین بدون وجود نمونه ای از پیش

بدیع السموت و الأرض

<بدیع> بر گرفته شده از ابداع است و <ابداع> به معنای اختراع چیزی است بدون الگو و نمونه قبلی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۱

۱ ستایش مخصوص خداوند آفریدگار آسمانها و زمین و پدیدآورنده تاریکیها و نور است.

الحمد للّه الذی خلق السموت و الأرض و جعل الظلمت و النور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ -

انعام - ۶ - ۲ - ۱

۱ تنها خداوند پدیدآورنده آسمانها و زمین و برقرار کننده نور و ظلمت، آفریدگار آدمی است.

الحمد للّه الذی خلق . .. هو الذی خلقکم من طین

معرفه بودن مسندالیه <هو> و مسند <الذی> مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۱

۱ یگانه آفریدگار آسمانها و زمین خداوند است.

و هو الذی خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۹ - ۳،۴

۳ پدیدآورنده آسمانها و زمین شایسته ربوبیت و عبادت خالصانه است، نه پدیده های جهان.

لا أحب الأفلین . .. إنی وجهت وجهی للذی فطر السموت و الأرض

۴ خداوند یگانه، پدیدآورنده آسمانها و زمین است.

فطر السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۱ - ۱،۲

۱ خداوند پدیدآورنده آسمان و زمین بدون داشتن نمونه و الگویی از قبل

بدیع السموت و الأرض

<بـدیع> یعنی خالق و مبـدع. معنی بـدیع بودن خداونـد آن است که او خالق و مخترع عالم است، بدون الگو گرفتن از نمونه ای. (لسان العرب).

۲ خداوند ایجادکننده آسمانها و زمین از کتم عدم است.

بدیع السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۲ - ۱

۱ تنها خدای مبدع آسمانها و زمین و آفریننده هستی و بی نیاز از شریک و فرزند، شایسته پروردگاری آدمیان است.

بدیع السموت . .. ذلکم الله ربکم لا إله إلا هو

در آیه گذشته، صفات متعددی برای خداوند ذکر گردید

و <ذلکم> در این آیه اشاره به خداوند، با تمامی صفات مذکور در آیه پیشین، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۷ - ۱

۱ - خدا ، آفریدگار آسمان ها

و لقد خلقنا فوقکم سبع طرائق

<طریقه> (مفرد <طرائق>) به هر چیزی که روی آن، چیزی شبیه خودش قرار گرفته باشد، گفته می شود و مراد از <سبع طرائق> به قرینه <فوقکم> (بالای سر شما)، هفت آسمان است. بنابراین به آسمان های هفتگانه، بدان جهت که روی هم قرار دارند، <طرائق> گفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۴ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده آسمان ها و زمین و موجودات میان آن دو است .

اللّه الذی خلق السموت و الأرض و ما بینهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۷ - ۱

۱ - خداوند ، خالق آسمان ، زمین و پدیده های میان آن دو است .

و ما خلقنا السماء و الأرض و ما بینهما بطلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۷ - ۵

۵ - منکران معاد در عصر بعثت ، آسمان را آفریده خداوند می دانستند .

أم السماء بنیها

استدلال آیه شریفه بر امکان معاد، بدون پذیرش آفریدگاری خداوند برای آسمان، ناتمام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند ، پس از آفرینش آسمان و ایجاد شب و روز ، زمین را گسترده ساخت .

و الأرض بعد

ذلک دحیها

<دحو> به معنای بسط دادن و گستراندن است. <بعد ذلک> دلالت دارد که این مرحله از تغییرات زمین، پس از تعدیل آسمان و آفرینش تاریکی و روشنی بوده است. مراد از بسط زمین به قرینه آیات بعد آماده سازی و سامان دادن آن برای زندگانی جانداران است.

خالق آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۴ - ۱

۱ - آسمان ها و زمین (هستی) آفریده های خداوند یکتاست .

إن فی خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۱،۵

۱ جز خداوند خالق آسمانها و زمین و روزی دهنده بی نیاز، کسی شایسته ولایت و سرپرستی نیست.

قل أغیر اللّه أتّخذ ولیا فاطر السموت و الأرض و هو یطعم و لا یطعم

۵ خداوند ابداع کننده آسمانها و زمین، بدون الگو و نمونه قبلی

قل أغیر اللّه أتّخذ ولیا فاطر السموت و الأرض

<فطر> به معنای ایجاد و اختراع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳ - ۴

۴ خدا ، آفریدگار آسمان ها و زمین است .

الذی خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۷ – ۱

۱ خداوند ، آفریننده آسمان ها و زمین است .

هو الذی خلق السموت و الأرض

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۰۱ – ۱۲

۱۲ خداوند پدید آورنده آسمان ها و زمین

فاطر السموت و الأرض

<فاطر> به معنای آفریننده

و پدید آورنده است. این کلمه در آیه شریفه مناداست ; یعنی: <یافاطر السموت>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۰ - ۷

۷- خداوند ، پدید آورنده آسمان ها و زمین (عالم آفرینش) است .

أفی الله شکّ فاطر السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۱

۱- تنها خداوند ، خالق و آفریننده آسمان ها و زمین و نازل کننده باران از آسمان است .

الله الذی خلق السموت و الأرض و أنزل من السّماء ماء

معرفه بودن مسندالیه و مسند، یعنی <الله> و <الذی خلق . ..>، دلالت بر حصر می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳ - ۱،۸

۱- آفریننده آسمان ها و زمین (جهان هستی) ، خداوند است .

خلق السموت و الأرض

۸- مشرکان صدراسلام ، خداوند را خالق آسمان ها و زمین می دانستند .

أتی أمر الله . .. سبحنه و تعلی عمّا یشرکون ... خلق السموت و الأرض بالحق تعلی

<تعالی عمّا یشرکون> مربوط به <بالحق> است و نه <خلق السماوات و . ..> بنابراین، از آیه استفاده می شود که مشرکان درباره اصل خلقت عالم حرفی نداشته اند، بلکه درباره حقانیت و پوچی آن توهماتی داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴ - ۱،۲،۴

۱- قرآن ، پیامی فرود آمده از سوی آفریدگار زمین و آسمان ها است .

تنزیلاً ممّن خلق الأرض والسموت

<تنزیلاً> مصدر به معنای اسم مفعول و حال برای <القرآن>

در آیات قبل است.

۲- خداوند ، آفریدگار آسمان های مرتفع و زمین است .

خلق الأرض والسموت العلی

<علی> (جمع <علیاً>) اسم تفضیل است. توصیف آسمان ها به مرتفع تر از زمین، برای بیان عظمت رتبه ها و مقام هایی است که قرآن از آن مقام، به زمین نازل شده است.

۴- توان مندی خداوند بر آفرینش زمین و آسمان های مرتفع ، نشان اقتدار او برفرستادن کتابی شایسته ، برای تذکر و اندرز انسان ها است .

تذکره. .. ممّن خلق الأرض والسموت العلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۶ - ۳

۳- خداوند ، خالق جهان طبیعت (آسمان ها ، زمین و انسان) است .

ربّکم ربّ السموت والأرض الذی فطرهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۹ - ۱

۱ خداوند ، آفریدگار آسمان ها و زمین و پدیده های میان آنها است .

الذی خلق السموت و الأرض و ما بینهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۰ - ۱

۱ - خدا ، آفریدگار یگانه آسمان ها و زمین

أمّن خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۱ - ۱،۲

۱ - مشرکان ، به خالقیت خدا برای آسمان ها و زمین و مسخِّر کننده خورشید و ماه ، باور داشتند .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض و سخّر الشمس و القمر لیقولنّ اللّه

۲ - خداوند ، خالق آسمان ها و زمین است .

من خلق السموت و الأرض

. .. ليقولنّ اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۸ – ۲

۲ – آفريننده آسمان ها و زمين و تمامى موجودات ، خداوند است .

ما خلق اللّه السموت و الأرض و ما بينهما إلاّ بالحقّ

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۰ – ۱

۱ – خداوند ، آسمان ها را بدون پايه و ستون آفريده است .

خلق السموت بغير عمد ترونها

<ترونها> احتمال دارد قيد توصيحى براى <بغير عمد> باشد. در اين صورت، معناى <خلق السماوات بغير عمد> اين است كه خداوند، آسمان ها را بدون ستون آفريده است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۲۵ – ۱

۱ – خالق آسمان ها و زمين ، در بينش كافران نيز خداوند است .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض ليقولنّ اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۱ – ۴

۴ – خداوند ، خالق آسمان ها و زمين است .

فاطر السموت و الأرض

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۱ - ۱،۵،۷،۸

۱ - آسمان ها و زمین ، مخلوق خدا و جلوه ای از قدرت او است .

أوَلیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر

۵ - شگفت آور بودن انکار معاد و احیای مجدد انسان ها ، به قدرت خدای خالق آسمان ها و زمین

أوَلیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن یخلق مثلهم

برداشت یاد شده از آن جا است که استفهام در <أوَلیس .

..> استفهام انکاری و تعجبی است.

۷ - مشرکان و کافران در عصر بعثت علی رغم انکار قیامت و تجدید حیات انسان ها به آفرینش آسمان ها و زمین به وسیله خدا و نیز به عظمت این آفرینش اعتقاد داشتند .

أوَلیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن یخلق مثلهم

برداشت یاد شده با توجه به این حقیقت است که استدلال خداوند بر اثبات معاد، از راه آفرینش نخستین جهان طبیعت، مبتنی بر این حقیقت است که کافران، جهان طبیعت را جلوه ای از خالقیت و قدرت خدا بدانند.

۸ - خداونـدِ خالق آسمان ها و زمین ، بر آفرینش مجدد انسان ها و نوسازی آدمی از ذرات پوسیده و پراکنده دنیایی او در قیامت ، توانا است .

قال من یحیِ العظم و هی رمیم . .. أوَلیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن ی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۱

۱ - خدا ، آفریننده آسمان ها و زمین

خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۶ - ۵

۵ - خداوند ، خالق آسمان ها و زمین است .

اللهمّ فاطر السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۱ - ۱

۱ - خداند ، آفریننده آسمان ها و زمین

فاطر السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۴ - ۱

۱ - خداوند ، خالق و آفریدگار آسمان ها و زمین است .

هو الذی خلق

السموت و الأرض

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۳ – ۱

۱ – خداوند ، آفريننده آسمان ها و زمين است .

خلق السموت و الأرض

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۱۲ – ۱

۱ – خداوند ، خالق و آفريننده آسمان ها و زمين است .

اللّه الذى خلق سبع سموت و من الأرض

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۹ – ملك – ۶۷ – ۳ – ۱

۱ – خداوند ، خالق آسمان ها است .

الذى خلق سبع سموت

خالق آفرينش

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱ – بقره – ۲ – ۱۶۴ – ۱،۱۸

۱ – آسمان ها و زمين (هستى) آفريده هاى خداوند يكتاست .

إن فى خلق السموت و الأرض

۱۸ – چگونگى جهان آفرينش (پيوند و ارتباط اجزاى آن با يكديگر و هماهنگى و هدفدارى آنها) حكايت از آفريننده اى واحد دارد .

إن فی خلق السموت و الأرض . .. لأیت لقوم یعقلون

از آنجا که آیه شریفه در مقام استدلال بر مسأله توحید است، به نظر می رسد: متعلق <یعقلون>; یعنی، آنچه محط اندیشه است، پیوند اجزای یک مجموعه از جهان با یکدیگر و ارتباط مجموعه ها با همدیگر و هدفداری آنهاست; زیرا پیوند، ارتباط و هدفداری جهان می تواند از خالقی یگانه و مدبری واحد حکایت کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۱ - ۶

۶ ابداع کننده هستی (خداوند) سزاوار تسبیح و منزه از داشتن شریک و فرزند

است.

سبحنه و تعلی عما یصفون. بدیع السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۲ - ۱،۲،۷،۱۰،۱۳

۱ تنها خدای مبدع آسمانها و زمین و آفریننده هستی و بی نیاز از شریک و فرزند، شایسته پروردگاری آدمیان است.

بدیع السموت . .. ذلکم الله ربکم لا إله إلا هو

در آیه گذشته، صفات متعددی برای خداوند ذکر گردید و <ذلکم> در این آیه اشاره به خداوند، با تمامی صفات مذکور در آیه پیشین، است.

۲ الوهیت، مخصوص پروردگاری است که آفریننده هستی و بی نیاز از شریک و فرزند است.

بدیع السموت و الأرض أنی یکون له ولد و لم تکن له صحبه . .. ذلکم الله

۷ آفریدگار همه هستی، تنها خدای شایسته پرستش است.

لا إله إلا هو خلق کل شیء فاعبدوه

۱۰ توحید در عبادت مهمترین وظیفه انسان در برابر پروردگار و خالق هستی است.

ذلکم الله ربکم . .. خلق کل شیء فاعبدوه

چون پس از بیان انحصار الوهیت در خداوند و بیان یکتایی او در خالقیت، امر به عبادت شده، چنین برمی آید که مهمترین وظیفه بنده در برابر خداوند عبادت و پرستش اوست.

۱۳ خداوند، ایجادکننده عالم و عهده دار امور همه موجودات هستی است.

خلق کل شیء فاعبدوه و هو علی کل شیء وکیل

مفاد جمله <و هو علی کل شیء وکیل>، پس از سخن از آفرینش، رد پندار کسانی است که در تدبیر عالم برای غیر خالق نقشی قائل باشند. به عبارت دیگر جمله أول توحید در خلق و جمله دوم توحید در امر را بیان می نماید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۴ - ۲

۲ تنها آفریدگار نظام هستی ، شایسته ربوبیت و تدبیر امور انسانهاست .

إن ربکم اللّه الذی خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۵ - ۱۴

۱۴ آنان که از طریق انـدیشه در ملکوت آسـمان ها و زمین (نیاز جهان هستی به مالك و هستی بخش) هـدایت نشونـد ، هیچ دلیلی دیگر نمی تواند آنان را هدایت کند .

فبأی حدیث بعده یؤمنون

توضیح برداشت پیش راهنمای این برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶ - ۵

۵ خدا ، آفریننده تمامی پدیده های جهان هستی است .

و ما خلق اللّه فی السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۴ - ۸

۸ قدرت پدید آوردن جهان و توانایِی برپا کردن جهان آخرت ، در انحصار خداوند است .

قل هل من شرکائکم . .. قل اللّه یبدؤا الخلق ثم یعیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۰ - ۷

۷- خداوند ، پدید آورنده آسمان ها و زمین (عالم آفرینش) است .

أفی الله شکّ فاطر السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳ - ۱

۱- آفریننده آسمان ها و زمین (جهان هستی) ، خداوند است .

خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۳

۵- آفرینش و تدبیر جهان از جانب خداوند ، دو اصل تفکیک ناپذیر در جهان بینی توحیدی است .

و ما خلقنا السماء . .. و جعلنا ... و هو الذی خلق ... کلّ فی فلك یسبحون

سیاق آیات در مقام ردّ اندیشه مشرکان است که برای خداوند مقام خالقیت، و برای خدایان خویش مقام تدبیر قائل بودند و خداوند در آیات پیشین مقام تدبیر و در این آیه مقام آفرینش را به خود نسبت داده و جدایی آن دو مقام را مردود دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۶ - ۳،۹

۳- خداوند ، خالق جهان طبیعت (آسمان ها ، زمین و انسان) است .

ربّکم ربّ السموت والأرض الذی فطرهنّ

۹- خالقیت خداوند نسبت به جهان ، دلیل ربوبیت انحصاری او نسبت به انسان و جهان است .

قال بل ربّکم ربّ السموت والأرض الذی فطرهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۵ - ۳

۳ - خداوند ، هستی بخش جهان آفرینش است .

اللّه نور السموت و الأرض

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که مقصود از نور، معنای کنایی و مجازی آن باشد; یعنی، نور وجود; چرا که جهان بدون هستی بخشی خداوند، در ظلمت و تاریکی عدم محض خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۹ - ۲

۲ - خداوند ، پدیدآورنده عالم است .

یبدئ اللّه الخلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۱ - ۳

۳ - همه

عالم آفریده خداوند است و هیچ کس ، جز او در آن نقش نداشته است .

هذا خلق اللّه فأرونی ماذا خلق الذین من دونه

جمله <هـذا خلق اللّه> اشـاره به خلق آسـمان ها و زمین و کوه ها و جنبـدگان و آب و گیاهان که در آیه قبل، از آنها سـخن رفته است و مجموعه آنها، عالم را تشکیل می دهند دارد. بنابراین، مراد از آن، آفرینش همه عالم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۶ - ۲

۲ - خداوندِ خالق عالم و مدبر امور آن ، آگاه به غیب و شهود است .

اللّه الذی خلق السموت و الأرض . .. یدبّر الأمر ... ذلک علم الغیب و الشهده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳ - ۴

۴ - تنها خداوند ، خالق جهان و روزی دهنده انسان ها است .

هل من خلق غیر اللّه یرزقکم من السماء و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۵

۵ - آفرینش ، مخصوص خدا است و او در آفرینش جهان هیچ شریکی ندارد .

أوَلم یروا أنّا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعمًا

تأکیـد خداونـد بر آفریـدگاری خویش (أنّا خلقنا) و نیز جلوه قـدرت خود دانسـتن پدیـده های جهان (ممّا عملت أیدینا أنعاماً) گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۸ - ۲۱

۲۱ - تنها خالق جهان ، شایسته توکل و اتکا کردن بر او در عرصه های زندگی

است .

لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض ليقولنّ اللّه . .. قل حسبى اللّه عليه يتوكّل ا

از ارتباط میان صدر آیه که در آن از خالقیت خدا سخن رفته است با ذیل آن، برداشت یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۹ - ۱۲

۱۲ - ربوبیت و تدبیر جهان از شؤون خالقیت خدا است .

بالذی خلق . .. ذلک ربّ العلمین

از این که خداوند برای ربوبیت خویش به خالقیتش استناد کرده، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۷ - ۱۱

۱۱ - عبادت و پرستش ، تنها شایسته آفریدگار جهان است ; و نه در شأن مخلوقات او .

و اسجدوا للّه الذی خلقهنّ إن کنتم إیّاه تعبدون

تقدیم <إیّاه> بر <تعبدون> علاوه بر رعایت فاصله آیات، می تواند برای حصر نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۹ - ۱۱

۱۱ - خداوند ، همواره در حال آفرینش و فیض مداوم در پهنه هستی است .

یخلق ما یشاء یهب لمن یشاء إنثًا و یهب لمن یشاء الذکور

با توجه به افعال مضارع (<یخلق>، <یهب> و <یشاء>) که بیانگر تجدد و تکرار فعل است، می توان برداشت بالا را استفاده نمود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۱۱ – ۳

۳ زیبایی ، شگفتی و ثمربخشی ، آمیخته به هم در مظاهر طبیعت و آفریده های خدا *

زوج بهیج . تبصره و ذکری ... ماء مبرکًا

...و النخل باسقت لها طلع نضيد . رزقًا ل

خداونـد در این آیـات، بـا یادآوری هر یک از نعمت هاو مظاهر طبیعت وصـفی حاکی از زیبایی و شـگفتی علمی نیز برای آن آورده است و در پایان به ثمر بخشی عینی آنها که تغـذیه خلق باشـد اشاره کرده است; یعنی، رزق های آفریـده خداوند یک بُعدی نیست و خداوند به وسیله آنها تنها تغذیه نمی کند; بلکه این روزی را با هنر و اسرار در می آمیزد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۴ - ۲،۳

۲ - خداوند ، خالق و آفریدگار انسان و جهان است .

ألا یعلم من خلق

۳ - خـالقیت خداونـد نسبت به انسـان و جهـان ، نشـانه و دلیل احاطه علمی او به تمامی حقایق جهان و نیز راز دل ها و ضـمیر انسان ها است .

إنّه علیم بذات الصدور . ألا یعلم من خلق

عبـارت <ألاـ یعلم من خلق> در مقـام تبیین چگونگی آگاهی خداونـد، از راز دل ها و ضـمیر انسان ها است; یعنی، خـداوند چون خالق و آگاه به خلق خویش است، پس به راز دل ها و نهان آدمیان آگاهی دارد.

خالق ابر های باران زا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۲ - ۴

۴ خداوند پدید آورنده ابر های سنگین پرباران

و ینشیء السحاب الثقال

<انشاء> (مصدر ینشـیء) به معنای خلق کردن و پدید آوردن است. <سـحاب> (جمع سحابه) به معنای ابرهای باران زاست و <ثقال> نیز جمع ثقیل است.

خالق اسب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٩ - نحل

- ۱۶ - ۸ - ۱

۱- خداوند خالق و آفریننده اسب ، استر و الاغ است .

و الأنعم خلقها لكم . .. و الخيل و البغال و الحمير

خالق استر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۱

۱- خداوند خالق و آفریننده اسب ، استر و الاغ است .

و الأنعم خلقها لكم . .. و الخيل و البغال و الحمير

خالق الاغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۱

۱- خداوند خالق و آفریننده اسب ، استر و الاغ است .

و الأنعم خلقها لكم . .. و الخيل و البغال و الحمير

خالق انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۱ - ۳،۴

۳ - خداوند ، آفریننده همه انسان های موجود و پیشینیان آنان است .

اعبدوا ربكم الذى خلقكم و الذين من قبلكم

۴ - آفریننده انسان ها ، تنها حقیقتی که شایسته و بایسته پرستش است .

اعبدوا ربكم الذى خلقكم و الذين من قبلكم

توصیف خداوندبه <خالقیت> - پس از بیان لزوم پرستش او - بیانگر علت لزوم پرستش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۱۶

۱۶ - خداوند ، آفریننده انسانهاست .

فتوبوا إلی بارئکم . .. ذلکم خیر لکم عند بارئکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲ - ۱

۱ تنها خداوند پدیدآورنده آسمانها و زمین و برقرار کننده نور و ظلمت، آفریدگار آدمی است.

الحمد للّه الذی خلق . ..

هو الذی خلقکم من طین

معرفه بودن مسندالیه <هو> و مسند <الذی> مفید حصر است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۹۸ – ۱

۱ پدیدآورنده آدمیان، تنها خداوند است.

و هو الذی أنشأکم من نفس وحده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۱۱ – ۱

۱ خداوند، خالق همه انسانهاست.

و لقد خلقنکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۵۴ – ۱

۱ خداوند ، آفریدگار آسمان ها و زمین و پروردگار راستین انسانهاست .

إن ربکم اللّه الذی خلق السموت و الأرض فی سته أیام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۴ – ۱

۱– خداوند ، خالق و آفریننده انسان است .

خلق الإنسن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۷ – ۱

۱- خداوند ، آفریننده انسان و پدیدآورنده او در صحنه هستی

خلقنه من قبل و لم یک شیئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۶ - ۳

۳- خداوند ، خالق جهان طبیعت (آسمان ها ، زمین و انسان) است .

ربّکم ربّ السموت والأرض الذی فطرهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۶ - ۱

۱ - انسان ، آفریده خدا وزنده به اراده او است .

و هو الذی أحیاکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۲ - ۱

۱ - خدا ، خالق

و آفریدگار انسان

و لقد خلقنا الإنسن

<من> در <من سلاله> ابتدائیه و <سلاله> به معنای <عصاره> است. <طین> به اجزائی از خاک که با آب درآمیخته باشد (گِل) گفته می شود. <من طین> متعلق به عامل مقدر و صفت برای <سلاله> است; یعنی: به یقین ما انسان را از عصاره ای از <گِل>آفریدیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۸ - ۶

۶ - تدبیر حیات بشر ، به دست آفریدگار او است و نه بت های ناتوان .

هل یسمعونکم . .. فإنّهم عدوٌّ لی ... الذی خلقنی فهو یهدین

<فاء> تفریعیه در <فهو یهدین> می رساند که تدبیر و هدایت، مترتب بر خلقت است و کار تدبیر از آفرینش جدا نیست تا این که خدا خالق باشد; ولی تدبیر امور انسان ها به دست موجودات دیگر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۹ - ۱

۱ - پروردگار جهانیان ، خدایی است که پس از آفرینش بشر ، او را از غذاهاو نوشیدنی ها بهره مند ساخته است .

الذی خلقنی . .. و الذی هو یطعمنی و یسقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۴ - ۲

۲ - خدای یگانه ، آغازگر آفرینش انسان و بازگرداننده وی در روز رستاخیز

أمّن یبدؤا الخلق ثمّ یعیده

مفسران برآنند که مراد از <إعاده> بازگرداندن در روز قیامت است. بنابراین مراد از <الخلق> آفرینش انسان خواهد بود; یعنی، کیست آن که آفرینش انسان را آغاز می کند، آن گاه در آخرت او را برمی گرداند.

سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۲۰ – ۲

۲ – خداوند ، پدید آورنده انسان ها از خاک است .

خلقکم من تراب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۵۴ – ۳

۳ – خداوند ، تنها آفریننده انسان ها است .

اللّه الذی خلقکم

معرفه بودن مبتدا و خبر اختصاص و حصر را می رساند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۹۶ – ۱

۱ – خداوند ، خالق انسان و مصنوعات و دست ساخته های او (بت و . . .)

و اللّه خلقکم و ما تعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۲۷ – ۳،۱۲

۳ – خداوند ، خالق و آفریدگار ذات و سرشت انسان

إلّا الذی فطرنی

۱۲ – شأن هدایت گری ، شایسته آفریدگاری که سرشت انسان را پدید آورده و از خواست ها و نیاز های او آگاه است .

إلّا الذی فطرنی فإنّه سیهدین

تفریع هدایت بر جنبه آفریدگاری و سرشت آفرینی خداوند، حکایت از مطلب یاد شده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۶ - ۱

۱ خداوند ، خالق انسان و آگاه به وسوسه های نفسانی وی

و لقد خلقنا الإنسن و نعلم ما توسوس به نفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۲ - ۱

۱ - خداوند ، خالق و آفریننده انسان ها

هو الذی خلقکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۳

۴،۵،۷ -

۴ - خداوند ، انسان را تصویر کرد و به وی صورت انسانی بخشید .

و صوّرکم

۵ - انسان ها ، از نظر ظاهر و باطن و صورت و سیرت ، زیبا و نیکو آفریده شده اند .

فأحسن صورکم

<صورت> عبارت است از هیئت هر شیئی که با آن، از دیگر اشیا جدا و ممتاز می گردد و شامل شکل ظاهری و هویت باطنی آن می شود (اقتباس از مفردات راغب).

۷ - آفرینش انسانِ زیبا صورت و نیکو سیرت ، مظهر و مصداق روشن آفرینش بحق خدا است .

خلق السموت و الأرض بالحقّ و صوّرکم فأحسن صورکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۴ - ۲،۳

۲ - خداوند ، خالق و آفریدگار انسان و جهان است .

ألا یعلم من خلق

۳ - خالقیت خداوند نسبت به انسان و جهان ، نشانه و دلیل احاطه علمی او به تمامی حقایق جهان و نیز راز دل ها و ضمیر انسان ها است .

إنّه علیم بذات الصدور . ألا یعلم من خلق

عبارت <ألا- یعلم من خلق> در مقام تبیین چگونگی آگاهی خداوند، از راز دل ها و ضمیر انسان ها است; یعنی، خداوند چون خالق و آگاه به خلق خویش است، پس به راز دل ها و نهان آدمیان آگاهی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۴ - ۱

۱ - خداوند ، خالق انسان و تکثیر کننده نسل او است .

قل هو الذی ذرأکم

<ذرأ>به معنای خلق است; ولی به گفته برخی از مفسران و اهل لغت، این واژه در آیه شریفه و آیات

مشابه آن، به معنای تکثیر نسل بشر است (برگرفته از لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۷ - ۱،۲

۱ - خداوند ، آفریننده انسان ها است .

الذی خلقک

۲ - خداوند ، انسان را آفریده ای کامل و به دور از هرگونه کاستی و اضافات قرار داده است .

فسوّیک

عبارت <سوّاک>; یعنی، تو را <سَوِیّ> قرار داد. <سَوِیّ> به چیزی گفته می شود که اندازه و کیفیت آن، از افراط و تفریط به دور باشد.(مفردات راغب)

خالق انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۹ - ۱

۱ خداوند ، آفریننده همه انسانهاست .

هو الذی خلقکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۱ - ۸

۸ خداوند ، آفریننده و خالق انسانهاست .

إن أجری إلّا علی الذی فطرنی

<فطر> (مصدر فطرنی); یعنی ، آفریدن چیزی که سابقه وجودی نداشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۶۱ – ۱۲

۱۲ تنها خداوند ، ایجاد کننده و آفریننده انسان است .

هو أنشأكم من الأرض

ترکیبهایی هماننـد <هو أنشأکم> و <أنا قمت> که مبتدا در معنا ، فاعل است و خبر آن فعل می باشد گاهی حاکی از تأکید است و گاهی دلالت بر حصر دارد. قرینه های موجود در کلام ، تعیین کننده آن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱۹ – ۳

۳ خداوند ، آفریدگار و خالق انسانهاست .

و لذلک خلقهم

جلد – نام سوره –

سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۳ - ۱

۱ موجودیّت انسان ها و دستاوردهایشان و نیز تدبیر امور آنان به دست خداوند است .

أفمن هو قائم علی کل نفس بما کسبت

از معانی <قائم بودن بر کسی> در اختیار داشتن شؤون آن کس، تدبیر امور او و قوام بخشیدن به وی است. حرف <باء> در <بماکسبت> به معنای <مع> می باشد و مراد از <من هو...> خداوند متعال است. بنابراین مفاد <من هو قائم...> این است که: خداوند قوام بخش انسانها و هر آنچه به دست آورده اند می باشد و او شؤون ایشان را اداره و تدبیر می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۸

۸ - خداوند ، آفریننده و خالق انسان ها است .

الذی فطرنا

<فَطْر> از ماده <فطره> به معنای ابتدا و اختراع است و <فطر اللّه الخلق>; یعنی آنها را آفرید و آغاز کرد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۳

۳- خدا ، خالق و آفریدگار انسان ها است .

فإنّا خلقنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۱ - ۱

۱ - خداوند ، آغازکننده آفرینش انسان و بازآفریننده او پس از مرگ است .

اللّه یبدؤا الخلق ثمّ یعیده

<ال> در <الخلق> عهد است و مراد از آن به قرینه <ترجعون> انسان هایند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۱ - ۱

۱ - خدا ، خالق و آفریننده انسان ها

و اللّه خلقکم

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۶۷ – ۱

۱ – خداوند ، خالق و آفریدگار انسان ها است .

هو الذی خلقکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۲۱ – ۹

۹ – خداوند ، خالق و آفریننده انسان ، برای نخستین بار و بدون سابقه و پیشینه

و هو خلقکم أوّل مرّه

مراد از <أوّل مرّه> زمانی است که آدمی وجود نداشت و خداوند او را آفرید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۳ – ۱

۱ – خداوند ، خالق انسان ها

خلق الإنسن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۵۷ – ۱

۱ – خداوند ، خالق و آفریدگار انسان ها

نحن خلقنکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۳۹ – ۲

۲ – خداوند ، خالق انسان ها است .

إنّا خلقنهم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۹ – نوح – ۷۱ – ۱۴ – ۱

۱ – خداوند ، خالق انسان ها است .

و قد خلقكم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۱۱ – ۴

۴ – تنها خداوند ، خالق بشر است .

و من خلقت وحيدًا

در اين برداشت، كلمه <وحيداً> حال براى <تا> در <خلقت> گرفته شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲ – ۹

۹ – خداوند ، انسان را شنوا و بينا آفريد .

فجعلنه سميعًا بصيرًا

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۸ - ۱

۱ - خداوند ، خالق و آفریدگار انسان ها است .

نحن خلقنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۰ - ۱

۱ - خداوند ، خالق انسان ها است .

ألم نخلقکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۸ - ۱

۱ - خداوند ، آفریدگار تمامی انسان ها است .

و خلقنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۸ - ۴

۴ - خداوند ، خالق همه انسان ها است .

قتل الإنسن . .. من أیّ شیء خلقه

فاعل <خلقه> خداوند است که سیاق آیه شریفه، از تصریح به آن بی نیاز ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۹ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده انسان ها است .

خلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۴ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده انسان ها است .

لقد خلقنا الإنسن فی کبد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۴ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده انسان ها است .

لقد خلقنا الإنسن

حرف <ال> در <الإنسان>، یا برای استغراق جنس است و یا به حقیقت و ماهیت او نظر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۲ - ۱

۱ - خداوند ، خالق انسان ها است .

خلق الإنسن

خالق انگور

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۱

۱ - آب ، زمین ، دانه ها ، انگور ، سبزیجات ، زیتون ، نخل ، بوستان ، میوه و چراگاه ، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام های آنان است .

متعًا لکم و لأنعمکم

<متاعاً> اسم مصـدر و جایگزین مصـدر حقیقی <تمتیعاً>(بهره رسانـدن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

خالق باغ ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۶ - ۲

۲ - خداوند ، بهوجودآورنده بستان ها و آفریننده درختان و منظره های سرسبز و خرّم

لنخرج . .. جنّت ألفافًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۱

۱ - آب ، زمین ، دانه ها ، انگور ، سبزیجات ، زیتون ، نخل ، بوستان ، میوه و چراگاه ، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام های آنان است .

متعًا لکم و لأنعمکم

<متاعاً> اسم مصـدر و جایگزین مصـدر حقیقی <تمتیعاً>(بهره رسانـدن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

خالق بذر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۳۲ – ۱

۱ – آب ، زمین ، دانه ها ، انگور ، سبزیجات ، زیتون ، نخل ، بوستان ، میوه و چراگاه ، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام

های آنان است .

متعًا لکم و لأنعمکم

<متاعاً> اسم مصدر و جایگزین مصدر حقیقی <تمتیعاً>(بهره رساندن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

خالق تاریکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۱

۱ ستایش مخصوص خداوند آفریدگار آسمانها و زمین و پدیدآورنده تاریکیها و نور است.

الحمد للّه الذی خلق السموت و الأرض و جعل الظلمت و النور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲ - ۱

۱ تنها خداوند پدیدآورنده آسمانها و زمین و برقرار کننده نور و ظلمت، آفریدگار آدمی است.

الحمد للّه الذی خلق . .. هو الذی خلقکم من طین

معرفه بودن مسندالیه <هو> و مسند <الذی> مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۰ - ۲

۲ - خداوند ، شب و تاریکی آن را پدید آورده است .

و جعلنا الّیل لباسًا

خالق جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۲ – ۷

۷ – ساحران مؤمن ، معتقد به رسالت موسی (ع) از جانب خالق آنان

علی ما جاءنا من البیّنت والذی فطرنا

خالق چشم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۹ – ۱۰

۱۰ – خداوند ، ایجاد کننده گوش و چشم و قلب در انسان است .

و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده

خالق چهارپایان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵

- انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۱

۱ خداوند، آفریننده برخی از چهارپایان برای بارکشی و برخی برای خوراک و پوشاک است.

و هو الذی أنشأ . .. و من الأنعم حموله و فرشا

<فرشا> در قبال <حموله> قرار گرفته که بیانگر گروه دیگری از چهارپایان است. یعنی حیواناتی که از پوست آنها می توان به عنوان فرش استفاده کرد یا به جهت کوچکی جثه و نزدیک بودن به زمین بدانها فرش اطلاق شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵ - ۱

۱- خداوند ، خالق و آفریننده انعام (گاو ، شتر و گوسفند) است .

و الأنعم خلقها لکم

<نعم> در لغت تنها به شتر گفته می شود; زیرا که بزرگ ترین نعمتها در نزد عرب است، ولی جمع آن <أنعام> به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۲ - ۱

۱ - خداوند ، مرکب هایی مانند کشتی (چهارپایان و . . .) در سیر و سفر و حمل و نقل برای بشر آفریده است .

و خلقنا لهم من مثله ما یرکبون

خالق خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۳ - ۱

۱- تنها خداوند ، آفریننده شب و روز و خورشید و ماه است .

و هو الذی خلق الّیل والنهار والشمس والقمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۳۷ – ۹

۹ – خداوند ، آفریدگار شب و روز و خورشید و ماه

و

من ءايته . .. الذى خلقهنّ

خالق درخت آتش زا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۳ - ۵

۵ - بهره گیری مسافران و بیابان گردان ، از درخت آتش زنه برای روشن کردن آتش ، حکمت دیگر ایجاد آن از سوی خداوند

و متعًا للمقوين

<مقوین> مشتق از <قوایه> (زمین بی آب و گیاه، بیابان) است; یعنی، مسافران و بیابان گردان.

خالق درخت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۹ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده زیتون و درخت خرما و رویاننده آن از زمین است .

فأنبتنا فيها . .. زيتونًا و نخلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۱

۱ - آب ، زمین ، دانه ها ، انگور ، سبزیجات ، زیتون ، نخل ، بوستان ، میوه و چراگاه ، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام های آنان است .

متعًا لكم و لأنعمكم

<متاعاً> اسم مصدر و جایگزین مصدر حقیقی <تمتیعاً>(بهره رساندن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

خالق درختان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۱۶ – ۲

۲ – خداوند ، بهوجودآورنده بستان ها و آفریننده درختان و منظره های سرسبز و خرّم

لنخرج . .. جنّت ألفافًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۳۰ – ۱

۱ – درختان تنومند و ستبر بوستان ها

، آفریده های خداوند و از منابع تغذیه انسان ها

و حدائق غلبًا

<غُلْب> جمع <غَلْباء> است. به کسی که دارای گردنی کلفت باشد <اغلب> و <غلباء> گفته می شود (لسان العرب). در آیه شریفه، گرچه بوستان ها به ضخامت و ستبری توصیف شده اند; ولی این وصف به قرینه <أنبتنا> در آیات پیشین ناظر به قطور بودن درختان آن بوستان ها است.

خالق روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۳ - ۱

۱- تنها خداوند ، آفریننده شب و روز و خورشید و ماه است .

و هو الذی خلق الّیل والنهار والشمس والقمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۶ - ۴

۴ - نادیده گرفتن خدا در پدید آوردن نظام شب و روز ، امری شگفت و دور از انتظار

ألم یروا أنّا جعلنا الّیل لیسکنوا فیه و النهار مبصرًا

تعبیر <ألم یروا. ..> لحنی است آمیخته با شگفتی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۱ - ۸

۸ - عبادت و حاجت خواهی ، تنها در پیشگاه کسی روا است که آفریننده شب و روز و تأمین کننده روزی و نیاز های انسان ها است .

و قال ربّکم ادعونی أستجب لکم . .. اللّه الذی جعل لکم... النهار مبصرًا

از ارتباط میان این آیه با آیه قبل که درباره ربوبیت خداوند و عبادت او و حاجت خواهی از او بود برداشت یاد شده به دست

می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ –

۹ - خداوند ، آفریدگار شب و روز و خورشید و ماه

و من ءایته . .. الذی خلقهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند ، پس از آفرینش آسمان و ایجاد شب و روز ، زمین را گسترده ساخت .

و الأرض بعد ذلک دحیها

<دحو> به معنای بسط دادن و گستراندن است. <بعد ذلک> دلالت دارد که این مرحله از تغییرات زمین، پس از تعدیل آسمان و آفرینش تاریکی و روشنی بوده است. مراد از بسط زمین به قرینه آیات بعد آماده سازی و سامان دادن آن برای زندگانی جانداران است.

خالق زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۴ - ۱

۱ - آسمان ها و زمین (هستی) آفریده های خداوند یکتاست .

إن فی خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۱

۱ ستایش مخصوص خداوند آفریدگار آسمانها و زمین و پدیدآورنده تاریکیها و نور است.

الحمد للّه الذی خلق السموت و الأرض و جعل الظلمت و النور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲ - ۱

۱ تنها خداوند پدیدآورنده آسمانها و زمین و برقرار کننده نور و ظلمت، آفریدگار آدمی است.

الحمد للّه الذی خلق . .. هو الذی خلقکم من طین

معرفه بودن مسندالیه <هو> و مسند <الذی> مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۱،۵

۱

جز خداوند خالق آسمانها و زمین و روزی دهنده بی نیاز، کسی شایسته ولایت و سرپرستی نیست.

قل أغیر اللّه أتّخذ ولیا فاطر السموت و الأرض و هو یطعم و لا یطعم

۵ خداوند ابداع کننده آسمانها و زمین، بدون الگو و نمونه قبلی

قل أغیر اللّه أتّخذ ولیا فاطر السموت و الأرض

<فطر> به معنای ایجاد و اختراع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۱

۱ یگانه آفریدگار آسمانها و زمین خداوند است.

و هو الذی خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۹ - ۳،۴

۳ پدیدآورنده آسمانها و زمین شایسته ربوبیت و عبادت خالصانه است، نه پدیده های جهان.

لا أحب الأفلین . .. إنی وجهت وجهی للذی فطر السموت و الأرض

۴ خداوند یگانه، پدیدآورنده آسمانها و زمین است.

فطر السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۱ - ۱،۲

۱ خداوند پدیدآورنده آسمان و زمین بدون داشتن نمونه و الگویی از قبل

بدیع السموت و الأرض

<بـدیع> یعنی خالق و مبـدع. معنی بـدیع بودن خداونـد آن است که او خالق و مخترع عالم است، بدون الگو گرفتن از نمونه

ای. (لسان العرب).

۲ خداوند ایجادکننده آسمانها و زمین از کتم عدم است.

بدیع السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۲ - ۱

۱ تنها خدای مبدع آسمانها و زمین و آفریننده هستی و بی نیاز از شریک و فرزند، شایسته پروردگاری آدمیان است.

بدیع السموت .

.. ذلکم الله ربکم لا إله إلا هو

در آیه گذشته، صفات متعددی برای خداوند ذکر گردید و <ذلکم> در این آیه اشاره به خداوند، با تمامی صفات مذکور در آیه پیشین، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳ - ۴

۴ خدا ، آفریدگار آسمان ها و زمین است .

الذی خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷ - ۱

۱ خداوند ، آفریننده آسمان ها و زمین است .

هو الذی خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۲

۱۲ خداوند پدید آورنده آسمان ها و زمین

فاطر السموت و الأرض

<فاطر> به معنای آفریننده و پدید آورنده است. این کلمه در آیه شریفه مناداست ; یعنی: <یافاطر السموت>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۰ - ۷

۷- خداوند ، پدید آورنده آسمان ها و زمین (عالم آفرینش) است .

أفی الله شکّ فاطر السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۱

۱- تنها خداوند ، خالق و آفریننده آسمان ها و زمین و نازل کننده باران از آسمان است .

الله الذی خلق السموت و الأرض و أنزل من السّماء ماء

معرفه بودن مسندالیه و مسند، یعنی <الله> و <الذی خلق . ..>، دلالت بر حصر می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳ - ۱۸

۱- آفریننده آسمان

ها و زمین (جهان هستی) ، خداوند است .

خلق السموت و الأرض

۸- مشرکان صدراسلام ، خداوند را خالق آسمان ها و زمین می دانستند .

أتی أمر الله . .. سبحنه و تعلی عمّا یشرکون ... خلق السموت و الأرض بالحق تعلی

<تعالی عمّا یشرکون> مربوط به <بالحق> است و نه <خلق السماوات و . ..> بنابراین، از آیه استفاده می شود که مشرکان درباره اصل خلقت عالم حرفی نداشته اند، بلکه درباره حقانیت و پوچی آن توهماتی داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴ - ۱،۲،۴

۱- قرآن ، پیامی فرود آمده از سوی آفریدگار زمین و آسمان ها است .

تنزیلاً ممّن خلق الأرض والسموت

<تنزیلاً> مصدر به معنای اسم مفعول و حال برای <القرآن> در آیات قبل است.

۲- خداوند ، آفریدگار آسمان های مرتفع و زمین است .

خلق الأرض والسموت العلی

<علی> (جمع <علیاً>) اسم تفضیل است. توصیف آسمان ها به مرتفع تر از زمین، برای بیان عظمت رتبه ها و مقام هایی است که قرآن از آن مقام، به زمین نازل شده است.

۴- توان مندی خداوند بر آفرینش زمین و آسمان های مرتفع ، نشان اقتدار او برفرستادن کتابی شایسته ، برای تذکر و اندرز انسان ها است .

تذکره. .. ممّن خلق الأرض والسموت العلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۶ - ۳

۳- خداوند ، خالق جهان طبیعت (آسمان ها ، زمین و انسان) است .

ربّكم ربّ السموت والأرض الذى فطرهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان

۲۵ - ۵۹ - ۱

۱ خداوند ، آفریدگار آسمان ها و زمین و پدیده های میان آنها است .

الذی خلق السموت و الأرض و ما بینهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۰ - ۱

۱ - خدا ، آفریدگار یگانه آسمان ها و زمین

أمّن خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۱ - ۱،۲

۱ - مشرکان ، به خالقیت خدا برای آسمان ها و زمین و مسخِّر کننده خورشید و ماه ، باور داشتند .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض و سخّر الشمس و القمر لیقولنّ اللّه

۲ - خداوند ، خالق آسمان ها و زمین است .

من خلق السموت و الأرض . .. لیقولنّ اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۸ - ۲

۲ - آفریننده آسمان ها و زمین و تمامی موجودات ، خداوند است .

ما خلق اللّه السموت و الأرض و ما بینهما إلاّ بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۵ - ۱

۱ - خالق آسمان ها و زمین ، در بینش کافران نیز خداوند است .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض ليقولنّ اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۴ – ۱

۱ – خداوند ، آفریننده آسمان ها و زمین و موجودات میان آن دو است .

اللّه الذی خلق السموت و الأرض و ما بینهما

جلد – نام سوره – سوره – آیه

- فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱ - ۴

۴ - خداوند ، خالق آسمان ها و زمین است .

فاطر السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۱ - ۱،۵،۷،۸

۱ - آسمان ها و زمین ، مخلوق خدا و جلوه ای از قدرت او است .

أوَلیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر

۵ - شگفت آور بودن انکار معاد و احیای مجدد انسان ها ، به قدرت خدای خالق آسمان ها و زمین

أوَلیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن یخلق مثلهم

برداشت یاد شده از آن جا است که استفهام در <أوَلیس . ..> استفهام انکاری و تعجبی است.

۷ - مشرکان و کافران در عصر بعثت علی رغم انکار قیامت و تجدید حیات انسان ها به آفرینش آسمان ها و زمین به وسیله خدا و نیز به عظمت این آفرینش اعتقاد داشتند .

أوَلیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن یخلق مثلهم

برداشت یاد شده با توجه به این حقیقت است که استدلال خداوند بر اثبات معاد، از راه آفرینش نخستین جهان طبیعت، مبتنی بر این حقیقت است که کافران، جهان طبیعت را جلوه ای از خالقیت و قدرت خدا بدانند.

۸ - خداوندِ خالق آسمان ها و زمین ، بر آفرینش مجدد انسان ها و نوسازی آدمی از ذرات پوسیده و پراکنده دنیایی او در قیامت ، توانا است .

قال من یحیِ العظم و هی رمیم . .. أوَلیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن ی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۷

۱ - خداوند ، خالق آسمان ، زمین و پدیده های میان آن دو است .

و ما خلقنا السماء و الأرض و ما بینهما بطلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۱

۱ - خدا ، آفریننده آسمان ها و زمین

خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۶ - ۵

۵ - خداوند ، خالق آسمان ها و زمین است .

اللهمّ فاطر السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۹ - ۱۰

۱۰ - تنها آفریننده زمین ، پرورد گار و مدبر عالم هستی است .

لتکفرون بالذی خلق الأرض . .. ذلک ربّ العلمین $<ذلک> به قرینه مقام خبر مقدم و <ر

<ذلک> به قرینه مقام خبر مقدم و <ربّ العالمین> مبتدای مؤخر است و تقدیم خبر بر مبتدا مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۱ - ۱

۱ - خداند ، آفریننده آسمان ها و زمین

فاطر السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۴ - ۱

۱ - خداوند ، خالق و آفریدگار آسمان ها و زمین است .

هو الذی خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۳ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده آسمان ها و زمین است .

خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ -

۱ - خداوند ، خالق و آفریننده آسمان ها و زمین است .

اللّه الذی خلق سبع سموت و من الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۵ - ۲

۲ - خداوند ، زمین را به گونه ای آفرید که در جهت مصالح و منافع انسان ها باشد .

جعل لکم الأرض ذلولاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند ، پس از آفرینش آسمان و ایجاد شب و روز ، زمین را گسترده ساخت .

و الأرض بعد ذلک دحیها

<دحو> به معنای بسط دادن و گستراندن است. <بعد ذلک> دلالت دارد که این مرحله از تغییرات زمین، پس از تعدیل آسمان و آفرینش تاریکی و روشنی بوده است. مراد از بسط زمین به قرینه آیات بعد آماده سازی و سامان دادن آن برای زندگانی جانداران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۱

۱ - آب ، زمین ، دانه ها ، انگور ، سبزیجات ، زیتون ، نخل ، بوستان ، میوه و چراگاه ، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام های آنان است .

متعًا لکم و لأنعمکم

<متاعاً> اسم مصدر و جایگزین مصدر حقیقی <تمتیعاً>(بهره رساندن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

خالق زندگی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۴۳ – ۶

۶ – معاد ، حضور

موجودات در پیشگاه آفریننده مرگ و زندگی است .

إنّا نحن نحیی و نمیت و إلینا المصیر

خالق زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۹ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده زیتون و درخت خرما و رویاننده آن از زمین است .

فأنبتنا فیها . .. زیتونًا و نخلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۱

۱ - آب ، زمین ، دانه ها ، انگور ، سبزیجات ، زیتون ، نخل ، بوستان ، میوه و چراگاه ، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام های آنان است .

متعًا لکم و لأنعمکم

<متاعاً> اسم مصـدر و جایگزین مصـدر حقیقی <تمتیعاً>(بهره رسانـدن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

خالق سبزیجات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۱

۱ - آب ، زمین ، دانه ها ، انگور ، سبزیجات ، زیتون ، نخل ، بوستان ، میوه و چراگاه ، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام های آنان است .

متعًا لکم و لأنعمکم

<متاعاً> اسم مصـدر و جایگزین مصـدر حقیقی <تمتیعاً>(بهره رسانـدن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر

علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

خالق شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۳ - ۱

۱- تنها خداوند ، آفریننده شب و روز و خورشید و

ماه است .

و هو الذی خلق الّیل والنهار والشمس والقمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۷ - ۱

۱ آفرینش شب ، همچون لباس و پوشش ، تنها به قدرت خدا است .

و هو الذی جعل لکم الّیل لباسًا

جمله <و هو الـذی جعـل لکم اللیـل لباسـاً> برای حصـر است و از نوع حصـر إفرادی است; یعنی، تنهـا خـدا شب را همچون پوشش برای انسان قرار داد; نه قدرتی دیگر. گفتنی است در این جمله، شب به لباس و پوشش تشبیه شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۶ - ۴

۴ - نادیده گرفتن خدا در پدید آوردن نظام شب و روز ، امری شگفت و دور از انتظار

ألم یروا أنّا جعلنا الّیل لیسکنوا فیه و النهار مبصرًا

تعبیر <ألم یروا. ..> لحنی است آمیخته با شگفتی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۱ - ۸

۸ - عبادت و حاجت خواهی ، تنها در پیشـگاه کسـی روا است که آفریننـده شب و روز و تأمین کننده روزی و نیاز های انسان ها است .

و قال ربّکم ادعونی أستجب لکم . .. اللّه الذی جعل لکم... النهار مبصرًا

از ارتباط میان این آیه با آیه قبل که درباره ربوبیت خداونـد و عبادت او و حاجت خواهی از او بود برداشت یاد شده به دسـت می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۳۷ – ۹

۹ – خداوند ، آفریدگار شب و روز و

خورشید و ماه

و من ءایته . .. الذی خلقهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۰ - ۲

۲ - خداوند ، شب و تاریکی آن را پدید آورده است .

و جعلنا الّیل لباسًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند ، پس از آفرینش آسمان و ایجاد شب و روز ، زمین را گسترده ساخت .

و الأرض بعد ذلک دحیها

<دحو> به معنای بسط دادن و گستراندن است. <بعد ذلک> دلالت دارد که این مرحله از تغییرات زمین، پس از تعدیل آسمان و آفرینش تاریکی و روشنی بوده است. مراد از بسط زمین به قرینه آیات بعد آماده سازی و سامان دادن آن برای زندگانی جانداران است.

خالق شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵ - ۱

۱- خداوند ، خالق و آفریننده انعام (گاو ، شتر و گوسفند) است .

و الأنعم خلقها لکم

<نعم> در لغت تنها به شتر گفته می شود; زیرا که بزرگ ترین نعمتها در نزد عرب است، ولی جمع آن <أنعام> به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۱۷ – ۳

۳ – شتر ، مخلوق خداوند و آفریده ای هدف دار است .

أفلاینظرون إلی الإبل کیف خلقت

در آیه شریفه، گرچه سخن از آفریننده شتر به میان نیامده است; ولی سیاق آیات که در مقام برشمردن نعمت های خداوند، توجّه دادن انسان به قدرت مندی

او و ضرورت معاد می باشد بیانگر این است که خداوند، آن را خلق کرده و آفریدن آن لغو نبوده است.

خالق طبیعت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۷ – ۱

۱– پدیده های روی زمین و مظاهر طبیعت ، آفریده های خداوند و زینت بخش زمین است .

إنّا جعلنا ما علی الأرض زینه لها

خالق قلب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۹ – ۱۰

۱۰ – خداوند ، ایجاد کننده گوش و چشم و قلب در انسان است .

و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده

خالق کوه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۱۰ – ۱

۱ – خداوند ، پدید آورنده کوه های استوار در زمین

و جعل فیها روسی

<رواسی> (جمع <راسیه>) به معنای کوه های استوار است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۲۷ – ۱

۱ – آفرینش کوه های استوار و بلند در زمین ، از سوی خداوند

و جعلنا فیها روسی شمخت

<رواسی> به معنای کوه های استوار و پابرجا و <شامخات> به معنای <مرتفعات> (کوه های بلند) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۷ - ۲

۲ - خداوند ، آفریننده کوه های استوار و مستحکم است .

ألم نجعل . .. و الجبال أوتادًا

خالق گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵ - ۱

۱- خداوند ، خالق و آفریننده انعام (

گاو ، شتر و گوسفند) است .

و الأنعم خلقها لکم

<نعم> در لغت تنها به شتر گفته می شود; زیرا که بزرگ ترین نعمتها در نزد عرب است، ولی جمع آن <أنعام> به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود.

خالق گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵ - ۱

۱- خداوند ، خالق و آفریننده انعام (گاو ، شتر و گوسفند) است .

و الأنعم خلقها لکم

<نعم> در لغت تنها به شتر گفته می شود; زیرا که بزرگ ترین نعمتها در نزد عرب است، ولی جمع آن <أنعام> به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود.

خالق گوش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۹ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، ایجاد کننده گوش و چشم و قلب در انسان است .

و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده

خالق گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳ - ۳

۳ خداوند ، آفریننده گیاهان و میوه جات در زمین

و من کل الثمرت جعل فیها زوجین اثنین

<ثمرات> (جمع ثمره) به معنای میوه ها و نیز درختان است (برگرفته شده از قاموس المحیط).

خالق ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۳ - ۱

۱- تنها خداوند ، آفریننده شب و روز و خورشید و ماه است .

و هو الذی خلق الّیل والنهار والشمس والقمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۷ - ۹

۹ - خداوند

، آفریدگار شب و روز و خورشید و ماه

و من ءایته . .. الذی خلقهنّ

خالق مراتع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۱

۱ - آب ، زمین ، دانه ها ، انگور ، سبزیجات ، زیتون ، نخل ، بوستان ، میوه و چراگاه ، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام های آنان است .

متعًا لکم و لأنعمکم

<متاعاً> اسم مصدر و جایگزین مصدر حقیقی <تمتیعاً>(بهره رساندن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

خالق مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۳ - ۶

۶ - معاد ، حضور موجودات در پیشگاه آفریننده مرگ و زندگی است .

إنّا نحن نحیی و نمیت و إلینا المصیر

خالق مصنوعات انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۶ - ۱

۱ - خداوند ، خالق انسان و مصنوعات و دست ساخته های او (بت و . . .)

و اللّه خلقکم و ما تعملون

خالق معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۲۵

۲۵ خداوند آفریننده چیزهایی که اهل شرک آنها را معبود ها و خدایان خویش پنداشته اند .

أم جعلوا لله شركاء . .. قل الله خالق كل شیء

از مصداقهای مورد نظر برای <شیء> معبودهای اهل شرک است.

خالق موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ -

۱۰ – ۲

۱۰ < عن ابی عبداللّه (ع) فی قوله : < الحمد للّه > قال : الشکر للّه و فی قوله < رب العالمین > قال : خالق المخلوقین . . . ;

از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: <الحمد للّه> یعنی شکر مخصوص خداست و <رب العالمین> یعنی، آفریننده مخلوقات . ..>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۰۱ – ۷

۷ خداوند آفریننده همه موجودات است.

و خلق کل شیء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۰۲ – ۴

۴ خداوند آفریدگار هر موجودی است.

ذلکم الله . .. خلق کل شیء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۸۵ – ۷

۷ خداوند آفریدگار همه موجودات و دارای سلطه ای کامل بر آنهاست .

أو لم ینظروا فی ملکوت . .. ما خلق اللّه من شیء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۶ – ۲۴

۲۴ خداوند خالق و آفریننده همه پدیده هاست .

قل الله خلق کل شیء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۱۹ – ۱۰

۱۰– خداوند دارای قدرت لازم برای ایجاد پدیده ها و از بین بردن برخی و آوردن برخی دیگر به جای آنان

ألم تر أن الله خلق السموت و الأرض بالحقّ إن یشأ یذهبکم و یأت بخلق جدید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۸ – ۵

۵– خداوند ، پیوسته

موجوداتی را پدید می آورد که انسان ها به آنها آگاهی ندارند .

خلق السموت و الأرض . .. خلق الإنسن ... و الأنعم خلقها لکم ... و یخلق ما لاتعلم

از اینکه <خلق> را در فرازهای قبلی به صورت ماضی و در عبارت اخیر به صورت مضارع به کار برده است، مطلب فوق برداشت می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۷ - ۱

۱- خداوند ، خالق و آفریننده تمام موجودات است .

خلق السموت و الأرض . .. خلق الإنسن ... و الأنعم خلقها لکم ... ویخلق ما لاتعلمو

از اینکه پس از بیان آفریده های مختلف فرمود: آیا کسی که خلق می کند نظیر کسی است که خلق نمی کند، استفاده می شود که او خالق همه چیز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷ - ۱

۱- پدیده های روی زمین و مظاهر طبیعت ، آفریده های خداوند و زینت بخش زمین است .

إنّا جعلنا ما علی الأرض زینه لها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۵ - ۱۲

۱۲- رابطه خداوند با تمامی موجودات ، رابطه خالق و مخلوق است ; نه رابطه پدر و فرزند .

ما کان للّه أن یتّخذ من ولد سبحنه . .. یقول له کن فیکون

چنانچه پیدایش عیسی(ع) دلیل فرزندی او برای خداوند باشد آن گونه که باطل اندیشان می گویند تمامی موجودات را باید فرزند خدا دانست، زیرا خداوند همه موجودات از جمله عیسی(ع) را با فرمان <کن> ایجاد کرده است.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۰ - ۳،۴

۳ - آفریننده همه موجودات و هدایتگر آنها در مسیر خویش ، خداوند است .

أعطی کلّ شیء خلقه ثمّ هدی

۴ - خداوند به هر موجودی ، خلقتی کامل و اعضا و ویژگی هایی متناسب با شأن او ، عطا کرده است .

الذی أعطی کلّ شیء خلقه

<خلق>، به معنای ایجاد، یا تقدیر درست و یا هیئت و شکل است (مفردات راغب). معنای دوم و سوم رساننده نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲ - ۱۱

۱۱ خداوند ، آفریننده همه پدید های جهان هستی است .

و خلق کلّ شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۰ - ۲

۲ - پدیدآورنده موجودات ، خداوند است .

بدأ الخلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۸ - ۲

۲ - آفریننده آسمان ها و زمین و تمامی موجودات ، خداوند است .

ما خلق اللّه السموت و الأرض و ما بینهما إلاّ بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۲ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده هر چیزی است .

اللّه خلق کلّ شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۲ - ۳

۳ - خداوند ، خالق همه چیز است .

خلق کلّ شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۹ - ۴

۴ - خداوند

، قادر و توانمند بر آفرینش هر آنچه بخواهد .

یخلق ما یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۲ - ۱

۱ - خداوند آفریننده تمامی موجودات

الذی خلق

بیان نکردن مفعولی خاص برای <خلق>، بیانگر تعمیم است و به آفرینش تمام مخلوقات نظر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱ - ۱۲

۱۲ - خداوند ، خالق تمامی مخلوقات است .

الذی خلق

ذکر نشدن مفعولی خاص برای فعل <خلق>، افاده عموم می کند و در این صورت آیه بعد، ذکر خاص بعد از عام خواهد بود. در این موارد می توان گفت: <خلق> گرچه متعدی است; ولی به جهت نظر نداشتن به مفعولی خاص، به منزله فعل لازم دانسته شده است. و ممکن است گفته شود: مفعول مقدّر آن، لفظی است که همه موجودات را شامل می شود. برخی گفته اند: به قرینه آیه بعد، مفعول محذوف این فعل نیز <الإنسان> است که در این صورت، آیه شریفه تنها به آفرینش انسان نظر خواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۲ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده موجودات

ما خلق

خالق موجودات آسمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۲۵ – ۲

۲ – خدای پدیدآورنده موجودات آسمان و زمین از کتم عدم ، شایسته پرستش است ، نه مخلوقات و مظاهر طبیعت .

یسجدون للشمس . ..ألاّیسجدوا للّه الذی یخرج الخبء فی السموت و الأرض

<ال> در <الخبء> برای جنس و مفید استغراق است <خَبْء> به معنای مستور

(مصدر به معنای مفعول) می باشد. بنابراین <یخرج الخبء>; یعنی، <یخرج جمیع الأشیاء المستوره تحت استار العدم منها إلی الوجود>.

خالق موجودات فضا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۷ - ۱

۱ - خداوند ، خالق آسمان ، زمین و پدیده های میان آن دو است .

و ما خلقنا السماء و الأرض و ما بینهما بطلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۹ - ۱

۱ خداوند ، آفریدگار آسمان ها و زمین و پدیده های میان آنها است .

الذی خلق السموت و الأرض و ما بینهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۴ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده آسمان ها و زمین و موجودات میان آن دو است .

اللّه الذی خلق السموت و الأرض و ما بینهما

خالق میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳ - ۳

۳ خداوند ، آفریننده گیاهان و میوه جات در زمین

و من کل الثمرت جعل فیها زوجین اثنین

<ثمرات> (جمع ثمره) به معنای میوه ها و نیز درختان است (برگرفته شده از قاموس المحیط).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۱

۱ - آب ، زمین ، دانه ها ، انگور ، سبزیجات ، زیتون ، نخل ، بوستان ، میوه و چراگاه ، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام های آنان است .

متعًا لکم و لأنعمکم

<متاعاً> اسم مصدر و جایگزین مصدر

حقیقی <تمتیعاً>(بهره رساندن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

خالق نعمت های دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۹ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده همه موهبت های موجود در زمین است .

هو الذی خلق لکم ما فی الأرض جمیعاً

کلمه <جمیعاً> به معنای کل است و بدل برای <ما> ی موصوله می باشد.

خالق نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۱

۱ ستایش مخصوص خداوند آفریدگار آسمانها و زمین و پدیدآورنده تاریکیها و نور است.

الحمد للّه الذی خلق السموت و الأرض و جعل الظلمت و النور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲ - ۱

۱ تنها خداوند پدیدآورنده آسمانها و زمین و برقرار کننده نور و ظلمت، آفریدگار آدمی است.

الحمد للّه الذی خلق . .. هو الذی خلقکم من طین

معرفه بودن مسندالیه <هو> و مسند <الذی> مفید حصر است.

ربوبیت خالق آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۶ – ۲۸

۲۸ ربوبیّت و ولایت تنها برازنده خالق هستی است .

أفاتخذتم من دونه أولیاء . .. قل الله خلق کل شیء

سوگند به خالق آسمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – شمس – ۹۱ – ۵ – ۵

۵ – سوگند خداوند به سازنده آسمان

و ما بنیها

چنانچه <ما> در <مابناها> موصول باشد، مراد از آن خداوند خواهد بود. آوردن <ما> در این

موارد بـا توجّه به این که این کلمه بیش از <من> موصول، ابهام دارد بیانگر این است که حقیقت موضوع و عظمت آن، قابل تعریف نیست.

سوگند به خالق مذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۳ - ۲

۲ - سوگند خداوند ، به آفریننده جنس نر و ماده

و ما خلق الذکر و الأُنثی

کلمه <ما> در <ما خلق>، می توانـد موصول و به معنای <من> باشد. در این صورت مراد از آن، ذات باری تعالی خواهد بود. این کلمه به دلیل ابهام بیشتری که در مفاد آن هست، عظمت مصـداق خود را بیشتر مجسم می کنـد; زیرا دلالت دارد که آن مصداق، غیر قابل تعریف است.

سوگند به خالق مؤنث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۳ - ۲

۲ - سوگند خداوند ، به آفریننده جنس نر و ماده

و ما خلق الذکر و الأُنثی

کلمه <ما> در <ما خلق>، می توانـد موصول و به معنای <من> باشد. در این صورت مراد از آن، ذات باری تعالی خواهد بود. این کلمه به دلیل ابهام بیشتری که در مفاد آن هست، عظمت مصـداق خود را بیشتر مجسم می کنـد; زیرا دلالت دارد که آن مصداق، غیر قابل تعریف است.

شرایط خالق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۶ - ۲

۲ لازمه خالقیت ، آگاهی به اسرار و نهفته های وجود مخلوق

و لقد خلقنا . .. و نعلم ما توسوس به نفسه

از این که خداوند، نخست مسأله خلقت را مطرح کرده و سپس

علم خویش به اسرار آدمیان را بیان داشته، تلازم یاد شده استفاده می شود.

علم غیب خالق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۶ - ۲

۲ لازمه خالقیت ، آگاهی به اسرار و نهفته های وجود مخلوق

و لقد خلقنا . .. و نعلم ما توسوس به نفسه

از این که خداوند، نخست مسأله خلقت را مطرح کرده و سپس علم خویش به اسرار آدمیان را بیان داشته، تلازم یاد شده استفاده می شود.

غفلت از بی نظیری خالق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۷ - ۸

۸- بی توجهی به غیر قابل قیاس بودن خالق با غیر خالق ، مذموم و ناپسند است .

أفمن یخلق کمن لایخلق أفلاتذکّرون

فرعون و خالق آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۰ - ۷

۷ - فرعون و فرعونیان ، به تغایر بین خالق جهان و ربّ موجودات ، معتقد بودند .

من ربّکما . .. ربّنا الذی أعطی کلّ شیءء خلقه

در پاسخ به یک سؤال، سعی می شود از یک مقدمه معلوم، برای معرفی مجهول استفاده شود. در جواب پرسش فرعون (من ربّکما)، موسی(ع) نیز از یک مقدمه معلوم استفاده کرده که توصیف خداوند به خالقیت است، زیرا فرعون و پیروانش، به خالقیت خداوند معتقد بودند، و تنها ربوبیت، محور تفاوت و اختلاف آنان بوده است.

فرعونیان و خالق آفرینش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۵۰ – ۷

۷ – فرعون و فرعونیان ، به تغایر بین خالق

جهان و ربّ موجودات ، معتقد بودند .

من ربّکما . .. ربّنا الذی أعطی کلّ شیءء خلقه

در پاسخ به یک سؤال، سعی می شود از یک مقدمه معلوم، برای معرفی مجهول استفاده شود. در جواب پرسش فرعون (من ربّکما)، موسی(ع) نیز از یک مقدمه معلوم استفاده کرده که توصیف خداوند به خالقیت است، زیرا فرعون و پیروانش، به خالقیت خداوند معتقد بودند، و تنها ربوبیت، محور تفاوت و اختلاف آنان بوده است.

مدح خالق موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۴ - ۸

۸- وجود تمامی موجودات هستی ، خود تمجید و ستایش آفریدگارشان است .

و إن من شیء إلاّ یسبّح بحمده

حمد و تسبیح موجودات برای خداوند تسبیح به زبان حال است. یعنی با هستی خود ثناگوی اند. به عبارت دیگر، اضافه <تسبیح> به موجودات، اضافه مجازی است نه حقیقی.

معبودیت خالق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۷ - ۱۱

۱۱ - عبادت و پرستش ، تنها شایسته آفریدگار جهان است ; و نه در شأن مخلوقات او .

و اسجدوا للّه الذی خلقهنّ إن کنتم إیّاه تعبدون

تقدیم <إیّاه> بر <تعبدون> علاوه بر رعایت فاصله آیات، می تواند برای حصر نیز باشد.

نقش خالق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۱ - ۴

۴- آفریننده هر چیز ، تواناترین و شایسته ترین فرد برای اداره و تدبیر آن است .

أفتتخدونه و ذرّیّته أولیاء من دونی . .. ما أشهدتّهم خلق السموت والأرض و لاخلق أ

خداوند، برای رد صلاحیت شیاطین در ولیّ بودن، به

نقش نداشتن آنان در آفرینش استناد و در نقطه مقابل، بر ولیّ مطلق بودن خود با توجه به این که خود، آفریننده تمامی هستی است، تصریح کرده است. توجه به این نکات، رساننده برداشت یاد شده است.

نقش خالق انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۸

۸- حقیقت قادری که بار نخست انسان را آفرید ، قادر و توانا بر آفرینش مجدد اوست .

من یعیدنا قل الذی فطرکم أوّل مرّه

نیاز به خالق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۹ - ۲

۲ - خلق در بقای خویش همانند اصل پیدایش ، همواره نیازمند و متکی به خالق خویش

یسله من فی السموت و الأرض

فعل مضارع <یسئله>، می نمایاند که خلق پس از تکوّن، بی نیاز از خالق نمی باشند; بلکه همچنان در تمنای کسب فیض از مبدأ فیاض اند.

ولایت خالق آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۶

۱۶ آفریننده هستی تنها حقیقت شایسته و توانمند برای سرپرستی و ولایت بر آدمیان

فاطر السموت و الأرض أنت ولیّ فی الدنیا و الأخره

یوسف(ع) پس از توصیف خداوند به پدید آورنده آسمانها و زمین (هستی) او را ولیّ خویش می خواند تا به این حقیقت اشاره کند که: چون خدا خالق هستی است ، ولیّ و سرپرست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۲۸

۲۸ ربوبیّت و ولایت تنها برازنده خالق هستی است .

أفاتخذتم من دونه أولياء . .. قل الله

خلق کل شیء

خالقیت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خالقیت

آثار ایمان به خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۶ - ۳

۳ - توجه و ایمان به آفرینش هستی به وسیله خداوند ، متقضی گردن نهادن به دستورات او

أم خلقوا السموت و الأرض

خداوند، برای به اطاعت واداشتن کافران، آنان را به خالقیت خویش تذکر داده است؛ زیرا پذیرش خالقیت خداوند، مسلتزم اطاعت او است.

آثار توحید در خالقیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۶ - ۸

۸- توحید در ربوبیت ، لازمه توحید در خالقیت است .

بل ربّکم . .. الذی فطرهنّ

آیه شریفه، برای اثبات توحید خداوند در ربوبیت، او را به صفت خالق جهان بودن توصیف کرده است. این توصیف بیانگر این است که میان توحید در ربوبیت و توحید در خالقیت، پیوند ناگسستنی وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۰ - ۵

۵ - انحصار خالقیت ، اختیار و آگاهی مطلق و یکتایی به خداوند ، دلیل انحصار شایستگی ستایش ها به او

ربّک یخلق ما یشاء و یختار . .. یعلم ... و هو اللّه لا إله إلاّ هو له الحمد فی ا

از ارتبـاط میان آیات گذشـته که بیانگر اوصاف خداونـد بود و این آیه برداشت یاد شـده به دست می آیـد; زیرا ذکر انحصار ستایش ها به خداوند، نتیجه اوصاف یاد شده برای او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳ - ۱۰

۱۰ - توانایی خداوند بر آفرینش هرچیزی و

انجام هر کاری و انحصار خالقیت و رازقیت به او ، نشانه یکتایی خدا و انحصار الوهیت به او است .

یزید فی الخلق ما یشاء إنّ اللّه علی کلّ شیء قدیر. .. لا إله إلاّ هو

جمله <لا إله إلاّ هو> به منزله نتیجه برای مطالبی است که در این آیه و آیه قبل آمده است. گفتنی است که محور آن، مسأله خالقیت و قدرت مطلق خداوند می باشد.

آثار خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۸ - ۴

۴ - خالقیت و هدایت گری خدا ، جلوه دوستی و مهر و محبت او به خلق

فإنّهم عدوٌّ لی إلاّ ربّ العلمین . الذی خلقنی فهو یهدین

جمله <الذی خلقنی. ..> تعلیل بر آیه پیش و دلیل برای دوست بودن خدا برای انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۶ - ۳

۳ - آفریدگاری خداوند ، مستلزم مالکیت او بر آفریده های خویش است .

من خلق السموت و الأرض لیقولنّ اللّه . .. للّه ما فی السموت و الأرض

<للّه ما فی. ..> به منزله نتیجه آیه قبل است و به خاطر روشن بودن اش، از حرف عطف استفاده نشده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۲ - ۳،۷

۳ - خالقیت خدا ، مقتضی عبادت کردن مخلوقات است .

و ما لی لا أعبد الذی فطرنی

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <فطرنی> در مقام بیان تعلیل برای جمله پیشین است.

۷ – معاد و بازگشت به سوی خدا ، لازمه خالقیت

خدا نسبت به انسان ها است .

و ما لی لا أعبد الذی فطرنی و إلیه ترجعون

ذکر خالقیت خدا نسبت به انسان ها در آغاز آیه و بیان معاد آنان پس از آن، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۱ - ۱۰

۱۰ - آفرینش انبوه پدیده های جهان و آگاهی همه جانبه از احوال آنها ، دلیل و شاهد توانایی خداوند بر احیای مجدد انسان ها در روز قیامت

أوَلیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن یخلق مثلهم بلی و هو الخلّق العلیم

یادآوری آفرینش و علم گسترده خداوند، در پایان آیه و در شرایطی که آیه شریفه در مقام بیان توانایی خداوند بر احیای مجدد انسان ها است; می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۸ - ۲۱

۲۱ - تنها خالق جهان ، شایسته توکل و اتکا کردن بر او در عرصه های زندگی است .

لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض لیقولنّ اللّه . .. قل حسبی اللّه علیه یتوکّل ا

از ارتباط میان صدر آیه که در آن از خالقیت خدا سخن رفته است با ذیل آن، برداشت یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۷ - ۵،۶

۵ - خداوند ، به دلیل خالقیت و آفرینندگی اش ، شایسته عبادت و پرستش است .

إنّنی براء ممّا تعبدون . إلاّ الذی فطرنی

۶ - هدایت انسان ها ، از شؤون خالقیت خداوند است

.

الذی فطرنی فإنّه سیهدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۳ - ۴

۴- آفرینش توانمندانه آسمان ها و زمین از سوی خداوند ، دلیل قدرت او بر تجدید حیات مردگان

اللّه الذی خلق . .. و لم یعی بخلقهنّ بقدر علی أن یحیی الموتی

آثار ذکر خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳ - ۲۲

۲۲ توجه به خالقیت ، حاکمیت ، ربوبیت و مدبر بودن خدا ، زمینه پیدایش روح بندگی و پرستش

اللّه الذی خلق . .. ثم استوی ... یدبر الأمر ... اللّه ربکم فاعبدوه أفلا تذکرون

از حرف <فاء> در <فاعبدوه> که فاء تفریعیه است و دلالت می کند بر اینکه ما بعد فاء، برگرفته از ما قبل می باشد، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۸ - ۷

۷ - توجه انسان به عامل پدیدآورنده (خالق) و تنظیم کننده نظام حیات او (هادی) ، نخستین گام عقلانی و فطری در جهت خداشناسی

الذی خلقنی فهو یهدین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که حضرت ابراهیم(ع) در معرفی پروردگار جهانیان برای بت پرستان، نخست به خالقیت خدا و سپس به هدایت گری او در تنظیم نظام حیات بشری، اشاره کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۴ - ۲

۲ - توجه به مقام والای آفریدگار ، زمینه ساز تقواپیشگی و پرهیز از مخالفت با او

و اتّقوا الذی خلقکم

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۶ - ۳

۳ - توجه و ایمان به آفرینش هستی به وسیله خداوند ، متقضی گردن نهادن به دستورات او

أم خلقوا السموت و الأرض

خداونـد، برای به اطاعت واداشـتن کافران، آنان را به خالقیت خویش تـذکر داده است; زیرا پذیرش خالقیت خداوند، مسـلتزم اطاعت او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۸ - ۵

۵ - توجّه انسان به مراحل آفرینش خویش به دست خداوند ، بازدارنده او از کفران نعمت های الهی

ما أکفره . من أیّ شیء خلقه

در برداشت یاد شده، مراد از کفر در آیه قبل کفران نعمت دانسته شده است.

آثار عقیده به توحید در خالقیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۷ - ۴

۴ - اعتقاد به یگانگی خالق ، مستلزم اعتقاد به یگانگی معبود و < ربّ >

یدعون من دونه . .. و لئن سألتهم من خلقهم لیقولنّ اللّه فأنّی یؤفکون

مشـرکان در ربوبیت الهی، قائل به شرک بودند و خداوند برای تبیین بطلان اعتقاد آنان، به ایشان یادآور شده که شما معتقد به یگانگی خالق هستید و پذیرش شرک در ربوبیت، با آن تناقض دارد.

آثار عقیده به خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۱ - ۱۷

۱۷ اعتقاد به رازقیت ، حاکمیت ، حیات بخشی و تدبیر مطلق خدا نسبت به امور جهان ، مقتضی تقواپیشگی است .

قل من یرزقکم . .. فسیقولون اللّه فقل أفلاتتقون

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۷ - ۲،۴

۲ - اعتقاد به خالقیت خداوند ، ناسازگار با تکذیب معاد

نحن خلقنکم فلولا تصدّقون

آیه شریفه درصدد اثبات معاد است. به این صورت که اگر قبول دارید که ما شما را آفریده ایم، پس باید بپذیرید که می توانیم بار دیگر پس از مرگ شما را زنده کنیم. بنابراین راهی برای تکذیب رستاخیز که پیامبران ما از آن خبر داده اند ندارید.

۴ - انکار معاد ، به رغم اعتقاد به خالقیت خداوند ، موضع گیری نابخردانه و شایسته سرزنش

نحن خلقنکم فلولا تصدّقون

سرزنش در آیه شریفه، متوجه کسانی است که با وجود اعتقاد به خالقیت خداوند، در برابر موضوع معاد موضع گیری ناباورانه داشتند.

آثار قدرت در خالقیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۹ - ۳

۳ - توانایی بر آفرینش هر چیزی ، دلیل و شاهد امکانِ آفرینش مجدد آن است .

قل یحییها الذی أنشأها أوّل مرّه

برداشت یاد شده از آن جا است که خداوند در پاسخ به کسانی که احیای مجدد انسان ها را غیر ممکن می دانستند، مسأله آفرینش آغازین را مطرح کرده است. بنابراین از این پاسخ می توان قانون کلی یاد شده را به دست آورد.

اقرار به خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۰ - ۸

۸ - فرعون و پیروان او ، به خدای آفریننده هستی معترف بودند و ربوبیت او را انکار می کردند .

من ربّكما . .. ربّنا الذى أعطى كلّ شىءء خلقه

الوهيت و خالقيت

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۱ - ۳

۳ - الوهیت و خالقیت (خداوندگاری و آفریدگاری) ، دو امر متلازم و انفکاک ناپذیر

إذًا لذهب کلّ إله بما خلق

قید <بما خلق> بیانگر این حقیقت است که خداوندگاری، فرع بر آفریدگاری است; یعنی، تا یک موجودی خالق نباشد، نمی توان او را اله خواند. بنابراین اگر علاوه بر خدای متعال، خدایان دیگری نیز وجود داشت، باید هر خدایی آفرینشی جدا از آفرینش خدایان دیگری می داشت.

اهمیت خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۹ - ۱

۱ - نیاز خواهی پیوسته خلایق ، از پروردگار مقتدر و کرامت مند جهان هستی

ذو الجلل و الإکرام . .. یسله من فی السموت و الأرض

ایمان به خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۱ - ۶

۶ - باور به خالقیت و ربوبیت خدا ، عامل گرایش انسان به بندگی اوست .

اعبدوا ربکم الذی خلقکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۲ - ۱۱

۱۱ باور به خالقیت خداوند، مانع عصیان و تمرد نخواهد شد.

ما منعک ألا تسجد إذ أمرتک . .. خلقتنی من نار و خلقته من طین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۶۱ – ۲۱

۲۱ باور به انحصار خالقیت به خداوند ، وادار کننده انسان به پرستش او و پرهیز از شرک و دوری از گناه و استغفار از گناهان گذشته است .

هو

أنشأكم من الأرض . .. فاستغفروه

برداشت فوق، از حرف <فاء> كه جمله <استغفروه . ..> را بر <هو أنشأكم ...> تفريع كرده است به دست مى آيد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - اعلى - ۸۷ - ۲ - ۵

۵ - باور به خالقيت خداوند و كمال بخشى او ، زمينه ساز تسبيح نام او و پرهيز از همراه ساختن آن با هرگونه وصف نامناسب است .

سبّح اسم . .. الذى خلق فسوّى

بداهت خالقيت در معبود راستين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۰ - ۴

۴- خالق بودن و مخلوق نبودن براى الوهيت ، از بديهيات عقلى است .

و الذين يدعون من دون الله لايخلقون شيئًا و هم يخلقون

از اينكه در رد الوهيت معبودهاى مشركان، تنها به يادآورى اين نكته كه آنان توان آفرينشگرى ندارند و خود مخلوقند، پرداخته و استدلال نكرده است، حكايت از نكته ياد شده مى كند.

تداوم خالقيت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۵

۵- خداوند ، پيوسته موجوداتى را پديد مى آورد كه انسان ها به آنها آگاهى ندارند .

خلق السموت و الأرض . .. خلق الإنسن ... و الأنعم خلقها لكم ... و يخلق ما لاتعلم

از اينكه <خلق> را در فرازهاى قبلى به صورت ماضى و در عبارت اخير به صورت مضارع به كار برده است، مطلب فوق برداشت مى شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۰ - ۸

۸- خلق و آفرینش گری خداوند ، مستمر

بوده و همه موجودات را به یک باره خلق نکرده است .

إنما قولنا لشیء إذا أردنه أن نقول له کن فیکون

<إذا> برای ظرف زمان مستقبل است و بر وقوع متعلق امر <کن> در آینده دلالت دارد، و نیز فعل <نقول> و <فیکون> به جای <قلنا> و <کان> حاکی است که آفرینش گری خداوند در گذشته و به یک باره انجام نگرفته است; بلکه امری ادامه دار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۹ - ۱۱

۱۱ - خداوند ، همواره در حال آفرینش و فیض مداوم در پهنه هستی است .

یخلق ما یشاء یهب لمن یشاء إنثًا و یهب لمن یشاء الذکور

با توجه به افعال مضارع (<یخلق>، <یهب> و <یشاء>) که بیانگر تجدد و تکرار فعل است، می توان برداشت بالا ـ را استفاده نمود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۹ - ۷

۷ - آفرینش مستمر الهی در هستی ، آفرینشی همواره بدیع و جدید

کلّ یوم هو فی شأن

تفکر در خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۲ - ۸

۸ - خداوند ، به وجود آورنده روزی و فراهم آورنده اسباب معیشت برای انسانهاست .

فأخرج به من الثمرت رزقاً لکم

توحید در خالقیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۲۲ – ۲

۲- یگانگی خداوند در آفرینش و در پاداش و کیفر دادن به انسان ها و نیز اعطای نعمت ها ، مقتضی پرهیز از هرگونه شرک در عقیده و عمل

و جعلنا

الّیل و النهار . .. و کلّ إنسن ألزمنه طئره ... لاتجعل مع الله إلهًا

برداشت یاد شده با عنایت به دو نکته است: ۱- جمله <لاتجعل مع الله إلها . ..> به منزله نتیجه برای آیات پیشین است و با پیام های اصلی آن آیات که در سه محور یاد شده در برداشت فوق خلاصه می شود مرتبط است. ۲- اطلاق واژه <لاتجعل> که شامل نهی از هرگونه شرک می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۱ - ۶

۶- خداوند ، در خلق و نیز تدبیر و مدیریت جهان ، یگانه است و شریکی ندارد .

أفتتّخذونه و ذرّیّته أولیاء من دونی . .. ما أشهدتّهم خلق السموت والأرض

با استفاده از ارتباط دو آیه، تعبیر <أولیاء من دونی> اشاره به توحید در تدبیر و ولایت دارد و ضمیر مفرد متکلم در <ما أشهدتّهم> توحید در آفرینش را تبیین می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۱۲

۱۲ تنها خداوند ، ایجاد کننده و آفریننده انسان است .

هو أنشأکم من الأرض

ترکیبهایی همانند <هو أنشأکم> و <أنا قمت> که مبتدا در معنا ، فاعل است و خبر آن فعل می باشد گاهی حاکی از تأکید است و گاهی دلالت بر حصر دارد. قرینه های موجود در کلام ، تعیین کننده آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۲۰،۲۱،۲۴

۲۰ خداوند در آفریدن موجودات هیچ شریکی ندارد .

أم جعلوا لله شرکاء خلقوا کخلقه

۲۱ غیر خدا هیچ

آفرینش و آفریده ای ندارد .

أم جعلوا لله شركاء خلقوا كخلقه

۲۴ خداوند خالق و آفریننده همه پدیده هاست .

قل الله خلق كل شىء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۶ - ۱

۱- خداوند ، تنها آفریننده داناست .

إن ربّك هو الخلّق العليم

معرفه آورده شدن مبتدا و خبر و نیز آمدن ضمیر فصل <هو> دلالت بر حصر می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳ - ۵

۵- خداوند ، برتر و فراتر از آن است که بتوان برای او شریکی در آفرینش تصور کرد .

خلق السموت و الأرض بالحق تعلى عمّا يشركون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷ - ۱۱

۱۱- آفرینش موجودات و تأمین نیازمندی های جسمی و روحی آنان ، دلیل بر توحید ربوبی و خالقیت خداوند است .

خلق السموت . .. تعلى عمّا يشركون ... خلق الإنسن ... و الأنعم خلقهالكم ... إن

آوردن کلمه <ربّ> بعد از بیان آفرینش آسمانها و زمین و آفرینش انسان و حیوانات از سوی خداوند، بیانگر توحید ربوبی است; کما اینکه اسناد آفرینش همه موجودات به خود بیان توحید در خالقیت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۵۰ – ۳

۳ – آفریننده همه موجودات و هدایتگر آنها در مسیر خویش ، خداوند است .

أعطى كلّ شىء خلقه ثمّ هدى

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۳۳ – ۱،۵

۱– تنها خداوند ، آفریننده شب و روز و

خورشید و ماه است .

و هو الذی خلق الّیل والنهار والشمس والقمر

۵- آفرینش و تدبیر جهان از جانب خداوند ، دو اصل تفکیک ناپذیر در جهان بینی توحیدی است .

و ما خلقنا السماء . .. و جعلنا ... و هو الذی خلق ... کلّ فی فلک یسبحون

سیاق آیات در مقام ردّ اندیشه مشرکان است که برای خداوند مقام خالقیت، و برای خدایان خویش مقام تدبیر قائل بودند و خداوند در آیات پیشین مقام تدبیر و در این آیه مقام آفرینش را به خود نسبت داده و جدایی آن دو مقام را مردود دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۳ - ۸

۸ - خدا ، آفریدگار بی همتا و پروردگار یگانه سراسر هستی است .

إنّ الذین تدعون من دون اللّه لن یخلقوا ذبابًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۰ - ۱

۱ - خدا ، آفریدگار یگانه آسمان ها و زمین

أمّن خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۴ - ۲

۲ - خدای یگانه ، آغازگر آفرینش انسان و بازگرداننده وی در روز رستاخیز

أمّن یبدؤا الخلق ثمّ یعیده

مفسران برآنند که مراد از <إعاده> بازگرداندن در روز قیامت است. بنابراین مراد از <الخلق> آفرینش انسان خواهد بود; یعنی، کیست آن که آفرینش انسان را آغاز می کند، آن گاه در آخرت او را برمی گرداند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۴ - ۳

۳ - خداوند ، تنها آفریننده انسان

ها است .

اللّه الذی خلقکم

معرفه بودن مبتدا و خبر اختصاص و حصر را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۱ - ۳

۳ - همه عالم آفریده خداوند است و هیچ کس ، جز او در آن نقش نداشته است .

هذا خلق اللّه فأرونی ماذا خلق الذین من دونه

جمله <هذا خلق اللّه> اشاره به خلق آسمان ها و زمین و کوه ها و جنبدگان و آب و گیاهان که در آیه قبل، از آنها سخن رفته است و مجموعه آنها، عالم را تشکیل می دهند دارد. بنابراین، مراد از آن، آفرینش همه عالم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۵ - ۱۴

۱۴ - ستایش غیرخدا در عین عقیده به توحید ، ناشی از جهل و بی دانشی است .

قل الحمد للّه بل أكثرهم لايعلمون

متعلق <لایعلمون> حذف شده و به قرینه مقام می توان گفت، مراد این است که اکثر مشرکان، این حقیقت را نمی فهمند که <ستایش مخصوص خالق و آفریدگار جهان است. > و در اثر این نادانی، غیر خداوند خالق را ستایش می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۶ - ۹

۹ - هیچ کس در خالقیت و مالکیت ، و در نتیجه ، مدیریت خداوند بر عالم ، شریک او نیست . *

من خلق السموت و الأرض . .. للّه ما فی السموت و الأرض إنّ اللّه هو الغنیّ

بیان اعتراف مشرکان به توحید در خالقیت خداوند و سپس تبیین مالکیت انحصاری او برپدیده

های عالم و اعلام بی نیازی مطلق او، می تواند بیان کننده این باشد که در تدبیر عالم نیز شریکی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۴ - ۸

۸ - خلق و تدبیر جهان ، نشأت یافته از مبدأ واحد است .

اللّه الذی خلق . .. ثمّ استوی علی العرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳ - ۴،۶

۴ - تنها خداوند ، خالق جهان و روزی دهنده انسان ها است .

هل من خلق غیر اللّه یرزقکم من السماء و الأرض

۶ - به یادآوردن نعمت های خداوند ، موجب درک یگانگی خالقیت و رازقیت و اعتراف به آن است .

اذکروا نعمت اللّه علیکم هل من خلق غیر اللّه یرزقکم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که آیه شریفه، پیش از طرح مسأله خالقیت و رازقیت انحصاری خداوند، به یاد آوردن نعمت های الهی را توصیه کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۵

۵ - آفرینش ، مخصوص خدا است و او در آفرینش جهان هیچ شریکی ندارد .

أوَلم یروا أنّا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعمًا

تأکید خداوند بر آفریدگاری خویش (أنّا خلقنا) و نیز جلوه قدرت خود دانستن پدیده های جهان (ممّا عملت أیدینا أنعاماً) گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۲ - ۱

۱ – خداوند ، آفریننده هر چیزی است .

اللّه خلق کلّ شیء

جلد – نام سوره – سوره – آیه –

فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۲ - ۳

۳ - خداوند ، خالق همه چیز است .

خلق کلّ شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۹ - ۱۰

۱۰ - تنها آفریننده زمین ، پروردگار و مدبر عالم هستی است .

لتکفرون بالذی خلق الأرض . .. ذلک ربّ العلمین $<ذلک> به قرینه مقام خبر مقدم و <ر

<ذلک> به قرینه مقام خبر مقدم و <ربّ العالمین> مبتدای مؤخر است و تقدیم خبر بر مبتدا مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۷ - ۱۲

۱۲ - توحید در خالقیت ، زمینه ساز توحید در عبودیت

و اسجدوا للّه الذی خلقهنّ إن کنتم إیّاه تعبدون

آیه شریفه به این نکته اشاره دارد که در پرتو تصحیح مبانی اندیشه ای، می توان بر گرایش های وجودی تأثیر گذاشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۹ - ۴،۵

۴ - مشرکان مکه ، گرفتار شرک در زمینه هایی غیر از زمینه خالقیت خداوند

و لئن سألتهم من خلق

۵ - اصل توحید و یگانگی آفریدگار هستی ، امری بدیهی و مورد پذیرش فطرت تمامی آدمیان

لیقولنّ خلقهنّ العزیز العلیم

از اعتراف مشرکان به یگانگی آفریدگار جهان هستی، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۵ - ۳

۳ - زوجیت (مردی و زنی) در میان بشر ، دارای اهمیت و زمینه ساز پی بردن به خالقیت یگانه خداوند

و أنّه خلق الزوجین الذکر و الأُنثی

از این که خداوند، مسأله

زوجیت را به انسان تذکر داده و وحدت خالق رادر این زمینه یادآوری نموده است; مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۹ - ۲

۲ - نقش منحصر به فرد خداوند ، در ایجاد و آفرینش انسان از منی در رحم

أفرءیتم ما تمنون . .. أم نحن الخلقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۲ - ۲

۲ - تنها خداوند ، قادر بر آفرینش درخت آتش زنه

أم نحن المنشون

مسند محلی به <ال> <المنشئون> مفید حصر است.

خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۲ - ۱۰

۱۰ < عن ابی عبداللّه (ع) فی قوله : < الحمد للّه > قال : الشکر للّه و فی قوله < رب العالمین > قال : خالق المخلوقین . . . ;

از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: <الحمد للّه> یعنی شکر مخصوص خداست و <رب العالمین> یعنی، آفریننده مخلوقات . ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۱ - ۳

۳ - خداوند ، آفریننده همه انسان های موجود و پیشینیان آنان است .

اعبدوا ربکم الذی خلقکم و الذین من قبلکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۹ - ۱،۲،۶

۱ - خداوند ، آفریننده همه موهبت های موجود در زمین است .

هو الذی خلق لکم ما فی الأرض جمیعاً

کلمه <جمیعاً> به معنای کل است و بدل برای <ما> ی موصوله می

باشد.

۲ - خداوند ، مواهب زمین را برای انسان ها و در راستای منافع آنان آفرید .

هو الذی خلق لکم ما فی الأرض جمیعاً

برداشت فوق با استفاده از لام انتفاع در <لکم> به دست آمده است.

۶ - خداوند در پی آفرینش مواهب زمین ، به معتدل ساختن آسمان پرداخت .

ثم استوی إلی السماء فسویهن

<إستواء> (مصدر استوی) آن گاه که به <الی> متعدی شود، به معنای: روی آوردن و قصد کردن، است. جمله <فسواهن> (آسمانها را معتدل ساخت) هدف روی آوردن را بیان می کند; یعنی: <استوی الی السماء لتسویتهن; خداوند به آسمانها روی کرد (اراده کرد) تا آنها را به اعتدال رساند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند بعد از آفرینش آسمان ها و مواهب زمین ، به خلقت انسان پرداخت ، تا او را به منصب خلافت برساند .

خلق لکم ما فی الأرض . .. و إذ قال ربّک للملئکه إنی جاعل فی الأرض خلیفه

با توجه به آیه ۳۴ از همین سوره و آیات دیگری که درباره خلقت آدم (ع) است، می توان گفت: سخن خداوند با فرشتگان درباره آدم، قبل از خلقت وی بوده است. بنابراین <إنی جاعل فی الأرض خلیفه> علاوه بر بیان خلافت آدم(ع) دلالت بر آفرینش او نیز دارد; یعنی: می خواهم]موجودی[بیافرینم و او را خلیفه قرار دهم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۱۶

۱۶ - خداوند ، آفریننده انسانهاست .

فتوبوا إلی بارئکم . .. ذلکم خیر لکم عند بارئکم

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۷ - ۱۲،۱۱،۱۰،۹،۸،۷،۶

۶ - خداوند ، بر پدیدآوردن هر آنچه که بخواهد و هر آنچه تقدیر کرده ، تواناست .

إذا قضی أمراً فإنما یقول له کن فیکون

۷ - آفرینش هر موجود در گرو تقدیر خدا و فرمان او به تحقق آن است .

إذا قضی أمراً فإنما یقول له کن فیکون

۸ - فرمان خدا بر پدید آمدن هر چیز ، کافی در تحقق یافتن آن است .

فإنما یقول له کن فیکون

حصر در جمله <إنما یقول . ..> گویای برداشت فوق است.

۹ - خداوند ، در ایجاد اشیا بی نیاز از استخدام وسایط است .

إذا قضی أمراً فإنما یقول له کن فیکون

۱۰ - اقتدار خداوند بر ایجاد < هر آنچه که اراده کند > ، دلیل بر منزه بودنش از اختیار کردن فرزند و نیاز داشتن به آن است .

قالوا اتخذ اللّه ولداً سبحنه بل . .. و إذا قضی أمراً فإنما یقول له کن

برداشت فوق بر این اساس است که: جمله <و إذا قضی أمراً . ..> نیز، همانند فرازهای قبل، دلیل و برهان برای تنزیه خدا از داشتن فرزند باشد.

۱۱ - سدیر صیرفی می گوید : شنیدم حمران بن اعین از امام باقر (ع) از سخن خداوند < بدیع السماوات و الأرض > سؤال نمود ، امام فرمودند : < ان اللّه ابتدع الاشیاء بعلمه کل ها علی غیر مثال کان قبله فابتدع السماوات و الأرضین و لم یکن قبلهن سماوات و لاأرضون . . . ;

خداوند، تمام اشیا را با علم خود آفرید، بدون اینکه سابقاً مشابهی داشته باشند و آسمانها و زمینها

را آفرید در حالی که قبل از آن آسمانها و زمینهایی نبود . ..>.

۱۲ - صفوان بن یحیی می گوید از امام رضا (ع) از اراده خدا سؤال کردم ، امام فرمود : < . . . فاراده اللّه الفعل لاغیر ذلک ، یقول له : < کن فیکون > بلا لفظ و لانطق بلسان و لاهمه و لاتفکر و لاکیف لذلک کما انه لاکیف له ;

. .. اراده خدا عین فعل اوست نه چیز دیگر و هنگامی که خدا فرمان وجود چیزی را صادر کند، به او می گوید <موجود باش> و به دنبال این فرمان آن چیز موجود می شود بدون آنکه لفظی و گفتاری یا قصد و فکری از او صادر شود و اراده خدا از مقوله کیف نیست، همان طور که خداوند دارای کیفیت نیست>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۴ - ۱،۱۳

۱ - آسمان ها و زمین (هستی) آفریده های خداوند یکتاست .

إن فی خلق السموت و الأرض

۱۳ - خداوند احیاء کننده زمین ، ایجاد کننده موجودات زنده در آن و منتشر سازنده آنها در سراسر گیتی است .

فأحیا به الأرض . .. و بث فیها من کل دابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۸ - ۸

۸ خداوند ، آفریننده هر چیزی است که در رحم به وجود می آید . (خون ، جنین و . . . .)

ما خلق اللّه فی ارحامهنّ

با توجّه به لفظ <ما> که خود، جنین و . .. را شامل

می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۵۹ – ۷

۷ قول و فرمان خداوند ، عین ایجاد اوست .

ثم قال له کن فیکون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۱ – ۴،۶،۷

۴ خداوند ، آفریننده انسان ها از شخص واحد (آدم)

ربّکم الّذی خلقکم من نفس واحده

۶ خداوند ، آفریننده همسر اولین انسان (حضرت آدم) ، از او

خلقکم من نفس واحده و خلق منها زوجها

برداشت فوق بر این مبناست که <من> نشویّه باشد ; یعنی: آفرینش حوّا از آدم نشأت گرفته است. صدر آیه که فرمود: <من نفس> و نفرمود: <من نفسین> این معنا را تأیید می کند. مؤیّد برداشت فوق، فرمایش امام صادق (ع) است که فرمود: اِنّ اللّه خلق آدم من الماء و الطین ... و خلق حوّا من آدم ... .

کافی، ج ۵، ص ۳۳۷، ح ۴ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۳۴، ح ۱۶.

۷ خداوند ، آفریننده همسر اولین انسان (حضرت آدم) از جنس او

و خلق منها زوجها

مؤیِّد برداشت فوق، فرمایش امام باقر (ع) به نقل از رسول اللّه (ص) است که درباره خلقت حوّا فرمود: اِنّ اللّه تبارک و تعالی قبض قبضهً من طین فخلطها بیمینه . .. فخلق منها آدم و فضلت فضله من الطین فخلق منها حوّا.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۱۶، ح ۷ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۲۹، ح ۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۷ - ۲۴،۲۶

۲۴ خداوند

، آنچه را بخواهد می آفریند .

یخلق ما یشاء

۲۶ خالقیت مطلق الهی ، اساس مالکیت مطلق اوست .

للّه ملک السموت و . .. یخلق ما یشاء

بنابر اینکه <یخلق ما یشاء> تعلیل برای <لله ملک السموت> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲ - ۱

۱ تنها خداوند پدیدآورنده آسمانها و زمین و برقرار کننده نور و ظلمت، آفریدگار آدمی است.

الحمد للّه الذی خلق . .. هو الذی خلقکم من طین

معرفه بودن مسندالیه <هو> و مسند <الذی> مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳ - ۱۰

۱۰ چون خداوند خالق است، بر مخلوق خویش آگاهی کامل دارد.

هو الّذی خلقکم من طین . .. یعلم سرکم و جهرکم و یعلم ما تکسبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۸

۸ آفرینش هستی و دیگر افعال خداوند بر پایه رحمت جهانشمول اوست.

لمن ما فی السموت . .. کتب علی نفسه الرحمه

چون خداوند رحمت را بر خود واجب کرده، هر کاری از او صادر گردد جز رحمت نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۵،۱۲

۵ خداوند ابداع کننده آسمانها و زمین، بدون الگو و نمونه قبلی

قل أغير اللّه أتّخد وليا فاطر السموت و الأرض

<فطر> به معنای ایجاد و اختراع است.

۱۲ پذیرش ولایت خالق روزی دهنده بی نیاز، حکم فطرت و عقل است.

قل أغير اللّه أتّخد وليا فاطر السموت و الأرض و هو يطعم و لا

يطعم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۵ – انعام – ۶ – ۷۳ – ۳

۳ خداوند آسمانهاى متعددى در اين جهان آفريده است.

خلق السموت و الأرض

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۵ – انعام – ۶ – ۷۹ – ۴

۴ خداوند يگانه، پديدآورنده آسمانها و زمين است.

فطر السموت و الأرض

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۵ – انعام – ۶ – ۹۵ – ۵

۵ خداوند از نهاد موجودات جاندار، موجوداتى بى جان و فاقد حيات پديد مى آورد.

إن الله . .. و مخرج الميت من الحى

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۵ – انعام – ۶ – ۹۸ – ۱،۲

۱ پديدآورنده آدميان، تنها خداوند است.

و هو الذى أنشأكم من نفس وحده

۲ خداوند تمامى آدميان و نژادها و تيره هاى مختلف آن را از يک شخص (آدم) آفريده است.

و هو الذى أنشأكم من نفس وحده

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۰ - ۳

۳ جنیان (نیروها و موجودات پنهان) مخلوق خداوند هستند.

و جعلوا لله شرکاء الجن و خلقهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۱ - ۲،۶،۷،۱۱

۲ خداوند ایجادکننده آسمانها و زمین از کتم عدم است.

بدیع السموت و الأرض

۶ ابداع کننده هستی (خداوند) سزاوار تسبیح و منزه از داشتن شریک و فرزند است.

سبحنه و تعلی عما یصفون. بدیع السموت و الأرض

۷ خداوند آفریننده همه موجودات است.

و خلق کل شیء

۱۱ انحصار آفرینش هستی به خدا، دلیل بی نیازی او

از فرزند و شریک است.

أنی یکون له ولد . .. و خلق کل شیء و هو بکل شیء علیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۰۲ – ۱،۴،۸

۱ تنها خدای مبدع آسمانها و زمین و آفریننده هستی و بی نیاز از شریک و فرزند، شایسته پروردگاری آدمیان است.

بدیع السموت . .. ذلکم الله ربکم لا إله إلا هو

در آیه گذشته، صفات متعددی برای خداوند ذکر گردید و <ذلکم> در این آیه اشاره به خداوند، با تمامی صفات مذکور در آیه پیشین، است.

۴ خداوند آفریدگار هر موجودی است.

ذلکم الله . .. خلق کل شیء

۸ توجه به انحصار ربوبیت و خالقیت خداوند برانگیزنده آدمی به پرستش اوست.

ذلکم الله ربکم لا إله إلا هو خلق کل شیء فاعبدوه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۴۱ – ۱،۲،۶

۱ پدید آورنده باغهایی که برخی (چون تاک) برافراشته بر پایه ها (داربست) و برخی ایستاده بر ساق و یا نشسته بر زمینند، خداوند است.

و هو الذی أنشأ جنت معروشت و غیر معروشت

<عرش> به معنای سقف است و <جنات معروشات> باغهایی است که با داربست و مانند آن سقفی برای درختان انگور فراهم می آورند. در لسان العرب آمده است: <المعروشات، الکروم و العرش ما عرشته به>.

۲ خداوند پدید آورنده باغستانها، درختان خرما و کشتزارهاست.

و هو الذی أنشأ جنت . .. و النخل و الزرع

۶ خداوند، پدید آورنده درختان همگون و ناهمگون زیتون و انار است.

و هو الذی أنشأ . .. و الزیتون و الرمان متشبها و غیر متشبه

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۱

۱ خداوند، آفریننده برخی از چهارپایان برای بارکشی و برخی برای خوراک و پوشاک است.

و هو الذی أنشأ . .. و من الأنعم حموله و فرشا

<فرشا> در قبال <حموله> قرار گرفته که بیانگر گروه دیگری از چهارپایان است. یعنی حیواناتی که از پوست آنها می توان به عنوان فرش استفاده کرد یا به جهت کوچکی جثه و نزدیک بودن به زمین بدانها فرش اطلاق شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳ - ۱

۱ خداوند، آفریننده هشت نر و ماده از گوسفند و بز و شتر و گاو برای بهره برداری آدمیان

ثمنیه ازوج من الضأن اثنین

<ثمانیه أزواج> می تواند بدل برای <حموله و فرشا> باشد که خود مفعول <أنشأ> می باشند. در این صورت معنای آیه چنین می شود: <أنشأ من الأنعام ثمانیه أزواج>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۱

۱ خداوند شتر و گاو نر و ماده را برای بهره برداری انسان آفریده است.

و هو الذی أنشأ . .. و من الإبل اثنین و من البقر اثنین قل ءالذکرین حرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۱ - ۱،۳

۱ خداوند، خالق همه انسانهاست.

و لقد خلقنکم

۳ خداوند، مبدأ و منشأ انسانها (آدم) را آفرید و سپس به او صورت انسانی عطا کرد.

و لقد خلقنکم ثم صورنکم ثم قلنا للملئکه اسجدوا لأدم

<خلقناکم> (شما را در گذشته آفریدیم)، خطاب به

همه انسانهاست و چون همه انسانها پیش از فرمان سجده بر آدم آفریده نشده بودند، معلوم می شود آن جمله ناظر به آفرینش چیزی است که می توانسته مبدأ همگان باشد و به همین لحاظ آفرینش او آفرینش همه انسانها شمرده شده است فراز بعد (ثم قلنا . ..) می رساند که آن چیز همان شد که به <آدم ابوالبشر> معروف است. قابل ذکر است که دلالت آیه بر این که خود آن مبدأ یاد شده آدم(ع) شده باشد به صورت احتمال مطرح است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ ابلیس معتقد به خداوند و خالقیت او

خلقتنی من نار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۱

۱ خداوند، پدیدآورنده زینتها و روزیهای پاکیزه

زینه الله التی أخرج لعباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۴ - ۱

۱ خداوند ، آفریدگار آسمان ها و زمین و پروردگار راستین انسانهاست .

إن ربکم اللّه الذی خلق السموت و الأرض فی سته أیام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۲

۲ خداوند بسیاری از انسان ها و جنیان را برای ورود به دوزخ آفرید .

و لقد ذرأنا لجهنم کثیراً من الجن و الإنس

<ذرأ> (مصدر ذرأنا) به معنای آفریدن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۸۵ – ۷

۷ خداوند آفریدگار همه موجودات و دارای سلطه ای کامل بر آنهاست .

أو

لم ينظروا فى ملكوت . .. ما خلق اللّه من شىء

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۸۹ – ۱

۱ خداوند ، آفريننده همه انسانهاست .

هو الذى خلقكم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۷ – يونس – ۱۰ – ۳ – ۴،۱۹

۴ خدا ، آفريدگار آسمان ها و زمين است .

الذى خلق السموت و الأرض

۱۹ تنها خداوندِ خالقِ مدبر ، پروردگار انسان ها و شايسته پرستش است .

اللّه الذى خلق . .. ثم استوى ... يدبر الأمر ... ذلكم اللّه ربكم فاعبدوه

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۷ – يونس – ۱۰ – ۴ – ۴،۵،۹

۴ خدا ، مبدأ پيدايش جهان آفرينش است .

إنه يبدؤا الخلق

برداشت فوق بر اين اساس است كه مراد از <الخلق> تمام پديده هاى هستى باشد.

۵ خدا ، مبدأ پيدايش انسان است .

إنه يبدؤا الخلق

مصداق مورد نظر از <الخلق> به قرينه جمله <ليجزى الذين آمنوا . .. > انسان است.

۹ توانايى خدا بر پديد آوردن جهان و انسان ، نشانه توانمندى او بر ايجاد رستاخيز است .

إنه يبدؤا الخلق ثم يعيده

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۶ - ۵

۵ خدا ، آفريننده تمامى پديده هاى جهان هستى است .

و ما خلق اللّه فى السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۳۱ - ۱۱

۱۱ خداست كه پيوسته موجود زنده را از جسم مرده و مرده را از جسم زنده پديد مى

آورد .

و من يخرج الحى من الميت و يخرج الميت من الحى . .. فسيقولون اللّه

به كارگيرى فعل مضارع در <يخرج الحى> و <يخرج الميت> بيانگر استمرار پيدايش مرگ و حيات است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۳۲ - ۱

۱ رازقيت ، حاكميت ، حيات بخشى و تدبير خداوند نسبت به كار جهان ، جلوه هاى روشنى از ربوبيت خدا بوده و اعتقاد به آن ، مستلزم ايمان به پروردگارى بى شريك است .

قل من يرزقكم من السماء . .. فذلكم اللّه ربكم

تفريع جمله <ذلكم اللّه ربكم> با <فا>ى نتيجه، در آيه پيش (قل من يرزقكم . ..) بيانگر اين حقيقت است كه: با وجود اعتقاد به رازقيت خدا، حاكميت او بر قوا و حواس آدمى، خالقيت نسبت به جاندار و بى جان و تدبير او و نسبت به امور جهان; ايمان به ربوبيت مطلق خدا ضرورى بوده و مجالى براى پندارپروردگارى غير او باقى نمى ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۷ - ۱

۱ خداوند ، آفريننده آسمان ها و زمين است .

هو الذى خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۱ - ۸

۸ خداوند ، آفريننده و خالق انسانهاست .

إن أجرى إلّا على الذى فطرنى

<فطر> (مصدر فطرنى); يعنى ، آفريدن چيزى كه سابقه وجودى نداشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۱۲

۱۲ تنها خداوند ، ایجاد کننده و آفریننده انسان است .

هو أنشأكم

من الأرض

ترکیبهایی همانند <هو أنشأکم> و <أنا قمت> که مبتدا در معنا ، فاعل است و خبر آن فعل می باشد گاهی حاکی از تأکید است و گاهی دلالت بر حصر دارد. قرینه های موجود در کلام ، تعیین کننده آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۹ - ۳

۳ خداوند ، آفریدگار و خالق انسانهاست .

و لذلک خلقهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۲

۱۲ خداوند پدید آورنده آسمان ها و زمین

فاطر السموت و الأرض

<فاطر> به معنای آفریننده و پدید آورنده است. این کلمه در آیه شریفه مناداست ; یعنی: <یافاطر السموت>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳ - ۳

۳ خداوند ، آفریننده گیاهان و میوه جات در زمین

و من کل الثمرت جعل فیها زوجین اثنین

<ثمرات> (جمع ثمره) به معنای میوه ها و نیز درختان است (برگرفته شده از قاموس المحیط).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۲ - ۴

۴ خداوند پدید آورنده ابر های سنگین پرباران

و ینشیء السحاب الثقال

<انشاء> (مصدر ینشیء) به معنای خلق کردن و پدید آوردن است. <سحاب> (جمع سحابه) به معنای ابرهای باران زاست و <ثقال> نیز جمع ثقیل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۲۴،۲۵

۲۴ خداوند خالق و آفریننده همه پدیده هاست .

قل الله خلق کل شیء

۲۵ خداوند آفریننده چیزهایی که اهل شرک آنها را معبود ها و خدایان خویش

پنداشته اند .

أم جعلوا لله شركاء . .. قل الله خلق كل شىء

از مصداقهاى مورد نظر براى <شىء> معبودهاى اهل شرك است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۳ - ۱

۱ موجوديّت انسان ها و دستاوردهايشان و نيز تدبير امور آنان به دست خداوند است .

أفمن هو قائم على كل نفس بما كسبت

از معانى <قائم بودن بر كسى> در اختيار داشتن شؤون آن كس، تدبير امور او و قوام بخشيدن به وى است. حرف <باء> در <بماكسبت> به معناى <مع> مى باشد و مراد از <من هو...> خداوند متعال است. بنابراين مفاد <من هو قائم...> اين است كه: خداوند قوام بخش انسانها و هر آنچه به دست آورده اند مى باشد و او شؤون ايشان را اداره و تدبير مى كند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۱۰ - ۷

۷- خداوند ، پديد آورنده آسمان ها و زمين (عالم آفرينش) است .

أفى الله شكّ فاطر السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۱۹ - ۱،۱۰

۱- خداوند ، آسمان ها و زمين را هدفمند و بر اساس حكمت آفريد .

ألم تر أن الله خلق السموت و الأرض بالحقّ

<حق> در برابر باطل (بيهوده) است و مراد از آن، اين است كه فاعل حق براى كارش هدفى پسنديده در نظر دارد.

۱۰- خداوند داراى قدرت لازم براى ايجاد پديده ها و از بين بردن برخى و آوردن برخى ديگر به جاى آنان

ألم تر أن الله خلق السموت و الأرض بالحقّ إن

يشأ يذهبكم و يأت بخلق جديد

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۹ – ابراهيم – ۱۴ – ۳۲ – ۱

۱– تنها خداوند ، خالق و آفريننده آسمان ها و زمين و نازل كننده باران از آسمان است .

الله الذى خلق السموت و الأرض و أنزل من السّماء ماء

معرفه بودن مسنداليه و مسند، يعنى <الله> و <الذى خلق . ..>، دلالت بر حصر مى كند.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۹ – حجر – ۱۵ – ۲۶ – ۱

۱– خداوند ، پديد آورنده انسان ها از گِل خشكيده

و لقد خلقنا الإنسن من صلصل من حمإ مسنون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۹ – حجر – ۱۵ – ۲۷ – ۱

۱– خداوند ، جنيان را از آتش داراى باد هاى سوزان آفريد .

و الجانّ خلقنه من قبل من نار السموم

<سموم> در لغت به معناى باد سوزان است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۹ – حجر – ۱۵ – ۲۸ – ۶

۶– خداوند ، انسان را از گِلى خشكيده ، سياه ، بد بو و متغير آفريده است .

و إذ قال ربّك للملئكه إنى خلق بشرًا من صلصل من حمإ مسنون

<صلصال> در لغت، به معناى صداى برخاسته از شىء خشك و <حمأ> به معناى گِل سياه و بد بو و <مسنون> به معناى

متغیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۹ - ۱،۲،۱۷

۱- خداوند ، اجزای انسان را متناسب و آن گونه که شایسته و سزاوار اوست ، آفریده است .

إنی خلق بشرًا . .. فإذا سوّیته

<تسویه>

به معنای قرار دادن شیء به گونه ای است که هر جزئی از آن، در جایگاه شایسته خود قرار گرفته باشد.

۲- خداوند ، پس از پدید آوردن بدن انسان با اجزای متناسب از گِل خشکیده ، در او روح دمید و او را حیات بخشید .

فإذا سوّیته و نفخت فیه من روحی

۱۷- < عن أبی عبدالله (ع) فی قوله عزّوجلّ : < فإذا سوّیته و نفخت فیه من روحی > قال : إن الله عزّوجلّ خلق خلقاً و خلق روحاً ثم أمر ملکاً فنفخ فیه . . . ;

از امام صادق(ع) در باره سخن خداوند عزّوجلّ <فإذا سوّیته و نفخت فیه من روحی> روایت شده است که فرمود: همانا خدای عزّوجلّ بدنی و روحی را آفرید و به فرشته ای امر کرد تا روح را در آن بدن دمید. ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۳ - ۷

۷- خداوند ، انسان را از گِلی خشکیده ، سیاه ، بد بو و متغیر آفریده است .

لبشر خلقته من صلصل من حمإ مسنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۵ - ۱

۱- خداوند آسمان ها ، زمین و موجودات در فضا را بر اساس حق (حکیمانه و با مقصودی صحیح) آفرید .

و ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما إلّا بالحقّ

یکی از موارد کاربرد واژه <حق> جایی است که کاری به مقتضای حکمت و بر اساس مصلحت انجام پذیرفته باشد (مفردات راغب). برداشت فوق بر اساس این کاربرد است.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۶ - ۱

۱- خداوند ، تنها آفریننده داناست .

إن ربّک هو الخلّق العلیم

معرفه آورده شدن مبتدا و خبر و نیز آمدن ضمیر فصل <هو> دلالت بر حصر می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳ - ۱

۱- آفریننده آسمان ها و زمین (جهان هستی) ، خداوند است .

خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴ - ۱

۱- خداوند ، خالق و آفریننده انسان است .

خلق الإنسن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵ - ۱

۱- خداوند ، خالق و آفریننده انعام (گاو ، شتر و گوسفند) است .

و الأنعم خلقها لکم

<نعم> در لغت تنها به شتر گفته می شود; زیرا که بزرگ ترین نعمتها در نزد عرب است، ولی جمع آن <أنعام> به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۸ – ۱

۱– خداوند خالق و آفریننده اسب ، استر و الاغ است .

و الأنعم خلقها لکم . .. و الخیل و البغال و الحمیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۷ – ۱

۱– خداوند ، خالق و آفریننده تمام موجودات است .

خلق السموت و الأرض . .. خلق الإنسن ... و الأنعم خلقها لکم ... ویخلق ما لاتعلمو

از اینکه پس از بیان آفریده های مختلف فرمود: آیا کسی که خلق می کند

نظیر کسی است که خلق نمی کند، استفاده می شود که او خالق همه چیز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۸ - ۷

۷- پدید آمدن اجسام سایه دار و گردش آن سایه ها ، به دست خداوند است .

أو لم یروا إلی ما خلق الله من شیء یتفیّؤا ظلله عن الیمین و الشمائل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۱۰

۱۰- از نیستی به هستی آوردن ، خود بهترین دلیل قدرت خدا بر هستی دوباره است .

من یعیدنا قل الذی فطرکم أوّل مرّه

با توجه به معنای <فطر> که پدید آوردن از نیستی به هستی است برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷ - ۱

۱- پدیده های روی زمین و مظاهر طبیعت ، آفریده های خداوند و زینت بخش زمین است .

إنّا جعلنا ما علی الأرض زینه لها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۵ - ۷،۱۲

۷- خداوند دارای قدرت مطلق است و بر پدیدآوردن هر آنچه تقدیر کرده توانا است .

إذا قضی أمرًا فإنّما یقول له کن فیکون

۱۲- رابطه خداوند با تمامی موجودات ، رابطه خالق و مخلوق است ; نه رابطه پدر و فرزند .

ما کان للّه أن یتّخذ من ولد سبحنه . .. یقول له کن فیکون

چنانچه پیـدایش عیسـی(ع) دلیل فرزنـدی او برای خداوند باشد آن گونه که باطل اندیشان می گویند تمامی موجودات را باید فرزند خدا دانست،

زیرا خداوند همه موجودات از جمله عیسی(ع) را با فرمان <کن> ایجاد کرده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۷ – ۱

۱– خداوند ، آفریننده انسان و پدیدآورنده او در صحنه هستی

خلقنه من قبل و لم یک شیئًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۴ – ۲،۴

۲– خداوند ، آفریدگار آسمان های مرتفع و زمین است .

خلق الأرض والسموت العلی

<علی> (جمع <علیاً>) اسم تفضیل است. توصیف آسمان ها به مرتفع تر از زمین، برای بیان عظمت رتبه ها و مقام هایی است که قرآن از آن مقام، به زمین نازل شده است.

۴– توان مندی خداوند بر آفرینش زمین و آسمان های مرتفع ، نشان اقتدار او برفرستادن کتابی شایسته ، برای تذکر و اندرز انسان ها است .

تذکره. .. ممّن خلق الأرض والسموت العلی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۵۰ – ۱،۲،۴،۹

۱ – موسی (ع) در پاسخ فرعون ، پروردگارش را آفریننده و هدایتگر همه موجودات معرفی کرد .

من ربّکما . .. قال ربّنا الذی أعطی ... ثمّ هدی

۲ – آفرینش ، فعل اختیاری خداوند و عطای او است .

الذی أعطی کلّ شیء خلقه

از تأمل در موارد کاربرد <عطا> و <إعطا> برمی آید که کاربرد این ریشه، درجایی است که اوّلاً دادن چیزی از روی جبر

نباشد و ثانیاً در برابر چیز دیگر نباشد.

۴ – خداوند به هر موجودی ، خلقتی کامل و اعضا و ویژگی هایی متناسب با شأن او ، عطا کرده است

.

الذی أعطی کلّ شیء خلقه

<خلق>، به معنای ایجاد، یا تقدیر درست و یا هیئت و شکل است (مفردات راغب). معنای دوم و سوم رساننده نکته یاد شده است.

۹ - تأکید موسی (ع) در برابر فرعون ، بر یگانگی خالق و ربّ جهان

من ربّکما . .. ربّنا الذی أعطی کلّ شیءء خلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۸

۸ - خداوند ، آفریننده و خالق انسان ها است .

الذی فطرنا

<فَطْر> از ماده <فطره> به معنای ابتدا و اختراع است و <فطر اللّه الخلق>; یعنی آنها را آفرید و آغاز کرد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۷ - ۳

۳- توانایی بر آفریدن جهان کنونی برای بازیچه و سرگرمی خویش ، تنها در قلمرو قدرت خدا است و هیچ موجودی قادر بر انجام این کار نیست .

لو أردنا أن نتّخذ لهوًا لاَتّخذنه من لدنّا

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <من لدنّا>، معنای <من جهه قدرتنا> را افاده کند (چنان که برخی از مفسران بزرگ بر این نظرند). و یا این که <من لدنّا> ظرف مختص در قبال <من لدن غیرنا> باشد. براین اساس پیام آیه چنین می شود: <اگر بنا بود جهان را سرگرمی خود قرار دهیم، باز این کار تنها در توان ما است نه خدایان ادعایی مشرکان و یا دیگر قدرت ها; پس قدرت و ربوبیت مطلقه در انحصار خدا است>. گفتنی است آمدن <لدنّا> که برای ابتدای غایت است به جای <عندنا> که برای صرف

حضور است مؤید برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۳ - ۱

۱- تنها خداوند ، آفریننده شب و روز و خورشید و ماه است .

و هو الذی خلق الّیل والنهار والشمس والقمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۶ - ۳،۹

۳- خداوند ، خالق جهان طبیعت (آسمان ها ، زمین و انسان) است .

ربّکم ربّ السموت والأرض الذی فطرهنّ

۹- خالقیت خداوند نسبت به جهان ، دلیل ربوبیت انحصاری او نسبت به انسان و جهان است .

قال بل ربّکم ربّ السموت والأرض الذی فطرهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۳

۳- خدا ، خالق و آفریدگار انسان ها است .

فإنّا خلقنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۲ - ۱

۱ - خدا ، خالق و آفریدگار انسان

و لقد خلقنا الإنسن

<من> در <من سلاله> ابتدائیه و <سلاله> به معنای <عصاره> است. <طین> به اجزائی از خاک که با آب درآمیخته

باشد (گِل) گفته می شود. <من طین> متعلق به عامل مقدر و صفت برای <سلاله> است; یعنی: به یقین ما انسان را از عصاره ای از <گِل>آفریدیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۷ - ۱

۱ - خدا ، آفریدگار آسمان ها

و لقد خلقنا فوقکم سبع طرائق

<طریقه> (مفرد <طرائق>) به هر چیزی که روی آن، چیزی شبیه خودش قرار گرفته باشد، گفته می شود و مراد از <سبع

طرائق> به قرینه <فوقکم> (بالای سر شما)، هفت آسمان است. بنابراین به آسمان های هفتگانه، بدان جهت که روی هم قرار دارند، <طرائق> گفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۵ - ۳

۳ - خداوند ، هستی بخش جهان آفرینش است .

اللّه نور السموت و الأرض

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که مقصود از نور، معنای کنایی و مجازی آن باشد; یعنی، نور وجود; چرا که جهان بدون هستی بخشی خداوند، در ظلمت و تاریکی عدم محض خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۵ - ۱،۳،۱۱

۱ - خداوند ، [در آغاز] هر جانداری را از آب آفرید .

و اللّه خلق کلّ دابّه من ماء

به حیوانات و جانداران روی زمین چه بزرگ و قابل رؤیت باشند و چه کوچک و غیر قابل دیدن <دابّه> گویند (لسان العرب).

۳ - خداوند ، موجودات جاندار را از انواع مایع های متناسب خود آفرید .

و اللّه خلق کلّ دابّه من ماء

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که تنکیر <ماء> برای تنویع باشد. بر این اساس معنای <ماء> انواع جسم مایع است و مقصود این است که عنصر اولی و منشأ پیدایش حیات جانداران، از جسم مایع است و حیات هر جانداری از مایعی متناسب خود می باشد.

۱۱ - بی تردید خداوند ، قادر مطلق و بر آفرینش هر چیزی توانا است .

و اللّه خلق کلّ دابّه . .. إنّ اللّه علی کلّ شیء قدیر

از پیام های این سخن که <خداوند بر هر

شیئی قادر است> به قرینه جملات پیشـین که از آفرینش جاندارن و هر آنچه خدا بخواهد سخن گفته است توانایی خداوند بر آفرینش هر چیزی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۲ – ۱۱

۱۱ خداوند ، آفریننده همه پدید های جهان هستی است .

و خلق کلّ شیء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۴۷ – ۱

۱ آفرینش شب ، همچون لباس و پوشش ، تنها به قدرت خدا است .

و هو الذی جعل لکم الّیل لباسًا

جمله <و هو الـذی جعـل لکم اللیـل لباساً> برای حصـر است و از نوع حصـر إفرادی است; یعنی، تنهـا خـدا شب را همچون پوشش برای انسان قرار داد; نه قدرتی دیگر. گفتنی است در این جمله، شب به لباس و پوشش تشبیه شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۵۹ – ۱

۱ خداوند ، آفریدگار آسمان ها و زمین و پدیده های میان آنها است .

الذی خلق السموت و الأرض و ما بینهما

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۱ – ۴،۵،۷

۴ خداوند در آسمان ها ، ستارگانی را آفرید .

الذی جعل فی السماء بروجًا

۵ خداوند در آسمان ها خورشید آفرید .

و جعل فيها سراجًا

<سراج> به معنای چراغ است; ولی مقصود از آن در آیه شریفه به قرینه آمدن <القمر> (ماه) خورشید است; چنان که در آیه ۱۶ سوره نوح به خورشید سراج گفته شده است (و

جعل الشمس سراجًا).

۷ خداوند در آسمان ها ، ماه تابان را آفريد .

جعل فى السماء . .. قمرًا منيرًا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۲ – ۲

۲ آفرينش شب و روز و پديد آمدن روشنايى و تاريكى ، بر اثر جانشين شدن آن دو به جاى يكديگر ، تنها به قدرت خدا است .

و هو الذى جعل الّيل و النهار خلفه

برداشت ياد شده با توجه به دو نكته است: ۱ معرفه بودن مبتدا و خبر (هو الذى جعل) بيانگر قصر مى باشد. ۲- آيه شريفه در مقام بيان قدرت خدا است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۷۹ – ۱

۱ – پروردگار جهانيان ، خدايى است كه پس از آفرينش بشر ، او را از غذاهاو نوشيدنى ها بهره مند ساخته است .

الذى خلقنى . .. و الذى هو يطعمنى و يسقين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۸۲ – ۵

۵ – تنها آفريدگار هدايت گر ، و روزى دهنده ، شفابخش و حيات آفرين ، شايسته براى دل بستن انسان به غفران و بخشايش او

الذى خلقنى . .. و الذى أطمع أن يغفر ... يوم الدين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۴۵ – ۱

۱ – خداوند ، به وجود آورنده نسل ها

و لکنّا أنشأنا قرونًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۶۸ – ۱

۱ – خداوند ، توانا بر آفرینش

هر چه بخواهد .

و ربّک یخلق ما یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۹ - ۱،۲

۱ - کافران مکه ، از سوی خداوند ، به خاطر ژرف نگری نکردن درباره توانایی خدا بر خلق موجودات ، سرزنش شده اند .

أَوَلم یروا کیف یبدئ اللّه الخلق

همزه <أَوَلم یروا> استفهام توبیخی است.

۲ - خداوند ، پدیدآورنده عالم است .

یبدئ اللّه الخلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۰ - ۲

۲ - پدیدآورنده موجودات ، خداوند است .

بدأ الخلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۱ - ۲

۲ - خداوند ، خالق آسمان ها و زمین است .

من خلق السموت و الأرض . .. لیقولنّ اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۸ - ۲

۲ - آفریننده آسمان ها و زمین و تمامی موجودات ، خداوند است .

ما خلق اللّه السموت و الأرض و ما بینهما إلاّ بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۱ - ۱

۱ - خداوند ، آغازکننده آفرینش انسان و بازآفریننده او پس از مرگ است .

اللّه یبدؤا الخلق ثمّ یعیده

<ال> در <الخلق> عهد است و مراد از آن به قرینه <ترجعون> انسان هایند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۰ - ۲

۲ - خداوند ، پدید آورنده انسان ها از خاک است .

خلقکم من تراب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴

- روم - ۳۰ - ۲۷ - ۲

۲ - خداوند ، آغازکننده آفرینش انسان و بازآفریننده او پس از مرگ است .

و هو الذی یبدؤا الخلق ثمّ یعیده

<ال> در <الخلق> به قرینه <تخرجون>، در آیات قبل، می تواند عهد باشد و منظور از آن انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۰ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده و روزی رسان انسان ها است .

اللّه الذی خلقکم ثمّ رزقکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۴ - ۳،۶،۱۶

۳ - خداوند ، تنها آفریننده انسان ها است .

اللّه الذی خلقکم

معرفه بودن مبتدا و خبر اختصاص و حصر را می رساند.

۶ - خداوند ، بر آفرینش هر آنچه که بخواهد ، توان دارد .

یخلق ما یشاء و هو . .. القدیر

۱۶ - علم و قدرت مطلق خداوند ، منشأ نفوذ مشیّت او بر آفرینش هر چیزی است .

یخلق ما یشاء و هو العلیم القدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۱ - ۳

۳ - همه عالم آفریده خداوند است و هیچ کس ، جز او در آن نقش نداشته است .

هذا خلق اللّه فأرونی ماذا خلق الذین من دونه

جمله <هـذا خلق اللّه> اشـاره به خلق آسـمان ها و زمین و کوه ها و جنبـدگان و آب و گیاهان که در آیه قبل، از آنها سـخن رفته است و مجموعه آنها، عالم را تشکیل می دهند دارد. بنابراین، مراد از آن، آفرینش همه عالم است.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۲۵ – ۱،۵،۶

۱ – خالق آسمان ها و زمین ، در بینش کافران نیز خداوند است .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض لیقولنّ اللّه

۵ – عقیده به یک تایی خدا در خالقیّت ، مستلزم منحصر دانستن تمامی ستایش ها به او است .

و لئن سألتهم من خلق . .. لیقولنّ اللّه قل الحمد للّه

۶ – تنها ، آفریدگارِ یک تا ، شایسته همه حمد ها و ستایش ها است .

و لئن سألتهم . .. لیقولنّ اللّه قل الحمد للّه

<ال> در <الحمد> برای استغراق و مفید نکته یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۲۶ – ۹،۱۲

۹ – هیچ کس در خالقیت و مالکیت ، و در نتیجه ، مدیریت خداوند بر عالم ، شریک او نیست . *

من خلق السموت و الأرض . .. للّه ما فی السموت و الأرض إنّ اللّه هو الغنیّ

بیان اعتراف مشرکان به توحید در خالقیت خداوند و سپس تبیین مالکیت انحصاری او برپدیده های عالم و اعلام بی نیازی مطلق او، می تواند بیان کننده این باشد که در تدبیر عالم نیز شریکی ندارد.

۱۲ – خالقیت خداوند و مالکیت انحصاری او بر عالم ، نشانه بی نیازی او است .

من خلق السموت . .. لیقولنّ اللّه ... للّه ما فی السموت و الأرض إنّ اللّه هو الغن

خلق شدن آسمان ها و زمین از سوی خداوند و نیز مملوک خدا بودن شان، عین احتیاج آنها به خدا است. بنابراین، ذکر دو نکته یاد شده، قبل از <اللّه هو الغنیّ > به

منزله تمهیدی برای بیانِ غنای مطلق الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۷ - ۴

۴ - مقدّرات الهی ، در خلق و ایجاد پدیده ها ، پایان ناپذیرند .

و لو أنّما فی الأرض من شجره أقلم . .. ما نفدت کلمت اللّه

احتمال دارد مراد از <کلمات اللّه> آن دسته از مقدّراتی باشد که هنوز به شرف تکوین نرسیده و در مرحله تقدیر است. پایان ناپذیری، و غیرمتناهی بودن، می تواند قرینه باشد که مراد از <کلمات> مقدّرات و اوامر تقدیری اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۸ - ۲،۳

۲ - برای خدا ، آفریدن افراد زیاد ، با آفریدن یک تن ، تفاوتی ندارد .

ما خلقکم و لابعثکم إلّا کنفس وحده

<إلاّ کنفس واحده> می تواند قرینه باشد بر این که مراد از خلق و بعث در <ما خلقکم و لابعثکم> خلق و بعث جمعی است و در این صورت آیه، نکته یاد شده را می رساند.

۳ - فاصله افتادن میان خلقت نخستین انسان و زنده کردن مجدد او پس از مرگ ، تأثیری در آن خلقت ندارد .

ما خلقکم و لابعثکم إلّا کنفس وحده

چنان چه مفسران گفته اند، مشرکان با تعجب سؤال می کردند که <چگونه امکان دارد که انسانی پس از سال ها مردن، مجدداً زنده شود؟>. آیه در صدد پاسخ به آن پرسش است و تشریح می کند که خلقت نخستین و دوباره، همانند آفریدن یک تن است و فاصله ایجاد شده، تأثیری ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ -

لقمان - ۳۱ - ۳۰ - ۴

۴ - خالقیت ، مالکیت ، قدرت و علم مطلق خدا ، برخاسته از حقانیت محض و ثبوت ازلی خداوند است .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض لیقولنّ اللّه . ..للّه ما فی ... إنّ اللّه عز

مشارالیه <ذلک> می تواند صفات کمالی ذکر شده در آیات پیشین برای خداوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۴ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده آسمان ها و زمین و موجودات میان آن دو است .

اللّه الذی خلق السموت و الأرض و ما بینهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۶ - ۲

۲ - خداوندِ خالق عالم و مدبر امور آن ، آگاه به غیب و شهود است .

اللّه الذی خلق السموت و الأرض . .. یدبّر الأمر ... ذلک علم الغیب و الشهده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۷ - ۱،۴،۷

۱ - خداوند ، همه آفریده های خود را ، به صورتی نیکو و شایسته پدید آورده است .

اللّه . .. الذی أحسن کلّ شیء خلقه

۴ - کاستی ها و زشتی های پدیده های زشت و ناقص ، ربطی به آفرینش خداوند ندارد .

أحسن کلّ شیء خلقه

۷ - خلقت موجودی شگفت مانند انسان از گِلی بی شکل و فاقد حیات ، نمود آفرینش نیکوی خدا است .

أحسن کلّ شیء خلقه و بدأ خلق الإنسن من طین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۹ – ۱

۱

- آفرینش انسان از سوی خداوند ، تدریجی است .

بدأ خلق الإنسن من طین . .. ثمّ جعل نسله ... ثمّ سوّیه و نفخ فیه من روحه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱ - ۴،۱۱

۴ - خداوند ، خالق آسمان ها و زمین است .

فاطر السموت و الأرض

۱۱ - خداوند ، توانا بر آفرینش پدیده های دیگری طبق مشیت خویش

یزید فی الخلق ما یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳ - ۴،۵،۹

۴ - تنها خداوند ، خالق جهان و روزی دهنده انسان ها است .

هل من خلق غیر اللّه یرزقکم من السماء و الأرض

۵ - خالقیت و رازقیت ، دو صفت جداناپذیر خداوند

هل من خلق غیر اللّه یرزقکم من السماء و الأرض

از این که در آیه شریفه، خالقی که روزی دهنده نباشد، نفی شده است؛ به دست می آید که میان دو صفت <خالقیت> و <رازقیت> ارتباط ناگسستنی وجود دارد و ممکن نیست خدایی خالق باشد؛ ولی رازق نباشد.

۹ - خالقیت ، رازقیت و الوهیت ، از اوصاف و ویژگی های خداوند

هل من خلق غیر اللّه یرزقکم من السماء و الأرض لا إله إلاّ هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۱ - ۱،۶،۱۴

۱ – خدا ، خالق و آفریننده انسان ها

و اللّه خلقکم

۶ – خداوند ، انسان ها را زوج زوج (زن و مرد) آفرید .

ثمّ جعلکم أزوجًا

۱۴ – آفرینش انسان در قالب مرد و زن و آگاهی از بارداری و زایمان زنان و مقدار عمر

آدمی ، کاری آسان برای خداوند

و اللّه خلقکم من تراب ثمّ من نطفه . .. و ما یعمّر من معمّر و لاینقص من عمره إلاّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۶ - ۱

۱ - توانایی خداوند بر نابودی انسان ها و آفرینش موجودات جدید به جای آنان

إن یشاء یذهبکم و یأت بخلق جدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۴ - ۱

۱ - خداوند ، باغ هایی از خرما و انگور در زمین آفریده است .

و جعلنا فیها جنّت من نخیل و أعنب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۶ - ۲،۳

۲ - خداوند تمامی روییدنی های زمین ، انسان و پدیده های ناشناخته در نزد بشر را به صورت زوج (نر و ماده) آفریده است .

سبحن الذی خلق الأزوج کلّها ممّا تنبت الأرض و من أنفسهم و ممّا لایعلمون

<زوج> (مفرد <أزواج>) برای دو معنا به کار می رود: ۱ مقابل طاق و مرادف جفت; ۲ به معنای نوع و صنف گفتنی است برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است.

۳ - خداوند ، پدیدآورنده انواع و اصناف گوناگون پدیده های شناخته شده و ناشناخته بشر است .

سبحن الذی خلق الأزوج کلّها ممّا تنبت . .. و ممّا لایعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۲ - ۱

۱ - خداوند ، مرکب هایی مانند کشتی (چهارپایان و . . .) در سیر و سفر و حمل و نقل

برای بشر آفریده است .

و خلقنا لهم من مثله ما یرکبون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۷۱ – ۵

۵ – آفرینش ، مخصوص خدا است و او در آفرینش جهان هیچ شریکی ندارد .

أوَلم یروا أنّا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعمًا

تأکید خداوند بر آفریدگاری خویش (أنّا خلقنا) و نیز جلوه قدرت خود دانستن پدیده های جهان (ممّا عملت أیدینا أنعاماً) گویای برداشت یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۷۲ – ۵

۵ – خداوند ، شتر ، گاو و گوسفند را برای تغذیه انسان آفرید .

و منها یأکلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۷۹ – ۶

۶ – خداوند ، بر آفرینش و پدید آوردن هر چیزی آگاه و توانا است .

و هو بکلّ خلق علیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۸۱ – ۱۸

۱ – آسمان ها و زمین ، مخلوق خدا و جلوه ای از قدرت او است .

أوَلیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر

۸ - خداونـدِ خـالق آسـمان ها و زمین ، بر آفرینش مجـدد انسان ها و نوسازی آدمی از ذرات پوسـیده و پراکنـده دنیایی او در قیامت ، توانا است .

قال من يحىِ العظم و هى رميم . .. أوَليس الذى خلق السموت و الأرض بقدر على أن ى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۲ - ۱،۳،۴

۱ - خداوند هر چیزی را اراده کند ،

با گفتن < باش > و < به هستی درآ > ، آن را پدید می آورد .

إنّما أمره إذا أراد شيئًا أن يقول له كن فيكون

۳ – هر چیزی به صرف تعلق اراده خداوند به پدید آوردنش ، بی هیچ فاصله زمانی و صرف وقتی ، پدید می آید .

إنّما أمره إذا أراد شيئًا أن يقول له كن فيكون

۴ – آفرینش همه چیز برای خداوند ، امری سهل و آسان است .

إنّما أمره إذا أراد شيئًا أن يقول له كن فيكون

برداشت یاد شده از آن جا است که آفرینش هر چیزی به صرف اراده کردن و خواستن خدا و بی هیچ ابزار و وسایلی، گویای این حقیقت است که آفریدن هر چیزی برای او، سهل و آسان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۸۳ – ۳

۳ – اراده قاهر و قدرت مطلق خداوند بر پدید آوردن هر چیزی ، مقتضی تسبیح و تنزیه او از جانب انسان است .

و هو الخلّق العليم . إنّما أمره إذا أراد شيئًا أن يقول له كن فيكون. فسبحن الذى

<فاء> در <فسبحان> فصیحه است و جمله <فسبحان الذی> جواب شرط مقدر می باشد که تقدیر آن چنین است. <إن كان أمره كذلك فسبحه>; یعنی، حال که خداوند چنان توان مند است که با صرف اراده خویش بدون ابزار و وسایل و بی درنگ هر چیزی را می تواند بیافریند، پس چنین خدایی سزاوار تسبیح و تنزیه است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۹۶ – ۱

۱ – خداوند ، خالق

انسان و مصنوعات و دست ساخته های او (بت و . . .)

و اللّه خلقكم و ما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۵ - ۵

۵ - خداوند ، نیکوترین آفریننده

أحسن الخلقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۷ - ۱

۱ - خداوند ، خالق آسمان ، زمین و پدیده های میان آن دو است .

و ما خلقنا السماء و الأرض و ما بينهما بطلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۱

۱ - خدا ، آفریننده آسمان ها و زمین

خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۸ - ۱۴

۱۴ - اعتقاد به جدایی خالقیت خدا از ربوبیت او و نسبت دادن ربوبیت و تدبیر امور جهان به غیرخدا ، شرك است .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض ليقولنّ اللّه قل أفرءيتم ما تدعون من دون الل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۶ - ۵

۵ – خداوند ، خالق آسمان ها و زمین است .

اللهمّ فاطر السموت و الأرض

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۶۲ – ۱

۱ – خداوند ، آفریننده هر چیزی است .

اللّه خلق کلّ شیء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۶۲ – ۳،۵،۶

۳ – خداوند ، خالق همه چیز است .

خلق کلّ شیء

۵ –

ربوبیت ، خالقیت ، الوهیت و یکتایی ، از اوصاف و ویژگی های خداوند

ذلکم اللّه ربّکم خلق کلّ شیء لا إله إلاّ هو

۶ - توانایی بر آفرینش همه چیز ، نشانه یکتایی و بی همتایی خداوند است .

ذلکم اللّه ربّکم خلق کلّ شیء لا إله إلاّ هو

جمله <لاـ إله إلاّـ هو> به منزله نتیجه برای مطالبی است که در این آیه و آیه قبل آمده است; که محور آن مسأله خالقیت مطلق خداوند و ارائه جلوه های آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۴ - ۱،۲،۴

۱ - خداوند ، کره زمین را با ثبات و آرام قرار داد .

اللّه الذی جعل لکم الأرض قرارًا

<قرار> می تواند مصدر <قَرَّ> (مرادف سَكَنَ و ثَبَتَ) باشد. در این صورت قرار، مقابل اضطراب و لرزیدن و از اوصاف زمین به شمار می رود. هم چنین می تواند به معنای مستقر و جایی باشد که در آن ثبات و آرامش است; یعنی، <جعلها مستقراً لکم>. در این صورت مقصود آن است که زمین را به گونه ای قرار دادیم که جایی برای سکونت شما انسان ها باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است.

۲ - خداوند ، زمین را به گونه ای آفریده که قابل سکونت و زندگی برای بشر باشد .

اللّه الذی جعل لکم الأرض قرارًا

۴ - خداوند ، آسمان را در جهت منافع انسان ها برافراشته ساخت .

اللّه الذی جعل لکم . .. و السماء بناء

<بناء>، در لغت معنایی دارد که شامل: ساختمان، خیمه، چادر و مانند این ها می شود: اطلاق <بناء> بر آسمان از

باب تشبیه است; یعنی، <جعل لکم السماء کالبناء>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۷ - ۱

۱ - خداوند ، خالق و آفریدگار انسان ها است .

هو الذی خلقکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۸ - ۳،۴،۶،۷

۳ - خداوند ، بر پدید آوردن هر آنچه تقدیر کرده ، توانا است .

فإذا قضی أمرًا فإنّما یقول له کن فیکون

۴ - خداوند ، هر چیزی را تقدیر کند با گفتن < باش و به هستی درآ > آن را پدید می آورد .

فإذا قضی أمرًا فإنّما یقول له کن فیکون

۶ - آفرینش همه چیز برای خداوند ، امری سهل و آسان است .

فإذا قضی أمرًا فإنّما یقول له کن فیکون

برداشت یاد شده، از آن جا است که آفرینش هر چیزی به صرف تقدیر و اراده آن و بی هیچ ابزار و کمکی، بیانگر این حقیقت است که برای خداوند متعال، آفریدن هر چیزی سهل و آسان می باشد.

۷ - آفرینش مجدد انسان ها برای خداوند ، بسیار سهل و آسان است .

إنّ الساعه لأتیه لاریب فیها . .. هو الذی یحیی و یمیت فإذا قضی أمرًا فإنّما یقول

برداشت یاد شده، از آن جا است که آیه شریفه در ردیف آیاتی قرار گرفته که درصدد اثبات معاد و حیات مجدد انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۹ - ۳،۴،۵،۱۲

۳ - زمین و چگونگی شکل گیری و آفرینش آن ، از نزدیک ترین و آشکارترین زمینه های توجه انسان به خالقیت

خداوند

قل أئنّكم لتكفرون بالذى خلق الأرض

از این که خداوند از میان همه نشانه ها و دلایل، آفرینش زمین را به عنوان دلیل خالقیت و آفریدگاری خود یاد کرده است، می توان مطلب بالا را به دست آورد.

۴ - خداوند ، آفریننده زمین در دو روز

خلق الأرض فى يومين

۵ - خدا ، زمین را در دو مرحله و دوره آفرید . *

بالذى خلق الأرض فى يومين

لفظ <یوم> می تواند کنایه از دوره و مرحله باشد.

۱۲ - ربوبیت و تدبیر جهان از شؤون خالقیت خدا است .

بالذى خلق . .. ذلك ربّ العلمين

از این که خداوند برای ربوبیت خویش به خالقیتش استناد کرده، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۰ - ۱

۱ - خداوند ، پدید آورنده کوه های استوار در زمین

و جعل فيها روسى

<رواسی> (جمع <راسیه>) به معنای کوه های استوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۱ - ۱

۱ - خداوند ، پس از آفرینش زمین به سامان دادن آسمان پرداخت .

ثمّ استوی إلی السماء

<إستواء> (مصدر <إستوی>) آن گاه که با <إلی> متعدی شود، به معنای آهنگ کردن است. <ثمّ> (در <ثمّ استوی>) می تواند برای ترتیب خارجی و یا ترتیب ذکری باشد. برداشت بالا بر اساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۲ - ۱

۱ - خداوند ، جهان آفرینش را به صورت هفت آسمان بیاراست و نظام بخشید .

فقضهنّ سبع سموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶

- فصلت - ۴۱ - ۲۱ - ۹،۱۴،۱۵

۹ - خداوند ، خالق و آفریننده انسان ، برای نخستین بار و بدون سابقه و پیشینه

و هو خلقکم أوّل مرّه

مراد از <أوّل مرّه> زمانی است که آدمی وجود نداشت و خداوند او را آفرید.

۱۴ - آگاهی و شهادت اعضا و جوارح آدمی در قیامت به آفریدگاری خداوند و بازگشت همگان به سوی او

قالوا . .. و هو خلقکم أوّل مرّه و إلیه ترجعون

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که جمله <و هو خلقکم . ..> ادامه گفتار اعضا و جوارح انسان باشد.

۱۵ - خالقیت خداوند ، نمایانگر قدرت او بر معاد و آفرینش دوباره آدمیان در قیامت

و هو خلقکم أوّل مرّه و إلیه ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۷ - ۹

۹ - خداوند ، آفریدگار شب و روز و خورشید و ماه

و من ءایته . .. الذی خلقهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۱ - ۱

۱ - خداند ، آفریننده آسمان ها و زمین

فاطر السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۹ - ۴،۵

۴ - خداوند ، قادر و توانمند بر آفرینش هر آنچه بخواهد .

يخلق ما يشاء

۵ - حاكميت مطلق خداوند در جهان هستى ، پشتوانه اجراى مشيت وى در آفرينش موجودات

للّه ملك السموت و الأرض يخلق ما يشاء

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۲ - ۱

۱ - خداوند ، تمامى جهان هستى را زوج و

دارای جفت آفریده است .

و الذی خلق الأزوج کلّها

برداشت یاد شده بدین احتمال است که مراد از <أزواج>، تمامی مخلوقات الهی باشد. ذکر <أزواج> اشاره به این است که پدیده های جهان، دارای جفت می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۹ - ۹

۹ - فرشتگان ، آفریده و مخلوق خدا

أشهدوا خلقهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۷ - ۳،۱۲

۳ - خداوند ، خالق و آفریدگار ذات و سرشت انسان

إلّا الذی فطرنی

۱۲ - شأن هدایت گری ، شایسته آفریدگاری که سرشت انسان را پدید آورده و از خواست ها و نیاز های او آگاه است .

إلّا الذی فطرنی فإنّه سیهدین

تفریع هدایت بر جنبه آفریدگاری و سرشت آفرینی خداوند، حکایت از مطلب یاد شده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۲ - ۱

۱ - آفرینش آسمان ها و زمین از سوی خداوند ، آفرینشی به حق و هدفدار

و خلق اللّه السموت و الأرض

<حق> به چیزی گفته می شود که براساس حکمت و فلسفه ای بایسته پدید آمده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۳۳ – ۵

۵- عارض نگشتن کم ترین ضعف و خستگی بر خداوند ، در نتیجه آفرینش آسمان ها و زمین

و لم یعی بخلقهنّ

مفاد جمله <لم یعی بخلقهنّ> راه نیافتن تعب و خستگی در ذات حق است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۱۱ – ۳

۳ زیبایی ، شگفتی و

ثمربخشی ، آمیخته به هم در مظاهر طبیعت و آفریده های خدا *

زوج بهیج . تبصره و ذکری ... ماء مبرکًا ...و النخل باسقت لها طلع نضید . رزقًا ل

خداونـد در این آیـات، بـا یادآوری هر یک از نعمت هاو مظاهر طبیعت وصـفی حاکی از زیبایی و شـگفتی علمی نیز برای آن آورده است و در پایان به ثمر بخشـی عینی آنها که تغـذیه خلق باشـد اشاره کرده است; یعنی، رزق های آفریـده خداوند یک بُعدی نیست و خداوند به وسیله آنها تنها تغذیه نمی کند; بلکه این روزی را با هنر و اسرار در می آمیزد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۱۵ – ۵

۵ شک در امکان معاد ، در عین مشاهده آفرینش خداوند ، نمودی از گیجی و سردرگمی کافران

فهم فی أمر مریج . .. أفعیینا بالخلق الأوّل بل هم فی لبس من خلق جدید

بیان تناقض گویی کافران در این آیه، می تواند در مقام ارائه نمونه ای از سـرگردانی کافران باشد که در آیات پیشـین خداوند به آن اشاره فرموده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۱۶ – ۱

۱ خداوند ، خالق انسان و آگاه به وسوسه های نفسانی وی

و لقد خلقنا الإنسن و نعلم ما توسوس به نفسه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۴۷ – ۳

۳ – خداوند ، آفریدگاری بی نیاز و توانا

و السّماء بنینها. .. و إنّا لموسعون

<موسع> (مفرد <موسعون>) به معنای غنیِ قدرتمند است; یعنی، <إنّا لذو واسعه فی

القدره و الغنی>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۹ - ۱

۱ - خداوند ، اشیا را جفت (نر و ماده) آفریده است .

و من کلّ شیء خلقنا زوجین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۶ - ۱

۱ - آفرینش آسمان ها و زمین ، مخصوص خداوند و غیر او فاقد کمترین تأثیر درآن

أم خلقوا السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۶ - ۱

۱ - پیدایش زن و مرد ، از نطفه به اراده خدای یگانه

و أنّه خلق . .. الذکر و الأُنثی . من نطفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۰ - ۳،۴

۳ - خلقت اشیاء و تحقق بخشیدن به آن ، امری سهل برای خداوند

إنّا کلّ شیء خلقنه بقدر . و ما أمرنا إلاّ وحده کلمح بالبصر

برداشت یاد شده بر این احتمال است که عبارت <کلمح بالبصر> اشاره به سهولت داشته باشد.

۴ - تحقق آفرینش اشیا و تقدیر و تنظیم آنها ، با صدور یک فرمان از جانب خداوند و بی نیاز از بازنگری *

إنّا کلّ شیء خلقنه بقدر . و ما أمرنا إلاّ وحده کلمح بالبصر

عبارت <و ما أمرنا> می تواند نظر به آیه قبل داشته باشد؛ یعنی، خلقت و اندازه گیری در دو مرحله صورت نمی گیرد؛ بلکه با یک فرمان هم آفرینش است و هم تقدیر و در این آفرینش و تقدیر تجدید نظر صورت نمی گیرد.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۳ – ۱

۱ – خداوند ، خالق انسان ها

خلق الإنسن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۱۰ – ۴

۴ – آفرینش زمین و نظام هستی از سوی خدا ، هدفمند است .

و السّماء رفعها و . .. و الأرض وضعها للأنام

خداوند متعال در این آیه، نمایانده است که اصولاً سامان یافتن زمین و شکل گیری آن از آغاز، بدان هدف صورت گرفته که زیستگاه آدمیان باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۱۴ – ۱

۱ – انسان ، آفریده شده به اراده خداوند از گِلی خشک همچون سفال

خلق الإنسن من صلصل کالفخّار

<صلصال> به گل خشک و <فخّار> به سفال گفته می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۵۷ – ۱

۱ – خداوند ، خالق و آفریدگار انسان ها

نحن خلقنکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۵۹ – ۲

۲ – نقش منحصر به فرد خداوند ، در ایجاد و آفرینش انسان از منی در رحم

أفرءيتم ما تمنون . .. أم نحن الخلقون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۷۲ – ۲

۲ – تنها خداوند ، قادر بر آفرینش درخت آتش زنه

أم نحن المنشون

مسند محلی به <ال> <المنشئون> مفید حصر است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۴ – ۱،۳

۱ – خداوند ، خالق و آفریدگار آسمان ها و

زمین است .

هو الذی خلق السموت و الأرض

۳ – خداوند ، آسمان ها و زمین را در شش روز آفرید

خلق السموت و الأرض فی ستّه أیّام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۲ – ۱

۱ – خداوند ، خالق و آفریننده انسان ها

هو الذی خلقکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۳ – ۱،۵،۷

۱ – خداوند ، آفریننده آسمان ها و زمین است .

خلق السموت و الأرض

۵ – انسان ها ، از نظر ظاهر و باطن و صورت و سیرت ، زیبا و نیکو آفریده شده اند .

فأحسن صورکم

<صورت> عبارت است از هیئت هر شیئی که با آن، از دیگر اشیا جدا و ممتاز می گردد و شامل شکل ظاهری و هویت باطنی آن می شود (اقتباس از مفردات راغب).

۷ – آفرینش انسانِ زیبا صورت و نیکو سیرت ، مظهر و مصداق روشن آفرینش بحق خدا است .

خلق السموت و الأرض بالحقّ و صوّرکم فأحسن صورکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۷ – ۸

۸ – آفریـدن جهـان و آگـاهی از پدیـده هـای آن و اسـرار نهفته در دل آدمیان ، نشانه آسان بودن آفرینش مجـدد انسان ها از جانب خداوند

خلق السموت . .. و اللّه علیم بذات الصدور ... و ربّی لتبعثنّ ... و ذلک علی اللّه

مطلب یـاد شـده، از ذکر آفرینش جهـان به قـدرت خداونـد و آگـاهی همه جانبه او در آغاز و سـپس یاد کردن آسانی برپایی قیامت برای او، به دست می آید.

جلد – نام سوره –

سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۲ - ۱

۱ - خداوند ، خالق و آفریننده آسمان ها و زمین است .

اللّه الذی خلق سبع سموت و من الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۳ - ۱

۱ - خداوند ، خالق آسمان ها است .

الذی خلق سبع سموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۴ - ۲،۳

۲ - خداوند ، خالق و آفریدگار انسان و جهان است .

ألا یعلم من خلق

۳ - خالقیت خداوند نسبت به انسان و جهان ، نشانه و دلیل احاطه علمی او به تمامی حقایق جهان و نیز راز دل ها و ضمیر انسان ها است .

إنّه علیم بذات الصدور . ألا یعلم من خلق

عبارت <ألا یعلم من خلق> در مقام تبیین چگونگی آگاهی خداوند، از راز دل ها و ضمیر انسان ها است; یعنی، خداوند چون خالق و آگاه به خلق خویش است، پس به راز دل ها و نهان آدمیان آگاهی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۵ - ۱،۲

۱ - خداوند ، زمین را برای انسان رام و قابل بهره برداری قرار داد .

هو الذی جعل لکم الأرض ذلولاً

۲ – خداوند ، زمین را به گونه ای آفرید که در جهت مصالح و منافع انسان ها باشد .

جعل لكم الأرض ذلولاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملك – ۶۷ – ۲۳ – ۱

۱ – انسان ، پدیده ای است ساخته خداوند رحمان .

قل هو

الذی أنشاکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۲۴ – ۱

۱ – خداوند ، خالق انسان و تکثیر کننده نسل او است .

قل هو الذی ذرأکم

<ذرأ>به معنای خلق است; ولی به گفته برخی از مفسران و اهل لغت، این واژه در آیه شریفه و آیات مشابه آن، به معنای تکثیر نسل بشر است (برگرفته از لسان العرب).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۳۹ – ۲

۲ – خداوند ، خالق انسان ها است .

إنّا خلقنهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – نوح – ۷۱ – ۱۴ – ۱،۳

۱ – خداوند ، خالق انسان ها است .

و قد خلقکم

۳ – آفرینش بشر از سوی خداوند ، در قالب اشکال مختلف و با حالات گوناگون

و قد خلقکم أطوارًا

کاربرد واژه <أطوار> در این آیه، ممکن است مانند کاربرد آن در جمله <الناس أطوار> باشد; یعنی، اصناف و حالات گوناگون.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – نوح – ۷۱ – ۱۶ – ۱

۱ – خداوند ، ماه را نورانی و خورشید را همچون چراغ فروزنده آفرید .

و جعل القمر فیهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – نوح – ۷۱ – ۱۷ – ۱

۱ – خداوند ، انسان را همچون نباتات از زمین آفریده است .

و اللّه أنبتکم من الأرض نباتًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۱۱ – ۴

۴ – تنها خداوند ، خالق بشر است .

و من

خلقت وحیدًا

در این برداشت، کلمه <وحیداً> حال برای <تا> در <خلقت> گرفته شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲ – ۹

۹ – خداوند ، انسان را شنوا و بینا آفرید .

فجعلنه سمیعًا بصیرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۸ – ۱،۴

۱ – خداوند ، خالق و آفریدگار انسان ها است .

نحن خلقنهم

۴ – توانایی خداوند بر آفرینش انسان ، نشانه توانایی او بر نابود کردن امت های گنه پیشه و کافر و جایگزین کردن دیگران

نحن خلقنهم . .. وإذا شئنا بدّلنا أمثلهم تبدیلاً

برداشت یاد شده، از یاد آوری آفرینش انسان از سوی خداوند پیش از تذکر به هلاکت امت های کافر و جایگزین کردن دیگران استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۲۰ – ۱

۱ – خداوند ، خالق انسان ها است .

ألم نخلقکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۲۷ – ۱

۱ – آفرینش کوه های استوار و بلند در زمین ، از سوی خداوند

و جعلنا فیها روسی شمخت

<رواسی> به معنای کوه های استوار و پابرجا و <شامخات> به معنای <مرتفعات> (کوه های بلند) است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۷ – ۲

۲ – خداوند ، آفریننده کوه های استوار و مستحکم است .

ألم نجعل . .. و الجبال أوتادًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۸ –

۱ - خداوند ، آفریدگار تمامی انسان ها است .

و خلقنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۰ - ۲

۲ - خداوند ، شب و تاریکی آن را پدید آورده است .

و جعلنا الّیل لباسًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۵ - ۲

۲ - خداوند ، پدید آورنده بذر ها و دانه های خوراکی و روییدنی های زمین و تأمین کننده غذا های گیاهی انسان است .

لنخرج به حبًّا و نباتًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۶ - ۲

۲ - خداوند ، بهوجودآورنده بستان ها و آفریننده درختان و منظره های سرسبز و خرّم

لنخرج . .. جنّت ألفافًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند ، پس از آفرینش آسمان و ایجاد شب و روز ، زمین را گسترده ساخت .

و الأرض بعد ذلک دحیها

<دحو> به معنای بسط دادن و گستراندن است. <بعد ذلک> دلالت دارد که این مرحله از تغییرات زمین، پس از تعدیل

آسـمان و آفرینش تـاریکی و روشـنی بوده است. مراد از بسـط زمین به قرینه آیـات بعـد آمـاده سـازی و سامان دادن آن برای زندگانی جانداران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۸ - ۴

۴ - خداوند ، خالق همه انسان ها است .

قتل الإنسن . .. من أیّ شیء خلقه

فاعل <خلقه> خداوند است که سیاق آیه شریفه، از تصریح به آن

بی نیاز ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۹ - ۱،۷

۱ - خداوند ، آفریننده انسان ها است .

خلقه

۷ - خداوند ، در پی آفرینش انسان از نطفه ، او را توانمند و مهیّا برای رسیدن به مصلحت های خویش قرار داد .

من نطفه خلقه فقدّره

برخی از اهل لغت، ضمن بر شمردن معانی متعددی برای <تقدیر>، دقّت و تفکر در متعادل ساختن امور و مهیّا ساختن آنها را، از جمله معانی آن قرار داده اند (لسان العرب). <فاء> در <فقدّره> گویای این است که مهیّا شدن انسان برای مصالح خویش، از آثار و پیامدهای سیستم خلقت او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۹ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده زیتون و درخت خرما و رویاننده آن از زمین است .

فأنبتنا فیها . .. زیتونًا و نخلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۰ - ۱

۱ - درختان تنومند و ستبر بوستان ها ، آفریده های خداوند و از منابع تغذیه انسان ها

و حدائق غلبًا

<غُلْب> جمع <غَلْباء> است. به کسی که دارای گردنی کلفت باشد <اغلب> و <غلباء> گفته می شود (لسان العرب). در آیه شریفه، گرچه بوستان ها به ضخامت و ستبری توصیف شده اند; ولی این وصف به قرینه <أنبتنا> در آیات پیشین ناظر به قطور بودن درختان آن بوستان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۱

۱ - آب ، زمین ،

دانه ها ، انگور ، سبزیجات ، زیتون ، نخل ، بوستان ، میوه و چراگاه ، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام های آنان است .

متعًا لکم و لأنعمکم

<متاعاً> اسم مصدر و جایگزین مصدر حقیقی <تمتیعاً>(بهره رساندن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۷ - ۱،۲،۳

۱ - خداوند ، آفریننده انسان ها است .

الذی خلقک

۲ - خداوند ، انسان را آفریده ای کامل و به دور از هرگونه کاستی و اضافات قرار داده است .

فسوّیک

عبارت <سوّاک>؛ یعنی، تو را <سَوِیّ> قرار داد. <سَوِیّ> به چیزی گفته می شود که اندازه و کیفیت آن، از افراط و تفریط به دور باشد.(مفردات راغب)

۳ - خداوند ، قامت انسان را استوار ساخت و اعضای او را هماهنگ و متوازن قرار داد .

فعدلک

فعل <عَدَلَ>، در موردی به کار می رود که چیزی را به پا دارند تا به اعتدال درآید و استقامت یابد(مقاییس اللغه). این فعل در مورد برقرار کردن توازن و تعادل نیز به کار می رود.(قاموس)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲ - ۵

۵ - قدرت خداوند بر آفرینش آسمان و برج های آن ، نشانه صداقت او در وعده آمدن قیامت است . *

و السماء ذات البروج . و الیوم الموعود

یاد کردن قیامت پس از ذکر آسمان و برج های آن ممکن است به این لحاظ باشد که توجّه به آسمان، باور

به قیامت را تقویت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۲ - ۱،۲

۱ - خداوند آفریننده تمامی موجودات

الذی خلق

بیان نکردن مفعولی خاص برای <خلق>، بیانگر تعمیم است و به آفرینش تمام مخلوقات نظر دارد.

۲ - خداوند ، آفریده های خویش را کامل و به دور از هرگونه کاستی و اضافات ، قرار داده است .

فسوّی

تسویه و تعدیل، به یک معنا است (مصباح) و اعتدال هر چیز، به دور ماندن آن از افراط و تفریط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۷ - ۳

۳ - شتر ، مخلوق خداوند و آفریده ای هدف دار است .

أفلاینظرون إلی الإبل کیف خلقت

در آیه شریفه، گرچه سخن از آفریننده شتر به میان نیامده است; ولی سیاق آیات که در مقام برشمردن نعمت های خداوند، توجّه دادن انسان به قدرت مندی او و ضرورت معاد می باشد بیانگر این است که خداوند، آن را خلق کرده و آفریدن آن لغو نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۴ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده انسان ها است .

لقد خلقنا الإنسن فی کبد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – شمس – ۹۱ – ۷ – ۵

۵ – خداوند ، جان انسان ها را متعادل و به دور از افراط و تفریط آفریده است .

سوّیها

<سوّاه>; یعنی، آن را <سویّ> قرار داد (قاموس). <سویّ> درباره چیزی گفته می شود که از افراط و تفریط، در مقـدار و کیفیت مصون

باشد. (مفردات)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۴ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده انسان ها است .

لقد خلقنا الإنسن

حرف <ال> در <الإنسان>، یا برای استغراق جنس است و یا به حقیقت و ماهیت او نظر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱ - ۱۲،۱۳

۱۲ - خداوند ، خالق تمامی مخلوقات است .

الذی خلق

ذکر نشدن مفعولی خاص برای فعل <خلق>، افاده عموم می کند و در این صورت آیه بعد، ذکر خاص بعد از عام خواهد بود. در این موارد می توان گفت: <خلق> گرچه متعدی است; ولی به جهت نظر نداشتن به مفعولی خاص، به منزله فعل لازم دانسته شده است. و ممکن است گفته شود: مفعول مقدّر آن، لفظی است که همه موجودات را شامل می شود. برخی گفته اند: به قرینه آیه بعد، مفعول محذوف این فعل نیز <الإنسان> است که در این صورت، آیه شریفه تنها به آفرینش انسان نظر خواهد داشت.

۱۳ - ربوبیت (مالکیت و تدبیر امور) ، ویژه خالق موجودات است .

ربّک الذی خلق

توصیف خداوند به <الذی خلق> پس از بیان ربوبیت او بیانگر این نکته است که خالقیت او، دلیل بر ربوبیت او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۲ - ۱

۱ - خداوند ، خالق انسان ها است .

خلق الإنسن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فلق – ۱۱۳ – ۲ – ۱،۷

۱ – خداوند ، آفریننده موجودات

ما خلق

۷ – آفریننده بودن

خداوند ، دلیل توانمندی او بر دفع خطر مخلوقات خویش

من شرّ ما خلق

توصیف موجودات خطرآفرین، به این که خداوند خالق آنها است; استدلال بر امکان پذیر بودن رفع خطر آنها از سوی خداوند است.

خالقیت در ربوبیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۳ - ۶

۶ - خالقیت و آفریدگاری ، شرط ربوبیت و خداوندگاری است .

یأیّها الناس . .. إنّ الذین تدعون من دون اللّه لن یخلقوا ذبابًا

خالقیت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۴ - ۱۴

۱۴ - < عن الفتح بن یزید الجرجانی قال : لقیته علیه السلام (أبی الحسن الرضا (ع) . . . قلت : جعلت فداك ، و غیر الخالق الجلیل خالق ؟ قال : إنّ اللّه تبارک و تعالی یقول : < تبارك اللّه أحسن الخالقین > فقد أخبر أنّ فی عباده خالقین منهم عیسی بن مریم (ع) خلق من الطین کهیئه الطیر بإذن اللّه . . . ;

فتح بن یزید جرجانی گوید: با امام رضا(ع) ملاقات کردم . ..گفتم: فدای شما گردم. آیا غیر از خداوند بزرگ نیز خالقی هست؟ امام(ع) فرمود: خداوند می فرماید: <تبارك اللّه أحسن الخالقین> و خداوند خبر داده است که در بین بندگانش، خالق هایی هستند و از جمله این افراد، حضرت عیسی(ع) است که به اذن خداوند، صورتی مانند پرنده آفرید...>.

خالقیت معبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۱۳

۱۳ خالق و آفریننده ، تنها حقیقتِ شایسته پرستش

اعبدوا

الله . .. هو أنشأكم من الأرض

جمله <هو أنشأكم . ..> استدلالى است براى توحيد و لزوم يكتاپرستى كه از جمله <اعبدواالله ...> به دست مى آيد; يعنى، چون خداوند خالق است، شايسته پرستش است و چون در آفريدن شريكى ندارد، پس نبايد در پرستش نيز براى او شريكى بپنداريد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۰ - ۱۰

۱۰- تنها خداوند خالق ، شأن مورد پرستش قرار گرفتن و كمك طلبيدن را دارد .

و الذين يدعون من دون الله لايخلقون شيئًا

آيه درصدد سرزنش عمل مشركان در اتخاذ معبودهاى متعدد است و استفاده مى شود كه چنان كارى مذموم و قبيح مى باشد.

خالقيت معبود راستين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۰ - ۳

۳- توانمندى بر آفريدن و نيز مخلوق نبودن ، از نشانه هاى خدا و معبود حقيقى است .

و الذين يدعون من دون الله لايخلقون شيئًا و هم يخلقون

از اينكه خداوند در مقام بيان رد الوهيت معبودهاى مشركان، دو صفت مهم را برشمرده است، استفاده مى شود كه <الله> بايد خالق بوده و مخلوق نباشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۲ - ۲

۲- علم ، قدرت ، خالقيت و حيات ، از ويژگى هاى معبود و خداى حقيقى

أفمن يخلق كمن لايخلق . .. و الله يعلم ... و الذين يدعون من دون الله لايخلقون شيئ

آوردن عبارت <إلهكم إله واحد> پس از بيان صفات برجسته خداوند و پس از يادآورى ضعف و فتور معبودهاى باطل، به

منزله ذکر نتیجه

آن سخنان و مشعر به نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۱ - ۴

۴ - آفریننده انسان ها ، تنها حقیقتی که شایسته و بایسته پرستش است .

اعبدوا ربکم الذی خلقکم و الذین من قبلکم

توصیف خداوندبه <خالقیت> - پس از بیان لزوم پرستش او - بیانگر علت لزوم پرستش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۱۲

۱۲ - شایستگی إله بودن و معبود شدن ، تنها در خور خالق و آفریدگار انسان است .

إنکم ظلمتم أنفسکم باتخاذکم العجل فتوبوا إلی بارئکم

<بارء> از اسما و صفتهای الهی و به معنای آفریننده است. موسی(ع) با انتخاب این اسم و صفت در جمله <توبوا إلی بارئکم> - با توجه به اینکه مخاطبانش کسانی هستند که به پرستش غیر خدا روی آورده بودند - اشاره به این دارد که: خالق آدمی سزاوار معبود شدن است; چرا به غیر او گرایش پیدا کردید؟ باید توبه کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸ - ۲

۲ - کسی که آفریننده هستی و مدبر و مالک و دانای به همه چیز نباشد ، شایسته پرستش نیست .

اللّه لا إله إلّا هو

برداشت فوق، حاصل ارتباط این آیه با آیات قبل بوده که خالقیت، فرمان روایی و مالکیت بر جهان و علم مطلق را به خداوند منحصر ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳ - ۶

۶ مخلوق نبودن ، قدرت بر آفرینندگی ،

جلب منفعت ، دفع ضرر ، میراندن ، حیات بخشیدن و احیای مردگان ، از نشانه های معبود واقعی و شایسته پرستش (اللّه)

و اتّخذوا من دونه ءالهه لایخلقون شیئًا و هم یخلقون . .. و لانشورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۸ - ۳

۳ - خالق و راهنمای انسان ، شایسته پرستش است ; نه بت های بی شعور و ساخته دست بشر .

فإنّهم عدوٌّ لی إلاّ ربّ العلمین . الذی خلقنی فهو یهدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۵ - ۲

۲ - خدای پدیدآورنده موجودات آسمان و زمین از کتم عدم ، شایسته پرستش است ، نه مخلوقات و مظاهر طبیعت .

یسجدون للشمس . ..ألاّیسجدوا للّه الذی یخرج الخبء فی السموت و الأرض

<ال> در <الخبء> برای جنس و مفید استغراق است <خَبْء> به معنای مستور (مصدر به معنای مفعول) می باشد. بنابراین <یخرج الخبء>; یعنی، <یخرج جمیع الأشیاء المستوره تحت استار العدم منها إلی الوجود>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۴ - ۸

۸ - پرستش ، مخصوص پدیدآورنده ، اعاده کننده و روزی دهنده انسان ها است و نه غیر او

أمّن یبدؤا الخلق ثمّ یعیده . .. أءله مع اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۰ - ۴،۷،۱۱

۴ - هیچ یک از معبودان جعلی مشرکان ، هیچ گونه توانایی خلق و روزی رسانی و مرگ و بازآفرینی انسان ها را ندارند .

اللّه الذی خلقکم ثمّ رزقکم

ثمّ یمیتکم ثمّ یحییکم هل من شرکائکم من یفعل من ذلکم م

استفهام در آیه، انکاری است و آورده شدن <من> در <من شیء> برای استغراق نفی هر یک از موارد یاد شده است. اسم اشاره <ذلکم> به خلق، رزق، اماته و احیاء مصدرهای فعل های یاد شده در آیه اشاره دارد.

۷ - خدایانِ ناتوان از آفرینش و روزی دهی به انسان ، شایسته خدایی نیستند .

هل من شرکائکم من یفعل من ذلکم من شیء

استفهام در آیه، انکاری است و آیه، در صدد بیان این نکته است که خدای یگانه، اوصاف یادشده را دارد، در حالی که خدایان شما، چنین نیستند، پس شایسته خدایی نیستند.

۱۱ - خالقیت و رازقیت و سررشته داری مرگ و حیات ، از ویژگی های الوهیت اند .

اللّه الذی خلقکم ثمّ رزقکم ثمّ یمیتکم ثمّ یحییکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۱ - ۲

۲ - خالقیت ، از شرایط الوهیت است .

هذا خلق اللّه

از تحدی خداوند با مشرکان، استفاده می شود که <اللّه> باید توان خالقیت داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۲ - ۴

۴ - عبادت ، تنها شایسته خدای خالق است .

و ما لی لا أعبد الذی فطرنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۶ - ۲

۲ - تنها ، خالق جهان هستی مستحق پرستش است .

قال أتعبدون ما تنحتون . و اللّه خلقكم و ما تعملون

تذکر به خالقیت خدا نسبت به انسان و مصنوعات وی، پس از محکوم کردن پرستش

مصنوعات بشری، می تواند گویای برداشت بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۵ - ۱۰

۱۰ - خالقیت ، شرط شایستگی برای معبودیت

أتدعون بعلًا و تذرون أحسن الخلقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۱۶

۱۶ - آفریدن جهان هستی (آسمان ، زمین ، انسان و . . .) ، از اوصاف و نشانه های خدای حقیقی (اللّه)

خلق السموت و الأرض . .. خلقکم من نفس وحده ... ذلکم اللّه

<ذلکم> اشاره به کسی است که اشیای ذکر شده را آفریده و صاحب اوصاف خلق و جعل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۱ - ۸

۸ - عبادت و حاجت خواهی ، تنها در پیشگاه کسی روا است که آفریننده شب و روز و تأمین کننده روزی و نیاز های انسان ها است .

و قال ربّکم ادعونی أستجب لکم . .. اللّه الذی جعل لکم... النهار مبصرًا

از ارتباط میان این آیه با آیه قبل که درباره ربوبیت خداوند و عبادت او و حاجت خواهی از او بود برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۴ - ۱۳

۱۳ - آفرینش زمین ، آسمان ، انسان و روزی های او ، از اوصاف معبود و ربّ حقیقی

اللّه الذی جعل لکم الأرض . .. و صوّرکم فأحسن صورکم و رزقکم من الطیّبت ذلکم اللّ

فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۲۷ – ۲

۲ – تنها معبودی شایسته پرستش است که سامان بخش وجود انسان و آفریدگار سرشت آدمی است .

إلّا الذی فطرنی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۴ – ۵

۵– توانایی بر خلقت جهان و تدبیر امور آن ، شرط شایستگی معبود برای پرستیده شدن

ماذا خلقوا من الأرض أم لهم شرک فی السموت

در این آیه، به ناتوانی بت ها در امر خلقت و تـدبیر جهان اشاره شده است و این خود می نمایاند که توانایی بر خلقت و تدبیر، ملاکی است که براساس آن، می توان معبود واقعی را از معبود دروغین، متمایز ساخت.

خالقیت و الوهیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۲۰ – ۶

۶– موجودات دست ساز و فاقد هرگونه قدرت آفرینشگری ، لیاقت الوهیت ندارند و هرگونه عقیده ای به خدایی آنان ، باطل است .

و الذین یدعون من دون الله لایخلقون شیًا و هم یخلقون

خالقیت و معاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۷۹ – ۳

۳ – توانایی بر آفرینش هر چیزی ، دلیل و شاهد امکانِ آفرینش مجدد آن است .

قل یحییها الذی أنشأها أوّل مرّه

برداشت یـاد شـده از آن جا است که خداونـد در پاسـخ به کسانی که احیای مجـدد انسان ها را غیر ممکن می دانسـتند، مسأله آفرینش آغازین را مطرح کرده است. بنابراین از این پاسخ می توان قانون کلی یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵

- یس - ۳۶ - ۸۱ - ۸

۸ - خداوندِ خالق آسمان ها و زمین ، بر آفرینش مجدد انسان ها و نوسازی آدمی از ذرات پوسیده و پراکنده دنیایی او در قیامت ، توانا است .

قال من یحیِ العظم و هی رمیم . .. أوَلیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن ی

ذکر خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۱۵

۱۵ - موسی (ع) با توجه دادن مرتدان به خالقیت خدا ، کیفر قتل را برای آنان امری سازنده دانست .

ذلکم خیر لکم عند بارئکم

انتخاب <باریء> در بیان ضرورت اجرای حکم قتل، به این معنا اشاره دارد که: هر چند کشته شدن به ظاهر از میان رفتن و نابود شدن است، ولی در حقیقت زندگی یافتن و دوباره آفریده شدن است. گفتنی است که تکرار <بارئکم> در دو جمله <توبوا إلی بارئکم> و <ذلکم خیر لکم عند بارئکم> رسای به این است که هر کدام به هدفی خاص آورده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۱ - ۹

۹ توجه به خالقیت خدا ، زمینه ساز اخلاص در تبلیغ دین و چشم ندوختن به اجر و پاداش های مردمی است .

إن أجری إلاّ علی الذی فطرنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۳ - ۱۳

۱۳ - توجه به خالقیت ، رازقیت و مدیریت خدا ، زمینه ساز حمد او است .

و لئن سألتهم من خلق . .. و سخّر ... اللّه یبسط

الرزق ...و لئن سألتهم من نزّل ...

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انفطار – ۸۲ – ۷ – ۴

۴ – توجّه به خالقیت مدبّرانه خداوند ، زمینه ساز پذیرش ربوبیت او و مانع فریب خوردن انسان از جاذبه های گناه است .

ما غرّک بربّک . .. الذی خلقک فسوّیک فعدلک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – علق – ۹۶ – ۱ – ۱۴

۱۴ – توجّه به خالقیت خداوند و ربوبیت او ، برانگیزاننده انسان به همراه ساختن کار ها با ذکر نام او است .

اقرأ باسم ربّک الذی خلق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – علق – ۹۶ – ۲ – ۴

۴ – آگاهی از قدرت خداوند بر آفرینش انسان از خون لخته ، زمینه ساز توجه به او در آغاز هر کار است .

اقرأ باسم ربّک . .. خلق الإنسن من علق

رد خالقیت معبودان باطل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۵۶ – ۱۰

۱۰– خالق نبودن بت ها و معبود های مشرکان ، دلیل ناشایستگی آنها برای عبادت و تقدیس انسان ها

ما هذه التماثیل . .. قال ربّکم ربّ السموت والأرض الذی فطرهنّ

حضرت ابراهیم(ع)، برای ابطال عقیده مشرکان و بت پرستان و اثبات توحید ربوبی برای خداوند، به خالقیت او تمسک کرد. نکته یاد شده بیانگر این حقیقت است که تنها خالق جهان، شایسته تقدیس و عبادت است، نه چیز دیگر.

زمینه ذکر خالقیت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۹ – ۳

۳

- زمین و چگونگی شکل گیری و آفرینش آن ، از نزدیک ترین و آشکارترین زمینه های توجه انسان به خالقیت خداوند

قل أئنّکم لتکفرون بالذی خلق الأرض

از این که خداوند از میان همه نشانه ها و دلایل، آفرینش زمین را به عنوان دلیل خالقیت و آفریدگاری خود یاد کرده است، می توان مطلب بالا را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۳ - ۲

۲ - توجه به آفریننده نعمت ها ، به دنبال بهرهوری از آن ، امری طبیعی و فطری است .

لتستوا علی ظهوره ثمّ تذکروا نعمه ربّکم إذا استویتم علیه

شرایط خالقیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۱ - ۳

۳ - الوهیت و خالقیت (خداوندگاری و آفریدگاری) ، دو امر متلازم و انفکاک ناپذیر

إذًا لذهب کلّ إله بما خلق

قید <بما خلق> بیانگر این حقیقت است که خداوندگاری، فرع بر آفریدگاری است; یعنی، تا یک موجودی خالق نباشد، نمی توان او را اله خواند. بنابراین اگر علاوه بر خدای متعال، خدایان دیگری نیز وجود داشت، باید هر خدایی آفرینشی جدا از آفرینش خدایان دیگری می داشت.

شک در خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲ - ۹

۹ تردید در خالقیت و ربوبیّت یگانه خداوند، شگفت انگیز و سزاوار سرزنش است.

بربهم یعدلون. هو الذی خلقکم من طین ثم قضی أجلا ... ثم أنتم تمترون

حرف <ثم> در <ثم أنتم تمترون>، مفید استبعاد و توبیخ است، چون تراخی زمانی در اینجا معنی ندارد. گفتنی

است متعلق <تمترون>، مضامین اساسی مورد بحث در آیه قبل (توحید در خالقیت و ربوبیت) است.

شؤون خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۸ - ۱

۱ - هدایت و راهنمایی خلق ، از شؤون ربوبیت و خالقیت خداوند

إلاّ ربّ العلمین . الذی خلقنی فهو یهدین

تفریع جمله <فهو یهدین> بر <ربّ العالمین> و <الذی خلقنی>، بیانگر برداشت یاد شده است; یعنی، چون او پروردگار جهانیان و نیز آفریننده من است; پس خود او هم مرا راهنمایی خواهد کرد.

عقیده به توحید در خالقیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۷ - ۱

۱ - اعتقاد مشرکان مکه ، به خالقیت خداوند و توحید در آفرینش

و لئن سألتهم من خلقهم لیقولنّ اللّه فأنّی یؤفکون

از آیه شریفه استفاده می شود که شرک مشرکان، در ناحیه خالقیت خداوند نبوده است; بلکه آنان در ربوبیت، تدبیر، کارگشایی امور و وساطت برای تقرب به خدا، گرفتار شرک بوده اند.

عقیده به خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۱ - ۹

۹ شرک پیشگان عرب جاهلی با وجود اینکه خدا را پدید آورنده جانداران از موجودات بی جان و موجودات بی جان را از جانداران می دانستند ، منکر ربوبیت و پروردگاری او بودند .

و من یخرج الحی من المیت و یخرج المیت من الحی . .. فسیقولون اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳ – ۸

۸- مشرکان صدراسلام ، خداوند را خالق آسمان ها و

زمین می دانستند .

أتی أمر الله . .. سبحنه و تعلی عمّا یشرکون ... خلق السموت و الأرض بالحق تعلی

<تعالی عمّا یشرکون> مربوط به <بالحق> است و نه <خلق السماوات و . ..> بنابراین، از آیه استفاده می شود که مشرکان درباره اصل خلقت عالم حرفی نداشته اند، بلکه درباره حقانیت و پوچی آن توهماتی داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۱ - ۱،۵،۶

۱ - مشرکان ، به خالقیت خدا برای آسمان ها و زمین و مسخِّر کننده خورشید و ماه ، باور داشتند .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض و سخّر الشمس و القمر لیقولنّ اللّه

۵ - انکار آیات خدا و ایمان به باطل ، از سوی مشرکان ، به رغم باور آنان بر خالقیت خدا و تسخیر خورشید و ماه از سوی او ، امری شگفت آور است .

و ما یجحد بأیتنا إلاّ الکفرون . .. و قالوا لولا أنزل علیه ءایت ... و الذین ءا

۶ - با وجود اعتقاد مشرکان به این که خالق عالم و رام کننده خورشید و ماه ، خدا است ، بازداشته شدنشان از حق ، قابل توجیه و منطقی نیست .

و لئن سألتهم من خلق . .. و سخّر ... لیقولنّ اللّه فأنّی یؤفکون

جمله <فأنّی یؤفکون> جواب شرط مقدر است و<أنّی> معادل <کیف> استفهامیه و برای تعجب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۱ - ۷

۷ - مشرکان و کافران در عصر بعثت علی رغم انکار قیامت و تجدید حیات انسان ها به آفرینش

آسمان ها و زمین به وسیله خدا و نیز به عظمت این آفرینش اعتقاد داشتند .

أوَلیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن یخلق مثلهم

برداشت یاد شده با توجه به این حقیقت است که استدلال خداوند بر اثبات معاد، از راه آفرینش نخستین جهان طبیعت، مبتنی بر این حقیقت است که کافران، جهان طبیعت را جلوه ای از خالقیت و قدرت خدا بدانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۸ - ۱

۱ - اعتقاد و اعتراف مشرکان ، به خالقیت یگانه خداوند و پدید آمدن جهان آفرینش (آسمان ها ، زمین و . . .) تنها به قدرت او

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض لیقولنّ اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۹ - ۱۳

۱۳ - مشرکان عصر بعثت ، معتقد به خالقیت خدا و منکر ربوبیت مطلقه وی بودند .

قل أئنّکم لتکفرون بالذی خلق . .. ذلک ربّ العلمین

تعبیر <تجعلون له أنداداً> نشان می دهد که مشرکان اصل وجود خدا و خالقیت او را قبول داشته اند ولی برای او شریک در آفرینش و ربوبیت قائل بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۷ - ۱،۲

۱ - اعتقاد مشرکان مکه ، به خالقیت خداوند و توحید در آفرینش

و لئن سألتهم من خلقهم لیقولنّ اللّه فأنّی یؤفکون

از آیه شریفه استفاده می شود که شرک مشرکان، در ناحیه خالقیت خداوند نبوده است; بلکه آنان در ربوبیت، تدبیر، کارگشایی امور و وساطت برای تقرب به خدا، گرفتار

شرک بوده اند.

۲ - روی آوردن به غیر خدا ، با وجود اعتقاد به خالقیت یگانه او ، انحرافی آشکار و امری ملامت بار

و لئن سألتهم من خلقهم لیقولنّ اللّه فأنّی یؤفکون

<إفک> (مصدر <یؤفکون>) به معنای روی گرداندن و انحراف از مسیر طبیعی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۷ - ۵

۵ - منکران معاد در عصر بعثت ، آسمان را آفریده خداوند می دانستند .

أم السماء بنیها

استدلال آیه شریفه بر امکان معاد، بدون پذیرش آفریدگاری خداوند برای آسمان، ناتمام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۵ - ۴

۴ - اعتقاد به آفریننده بودن خداوند ، ناسازگار با پندار عجز برای او در برابر انسان

خلقنا الإنسن . .. أیحسب أن لن یقدر علیه أحد

عقیده به خالقیت غیرخدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۰ - ۴

۴ - عقیده به شریک بودن غیر خدا با او در خلق و تدبیر عالم ، شرک است .

قل أرءیتم شرکاءکم الذین تدعون من دون اللّه أرونی ماذا خلقوا من الأرض أم لهم شرک

غیر خدا و خالقیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۶ – ۲۱

۲۱ غیر خدا هیچ آفرینش و آفریده ای ندارد .

أم جعلوا لله شرکاء خلقوا کخلقه

معبودان باطل و خالقیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۲۰ – ۱

۱– خدایان ادعایی مشرکان ، قدرت آفرینش هیچ چیزی را ندارند .

و الذین یدعون

من دون الله لایخلقون شیئًا

<یدعون> صله <الذین> است و ضمیر صله، ضمیر مفعولی است که حذف گردیده و مرجع آن الذین است. مراد از <الذین> به قرینه آیات قبل که درباره خدایان ادعایی ناتوان بود خدایان مشرکان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۳ - ۷

۷ - عجز و ناتوانی خدایان اهل شرک هر چند همگی گرد هم آیند از آفریدن حتی یک مگس ، دلیلی است روشن و غیر قابل انکار بر پوچی اندیشه شرک .

إنّ الذین تدعون من دون اللّه لن یخلقوا ذبابًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۱ - ۴،۵،۷

۴ - خداوند ، مشرکان را به ارائه مخلوقات معبودان شان ، فرا می خواند .

فأرونی ماذا خلق الذین من دونه

۵ - معبودان مشرکان ، هیچ آفریده ای ندارند .

هذا خلق اللّه فأرونی ماذا خلق الذین من دونه

۷ - مشرکان ، از ارائه مخلوقی برای معبودان خویش ، ناتوان اند .

فأرونی ماذا خلق الذین من دونه بل الظلمون فی ضلل مبین

امر <أرونی> برای تعجیز است و <بل> اضراب، برای انتقال از غرضی به غرض دیگری است. جمله بعد از <بل> اشعار دارد به این که آنان، نه تنها از درخواست ارائه مخلوق برای معبودی، ناتوانند بلکه آن چنان در بیراهه اند که هیچ گاه چنین کاری از آنان ساخته نیست.

منشأ خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۵ - ۹

۹ - خداوند ، هر چیزی را بر اساس مشیت خود آفریده

است .

یخلق اللّه ما یشاء

نشانه های خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۷ - ۵

۵- قرآن ، جلوه ای از خلاّقیت و علم خداوند

إن ربّک هو الخلّق العلیم . و لقد ءاتینک سبعًا من المثانی و القرءان العظیم

ذکر <اعطای قرآن به پیامبر(ص)> پس از بیان دو صفت خالقیت و دانایی خداوند، می تواند بیانگر مصداقی از خلاّقیت و علم خداوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۴ - ۱۰

۱۰- قدرت خداوند بر خلقت آغازین نظام آفرینش ، نشانگر قدرت او بر آفرینش دوباره آن است .

یوم نطوی . .. إنّا کنّا فعلین

تشبیه <کما> می تواند برای اصل خلقت جهان و آفرینش مجدد آن باشد; یعنی، همان گونه که ما توانستیم جهان را در آغاز پدید آوریم، دوباره نیز می توانیم به وجود آوریم. گفتنی است جمله تأکیدی <إنّا کنّا فاعلین>، بیانگر این است که اصل آفریدن دوباره جهان، مورد انکار بوده و آیه شریفه در صدد بیان امکان آفرینش مجدد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۴ - ۷

۷ - انسان ، مظهر صنع بدیع الهی است .

ثمّ أنشأنه خلقًا ءاخر فتبارک اللّه أحسن الخلقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۱ – ۱

۱ – آسمان ها و کوه ها و جنبندگان و . . . ، تبلور آفرینندگی خداوند است .

هذا خلق اللّه فأرونی ماذا خلق الذین من دونه

جلد – نام سوره – سوره – آیه –

فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۶۲ – ۲

۲ – همه پدیده های جهان هستی ، جلوه های خالقیت و توحید ربوبی خداوند است .

اللّه خلق کلّ شیء

آیه شریفه به قرینه آیه ۶۴ که به منزله نتیجه این آیه بوده و در آن شرک محکوم گردیده است درصدد بیان نشانه های خالقیت خدا و اثبات توحید ربوبی او است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۴۵ – ۳

۳ – زوجیت (مردی و زنی) در میان بشر ، دارای اهمیت و زمینه ساز پی بردن به خالقیت یگانه خداوند

و أنّه خلق الزوجین الذکر و الأُنثی

از این که خداوند، مسأله زوجیت را به انسان تذکر داده و وحدت خالق رادر این زمینه یادآوری نموده است; مطلب بالا استفاده می شود.

نقش توحید در خالقیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۲ – ۱۰

۱۰ – توحید در خالقیت ، دلیل و برهان توحید در ربوبیت است .

لن نؤثرک . .. والذی فطرنا

ویژگی خالقیت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۰۱ – ۱

۱ خداوند پدیدآورنده آسمان و زمین بدون داشتن نمونه و الگویی از قبل

بدیع السموت و الأرض

<بـدیع> یعنی خالق و مبـدع. معنی بـدیع بودن خداونـد آن است که او خالق و مخترع عالم است، بدون الگو گرفتن از نمونه ای. (لسان العرب).

ویژگیهای خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۵ - ۹

۹- خداوند برای ایجاد چیزی ،

نیازمند به کار گیری اسباب و وسایط نیست .

إذا قضی أمرًا فإنّما یقول له کن فیکون

معنای نیازمند نبودن خداوند به اسباب و وسایط این نیست که خداوند اسباب را به کار نمی گیرد، بلکه بدان معنا است که اسباب در رتبه متأخر از اراده و فرمان او قرار دارند، بنابراین اراده او محدود به هیچ وسیله ای نیست و وسایل نیز با فرمان او و به شکلی که او بخواهد عمل می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۲ - ۲

۲ - خداوند در آفرینش پدیده ها ، از هر گونه ابزار و وسایل و کمک و هم فکری ، بی نیاز است .

إنّما أمره إذا أراد شیئًا أن یقول له کن فیکون

قصر در <إنّما أمره. ..> قصر اضافی است. این عبارت در مقابل عقیده منکران معاد ادا شده است; زیرا آنان تجدید حیات انسان ها از استخوان های پوسیده و پراکنده را، امری غیر ممکن می دانستند; چرا که بر این تصور بودند که جمع کردن استخوان های پوسیده و پراکنده و دمیدن حیات در آن، نیاز به ابزار، وسایل، کمک و هم فکری دیگران داردو بایدوقت و زمانِ بسیاری صرف شود و خداوند از انجام چنین کاری ناتوان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۸ - ۵

۵ - خداوند ، در آفرینش پدیده ها از هر گونه ابزار و وسایل و کمک و هم فکری ، بی نیاز است .

فإذا قضی أمرًا فإنّما یقول له کن فیکون

قصر در <فإنّما یقول له . ..> قصر اضافی است و در

مقابل عقیده منکران معاد ادا شده است; زیرا آنان تجدید حیات انسان ها را، امری غیر ممکن می دانستند. آنها بر این تصور بودند که جمع کردن اجزای پوسیده و پراکنده بدن بشر و دمیدن حیات به آن، امری است که نیاز به ابزار و کمک و هم فکری دیگران و صرف وقت دارد و خداوند از چنین کاری ناتوان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۰ - ۲

۲ - خلقت الهی ، خلقتی نیکو و بایسته و فاقد شرور و بدی ها است .

و من ءایته خلق السموت و الأرض . .. و ما أصبکم من مصیبه فبما کسبت أیدیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۰ - ۲

۲ - بی نیازی خداوند به زمان ، برای خلق اشیاء

و ما أمرنا إلّا وحده کلمح بالبصر

عبارت <کلمح بالبصر> (مانند چشم به هم زدن) ظاهراً اشاره به سرعت تحقق <امر> دارد; یعنی، به گونه ای است که میان فرمان و تحقق شیء هیچ فاصله ای نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۴ - ۳

۳ - آفرینش الهی ، متکی به تقدیر و سنجشی حکیمانه و مبرّا از هرگونه ضعف و کاستی

هو اللّه الخلق البارئ

برخی از مفسران، برآنند که در معنای <خالق> آفرینش همراه با تقدیر و حکمت نهفته است و <بارئ> می تواند دربردارنده معنای <پیراستن> باشد.

خاله از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خاله

خوردن از خانه خاله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۳،۱۰

- ۳

نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأکلوا من ... بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم

۱۰ – استفاده از خوراکی های منازل پـدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بـدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم .

سهم ارث خاله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۱۲ – ۲۲

۲۲ تنها برادر و خواهر مادری میت ، وارث یک ششم یا شریک در یک سوم میراث می باشند .

و ان کان رجل یورث کلاله او امراه و له اخ او اخت فلکل واحد منهما السّدس . .. فهم

امام صادق (ع) در مورد کلاله در آیه فوق فرمود: . .. انما عنی بذلک الاخوه و الاخوات من الامّ خاصه.

کافی، ج ۷، ص ۱۰۱، ح ۳ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۵۵، ح ۱۲۰.

محدوده حجاب خاله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۱ – ۱۹

۱۹ – زنان مؤمن ، مجاز به آشکار ساختن زینت های خویش و مواضع آنها (بدن) بر پسـران شوهر ، برادران ، پسران برادر و پسران خواهر خود هستند .

و لایبدین زینتهنّ إلاّ. .. ؤو أبناء بعولتهنّ أو أخونهنّ أو بنی إخونهنّ أو

بنی أخ

خانوادگی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خانوادگی

آثار عواطف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۳ - ۳

۳ - عواطف خانوادگی و خویشاوندی ، از زمینه های انحراف و تمایل به دشمنان خداوند

تسرّون إلیهم بالمودّه . .. لن تنفعکم أرحامکم و لا أولدکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۵ - ۱

۱ یعقوب (ع) ، همواره به یاد فرزندش یوسف (ع) و دردمند فراق او بود .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف

<تفتؤا> از افعال ناقصه و به تقدیر <لا> ی نافیه است. بنابراین <تفتؤا تذکر یوسف> ; یعنی ، پیوسته یوسف(ع) را یاد می کنی.

اختلاف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۷ - ۴

۴ طلاق ، آخرین راه حل مشکل ناسازگاری میان زن و شوهر است .

للذین یؤلون . .. و ان عزموا الطلاق فان اللّه سمیع علیم

تأخیر ذکری امر طلاق، می تواند اشاره باشد به این که باید از طلاق، برای حل مشکل در آخرین مرحله استفاده کرد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۲۸ – ۲۳

۲۳ عدم مراعات حقوق متقابل زن و شوهر ، از عوامل طلاق

و المطلّقات یتربصن بانفسهن ثلثه قروء . .. و لهنّ مثل الذی علیهنّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰۲ – ۳۱

۳۱ – جدایی انداختن بین زن و شوهر ، امری نکوهیده و حرام است .

ما یفرقون به بین المرء و زوجه و

ما هم بضارین . .. إلا بإذن اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۱،۹

۱ لزوم پیشگیری از به هم خوردن سلامت خانواده ، در صورت ناسازگاری شوهر وظیفه ای بر عهده زنان

و إن امراه خافت من بعلها . .. فلاجناح علیهما ان یصلحا بینهما صلحاً

کلمه <خافت>، بیانگر ترس از وقوع است، نه خود وقوع.

۹ لزوم پرهیز از اشاعه اختلافات همسران به بیرون از محیط خانه *

فلاجناح علیهما ان یصلحا بینهما صلحاً

از این که فعل <یصلحا> به خود زن و شوهر نسبت داده شده است و همچنین از تعبیر <بینهما> استفاده می شود که حل و فصل مسایل خانوادگی میان خود همسران، بهتر است از مطرح ساختن نزد دیگران.

ارزش عواطف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۳۲

۳۲- روابط و عواطف خانوادگی ، امری اصیل و ارزشمند و مورد توجه دین

و أصلح لی فی ذرّیّتی

تعبیر <أصلح لی. ..> گرچه در متن آیه به صورت گزارش از دعاهای انسان کامل نقل شده است; اما در حقیقت دستوری است که خداوند، با بیانی ویژه انسان را به سوی آنها رهنمون ساخته است و این نشان می دهد که دعا برای والدین و فرزندان و نسل و دلسوزی برای آنها، امری اصیل و پذیرفته شده در بینش الهی است.

اهمیت تفاهم خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۲۱

۲۱ - محیط خانواده ، نیازمند تفاهم عقیدتی و سلامت دینی *

و لاجناح علیکم أن تنکحوهنّ .

.. و لاتمسکوا بعصم الکوافر

حکم <لاتمسکوا. ..> می توانـد از آن جهت باشد که وجود همسـر کافر در زندگی مؤمن، محیط خانواده را ناسالم و ناأمن می سازد.

اهمیت حل اختلاف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۶ - ۱۶

۱۶ - سیاست اسلام در اختلاف و نزاع میان همسران ، کوتاه کردن مدت آن و یا رفع کامل آن است .

فإن أرضعن لکم فاتوهنّ أُجورهنّ و أتمروا بینکم بمعروف و إن تعاسرتم فسترضع له أُخ

برداشت یاد شده، از آن جا است که خداوند پس از توصـیه به خوش رفتاری با زنان مطلّقه و پرداختن اجرت شیردادن نوزادان به آنان فرمان داد که در صورت بالا گرفتن اختلافت میان همسـران، آنان به مشورت و هم فکری بپردازنـد و در صورت عـدم توافق، بدون فوت وقت از دایگان مدد گیرند.

اهمیت رفع مشکلات خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۰ - ۵

۵- سیاست اسلام بر تحکیم پیوند خویشاوندی و رفع مشکلات موجود میان خویشاوندان است .

إن الله یأمر . .. و إیتاىءِ ذی القربی

اهمیت روابط خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۹ - ۱۴،۱۷

۱۴ اساس زندگی خانوادگی و مصالح آن ، نباید دستخوش تمایلات مرد قرار گیرد .

فان کرهتموهنّ فعسی ان تکرهوا شیئاً و یجعل اللّه فیه خیراً کثیراً

۱۷ احتمال وجود خیر فراوان ، در تداوم زندگی با زنانی که ناخوشایند انسان هستند .

فان کرهتموهنّ فعسی ان تکرهوا شیئاً و یجعل اللّه فیه خیراً کثیراً

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۱ - ۳

۳ توجّه به پیوند زناشویی و اتحاد و یگانگی حاصل از آن ، مانعی برای اجحاف به همسر و بازپس گیری مهریّه

و کیف تأخذونه و قد افضی بعضکم الی بعض

<افضی> از مصدر <افضاء> به معنای اتصال است و در آیه می تواند کنایه از اتحاد و یگانگی زوجین باشد، نه کنایه از خصوص آمیزش؛ و گر نه می فرمود: <و قد افضیتم الیهنّ>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۵،۱۰،۱۹،۲۰

۵ جواز صرفنظر کردن زن از بعض حقوق خود ، برای جلب نظر شوهر و جلوگیری از نشوز وی

و إن امراه خافت من بعلها نشوزاً . .. ان یصلحا بینهما صلحاً و الصلح خیر

جمله <و احضرت الانفس الشح> حکایت از آن دارد که مصالحه عنوان شده در آیه، منوط به گذشت از حقوق شخصی است.

۱۰ گذشت از حقوق شخصی برای استمرار و استحکام روابط همسری ، بهتر از پافشاری بر استیفای آن حقوق

و الصلح خیر و احضرت الانفس الشح

۱۹ مصالحه زن و شوهر در حقوق همسری در صورتی ارزشمند است که بر پایه احسان و تقوا باشد .

و الصلح خیر . .. و إن تحسنوا و تتقوا فإنّ اللّه کان بما تعملون خبیراً

۲۰ جواز گذشت زن از برخی حقوق خویش ، به انگیزه جلوگیری از ناسازگاری شوهر و رخ ندادن طلاق

و إن امراه خافت من بعلها نشوزاً او اعراضاً

امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از معنای آیه فوق فرمود: هذا تکون عنده المراه لاتعجبه فیرید طلاقها

فتقول له: امسکنی و لاتطلقنی و ادع لک ما علی ظهرک و اعطیک من مالی و احللک من یومی و لیلتی فقد طاب ذلک له کله .

کافی، ج ۶، ص ۱۴۵، ح ۳; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۵۸، ح ۶۰۰.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۵ – ۸

۸ – حفظ روابط خانوادگی و خویشاوندی ، امری بس مهم و شایان توجه است .

و وصّینا الإنسن بولدیه . .. أن اشکرلی و لولدیک... إن جهداک علی أن تشرک بی ...

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۲ – ۱۱

۱۱ – نقش سازنده ایمان به خدا و روز قیامت ، در ایجاد رابطه صحیح و شایسته میان همسران و رعایت شدن حقوق متقابل بین آنان

إذا طلّقتم النساء . ..ذلکم یوعظ به من کان یؤمن باللّه و الیوم الأخر

یادآوری ایمان به خدا و روز قیامت به دنبال موعظه های الهی در مسائل مربوط به همسران می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۵ – ۱۱،۱۲

۱۱ – نقش سازنده تقواپیشگی ، در حفظ کانون گرم خانواده ها و رعایت شدن حقوق همسران

إذا طلّقتم النساء . .. و اتّقوا اللّه ... من یتّق ... یعظم له أجرًا

برداشت یاد شده، از آن جا است که خداوند در ضمن پنج آیه مربوط به مسائل طلاق و اختلافات خانوادگی، چهاربار، به رعایت تقوا توصیه فرموده است.

۱۲ – اهمیت مسائل خانوادگی (ازدواج ، طلاق ، حقوق همسران و . .

.) ، در میان موضوعات اسلامی و آموزه های قرآنی

إذا طلّقتم النساء . .. اتّقوا اللّه ... من یتّق اللّه ... یعظم له أجرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۶ – ۱۶

۱۶ – سیاست اسلام در اختلاف و نزاع میان همسران ، کوتاه کردن مدت آن و یا رفع کامل آن است .

فإن أرضعن لکم فاتوهنّ أُجورهنّ و أتمروا بینکم بمعروف و إن تعاسرتم فسترضع له أُخ

برداشت یاد شده، از آن جا است که خداوند پس از توصیه به خوش رفتاری با زنان مطلّقه و پرداختن اجرت شیردادن نوزادان به آنان فرمان داد که در صورت بالا گرفتن اختلافت میان همسران، آنان به مشورت و هم فکری بپردازند و در صورت عدم توافق، بدون فوت وقت از دایگان مدد گیرند.

اهمیت عواطف خانوادگی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵۸ – ۱۴،۱۷

۱۴ – ضرورت معاشرت نزدیک و تنگاتنگ فرزندان نابالغ با پدر و مادر خود و مشقت اجازه خواستن ، فلسفه و دلیل عدم لزوم اذن خواستن از والدین ، برای رفت و آمد نزدیک باآنان در غیر از سه وقت مقرر است .

لیستئذنکم . .. ثلث عورت لکم لیس علیکم و لا علیهم جناح بعدهنّ طوّفون علیکم بعضکم

جمله <طوّافون علیکم. ..> جمله ای است تعلیلیه که بیانگر علت و فلسفه جواز رفت و آمد نزدیک فرزندان با پدر و مادرشان در اتاق ها و محل استراحت آنان است؛ یعنی، چون فرزندان باید با پدر و مادرشان رفت و آمد نزدیک داشته باشند و اجازه

خواستن برای این کار، برای فرزندان مشقت بار است، پس اذن طلبیدن لازم نیست.

۱۷ – اهتمام اسلام به رفت و آمد و معاشرت نزدیک و تنگاتنگ پدران و مادران با فرزندان نابالغ و ممیز خویش در محیط خانه

طوّفون علیکم بعضکم علی بعض

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۵ – ۵

۵– اسلام ، احیاکننده ارزش ها و عواطف انسانی و استحکام بخش بنیاد های خانواده و جامعه بشری

و وصّینا الإنسن بولدیه إحسنًا

سفارش خداوند نسبت به ارج و مقام والدین، بیانگر این حقیقت است که اسلام دینی محدود به ابعاد عبادی و فردی نیست؛ بلکه به تمامی ابعاد حیات انسان توجه دارد؛ از جمله تقویت عواطف انسانی که نهایتاً به تحکیم بنیاد خانواده و جامعه منتهی می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ممتحنه – ۶۰ – ۳ – ۵

۵ – ارزش های دینی ، مقدّم بر روابط خویشاوندی و عواطف خانوادگی

لاتتّخذوا عدوّی . .. لن تنفعکم أرحامکم و لا أولدکم یوم القیمه

بی تأثیری روابط خانوادگی در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۳۵ – ۲

۲ – قیامت ، روز بی اثر بودن عواطف و روابط و جاذبه نداشتن پدر و مادر در چشم فرزندان

و أمّه و أبیه

تداوم روابط خانوادگی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۱۴ – ۱

۱ – اهـل دوزخ در دنیا ، می پنداشـتند زنـدگی شاداب آنان دگرگون نشـده و الفت های خانوادگی شان هرگز از هم نخواهد گسست .

إنّه ظنّ

أن لن يحور

<حَور>، رجوع از چیزی و به چیزی می باشد. اصل معنای آن بازگشت به کم بود است و با ضمّه <حاء> به معنای هلاکت خواهد بود (لسان العرب). فعل <یحور> از هر کدام مشتق باشد، برداشت یاد شده قابل استفاده است.

حل اختلاف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۴،۸،۱۵

۴ تردید مسلمانان صدر اسلام در جواز مصالحه زن و شوهر نسبت به حقوق یکدیگر

و إن امراه خافت . .. فلاجناح علیهما ان یصلحا

کلمه <لاجناح> حاکی است که مسلمانان صدر اسلام بر آن گمان بودند که حقوق تعیین شده برای زن و شوهر، قابل مصالحه و گذشت نیست.

۸ حسن حل و فصل مسایل خانوادگی ، توسط خودِ زن و شوهر

فلاجناح علیهما ان یصلحا بینهما صلحاً و الصلح خیر

در آیه فوق، صلح به خود خانواده واگذار شده و نه به افراد خارج آن. کلمه <بینهما>، بیانگر این مسأله است.

۱۵ انتخاب صلح در مسائل و اختلافات خانوادگی ، از مصادیق احسان و تقواست . *

و الصلح خیر . .. و إن تحسنوا و تتقوا

سفارش به تقوا و احسان، پس از ارزشمند شمردن صلح و مسالمت، می رساند که صلح در مسایل همسری، نمودی از احسان و تقواست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۰ - ۱

۱ طلاق ، آخرین راه برای شکستن بن بست اختلافات مسالمت ناپذیر خانوادگی

و إن یتفرقا یغن اللّه

پس از به نتیجه نرسیدن راه حلهای قبلی که در آیات قبل اشاره شد، طلاق به عنوان راه پایان اختلافات پیشنهاد شده

است.

رعایت حقوق خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۲ - ۱۱

۱۱ - نقش سازنده ایمان به خدا و روز قیامت ، در ایجاد رابطه صحیح و شایسته میان همسران و رعایت شدن حقوق متقابل بین آنان

إذا طلّقتم النساء . ..ذلکم یوعظ به من کان یؤمن باللّه و الیوم الأخر

یادآوری ایمان به خدا و روز قیامت به دنبال موعظه های الهی در مسائل مربوط به همسران می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

روابط خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۱۹

۱۹ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، می توانند با دیگر اعضای خانواده خود و نیز باخویشاوندان و دوستان خویش باهم (بر سر یک سفره) و یا جداگانه ، غذا میل کنند .

لیس علی الأعمی حرج . ..و لا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أ

روابط خانوادگی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۳ - ۵

۵ - خوش بختی های دنیایی و دل خوشی به پیوند های خانوادگی ، در قیامت کارساز نبوده و انسان را از آتش دوزخ رهایی نمی بخشد .

و یصلی سعیرًا . إنّه کان فی أهله مسرورًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۱۴ – ۱

۱ – اهـل دوزخ در دنیا ، می پنداشـتند زنـدگی شاداب آنان دگرگون نشـده و الفت های خانوادگی شان هرگز از هم نخواهد گسست .

إنّه ظنّ أن

لن یحور

<حَور>، رجوع از چیزی و به چیزی می باشد. اصل معنای آن بازگشت به کم بود است و با ضمّه <حاء> به معنای هلاکت خواهد بود (لسان العرب). فعل <یحور> از هر کدام مشتق باشد، برداشت یاد شده قابل استفاده است.

زمینه حل اختلاف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۷،۲۰

۷ - نقش سازنده خداترسی و تقواپیشگی ، در تضمین حقوق همسران و رفع اختلاف های آنان

إذا طلّقتم النساء . ..و اتّقوا اللّه ربّکم

مطلب یاد شده، از توصیه خداوند به تقواپیشگی در بیان اولین حکم مربوط به طلاق استفاده می شود.

۲۰ - بشارت و امید دادن خداوند به همسران مؤمن ، مبنی بر پایان یافتن مناقشات آنان و پدید آمدن زمینه های رجوع و بازگشت آنها به زندگی مشترک خویش در ایّام عدّه

فطلّقوهنّ لعدّتهنّ . .. لاتدری لعلّ اللّه یحدث بعد ذلک أمرًا

برداشت یاد شده، از آن جا است که ذیل آیه شریفه، درصدد دلداری به همسران و ایجاد امید در جان و روح آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۲ - ۱۳

۱۳ - خداترسی و تقواپیشگیِ مردان و زنان مطلّقه ، موجب رهایی آنان از مشکلات در روابط زناشویی و خروج از تنگنا های زندگی

إذا طلّقتم النساء . .. و من یتّق اللّه یجعل له مخرجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۴ - ۱۰

۱۰ - خداترسی و تقواپیشگی از مردان و زنان مطلّقه ، موجب رهایی آنان از مشکلات زناشویی و آسان شدن

زندگی برای آنها

و الّئی یئسن من المحیض . .. و من یتّق اللّه یجعل له من أمره یسرًا

زندگی خانوادگی زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵ - ۷

۷- زکریا (ع) ، به رغم ناامیدی از داشتن فرزند از همسر نازایش ، سالیانی دراز به زندگی مشترک خود با وی ادامه داد .

و کانت امرأتی عاقرًا

ساختار خانوادگی شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۲

۲ - وجود رابطه صمیمی و فضای آزاد برای گفت وگو میان شعیب (ع) و دختران وی

قالت إحدیهما یأبت استئجره . .. القویّ الأمین

از این که دختر شعیب پیشنهاد خودش را بدون هیچ تکلفی با پدر در میان گذاشت و آزادانه به ستایش موسی(ع) پرداخت مطلب بالا استفاده می شود.

علایق خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۱۸

۱۸ مال پرستی و وابستگی های خانوادگی از جمله عوامل لغزش و خیانت در شهادت

لانشتری به ثمناً و لو کان ذا قربی

علایق خانوادگی خوله بنت ثعلبه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۱ – ۲

۲ – زن ظهار شده ، مایل نبود از شوهرش جدا شده و کانون خانواده اش متلاشی گردد .

قد سمع اللّه قول الّتی تجدلک فی زوجها

علایق خانوادگی متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱۱ – ۶

۶ – ادعای سرگرمی به مال

و خانواده ، بهانه تخلّف اعراب از همراهی باپیامبر (ص)

سیقول لک المخلّفون من الأعراب شغلتنا أمولنا و أهلونا

عواطف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۱ - ۹

۹ - وجود عواطف دوستانه میان اعضای خانواده و نیز مهرورزی آنها به هم از آیات الهی است .

و جعل بینکم مودّه و رحمه

احتمال دارد عبارت <و جعل بینکم. ..> ادامه عبارت پیشین و ناظر به شفقت و مهر و ترحمی باشد که از ناحیه والدین به فرزندان، و بر عکس اعمال می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۱۵

۱۵ علاقه به فرزندان ، خصلتی نیکو و اظهار آن امری پسندیده است .

یأبت . .. قال یبنیّ لاتقصص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ - ۲

۲ یعقوب (ع) همه فرزندان خویش را گرامی می داشت و به همه آنان محبت می کرد .

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب إلی أبینا منّا

افعل تفضیل (أحبّ) گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۴ - ۸

۸- توجه انسان به ضعف ها و نیاز های دوران کودکی و خدمات و زحمات پدر و مادر ، برانگیزنده عواطف وی نسبت به آنان است .

و قل ربّ ارحمهما کما ربّیانی صغیرًا

عوامل اختلاف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۲۴

۲۴ - مردم بابل از هاروت و ماروت سحری را

آموختند که بتوانند با آن بین زن و شوهرش جدایی افکنند .

فیتعلمون منهما ما یفرقون به بین المرء و زوجه

عوامل مؤثر در زندگی خانوادگی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۵ – ۱۰

۱۰ – نقش مثبت و سازنده اسلام ، ایمان ، فرمانبری ، توبه و روزه داری در زندگی مشترک میان زنان و مردان

أن یبدّله أزوجًا خیرًا منکنّ مسلمت . .. سئحت

یادآوری اوصاف یاد شده برای زنان شایسته، در خلال نقل ماجرای نزاع میان پیامبر(ص) و همسرانش، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

کتمان رازهای خانوادگی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۳ – ۱۵

۱۵ – لزوم حفظ و نگهداری اسرار خانوادگی و زناشویی از دیگران ، حتی از برخی از اعضای خانواده

و إذ أسرّ النبیّ إلی بعض أزوجه حدیثًا . .. نبّأنی العلیم الخبیر

ملاک روابط خانوادگی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۳۹ – ۸

۸– توحید و پرهیز از شرک ، باید حاکم بر مجموعه روابط فردی ، خانوادگی و اجتماعی باشد .

و لاتجعل مع الله إلهًا ءاخر

ذکر مجموعه تعالیم فردی، خانوادگی و اجتماعی در بین دو نهی از شرک، (آیه ۲۲ و این آیه) می تواند مشعر به حقیقت یاد شده باشد.

موقعیت خانوادگی همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۰ - ۸

۸- همسر ، جزو آل و خاندان مرد است .

ءال لوط . .. إلاّ امرأته

ناپایداری روابط خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۱۵ – ۵

۵ – خداونـد ، آگـاه به وجود نشیب و فراز در مراحل حیات دنیوی و اخروی انسان و ناپایـدار مانـدن محفل های خانوادگی و خوش گذرانی های دنیامداران

بلی إنّ ربّه کان به بصیرًا

هر چند ضمیر در <ربّه> و <به>، به منکر معاد برمی گردد; ولی محتوای آیه شریفه، به جنبه انسان بودن آنان مربوط است.

نقش اصالت خانوادگی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۵۸ – ۷

۷– اصالت خانوادگی و نسبی ، در سعادت و کمال فرزندان نقش مؤثری دارد .

من ذرّیّه ءادم . .. من ذرّیّه إبرهیم و إسرءیل

مطرح شدن پیامبران الهی در طول یک سلسله و ذرّیّه های مشخص نشان از نقش نسب و خانواده در کمال فرزندان دارد.

همکاری خانوادگی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۷۲ – ۸

۸– نقش مهم تعاون خویشاوندی در زندگی انسان

و جعل لکم . .. حفده

برداشت فوق از آن جاست که خداوند ضـمن برشـمردن چند نعمت مهم، پس از موضوع همسـرداری و فرزند، به مسأله تعاون خویشاوندی اشاره فرموده است که از معنای لغوی <حفده> استفاده می شود.

خانواده از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خانواده

{خانواده}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۹ - ۱۵

۱۵ ترس از عدم رعایت حدود الهی در خانواده ، مجوّز توافق زن و شوهر بر طلاق ، با بخشیدن مالی از سوی زن

فان خفتم الا یقیما حدود اللّه فلا جناح علیهما فیما افتدت به

آثار اذیت خانواده شوهر

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۲۷

۲۷ - < عن الرضـا (ع) فی قول اللّه عزّوجـلّ : < لاتخرجوهنّ من بیوتهنّ و لایخرجن إلاّ أن یأتین بفاحشه مبیّنه > قال : أذاها لأهل الرجل و سوء خلقها ;

از امـام رضا(ع) درباره سـخن خداونـدعزّوجلّ <لاتخرجوهنّ من بیوتهنّ و لایخرجن إلاّ أن یأتین بفاحشه مبیّنه> روایت شـده که فرمود: [مراد از فاحشه مبیّنه] آزار دادن زن به خانواده شوهر و بد خلقی او است>.

آثار انحطاط خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۵ - ۵

۵ - کسـانی که سـرمایه عمر خـویش و بهره هـای بایسـته از خـانواده خـود را از دست بدهنـد ، در قیـامت از زیانکـاران واقعی محسوب خواهند شد .

إنّ الخسرین الذین خسروا أنفسهم و أهلیهم یوم القیمه

آثار پاکی خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۶

۶ - گرایش به پاکی و ارزش ها ، تنها جرم لوط (ع) و خاندانش در نظر آن جامعه فسادزده

قالوا أخرجوا ءال لوط من قریتکم إنّهم أُناس یتطهّرون

عبارت <إنّهم أُناس> تعلیل برای حکم اخراج است.

آثار تباهی خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۶ - ۴

۴ – خسارت و از دست دادن سرمایه عمر و خانواده ، موجب آتش شدید و فراگیر دوزخ

الذین خسروا . .. لهم من فوقهم ظلل من النار و من تحتهم ظلل

آثار تبعیض در خانواده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸

- يوسف - ۱۲ - ۸ - ۶،۷

۶ همه فرزندان یعقوب محبت افزون تر او به یوسف (ع) و بنیامین را احساس می کردند و بر آن رشک می بردند .

إذ قالوا ليوسف و أخوه أحب إلى أبينا منا

ضمیر در <قالوا> به <إخوته> در آیه قبل برمی گردد ; یعنی ، همه آنان چنین گفتند و بر این نظر اتفاق داشتند.

۷ محبت و علاقه افزون تر یعقوب (ع) به دو فرزندش یوسف (ع) و بنیامین ، برانگیزنده حسادت دیگر فرزندان وی نه اطلاعشان از رؤیای یوسف (ع)

إذ قالوا ليوسف و أخوه أحب إلى أبينا منا

چنان چه یوسف(ع) رؤیای خویش را برای برادرانش نقل کرده بود و آن باعث حسادت و توطئه علیه او شده بود ، سخن از بنیامین به میان نمی آوردند و تنها به ذکر یوسف(ع) اکتفا می کردند.

آثار عفت خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۶

۶ - گرایش به پاکی و ارزش ها ، تنها جرم لوط (ع) و خاندانش در نظر آن جامعه فسادزده

قالوا أخرجوا ءال لوط من قريتكم إنّهم أُناس يتطهّرون

عبارت <إنّهم أُناس> تعلیل برای حکم اخراج است.

آثار علاقه به خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۱۶

۱۶ - دلبستگی به مال و خانواده ، بازدارنده انسان از راه خدا و تکالیف دین

سيقول لك المخلّفون من الأعراب شغلتنا أمولنا و أهلونا . .. يقولون بألسنتهم

برداشت بالا بر این اساس است که اعراب در بیان <شغلتنا أموالنا

و أهلونا> صادق به شمار آیند; ولی در گفتن <فاستغفرلنا> که حاکی از ندامت درونی آنان است کاذب باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۴ - ۴

۴ - جاودانه پنداشتن دنیا و بعید شمردن معاد ، ریشه دل خوشی های نابجا و دلبستگی به خانواده و خاندان است .

إنّه کان فی أهله مسرورًا . إنّه ظنّ أن لن یحور

حرف <إنّ> در <إنّه ظنّ>، برای بیان علت سُروری است که در <کان فی أهله مسروراً> بیان شده است.

آثار عواطف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۳ - ۳

۳ - عواطف خانوادگی و خویشاوندی ، از زمینه های انحراف و تمایل به دشمنان خداوند

تسرّون إلیهم بالمودّه . .. لن تنفعکم أرحامکم و لا أولدکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۵ - ۱

۱ یعقوب (ع) ، همواره به یاد فرزندش یوسف (ع) و دردمند فراق او بود .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف

<تفتؤا> از افعال ناقصه و به تقدیر <لا> ی نافیه است. بنابراین <تفتؤا تذکر یوسف> ; یعنی ، پیوسته یوسف(ع) را یاد می کنی.

آرامش در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۶

۶ اهمیت حفظ آرامش و امنیت در خانواده و تقدم آن بر حقوق شخصی زن و شوهر

و إن امراه خافت . .. ان یصلحا بینهما صلحاً و الصلح خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۴

روم – ۳۰ – ۲۱ – ۱۱

۱۱ – آرامش خانواده و پایداری آن در پرتو مودت و مهربانی است .

لتسکنوا إلیها و جعل بینکم مودّه و رحمه

آزادی در خانواده شعیب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۲۶ – ۲

۲ – وجود رابطه صمیمی و فضای آزاد برای گفت و گو میان شعیب (ع) و دختران وی

قالت إحدیهما یأبت استئجره . .. القویّ الأمین

از این که دختر شعیب پیشنهاد خودش را بدون هیچ تکلفی با پدر در میان گذاشت و آزادانه به ستایش موسی(ع) پرداخت مطلب بالا استفاده می شود.

آشتی در خانواده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۲۹ – ۱۲

۱۲ برقرار کردن توافق در خانواده ، مصداق تقواست . *

و إن تصلحوا و تتقوا فإنّ اللّه کان غفوراً رحیماً

بنابر اینکه <و تتقوا>، عطف تفسیری باشد بر <تصلحوا>.

احسان در خانواده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۲۸ – ۱۸

۱۸ رعایت کنندگان تقوا و احسان در محیط خانواده ، از پاداش الهی برخوردار خواهند شد .

و إن تحسنوا و تتقوا فإنّ اللّه كان بما تعملون خبيراً

جمله <فان اللّه . ..> در مقام تشويق به احسان و تقواست. و چون علم خدا به احسان و تقوا، معمولا تأثيرى براى انجام آن ندارد ; بنابراين بايد كنايه از پاداش دهى الهى باشد.

احكام خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۳۴ - ۲۹،۲۸،۲۷،۲۶،۲۵،۲۴،۲۱،۲۰،۱۲

۱۲ ضرورت توجه به قوانين تكوين و تشريع

در جعل مقررات حاکم بر خانواده

الرّجال قوّامون علی النساء بما فضّل اللّه . .. و بما انفقوا

چون خداوند در توجیه جعل مدیریت برای مردان به دو جهت تصریح فرمود: یکی برتری مردان بر زنان، که یک مسأله تکوینی است و دیگری عهده دار بودن نفقه، که یک حکم تشریعی است.

۲۰ خداوند ، حافظ حقوق زنان ، با جعل قوانین خانواده

بما حفظ اللّه

مراد از <ما>، حقوق زنان است که خداوند با جعل قوانین، مانند الزام به تأمین زندگی و . .. آن را حفظ کرده است.

۲۱ مسؤولیت زن در حفظ حقوق شوهر و اطاعت از او ، در چهارچوب قوانین الهی است . *

قانتات حافظات للغیب بما حفظ اللّه

بر این مبنا که مراد از <ما حفظ اللّه> قوانین الهی و <باء> در <بما حفظ اللّه> برای مصاحبت باشد، معنای آیه چنین می شود: زنان باید با رعایت قوانین الهی، از شوهران خویش اطاعت و حقوق آنان را حفظ کنند.

۲۴ پرهیز شوهر از همخوابگی با همسر ، اقدامی برای جلوگیری از نشوز وی

و الّتی تخافون نشوزهنّ . .. و اهجروهنّ فی المضاجع

در برداشت فوق <فی المضاجع> متعلق به <اهجروهنّ> گرفته شده است.

۲۵ همخوابگی ، از حقوق زنان بر همسران خویش

و اهجروهنّ فی المضاجع

گویا لزوم همخوابگی با همسران را بر عهده شوهران فرض کرده است و در حال نشوز، ترک آن را مجاز شمرده است. جمله <فلا تبغوا ... >، پس از فرض اطاعت زنان، لزوم همخوابگی را تأیید می کند.

۲۶ زدن ، آخرین اقدام برای جلوگیری از نشوز زن

و الّتی تخافون نشوزهنّ . .. و اضربوهنّ

۲۷ بروز علائم نشوز زن ،

مجوز تدابیر لازم (ترک همخوابگی ، زدن و . . .) برای جلوگیری از آن

و الّتی تخافون نشوزهنّ . .. و اضربوهنّ

چون موضوعِ حکم را خوفِ نشوز (تخافون) قرار داده است و نه تحقق نشوز. و خوف نشوز، همان بروز علائم آن است.

۲۸ ضرورت به کارگیری روش ها و تدبیر های لازم برای پیشگیری از مفاسد و گناه ، قبل از تحقق آن

و الّتی تخافون نشوزهنّ

اگر چه آیه در مورد نشوز زنان است، ولی می توان از آن استنباط کرد که اهل ایمان باید قبل از وقوع مفاسد، چاره اندیشی کنند.

۲۹ لزوم به کارگیری تدابیر لازم برای جلوگیری از رسیدن زن به مرحله نشوز

و الّتی تخافون نشوزهنّ . .. و اضربوهنّ

به نظر می رسد راههای پیشنهاد شده خصوصیتی نداشته باشد ; بلکه مراد، بازداشتن زن از ناشزه شدن است ; هر چند منجر به ترک برخی از حقوق وی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۵ - ۲،۴،۵،۶،۷،۸،۹،۱۷

۲ لزوم تلاش برای حفظ خانواده و سالم سازی محیط آن و پیشگیری از بروز ناسازگاری زن و شوهر

و ان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها

۴ لزوم گزینش و فرستادن دو داور از خانواده زن و شوهر برای حلّ اختلاف بین آن دو

و ان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها

۵ مسؤولیت بیشتر خویشاوندان زن و شوهر ، در نظارت بر سلامت خانواده و حلّ اختلاف های آنان

فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها

۶ ضرورت اطاعت زن و شوهر از نظر

و پيشنهاد داوران تحكيم در اختلافات ميان آنان

و ان خفتم شقاق بينهما فابعثوا حكماً من اهله و حكماً من اهلها

اگر تبعيت از داوران لازم نبود، موكول كردن حل اختلاف به آنان لغو بود. علاوه بر اينكه انتخاب كلمه <حَكَم> به معناى حاكم، بيانگر لزوم تبعيت است.

۷ داوران تحكيم ، داراى اختيار در حكم به سازش يا جدايى بين زن و مرد و يا تعيين شروط بر هر يك از آن دو

و ان خفتم شقاق بينهما فابعثوا حكماً من اهله و حكماً من اهلها

كلمه <حَكَم> بيانگر اين است كه داور مى تواند بر اساس آنچه به مصلحت زن و شوهر است، حكم كند.

۸ قصد قاضيان تحكيم بر اصلاح بين زن و شوهر ، موجب سازگار شدن آنان

ان يريدا اصلاحاً يوفّق اللّه بينهما

بنابر اينكه مراد از فاعل در <يريدا> حكمين باشد و ضمير در <بينهما> به زن و شوهر برگردد.

۹ نقش اصلاح طلبى قاضيان تحكيم در اراده الهى به ايجاد سازش بين زن و شوهر

ان يريدا اصلاحاً يوفّق اللّه بينهما

۱۷ قوانين الهى در مورد خانواده و روابط زن و شوهر ، برخاسته از علم كامل و آگاهى دقيق خداوند

الرجال قوامون . .. و ان خفتم ... انّ اللّه كان عليماً خبيراً

احياى خانواده ايوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۱ – انبياء – ۲۱ – ۸۴ – ۲۰

۲۰– < عن أبى عبداللّه (ع) : ردّ اللّه سبحانه عليه [أيوب (ع)] أهله الذين هلكوا بأعيانهم و أعطاه مثلهم معهم و كذلك ردّ اللّه عليه أمواله و مواشيه بأعيانها و أعطاه مثلها معها ;

از امام صادق(ع)

روایت شده که: خداوند سبحان خانواده ایوب(ع) را که هلاک شده بودند، به او برگرداند و مانند آنان را نیز به وی عطا کرد. و هم چنین خداوند، عین اموال و چهارپایان او را به او برگرداند و مانند آنها را نیز به همان مقدار به او عطا کرد>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۴۳ – ۱

۱ – خداوند ، خانواده از دست رفته ایوب را زنده کرد و به او بازگرداند .

و وهبنا له أهله

در این که مقصود از <و وهبنا له أهله> چیست; میان مفسران دو دیدگاه وجود دارد: ۱ برخی برآنند که خانواده ایوب، مرده بودند و خداوند آنان را زنده کرد و به او بازگردانید. ۲ برخی دیگر برآنند که خانواده ایوب(ع) زنده بودند; ولی از اطراف او که به امراض و بلیه های گوناگون مبتلاـ بود پراکنده شده بودند. اما خداوند با شفا دادن ایوب(ع) و رفع گرفتاری از آن حضرت، آنان را به او بازگردانید. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه اول است.

اختلاف خانوادگی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰۲ – ۳۱

۳۱ – جدایی انداختن بین زن و شوهر ، امری نکوهیده و حرام است .

ما یفرقون به بین المرء و زوجه و ما هم بضارین . .. إلا بإذن اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۲۸ – ۱،۹

۱ لزوم پیشگیری از به هم خوردن سلامت خانواده ، در صورت ناسازگاری شوهر وظیفه ای بر عهده زنان

و إن

امراه خافت من بعلها . .. فلاجناح عليهما ان يصلحا بينهما صلحاً

کلمه <خافت>، بيانگر ترس از وقوع است، نه خود وقوع.

۹ لزوم پرهيز از اشاعه اختلافات همسران به بيرون از محيط خانه *

فلاجناح عليهما ان يصلحا بينهما صلحاً

از اين که فعل <يصلحا> به خود زن و شوهر نسبت داده شده است و همچنين از تعبير <بينهما> استفاده می شود که حل و فصل مسايل خانوادگی ميان خود همسران، بهتر است از مطرح ساختن نزد ديگران.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲ – بقره – ۲ – ۲۲۷ – ۴

۴ طلاق ، آخرين راه حل مشکل ناسازگاری ميان زن و شوهر است .

للذين يؤلون . .. و ان عزموا الطلاق فان اللّه سميع عليم

تأخير ذکری امر طلاق، می تواند اشاره باشد به اين که بايد از طلاق، برای حل مشکل در آخرين مرحله استفاده کرد.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲ – بقره – ۲ – ۲۲۸ – ۲۳

۲۳ عدم مراعات حقوق متقابل زن و شوهر ، از عوامل طلاق

و المطلّقات يتربصن بانفسهن ثلثه قروء . .. و لهنّ مثل الذی عليهنّ

اختلاف در خانواده

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۳ – نساء – ۴ – ۳۵ – ۸،۹

۸ قصد قاضيان تحکيم بر اصلاح بين زن و شوهر ، موجب سازگار شدن آنان

ان يريدا اصلاحاً يوفّق اللّه بينهما

بنابر اینکه مراد از فاعل در <یریدا> حکمین باشد و ضمیر در <بینهما> به زن و شوهر برگردد.

۹ نقش اصلاح طلبی قاضیان تحکیم در اراده الهی به ایجاد سازش بین زن و شوهر

ان یریدا اصلاحاً

یوفّق اللّه بینهما

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۶ – ۳

۳ تحقق احکام و مقررات الهی در خانواده و پرهیز زن و شوهر از ناسازگاری ، زمینه ساز عبادت خداوند *

الرجال قوّامون . .. و ان خفتم ... و اعبدوا اللّه

امر به عبادت و پرستش خداوند پس از بیان احکام خانواده، اشاره به این دارد که عبادت خالصانه خداوند در پرتو تنظیم صحیح روابط خانوادگی امکان پذیر است.

اخلاص خانواده نوح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۷۶ – ۶

۶ – نوح (ع) و خاندانش ، از بندگان مخلَص و برگزیده خدا بودند .

إلاّ عباد اللّه المخلصین . و لقد نادینا نوح... و نجّینه و أهله من الکرب العظیم

ذکر داستان نوح(ع) و خاندانش پس از یاد کردن از بندگان خالص خدا در طول تاریخ، می تواند به منظور بیان الگو و نمونه ای از آن بندگان مخلص باشد.

ارزش خانواده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۲۹ – ۱۷،۲۵

۱۷ ارزش حفظ خانواده ، تا آنجاست که حدود الهی به واسطه آن به مخاطره نیفتد .

الاّ ان یخافا اَلاّ یقیما حدود اللّه

۲۵ اهمیّت کانون خانواده و حفظ آن

المطلّقات یتربصن بانفسهن . .. الطلاق مرّتان ... فاولئک هم الظالمون

ارزش عواطف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۳۲

۳۲- روابط و عواطف خانوادگی ، امری اصیل و ارزشمند و مورد توجه دین

و أصلح لی فی ذرّیّتی

تعبیر <أصلح

لی. ..> گرچه در متن آیه به صورت گزارش از دعاهای انسان کامل نقل شده است; اما در حقیقت دستوری است که خداوند، با بیانی ویژه انسان را به سوی آنها رهنمون ساخته است و این نشان می دهد که دعا برای والدین و فرزندان و نسل و دلسوزی برای آنها، امری اصیل و پذیرفته شده در بینش الهی است.

ازدیاد خانواده ایوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۳ - ۳،۶

۳ - خداوند ، بر تعداد خانواده ایوب (ع) پس از شفا و بهبود یافتنش دو چندان افزود .

و وهبنا له أهله و مثلهم معهم

۶ - بازگشت و ازدیاد خانواده ایوب (ع) ، تبلور رحمت خدا به ایشان

و وهبنا له أهله . .. رحمه منّا

استغفار برای خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۸ - ۱۲

۱۲ - دعا و آمرزش خواهی برای پدر و مادر ، اعضای خانواده و عموم مردان و زنان مؤمن ، عملی پسندیده و شایسته

ربّ اغفر لی و لولدیّ . و للمؤمنین و المؤمنت

استغفار برای خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۸ - ۴

۴ - آمرزش خواهی نوح (ع) ، از درگاه الهی برای اعضای مؤمن خاندان خویش

ربّ اغفر لی . .. و لمن دخل بیتی مؤمنًا

اصلاح خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۲ - ۲۰

۲۰ قوانین الهی ، برای اصلاح و پاکسازی خانواده و

جامعه

فلا تعضلوهنّ ان ینکحن . .. ذلکم ازکی لکم و اطهر و اللّه یعلم و انتم لا تعلمون

اصلاح در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۸ - ۱۰،۱۱،۲۱

۱۰ حق رجوع شوهر به همسر مطلّقه خویش ، مشروط به قصد اصلاح در زندگی خانوادگی است .

و بعولتهن احق بردّهن فی ذلک ان ارادوا اصلاحاً

یعنی اگر شوهر مثلاـ در رجوع خویش قصد دارد که زن هنگامی که از عدّه خارج نشده است به وی رجوع کند و پس از رجوع، دوباره او را طلاق دهد تا بدین وسیله به او آزار رساند، رجوع با چنین قصدی به حکم ظاهر آیه مشروع نیست.

۱۱ عدّه ، فرصتی برای بازسازی مجدد خانواده *

و المطلقات یتربّصن . .. و بعولتهن احق بردّهن فی ذلک ان ارادوا اصلاحاً

با توجه به اینکه متعاقب حکم تربّص ایّام عِدّه، سخن از رجوع برای اصلاح در آن ایام به میان آمده است.

۲۱ تصمیم به رعایت حقوق متعارف زن مُطلّقه ، شرط حق رجوع شوهر به او

ان ارادوا اصلاحاً و لهنّ مثل الذی علیهنّ بالمعروف

بیان حقوق زنان بر مردان پس از مقیّد کردن حق رجوع به اصلاح، این نتیجه را در بردارد که از مصادیق اراده اصلاح (ارادوا اصلاحاً)، تصمیم مرد بر رعایت حقوق زن مُطلّقه خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۵ - ۵،۸،۹،۱۲،۱۳،۱۴

۵ مسؤولیت بیشتر خویشاوندان زن و شوهر ، در نظارت بر سلامت خانواده و حلّ اختلاف های آنان

فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها

۸ قصد

قاضیان تحکیم بر اصلاح بین زن و شوهر ، موجب سازگار شدن آنان

ان یریدا اصلاحاً یوفّق اللّه بینهما

بنابر اینکه مراد از فاعل در <یریدا> حکمین باشد و ضمیر در <بینهما> به زن و شوهر برگردد.

۹ نقش اصلاح طلبی قاضیان تحکیم در اراده الهی به ایجاد سازش بین زن و شوهر

ان یریدا اصلاحاً یوفّق اللّه بینهما

۱۲ صلح و سازش بین زن و شوهر ، به توفیق الهی است .

ان یریدا اصلاحاً یوفّق اللّه بینهما

۱۳ قصد اصلاح رفتار از سوی زن و شوهر ، شرط بهره مندی آنان از توفیق الهی در سازگاری با یکدیگر *

ان یریدا اصلاحاً یوفّق اللّه بینهما

۱۴ ترغیب قاضیان تحکیم به اراده اصلاح بین زن و شوهر

ان یریدا اصلاحاً یوفّق اللّه بینهما

اضطراب خانواده ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۲ - ۳

۳- ابراهیم (ع) و خانواده وی با مشاهده ورود مهمانان (فرشتگان) به محضر ایشان ، هراسناک و مضطرب شدند .

إذ دخلوا علیه . .. قال إنا منکم وجلون

با اینکه ملائکه بر شخص حضرت ابراهیم(ع) وارد شدند (دخلوا علیه) امّا آن حضرت هراس و اضطراب را به صورت جمع (إنا منکم وجلون) بیان کرده است و این نشان دهنده هراس خود او و خانواده اش می باشد. لازم به ذکر است که <وجل> به آن ترسی گفته می شود که سراپای وجود انسان را فراگیرد (مفردات راغب).

اطمینان به خانواده موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷ - ۷

۷ - آرامش موسی (ع) در

شرایط سخت و بحرانی و تلاش وی جهت ایجاد امید و اطمینان در خانواده خود .

إنّی ءانست نارًا سئاتیکم. .. لعلّکم تصطلون

اعطای خانواده به ایوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۸۴ – ۲۰

۲۰- < عن أبی عبداللّه (ع) : ردّ اللّه سبحانه علیه [أیوب (ع)] أهله الذین هلکوا بأعیانهم و أعطاه مثلهم معهم و کذلک ردّ اللّه علیه أمواله و مواشیه بأعیانها و أعطاه مثلها معها ;

از امام صادق(ع) روایت شده که: خداوند سبحان خانواده ایوب(ع) را که هلاک شده بودند، به او برگرداند و مانند آنان را نیز به وی عطا کرد. و هم چنین خداوند، عین اموال و چهارپایان او را به او برگرداند و مانند آنها را نیز به همان مقدار به او عطا کرد>.

امکان حق ناپذیری خانواده پاکان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶۰ – ۷

۷- امکان نفوذ کفر و فساد و حق ناپذیری در افراد خانواده پاکان

إلّا امرأته قدّرنا إنها لمن الغبرین

امکان فساد خانواده پاکان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶۰ – ۷

۷- امکان نفوذ کفر و فساد و حق ناپذیری در افراد خانواده پاکان

إلّا امرأته قدّرنا إنها لمن الغبرین

امکان کفر خانواده پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۰ - ۷

۷- امکان نفوذ کفر و فساد و حق ناپذیری در افراد خانواده پاکان

إلّا امرأته قدّرنا إنها لمن الغبرین

امنیّت در خانواده

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۶

۶ اهمیت حفظ آرامش و امنیت در خانواده و تقدم آن بر حقوق شخصی زن و شوهر

و إن امراه خافت . .. ان یصلحا بینهما صلحاً و الصلح خیر

امیدواری به خانواده موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷ - ۷

۷ - آرامش موسی (ع) در شرایط سخت و بحرانی و تلاش وی جهت ایجاد امید و اطمینان در خانواده خود .

إنّی ءانست نارًا سئاتیکم. .. لعلّکم تصطلون

انبیا و خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۸ - ۶

۶ پیامبر بودن با داشتن زن و فرزند (زندگانی بشری و عادی) منافات ندارد .

و جعلنا لهم أزوجًا و ذریّه

اندوه خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۶ - ۶

۶- حضرت نوح (ع) و خاندانش ، گرفتار غمی شدید و اندوهی بزرگ در مسیر انجام رسالت خویش .

و نوحًا إذ نادی . .. فنجّینه و أهله من الکرب العظیم

<کرب> به معنای غم و اندوه شدید است (مفردات راغب).

اهمیت اصلاح خانواده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۵۵ – ۵

۵- اصلاح خانواده و بستگان ، دارای اهمیت ویژه و مورد اهتمام پیامبران الهی

و کان یأمر أهله بالصلوه و الزکوه

اهمیت تربیت خانواده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۶ – ۳،۷

۳ – خیرخواهی

برای اعضای خانواده و تربیت دینی آنان ، تکلیفی بایسته برعهده سرپرست و مدیر خانواده

قوا . .. أهلیکم نارًا

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که مصداق اصلی تلاش برای حفاظت اعضای خانواده از دوزخی شدن آنان، تربیت دینی آنان و گزینش راه و روش خیرخواهانه در این راستا است.

۷ - اصلاح و تربیت دینی اعضای خانواده ، زیر بنا و خشت اول اصلاحات در جامعه

قوا أنفسکم و أهلیکم نارًا

از فرمان خداوند به مؤمنان، مبنی بر تربیت و اصلاح اعضای خانواده خود با آن که آنان وظیفه جهاد با کافران و منافقان را نیز برعهده دارند (آیه ۹ همین سوره) می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

اهمیت تربیت دینی خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۲ - ۲

۲ - ضرورت پرداختن به تربیت دینی و معنوی خانواده و مراقبت بر آن

وأمر أهلك بالصلوه

اهمیت تفاهم خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۲۱

۲۱ - محیط خانواده ، نیازمند تفاهم عقیدتی و سلامت دینی *

و لاجناح علیکم أن تنکحوهنّ . .. و لاتمسکوا بعصم الکوافر

حکم <لاتمسکوا. ..> می توانـد از آن جهت باشد که وجود همسر کافر در زندگی مؤمن، محیط خانواده را ناسالم و ناأمن می سازد.

اهمیت حفظ خانواده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۲۸ – ۱،۳،۶،۹،۱۶

۱ لزوم پیشگیری از به هم خوردن سلامت خانواده ، در صورت ناسازگاری شوهر وظیفه ای بر عهده زنان

و إن امراه خافت من

بعلها . .. فلاجناح علیهما ان یصلحا بینهما صلحاً

کلمه <خافت>، بیانگر ترس از وقوع است، نه خود وقوع.

۳ لزوم کوشش زن و شوهر در حفظ کانون خانواده

و إن امراه خافت . .. فلاجناح علیهما ان یصلحا بینهما صلحاً و الصلح خیر

۶ اهمیت حفظ آرامش و امنیت در خانواده و تقدم آن بر حقوق شخصی زن و شوهر

و إن امراه خافت . .. ان یصلحا بینهما صلحاً و الصلح خیر

۹ لزوم پرهیز از اشاعه اختلافات همسران به بیرون از محیط خانه *

فلاجناح علیهما ان یصلحا بینهما صلحاً

از این که فعل <یصلحا> به خود زن و شوهر نسبت داده شده است و همچنین از تعبیر <بینهما> استفاده می شود که حل و فصل مسایل خانوادگی میان خود همسران، بهتر است از مطرح ساختن نزد دیگران.

۱۶ نقش سازنده گذشت ، در بقای کانون خانواده و تحکیم بنای همسری

ان یصلحا بینهما صلحاً و الصلح خیر و احضرت الانفس الشح و إن تحسنوا و تتقوا

اهمیت حل اختلاف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۶ - ۱۶

۱۶ - سیاست اسلام در اختلاف و نزاع میان همسران ، کوتاه کردن مدت آن و یا رفع کامل آن است .

فإن أرضعن لکم فاتوهنّ أُجورهنّ و أتمروا بینکم بمعروف و إن تعاسرتم فسترضع له أُخ

برداشت یاد شده، از آن جا است که خداوند پس از توصیه به خوش رفتاری با زنان مطلّقه و پرداختن اجرت شیردادن نوزادان به آنان فرمان داد که در صورت بالا گرفتن اختلافت میان همسران، آنان به مشورت و هم فکری بپردازند و در

صورت عدم توافق، بدون فوت وقت از دایگان مدد گیرند.

اهمیت خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۵ - ۲،۳

۲ لزوم تلاش برای حفظ خانواده و سالم سازی محیط آن و پیشگیری از بروز ناسازگاری زن و شوهر

و ان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها

۳ مسؤولیّت تمامی افراد جامعه در برابر اختلافات خانوادگی زن و شوهر

و ان خفتم شقاق . .. فابعثوا

ظاهراً مراد از مخاطبان جمله <فابعثوا>، عموم مسلمانان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵ - ۱۸

۱۸ اهتمام اسلام به خانواده و سلامت اعتقادی و روانی آن

و المحصنت من المؤمنت و المحصنت من الذین اوتوا الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۴ - ۱۰

۱۰- از دست دادن خانواده (زن و فرزندان) ، مهم ترین رنج و ناراحتی انسان است .

فکشفنا ما به من ضرّ و ءاتینه أهله و مثلهم معهم

اهمیت روابط خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۹ - ۱۴،۱۷

۱۴ اساس زندگی خانوادگی و مصالح آن ، نباید دستخوش تمایلات مرد قرار گیرد .

فان کرهتموهنّ فعسی ان تکرهوا شیئاً و یجعل اللّه فیه خیراً کثیراً

۱۷ احتمال وجود خیر فراوان ، در تداوم زندگی با زنانی که ناخوشایند انسان هستند .

فان کرهتموهنّ فعسی ان تکرهوا شیئاً و یجعل اللّه فیه خیراً کثیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ -

۳ - ۲۱

۳ توجّه به پیوند زناشویی و اتحاد و یگانگی حاصل از آن ، مانعی برای اجحاف به همسر و بازپس گیری مهریّه

و کیف تأخذونه و قد افضی بعضکم الی بعض

<افضی> از مصدر <افضاء> به معنای اتصال است و در آیه می تواند کنایه از اتحاد و یگانگی زوجین باشد، نه کنایه از خصوص آمیزش; و گر نه می فرمود: <و قد افضیتم الیهنّ>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۵،۱۰،۱۹،۲۰

۵ جواز صرفنظر کردن زن از بعض حقوق خود ، برای جلب نظر شوهر و جلوگیری از نشوز وی

و إن امراه خافت من بعلها نشوزاً . .. ان یصلحا بینهما صلحاً و الصلح خیر

جمله <و احضرت الانفس الشح> حکایت از آن دارد که مصالحه عنوان شده در آیه، منوط به گذشت از حقوق شخصی است.

۱۰ گذشت از حقوق شخصی برای استمرار و استحکام روابط همسری ، بهتر از پافشاری بر استیفای آن حقوق

و الصلح خیر و احضرت الانفس الشح

۱۹ مصالحه زن و شوهر در حقوق همسری در صورتی ارزشمند است که بر پایه احسان و تقوا باشد .

و الصلح خیر . .. و إن تحسنوا و تتقوا فإنّ اللّه کان بما تعملون خبیراً

۲۰ جواز گذشت زن از برخی حقوق خویش ، به انگیزه جلوگیری از ناسازگاری شوهر و رخ ندادن طلاق

و إن امراه خافت من بعلها نشوزاً او اعراضاً

امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از معنای آیه فوق فرمود: هذا تکون عنده المراه لا ـتعجبه فیرید طلاقها فتقول له: امسکنی و لاتطلقنی و ادع لک ما علی ظهرک و اعطیک من

مالی و احللک من یومی و لیلتی فقد طاب ذلک له کله .

کافی، ج ۶، ص ۱۴۵، ح ۳; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۵۸، ح ۶۰۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۵ - ۸

۸ - حفظ روابط خانوادگی و خویشاوندی ، امری بس مهم و شایان توجه است .

و وصّینا الإنسن بولدیه . .. أن اشکرلی و لولدیک... إن جهداک علی أن تشرک بی ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۲ - ۱۱

۱۱ - نقش سازنده ایمان به خدا و روز قیامت ، در ایجاد رابطه صحیح و شایسته میان همسران و رعایت شدن حقوق متقابل بین آنان

إذا طلّقتم النساء . ..ذلکم یوعظ به من کان یؤمن باللّه و الیوم الأخر

یادآوری ایمان به خدا و روز قیامت به دنبال موعظه های الهی در مسائل مربوط به همسران می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۵ - ۱۱،۱۲

۱۱ - نقش سازنده تقواپیشگی ، در حفظ کانون گرم خانواده ها و رعایت شدن حقوق همسران

إذا طلّقتم النساء . .. و اتّقوا اللّه ... من یتّق ... یعظم له أجرًا

برداشت یاد شده، از آن جا است که خداوند در ضمن پنج آیه مربوط به مسائل طلاق و اختلافات خانوادگی، چهاربار، به رعایت تقوا توصیه فرموده است.

۱۲ - اهمیت مسائل خانوادگی (ازدواج ، طلاق ، حقوق همسران و . . .) ، در میان موضوعات اسلامی و آموزه های قرآنی

إذا طلّقتم النساء .

.. اتّقوا اللّه ... من يتّق اللّه ... يعظم له أجرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۶ – ۱۶

۱۶ – سیاست اسلام در اختلاف و نزاع میان همسران ، کوتاه کردن مدت آن و یا رفع کامل آن است .

فإن أرضعن لکم فاتوهنّ أُجورهنّ و أتمروا بینکم بمعروف و إن تعاسرتم فسترضع له أُخ

برداشت یاد شده، از آن جا است که خداوند پس از توصیه به خوش رفتاری با زنان مطلّقه و پرداختن اجرت شیردادن نوزادان به آنان فرمان داد که در صورت بالا گرفتن اختلافت میان همسران، آنان به مشورت و هم فکری بپردازند و در صورت عدم توافق، بدون فوت وقت از دایگان مدد گیرند.

اهمیت سعادت خانواده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۲۶ – ۴

۴ – اهتمام تقواپیشگان به سعادت اخروی خانواده خویش و خیر خواهی شدید نسبت به آنان

قالوا إنّا کنّا قبل فی أهلنا مشفقین

اهمیت عواطف خانوادگی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵۸ – ۱۴،۱۷

۱۴ – ضرورت معاشرت نزدیک و تنگاتنگ فرزندان نابالغ با پدر و مادر خود و مشقت اجازه خواستن ، فلسفه و دلیل عدم لزوم اذن خواستن از والدین ، برای رفت و آمد نزدیک باآنان در غیر از سه وقت مقرر است .

لیستئذنکم . .. ثلث عورت لکم لیس علیکم و لا علیهم جناح بعدهنّ طوّفون علیکم بعضکم

جمله <طوّافون علیکم. ..> جمله ای است تعلیلیه که بیانگر علت و فلسفه جواز رفت و آمد نزدیک فرزندان با

پدر و مادرشان در اتاق ها و محل استراحت آنان است; یعنی، چون فرزندان باید با پدر و مادرشان رفت و آمد نزدیک داشته باشند و اجازه خواستن برای این کار، برای فرزندان مشقت بار است، پس اذن طلبیدن لازم نیست.

۱۷ - اهتمام اسلام به رفت و آمد و معاشرت نزدیک و تنگاتنگ پدران و مادران با فرزندان نابالغ و ممیز خویش در محیط خانه

طوّفون علیکم بعضکم علی بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۵

۵- اسلام ، احیاکننده ارزش ها و عواطف انسانی و استحکام بخش بنیاد های خانواده و جامعه بشری

و وصّینا الإنسن بولدیه إحسنًا

سفارش خداوند نسبت به ارج و مقام والدین، بیانگر این حقیقت است که اسلام دینی محدود به ابعاد عبادی و فردی نیست; بلکه به تمامی ابعاد حیات انسان توجه دارد; از جمله تقویت عواطف انسانی که نهایتاً به تحکیم بنیاد خانواده و جامعه منتهی می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۳ - ۵

۵ - ارزش های دینی ، مقدّم بر روابط خویشاوندی و عواطف خانوادگی

لاتتّخذوا عدوّی . .. لن تنفعکم أرحامکم و لا أولدکم یوم القیمه

اهمیت محافظت از خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۶ - ۲

۲ - توصیه خداوند به مؤمنان ، مبنی بر مراقبت از اعضای خانواده خود در برابر عوامل و موجبات بدبختی و دوزخی شدن آنان

یأیّها الذین ءامنوا قوا . .. أهلیکم نارًا

اهمیت مشاوره در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۶ – ۸

۸ – مردان و زنان مطلّقه ، باید درباره شیر دادن و کیفیت نگه داری نوزادانشان ، به مشاوره و هم فکری بپردازند .

و أتمروا بينكم

ایمان خانواده صالح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۴۹ – ۵

۵ – خانواده صالح ، جملگی مؤمنان به وی و مورد خشم عمیق کافران

لنبيّتنّه و أهله

ایمان خانواده لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۸۱ – ۱۲

۱۲ از میان قوم لوط ، تنها خانواده اش به او ایمان آورده و از تبه کاری ها و گناهان آن قوم منزّه بودند .

كانوا يعملون السيئات . .. فأسر بأهلك بقطع من الّيل ... إلّا امرأتک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۶۹ – ۵

۵ – خانواده و کسان لوط (ع) ، تنها مؤمنان به وی و پیراسته از کردار زشت قوم لوط

ربّ نجّنی و أهلی ممّا يعملون

از این که لوط(ع) تنها برای خود و کسانش در خواست نجات کرد، روشن می شود که تنها آنان به وی ایمان آورده بودند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۵۶ – ۳،۴

۳ – خاندان لوط ، هم عقیده با وی ، پاکدامن و مخالف انحراف های جامعه خویش

قالوا أخرجوا ءال لوط من قريتكم

۴ – ایمان نیاوردن هیچ فردی از جامعه به لوط (ع) ، جز افراد خانواده وی

قالو أخرجوا ءال لوط من قريتكم

مخالفان لوط به جای این که

بگویند: پیروان لوط را اخراج کنید، گفتند: خانواده وی را بیرون کنید و این نشان می دهد که جز خانواده اش کسی به وی ایمان نیاورده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۵ - ۳

۳ - تمامی اعضای خاندان لوط ، به جز همسر او ، مؤمن بودند .

إذ نجّینه و أهله أجمعین . إلاّ عجوزًا فی الغبرین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که عذاب به جهت کفر است، پس نجات خاندان لوط دلیل ایمان شان و عذاب همسر لوط به نشانه کفر او است.

ایمان خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۶ - ۹

۹- خاندان نوح از مؤمنان به رسالت نوح (ع) و بهره مند از لطف ویژه خداوند

فنجّینه و أهله من الکرب العظیم

نجات خاندان نوح(ع)، بیانگر عنایت ویژه خداوند به ایشان و نیز حاکی از ایمان آنان به رسالت نوح(ع) است; زیرا اگر آنان مانند قوم نوح کافر بودند، نجات نمی یافتند. گفتنی است آیه بعد (و نصرناه من القوم الذین کذّبوا...) مؤید همین نکته است.

بازگشت خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۳ - ۷

۷ - بازگشت خانواده (زن و فرزند) ، تبلور رحمت الهی برای مردان

و وهبنا له أهله . .. رحمه منّا

بازگشت خانواده ایوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۴۳ – ۲،۴،۶،۸

۲ – با عنایت خداوند ، خانواده پراکنده و متفرق ایوب (ع) به

سوی آن حضرت بازگشتند .

و وهبنا له أهله

۴ - بازگشت خانواده ایوب (ع) و دو چندان شدن آنها ، موهبت الهی برای آن حضرت

و وهبنا له أهله و مثلهم معهم

۶ - بازگشت و ازدیاد خانواده ایوب (ع) ، تبلور رحمت خدا به ایشان

و وهبنا له أهله . .. رحمه منّا

۸ - استجابت دعای ایوب (ع) از سوی خداوند ، با بهبود دادن او و بازگرداندن خانواده اش

إذ نادی ربّه . .. هذا مغتسل بارد و شراب . و وهبنا له أهله و مثلهم معهم

برگزیدگی خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۶ - ۶

۶ - نوح (ع) و خاندانش ، از بندگان مخلَص و برگزیده خدا بودند .

إلاّ عباد اللّه المخلصین . و لقد نادینا نوح... و نجّینه و أهله من الکرب العظیم

ذکر داستان نوح(ع) و خاندانش پس از یاد کردن از بندگان خالص خدا در طول تاریخ، می تواند به منظور بیان الگو و نمونه ای از آن بندگان مخلص باشد.

بشارت نجات خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۵ - ۳

۳ خداوند ، نوح (ع) را به نجات افراد خانواده اش نوید داده بود .

إن ابنی من أهلی و إن وعدک الحق

مصداق مورد نظر برای <وعدك> نجات خانواده نوح از حادثه طوفان است که جمله <قلنا احمل . .. و أهلك> بیانگر نوید به آن بود.

پاکی خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ -

۳- پاکی خاندان لوط (ع) و دوری از هرگونه جرم و تبه کاری ، عامل نجات همه آنان از عذاب الهی

إنا أُرسلنا إلی قوم مجرمین . إلاّ ءال لوط إنا لمنجّوهم أجمعین

پاکیزگی در خانواده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۵ – ۱۵

۱۵ ارزش و اهمیّت پاکیزگی و پاکدامنی ، در زندگی و روابط خانوادگی

و ازواج مطهره

تأمین معاش خانواده شعیب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۲۳ – ۱۶

۱۶ – ارتزاق خانواده شعیب از راه دامداری

و وجد من دونهم امرأتین تذودان . .. قالتا لانسقی حتّی یصدر الرعاء

تأمین نیازهای خانواده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۰ – ۷

۷ – خدمت به همسر و خانواده و تلاش برای رفع نیازمندی های آنان ، رفتاری پسندیده است .

فقال لأهله امکثوا . .. لعلّی ءاتیکم منها بقبس

تداوم روابط خانوادگی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۱۴ – ۱

۱ – اهـل دوزخ در دنیا ، می پنداشـتند زنـدگی شاداب آنان دگرگون نشـده و الفت های خانوادگی شان هرگز از هم نخواهد گسست .

إنّه ظنّ أن لن یحور

<حَور>، رجوع از چیزی و به چیزی می باشد. اصل معنای آن بازگشت به کم بود است و با ضمّه <حاء> به معنای هلاکت خواهد بود (لسان العرب). فعل <یحور> از هر کدام مشتق باشد، برداشت یاد شده قابل استفاده است.

ترس خانواده ابراهیم(ع)

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۵۲ – ۳

۳– ابراهیم (ع) و خانواده وی با مشاهده ورود مهمانان (فرشتگان) به محضر ایشان ، هراسناك و مضطرب شدند .

إذ دخلوا علیه . .. قال إنا منکم وجلون

با اینکه ملائکه بر شخص حضرت ابراهیم(ع) وارد شدند (دخلوا علیه) امّا آن حضرت هراس و اضطراب را به صورت جمع (إنا منکم وجلون) بیان کرده است و این نشان دهنده هراس خود او و خانواده اش می باشد. لازم به ذکر است که <وجل> به آن ترسی گفته می شود که سراپای وجود انسان را فراگیرد (مفردات راغب).

تشکیل خانواده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵ – ۱۷

۱۷ ایمان به خدا ، اعتقاد به وحی و رسالت و عفت و پاکدامنی ، از ارزش های والا در انتخاب همسر و تشکیل خانواده

و المحصنت . .. و المحصنت

تعیین جمعیت خانواده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۵۰ – ۶

۶ – حاکمیت مطلق و بلامنازع خدا در صحنه هستی ، پشتوانه اجرای مشیت او در میزان جمعیت و نوع جنسیت فرزندان خانواده

للّه ملك السموت . .. و یجعل من یشاء عقیمًا

تفاهم در خانواده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۲۹ – ۹،۱۰،۱۶

۹ صلح و سازش و رعایت تقوا در محیط خانواده بویژه با داشتن چند همسر ، موجب غفران و رحمت الهی

فلاتمیلوا کل المیل . .. و إن تصلحوا و تتقوا فإنّ اللّه کان غفوراً رحیماً

۱۰

تأکید و ترغیب خداوند به برقراری توافق و آشتی بین زن و شوهر

و لن تستطیعوا ان تعدلوا بین النساء . .. و إن تصلحوا و تتقوا

۱۶ عدم رعایت عدالت نسبی بین همسران ، گناه و آمرزش آن در گرو بازگشت به عدالت و رعایت تقواست .

و لن تستطیعوا ان تعدلوا بین النساء . .. و إن تصلحوا و تتقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۰ - ۲

۲ عدم لزوم حفظ کانون خانواده در صورت ناتوانی زن و یا شوهر بر سازش و رعایت تقوا در محیط خانواده

و إن امراه خافت من بعلها نشوزاً او اعراضاً . .. و إن یتفرقا یغن اللّه

پیشنهاد طلاق، بلکه ترغیب به آن در مواردی خاص، دلالت بر عدم لزوم حفظ کانون خانواده در آن شرایط دارد.

تقوا در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۱۸

۱۸ رعایت کنندگان تقوا و احسان در محیط خانواده ، از پاداش الهی برخوردار خواهند شد .

و إن تحسنوا و تتقوا فإنّ اللّه کان بما تعملون خبیراً

جمله <فان اللّه . ..> در مقام تشویق به احسان و تقواست. و چون علم خدا به احسان و تقوا، معمولا تأثیری برای انجام آن ندارد ; بنابراین باید کنایه از پاداش دهی الهی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۹ - ۹،۱۱

۹ صلح و سازش و رعایت تقوا در محیط خانواده بویژه با داشتن چند همسر ، موجب غفران و رحمت الهی

فلاتمیلوا کل المیل .

.. و إن تصلحوا و تتقوا فإنّ اللّه كان غفوراً رحيماً

۱۱ ترغیب شوهران از سوی خداوند به رعایت تقوا در محیط خانواده

و إن تصلحوا و تتقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۰ - ۲

۲ عدم لزوم حفظ کانون خانواده در صورت ناتوانی زن و یا شوهر بر سازش و رعایت تقوا در محیط خانواده

و إن امراه خافت من بعلها نشوزاً او اعراضاً . .. و إن یتفرقا یغن اللّه

پیشنهاد طلاق، بلکه ترغیب به آن در مواردی خاص، دلالت بر عدم لزوم حفظ کانون خانواده در آن شرایط دارد.

تکذیب شایعه علیه خانواده محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۲ - ۲

۲ - مؤمنان صدراسلام ، وظیفه دار تکذیب شایعه های بی اساس بدخواهان علیه پیامبر (ص) و خانواده آن حضرت

لولا إذ سمعتموه ظنّ المؤمنون و المؤمنت بأنفسهم خیرًا و قالوا هذا إفک مبین

تنزیه خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۱۲

۱۲ از میان قوم لوط ، تنها خانواده اش به او ایمان آورده و از تبه کاری ها و گناهان آن قوم منزّه بودند .

کانوا یعملون السیئات . .. فأسر بأهلک بقطع من الّیل ... إلاّ امرأتک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۹ - ۱،۳

۱- خاندان لوط (ع) ، از هر گونه جرم و تبه کاری منزه و پاک بودند .

إنا أُرسلنا إلی قوم مجرمین . إلاّ ءال لوط

۳- پاکی خاندان

لوط (ع) و دوری از هرگونه جرم و تبه کاری ، عامل نجات همه آنان از عذاب الهی

إنا أُرسلنا إلی قوم مجرمین . إلاّ ءال لوط إنا لمنجّوهم أجمعین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۶۹ – ۵

۵ – خانواده و کسان لوط (ع) ، تنها مؤمنان به وی و پیراسته از کردار زشت قوم لوط

ربّ نجّنی و أهلی ممّا یعملون

از این که لوط(ع) تنها برای خود و کسانش در خواست نجات کرد، روشن می شود که تنها آنان به وی ایمان آورده بودند.

توطئه تبعید خانواده لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۵۶ – ۲

۲ – تصمیم قوم لوط مبنی بر اخراج و تبعید لوط (ع) و خانواده اش ، تنها پاسخ آنان به هشدار های خیرخواهانه او

فما کان جواب قومه إلاّ أن قالوا أخرجوا ءال لوط من قریتکم

توطئه علیه خانواده محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۱۱ – ۲

۲ – هم دستی و تشکل تنی چند از منافقان عصر بعثت ، برای تهمت زنی و شایعه سازی علیه خانواده پیامبر (ص)

إنّ الذین جاءو بالإفک عصبه منکم

بیشتر مفسران بر این باورند که گروه بهتان زننده (عصبه منکم) از منافقان بودند.

جرم خانواده لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۶

۶ - گرایش به پاکی و ارزش ها ، تنها جرم لوط (ع) و خاندانش در نظر آن

جامعه فسادزده

قالوا أخرجوا ءال لوط من قريتكم إنّهم أُناس يتطهّرون

عبارت <إنّهم أُناس> تعليل براى حكم اخراج است.

چوپان خانواده شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۵

۵ - نياز خانواده شعيب به اجير كردن مردى جهت نگه دارى گوسفندانشان

قالت إحديهما يأبت استئجره

با توجه به آيات پيشين، مراد از <استئجره> استيجار براى نگه دارى گوسفندان شعيب مى باشد.

حفظ خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۰ - ۲

۲ عدم لزوم حفظ كانون خانواده در صورت ناتوانى زن و يا شوهر بر سازش و رعايت تقوا در محيط خانواده

و إن امراه خافت من بعلها نشوزاً او اعراضاً . .. و إن يتفرقا يغن اللّه

پيشنهاد طلاق، بلكه ترغيب به آن در مواردى خاص، دلالت بر عدم لزوم حفظ كانون خانواده در آن شرايط دارد.

حقوق خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۳ - ۱۳،۱۶

۱۳ هشدار الهى به مردان ، نسبت به رعايت احكام الهى در محيط خانواده

نساؤكم حرث لكم . .. و اتّقوا اللّه و اعلموا انكم ملاقوه

امر به تقوا و توجه دادن انسانها به ملاقات خـدا (روز پاداش و کیفر) پس از بیان احکامی درباره زنـدگی خانوادگی، می تواند هشداری باشد به آنان که احکام الهی را مراعات نمی کنند.

۱۶ پیامبر (ص) ، مأمور بشارت به مؤمنانی که تقوا و حـدود الهی را در زندگی زناشویی و محیط خانواده مراعات می کنند و با یکدیگر رفتاری پسندیده دارند .

نساؤکم حرث لکم . .. و

اعلموا انّکم ملاقوه و بشّر المؤمنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۲۹ – ۱۶

۱۶ احتمال و ترس معقول و متعارف از مراعات نکردن حدود الهی در خانواده ، مُجوّز طلاق خُلع *

فان خفتم اَلاّ یقیما حدود اللّه

با توجّه به اینکه <ان خفتم>، خطاب به عموم مردم است، معلوم می شود نگرانی زن و شوهر باید به نحوی باشد که عموم مردم نیز در صورت آگاهی، این نگرانی را داشته باشند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۳۳ – ۷

۷ تأمین نیاز ها و پوشاک مادران به مقدار متعارف ، وظیفه شرعی پدر

و علی المولود له زرقهنّ و کسوتهنّ بالمعروف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۴ – ۱۷

۱۷ لزوم اطاعت زن از شوهر و حفظ حقوق وی ، مشروط به تأمین زندگی او از سوی مرد

و بما انفقوا من اموالهم فالصّالحات قانتات حافظات

ظاهراً <فالصّالحات . .. > نتیجه ای است مترتب بر جمله <الرجال ... بما انفقوا>. بنابراین اطاعت زن از شوهر در موردی است که شوهر، زندگی او را تأمین کند.

حکمیت در خانواده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۵ – ۱

۱ لزوم تعیین داورانی برای حکمیت ، در صورت بروز علائم ناسازگاری و دشمنی بین زن و شوهر

و ان خفتم شقاق بينهما فابعثوا حكماً

<شقاق>، به معنى دشمنى و اختلاف است. برداشت فوق را فرمايش امام باقر (ع) تأييد مى كند كه فرمود: ... و اذا

نشز الرجل مع نشوز المرأه فهو الشقاق.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۰، ح ۱۲۲ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۸، ح ۷.

حل اختلاف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۴،۸،۱۵

۴ تردید مسلمانان صدر اسلام در جواز مصالحه زن و شوهر نسبت به حقوق یکدیگر

و إن امراه خافت . .. فلاجناح علیهما ان یصلحا

کلمه <لاجناح> حاکی است که مسلمانان صدر اسلام بر آن گمان بودند که حقوق تعیین شده برای زن و شوهر، قابل مصالحه و گذشت نیست.

۸ حسن حل و فصل مسایل خانوادگی ، توسط خودِ زن و شوهر

فلاجناح علیهما ان یصلحا بینهما صلحاً و الصلح خیر

در آیه فوق، صلح به خود خانواده واگذار شده و نه به افراد خارج آن. کلمه <بینهما>، بیانگر این مسأله است.

۱۵ انتخاب صلح در مسائل و اختلافات خانوادگی ، از مصادیق احسان و تقواست . *

و الصلح خیر . .. و إن تحسنوا و تتقوا

سفارش به تقوا و احسان، پس از ارزشمند شمردن صلح و مسالمت، می رساند که صلح در مسایل همسری، نمودی از احسان و تقواست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۰ - ۱

۱ طلاق ، آخرین راه برای شکستن بن بست اختلافات مسالمت ناپذیر خانوادگی

و إن یتفرقا یغن اللّه

پس از به نتیجه نرسیدن راه حلهای قبلی که در آیات قبل اشاره شد، طلاق به عنوان راه پایان اختلافات پیشنهاد شده است.

حل اختلاف خانواده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۵ –

۱،۳،۴،۵،۶،۷،۱۰،۱۳،۱۹،۲۰،۲۱

۱ لزوم تعیین داورانی برای حکمیت ، در صورت بروز علائم ناسازگاری و دشمنی بین زن و شوهر

و ان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکماً

<شقاق>، به معنی دشمنی و اختلاف است. برداشت فوق را فرمایش امام باقر (ع) تأیید می کند که فرمود: ... و اذا نشز الرجل مع نشوز المرأه فهو الشقاق.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۰، ح ۱۲۲ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۸، ح ۷.

۳ مسؤولیّت تمامی افراد جامعه در برابر اختلافات خانوادگی زن و شوهر

و ان خفتم شقاق . .. فابعثوا

ظاهراً مراد از مخاطبان جمله <فابعثوا>، عموم مسلمانان هستند.

۴ لزوم گزینش و فرستادن دو داور از خانواده زن و شوهر برای حلّ اختلاف بین آن دو

و ان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها

۵ مسؤولیت بیشتر خویشاوندان زن و شوهر ، در نظارت بر سلامت خانواده و حلّ اختلاف های آنان

فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها

۶ ضرورت اطاعت زن و شوهر از نظر و پیشنهاد داوران تحکیم در اختلافات میان آنان

و ان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها

اگر تبعیت از داوران لازم نبود، موکول کردن حل اختلاف به آنان لغو بود. علاوه بر اینکه انتخاب کلمه <حَکَم> به معنای حاکم، بیانگر لزوم تبعیت است.

۷ داوران تحکیم ، دارای اختیار در حکم به سازش یا جدایی بین زن و مرد و یا تعیین شروط بر هر یک از آن دو

و ان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها

کلمه <حَکَم> بیانگر این است که داور می تواند بر اساس آنچه به مصلحت

زن و شوهر است، حکم کند.

۱۰ قصد اصلاح از سوی زن و شوهر ، موجب موفقیّت قاضیان تحکیم در حل اختلافات آنان است .

و ان خفتم شقاق بینهما . .. ان یریدا اصلاحاً یوفّق اللّه بینهما

بنابر اینکه ضمیر در <یریدا> به زن و شوهر برگردد و ضمیر در <بینهما> به حکمین.

۱۳ قصد اصلاح رفتار از سوی زن و شوهر ، شرط بهره مندی آنان از توفیق الهی در سازگاری با یکدیگر *

ان یریدا اصلاحاً یوفّق اللّه بینهما

۱۹ نفوذ حکم داوران برگزیده به سازش یا جدایی زن و شوهر ، در گرو تفویض اختیار داوری از سوی زن و شوهر به آنان

فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: لیس للحکمین ان یفرّقا حتی . .. و یشترطا علیهما: ان شئنا جمعنا و ان شئنا فرّقنا.

کافی، ج ۶، ص ۱۴۶، ح ۲ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۸، ح ۲۳۳ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۷، ح ۱ ; تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۱، ح ۱۲۶.

۲۰ نفوذ حکم دو داور برگزیده بر جدایی زن و شوهر ، در گرو توافق هر دو داور بر آن حکم است .

فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از نفوذ حکم یکی از حکمین به جدایی زن و شوهر فرمود: لا یکون تفریق حتی یجتمعا جمیعاً علی التفریق فاذا اجتمعا علی التفریق جاز تفریقهما.

کافی، ج ۶، ص ۱۴۷، ح ۴ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۸، ح ۲۳۵.

۲۱ حاکم ، وظیفه دار برگزیدن دو داور برای حل اختلاف

میان زن و شوهر

فابعثوا حکماً

از ائمه معصومین (ع) در مورد تعیین مخاطب آیه فوق آمده است: هو السّلطان الذی یترافعان الیه.

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۱۹۲ ; مجمع البیان، ج ۳، ص ۷۰.

حمایت از خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۳ - ۴

۴ - توجه به گسسته شدن روابط خانوادگی در قیامت ، مانع از دست زدن انسان به کار های خلاف ، به انگیزه حمایت از خانواده و خویشان

لن تنفعکم أرحامکم و لا أولدکم یوم القیمه

خانواده برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۶

۶ پسران یعقوب ، دارای اهل و عیال (زن ، فرزند و . . .)

مسّنا و أهلنا الضر

<أهل الرجل> به زن فرزند و دیگر وابستگان او گفته می شود.

خانواده کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۱ - ۱،۲

۱ - کافران ، از خاطره های دیـدار خود با مؤمنان ، طنز ساخته و در جمع خانواده خویش به لطیفه گویی و خندانـدن یکـدیگر می پردازند .

و إذا انقلبوا إلی أهلهم انقلبوا فکهین

<فَکِه> (صـفت مشـبّه) به معنـای خوش دل و خنـدان یـا به معنـای کسـی است که با همراهان خود سـخنی گویـد که آنان را بخنداند (قاموس). در برداشت یاد شده، معنای دوم مورد نظر است.

۲ - کافرانی که مؤمنان را مسخره کرده اند ، هنگام مراجعت نزد خانواده خویش ، از پوزخند ها و اشاره های طعنه آمیز خود ، غرق شادمانی می شوند .

یضحکون . .. یتغامزون

. و إذا انقلبوا إلى أهلهم انقلبوا فكهين

در این برداشت، <فَكِه> به معنای <مرد خوش دل و خندان> دانسته شده است. تکرار <انقلبوا> در آیه شریفه، برای مجسم ساختن حالت بازگشت کافران به خانه خویش است.

خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۱۱

۱۱ فرشتگان ، از لوط (ع) خواستند تا خانواده خویش را شبانه از منطقه قومش خارج سازد .

فأسر بأهلك بقطع من الّيل

<اسراء> (مصدر اَسرِ) به معنای کوچ کردن شبانه است و <باء> در <بأهلك> برای تعدیه می باشد و <ال> در <الليل> عهد حضوری است. بنابراین معنای جمله <فأسر ...> چنین می شود: [ای لوط!] خانواده خویش را در پاره ای از این شب کوچ ده.

خانواده لوط(ع) و گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۹ - ۱

۱- خاندان لوط (ع) ، از هرگونه جرم و تبه کاری منزه و پاک بودند .

إنا أُرسلنا إلى قوم مجرمين . إلاّ ءال لوط

خانواده متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۶ - ۴

۴ - اهتمام تقواپیشگان به سعادت اخروی خانواده خویش و خیر خواهی شدید نسبت به آنان

قالوا إنّا كنّا قبل فى أهلنا مشفقين

خانواده محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۳۲ – ۱

۱ – فرمان دادن و فراخوانی خانواده و خویشاوندان به نماز ، از جمله وظایف الهی پیامبر (ص)

وأمر أهلك بالصلوه

اهل هر شخصی، عشیره و خویشاوندان او هستند

و نیز به کسانی که وابستگی بیشتری به شخص داشته باشند <أهل> گفته می شود (لسان العرب) و چون سوره <طه> در مکه نازل شده است، بستگان آن حضرت در مکه (علی(ع)، خدیجه(س) و. ..) مورد نظر هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۲ - ۲

۲ - سفر پیامبر (ص) و مؤمنان به سوی مکه قبل از حدیبیه ، بدون همراهی خانواده هایشان *

بل ظننتم أن لن ینقلب الرسول و المؤمنون إلی أهلیهم

تعبیر <إلی أهلیهم>، این احتمال را تقویت می کند که خانواده سپاه اسلام در مدینه باقی مانده و در سفر همراهشان نبوده اند.

خانواده موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰ - ۴،۶

۴ - خانواده و همراهان موسی (ع) در بیابان ، آتشی را که موسی (ع) مشاهده کرد ، ندیدند . *

فقال لأهله امکثوا أنّی ءانست نارًا

از گفته موسی(ع) که فرمود: <من آتشی را دیدم> می توان احتمال داد که دیگر همراهان موسی(ع) آن آتش را ندیده بودند. و گرنه دیدن را به خود اختصاص نمی داد.

۶ - موسی (ع) از خانواده اش خواست که در جای خود منتظر وی بمانند و با او به مکان آتش نیایند .

فقال لأهله امکثوا إنّی ءانست نارًا

<مکث> به معنای درنگ کردن و انتظار کشیدن است (قاموس).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷ - ۱۲

۱۲ - موسی (ع) ، درصدد آوردن پاره ای آتش برای گرم کردن خانواده اش

أو

ءاتيكم بشهاب قبس لعلّكم تصطلون

<شهاب> به شعله آتش و <قبس> به شعله برگرفته از آتش گفته می شود. <اصطلاء> (مصدر <تصطلون>) نیز به معنای گرم شدن است; یعنی، یا شعله ای از آتش برگیرم و بیاورم تا با آن، آتش برافروزم، باشد که گرم شوید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۹ - ۵،۷

۵ - موسی (ع) خانواده اش را از وجود آتش در وادی طور آگاه کرد .

قال لأهله امكثوا إنّى ءانست نارًا

۷ - تصمیم موسی (ع) به آوردن آتش از وادی طور ، برای گرم کردن خانواده اش

قال لأهله امكثوا . .. أو جذوه من النار لعلّكم تصطلون

<إصطلاء> (مصدر <تصطلون>) به معنای خود را گرم کردن است.

خانواده موسی(ع) در صحرای سینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۹ - ۹

۹ - تحیر و سرگردانی موسی (ع) و خانواده اش ، در صحرای سینا به خاطر گم کردن راه

لعلّی ءاتيكم منها بخبر

تعبیر آیه ده سوره <طه> در این مورد (لعلّی آتیکم منها بقبس أو أجد علی النار هدًی) به روشنی، دلالت بر مطلب یاد شده دارد.

خانواده موسی(ع) در کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷ - ۱

۱ - سرگذشت موسی و خانواده اش در وادی طور ، شایان ذکر و یادآوری

إذ قال موسی لأهله

<إذ> اسم زمان در محل نصب و مفعولٌ به برای فعل محذوف است; یعنی، <اذکر إذ قال موسی لأهله. ..; زمانی را که موسی به کسانش گفت...

به یادآور>.

خانواده مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۲ - ۲

۲ - سفر پیامبر (ص) و مؤمنان به سوی مکه قبل از حدیبیه ، بدون همراهی خانواده هایشان *

بل ظننتم أن لن ینقلب الرسول و المؤمنون إلی أهلیهم

تعبیر <إلی أهلیهم>، این احتمال را تقویت می کند که خانواده سپاه اسلام در مدینه باقی مانده و در سفر همراهشان نبوده اند.

خانواده مؤمنان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۱ - ۷

۷ - الحاق اعضای مؤمن خانواده بهشتیان به ایشان ، تبلور لطف و فضل الهی در حق آنان

و الذین ءامنوا و اتّبعتهم ذرّیّتهم بإیمن ألحقنا بهم ذرّیّتهم

خانواده مهاجران به مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۷ - ۳

۳ - رفع نگرانی از مؤمنان مدینه از سوی خداوند ، نسبت به آینده بازماندگان ایشان در مکه

عسی اللّه . .. مودّه

با توجه به این که شأن نزول آیات پیشین، حرکتی بود که از حاطب بن أبی بلتعه به انگیزه مصونیت دادن خانوده اش در مکه صورت گرفته بود؛ خداوند پس از نفی شیوه وی، با این نوید به او و امثالش، نوعی اطمینان بخشیده است.

خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۲،۳،۶

۲ فرزند ناصالح نوح ، در پیشگاه خداوند از خانواده و اهل بیت او محسوب نمی شد .

إنه لیس من أهلك

۳ فسادپیشگی فرزند نوح ، موجب محسوب نشدن وی از

خانواده نوح (ع) در پیشگاه خداوند

إنه لیس من أهلك إنه عمل غیر صلح

جمله <إنه عمـل . ..> علت برای <إنه لیس من أهلك> می باشـد; یعنی ، چون فرزنـدت دارای عمل ناشایست است ، ما او را از خانواده تو به حساب نمی آوریم.

۶ نوح (ع) ناآگاه به گسستن پیوند فرزندی کنعان با او بر اثر اعمال ناشایستش

إن ابنی من أهلی . .. إنه لیس من أهلك

خانواده نوح(ع) در کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱۱

۱۱ نوح (ع) از ناحیه خداوند به نجات خانواده خویش و سوار کردن آنان به کشتی موظف شد .

قلنا احمل فیها . .. أهلك

کلمه <أهل> در <أهلك> عطف بر <زوجین> و در حقیقت مفعول برای <احمل> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۸

۸ - نوح (ع) ، مأمور جای دادن حیوانات و مؤمنان خاندانش در کشتی ، با ظهور اولین نشانه های طوفان

فإذا جاء أمرنا . .. فاسلك فیها من كلٍّ زوجین اثنین و أهلك إلاّ من سبق علیه القول

خیرخواهی برای خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۶ - ۳

۳ - خیرخواهی برای اعضای خانواده و تربیت دینی آنان ، تکلیفی بایسته برعهده سرپرست و مدیر خانواده

قوا . .. أهليكم نارًا

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که مصداق اصلی تلاش برای حفاظت اعضای خانواده از دوزخی شدن آنان، تربیت دینی آنان و گزینش راه و روش خیرخواهانه

در این راستا است.

دامداری خانواده شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۳ - ۱۶

۱۶ - ارتزاق خانواده شعیب از راه دامداری

و وجد من دونهم امرأتین تذودان . .. قالتا لانسقی حتّی یصدر الرعاء

درخواست صبر از خانواده موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۹ - ۸

۸ - موسی (ع) از خانواده اش خواست که تا بازگشت وی از وادی طور درنگ کنند .

قال لأهله امکثوا . .. لعلّی ءاتیکم منها بخبر أو جذوه من النار

درخواست نجات خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۹ - ۲،۷

۲ - التجای لوط (ع) به درگاه پروردگار ، برای نجات خود و نزدیکانش از شر کردار منحرفان

ربّ نجّنی و أهلی ممّا یعملون

۷ - دعا والتجای حضرت لوط (ع) به درگاه پروردگار ، برای نجات خود و کسانش از پی آمد های سوء کردار قوم خود (عذاب)

ربّ نجّنی و أهلی ممّا یعملون

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که مضافی در تقدیر باشد (من وبال ما یعملون)؛ یعنی، پروردگارا! من و کسانم را از وزر و وبال عمل آنان نجات بخش. گفتنی است آیه بعد که نجات لوط و اهلش رااز عذاب مطرح می کند تأیید کننده

همین برداشت است.

دشمنی با خانواده صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۹ - ۵

۵ - خانواده صالح ، جملگی مؤمنان به وی و

مورد خشم عمیق کافران

لنبیّتنّه و أهله

دعا برای خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۸ - ۱۲

۱۲ - دعا و آمرزش خواهی برای پدر و مادر ، اعضای خانواده و عموم مردان و زنان مؤمن ، عملی پسندیده و شایسته

ربِّ اغفر لی و لولدیّ . و للمؤمنین و المؤمنت

دعوت از خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۱ - ۱

۱ نوح (ع) ، پس از شروع طوفان و انجام مقدمات حرکت ، ازپیروان و خانواده اش خواست تا بر کشتی سوار شوند .

و قال ارکبوا فیها

به نظر می رسد جمله <قال ارکبوا . ..> عطف بر جملاتی مقدر باشد که به خاطر دخالت نداشتن آنها در هدفهای نقل ماجرا بیان نشده است; یعنی: قلنا احمل فیها ... ففعل کذا و کذا و قال ارکبوا فیها .... و لذا در برداشت <انجام مقدمات حرکت> آورده شد.

دلداری به خانواده موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷ - ۶

۶ - قرار گرفتن خانواده موسی در شرایط نیاز به دلگرمی و امید

إذ قال موسی لأهله . .. سئاتیکم منها بخبر... تصطلون

از تعبیر <إنّی آنست ناراً> و <سأتیکم> که جمله اول به صورت مؤکد به <إنّ> و جمله دوم به صورت مؤکد با حرف

تنفیس آمـده است اسـتفاده می شـود که خـانواده موسـی در شـرایط اضـطراب آور و دلهره آمیزی قرار داشـتند که موسـی می بایست به آنان دلگرمی می داد و امید می بخشید.

دوستی اعضای

خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۱ - ۹

۹ - وجود عواطف دوستانه میان اعضای خانواده و نیز مهرورزی آنها به هم از آیات الهی است .

و جعل بینکم مودّه و رحمه

احتمال دارد عبارت <و جعل بینکم. ..> ادامه عبارت پیشین و ناظر به شفقت و مهر و ترحمی باشد که از ناحیه والدین به فرزندان، و بر عکس اعمال می گردد.

رحمت بر خانواده ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۳ - ۴،۵

۴ ابراهیم (ع) و خانواده او ، همواره مشمول رحمت و برکات خاص خداوند بودند .

رحمت الله و برکته علیکم أهل البیت

۵ اسحاق و یعقوب ، رحمت و برکتی از ناحیه خداوند برای ابراهیم (ع) و خانواده او

فبشّرنها بإسحق . .. رحمت الله و برکته علیکم أهل البیت

رعایت حقوق خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۲ - ۱۱

۱۱ - نقش سازنده ایمان به خدا و روز قیامت ، در ایجاد رابطه صحیح و شایسته میان همسران و رعایت شدن حقوق متقابل بین آنان

إذا طلّقتم النساء . ..ذلکم یوعظ به من کان یؤمن باللّه و الیوم الأخر

یادآوری ایمان به خدا و روز قیامت به دنبال موعظه های الهی در مسائل مربوط به همسران می تواند گویای مطلب یاد شده

باشد.

رفع اندوه خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۶ - ۷

۷- خداوند ، نوح (ع) و خاندانش

را از غم شدید و اندوه بزرگ ناشی از انجام رسالت خویش نجات داد .

فنجّینه و أهله من الکرب العظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۶ - ۱،۹

۱ - نوح (ع) و خاندانش ، به عنایت خداوند از اندوه بزرگ نجات یافتند .

و نجّینه و أهله من الکرب العظیم

۹ - نجات نوح (ع) و خاندانش از غمی بزرگ ، از نعمت ها و الطاف الهی به آن حضرت

و لقد نادینا نوح . .. و نجّینه و أهله من الکرب العظیم

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های اعطا شده به حضرت نوح(ع) و امتنان بر ایشان است.

روابط خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۱۹

۱۹ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، می توانند با دیگر اعضای خانواده خود و نیز باخویشاوندان و دوستان خویش باهم (بر سر یک سفره) و یا جداگانه ، غذا میل کنند .

لیس علی الأعمی حرج . ..و لا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أ

روابط خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۴ - ۱۲،۲۴

۱۲ ضرورت توجه به قوانین تکوین و تشریع در جعل مقررات حاکم بر خانواده

الرّجال قوّامون علی النساء بما فضّل اللّه . .. و بما انفقوا

چـون خداونـد در تـوجیه جعـل مـدیریت برای مردان به دو جهت تصـریح فرمـود: یکی برتری مردان بر زنـان، که یـک مسـأله تکوینی است

و دیگری عهده دار بودن نفقه، که یک حکم تشریعی است.

۲۴ پرهیز شوهر از همخوابگی با همسر ، اقدامی برای جلوگیری از نشوز وی

و الّتی تخافون نشوزهنّ . .. و اهجروهنّ فی المضاجع

در برداشت فوق <فی المضاجع> متعلق به <اهجروهنّ> گرفته شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۵ – ۱۷

۱۷ قوانین الهی در مورد خانواده و روابط زن و شوهر ، برخاسته از علم کامل و آگاهی دقیق خداوند

الرجال قوامون . .. و ان خفتم ... انّ اللّه کان علیماً خبیراً

روابط در خانواده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۲۹ – ۱۸

۱۸ لزوم و اهمیّت حفظ حدود الهی در روابط زناشویی

فان خفتم اَلا یقیما حدود اللّه فلا جناح . .. تلک حدود اللّه فلا تعتدوها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۳۰ – ۱۰،۱۱

۱۰ لزوم و اهمیّت حفظ حدود الهی در روابط زناشویی

فلا جناح علیهما ان یتراجعا ان ظنّا ان یقیما حدود اللّه

۱۱ حفظ حدود الهی ، شرط اساسی تشکیل کانون خانواده

فلا جناح علیهما ان یتراجعا ان ظنّا ان یقیما حدود اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۷ - ۱۸

۱۸ لزوم توجّه به نظارت خداوند در طلاق و مَهریّه (روابط خانوادگی)

و ان طلّقتموهنّ . .. ان اللّه بما تعملون بصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۶ - ۴،۵

۴ عمل به قوانین

الهی در مورد خانواده و روابط زن و شوهر ، عبادت خداوند است . *

الرجال قوّامون . .. فان اطعنكم فلا تبغوا ... و ان خفتم ... و اعبدوا اللّه

به مقتضای ارتباط بین آیه مورد بحث و آیات گذشته، می توان گفت از مصادیق عبادت، عمل کردن به قوانینی است که در آیات گذشته مطرح شده است.

۵ عبادت خالصانه خداوند و پرهیز از هر گونه شرک ، زمینه دور ماندن زندگی زناشویی از هر گونه ناسازگاری *

و ان خفتم شقاق بينهما . .. و اعبدوا اللّه

به مقتضای ارتباط بین آیات می توان احتمال داد که آیه مورد بحث در حقیقت بیانگر راه حلی است برای جلوگیری از ناسازگاری بین زن و شوهر.

روابط عاطفی در خانواده شعیب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۲۶ – ۲

۲ – وجود رابطه صمیمی و فضای آزاد برای گفت وگو میان شعیب (ع) و دختران وی

قالت إحديهما يأبت استئجره . .. القویّ الأمين

از این که دختر شعیب پیشنهاد خودش را بدون هیچ تکلفی با پدر در میان گذاشت و آزادانه به ستایش موسی(ع) پرداخت مطلب بالا استفاده می شود.

روانشناسی خانواده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵ – ۱۵

۱۵ علاقه به فرزندان ، خصلتی نیکو و اظهار آن امری پسندیده است .

يأبت . .. قال يبنىّ لاتقصص

زمینه انحراف خانواده انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۱۲

۱۲ - امکان نفوذ جریان انحراف ، کفر و نفاق ، در

میان اعضای بهترین خانواده (همچون پیامبران)

امرأت نوح و امرأت لوط . .. فخانتاهما ... و قیل ادخلا النار مع الدخلین

زمینه حل اختلاف خانوادگی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۱ – ۷،۲۰

۷ – نقش سازنده خداترسی و تقواپیشگی ، در تضمین حقوق همسران و رفع اختلاف های آنان

إذا طلّقتم النساء . ..و اتّقوا اللّه ربّکم

مطلب یاد شده، از توصیه خداوند به تقواپیشگی در بیان اولین حکم مربوط به طلاق استفاده می شود.

۲۰ – بشارت و امید دادن خداوند به همسران مؤمن ، مبنی بر پایان یافتن مناقشات آنان و پدید آمدن زمینه های رجوع و بازگشت آنها به زندگی مشترک خویش در ایّام عدّه

فطلّقوهنّ لعدّتهنّ . .. لاتدری لعلّ اللّه یحدث بعد ذلک أمرًا

برداشت یاد شده، از آن جا است که ذیل آیه شریفه، درصدد دلداری به همسران و ایجاد امید در جان و روح آنان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۲ – ۱۳

۱۳ – خداترسی و تقواپیشگیِ مردان و زنان مطلّقه ، موجب رهایی آنان از مشکلات در روابط زناشویی و خروج از تنگنا های زندگی

إذا طلّقتم النساء . .. و من یتّق اللّه یجعل له مخرجًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۴ – ۱۰

۱۰ – خداترسی و تقواپیشگی از مردان و زنان مطلّقه ، موجب رهایی آنان از مشکلات زناشویی و آسان شدن زندگی برای آنها

و الّئی یئسن من المحیض . .. و من یتّق اللّه یجعل له من أمره یسرًا

زمینه کفر

خانواده انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۱۰ – ۱۲

۱۲ – امکان نفوذ جریان انحراف ، کفر و نفاق ، در میان اعضای بهترین خانواده (همچون پیامبران)

امرأت نوح و امرأت لوط . .. فخانتاهما ... و قیل ادخلا النار مع الدخلین

زمینه نفاق خانواده انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۱۰ – ۱۲

۱۲ – امکان نفوذ جریان انحراف ، کفر و نفاق ، در میان اعضای بهترین خانواده (همچون پیامبران)

امرأت نوح و امرأت لوط . .. فخانتاهما ... و قیل ادخلا النار مع الدخلین

زیان به خانواده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۴۵ – ۱۶

۱۶ – ستمکاران ، عامل خسران و بدبختی خود و محرومیت از خانواده خویش

إنّ الخسرین الذین خسروا أنفسهم و أهلیهم یوم القیمه

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <خسروا. .. أهليهم> به معنای از دست دادن خانواده باشد.

سازگاری در خانواده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۶ – ۵

۵ عبادت خالصانه خداوند و پرهیز از هر گونه شرک ، زمینه دور ماندن زندگی زناشویی از هر گونه ناسازگاری *

و ان خفتم شقاق بينهما . .. و اعبدوا اللّه

بـه مقتضـای ارتبـاط بيـن آيـات می تـوان احتمـال داد كه آيه مـورد بحث در حقيقت بيـانگر راه حلی است برای جلـوگيری از ناسازگاری بين زن و شوهر.

سرگردانی خانواده موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰

۱ - موسی (ع) و خانواده اش در سیری شبانه و در بیابان ، دچار سرگردانی شده و راه را گم کردند .

إذ رءا نارًا . .. بقبس أو أجد على النار هدًى

جمله <أجد على النار هدًى> دلالت می کند که موسی(ع) و همراهیانش راه را گم کرده بودند و از نبود آتش فهمیده می شود که آنها در بیابانی سرگردان بودند. دیدن آتش از فاصله ای نسبتاً دور که حتی با احتمال وجود آتش، تصمیم به حرکت جمعی به سوی آن نگرفتند، حاکی از شب بودن و تاریکی منطقه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۹ - ۹

۹ - تحیر و سرگردانی موسی (ع) و خانواده اش ، در صحرای سینا به خاطر گم کردن راه

لعلّی ءاتیکم منها بخبر

تعبیر آیه ده سوره <طه> در این مورد (لعلّی آتیکم منها بقبس أو أجد على النار هدًى) به روشنی، دلالت بر مطلب یاد شده دارد.

سرنوشت خانواده ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۱۴

۱۴ - تأثیر منفی و زیانبار گمراهان و ستمکاران ، بر سرنوشت خود و خانواده خویش

خسروا أنفسهم و أهلیهم

سرنوشت خانواده گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۱۴

۱۴ - تأثیر منفی و زیانبار گمراهان و ستمکاران ، بر سرنوشت خود و خانواده خویش

خسروا أنفسهم و أهليهم

سلامتی روانی خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵ -

۱۸ اهتمام اسلام به خانواده و سلامت اعتقادی و روانی آن

و المحصنت من المؤمنت و المحصنت من الذين اوتوا الكتب

شکرگزاری خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۲

۲ - شکرگزاری لوط (ع) و خاندان مؤمن ایشان ، عامل برخوردار شدن آنان از نعمت و لطف ویژه خداوند و نجات یافتن از مهلکه عذاب

نجّینهم . .. نعمه من عندنا

عبودیت خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۶ - ۶

۶ - نوح (ع) و خاندانش ، از بندگان مخلَص و برگزیده خدا بودند .

إلاّ عباد اللّه المخلصین . و لقد نادینا نوح... و نجّینه و أهله من الکرب العظیم

ذکر داستان نوح(ع) و خاندانش پس از یاد کردن از بندگان خالص خدا در طول تاریخ، می تواند به منظور بیان الگو و نمونه ای از آن بندگان مخلص باشد.

عجز از بازگشت به خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۰ - ۲

۲ - با فرارسیدن زمان برپایی قیامت بر اثر صیحه و فریاد مرگ بار ، انسان ها از مراجعه به کسان خود ناتوان خواهند بود .

صیحه وحده تأخذهم . .. فلایستطیعون توصیه و لا إلی أهلهم یرجعون

عجز از تأمین خانواده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۱ – ۳

۳ عدم قدرت بر تأمین نیاز های ضروری خانواده ، در صورت رفتن به جهاد ، سبب معافیت از جنگ است .

و لا

علی الذین لا یجدون ما ینفقون حرج

منظور از انفاق در <ینفقون> می تواند انفاق بر افراد تحت تکفل و واجب النفقه باشد.

عدالت در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳ - ۷

۷ اهمیّت رعایت عدالت در روابط خانوادگی

و ان خفتم الّا تقسطوا فان خفتم الّا تعدلوا فواحده

عفت خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۳

۳ - خاندان لوط ، هم عقیده با وی ، پاکدامن و مخالف انحراف های جامعه خویش

قالوا أخرجوا ءال لوط من قریتکم

عفّت در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۵ - ۱۵

۱۵ ارزش و اهمیّت پاکیزگی و پاکدامنی ، در زندگی و روابط خانوادگی

و ازواج مطهره

عفو در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۷ - ۱۲

۱۲ گذشت مالی ، راهی مناسب برای رسیدن به تقوا ، در مسائل خانوادگی

و ان تعفوا اقرب للتقوی

با توجّه به مورد آیه که گذشتِ مالی است و بنابر اینکه مراد از <تقوا> با توجه به مورد، تقوا در مسائل خانوادگی باشد.

علاقه به خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۰ - ۶

۶ - علاقه و اشتیاق شدید انسان ها به دیدار خانواده و کسان خود ، به وقت رو به رو شدن با مرگ

فلایستطیعون توصیه و لا إلی أهلهم یرجعون

علایق خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴

- مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۱۸

۱۸ مال پرستی و وابستگی های خانوادگی از جمله عوامل لغزش و خیانت در شهادت

لانشتری به ثمناً و لو کان ذا قربی

عمل صالح خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۱۳

۱۳ اعمال صالح خانواده نوح (پرستش خدا و . . .) مایه نجات آنان از حادثه طوفان بود نه انتسابشان به حضرت نوح (ع) .

إنه لیس من أهلك إنه عمل غیر صلح

تصریح خداوند به این که <هلاکت فرزند نوح به خاطر اعمال ناصالحش بوده است> ، اشاره به این معنا دارد که: نجات دیگر اعضای خانواده نوح ، به خاطر انتسابشان به آن حضرت نبوده; بلکه منزه بودنشان از اعمال ناشایست ، مایه نجاتشان بوده است.

عواطف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۱ - ۹

۹ - وجود عواطف دوستانه میان اعضای خانواده و نیز مهرورزی آنها به هم از آیات الهی است .

و جعل بینکم مودّه و رحمه

احتمال دارد عبارت <و جعل بینکم. ..> ادامه عبارت پیشین و ناظر به شفقت و مهر و ترحمی باشد که از ناحیه والدین به فرزندان، و بر عکس اعمال می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۱۵

۱۵ علاقه به فرزندان ، خصلتی نیکو و اظهار آن امری پسندیده است .

يأبت . .. قال يبنيّ لاتقصص

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – يوسف – ۱۲ – ۸ – ۲

۲ يعقوب

(ع) همه فرزندان خویش را گرامی می داشت و به همه آنان محبت می کرد .

إذ قالوا ليوسف و أخوه أحب إلى أبينا منّا

افعل تفضیل (أحبّ) گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۴ - ۸

۸- توجه انسان به ضعف ها و نیاز های دوران کودکی و خدمات و زحمات پدر و مادر ، برانگیزنده عواطف وی نسبت به آنان است .

و قل ربّ ارحمهما كما ربّيانى صغيرًا

عوامل اختلاف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۲۴

۲۴ - مردم بابل از هاروت و ماروت سحری را آموختند که بتوانند با آن بین زن و شوهرش جدایی افکنند .

فيتعلمون منهما ما يفرقون به بين المرء و زوجه

عوامل انحطاط خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۵ - ۸

۸ - تباه کردن سرمایه عمر و از کف دادن بهره از خانواده ، خسرانی روشن و تردیدناپذیر

الذين خسروا أنفسهم و أهليهم يوم القيمه ألا ذلك هو الخسران المبين

عوامل اندوه خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۶ – ۸

۸– قوم بی ایمان نوح ، مایه غم شدید و اندوه بزرگ برای حضرت نوح و خاندانش بودند .

فنجّینه و أهله من الکرب العظیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۷۶ – ۳

۳ – نوح (ع) و خاندانش به وسیله قوم خود ، گرفتار غم بزرگ و

مشکلات اندوه بار شدند .

و نجّینه و أهله من الکرب العظیم

عوامل تباهی خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۸ - ۲۱

۲۱ - گوش نسپردن به سخنان و پیروی نکردن از بهترین آنها ، موجب خسران و تباهی عمر و خانواده است .

إنّ الخسرین الذین خسروا أنفسهم و أهلیهم . .. الذین یستمعون القول فیتّبعون أحسنه

آیات گذشته در توصیف خاسران بود و آیه مورد بحث، درباره کسانی است که در قطب مخالف زیان کنندگان قرار داشته و در سایه گوش فرا دادن به سخنان و گزینش بهترین آنها، به سعادت نایل شده اند. بنابراین از ارتباط میان آیات یاد شده، به دست می آید که استماع سخنان و گزینش بهترین آنها موجب سعادت و ترک آن سبب خسران و بدبختی است.

عوامل تحکیم خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۷ - ۷

۷ - تقوا ، موجب تحکیم پیوند خانوادگی است .

أمسک علیک زوجک و اتّق اللّه

امر <إِتّق> می تواند ذکر عام بعد از امر خاص <أمسک> باشد. در این صورت، سفارش به تقوا پس از توصیه به نگهداری همسر و طلاق ندادن وی، در واقع، سفارش به امری است که مراعات آن، می تواند عین نگهداری همسر بوده و می تواند موجب آن باشد.

عوامل زیانکاری خانواده ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۱۶

۱۶ – ستمکاران ، عامل خسران و بدبختی خود و محرومیت از خانواده خویش

إنّ الخسرین الذین خسروا أنفسهم و أهلیهم یوم القیمه

برداشت یاد

شده بدان احتمال است که <خسروا. .. أهلیهم> به معنای از دست دادن خانواده باشد.

عوامل سعادت خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۴ - ۱۱

۱۱ تأثیر مثبت و سازنده دعای همسران در حق یکدیگر و در سرنوشت و سعادتشان

و الذین یقولون ربّنا هب لنا من أزوجنا و ذرّیّتنا قرّه أعین

دعای عباد الرحمان در حق همسران و فرزندانشان، حاکی از تأثیر مثبت دعا در سرنوشت همسر و فرزند است; زیرا اگر دعا مؤثر نبود، خداوند به آن توصیه نمی فرمود.

عوامل سلامتی خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۵

۵ - نقش عمیق سرپرست خانواده در مصون داشتن آنان از فساد فراگیر جامعه

قالوا أخرجوا ءال لوط من قریتکم

عبارت <أخرجوا آل لوط> (خانواده لوط را از شهرتان بیرون کنید) نشان می دهد که در جامعه فاسدی چون جامعه قوم لوط، تنها خانواده ای که از فساد ایمن مانده بود، خانواده تحت سرپرستی لوط(ع) بوده است.

عوامل شقاوت خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۶ - ۲

۲ - توصیه خداوند به مؤمنان ، مبنی بر مراقبت از اعضای خانواده خود در برابر عوامل و موجبات بدبختی و دوزخی شدن آنان

یأیّها الذین ءامنوا قوا . .. أهلیکم نارًا

عوامل مؤثر در تربیت خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - تحريم - ۶۶ - ۶ - ۵

۵ - سرپرست خانواده ، داراى نقشى سازنده و سرنوشت ساز ، در حيات معنوى و تربيت دينى اعضاى خانواده

يأيّها

الذين ءامنوا قوا أنفسكم و أهليكم نارًا

عوامل مؤثر در زندگی خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۵ - ۱۰

۱۰ - نقش مثبت و سازنده اسلام ، ایمان ، فرمانبری ، توبه و روزه داری در زندگی مشترک میان زنان و مردان

أن یبدّله أزوجًا خیرًا منکنّ مسلمت . .. سئحت

یادآوری اوصاف یاد شده برای زنان شایسته، در خلال نقل ماجرای نزاع میان پیامبر(ص) و همسرانش، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

عوامل مؤثر در سلامتی خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۷ - ۶

۶ - تأثیر جدّی جامعه فاسد و منحرف بر سلامت خانواده

فأنجینه و أهله إلّاامرأته

خانواده لوط با این که تحت اِشراف نیرومند وی، از هجوم فساد فراگیر جامعه درامان ماندند; اما جامعه فاسد سرانجام تأثیر مخرب خود را گذاشت و همسر وی را از او جدا ساخت.

عوامل نجات خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۹ - ۳

۳- پاکی خاندان لوط (ع) و دوری از هرگونه جرم و تبه کاری ، عامل نجات همه آنان از عذاب الهی

إنا أُرسلنا إلی قوم مجرمین . إلّا ءال لوط إنا لمنجّوهم أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۲

۲ - شکرگزاری لوط (ع) و خاندان مؤمن ایشان ، عامل برخوردار شدن آنان از نعمت و لطف ویژه خداوند و نجات یافتن از مهلکه عذاب

نجّینهم . .. نعمه من عندنا

فراق ایوب(ع) از خانواده

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۸۴ – ۸

۸- ایوب (ع) ، به گرفتاری فراق و از دست دادن خانواده اش مبتلا شده بود .

و ءاتینه أهله

فضایل خانواده لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶۱ – ۲

۲- خاندان حضرت لوط (ع) ، برخوردار از عنایت ویژه خداوند

فلمّا جاء ءال لوط المرسلون

از ورود فرشتگان به عنوان مهمان بر خانـدان لوط(ع) و نه بر خود لوط(ع) بیانگر عنایت خاص خداونـد به آنان و جایگاه بلند ایشان است.

فضایل خانواده موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۲۹ – ۵

۵ – در بین اعضای خانواده موسی (ع) برای همگامی با او در ابلاغ رسالت های الهی ، افرادی شایسته ای وجود داشتند .

واجعل لی وزیرًا من أهلی

موسـی(ع) در خواسـته خود ابتدا نام هارون را ذکر نکرد، بلکه به صورت کلی وزیری خواست که از خاندان او باشد، این بیان نشان می دهـد که او افراد دیگری را نیز در بین خانـدان خویش، شایسـته آن کار می دید وگرنه از همان ابتدا نام هارون را در خواسته خود ذکر می کرد.

فضایل خانواده نوح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۶ – ۹

۹– خاندان نوح از مؤمنان به رسالت نوح (ع) و بهره مند از لطف ویژه خداوند

فنجّینه و أهله من الکرب العظیم

نجات خاندان نوح(ع)، بیانگر عنایت ویژه خداوند به ایشان و نیز حاکی از ایمان آنان

به رسالت نوح(ع) است; زیرا اگر آنان مانند قوم نوح کافر بودند، نجات نمی یافتند. گفتنی است آیه بعد (و نصرناه من القوم الذین کذّبوا...) مؤید همین نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۶ - ۶

۶ - نوح (ع) و خاندانش ، از بندگان مخلَص و برگزیده خدا بودند .

إلاّ عباد اللّه المخلصین . و لقد نادینا نوح... و نجّینه و أهله من الکرب العظیم

ذکر داستان نوح(ع) و خاندانش پس از یاد کردن از بندگان خالص خدا در طول تاریخ، می تواند به منظور بیان الگو و نمونه ای از آن بندگان مخلص باشد.

کافران خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۱۲

۱۲ - وجود فرد یا افراد کافر ، در میان خاندان نوح (ع)

فاسلک فیها . .. إلاّ من سبق علیه القول منهم

کتمان رازهای خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۳ - ۱۵

۱۵ - لزوم حفظ و نگهداری اسرار خانوادگی و زناشویی از دیگران ، حتی از برخی از اعضای خانواده

و إذ أسرّ النبیّ إلی بعض أزوجه حدیثًا . .. نبّأنی العلیم الخبیر

کفر خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۸ - ۵

۵ - ایمان نیاوردن برخی از اعضای خاندان نوح (ع)

و لمن دخل بیتی مؤمنًا

مطلب یاد شده، از قید <مؤمناً> استفاده می شود.

کیفیت هجرت خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹

- حجر - ۱۵ - ۶۵ - ۵

۵- حرکت حضرت لوط (ع) و خاندانش از شهر ، حرکتی دسته جمعی ، سریع ، به دور از انظار مردم و محرمانه بود .

فأسر بأهلک بقطع من الّیل . .. وامضوا حیث تؤمرون

نظارت حضرت لوط(ع) بر حرکت خانـدانش (و اتّبع أدبارهم) بیانگر حرکت دسـته جمعی، و حرکت در ظرف زمانی محدود (بقطع من اللیل) نشانگر حرکت سریع، و سیر شبانه در پاسی از شب دلیل محرمانه رفتن از شهر است.

گناه اختلاف فکنی در خانواده ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۲۸

۲۸ - جدایی انداختن بین زن و شوهر به وسیله سحر ، گناهی در حد کفر است .

إنما نحن فتنه فلا تکفر فیتعلمون منهما ما یفرقون به بین المرء و زوجه

محدوده خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۰ - ۸

۸- همسر ، جزو آل و خاندان مرد است .

ءال لوط . .. إلاّ امرأته

محدوده مسؤولیت سرپرست خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۶ - ۱۵

۱۵ - < أبی بصیر قـال : سألت أباعبـدالله (ع) عن قول الله : < قوا أنفسـکم و أهلیکم ناراً وقودها الناس و الحجاره > قلت : هذه نفسی أقیها فکیف أقی أهلی ؟ قال : تأمرهم بما أمرهم الله و تنهاهم عمّا نهاهم الله عنه فإن أطاعوک کنتَ قد وقیتَهم و إن عصوک فکنتَ قد قضیتَ ما علیک ;

ابی بص۴۷یر گوید: از امام صادق(ع) درباره سخن

خداوند: <قوا أنفسکم و أهلیکم ناراً. ..> سؤال کردم و گفتم: نفس خود را از آتش حفظ می کنم؛ چگونه خانواده خود را حفظ کنم؟ فرمود: آنان را به آنچه خداوند امر فرموده، امر کن و از آنچه خدا نهی فرموده، نهی کن. پس اگر از تو پیروی کردند، تو آنان را حفظ نموده ای و اگر نافرمانی کردند، تو تکلیف خود را انجام داده ای>.

مدیریت خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۹ - ۲۶

۲۶ سرپرستی و مدیریّت مرد در خانواده *

الطلاق مرّتان فامساک بمعروف او تسریح باحسان و لا یحل لکم . .. فاولئک هم الظالمون

چون حفظ و از هم پاشیدن بنای خانواده به دست مردان است، بنابراین سرپرستی و مدیریّت خانواده به عهده اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۴ - ۱،۲،۶،۱۱،۱۸

۱ مدیریّت و سرپرستی زنان هر جامعه بر عهده مردان است .

الرجال قوّامون علی النّساء

در برداشت فوق، کلمه <الرجال> و <النساء>، مطلق مردان و زنان گرفته شده، نه خصوص شوهران و همسران آنان. قوّام به کسی گفته می شود که تدبیر و اصلاح دیگری را بر عهده دارد.

۲ شوهران ، وظیفه دار سرپرستی و مدیریت همسران خویش

الرجال قوّامون علی النّساء

به قرینه <بما انفقوا>، مراد از <الرجال> شوهران و <النساء> همسران آنان خواهد بود ; زیرا هزینه زندگی زنان بر عهده شوهران خویش است و نفقه مطلق زنان بر عهده مردان نیست.

۶ برتری مردان بر زنان ، فلسفه تشریع حق سرپرستی و مدیریت آنان بر همسران خویش

الرّجال قوّامون علی النساء

بما فضّل اللّه بعضهم على بعض

۱۱ تأمين هزينه های زندگی از سوی مردان ، فلسفه تشريع حق مديريت و سرپرستی آنان بر همسران خويش

الرّجال قوّامون على النساء . .. و بما انفقوا من اموالهم

۱۸ سلامت خانواده در گرو مديريت مرد ، تأمين زندگی از سوی او ، و اطاعت و حفظ حقوق شوهر از سوی زن است .

الرجال قوّامون على النساء . .. و بما انفقوا ... فالصّالحات قانتات حافظات للغيب

چون در ذيل آيه و آيات بعد به مسأله اختلافات خانوادگی پرداخته است، معلوم می شود كه توصيه ها و قوانين مطرح شده برای جلوگيری از اختلافات و به خطر افتادن سلامت خانواده است.

مديريت در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۱

۱ لزوم پيشگيری از به هم خوردن سلامت خانواده ، در صورت ناسازگاری شوهر وظيفه ای بر عهده زنان

و إن امراه خافت من بعلها . .. فلاجناح عليهما ان يصلحا بينهما صلحاً

كلمه <خافت>، بيانگر ترس از وقوع است، نه خود وقوع.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۱۰

۱۰ تسلّط و مديريت يعقوب (ع) بر خانواده و فرزندان خويش

يأبانا منع منا الكيل فأرسل معنا أخانا نكتل

مسافرت خانواده موسى(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷ - ۴،۵

۴ – همراهی خانواده موسی (همسر و فرزندانش) با وی در سفر از < مدین >

إذ قال موسی لأهله . .. لعلّکم تصطلون

تعبیر <سئاتیکم> و <لعلّکم تصطلون> (با ضمایر جمع) نشان

می دهد که همراهیان موسی بیش از یک نفر بوده اند و تعبیر <أهل> بیانگر آن است که همه آنان از نزدیکان (همسر و فرزندان) او بوده اند.

۵ - گرفتاری موسی (ع) و خانواده اش در سردی هوا ، تاریکی شب و گم کردن راه در مسیر سفر

إذ قال موسی لأهله . .. سئاتیکم منها بخبر... لعلّکم تصطلون

مسافرت شبانه خانواده موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰ - ۱

۱ - موسی (ع) و خانواده اش در سیری شبانه و در بیابان ، دچار سرگردانی شده و راه را گم کردند .

إذ رءا نارًا . .. بقبس أو أجد علی النار هدًی

جمله <أجد علی النار هدًی> دلالت می کند که موسی(ع) و همراهیانش راه را گم کرده بودند و از نبود آتش فهمیده می شود که آنها در بیابانی سرگردان بودند. دیدن آتش از فاصله ای نسبتاً دور که حتی با احتمال وجود آتش، تصمیم به حرکت جمعی به سوی آن نگرفتند، حاکی از شب بودن و تاریکی منطقه است.

مسوول رفع مشکلات خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۷ - ۱۵

۱۵ - شوهران باید برای رفع رنج ها و سختی های همسران خویش تلاش کنند .

فلایخرجنّکما من الجنّه فتشقی

با توجه به این که دشمنی شیطان با آدم(ع) و حوا یکسان بوده است و وی در صدد آن بوده که هر دو را از بهشت بیرون کند و به مشقت اندازد; ولی با این حال فعل <تشقی> به صورت مفرد آمده است. بنابراین

رفع رنج و سختی های حوا نیز، بر دوش آدم(ع) بوده است.

مسؤولیت خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۵ - ۶

۶- حضرت لوط (ع) و خاندانش ، مأمور شدند تنها به سوی مکانی که تعیین خواهد شد ، حرکت کنند و حق انتخاب مکان دیگری را نداشتند .

فأسر بأهلك . .. وامضوا حیث تؤمرون

مسؤولیت سرپرست خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۶ - ۳

۳ - خیرخواهی برای اعضای خانواده و تربیت دینی آنان ، تکلیفی بایسته برعهده سرپرست و مدیر خانواده

قوا . .. أهلیکم نارًا

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که مصداق اصلی تلاش برای حفاظت اعضای خانواده از دوزخی شدن آنان، تربیت دینی آنان و گزینش راه و روش خیرخواهانه در این راستا است.

مسیر هجرت خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۵ - ۶،۱۰

۶- حضرت لوط (ع) و خاندانش ، مأمور شدند تنها به سوی مکانی که تعیین خواهد شد ، حرکت کنند و حق انتخاب مکان دیگری را نداشتند .

فأسر بأهلك . .. وامضوا حیث تؤمرون

۱۰- < قال أبوجعفر (ع) : . . . < فلما جاء آل لوط المرسلون > . . . قالوا . . . < فأسر بأهلك > یا لوط إذا مضی لک من

يومك هذا سبعه أيام و لياليها < بقطع من الليل > إذا مضى نصف الليل < . . . و امضوا > من تلك الليله

< حیث تؤمرون > . . . ;

امام باقر(ع) فرمود: هنگامی که فرشتگان خدا به سوی خاندان لوط آمدند . .. گفتند:... ای لوط! پس از گذشت هفت شبانه روز از این تاریخ، در نیمه های شب خانواده خود را از این سرزمین بیرون ببر ... و در آن شب به هر جا که فرمانتان داده اند بروید...>.

مشاوره در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۶ - ۱۴

۱۴ - شیردادن دایگان ، به نوزادان زنان مطلّقه ، تنها در صورت ضرورت و با مشورت و هم فکری پدر و مادر آنان ، شایسته و بجا است .

و أتمروا بینکم بمعروف و إن تعاسرتم فسترضع له أُخری

مشورت در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۳ - ۲۶،۲۷

۲۶ جواز گرفتن فرزند از شیر قبل از دو سال ، به شرطِ رضایت ، مشورت و توافق پدر و مادر

فان ارادا فصالا عن تراض منهما و تشاور فلا جناح علیهما

چون حدّ کمال شیر دادن دو سال است، بنابراین <فصال> پس از دو سال طبیعی است و نیاز به مشورت و توافق ندارد; لذا مراد از <فصال> در آیه شریفه، <فصال> قبل از دو سال است.

۲۷ جدا کردن طفل از شیر مادر ، باید پس از مشورت با صاحبنظران و توافق والدین صورت گیرد .

فان ارادا فصالا عن تراض منهما و تشاور فلا جناح علیهما

در برداشت فوق، <فصال> حمل شده بر <فصال> از شیر مادر، نه از هر شیری; یعنی توافق می کنند که مادر دیگر شیر ندهد

و برای تکمیل مدّت شیر، کودک را به دایه ای بسپارند.

مقامات خانواده ابراهیم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۷۳ – ۷

۷ ابراهیم (ع) و خانواده او ، دارای منزلت و مقامی والا در پیشگاه خداوند

رحمت الله و برکته علیکم أهل البیت

مقامات خانواده محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۳۲ – ۱۱

۱۱ – خاندان پیامبر (ص) در پیشگاه خداوند ، از مقامی والا برخوردار بودند .

وأمر أهلک بالصلوه

مکر علیه خانواده صالح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۵۰ – ۱

۱ – مکر و حیله مخالفان صالح پیامبر علیه وی و خانواده اش

قالوا تقاسموا باللّه لنبیّتنّه و أهله . .. و مکروا مکرًا

متعلق <مکروا> حذف شده و تقدیر آن با توجه به آیه قبل چنین است: <و مکروا به و بأهله مکراً; آنان علیه او و خانواده اش خدعه کردند>.

ملاک روابط خانوادگی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۹ - ۸

۸- توحید و پرهیز از شرک ، باید حاکم بر مجموعه روابط فردی ، خانوادگی و اجتماعی باشد .

و لاتجعل مع الله إلهًا ءاخر

ذکر مجموعه تعالیم فردی، خانوادگی و اجتماعی در بین دو نهی از شرک، (آیه ۲۲ و این آیه) می تواند مشعر به حقیقت یاد شده باشد.

ملاک مشاوره در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۶ - ۹

۹ - توجه به مصالح و

منافع نوزادان و نیز رعایت موازین شرعی و عقلی ، باید اساس و مبنای مشاوره و هم فکری مردان و زنان مطلّقه باشد .

و أتمروا بینکم بمعروف

<معروف> اسم برای هر کاری است که از نظر عقل و شرع، حسن و خوبی آن شناخته شده باشد (مفردات راغب).

ملائکه و خانواده لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۱۵

۱۵ فرشتگان ، از لوط (ع) و خانـدانش خواسـتند که به هنگـام خروج از دیارشـان ، از حرکت بـاز نایسـتند و به سوی خانه و کاشانه باز نگردند .

و لایلتفت منکم أحد

منشأ نجات خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۰ - ۲

۲ - نجات لوط (ع) و همه کسانش ، به اراده خداوند و در پی استمداد وی برای رهایی از مکافات عمل قومش

ربّ نجّنی و أهلی ممّا یعملون . فنجّینه و أهله أجمعین

منشأ نجات خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۴

۴ - نجات نوح (ع) و خاندان و همراهان او از شر ستمگران ، به اراده خداوند

فقل الحمد للّه الذی نجّنا من القوم الظلمین

منیت خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۵ - ۲

۲- حضرت لوط (ع) به نظارت و مراقبت بر خروج خاندانش از شهر برای در امان ماندن از عذاب الهی ، مأمور گردید .

فأسر بأهلك . .. و اتّبع أدبرهم

مقصود از به

دنبال خاندان رفتن (و اتّبع أدبارهم) می تواند کنایه از مراقبت و نظارت از خروج آنان باشد که مبادا کسی به شهر برگردد و از رفتن منصرف شود. جمله بعدی (و لایلتفت منکم ...) مؤید همین مطلب است.

ناپایداری روابط خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۵ - ۵

۵ - خداونـد ، آگـاه به وجود نشیب و فراز در مراحل حیات دنیوی و اخروی انسان و ناپایـدار مانـدن محفل های خانوادگی و خوش گذرانی های دنیامداران

بلی إنّ ربّه کان به بصیرًا

هر چند ضمیر در <ربّه> و <به>، به منکر معاد برمی گردد؛ ولی محتوای آیه شریفه، به جنبه انسان بودن آنان مربوط است.

ناسازگاری در خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۵ - ۲

۲ لزوم تلاش برای حفظ خانواده و سالم سازی محیط آن و پیشگیری از بروز ناسازگاری زن و شوهر

و ان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها

نجات خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۱۳،۲۶،۲۷

۱۳ نجات لوط (ع) و خانواده اش در گرو خروج آنان از دیار قوم لوط بود .

فأسر بأهلك بقطع من الّیل

۲۶ < عن أبی جعفر (ع) : . . . < فلما جاء آل لوط المرسلون . . . قالوا : . . . < فأسر بأهلك > یا لوط إذا مضی لك من یومك هذا سبعه أیام و لیالیها < بقطع من اللیل > إذا مضی نصف اللیل

; . . .

از امـام باقر(ع) روایت شـده است: . .. هنگامی که فرشـتگان خـدا به سوی خانـدان لوط آمدنـد ... گفتنـد: ... ای لوط ! از این تاریخ پس از گذشت هفت شبانه روز نیمه شب خانواده خود را از این سرزمین بیرون ببر ...>.

۲۷ < عن أبی جعفر (ع) : . . . إن الله تعـالی لمـا أراد عـذابهم (قـوم لـوط) . . . بعث إلیهم ملائکه . . . و قـالوا للـوط : أسـر بأهلك من هذه القریه اللیله . . . فلما إنتصف اللیل سار لوط بناته . . . ;

از امام باقر روایت شده است: . .. هنگامی که خداوند اراده کرد قوم لوط را عذاب کند، فرشـتگانی را به سوی آنان فرسـتاد ... آنـان به لوط گفتنـد: امشب خـانواده خود را از این آبـادی برون ببر ... چون شب به نیمه رسـید، لوط دختران خود را از آبادی بیرون برد ...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۵۹ – ۲

۲– مأموران الهی ، خاندان لوط (ع) را از عذاب نازل شده بر قوم وی نجات دادند .

إنا أُرسلنا إلی قوم مجرمین . إلاّ ءال لوط إنا لمنجّوهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶۵ – ۱

۱– فرشـتگان ، از حضـرت لوط (ع) خواسـتار خارج ساختن خاندانش از شـهر در پاسی از شب ، جهت نجات از عذاب الهی شدند .

فأسر بأهلك بقطع من الّیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء

- ۲۶ - ۱۷۰ - ۱

۱ - استجابت دعای لوط (ع) مبنی بر نجات خود و کسان خود ، از شر قوم زشتکارش از سوی پروردگار

ربّ نجّنی و أهلی ممّا یعملون . فنجّینه و أهله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۱ - ۱،۴

۱ - نجات همه خانواده لوط از عذاب الهی ، به جز همسر پیر او

فنجّینه و أهله أجمعین إلاّ عجوزًا فی الغبرین

<عجوز> به معنای پیر زن و <عجوزاً> مستثنی از <أهله> است. <غبور> (مصدر <غابرین>) نیز به معنای باقی ماندن است. بنابراین، <غابر> به کسی گفته می شود که همراهانش بروند و او باقی بماند.

۴ - نجات لوط (ع) و اهلش از عذاب الهی ، در گرو خروج آنان از شهر

فنجّینه و أهله أجمعین . إلاّ عجوزًا فی الغبرین

از واژه <الغابرین> استفاده می شود که بر جای ماندگان در شهر، گرفتار عذاب شدند و بیرون روندگان از شهر نجات یافتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۱،۲

۱ - نجات لوط (ع) و خاندانش به جز همسر وی و هلاکت قوم زشت کردارش ، آیتی بزرگ و عبرت آموز برای دیگران

إنّ فی ذلک لأیه

<ذلک> به جریان نجات لوط(ع) و کسان وی و نیز هلاکت قوم فساد پیشه اش اشاره دارد. <آیه> در این جا معادل <عبره> است و نکره آمدن آن برای بیان عظمت واقعه و درسی می باشد که در آن نهفته است.

۲ - هلاکت قوم فساد پیشه لوط و نجات وی و خاندانش به

جز همسر وی نمودی از سنت مستمر الهی در یاری رسانی به حق و سرکوب باطل

إنّ فی ذلک لأیه

نشانه و مایه عبرت بودن سرگذشت قوم لوط، در صورتی است که درباره دیگر امت ها قابل تکرار باشد و به تعبیر دیگر، سنتی مستمر به شمار آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۷ - ۱

۱ - نجات لوط (ع) و خانواده اش به جز همسر وی از عذاب نازل شده بر قوم لوط

فأنجینه و أهله إلاّ امرأته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۴ - ۱

۱ - لوط (ع) و خاندان او ، از عذاب نازل شده بر قوم شان نجات یافتند .

إذ نجّینه و أهله أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۴ - ۳

۳ - هلاکت تمامی قوم لوط با عذاب الهی ; به جز شخص لوط (ع) و خاندان او

إنّا أرسلنا علیهم حاصبًا إلاّءال لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۱

۱ - نجات لوط (ع) و خاندان آن حضرت از مهلکه عذاب ، نعمت و امتنان الهی بر ایشان

نجّینهم . .. نعمه من عندنا

نجات خانواده لوط(ع) از عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۲ - ۵

۵ - ملائکه مأمور عذاب قوم لوط ، به ابراهیم (ع) اطمینان دادند که لوط (ع) و

اهل اش را ، حتماً از عذاب نجات خواهند داد .

قالوا نحن أعلم بمن فيها لننجّينّه و أهله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۳ - ۱۴

۱۴ - فرشتگان مأمورِ عـذابِ قوم لوط ، به لوط (ع) اعلام كردنـد كه او و خانواده اش ، به جز همسـرش را ، از عذاب نجات خواهند داد .

إنّا منجّوك و أهلك إلاّ امرأتك

نجات خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱۱،۱۳

۱۱ نوح (ع) از ناحيه خداوند به نجات خانواده خويش و سوار كردن آنان به كشتى موظف شد .

قلنا احمل فيها . .. أهلك

كلمه <أهل> در <أهلك> عطف بر <زوجين> و در حقيقت مفعول براى <احمل> است.

۱۳ خداوند ، نوح (ع) را از سوار كردن كفرپيشگان خانواده اش بر كشتى نجات ، منع كرد .

احمل فيها . .. أهلك إلاّ من سبق عليه القول

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۱۳

۱۳ اعمال صالح خانواده نوح (پرستش خدا و . . .) مايه نجات آنان از حادثه طوفان بود نه انتسابشان به حضرت نوح (ع) .

إنه ليس من أهلك إنه عمل غير صلح

تصـريح خداونـد به اين كه <هلاـكت فرزنـد نوح به خـاطر اعمـال ناصالحش بوده است> ، اشاره به اين معنا دارد كه: نجات ديگر اعضاى خانواده نوح ، به خاطر انتسابشان به آن حضرت نبوده; بلكه منزه بودنشان از اعمال ناشايست ، مايه نجاتشان بوده

است.

جلد –

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۶ - ۷

۷- خداوند ، نوح (ع) و خاندانش را از غم شدید و اندوه بزرگ ناشی از انجام رسالت خویش نجات داد .

فنجّینه و أهله من الکرب العظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۶ - ۱،۲

۱ - نوح (ع) و خاندانش ، به عنایت خداوند از اندوه بزرگ نجات یافتند .

و نجّینه و أهله من الکرب العظیم

۲ - نوح (ع) و خاندانش ، به لطف الهی از عذاب طوفان نجات یافتند .

و نجّینه و أهله من الکرب العظیم

مقصود از <اندوه بزرگ> یا طوفان است و یا اذیت و آزار مردم کافر. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه نخست است.

نظام خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴ - ۳

۳ استقلال مالی زن در نظام خانواده

و اتوا النّساء صدقاتهنّ

نظام خانواده در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۳

۳- مردسالاری ، در دوران جاهلی بر خانواده ها سایه افکنده بود .

و إذا بشّر أحدهم بالأنثى ظلّ وجهه . .. يتورى من القوم من سوء ما بشّر به أيمسكه

نعمت خانواده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۵۶ – ۲

۲ – بودن در کنار همسران خود و برخورداری از آرامش و موهبت های طبیعت ، از نعمت های الهی و دلپذیر برای همگان

فی شغل فکهون . هم و أزوجهم

فی ظلل علی الأرائک متّکئون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه درصدد بیان نعمت های الهی برای اهل بهشت و تشویق مردم به ایمان برای برخوردار شدن از این نعمت ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۳ - ۵

۵ - خانواده (زن و فرزند) ، نعمت و موهبت الهی

و وهبنا له أهله و مثلهم معهم

نعمت نجات خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۶ - ۹

۹ - نجات نوح (ع) و خاندانش از غمی بزرگ ، از نعمت ها و الطاف الهی به آن حضرت

و لقد نادینا نوح . .. و نجّینه و أهله من الکرب العظیم

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های اعطا شده به حضرت نوح(ع) و امتنان بر ایشان است.

نعمتهای خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۵ - ۱

۱ - نجات لوط (ع) و خاندان آن حضرت از مهلکه عذاب ، نعمت و امتنان الهی بر ایشان

نجّینهم . .. نعمه من عندنا

نقش اصالت خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۵۸ – ۷

۷- اصالت خانوادگی و نسبی ، در سعادت و کمال فرزندان نقش مؤثری دارد .

من ذرّیّه ءادم . .. من ذرّیّه إبرهیم و إسرءیل

مطرح شدن پیامبران الهی در طول یک سلسله و ذریّه های مشخص نشان از نقش نسب و خانواده

در کمال فرزندان دارد.

نقش خانواده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۵ – ۴

۴– پدران و نیاکان و محیط خانوادگی و اجتماعی ، دارای نقشی مؤثّر در باور های هر نسل

قالوا اتخذ اللّه ولدًا . ما لهم به من علم و لا لأبائهم

ذکر <لأبائهم> اشاره به یکی از زمینه های اصلی گرایش ها و عقاید مردم عصر بعثت که همان روحیه تقلید و دنباله روی از نیاکان است دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۲۸ – ۷

۷– خانواده به ویژه پدر ، در رشد یا انحطاط اخلاقی فرزندان نقشی مؤثر دارد .

ما کان أبوک امرأ سوء و ما کانت أُمّک بغیًّا

تعبیری که قوم مریم در باره پدر او به کار بردند، نفی همه پلیدی ها بود، حاکی از این که بدی های پدر هرچه باشد زمینه مناسبی برای فساد فرزندان خواهد شد و تأثیر رفتار مادر به آن گستردگی نیست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۵۳ – ۷

۷– تأثیرپذیری انسان ، از خانواده و جامعه خویش

قالوا وجدنا ءاباءنا لها عبدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۴ – ۱۷

۱۷ – نقش بنیادین خانواده در صلاح و فساد فرزندان

إنّه کان من المفسدین

جمله <إنّه کان. ..> به منزله تعلیل برای <علا فی الأرض...> است; یعنی، فرعون بدان جهت که از خاندانی مفسد به وجود آمده و در میان آنها رشد کرده بود، خوی برتری طلبی را از آنان

به ارث برده بود.

نقش سرپرست خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۵

۵ - نقش عمیق سرپرست خانواده در مصون داشتن آنان از فساد فراگیر جامعه

قالوا أخرجوا ءال لوط من قریتکم

عبارت <أخرجوا آل لوط> (خانواده لوط را از شهرتان بیرون کنید) نشان می دهد که در جامعه فاسدی چون جامعه قوم لوط، تنها خانواده ای که از فساد ایمن مانده بود، خانواده تحت سرپرستی لوط(ع) بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۶ - ۵

۵ - سرپرست خانواده ، دارای نقشی سازنده و سرنوشت ساز ، در حیات معنوی و تربیت دینی اعضای خانواده

یأیّها الذین ءامنوا قوا أنفسکم و أهلیکم نارًا

نوح(ع) و نجات خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۱ - ۱

۱ نوح (ع) ، پس از شروع طوفان و انجام مقدمات حرکت ، ازپیروان و خانواده اش خواست تا بر کشتی سوار شوند .

و قال ارکبوا فیها

به نظر می رسد جمله <قال ارکبوا . ..> عطف بر جملاتی مقدر باشد که به خاطر دخالت نداشتن آنها در هدفهای نقل ماجرا بیان نشده است; یعنی: قلنا احمل فیها ... ففعل کذا و کذا و قال ارکبوا فیها .... و لذا در برداشت <انجام مقدمات حرکت> آورده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۴۵ – ۵

۵ نوح (ع) ، براساس وعده خداوند به نجات افراد خانواده اش و التزام خداوند به وعده های

خویش ، خواستار نجات فرزندش شد .

إن ابنی من أهلی و إن وعدک الحق

نهی به خانواده لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶۵ – ۴

۴– خداوند حضرت لوط (ع) و خاندانش را از بازگشت به شهر خود که در معرض عذاب بود برحذر داشت .

فأسر بأهلک . .. و لایلتفت منکم أحد

مقصود از التفات و توجه در آیه شریفه به قرینه فرمان خروج از شهر (فأسر بأهلک) بازگشتن و روی آوردن به شهری است که آنان در آن جا ساکن بودند.

نیازهای خانواده موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۷ – ۶

۶ – قرار گرفتن خانواده موسی در شرایط نیاز به دلگرمی و امید

إذ قال موسی لأهله . .. سئاتیکم منها بخبر... تصطلون

از تعبیر <إنّی آنست ناراً> و <سأتیکم> که جمله اول به صورت مؤکد به <إنّ> و جمله دوم به صورت مؤکد با حرف تنفیس آمده است استفاده می شود که خانواده موسی در شرایط اضطراب آور و دلهره آمیزی قرار داشتند که موسی می بایست به آنان دلگرمی می داد و امید می بخشید.

نیازهای مادی خانواده شعیب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۲۶ – ۵

۵ – نیاز خانواده شعیب به اجیر کردن مردی جهت نگه داری گوسفندانشان

قالت إحديهما يأبت استئجره

با توجه به آيات پيشين، مراد از <استئجره> استيجار براى نگه دارى گوسفندان شعيب مى باشد.

ورود ملائكه بر خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۱ - ۱

۱- فرشتگان مأمور عذاب قوم لوط ، به عنوان مهمان بر خاندان حضرت لوط (ع) وارد شدند .

و نبّئهم عن ضیف إبرهیم . .. فما خطبکم أیّها المرسلون ... فلمّا جاء ءال لوط المرس

الف و لام در <المرسلون> برای عهد ذکری است و اشاره به رسولانی دارد که نزد حضرت ابراهیم(ع) آمدند و عذاب قوم لوط را مطرح ساختند (قال فما خطبکم أیّها المرسلون، آیه ۵۷) و این نشان دهنده آن است که مهمانان ابراهیم(ع) بر لوط(ع) وارد شدند. گفتنی است که آیه ۶۸ نیز مؤید این نکته است.

وعده نجات خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۵ - ۵

۵ نوح (ع) ، براساس وعده خداوند به نجات افراد خانواده اش و التزام خداوند به وعده های خویش ، خواستار نجات فرزندش شد .

إن ابنی من أهلی و إن وعدک الحق

وقت نجات خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۴ - ۴

۴ - نجات یافتن خاندان لوط ، از سرنوشت هلاکت بار قومشان به هنگام سحر

نجّینهم بسحر

هجرت خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۱۳

۱۳ نجات لوط (ع) و خانواده اش در گرو خروج آنان از دیار قوم لوط بود .

فأسر بأهلك بقطع من الّیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۷۱ – ۴

۴ – نجات لوط (ع

) و اهلش از عذاب الهی ، در گرو خروج آنان از شهر

فنجّینه و أهله أجمعین . إلاّ عجوزًا فی الغبرین

از واژه <الغابرین> استفاده می شود که بر جای ماندگان در شهر، گرفتار عذاب شدند و بیرون روندگان از شهر نجات یافتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۲ - ۱

۱ - هلاکت قوم لوط ، پس از خروج وی و خاندان مؤمنش از شهر

فنجّینه و أهله . .. ثمّ دمّرنا الأخرین

<تدمیر> (مصدر <دمّرنا>) مرادف <إهلاك> و به معنای نابود کردن و از میان برداشتن است؛ یعنی، <سپس دیگران را هلاک گردانیدیم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۴ - ۶

۶ - خروج مخفیانه خاندان لوط ، تدبیری الهی ، برای دفع مزاحمت کافران نسبت به ایشان *

نجّینهم بسحر

انتخاب لحظات تاریک سحر برای خروج خاندان لوط، احتمال دارد از آن جهت باشد که خروج علنی، آنان را در معرض مزاحمت کافران قرار می داد.

هجرت خانواده موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۹ - ۲

۲ - هجرت موسی (ع) به همراه همسر و فرزندانش از مدین ، پس از پایان یافتن مدت قراردادش با شعیب (ع)

فلمّا قضی موسی الأجل و سار بأهله

گرچه واژه <أهل> انصراف به زوجه دارد; لکن با توجه به تعبیر <امکثوا> (با خطاب جمع) معلوم می شود علاوه بر همسر حداقل دو نفر دیگر نیز که به احتمال قوی فرزندانش بوده اند او را همراهی می کردند.

هجرت شبانه خانواده لوط(ع)

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۵ - ۱۱،۱۰،۳،۲،۱

۱- فرشتگان ، از حضرت لوط (ع) خواستار خارج ساختن خاندانش از شهر در پاسی از شب ، جهت نجات از عذاب الهی شدند .

فأسر بأهلك بقطع من الّيل

۲- حضرت لوط (ع) به نظارت و مراقبت بر خروج خاندانش از شهر برای در امان ماندن از عذاب الهی ، مأمور گردید .

فأسر بأهلك . .. و اتّبع أدبرهم

مقصود از به دنبال خاندان رفتن (و اتّبع أدبارهم) می تواند کنایه از مراقبت و نظارت از خروج آنان باشد که مبادا کسی به شهر برگردد و از رفتن منصرف شود. جمله بعدی (و لايلتفت منكم ...) مؤید همین مطلب است.

۳- لوط (ع) ، مأموریت یافت که هم زمان با خارج ساختن خاندانش از شهر ، خود نیز در پی آنان حرکت کند .

فأسر بأهلك . .. و اتّبع أدبرهم

۱۰- < قال أبوجعفر (ع) : . . . < فلما جاء آل لوط المرسلون > . . . قالوا . . . < فأسر بأهلك > يا لوط إذا مضى لك من يومك هذا سبعه أيام و لياليها < بقطع من الليل > إذا مضى نصف الليل < . . . و امضوا > من تلك الليله < حيث تؤمرون > ; . . .

امام باقر(ع) فرمود: هنگامی که فرشتگان خدا به سوی خاندان لوط آمدند . .. گفتند:... ای لوط! پس از گذشت هفت شبانه روز از این تاریخ، در نیمه های شب خانواده خود را از این سرزمین بیرون ببر ... و

در آن شب به هر جا که فرمانتان داده اند بروید...>.

۱۱- < عن أبی جعفر (ع) : . . . إن الله تعالی لمّا أراد عذابهم (قوم لوط) . . . بعث إلیهم ملائکه . . . و قالوا للوط : أسر بأهلك من هذه القریه اللیله . . . فلمّا انتصف اللیل سار لوط ببناته . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود: .. هنگامی که خداوند تعالی اراده کرد قوم لوط را عذاب کند، فرشتگانی را به سوی آنان فرستاد ... آنان به لوط(ع) گفتند: امشب خانواده خود را از این قریه کوچ بده ... چون شب به نیمه رسید آن حضرت به همراهی دخترانش کوچ کرد...>.

همنشینی اخروی با خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۳ - ۴

۴ - شادمانی از حضور بین خانواده و دودمان خویش در آخرت ، غیر قابل قیاس با دل خوشی به حضور بین آنان در دنیا است .

و ینقلب إلی أهله مسرورًا . .. إنّه کان فی أهله مسرورًا

آیه شریفه حضور فرح بخش بین خویشاوندان در آخرت را به عنوان پاداش یاد کرده و شادکامی بین خاندان در دنیا را ناپایدار و بی اثر در رفع مشکلات قیامت معرفی کرده است; تا تفاوت دو حالت نمودار گردد.

همنشینی دنیوی با خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۳ - ۴

۴ - شادمانی از حضور بین خانواده و دودمان خویش در آخرت ، غیر قابل قیاس با دل خوشی به حضور بین آنان

در دنیا است .

و ینقلب إلی أهله مسرورًا . .. إنّه کان فی أهله مسرورًا

آیـه شـریفه حضـور فرح بخش بین خویشاونـدان در آخرت را به عنـوان پـاداش یـاد کرده و شادکـامی بین خانـدان در دنیـا را ناپایدار و بی اثر در رفع مشکلات قیامت معرفی کرده است; تا تفاوت دو حالت نمودار گردد.

خانه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خانه

آثار علاقه به خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۳ - ۱۳

۱۳ - خانه و زندگی ، از جمله نگرانی انسان است و وابستگی به آنها ، باعث تزلزل در جهاد می شود .

یقولون إنّ بیوتنا عوره و ما هی بعوره

آداب حضور در خانه محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۳ - ۱۵

۱۵ - میهمانـان پیـامبر (ص) پس از صـرف غـذا ، نبایـد به انتظار گفت وگو با اهل خانه آن حضـرت ، مجلس را طولانی می کردند .

فانتشروا و لامستئنسین لحدیث

برداشت بالاـ بنـابراین احتمـال است که سـرگرم شـدن به گفت وگو، مربوط به اهل خانه باشـد و نه گفت وگو با هم. لازم به ذکر است که فراز <و إذا سألتموهنّ...> مؤید این برداشت است.

آداب ورود به خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۷،۸،۱۲

۷ - ورود از پشت خانه ها و نه از درب های ورودی ، از آداب حج در سنت های مردم عصر جاهلی

و لیس البر بأن تأتوا البیوت من ظهورها

بیان رسم جاهلیت، مبنی بر وارد شدن به خانه از پشت آنها و نه از

درب ورودی - پس از ذکر حج - دلالت بر این دارد که سنت یاد شده از آداب حج در زمان جاهلیت بوده است.

۸ - ورود حاجیان به خانه ، از پشت آن و پرهیز از راه های متعارف ، عملی نیکو در دیدگاه مردم عصر جاهلیت

و لیس البر بأن تأتوا البیوت من ظهورها

نفی نیکی از رسم یاد شده (لیس البر)، دلالت می کند که آن رسم در نزد مردم جاهلی، رسمی نیکو و ارجمند بوده است.

۱۲ - ترک سنت جاهلی و ورود به خانه های از راه های متعارف آن ، فرمان و توصیه خدا به مسلمانان

لیس البر . .. و أتوا البیوت من أبوبها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ - ورود افراد به خانه و محل سکونت خودشان به طور ناگهانی جایز است .

لاتدخلوا بیوتًا غیر بیوتکم. .. لعلّکم تذکّرون

از قید <غیر بیوتکم> استفاده می شود که شرایط ورود به خانه افراد (مثل اذن ورود گرفتن و سلام کردن) مربوط به خانه های دیگران است و خانه های شخصی افراد چنین شرایطی را ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۲۴،۳۷،۴۰

۲۴ - سلام کردن به یکدیگر به هنگام ورود به خانه ها ، توصیه خداوند به همه مسلمانان

فإذا دخلتم بیوتًا فسلّموا علی أنفسکم

۳۷ - < عن أبی جعفر (ع) إذا دخل الرجل منکم بیته . . . إن لم یکن فیه أحد فلیقل : السلام علینا من عند ربّنا یقول اللّه < تحیّه من عنداللّه مبارکه طیّبه > ;

از

امام باقر(ع) روایت شده است: هر گاه شخصی از شما وارد خانه خود شود. .. اگر کسی در آن خانه نبود، بگوید: <السلام علینا من عند ربّنا>. خدا می فرماید: تحیّه من عنداللّه مبارکه طیّبه>.

۴۰ – < أبی الصباح قال : سألت أبا جعفر (ع) ، عن قول اللّه عزّوجلّ : فإذا دخلتم بیوتاً فسلّموا علی أنفسکم . . . > فقال : هو تسلیم الرجل علی أهل البیت حین یدخل ثمّ یردّون علیه ، فهو سلامکم علی أنفسکم ;

ابوالصباح از امام باقر(ع) پرسید: این که خداوند فرموده است: <فإذا دخلتم بیوتاً فسلّموا علی أنفسکم> مراد چیست؟ فرمود: مراد این است که شخص، هرگاه وارد خانه شود، بر اهل خانه سلام کند. پس آنان جواب سلام او را می دهند. پس آن سلام شما بر خودتان است>.

آداب ورود به خانه دیگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۲۷ – ۱۳،۱۲،۱۱،۹،۸،۶،۵،۴،۲،۱

۱ – ورود ناگهانی و بدون آشنایی دادن و انس قبلی ، به محل سکونت و خانه دیگران ، ممنوع است .

یأیّها الذین ءامنوا لاتدخلوا بیوتًا غیر بیوتکم حتّی تستأنسوا

برداشت یاد شده، براساس این مبنا است که <استئناس> (مصدر <تستأنسوا>) از ماده <انس> (در مقابل وحشت) باشد. بر این اساس معنای آیه چنین می شود: شخص وارد شونده در ابتدا باید از راه اجازه خواستن و غیره با صاحب خانه مأنوس شود، آن گاه وارد خانه گردد تا موجب وحشت و اضطراب خود و دیگران نشود.

۲ – ورود به خانه و محل سکونت دیگران ، بدون اطمینان از وجود صاحب آن و اجازه از او

، ممنوع است .

لاتدخلوا بيوتًا غير بيوتكم حتّى تستأنسوا

برداشت فوق، بر اين مبنا است كه <استئناس> (مصدر <تستأنسوا>) استفعال از <آنس إذا أبصر> و به معناى استعلام و استكشاف باشد. بر اين اساس معناى آيه چنين مى شود: <وارد خانه كسى نشويد تا آن كه از وضعيت و احوال صاحب خانه باخبر شويد كه معمولاً اين استعلام همراه با استيذان (اجازه خواستن) است>.

۴ - ورود به محل سكونت و خانه ديگران پيش از سلام كردن به اهل آن ، ممنوع است .

لاتدخلوا بيوتًا غير بيوتكم حتّى تستأنسوا و تسلّموا على أهلها

۵ - اذن خواستن و سلام كردن ، از شرايط و آداب ورود به محل سكونت و خانه ديگران

لاتدخلوا بيوتًا غير بيوتكم حتّى تستأنسوا و تسلّموا

۶ - ورود به محل سكونت و خانه ديگران هر چند با اجازه باشد نبايد همراه با تكلف ، تحميل و احساس سنگينى براى صاحب آن باشد .

لاتدخلوا بيوتًا غير بيوتكم حتّى تستأنسوا و تسلّموا على أهلها

برداشت ياد شده از تعبير <تستأنسوا> به جاى <تستأذنوا> و دستور به سلام كردن كه پيام آور دوستى و صفا است استفاده مى شود.

۸ - خوددارى از ورود به محل سكونت و خانه ديگران ، بدون اجازه و سلام كردن ، به خير و صلاح جامعه است .

لاتدخلوا بيوتًا غير بيوتكم حتّى تستأنسوا . .. ذلكم خير لكم

۹ - به ياد سپردن ، پند پذيرفتن و عمل كردن به آن ، فلسفه بيان آداب ورود به محل سكونت و خانه ديگران از سوى خداوند است .

لاتدخلوا بيوتًا غير بيوتكم حتّى تستأنسوا . .. لعلّكم تذكّرون

جمله <لعلّكم تذكّرون> تعليل براى جمله

ای محذوف مانند <أنزل علیکم هذا> و با <أرشدتم إلی ذلک> است; یعنی، آنچه از این آیات نازل کردیم به منظور به یاد سپردن، پند پذیرفتن و به کار بستن آن بود.

۱۱ - < عن أبی أیوب إنّ النبی (ص) . قال الإستیناس أن تدعوا الخادم حتّی یستأنس أهل البیت . . . ;

از ابوایوب روایت شده است که رسول خدا(ص) فرمود: استیناس آن است که خادم را بخوانی تا اهل خانه را برای ورود تو با خبر سازد. ..>.

۱۲ - < عن أبی أیوب الأنصاری قال : قلنا یا رسول اللّه ما الإستیناس ؟ قال : یتکلم الرجل بالتسبیحه والتحمیده و التکبیره و یتنحنح علی أهل البیت . . . ;

از ابوایوب انصاری روایت شده است که گفت: به رسول خدا(ص) گفتیم: <استیناس> چیست؟ فرمود: این است که شخص با تکلم به تسبیح، تمجید، تکبیر و صدا از سینه در آوردن بر اهل خانه [آنان را با خبر سازد]>.

۱۳ - < عن أبی عبداللّه (ع) قال : الإستینانس ، وقع النعل و التسلیم ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: استیناس کوبیدن کفش بر زمین و سلام کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۸ - ۱،۲،۳

۱ - ورود به خانه و محل سکونت دیگران با علم به این که کسی در آن نیست ، ممنوع است .

فإن لم تجدوا فیها أحدًا فلاتدخلوها

۲ - ورود به خانه و محل سکونت دیگران به هنگام نیافتن کسی در آن ، با کسب مجوز شرعی یا قانونی ، جایز است .

فإن لم تجدوا

فیها أحدًا فلاتدخلوها حتّی یؤذن لکم

مجهول آمدن فعل <یُؤذن> بدون ذکر فاعل (اجازه دهنده) - می تواند حاکی از این نکته باشد که برای ورود به خانه دیگران، یک نوع مجوزی لازم است; چه آن مجوز ناشی از قوانین متعارف باشد و چه از ناحیه شرع.

۳ - مؤمنان در صورت مواجه شدن با بی میلی صاحب خانه و درخواست مراجعت ، باید عذر او را موجه دانسته و بازگردند .

فإن لم تجدوا فیها أحدًا فلاتدخلوها حتّی یؤذن لکم

آداب ورود به خانه محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۳ - ۳

۳ - خانه های پیامبر (ص) از جهت وارد شدن در آنها همانند خانه های سایر مردم نیست و آداب خاصی دارد .

لاتدخلوا بیوت النبیّ إلاّ أن یؤذن لکم

آرامش در خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۱،۲

۱- خداوند ، خانه و منزل را ، مایه آرامش انسان قرار داد .

و الله جعل لکم من بیوتکم سکنًا

۲- برخورداری انسان از آرامش در خانه خود ، از نعمت های خداوندی

و الله جعل لکم من بیوتکم سکنًا

ابزار ساخت خانه های سبک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۵،۶

۵- آفرینش دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) ، به گونه ای که از پوست آنها خانه و سرپناه سبک و قابل انتقال (برای عشایر و صحرانشین) ساخته شود ، به قدرت خداست .

و الله . .. جعل لکم

من جلود الأنعم بيوتًا تستخفّونها يوم ظعنكم و يوم إقامتكم

۶- بهرهوری انسان ، از پوست دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) برای ساختن سرپناه سبک و قابل انتقال ، از نعمت های الهی است .

و جعل لکم من جلود الأنعم بیوتًا

اتاقهای خانه محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۴ - ۳

۳ خانه پیامبر (ص) ، دارای حجره های متعدد *

إنّ الذين ينادونک من وراء الحجرت

برداشت بالا بدان احتمال است که مراد از <الحجرات> اتاق هایی بوده که در اطراف مسجد، به پیامبر(ص) اختصاص داشته است و برخی از درون مسجد با صدای بلند آن حضرت را می خواندند.

اجازه ورود به خانه محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۳ - ۷،۱۶

۷ - اذن ورود به خانه پیامبراکرم (ص) به هر صورتی به دست آید کافی است .

لاتدخلوا بیوت النبیّ إلاّ أن یؤذن لکم

مجهول آورده شدن فعل <یُؤذن> می تواند اشاره به این نکته باشد که لازم نیست اذن، از سوی خود آن حضرت و با لفظ خاصی باشد، لذا چنان چه تحصیل رضایت به هر نحو شد، اذن تلقی می شود و ورود به خانه، جایز می گردد.

۱۶ - وارد شدن بدون اجازه به خانه پیامبر (ص) و به انتظار غذا نشستن بدون دعوت قبلی ، موجب اذیت آن حضرت بود و باید از آن پرهیز می شد .

لاتدخلوا بیوت النبیّ إلاّ أن یؤذن لکم إلی طعام غیر نظرین إنیه و لکن إذا دعیتم ف

برداشت بالا

بنابراین احتمال است که مشارالیه <ذلکم> نهی <لاتدخلوا> و <غیر ناظرین> باشد.

اخراج مطلقه از خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۱۳،۲۴،۲۶،۲۷

۱۳ - مردان ، می تواننـد زنـان مطلّقه خود را در صورت ارتکـاب عملی بسـیار زشت و روشن (ماننـد زنـا و . . .) از خانه های خویش بیرون کنند .

و لایخرجن إلاّ أن یأتین بفحشه مبیّنه

به هر عمـل و گنـاهی که زشـتی آن شدیـد و بزرگ باشـد، <فـاحشه> اطلاـق می شود; ماننـد زنـا در مورد زنـان (برگفته از قاموس المحیط و مفردات راغب).

۲۴ - < عن سـعدبن أبی خَلَف قال : سألت أباالحسن موسـی بن جعفر (ع) : . . .ألیس اللّه عزّوجلّ یقول : < لاتخرجوهنّ من بیوتهنّ و لایخرجن > قـال : فقال إنّما عنی بـذلک الّتی تطلّق تطیقه بعـد تطلیقه فتلک الّتی لاتَخرُج و لاتُخرَج حتّی تطلق الثالثه فـإذا طلقت الثـالثه فقـد بانت منه و لانفقه ل ها ، و المرأه الّتی یطلّق ها الرجل تطلیقه ثمّ یـدع ها حتّی یخلوا أجل ها فهـذا أیضـاً یقعد فی منزل زوج ها و ل ها النفقه و السکنی حتّی تنقضی عدّت ها ;

سعـدبن ابی خلف گویـد: از امـام کـاظم(ع) پرسـیدم. ..[و]گفتم: آیـا خداونـد عزّوجلّ نفرموده: <لاتخرجوهنّ و لایخرجن> حضـرت فرمود: خداونـد [دراین دسـتور]زنی را قصـد کرده که دو بار [به طلاق رجعی] طلاق داده می شود. این زن [نبایـد در زمان عدّه] از خانه خارج شود و نباید شوهر او را خارج کند تا این که طلاق سوم واقع شود. پس آن گاه که برای بار

سوّم، طلاق داده شد از شوهر جدا می شود و برای او نفقه نیست. و زنی که شوهر او یک بار طلاق داده و او را رها نموده تا این که عدّه اش تمام شود، او نیز در منزل شوهرش می نشیند [و نباید خارج شود] و حق نفقه و سکنی دارد تا عدّه اش تمام شود>.

۲۶ - < و سئل الصادق (ع) عن قول اللّه عزّوجلّ : < و اتقوا اللّه ربّکم لا تخرجوهنّ من بیوتهنّ و لا یخرجن إلاّ أن یأتین بفاحشه مبیّنه > قال : إلاّ أن تزنی فتخرج و یقام علیها الحدّ ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدای عزّوجلّ: <. ..لاتخرجوهنّ من بیوتهنّ الاّ أن یأتین بفاحشه مبیّنه> سؤال شد فرمود: [زن در عدّه طلاق رجعی نباید از خانه خارج شود] مگر این که مرتکب زنا شود. در این صورت او را از خانه بیرون می برند و بر او حد جاری می گردد>.

۲۷ - < عن الرضا (ع) فی قول اللّه عزّوجلّ : < لاتخرجوهنّ من بیوتهنّ و لایخرجن إلاّ أن یأتین بفاحشه مبیّنه > قال : أذاها لأهل الرجل و سوء خلقها ;

از امام رضا(ع) درباره سخن خداوندعزّوجلّ <لاتخرجوهنّ من بیوتهنّ و لایخرجن إلاّ أن یأتین بفاحشه مبیّنه> روایت شده که فرمود: [مراد از فاحشه مبیّنه] آزار دادن زن به خانواده شوهر و بد خلقی او است>.

استحکام خانه های قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۵ - ۶

۶- خانه های مستحکم قوم عاد ، ناتوان از محافظت ایشان در برابر عذاب الهی *

فأصبحوا لایری إلاّ مسکنهم

برداشت

یاد شده در صورتی است که از برجای ماندن خانه های قوم عاد، استحکام آن خانه ها استفاده شود.

استیذان هنگام ورود به خانه دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۷ - ۲،۵

۲ - ورود به خانه و محل سکونت دیگران ، بدون اطمینان از وجود صاحب آن و اجازه از او ، ممنوع است .

لاتدخلوا بیوتًا غیر بیوتکم حتّی تستأنسوا

برداشت فوق، بر این مبنا است که <استئناس> (مصدر <تستأنسوا>) استفعال از <آنس إذا أبصر> و به معنای استعلام و استکشاف باشد. بر این اساس معنای آیه چنین می شود: <وارد خانه کسی نشوید تا آن که از وضعیت و احوال صاحب خانه باخبر شوید که معمولاً این استعلام همراه با استیذان (اجازه خواستن) است>.

۵ - اذن خواستن و سلام کردن ، از شرایط و آداب ورود به محل سکونت و خانه دیگران

لاتدخلوا بیوتًا غیر بیوتکم حتّی تستأنسوا و تسلّموا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۸ - ۲

۲ - ورود به خانه و محل سکونت دیگران به هنگام نیافتن کسی در آن ، با کسب مجوز شرعی یا قانونی ، جایز است .

فإن لم تجدوا فیها أحدًا فلاتدخلوها حتّی یؤذن لکم

مجهول آمدن فعل <یُؤذن> بدون ذکر فاعل (اجازه دهنده) - می تواند حاکی از این نکته باشد که برای ورود به خانه دیگران، یک نوع مجوزی لازم است؛ چه آن مجوز ناشی از قوانین متعارف باشد و چه از ناحیه شرع.

اقامت طولانی در خانه محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ -

احزاب - ۳۳ - ۵۷ - ۴

۴ - کسانی که وارد منزل پیامبر (ص) شوند و اقامت خود را در حدّ آزاردهندگی آن حضرت ادامه دهند ، مورد لعن خدایند .

و لامستئنسین لحدیث إنّ ذلکم کان یؤذی النبیّ . .. إنّ الذین یؤذون ... و رسوله لعن

امنیت خانه مجاهدان غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۳ - ۱۲

۱۲ - خانه و کاشانه مجاهدان شرکت کننده در غزوه احزاب ، خلل ناپذیر و دارای استحکام بود .

یقولون إنّ بیوتنا عوره و ما هی بعوره

اهمیت آسایش در خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۷ - ۳

۳ - اهتمام اسلام به حفظ امنیت و آسایش محیط خانه و پرهیز کردن از ایجاد مزاحمت و نا امنی در آن

لاتدخلوا بیوتًا غیر بیوتکم حتّی تستأنسوا

اهمیت امنیت در خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۷ - ۳

۳ - اهتمام اسلام به حفظ امنیت و آسایش محیط خانه و پرهیز کردن از ایجاد مزاحمت و نا امنی در آن

لاتدخلوا بیوتًا غیر بیوتکم حتّی تستأنسوا

اهمیت عاریه اثاث خانه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ماعون – ۱۰۷ – ۷ – ۷

۷ – < قال أبوعبدالله (ع) . . . قوله عزّوجلّ < و يمنعون الماعون > قال : هو القرض يُقْرِضُه و المعروف يصطنعه و متاع البيت يعيره و منه الزكاه ;

امام صادق(ع) [درباره] سخن خدای عزّوجلّ <و يمنعون الماعون> فرمود: ماعون، قرضی

است که [انسان] به دیگری می دهد و کار نیکی است که [درباره دیگران]انجام می دهد و وسایل خانه است که عاریه می دهد و از [مصادیق] ماعون، زکات است>.

بنی اسرائیل و خانه سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۷ - ۵

۵ خداوند ، فرمان داد تا بنی اسرائیل در بر پا کردن خانه های خود ، آنها را رو به روی هم بسازند .

و اجعلوا بیوتکم قبله

برداشت فوق مبتنی بر این است که لفظ <قبله> مصدر نوعی به معنای اسم فاعل باشد ; یعنی: اجعلوا بیوتکم متقابله.

پلکان خانه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۳ - ۳

۳ - خداوند ، توانا بر مرفه ساختن زندگی کافران ، تا جایی که سقف خانه های خود را از نقره بسازند و دارای پلکان هایی باشند که بر آن بالا بروند .

لجعلنا. .. لبیوتهم سقفًا من فضّه و معارج علیها یظهرون

تاریخ خانه سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۲ - ۳

۳- وجود صنعت خانه سازی و سنگ تراشی در میان مردم حجر (قوم ثمود)

و کانوا ینحتون من الجبال بیوتًا ءامنین

تخریب خانه های بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۲ – ۱۸،۱۹

۱۸ – اقدام یهود بنی نضیر ، به تخریب خانه های خویش

یخربون بیوتهم بأیدیهم

۱۹ – وحشت و هراس بنی نضیر ، مایه اقدام آنان به تخریب خانه هایشان

و قذف فی قلوبهم الرعب

یخربون بیوتهم بأیدیهم

تخریب خانه های قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۷ - ۳

۳ - استحکام سرزمین عاد و عظمت ساختمان های آن ، مانع تأثیر عذاب الهی در تخریب و نابودی آن نبود .

کیف فعل ربّک . .. إرم ذات العماد

تلاوت آیات خدا در خانه همسران محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۴ - ۸

۸ - در خانه های همسران پیامبر ، آیات خدا و حکمت ، تلاوت می شده است .

و اذکرن ما یتلی فی بیوتکنّ من ءایت اللّه و الحکمه

تلاوت حکمت در خانه همسران محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۴ - ۸

۸ - در خانه های همسران پیامبر ، آیات خدا و حکمت ، تلاوت می شده است .

و اذکرن ما یتلی فی بیوتکنّ من ءایت اللّه و الحکمه

تمثیل به خانه عنکبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۳ - ۸

۸ - تمثیلِ بی بنیادیِ شرک به خانه عنکبوت ناشی از علم و برهان است .

مثل الذين اتّخذوا من دون اللّه أولياء كمثل العنکبوت اتّخذت بيتًا . .. و تلك الأم

تملك خانه های یهود بنی قریظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۷ - ۱،۲،۹

۱ - سرزمین ها و خانه ها و مال های یهود بنی قریظه ، در غزوه بنی قریظه ، به تملک مسلمانان درآمد .

و أورثكم أرضهم و ديرهم

و أمولهم

۲ – خداوند فراهم آورنده زمینه تملّک اموال و خانه و سرزمین یهود بنی قریظه برای مسلمانان مدینه

و أورثکم أرضهم و دیرهم و أمولهم

۹ – قدرت مطلق خداوند ، عامل فروپاشـی یهود بنی قریظه و به ارث رسیدن اموال و خانه ها و سرزمین شان به مسلمانان مدینه بود .

و أنزل الذین ظهروهم من أهل الکتب . .. و أورثکم أرضهم ... و کان اللّه علی کلّ ش

توقف در کنار خانه دیگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۲۸ – ۴

۴ – توقف در کنار درب خانه و محل سـکونت دیگران ، به هنگام مواجه شـدن با بی میلی صاحب آن و درخواست مراجعت ، ممنوع است .

و إن قیل لکم ارجعوا فارجعوا

تهیه اثاث خانه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۸۰ – ۸،۹

۸– به کار آمدن پشم ، کرک و موی حیوانات در ساختن اثاثیه و لوازم زندگی ، از نعمت های الهی است .

و من أصوافها و أوبارها و أشعارها أثثًا و متعًا

۹– پشم ، کرک و موی دام هـا (شتر ، گـاو و گوسـفند) برای سـاختن اثاثیه و لوازم زنـدگی ، متناسب با زیست طبیعی انسان است .

جعل لکم من الأنعم . .. تستخفّونها ... أثثًا و متعًا

از اینکه خداونـد پشم، کرک و موی دامهـا را در جهت تهیه اثاثیه و لوازم زنـدگی آفریـده است، گویای متناسب بودن آنها با

زیست طبیعی انسان می باشد; چون خداوند حکیم و داناست.

حفاظ خانه های محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۵۳ – ۳۸

۳۸ – خانه های پیامبر دارای پوشش و پرده بود .

و إذا سألتموهنّ متعًا فسئلوهنّ من وراء حجاب

خانه اسماعیل(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۹۷ – ۲۳

۲۳ مقام ابراهیم (ع) که نقش دو پای وی بر آن است و حجرالاسود و خانه اسماعیل نشانه هایی روشن در مسجدالحرام

فیه ایات بیّنات مقام ابراهیم

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از <ایات بیّنات> در آیه فوق فرمود: مقام ابراهیم حیث قام علی الحجر فاثّرت فیه قدماه و الحجرالاسود و منزل اسماعیل.

کافی، ج ۴، ص ۲۲۳، ح ۱ ; تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۷، ح ۹۹.

خانه داری مادر موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۱۱ – ۲

۲ – تدبیر امور خانه و سرپرستی اعضای آن برعهده مادر موسی

و قالت لأُخته قصّیه

در این فراز از زندگی موسی، تنها مادر وی مطرح است و سخنی از پدر او به میان نیامده است. این یا بدان جهت است که پدر موسی در قید حیات نبوده و یا نقش چندانی در سرپرستی امور خانه نداشته است. این نقش را مادر موسی ایفا می کرده است.

خانه سازی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۸۰ – ۵

۵- آفرینش دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) ، به گونه ای که از پوست آنها خانه و سرپناه سبک و قابل انتقال (برای عشایر و صحرانشین) ساخته شود ، به

قدرت خداست .

و الله . .. جعل لكم من جلود الأنعم بيوتًا تستخفّونها يوم ظعنكم و يوم إقامتكم

خانه سازی در قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۹،۱۰

۹ قوم ثمود در دشت های متعدد ، قصر های بسیار بنا کردند و از کوه ها خانه های زیادی تراشیدند .

تتخذون من سهولها قصوراً و تنحتون الجبال بيوتاً

<سهول> جمع سهل است و سهول الأرض به معنای زمینهای هموار می باشد که از آن به دشتها و صحراها تعبیر می شود. <الجبال> من الجبال بوده و در اصطلاح منصوب به نزع خافض است. بنابراین جمله <إذ ... تنحتون الجبال بيوتاً>، یعنی آنگاه که از کوهها خانه ها می تراشیدید.

۱۰ قوم ثمود مردمی متمدن و آگاه به شیوه های گوناگون در خانه سازی

تتخذون من سهولها قصوراً و تنحتون الجبال بيوتاً

خانه سازی در کوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۹

۹ قوم ثمود در دشت های متعدد ، قصر های بسیار بنا کردند و از کوه ها خانه های زیادی تراشیدند .

تتخذون من سهولها قصوراً و تنحتون الجبال بيوتاً

<سهول> جمع سهل است و سهول الأرض به معنای زمینهای هموار می باشد که از آن به دشتها و صحراها تعبیر می شود. <الجبال> من الجبال بوده و در اصطلاح منصوب به نزع خافض است. بنابراین جمله <إذ ... تنحتون الجبال بيوتاً>، یعنی آنگاه که از کوهها خانه ها می تراشیدید.

خانه سازی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر

۳ - ۸۲ - ۱۵ -

۳- وجود صنعت خانه سازی و سنگ تراشی در میان مردم حجر (قوم ثمود)

و کانوا ینحتون من الجبال بیوتًا ءامنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۹ - ۱

۱ - ثمودیان ، استاد در ساختن خانه در دل کوه با تراشیدن ماهرانه سنگ ها

و تنحتون من الجبال بیوتًا فرهین

<نَحْت> (مصدر <تنحتون>) به معنای تراشیدن و<فراهه> (مصدر <فارهین>) به معنای مهارت و استادی است; یعنی، و با مهارت برای خود خانه هایی از کوه ها می تراشید؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۹ - ۴۸

۴ - قوم ثمود با بریدن صخره ها ، میان درّه و دشت ، خانه های سنگی بنا کرده بودند .

و ثمود الذین جابوا الصخر بالواد

<صخر> (جمع <صخره>) به معنای سنگ های بزرگ و سخت و <جَوْب> (مصدر <جابوا>) به معنای پاره کردن و نیز پیمودن است. گفتنی است که اسناد آن به سنگ، با معنای پاره کردن سازگار است. <وادی> که حرف آخر آن به دلیل آخر آیه بودن حذف شده است به معنای فاصله بین کوه ها و تپه ها است. (قاموس)

۸ - آگاهی قوم ثمود ، به نحوه بریدن سنگ های کوه و ایجاد خانه های سنگی

جابوا الصخر

خانه سازی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۷ - ۴

۴ – قوم عاد ، مردمی متمدن و آشنا با فن ساختمان سازی

إرم ذات العماد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

– ۲۰

فجر - ۸۹ - ۸ - ۲

۲ - قوم عاد ، پیشرفته در فنّ خانه سازی و معماری

الّتی لم یخلق مثلها فی البلد

خانه نشینی همسران محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۳ - ۱

۱ - همسران پیامبر ، به ملازم بودن در خانه های خود ، موظف بودند .

ینساء النبیّ . .. و قرن فی بیوتکنّ

<قرن> از مصدر <قرار> است که به معنای <قرار گرفتن و ثبات یافتن> است.

خانه نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۸ - ۱۸

۱۸ - < عن أبی شعیب الخراسانی قال : قلت لأبی الحسن الرضا (ع) . . . قال : إنّ مسجد الکوفه بیت نوح . . . فیه دعوه نوح حیث قال : < ربّ اغفر لی و لوالدی و لمن دخل بیتی مؤمناً > قال : قلت : من عَنی بوالدیه ؟ قال : آدم و حوّا ;

ابوشعیب خراسانی از امام رضا(ع) روایت کرده . .. که فرمود: مسجد کوفه خانه نوح(ع) است ... دعای نوح در آن جا این بوده است که گفت: <ربّ اغفر لی و لوالدی و لمن دخل بیتی مؤمناً>. ابوشعیب گفت: به امام(ع) عرض کردم: نوح(ع) از والدینش چه کسی را قصد کرده؟ فرمود: آدم و حوّا را>.

خانه های اخروی مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۲ - ۸

۸ - وجود خانه های عالی و دلپذیر برای مؤمنان مجاهد در < جنّات عدن >

و مسکن طیّبه فی جنّت عدن

<جنّات عدن>،

می توان اسم خاص باشد و غیر از <جنّات تجری> به شمار آید، براشت یاد شده برگفته از این احتمال است.

خانه های بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۲ – ۶

۶ وجود خانه های عالی و پاکیزه برای مؤمنان نیک کردار در < جنات عدن >

و مسکن طیبه فی جنت عدن

<جنات عـدن> می تواند نامی خاص باشد و غیر از <جنات تجری . .. > به شـمار آید. برداشت فوق برگرفته از این احتمال است.

خانه های رفیع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۶ – ۱،۲،۹،۱۰،۱۴

۱ – مثل نور خدا ، همانند چراغ دانی است دربرگیرنده چراغی پر فروغ و نورافشان که در خانه هایی است که به اذن خداوند ، رتبه رفیع یافته اند و هماره مرکز یاد خدا هستند .

مثل نوره کمشکوه فیها مصباح المصباح فی زجاجه . .. فی بیوت أذن اللّه أن ترفع و یذک

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <فی بیوت> متعلق به <مشکوه> و صفت برای آن باشد.

۲ – خـانه هایی که به اذن خداونـد عظمت و رفعت یافته انـد و همواره یاد خـدا در آنها زنـده است ، مرکز نور و هـدایت خـدا هستند .

مثل نوره کمشکوه . .. یهدی اللّه لنوره من یشاء... فی بیوت أذن اللّه أن ترفع و یذک

برداشت یاد شده، بر این اساس استوار است که <فی بیوت> متعلق به <یهدی اللّه لنوره. ..> باشد.

۹ – تعلق اذن خداوند ، بر رفعت و منزلت برخی از خانه ها و مکان ها

فی

بیوت أذن اللّه أن ترفع

۱۰ - منزل های عظمت یافته به اذن خداوند ، محل تسبیح شبانه روزی مردمان شایسته است .

فی بیوت أذن اللّه أن ترفع . .. یسبّح له فیها بالغدوّ و الأصال

۱۴ - < عن أبی جعفر (ع) (فی قوله تعالی < فی بیوت أذن اللّه أن ترفع و یذکر فیها اسمه > (قال) هی بیوتات الأنبیاء والرسل و الحکما و أئمه الهدی . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که [درباره قول خدای تعالی] <فی بیوت أذن اللّه أن ترفع و یذکر فیهما اسمه> فرمود: آن بیوت، خانه های پیامبران، رسولان، حکما و ائمه هدی است>.

خانه های سنگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۰ - ۵

۵- اصحاب حجر (قوم ثمود) دارای خانه های سنگی و مستحکم بودند .

و لقد کذّب أصحب الحجر المرسلین

نام گذاری قوم ثمود به <اصحاب حجر> می تواند گویای برداشت فوق باشد. جمله <و کانوا ینحتون من الجبال بیوتاً...> در دو آیه بعد مؤید آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۲ - ۱،۲

۱- اصحاب حجر با شکافتن کوه ها ، خانه های امنی برای خود در دل آن می ساختند .

و کانوا ینحتون من الجبال بیوتًا ءامنین

تراشیدن کوهها به منظور ساختن خانه به دو گونه قابل تصور است:B۱ ساختن خانه های سنگی از بریده های کوهها در دامنه کوهها و یا در جای دیگر. ۲ ساختن خانه از خود کوهها و در دل آنها. چنان که در سوره <نحل>

(آیه ۶۸) همین تعبیر به کار رفته است: (...أن اتخذی من الجبال بیوتاً).

۲- اصحاب حجر با تراشیدن کوه ها ، از سنگ های آن برای خود خانه های امنی می ساختند .

و کانوا ینحتون من الجبال بیوتًا ءامنین

مقصود از تراشیدن کوهها به منظور ساختن خانه امن ممکن است ساختن خانه های سنگی به خاطر استحکام آن باشد.

خانه های سنگی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۲ - ۷

۷- امنیت ، هدف و مقصود تعیین کننده در کیفیت و نوع خانه سازی مردم حجر (قوم ثمود) بود .

و کانوا ینحتون من الجبال بیوتًا ءامنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۹ - ۴،۵

۴ - قوم ثمود با بریدن صخره ها ، میان درّه و دشت ، خانه های سنگی بنا کرده بودند .

و ثمود الذین جابوا الصخر بالواد

<صـخر> (جمع <صخره>) به معنای سنگ های بزرگ و سخت و <جَوْب> (مصدر <جابوا>) به معنای پاره کردن و نیز پیمودن است. گفتنی است که اسناد آن به سنگ، با معنای پاره کردن سازگار است. <وادی> که حرف آخر آن به دلیل آخر آیه بودن حذف شده است به معنای فاصله بین کوه ها و تپه ها است. (قاموس)

۵ - خانه های سنگی و مستحکم قوم ثمود ، بی ثمر در نجات آنان از عذاب الهی

ألم تر کیف فعل ربّک . .. و ثمود الذین جابوا الصخر بالواد

خانه های فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۶

۱- برجای ماندن مزارع بزرگ و خانه های بس مجلل ، از فرعونیان غرق شده در دریا

و زروع و مقام کریم

خانه های قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۴ - ۳

۳- عذاب الهی (صیحه) اصحاب حجر را در داخل خانه های سنگی و دژ های مستحکمشان درهم کوبید .

ینحتون من الجبال بیوتًا ءامنین . فأخذتهم الصیحه ... فما أغنی عنهم ما کانوا یکسبو

اصحاب حجر برای در امان ماندن از عذاب الهی، خانه های سنگی بنا کرده بودند; ولی این خانه ها آنان را از عذاب مصون نداشت و در دفع آن کارساز نبود (فما أغنی عنهم . ..). حقیقت فوق بیانگر این نکته است که در وقت عذاب، آنان در همین خانه ها سُکنی داشته اند.

خانه های قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۵ - ۵

۵- خانه های خالی از سکنه ، تنها آثار برجای مانده از سرزمین قوم عاد پس از فرو نشستن عذاب

فأصبحوا لایری إلّا مسکنهم

خانه های مرتفع سرزمین ارم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۷ - ۲

۲ - < اِرم > ، سرزمینی دارای ساختمان های مرتفع

إرم ذات العماد

<عماد>، به معنای ساختمان های بلند است و به یک ساختمان <عماده> گفته می شود. (مصباح)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۸ - ۱

۱ - ساختمان های مرتفع سرزمین ارم ، بی نظیر در تمام سرزمین ها تا عصر بعثت

الّتی

لم یخلق مثلها فی البلد

خانه های مرتفع قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۸ - ۳

۳ - ساختمان های مرتفع و مستحکم قوم عاد ، سست و بی مقاومت در برابر عذاب الهی

کیف فعل ربّک . .. الّتی لم یخلق مثلها فی البلد

خانه های منافقان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۳ - ۲۰

۲۰ - < عن عبداللّه الحلبی عنه (ع) : إنّهم قالوا < إنّ بیوتنا عوره . . . > فأکذبهم اللّه قال : < و ما هی بعوره . . . > و هی رفیعه السمک حصینه ;

از عبداللّه حلبی، از امام(ع) نقل شده که منافقان گفتند: خانه های ما بی حفاظ است. خداوند آنان را تکذیب کرد و فرمود: <و ما هی بعوره...> و آن خانه ها، دارای دیوارهای بلند و محکم بود.>

خانه های همسران محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۳ - ۲

۲ - همسران پیامبر ، برای خود حجره و خانه مخصوص داشتند .

و قرن فی بیوتکنّ

اضافه <بیوت> به ضمیر <کُنّ> احتمال دارد به خاطر ملک بودن آن خانه ها برای همسران پیامبر باشد و احتمال دارد از باب سکونت آنها در آن خانه ها باشد.

خروج مطلقه از خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۱۲،۲۴،۲۵

۱۲ - زنان مطلّقه ، حق ندارند در ایّام عدّه از خانه هایشان بیرون بروند .

و لایخرجن

۲۴ - < عن

سعدبن أبی خَلَف قال : سألت أباالحسن موسی بن جعفر (ع) : . . .ألیس اللّه عزّوجلّ یقول : < لا‌تخرجوهنّ من بیوتهنّ و لایخرجن > قال : فقال إنّما عنی بذلک الّتی تطلّق تطیقه بعد تطلیقه فتلک الّتی لاتَخرُج و لاتُخرَج حتّی تطلق الثالثه فإذا طلقت الثالثه فقد بانت منه و لانفقه ل ها ، و المرأه الّتی یطلّق ها الرجل تطلیقه ثمّ یدع ها حتّی یخلوا أجل ها فهذا أیضاً یقعد فی منزل زوج ها و ل ها النفقه و السکنی حتّی تنقضی عدّت ها ;

سعدبن ابی خلف گوید: از امام کاظم(ع) پرسیدم. ..[و]گفتم: آیا خداوند عزّوجلّ نفرموده: <لاتخرجوهنّ و لایخرجن> حضرت فرمود: خداوند [دراین دستور]زنی را قصد کرده که دو بار [به طلاق رجعی] طلاق داده می شود. این زن [نباید در زمان عدّه] از خانه خارج شود و نباید شوهر او را خارج کند تا این که طلاق سوم واقع شود. پس آن گاه که برای بار سوّم، طلاق داده شد از شوهر جدا می شود و برای او نفقه نیست. و زنی که شوهر او یک بار طلاق داده و او را رها نموده تا این که عدّه اش تمام شود، او نیز در منزل شوهرش می نشیند [و نباید خارج شود] و حق نفقه و سکنی دارد تا عدّه اش تمام شود>.

۲۵ - < عن سماعه بن مهران ، قال : سألته عن المطلّقه أین تعتد ؟ قال فی بیتها لاتخرج و ان ارادت زیاره خرجت بعد نصف اللیل و لاتخرج نهاراً و لیس لها أن تحجّ حتّی تنقض عدّتها ;

سماعه بن مهران گوید: از امام

[صادق(ع)] پرسیدم: زنی که طلاق داده شده در کجا عدّه نگه دارد (عدّه خود را در کجا بگذارد)؟ فرمود: در خانه اش و از آن خارج نشود، و اگر قصد زیارتی (دیداری) را داشت، بعد از نیمه شب خارج گردد و روز بیرون نرود. و برای او جایز نیست حج به جا آورد، تا این که عدّه او تمام شود>.

خوردن از خانه برادر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۶۱ – ۳،۱۰

۳ – نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأكلوا من ... بیوت ءابائكم ... أو بیوت أخوتكم

۱۰ – استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأكلوا من بیوتكم أو بیوت ءابائكم ... أو بیوت أخوتكم .

خوردن از خانه پدر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۶۱ – ۳،۱۰

۳ – نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأكلوا من ... بیوت ءابائكم ... أو بیوت أخوتكم

۱۰ – استفاده

از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم .

خوردن از خانه خاله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۶۱ – ۳،۱۰

۳ – نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأکلوا من ... بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم

۱۰ – استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم .

خوردن از خانه خواهر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۶۱ – ۳،۱۰

۳ – نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأکلوا من ... بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم

۱۰ – استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه

، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأكلوا من بیوتكم أو بیوت ءابائكم ... أو بیوت أخوتكم .

خوردن از خانه خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۱۴،۲۲

۱۴ - استفاده از خوراکی های موجود در منازل خویشاوندان ، بدون اذن خواستن از ایشان ، از حقوق خویشاوندی است .

لیس علی الأعمی حرج . .. و لا علی أنفسكم أن تأكلوا من بیوتكم أو بیوت ءابائكم ...

مجاز بودن استفاده از خوراکی های منازل پدر، مادر، برادر، خواهر، عمو و. .. که از خویشاوندان محسوب می شوند و بدون هیچ اذنی از آنان، حاکی از حقی است میان آنان که باید رعایت شود.

۲۲ - مسلمانان ، در عین مجاز بودن از تناول کردن خوراکی های منازل خویشاوندان و دوستان خویش ، می توانند با هم و یا جدا از آنان و بدون اذن ، غذا میل کنند .

لیس علی الأعمی حرج . ..و لا علی أنفسكم أن تأكلوا من بیوتكم أو بیوت ءابائكم ... أ

خوردن از خانه دایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۳،۱۰

۳ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأكلوا من ... بیوت ءابائكم ... أو بیوت أخوتكم

۱۰ - استفاده از خوراکی

های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم .

خوردن از خانه دوست

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۶۱ – ۴،۱۳،۱۵،۲۲،۳۹

۴ – نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازلی که کلید های آنها را در دست دارند و نیز از منازل دوستان خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأکلوا من بیوتکم ... أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم

۱۳ – استفاده از خوراکی های منازل دوستان ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأکلوا من بیوتکم ... أو صدیقکم

۱۵ – استفاده از خوراکی های موجود در منازل دوستان ، بدون اذن خواستن از ایشان از حقوق دوستی است .

لیس علی الأعمی حرج . .. و لا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم ... أو ما ملکتم مفات

۲۲ – مسلمانان ، در عین مجاز بودن از تناول کردن خوراکی های منازل خویشاوندان و دوستان خویش ، می توانند با هم و یا جدا از آنان و بدون اذن ، غذا میل کنند .

لیس علی الأعمی حرج . ..و لا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أ

۳۹ – < عن أبی عبداللّه (ع) فی قول اللّه عزّوجلّ : < أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم > قال :

هولاء الذين سمّی اللّه عزّوجلّ فی هذه الآیه تأکل بغیر إذنهم من التمر و المأدوم . . . فأمّا ما خلا ذالک من الطعام فلا ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدای عزّوجلّ <أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم> فرمود: افرادی که خداوند عزّوجل در این آیه ذکر کرده است، بدون اجازه شان از خرما و نان خورشتشان بخورید. .. و غیر از آن، از بقیه طعام ها نمی توانید بدون اجازه بخورید>.

خوردن از خانه عمو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۳،۱۰

۳ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأکلوا من ... بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم

۱۰ - استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم .

خوردن از خانه عمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۳،۱۰

۳ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی

الأعمى حرج . .. أن تأكلوا من ... بيوت ءابائكم ... أو بيوت أخوتكم

۱۰ - استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

ليس على الأعمى حرج . .. أن تأكلوا من بيوتكم أو بيوت ءابائكم ... أو بيوت أخوتكم .

خوردن از خانه فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۲،۹

۲ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های اهل خانه خود (فرزندان و همسر) بدون هیچ اجازه ای ، مجازاند .

ليس على الأعمى حرج و لا على الأعرج حرج و لا على المريض حرج . .. أن تأكلوا من بيو

برداشت فوق، مبتنی بر این است که جمله <و لا۔ على أنفسكم أن تأكلوا من بيوتكم> عطف بر جمله پیشین باشد. گفتنی است مقصود از <بیوتکم> (خانه های خود) خانه همسر و فرزندان است که از افراد خودی هر شخصی محسوب می شوند.

۹ - استفاده از خوراکی های اهل خانه خود (فرزندان و همسر) بدون اذن خواستن ، جایز است .

ليس على الأعمى حرج . .. و لا على أنفسكم أن تأكلوا من بيوتكم

خوردن از خانه مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۳،۱۰

۳ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود

، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأكلوا من ... بیوت ءابائكم ... أو بیوت أخوتكم

۱۰ – استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأكلوا من بیوتكم أو بیوت ءابائكم ... أو بیوت أخوتكم .

خوردن از خانه موكل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۶۱ – ۴،۱۱،۱۲،۳۶،۳۹

۴ – نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازلی که کلید های آنها را در دست دارند و نیز از منازل دوستان خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأكلوا من بیوتكم ... أو ما ملكتم مفاتحه أو صدیقكم

۱۱ – استفاده از خوراکی های منازلی که کلید های آنها در دست انسان است ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأكلوا من بیوتكم ...أو ما ملكتم مفاتحه

۱۲ – انبارداران و کسانی که وکیل افراد در نگه داری خوردنی ها و مواد غذایی اند ، می توانند بدون اذن خواستن از صاحبان آنها ، از آن خوردنی ها تناول کنند .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأكلوا من بیوتكم ... أو ما ملكتم مفاتحه

برخی از مفسران بر آنند که مقصود از <ما ملكتم مفاتحه> کسانی اند که وکیل و قیم دیگران در آب ملك و حیواناتی مانند گاو، گوسفند و شتر می باشند. این افراد حق

دارند بدون اذن خواستن، از خوراکی های موجود در انبارها و نیز از شیر و دیگر فراورده های حیوانات تحت حفاظت خود، به مقدار مصرف شخصی خود بهره گیرند.

۳۶ - < عن أبی عبدالله (ع) فی قول الله عزّوجلّ : < أو ماملکتم مفاتحه > قال : الرجل یکون له وکیل یقوم فی ماله فیأکل بغیر إذنه ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که در باره سخن خدای عزّوجلّ <أو ما ملکتم مفاتحه> فرمود: این مانند آن است که شخص، وکیلی دارد که اداره مال او در دست وی است. او می تواند بدون اجازه صاحب مال از آن بخورد>.

۳۹ - < عن أبی عبدالله (ع) فی قول الله عزّوجلّ : < أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم > قال : هولاء الذین سمّی الله عزّوجلّ فی هذه الآیه تأکل بغیر إذنهم من التمر و المأدوم . . . فأمّا ما خلا ذالک من الطعام فلا ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدای عزّوجلّ <أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم> فرمود: افرادی که خداوند عزّوجل در این آیه ذکر کرده است، بدون اجازه شان از خرما و نان خورشتشان بخورید. .. و غیر از آن، از بقیه طعام ها نمی توانید بدون اجازه بخورید>.

خوردن از خانه همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۲،۹

۲ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های اهل خانه خود (فرزندان و همسر) بدون هیچ اجازه ای ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج

و لا على الأعرج حرج و لا على المريض حرج . .. أن تأكلوا من بيو

برداشت فوق، مبتنى بر اين است كه جمله <و لاـ على أنفسكم أن تأكلوا من بيوتكم> عطف بر جمله پيشين باشد. گفتنى است مقصود از <بيوتكم> (خانه هاى خود) خانه همسر و فرزندان است كه از افراد خودى هر شخصى محسوب مى شوند.

۹ - استفاده از خوراكى هاى اهل خانه خود (فرزندان و همسر) بدون اذن خواستن ، جايز است .

ليس على الأعمى حرج . .. و لا على أنفسكم أن تأكلوا من بيوتكم

درب خانه هاى كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۴ - ۱

۱ - خداوند ، توانا بر مرفه ساختن كافران تا جايى كه خانه هاى خود را مجلل و داراى درب ها و ورودى هاى متعدد بسازند .

لجعلنا لمن يكفر بالرحمن . .. و لبيوتهم أبوبًا

درب خانه هاى مكه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۱۶

۱۶ - < عن على (ع) ان رسول اللّه صلى اللّه عليه و آله نهى أهل مكّه أن يؤاجروا دورهم ، و أن يعلّقوا عليها أبواباً ، و قال : < سواء العاكف فيه و الباد > ;

از حضرت على(ع) روايت شده است كه رسول خدا(ص) اهل مكّه را از اجاره دادن خانه ها و گذاشتن درب براى آنها نهى كرد و فرمود: <سواء العاكف فيه و الباد>».

درخواست خانه بهشتى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - تحريم - ۶۶ - ۱۱ -

۳ - درخواست همسر فرعون از خداوند ، مبنی بر زیستن در جوار رحمت او و بنا کردن خانه ای در بهشت برای وی

إذ قالت ربّ ابن لی عندك بيتًا فی الجنّه

درخواست خانه طلایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۳ - ۱،۲

۱- ایجاد خانه ای از طلا برای خود ، معجزه مورد درخواست (معجزه اقتراحی) مشرکان مکه ، از پیامبر (ص)

أو يكون لك بيت من زخرف

به قرینه سیاق آیات که در آنها معجزه های درخواستی مشرکان مطرح شده است مراد از <أو يكون لك بيت من زخرف> ایجاد خانه ای طلایی از طریق معجزه است.

۲- مشرکان مکه ، ایمان خود را به پیامبر (ص) منوط به ایجاد خانه ای از طلا به صورت معجزه آسا کردند .

قالوا لن نؤمن لك حتی . .. أو يكون لك بيت من زخرف

رفعت خانه تسبیح گویان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۷ - ۳،۴

۳ - منازل رفعت یافته به اذن خداوند ، تنها شایسته مردان تسبیح گویی است که اشتغال به امور دنیا ، هیچ گاه آنان را از رابطه با خدا ، بازنمی دارد .

فی بیوت أذن اللّه أن ترفع . .. رجال لاتلهیهم تجره و لابیع عن ذکر اللّه و إقام ا

برداشت یاد شده، بر این اساس است که <فی بیوت> متعلق به <یسبح> و ظرف برای <رجال> باشد; یعنی، خانه هایی که در آن مردمانی وجود دارند که. .. .

۴ - به اذن خدا خانه مردمان تسبیح گو ،

ذاکر ، بر پا دارنده نماز و پرداخت کننده زکات ، دارای مجد و عظمت است .

فی بیوت أذن اللّه أن ترفع و یذکر فیها اسمه یسبّح له فیها . .. رجال لاتلهیهم تجر

رفعت خانه ذاکران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۷ - ۳،۴

۳ - منازل رفعت یافته به اذن خداوند ، تنها شایسته مردان تسبیح گویی است که اشتغال به امور دنیا ، هیچ گاه آنان را از رابطه با خدا ، بازنمی دارد .

فی بیوت أذن اللّه أن ترفع . .. رجال لاتلهیهم تجره و لابیع عن ذکر اللّه و إقام ا

برداشت یاد شده، بر این اساس است که <فی بیوت> متعلق به <یسبح> و ظرف برای <رجال> باشد؛ یعنی، خانه هایی که در آن مردمانی وجود دارند که. .. .

۴ - به اذن خدا خانه مردمان تسبیح گو ، ذاکر ، بر پا دارنده نماز و پرداخت کننده زکات ، دارای مجد و عظمت است .

فی بیوت أذن اللّه أن ترفع و یذکر فیها اسمه یسبّح له فیها . .. رجال لاتلهیهم تجر

رفعت خانه مؤدیان زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۷ - ۴

۴ - به اذن خدا خانه مردمان تسبیح گو ، ذاکر ، بر پا دارنده نماز و پرداخت کننده زکات ، دارای مجد و عظمت است .

فی بیوت أذن اللّه أن ترفع و یذکر فیها اسمه یسبّح له فیها . .. رجال لاتلهیهم تجر

رفعت خانه نمازگزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور

۴ - ۳۷ - ۲۴ -

۴ - به اذن خدا خانه مردمان تسبیح گو ، ذاکر ، بر پا دارنده نماز و پرداخت کننده زکات ، دارای مجد و عظمت است .

فی بیوت أذن اللّه أن ترفع و یذکر فیها اسمه یسبّح له فیها . .. رجال لاتلهیهم تجر

زمینه تخریب خانه های بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۲۰

۲۰ - یهودیان بنی نضیر ، خود زمینه ساز تخریب خانه هایشان به دست مسلمانان

یخربون بیوتهم بأیدیهم و أیدی المؤمنین

در آیه شریفه، فعل <یخربون> به خود یهود بنی نضیر نسبت داده شده است و مؤمنان مجری تخریب معرفی شده اند. از این مطلب، استفاده می شود که اقدام مؤمنان به تخریب خانه های بنی نضیر، معلول حرکت های توطئه آمیز خود یهود بنی نضیر بوده است.

سستی خانه عنکبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۱ - ۱،۲،۶

۱ - دوست گیرندگان غیرخدا ، همانند عنکبوت اند که خانه ای بس سست و بی بنیاد ، برای خود ساخته است .

مثل الذین اتّخذوا من دون اللّه أولیاء کمثل العنکبوت اتّخذت بیتًا

۲ - انتخاب کنندگان ولیّ و کارسازی غیر از خدا ، همانند عنکبوت اند که برای خود خانه ای بی بنیاد ، بنا کرده است .

مثل الذین اتّخذوا من دون اللّه أولیاء کمثل العنکبوت اتّخذت بیتًا

۶ - خانه عنکبوت ، بی بنیاد و سست ترین خانه ها است .

و إنّ أوهن البیوت لبیت العنکبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹

۳ - تشریح بی بنیادی شرک همانند بی بنیادی خانه عنکبوت برخاسته از علم خداوند است .

مثل الذین اتّخذوا من دون اللّه أولیاء کمثل العنکبوت اتّخذت بیتًا . .. إنّ اللّه

سستی خانه های قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۸ - ۳

۳ - ساختمان های مرتفع و مستحکم قوم عاد ، سست و بی مقاومت در برابر عذاب الهی

کیف فعل ربّک . .. الّتی لم یخلق مثلها فی البلد

سقف نقره ای خانه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۳ - ۳

۳ - خداوند ، توانا بر مرفه ساختن زندگی کافران ، تا جایی که سقف خانه های خود را از نقره بسازند و دارای پلکان هایی باشند که بر آن بالا بروند .

لجعلنا. .. لبیوتهم سقفًا من فضّه و معارج علیها یظهرون

سلام هنگام ورود به خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۲۴،۳۷،۴۰

۲۴ - سلام کردن به یکدیگر به هنگام ورود به خانه ها ، توصیه خداوند به همه مسلمانان

فإذا دخلتم بیوتًا فسلّموا علی أنفسکم

۳۷ - < عن أبی جعفر (ع) إذا دخل الرجل منکم بیته . . . إن لم یکن فیه أحد فلیقل : السلام علینا من عند ربّنا یقول اللّه < تحیّه من عنداللّه مبارکه طیّبه > ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: هر گاه شخصی از شما وارد خانه خود شود. .. اگر کسی در آن خانه نبود، بگوید: <السلام علینا من

عند ربّنا>. خدا می فرماید: تحیّه من عنداللّه مبارکه طیّبه>.

۴۰ - < أبی الصباح قال : سألت أبا جعفر (ع) ، عن قول اللّه عزّوجلّ : فإذا دخلتم بیوتاً فسلّموا علی أنفسکم . . . > فقال : هو تسلیم الرجل علی أهل البیت حین یدخل ثمّ یردّون علیه ، فهو سلامکم علی أنفسکم ;

ابوالصباح از امام باقر(ع) پرسید: این که خداوند فرموده است: <فإذا دخلتم بیوتاً فسلّموا علی أنفسکم> مراد چیست؟ فرمود: مراد این است که شخص، هرگاه وارد خانه شود، بر اهل خانه سلام کند. پس آنان جواب سلام او را می دهند. پس آن سلام شما بر خودتان است>.

سلام هنگام ورود به خانه دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۷ - ۴،۵

۴ - ورود به محل سکونت و خانه دیگران پیش از سلام کردن به اهل آن ، ممنوع است .

لاتدخلوا بیوتًا غیر بیوتکم حتّی تستأنسوا و تسلّموا علی أهلها

۵ - اذن خواستن و سلام کردن ، از شرایط و آداب ورود به محل سکونت و خانه دیگران

لاتدخلوا بیوتًا غیر بیوتکم حتّی تستأنسوا و تسلّموا

صرف غذا در خانه محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۳ - ۶،۱۰،۱۵،۱۶،۲۴

۶ - مؤمنان ، در صورتی که وارد خانه پیامبر (ص) شدند ، نباید منتظر صرف غذا در آنجا باشند .

یأیّها الذین ءامنوا لاتدخلوا بیوت النبیّ إلاّ أن یؤذن لکم إلی طعام غیر نظرین إ

<إناء> در لغت به معنای <وقت و ساعت> است (مفردات راغب). مراد از <غیر ناظرین إناه> منتظر بودن

برای فرارسیدن وقت غذا است.

۱۰ - مؤمنان ، موظف بودند پس از صرف غذا در میهمانی پیامبر (ص) ، از خانه آن حضرت پراکنده شوند .

فإذا طعمتم فانتشروا

۱۵ - میهمانان پیامبر (ص) پس از صرف غذا ، نباید به انتظار گفت وگو با اهل خانه آن حضرت ، مجلس را طولانی می کردند .

فانتشروا و لامستئنسین لحدیث

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که سرگرم شدن به گفت وگو، مربوط به اهل خانه باشد و نه گفت وگو با هم. لازم به ذکر است که فراز <و إذا سألتموهنّ...> مؤید این برداشت است.

۱۶ - وارد شدن بدون اجازه به خانه پیامبر (ص) و به انتظار غذا نشستن بدون دعوت قبلی ، موجب اذیت آن حضرت بود و باید از آن پرهیز می شد .

لاتدخلوا بیوت النبیّ إلاّ أن یؤذن لکم إلی طعام غیر نظرین إنیه و لکن إذا دعیتم ف

برداشت بالا بنابراین احتمال است که مشارالیه <ذلکم> نهی <لاتدخلوا> و <غیر ناظرین> باشد.

۲۴ - فرمان به خروج از خانه پیامبر (ص) پس از صرف غذا ، سخن و فرمان حق است .

فإذا طعمتم فانتشروا و لامستئنسین لحدیث إنّ ذلکم کان یؤذی النبیّ فیستحیی منکم و ا

عاریه اثاث خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۷ - ۱

۱ - کسانی که از عاریه دادن لوازم منزل ، دریغ ورزیده ، احتیاجات مردم را نادیده می گیرند ، گرفتار نفرین خدایند و عذاب جهنم ، فرجام آنان است .

فویل . .. و یمنعون الماعون

<ماعون>، عنوان عامی برای اثاثیه منزل، از قبیل دیگ،

تبر، و کاسه است (مصباح). این کلمه به معنای کار خیر و باران و آب و هر چیز نافع نیز می آید (قاموس). ریشه آن <مَعْن> (چیزی که کم و آسان باشد) است و برخی اصل آن را <معونه> (ابزار کمک دهنده) دانسته اند. (صحاح اللغه)

عبادت در شرق خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۶ - ۶

۶- در آیین مریم (س) ، شرقِ خانه و یا معبد ، مکانی مناسب تر برای عبادت بود . *

إذ انتبذت من أهلها مکانًا شرقیًّا

است.

عظمت خانه های قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۷ - ۳

۳ - استحکام سرزمین عاد و عظمت ساختمان های آن ، مانع تأثیر عذاب الهی در تخریب و نابودی آن نبود .

کیف فعل ربّک . .. إرم ذات العماد

فلسفه خانه سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۴

۴- تأمین آرامش و آسایش ، فلسفه و حکمت ساختن خانه و منزل است .

و الله جعل لکم من بیوتکم سکنًا

قبول عذرخواهی صاحب خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۲۸ – ۳،۶

۳ – مؤمنان در صورت مواجه شدن با بی میلی صاحب خانه و درخواست مراجعت ، باید عذر او را موجه دانسته و بازگردند .

فإن لم تجدوا فیها أحدًا فلاتدخلوها حتّی یؤذن لکم

۶ – پذیرفتن عذر صاحب خانه و تحمیل نکردن خود بر او و انصراف از ورود به خانه وی ،

نشانه رشد و بالندگی است .

و إن قیل لکم ارجعوا فارجعوا هو أزکی لکم

<زکاه> (مصدر <أزکی>) هم به معنای <نمو و رشد> و هم به معنای <طهارت و پاکی> است. برداشت فوق، مبتنی بر معنای نخست است.

کیفیت حضور در خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۸ - ۵،۷

۵ - پدران و مادران ، حق ندارند با وضعیت و پوشش متناسب با خواب و خلوت (چون برهنگی و . . .) در انظار فرزندانشان ظاهر شوند .

لیستئذنکم . .. و الذین لم یبلغوا الحلم منکم و من بعد صلوه العشاء ثلث عورت لکم

از این که فرزندان ممنوع شدند که بدون اذن، وارد اتاق و محل استراحت پدران و مادرانشان (در سه وقتی که نوعاً والدین در حال برهنگی و خلوت و متناسب با وضعیت خواب قرار دارند) شوند، می توان استفاده کرد که والدین هم نباید با چنین وضعیتی بر فرزندانشان وارد شوند. گفتنی است: مفهوم جمله <لیس علیکم و لا علیهم جناح; نه بر شما و نه بر آنان گناهی نیست> مؤید برداشت یاد شده است; زیرا معلوم می شود که در اوقات سه گانه، جناح (گناه) خواهد بود.

۷ - زنان و مردان مؤمن ، حق ندارند با وضعیت و پوشش متناسب با خواب و خلوت ، در انظار خدمت کاران خویش ظاهر شوند .

لیستئذنکم الذین ملکت أیمنکم . .. من قبل صلوه الفجر ... و من بعد صلوه العشاء ثلث

گفتگو در خانه محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۳ - ۱۱،۱۵

۱۱ -

مؤمنان ، نباید میهمانی در خانه پیامبر (ص) را طولانی می کردند و به گفتوگو و مذاکره می پرداختند .

فإذا طعمتم فانتشروا . .. و لامستئنسین لحدیث

۱۵ – میهمانـان پیـامبر (ص) پس از صـرف غـذا ، نبایـد به انتظار گفت وگو با اهل خانه آن حضـرت ، مجلس را طولانی می کردند .

فانتشروا و لامستئنسین لحدیث

برداشت بالا، بنـابراین احتمـال است که سـر گرم شـدن به گفت وگو، مربوط به اهل خانه باشـد و نه گفت وگو با هم. لازم به ذکر است که فراز <و إذا سألتموهنّ...> مؤید این برداشت است.

لانه سازی بر روی خانه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۶۸ – ۴

۴– دامنه کوه ها ، بالای درختان و بنا ها و سایبان ها ، مکانی طبیعی و مناسب برای زندگی زنبور های عسل

و أوحی ربّک إلی النحل أن اتخذی من الجبال بیوتًا و من الشجر و ممّا یعرشون

مسلمانان و خانه محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۵۳ – ۱۸

۱۸ – مسلمانان صدراسلام ، در ورود وقت و بیوقت به خانه پیامبر (ص) و طولانی کردن میهمانی ، مراعات حال آن حضرت را نمی کردند .

یأیّها الذین ءامنوا لاتدخلوا بیوت النبیّ . .. غیر نظرین إنیه ... فإذا طعمتم فا

نابودی خانه قارون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۸۱ – ۱

۱ – اقدام خداوند به از میان برداشتن قارون و فرو بردن وی و خانه اش در درون زمین

فخسفنا

به و بداره الأرض

نعمت خانه سازی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۷۴ – ۱۱

۱۱ آمادگی زمین برای سکونت انسان ها و آگاهی آنان به خانه سازی ، از مواهب و نعمت های بزرگ الهی

و بوأکم فی الأرض تتخذون من سهولها قصوراً و تنحتون الجبال بیوتاً

نقش خانه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۸۰ – ۱

۱– خداوند ، خانه و منزل را ، مایه آرامش انسان قرار داد .

و الله جعل لکم من بیوتکم سکنًا

نقش خانه لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۷۰ – ۶

۶– منزل حضرت لوط (ع) ، محل مراجعه مردم از شهر ها و مناطق مختلف و اقوام گوناگون

قالوا أو لم ننهک عن العلمین

<عالم> به معنای همه خلق و یا دسته ای از موجودات است. جمع آمدن آن (عالمین) برای بیان استغراق و شمول تمامی اصناف موجودات جهان است و مقصود از آن در این آیه، همه مردم از تمامی اقوام و قبایل دور و نزدیک است.

نهی از اجاره خانه های مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۱۶

۱۶ - < عن علی (ع) ان رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله نهی أهل مکّه أن یؤاجروا دورهم ، و أن یعلّقوا علیها أبواباً ، و قال :
< سواء العاکف فیه و الباد > ;

از حضرت علی(ع) روایت شده است که رسول خدا(ص) اهل مکّه را از

اجاره دادن خانه ها و گذاشتن درب برای آنها نهی کرد و فرمود: <سواء العاکف فیه و الباد>».

ورود به خانه از پشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۹،۱۱،۲۴

۹ - ورود به خانه از پشت آن و پرهیز از راه های متعارف ، نه از آداب حج است و نه رفتار نیکو برای حاجیان

و لیس البر بأن تأتوا البیوت من ظهورها

۱۱ - مسلمانان صدر اسلام بر اساس سنت عصر جاهلی ، به هنگام حج از راه های متعارف به خانه ها وارد نمی شدند .

و لیس البر بأن تأتوا البیوت من ظهورها

از اینکه مسلمانان مورد خطاب قرار گرفته انـد، معلوم می شود: گروهی از آنان تا پیش از نازل شدن آیه شریفه، به این سنت پایبند بوده اند.

۲۴ - از امام باقر (ع) درباره آیه < لیس البر بأن تأتوا البیوت من ظهور ها > روایت شده است : انه کان المحرمون لایدخلون بیوتهم من أبواب ها و لکنهم کانوا ینقبون فی ظهر بیوتهم أی فی مؤخر ها نقباً یـدخلون و یخرجون منه فنهوا عن التدین بذلک ;

] در جاهلیت[کسانی که برای مناسک حـج مُحْرم می شدنـد، از درب خانه هایشان وارد آن نمی شدنـد; بلکه از حفره ای که در پشت خانه و در انتهای آن باز می کردند، رفت و آمد می نمودند و خداوند آنان را از پایبندی به این عمل نهی فرمود>.

ورود به خانه دیگران در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۷ - ۷

۷ - ورود

ناگهانی و بدون سلام کردن و اذن خواستن ، به محل سکونت و خانه یکدیگر ، از رسوم و اخلاق جاهلیت پیش از اسلام بود .

لاتدخلوا بیوتًا غیر بیوتکم حتّی تستأنسوا و تسلّموا علی أهلها

ورود به خانه محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۳ - ۱،۲،۱۸

۱ - مؤمنان ، مجاز نیستند بدون اجازه ، وارد خانه های پیامبر (ص) شوند .

یأیّها الذین ءامنوا لاتدخلوا بیوت النبی إلّا أن یؤذن لکم

۲ - مؤمنان ، تنها با اجازه ، مجاز به وارد شدن در خانه پیامبر (ص) هستند .

یأیّها الذین ءامنوا لاتدخلوا بیوت النبیّ إلّا أن یؤذن لکم

۱۸ - مسلمانان صدراسلام ، در ورود وقت و بیوقت به خانه پیامبر (ص) و طولانی کردن میهمانی ، مراعات حال آن حضرت را نمی کردند .

یأیّها الذین ءامنوا لاتدخلوا بیوت النبیّ . .. غیر نظرین إنیه ... فإذا طعمتم فا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۷ - ۴

۴ - کسانی که وارد منزل پیامبر (ص) شوند و اقامت خود را در حدّ آزاردهندگی آن حضرت ادامه دهند ، مورد لعن خدایند .

و لامستئنسین لحدیث إنّ ذلکم کان یؤذی النبیّ . .. إنّ الذین یؤذون ... و رسوله لعن

ورود حاجیان به خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۸

۸ – ورود حاجیان به خانه ، از پشت آن و پرهیز از راه های متعارف ، عملی نیکو در دیدگاه مردم عصر جاهلیت

و

لیس البر بأن تأتوا البیوت من ظهورها

نفی نیکی از رسم یاد شده (لیس البر)، دلالت می کند که آن رسم در نزد مردم جاهلی، رسمی نیکو و ارجمند بوده است.

ویرانی خانه دشمنان دین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۲۶ – ۳،۱۲،۱۳

۳- توطئه کنندگان علیه دین الهی ، در داخل خانه های خود با فرو ریختن سقف خانه ها بر روی آنان ، به هلاکت رسیدند .

قد مکر الذین من قبلهم فأتی الله بنینهم من القواعد فخّر علیهم السقف من فوقهم

ذکر قید <من فوقهم> پس از بیان <فخر علیهم السقف> (سقف بر آنها فرو ریخت) با اینکه ریزش سقف همواره از بالاست، می تواند برای بیان این منظور باشد که آنان در داخل خانه های خود، زیر آوار مدفون شدند.

۱۲- < عن أبی جعفر (ع) فی قول الله : < فأتی الله بنیانهم من القواعد > قال : کان بیت غدر یجتمعون فیه ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که درباره قول خدا <فأتی الله بنیانهم من القواعد> فرمود: [آن بنیان] خانه خیانتی بود که در آن اجتماع می کردند>.

۱۳- < عن ابی جعفر (ع) فی قوله : < قد مکر الذین من قبلهم فأتی الله بنیانهم من القواعد > فخّر علیهم السقف من فوقهم و أتاهم العذاب من حیث لایشعرون قال : بیت مکرهم أی ماتوا فألقاهم الله فی النار . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که درباره قول خدا <. .. فأتی الله بنیانهم من القواعد...> فرمود: مقصود این است که خدا خانه مکرشان را ویران کرد;

یعنی، مردند و خدا آنان را در آتش افکند>.

ویرانی خانه های قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۲ - ۱،۴

۱ - خانه های ویران و خالی از سکنه ثمودیان ، نشانه ای گویا از فرود آمدن کیفر الهی بر آنان

أنّا دمّرنهم و قومهم أجمعین . فتلک بیوتهم خاویه

<خواء> (مصدر <خاویه>) به معنای ویرانی و نیز خالی از سکنه شدن است. در برداشت فوق هر دو معنا لحاظ شده است.

۴ - خانه های ویران و خالی از سکنه ثمودیان ، دربردارنده درس عبرتی بزرگ برای اهل فهم و دانش

فتلک بیوتهم خاویه . .. إنّ فی ذلک لأیه لقوم یعلمون

واژه <آیه> در آیه یاد شده معادل <عبره> و تنکیر آن بیانگر بزرگی است; یعنی، <إنّ فی ذلک لعبره عظیمه لقوم یعلمون>.

ویژگی خانه محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۳ - ۳

۳ - خانه های پیامبر (ص) از جهت وارد شدن در آنها همانند خانه های سایر مردم نیست و آداب خاصی دارد .

لاتدخلوا بیوت النبیّ إلاّ أن یؤذن لکم

ویژگی خانه های قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۲ - ۵،۶

۵- اصحاب حجر (قوم ثمود) در خانه های سنگی و مستحکم خود از هرگونه خطر احساس امنیت کامل می کردند .

و كانوا ينحتون من الجبال بيوتًا ءامنين

۶- اصحاب حجر با پناه گرفتن در خانه های سنگی مستحکم ، به گمان باطل خود را از عذاب الهی در امان می پنداشتند

.

و كانوا ينحتون من الجبال بيوتًا ءامنين

ساختن خانه های سنگی مستحکم، ممکن است در مقابل تهدید شدن به عذاب الهی باشد. دو آیه بعد (فما أغنی عنهم ما کانوا یکسبون) مؤید این برداشت است.

ویژگیهای خانه سازی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۲ - ۱،۲،۷

۱- اصحاب حجر با شکافتن کوه ها ، خانه های امنی برای خود در دل آن می ساختند .

و كانوا ينحتون من الجبال بيوتًا ءامنين

تراشیدن کوهها به منظور ساختن خانه به دو گونه قابل تصور است:B۱ ساختن خانه های سنگی از بریده های کوهها در دامنه کوهها و یا در جای دیگر. ۲ ساختن خانه از خود کوهها و در دل آنها. چنان که در سوره <نحل> (آیه ۶۸) همین تعبیر به کار رفته است: (...أن اتخذی من الجبال بیوتاً).

۲- اصحاب حجر با تراشیدن کوه ها ، از سنگ های آن برای خود خانه های امنی می ساختند .

و كانوا ينحتون من الجبال بيوتًا ءامنين

مقصود از تراشیدن کوهها به منظور ساختن خانه امن ممکن است ساختن خانه های سنگی به خاطر استحکام آن باشد.

۷- امنیت ، هدف و مقصود تعیین کننده در کیفیت و نوع خانه سازی مردم حجر (قوم ثمود) بود .

و كانوا ينحتون من الجبال بيوتًا ءامنين

ویژگیهای خانه محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۴ - ۳

۳ خانه پیامبر (ص) ، دارای حجره های متعدد *

إنّ الذین ینادونک من وراء الحجرت

برداشت بالا بدان احتمال است که مراد از <الحجرات> اتاق هایی بوده که

در اطراف مسجد، به پیامبر(ص) اختصاص داشته است و برخی از درون مسجد با صدای بلند آن حضرت را می خواندند.

ویژگیهای خانه های قوم ثمود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۸۰ – ۵

۵- اصحاب حجر (قوم ثمود) دارای خانه های سنگی و مستحکم بودند .

و لقد کذّب أصحب الحجر المرسلین

نام گذاری قوم ثمود به <اصحاب حجر> می تواند گویای برداشت فوق باشد. جمله <و کانوا ینحتون من الجبال بیوتاً...> در دو آیه بعد مؤید آن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۸۴ – ۲

۲- خانه های مستحکم و سنگی قوم ثمود که به امید برقراری امنیت در برابر عذاب الهی ساخته شد نتوانست آنان را حتی در برابر صدایی سهمگین امنیت بخشد .

فأخذتهم الصیحه . .. فما أغنی عنهم ما کانوا یکسبون

یوسف(ع) در خانه عزیز مصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۲۱ – ۱۲،۱۴،۱۶

۱۲ آسودگی و رفاه یوسف (ع) در خانه عزیز مصر

کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض

۱۴ ورود یوسف به خانه عزیز مصر ، زمینه ساز تحقق یافتن وعده های الهی درباره او بود .

و کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض و لنعلّمه من تأویل الأحادیث

عبارت <لنعلّمه> عطف بر عبارتی مقدر است ; یعنی: مکّنّا لیوسف لنفعل کذا و لنعلّمه . .. ; مراد از لنفعل کذا ، اموری است

که خداوند در ابتدای داستان یوسف بیان کرد مانند <رأیتهم لی ساجدین> و <کذلک یجتبیک ربک ...>.

و تأویل رؤیاها ، هدف تقدیر الهی از کشاندن یوسف به خانه عزیز مصر

کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض و لنعلّمه من تأویل الأحادیث

<لام> در <لنعلّمه> لام غایت است و بیانگر غرض و هدف متعلق می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۱

۱ یوسف (ع) روزگار کودکی و نوجوانی را در خانه عزیز مصر به سر برد ، تا به جوانی و رشد جسمی و عقلی رسید .

أکرمی مثویه . .. و لما بلغ أشدّه

کلمه <أشدّ> چنان چه لسان العرب از سیبویه نقل کرده جمع شدّه (توان و قدرت) است. بنابراین <أشدّ> ; یعنی ، توانها و قدرتهای متعدد که به مناسبت مورد ، شامل توان جسمی و عقلی است.

خانه سازی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خانه سازی

بنی اسرائیل و خانه سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۷ - ۵

۵ خداوند ، فرمان داد تا بنی اسرائیل در بر پا کردن خانه های خود ، آنها را رو به روی هم بسازند .

و اجعلوا بیوتکم قبله

برداشت فوق مبتنی بر این است که لفظ <قبله> مصدر نوعی به معنای اسم فاعل باشد ; یعنی: اجعلوا بیوتکم متقابله.

تاریخ خانه سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۲ - ۳

۳- وجود صنعت خانه سازی و سنگ تراشی در میان مردم حجر (قوم ثمود)

و کانوا ینحتون من الجبال بیوتًا ءامنین

خانه سازی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۸۰ – ۵

۵- آفرینش

دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) ، به گونه ای که از پوست آنها خانه و سرپناه سبک و قابل انتقال (برای عشایر و صحرانشین) ساخته شود ، به قدرت خداست .

و الله . .. جعل لکم من جلود الأنعم بیوتًا تستخفّونها یوم ظعنکم و یوم إقامتکم

خانه سازی در قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۹،۱۰

۹ قوم ثمود در دشت های متعدد ، قصر های بسیار بنا کردند و از کوه ها خانه های زیادی تراشیدند .

تتخذون من سهولها قصوراً و تنحتون الجبال بیوتاً

<سهول> جمع سهل است و سهول الأرض به معنای زمینهای هموار می باشد که از آن به دشتها و صحراها تعبیر می شود. <الجبال> من الجبال بوده و در اصطلاح منصوب به نزع خافض است. بنابراین جمله <إذ ... تنحتون الجبال بیوتاً>، یعنی آنگاه که از کوهها خانه ها می تراشیدید.

۱۰ قوم ثمود مردمی متمدن و آگاه به شیوه های گوناگون در خانه سازی

تتخذون من سهولها قصوراً و تنحتون الجبال بیوتاً

خانه سازی در کوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۹

۹ قوم ثمود در دشت های متعدد ، قصر های بسیار بنا کردند و از کوه ها خانه های زیادی تراشیدند .

تتخذون من سهولها قصوراً و تنحتون الجبال بیوتاً

<سهول> جمع سهل است و سهول الأرض به معنای زمینهای هموار می باشد که از آن به دشتها و صحراها تعبیر می شود. <الجبال> من الجبال بوده و در اصطلاح منصوب به

نزع خافض است. بنابراین جمله <إذ ... تنحتون الجبال بیوتاً>، یعنی آنگاه که از کوهها خانه ها می تراشیدید.

خانه سازی قوم ثمود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۸۲ – ۳

۳- وجود صنعت خانه سازی و سنگ تراشی در میان مردم حجر (قوم ثمود)

و كانوا ينحتون من الجبال بيوتًا ءامنين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۴۹ – ۱

۱ – ثمودیان ، استاد در ساختن خانه در دل کوه با تراشیدن ماهرانه سنگ ها

و تنحتون من الجبال بيوتًا فرهين

<نَحْت> (مصدر <تنحتون>) به معنای تراشیدن و<فراهه> (مصدر <فارهین>) به معنای مهارت و استادی است; یعنی، و با مهارت برای خود خانه هایی از کوه ها می تراشید؟

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۹ – ۴،۸

۴ – قوم ثمود با بریدن صخره ها ، میان درّه و دشت ، خانه های سنگی بنا کرده بودند .

و ثمود الذين جابوا الصخر بالواد

<صخر> (جمع <صخره>) به معنای سنگ های بزرگ و سخت و <جَوْب> (مصدر <جابوا>) به معنای پاره کردن و نیز پیمودن است. گفتنی است که اسناد آن به سنگ، با معنای پاره کردن سازگار است. <وادی> که حرف آخر آن به دلیل آخر آیه بودن حذف شده است به معنای فاصله بین کوه ها و تپه ها است. (قاموس)

۸ – آگاهی قوم ثمود ، به نحوه بریدن سنگ های کوه و ایجاد خانه های سنگی

جابوا الصخر

خانه سازی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۷ – ۴

۴ – قوم عاد ، مردمی متمدن و آشنا با فن ساختمان سازی

إرم ذات العماد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۸ – ۲

۲ – قوم عاد ، پیشرفته در فنّ خانه سازی و معماری

الّتی لم یخلق مثلها فی البلد

فلسفه خانه سازی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۸۰ – ۴

۴– تأمین آرامش و آسایش ، فلسفه و حکمت ساختن خانه و منزل است .

و الله جعل لکم من بیوتکم سکنًا

نعمت خانه سازی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۷۴ – ۱۱

۱۱ آمادگی زمین برای سکونت انسان ها و آگاهی آنان به خانه سازی ، از مواهب و نعمت های بزرگ الهی

و بوأکم فی الأرض تتخذون من سهولها قصوراً و تنحتون الجبال بیوتاً

ویژگیهای خانه سازی قوم ثمود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۲ - ۱،۲،۷

۱- اصحاب حجر با شکافتن کوه ها ، خانه های امنی برای خود در دل آن می ساختند .

و کانوا ینحتون من الجبال بیوتًا ءامنین

تراشیدن کوهها به منظور ساختن خانه به دو گونه قابل تصور است:B۱ ساختن خانه های سنگی از بریده های کوهها در دامنه کوهها و یا در جای دیگر. ۲ ساختن خانه از خود کوهها و در دل آنها. چنان که در سوره <نحل> (آیه ۶۸) همین تعبیر به کار رفته است: (...أن اتخذی من الجبال بیوتاً).

۲- اصحاب حجر با تراشیدن کوه

ها ، از سنگ های آن برای خود خانه های امنی می ساختند .

و کانوا ینحتون من الجبال بیوتًا ءامنین

مقصود از تراشیدن کوهها به منظور ساختن خانه امن ممکن است ساختن خانه های سنگی به خاطر استحکام آن باشد.

۷- امنیت ، هدف و مقصود تعیین کننده در کیفیت و نوع خانه سازی مردم حجر (قوم ثمود) بود .

و کانوا ینحتون من الجبال بیوتًا ءامنین

خانه همگانی

{خانه همگانی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۷ - ۶

۶ کعبه از آن تمامی مردم نه قشر و طایفه ای خاص

جعل اللّه الکعبه البیت الحرام قیماً للناس

خباثت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خباثت

آثار خباثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۱۴

۱۴ ضیق صدر و تهی بودن قلب از ایمان، نشانه غلبه پلیدی بر آن است.

کذلک یجعل الله الرجس علی الذین لا یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۸ - ۵

۵ پاکیزگی و خلوص از پلیدی ها ، زمینه بهره گیری وافر از فیض الهی و خبائث و ناخالصی ها ، مانع آن

و البلد الطیب . .. و الذی خبث لایخرج إلا نکداً

بـا توجه به ذیـل آیه (لقوم یشـکرون) و آیات پس از آن که برخورد انسانها را با رسالت انبیا تشـریح می کنـد، معلوم می شود بیـان زمین مسـتعد و برکتهای آن و زمین نامسـتعد و بی ثمری آن، در حقیقت ترسـیم حالت انسانها و اسـتعداد دریافت معارف الهی است. یعنی تشبیه انواع انسانهاست از نظر دریافت معارف به انواع

زمینها و دریافت باران رحمت.

خباثت خوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۳

۳ - مردار ، خون ، گوشت خوک و حیوانی که برای بت ها ذبح شود ، یا به نام غیر خدا سر بریده شود ، از خوراکی های خبیث و پلید هستند .

کلوا من طیبت . .. إنما حرم علیکم المیته ... و ما أهل به لغیر اللّه

خباثت خون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۳

۳ - مردار ، خون ، گوشت خوک و حیوانی که برای بت ها ذبح شود ، یا به نام غیر خدا سر بریده شود ، از خوراکی های خبیث و پلید هستند .

کلوا من طیبت . .. إنما حرم علیکم المیته ... و ما أهل به لغیر اللّه

خباثت ذبیحه بی بسمله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۳

۳ - مردار ، خون ، گوشت خوک و حیوانی که برای بت ها ذبح شود ، یا به نام غیر خدا سر بریده شود ، از خوراکی های خبیث و پلید هستند .

کلوا من طیبت . .. إنما حرم علیکم المیته ... و ما أهل به لغیر اللّه

خباثت قربانی بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۳

۳ - مردار ، خون ، گوشت خوک و حیوانی که برای بت ها ذبح شود ، یا به نام غیر خدا سر بریده شود ، از

خوراکی های خبیث و پلید هستند .

کلوا من طیبت . .. إنما حرم علیکم المیته ... و ما أهل به لغیر اللّه

خباثت کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۲۵ – ۱۵

۱۵ پلیدی بر کافران استیلا دارد.

یجعل الله الرجس علی الذین لا یؤمنون

خباثت متجاوزان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۵۸ – ۹

۹ متجاوزان و فسادگران ، مانند سرزمین خبیث کم بهره از فیض الهی و انسانهایی بی ثمرند .

إنه لایحب المعتدین. و لاتفسدوا ... و الذی خبث

خباثت محرمات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۱۵ – ۱۶

۱۶– اضطرار ، از میان برنده ممنوعیت شرعی محرمات و نه قبح و خباثت واقعی آنها *

إنما حرّم علیکم المیته . .. فمن اضطرّ ... فإن الله غفور رحیم

تذکر به غفران و رحمت الهی، می تواند نشان دهنده بقای نوعی از قبح و خباثت در فعل حرام اضطراری باشد.

خباثت مردار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۳

۳ - مردار ، خون ، گوشت خوک و حیوانی که برای بت ها ذبح شود ، یا به نام غیر خدا سر بریده شود ، از خوراکی های خبیث و پلید هستند .

کلوا من طیبت . .. إنما حرم علیکم المیته ... و ما أهل به لغیر اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۱ - ۵

۵ حیوانی که با نام خدا

ذبح نشود، مظهر فسق است.

و لا تأکلوا مما لم یذکر اسم الله علیه و إنه لفسق

مرجع ضمیر <إنه> می تواند <ما> در <مما لم یذکر> باشد در نتیجه حیوان ذبح شده بدون نام خدا، خود فسق است.

خباثت مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۸ - ۹

۹ متجاوزان و فسادگران ، مانند سرزمین خبیث کم بهره از فیض الهی و انسانهایی بی ثمرند .

إنه لایحب المعتدین. و لاتفسدوا ... و الذی خبث

خباثت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۸ - ۱۰

۱۰ پاکی طینت موجودات ، امری اصیل و خباثت آنها ، امری عرضی است . *

و البلد الطیب . .. و الذی خبث

توصیف زمین مستعد با وصف <الطیب> در مقابل توصیف زمین نامستعد با فعل <خبث>، می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد. زیرا وصف دلالت بر ثبوت دارد و فعل حاکی از حدوث است.

نشانه های خباثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۱۲

۱۲ ضیق صدر (تنگ دلی و حق ناپذیری) نشانه تسلط پلیدی بر آدمی است.

و من یرد أن یضله . .. کذلک یجعل الله الرجس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۵۸ – ۷

۷ ثمربخشی فراوان ، نشانه طیب بودن و کم ثمری ، نشانه خباثت

و البلد الطیب یخرج نباته بإذن ربه و الذی خبث لایخرج إلا نکداً

خبایث

اجتناب از خبایث

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴

- مائده - ۵ - ۱۰۰ - ۱۷،۱۰،۷،۴

۴ ضرورت پرهیز از فریفتگی و دلبستگی به اشیاء پلید و ناپاک علی رغم زیادی شگفت برانگیز آنها

لایستوی . .. و لو اعجبک کثره الخبیث

۷ لزوم رعایت تقوا با پرهیز از ناپاکی ها و گرایش به پاکیها

لایستوی الخبیث و الطیب . .. فاتقوا اللّه

۱۰ تنها خردمندان زمینه دار دوری جستن از ناپاکی ها و گرایش به پاکیها

لایستوی الخبیث و الطیب . .. فاتقوا اللّه یاولی الالبب

۱۷ پرهیز از پلید و ناپاک و گرایش به پاکی ها ، زمینه نیل به فلاح و رستگاری

لایستوی الخبیث و الطیب . .. لعلکم تفلحون

ارزش خبایث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۰ - ۸،۵،۳،۱

۱ هرگز بد ها و ناپاک ها به ارزش مساوی با خوب ها و پاک ها نخواهند رسید .

قل لایستوی الخبیث و الطیب

۳ پاکی و ناپاکی از جمله ملاک های حرمت و حلیت اشیاء

لایستوی الخبیث و الطیب

۵ پاکی و ناپاکی از جمله ملاک های ارزشگذاری اشیاء

قل لایستوی الخبیث و الطیب و لو اعجبک کثره الخبیث

۸ تنها خردمندان ، دانا به نابرابری پاک و ناپاک و واقف به ارزش برتر پاکیهایند گرچه اندک باشد .

لایستوی الخبیث و الطیب . .. فاتقوا اللّه یاولی الالبب

توجه خطـاب به صاحبـان خرد با اینکه همگان وظیفه دار رعایت تقوا با گرایش به پاکیها و پرهیز از ناپاکیها هسـتند، می تواند اشـاره به این باشـد که شـناخت پـاکی از ناپاکی و درک ارزش برتر پاکیها هر چنـد از نظر مقـدار انـدک باشـد، تنها از عهـده صاحبان عقل و

خرد ناب ساخته است.

استفاده از خبایث

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۶۸ – ۱۴،۱۶

۱۴ – بهره گیری از محرمات و چیزی های پلید و ناپاك ، پیروی كردن از شیطان است .

كلوا مما فی الأرض حللا طیباً و لاتتبعوا خطوت الشیطن

۱۶ – واداشتن مردم به استفاده از حرام ها و پلیدی ها و نیز بازداشتن آنان از نعمت های حلال ، نمودی از دشمنی شیطان با انسان است .

كلوا مما فی الأرض حللا طیباً و لاتتبعوا خطوت الشیطن إنه لكم عدو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۶۹ – ۱۱

۱۱ – پرهیز از نعمت های حلال و طیب ، استفاده از پلیدی ها و حرام خواری ، از كار های بد و ناپسند است .

كلو مما فی الأرض حلالا طیباً . .. إنما یأمركم بالسوء و الفحشاء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۲ – ۵

۵ – استفاده از خوراكی های خبیث (ناپاك و ناملایم با طبع) حرام است .

كلوا من طیبت ما رزقنكم

استفاده مسیحیان از خبایث

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۵۷ – ۱۹

۱۹ یهود و نصارا در پیش از اسلام ، مبتلا به بهره گیری از ناپاکی ها و پرهیز از برخی پاکی ها و پاکیزه ها

یحل لهم الطیبت و یحرم علیهم الخبئث

مراد از ضمیر <هم> در <لهم> و <علیهم> به قرینه <التوریه و الانجیل>، یهود و نصارا است.

استفاده یهود از خبایث

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۱۹

۱۹ یهود و نصارا در پیش از اسلام ، مبتلا به بهره گیری از ناپاکی ها و پرهیز از برخی پاکی ها و پاکیزه ها

یحل لهم الطیبت و یحرم علیهم الخبئث

مراد از ضمیر <هم> در <لهم> و <علیهم> به قرینه <التوریه و الانجیل>، یهود و نصارا است.

انفاق از خبایث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۷ - ۱۵

۱۵ انفاق از مال رَبَوی ، مصداقی برای انفاق از اموال خبیث و مورد نهی خداوند

و لا تیمّموا الخبیث

کان النّاس حین اسلموا عندهم مکاسب من الربا . .. فکان الرجل یتعمّدها من بین ماله فتصدّق بها فنهاهم اللّه عن ذلک ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۴۹، ح ۴۹۲ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۵۵، ح ۶ و ۷.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۸ - ۱۴

۱۴ انفاق نکردن و نیز انفاق از اموال خبیث (غیر مرغوب) ، از مصادیق فحشا و زشتی

انفقوا من طیّبات ما کسبتم . .. الشّیطان یعدکم الفقر و یأمرکم بالفحشاء

جمله <یأمرکم بالفحشاء>، تفسیری از وسوسه شیطان، مبنی بر ترک انفاق و نیز انفاق از مال خبیث است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۰ - ۶

۶ ترک انفاق و یا انفاق را به ریا و منّت و آزار آلودن و نیز انفاق کردن از خبایث و عمل نکردن به نذر ، ستمگری است .

لا تبطلوا صدقاتکم

بالمنّ و الاذی . .. انفقوا من طیّبات ... و ما للظالمین من انصا

تحریم خبایث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۱۶،۱۸

۱۶ حکم به حلّیت همه پاکیزه ها و تحریم همه ناپاکی ها ، از وظایف پیامبر (ص) و از اهداف رسالت اوست .

و یحل لهم الطیبت و یحرم علیهم الخبئث

۱۸ امر به معروف و نهی از منکر ، حلال دانستن پاکیزه ها و حرام شمردن ناپاکی ها ، از علامت های موجود در تورات و انجیل برای شناسایی پیامبر اسلام

الذی یجدونه . .. یأمرهم بالمعروف ... و یحل لهم الطیبت و یحرم علیهم الخبئث

جمله های <یأمرهم و . .. > حال برای ضمیر مفعولی در <یجدونه> است و لذا می رساند که مفاد این جمله ها به عنوان صفات پیامبر موعود در تورات و انجیل بیان شده است. بر این اساس می توان گفت که از اهداف بیان این ویژگیها در تورات و انجیل، راهنمایی اهل کتاب است به اموری که باید در شناسایی پیامبر موعود در نظر داشته باشند.

حرمت خبایث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۵

۵ خوردن خبائث ، حرام است .

احل لکم الطیبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۱۷

۱۷ هر چیز طیب و پاکیزه ، حلال و هر چیز خبیث و ناپاك ، حرام است .

و یحل لهم الطیبت و یحرم علیهم الخبئث

عوامل تشخیص خبایث

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۰ – ۹

۹ عقل و خرد ابزار شناخت پاکی ها و ناپاکی ها و دست یابی به ارزش برتر پاکیها

لایستوی الخبیث و الطیب . .. فاتقوا اللّه یاولی الالبب

گرایش به خبایث

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۰ – ۱۲

۱۲ گرایش به ناپاکی ها و زشتی ها ، نشانه بی خردی و نادانی

لایستوی الخبیث و الطیب . .. فاتقوا اللّه یاولی الالبب

خبر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خبر

آثار اعتماد به خبر فاسق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – حجرات – ۴۹ – ۶ – ۶،۷

۶ – اعتماد به خبر فاسق ، بدون تحقیق و بررسی ، دربردارنده خطر برای جامعه

أن تصیبوا قومًا بجهله

۷ – ترتیب اثر دادن به خبر فاسق ، بدون تحقیق و بررسی ، عملی جاهلانه و ندامت بار است .

أن تصیبوا قومًا بجهله فتصبحوا علی ما فعلتم ندمین

آثار اهمیت خبر فاسق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۶ - ۲

۲ - وجوب بررسی صدق خبر فاسق ، منوط به مهم بودن آن است . ❊

إن جاءكم فاسق بنبإ فتبيّنوا

با توجه به این که <نبأ> به خبر مهم گفته می شود; می توان نتیجه گرفت که وجوب تبیّن در خصوص اخبار مهم است; نه در مورد مطلق خبر، هر چند ناچیز باشد.

آگاهی در نقل خبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۳ - ۱۸

۱۸ - شرح و بیان وقایع ، باید از روی علم و آگاهی

باشد .

أم كنتم شهداء إذ حضر يعقوب الموت

خداوند، ادعای یهود (وصیت یعقوب به ملازمت بر یهودیت) را با این جمله <أم کنتم . ..> (شما که حضور نداشتید ...) بی اساس دانسته است و این بدان معناست که: خبر و بیان وقایع باید از روی علم و آگاهی بوده تا شایسته پذیرش باشد.

بررسی خبر فاسق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۶ - ۱

۱ - مؤمنان ، موظف به بررسی درستی گزارش های شخص فاسق و اکتفا نکردن به صرف خبر دادن او

يأيّها الذين ءامنوا إن جاءكم فاسق بنبإ فتبيّنوا

بهترین خبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۷ - ۱،۲

۱ - رسالت پیامبراسلام و توحید الهی ، خبری پرفایده و بزرگ برای بشر

قل هو نبؤا عظيم

<نبأ> به خبری گفته می شود که دارای فایده بسیار باشد (مفردات راغب). در این که مقصود از این خبر چیست و ضمیر <هو> به چه چیز برمی گردد، میان مفسران چند دیدگاه وجود دارد: ۱ برخی آن را رسالت انذارگری پیامبر(ص) و توحید الهی می دانند که در ضمن آیه قبل از آن یاد شده است. ۲ برخی دیگر آن را مربوط به بحث معاد می شمرند که در ضمن آیات ۴۹ تا ۶۴ از آن یاد گردیده است. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه نخست است.

۲ - قیامت و احوال خوبان و بدان و بهشتیان و دوزخیان ، خبری پرفایده و بزرگ

قل هو نبؤا عظيم

تبیین خبر های مفید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص

- ۳۸ - ۶۷ - ۵

۵ - بیان اخبار و اطلاعات بزرگ و پرفایده ، بخشی از قلمرو موضوعات قرآن

قل هو نبؤا عظیم

حجیت خبر عادل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۶ - ۳

۳ - اخبار شخص عادل ، معتبر و بی نیاز از تبیّن و تفحّص

إن جاءکم فاسق بنبإ فتبیّنوا

وصف <فاسق>، می رساند که <فسق مخبر> علت اصلی وجوب تبیّن و تفحّص است. بنابراین هر جا که مخبر عادل باشد، خبرش معتبر و بی نیاز از تبیّن است.

حجیت خبر واحد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۱۶

۱۶ خبر واحد ، معتبر و حجت است .

لیتفقهوا فی الدین و لینذروا قومهم إذا رجعوا إلیهم لعلهم یحذرون

ترتیب اثر دادن جامعه به سخنان ارشادگران، مبتنی بر حجت بودن گفتار آنان است.

خبر از توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۷ - ۴

۴ - نقش حیاتی و سازنده اخبار و اطلاعات مربوط به توحید ، قیامت و رسالت پیامبراسلام برای بشر

قل هو نبؤا عظیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۶۸ – ۱،۳

۱ – اخبار مهم و سودمند مربوط به توحید ، قیامت و رسالت پیامبراسلام ، از سوی مشرکان و کافران مورد بی اعتنایی و اعراض قرار می گرفت .

قل هو نبؤا عظیم . أنتم عنه معرضون

۳ – اخبار مربوط به توحید ، قیامت و رسالت پیامبراسلام ، درخور تأمل و تفکر

هو نبؤا عظیم . أنتم عنه معرضون

محکوم کردن

روی گردانی از اخبار بزرگ و سودمند مربوط به قیامت و. .. و بی اعتنایی به آنها، می رساند که انسان باید به تأمل و اندیشه در آنها بپردازد و از آنها روی گردانی نکند.

خبر از رسالت محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۶۷ – ۴

۴ – نقش حیاتی و سازنده اخبار و اطلاعات مربوط به توحید ، قیامت و رسالت پیامبراسلام برای بشر

قل هو نبؤا عظیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۶۸ – ۱،۳

۱ – اخبار مهم و سودمند مربوط به توحید ، قیامت و رسالت پیامبراسلام ، از سوی مشرکان و کافران مورد بی اعتنایی و اعراض قرار می گرفت .

قل هو نبؤا عظیم . أنتم عنه معرضون

۳ – اخبار مربوط به توحید ، قیامت و رسالت پیامبراسلام ، درخور تأمل و تفکر

هو نبؤا عظیم . أنتم عنه معرضون

محکوم کردن روی گردانی از اخبار بزرگ و سودمند مربوط به قیامت و. .. و بی اعتنایی به آنها، می رساند که انسان باید به تأمل و اندیشه در آنها بپردازد و از آنها روی گردانی نکند.

خبر از قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۶۷ – ۴

۴ – نقش حیاتی و سازنده اخبار و اطلاعات مربوط به توحید ، قیامت و رسالت پیامبراسلام برای بشر

قل هو نبؤا عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۸ - ۱،۳

۱ - اخبار مهم و سودمند مربوط به توحید ، قیامت و

رسالت پیامبراسلام ، از سوی مشرکان و کافران مورد بی اعتنایی و اعراض قرار می گرفت .

قل هو نبؤا عظیم . أنتم عنه معرضون

۳ - اخبار مربوط به توحید ، قیامت و رسالت پیامبراسلام ، درخور تأمل و تفکر

هو نبؤا عظیم . أنتم عنه معرضون

محکوم کردن روی گردانی از اخبار بزرگ و سودمند مربوط به قیامت و. .. و بی اعتنایی به آنها، می رساند که انسان باید به تأمل و اندیشه در آنها بپردازد و از آنها روی گردانی نکند.

خبر فاسق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۶ - ۵

۵ - روحیه فسق ، دارای تأثیر منفی در تشخیص ها و گزارش های فرد فاسق *

إن جاءکم فاسق بنبإ فتبيّنوا

وصف <فاسق>، می رساند که عنوان فسق و روحیه بی پروایی فاسق، در ابعاد گفتاری و ادراکی وی تأثیر گذاشته و مانع از تشخیص درست و گزارش صحیح می باشد.

خبر ولید بن عقبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۷ - ۵

۵ - تلاش برخی از مسلمانان ، برای واداشتن پیامبر (ص) به پذیرش خبر < ولید > *

و اعلموا أنّ فیکم رسول اللّه لو یطیعکم . .. لعنتّم

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل و بنابر این که مراد از فاسق در آیه قبل ولید بن عقبه باشد، برداشت بالا به دست می آید.

خبر های آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۸ – ۱،۳

۱ – شیاطین ، ناتوان از شنود اخبار آسمان

لایسّمّعون

إلی الملاإلأعلی

۳ - شیاطین ، درصدد دست یابی به اطلاعات موجود در آسمان و اخبار مربوط به امور غیبی اهل زمین

لایسّمّعون إلی الملاإلأعلی

بیش تر مفسران برآنند که گوش فرا دادن شیاطین به سخنان موجودات والامقامی چون فرشتگان، با هدف دست یابی به امور غیبی مربوط به اهل زمین و اطلاعات موجود در آسمان صورت می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰ - ۱

۱ - برخی از شیاطین ، به صعود به آسمان نزدیک موفق شده و با سرعت و دزدانه به اطلاعات و اخبار ناچیزی دست خواهند یافت .

لایسّمّعون إلی الملاإلأعلی . .. إلاّ من خطف الخطفه

<خَطِفَ> به معنای اختلاس و ربودن با سرعت است و <خطفه> بر وزن <فعله> که دال بر <مرّه> است مفعول مطلق و به معنای یک بار ربودن است. گفتنی است که در این آیه، کنایه از ربودنِ کم و ناچیز از اطلاعات و اخبار موجود در آسمان است.

خبر های غیبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸ - ۶

۶ - اطلاعات و اخبار غیبی مربوط به اهل زمین ، در اختیار فرشتگان آسمان قرار دارد .

لایسّمّعون إلی الملاإلأعلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۶ - ۱۱

۱۱ - وجود خبر های غیبی و پیشگویی از آینده ، در قرآن

فلاتنسی

خبر های مفید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۷ - ۴

۴ - نقش حیاتی و سازنده اخبار و اطلاعات مربوط به توحید

، قیامت و رسالت پیامبراسلام برای بشر

قل هو نبؤا عظیم

خبر هدهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۲ - ۲،۳،۵

۲ - مبادرت هدهد به طرح دلیل غیبت خود و ارائه اطلاعات جدید به سلیمان (ع)

فقال أحطت بما لم تحط به

۳ - هدهد ، مدعی دستیابی به موضوعی خارج از قلمرو اطلاعات سلیمان

أحطت بما لم تحط به

<احاطه> در این جا کنایه از علم آمده است; یعنی، <علمت بما لم تعلم به; به چیزی دست یافتم که تو به آن دست نیافته ای>.

۵ - هدهد ، پیامدار خبری بزرگ و قطعی از سرزمین < سبا > برای سلیمان (ع)

و جئتک من سبإ بنبإ یقین

<نبأ> به خبر مهم و شنیدنی گفته می شود; یعنی، <برای تو از سبا خبری قطعی آورده ام که بسیار مهم و شنیدنی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۳ - ۱

۱ - اخبار هدهد از فرمانروایی یک زن بر مردم سرزمین سبا

إنّی وجدت امرأه تملکهم

<مُلْک> (مصدر <تملکهم>) به معنای حکومت و فرمانروایی است; یعنی، زنی را یافتم که بر آنان حکمرانی می کند.

زیان خبر فاسق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۶ - ۸،۱۰

۸ - نقش ویرانگر منابع خبری فاسد ، در مناسبات و امنیت جوامع

إن جاءکم فاسق بنبإ . .. أن تصیبوا قومًا بجهله

از تعلیل <أن تصیبوا قوماً بجهاله> و متفرع شدن آن بر فسق مخبر، مطلب بالا نتیجه گیری می شود.

۱۰ - جامعه صدر اسلام در معرض خطر ، از

ناحیه گزارش های برخی از افراد فاسق

إن جاءكم فاسق . .. أن تصیبوا قومًا بجهله

بـا توجه به شأن نزول هایی که مفسـران ذکر کرده انـد، هشـدار خداونـد در آیه شـریفه، هنگامی صورت گرفت که نشانه های خطر یاد شده در جامعه به نوعی رخ نموده بود.

شرایط بررسی خبر فاسق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۶ - ۲

۲ - وجوب بررسی صدق خبر فاسق ، منوط به مهم بودن آن است . *

إن جاءكم فاسق بنبإ فتبيّنوا

بـا توجه به این که <نبـأ> به خبر مهم گفته می شود; می توان نتیجه گرفت که وجوب تبیّن در خصوص اخبـار مهم است; نه در مورد مطلق خبر، هر چند ناچیز باشد.

شرایط نقل خبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۳ - ۱۸

۱۸ - شرح و بیان وقایع ، باید از روی علم و آگاهی باشد .

أم كنتم شهداء إذ حضر يعقوب الموت

خداوند، ادعای یهود (وصیت یعقوب به ملازمت بر یهودیت) را با این جمله <أم کنتم . ..> (شـما که حضور نداشتید ...) بی اساس دانسته است و این بدان معناست که: خبر و بیان وقایع باید از روی علم و آگاهی بوده تا شایسته پذیرش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۷ - ۵

۵ انطباق دقیق با واقعیت و پرهیز از مبالغه، معیارهایی که باید در نقل خبر مراعات کرد.

زين لكثير من المشركين

شيوع خبر معجزه موسى(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء

- ۲۶ - ۳۹ - ۵

۵ - راه یافتن خبر معجزات موسی (ع) در میان توده مردم

و قیل للناس هل أنتم مجتمعون

خبر واحد

حجیت خبر واحد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۱۶

۱۶ خبر واحد ، معتبر و حجت است .

لیتفقهوا فی الدین و لینذروا قومهم إذا رجعوا إلیهم لعلهم یحذرون

ترتیب اثر دادن جامعه به سخنان ارشادگران، مبتنی بر حجت بودن گفتار آنان است.

خجلت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خجلت

خجلت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۲ - ۵

۵ انکار رسالت پیامبر اسلام (ص) ، موجب سرافکندگی و شرمساری در قیامت

یومئذ یودّ الذین کفروا و عصوا الرسول لو تسوّی بهم الارض

<الرسول> می تواند از باب تنازع، مفعول <کفروا> نیز باشد.

خجلت اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۱

۱ - ندامت و سرافکندگی مجرمان ، در صحنه قیامت ، منظره ای بس دیدنی و عبرت انگیز است .

و لو تری إذ المجرمون ناکسوا رءوسهم عند ربّهم

<نکس الرأس> به معنای <پایین انداختن سر از شرمندگی و خجالت> است. لازم به گفتن است که جواب <لو> محذوف بوده و آن، چیزی شبیه <لرأیتَ شیئاً عجیباً و هو...> است.

خجلت اخروی مکذبان لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۳

۳ - منکران لقاء اللّه در قیامت ، مردمانی سرافکنده و شرمسارند .

بل هم بلقاء ربّهم کفرون . .. و لو تری إذ المجرمون ناکسوا رءوسهم

خجلت

در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۱۴ – ۱۱

۱۱ – سرافکندگی و شرمندگی ، از جمله عذاب های روز قیامت است .

و لو تری إذ المجرمون ناکسوا رءوسهم . .. فذوقوا بما نسیتم لقاء یومکم هذا

<هذا> می تواند مفعول فعل <ذوقوا> باشد و مشارالیه آن مضمون <ناکسوا رءوسهم. ..> باشد.

خجلت قوم ابراهیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۶۵ – ۱

۱– بت پرستان ، در برابر استدلال محکم ابراهیم (ع) بر بطلان شرک ، سر افکنده و شرمسار شدند .

ثمّ نکسوا علی رءوسهم

<نکس> به معنای قلب و برگرداندن قسمت بالای شیء به پایین و برعکس است. جمله <نکسوا علی رءوسهم> تمثیل (از نوع تشبیه معقول به محسوس) و کنایه از افرادی است که از شدت شرمساری و سر افکندگی، سر آنان به طرف پایین بدنشان قرار می گیرد.

خجلت کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۴۲ – ۲،۳،۱۱

۲ شرمساری و رسوایی بی اندازه کافران به خدا و منکران معاد در قیامت

ماذا علیهم لو امنوا . .. یومئذ یودّ الذین کفروا ... لو تسوّی بهم الارض

به دلیل آیات گذشته، مراد از کفر، کفر به خدا و معاد است.

۳ صحنه شهادت پیامبر (ص) در قیامت ، موجب شرم و تأسف بی اندازه کافران

و جئنا بك على هؤلاء شهيداً. يومئذ يودّ الذين كفروا ... لو تسوّى بهم الارض

<يومئذ> متعلق به <شهيداً> است. يعنى آن روز كه پيامبر (ص) بر اعمال گواهى دهد.

۱۱ شرمسارى

و پشیمانی کافران در قیامت ، از کتمان حقانیت رسالت پیامبر (ص)

و عصوا الرسول . .. و لا یکتمون اللّه حدیثاً

مصداق مورد نظر از کتمان حدیث در آیه شریفه، به دلیل <کفروا و عصوا الرسول>، کتمان حقّانیّت پیامبر (ص) است.

عوامل خجلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۲ - ۴،۵

۴ - عصیان از فرمان های پیامبر (ص) ، موجب سرافکندگی و شرمساری مرگبار در قیامت

و عصوا الرسول لو تسوّی بهم الارض

۵ انکار رسالت پیامبر اسلام (ص) ، موجب سرافکندگی و شرمساری در قیامت

یومئذ یودّ الذین کفروا و عصوا الرسول لو تسوّی بهم الارض

<الرسول> می تواند از باب تنازع، مفعول <کفروا> نیز باشد.

خداپرستان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خداپرستان

{خداپرستان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۲ - ۱۶

۱۶ - از تبار نیکان و خداپرستان بودن ، از فضایل و کمالات آدمی

و کانت من القنتین

استقامت خداپرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۵ - ۶

۶ - روی گردانی مردم از عبادت خداوند ، نباید تزلزلی در خداپرستان ایجاد کند .

و لا أنتم عبدون ما أعبد

جمله همخوان با <و لا أنتم عابـدون> این بود که گفته شود: <ما أنا عابـد>; تغییر آن تعبیر به فعل مضارع <أعبـد>، برای تصریح به وضعیت آینده و نفی تزلزل در عبادت است.

خداپرستی

ادعای خداپرستی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۳ - ۶

۶ - کافران ، خود را در اقدام به خداپرستی

در صورت سازش پیامبر (ص) با آنان پیش قدم معرفی کرده و زمان پیوستن پیامبر (ص) به آنان را ، پس از مرحله پیوستن خود به پیامبر (ص) قرار داده بودند .

لا أعبد ما تعبدون . و لا أنتم عبدون ما أعبد

در آیه قبل، پیامبر(ص) عبادت آینده خود از معبودهای مشرکان را منتفی دانست; ولی در این آیه، عبادت کنونی مشرکان از خداوند را نفی کرد. می توان گفت: اختلاف دو تعبیر که از فعلی بودن آیه قبل و اسمی بودن این آیه استفاده می شود ناظر به ترتیبی است که مشرکان برای توافق با پیامبر(ص)، پیشنهاد کرده بودند. آنان گفته بودند: یک سال ما بنده خدای تو می شویم; مشروط به این که سال بعد تو خدایان ما را پذیرا باشی.

اقوام پیشین و خداپرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۰ - ۲۲

۲۲- اقوام کافر گذشته ، دعوت انبیا را به خداپرستی تلاشی برای خارج کردن معبودهایشان از صحنه می دانستند و با آن به مخالفت برمی خاستند .

تریدون أن تصدّونا عمّا کان یعبد ءاباؤنا

خداپرستی آزر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۷ - ۴

۴ - اعتقاد پدر و قوم ابراهیم (ع) به پرستش خداوند در کنار پرستش بت ها و عناصر بی جان

براء ممّا تعبدون . إلّا الذی فطرنی

برداشت یاد شده، براین پایه استوار است که <إلّا> در استثنای متصل به کار رفته باشد.

خداپرستی قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۲۷ – ۴

۴ – اعتقاد پدر و قوم ابراهیم (ع) به پرستش خداوند در کنار پرستش بت ها و عناصر بی جان

براء ممّا تعبدون . إلّا الذی فطرنی

برداشت یاد شده، براین پایه استوار است که <إلّا> در استثنای متصل به کار رفته باشد.

خداپرستی قوم زکریا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۱۱ – ۱۳

۱۳– قوم زکریا ، مردمی خداپرست و اهل تسبیح و عبادت بودند .

فخرج علی قومه . .. أن سبّحوا

خداپرستی مریم(س)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۱۲ – ۱۵

۱۵ – مریم (س) ، از تبار طاعت پیشگان و از نسل نیکان و خداپرستان

و کانت من القنتین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <من> در <من القانتین> نشویه باشد; یعنی، مریم(س) برآمده از قانتان بود.

دعوت به خداپرستی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۱۰ – ۲۲

۲۲– اقوام کافر گذشته ، دعوت انبیا را به خداپرستی تلاشی برای خارج کردن معبودهایشان از صحنه می دانستند و با آن به

مخالفت برمی خاستند .

تریدون أن تصدّونا عمّا کان یعبد ءاباؤنا

شرایط خداپرستی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۳ - ۱

۱ - برخی از کافرانِ عصر بعثت ، مـدعی آمادگی برای عبادت خداوند ، در صورت اظهار آمادگی پیامبر (ص) برای عبادت معبود های آنان

و لا أنتم عبدون ما أعبد

خبر دادن پیامبر(ص) از سر سختی

کافران پس از نفی کوتاه آمدن خود بیانگر آن است که کافران در صورت سازش پیامبر(ص) خود را برای عبادت خداوند آماده می خواندند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۵ - ۲

۲ - سازش خواهان کافر ، به رغم اظهار آمادگی برای پذیرش مشروط توحید ، هرگز اهل عبادت خداوند نبودند و حال و آینده آنان ، فرقی نمی کرد .

و لا أنتم عبدون ما أعبد

این آیه گرچه با آیه سوم، عبارتی یکسان دارد; ولی در زمان با آن متفاوت است. در آیه سوم به قرینه آیه قبل از آن مراد زمان آینده است; ولی در این آیه به قرینه آیه قبل از این مراد زمان حال است.

شرایط خداپرستی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۵ - ۱

۱ - برخی از کافران عصر بعثت ، آمادگی خود را برای عبادت خداوند به صورتی مشروط ، به پیامبر (ص) عرضه کردند .

و لا أنتم عبدون ما أعبد

فطرت خداپرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۴ - ۷

۷ - گرایش به پرستش آفریدگار هستی ، گرایشی فطری و طبیعی

فصدّهم عن السبیل

<السبیل> (آن راه) اشاره به همان راه طبیعی و فطری دارد که راهی یگانه است و در صورت نبود مانعی در آن، انسان ها به خدای یگانه ره می برند و هدایت می یابند. همه انحراف ها نیز ناشی از موانعی است که شیطان در این طریق پدید می آورد.

خداترسان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خداترسان

آرامش اخروی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۴ - ۵

۵ - بی قراران از خوف مقام پروردگار ، دارای آرامش و آسایش در نعمت های بهشت

و لمن خاف مقام ربّه جنّتان . .. متّکین علی فرش ... و جنی الجنّتین دان

آسایش اخروی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۴ - ۴،۵

۴ - شکوه ، جلال ، آسایش و تنعم ، جملگی جمع در بهشت خائفان از مقام پروردگار

و لمن خاف مقام . .. متّکین علی فرش ... و جنی الجنّتین دان

۵ - بی قراران از خوف مقام پروردگار ، دارای آرامش و آسایش در نعمت های بهشت

و لمن خاف مقام ربّه جنّتان . .. متّکین علی فرش ... و جنی الجنّتین دان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۵ - ۲

۲ - آسایش ، تنعم و بهرهوری های خائفان مقام پروردگار در بهشت ، جلوه ای از ربوبیت عالی خداوند و نعمتی غیر قابل انکار و تکذیب

متّکین . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

آمرزش خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۲ - ۱

۱ - خداترسان ، مشمول غفران عظیم خداوند و بهره مند از پاداش بزرگ او

إنّ الذین یخشون ربّهم بالغیب لهم مغفره و أجر کبیر

تنکیر <مغفره>; دلالت بر تعظیم دارد.

انذار از خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۵ - ۳

۳ - تنها کسانی هشدار ها و

انذار های پیامبر (ص) را می پذیرند که دارای زمینه خشیت و هراس از گرفتاری های قیامت باشند .

إنّماأنت منذر من یخشیها

انـذار پیـامبر(ص)، همگـانی است و به طایفه خاصـی نظر نـدارد; اختصاص آن به <من یخشاها>، ناظر به تأثیرپـذیری آنان و سود نبردن دیگران است.

اهمیت شخصیت خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۹ - ۳

۳ - افراد خداترس و نگران از ناکامی در تزکیه و درست کاری ، سزاوار ارج نهادن و دریغ نداشتن راهنمایی و ارشاد از آنان

جاءك . .. و هو یخشی

اهمیت همنشینی با خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۰ - ۴

۴ - لزوم استقبال از همنشینی با خداترسان و دین پژوهان و پرهیز از بی اعتنایی به آنان

فأنت عنه تلهّی

ایمان خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۵ - ۳

۳ - تنهـا کسـانی هشـدار ها و انـذار های پیامبر (ص) را می پذیرنـد که دارای زمینه خشـیت و هراس از گرفتاری های قیامت باشند .

إنّماأنت منذر من یخشیها

انـذار پیـامبر(ص)، همگـانی است و به طایفه خاصـی نظر نـدارد; اختصاص آن به <من یخشاها>، ناظر به تأثیرپـذیری آنان و

سود نبردن دیگران است.

باغهای اخروی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۲ - ۱،۵

۱ - خائفان مقام پروردگار ، علاوه بر دو بوستان بهشت ، از دو بوستان دیگر نیز برخوردارند .

و لمن خاف مقام ربّه جنّتان . .. و من

دونهما جنّتان

واژه <دون> در <من دونهما> در صورتی که به معنای <غیر> باشد بیانگر برداشت بالا خواهد بود.

۵ - < عن أبی جعفر (ع) قال : . . .و أمّا قوله < و من دونهما جنّتان > یقول من دونهما فی الفضل و لیس من دونهما فی القرب و هما لأصحاب الیمین و هی جنّه النعیم و جنّه المأوی . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده: . ..اما این قول خداوند <و من دونهما جنّتان> می فرماید: پایین تر از آن دو در فضیلت نه پایین تر در نزدیکی (مکانی) و آن دو بهشت برای اصحاب الیمین است و آن [معروف] به <جنّه النعیم> و <جنّه المأوی> می باشد>.

بهشت خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۲ - ۱

۱ - خائفان مقام پروردگار ، علاوه بر دو بوستان بهشت ، از دو بوستان دیگر نیز برخوردارند .

و لمن خاف مقام ربّه جنّتان . .. و من دونهما جنّتان

واژه <دون> در <من دونهما> در صورتی که به معنای <غیر> باشد بیانگر برداشت بالا خواهد بود.

پاداش اخروی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۰ - ۲

۲ - خداترسان دور از هواپرستی با حضور در صحنه قیامت ، کردار خویش را به یاد آورده و جزای آن را خواهند دید .

یوم یتذکّر . .. و أمّا من خاف مقام ربّه و نهی النفس عن الهوی

پاداش خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۶

۵ - بیمناکان از مقام پروردگار ، برخوردار از بهشتی در قبال عمل و بهشتی دیگر از فضل الهی *

و لمن خاف مقام ربّه جنّتان

طبق نظر برخی از مفسران، تثنیه آمدن <جنّتان> نظر به مطلب بالا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۷ - ۱

۱ - پاداش بهشت به بیمناکان مقام پروردگار ، نعمتی انکارناپذیر و غیر قابل تکذیب

و لمن . .. جنّتان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۲ - ۱

۱ - خداترسان ، مشمول غفران عظیم خداوند و بهره مند از پاداش بزرگ او

إنّ الذین یخشون ربّهم بالغیب لهم مغفره و أجر کبیر

تنکیر <مغفره>; دلالت بر تعظیم دارد.

پاکی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۴ - ۲

۲ - مردمان تذکّرپذیر و اهل خشیت ، انسان هایی پاک ، و رستگارند .

سیذّکّر من یخشی . .. قد أفلح من تزکّی

مصداق مورد نظر از <من تزکی> به قرینه آیات پیشین همان مصادیق <من یخشی> است.

پیروزی خداترسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵۲ – ۱

۱ – خداترسان تقوا پیشه و اطاعت کنندگان از خدا و رسول ، حتماً ظفرمند و کامیاب اند .

و من یطع اللّه و رسوله و یخش اللّه و یتّقه فأُولئک هم الفائزون

تذکر اخروی خداترسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۴۰ – ۲

۲ – خداترسان دور از هواپرستی

با حضور در صحنه قیامت ، کردار خویش را به یاد آورده و جزای آن را خواهند دید .

یوم یتذکّر . .. و أمّا من خاف مقام ربّه و نهی النفس عن الهوی

ترک اعراض از خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۰ - ۴

۴ - لزوم استقبال از همنشینی با خداترسان و دین پژوهان و پرهیز از بی اعتنایی به آنان

فأنت عنه تلهّی

تعدد باغهای اخروی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۶ - ۱

۱ - بیمناکان دادگاه عدل الهی و حضور در محضر او ، برخوردار از دو بوستان

و لمن خاف مقام ربّه جنّتان

در صورتی که مراد از <مقام ربّه> محضر پروردگار در قیامت باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

تنزیه خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۰ - ۱۲

۱۲ - خداترسان ، از دل بستگی شدید به دنیا مبرّا هستند .

و ءاثر الحیوه الدنیا . .. و أمّا من خاف مقام ربّه

حسن فرجام خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۲ - ۱۸

۱۸ آنان که از خدا ترسانند و از حساب سخت و ناگوار قیامت هراس دارند ، به فرجامی نیک خواهند رسید .

و یخشون ربهم و یخافون سوء الحساب . .. أُولئك لهم عقبی الدار

حق پذیری خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۸ - ۹

۹ - خداترسان و نمازگزاران ، بیشتر از دیگران

، حق پذیراند .

إنّما تنذر الذین یخشون ربّهم بالغیب و أقاموا الصلوه

خداترسان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۳ - ۱،۴

۱ - بهشت ، از آن بیم دارندگان از خداوند در نهان

و أُزلفت الجنّه للمتّقین . .. من خشی الرحمن بالغیب

بنابراین که <بالغیب> متعلق به <خشی> باشد، برداشت بالا به دست می آید.

۴ - بهشت پاداش آنان که با وجود محسوس نبودن خداوند ، همه جا وی را در نظر داشته و از او بیم دارند .

من خشی الرحمن بالغیب

بنابر این که <بالغیب> وصف برای <رحمان> باشد، برداشت بالا قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۶ - ۲،۴،۵

۲ - بیم دارندگان از گناه و مخالفت پروردگار ، بهره مند از دو بهشت

و لمن خاف مقام ربّه جنّتان

خوف از مقام پروردگار، می تواند کنایه از ترک گناه و پرهیز از مخالفت با فرمان پروردگار باشد. برداشت بالا بر پایه این احتمال است.

۴ - بیمناکان از مقام پروردگار ، برخوردار از بهشتی مادی و بهشتی معنوی *

و لمن خاف مقام ربّه جنّتان

تثنیه آمدن <جنّتان> ممکن است اشاره به مطلب بالا داشته باشد; چه این که برخی از مفسران نیز بدان اشاره کرده اند.

۵ - بیمناکان از مقام پروردگار ، برخوردار از بهشتی در قبال عمل و بهشتی دیگر از فضل الهی *

و لمن خاف مقام ربّه جنّتان

طبق نظر برخی از مفسران، تثنیه آمدن <جنّتان> نظر به مطلب بالا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۰ -

۲ – دو بهشت خائفان از خدا ، دارای تفاوت های بسیار و تنوع فراوان *

و لمن خاف . .. جنّتان ... ذواتا أفنان ... فيهما عينان تجريان

از این که پس از عبارت <و لمن خاف . .. جنّتان> اوصاف به گونه تثنیه آمده است، چنین استفاده می شود که تفاوت آن دو <جنّت> اعتباری نیست; بلکه آن چشمه ای دارد و این چشمه ای دیگر; به خصوص اگر <أفنان> به معنای <انواع> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۵۱ – ۱

۱ – چشمه های جاری در بهشت خائفان ، نعمتی غیر قابل انکار و تکذیب ناپذیر

فيهما عينان تجريان . فبأيّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۵۴ – ۴،۵

۴ – شکوه ، جلال ، آسایش و تنعم ، جملگی جمع در بهشت خائفان از مقام پروردگار

و لمن خاف مقام . .. متّكين على فرش ... و جنى الجنّتين دان

۵ – بی قراران از خوف مقام پروردگار ، دارای آرامش و آسایش در نعمت های بهشت

و لمن خاف مقام ربّه جنّتان . .. متّكين على فرش ... و جنى الجنّتين دان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۵۵ – ۲

۲ – آسایش ، تنعم و بهرهوری های خائفان مقام پروردگار در بهشت ، جلوه ای از ربوبیت عالی خداوند و نعمتی غیر قابل انکار و تکذیب

متّكين . .. فبأيّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۱

۱ - بهشت ، تنها جایگاه نهایی برای خداترسان رهیده از هوای نفس

فإنّ الجنّه هی المأوی

جمله <فإنّ الجنّه. ..> به دلیل وجود <ال> جنس در خبر، دلالت بر حصر دارد.

خداترسان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۰ - ۱،۲

۱ - حاضران در قیامت ، به دو دسته متمایزِ طغیان گران و خداترسان دور از هوا و هوس ، تقسیم خواهند شد .

فأمّا من طغی . .. و أمّا من خاف مقام ربّه

در ترکیب آیات حاضر، گفته شده است که جمله <فإذا جاءت الطامّه الکبری> حاوی ادات شرط و فعل شرط است و تقسیم حاضران به دو دسته که از جملات <فأمّا من طغی. .. و أمّا من خاف...> استفاده می شود جزای آن است.

۲ - خداترسان دور از هواپرستی با حضور در صحنه قیامت ، کردار خویش را به یاد آورده و جزای آن را خواهند دید .

یوم یتذکّر . .. و أمّا من خاف مقام ربّه و نهی النفس عن الهوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۸ - ۲

۲ - انسان های پاک ، تذکّرپذیر ، هدایت جو و خداترس ، در قیامت چهره ای نورانی خواهند داشت .

لعلّه یزّکّی . أو یذّکّر ... جاءک یسعی . و هو یخشی ... وجوه یومئذ مسفره

خداترسان و انذارهای محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۸ - ۷

۷ – انذار ها و اخطار های پیامبر (ص) ، تنها در خداترسان و بر

پادارندگان نماز مؤثر بوده است .

إنّما تنذر الذين يخشون ربّهم بالغيب و أقاموا الصلوه

خداترسان و دنیاطلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۰ - ۱۲

۱۲ - خداترسان ، از دل بستگی شدید به دنیا مبرّا هستند .

و ءاثر الحیوه الدنیا . .. و أمّا من خاف مقام ربّه

رستگاری خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۴ - ۲

۲ - مردمان تذکّرپذیر و اهل خشیت ، انسان هایی پاک ، و رستگارند .

سیذّکّر من یخشی . .. قد أفلح من تزکّی

مصداق مورد نظر از <من تزکی> به قرینه آیات پیشین همان مصادیق <من یخشی> است.

زمینه ترس خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۰ - ۶

۶ - عاقبت اندیشان و اهل خشیت ، تأثیرپذیر از تذکرات و پند های قرآن

فذکّر . .. سیذّکّر من یخشی

سعادت خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۱ - ۵

۵ - خداترسان و پندپذیران ، سعادتمنداند .

سیذّکّر من یخشی . و یتجنّبها الأشقی

این آیه با آیه قبل، دارای <احتباک> (از وجوه بلاغت) است; یکی از <خشیت> سخن گفته و دیگری از <شقاوت> و بیان نقطه مقابل هر یک را به قرینه بودن دیگری موکول کرده است; بدین معنا که اهل خشیت، نقطه مقابل <شقاوت>; یعنی، سعادت را دارند و اهل <شقاوت> گرفتار نقطه مقابل <خشیت>; یعنی، گستاخی هستند.

سهولت تعلیم خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی -

۸۷ - ۱۰ - ۴

۴ - آگاه ساختن اهل خشیت به معارف قرآن ، آسان و بی نیاز از تحمل رنج و ناراحتی است .

سنقرئک . .. و نیسّرک للیسری . فذکّر ... سیذّکّر من یخشی

شکوه اخروی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۴ - ۴

۴ - شکوه ، جلال ، آسایش و تنعم ، جملگی جمع در بهشت خائفان از مقام پروردگار

و لمن خاف مقام . .. متّکین علی فرش ... و جنی الجنّتین دان

صورت اخروی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۸ - ۲

۲ - انسان های پاک ، تذکّرپذیر ، هدایت جو و خداترس ، در قیامت چهره ای نورانی خواهند داشت .

لعلّه یزّکّی . أو یذّکّر ... جاءک یسعی . و هو یخشی ... وجوه یومئذ مسفره

عبرت پذیری خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۶ - ۲

۲ - تنها خداترسان از هلاکت و مجازات فرعون پند می گیرند و خود رااز گرفتاری به فرجامی نظیر آن برحذر می دارند .

إنّ فی ذلک لعبره لمن یخشی

مراد از خشیت در <یخشی>، می تواند خشیت از خداوند باشد، جمله <و أهدیک إلی ربّک فتخشی> (در آیات پیشین) مؤید این احتمال است. اختصاص یافتن <عبرت> به <من یخشی> با آن که هلاکت فرعون برای همگان درس عبرت است بیانگر این نکته است که تنها، خداترسان از این عبرت بهره می گیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی -

۸۷ - ۱۰ - ۶

۶ - عاقبت اندیشان و اهل خشیت ، تأثیرپذیر از تذکرات و پند های قرآن

فذکّر . .. سیذّکّر من یخشی

علایق خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۶ - ۴

۴ - بهشتیان و خداترسان ، مجذوب همسران بهشتی خود

فیهنّ قصرت الطرف

مقصود از <طرف> می توانـد نگاه همسـران زنان بهشتی باشـد; یعنی، زنان بهشتی چنان جـذاب انـد که نظر و چشم دیگران (همسران) را به خود مشغول می دارند.

فرجام اخروی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۱ - ۱

۱ - بهشت ، تنها جایگاه نهایی برای خداترسان رهیده از هوای نفس

فإنّ الجنّه هی المأوی

جمله <فإنّ الجنّه. ..> به دلیل وجود <ال> جنس در خبر، دلالت بر حصر دارد.

فضایل خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۳ - ۱

۱ - بهشت ، از آن بیم دارندگان از خداوند در نهان

و أَزلفت الجنّه للمتّقین . .. من خشی الرحمن بالغیب

بنابراین که <بالغیب> متعلق به <خشی> باشد، برداشت بالا به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۴۶ – ۱،۲،۴،۵

۱ – بیمناکان دادگاه عدل الهی و حضور در محضر او ، برخوردار از دو بوستان

و لمن خاف مقام ربّه جنّتان

در صورتی که مراد از <مقام ربّه> محضر پروردگار در قیامت باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

۲ – بیم دارندگان از گناه و مخالفت پروردگار ، بهره مند از دو بهشت

و لمن خاف مقام ربّه جنّتان

خوف

از مقـام پروردگـار، می توانـد کنایه از ترک گناه و پرهیز از مخالفت با فرمان پروردگار باشـد. برداشت بالا بر پایه این احتمال است.

۴ - بیمناکان از مقام پروردگار ، برخوردار از بهشتی مادی و بهشتی معنوی *

و لمن خاف مقام ربّه جنّتان

تثنیه آمدن <جنّتان> ممکن است اشاره به مطلب بالا داشته باشد; چه این که برخی از مفسران نیز بدان اشاره کرده اند.

۵ - بیمناکان از مقام پروردگار ، برخوردار از بهشتی در قبال عمل و بهشتی دیگر از فضل الهی *

و لمن خاف مقام ربّه جنّتان

طبق نظر برخی از مفسران، تثنیه آمدن <جنّتان> نظر به مطلب بالا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۲ - ۱

۱ - خائفان مقام پروردگار ، علاوه بر دو بوستان بهشت ، از دو بوستان دیگر نیز برخوردارند .

و لمن خاف مقام ربّه جنّتان . .. و من دونهما جنّتان

واژه <دون> در <من دونهما> در صورتی که به معنای <غیر> باشد بیانگر برداشت بالا خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۶ - ۲

۲ - تنها خداترسان از هلاکت و مجازات فرعون پند می گیرند و خود رااز گرفتاری به فرجامی نظیر آن برحذر می دارند .

إنّ فی ذلک لعبره لمن یخشی

مراد از خشیت در <یخشـی>، می تواند خشـیت از خداوند باشد، جمله <و أهدیک إلی ربّک فتخشـی> (در آیات پیشین) مؤید این احتمال است. اختصاص یافتن <عبرت> به <من یخشـی> با آن که هلاکت فرعون برای همگان درس عبرت است بیانگر این نکته است که

تنها، خداترسان از این عبرت بهره می گیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۱ - ۱

۱ - بهشت ، تنها جایگاه نهایی برای خداترسان رهیده از هوای نفس

فإنّ الجنّه هی المأوی

جمله <فإنّ الجنّه. ..> به دلیل وجود <ال> جنس در خبر، دلالت بر حصر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۵ - ۳

۳ - تنها کسانی هشدار ها و انذار های پیامبر (ص) را می پذیرند که دارای زمینه خشیت و هراس از گرفتاری های قیامت باشند .

إنّماأنت منذر من یخشیها

انذار پیامبر(ص)، همگانی است و به طایفه خاصی نظر ندارد; اختصاص آن به <من یخشاها>، ناظر به تأثیرپذیری آنان و سود نبردن دیگران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۹ - ۳

۳ - افراد خداترس و نگران از ناکامی در تزکیه و درست کاری ، سزاوار ارج نهادن و دریغ نداشتن راهنمایی و ارشاد از آنان

جاءک . .. و هو یخشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۰ - ۱

۱ - کسانی که عظمت خداوند را احساس کرده و از او هراس دارند ، در پذیرش موعظه های پیامبر (ص) درنگ نمی کنند .

سیذّکّر من یخشی

<خشیت> ترسی است که آمیخته با احساس عظمت باشد(مفردات راغب). <سیذّکّر> در اصل <سیتذکّر> بوده است و حرف <سین> در آن بر نبود تأنّی و تأخیر در پذیرش تذکر دلالت دارد.

مدح خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۳۵ – ۳

۳ – تمجید خداوند از دل هایی که با شنیدن نام او ، خشیت و ترس بر آنها عارض می شود .

الذین إذا ذکر اللّه وجلت قلوبهم

مصونیت اخروی خداترسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۳۴ – ۳

۳ – بیم داران از خدا در دنیا ، ایمن از هر غم و اندوه ، در آخرت

من خشی الرحمن . .. ادخلوها بسلم

مقامات خداترسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۱۴ – ۱۳

۱۳– < عن إبن مسعود قال : لمّا نزلت . . . < یاأیها الذین آمنوا قوا أنفسکم و أهلیکم ناراً وقودهاالناس و الحجاره > تلا رسول الله (ص) علی أصحابه فخرّ فتی مغشیاً علیه . . . فبشّره النبی (ص) بالجنه فقال < ذلک لمن خاف مقامی و خاف وعید ;

ابن مسعود گفت: هنگامی که آیه <یاأیها الذین آمنوا قوا أنفسکم . ..> نازل شد، رسول خدا(ص) آن را برای اصحابش تلاوت کرد. پس جوانی بر زمین افتاد و از هوش رفت پس پیامبر(ص) او را به بهشت بشارت داد و فرمود:... ذلک لمن خاف مقامی و خاف وعید>.

نعمتهای اخروی خداترسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۵۴ – ۵

۵ – بی قراران از خوف مقام پروردگار ، دارای آرامش و آسایش در نعمت های بهشت

و لمن خاف مقام ربّه جنّتان . .. متّکین علی فرش ... و جنی الجنّتین دان

جلد – نام سوره –

سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۵ - ۲

۲ - آسایش ، تنعم و بهرهوری های خائفان مقام پروردگار در بهشت ، جلوه ای از ربوبیت عالی خداوند و نعمتی غیر قابل انکار و تکذیب

متّکین . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

نورانیت اخروی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۸ - ۲

۲ - انسان های پاک ، تذکّرپذیر ، هدایت جو و خداترس ، در قیامت چهره ای نورانی خواهند داشت .

لعلّه یزّکّی . أو یذّکّر ... جاءك یسعی . و هو یخشی ... وجوه یومئذ مسفره

ویژگیهای باغهای اخروی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۰ - ۱

۱ - دو بوستان عطا شده به خداترسان ، دارای دو چشمه همیشه جاری

و لمن خاف . .. جنّتان ... فیهما عینان تجریان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۲ - ۱،۲

۱ - دو بوستان عطا شده به خداترسان ، دارای دو گونه متمایز از هر نوع میوه

فیهما من کلّ فکهه زوجان

۲ - دو بوستان خائفان از خدا ، هر یک دارای میوه هایی مخصوص به خود و متمایز از دیگری *

فيهما من كلّ فكهه زوجان

برداشت ياد شده بدين احتمال است كه <زوجان> به معناى وجود دو نوع در دو بهشت باشد كه در هر بهشت يك نوع از هر ميوه وجود داشته باشد.

هدايت پذيرى خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - اعلى - ۸۷ - ۱۰ - ۱

۱ - كسانى كه

عظمت خداوند را احساس کرده و از او هراس دارند ، در پذیرش موعظه های پیامبر (ص) درنگ نمی کنند .

سیذّکّر من یخشی

<خشیت> ترسی است که آمیخته با احساس عظمت باشد(مفردات راغب). <سیذّکّر> در اصل <سیتذکّر> بوده است و حرف <سین> در آن بر نبود تأنّی و تأخیر در پذیرش تذکر دلالت دارد.

هدایت خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۹ - ۳

۳ - افراد خداترس و نگران از ناکامی در تزکیه و درست کاری ، سزاوار ارج نهادن و دریغ نداشتن راهنمایی و ارشاد از آنان

جاءک . .. و هو یخشی

همسران بهشتی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۶ - ۴

۴ - بهشتیان و خداترسان ، مجذوب همسران بهشتی خود

فیهنّ قصرت الطرف

مقصود از <طرف> می تواند نگاه همسران زنان بهشتی باشد; یعنی، زنان بهشتی چنان جذاب اند که نظر و چشم دیگران (همسران) را به خود مشغول می دارند.

خداترسی

آثار خداترسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۰ - ۱۴

۱۴ - خداترسی ، مانع هواپرستی است .

و أمّا من خاف مقام ربّه و نهى النفس عن الهوى

ترتیبی که در ذکر خداترسی و نهی از هوای نفس مراعات شده، حاکی از ترتّب حقیقی آن دو است.

ادعای خداترسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۶ - ۷

۷ - شیطان ، مدعی خداترسی

قال . .. إنّی أخاف اللّه

خداترسی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹

- ابراهیم - ۱۴ - ۱۴ - ۱۱

۱۱- انبیا به دلیل ترس از مقام خداوند از حمایت های خداوند برخوردار شدند .

فأوحی إلیهم ربّهم لنهلكنّ الظلمین . و لنسكننّكم الأرض ... ذلك لمن خاف مقامی و خ

خداترسی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۶ - ۷

۷ - شیطان ، مدعی خداترسی

قال . .. إنّی أخاف اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۷ - ۲

۲ - اظهار خداترسی و نیز تبرّی شیطان در قیامت از پیروان خویش ، بی ثمر در نجات او از كیفر اخروی

قال إنّی بریء منك إنّی أخاف اللّه . .. فكان عقبتهما أنّهما فی النار

خداترسی عبدالله بن ام مكتوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۹ - ۱،۲

۱ - ابن ام مكتوم مسلمانی خداترس بود و خطر محرومیت از تزكیه او را نگران ساخته بود .

و هو یخشی

حذف بعضی از قیدهای كلام، گاهی به منظور تعمیم است تا مخاطب احتمالات گوناگونی را مد نظر داشته باشد. متعلق <خشیت> در این آیه گویا به همین منظور ذكر نشده است تا احتمالاتی از قبیل ترس از خدا، نگرانی از سلب توفیق تزكیه، ترس از فرجام خویش و نظایر آن را در ذهن شنونده ترسیم كند.

۲ - خداترسی و حالت خشیت ، برانگیزاننده ابن ام مكتوم برای حضور در مجلس پیامبر (ص) بود .

و أمّا من جاءك يسعى . و هو يخشى

خداترسی موحدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون

- ۲۳ - ۶۱ - ۴

۴ - موحدانِ بیمناک از پروردگار و روز قیامت ، پیشتاز در انجام کار های نیک

و هم لها سبقون

<لها> متعلق به <سابقون> است که مفعول آن محذوف می باشد. پس تقدیر آن چنین می شود: <و هم سابقون غیرهم لها>. <سبق> به معنای پیشی گرفتن است.

خداشناسی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خداشناسی

آثار خداشناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۵ - ۲،۹

۲ شناخت ربوبیت الهی ، مستلزم روی آوری انسان به دعا به درگاه اوست .

إن ربکم اللّه الذی . .. ادعوا ربکم تضرعاً

بیان ضرورت دعا پس از بیان ربوبیت خداوند و تدبیر جهان هستی از سوی او می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

۹ توجه به ربوبیت خداوند ، برانگیزنده آدمی به دعا به درگاه او

ادعوا ربکم

هدف از بیان ربوبیت خدا به انسانها، در ضمن دعوت آنان به دعا به درگاه او، ایجاد انگیزه دعا در ایشان است. یعنی باور به ربوبیت خدا همان و روی آوری به درگاه او همان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۶ - ۷

۷- هدایت و شناخت پروردگار ، موجب امیدواری به رحمت او و زداینده هرگونه یأس و ناامیدی

و من یقنط من رحمه ربّه إلاّ الضالّون

حضرت ابراهیم(ع) یأس از رحمت پروردگار را معلول گمراهی و نشناختن پروردگار دانست. بنابراین هدایت و شناخت پروردگار، می تواند موجب امیدواری به رحمت خدا و عامل از بین رفتن یأس شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۴ - ۳

۳ - معرفت درست

در باره خدا ، زمینه ساز اعتقاد به قدرت و عزّت مطلق و نامحدود او

ما قدروا اللّه حقّ قدره إنّ اللّه لقویّ عزیز

آثار خداشناسی ناقص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۴ - ۱

۱ - شرک ، اندیشه ای است برخاسته از عدم شناخت درست خدا .

ما قدروا اللّه حقّ قدره

<قدر> (مصدر <قدروا>) به معنای اندازه گرفتن است. ضمیر فاعل در <قدروا>، به مشرکان بازمی گردد و <حق قدره> مفعول مطلق برای <قدروا> می باشد; یعنی، آنان که تدبیر امور جهان و از جمله انسان را در اختیار خدایان دیگری می پندارند، خدا را آن گونه که هست نشناخته و گمان می کردند که خدا به تنهایی نمی تواند همه هستی را اداره کند. ندانستید که خدا، نیرومند و شکست ناپذیر است.

آثار خداشناسی یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱۴

۱۴ معرفت ویژه یعقوب (ع) نسبت به خداوند و صفات او ، دلیل تضرعش به درگاه او و شکایت نبردنش به غیر او .

إنما أشکوا بثّی و حزنی إلی الله و أعلم من الله ما لاتعلمون

جمله <أعلم من الله> به منزله تعلیل برای <إنما أشکوا . ..> است ; یعنی ، دلیل اینکه من فقط به خدا شکایت می برم [و شما این گونه نیستید] آن است که من از صفات و ویژگیهای خدا ، چیزهایی را می دانم که شما نمی دانید.

اهتمام یوسف(ع) به خداشناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ -

۳ یوسف (ع) با اشاره به خدادادی بودن دانش های ویژه اش ، هم بندان خویش را به شناخت ربوبیت خدا برانگیخت .

ذلکما مما علمنی ربی

از اهداف یوسف(ع) در بیان این حقیقت که <این دانش را پروردگارم به من آموخته است> آن است که: هم بندان زندانی خویش را با خدا و ربوبیت او آشنا کند. مخاطب قرار دادن آن دو نفر با حرف <کما> در <ذلکما> مؤید این هدف است.

اهمیت خداشناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۷ - ۵

۵- شناخت خداوند (توحید) و پندآموزی و درس گیری ، هدف و فلسفه نقل داستان ها و حوادث تاریخی در قرآن است .

و نبّئهم عن ضیف إبرهیم . .. إن فی ذلک لأیت للمتوسّمین ... إن فی ذلک لأیه للمؤمن

تعقل در خداشناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۷ - ۱۹

۱۹ - شناخت خردورزانه مبدأ و منت های آفرینش (خدا و معاد) ، فلسفه خلقت انسان

هو الذی خلقکم من تراب . .. لعلّکم تعقلون

برداشت بالا به خاطر این نکته است که آیه شریفه، در صدد شناساندن خدا به عنوان مبدأ آفرینش انسان و مسأله معاد است که در آیه بعد از آن سخن به میان خواهد آمد (هو الذی یحیی و یمیت . ..).

توفیق خداشناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۵ - ۱۷

۱۷ شناخت ربوبیت خدا بر تمام هستی و باور به رحمانیت و رحیمیت او و مالکیتش بر روز

جزا ، تنها با امداد الهی امکان پذیر است .

الحمد للّه رب العلمین . .. إیاک نستعین

شناخت ربوبیت خدا و . .. از تکالیفی است که می توان آن را از سوره حمد برداشت کرد. لذا آنها نیز متعلق <نستعین> می باشند; یعنی: نستعینک علی ان نعرف ربوبیتک و ... .

خداشناسی ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۶ - ۱۰

۱۰ - ابلیس ، آشنا به خدا و خالقیت او

خلقتنی من نار و خلقته من طین

خداشناسی اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۳ - ۸

۸- شناخت ربوبیّت خداوند ، از عوامل ایمام اصحاب کهف بود .

ءامنوا بربّهم

خداشناسی اعراب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱ - ۱۲

۱۲ محبوبیّت و عظمت خداوند نزد همگان ، حتی اعراب در زمان جاهلیّت

و اتّقوا اللّه الّذی تسآءلون به

درخواست مردم از یکدیگر با نام خدا (تو را به خدا چنین کن)، که مفهوم جمله <تساءلون به> می باشد، نشانه محبوبیّت و عظمت نام خدا نزد مخاطبان است ; که از جمله مخاطبان، اعراب دوران جاهلیّت هستند.

خداشناسی اعضای بدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۱ - ۸،۱۴

۸ - اعضا و جوارح آدمی ، آگاه به وجود خداوند و قدرت و اقتدار او

قالوا أنطقنا اللّه الذی أنطق کلّ شیء

۱۴ - آگاهی و شهادت اعضا و جوارح آدمی در قیامت به آفریدگاری خداوند و بازگشت همگان به سوی او

قالوا . .. و هو

خلقكم أوّل مرّه و إليه ترجعون

برداشت ياد شده مبتنى بر اين نكته است كه جمله <و هو خلقكم . ..> ادامه گفتار اعضا و جوارح انسان باشد.

خداشناسى انبيا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۱۰ - ۶

۶- پى بردن از طريق پديده ها به پديد آورنده (برهان إنّ) ، از برهان هاى رسولان الهى براى اثبات وجود خداوند

أفى الله شكّ فاطر السموت و الأرض

نفى ترديد از خالقيت خداوند نسبت به آسمانها و زمين، در حقيقت بدين جهت است كه با توجه دادن مردم به پديده بودن آسمانها و زمين، آنان واقف به نيازشان به پديد آورنده خواهند شد و اين، عين استفاده از برهان إنّ است.

خداشناسى انسان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۲ - ۱۰،۶،۵،۴

۴ هر انسانى در نشئه شهود به گونه اى محسوس ربوبيت و وحدانيت خداوند را دريافته است .

و أشهدهم على أنفسهم ألست بربكم قالوا بلى

۵ خداوند پس از شناساندن خود به انسان ها از آنان خواست تا بر ربوبيت خدا و عبوديت خويش گواه باشند .

و أشهدهم على أنفسهم ألست بربكم

۶ اعتراف انسان به ربوبيت خدا در نشئه شهود

ألست بربكم قالوا بلى

۱۰ هيچ انسانى در روز قيامت نمى تواند مدعى غفلت از ربوبيت خدا در حيات دنيوى خويش باشد .

أشهدهم على أنفسهم . .. أن تقولوا يوم القيمه إنا كنا هذا غفلين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۳ - ۱

۱ وجود نشئه شهود و آگاه شدن

آدمی به ربوبیت و وحدانیت خدا در آن نشئه ، از میان برنده هر گونه عذر و بهانه ای برای روی آوری به شرک

و أشهدهم علی أنفسهم . .. أو تقولوا إنما أشرک ءاباؤنا

خداشناسی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۶ - ۱۳

۱۳ - اتصاف خداوند به قدرتی فراگیر و مطلق ، امری روشن برای انسانها

ألم تعلم أن اللّه کل شیء قدیر

استفهام در جمله فوق استفهام تقریری است و این نوع استفهام در موردی به کار می رود که مخاطب مضمون جمله را پذیرفته و آن را باور دارد. از آنجا که مخاطب جمله فوق همه انسانها هستند; یعنی، <ألم تعلم أیها الأنسان>، معلوم می شود: همگان به قدرت مطلق خدا آگاه هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۷ - ۲

۲ - انحصار حاکمیت خداوند بر تمام هستی ، حقیقتی روشن برای همگان

ألم تعلم أن اللّه له ملک السموت و الأرض

استفهام تقریری در <ألم تعلم . ..> گویای برداشت فوق است. برای توضیح بیشتر به برداشت شماره ۱۳ آیه قبل مراجعه شود.

خداشناسی اهل انطاکیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۵ - ۷

۷ - مردم انطاکیه ، به وجود خدا و رحمانیت او معتقد بودند . *

و ما أنزل الرحمن من شیء

تصریح مردم انطاکیه به صفت رحمانیت خدا حاکی از اعتقاد آنان به این حقیقت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۳ - ۹

۹ - مردم انطاکیه

، به وجود خدا و رحمانيت او معتقد بودند . *

إن يردن الرحمن بضرّ

تصريح به صفت رحمانيت خدا از سوى مؤمن انطاكيه، مى تواند حاكى از عقيده مردم آن ديار به اين حقيقت باشد; زيرا اگر آنان بر اين باور نبودند، استدلال به توانايى خداوند رحمان بر ضرر و گزند رساندن به انسان ها به گونه اى كه حتّى معبودها از دفع آن ناتوان باشند بى معنا و غير كافى بود.

خداشناسى اهل مدين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۷

۷ مردم مدين ، به وجود خداوند معتقد بودند .

قال يقوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۳۶ - ۸

۸ - مردم مدين ، به وجود خداوند معتقد بودند .

يقوم اعبدوا اللّه

از دعوت حضرت شعيب(ع)، به عبادت خدا، استفاده مى شود كه اصل وجود خدا، براى مردم مدين، مسلّم و مُحرَز بوده است.

خداشناسى اهل يقين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۷ - ۵

۵- اهل يقين ، قادر به درك و شناخت ربوبيت يگانه خداوند بر نظام هستى

ربّ السموت و الأرض و ما بينهما إن كنتم موقنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۴ – ۱

۱ – آفرینش انسان و سایر جانداران ، دربردارنده نشانه هایی از خداوند برای جویندگان یقین

و فی خلقکم و ما یبثّ من دابّه ءایت

خداشناسی برادران یوسف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸

- یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱۳

۱۳ جهل و ناآگاهی فرزندان یعقوب به حقایقی درباره خداوند

و أعلم من الله ما لاتعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۱ - ۷

۷ یوسف (ع) و برادرانش به نقش بسزای خداوند در امور بشر و روند تاریخ ، معتقد بودند و بدان باور داشتند .

قد منّ الله علینا . .. لقد ءاثرک الله علینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۱۵

۱۵ جهل و ناآگاهی فرزندان یعقوب به حقایقی درباره خداوند

ألم أقل لکم إنی أعلم من الله ما لاتعلمون

خداشناسی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۰ - ۱

۱ - تنها بندگان مخلَص خدا ، عارف به حق خدا و توصیف کننده شایسته او هستند .

سبحن اللّه عمّا یصفون . إلاّ عباد اللّه المخلصین

<إلاّ> استثنای منقطع و به معنای <لکن> است. مستثنی منه نیز در برداشت بالا، ضمیر فاعلی <یصفون> دانسته شده است. گفتنی است مقصود و معنای <مخلصین> این است: <الذین أخلصهم اللّه لنفسه و ولایته; کسانی که خداوند آنان را برگزیده و در اختیار خود گرفته و مطیع فرمان خویش ساخته است>.

خداشناسی پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۱۹ – ۶

۶ – پرندگان ، دارای نوعی شعور و شناخت نسبت به انسان و خدا

و الطیر محشوره کلّ له أوّاب

خداشناسی جادوگران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ –

۱۲ – ۷۳

۱۲ – ساحران در پاسخ فرعون ، خداوند را برتر از او و وصول به خدا را ، ارجمندتر از آسایش دنیوی و پاینده تر از زندگانی در دنیا معرفی کردند .

إنّما تقضی هذه الحیوه الدنیا . .. واللّه خیر و أبقی

خداشناسی جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۳۱ – ۳

۳– اعتقاد جنیان قبل از رسالت پیامبر (ص) به وجود خداوند

أجیبوا داعی اللّه

در عبارت <أجیبوا داعی اللّه> اصل وجود خداوند در نظر جنیان، یقینی تلقی شده و از آنان خواسته شده است تا به پیامبری که به سوی خداوند دعوت می کند، ایمان آورند.

خداشناسی حق طلبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۸۶ – ۸

۸ – وجود نشانه های روشن و غیرقابل انکار الهی ، در نظام شب و روز برای جویندگان حقیقت

إنّ فی ذلک لأیت لقوم یؤمنون

عبارت <قوم یؤمنون>; یعنی، کسانی که دارای زمینه گرایش به حق اند و اگر حق را بیابند به آن ایمان می آورند.

خداشناسی در آفرینش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۸۴ – ۲

۲ – نظام طبیعت ، بستری مناسب برای خداشناسی و ره یافتن به توحید

قل لمن الأرض و من فيها

خداشناسی در انسان های نخستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۹ - ۵

۵ تاریخ شاهد دین داری و گرایش به خدا از روز آغازین پیدایش انسان

و ما کان الناس إلا أمه وحده فاختلفوا

خداشناسی در

تاریخ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۵۹ – ۶

۶ باور به وجود خداوند ، باوری ریشه دار در عمق تاریخ بشر

یقوم اعبدوا اللّه ما لکم من إله غیره

از اینکه نوح(ع)، قوم خویش را به عبادت خداوند دعوت کرد، معلوم می شود وجود خداوند برای آنان امری مسلم بوده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۶۵ – ۷

۷ باور به وجود خداوند ، باوری ریشه دار در تاریخ بشر

یقوم اعبدوا اللّه ما لکم من إله غیره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۷۳ – ۷

۷ باور به وجود خداوند ، باوری ریشه دار در تاریخ بشر

قال یقوم اعبدوا اللّه ما لکم من إله غیره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۸۵ – ۷

۷ باور به وجود خداوند ، باوری ریشه دار در تاریخ بشر

قال یقوم اعبدوا اللّه ما لکم من إله غیره

خداشناسی در طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۰ - ۵،۱۰،۱۲

۵ آفرینش و پدیده های آن ، از منابع و زمینه های شناخت خداوند و صفات او

انّ فی خلق السّموات و الارض و اختلاف الّیل و النّهار لایات

۱۰ صاحبان خرد ناب ، تنها دریابندگان نشانه های الهی در آفرینش

انّ فی خلق السّموات . .. لایات لاولی الالباب

آیات الهی در آفرینش وجود دارد، چه صاحب خردی باشد و یا نباشد. بنابراین <لاولی الالباب>، ناظر به

بهره مندی از آن آیات است. یعنی تنها خردمندان به نشانه بودن آنها پی می برند و دیگران از آن محرومند.

۱۲ اندیشه پیراسته از آلودگی ها و ناخالصی ها ، زمینه ساز درک آیات الهی در آفرینش

انّ فی خلق السّموات . .. لایات لاولی الالباب

خداشناسی شیطان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۱۶ – ۸

۸ – اعتراف شیطان به ربوبیت خداوند بر هستی

کمثل الشیطن إذ قال . .. إنّی أخاف اللّه ربّ العلمین

خداشناسی طبیعت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۴ – ۹

۹ – طبیعت و جهان مادی ، آشنا با خدا و آگاه به مقام الوهیت است .

و إن منها لما یهبط من خشیه اللّه

خداشناسی عاقلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۴ – ۹

۹ تنها صاحبان عقل و فهم بر دریافت ربوبیت خدا و یکتایی او در تدبیر هستی توانایند .

إن فی ذلک لأیت لقوم یعقلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۵ – ۱،۲،۷

۱ – رفت و آمد پی درپی شب و روز و تفاوت تدریجی ساعات آن دو ، نشانه وجود خداوند نزد اهل اندیشه و تفکّر

و اختلف الّیل و النهار و . .. ءایت لقوم یعقلون

<اختلاف. ..> ممکن است ناظر به آمد و شد روز و شب باشد. علاوه بر آن تغییر ساعات روز و شب در طی فصول سال را نیز افاده می کند. در برداشت بالا هر دو نکته مورد نظر است.

۲

– ریزش باران از سمت آسمان و تأمین روزی خلق و حیات زمین در پرتو آن ، آیتی خداوندی برای خردورزان

و ما أنزل اللّه من السماء . .. ءایت

۷ – نقش سازنده حرکت باد ها در شرایط زیستی زمین ، نشانه ای از خداوند برای اهل اندیشه

و تصریف الریح ءایت لقوم یعقلون

خداشناسی عقلی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۹۰ – ۶۸

۶ استدلال بر شناخت صفات خداوند از طریق برهان < انّی >

انّ فی خلق السّموات و الارض و اختلاف الّیل و النّهار لایات

برهان <انّ> یا <انّی>، پی بردن از معلول به علت است و در آیه شریفه، پدیده ها و چگونگی آنها، که معلول خدا و صفات او هستند، نشانه و دلیل خداوند و صفات او معرّفی شده است.

۸ ارزش عقل و نقش آن در شناخت خداوند

لایات لاولی الالباب

<لبّ> به معنای عقل خالص و بدور از وهم و خیال است که از آن می توان به خرد ناب تعبیر کرد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۸ – ۷

۷ – عقل و دل ، دو ابزار کارآمد در وجود انسان برای دستیابی به معارف درست در باره خدا و صفات و افعال او

یجدل فی اللّه بغیر علم و لا هدًی

خداشناسی فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۲ - ۸

۸- اعتقاد درونی فرعون به وجود پروردگاری برای آسمان ها و زمین *

قال لقد علمت ما أنزل هؤلاء إلّا ربّ السموت و الأرض

خداشناسی فرعونیان

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۳۱ – ۷

۷ بیشتر فرعونیان ناآگاه به نقش اراده خداوند در ابتلای آنان به سختی ها و ناخوشایندیها

ألا إنما طئرهم عند اللّه و لکن أکثرهم لایعلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۳۴ – ۷

۷ باور فرعونیان به وجود خدایی برای موسی ، مؤثر در جهان آفرینش و زندگی انسانها

ادع لنا ربک بما عهد عندک

خداشناسی فطری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۸ – ۷

۷ – عقل و دل ، دو ابزار کارآمد در وجود انسان برای دستیابی به معارف درست در باره خدا و صفات و افعال او

یجدل فی اللّه بغیر علم و لا هدًی

خداشناسی قوم ثمود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۶۱ – ۶

۶ قوم ثمود ، به وجود خداوند معتقد بودند .

یقوم اعبدوا اللّه

خداشناسی قوم عاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۵۰ – ۶

۶ قوم عاد ، به وجود خداوند معتقد بودند .

قال یقوم اعبدوا الله ما لکم من إله غیره

خداشناسی قوم نوح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۲۶ – ۵

۵ قوم نوح ، پیش از پیامبری آن حضرت ، به وجود خداوند معتقد بودند .

أن لاتعبدوا إلاّ الله

چنان چه قوم نوح به وجود خداوند معتقد نبودند ، ضروری آن بود که آن حضرت نخستین سخنانش را به اثبات آفریدگار جهان

اختصاص می داد و آن گاه مردمان را به پرستش او فرا می خواند.

خداشناسی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۶ - ۶

۶ - خودشناسی و خداشناسی کافران در تنگنای عذاب جهنم

فی جهنّم خلدون . .. قالوا ربّنا غلبت علینا شقوتنا... ضالّین

خداشناسی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۳ - ۷

۷ کفرپیشگان عصر بعثت به خداوند اعتقاد داشته و شهادت او را پذیرا بودند .

قل کفی بالله شهیدًا بینی و بینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۳ - ۷

۷ - کافران ، از معبود پیامبر (ص) ، شناخت نادرست و تصوری در حد معبود های خویش داشتند .

ما تعبدون . .. ما أعبد

کلمه <ما> در معنایی اعم از عاقل و غیر عاقل به کار می رود، به کار نبردن کلمه <من> که تصریح به عاقل بودن است به جهت بیان این نکته است که مشرکان، معبود پیامبر(ص) را در سطح معبودان خویش می پنداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۵ - ۷

۷ - کافرانِ عصر بعثت ، از خداوند شناختی ناقص و در حد شناخت خدایان خویش داشتند .

و لا أنتم عبدون ما أعبد

کلمه <ما>، بیانگر برداشت یاد شده است.

خداشناسی کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۸ - ۷

۷ - کوه ها ، دارای نوعی شعور و شناخت نسبت به خداوند

یسبّحن

بالعشیّ و الإشراق

خداشناسی گروههای نُه گانه قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۹ - ۲،۳

۲ - فسادانگیزی گروه های نُه گانه مخالف صالح ، علی رغم اظهار اعتقادشان به خدا

یفسدون فی الأرض . .. قالوا تقاسموا باللّه

سوگند خوردن به خدا، حکایت از نوعی باور به خدا دارد.

۳ - اعتقاد سطحی و تقلیدی به خدا ، بی تأثیر در صلاح و سازندگی انسان

یفسدون فی الأرض . .. قالوا تقاسموا باللّه

گروه های مزبور از یک سو به خدا سوگند می خورند و از سوی دیگر برای کشتن پیامبر خدا همدست می شوند و این نشانگر سطحی بودن ایمان آنان و بی ثمر بودن آن است.

خداشناسی متفکران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳ - ۷

۷ تنها صاحبان فکر و اندیشه دلالت هستی (زمین ، کوهها ، نهر ها و . . .) را بر وجود خداوند و مدبّر بودن او درمی یابند .

إن فی ذلک لأیت لقوم یتفکرون

خداشناسی مخلصین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۰ - ۱

۱ - تنها بندگان مخلَص خدا ، عارف به حق خدا و توصیف کننده شایسته او هستند .

سبحن اللّه عمّا يصفون . إلاّ عباد اللّه المخلصين

<إلاّ> استثنای منقطع و به معنای <لكن> است. مستثنی منه نيز در برداشت بالا، ضمير فاعلی <يصفون> دانسته شده است. گفتنی است مقصود و معنای <مخلصين> اين است: <الذين أخلصهم اللّه لنفسه و ولايته; كسانی كه خداوند آنان را برگزيده و در اختيار خود

گرفته و مطیع فرمان خویش ساخته است>.

خداشناسی مردم مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۸ - ۲

۲- شناخت مردم عصر بعثت از خداوند ، شناختی ضعیف و ناقص بود .

و قالوا اتّخذ الرحمن ولدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۱ - ۳

۳- < رحمان > از اسامی و اوصاف خداوند ، و شناخته شده برای مردم عصر بعثت

أن دعوا للرحمن ولدًا

خداشناسی مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۶ - ۳

۳ - شناخت یهود و نصارا از خدا و صفات او ، شناختی ضعیف و ناقص

و قالوا اتخذ اللّه ولداً سبحنه

خداشناسی مسیحیان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۱۰

۱۰ - ضعف بینش و شناخت یهود ، نصارا و مشرکان عصر بعثت ، درباره خداوند

و قال الذین لایعلمون لولا یکلمنا اللّه . .. کذلک قال الذین من قبلهم مثل قولهم

خداشناسی مشرکان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۵۷ – ۲

۲– مشرکان ، معتقد به وجود خداوند

و یجعلون لله البنت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۹۴ – ۹

۹– اصل وجود خدا و نیاز به رسالت ، امری پذیرفته شده حتی در بینش مشرکان

أبعث الله بشرًا رسولاً

از اینکه مشرکان به جای انکار اصل رسالت به استبعاد نبوت بشر پرداختند، می توان استفاده کرد که اصل رسالت و نبوت

برای آنان، امری محرز بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۴

۴ - اعتقاد مشرکان به وجود خداوند

أم یقولون افتری علی اللّه

از این که مشرکان می گفتند: پیامبر(ص) بر خدا دروغ بسته است، استفاده می شود که آنان اصل وجود خدا را پذیرفته بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۹ - ۳

۳ - نشانه های عزت (قاهر بودن) و دانایی آفرید گار جهان ، غیر قابل انکار ، حتی برای مشرکان

و لئن سألتهم . .. لیقولنّ خلقهنّ العزیز العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۸ - ۵

۵- اعتقاد مشرکان به حقیقتی برتر از معبود های خود ، به عنوان خدای هستی

اتّخذوا من دون اللّه قربانًا ءالهه

در معنای <قرباناً> و تقرب، این معنا نهفته است که باید طرفی وجود داشته باشد که به او تقرب جسته شود; یعنی، آلهه متعدد، تنها از آن جهت مورد پرستش قرار گرفته بودند که وسیله تقرب به خدای اصلی تلقی می شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۳ - ۳

۳- تردید مشرکان ، در امکان معاد ، در عین اعتقاد به وجود آفرید گار *

أوَلم یروا أنّ اللّه الذی خلق . .. بقدر علی أن یحیی الموتی

با توجه به این که مخاطب آیه شریفه، مشرکان است و اصل وجود خداوند مسلم شمرده شده و صرفاً برای امکان معاد، برهان آمده است; مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۲۳ – ۲۰

۲۰ – مشرکان ، دارای پندار های نادرست و غلط از خداوند و صفات او

سبحن اللّه عمّا یشرکون

خداشناسی مشرکان جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۶۲ – ۴

۴– مشرکان دوران جاهلیت ، باورمند به خداوند علی رغم اسناد امور ناروا به او

و یجعلون لله ما یکرهون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۲۰ – ۳

۳ – مشرکان عرب جاهلی ، معتقد به خداوند رحمان و مرتبت والای او در مقایسه با دیگر خدایان

و قالوا لو شاء الرحمن ما عبدنهم

از این که مشرکان، عبادت دیگر خدایان را در گرو مشیت خدای رحمان دانسته اند، مطلب بالا استفاده می شود.

خداشناسی مشرکان صدر اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۱۸ – ۱۰

۱۰ – ضعف بینش و شناخت یهود ، نصارا و مشرکان عصر بعثت ، درباره خداوند

و قال الذین لایعلمون لولا یکلمنا اللّه . .. کذلک قال الذین من قبلهم مثل قولهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۲ - ۲

۲ - باورداشت مشرکان صدراسلام ، به اصل وجود خدا و مقدس و محترم بودن او

و أقسموا باللّه جهد أیمنهم

برداشت یاد شده از سوگند مشرکان به <اللّه> استفاده می شود.

خداشناسی مشرکان مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۱ - ۳،۷

۳ - باور مشرکان عصر بعثت به رحمانیت خدای هستی

قل إن کان للرحمن

ولد

۷ – شناخت مشرکان عصر پیامبر نسبت به خداوند با نام < رحمان >

قل إن كان للرحمن

خداشناسی مشرکان مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳۵ – ۷

۷– مشرکان مکه ، علی رغم عقیده به خدایان متعدد ، اظهار عقیده به خداوند کرده و قضای او را در عالم نافذ می دانستند .

و قال الذين أشركوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شيء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳۸ – ۲

۲– مشرکان مکه ، معتقد به وجود خداوند بودند .

و أقسموا بالله جهد أيمنهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۵۲ – ۱۰

۱۰ – اعتقاد مشرکان مکه به وجود خداوند

إن كان من عند اللّه

از ظاهر جمله شرطیه بر می آید که اصل وجود خداوند برای مشرکان، مسلم بوده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۹ – ۲

۲ – مشرکان مکه ، با نبوت پیامبر (ص) و پیام توحیدی آن حضرت در ستیز بودند ، نه منکر وجود آفریدگار عزیز و دانای

جهان .

و لئن سألتهم . .. ليقولنّ خلقهنّ العزيز العليم

با توجه به آيات پيشين كه نوعى خطاب و عتاب نسبت به منكران پيامبر(ص) دارد برداشت ياد شده به دست مى آيد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۷ - ۷

۷ - مشركان مكه ، خداوند را با نام < رحمان > مى شناختند و ياد

می کردند .

بما ضرب للرحمن مثلاً

بنابراین که واژه <رحمان> در آیه شریفه، به خاطر بار معنایی آن نیامده باشد; بلکه صرفاً نقل قول ساده ای از کلام عرب جاهلی باشد که به جای <اللّه> یا هر صفت دیگر برای خداوند کلمه <رحمان> را به کار می بردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۷ - ۱

۱ - اعتقاد مشرکان مکه ، به خالقیت خداوند و توحید در آفرینش

و لئن سألتهم من خلقهم لیقولنّ اللّه فأنّی یؤفکون

از آیه شریفه استفاده می شود که شرک مشرکان، در ناحیه خالقیت خداوند نبوده است; بلکه آنان در ربوبیت، تدبیر، کارگشایی امور و وساطت برای تقرب به خدا، گرفتار شرک بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۸ - ۲

۲- مشرکان مکه ، معتقد به وجود خداوند و در تلاش برای انکار رسالت پیامبراکرم (ص)

أم یقولون افتریه

اتهام افترا و کذب به پیامبر(ص) در زمینه آیات از سوی کافران، نمایانگر این حقیقت است که آنان، در بخشی از ادعاها و جوسازی های خویش، بر وجود خداوند صحه گذاشته بودند; لیکن رسالت پیامبر(ص) و آیات وحی را انکار می نمودند.

خداشناسی مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۲۶

۲۶ مصریان زمان یوسف (ع) ، به خداوند و منزه بودن او ، معتقد بودند .

حش لله

خداشناسی منافقان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۱۳ – ۵

۵ – منافقان ، فاقد

درک نسبت به مقام خداوند

لأنتم أشدّ رهبه فی صدورهم من اللّه ذلک بأنّهم قوم لایفقهون

خداشناسی موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۶ - ۱۱

۱۱ - همه موجودات ، برخوردار از آگاهی و شعور به مقام خداوند هستند .

کل له قنتون

جمع بستن کلمه قانت به وسیله <ون> حکایت از آن دارد که: موجودات آسمانها و زمین - در ارتباط با خداوند - از شعور و آگاهی برخوردار هستند; زیرا صفت مذکر آن گاه این گونه جمع بسته می شود که موصوف از صاحبان عقل و شعور باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۱ - ۳،۱۰

۳ - تمامی موجودات با شعور آسمان ها و زمین ، معترف به وجود خداوند و تنزیه گوی او از هر گونه نقص و ناروایی

ألم تر أنّ اللّه یسبّح له من فی السموت و الأرض

۱۰ - همه موجودات عالم ، آگاه به شایستگی خداوند برای نیایش و تسبیح

کلّ قد علم صلاته و تسبیحه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۳ - ۱۱

۱۱ - علم حضوری و شهودی تمامی موجودات ، نسبت به پروردگار

أوَلم یکف بربّک أنّه علی کلّ شیء شهید

بنابراین که <شهید> به معنای مشهود باشد، برداشت یاد شده قابل استفاده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۲۴ – ۱۱

۱۱ – همه موجودات جهان ، دارای نوعی ادراک نسبت به مقام آفریدگار خویش

یسبّح له ما فی السموت و الأرض

چنانچه مراد از تسبیح، بیانی و گفتاری باشد

و نه صرفاً به زبان حال برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱ - ۳

۳ - معرفت و شناخت خدا ، سرشته در ذات همه موجودات هستی

یسبّح للّه ما فی السموت و ما فی الأرض

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که مراد از تسبیح در آیه شریفه، تسبیح نطقی باشد; نه تسبیح تکوینی

خداشناسی موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۴ - ۵

۵ - موسی (ع) پیش از نبوت و دریافت وحی نیز ، عارف به خداوند و پذیرای ربوبیت او بود .

إنّی أنا ربّک . .. إنّنی أنا اللّه لا إله إلاّ أنا

دو جمله <إنّی أنا ربّک> و <إنّنی أنا اللّه> حکایت از آن دارد که موسی(ع) قبلًا این نام ها را می شناخته و بدان اعتقاد داشته است و در کوه طور به تطبیق <ربّ> و <اللّه> بر صاحب صدا پی برد.

خداشناسی مؤمن آل فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۱۸

۱۸ - مؤمن آل فرعون ، برخوردار از معرفت عمیق نسبت به معارف الهی (مانند خداشناسی ، معاد ، تاریخ و مسؤولیت پیامبران)

إنّی أخاف علیکم مثل یوم الأحزاب . .. یوم التناد ... کذلک یضلّ اللّه من هو مسرف م

خداشناسی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۹ - ۱۵

۱۵ مؤمنان دارای زمینه لازم برای درک آیات خداوند در طبیعت هستند.

و

هو الذی أنزل . .. إن فی ذلکم لأیت لقوم یؤمنون

<ذلکم> اشاره به موارد مذکور در آیه، از قبیل نزول باران، رشد گیاهان، درختان میوه و تشابه و اختلاف آنها و . .. است.

خداشناسی مؤمنان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰ - ۵

۵ بهره مندی مؤمنان از کمال معرفت و شناخت خداوند در بهشت

جنت النعیم. دعویهم فیها سبحنک اللّهم

خداشناسی ناقص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۷ - ۲۱

۲۱ ادعای الوهیت برای غیر خدا ، نشانه ضعف شناخت نسبت به خداوند است .

الذین قالوا . .. و للّه ملک السموت و الارض

خداشناسی ناقص کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۲ - ۴

۴ - شناخت و درک ناقص کافران و مشرکان ، از گستره علم الهی

ظننتم أنّ اللّه لایعلم کثیرًا ممّا تعملون

خداشناسی ناقص مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۷ - ۱

۱ - مشرکان ، خدا را آن گونه که شایسته او است ، نشناخته و ارج ننهادند .

و ما قدروا اللّه حقّ قدره

بیشتر مفسران و اهل ادب جمله <و ما قدروا اللّه. ..> را به معنای <ما عرفوا اللّه> و <ما عظموا اللّه> معنا کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۲ - ۴

۴ - شناخت و درک ناقص کافران و مشرکان ، از گستره علم الهی

ظننتم أنّ اللّه لایعلم کثیرًا ممّا تعملون

خداشناسی ناقص یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۷ – ۵

۵ – یهودیان ، فاقد معرفت و شناخت لازم به خدا و صفات او

أو لایعلمون أن اللّه یعلم ما یسرون و ما یعلنون

خداشناسی نوح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۶۲ – ۱۲

۱۲ نوح (ع) ، آگاه به حقایقی پوشیده از مردم درباره خداوند

و أعلم من اللّه ما لاتعلمون

برداشت فوق بر این اساس است که <من اللّه> به معنای <درباره خدا> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۳۳ – ۹

۹ پاسخ نوح (ع) به عذاب طلبی کفرپیشگان ، پاسخی آمیخته با درس توحید و خداشناسی بود .

فأتنا بما تعدنا . .. قال إنما یأتیکم به الله إن شاء و ما أنتم بمعجزین

خداشناسی هابیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۷ – ۲۲

۲۲ هابیل ، انسانی خداشناس ، پرهیزگار ، آگاه به معارف الهی و برخوردار از ادب و منطق در روابط اجتماعی

قال انما یتقبل اللّه من المتقین

تصـریح نکردن هابیـل به بی تقوایی قابیـل، حاکی از ادب اوست و تبیین علت پـذیرش و رد اعمال، حاکی از انـدیشه منطقی و آشنایی او با معارف الهی است.

خداشناسی یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱۲

۱۲ یعقوب (ع) حقایقی را درباره خدا و صفات او می دانست که بر دیگران پوشیده و مستور

بود .

و أعلم من الله ما لاتعلمون

برداشت فوق ، بر این اساس است که <من الله> به معنای درباره خدا باشد. بر این اساس مراد از <ما لاتعلمون> صفات و ویژگیهای خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۱۳

۱۳ یعقوب (ع) حقایقی را درباره خدا و صفات او می دانست که بر دیگران پوشیده و مستور بود .

ألم أقل لکم إنی أعلم من الله ما لاتعلمون

برداشت فوق بر این اساس است که <من الله> به معنای <درباره خدا> باشد. بر این اساس مقصود از <ما لاـتعلمون> صفات و ویژگیهای خداوند است.

خداشناسی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۱ - ۷

۷ یوسف (ع) و برادرانش به نقش بسزای خداوند در امور بشر و روند تاریخ ، معتقد بودند و بدان باور داشتند .

قد منّ الله علینا . .. لقد ءاثرک الله علینا

خداشناسی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۶ - ۳

۳ - شناخت یهود و نصارا از خدا و صفات او ، شناختی ضعیف و ناقص

و قالوا اتخذ اللّه ولداً سبحنه

خداشناسی یهود صدر اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۱۸ – ۱۰

۱۰ – ضعف بینش و شناخت یهود ، نصارا و مشرکان عصر بعثت ، درباره خداوند

و قال الذین لایعلمون لولا یکلمنا اللّه . .. کذلک قال الذین من قبلهم مثل قولهم

دلایل خداشناسی

جلد – نام سوره – سوره – آیه

- فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۰ - ۶

۶- پی بردن از طریق پدیده ها به پدید آورنده (برهان إنّْ) ، از برهان های رسولان الهی برای اثبات وجود خداوند

أفی الله شکّ فاطر السموت و الأرض

نفی تردید از خالقیت خداوند نسبت به آسمانها و زمین، در حقیقت بدین جهت است که با توجه دادن مردم به پدیده بودن آسمانها و زمین، آنان واقف به نیازشان به پدید آورنده خواهند شد و این، عین استفاده از برهان إنّْ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۹ - ۵

۵- نگرش دقیق به آفرینش ، راهی برای شناخت آفریدگار عالم است .

ألم تر أن الله خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۳ - ۱۰

۱۰- دریا ها ، رودخانه ها ، خورشید ، ماه و شب و روز ، هر کدام آیتی مستقل برای خداشناسی و برطرف کننده نیازی از نیاز های انسان

و سخّر لکم الفلك . .. و سخّر لکم الأنهر . و سخّر لکم الشمس و القمر دائبین و

راههای خداشناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۲ - ۵

۵ احکام الهی ، نشانه های خداوند برای شناخت او

یبیّن اللّه لکم ایاته

مراد از <آیات> (نشانه ها) احکام الهی است ; چون <کذلك> اشاره به احکام گذشته دارد; بنابراین هر حکم الهی،

نشانی از او دارد.

روش خداشناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۰ - ۴

۴- توجه

به مخلوق بودن پدیده های عالم ، تردیدی در وجود خداوند باقی نمی گذارد .

أفی الله شکّ فاطر السموت و الأرض

استفهام در آیه، انکاری است; بنابراین معنا چنین می شود: شکی در اینکه خداوند خالق آسمانها و زمین است، نیست و چون اینها پدیده هستند به پدید آورنده نیاز دارند. بنابراین با عنایت و توجه عقلی، شکی در وجود خداوند باقی نمی ماند.

روش خداشناسی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۸ - ۵

۵ - مأموریت یافتن هامان از سوی فرعون ، به تهیه آجر و ساختن برجی بلند جهت تحقیق وی درباره خدای موسی

فأوقد لی یهمن علی الطین فاجعل لی صرحًا لعلّی أطّلع إلی إله موسی

<صرح> به هر بنای بلند و برافراشته گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۷ - ۳،۴،۸،۱۵

۳ - فرعون ، مدعی شد که به منظور اطلاع یافتن از خدای موسی (ع) در آسمان ها ، فرمان ساختن بنای بلند و رصدخانه را صادر کرده است .

أسبب السموت فأطّلع إلی إله موسی

۴ - تصور نادرست فرعون ، از حقیقت خداوند و اعتقاد باطل وی به وجود او در آسمان ها و انحصار راه خدا شناسی در محسوسات

أسبب السموت فأطّلع إلی إله موسی

از این که فرعون برای کسب اطلاع از خداوند، به کاوش در آسمان ها پرداخت، این مطلب به دست می آید که او خدا را موجودی می دانست که اولاً در آسمان ها جای دارد نه در زمین، ثانیاً از راه های محسوس آسمانی (أسباب السماوات) قابل شناخت

است.

۸ – ساختن بنای بلند و رصدخانه ، به منظور اطلاع یافتن از خدای موسی (ع) ، رفتار زشتی بود که فرعون آن را زیبا و آراسته می یافت .

ابن لی صرحًا . .. فأطّلع إلی إله موسی ... و کذلک زیّن لفرعون سوء عمله

۱۵ – کار ساز نبودن مکر و حیله فرعون در ساختن بنای بلند ، به بهانه اطلاع یافتن از خدای موسی (ع) و اثبات دروغ گو بودن او

یهمن ابن لی صرحًا. .. فأطّلع إلی إله موسی... و ما کید فرعون إلاّ فی تباب

برداشت یاد شده به این خاطر است که از مصادیق اصلی <کید فرعون> ساختن بنای بلند می باشد.

زمینه خداشناسی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۹۷ – ۱۸

۱۸ جامعه قوام یافته در پرتو تعالیم دین ، جامعه ای آماده برای شناخت خداوند و صفات او

قیماً للناس . .. یعلم ما فی السموت و ما فی الارض و إنّ اللّه بکل شیء علیم

برداشت فوق بر این اساس است که <ذلک> اشاره به <قیماً للناس> باشد. یعنی هدف از اینکه خداوند می خواهد جامعه انسانی دارای ثبات باشد این است که زمینه خداشناسی و علم انسانها به اسماء و صفات الهی فراهم آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۷۶ – ۳

۳– مطالعه در آثار گذشتگان و تمدن امت های پیشین و شناخت آنها (باستان شناسی) ، به منظور درس آموزی و خداشناسی ، امری شایسته و بایسته

فأخذتهم الصیحه . .. فجعلنا علیها سافلها ... إن فی

ذلک لأیت ... و إنها لبسبیل م

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۷۷ – ۴

۴– فراز های یاد شده از ماجرای قوم لوط در قرآن ، همگی پند دهنده و آموزنده درس های خداشناسی است .

و نبّئهم عن ضیف إبرهیم . .. إن فی ذلک لأیت للمتوسّمین ... إن فی ذلک لأیه للمؤمن

زمینه خداشناسی جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۱۲ – ۳

۳ – نزول قرآن ، موجب معرفت جن نسبت به جایگاه خداوند در جهان هستی و شناخت موقعیت ضعیف و پوچ خود

و أنّا ظننّا أن لن نعجز اللّه فی الأرض و لن نعجزه هربًا

فطرت خداشناسی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۳۱ – ۱۰

۱۰ – < من زراره قال سألت أباجعفر (ع) من قول اللّه < حنفاء للّه غیر مشرکین به > ما الحنفیه قال : هی الفطره التی فطر الناس علیها ، فطر اللّه الخلق علی معرفته ;

زراره گوید: از امام باقر(ع) پرسیدم که[منظور از]<حنفیت> در قول خداوند <حنفاء للّه غیر مشرکین به> چیست؟ فرمود: همان فطرتی است که خدا مردم را بر آن خلق کرده است. خدا خلق را بر معرفت خود، آفریده است>.

منشأ خداشناسی انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۷۲ – ۷

۷ آگاهی انسان در نشئه حجاب به ربوبیت خداوند ، برخاسته از آگاهی او در نشئه شهود است .

أشهدهم على أنفسهم . .. أن تقولوا يوم القيمه

إنا کنا هذا غفلین

<أن تقولوا . .. > به تقـدیر <لاـم> و <لاـ>ی نـافیه است. یعنی <لأـن لاـ تقولوا> (ما مسأله اشـهاد را عملی کردیم تا روز قیـامت نگوییـد از ربـوبیت خـدا غافـل بودیم.) این تعلیـل می رسانـد که اگر مسـأله اشـهاد نبود، حجت بر انسانهـا تمـام نبود و خداونـد آنهـا را به خـاطر غفلت از ربوبیتش مؤاخـذه نمی کرد. از لوازم این معنـا آن است که آگاهی بالفعل انسانها نسـبت به خدا به خاطر مسأله اشهاد می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۳ - ۳

۳ در صورتی که واقعه اشـهاد و اقرار به ربوبیت خـدا تحقق نمی یافت ، آدمیان در حیات دنیا به ربوبیت و وحدانیت خدا آگاه نمی شدند .

و أشهدهم علی أنفسهم . .. أو تقولوا إنما أشرک ءاباؤنا

خداجویی

آثار تداوم خداجویی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۳ - ۷

۷ - حفظ روحیه توبه و خداجویی تا پایان عمر ، شرط ره جویی به بهشت *

و أُزلفت الجنّه . .. و جاء بقلب منیب

تعبیر <جاء> می توانـد اشاره به این نکته باشد که اگر کسـی، برهه ای از عمر را با قلب منیب بگذراند; ولی آن را در نهایت از دست داده و نتواند آن را در صحنه قیامت به همراه آورد، برخوردار از بهشت نخواهد بود.

خداجویی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۳ - ۶

۶ - تقواپیشگان و ره جویان به بهشت ، دارای قلبی خداجو و تائب

و أَزلفت الجنّه

للمتّقين . .. و جاء بقلب منيب

خداجویی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۳ - ۶

۶ - تقواپیشگان و ره جویان به بهشت ، دارای قلبی خداجو و تائب

و أُزلفت الجنّه للمتّقین . .. و جاء بقلب منیب

فطرت خداجویی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۷ - ۴

۴ - خداجویی ، گرایش فطری در نهاد هر انسان است .

و إنّهم لیصدّونهم عن السبیل

از این مطلب که شیاطین مانع بازگشت اعراض کنندگان از یاد خدا هستند، استفاده می شود که انسان ها حتی غافلان و حق گریزان زمینه و تمایل به روی آوردن به سوی خدا را دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۴

۴ انسان ، بر فطرت خداجویی و مسیر حق پویی است .

لاتخذن من عبادك نصیباً مفروضاً. و لاضلنهم

گمراه کردن، که از جمله <لاضلنهم> استفاده می شود، باید مسبوق به هدایت باشد تا گمراه کردن صدق کند و هدایت مسبوق به گمراهی نسبت به تمامی انسانها هدایت فطری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۷ - ۲

۲- تنگنـا هـای زنـد گی و لحظه های خطرآفرین که هیـچ امیـدی به رهایی از آنها نیست ، بیـدار گر فطرت خـداجویی در نهاد انسان

و إذا مسّکم الضرّ . .. ضلّ من تدعون إلاّ إیّاه

ذکر گرفتـاری در دریـا در میـان ابتلاهای فراوانی که ممکن است انسانها را گرفتار کنـد، به این جهت است که در تلاطم دریا امیدی

برای نجات و رهایی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۵ - ۴

۴ - احساس خطر ، زمینه بیدار شدن فطرت خداجوی آدمی است .

فإذا رکبوا فی الفلک دعوا اللّه مخلصین له الدّین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۳ - ۷

۷ - فطرت خداجویی ، قوی ترین گرایش در وجود انسان ها است .

و إذا مسّ الناس ضرّ دعوا ربّهم منیبین إلیه

از این که انسان ها، در تماس با دشواری هاو مشکل ها، به خدا روی می آورند، نشان دهنده این گرایش قوی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳ - ۱۳

۱۳ - خداجویی ، امری نهفته در دل های مشرکان

أولیاء ما نعبدهم إلاّ لیقرّبونا إلی اللّه زلفی

از این که مشرکان هدف از پرستش معبودهایشان را، تقرب به خدا دانسته اند، می توان مطلب بالا را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۳ - ۱۰

۱۰ - خداجویی ، گرایش فطری انسان ها است .

سنریهم . .. و فی أنفسهم حتّی یتبیّن لهم أنّه الحقّ

برداشت یاد شده بر این اساس است که ضمیر <أنّه> به خدا بازگردد.

خدمات از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خدمات

اجاره خدمات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۲ - ۱۱

۱۱ - اجیر شدن و اجیر گرفتن و بهرهوری انسان ها از توان یکدیگر ، امری مجاز و مشروع

لیتّخذ بعضهم بعضًا سخریًّا

با توجه به واژه <سخریّاً> (استخدام شده) و این که خداوند

آن را فلسفه عمل خويش قرار داده، مطلب بالا برداشت مى شود.

خدمات اجتماعى مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳ - ۷

۷ - رابطه با خدا ، اساس خدمات اجتماعى مؤمنان

الذين يقيمون الصلوه و يؤتون الزكوه

تقدم نماز (رابطه فرد با خدا) بر زكات مى تواند ناظر به مطلب ياد شده باشد.

خدمات انبيا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۱۹

۱۹ تأمين سعادت جامعه در پرتو ايمان ، خدمات انبيا و تلاش عدالتخواهان است .

انّ الّذين يكفرون . .. فبشّرهم بعذاب اليم

نبود ايمان، انبيا و مصلحان در جوامع موجب رنج و بدبختى است، معلوم مى شود وجود آنها زمينه ساز سعادت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۴۸ - ۸

۸ ايمان و عمل شايسته و رسيدن به امنيت خاطر، دستاوردهاى رسالت انبيا

و ما نرسل المرسلين إلا . .. فمن ءامن و أصلح فلا خوف عليهم و لا هم يحزنون

خدمات جادوگران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۳ - ۶

۶ خدمت فن سحر و ساحران به حکومت های باطل

و جاء السحره فرعون

خدمات عدالتخواهان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۲۱ – ۱۹

۱۹ تأمین سعادت جامعه در پرتو ایمان ، خدمات انبیا و تلاش عدالتخواهان است .

انّ الّذین یکفرون . .. فبشّرهم بعذاب الیم

نبود ایمان، انبیا و مصلحان در جوامع موجب رنج و بدبختی

است، معلوم می شود وجود آنها زمینه ساز سعادت خواهد بود.

زمینه خدمات متقابل در جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۲ - ۸

۸ - طبقات مختلف اجتماعی و تفاوت سطح زندگی آنان ، در جهت گردش نظام اجتماعی و بهرهوری انسان ها از نیروی خدماتی یکدیگر است .

و رفعنا بعضهم . .. بعضًا سخريًّا

عوامل تاثیر خدمات دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۱ - ۳

۳ - دعا در اثر بخشی خدمات دیگران به پیشبرد اهداف نظراتشان ، مؤثر است .

أشدّد به أزری

خواسته موسی از خداوند این بود که هارون(ع) را وسیله قوت یافتن او قرار دهد، چنین خواسته ای حاکی از این است که موسی(ع) می دانست دعای او در ثمربخشی تلاش هارون بی اثر نیست.

یوسف(ع) و خدمات زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱۲

۱۲ یوسف (ع) به پاس خدمات زلیخا به او ، شکایتی علیه وی به پادشاه نکرد .

فسئله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

با وجود اینکه زلیخا نیز همانند دیگر زنان اشراف در گرفتاریهای یوسف(ع) و متهم ساختن او نقشی بسزا داشت، ولی یوسف(ع) از او نام نمی برد و علیه او سخنی به پادشاه نمی گوید. به نظر می رسد دلیل این امر خدماتی است که زلیخا در

عهد کودکی و نوجوانی یوسف(ع) برای وی انجام داده بود.

خدمتگزاران دینی

تشکر از خدمتگزاران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ -

۱۴ - ۹۹

۱۴ لزوم دعا و قدردانی رهبر جامعه اسلامی نسبت به انفاقگران و انجام دهندگان خدمات دینی

و یتخذ ما ینفق . .. صلوت الرسول

از اینکه پیامبر (ص) برای انفاقگران دعا می کرد و این را خداوند به عنوان یک ارزش ذکر کرده است، برداشت فوق استفاده می شود.

دعا برای خدمتگزاران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۹ - ۱۴

۱۴ لزوم دعا و قدردانی رهبر جامعه اسلامی نسبت به انفاقگران و انجام دهندگان خدمات دینی

و یتخذ ما ینفق . .. صلوت الرسول

از اینکه پیامبر (ص) برای انفاقگران دعا می کرد و این را خداوند به عنوان یک ارزش ذکر کرده است، برداشت فوق استفاده می شود.

خرافات از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خرافات

آثار ترویج خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۴

۴ - داستان های خرافی و سرگرمی های واهی ، ابزار کافران برای مبارزه با دین بود .

و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضلّ عن سبیل اللّه

آثار خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۷ - ۸

۸ - اندیشه های خرافی ، مانع از درک واقعیت امور و تحلیل صحیح آنها

قالوا اطّیّرنا بک و بمن معک . .. بل أنتم قوم تفتنون

ثمودیان به جای درک ریشه واقعی مشکلات خود، آن را به وجود صالح(ع) و بدیمنی او نسبت می دادند; در حالی که تأثیر وجود فیزیکی یک فرد در سرنوشت یک ملت آن هم به گونه ای که ثمودیان می پنداشتند چیزی جز خرافه نبود.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۳ - ۳

۳ - تأثیر عقاید و باور های خرافی نیاکان ، در گرایش های انحرافی آیندگان *

سمّیتموها أنتم و ءاباؤکم

برداشت یاد شده بدان احتمال که ذکر <آباؤکم> اشاره به این داشته باشد که مشرکان، تحت تأثیر عقاید خرافی نیاکان خویش، به بت پرستی گرویدند.

آثار عقیده به خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۰ - ۱۱

۱۱ موهومات و عقاید خرافی از مشکلات تبلیغ توحید

و لا أخاف ما تشرکون به

اجتناب از خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۲

۲ ضرورت پرهیز از آلوده سازی دین خدا به امور باطل ، خرافی و بازدارنده از سعادت واقعی انسان

الذین اتخذوا دینهم لهواً و لعباً

استهزای خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۲ - ۴

۴ - تمسخر مظاهر شرک و عقاید باطل و خرافی ، امری جایز است .

فراغ إلی ءالهتهم فقال ألا تأکلون . ما لکم لاتنطقون

اسلام و خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۲۳

۲۳ دین اسلام احیاگر ارزش ها و پاکی ها و به دور از تکالیف شاق و خرافه های اسارتبار است .

یحل لهم الطیبت و یحرم . .. و یضع عنهم إصرهم و الأغلل التی کانت علیهم

اهمیت مبارزه با خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳

- ۳

۳ لزوم زدودن شبهات و مبارزه با خرافات، از طریق تبیین و توضیح کامل

ثمنیه ازوج من الضأن اثنین

ذکر تفصیلی مصادیق هشتگانه چهارپایان با ترسیم صورتهای گوناگون آن شاید به منظور قلع شبهه و تخریب کامل بنیان آن باشد.

بی حرمتی خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۶ - ۷

۷ - مظاهر شرك و عقاید خرافی ، فاقد تقدس و حرمت

فقال ألا تأكلون . .. فراغ علیهم ضربًا بالیمین ... و اللّه خلقكم و ما تعملون

تبری از خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۴ - ۷

۷ اعلام انزجار از عقاید باطل و خرافی ، گامی ضروری برای مبلغان دین

قال إنی أُشهد الله . .. أنی بریءٌ مما تشركون

خرافات در اهل انطاكیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۸ - ۵

۵ - جهان بینی و عقاید مردم انطاكیه ، متكی بر خرافات بود .

قالوا إنّا تطیّرنا بكم

تردیـدی نیست که عقیده به فال، عقیده ای خرافی است و اعتقاد مردمِ انطاکیه به آن تا مرز سـنگسار و شـکنجه کردن پیامبران الهی، گویای حقیقت یاد شده است.

خرافات در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۶ - ۱

۱ اعراب جاهلی ، مردمانی بودند کوته نظر ، خرافاتی و پیرو موهومات .

فما لکم کیف تحکمون. و ما یتبع أکثرهم إلا ظناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۹ - ۴

۴ - مشرکان

، گرفتار عقایدی خرافی و فاقد هرگونه برهان و دلیل

فليأت مستمعهم بسلطن مبين . أم له البنت و لكم البنون

از ارتباط این آیه با آیه قبل، مطلب بالا استفاده می شود. بدین معنا که این آیه، ارائه دهنده نمودی از بی برهانی کافران در اعتقادات خویش است.

خرافات در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۳ - ۴

۴- اطلاعات مردم عصر بعثت از اصحاب کهف و سرگذشت آنان ، اطلاعات غیر واقعی و آمیخته با خرافات بود .

نحن نقصّ عليك نبأهم بالحقّ

قید <بالحقّ> تعریضی است که به ناقلان سرگذشت اصحاب کهف و بیان کننده این که نقل آنان، آمیخته به اموری غیر واقعی و خرافی است.

خرافات در قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۰ - ۱۰

۱۰ ترس موهوم و خرافی قوم ابراهیم از معبودهای پنداری خویش، از عوامل پافشاری آنان بر شرک خویش بود.

و لا أخاف ما تشركون به

خرافات در مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۲۱،۲۲

۲۱ ر ها ساختن مردم (یهود ، نصارا و . . .) از تکالیف شاق و زنجیر های خرافات ، از نشانه های موجود در تورات و انجیل برای شناسایی پیامبر (ص)

الذی یجدونه . .. یضع عنهم إصرهم و الأغلل التی کانت علیهم

۲۲ یهود و نصارا در قبل از اسلام ، مبتلا به تکالیفی مشقتبار و گرفتار در دام خرافات و بدعت های فراوان دینی بودند .

و یضع عنهم

إصرهم و الأغلل التی کانت علیهم

جمع آوردن <اغلال> حکایت از گستردگی بدعتها و خرافات دارد.

خرافات در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۱۷

۱۷ خرافه گویی و جمود و تحجر یهود *

الّذین قالوا انّ اللّه عهد الینا الّا نؤمن لرسول حتی یاتینا بقربان تأکله النّار

۱ ظاهر جمله <الّا نؤمن لرسول>، این است که خداوند به ما دستور داده به کسی که فلان معجزه خاص را ندارد، ایمان نیاوریم، هر چند حقیقتاً پیامبر باشد. چون نگفتند <الّا نؤمن لمدعی الرّساله>، و این معنا که به فرض نبوت، ایمان نیاورید اگر فلان معجزه خاص را نداشت، خرافه ای بیش نیست. ۲ بر فرض که چنین عهدی باشد، آنان باید بیندیشند که قربانی کذایی، معجزه ای است برای کشف صادق از کاذب، نه اینکه موضوعیّت داشته باشد و اصرار به این معنا حاکی از جمود و تحجّر یهود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۲۱،۲۲

۲۱ ر ها ساختن مردم (یهود ، نصارا و . . .) از تکالیف شاق و زنجیر های خرافات ، از نشانه های موجود در تورات و انجیل برای شناسایی پیامبر (ص)

الذی یجدونه . .. یضع عنهم إصرهم و الأغلل التی کانت علیهم

۲۲ یهود و نصارا در قبل از اسلام ، مبتلا به تکالیفی مشقتبار و گرفتار در دام خرافات و بدعت های فراوان دینی بودند .

و یضع عنهم إصرهم و الأغلل التی کانت علیهم

جمع آوردن <اغلال> حکایت از گستردگی بدعتها و

خرافات دارد.

زمینه خرافات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۲۷ – ۴

۴ – ناباوری به معاد ، زمینه ساز پیدایش و رشد عقاید خرافی و انحرافی در دین

إنّ الذین لایؤمنون بالأخره لیسمّون الملئکه تسمیه الأُنثی

از این که عـدم ایمـان به آخرت، موضوع برای عقایـد انحرافی و خرافی مشـرکان قرار داده شـده است، مطلب بالا اسـتفاده می شود.

زمینه گرایش به خرافات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۴ – ۱۰

۱۰ احترام و اهمیت دادن به سنت های پیشینیان از عوامل گرایش جوامع به خرافات

ما جعل اللّه من بحیره . .. قالوا حسبنا ما وجدنا علیه ءاباءنا

سرزنش عقیده به خرافات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۵۰ – ۲۱

۲۱ نیندیشیدن درباره محدوده قدرت و وظایف پیامبران و خرافه گویی درباره آنان، مورد نکوهش خداوند

قل لا أقول لکم عندی خزائن اللّه . .. أفلاتتفکرون

عقیده به خرافات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۱۸ – ۵

۵ – جهان بینی و عقاید مردم انطاکیه ، متکی بر خرافات بود .

قالوا إنّا تطيّرنا بكم

تردیـدی نیست که عقیده به فال، عقیده ای خرافی است و اعتقاد مردمِ انطاکیه به آن تا مرز سـنگسار و شـکنجه کردن پیامبران الهی، گویای حقیقت یاد شده است.

قرآن و خرافات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۵۲ – ۵

۵ قرآن ، ارائه کننده دینی به دور از هر گونه

باطل و مبرا از امور واهی و بازدارنده از سعادت انسان

الذین اتخذوا دینهم لهواً و لعباً . .. و لقد جئنهم بکتب فصلنه

کتب آسمانی و خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۱ - ۵

۵ - کتاب های آسمانی ، منادی توحید و پیراسته از عقاید و باور های خرافی و شرک آلود

و قالوا لو شاء الرحمن . .. أم ءاتینهم کتبًا من قبله

آیه شریفه پس از طرح عقاید شرک آلود و خرافی مشرکان می گوید: این اندیشه ها در هیچ یک از کتاب های پیشین نیامده است. از این نکته مطلب بالا استفاده می شود.

مبارزه با خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۱۰

۱۰ - مبارزه اسلام با آداب و رسوم نادرست و خرافی عصر جاهلیت

و لیس البر بأن تأتوا البیوت من ظهورها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۳ - ۸

۸ لزوم مبارزه با اندیشه های خرافی و احکامی که به دروغ به خداوند نسبت داده می شود

ما جعل اللّه . .. و لکن الذین کفروا یفترون علی اللّه الکذب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۶ - ۷

۷ روح دین الهی در صدد برداشتن موانع خرافی در راه استفاده از مواهب و نعمتهای الهی است.

و قالوا هذه أنعم و حرث . .. قل ءالذکرین حرم ... و علی الذین هادوا حرمنا

محور بحث از آیه ۱۳۸ تا ۱۴۵ درباره تحریمهای خرافی و بی جای مشرکان

است. آیه ۱۴۶ بیان حکمی استثنایی است که همان تحریم برخی مواهب بر یهود است. از این حکم استثنایی، که به سبب تجاوزکاری یهود بر آنان وضع گردیده، این مطلب که روح ادیان الهی در نقطه مقابل تحریمهای بی جا قرار دارد، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۲۰،۲۱

۲۰ برداشتن تکالیف شاق ، گسستن زنجیر های جهل و خرافه و زدودن بدعت های دینی از وظایف پیامبر (ص) در انجام رسالت خویش

و یضع عنهم إصرهم و الأغلل التی کانت علیهم

<إصر> به معنای عهد و پیمان سنگین و نیز به هر چیز دشوار و طاقت شکن گفته می شود. در آیه شریفه بدین مناسبت که در مقام بین تشریع احکام از سوی پیامبر(ص) است، مراد از آن تکالیف مشقتباری است که امتهای گذشته بدانها پایبند بوده اند. غُلّ (مفرد اغلال) به معنای طوق و زنجیری است که به گردن و یا دستها بسته می شود و مراد از آن جهل و خرافه و بدعت و مانند اینهاست.

۲۱ ر ها ساختن مردم (یهود ، نصارا و . . .) از تکالیف شاق و زنجیر های خرافات ، از نشانه های موجود در تورات و انجیل برای شناسایی پیامبر (ص)

الذی یجدونه . .. یضع عنهم إصرهم و الأغلل التی کانت علیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۱۰ - ۲

۲- پیامبر (ص) مأمور پیش گیری از خرافه پردازی کوتاه فکران درباره شخصیت اش است .

قل إنّما أنا

بشر مثلكم

فرمان <قل إنّما. ..> به قرينه ذيل آيه از آن جهت صورت گرفته است كه جلوى توهّمات شـرك آلود جاهلان گرفته شود و براى پيامبر(ص) رتبه اى خارج از پيامبرى در نظر گرفته نشود، مانند آنچه مسيحيان درباره <مسيح> پنداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۵۲ - ۵

۵- مبارزه با انديشه هاى خرافى و شرك آلود ، تبلور رشد و كمال ابراهيم (ع) بود .

و لقد ءاتينا إبرهيم رشده . .. إذ قال لأبيه و قومه ما هذه التماثيل

; يعنى، اعطاى رشد به ابراهيم(ع) هنگامى بود كه او به پدر و قومش گفت. ...

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۱ - ۱

۱ - لزوم آگاهى بخشيدن به مردم درباره عقايد خرافى

ألا إنّهم من إفكهم ليقولون

از به كار رفتن <ألا> كه براى تنبيه است برداشت بالا استفاده مى شود.

محمد(ص) و خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۱۰ - ۲

۲- پيامبر (ص) مأمور پيش گيرى از خرافه پردازى كوتاه فكران درباره شخصيت اش است .

قل إنّما أنا بشر مثلكم

فرمان <قل إنّما. ..> به قرينه ذيل آيه از آن جهت صورت گرفته است كه جلوى توهّمات شـرك آلود جاهلان گرفته شود و براى پيامبر(ص) رتبه اى خارج از پيامبرى در نظر گرفته نشود، مانند آنچه مسيحيان درباره <مسيح> پنداشتند.

منشأ خرافات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۱۹ – ۹،۱۷

شیطان ، رواج دهنده اندیشه ها و گرایش های خرافی در جامعه

و لامرنهم فلیبتکن ءاذن الأنعم

۱۷ دوری شیطان از رحمت الهی ، زمینه اغواگری و ترویج خرافه پرستی و فساد از ناحیه او

لعنه اللّه و قال . .. لاضلنهم و لامنینهم و لامرنهم فلیبتکن ءإذان الأنعم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۲۰ – ۷

۷ – حدس و گمان ، سرچشمه اصلی باور های خرافی و جاهلانه

إن هم إلّا یخرصون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۲۳ – ۸

۸ – شرك و باور های خرافی مشركان ، برخاسته از هوا و هوس و اغراض آلوده آنان

إن یتّبعون إلّا الظنّ و ما تهوی الأنفس

موانع خرافات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۳ – ۱۶

۱۶ تعقل اكثریت مردم هر جامعه مانع رواج بدعت ها و خرافات در آن جامعه خواهد شد .

و لكن الذین كفروا یفترون علی اللّه الكذب و اكثرهم لایعقلون

موجبات نجات از خرافات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۴ – ۴

۴ پیروی از قرآن و رسول خدا عامل رهایی از افکار و اندیشه های خرافی

ما جعل اللّه من بحیره . .. تعالوا إلی ما أنزل اللّه و إلی الرسول

خرما از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خرما

آثار ذکر رویش درخت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۹ - ۳

۳ - توجّه به روییدن درختان زیتون و خرما و تأثیر آنها در تغذیه انسان ،

زمینه ساز شناخت خدا و مانع کفر به او است .

ما أکفره . .. و زیتونًا و نخلاً

ارزش خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۶ - ۸

۸ خرما و انگور ، دارای ارزش ممتاز در میان دیگر میوه ها و از نمونه های بارز فراوانی ثمر *

له جنّه من نخیل و اعناب

از اختصاص به ذکر این دو میوه از میان سایر میوه ها، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱ - ۵

۵- زیتون ، خرما و انگور دارای ارزشی ویژه

ینبت . .. و الزیتون و النخیل و الأعنب و من کلّ الثمرت

نامبردن از این سه میوه در بین انبوه میوه ها، می تواند به جهت ارزش ویژه این میوه ها از نظر خواص نسبت به میوه های دیگر باشد.

اهمیت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۰ - ۴

۴ - خرما ، انگور و زیتون ، اهمیت ویژه ای در تغذیه انسان دارند .

فأنشأنا لکم . .. من نخیل و أعنب ... و شجره ... صبغ للأکلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۰ - ۳

۳ اهمیت نخل و خرما ، در میان درخت ها و میوه ها

فأنبتنا به جنّت . .. و النخل باسقت لها طلع نضید

برداشت بالا ـ با توجه به این نکته است که از میان همه درختان، <نخل> یاد شده است. البته بعید نیست که این انتخاب با توجه به جغرافیای سرزمین وحی

صورت گرفته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۱ - ۲

۲ اهمیت خرما و درخت های نخل ، در تغذیه آدمیان *

و النخل باسقت . .. رزقًا للعباد

از این که <النخل> به گونه مجزّا یاد شده است، اهمیت خرما در تغذیه خلق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۱ - ۴

۴ - خرما ، دارای اهمیتی ویژه برای تغذیه انسان در مقایسه با سایر میوه ها

فیها فکهه و النخل ذات الأکمام

در صورتی که واژه <فاکهه> شامل خرما نیز بشود، مورد توجه قرار گرفتن دو مرتبه نخل ها، می توان مطلب بالا را به دست آورد.

اهمیت درخت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۱ - ۲

۲ اهمیت خرما و درخت های نخل ، در تغذیه آدمیان *

و النخل باسقت . .. رزقًا للعباد

از این که <النخل> به گونه مجزّا یاد شده است، اهمیت خرما در تغذیه خلق استفاده می شود.

باغهای خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۴ – ۳

۳ زمین جایگاه درختان خرما ; درختانی که به یک ریشه روییده اند و درختانی که ریشه های جدا دارند .

و فی الأرض . .. نخیل صنوان و غیر صنوان

<نخیل> (جمع نخل) و به معنای درختان خرماست. <صنوان> (جمع صنو) به چند درخت خرما گفته می شود که دارای یک ریشه باشند و به هر یک از آن درختان <صنو> می گویند.

پوشش خوشه های خرما

جلد – نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۱ - ۵

۵ - پوشش زیبای خوشه های خرما توسط غلاف ، جلوه ای از رحمت گسترده خداوند

الرحمن . .. فيها فكهه و النخل ذات الأكمام

تشبیه به تنه درخت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۷ - ۲

۲ - قوم عاد بر اثر باد ، مانند تنه های پوک و افتاده درختان خرما از پای درآمدند .

فترى القوم فيها صرعى كأنّهم أعجاز نخل خاويه

<صریع> (مفرد <صرعی>) به معنای چیز افکنده شده بر زمین و <أعجاز> به معنای ساقه های ریشه دار در زمین (تنه ها) است. <خاویه>; یعنی، شیء خالی و نیز به معنای شیء افتاده بر زمین آمده است.

تشبیه به خوشه خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۹ - ۳

۳ - ماه ، پس از طی منزل های خود در ۲۸ روز ، مانند شاخه خشکیده خرما می شود .

و القمر قدّرنه منازل حتّى عاد كالعرجون القديم

<عرجون> (از ماده <عرجن>) به معنای شاخه خوشه خرما است که از درخت جدا شده باشد و پس از چندی زرد گشته و به شکل هلال درآمده باشد. گفتنی است صفت <قدیم> اشاره به پژمردگی و کهنگی آن شاخه دارد.

تشبیه به درخت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۰ - ۲

۲ – اجساد قوم عاد ، پس از عذاب ، همانند نخل های ریشه کن شده از اعماق خاک

تنزع الناس كأنّهم أعجاز نخل منقعر

<عجز> (مفرد <أعجاز>)به

معنای تنه و <منقعر> به معنای کنده شده از ریشه است (مختارالصحاح).

تنوع فرآورده های خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۷ - ۳

۳- درختان خرما و انگور ، دارای محصولات و فرآورده های گوناگون

و من ثمرت النخیل و الأعنب تتّخذون منه سکرًا و رزقًا حسنًا

تهیه خمر از خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۷ - ۴

۴- تهیه شراب از خرما و انگور ، در صدر اسلام رواج داشت .

و من ثمرت النخیل و الأعنب تتّخذون منه سکرًا

خالق درخت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۹ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده زیتون و درخت خرما و رویاننده آن از زمین است .

فأنبتنا فیها . .. زیتونًا و نخلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۱

۱ - آب ، زمین ، دانه ها ، انگور ، سبزیجات ، زیتون ، نخل ، بوستان ، میوه و چراگاه ، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام های آنان است .

متعًا لکم و لأنعمکم

<متاعاً> اسم مصدر و جایگزین مصدر حقیقی <تمتیعاً>(بهره رساندن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

خرما از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۷ - ۸

۸- در فرآورده های خرما و انگور برای خردورزان ، آیت و نشانه

ای از قدرت و ربوبیت خداوند است .

و من ثمرت النخیل و الأعنب تتّخذون منه سکرًا و رزقًا حسنًا إن فی ذلک لأیه لقوم ی

خرما خوردن مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۶ - ۱

۱- حضرت عیسی (ع) در آغاز تولد خویش ، مادرش مریم (س) را به خوردن خرمای تازه و نوشیدن از آب نهر فرا خواند .

فنادیها من تحتها . .. تحتک سریًّا ... رطبًا جنیًّا . فکلی واشربی

خوشه های درخت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۱ - ۳

۳ - نخل ها با خوشه های پوشیده در غلاف ، دارای سهمی مهم در تأمین نیاز های خلق

و النخل ذات الأکمام

<کم> (مفرد <أکمام>) به معنای کاسه یا غلاف میوه گفته می شود.

درختان خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴ - ۴

۴ درختان انگور ، نخل های خرما و نیز سایر گیاهان علی رغم مشروب شدن از آبی با طبیعت واحد ، ثمرات و میوه های مختلف و گوناگون به بار می آورند .

جنّت من أعنب و زرع و نخیل . .. یسقی بماء وحد و نفضل بعضها علی بعض فی الأُکل

زمینه رشد درخت خرما

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۲۹ – ۴

۴ – باران و زمین مناسب ، دو عنصر اصلی در رشد و باروری درختان زیتون و خرما است .

صببنا الماء . .. ثمّ شققنا ... و زیتونًا

و نخلًا

عبرت از خوشه های خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۰ - ۶

۶ چینش دانه های خرما در خوشه های انبوه نخل ، شایان تأمل و پندآموزی

لها طلع نضید

فرآورده های خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۷ - ۲،۵،۸

۲- درختان خرما و انگور و استحصال نوشیدنی از آنها ، مایه پند و عبرت است .

و من ثمرت النخیل و الأعنب تتّخذون منه سکرًا

برداشت فوق، با توجه به معطوف بودن جمله <و من ثمرات. ..> بر جمله <و إن لكم فى الأنعام لعبره> است.

۵- تمامی فرآورده های درخت خرما و انگور به جز مسکرات ، خوب و پسندیده است .

و من ثمرت النخیل و الأعنب تتّخذون منه سکرًا و رزقًا حسنًا

برداشت فوق، از مقابله <سکر> با <رزقاً حسناً> قابل استفاده است. بدین معنا که تمامی فرآورده های خرما و انگور به جز مسکرات، روزی پسندیده تلقی شده است.

۸- در فرآورده های خرما و انگور برای خردورزان ، آیت و نشانه ای از قدرت و ربوبیت خداوند است .

و من ثمرت النخیل و الأعنب تتّخذون منه سکرًا و رزقًا حسنًا إن فی ذلك لأیه لقوم ی

فواید خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۶۷ – ۱۰۷

۱– خداوند ، از میوه های درختان خرما و انگور ، نوشیدنیهایی برای انسان ، قرار داد .

نسقیکم ممّا . .. و من ثمرت النخیل و الأعنب

<من ثمرات> جار و مجرور و به قرینه <نسقیکم> مذکور در آیه قبل متعلق

به <نسقیکم> در تقدیر است. هم چنین بر جمله <و إن لکم فی الأنعام لعبره> عطف شده است.

۷- فرآورده های درختان خرما و انگور ، از بهترین و سالم ترین فرآورده های خوراکی و نوشیدنی برای انسان

نسقیکم ممّا . .. و من ثمرت النخیل و الأعنب تتّخذون منه سکرًا و رزقًا حسنًا

اختصاص به ذکر یافتن فرآورده های درختان خرما و انگور، از میان مجموعه خوراکیها و نوشیدنیها، می تواند حاکی از نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۵ - ۵،۸،۹

۵- خرمای تازه (رطب) غذای مناسب برای زن ، پس از وضع حمل است .

و هزّی . .. تسقط علیک رطبًا جنیًّا

توصیه شدن مریم به تکان دادن درخت و استفاده از <رطب>، بر مناسب بودن آن برای زنان، پس از زایمان دلالت دارد.

۸- < عن أمیرالمؤمنین (ع) قال : . . . ما تأکل الحامل من شیء و لاتتداوی به أفضل من الرطب قال اللّه عزّوجلّ لمریم (ع) < و هزّی إلیک بجذع النخله تساقط علیک رطباً جنیّاً . فکلی و اشربی و قرّی عیناً > . . . ;

از امیرالمؤمنان(ع) روایت شده است که فرمود: . .. زن باردار، بهتر از خرمای تازه، چیزی نمی خورد و خود را با چیزی بهتر از آن، مداوا نمی کند. خداوند عزّوجلّ به مریم فرمود: <و هزّی إلیک بجذع النخله تساقط علیک رطباً جنیّاً . فکلی ...>...>.

۹- < عن أمیرالمؤمنین (ع) قال : قال رسول اللّه (ص) : لیکن أول ما تأکل النفساء الرطب

، لأنّ اللّه تعالی قال لمریم : < و هزّی إلیک بجذع النخله تساقط علیک رطباً جنیّاً . فکلی > . . . ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده که رسول خدا(ص) فرمود: شایسته است اولین چیزی که زن بعد از زایمان می خورد خرما باشد، زیرا خدای تعالی به مریم فرمود: <و هزّی إلیک بجذع النخله تساقط علیک رطباً جنیّاً. فکلی>...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۶ - ۲

۲- خرمای تازه (رطب) ، غذای مناسب برای زن ، پس از وضع حمل است .

فکلی

توصیه شدن مریم به خوردن خرمای تازه، بر مناسب بودن آن برای زنان، پس از زایمان دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۸ - ۳

۳ - خرما ، بزرگ ترین منبع تغذیه و درآمد ثمودیان

و نخل طلعها هضیم

ذکر جداگانه نخل، با این که واژه <جنّات> (در آیه قبل) شامل آن نیز می شود، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۵ - ۴،۵،۷

۴ - نقش اساسی خرما و انگور و فراورده های آن ، در تغذیه انسان

و جعلنا فیها جنّت من نخیل و أعنب . .. لیأکلوا من ثمره

از اختصاص به ذکر یافتن خرما و انگور برای تغذیه انسان ها (از میان مجموعه میوه ها و محصولات باغ ها) برداشت یاد شده به دست می آید.

۵ - هدف و فلسفه آفرینش خرما و انگور از سوی خداوند ، تغذیه انسان از فراورده های دست ساخته خود از آن درختان (

مانند شیره ، عصاره ، کشمش و . . .) است .

لیأکلوا من ثمره و ما عملته أیدیهم

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <ما> در <ما عملته> موصوله (به معنای الذی) باشد; یعنی، <و الذی عملته أیدیهم> (و آنچه دست های شان به عمل می آورد).

۷ - خرما و انگور ، از غذا های آماده برای انسان ، بدون دخالت وی در آماده سازی آنها

لیأکلوا من ثمره و ما عملته أیدیهم

این برداشت مبتنی بر این احتمال است که ضمیر در <عملته> به <ثمر> بازگردد.

منشأ رویش درخت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۹ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده زیتون و درخت خرما و رویاننده آن از زمین است .

فأنبتنا فیها . .. زیتونًا و نخلاً

نعمت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۴ - ۳

۳ - خرما و انگور ، از نعمت های الهی برای بشر

و جعلنا فیها جنّت من نخیل و أعنب

نعمت درخت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۹ - ۲

۲ – بهره مندی انسان از زیتون و از منافع گوناگون درخت خرما ، نعمتی الهی و سزاوار سپاس گزاری است .

ما أکفره . .. و زیتونًا و نخلاً

<زیتون>، میوه ای معروف (مصباح) و درختی معروف است و می توانـد جمع <زیتونه> باشـد که گـاه بر درخت و گاه بر میوه آن اطلاق می گردد (لسان العرب). تعبیر <نخل> به جای نام میوه آن ممکن است ناظر

به این باشد که انسان علاوه بر خرما، از اجزای دیگر نخل (از قبیل شاخ، برگ، تنه و لیف آن) نیز بهره می برد.

نقش خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۱ - ۲

۲ اهمیت خرما و درخت های نخل ، در تغذیه آدمیان *

و النخل باسقت . .. رزقًا للعباد

از این که <النخل> به گونه مجزّا یاد شده است، اهمیت خرما در تغذیه خلق استفاده می شود.

نقش درخت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۱ - ۳

۳ - نخل ها با خوشه های پوشیده در غلاف ، دارای سهمی مهم در تأمین نیاز های خلق

و النخل ذات الأکمام

<کم> (مفرد <أکمام>) به معنای کاسه یا غلاف میوه گفته می شود.

ویژگیهای درختان خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴ - ۳

۳ زمین جایگاه درختان خرما ; درختانی که به یک ریشه روییده اند و درختانی که ریشه های جدا دارند .

و فی الأرض . .. نخیل صنوان و غیر صنوان

<نخیل> (جمع نخل) و به معنای درختان خرماست. <صنوان> (جمع صنو) به چند درخت خرما گفته می شود که دارای یک ریشه باشند و به هر یک از آن درختان <صنو> می گویند.

خروس از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خروس

{خروس}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۰ - ۲۷

۲۷ طاووس ، خروس ، کبوتر و کلاغ ، چهار پرنده ای که ابراهیم (ع) برگزید .

فخذ اربعه من الطیر

امام صادق (ع): .

.. فاخد ابراهیم الطاووس و الدیک و الحمام و الغراب ...

تفسیر قمی، ص ۹۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۸۰، ح ۱۰۹۸.

خروس بازی در قوم لوط

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۲۹ – ۱۷

۱۷ – < عن الصادق (ع) (فی قوله تعالی) < و تأتون فی نادیکم المنکر > یعنی الخذف بالحصی و التصفیق بالحمام . . . و مناقره الدیوک . . . و الجنق فی المجالس و لبس المعصفرات . . . ;

از امام صادق(ع) درباره این سخن خدای تعالی <و تأتون فی نادیکم المنکر> روایت شده که فرمود : مقصود از <منکر> پرتاب سنگ ریزه در مجالس و کف زدن برای پرواز دادن کبوتر . .. و به جنگ وادار کردن خروس ها ... و ضرطه در مجالس و پوشیدن لباس های معصفر (لباس هایی که با عصفر، به رنگ زرد درآمده) است.>

خسارت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خسارت

خسارت اخروی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۸۵ – ۶،۱۰

۶ مسلمانان (کسانی که در برابر خدا تسلیم هستند) ، بهره مند از سعادت و مصون از زیان در آخرت

و من یبتغ . .. و هو فی الاخره من الخاسرین

۱۰ تسلیم نبودن در برابر خداوند ، موجب زیان و خسران در آخرت

و من یبتغ غیر الاسلام دیناً . .. و هو فی الاخره من الخاسرین

خسارت انفاق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۴۰ – ۱۳

۱۳ پاداش عظیم خداوند ، جبران کننده

خسارت های انفاق کنندگان

و ماذا علیهم لو . .. انفقوا ... و ان تک حسنه یضاعفها و یؤت من لدنه اجراً عظیماً

جمله <یضاعفها و یؤت من لدنه اجراً عظیماً> می تواند پاسخی باشد به این توهم که انفاق، موجب خسارت مالی است.

خسارت به فرزندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۳ - ۱۷،۱۸،۱۹،۲۰،۲۲،۲۵،۳۲،۴۲

۱۷ پدر و مادر ، حق ضرر زدن به فرزند خویش را ندارند . حتی بر فرض وقوع طلاق .

لا تضارّ والده بولدها و لا مولود له بولده

بنابراینکه <لا تضارّ> به صیغه معلوم باشد یعنی پدر و مادر ضرر نزنند.

۱۸ نباید مادر حتی پس از طلاق با امتناع از شیر دادن به فرزند ، موجب ضرر او شود .

لا تضارّ والده بولدها

۱۹ خودداری مادر از شیر دادن به کودک خویش ، از مصادیق بارز اضرار به فرزند

و الوالدات یرضعن . .. لا تضارّ والده بولدها

نهی از زیان رسانی به کودک پس از الزام مادر به شیر دادن، اشاره به این معناست که از مصادیق بارز ضرر به کودک، خودداری از شیر دادن به اوست.

۲۰ خودداری پدر از تأمین مخارج مادر ، موجب زیان کودک خویش

و علی المولود له زرقهنّ . .. لا تضارّ ... و لا مولود له بولده

نهی از زیان رسانی پدر به کودک خویش، پس از الزام او به تأمین مخارج مادر، اشاره به این معناست که امتناع از تأمین مخارج مادر نهایتاً منجرّ به زیان کودک خواهد شد.

۲۲ پدر نباید با محروم کردن همسر خود از تأمین مخارج حتی پس از طلاق او ،

موجب ضرر فرزند شود .

لا تضارّ . .. و لا مولود له بولده

۲۵ وارثان پدر نباید به فرزند شیرخوار مورّث با عدم رعایت حقوق وی ضرر بزنند .

لا تضارّ والده بولدها و لا مولود له بولده و علی الوارث مثل ذلک

جمله <و علی الوارث مثل ذلک>، تمامی تکالیفی را که پدر کودک باید نسبت به او رعایت کند، بر عهده وارث پدر گذاشته که از جمله، عدم اضرار به کودک (لا تضارّ والده بولدها و لا مولود له بولده) است.

۳۲ جلوگیری از ضرر و بی مهری به فرزند ، با پیش پرداخت اُجرت دایه *

و ان اردتم . .. اذا سلّمتم

با در نظر گرفتن اینکه آیه در مقام دفع ضرر از کودک است; می توان گفت که پیش پرداخت اُجرت دایه به جهت دفع ضرری است که در اثر تأخیر اُجرت دایه، ممکن است متوجّه طفل گردد.

۴۲ وارث پدر حق ندارد با جُدا کردن طفل از مادر ، به مادر زیان رساند .

و علی الوارث مِثل ذلک

امام صادق (ع): . .. لا ینبغی للوارث ان یضارّ المرأه فیقول لاادع ولدها یأتیها ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۲۱، ح ۳۸۴ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۲۸، ح ۸۸۶.

خسارت به گواه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۴۸

۴۸ زیان رساندن به گواه و نویسنده مبادلات ، فسق و انحراف از حقّ است .

و لا یضارّ کاتب و لا شهید و ان تفعلوا فانّه فسوق بکم

بر مبنای مجهول بودن <لا یضار>

خسارت کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ –

آل عمران – ۳ – ۱۷۶ – ۱۱

۱۱ بازگشت ضرر کفرورزی کافران ، به خود ایشان

انّهم لن یضرّوا اللّه شیئاً یرید اللّه الّا یجعل لهم حظّا فی الاخره

جمله <یرید اللّه . .. >، دلالت بر جمله ای محذوف دارد: یعنی آنان به خدا ضرر نمی رسانند، بلکه به خود ضرر می رسانند; و آن، ضررِ محرومیّت از بهره اخروی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۷۷ – ۶

۶ بازگشت ضرر انتخاب کفر ، به خود کافران

انّ الّذین اشتروا الکفر . .. لن یضرّوا اللّه شیئاً و لهم عذاب الیم

جمله <و لهم عذاب الیم>، دلالت دارد بر این که کافران با کفر خویش به خودشان ضرر می زنند ; چرا که به <عذاب الیم> گرفتار می شوند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۷۸ – ۳

۳ ناتوانی کافران از درک سود و زیان و سرنوشت شوم خویش

و لا یحسبنّ الّذین کفروا انّما نملی لهم خیر لانفسهم انّما نملی لهم لیزدادوا اثما

عوامل خسارت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۷۶ – ۱۱

۱۱ بازگشت ضرر کفرورزی کافران ، به خود ایشان

انّهم لن یضرّوا اللّه شیئاً یرید اللّه الّا یجعل لهم حظّا فی الاخره

جمله <یرید اللّه . .. >، دلالت بر جمله ای محذوف دارد: یعنی آنان به خدا ضرر نمی رسانند، بلکه به خود ضرر می رسانند;

و آن، ضررِ محرومیّت از بهره اخروی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۳

آل عمران - ۳ - ۱۷۷ - ۶،۷

۶ بازگشت ضرر انتخاب کفر ، به خود کافران

انّ الّذین اشتروا الکفر . .. لن یضرّوا اللّه شیئاً و لهم عذاب الیم

جمله <و لهم عذاب الیم>، دلالت دارد بر این که کافران با کفر خویش به خودشان ضرر می زنند ; چرا که به <عذاب الیم> گرفتار می شوند.

۷ بازگشت ضرر ارتداد به خود مرتدان

انّ الّذین اشتروا الکفر بالایمان لن یضرّوا اللّه شیئاً

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از <الّذین . .. > کسانی باشد که پس از اختیار اسلام به کفر می گرایند.

خشکسالی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خشکسالی

آثار خشکسالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۰ - ۲

۲ کم محصولی فاحش ، بارزترین اثر خشکسالی ها و قحطی های تحمیل شده به فرعونیان

و لقد أخذنا ءال فرعون بالسنین و نقص من الثمرت

خشکسالی و قحطی در پی دارنده مشکلات فراوانی است که از جمله آنها کم محصولی است. بنابراین ذکر بخصوص آن می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

بارش باران در خشکسالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۸ - ۶

۶ - بارش باران ، پس از خشکسالی و نومیدی انسان ، نمودی از تقدیر الهی در معیشت انسان

و لكن ينزّل بقدر ما يشاء . .. ينزّل الغيث من بعد ما قنطوا

ترس از خشكسالى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۲ - ۲

۲ هراس مردم از خشكسالى و اميد آنان به نزول باران ، زمينه ساز پديد آمدن برق

های آسمانی و نمایاندن آنها به ایشان است .

هو الذی یریکم البرق خوفًا و طمعًا

هر یـک از دو کلمه <خوفـاً> و <طمعاً> می توانـد مفعول له حصولی باشـد و می توانـد مفعول له تحصـیلی باشـد. بر فرض نخست مفاد عبارت <هو الـذی ...> چنین می شود: <چون هراس داشتیـد و نیز امیـدوار بودید برقهای آسـمانی را برای شـما پدیـدار می کنیم>. و بر مبنـای دوم مفاد <هو الـذی ...> چنین می شود: <برای آنکه بهراسـید و نیز امیـدوار شویـد، برقهای آسمانی را به شما می نمایانیم>. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

خشکسالی در مصرباستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۸ - ۳

۳ استفاده از ارزاق ذخیره شده در سال های آبادانی طی هفت سال خشکسالی ، از پیام های نهفته در رؤیای پادشاه مصر

ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد یأکلن ماقدمتم لهنّ

ضمیر در <یـأکلن> و <لهـنّ> بـه <سـبع شـداد> بـاز می گردد و مراد از <مـا قـدّمتم لهـنّ> (آنچه برای آن سالهـا پیش فرسـتاده ایـد) ارزاق ذخیره شـده در سالهـای آبـادانی است. بنـابراین <یـأکلن ...> ; یعنی، سالهـای قحطی ذخایری را که در سالهای آبادانی تهیه دیده اید، می خورند.

زمینه خشکسالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۰ - ۳

۳ - تأثیر گناه ، در گرفتار آمدن انسان ها به قحطی و خشکسالی

و هو الذی ینزّل الغیث من بعد ما قنطوا . .. و ما أصبکم من مصیبه فبما کسبت أیدیکم

سیاق آیات ،می تواند بیانگراین نکته باشد که رحمت و قدرت الهی گسترده و

فراگیر است و قحطی ها و خشکسالی ها بازتاب عملکرد خود انسان هااست.

عجز از دفع خشکسالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۳۰ - ۳

۳ - هیچ کس و هیچ نیرویی ، توانایی مبارزه با خشکسالی و بازگرداندن آب های فرو رفته در زمین به امر خداوند را ندارد .

قل أرءیتم إن أصبح ماؤکم غورًا فمن یأتیکم بماء معین

عذاب با خشکسالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۳۰ - ۴

۴ - کافران لجوج و تکذیب گر ، در معرض عذاب الهی (همچون خشکسالی)

قل أرءیتم إن أصبح ماؤکم غورًا فمن یأتیکم بماء معین

عوامل خشکسالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۱ - ۳

۳ - کفر و گناه ، از عوامل خشک سالی و سلب نعمت ها است .

استغفروا ربّکم . .. یرسل السماء علیکم مدرارًا

خشکی

خشکی نخل قصه مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۵ - ۲

۲- نخلی که مریم (س) در کنار آن وضع حمل نمود ، میوه نداشت .

و هزّی إلیک بجذع النخله تسقط علیک رطبًا جنیًّا

جمله <تساقط علیک. ..> گویای امتنان بر مریم(س) است، نه خبر از اثر طبیعی تکان دادن درخت، چرا که این موضوع نیازی به راهنمایی نداشت; بنابراین، پس از تکان دادن درخت بود که خرمای آن پدیدار گشته و فرو می ریخت. اضافه شدن کلمه <جذع> به کلام و نیز اِسناد <تساقط> به <نخله>، خشک بودن درخت و خارق

العاده بودن ریزش خرما را تأیید می کند.

صید خشکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۶ - ۱۵، ۱۰، ۷،۸

۷ حرمت صید شکار های خشکی برای محرم

و حرم علیکم صید البر ما دمتم حرماً

برداشت فوق بر این مبناست که <صید> به معنای مصدری باشد در این فرض مراد از <صید البر>، <صید حیوان البر> خواهد بود.

۸ حرمت خوردن شکار صحرایی در حال احرام هر چند شخص محرم آن را شکار نکند .

احل لکم صید البحر و طعامه . .. و حرم علیکم صید البر

در برداشت فوق کلمه <صید> به معنای اسم مفعول حیوان شکار شده گرفته شده است. و این معنا اعم از این است که خود محرم و یا شخص دیگری آن حیوان را شکار کند.

۱۰ صید حیوانات صحرایی و خوردن گوشت آنها در حال احرام بی تقوایی است .

و حرم علیکم صید البر ما دمتم حرماً و اتقوا اللّه

از مصادیق مورد نظر برای <تقوا> به قرینه <حرم علیکم . ..> پرهیز از صید در حال احرام است.

۱۵ پرندگان صحرایی که در دریا تخم می گذارند ولی در خشکی تکثیر نسل می کنند ، صید خشکی محسوب می شوند و شکارشان بر محرم ، حرام است .

و حرم علیکم صید البر ما دمتم حرماً

از امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: . .. و ما کان من طیر یکون فی البر و یبیض فی البحر و یفرخ فی البر فهو من صید البر ... .

بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۵۹، ح ۵۷.

فلسفه خلقت خشکی ها

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۲ - ۲

۲ - بستر خشکی ها و پهنه دریا ها ، در خدمت بهرهوری بشر ، به عنایت و لطف خداوند

و علیها و علی الفلک تحملون

منشأ راهیابی در خشکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۳ - ۱

۱ - راهیابی انسان ، در ظلمات بیابان و دریا ، به هدایت و تدبیر خداوند

أمّن یهدیکم فی ظلمت البرّ و البحر

نقش خشکی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۱ - ۳

۳ - تعدد دریا ها با حد فاصلی از خشکی ، نشانی دیگر از تدبیر خداوند

و جعل بین البحرین حاجزًا

مراد از <حاجزاً> (مانع) می تواند خشکی های موجود در میان دو دریا باشد; یعنی، این که زمین کاملاً پوشیده از آب نیست; بلکه خشکی هایی برای زیست و زندگی انسان و.. .. در آن تدارک دیده شده است. این امر نشانی دیگر از تدبیر و حضور خدا در اداره شؤون زندگی انسان ها است.

خشکی ها

فلسفه خلقت خشکی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۲ - ۲

۲ – بستر خشکی ها و پهنه دریا ها ، در خدمت بهرهوری بشر ، به عنایت و لطف خداوند

و علیها و علی الفلك تحملون

نقش خشکی ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۶۱ – ۳

۳ – تعدد دریا ها با حد فاصلی از خشکی ، نشانی دیگر از تدبیر خداوند

و جعل بین البحرین

حاجزًا

مراد از <حاجزاً> (مانع) می تواند خشکی های موجود در میان دو دریا باشد; یعنی، این که زمین کاملاً پوشیده از آب نیست; بلکه خشکی هایی برای زیست و زندگی انسان و. .. در آن تدارک دیده شده است. این امر نشانی دیگر از تدبیر و حضور خدا در اداره شؤون زندگی انسان ها است.

خشنودی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خشنودی

{خشنودی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۰ - ۱،۶،۱۲

۱ سرور و شادمانی کشته شدگان راه خدا ، به آنچه خداوند از فضل خویش به آنان ارزانی داشته است .

فرحین بما اتیهم اللّه من فضله

۶ شادمانی و علاقه شهیدان نسبت به سعادتمندی دیگر مجاهدان و رسیدنشان به مقام کشته شدگان راه خدا

و یستبشرون بالّذین لم یلحقوا بهم من خلفهم

۱۲ شادمانی شهیدان از نبودن هیچ ترس و اندوهی برای مجاهدان راه خدا پس از شهادت

و یستبشرون بالّذین لم یلحقوا بهم من خلفهم الّا خوف علیهم و لا هم یحزنون

استبشار به معنی شادمانی بر اثر دریافت بشارت است. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۱ - ۱،۷

۱ شادمانی شهیدان از نعمت و فضل خاص الهی

یستبشرون بنعمه من اللّه و فضل

نکره بودن کلمه <بنعمه> و <فضل>، دلالت بر نعمت و فضلی ناشناخته برای انسانها دارد. بنابراین نعمت و فضلی خاصّ

است.

۷ شادمانی شهیدان از اینکه خداوند اجر مؤمنان را تباه نمی سازد .

یستبشرون بنعمه . .. انّ اللّه لا یضیع اجر المؤمنین

جمله <ان اللّه>، عطف بر کلمه <نعمه> است ; یعنی <یستبشرون بان اللّه لا یضیع>.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۸ - ۲،۴

۲ شادمانی عالمان اهل کتاب از کتمان حقایق کتب آسمانی برای مردم

و اذ اخذ اللّه میثاق . .. و لا تکتمونه ... لا تحسبنّ الّذین یفرحون بمآ اتوا

برخی برآنند که مراد از <الّذین>، اهل کتاب هستند ; چنانچه در آیه قبل از آنان سخن رفت. و مراد از <ما اتوا> (آنچه را انجام دادند)، همان کتمان حقایق و پشت سر انداختن کتابهای آسمانی و میثاق الهی است.

۴ شادمانی عالمان اهل کتاب از بیان برخی حقایق کتاب های آسمانی (آنچه با دنیاخواهی آنان منافات نداشته)

لا تحسبنّ الّذین یفرحون بمآ اتوا

مراد از <مآ اتوا>، می تواند بیان حقایقی از کتاب باشد که به قرینه <و اشتروا به ثمناً>، با دنیاطلبی آنان برخوردی نداشته است.

آثار خشنودی منافقان متخلف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۱۰

۱۰ احساس رضایت و خوشحالی منافقان از شرکت نکردن در جنگ برای بار نخست ، مایه طرد همیشگی آنان از سوی خدا و پیامبر (ص) و محروم شدن دایمی از شرکت در جهاد

لن تخرجوا . .. و لن تقتلوا معی عدواً إنکم رضیتم بالقعود أول مرّه

برداشت فوق بر این اساس است که <لن تخرجوا> و <لن تقاتلوا> در مقام انشا و برای طرد منافقان باشد و جمله <إنکم رضیتم . ..> نیز برای تعلیل آن باشد.

بی ارزشی خشنودی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۱۶

۱۶ ترک وظایف

الهی به خاطر خوشایند کافران ، مایه خسارت و تباهی است .

فما تزیدوننی غیر تخسیر

خشنودی اخروی اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۱ - ۱

۱ - کسانی که نامه اعمالشان به دست راست آنان داده می شود ، از زندگی پسندیده و رضایت مندی در آخرت برخوردار خواهند بود .

فأمّا من أُوتی کتبه بیمینه . .. فهو فی عیشه راضیه

خشنودی از ترک جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۷ - ۱

۱ رضا و شادمانی منافقان از نرفتن به جهاد و ماندن در کنار ناتوانان و خانه نشینان

رضوا بأن یکونوا مع الخوالف

خشنودی از عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۸ - ۱

۱ ناپسندی عجب و شادمانی انسان از اعمال خویش

لا تحسبنّ الّذین یفرحون بمآ اتوا . .. فلا تحسبنّهم بمفازه من العذاب

خشنودی اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۸ - ۲،۴

۲ شادمانی عالمان اهل کتاب از کتمان حقایق کتب آسمانی برای مردم

و اذ اخذ اللّه میثاق . .. و لا تکتمونه ... لا تحسبنّ الّذین یفرحون بمآ اتوا

برخی برآنند که مراد از <الّذین>، اهل کتاب هستند ; چنانچه در آیه قبل از آنان سخن رفت. و مراد از <ما اتوا> (آنچه را انجام دادند)، همان کتمان حقایق و پشت سر انداختن کتابهای آسمانی و میثاق الهی است.

۴ شادمانی عالمان اهل کتاب از بیان برخی حقایق کتاب های آسمانی

(آنچه با دنیاخواهی آنان منافات نداشته)

لا تحسبنّ الّذین یفرحون بمآ اتوا

مراد از <مآ اتوا>، می توانـد بیان حقایقی از کتاب باشـد که به قرینه <و اشتروا به ثمناً>، با دنیاطلبی آنان برخوردی نداشـته است.

خشنودی در برزخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۰ - ۱۸

۱۸ وجود شادمانی ، ترس و اندوه (حالات روحی) برای انسان در عالم برزخ

فرحین بما اتیهم اللّه من فضله . .. الّا خوف علیهم و لا هم یحزنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۱ - ۲

۲ وجود شادمانی (حالات روحی) برای انسان در عالم برزخ

یستبشرون بنعمه من اللّه و فضل

خشنودی شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۰ - ۱،۴،۶،۱۲

۱ سرور و شادمانی کشته شدگان راه خدا ، به آنچه خداوند از فضل خویش به آنان ارزانی داشته است .

فرحین بما اتیهم اللّه من فضله

۴ فضل الهی و عطایای بیش از استحقاق به شهیدان ، موجب شادمانی آنان

فرحین بما اتیهم اللّه من فضله

با توجّه به معنای <فضل> (بخشش بیش از حد استحقاق و از روی عنایت)، برداشت فوق استفاده شده است.

۶ شادمانی و علاقه شهیدان نسبت به سعادتمندی دیگر مجاهدان و رسیدنشان به مقام کشته شدگان راه خدا

و یستبشرون بالّذین لم یلحقوا بهم من خلفهم

۱۲ شادمانی شهیدان از نبودن هیچ ترس و اندوهی برای مجاهدان راه خدا پس از شهادت

و یستبشرون بالّذین لم یلحقوا بهم من خلفهم الّا خوف

علیهم و لا هم یحزنون

استبشار به معنی شادمانی بر اثر دریافت بشارت است. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۱ - ۱،۷

۱ شادمانی شهیدان از نعمت و فضل خاص الهی

یستبشرون بنعمه من اللّه و فضل

نکره بودن کلمه <بنعمه> و <فضل>، دلالت بر نعمت و فضلی ناشناخته برای انسانها دارد. بنابراین نعمت و فضلی خاصّ است.

۷ شادمانی شهیدان از اینکه خداوند اجر مؤمنان را تباه نمی سازد .

یستبشرون بنعمه . .. انّ اللّه لا یضیع اجر المؤمنین

جمله <ان اللّه>، عطف بر کلمه <نعمه> است ; یعنی <یستبشرون بان اللّه لا یضیع>.

خشنودی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۸ - ۳

۳ مسرت و خشنودی منافقان از سلامت خویش به دلیل عدم حضورشان در پیکار احد

الّذین قالوا لاخوانهم وقعدوا لو اطاعونا ما قتلوا

اظهار تأسّف منافقان برای کشته های احد، دلالت بر مسرت و خشنودی از زنده ماندن خودشان دارد.

خشنودی ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۲ - ۷

۷ خوشحالی به خاطر شرکت نجستن در جنگ به همراهی رسول خدا و مصون ماندن از پیامد های مصیبت بار آن ، شرک است .

فان اصابتکم مصیبه قال قد انعم اللّه علیّ اذ لم اکن معهم شهیداً

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: ... ولو ان اهل السماء و الارض قالوا قد انعم الله علیّ اذ لم اکن مع رسول الله (ص) لکانوت بذلک مشرکین ... .

مراد از شرک خروج از اسلام نیست بلکه پیروی

از شیطان است کما اینکه روایاتی در اصول کافی بیانگر این مطالب است.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۵۷، ح ۱۹۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۱۶، ح ۳۹۸ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۹۳، ح ۲، ۳ و ۴.

عوامل خشنودی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۷۰ – ۴

۴ فضل الهی و عطایای بیش از استحقاق به شهیدان ، موجب شادمانی آنان

فرحین بما اتیهم اللّه من فضله

با توجّه به معنای <فضل> (بخشش بیش از حد استحقاق و از روی عنایت)، برداشت فوق استفاده شده است.

عوامل خشنودی دریانوردان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۲ – ۶

۶ وزش باد های فرح بخش و موافق ، مایه شادمانی دریانوردان سوار بر کشتی های بادبانی

حتی إذا کنتم فی الفلک و جرین بهم بریح طیبه و فرحوا بها

خشونت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خشونت

اجتناب از خشونت در سخن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۹ – ۵

۵ – توصیه لقمان به فرزندش ، برای رعایت اعتدال در رفتار و پرهیز از گفتار خشن ، نمودی از حکمت وی است .

و لقد ءایتنا لقمن الحکمه . .. و إذ قال ... و اقصد فی مشیک و اغضض من صوتک

خشونت آزر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۶ - ۵

۵- آزر با حضرت ابراهیم (ع) و عقاید توحیدی او ، علی رغم دعوت منطقی ، مستدل و عاطفی آن حضرت ، برخوردی خشن و

غیر منطقی داشت .

لئن لم تنته لأرجمنّک

در کلام آزر هیچ استدلال و پاسخی وجود ندارد. تنها وجهه شاخص سخن او ارعاب و تهدید است و حتی در خطاب به او هم کمترین عطوفتی نظیر <یابنیّ> در پاسخ <یاأبت> به کار نبرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۷ - ۱،۲

۱- ابراهیم (ع) پس از برخورد خشن و غیر منطقی آزر ، به بحث و گفت وگو با او در باره توحید و شرک پایان داد .

قال سلم علیک

از موارد کاربرد <سلام علیک> جایی است که طرف بحث می خواهد به بحث پایان دهد و دیگر آن را ادامه ندهد، مانند آنچه در آیه <إذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاماً> آمده است. در گفت وگوی حضرت ابراهیم(ع) با آزر نیز ظاهراً <سلام> از همین نوع باشد.

۲- حضرت ابراهیم (ع) با وجود برخورد خشن و تهدید های آزر ، با او گفتاری ملایم و برخوردی مهربانانه داشت .

قال سلم علیک سأستغفر لک ربّی

خشونت اخروی با مکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۳ - ۱

۱ - قیامت روز رانده شدن تکذیب گران ، با شدت و خشونت به سوی آتش دوزخ

یوم یدعّون إلی نار جهنّم دعًّا

<دعّ> (مصدر مجهول <یدعّون>) به معنای رانده شدن همراه با تندی و خشونت است و ضمیر <یدعّون> به <مکذّبین> بازمی گردد.

خشونت با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۶ - ۱۶

۱۶- انتخاب خوش رفتاری در مواجهه با کافران ، بهتر از به

کارگیری شدّت و خشونت است .

و إمّا أن تتّخذ فیهم حسنًا

جمله <تتّخذ فیهم حسناً> در بیان طریقه مقابل عذاب، تلقین کننده اختیار این شیوه از بین دو نوع برخوردی است که ذوالقرنین بین آن ها مخیّر بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۸ - ۳

۳ - سرنوشت هلاکت بار فرعونیان و قوم ثمود ، نمونه ای بارز از برخورد تند و قهرآمیز خداوند با کافران است .

إنّ بطش ربّک . .. فرعون و ثمود

خشونت جایز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۱ - ۸

۸ - اقدام های قاطع برای دفع فساد از جامعه ، با رعایت مراحل و شرایط ، روا و جایز است .

لئن لم ینته المنفقون . .. أینما ثقفوا أُخذوا و قتّلوا تقتیلاً

خشونت در امر به معروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۹ - ۱۳

۱۳ - امر به معروف و نهی از منکر ، با روش ناهنجار و داد و فریاد ، نفرت انگیز و دارای تأثیر منفی است . *

و امر بالمعروف و انه عن المنکر . .. و اغضض من صوتک إنّ أنکر

احتمال دارد سفارش به روی نگرداندن از مردم و نیز رعایت اعتدال در رفتار و کاستن از صدا، پس از توصیه به امر به معروف و نهی از منکر، به این منظور باشد که در انجام امر به معروف و نهی از منکر، باید موازین یاد شده رعایت گردد و گرنه، همان گونه که صدای الاغ برای گوش ها ناهنجار

است امر به معروف و نهی از منکر بدون رعایت موازین اخلاقی هم اثر منفی دارد.

خشونت در سخن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۹ – ۸

۸ – تلاش در غلبه بر دیگران با فریاد ناهنجار و خشن ، تلاشی ابلهانه و به دور از منش انسانی است . *

و اغضض من صوتك إنّ أنكر الأصوت لصوت الحمير

آیه، می توانـد به واقعیت خارجی اشاره داشـته باشد که معمولاً افراد بی منطق با جنجال آفرینی و سـر و صدا، در پی غلبه دادن نظر خود هستند.

خشونت در نهی از منکر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۹ – ۱۳

۱۳ – امر به معروف و نهی از منکر ، با روش ناهنجار و داد و فریاد ، نفرت انگیز و دارای تأثیر منفی است . *

و امر بالمعروف و انه عن المنكر . .. و اغضض من صوتك إنّ أنكر

احتمال دارد سفارش به روی نگرداندن از مردم و نیز رعایت اعتدال در رفتار و کاستن از صدا، پس از توصیه به امر به معروف و نهی از منکر، به این منظور باشد که در انجام امر به معروف و نهی از منکر، باید موازین یاد شده رعایت گردد و گرنه، همان گونه که صـدای الاـغ برای گوش هـا ناهنجـار است امر به معروف و نهی از منکر بـدون رعـایت موازین اخلاـقی هم اثر منفی دارد.

خشونت رهبری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۵۹ – ۷،۹

۷ سنگدلی و خشونت

رهبران ، موجب پراکندگی مردم از پیرامون آنان

و لو کنت فظّا غلیظ القلب لانفضّوا من حولک

<انفضّوا> از <فضّ> به معنای تفرّق و پراکندگی است.

۹ گرایش مردم به رهبران دینی ، در گرو مهربانی آنان و پرهیز از خشونت و سنگدلی

فبما رحمه من اللّه لنت لهم و لو کنت فظّا غلیظ القلب لانفضّوا من حولک

خشونت طلبی قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۴ - ۳،۵

۳ - قوم ابراهیم ، برای رویارویی با خیرخواهی او برای آنان ، به خشونت متوسل شدند .

و إبرهیم إذ قال لقومه . .. ذلکم خیر لکم ... فما کان جواب قومه إلاّ أن قالوا اقتل

۵ - واکنش خشونت آمیز قوم ابراهیم به دعوت توحیدی او ، فراگیر و عمومی بود .

فما کان جواب قومه إلاّ أن قالوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۶ - ۵

۵ - حضرت ابراهیم (ع) ، در پی برخورد قهرآمیز قوم اش با او ، تصمیم گرفت به سرزمینی هجرت کند که در آن ، برای انجام رسالت اش ، آزادی عمل داشته باشد .

و قال إنّی مهاجر إلی ربّی

مراد از <هجرت به سوی پرودگار> دستیابی به مکانی است که حضرت ابراهیم(ع) بتواند آنچه را برعهده او گذاشته است، بدون مزاحمت دشمنان اش، به انجام برساند.

زن و خشونت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۱۸ – ۳

۳ – زن ، اساساً برای کار های دشوار و خشن و جدال و درگیری آفریده نشده است .

و

هو فی الخصام غیر مبین

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که آیه شریفه به جهت مماشات و بازگویی باور مشرکان، این مطالب را مطرح نکرده باشد; بلکه به عنوان یک واقعیت بدان پرداخته باشد.

سرزنش خشونت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۶ - ۱۶

۱۶- انتخاب خوش رفتاری در مواجهه با کافران ، بهتر از به کارگیری شدّت و خشونت است .

و إمّا أن تتّخذ فیهم حسنًا

جمله <تتّخذ فیهم حسناً> در بیان طریقه مقابل عذاب، تلقین کننده اختیار این شیوه از بین دو نوع برخوردی است که ذوالقرنین بین آن ها مخیّر بود.

ناپسندی خشونت در سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۹ - ۷

۷ - خشونت و درشتی در سخن گفتن با مردم ، عملی بسیار زشت است .

و اغضض من صوتک إنّ أنکر الأصوت لصوت الحمیر

در آیه، به جای کاربرد تشبیه، از استعاره استفاده شده است. آوردن استعاره به جای تشبیه، برای مبالغه در مذمت و بیان ناهنجاری و مستهجن بودن آن است.

خشیت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خشیت

آثار اخروی خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۹ - ۳

۳ - پاکی ، تذکّرپذیری ، هدایت جویی و خداترسی ، چهره انسان را در قیامت خندان و شادمان خواهد ساخت .

لعلّه یزّکّی . أو یذّکّر ... جاءك یسعی . و هو یخشی ... ضاحکه مستبشره

آثار ترك خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۳ - ۳

۳ - تمسّك به رحمانیت خدا و کنار

نهادن خشیت ، زمینه ساز انحراف و فروهشتن وظایف *

من خشی الرحمن بالغیب

از ارتباط <أوّاب حفیظ> و <خشی> و وصف <الرحمان> مطلب بالا احتمال می رود.

آثار خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۱۷

۱۷ خشوع و خضوع در برابر خدا ، نشانه سلامت قلب از قساوت ها و کدورتهاست .

ثم قست قلوبکم . .. فهی کالحجاره أو أشد ... و إن من منها لما یهبط من خشیه اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۴ - ۴،۵

۴ بهره مند شدن از پیام های الهی در تورات ، مخصوص کسانی است که از خدا بترسند و از غیر او نهراسند .

و فی نسختها هدی و رحمه للذین هم لربهم یرهبون

روشن است که پیامهای خدا، از جمله پیامهای او در تورات، برای همه مردم است. بنابراین لام در <للذین> لام منفعت است ; یعنی خداترسان از هدایتگری و رحمت آفرینی تورات بهره مند می شوند. <ربهم> متعلق به <یرهبون> است و تقدیم آن دلالت بر حصر دارد.

۵ خداترسان با به کار بستن پیام های آسمانی ، مشمول رحمت خدا خواهند شد .

و فی نسختها هدی و رحمه للذین هم لربهم یرهبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳ - ۳

۳- تعالیم قرآن ، تنها در کسانی مؤثر است که توجه به عظمت خداوند در دل آنان هراس افکنده است .

إلّا تذکره لمن یخشی

<خشیت> ترسی است آمیخته با احساس عظمت (مفردات راغب). متعلق <یخشی> به قرینه آیه

بعد که عظمت نازل کننده قرآن را بیان کرده است خداوند است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵۲ – ۲،۴

۲ – فرمان بری از خدا و رسول او و خدا ترسی و تقواپیشگی ، از عوامل ظفرمندی و کامیابی است .

و من یطع اللّه و رسوله و یخش اللّه و یتقه فأُولئک هم الفائزون

۴ – اطاعت از خدا و رسول او ، خدا ترسی و تقواپیشگی ، از نشانه های ایمان واقعی و اوصاف مؤمنان راستین

إنّما کان قول المؤمنین إذا دعوا . .. أن یقولوا سمعنا و أطعنا ... و من یطع اللّه

برداشت فوق، از ارتباط میان این آیه و آیه پیشین که درصدد بیان اوصاف مؤمنان راستین است به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۱۸ – ۸

۸ – خداترسی و نماز ، از زمینه های لازم برای تأثیرپذیری از انذار ها و اخطار های پیامبران

إنّما تنذر الذین یخشون ربّهم بالغیب و أقاموا الصلوه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۲۹ – ۱۴

۱۴ – خداترسی ، تلاوت قرآن کریم ، برپاداشتن نماز و انفاق در نهان و آشکار ، از عوامل امیدواری به لطف و پاداش الهی

إنّما یخشی اللّه من عباده العلمؤا . .. إنّ الذین یتلون کتب اللّه و أقاموا الصل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۰ – ۱۱

۱۱ – خداترسی ، تلاوت قرآن ، برپاداشتن نماز و انفاق در نهان و آشکار

، از اسباب آمرزش گناهان و دریافت افتخار سپاس گزاری خداوند

إنّما يخشى اللّه من عباده العلمؤا . .. إنّ الذين يتلون كتب اللّه ... و يزيدهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۱ - ۲

۲ - آمادگی برای ایمان به قرآن و برخورداری از روح خشیت ، از زمینه های لازم برای تأثیرپـذیری از انـذار ها و اخطار های الهی

إنّما تنذر من اتّبع الذكر و خشى الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۳ - ۹

۹ - دستیابی به < قلب منیب > در پرتو خشیت از خداوند ، در آشکار و نهان

من خشى الرحمن بالغيب و جاء بقلب منيب

بنابر این که تقدم لفظی <خشـی الرحمان. ..> بر <جاء بقلب منیب> حکایت از تقدم رتبی داشته باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۴ - ۳

۳ - بیم داران از خدا در دنیا ، ایمن از هر غم و اندوه ، در آخرت

من خشى الرحمن . .. ادخلوها بسلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۹ - ۲،۶

۲ - خداترسی و حالت خشیت ، برانگیزاننده ابن ام مکتوم برای حضور در مجلس پیامبر (ص) بود .

و أمّا من جاءك يسعى . و هو يخشى

۶ - حالت خشیت ، حالتی حرکت آفرین و وادارکننده انسان به تلاش در راه آموختن و کسب کمالات

و أمّا من جاءک یسعی . و هو یخشی

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۲۰ – اعلی – ۸۷ – ۱۰ – ۳

۳ – خشیت ، عاملی مؤثر در پیدایش پندپذیری برای انسان است .

سیذّکّر من یخشی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – اعلی – ۸۷ – ۱۲ – ۴

۴ – پذیرش تذکرات قرآن و خشیت و هراس در برابر خداوند ، مایه رهایی از آتش دوزخ

سیذّکّر من یخشی . و یتجنّبها الأشقی . الذی یصلی النار الکبری

آثار خشیت از خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۴۹ – ۷

۷– خداترسی و نگرانی از قیامت ، زمینه ساز بهره مندی انسان از وحی و هدایت الهی

و ذکرًا للمتّقین . الذین یخشون ربّهم بالغیب و هم من الساعه مشفقون

خداوند، در آیه قبل، تقواپیشگان را شایسته بهره مند شدن از نور و هدایت خود دانسته و در این آیه اوصاف آنان را بیان کرده است. از ارتباط میان دو آیه می توان برداشت یاد شده را استفاده کرد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۲۶ – ۶

۶ – ترس از خداوند و نگرانی از فرجام خویش ، پرهیز دهنده انسان از انکار معاد و باز دارنده او از طغیان گری و رویارویی با پیامبران

إنّ فی ذلک لعبره لمن یخشی

عبرت گرفتن از داستان فرعون، به معنای دوری از رفتار و عقاید او است که در آیات قبل نمونه های آن بیان شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بینه – ۹۸ – ۸ – ۱۴،۱۷

۱۴ – بهشت جاودان و نعمت های آن ، کسب رضایت

خداوند و راضی شدن از او ، ویژه کسانی است که به عظمت خداوند ، پی برده و از او هراس دارند .

جنّت عدن تجری من تحتها الأنهر خلدين فيها أبدًا رضى اللّه عنهم و رضوا عنه ذلک

<خشیت>، به معنای ترس آمیخته با احساس عظمت است. (مفردات)

۱۷ - خشیت از خداوند ، شرط رضایت مندی او از مؤمنان دارای عمل صالح

رضى اللّه عنهم . .. ذلك لمن خشى ربّه

آثار خشیت پنهانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۳ - ۵

۵ - مراقبت شدید بر ارزش ها و حدود الهی ، در گرو خشیت از خداوند ، حتی در نهان

أوّاب حفيظ . من خشى الرحمن بالغيب

برداشت یاد شده بنابر این نکته است که تعبیر <من خشی. ..> در مقام توصیف <أوّاب> و <حفیظ> باشد و علیت را برساند; یعنی، این خشیت عامل <أوّاب> و <حفیظ> بودن آنان است.

آمرزش اهل خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۱ - ۱۲

۱۲ - آمرزش و اجر ارزشمند و پرب ها ، پاداش پیروان قرآن و خداترسان

من اتّبع الذكر و خشى الرحمن بالغيب فبشّره بمغفره و أجر كريم

ارزش خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۹ - ۷

۷ – ترس از خدا ، همراه با تعظیم و بزرگداشت ، امری ارزش مند و بایسته است .

الذین یبلّغون رسلت اللّه و یخشونه

<خشیه> در لغت، به معنای <ترس آمیخته با تعظیم> است (مفردات راغب).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر

- ۳۵ - ۱۸ - ۱۱

۱۱ - ارزشمندی خداترسی و دوری از گناه در نهان و به دور از انظار و اطلاع یافتن دیگران

الذین یخشون ربّهم بالغیب

برداشت یاد شده از آمدن قید <بالغیب> به دست می آید; زیرا ترس از خدا در هر حال مطلوب است. بنابراین آمدن این قید، بیانگر اهمیت و ارزش والای خدا ترسی در خلوت می باشد.

ارزش خشیت پنهانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۹ - ۳

۳- خشیت و ترس آگاهانه و آمیخته با تعظیم در خلوت و نهان از پروردگار ، از ارزش ها و اوصاف پسندیده است .

و ذکرًا للمتّقین . الذین یخشون ربّهم بالغیب

برخی از اهل لغت گفته اند: <خشیت> به معنای ترس آمیخته با تعظیم است و این ترس نوعاً با آگاهی به چیزی است که از آن می ترسند (مفردات راغب). گفتنی است این معنا مناسب با آیه شریفه است; زیرا خداوند شایسته تعظیم است و تقواپیشگان نیز با آگاهی از مقام خداوند از او می ترسند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۳ - ۱

۱ - بهشت ، از آن بیم دارندگان از خداوند در نهان

و أُزلفت الجنّه للمتّقین . .. من خشی الرحمن بالغیب

بنابراین که <بالغیب> متعلق به <خشی> باشد، برداشت بالا به دست می آید.

ارزش خشیت در خلوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۱ - ۷

۷ – ارزشمندی و برتری ترس از خدا و دوری از گناه در خلوت ، بر ترس و تحفظ از

نافرمانی خدا در انظار دیگران

و خشی الرحمن بالغیب

برداشت یاد شده، از مقید شدن ترس از خدا به <غیب> (نهان) به دست می آید.

ارزش خلاص در خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۱ - ۷

۷ - ارزشمندی و برتری ترس از خدا و دوری از گناه در خلوت ، بر ترس و تحفظ از نافرمانی خدا در انظار دیگران

و خشی الرحمن بالغیب

برداشت یاد شده، از مقید شدن ترس از خدا به <غیب> (نهان) به دست می آید.

اهمیت خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳ - ۶

۶- لزوم خداترسی و هراس از فرجام مخالفت با تعالیم قرآن

إلّا تذکره لمن یخشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۰ - ۲

۲ - لزوم خداترسی و تأثیرپذیری از پند های قرآن و هراس از فرجام ناهماهنگی با تعالیم آن

سنقرئک . .. فذکّر ... سیذّکّر من یخشی

بشارت به اهل خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۱ - ۱۱

۱۱ - پیامبر (ص) مأمور بشارت دادن پیروان قرآن و خداترسان به مغفرت و اجر ارزشمند و پرب های الهی

من اتّبع الذکر و خشی الرحمن بالغیب فبشّره بمغفره و أجر کریم

پاداش اهل خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۱ - ۱۲

۱۲ - آمرزش و اجر ارزشمند و پرب ها ، پاداش پیروان قرآن و خداترسان

من اتّبع الذکر و خشی الرحمن بالغیب فبشّره بمغفره و

أجر كريم

پاداش خشيت پنهانى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۳ - ۴

۴ - بهشت پاداش آنان كه با وجود محسوس نبودن خداوند ، همه جا وى را در نظر داشته و از او بيم دارند .

من خشى الرحمن بالغيب

بنابر اين كه <بالغيب> وصف براى <رحمان> باشد، برداشت بالا قابل استفاده است.

تأثير قرآن در اهل خشيت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۳ - ۸،۱۱

۸ - تأثير عميق و لرزه انداز قرآن ، بر اهل خشيت و خداترسان

كتبًا . .. تقشعرّ منه جلود الذين يخشون ربّهم

۱۱ - تأثير آرامش بخش و سرورآفرين قرآن ، در اهل خشيت و خداترسان

ثمّ تلين جلودهم و قلوبهم إلى ذكر اللّه

نرم شدن پوست ها و قلب ها (تلين جلودهم و قلوبهم)، كنايه از آرامش يافتن و سرور است. اين مطلب در مقابل ترس و ناراحتى است كه موجب لرزش پوست ها (اندام) و اضطراب دل ها مى باشد.

خشيت از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۱۰،۱۴

۱۰ - هراس جهان طبيعت از خداوند ، منشأى براى فعل و انفعالات آن

و إن منها لما يهبط من خشيه اللّه

۱۴ - دل و قلب آدمی ، باید از هراس و خشیت خدا لرزان بوده و در مسیر او به حرکت در آید .

و إن منها لما يهبط من خشيه اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۱ - ۳۸

۳ لزوم توجه به عظمت خدا و هراسیدن

از او

و یخشون ربهم

۸ خشیت از خدا و هراس از حساب سخت و ناگوار قیامت ، از نشانه های خردمندان است .

إنما یتذکّر أُولُوا الألبب . .. الذین ... یخشون ربهم و یخافون سوء الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۹ - ۱،۲

۱- خشیت و خداترسی ، در خلوت و دور از منظر مردمان ، از ویژگی های تقواپیشگان است .

و ذکرًا للمتّقین . الذین یخشون ربّهم بالغیب

برداشت یاد شده مبتنی براین است که <بالغیب> حال برای فاعل <یخشون> باشد.

۲- تقواپیشگان ، از پروردگار خویش با آن که غایب و نهان از انظار آنان است ، همواره در خشیت و خوف به سرمی برند .

و ذکرًا للمتّقین . الذین یخشون ربّهم بالغیب

برداشت یاد شده بر اساس این احتمال است که <بالغیب> حال برای مفعول <یخشون> باشد (ربّهم)؛ یعنی، در حالی که خداوند دور از انظار تقواپیشگان است، آنان از او می ترسند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۸ - ۵،۶

۵ - تنها عالمان راستین و اهل معرفت ، خداترس و اهل خشیت اند .

ألم تر أنّ اللّه أنزل من السماء ماء . .. و من الناس ... مختلف ألونه کذلك إنّما ی

۶ - خشیت و ترس از خدا ، نشانه عالمان راستین و اهل معرفت است .

إنّما یخشی اللّه من عباده العلمؤا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۱ - ۱

۱ - انذار ها و اخطار های پیامبر (ص) ، تنها در افرادی که آماده پذیرش بودند

و می خواستند از پیروان قرآن و اهل خشیت باشند ، مؤثر بود .

إنّما تنذر من اتّبع الذکر و خشی الرحمن

در آیات گذشته، سخن از گروهی بود که هرگز آمادگی پذیرش ایمان و سخن حق را نداشتند; ولی در این آیه شریفه از گروه دیگری یاد می کند که در نقطه مقابل گروه اول قرار دارند که آماده پذیرش کلام حق (قرآن) بوده و از خدای رحمان می ترسند. گفتنی است مقصود از <ذکر> طبق نظر بیش تر مفسران قرآن است.

خشیت اولوا الالباب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۱ - ۸

۸ خشیت از خدا و هراس از حساب سخت و ناگوار قیامت ، از نشانه های خردمندان است .

إنما یتذکّر أُولُوا الألبب . .. الذین ... یخشون ربهم و یخافون سوء الحساب

خشیت بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۸ - ۱۳

۱۳- لزوم بیم و هراس بندگان از خداوند ، هر چند دارای مرتبه ای والا باشند .

بل عباد مکرمون . .. و هم من خشیته مشفقون

خشیت پنهانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۹ - ۱

۱- خشیت و خداترسی ، در خلوت و دور از منظر مردمان ، از ویژگی های تقواپیشگان است .

و ذکرًا للمتّقین . الذین یخشون ربّهم بالغیب

برداشت یاد شده مبتنی براین است که <بالغیب> حال برای فاعل <یخشون> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۳ - ۹

۹ - دستیابی به

< قلب منیب > در پرتو خشیت از خداوند ، در آشکار و نهان

من خشی الرحمن بالغیب و جاء بقلب منیب

بنابر این که تقدم لفظی <خشی الرحمان. ..> بر <جاء بقلب منیب> حکایت از تقدم رتبی داشته باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

خشیت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۱۶

۱۶ - مؤمنان دارای عمل صالح ، هراسان از فرجام خویش و نگران از کوتاهی در برابر عظمت خداوند

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. ذلک لمن خشی ربّه

ترس از خداوند، به معنای نگرانی و هراس از فرجام خویش هنگام روبه رو شدن با او است.

خشیت طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۱۰

۱۰ - هراس جهان طبیعت از خداوند ، منشأی برای فعل و انفعالات آن

و إن منها لما یهبط من خشیه اللّه

خشیت علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۸ - ۵،۶

۵ - تنها عالمان راستین و اهل معرفت ، خداترس و اهل خشیت اند .

ألم تر أنّ اللّه أنزل من السماء ماء . .. و من الناس ... مختلف ألونه کذلک إنّما ی

۶ – خشیت و ترس از خدا ، نشانه عالمان راستین و اهل معرفت است .

إنّما یخشی اللّه من عباده العلمؤا

خشیت قلب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۴ – ۱۴

۱۴ – دل و قلب آدمی ، باید از هراس و خشیت خدا لرزان بوده و در مسیر او به

حرکت در آید .

و إن منها لما يهبط من خشيه اللّه

خشیت متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۹ - ۱،۲

۱- خشیت و خداترسی ، در خلوت و دور از منظر مردمان ، از ویژگی های تقواپیشگان است .

و ذکرًا للمتّقين . الذين يخشون ربّهم بالغيب

برداشت یاد شده مبتنی براین است که <بالغیب> حال برای فاعل <یخشون> باشد.

۲- تقواپیشگان ، از پروردگار خویش با آن که غایب و نهان از انظار آنان است ، همواره در خشیت و خوف به سرمی برند .

و ذکرًا للمتّقين . الذين يخشون ربّهم بالغيب

برداشت یاد شده بر اساس این احتمال است که <بالغیب> حال برای مفعول <یخشون> باشد (ربّهم)؛ یعنی، در حالی که خداوند دور از انظار تقواپیشگان است، آنان از او می ترسند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۳ - ۲

۲ - متقین ، در عین اعتقاد به رحمانیت خداوند ، بیمناک از مخالفت با او *

من خشی الرحمن بالغيب

از این که وصف <الرحمان> مفعول <خشی> قرار گرفته است، می توان به مطلب فوق ره برد؛ زیرا در نظر ابتدایی، وصف <منتقم،قهار و. ..> متناسب با خشیت است و این که وصف <رحمت> به کار گرفته شده است، می رساند که رجای متقین آنان را به گناه نمی کشاند.

خشیت معصومان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۲۸ – ۱۴

۱۴– مقام عصمت ، مانع از خوف و هراس از خداوند نیست .

و هم بأمره یعملون . .. و هم من خشیته مشفقون

خشیت مقربان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۲۸ – ۱۵

۱۵– خشیت و ترس از خداوند ، از ویژگی های بندگان مقرب و از اوصاف پسندیده است .

بل عباد مکرمون . .. و هم من خشیته مشفقون

خشیت ملائکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۲۸ – ۱۱

۱۱– فرشتگان ، بر اثر ترس از خداوند ، هراسان و نگران اند .

و هم من خشیته مشفقون

برداشت یاد شده بر این اساس است که <مِن> برای تعلیل و سببیت باشد.

خشیت مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵۲ – ۴

۴ – اطاعت از خدا و رسول او ، خدا ترسی و تقواپیشگی ، از نشانه های ایمان واقعی و اوصاف مؤمنان راستین

إنّما کان قول المؤمنین إذا دعوا . .. أن یقولوا سمعنا و أطعنا ... و من یطع اللّه

برداشت فوق، از ارتباط میان این آیه و آیه پیشین که درصدد بیان اوصاف مؤمنان راستین است به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۲۴ – ۳

۳ – وجود اختلاف اساسی میان دو انسان مؤمن خداترس و کافر خداگریز ، از نظر شخصیت و سرنوشت

فويل للقسيه قلوبهم من ذكر اللّه . .. أفمن يتّقى بوجهه سوء العذاب يوم القيمه

<من> در آیه شریفه، اسم موصول بوده و مبتدا و خبر آن، جمله ای محذوف است و تقدیر کلام چنین می باشد: <أفمن یتّقی بوجهه سوء العذاب. .. کمن آمن منه>. بنابراین می

توان گفت آیه شریفه درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر وسرنوشت آنان در آینده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بینه – ۹۸ – ۸ – ۱۶

۱۶ – مؤمنان دارای عمل صالح ، هراسان از فرجام خویش و نگران از کوتاهی در برابر عظمت خداوند

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. ذلک لمن خشی ربّه

ترس از خداوند، به معنای نگرانی و هراس از فرجام خویش هنگام روبه رو شدن با او است.

دعوت به خشیت از خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۱۹ – ۲۰۸

$۲ – دعوت فرعون به خشیت از خداوند ، از اهداف رسالت موسی (ع)

فتخشی

– دعوت فرعون به خشیت از خداوند، از اهداف رسالت موسی(ع)

$۸ – هدایت مردم به خداوند و بیان ربوبیت او و ایجاد حالت خداترسی در آنان ، از نخستین اهداف پیامبران است .

فقل . .. و أهدیک إلی ربّک فتخشی

– هدایت مردم به خداوند و بیان ربوبیت او و ایجاد حالت خداترسی در آنان، از نخستین اهداف پیامبران است.

زمینه خشیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۱۸ – ۱۳

۱۳ – اعتقاد به ربوبیت الهی ، مقتضی خشیت و خداترسی است .

الذین یخشون ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۱ - ۴،۹

۴ - آیات قرآن ، پیامدار خشیت از خدا برای خلق

لو أنزلنا هذا القرءان . .. متصدّعًا من خشیه اللّه

۹ - تفکر در آیات وحی ، زمینه ساز خشیت و خشوع

انسان در برابر خداوند

لو أنزلنا هذا القرءان على جبل لرأيته خشعًا متصدّعًا من خشيه اللّه . .. لعلّهم

زمینه خشیت از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۱ - ۴

۴ باور به ربوبیت خداوند و توجه به آن ، زمینه ساز خشیّت آدمی از اوست .

یخشون ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۹ - ۳،۴،۵

$۳ - پیدایش حالت ترس از خدا و احساس عظمت او ، از آثار قرار گرفتن در طریق هدایت

و أهديک إلى ربّک فتخشى

<خشیت> به ترسی گویند که با درک عظمت همراه باشد. (مفردات راغب)

$۴ - شناخت ربوبیت خداوند ، زمینه ساز پیدایش حالت ترس و خشیت در برابر او

و أهديک إلى ربّک فتخشى

- شناخت ربوبیت خداوند، زمینه ساز پیدایش حالت ترس و خشیت در برابر او

$۵ - تزکیه و دوری از پلیدی و طغیان ، هموارسازنده راه هدایت و خشیت الهی

إنّه طغى . .. أن تزكّى . و أهديک إلى ربّک فتخشى

- تزکیه و دوری از پلیدی و طغیان، هموارسازنده راه هدایت و خشیت الهی

عوامل خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۸ - ۱۲،۱۵

۱۲ - آگاهی و اعتقاد به عزت مندی و آمرزندگی خداوند ، موجب خشیت و خداترسی است .

إنّما یخشی اللّه من عباده العلمؤا إنّ اللّه عزیز غفور

۱۵ - < عن علی بن الحسین (ع) : . . .من عرف اللّه خافه . . . و قد قال اللّه < إنّما یخشی اللّه من عباده العلماء > . .

;.

از امام سجاد(ع) روایت شده است: . ..کسی که خدا را بشناسد از او می ترسد... خداوند فرمود: <إنّما یخشی اللّه من عباده العلماء>...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۱۵

۱۵ - توجّه به ربوبیت خداوند ، مایه خداترسی و پیدایش هول و هراس در دل عاقبت اندیشان

ذلك لمن خشی ربّه

عوامل خشیت علمای راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۸ - ۴

۴ - مظاهر گوناگون و متنوع طبیعت ، جلوه عظمت خداوند و سبب خشیت عالمان راستین و اهل معرفت

ألم تر أنّ اللّه أنزل من السماء ماء . .. و من الناس ... مختلف ألونه كذلك إنّما ی

یادآوری خداترسی اهل معرفت پس از برشمردن پدیده های گوناگون طبیعت می تواند ناظر به این حقیقت باشد که در آن پدیده ها، عظمت خدا چنان جلوه گر است که موجب خشیت عالمان و اهل معرفت می شود. واژه <خشیت> که در مورد ترسی به کار می رود که همراه با تعظیم و ناشی از آگاهی باشد (مفردات راغب) مؤید همین برداشت است. گفتنی است مقصود از علم در این آیه، آشنایی با علوم مادی همچون فیزیک، شیمی و ریاضی نیست; بلکه آشنایی با معارف و حقایق الهی است که از صاحبان آن به اهل معرفت و عالمان راستین تعبیر می شود.

فضایل اهل خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۳ - ۱۷

۱۷ - اهل خشیت و خداترسان ، بهره مند از هدایت الهی

كتبًا

. .. تقشعرّ منه جلود الذين يخشون ربّهم ... ذلكَ هدی اللّه یهدی به من یشاء

از این که خداوند اهل خشیت را، کسانی معرفی کرد که تحت تأثیر قرآن قرار می گیرند، به دست می آید که یکی از مصادیق مورد نظر از <یهدی به من یشاء> همین گروه می باشد.

فضیلت خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۹ - ۴

۴ - ترس از خدا و نگرانی از دست نیافتن به تزکیه نفس ، ترسی به سزا و حالتی مطلوب در پیشگاه خداوند

و هو یخشی

محرومان از خشیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۶ - ۹

۹ - منکران معاد و فرعون صفتان عصر بعثت ، محروم از خشیت الهی و بی تفاوت در برابر عبرت های تاریخ

یقولون أءنّا . .. هل أتیک ... إنّ فی ذلکَ لعبره لمن یخشی

تصریح به <من یخشی> برای اشاره به نبود خشیت در وجود منکران معاد است.

مراتب خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۲ - ۴

۴ - ایمان و خوف از مقام ربوبی ، دارای مراتب و درجات

و لمن خاف مقام ربّه جنّتان . .. و من دونهما جنّتان

برداشت یاد شده، از تفاوت پاداش ها و مراتب آن در بهشت، به دست می آید.

موانع خشیت از خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۲۸ – ۷

۷ – بی پروایی و نترسیدن از خدا ، برخاسته از جهل و ناآگاهی نسبت به عظمت

پروردگار است .

ألم تر أنّ اللّه أنزل من السماء ماء . .. إنّما يخشى اللّه من عباده العلمؤا

نشانه های خشيت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۲ - ۳

۳ - تسليم حكم پيامبر بودن و پذيرش داورى بر مبناى تعاليم دين ، نشانه خدا ترسى ، تقواپيشگى و مطيع خدا و رسول بودن است .

إذا دعوا إلى اللّه و رسوله ليحكم بينهم أن يقولوا سمعنا و أطعنا . .. و من يطع الل

برداشت ياد شده، از ارتباط ميان دو آيه فوق استفاده گرديده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۸ - ۱۲

۱۲ - نماز ، مظهر ايمان راستين و خداترسى است .

الذين يخشون ربّهم بالغيب و أقاموا الصلوه

ياد كردن از برپايى نماز پس از خداترسى، مى تواند به عنوان يكى از مصاديق و مظاهر اين خداترسى باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۹ - ۲

۲ - انس با قرآن و تلاوت پيوسته آن ، برپايى نماز و انفاق در نهان و آشكار ، از نشانه هاى خداترسى است .

إنّما يخشى اللّه من عباده العلمؤا . .. إنّ الذين يتلون كتب اللّه و أقاموا الصل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۳ - ۹

۹ – اثرپذیری عمیق و لرزه انداز قرآن ، نشانه وجود روح خشیت و خداترسی در انسان

کتبًا . .. تقشعرّ منه جلود الذین یخشون ربّهم

وقتی تأثیرگذاری عمیق قرآن اختصاص به اهل خشیت داشته باشد (الذین یخشون ربّهم)، استفاده

می شود که هر کس از قرآن تأثیرپذیرفت و به لرزه درآمده، اهل خشیت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۵ - ۸

۸ - ذکر نام خدا و روی آوردن به نماز ، نشانه پندپذیری از قرآن ، ترس از خداوند و مایه دوری از آتش دوزخ است .

سیذّکر من یخشی . و یتجنّبها الأشقی . الذی یصلی النار ... قد أفلح من ... فصلّی

ویژگیهای خشیت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۸ - ۱۲

۱۲- ترس فرشتگان از خداوند ، آمیخته با تعظیم ، احترام و توجه ویژه به خداوند است .

و هم من خشیته مشفقون

<خشیت> ترس توأم با تعظیم و احترام و <اشفاق> ترس آمیخته با عنایت است (مفردات راغب).

هدایت پذیری اهل خشیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۱ - ۱

۱ - انذار ها و اخطار های پیامبر (ص) ، تنها در افرادی که آماده پذیرش بودند و می خواستند از پیروان قرآن و اهل خشیت باشند ، مؤثر بود .

إنّما تنذر من اتّبع الذکر و خشی الرحمن

در آیات گذشته، سخن از گروهی بود که هرگز آمادگی پذیرش ایمان و سخن حق را نداشتند; ولی در این آیه شریفه از گروه دیگری یاد می کند که در نقطه مقابل گروه اول قرار دارند که آماده پذیرش کلام حق (قرآن) بوده و از خدای رحمان می ترسند. گفتنی است مقصود از <ذکر> طبق نظر بیش تر مفسران قرآن است.

خضر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خضر(ع)

آثار

پیروی از خضر(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۶۶ – ۸

۸- دریافت آموخته های خضر ، در دیدگاه موسی ، وابسته به پیروی از آن حضرت بود .

هل أتّبعک علی أن تعلّمن

آثار سوراخ کشتی قصه خضر(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۷۹ – ۱۰

۱۰- معیوب بودن کشتی حامل خضر و موسی (ع) ، عامل صرف نظر پادشاه غاصب از تصرّف و مصادره آن شد .

فأردت أن أعیبها و کان وراءهم ملک یأخذ کلّ سفینه غصبًا

احترام خضر(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۶۹ – ۴

۴- موسی (ع) کمال ادب و متانت را در برابر معلّم خویش (خضر) اظهار کرد .

هل أتّبعک . .. ستجدنی ... و لا أعصی

موارد فراوانی از ادب و متانت در کلام موسی(ع) دیده می شود: الف) درخواست خود را با استفهام آغاز کرد (هل أتّبعک)؛ ب) مبدأ علم خضر را به جهت تکریم، با صیغه مجهول آورد (عُلّمت)؛ ج) علم او را رشدآفرین دانست (رشداً)؛ د) تنها، بخشی از علم او را طلب کرد (ممّا عُلّمت)؛ ه) وعده صریح به صبر نداد، بلکه به صورت <ستجدنی إن شاء اللّه. ..> ذکر کرد؛ و) توصیه های او را به عنوان امر تلقی کرد و متعهد شد که با او در هیچ فرمانی مخالفت نکند. (المیزان، ج ۱۳).

استمهال از خضر(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۶ - ۱

۱- موسی

(ع) ، از خضر (ع) برای تجربه صبر در برابر کار های غیرعادی آن حضرت خواستار آخرین فرصت شد .

قال إن سألتک عن شیء بعدها فلاتصحبنی

اطاعت از خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۹ - ۲

۲- موسی (ع) بر اطاعت کامل خود از خضر (ع) و سرپیچی نکردن از فرمان های او تأکید کرد .

ستجدنی إن شاء اللّه صابرًا و لا أعصی لک أمرًا

اعتراض به خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۱ - ۵

۵- موسی (ع) از عملکرد خضر (ع) در شکافتن بدنه کشتی ، شگفت زده شد و به او اعتراض کرد .

قال أخرقتها لتغرق أهلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۴ - ۵،۱۱

۵- موسی (ع) نوجوان مقتول را ، فردی بی گناه دانست و خضر (ع) را به جهت کشتن وی ، به شدّت مورد اعتراض قرار داد .

قال أقتلت نفسًا زکیه بغیر نفس لقد جئت شیئًا نکرًا

<زکاه> به معنای <طهارت> و <صلاح> و <نمو> و <برکت> و <مدح> آمده است. (لسان العرب) در آیه، مراد از <زکیه>، توصیف نوجوان به طهارت و پاکی از گناه است.

۱۱- < عن أبی عبداللّه : . . . بینما العالم یمشی مع موسی إذا هم بغلام یلعب قال : < فوکزه العالم ، فقتله . فقال له موسی : < أقتلت نفساً زکیه بغیر نفس لقد جئت شیئاً نکراً ؟ >

. قال : < فأدخل العالم يده فاقتلع كتفه فإذا عليه مكتوب : كافر مطبوع ;

از امام صادق(ع) روایت شده: . .. آن گاه که عالم (خضر) با موسی(ع) می رفت، ناگاه، به پسری برخوردند که بازی می کرد. امام فرمود: <پس آن عالم، مشتی بر وی زد و او را کشت. موسی(ع) به او گفت: <أقتلت نفساً زکیه بغیر نفس...؟>. امام فرمود: <پس آن عالم، دست برد و کتف پسر را بیرون آورد که بر آن نوشته شده بود <کافر مطبوع>.(کافری که مهر کفر بر او زده شده است)>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۸ - ۲

۲- ناتوانی موسی (ع) از تحمّل کار های خضر (ع) ، در پی سومین سؤال و اعتراض او ، به اثبات رسید .

قال هذا فراق بینی و بینک سأنبّئک بتأویل ما لم تستطع علیه صبرًا

انقیاد خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۱۷

۱۷- همه کار های شگفت خضر (ع) ، به فرمان خداوند صورت گرفت و دیدگاه شخصی او در آن دخالتی نداشت .

رحمه من ربّک و ما فعلته عن أمری

ضمیر مفعولی در <مافعلته> به قرینه ذیل آیه، به جامعِ تمام ماجراها برمی گردد، نظیر <آنچه دیدی> یا <آنچه انجام دادم>.

انقیاد والدین نوجوان قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۰ - ۲

۲- پدر و مادر جوان مقتول ، به دست خضر ، افرادی مؤمن و به دور از سرکشی و عصیان

بودند .

فخشینا أن یرهقهما طغینًا و کفرًا

<طغیان> یعنی <بی اندازه در معصیت پیش رفتن>. (مفردات راغب).

اهالی شهر قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۷ - ۴

۴- هیچ یک از مردم شهر ، حاضر به میزبانی و اطعام موسی و خضر (ع) نشد .

استطعما أهلها فأبوا أن یضیّفوهما

<إباء> به معنای <امتناع و سرباز زدن> است.

اهمیت ملاقات موسی(ع) با خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۰ - ۸

۸- حضرت موسی (ع) ملاقات با حضرت خضر (ع) را آن اندازه مهم و با ارزش می دانست که حتی جستوجو در زمانی طولانی را برای آن روا می دید .

لاأبرح حتّی . .. أو أمضی حقبًا

<حقب> به معنای <دهر و زمانی طولانی> است اهل لغت آن را هشتاد سال نیز دانسته اند و مراد از پیمودن آن نیز، همان رسیدن به مجمع البحرین بوده است؛ یعنی، حتّی أبلغ مجمع البحرین بسیر قریب أو أسیر أزماناً طویله.

ایمان والدین نوجوان قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۰ - ۲

۲- پدر و مادر جوان مقتول ، به دست خضر ، افرادی مؤمن و به دور از سرکشی و عصیان بودند .

فخشینا أن یرهقهما طغیًانا و کفرًا

<طغیان> یعنی <بی اندازه در معصیت پیش رفتن>. (مفردات راغب).

بازسازی دیوار قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۷ - ۹،۱۰،۱۱،۲۰

۹- خضر (ع) دیوار در حال سقوط

را ترميم و بازسازى كرد .

يريد أن ينقضّ فأقامه

۱۰- ترميم ديوار مشرفِ بر ويرانى ، به دست خضر ، در برابر ديدگان مردم شهر انجام گرفت . *

حتّى إذا أتيا أهل قريه . .. فأقامه

ورود بر اهل قريه و نيز وجود ديوار در متن شـهر كه از تعبير <فوجدا فيها جداراً> اسـتفاده مى شود، ممكن است اشاره به اين داشته باشد كه مردم، ناظر رفتا خضر(ع) بوده اند.

۱۱- خضر (ع) براى تعمير ديوار و برپا داشتن آن ، از موسى (ع) كمك نطلبيد .

فأقامه

مفرد آمدن <أقامه> ممكن است از آن جهت باشد كه كار بازسازى ديوار، فقط به دست خضـر(ع) صورت گرفته باشد; چه اين كه در موارد پيشين، <استطعما> به صورت تثنيه آمده و نقش هر دو را در طلب غذا نمايانده است.

۲۰- < عن جعفربن محمد (ع) : . . . فوجدا فيها جداراً يريد أن ينقضّ ، فوضع الخضر يده عليه فأقامه ;

از امام صادق(ع) روايت شده: (خضـر و موسـى(ع)) ديوارى را يافتند كه مى خواست بيفتد. خضـر، دست خود را بر آن نهاد و آن را راست كرد>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۲ - ۳

۳- خضر (ع) با وجود حضور نداشتن مالكان ديوار در آبادى ، به ترميم آن پرداخته بود . *

فكان لغلمين يتيمين فى المدينه

احتمال مى رود كه به كار رفتن واژه <المدينه> در اين آيه، به جاى واژه <القريه> كه در آيات قبل آمده بود، اشاره به اين جهت باشد كه آن دو يتيم در آن آبادى حضور نداشته، بلكه

در شهری دیگر اقامت داشته اند و آن شهر چنان چه از حرف <ال> در <المدینه> استفاده می شود برای خضر و موسی(ع) شناخته شده بود.

بی گناهی نوجوانان قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۴ - ۵

۵- موسی (ع) نوجوان مقتول را ، فردی بی گناه دانست و خضر (ع) را به جهت کشتن وی ، به شدّت مورد اعتراض قرار داد .

قال أقتلت نفسًا زکیه بغیر نفس لقد جئت شیئًا نکرًا

<زکاه> به معنای <طهارت> و <صلاح> و <نمو> و <برکت> و <مدح> آمده است. (لسان العرب) در آیه، مراد از <زکیه>، توصیف نوجوان به طهارت و پاکی از گناه است.

بیان راز عمل خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۰ - ۴،۵

۴- خضر موسی (ع) را از این که آنچه انجام خواهد داد ، بی دلیل و حکمت نیست ، آگاه ساخت .

حتّی أُحدث لک منه ذکرًا

۵- خضر (ع) به موسی (ع) وعده داد که در نهایت ، بخشی از اسرار کار خود را برای او تبیین خواهد کرد .

أُحدث لک منه ذکرًا

<من> در <منه> برای تبعیض است و گویای این که خضر، تنها، به بیان گوشه ای از ویژگی های کردار خویش وعده داد.

بینش خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۷ - ۱

۱- خضر ، موسی (ع) را از تحمّل همراهی با وی ، برای فراگیری علوم ویژه ،

ناتوان دید .

هل أتّبعک . .. قال إنّک لن تستطیع معی صبرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۸ - ۲

۲- خضر (ع) بی اطلاعی موسی از زوایای کردار وی را ، دلیل ناتوانی موسی از تحمّل عملکرد وی دانست .

إنّک لن تستطیع . .. و کیف تصبر علی ما لم تحط به خبرًا

پدر مالک دیوار قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۵،۶

۵- خضر (ع) پدر مالکان دیوار را می شناخت و از نیکی و صلاح او در دوران زندگی اش با خبر بود .

و کان أبوهما صلحًا

۶- صالح بودن پدر ، عامل حمایت خضر (ع) از منافع فرزندان یتیم او بود .

و أمّا الجدار فکان لغلمین یتیمین . .. و کان أبوهما صلحًا

جمله <و کان أبوهما صالحاً> نشانِ علّت تعمیر دیوار است.

پیروی از خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۰ - ۳

۳- خضر ، خواهان تعجیل نکردن موسی در فهم اسرار بود و او را بر متابعت بی چون و چرا از خود ، الزام نکرد .

حتّی أُحدث لک منه ذکرًا

پیشگویی خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۲ - ۱

۱- خضر (ع) اعتراض موسی را دلیل صحت پیش بینی خویش از ناشکیبایی موسی (ع) دانست و پیش گویی خود را به وی یادآور شد .

قال ألم أقل إنّک لن تستطیع معی صبرًا

تحقق

پیشگویی خضر(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۷۵ – ۳

۳- پیش بینی خضر (ع) در مورد ناشکیبایی موسی (ع) در برابر کار های او ، مطابق واقع بود .

لقد جئت شیئًا نکرًا . قال ألم أقل لک إنّک لن تستطیع معی صبرًا

تعالیم خضر(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۷۰ – ۴

۴- خضر موسی (ع) را از این که آنچه انجام خواهد داد ، بی دلیل و حکمت نیست ، آگاه ساخت .

حتّی أُحدث لک منه ذکرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۲ – ۱۶،۲۱،۲۳

۱۶- خضر (ع) با توجّه دادن موسی (ع) به تدبیر فراگیر الهی ، حفاظت اموال یتیمان را ، برخاسته از گستردگی ربوبیّت خداوند دانست .

فأراد ربّک

خضر(ع) با اضافه <ربّ> به ضمیر خطاب (ربّک) به موسی(ع) این نکته را بیان داشته است که گرچه ترمیم دیوار، به تغذیه و تربیت جسم تو کمکی نکرد، ولی مالک و مدّبر تو، مالک و مدّبر یتیمان نیز هست.

۲۱- موسی (ع) ، سرانجام ، به اسرار کار های شگفت خضر آگاه شد و توجیه و تأویل برخی حوادث را از او آموخت .

ذلک تأویل ما لم تسطع علیه صبرًا

<لم تسطع> در اصل <لم تستطع> بوده و حرف <تاء> برای تخفیف حذف شده است.

۲۳- خضر (ع) پس از آموختن اسرار کار های خود به موسی (ع) ، وی را بر بی صبری در برابر

آن ، نکوهش کرد .

ذلک تأویل ما لم تسطع علیه صبرًا

تعالیم قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۰ - ۳

۳- حقایقی آموزنده ، در سرگذشت ملاقات موسی (ع) و خضر (ع) وجود دارد .

و إذ قال موسی لفتیه لاأبرح

عالمی که موسی(ع) با او ملاقات کرده، بنابر آنچه که در روایات آمده است، حضرت خضر(ع) است و موسی(ع) نیز همان پیامبر معروف. گرچه در این موضوع آرای دیگری نیز اِبراز شده، ولی به گفته علامه طباطبایی (ره) به دلیل یاد فراوان از موسی(ع) در قرآن، اگر غیر او مراد بود، قرینه ای در قرآن ذکر می گردید تا رفع التباس شود.

تعلم از خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۶ - ۲

۲- هدف موسی از همراه شدن با خضر ، بهرهوری از علم رشدآفرین وی بود .

هل أتّبعک علی أن تعلّمن ممّا علّمت رشدًا

<رشداً> اگر مفعولٌ له باشد، مفاد آیه این است که: <پیروی من، به منظور رشد یافتن است> که اگر مفعولٌ به باشد، مراد این است که: <تو را پیروی می کنم بر این اساس که آنچه را رشد است، به من بیاموزی. >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۸ - ۷

۷- علمی که موسی (ع) در پی آموختن آن از خضر (ع) بود ، علم تأویل و تحلیل حوادث و شناخت حقایق پشت پرده رخداد ها بود .

هل أتّبعك على أن تعلّمن ممّا علّمت . ..

سأنبّئک بتأویل ما لم تستطع علیه صبرًا

توصیه های خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۷ - ۲

۲- خضر (ع) به موسی (ع) توصیه کرد به دلیل نداشتن قدرت تحمّل ، از همراه شدن با او صرف نظر کند .

إنّک لن تستطیع معی صبرًا

جدایی موسی(ع) و خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۳ - ۸

۸- مفارقت از خضر (ع) و بازماندن از یادگیری علوم او ، برای حضرت موسی (ع) امری دشوار بود .

لاتؤاخذنی بما نسیت و لاترهقنی من أمری عسرًا

مقصود از <أمر> در <من أمری> همان متابعت خضر(ع) و فراگیری دانش از او است. بنابراین، مفاد این قسمت آیه، آن است که با لغو رخصت همراهی، مرا در مورد کار و هدف ام به زحمت و سختی میناداز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۸ - ۱،۳

۱- سومین تخلّف موسی (ع) از عهد خویش با خضر (ع) (مطرح ساختن گرفتن مزد) ، آغاز جدایی آن دو از هم بود .

قال لو شئت لتّخذت . .. قال هذا فراق بینی و بینک

در باره این که <هذا> اشاره به چیست، احتمالاتی وجود دارد، از جمله این که اشاره به قول موسی(ع) باشد; یعنی، هذا القول سبب فراق بیننا

۳- خضر (ع) ، پس از آخرین تخلّف موسی ، برای جدا شدن از او ، دلیل موجه و عذر پذیرفته شده داشت .

بلغت من لدنّی

عذرًا . .. قال لو شئت لتّخذت عليه أجرًا . قال هذا فراق بينى و بين

جستجوی خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۰ - ۱،۲،۴

۱- موسی (ع) برای یافتن خضر ، با عزمی راسخ و جدّی ، سفر خود را به مجمع البحرین آغاز کرد .

لاأبرح حتّی أبلغ مجمع البحرین

<لاأبرح> صیغه متکلم از <برح> و به معنای <دست برنمی دارم> و تأکید بر پشتکار در انجام دادن کار است.

۲- موسی (ع) در جُستار تحقیقیِ خویش برای یافتن خضر ، با خدمت کار خود (یوشع (ع)) همراه بود .

و إذ قال موسی لفتیه لاأبرح

<فتی> به معنای جوان است. در تعبیرات قرآن، از غلام و خدمت کار نیز با این تعبیر یاد شده است. لازم به ذکر است که بنابر برخی از روایات مأثور، همراه و همسفر موسی(ع)، <یوشع بن نون> وصی آن حضرت بوده است.

۴- تلاش موسی (ع) برای یافتن خضر (ع) ، واقعه ای درخور یادآوری و توجّه است .

و إذ قال موسی لفتیه لاأبرح

<إذ> مفعول برای <اُذکر> در تقدیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۲ - ۱،۳

۱- موسی (ع) و همسفرش ، پس از توقف در مجمع البحرین ، در جستوجوی خضر (ع) ، مجدداً به حرکت خویش ادامه داده و آن جا را پشت سر گذاشتند .

فلمّا بلغا مجمع بینهما . .. فلمّا جاوزا

موسی(ع) در سخن خود با یوشع، مجمع البحرین را هدف و مقصد نهایی خود

اعلام کرد، ولی هنگام رسیدن به آن جا، از آن نیز گذشت. این حرکت و نیز گفتاری که در آیات بعد از موسی(ع) نقل شده است، نشانه آن است که آن دو نمی دانستند به محلِّ مورد نظر موسی(ع) رسیده اند.

۳- موسی و یوشع ، در شبانگاه و صبح دم پس از عبور از مجمع البحرین برای یافتن خضر (ع) راه درازی پیمودند . *

ءاتنا غداءنا

بدان احتمال که احساس خستگی و گرسنگی موسی(ع) در طرف صبح، ناشی از راه پیمایی طولانی در شب باشد.

حکومت دوران خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۷

۷- در زمان وقوع داستان موسی و خضر (ع) ، حکومتی ستم گر و غاصب وجود داشته است .

و کان وراءهم ملك يأخذ كلّ سفينه غصبًا

<وراء> به هر مکان مستور و پوشیده ای گر چه روبه رو باشد، اطلاق می گردد. (قاموس) بنابراین، سلطان غاصب، یا پشت سر مساکین و در تعقیب کشتی داران بوده است و یا در پیش روی آنان بوده آن ها در مسیر خود با او برخورد می کردند.

خرابی دیوار قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۷ - ۸

۸- موسی و خضر (ع) در آبادی ، با دیواری مواجه شدند که در حال سقوط و خرابی بود .

فوجدا فيها جدارًا يريد أن ينقضّ

<إنقضاض> از ماده <قضض> به معنای <از هم پاشیدن> است (قاموس). به کار بردن فعل <یرید> که نوعاً در باره موجودات دارای اختیار به کار می رود،

نوعی استعاره است; یعنی، به قدری دیوار در معرض افتادن بود که گویا خود بر خرابی و از هم پاشیدگی تصمیم گرفته است .

خضر(ع) در کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۱ - ۲،۴،۶

۲- موسی و خضر (ع) در نخستین مراحل همراهی ، سوار کشتی شدند .

فانطلقا حتّی إذا رکبا فی السفینه

۴- خضر (ع) پس از سوار شدن بر کشتی ، در بدنه آن شکافی ایجاد کرد که سرنشینیان آن در خطر غرق شدن قرار گرفتند .

حتّی إذا رکبا فی السفینه خرقها

<خرق> به معنای <شکافتن و دریدن> است.

۶- اقدام خضر به سوراخ کردن کشتی ، دور از چشم سرنشینان کشتی بوده است .

خرقها قال أخرقتها لتغرق أهلها

روشن است که اگر سوراخ کردن کشتی، در دید مردم قرار داشت، خضر(ع)، مورد اعتراض آن ها قرار می گرفت و مانع او می شدند. از این که تنها، موسی(ع)اعتراض کرده، چنین بر می آید که این کار، از چشم دیگران به دور بوده است .

خضر(ع) در مجمع البحرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۵ - ۱

۱- موسی (ع) و همسفرش ، پس از بازگشت به مجمع البحرین ، با خضر (ع) ملاقات کردند .

فارتّدا علی ءاثارهما قصصًا . فوجدا

خضر(ع) در ناصره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۷ - ۱۹

۱۹- < عن جعفربن محمد (ع) : . . . < فانطلقا حتّی إذا أتیا أهل قریه > و هی

الناصره ;

از امام صادق(ع) روایت شده:. .. مقصود از قریه، در آیه شریف قریه ناصره است>.

خواسته های خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۰ - ۳

۳- خضر ، خواهان تعجیل نکردن موسی در فهم اسرار بود و او را بر متابعت بی چون و چرا از خود ، الزام نکرد .

حتّی اُحدث لک منه ذکرًا

درخواست غذای خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۷ - ۳

۳- موسی و خضر (ع) با احساس گرسنگی ، از مردم شهر ، تقاضای طعام و خوراکی کردند .

استطعما أهلها

به قرینه <یضیّفوهما> مراد از استطعام، تهیه طعام برای ادامه سفر نبوده است، بلکه موسی و خضر(ع)، در همان هنگام، گرسنه بوده اند.

ذکر قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۰ - ۴

۴- تلاش موسی (ع) برای یافتن خضر (ع) ، واقعه ای درخور یادآوری و توجّه است .

و إذ قال موسی لفتیه لاأبرح

<إذ> مفعول برای <اُذکر> در تقدیر است.

راز عمل خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۸ - ۱،۲

۱- موسی (ع) از اسرار نهفته در زندگی و عملکرد خضر (ع) و زوایای آن ، اطلاع دقیقی نداشت .

و کیف تصبر علی ما لم تحط به خبرًا

<إحاطه> (مصدر <لم تحط>) یعنی: <به چیزی احاطه و وقوف کامل یافتن> و در آیه مورد بحث، با توجه به کلمه <خبراً> که به معنای

<علماً> و تمییز برای نسبت احاطه است مراد، احاطه کامل علمی است.

۲- خضر (ع) بی اطلاعی موسی از زوایای کردار وی را ، دلیل ناتوانی موسی از تحمّل عملکرد وی دانست .

إنّک لن تستطیع . .. و کیف تصبر علی ما لم تحط به خبرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۸ - ۴،۶

۴- خضر ، موسی (ع) را مطمئن ساخت که اسرار کار های شگفت خویش را پیش از جدایی ، برای او بازگو خواهد کرد .

سأنبّئک بتأویل ما لم تستطع علیه صبرًا

۶- کار های به ظاهر غیر قابل توجیه خضر (ع) ، دارای باطن و حقیقتی درست بود .

سأنبّئک بتأویل ما لم تستطع علیه صبرًا

<تأویل> از ریشه <أوْل> و به معنای <بازگرداندن> است ودر آیه، به معنای <مآل> است و مراد، حقایق و مصالحی است که کار خضر بر اساس آن انجام پذیرفته و باید ظاهر ناخوشایند کار خضر(ع) را به آن مصالح بازگرداند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۲۱،۲۲

۲۱- موسی (ع) ، سرانجام ، به اسرار کار های شگفت خضر آگاه شد و توجیه و تأویل برخی حوادث را از او آموخت .

ذلک تأویل ما لم تسطع علیه صبرًا

<لم تسطع> در اصل <لم تستطع> بوده و حرف <تاء> برای تخفیف حذف شده است.

۲۲- رخداد های داستان خضر و موسی (ع) ، برخاسته از اراده خداوند و دارای تفسیری پیچیده و نیازمند آگاهی هایی ویژه است که از جانب او افاضه شود .

و

ما فعلته عن أمری ذلک تأویل ما لم تسطع علیه صبرًا

رد درخواست غذای خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۷ - ۴

۴- هیچ یک از مردم شهر ، حاضر به میزبانی و اطعام موسی و خضر (ع) نشد .

استطعما أهلها فأبوا أن یضیّفوهما

<إباء> به معنای <امتناع و سرباز زدن> است.

زمینه تعلم از خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۶ - ۸

۸- دریافت آموخته های خضر ، در دیدگاه موسی ، وابسته به پیروی از آن حضرت بود .

هل أتّبعک علی أن تعلّمن

سرزنشهای خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۲۳

۲۳- خضر (ع) پس از آموختن اسرار کار های خود به موسی (ع) ، وی را بر بی صبری در برابر آن ، نکوهش کرد .

ذلک تأویل ما لم تسطع علیه صبرًا

سوراخ کشتی قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۱ - ۴،۵،۶،۸

۴- خضر (ع) پس از سوار شدن بر کشتی ، در بدنه آن شکافی ایجاد کرد که سرنشینیان آن در خطر غرق شدن قرار گرفتند .

حتّی إذا رکبا فی السفینه خرقها

<خرق> به معنای <شکافتن و دریدن> است.

۵- موسی (ع) از عملکرد خضر (ع) در شکافتن بدنه کشتی ، شگفت زده شد و به او اعتراض کرد .

قال أخرقتها لتغرق أهلها

۶- اقدام خضر به سوراخ کردن کشتی ، دور از چشم سرنشینان

کشتی بوده است .

خرقها قال أخرقتها لتغرق أهلها

روشن است که اگر سوراخ کردن کشتی، در دید مردم قرار داشت، خضر(ع)، مورد اعتراض آن ها قرار می گرفت و مانع او می شدند. از این که تنها، موسی(ع)اعتراض کرده، چنین بر می آید که این کار، از چشم دیگران به دور بوده است .

۸- آسیب رساندن خضر (ع) به کشتی ، امری بس ناروا و غیرقابل توجیه در نظر موسی (ع) بود .

لقد جئت شیئًا إمرًا

<إمر> به معنای <منکَر عظیم> و نیز <منکَر عجیب> آمده است. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۲ - ۳

۳- خضر (ع) با بیان آگاه نبودن موسی (ع) به راز معیوب ساختن کشتی ، پندار وی را در مورد انگیزه آن کار ، تخطئه کرد .

أخرقتها لتغرق أهلها . .. ألم أقل إنّک لن تستطیع معی صبرًا

شرایط تعلم از خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۷ - ۵

۵- دستیابی به گوشه ای از دانش خضر و بندگان خاص خداوند ، نیازمند صبر و تحمّل فراوان است .

قال إنّک لن تستطیع معی صبرًا

هشدار خضر به موسی(ع) در حقیقت، بیان این نکته نیز هست که برای همراه شدن با خضر و کسب معارف از او، صبر پولادین مورد نیاز است.

شرایط همنشینی با خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۸ - ۱۰

۱۰- برخورداری از علم تأویل و تحلیل حوادث و مصاحبت با عالمانی مانند خضر (

ع) ، نیازمند صبری برتر از صبر موسی (ع) و طاقتی افزون تر از طاقت او است .

سأنبّئک بتأویل ما لم تستطع علیه صبرًا

شگفتی عمل خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۷ - ۳

۳- کار های خضر ، برای دیگران ، حتی فردی چون موسی (ع) غیر قابل تحمّل و درک بود .

قال إنّک لن تستطیع معی صبرًا

تأکید بر <معی> نشان می دهد که صرف تعلیم علوم مشکل آفرین نبوده است، بلکه همراه شدن با خضر - که مستلزم مشاهده رفتاری است که از علوم وی نشئت گرفته غیرقابل تحمّل بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۸ - ۳

۳- اَعمال خضر (ع) ، دارای ظاهری غیرمتعارف و زوایایی ناشناخته ، حتی برای فردی مانند موسی (ع) بود .

و کیف تصبر علی ما لم تحط به خبرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۱ - ۵

۵- موسی (ع) از عملکرد خضر (ع) در شکافتن بدنه کشتی ، شگفت زده شد و به او اعتراض کرد .

قال أخرقتها لتغرق أهلها

شهر قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۷ - ۲،۵

۲- موسی و خضر (ع) در مسیر حرکت و سفر خویش ، به یک آبادی رسیدند و با اهل آن ملاقات کردند .

فانطلقا حتّی إذا أتیا أهل قریه

در این که چه شهری در مسیر

موسی و خضر(ع) قرار داشته، احتمالات گوناگونی ارائه شده است. از جمله آن ها شهر <ناصره> است که در ساحل دریا قرار داشته است این وجه را مجمع البیان از امام صادق (ع) روایت کرده است.

۵- مردم شهری که موسی و خضر (ع) به آن وارد شدند ، مردمی دور از خوی مهمان دوستی و غریب نوازی ، دور بودند .

فأبوا أن یضیّفوهما

صبر در همنشینی با خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۸ - ۱۰

۱۰- برخورداری از علم تأویل و تحلیل حوادث و مصاحبت با عالمانی مانند خضر (ع) ، نیازمند صبری برتر از صبر موسی (ع) و طاقتی افزون تر از طاقت او است .

سأنبّئک بتأویل ما لم تستطع علیه صبرًا

ظلم پادشاه قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۷۸

۷- در زمان وقوع داستان موسی و خضر (ع) ، حکومتی ستم گر و غاصب وجود داشته است .

و کان وراءهم ملک یأخذ کلّ سفینه غصبًا

<وراء> به هر مکان مستور و پوشیده ای گر چه روبه رو باشد، اطلاق می گردد. (قاموس) بنابراین، سلطان غاصب، یا پشت سر مساکین و در تعقیب کشتی داران بوده است و یا در پیش روی آنان بوده آن ها در مسیر خود با او برخورد می کردند.

۸- مقارن با وقوع داستان موسی و خضر (ع) ، پادشاهی ، کلّیه کشتی های سالم را در آن منطقه ، مصادره می کرد .

و کان وراءهم ملک یأخذ کلّ سفینه

غصبًا

مراد از <كلّ سفينه> به قرينه <أن أعيبها> <كلّ سفينه صالحه> بوده است.

عبوديت خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۵ - ۲،۳

۲- هدف موسى (ع) و همراه وى از سفر جستوجوگرانه خود ، يافتن بنده اى از بندگان خاص الهى و داراى علم لدنى بود .

فارتّدا . .. فوجدا عبدًا من عبادنا ... و علّمنه من لدنّا

واژه <وجدا> بيان كننده يافتن چيزى است كه موسى و همراه اش در جستوجوى آن بودند و نه ديدارى اتفاقى و غير مترقبه. <لدنا> دلالت مى كند كه علم حضرت <خضر(ع)> دانش عادى و معمولى نبوده، بلكه از افاضات خاص ربّانى بوده است.

۳- حضرت < خضر > (ع) بنده خاص خداوند و برخوردار از رحمت و عنايت ويژه الهى بود .

ءاتينه رحمه من عندنا

عذرخواهى از خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۳ - ۲،۷

۲- موسى (ع) به دليل تخلّف از شرط همراهى با خضر (ع) و اعتراض ناروا به او ، خود را سزاوار مؤاخذه ديد و از خضر (ع) تقاضاى چشم پوشى كرد .

قال لاتؤاخذنى بما نسيت

۷- موسى (ع) عفو و عدم سخت گيرى خضر بر او را به خاطر نسيان و تخلّف از عهد خويش ، تقاضا كرد .

قال لاتؤاخذنى بما نسيت و لاترهقنى من أمرى عسرًا

<إرهاق> به معناى <تحميل كارى طاقت سوز بر ديگرى> است. (قاموس) و مفاد <لاترهقنى...> اين است كه كارى دشوار(مانند جدا شدن و لغو رخصت همراهى) را بر من

تحمیل مکن و مرا به زحمت مینداز. لازم به ذکر است که <عسراً> مفعول دوم برای <لاترهقنی> است.

عصمت خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۱ - ۱۱

۱۱- موسی (ع) ، لغزش هایی نظیر غرق انسان ها بی گناه را ، از جانب خضر (ع) منتفی نمی دانست .

أخرقتها لتغرق أهلها لقد جئت شيئًا إمرًا

علم خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۷ - ۴

۴- حضرت خضر (ع) ، نسبت به خصوصیّات روحی موسی (ع) از پیش ، مطلع بود . *

قال إنّك لن تستطيع معى صبرًا

پیش بینی قطعی عدم تحمّل موسی از جانب خضر(ع) می تواند مستند به یکی از دو امر باشد: ۱ اطلاع خضر از خصوصیات روحی و فکری موسی(ع) ۲ این که اصولاً تحمّل چنین علومی، برای غیر خضر ممکن نبوده است. برداشت فوق مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۹ - ۵

۵- موسی (ع) دارای اشتیاق فراوان به فراگیری علوم خضر بود .

قال ستجدنی إن شاء اللّه صابرًا و لا أعصی لک أمرًا

علم غیب خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۱۴

۱۴- خضر (ع) از برخی حوادث آینده ، آگاه بود و در برابر آن احساس مسؤولیت می کرد .

و کان وراءهم ملک یأخذ کلّ سفینه غصبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰

- کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۲۰

۲۰- آگاهی خضـر (ع) بر اسرار و حقایق امور عالم و نیز اطلاع او بر اراده خداوند در باره آنها ، نمودی از علم لدنی وی بود .

و علّمنه من لدنّا علمًا . رحمه من ربّک و ما فعلته عن أمری

علم لدنی خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۵ - ۲،۸،۹

۲- هدف موسی (ع) و همراه وی از سفر جستوجوگرانه خود ، یافتن بنده ای از بندگان خاص الهی و دارای علم لدنی بود .

فارتّدا . .. فوجدا عبدًا من عبادنا ... و علّمنه من لدنّا

واژه <وجدا> بیان کننده یافتن چیزی است که موسی و همراه اش در جستوجوی آن بودند و نه دیداری اتفاقی و غیر مترقبه. <لدنا> دلالت می کند که علم حضرت <خضر(ع)> دانش عادی و معمولی نبوده، بلکه از افاضات خاص ربّانی بوده است.

۸- حضرت خضر (ع) از علم مخصوص و موهبتیِ خداوند ، (علم لدنی) ، برخوردار بود .

و علّمنه من لدنّا علمًا

<من لدنا> و <من عندنا> در معنا تفاوتی ندارند و هر دو، بر داشتن منشأ الهی، دلالت می کنند.

۹- علم لدنی حضرت خضر (ع) ، نمودی از رحمت خاص الهی به او است .

ءاتینه رحمه من عندنا و علّمنه من لدنّا علمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۶ - ۳،۴،۶،۷،۹

۳- موسی (ع) به < علم لدنیِ > حضرت خضر احساس نیاز می کرد .

هل أتّبعک علی أن تعلّمن ممّا علّمت

رشدًا

۴- موسـی (ع) ، به محرومیت خود از علومی که نزد خضـر بود ، اعتراف داشت و در برابر مقـام علمی و عملی او ، متواضع و فروتن بود .

هل أتّبعک علی أن تعلّمن ممّا علّمت

اظهـار آمـادگی برای تبعیت، نشـانِ خضوعِ موسـی(ع) در برابر کردار خضـر(ع)، و اظهـار اشتیاق به آموختن، حاکی از تواضع موسی در برابر علم او است.

۶- در دیدگاه موسی (ع) ، خضر (ع) ، فردی تعلیم دیده ، و علوم ویژه او ، دانشی اکتسابی بود .

ممّا علّمت

۷- دانش ویژه خضر (ع) ، برگرفته از تعلیم خداوندی بود .

علّمنه من لدنّا علمًا . .. ممّا علّمت رشدًا

۹- علوم لدنی خضر ، دامنه گسترده ای داشت .

تعلمن ممّا علّمت

<من> در <ممّا> معنای تبعیض دارد. موسـی(ع) با این تعبیر، می گوید: <من، خواهان آموختن بخشی از آن علوم گسترده توام>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۲۰،۲۲

۲۰- آگاهی خضـر (ع) بر اسرار و حقایق امور عالم و نیز اطلاع او بر اراده خداوند در باره آنها ، نمودی از علم لدنی وی بود .

و علّمنه من لدنّا علمًا . رحمه من ربّک و ما فعلته عن أمری

۲۲- رخداد های داسـتان خضـر و موسی (ع) ، برخاسته از اراده خداوند و دارای تفسیری پیچیده و نیازمند آگاهی هایی ویژه است که از جانب او افاضه شود .

و ما فعلته عن أمری ذلک تأویل ما لم تسطع علیه صبرًا

عمل به تکلیف خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰

- کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۱۷

۱۷- همه کار های شگفت خضر (ع) ، به فرمان خداوند صورت گرفت و دیدگاه شخصی او در آن دخالتی نداشت .

رحمه من ربّک و ما فعلته عن أمری

ضمیر مفعولی در <مافعلته> به قرینه ذیل آیه، به جامعِ تمام ماجراها برمی گردد، نظیر <آنچه دیدی> یا <آنچه انجام دادم>.

عوامل محرومیت از همراهی با خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۶ - ۲

۲- موسی (ع) خود را در صورت سؤال مجدد (سومین تخلّف) سزاوار محروم شدن از مصاحبت با خضر (ع) دانست .

قال إن سألتک من شیء بعدها فلاتصحبنی

عهد موسی(ع) و خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۳ - ۳

۳- تخلّف موسی از عهد خویش با خضر (ع) ، ناشی از فراموشی بود .

قال لاتؤاخذنی بما نسیت

عهدشکنی با خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۷ - ۱۸

۱۸- سخنِ شِکوه آمیز موسی (ع) به خضر (ع) در مورد نگرفتن مزد ، سومین تخلّف وی از پیمان خویش بود .

قال لو شئت لتّخذت علیه أجرًا

عهدشکنی باخضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۸ - ۱

۱- سومین تخلّف موسی (ع) از عهد خویش با خضر (ع) (مطرح ساختن گرفتن مزد) ، آغاز جدایی آن دو از هم بود .

قال لو شئت لتّخذت .

.. قال هذا فراق بينى و بينک

در بـاره این که <هـذا> اشـاره به چیست، احتمالاتی وجود دارد، از جمله این که اشاره به قول موسـی(ع) باشـد; یعنی، هـذا القول سبب فراق بیننا

غارتگری پادشاه قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۱

۱- هدف خضر (ع) از اقدام به معیوب ساختن کشتی ، نجات دادن آن از غارت و مصادره سلطان غاصب بود .

أمّا السفینه . .. فأردت أن أعیبها ... یأخذ کلّ سفینه غصبًا

غصب کشتیها در دوران خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۸

۸- مقارن با وقوع داستان موسی و خضر (ع) ، پادشاهی ، کلّیه کشتی های سالم را در آن منطقه ، مصادره می کرد .

و کان وراءهم ملک یأخذ کلّ سفینه غصبًا

مراد از <کلّ سفینه> به قرینه <أن أعیبها> <کلّ سفینه صالحه> بوده است.

فضایل خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۵ - ۳،۸،۹

۳- حضرت < خضر > (ع) بنده خاص خداوند و برخوردار از رحمت و عنایت ویژه الهی بود .

ءاتینه رحمه من عندنا

۸- حضرت خضر (ع) از علم مخصوص و موهبتیِ خداوند ، (علم لدنی) ، برخوردار بود .

و علّمنه من لدنّا علمًا

<من لدنا> و <من عندنا> در معنا تفاوتی ندارند و هر دو، بر داشتن منشأ الهی، دلالت می کنند.

۹- علم لدنی حضرت خضر (ع) ، نمودی از رحمت خاص الهی به او است

.

ءاتینه رحمه من عندنا و علّمنه من لدنّا علمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۶ - ۳،۴،۷،۹

۳- موسی (ع) به < علم لدنیِ > حضرت خضر احساس نیاز می کرد .

هل أتّبعک علی أن تعلّمن ممّا علّمت رشدًا

۴- موسی (ع) ، به محرومیت خود از علومی که نزد خضر بود ، اعتراف داشت و در برابر مقام علمی و عملی او ، متواضع و فروتن بود .

هل أتّبعک علی أن تعلّمن ممّا علّمت

اظهار آمادگی برای تبعیت، نشانِ خضوعِ موسی(ع) در برابر کردار خضر(ع)، و اظهار اشتیاق به آموختن، حاکی از تواضع موسی در برابر علم او است.

۷- دانش ویژه خضر (ع) ، برگرفته از تعلیم خداوندی بود .

علّمنه من لدنّا علمًا . .. ممّا علّمت رشدًا

۹- علوم لدنی خضر ، دامنه گسترده ای داشت .

تعلمن ممّا علّمت

<من> در <ممّا> معنای تبعیض دارد. موسی(ع) با این تعبیر، می گوید: <من، خواهان آموختن بخشی از آن علوم گسترده توام>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۲۰

۲۰- آگاهی خضر (ع) بر اسرار و حقایق امور عالم و نیز اطلاع او بر اراده خداوند در باره آنها ، نمودی از علم لدنی وی بود .

و علّمنه من لدنّا علمًا . رحمه من ربّك و ما فعلته عن أمری

فقر مالکان کشتی قصه خضر(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۷۹ – ۲

۲– کشتی سوراخ شده به دست خضر (ع) ، در مالکیت

گروهی از محرومان بود و تنها وسیله ارتزاق آنان به شمار می آمد .

فکانت لمسکین یعملون فی البحر

فلسفه اعتراض به خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۱ - ۷

۷- قرار گرفتن سرنشینان کشتی در معرض غرق ، علّت اعتراض موسی (ع) به عمل خضر (ع) بود .

قال أخرقتها لتغرق أهلها

فلسفه بازسازی دیوار قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۱،۴،۶

۱- خضر (ع) علّت اقدام به بازسازی دیوار فرسوده را برای موسی (ع) تشریح کرد .

و أمّا الجدار . .. ما فعلته عن أمری

۴- هدف خضر (ع) از ترمیم دیوار فرسوده ، محفوظ داشتن گنج نهاده شده در زیر آن برای دو یتیم ساکن در شهر بود .

و أمّا الجدار فکان لغلمین یتیمین فی المدینه و کان تحته کنز لهما

۶- صالح بودن پدر ، عامل حمایت خضر (ع) از منافع فرزندان یتیم او بود .

و أمّا الجدار فکان لغلمین یتیمین . .. و کان أبوهما صلحًا

جمله <و کان أبوهما صالحاً> نشانِ علّت تعمیر دیوار است.

فلسفه سوراخ کشتی قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۱،۱۳

۱- هدف خضر (ع) از اقدام به معیوب ساختن کشتی ، نجات دادن آن از غارت و مصادره سلطان غاصب بود .

أمّا السفینه . .. فأردت أن أعیبها ... یأخذ کلّ سفینه غصبًا

۱۳- عملکرد خضر (ع) در مورد کشتی ، مصداقی از

تقدیم اهم ، به هنگام مزاحمت آن با امری مهم است .

و أمّا السفینه فکانت لمسکین . .. یأخذ کلّ سفینه غصبًا

فلسفه قتل نوجوان قصه خضر(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۷۴ – ۱۱

۱۱– < عن أبی عبداللّه : . . . بینما العالم یمشی مع موسی إذا هم بغلام یلعب قال : < فوکزه العالم ، فقتله . فقال له موسی : < أقتلت نفساً زکیه بغیر نفس لقد جئت شیئاً نکراً ؟ > . قال : < فأدخل العالم یده فاقتلع کتفه فإذا علیه مکتوب : کافر مطبوع ;

از امام صادق(ع) روایت شده: . .. آن گاه که عالم (خضر) با موسی(ع) می رفت، ناگاه، به پسری برخوردند که بازی می کرد. امام فرمود: <پس آن عالم، مشتی بر وی زد و او را کشت. موسی(ع) به او گفت: <أقتلت نفساً زکیه بغیر نفس...؟>. امام فرمود: <پس آن عالم، دست برد و کتف پسر را بیرون آورد که بر آن نوشته شده بود <کافر مطبوع>.(کافری که مهر کفر بر او زده شده است)>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۰ – ۱

۱– هدف خضر (ع) از قتل نوجوان ، مصون داشتن پدر و مادر وی از کفر و طغیان بود .

و أمّا الغلم . .. فخشینا أن یرهقهما طغینًا و کفرًا

<إرهاق> یعنی: <وادار ساختن کسی بر کاری که انجام آن برای او دشوار و طاقت فرسا است>. (قاموس).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۱

۱- هـدف خضـر (ع) از قتـل نوجوان ، فراهم سـاختن زمینه ای منـاسب برای دستیـابی پـدر و مـادر وی به فرزنـدی پاک تر و مهربان تر بود .

فأردنا أن یبدلهما ربّهما خیرًا منه زکوه و أقرب رحمًا

مراد از <زکـاه> در آیه، طهـارت و پاکی از گناه است و <رُحم> و <رحمت> به یک معنا است. گرچه خضـر(ع) در این سخـن، پـاکی و مهربـانی را برای نوجـوان مقتـول انکـار نکرده است، ولی ممکن است به تنـاسب گفته موسـی(ع) که نوجـوان مقتـول را <نفس زکیه> خوانـد، سـخن خود را در قـالب اسم تفضـیل آورده است، لکن در حقیقت، نوجوان مقتول، یـا فـاقد رحمت و پاکی بوده و یا آینده او به گناه و بی رحمی می انجامید.

فلسفه ملاقات موسی(ع) با خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۶ - ۱۹

۱۹- < عن جعفربن محمد (ع) : . . . ان موسـی لمّا کلّمه اللّه تکلیماً . . . قال فی نفسه : < ما أری أنّ اللّه ، عزّوجلّ خلق خلقاً أعلم منّی ! > . فأوحی اللّه ، عزّوجلّ ، إلی جبرئیل < یا جبرئیل ! أدرک عبـدی موسـی قبل أن یهلک و قل له : إنّ عنـد ملتقی البحرین رجلاً عابداً فاتبعه و تعلّم منه . > ;

از امام صادق(ع) روایت شـده:. .. آن گاه که خداونـد با موسـی تکلم کرد... موسـی در دل خود گفت: <نمی بینم که خدای عزّوجلّ، خلقی را آفریده باشد که از من اعلم باشد!>. پس خدا به جبرئیل وحی کرد: <بنده ام، موسی را پیش

از آن که هلاک شود، دریاب و به او بگو: در محل تلاقی دو دریا، مرد عابدی هست همراه اش برو و از او علم بیاموز>.

قبول خواسته های خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۱ - ۱

۱- موسی (ع) با پذیرش شروط خضر ، همراه او حرکت کرد .

فانطلقا حتّی إذا رکبا فی السفینه

<انطلاق> به معنای <روانه شدن و حرکت کردن> است. <فاء> در <فانطلقا> دلالت دارد که موسی(ع) شرایط خضر را پذیرفت و خضر(ع) به همراهی وی رخصت داد.

قتل نوجوان قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۴ - ۴،۱۱

۴- خضر (ع) بی درنگ ، پس از مشاهده نوجوان ، او را به قتل رسانید .

حتّی إذا لقیا غلمًا فقتله

ظاهر عطف به <فاء> در <فقتله> آن است که خضر(ع) بدون هیچ مقدمه ای، در پی برخورد با نوجوان، به کشتن او اقدام کرده است.

۱۱- < عن أبی عبداللّه : . . . بینما العالم یمشی مع موسی إذا هم بغلام یلعب قال : < فوکزه العالم ، فقتله . فقال له موسی : < أقتلت نفساً زکیه بغیر نفس لقد جئت شیئاً نکراً ؟ > . قال : < فأدخل العالم یده فاقتلع کتفه فإذا علیه مکتوب : کافر مطبوع ;

از امام صادق(ع) روایت شده: . .. آن گاه که عالم (خضر) با موسی(ع) می رفت، ناگاه، به پسری برخوردند که بازی می کرد. امام فرمود: <پس آن عالم، مشتی بر وی زد و او را کشت. موسی(ع) به او

گفت: <أقتلت نفساً زکیه بغیر نفس...؟>. امام فرمود: <پس آن عالم، دست برد و کتف پسر را بیرون آورد که بر آن نوشته شده بود <کافر مطبوع>.(کافری که مهر کفر بر او زده شده است)>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۵ - ۴

۴- خضر (ع) با اشاره به ناآگاهی موسی (ع) از انگیزه قتل نوجوان ، اعتراض وی را ناموجه دانست و آن را نشانه درستی شناخت خویش از کم طاقتی و بی صبری موسی (ع) خواند .

لقد جئت شیئًا نکرًا . قال ألم أقل لک إنّک لن تستطیع معی صبرًا

قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۰ - ۱،۶،۱۱

۱- موسی (ع) برای یافتن خضر ، با عزمی راسخ و جدّی ، سفر خود را به مجمع البحرین آغاز کرد .

لاأبرح حتّی أبلغ مجمع البحرین

<لاأبرح> صیغه متکلم از <برح> و به معنای <دست برنمی دارم> و تأکید بر پشتکار در انجام دادن کار است.

۶- موسی (ع) از امکان دسترسی به خضر ، در محل تلاقی دو دریا ، مطلع بود .

لاأبرح حتّی أبلغ مجمع البحرین

۱۱- داستان موسی و خضر (ع) ، نمونه ای از مثال های متنوع قرآنی ، در جهت هدایت مردم است .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان للناس من کلّ مثل . .. و إذ قال موسی لفتیه لاأبرح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۲ - ۴

۴- موسی (ع) بسیار

مشتاق دیدار با خضر (ع) و ملاقات با او بود .

لأبرح حتّی . .. ءاتنا غداءنا لقد لقینا من سفرنا هذا نصبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۳ - ۷

۷- شیطان ، برای عدمِ ملاقات موسی و خضر (ع) تلاش می کرد .

فإنّی نسیت . .. و ما أنسنیه إلاّ الشیطن أن أذکره

همسفر موسی با ادات حصر، فراموشی خود را، تنها، به شیطان منتسب کرد; یعنی، هیچ عاملِ دیگری در کار نبوده است. لذا این نتیجه به دست می آید که شیطان، به هر طریق، می خواسته که مانع ملاقات موسی و خضر(ع) شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۴ - ۱،۲

۱- مسأله ماهی و حرکت غیرعادی آن در آب ، نشانه ای برای جایگاه ملاقات موسی و خضر (ع) بود .

قال ذلک ما کنّا نبغ

<بغی> به معنای <طلب> است و <ذلک ما کنّا نبغ> یعنی: <آنچه پیوسته در طلب او بودیم، همان علامت و نشانه است. >. یاء <نبغی> در پایان سخن موسی(ع) به منظور تخفیف کلام، حذف شده است.

۲- حضرت موسی (ع) ، از رخداد علائمی برای یافتن جایگاه حضرت خضر (ع) قبلاً مطلع بود .

قال ذلک ما کنّا نبغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۵ - ۱

۱- موسی (ع) و همسفرش ، پس از بازگشت به مجمع البحرین ، با خضر (ع) ملاقات کردند .

فارتّدا علی ءاثارهما قصصًا .

فوجدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۶ - ۱،۲،۳،۴،۱۱

۱- موسی (ع) از خضر (ع) برای همراه شدن با او ، اجازه خواست .

قال له موسی هل أتّبعک

۲- هدف موسی از همراه شدن با خضر ، بهرهوری از علم رشدآفرین وی بود .

هل أتّبعک علی أن تعلّمن ممّا علّمت رشدًا

<رشداً> اگر مفعولٌ له باشد، مفاد آیه این است که: <پیروی من، به منظور رشد یافتن است> که اگر مفعولٌ به باشد، مراد این است که: <تو را پیروی می کنم بر این اساس که آنچه را رشد است، به من بیاموزی. >.

۳- موسی (ع) به < علم لدنیِ > حضرت خضر احساس نیاز می کرد .

هل أتّبعک علی أن تعلّمن ممّا علّمت رشدًا

۴- موسی (ع) ، به محرومیت خود از علومی که نزد خضر بود ، اعتراف داشت و در برابر مقام علمی و عملی او ، متواضع و فروتن بود .

هل أتّبعک علی أن تعلّمن ممّا علّمت

اظهار آمادگی برای تبعیت، نشانِ خضوعِ موسی(ع) در برابر کردار خضر(ع)، و اظهار اشتیاق به آموختن، حاکی از تواضع موسی در برابر علم او است.

۱۱- موسی (ع) همسفر خود را به همراهی با خضر (ع) و دریافت علوم او ، وادار نکرد . *

هل أتّبعک علی أن تعلّمن

در سفر با خضر، سخنی از همسفر موسی به میان نیامده است; ممکن است او در این سفر، از موسی جدا شده و یا به دلیل شخصیت برجسته موسی و خضر(ع) تنها، از آن دو، در آیات بعد یاد شده باشد.

جمله <ذلک ما کنّا نبغ> در آیات قبل، احتمال دوم را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۷ - ۱،۲،۳،۴

۱- خضر ، موسی (ع) را از تحمّل همراهی با وی ، برای فراگیری علوم ویژه ، ناتوان دید .

هل أتّبعک . .. قال إنّک لن تستطیع معی صبرًا

۲- خضر (ع) به موسی (ع) توصیه کرد به دلیل نداشتن قدرت تحمّل ، از همراه شدن با او صرف نظر کند .

إنّک لن تستطیع معی صبرًا

۳- کار های خضر ، برای دیگران ، حتی فردی چون موسی (ع) غیر قابل تحمّل و درک بود .

قال إنّک لن تستطیع معی صبرًا

تأکید بر <معی> نشان می دهد که صرف تعلیم علوم مشکل آفرین نبوده است، بلکه همراه شدن با خضر - که مستلزم مشاهده رفتاری است که از علوم وی نشئت گرفته غیرقابل تحمّل بوده است.

۴- حضرت خضر (ع) ، نسبت به خصوصیّات روحی موسی (ع) از پیش ، مطلع بود . *

قال إنّک لن تستطیع معی صبرًا

پیش بینی قطعی عدم تحمّل موسی از جانب خضر(ع) می تواند مستند به یکی از دو امر باشد: ۱ اطلاع خضر از خصوصیات روحی و فکری موسی(ع) ۲ این که اصولاً تحمّل چنین علومی، برای غیر خضر ممکن نبوده است. برداشت فوق مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۸ - ۲،۳

۲- خضر (ع) بی اطلاعی موسی از زوایای کردار وی را ، دلیل

ناتوانی موسی از تحمّل عملکرد وی دانست .

إنّک لن تستطیع . .. و کیف تصبر علی ما لم تحط به خبرًا

۳-اَعمال خضر (ع) ، دارای ظاهری غیرمتعارف و زوایایی ناشناخته ، حتی برای فردی مانند موسی (ع) بود .

و کیف تصبر علی ما لم تحط به خبرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۹ - ۱،۲،۴،۵

۱- موسی (ع) به شکیبا بودن در برابر کار های خضر و چیزهایی که از او فرا می گیرد ، متعهّد گردید .

قال ستجدنی إن شاء اللّه صابرًا و لا أعصی لک أمرًا

جمله <ستجدنی. ..> (تو مرا صابر خواهی یافت) حاکی از این است که موسی(ع) صبری را نوید می داد که آثارش مشهود باشد. این تعبیر، در مقایسه با <سأصبر> و نظایر آن، تأکید بیشتری دارد.

۲- موسی (ع) بر اطاعت کامل خود از خضر (ع) و سرپیچی نکردن از فرمان های او تأکید کرد .

ستجدنی إن شاء اللّه صابرًا و لا أعصی لک أمرًا

۴- موسی (ع) کمال ادب و متانت را در برابر معلّم خویش (خضر) اظهار کرد .

هل أتّبعک . .. ستجدنی ... و لا أعصی

موارد فراوانی از ادب و متانت در کلام موسی(ع) دیده می شود: الف) درخواست خود را با استفهام آغاز کرد (هل أتّبعک)؛ ب) مبدأ علم خضر را به جهت تکریم، با صیغه مجهول آورد (عُلِّمت)؛ ج) علم او را رشدآفرین دانست (رشداً)؛ د) تنها، بخشی از علم او را طلب کرد (ممّا عُلِّمت)؛ ه) وعده صریح به صبر نداد، بلکه

به صورت <ستجدنی إن شاء اللّه. ..> ذکر کرد; و) توصیه های او را به عنوان امر تلقی کرد و متعهد شد که با او در هیچ فرمانی مخالفت نکند. (المیزان، ج ۱۳).

۵- موسی (ع) دارای اشتیاق فراوان به فراگیری علوم خضر بود .

قال ستجدنی إن شاء اللّه صابرًا و لا أعصی لک أمرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۰ - ۱،۲،۳،۵

۱- خضر ، با درخواست موسی (ع) در مورد همراهی با او ، به صورت مشروط ، موافقت کرد .

قال فإن اتبعتنی فلاتسئلنی عن شیء

۲- شرط خضر برای همراهی موسی (ع) با او ، سؤال نکردن از چیزی قبل از توضیح خود او بود .

فلاتسئلنی عن شیء حتّی أُحدث لک منه ذکرًا

۳- خضر ، خواهان تعجیل نکردن موسی در فهم اسرار بود و او را بر متابعت بی چون و چرا از خود ، الزام نکرد .

حتّی أُحدث لک منه ذکرًا

۵- خضر (ع) به موسی (ع) وعده داد که در نهایت ، بخشی از اسرار کار خود را برای او تبیین خواهد کرد .

أُحدث لک منه ذکرًا

<من> در <منه> برای تبعیض است و گویای این که خضر، تنها، به بیان گوشه ای از ویژگی های کردار خویش وعده داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۱ - ۱۱،۱۰،۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸

۱- موسی (ع) با پذیرش شروط خضر ، همراه او حرکت کرد .

فانطلقا حتّی إذا رکبا فی السفینه

<انطلاق> به معنای <روانه شدن و حرکت کردن> است. <فاء> در

<فانطلقا> دلالت دارد که موسی(ع) شرایط خضر را پذیرفت و خضر(ع) به همراهی وی رخصت داد.

۲- موسی و خضر (ع) در نخستین مراحل همراهی ، سوار کشتی شدند .

فانطلقا حتّی إذا رکبا فی السفینه

۳- همسفر موسی (ع) (یوشع) با آغاز سفر موسی و خضر (ع) ، از آنان جدا شد . *

فانطلقا حتّی إذا رکبا فی السفینه

در این آیه، نامی از همسفر قبلی موسی (یوشع) مطرح نیست. ممکن است گفته شود، او در ادامه سفر، حضور نداشته و رخصتی برای او صادر نگردیده بود. توجه به ضمایر تثنیه (<فانطلقا>، <رکبا>) گواهی روشن بر این نکته است.

۴- خضر (ع) پس از سوار شدن بر کشتی ، در بدنه آن شکافی ایجاد کرد که سرنشنیان آن در خطر غرق شدن قرار گرفتند .

حتّی إذا رکبا فی السفینه خرقها

<خرق> به معنای <شکافتن و دریدن> است.

۵- موسی (ع) از عملکرد خضر (ع) در شکافتن بدنه کشتی ، شگفت زده شد و به او اعتراض کرد .

قال أخرقتها لتغرق أهلها

۶- اقدام خضر به سوراخ کردن کشتی ، دور از چشم سرنشینان کشتی بوده است .

خرقها قال أخرقتها لتغرق أهلها

روشن است که اگر سوراخ کردن کشتی، در دید مردم قرار داشت، خضر(ع)، مورد اعتراض آن ها قرار می گرفت و مانع او می شدند. از این که تنها، موسی(ع)اعتراض کرده، چنین بر می آید که این کار، از چشم دیگران به دور بوده است .

۷- قرار گرفتن سرنشینان کشتی در معرض غرق ، علّت اعتراض موسی (ع) به عمل خضر (ع) بود .

قال

أخرقتها لتغرق أهلها

۸- آسیب رساندن خضر (ع) به کشتی ، امری بس ناروا و غیرقابل توجیه در نظر موسی (ع) بود .

لقد جئت شیئًا إمرًا

<إمر> به معنای <منکَر عظیم> و نیز <منکَر عجیب> آمده است. (لسان العرب).

۱۰- کشتی سوراخ شده به دست خضر (ع) حامل مسافر بوده است .

أخرقتها لتغرق أهلها

۱۱- موسی (ع) ، لغزش هایی نظیر غرق انسان ها بی گناه را ، از جانب خضر (ع) منتفی نمی دانست .

أخرقتها لتغرق أهلها لقد جئت شیئًا إمرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۲ - ۱،۳

۱- خضر (ع) اعتراض موسی را دلیل صحت پیش بینی خویش از ناشکیبایی موسی (ع) دانست و پیش گویی خود را به وی یادآور شد .

قال ألم أقل إنّک لن تستطیع معی صبرًا

۳- خضر (ع) با بیان آگاه نبودن موسی (ع) به راز معیوب ساختن کشتی ، پندار وی را در مورد انگیزه آن کار ، تخطئه کرد .

أخرقتها لتغرق أهلها . .. ألم أقل إنّک لن تستطیع معی صبرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۳ - ۱،۲،۳،۷

۱- موسی (ع) با به یاد آوردن گفتار خضر درباره ناشکیبایی وی ، به ناروا بودن اعتراض خود پی برد .

قال لاتؤاخذنی بما نسیت

۲- موسی (ع) به دلیل تخلّف از شرط همراهی با خضر (ع) و اعتراض ناروا به او ، خود را سزاوار مؤاخذه دید و از خضر (

) تقاضای چشم پوشی کرد .

قال لاتؤاخذنی بما نسیت

۳- تخلّف موسی از عهد خویش با خضر (ع) ، ناشی از فراموشی بود .

قال لاتؤاخذنی بما نسیت

۷- موسی (ع) عفو و عدم سخت گیری خضر بر او را به خاطر نسیان و تخلّف از عهد خویش ، تقاضا کرد .

قال لاتؤاخذنی بما نسیت و لاترهقنی من أمری عسرًا

<إرهاق> به معنای <تحمیل کاری طاقت سوز بر دیگری> است. (قاموس) و مفاد <لاترهقنی...> این است که کاری دشوار(مانند جدا شدن و لغو رخصت همراهی) را بر من تحمیل مکن و مرا به زحمت میناداز. لازم به ذکر است که <عسراً> مفعول دوم برای <لاترهقنی> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۴ - ۱،۲،۴،۵،۱۱،۱۲

۱- خضر (ع) عذرخواهی موسی (ع) را پذیرفت و اجازه ادامه همراهی را به او داد .

فانطلقا

۲- موسی و خضر (ع) پس از ماجرای کشتی ، از آن پیاده شده و در خشکی ، با نوجوانی برخورد کردند .

فانطلقا حتّی إذا لقیا غلمًا

<غلام> یعنی <کسی که سبیل او تازه روییده باشد>. (معجم مقاییس اللغه).

۴- خضر (ع) بی درنگ ، پس از مشاهده نوجوان ، او را به قتل رسانید .

حتّی إذا لقیا غلمًا فقتله

ظاهر عطف به <فاء> در <فقتله> آن است که خضر(ع) بدون هیچ مقدمه ای، در پی برخورد با نوجوان، به کشتن او اقدام کرده است.

۵- موسی (ع) نوجوان مقتول را ، فردی بی گناه دانست و خضر (ع) را به جهت کشتن وی ، به شدّت مورد اعتراض

قرار داد .

قال أقتلت نفسًا زكيّه بغير نفس لقد جئت شيئًا نكرًا

<زکاه> به معنای <طهارت> و <صلاح> و <نمو> و <برکت> و <مدح> آمده است. (لسان العرب) در آیه، مراد از <زکیه>، توصیف نوجوان به طهارت و پاکی از گناه است.

۱۱- < عن أبی عبداللّه : . . . بینما العالم یمشی مع موسی إذا هم بغلام یلعب قال : < فوكزه العالم ، فقتله . فقال له موسی : < أقتلت نفساً زكيه بغير نفس لقد جئت شيئاً نكراً ؟ > . قال : < فأدخل العالم يده فاقتلع كتفه فإذا عليه مكتوب : كافر مطبوع ;

از امام صادق(ع) روایت شده: . .. آن گاه که عالم (خضر) با موسی(ع) می رفت، ناگاه، به پسری برخوردند که بازی می کرد. امام فرمود: <پس آن عالم، مشتی بر وی زد و او را کشت. موسی(ع) به او گفت: <أقتلت نفساً زكيه بغير نفس...؟>. امام فرمود: <پس آن عالم، دست برد و کتف پسر را بیرون آورد که بر آن نوشته شده بود <کافر مطبوع>.(کافری که مهر کفر بر او زده شده است)>.

۱۲- < عن أبی عبداللّه (ع) : . . . و خرجا (موسی و خضر (ع)) علی ساحل البحر فإذا غلام يلعب مع غلمان . . . فتورّكه العالم فذبحه ;

از امام صادق(ع) روایت شده: . .. آن دو (موسی و خضر(ع)) در کنار ساحل دریا (از کشتی) بیرون آمدند، ناگهان به پسری برخوردند که با چند پسر دیگر بازی می کرد... پس آن عالم (یعنی خضر) آن پسر را بر زانوی خود گذاشت و ذبح اش کرد>.

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۷۵ – ۱،۲،۳،۴

۱- خضر (ع) برای دومین بار و با صراحتی افزون تر در مورد بی صبری و پرسش های بی جای موسی (ع) ، به او تذکر و هشدار داد .

لقد جئت شیئًا نکرًا . قال ألم أقل لک

در دومین تذکر، خضر(ع) عبارت <لک> آمده است. اضافه شدن این عبارت و تصریح به این که آن سخن در مورد شخص موسی(ع) صادر شده بود، گویای تأکید خضر(ع) بر موجه نبودن اعتراض موسی(ع) است.

۲- خضر (ع) بر ناتوانی موسی (ع) از تحمّل کار های خضر برای سومین بار تأکید کرد .

قال ألم أقل لک إنّک لن تستطیع معی صبرًا

خضر(ع) یک بار، در آغاز برخورد با موسی(ع) و بار دیگر، پس از ماجرای کشتی و مرتبه سوم در پی قتل نوجوان، جمله ای را به موسی(ع) یادآور شد که حاوی چندین تأکید است. (إنّک لن تستطیع...).

۳- پیش بینی خضر (ع) در مورد ناشکیبایی موسی (ع) در برابر کار های او ، مطابق واقع بود .

لقد جئت شیئًا نکرًا . قال ألم أقل لک إنّک لن تستطیع معی صبرًا

۴- خضر (ع) با اشاره به ناآگاهی موسی (ع) از انگیزه قتل نوجوان ، اعتراض وی را ناموجه دانست و آن را نشانه درستی شناخت خویش از کم طاقتی و بی صبری موسی (ع) خواند .

لقد جئت شیئًا نکرًا . قال ألم أقل لک إنّک لن تستطیع معی صبرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه –

فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۷۶ – ۱،۲،۴،۵

۱– موسی (ع) ، از خضر (ع) برای تجربه صبر در برابر کار های غیرعادی آن حضرت خواستار آخرین فرصت شد .

قال إن سألتک عن شیء بعدها فلاتصحبنی

۲– موسی (ع) خود را در صورت سؤال مجدد (سومین تخلّف) سزاوار محروم شدن از مصاحبت با خضر (ع) دانست .

قال إن سألتک من شیء بعدها فلاتصحبنی

۴– موسی (ع) به ناتوانی خود از تحمّل کردار خضر (ع) و همراهی با وی پی برد .

قال . .. قد بلغت من لدنّی عذرًا

۵– موسی (ع) به معذور بودن خضر (ع) در جدا شدن از وی با مشاهده تخلّف او از پیمان سکوت در برابر کار های آن حضرت ، اعتراف کرد .

قال إن سألتک . .. قد بلغت من لدنّی عذرًا

جمله <قد بلغت من لدنّی عذراً> یعنی: <از دیدگاه من، به عذری قابل قبول جهت ترک مصاحبت دست یافتی. >. این جمله، به قرینه <قد>، مربوط به <إن سألتک...> نیست، بلکه اعتراف موسی(ع) به این است ترک مصاحبت تو با من، هم اکنون نیز دلیل موجهی دارد، ولی طالب مهلتی دیگر هستم.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۷۷ – ۱،۲،۳،۴،۵،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲،۱۳،۱۸،۱۹،۲۰،۲۱

۱– خضر (ع) درخواست مهلت موسی (ع) را پذیرفت و برای بار سوم ، به او فرصت همراهی داد .

إن سألتک عن شیء بعدها فلاتصحبنی . .. فانطلقا

۲– موسی و خضر (ع) در مسیر حرکت و سفر خویش ، به

یک آبادی رسیدند و با اهل آن ملاقات کردند .

فانطلقا حتّی إذا أتیا أهل قریه

در این که چه شهری در مسیر موسی و خضر(ع) قرار داشته، احتمالات گوناگونی ارائه شده است. از جمله آن ها شهر <ناصره> است که در ساحل دریا قرار داشته است این وجه را مجمع البیان از امام صادق (ع) روایت کرده است.

۳- موسی و خضر (ع) با احساس گرسنگی ، از مردم شهر ، تقاضای طعام و خوراکی کردند .

استطعما أهلها

به قرینه <یضیّفوهما> مراد از استطعام، تهیه طعام برای ادامه سفر نبوده است، بلکه موسی و خضر(ع)، در همان هنگام، گرسنه بوده اند.

۴- هیچ یک از مردم شهر ، حاضر به میزبانی و اطعام موسی و خضر (ع) نشد .

استطعما أهلها فأبوا أن یضیّفوهما

<إباء> به معنای <امتناع و سرباز زدن> است.

۵- مردم شهری که موسی و خضر (ع) به آن وارد شدند ، مردمی دور از خوی مهمان دوستی و غریب نوازی ، دور بودند .

فأبوا أن یضیّفوهما

۸- موسی و خضر (ع) در آبادی ، با دیواری مواجه شدند که در حال سقوط و خرابی بود .

فوجدا فیها جدارًا یرید أن ینقضّ

<إنقضاض> از ماده <قضض> به معنای <از هم پاشیدن> است (قاموس). به کار بردن فعل <یرید> که نوعاً در باره موجودات دارای اختیار به کار می رود، نوعی استعاره است; یعنی، به قدری دیوار در معرض افتادن بود که گویا خود بر خرابی و از هم پاشیدگی تصمیم گرفته است .

۹- خضر (ع) دیوار در حال سقوط را ترمیم و بازسازی کرد .

یرید أن ینقضّ فأقامه

۱۰- ترمیم دیوار مشرفِ

بر ویرانی ، به دست خضر ، در برابر دیدگان مردم شهر انجام گرفت . *

حتّی إذا أتیا أهل قریه . .. فأقامه

ورود بر اهل قریه و نیز وجود دیوار در متن شهر که از تعبیر <فوجدا فیها جداراً> استفاده می شود، ممکن است اشاره به این داشته باشد که مردم، ناظر رفتا خضر(ع) بوده اند.

۱۱- خضر (ع) برای تعمیر دیوار و برپا داشتن آن ، از موسی (ع) کمک نطلبید .

فأقامه

مفرد آمدن <أقامه> ممکن است از آن جهت باشد که کار بازسازی دیوار، فقط به دست خضر(ع) صورت گرفته باشد; چه این که در موارد پیشین، <استطعما> به صورت تثنیه آمده و نقش هر دو را در طلب غذا نمایانده است.

۱۲- خضر (ع) با وجود امکان دریافت اجرت جهت تعمیر دیوار ، چیزی دریافت نکرد .

قال لو شئت لتّخذت علیه أجرًا

مطرح ساختن گرفتن مزد از جانب موسی(ع) در شرایطی موجه است که امکان دریافت آن موجود باشد.

۱۳- موسی (ع) از دست مزد نخواستن خضر (ع) در برابر کار خویش ، با وجود نیاز آنان به اجرتی برای تهیه غذا ناخرسند و گلایه مند بود .

استطعما أهلها . .. قال لو شئت لتّخذت علیه أجرًا

آنچه خضر و موسی(ع) از مردم طلب کردند، غذا بود، آن هم به صورت مجانی، نه خرید چون پولی برای خرید در اختیارشان نبود لذا موسی(ع)، پایان گرفتن کار دیوار، موضوع گرفتن مزد را مطرح ساخت، تا به وسیله آن طعامی را خریداری کنند.

۱۸- سخنِ شِکوه آمیز موسی (ع) به خضر (ع) در مورد نگرفتن

مزد ، سومین تخلّف وی از پیمان خویش بود .

قال لو شئت لتّخذت علیه أجرًا

۱۹- < عن جعفربن محمد (ع) : . . . < فانطلقا حتّی إذا أتیا أهل قریه > و هی الناصره ;

از امام صادق(ع) روایت شده:. .. مقصود از قریه، در آیه شریف قریه ناصره است>.

۲۰- < عن جعفربن محمد (ع) : . . . فوجدا فیها جداراً یرید أن ینقضّ ، فوضع الخضر یده علیه فأقامه ;

از امام صادق(ع) روایت شده: (خضر و موسی(ع)) دیواری را یافتند که می خواست بیفتد. خضر، دست خود را بر آن نهاد و آن را راست کرد>.

۲۱- < عن أبی عبدالله (ع) : . . . فوجدا فیها جداراً یرید أن ینقضّ فأقامه قال : < لو شئت لتّخذت علیه أجراً خبزاً نأکله فقد جُعْنا > ;

از امام صادق(ع) روایت شده:. .. خضر و موسی(ع) در آن آبادی دیواری را یافتند که می خواست بیفتد. خضر، آن را راست کرد. موسی(ع) گفت: <می خواستی برای این کار، مزدی بگیری (یعنی) نانی بگیری تا بخوریم زیرا گرسنه ایم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۸ - ۱،۲،۳،۴

۱- سومین تخلّف موسی (ع) از عهد خویش با خضر (ع) (مطرح ساختن گرفتن مزد) ، آغاز جدایی آن دو از هم بود .

قال لو شئت لتّخذت . .. قال هذا فراق بینی و بینک

در باره این که <هذا> اشاره به چیست، احتمالاتی وجود دارد، از جمله این که اشاره به قول موسی(ع) باشد; یعنی، هذا القول سبب فراق

بيننا

۲- ناتوانی موسی (ع) از تحمّل کار های خضر (ع) ، در پی سومین سؤال و اعتراض او ، به اثبات رسید .

قال هذا فراق بینی و بینک سأنبّئک بتأویل ما لم تستطع علیه صبرًا

۳- خضر (ع) ، پس از آخرین تخلّف موسی ، برای جدا شدن از او ، دلیل موجه و عذر پذیرفته شده داشت .

بلغت من لدنّی عذرًا . .. قال لو شئت لتّخذت علیه أجرًا . قال هذا فراق بینی و بین

۴- خضر ، موسی (ع) را مطمئن ساخت که اسرار کار های شگفت خویش را پیش از جدایی ، برای او بازگو خواهد کرد .

سأنبّئک بتأویل ما لم تستطع علیه صبرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۱،۸،۱۳

۱- هدف خضر (ع) از اقدام به معیوب ساختن کشتی ، نجات دادن آن از غارت و مصادره سلطان غاصب بود .

أمّا السفینه . .. فأردت أن أعیبها ... یأخذ کلّ سفینه غصبًا

۸- مقارن با وقوع داستان موسی و خضر (ع) ، پادشاهی ، کلّیه کشتی های سالم را در آن منطقه ، مصادره می کرد .

و کان وراءهم ملک یأخذ کلّ سفینه غصبًا

مراد از <کلّ سفینه> به قرینه <أن أعیبها> <کلّ سفینه صالحه> بوده است.

۱۳- عملکرد خضر (ع) در مورد کشتی ، مصداقی از تقدیم اهم ، به هنگام مزاحمت آن با امری مهم است .

و أمّا السفینه فکانت لمسکین . .. یأخذ کلّ سفینه غصبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف

- ۱۸ - ۸۰ - ۱،۴

۱- هدف خضر (ع) از قتل نوجوان ، مصون داشتن پدر و مادر وی از کفر و طغیان بود .

و أمّا الغلم . .. فخشينا أن يرهقهما طغيًا و كفرًا

<إرهاق> يعني: <وادار ساختن کسی بر کاری که انجام آن برای او دشوار و طاقت فرسا است>. (قاموس).

۴- پدر و مادر نوجوان مقتول ، در صورت زنده ماندن فرزندشان ، ناخواسته و تحت تأثير فرزند خويش قرار گرفته و ناخواسته به طغيان و كفر كشانده می شدند .

فكان أبواه مؤمنين فخشينا أن يرهقهما

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۱ - ۱،۸،۹

۱- هدف خضر (ع) از قتل نوجوان ، فراهم ساختن زمينه ای مناسب برای دستيابی پدر و مادر وی به فرزندی پاک تر و مهربان تر بود .

فأردنا أن يبدلهما ربّهما خيرًا منه زكوه و أقرب رحمًا

مراد از <زكاه> در آيه، طهارت و پاكی از گناه است و <رُحم> و <رحمت> به يک معنا است. گرچه خضر(ع) در اين سخن، پاكی و مهربانی را برای نوجوان مقتول انكار نكرده است، ولی ممكن است به تناسب گفته موسی(ع) كه نوجوان مقتول را <نفس زكيه> خواند، سخن خود را در قالب اسم تفضيل آورده است، لكن در حقيقت، نوجوان مقتول، يا فاقد رحمت و پاكی بوده و يا آينده او به گناه و بی رحمی می انجاميد.

۸- < عن أبی عبدالله (ع) فی قول الله : < فأردنا أن يبدلهما ربّهما خيراً منه . . . > قال : < إنّه ولدت لهما جاريه فولدت غلاماً فكان نبياً

. < ;

از امام صادق(ع) درباره این سـخن خـدا <فأردنا أن یبـدلهما ربّهما خیراً منه. ..> روایت شده که فرمود: <همانا، برای آن دو (پدر و مادر مقتول) دختری متولد شد و آن دختر، پسری به دنیا آورد که پیامبر شد>.

۹- < عن أبی عبـدالله (ع) : . . . [فی قـول الله عزّوجـلّ] < فأردنـا أن یبـدلهما ربّهمـا خیراً منه زکـاه و أقرب رحمـاً > : < أبدلهما الله به جاریه ولدت سبعین نبیاً . > ;

از امام صادق(ع) [درباره این سـخن خدای عزّوجلّ]<فأردنا أن یبدلهما ربّهما خیراً منه زکاه. ..> روایت شده: خداوند، به آن دو (پدر و مادر مقتول) به جای او (مقتول) دختری داد که هفتاد پیغمبر از نسل او متولد شدند.>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۱،۲،۳،۴،۵،۱۶،۲۱،۲۳

۱- خضر (ع) علّت اقدام به بازسازی دیوار فرسوده را برای موسی (ع) تشریح کرد .

و أمّا الجدار . .. ما فعلته عن أمری

۲- دیوار ترمیم شده به دست خضر (ع) در مالکیت دو پسر بچه یتیم بود .

و أمّا الجدار فکان لغلمین یتیمین

۳- خضر (ع) با وجود حضور نداشتن مالکان دیوار در آبادی ، به ترمیم آن پرداخته بود . *

فکان لغلمین یتیمین فی المدینه

احتمال می رود که به کار رفتن واژه <المدینه> در این آیه، به جای واژه <القریه> که در آیات قبل آمده بود، اشاره به این جهت باشد که آن دو یتیم در آن آبادی حضور نداشته، بلکه در شهری دیگر اقامت داشته اند و آن

شهر چنان چه از حرف <ال> در <المدينه> استفاده می شود برای خضر و موسی(ع) شناخته شده بود.

۴- هدف خضر (ع) از ترميم ديوار فرسوده ، محفوظ داشتن گنج نهاده شده در زير آن برای دو يتيم ساكن در شهر بود .

و أمّا الجدار فكان لغلمين يتيمين فی المدينه و كان تحته كنز لهما

۵- خضر (ع) پدر مالكان ديوار را می شناخت و از نيكی و صلاح او در دوران زندگی اش با خبر بود .

و كان أبوهما صلحًا

۱۶- خضر (ع) با توجّه دادن موسی (ع) به تدبير فراگير الهی ، حفاظت اموال يتيمان را ، برخاسته از گستردگی ربوبيّت خداوند دانست .

فأراد ربّک

خضر(ع) با اضافه <ربّ> به ضمير خطاب (ربّک) به موسی(ع) اين نكته را بيان داشته است كه گرچه ترميم ديوار، به تغذيه و تربيت جسم تو كمكی نكرد، ولی مالك و مدّبر تو، مالك و مدّبر يتيمان نيز هست.

۲۱- موسی (ع) ، سرانجام ، به اسرار كار های شگفت خضر آگاه شد و توجيه و تأويل برخی حوادث را از او آموخت .

ذلک تأويل ما لم تسطع عليه صبرًا

<لم تسطع> در اصل <لم تستطع> بوده و حرف <تاء> برای تخفيف حذف شده است.

۲۳- خضر (ع) پس از آموختن اسرار كار های خود به موسی (ع) ، وی را بر بی صبری در برابر آن ، نكوهش كرد .

ذلک تأويل ما لم تسطع عليه صبرًا

كفر نوجوان قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۰ - ۳

۳- نوجوانی

که خضر (ع) او را کُشت ، کافر بود .

و أمّا الغلم فکان أبواه مؤمنین

اختصاص وصف <مؤمن> به پـدر و مادر نوجوان، گویای کافر بودن وی است و مؤثّر بودن او در گرایش والـدین خویش به کفر نیز، کافر بودن او را تأیید می کند.

کفرستیزی خضر(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۰ – ۱

۱– هدف خضر (ع) از قتل نوجوان ، مصون داشتن پدر و مادر وی از کفر و طغیان بود .

و أمّا الغلم . .. فخشینا أن یرهقهما طغینًا و کفرًا

<إرهاق> یعنی: <وادار ساختن کسی بر کاری که انجام آن برای او دشوار و طاقت فرسا است>. (قاموس).

گرسنگی خضر(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۷۷ – ۳

۳– موسی و خضر (ع) با احساس گرسنگی ، از مردم شهر ، تقاضای طعام و خوراکی کردند .

استطعما أهلها

به قرینه <یضیّفوهما> مراد از استطعام، تهیه طعام برای ادامه سفر نبوده است، بلکه موسی و خضر(ع)، در همان هنگام، گرسنه بوده اند.

گلایه از خضر(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۷۷ – ۱۳

۱۳– موسـی (ع) از دست مزد نخواسـتن خضر (ع) در برابر کار خویش ، با وجود نیاز آنان به اجرتی برای تهیه غذا ناخرسند

و گلایه مند بود .

استطعما أهلها . .. قال لو شئت لتّخذت علیه أجرًا

آنچه خضر و موسی(ع) از مردم طلب کردند، غذا بود، آن هم به صورت مجانی، نه خرید چون

پولی برای خرید در اختیارشان نبود لذا موسی(ع)، پایان گرفتن کار دیوار، موضوع گرفتن مزد را مطرح ساخت، تا به وسیله آن طعامی را خریداری کنند.

گنج قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۲۶،۲۷

۲۶- < فی المجمع فی قوله : < و کان تحته کنزلهما > . . . و قیل : کان کنزاً من الذهب والفضه . . . رواه أبوالدرداء عن النبی (ص) ;

در مجمع البیان درباره این سخن خدا: <و کان تحته کنز لهما> آمده است: که آن گنج، از طلا و نقره بوده است. این قول را، ابوالدرداء، از پیامبر(ص) روایت کرده است>.

۲۷- < عن الرضا (ع) قال : کان فی الکنز الذی قال اللّه < و کان تحته کنز لهما > لوح من ذهب فیه : بسم اللّه الرحمن الرحیم . محمد رسول اللّه (ص) . عجبت لمن أیقن بالموت کیف یفرح و عجبت لمن أیقن بالقدر ، کیف یحزن و عجبت لمن رأی الدنیا و تقلّب ها بأهلها کیف یرکن إلیها و ینبغی لمن عقل عن اللّه أن لا یتهم اللّه ، تبارک و تعالی ، فی قضائه و لایستبطئه فی رزقه ;

از امام رضا(ع) روایت شده که فرمود: در میان آن گنجی که خداوند فرموده <و کان تحته کنز لهما> لوحی از طلا بود که بر آن نوشته شده بود: بسم اللّه الرحمن الرحیم. محمد(ص)، رسول اللّه است. عجب دارم از کسی که یقین به مرگ دارد، چگونه شادی می کند و عجب دارم از کسی که به تقدیر الهی

یقین دارد، چه گونه انـدوهگین می شود. و عجب دارم از کسـی که دنیـا و دگرگونی هـای آن در مورد اهـل اش را می بینـد، چگـونه به دنیـا اعتمـاد می کنـد. سـزاوار است برای کسـی که از خـدا، دانش و آگـاهی گرفته، به او سوء ظن نداشـته باشـد و خداوند تبارک و تعالی، را در روزی رساندن اش، به کندی نسبت ندهد.>.

مالک دیوار قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۳

۳- خضر (ع) با وجود حضور نداشتن مالکان دیوار در آبادی ، به ترمیم آن پرداخته بود . *

فکان لغلمین یتیمین فی المدینه

احتمال می رود که به کار رفتن واژه <المدینه> در این آیه، به جای واژه <القریه> که در آیات قبل آمده بود، اشاره به این جهت باشد که آن دو یتیم در آن آبادی حضور نداشـته، بلکه در شـهری دیگر اقامت داشـته اند و آن شـهر چنان چه از حرف <ال> در <المدینه> استفاده می شود برای خضر و موسی(ع) شناخته شده بود.

محافظت از گنج قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۴،۷

۴- هدف خضر (ع) از ترمیم دیوار فرسوده ، محفوظ داشتن گنج نهاده شده در زیر آن برای دو یتیم ساکن در شهر بود .

و أمّا الجدار فکان لغلمین یتیمین فی المدینه و کان تحته کنز لهما

۷- صلاح و نیکی پدر یتیمان ، مایه اراده خداوند بر دستیابی آنان به گنج نهفته خویش ، هنگام توان مندی بر بهره گیری از

آن شد .

و كان أبوهما صلحًا فأراد ربّك أن يبلغا أشدّهما و يستخرجا كنزهما

اهـل لغـت، در اين كه كلمه <أشـدّ> مفردی است كه وزنی ماننـد وزن جمـع دارد، يـا جمعی است كه از لفـظ خـود مفردی ندارد، اختلاف نظر دارند. برخی، آن را جمع <شده> دانسـته اند (لسان العرب). در هر صورت، مراد، حدّ توان مندی جسمی و عقلی است.

محروميت مالكان كشتی قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۹ - ۲

۲- كشتی سوراخ شده به دست خضر (ع) ، در مالكيت گروهی از محرومان بود و تنها وسيله ارتزاق آنان به شمار می آمد .

فكانت لمسكين يعملون فی البحر

مزد بازسازی ديوار قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۷ - ۱۲،۱۳،۲۱

۱۲- خضر (ع) با وجود امكان دريافت اجرت جهت تعمير ديوار ، چيزی دريافت نكرد .

قال لو شئت لتّخذت عليه أجرًا

مطرح ساختن گرفتن مزد از جانب موسی(ع) در شرايطی موجه است كه امكان دريافت آن موجود باشد.

۱۳- موسـی (ع) از دست مزد نخواسـتن خضر (ع) در برابر كار خويش ، با وجود نياز آنان به اجرتی برای تهيه غذا ناخرسند و گلايه مند بود .

استطعما أهلها . .. قال لو شئت لتّخذت عليه أجرًا

آنچه خضر و موسی(ع) از مردم طلب كردند، غذا بود، آن هم به صورت مجانی، نه خريد چون پولی برای خريد در اختيارشان نبود لذا موسی(ع)، پايان گرفتن كار ديوار، موضوع گرفتن مزد را مطرح ساخت، تا به وسيله آن طعامی

را خریداری کنند.

۲۱- < عن أبی عبـداللّه (ع) : . . . فوجدا فیها جداراً یرید أن ینقضّ فأقامه قال : < لو شـئت لتّخذت علیه أجراً خبزاً نأکله فقد جُعْنا > ;

از امام صادق(ع) روایت شده:. .. خضـر و موسـی(ع) در آن آبادی دیواری را یافتند که می خواست بیفتد. خضر، آن را راست کرد. موسی(ع) گفت: <می خواستی برای این کار، مزدی بگیری (یعنی) نانی بگیری تا بخوریم زیرا گرسنه ایم>.

مسافران کشتی قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۱ - ۷،۱۰

۷- قرار گرفتن سرنشینان کشتی در معرض غرق ، علّت اعتراض موسی (ع) به عمل خضر (ع) بود .

قال أخرقتها لتغرق أهلها

۱۰- کشتی سوراخ شده به دست خضر (ع) حامل مسافر بوده است .

أخرقتها لتغرق أهلها

مسافرت خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۱ - ۱،۲،۳

۱- موسی (ع) با پذیرش شروط خضر ، همراه او حرکت کرد .

فانطلقا حتّی إذا رکبا فی السفینه

<انطلاق> به معنای <روانه شدن و حرکت کردن> است. <فاء> در <فانطلقا> دلالت دارد که موسی(ع) شرایط خضر را پذیرفت و خضر(ع) به همراهی وی رخصت داد.

۲- موسی و خضر (ع) در نخستین مراحل همراهی ، سوار کشتی شدند .

فانطلقا حتّی إذا رکبا فی السفینه

۳- همسفر موسی (ع) (یوشع) با آغاز سفر موسی و خضر (ع) ، از آنان جدا شد . *

فانطلقا حتّی إذا رکبا فی السفینه

در این آیه، نامی از همسفر

قبلی موسی (یوشع) مطرح نیست. ممکن است گفته شود، او در ادامه سفر، حضور نداشته و رخصتی برای او صادر نگردیده بود. توجه به ضمایر تثنیه (<فانطلقا>، <رکبا>) گواهی روشن بر این نکته است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۷۴ – ۱

۱- خضر (ع) عذرخواهی موسی (ع) را پذیرفت و اجازه ادامه همراهی را به او داد .

فانطلقا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۷۷ – ۲

۲- موسی و خضر (ع) در مسیر حرکت و سفر خویش ، به یک آبادی رسیدند و با اهل آن ملاقات کردند .

فانطلقا حتّی إذا أتیا أهل قریه

در این که چه شهری در مسیر موسی و خضر(ع) قرار داشته، احتمالات گوناگونی ارائه شده است. از جمله آن ها شهر <ناصره> است که در ساحل دریا قرار داشته است این وجه را مجمع البیان از امام صادق (ع) روایت کرده است.

مسافرت موسی(ع) با خضر(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۷۷ – ۲

۲- موسی و خضر (ع) در مسیر حرکت و سفر خویش ، به یک آبادی رسیدند و با اهل آن ملاقات کردند .

فانطلقا حتّی إذا أتیا أهل قریه

در این که چه شهری در مسیر موسی و خضر(ع) قرار داشته، احتمالات گوناگونی ارائه شده است. از جمله آن ها شهر <ناصره> است که در ساحل دریا قرار داشته است این وجه را مجمع البیان از امام صادق (ع) روایت کرده است.

مسؤولیت پذیری خضر(ع)

جلد –

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۷۹ – ۱۴

۱۴- خضر (ع) از برخی حوادث آینده ، آگاه بود و در برابر آن احساس مسؤولیت می کرد .

و کان وراءهم ملک یأخذ کلّ سفینه غصبًا

مسؤولیت خضر(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۷۹ – ۵

۵- حمایت نهایی از محرومان و تلاش سرّی در جهت منافع آنان ، از جمله وظایف خضر (ع) بود .

فأردت أن أعیبها و کان وراءهم ملک یأخذ کلّ سفینه غصبًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۰ – ۵

۵- حمایت از ایمان مؤمنان و تلاش برای مصون داشتن آن از ضعف و زوال ، از جمله مسؤولیت های خضر (ع) بود .

فخشینا أن یرهقهما طغینًا و کفرًا

معذوریت خضر(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۷۶ – ۵

۵- موسی (ع) به معذور بودن خضر (ع) در جدا شدن از وی با مشاهده تخلّف او از پیمان سکوت در برابر کار های آن حضرت ، اعتراف کرد .

قال إن سألتک . .. قد بلغت من لدنّی عذرًا

جمله <قد بلغت من لدنّی عذراً> یعنی: <از دیدگاه من، به عذری قابل قبول جهت ترک مصاحبت دست یافتی. >. این جمله، به قرینه <قد>، مربوط به <إن سألتک...> نیست، بلکه اعتراف موسی(ع) به این است ترک مصاحبت تو با من، هم

اکنون نیز دلیل موجهی دارد، ولی طالب مهلتی دیگر هستم.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۸ - ۳

۳- خضر (ع) ، پس از آخرین تخلّف موسی ، برای جدا شدن از او ، دلیل موجه و عذر پذیرفته شده داشت .

بلغت من لدنّی عذرًا . .. قال لو شئت لتّخذت علیه أجرًا . قال هذا فراق بینی و بین

معلم خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۶ - ۷

۷- دانش ویژه خضر (ع) ، برگرفته از تعلیم خداوندی بود .

علّمنه من لدنّا علمًا . .. ممّا علّمت رشدًا

مقامات خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۵ - ۶

۶- حصرت خضر ، دارای مقام نبوت بود . *

ءاتینه رحمه من عندنا

بدان احتمال که مراد از <رحمه من عندنا> نبوت باشد. آوردن ضمیر جمع در <عندنا> که حاکی از نقش وسایط در رحمت مورد نظر است و نیز اطلاق <رحمت> بر <نبوت> در برخی آیات دیگر، این احتمال را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۷ - ۶

۶- خضر ، دارای مرتبه ای برتر از موسی (ع) بود . *

إنّک لن تستطیع معی صبرًا

مکان ملاقات موسی(ع) با خضر(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۶۴ – ۱،۲

۱- مسأله ماهی و حرکت غیرعادی آن در آب ، نشانه ای برای جایگاه ملاقات موسی و خضر (ع) بود .

قال ذلک ما کنّا نبغ

<بغی> به معنای <طلب> است

و <ذلک ما کنّا نبغ> یعنی: <آنچه پیوسته در طلب او بودیم، همان علامت و نشانه است. >. یاء <نبغی> در پایان سخن موسی(ع) به منظور تخفیف کلام، حذف شده است.

۲- حضرت موسی (ع) ، از رخداد علائمی برای یافتن جایگاه حضرت خضر (ع) قبلاً مطلع بود .

قال ذلک ما کنّا نبغ

مکان ملاقات موسی(ع) و خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۰ - ۶

۶- موسی (ع) از امکان دسترسی به خضر ، در محل تلاقی دو دریا ، مطلع بود .

لاأبرح حتّی أبلغ مجمع البحرین

ملاقات با خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۰ - ۳

۳- حقایقی آموزنده ، در سرگذشت ملاقات موسی (ع) و خضر (ع) وجود دارد .

و إذ قال موسی لفتیه لاأبرح

عالمی که موسی(ع) با او ملاقات کرده، بنابر آنچه که در روایات آمده است، حضرت خضر(ع) است و موسی(ع) نیز همان پیامبر معروف. گرچه در این موضوع آرای دیگری نیز اِبراز شده، ولی به گفته علامه طباطبایی (ره) به دلیل یاد فراوان از موسی(ع) در قرآن، اگر غیر او مراد بود، قرینه ای در قرآن ذکر می گردید تا رفع التباس شود.

ملاقات خضر(ع) با اهل ناصره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۷ - ۲

۲- موسی و خضر (ع) در مسیر حرکت و سفر خویش ، به یک آبادی رسیدند و با اهل آن ملاقات کردند .

فانطلقا حتّى إذا

أتیا أهل قریه

در این که چه شهری در مسیر موسی و خضر(ع) قرار داشته، احتمالات گوناگونی ارائه شده است. از جمله آن ها شهر <ناصره> است که در ساحل دریا قرار داشته است این وجه را مجمع البیان از امام صادق (ع) روایت کرده است.

ملاقات خضر(ع) با نوجوان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۴ - ۲

۲- موسی و خضر (ع) پس از ماجرای کشتی ، از آن پیاده شده و در خشکی ، با نوجوانی برخورد کردند .

فانطلقا حتّی إذا لقیا غلمًا

<غلام> یعنی <کسی که سبیل او تازه روییده باشد>. (معجم مقاییس اللغه).

ملاقات موسی(ع) با خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۰ - ۳

۳- حقایقی آموزنده ، در سرگذشت ملاقات موسی (ع) و خضر (ع) وجود دارد .

و إذ قال موسی لفتیه لاأبرح

عالمی که موسی(ع) با او ملاقات کرده، بنابر آنچه که در روایات آمده است، حضرت خضر(ع) است و موسی(ع) نیز همان پیامبر معروف. گرچه در این موضوع آرای دیگری نیز اِبراز شده، ولی به گفته علامه طباطبایی (ره) به دلیل یاد فراوان از موسی(ع) در قرآن، اگر غیر او مراد بود، قرینه ای در قرآن ذکر می گردید تا رفع التباس شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۲ - ۴

۴- موسی (ع) بسیار مشتاق دیدار با خضر (ع) و ملاقات با او بود .

لاأبرح حتّی . .. ءاتنا غداءنا لقد لقینا من سفرنا هذا

نصبًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۶۳ – ۷

۷– شیطان ، برای عدمِ ملاقات موسی و خضر (ع) تلاش می کرد .

فإنّی نسیت . .. و ما أنسنیه إلاّ الشیطن أن أذکره

همسفر موسی با ادات حصر، فراموشی خود را، تنها، به شیطان منتسب کرد؛ یعنی، هیچ عاملِ دیگری در کار نبوده است. لذا این نتیجه به دست می آید که شیطان، به هر طریق، می خواسته که مانع ملاقات موسی و خضر(ع) شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۶۵ – ۱

۱– موسی (ع) و همسفرش ، پس از بازگشت به مجمع البحرین ، با خضر (ع) ملاقات کردند .

فارتّدا علی ءاثارهما قصصًا . فوجدا

ملاقات یوشع(ع) با خضر(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۶۵ – ۱

۱– موسی (ع) و همسفرش ، پس از بازگشت به مجمع البحرین ، با خضر (ع) ملاقات کردند .

فارتّدا علی ءاثارهما قصصًا . فوجدا

منشأ عمل خضر(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۲ – ۱۷

۱۷– همه کار های شگفت خضر (ع) ، به فرمان خداوند صورت گرفت و دیدگاه شخصی او در آن دخالتی نداشت .

رحمه من ربّك و ما فعلته عن أمری

ضمیر مفعولی در <مافعلته> به قرینه ذیل آیه، به جامعِ تمام ماجراها برمی گردد، نظیر <آنچه دیدی> یا <آنچه انجام دادم>.

منشأ قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۲ – ۲۲

۲۲– رخداد های داستان خضر و موسی (ع) ، برخاسته از اراده خداوند و دارای تفسیری پیچیده و نیازمند آگاهی هایی ویژه است که از جانب او افاضه شود .

و ما فعلته عن أمری ذلک تأویل ما لم تسطع علیه صبرًا

موانع غصب کشتی قصه خضر(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۷۹ – ۱۰

۱۰– معیوب بودن کشتی حامل خضر و موسی (ع) ، عامل صرف نظر پادشاه غاصب از تصرّف و مصادره آن شد .

فأردت أن أعیبها و کان وراءهم ملک یأخذ کلّ سفینه غصبًا

ناپسندی عمل خضر(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۷۱ – ۸

۸– آسیب رساندن خضر (ع) به کشتی ، امری بس ناروا و غیرقابل توجیه در نظر موسی (ع) بود .

لقد جئت شیئًا إمرًا

<إمر> به معنای <منکَر عظیم> و نیز <منکَر عجیب> آمده است. (لسان العرب).

نبوت خضر(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۶۵ – ۶

۶– حصرت خضر ، دارای مقام نبوت بود . *

ءاتینه رحمه من عندنا

بدان احتمال که مراد از <رحمه من عندنا> نبوت باشد. آوردن ضمیر جمع در <عندنا> که حاکی از نقش وسایط در رحمت مورد نظر است و نیز اطلاق <رحمت> بر <نبوت> در برخی آیات دیگر، این احتمال را تأیید می کند.

نسل والدین نوجوان قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸

۸- < عن أبی عبـدالله (ع) فی قول الله : < فأردنـا أن یبـدلهما ربّهما خیراً منه . . . > قال : < إنّه ولـدت لهما جاریه فولـدت غلاماً فکان نبیاً . > ;

از امام صادق(ع) درباره این سـخن خـدا <فأردنا أن یبـدلهما ربّهما خیراً منه. ..> روایت شده که فرمود: <همانا، برای آن دو (پدر و مادر مقتول) دختری متولد شد و آن دختر، پسری به دنیا آورد که پیامبر شد>.

۹- < عن أبی عبـدالله (ع) : . . . [فی قـول الله عزّوجـلّ] < فأردنـا أن یبـدلهما ربّهمـا خیراً منه زکـاه و أقرب رحمـاً > : < أبدلهما الله به جاریه ولدت سبعین نبیاً . > ;

از امام صادق(ع) [درباره این سـخن خدای عزّوجلّ]<فأردنا أن یبدلهما ربّهما خیراً منه زکاه. ..> روایت شده: خداوند، به آن دو (پدر و مادر مقتول) به جای او (مقتول) دختری داد که هفتاد پیغمبر از نسل او متولد شدند.>.

نشانه های مکان ملاقات با خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۴ - ۱،۲

۱- مسأله ماهی و حرکت غیرعادی آن در آب ، نشانه ای برای جایگاه ملاقات موسی و خضر (ع) بود .

قال ذلک ما کنّا نبغ

<بغی> به معنای <طلب> است و <ذلک ما کنّا نبغ> یعنی: <آنچه پیوسـته در طلب او بودیم، همان علامت و نشانه است. >. یاء <نبغی> در پایان سخن موسی(ع) به منظور تخفیف کلام، حذف شده است.

۲- حضرت موسی (ع) ، از رخداد علائمی برای یافتن

جایگاه حضرت خضر (ع) قبلًا مطلع بود .

قال ذلک ما کنّا نبغ

نعمتهای خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۵ - ۸

۸- حضرت خضر (ع) از علم مخصوص و موهبتیِ خداوند ، (علم لدنی) ، برخوردار بود .

و علّمنه من لدنّا علمًا

<من لدنا> و <من عندنا> در معنا تفاوتی ندارند و هر دو، بر داشتن منشأ الهی، دلالت می کنند.

نقش خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۰ - ۸

۸- خضر (ع) کارگزار اوامر الهی بود و نه مجری خواسته های شخصی خود .

فخشینا أن یرهقهما

ضمیر <نا> در <خشینا> می تواند اشاره به مطلب بالا داشته باشد. جمله <و ما فعلته عن أمری> در آیات بعد نیز بر این نکته تصریح کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۱ - ۲

۲- خضر (ع) و همطرازان او ، مجریان اراده خداوند هستند .

فأردنا أن یبدلهما ربّهما

با این که گوینده سخن در <أردنا> فقط خضر(ع) بوده، ولی ضمیر جمع آورده شده است. به نظر می رسد که خضر(ع) می خواهد این نکته را تفهیم کند که او، در این تصمیم، مستقل نیست، بلکه اراده خداوند، پشتیبان کار است. از سوی دیگر

<ربّ> را فاعل <يبدل> ذكر كرد تا نقشْ پردازِ اصليِ صحنه را مشخص سازد و طولي بودن اراده خود با اراده خدا را بيان كند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ -

۱۷ - ۸۲

۱۷- همه کار های شگفت خضر (ع) ، به فرمان خداوند صورت گرفت و دیدگاه شخصی او در آن دخالتی نداشت .

رحمه من ربّک و ما فعلته عن أمری

ضمیر مفعولی در <مافعلته> به قرینه ذیل آیه، به جامعِ تمام ماجراها برمی گردد، نظیر <آنچه دیدی> یا <آنچه انجام دادم>.

نقش نوجوان قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۰ - ۴

۴- پدر و مادر نوجوان مقتول ، در صورت زنده ماندن فرزندشان ، ناخواسته و تحت تأثیر فرزند خویش قرار گرفته و ناخواسته به طغیان و کفر کشانده می شدند .

فکان أبواه مؤمنین فخشینا أن یرهقهما

والدین نوجوان قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۰ - ۱،۴

۱- هدف خضر (ع) از قتل نوجوان ، مصون داشتن پدر و مادر وی از کفر و طغیان بود .

و أمّا الغلم . .. فخشینا أن یرهقهما طغیًا و کفرًا

<إرهاق> یعنی: <وادار ساختن کسی بر کاری که انجام آن برای او دشوار و طاقت فرسا است>. (قاموس).

۴- پدر و مادر نوجوان مقتول ، در صورت زنده ماندن فرزندشان ، ناخواسته و تحت تأثیر فرزند خویش قرار گرفته و ناخواسته به طغیان و کفر کشانده می شدند .

فکان أبواه مؤمنین فخشینا أن یرهقهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۱ - ۱

۱- هدف خضر (ع) از قتل نوجوان ، فراهم ساختن زمینه ای مناسب برای دستیابی پدر و مادر وی به فرزندی پاک تر و

مهربان تر بود .

فأردنا أن یبدلهما ربّهما خیرًا منه زکوه و أقرب رحمًا

مراد از <زکاه> در آیه، طهارت و پاکی از گناه است و <رُحم> و <رحمت> به یک معنا است. گرچه خضر(ع) در این سخن، پاکی و مهربانی را برای نوجوان مقتول انکار نکرده است، ولی ممکن است به تناسب گفته موسی(ع) که نوجوان مقتول را <نفس زکیه> خواند، سخن خود را در قالب اسم تفضیل آورده است، لکن در حقیقت، نوجوان مقتول، یا فاقد رحمت و پاکی بوده و یا آینده او به گناه و بی رحمی می انجامید.

وسعت علم خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۶ - ۹

۹- علوم لدنی خضر ، دامنه گسترده ای داشت .

تعلمن ممّا علّمت

<من> در <ممّا> معنای تبعیض دارد. موسی(ع) با این تعبیر، می گوید: <من، خواهان آموختن بخشی از آن علوم گسترده توام>.

وعده های خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۰ - ۵

۵- خضر (ع) به موسی (ع) وعده داد که در نهایت ، بخشی از اسرار کار خود را برای او تبیین خواهد کرد .

اُحدث لک منه ذکرًا

<من> در <منه> برای تبعیض است و گویای این که خضر، تنها، به بیان گوشه ای از ویژگی های کردار خویش وعده داد.

هشدارهای خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۵ - ۱

۱- خضر (ع) برای دومین بار و با صراحتی افزون تر در مورد بی صبری و پرسش های بی جای موسی

(ع) ، به او تذکر و هشدار داد .

لقد جئت شیئًا نکرًا . قال ألم أقل لک

در دومین تذکر، خضر(ع) عبارت <لک> آمده است. اضافه شدن این عبارت و تصریح به این که آن سخن در مورد شخص موسی(ع) صادر شده بود، گویای تأکید خضر(ع) بر موجه نبودن اعتراض موسی(ع) است.

همراهی موسی(ع) با خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۷ - ۱،۲

۱- خضر ، موسی (ع) را از تحمّل همراهی با وی ، برای فراگیری علوم ویژه ، ناتوان دید .

هل أتّبعک . .. قال إنّک لن تستطیع معی صبرًا

۲- خضر (ع) به موسی (ع) توصیه کرد به دلیل نداشتن قدرت تحمّل ، از همراه شدن با او صرف نظر کند .

إنّک لن تستطیع معی صبرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۰ - ۱،۲

۱- خضر ، با درخواست موسی (ع) در مورد همراهی با او ، به صورت مشروط ، موافقت کرد .

قال فإن اتبعتنی فلاتسئلنی عن شیء

۲- شرط خضر برای همراهی موسی (ع) با او ، سؤال نکردن از چیزی قبل از توضیح خود او بود .

فلاتسئلنی عن شیء حتّی أُحدث لک منه ذکرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۱ - ۱،۲

۱- موسی (ع) با پذیرش شروط خضر ، همراه او حرکت کرد .

فانطلقا حتّی إذا رکبا فی السفینه

<انطلاق> به معنای <روانه شدن و حرکت کردن> است. <فاء> در <فانطلقا> دلالت دارد

که موسی(ع) شرایط خضر را پذیرفت و خضر(ع) به همراهی وی رخصت داد.

۲- موسی و خضر (ع) در نخستین مراحل همراهی ، سوار کشتی شدند .

فانطلقا حتّی إذا رکبا فی السفینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۳ - ۹

۹- موسی بر همراهی با خضر (ع) مصرّ بود .

لاتؤاخذنی . .. و لاترهقنی من أمری عسرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۴ - ۱

۱- خضر (ع) عذرخواهی موسی (ع) را پذیرفت و اجازه ادامه همراهی را به او داد .

فانطلقا

یتیمی مالک دیوار قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۲

۲- دیوار ترمیم شده به دست خضر (ع) در مالکیّت دو پسر بچه یتیم بود .

و أمّا الجدار فکان لغلمین یتیمین

خط از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خط

آثار قبول خط مشی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۱۸ – ۵

۵ – مسلمان های ضعیف الایمان که خط مشی سیاسی منافقان را دارند ، در صفوف آنان جا دارند .

و القائلین لإخونهم

تاریخ خط

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۲۸ – ۷

۷ – وجود خط و فن کتابت در عصر سلیمان (ع)

اذهب بکتبی هذا

تبیین خط مشی صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۵۵ – ۴،۵

۴ ترسیم راه و روش صالحان، از اهداف

تبیین آیات قرآن

و کذلک نفصل الأیت و لتستبین سبیل المجرمین

بیان راه و روش مجرمان، با بیان راه و روش مجرمان، با بیان راه و روش صالحان، که نقطه مقابل مجرمان است، ملازمه دارد و بیان یکی از دو ضد، مآلاـ بیان دیگری نیز خواهد بود. لذا برخی گفته اند جمله <و لتستبین> عطف بر جمله محذوف <لتستبین سبیل المؤمنین> است.

۵ ترسیم راه و روش صالحان و مجرمان باید از محورهای اساسی تبلیغ باشد.

و کذلک نفصل الأیت و لتستبین سبیل المجرمین

چون در آیه ترسیم راه و روش مجرمان و صالحان به عنوان هدفی بارز برای تفصیل آیات بیان شده، می توان این پیام را در موضوع تبلیغ از آن دریافت کرد.

تبیین خط مشی مجرمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۵۵ – ۳،۵

۳ روشن ساختن راه و روش مجرمان، از اهداف تفصیل و تبیین آیات قرآن

و کذلک نفصل الأیت و لتستبین سبیل المجرمین

۵ ترسیم راه و روش صالحان و مجرمان باید از محورهای اساسی تبلیغ باشد.

و کذلک نفصل الأیت و لتستبین سبیل المجرمین

چون در آیه ترسیم راه و روش مجرمان و صالحان به عنوان هدفی بارز برای تفصیل آیات بیان شده، می توان این پیام را در موضوع تبلیغ از آن دریافت کرد.

خط در دوران سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۲۸ – ۷

۷ – وجود خط و فن کتابت در عصر سلیمان (ع)

اذهب بکتبی هذا

خط مشی منافقان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴

- ۱۴۱ - ۱،۳،۴

۱ منافقان به هنگام پیروزی مسلمانان ، خود را یاور آنان و به گاه غلبه کافران ، خود را طرفدار و عامل پیروزی ایشان جلوه می دهند .

الذین یتربّصون بکم . .. قالوا ألم نستحوذ علیکم

<الذین یتربّصون>، بدل برای <الذین یتخذون> است و توضیح دهنده ویژگیهای منافقان.

۳ رسیدن به دنیا و تأمین منافع شخصی ، تعیین کننده خط مشی منافقان در برقراری روابط دوستی و اجتماعی است .

الذین یتربّصون بکم . .. ألم نستحوذ علیکم

۴ شرکت منافقان در جنگ ، تنها برای تأمین منافع شخصی و سهیم شدن در غنایم جنگی است .

الذین یتربّصون بکم فإن کان لکم فتح من اللّه . .. و نمنعکم من المؤمنین

ظاهراً مراد از جمله <الم نکن معکم> شرکت در جهاد و همراهی مسلمانان در جنگ است.

خط مشی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۷ - ۱۰

۱۰ حب و بغض خداوند ، باید تعیین کننده خط مشی مؤمنان باشد .

و لاتجدل . .. إنّ اللّه لایحب من کان خواناً اثیماً

چون جمله <ان اللّه . ..>، بیان علتی برای <لاتجادل> است و دلالت بر این دارد که دوستی و دشمنی خدا باید میزان حرکتها و توقفها قرار گیرد.

خطا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خطا

آثار خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۶ - ۱۱

۱۱ خطا و نسیان ، از موانع رشد انسان *

ربّنا لا تؤاخذنا ان نیسنا او اخطأنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۶ - ۳

۳ - ارتکاب هر

عمل خطا و ناپسند ، ظلم به خویشتن است .

قال ربّ إنّی ظلمت نفسی فاغفرلی

آثار قتل خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۲۴

۲۴ قتل خطائی ، موجب دوری قاتل از رحمت خدا خواهد شد .

و ما کان لمؤمن ان یقتل مؤمناً الّا خطا . .. توبه من اللّه

توبه به معنای بازگشت است و توبه خدا بر بنده به معنای بازگشت رحمت و لطف خداوند به بنده خویش است. بنابراین معلوم می شود در قتل خطائی نیز خداوند آدمی را از رحمت و لطف خویش دور می سازد تا اینکه کفّاره آن را بپردازد.

اقرار به خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۶

۶ اعتراف به خطا و اظهار تذلل و عبودیت به درگاه خداوند، از آداب استغفار است.

ربنا ظلنا أنفسنا و إن لم تغفر لنا و ترحمنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۱ - ۸،۹

۸ تأکید و اقرار برادران یوسف به ارتکاب خطا در حق برادرشان یوسف (ع)

و إن کنّا لخطئین

<إن> در جمله فوق به اصطلاح مخفّفه از مثقّله (إنّ) است. دلیل آن حرف <لام> در <لخاطئین> می باشد.

۹ برادران یوسف در حضور او به گناه و خطای خویش اعتراف نموده و از رفتار گذشته خود اظهار ندامت کردند .

و إن كنّا لخطئين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۲ – ۴

۴ یوسف (ع) پس از اعتراف برادرانش به خطا

، هر گونه سرزنش آنان را از ناحیه خویش و دیگران ، ناروا شمرد .

لاتثریب علیکم الیوم

کلمه <تثریب> نکره است و پس از حرف نفی (لا) قرار گرفته است. از این رو شامل هر گونه ملامت می شود. یاد نکردن از فاعل (سرزنش کننده) دلالت بر عموم دارد ; یعنی، هیچ کس نه من و نه دیگری. جمله <لاتثریب علیکم الیوم> جمله ای خبری و در مقام انشا و دستور است ; یعنی، نباید شما ملامت شوید و یا نباید هیچ کس شما را ملامت کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۶ - ۲

۲ - اعتراف صریح موسی (ع) در پیشگاه پروردگار ، به اشتباه خویش در قتل مرد قبطی و درخواست آمرزش از ساحت او و نجات از شرّ فرعونیان

قال ربّ إنّی ظلمت نفسی فاغفرلی

مقصود موسی(ع) از آمرزش در <اغفرلی> زدوده شدن پی آمد کار وی و رهایی از انتقام فرعونیان است.

اقسام خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۴ - ۴

۴- هفت جرم و راه خطا در دنیا وجود دارد که به جهنّم منتهی می شود .

إن جهنّم . .. لها سبعه أبوب لکلّ باب منهم جزء مقسوم

انبیا و خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۳ - ۲۲،۲۴

۲۲ موسی (ع) با مشاهده اثر تجلی خدا (انهدام کوه) تقاضای رؤیت خداوند را ناروا دانست و به درگاه الهی توبه کرد .

فلما أفاق قال سبحنک تبت إلیک

ع) بدون هیچ درنگ پس از دریافت حقیقت (ناشدنی بودن رؤیت خدا) آن را پذیرفت و بدان اعتراف کرد .

قال . .. و أنا أول المؤمنین

متعلق <المؤمنین> به قرینه فرازهـای قبـل (بانـک لا ـتری) است. کلمه <اول> در جمله <أنا أول المؤمنین> علاوه بر معنای مقدم بودن، معنای تأخیر نکردن را نیز می رساند. زیرا صحت این ادعا که شخص بخواهد أول مؤمن باشد، به این است که بی درنـگ حقیقت رخ نموده را بـاور کنـد و به آن ایمـان آورد، و گرنه این احتمال منتفی نیست که دیگری در این فاصـله ایمان آورد و او نتواند أول مؤمن باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۴۶ – ۱۴

۱۴ خداوند ، مراقب پیامبران و توجه دهنده آنان به خطا ها و لغزشهایشان

إن ابنی من أهلی . .. إنه لیس من أهلک ... فلاتسئلن ما لیس لک به علم

انتساب خطا به دیگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۳۱ – ۷

۷ – مشرکان ، در قیامت خطا های خود را به یکدیگر نسبت خواهند داد .

و لو تری إذ الظلمون موقوفون عند ربّهم یرجع بعضهم إلی بعض القول

اندوه از خطا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۳۰ – ۹

۹ – موحدان راستین ، در خوف و هراس نسبت به سرنوشت اخروی خویش و اندوهناک از خطا ها و لغزش های خود

إنّ الذین قالوا ربّنا اللّه ثمّ استقموا. .. ألّاتخافوا و لاتحزنوا

بنابراین نکته که نزول ملائکه در دنیا و

یا به هنگام مرگ باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

ایمان و خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۳ - ۸

۸ عدم تنافی ایمان و تقوا ، با وجود بعضی از خطا ها و کاستی های قابل غفران در زند گی فرد

الذین امتحن اللّه قلوبهم للتقوی لهم مغفره

نوید به مغفرت، در جایی مفید خواهد بود که لغزش و یا احتمال لغزش، وجود داشته باشد.

پشیمانی از خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۱ - ۹

۹ برادران یوسف در حضور او به گناه و خطای خویش اعتراف نموده و از رفتار گذشته خود اظهار ندامت کردند .

و إن کنّا لخطئین

پیشگامان در ایمان و خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۰ - ۷

۷ - مؤمنان ، حتی پیشتازان ایمان (مهاجران و انصار) ، فاقد مصونیت از خطا و نیازمند غفران الهی

و الذین جاءو من بعدهم یقولون ربّنا اغفر لنا و لإخوننا الذین سبقونا بالإیمن

از تأیید خداوند نسبت به استغفار برای پیشتازان راه ایمان، به جا بودن این دعا و نیاز آنان استفاده می شود.

تقوا و خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – حجرات – ۴۹ – ۳ – ۸

۸ عدم تنافی ایمان و تقوا ، با وجود بعضی از خطا ها و کاستی های قابل غفران در زندگی فرد

الذین امتحن اللّه قلوبهم للتقوی لهم مغفره

نوید به مغفرت، در جایی مفید خواهد بود که لغزش و یا احتمال لغزش، وجود داشته باشد.

توبه از قضاوت خطا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۲۴ – ۲۴

۲۴ – لزوم توبه و بازگشت سریع از خطا هنگام رخ دادن کمترین اشتباه در داوری

فاستغفر ربّه و خرّ راکعًا و أناب

تهمت خطا به یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۵ – ۱،۲

۱ بستگان یعقوب باور به زنده بودن یوسف (ع) را خطای دیرینه یعقوب (ع) و اصرار بر آن را برخاسته از کژاندیشی می شمردند .

إنک لفی ضللک القدیم

مقصود فرزندان و بستگان یعقوب از خطای دیرینه وی (ضلالک القدیم) می تواند اعتقاد او به زنده بودن یوسف(ع) و یا برتر دانستن وی بر دیگر فرزندان باشد. هر چند بعید نیست که هر دو معنا نیز مراد باشد.

۲ بستگان یعقوب با سوگند ، وی را به کژروی و ارتکاب خطا در برتر دانستن یوسف (ع) و محبّت بیش از حد به وی متهم کردند .

إنک لفی ضللک القدیم

حقیقت قتل خطا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۹۲ – ۳۱

۳۱ قتل خطائی آن است که چیزی غیر از مقتول ، هدف باشد ، لیکن به اشتباه ، مقتول هدف قرار گیرد .

و ما کان لمؤمن ان یقتل مؤمناً الّا خطا . .. و من قتل مؤمناً خطاً

امام صادق (ع) فرمود: . .. و الخطأ من اعتمد شيئا فاصاب غيره.

كافى، ج ۷، ص ۲۷۸، ح ۲ ; نورالثقلين، ج ۱، ص ۵۳۰، ح ۴۷۵.

خطا در ارزشگذارى

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۹۵ – ۱۵

۱۵– انسان ، در ارزش گذاری ها و تعیین ارزش های برتر ، دچار خطا می شود .

و لاتشتروا . .. ثمنًا قلیلًا إنما عند الله هو خیر لکم إن کنتم تعلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۳۷ – ۹

۹ – امکان خطاکردن انسان ، در ارزیابی ملموس ترین رفتار زشت و زیبای خویش

و قال فرعون یهمن ابن لی صرحًا . .. کذلک زیّن لفرعون سوء عمله

برداشت یادشده با توجه به این نکته است که فرعون باوجود مشاهده معجزات و شنیدن دلایل روشن و انکارناپذیر موسی(ع) اقدام به کاری نابخردانه (ساختن بنایی بلند برای آگاهی از خدا. ..) کرده بود. خداوند نیز این اقدام را نمونه ای از کارهای زشت فرعون، دانسته است که در نظر او زیبا و پسندیده می نمود.

خطا در ارزیابی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۸ – ۷

۷ – امکان خطاکردن انسان ، در ارزیابی رفتار خود و خوب و بد آن

أفمن زیّن له سوء عمله فرءاه حسنًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۳۷ – ۹

۹ – امکان خطاکردن انسان ، در ارزیابی ملموس ترین رفتار زشت و زیبای خویش

و قال فرعون یهمن ابن لی صرحًا . .. کذلک زیّن لفرعون سوء عمله

برداشت یادشده با توجه به این نکته است که فرعون باوجود مشاهده معجزات و شنیدن دلایل روشن و انکارناپذیر موسی(ع)

اقدام به کاری نابخردانه (ساختن

بنایی بلند برای آگاهی از خدا. ..) کرده بود. خداوند نیز این اقدام را نمونه ای از کارهای زشت فرعون، دانسته است که در نظر او زیبا و پسندیده می نمود.

خطا های قابل بخشش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۴۳ – ۱۰

۱۰ خطا و لغزش رهبر جامعه و فرماندهان نظامی ، قابل اغماض و بخشش

عفا اللّه عنک لم أذنت لهم حتی یتبین لک الذین صدقوا

خطا های قبل از اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۹۲ – ۵

۵ – در صورتی که کافران محارب ایمان آورند ، نباید بر خطا های پیشینشان (کشتن مسلمانان ، فتنه انگیزی و . . .) مورد مؤاخذه قرار گیرند .

فإن انتهوا فإن اللّه غفور رحیم

خطای آشکار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۲۶ – ۱

۱ – اعراض از قرآن و روی آوردن به غیر آن ، شگفت آور و خطایی آشکار است .

فأین تذهبون

استفهام توبیخی در آیه شریفه، علاوه بر سرزنش خطاکاران، بر تعجب از آن خطا نیز دلالت دارد.

خطای بزرگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۳۷ – ۲

۲ – ایمان نیاوردن به خدای بزرگ و بی تفاوتی در برابر گرسنگی بینوایان ، خطایی بزرگ و نابخشودنی

إنّه کان لایؤمن باللّه العظیم . و لایحضّ علی طعام المسکین ... لایأکله إلاّ الخط

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که خداوند، از کسانی که ایمان نمی آوردند و.

..، تعبیر به <خاطئون> کرده است.

خطای نابخشودنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۷ - ۲

۲ - ایمان نیاوردن به خدای بزرگ و بی تفاوتی در برابر گرسنگی بینوایان ، خطایی بزرگ و نابخشودنی

إنّه کان لایؤمن باللّه العظیم . و لایحضّ علی طعام المسکین ... لایأکله إلاّ الخط

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که خداوند، از کسانی که ایمان نمی آورند و. ..، تعبیر به <خاطئون> کرده است.

داود(ع) و خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۱۸،۱۹،۲۱،۲۲،۲۵

۱۸ - استغفار داوود (ع) از پروردگار ، در پی گمان به رخ دادن اشتباهی در داوری میان متخاصمان

و ظنّ داود أنّما فتنّه فاستغفر ربّه

۱۹ - داوود (ع) ، شیوه داوری خود درباره برادران متخاصم را خطا دانست .

قال لقد ظلمک بسؤال نعجتک . .. و ظنّ داود أنّما فتنّه فاستغفر ربّه

در این که استغفار داوود(ع) درباره چه اشتباهی بود، میان مفسران چند دیدگاه وجود دارد؛ از جمله بهترین و موافق ترین آنها با آیه شریفه، مسأله نشنیدن دفاع برادر متهم و شتاب در داوری است. گفتنی است برخی از روایات مربوط به آیه، مؤید همین برداشت است (تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۵).

۲۱ - به سجده افتادن داوود (ع) به درگاه خداوند پس از گمان خطا کردنش در داوری میان برادران متخاصم

و خرّ راکعًا

مقصود از <خرّ راکعاً> مطابق نظر بیشتر مفسران سجده است.

۲۲ – انابه و توبه داوود (ع) به درگاه خداوند ، پس از

گمان خطا کردنش در داوری میان برادران متخاصم

و أناب

۲۵ - < عن الرضا (ع) : . . .بعث اللّه عزّوجلّ إلی داود الملکین فتسوّرا المحراب فقالا خصـمان بغی بعضـنا علی بعض فاحکم بیننا بالحقّ إنّ هذا أخی له تسع و تسعون نعجه . . . فعجل داود (ع) علی المدعی علیه فقال لقد ظلمک . . . و لم یسئل المدعی البیّنه علی ذلک و لم یقبل علی المدعی علیه فیقول له ما تقول فکان هذا خطیئه رسم الحکم ;

از امام رضا(ع) روایت شـده که خداونـد عزّوجلّ دو فرشـته را فرسـتاد تا از دیوار محراب داوود بالا رفتنـد و بر او وارد شدند و گفتنـد: دو نفر هسـتیم که یکی بر دیگری سـتم کرده است; پس بین مـا به حـق داوری کن. یکی از آنـان گفت: این برادر من است که ۹۹ میش دارد و... داوود در حکم عجله کرد و گفت: برادرت به تو ظلم کرده... و از مـدعی بیّنه نخواست و به مـدعا علیه هم نگفت تو چه می گویی؟ و این یک خطا در شیوه دادرسی بود>.

دیه قتل خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۷،۲۳،۲۵،۳۲،۳۳،۳۵

۷ خونب های قتل از روی خطا ، باید به طور کامل تسلیم خانواده مقتول گردد .

و من قتل مؤمنا خطأً . .. و دیه مسلّمه الی اهله

در معنای کلمه <مسلّمه> گفته شده است: <المدفوعه الیهم موفّره غیر منقّصه>. یعنی باید به طور کامل و بدون هیچ کاستی تسلیم شود. <مجمع البیان>.

۲۳ قاتل در قتل خطائی ، در صورت ناتوانی

از آزادسازی برده با ایمان ، باید دو ماه پیاپی روزه بگیرد .

فمن لم یجد فصیام شهرین متتابعین

۲۵ پرداخت خونب ها ، آزاد کردن برده مؤمن و یا گرفتن روزه ، در قتل خطائی ، زمینه پذیرش توبه قاتل از جانب خداوند

و من قتل مؤمناً خطا . .. توبه من اللّه

<توبه>، مفعول له است و بیانگر فلسفه احکام بیان شده در قتل خطائی. یعنی بنده ای را آزاد کنید یا روزه بگیرید و خونبها هم بدهید، تا خداوند رحمتش را شامل حال شما کند و توبه شما را بپذیرد.

۳۲ آزاد کردن بنده مؤمن در قتل خطائی ، ادای حق خداوند و پرداخت دیه آن ، ادای حقّ اولیای مقتول است .

و من قتل مؤمناً خطأً فتحریر رقبه مؤمنه و دیه مسلّمه الی اهله

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: اما تحریر رقبهً مؤمنه ففیما بینه و بین اللّه و امّا الدّیه المسلّمه الی اولیاء المقتول. ..

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۶۲، ح ۲۱۷ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۰، ح ۴۷۳.

۳۳ کافی نبودن آزادسازی کودک برده به عنوان کفاره کشتن مؤمن از روی خطا

و من قتل مؤمناً خطأً فتحریر رقبه مؤمنه

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از جواز آزاد نمودن کودک برده در کفّاره فرمود: کلّ العتق یجوز فیه المولود الّا فی کفّاره القتل فانّ اللّه عزّ و جلّ یقول: <فتحریر رقبه مؤمنه> یعنی بذالک مقرّهً قد بلغت الحنث.

کافی، ج ۷، ص ۶۴۳، ح ۱۵ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۱، ح ۴۸۳.

۳۵ قاتل ، معاف از پرداخت دیه مؤمن مقتول به قتل خطائی ، در صورت مشرک

بودن اولیای وی

فان کان من قوم عدوّلکم و هو مؤمن فتحریر رقبه مؤمنه

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: اذا کان من اهل الشرک فتحریر رقبه مؤمنه فیما بینه و بین اللّه و لیس علیه دیه . .. .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۶۳، ح ۲۱۸ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۰، ح ۴۷۴.

زمینه خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۴ - ۱۱

۱۱- نسیان ، از آفات مدیریت و زمیه ساز بروز کاستی ها ، خطا ها و تخلفات است .

و ما نتنزّل إّلا بأمر ربّک . .. و ما کان ربّک نسیًّا

به کسی که سیاست گذار و مدبّر امور کسی باشد <ربّ> گفته می شود (بر گرفته از مصباح).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۹ - ۱۳

۱۳- همه انسان ها ، حتی پیامبر (ص) و مؤمنان واقعی ، در معرض خطا و لغزش و نیازمند غفران الهی

و استغفر لذنبک و للمؤمنین و المؤمنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۸ - ۲

۲ - هیچ انسانی از خطا مصون نبوده و بر کیفر نشدن خویش اطمینان ندارد .

إنّ عذاب ربّهم غیر مأمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۱۵ – ۸

۸ – غفلت از آزمایش بودن نعمت ها ، مایه خطا در تحلیل عوامل پیشرفت های اقتصادی

ابتلیه ربّه . .. فیقول ربّی أکرمن

عصمت از خطا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴

- ۱۱۳ - ۱،۲

۱ پیامبر (ص) ، معصوم از گناه و مصون از خطا و لغزش

و لولا فضل اللّه علیک و رحمته لهمت طائفه منهم ان یضلوک

۲ فضل و رحمت خاص الهی بر پیامبر (ص) ، موجب مصونیت وی از خطا و لغزش

و لولا فضل اللّه علیک و رحمته لهمت طائفه منهم ان یضلوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۶ - ۱۴

۱۴ - فرشتگان ، مصون از خطا و معصوم از گناه و نافرمانی اند .

لایعصون اللّه ما أمرهم و یفعلون ما یؤمرون

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <لایعصون اللّه. ..> عصمت فرشتگان و <یفعلون ما یؤمرون> اشاره به مصونیت آنان از خطا در انجام وظایف داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۸ - ۲

۲ - پیامبران ، معصوم و مصون از خطا در ابلاغ کامل پیام های الهی به مردم

لیعلم أن قد أبلغوا رسلت ربّهم

عفو از خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۳ - ۱۲

۱۲ گذشت از گناه گوساله پرستان تائب و نادیده انگاشتن خطای آنان پس از بازگشت به توحید و پرستش خدای یکتا ، توصیه خداوند به موسی (ع) *

إن ربک من بعدها لغفور رحیم

برداشت فوق بـا توجه به دومین احتمـالی است که در توجیه خطـاب به موسـی(ع) ذکر شـد. یعنی <ربک> اشاره به این معنا باشد که ای موسی تو نیز متخلق به اخلاق الهی باش و از

خطاها و لغزشها درگذر.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۴۲ – ۱۶

۱۶ – گذشت از خطا ها در عین توانمندی بر انتقام و کیفر ، کاری است شایسته و خداپسندانه .

أنا أدعوكم إلى العزيز الغفّر

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند در عین این که عزیز و شکست ناپذیر است، با گذشت و آمرزنده نیز می باشد و همه بندگان گناه کارش را به توبه فرامی خواند؛ در حالی که توانایی هرگونه انتقام گرفتن از آنان را دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۱۴ – ۱۰

۱۰ – عفو ، چشم پوشی و بخشودن دشمنی ها و خطا های مردمان ، توصیه خداوند به مؤمنان

و إن تعفوا و تصفحوا و تغفروا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که آیه شریفه درصدد بیان یک اصل در برخورد با دیگران باشد؛ نه در خصوص برخورد با همسران و فرزندان.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انفطار – ۸۲ – ۶ – ۱۰

۱۰ – بخشودن خطا ها و بخشیدن عطا ها ، شیوه خداوند برای رشد و تربیت انسان ها است .

بربّک الکریم

<الکریم> وصفی است که <ربّک> را توضیح داده و گوشه ای از ربوبیت خداوند را برجسته کرده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۵۹ – ۱۲،۱۳،۱۶

۱۲ گذشت از خطاکاران ، و طلب آمرزش برای ایشان و مشورت در امور اجتماعی ، وظیفه پیامبر (ص) نسبت به مسلمانان

فاعف عنهم

و استغفر لهم و شاورهم فی الامر

۱۳ گذشت از خطای مردم و طلب آمرزش برای آنان و نیز مشورت با مسلمانان در مسائل اجتماعی ، نمودی از مهربانی و خُلق خوش پیامبر (ص)

و لو کنت فظّا غلیظ القلب . .. فاعف عنهم و استغفر لهم و شاورهم فی الامر

تفریع جمله <فاعف عنهم و . .. > بر جمله های پیشین، که بیانگر خُلق خوش پیامبر (ص) است، در حقیقت اشاره به مصادیق و نمونه هایی از خوی نیکوی پیامبر (ص) دارد. گفتنی است که امر به عفو و ... به معنای ادامه دادن آن است.

۱۶ عفو از خطاکاران پیکار احد ، تکلیف الهی پیامبر (ص)

فاعف عنهم و استغفر لهم

به متقضای ارتباط این آیه با آیات نبرد احد، از جمله افراد مورد نظر که پیامبر (ص) موظّف به نادیده گرفتن خطای آنان است، خطاکاران نبرد احد می باشند.

عفو خطا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۶۳ – ۸

۸ پیامبر (ص) ، موظّف به چشمپوشی از خطای کسانی که از مراجعه به طاغوت ، اظهار ندامت کردند .

ثم جاؤک یحلفون باللّه ان اردنا الّا احساناً . .. فاعرض عنهم

کلمه <اعراض>، به قرینه <عظهم> (آنان را نصیحت کن>، به معنای اعراض از عقوبت و خطای آنان است، نه به معنای دوری از آنان.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳۸ – ۲

۲ به کافران ستیزه گر عصر بعثت ابلاغ شد در صورت ترک مخاصمه علیه اسلام ، از خطا های گذشته

آنها چشمپوشی خواهد شد .

قل للذین کفروا إن ینتهوا یغفر لهم ما قد سلف

درباره متعلق <إن ینتهوا> دو نظر ابراز شده است: یکی کفر و دیگری اعمالی که در آیه ۳۶ مطرح شد ; یعنی سرمایه گذاریها و شرارتهای علیه اسلام. جمله <إن یعودوا> نظر دوم را تقویت می کند. گفتنی است بر این مبنا مراد از <یغفر لهم ... > انتقام نگرفتن از شرارتهای گذشته کافران است.

عوامل خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱ - ۶

۶- شتابزدگی انسان ، عامل اشتباه وی در شناخت سود و زیان واقعی خود

و یدع الإنسن بالشرّ دعاءه بالخیر و کان الإنسن عجولاً

جمله <و کان الإنسان عجولاً> در مقام تعلیل برای <و یدع الإنسان. ..> است; یعنی، چون انسان عجول است، شر و خیر و سود و زیان خویش را یکسان می بیند و به دنبال هر دو می شتابد.

فرجام خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۴ - ۴

۴- هفت جرم و راه خطا در دنیا وجود دارد که به جهنّم منتهی می شود .

إن جهنّم . .. لها سبعه أبوب لکلّ باب منهم جزء مقسوم

فرصت اقرار به خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۹ - ۲

۲ - توبه و اقرار به خطا ها ، تنها در فرصت زندگی دنیا دارای تأثیر است ; و نه در آخرت .

و لن ينفعكم اليوم إذ ظلمتم

قتل خطا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴

۲۷ لزوم احتیاط برای حفظ نفوس و سعی در پیشگیری از وقوع قتل خطائی

و من قتل مؤمناً خطا . .. توبه من اللّه

اگر چنین احتیاطی لازم و ضروری نبود، نباید خداوند به خاطر کاری که از اختیار انسان خارج است، وی را از رحمت خویش دور سازد.

قرآن و خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۲ - ۱۱

۱۱ - قرآن از خطا و انحراف ، منزّه و پیراسته است .

صحفًا مطهّره

کفاره قتل خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۵،۶،۱۲،۳۴

۵ ضرورت پرداخت خونب ها علاوه بر کفّاره در صورت کشتن مؤمن از روی خطا

و من قتل مؤمنا خطاً . .. و دیه مسلّمه الی اهله

۶ کفّاره کشتن مؤمن از روی خطا ، آزاد کردن یک برده با ایمان است .

و من قتل مؤمنا خطاً فتحریر رقبه مؤمنه

۱۲ در قتل خطائی ، اگر مقتول ، مؤمن باشد ، ولی خانواده اش از دشمنان مسلمانان ، کفّاره اش تنها آزادسازی برده ای با ایمان است .

فان کان من قوم عدوّلکم و هو مؤمن فتحریر رقبه مؤمنه

۳۴ امام ، عهده دار آزادسازی برده ای مؤمن به عنوان کفاره قتل خطائی مسلمانی که در سرزمین شرک به دست مسلمین

کشته شود .

فان کان من قوم عدوّلکم و هو مؤمن فتحریر رقبه مؤمنه

امام صادق (ع) در مورد وظیفه امام نسبت به مسلمانی که در سرزمین شرک به دست مسلمین کشته شده، فرمود: یُعتق مکانه رقبه مؤمنه و ذلک قول اللّه

عزّ و جل: <فان کان من قوم عدوّلکم . .. >.

من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۱۰، ح ۱، ب ۳۶ مسلسل ۳۷۳ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۲، ح ۴۸۵.

محمد(ص) و خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۳ - ۳۸

۳ تلاش گروهی از خائنان برای به اشتباه انداختن پیامبر (ص) ، در قضاوت

هانتم هؤلاء جدلتم عنهم فی الحیوه الدنیا . .. لهمت طائفه منهم ان یضلوک

اگر چه ظاهر جمله شرطیه <لولاـ . .. لهمت>، نفی تلاش است، ولی مراد از آن نفی تأثیر تلاش می باشد. یعنی تلاش آنان برای لغزاندن پیامبر(ص)، هیچگونه اثری نداشت و گویا اصلا تلاشی در این جهت نکردند، این معنا با آیات قبل تأیید می شود.

۸ کسانی که در صدد گمراه ساختن و به اشتباه انداختن پیامبر (ص) بودند ، تنها خود را به گمراهی و اشتباه افکندند .

لهمت طائفه منهم ان یضلوک و ما یضلون الا أنفسهم و ما یضرونک من شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۴ - ۱

۱- پیامبر (ص) از ترفند های لغزش آفرین مشرکان و کمترین تمایل به آنان ، در پرتو ثبات قدم اعطا شده به او از جانب خداوند ، در امان بود .

و لولا أن ثبّتنک لقد کدتّ ترکن إلیهم شیئًا قلیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۵ - ۱

۱- هشدار خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر اینکه در صورت لغزش از

مواضع اصولی خویش ، دچار کیفر دو چندان دنیوی و اخروی خواهد شد .

إذًا لأذقنک ضعف الحیوه و ضعف الممات

مصونیت از خطا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – اعلی – ۸۷ – ۶ – ۸

۸ – آیات قرآن ، در طول زندگانی پیامبر (ص) از خطا و کاستی مصون ماند .

سنقرئک فلاتنسی

درباره مفاد <إلاّ ما شاء اللّه> در آیه بعد، دو دیدگاه وجود دارد: ۱. بیان حاکمیت مشیت خداوند که در نتیجه مراد، استثنای حقیقی نخواهد بود; بلکه تنها نشانگر آن است که <لاتنسی> هر چند مطلق است و هیچ استثنایی ندارد; ولی مشیت خداوند بر همه چیز حاکم است و نسیان و عدم نسیان پیامبر(ص)، بیرون از مشیت او نیست. ۲. حرف <إلاّ> در استثنای حقیقی به کار رفته است و بیانگر آن است که خداوند، بخشی از آیات را براساس مشیت خویش از یاد پیامبر(ص) خواهد برد. برداشت یاد شده براساس نظر اول است.

ملائکه و خطا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۲۷ – ۷

۷– عصمت ملائکه از خطا و نافرمانی

لایسبقونه بالقول و هم بأمره یعملون

تسلیم و منقاد بودن فرشتگان در برابر خداوند و نیز تنها به فرمان خدا عمل کردن، حاکی از عصمت آنان است.

موارد خطا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۴۷ – ۴

۴ درخواست امری نابه جا و غیر حکیمانه از خداوند ، لغزش و خطاست .

قال رب إنی أعوذبک أن أسئلک ما لیس لی به علم

استعاذه و پناه بردن به خداوند ، در موردی

است که متعلق آن ، امری ناپسند و شرّآفرین باشد.

موانع خطا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۷ – ۶

۶ – باور به علم مطلق الهی و آگاهی او به نهان و آشکار انسان ، بازدارنده وی از خطا ها و لغزشها

أو لایعلمون أن اللّه یعلم ما یسرون و ما یعلنون

جمله <أتحدثونهم . .. لیحاجوکم> در آیه قبل، رسای به این است که: پندار باطل یهود (محدود بودن علم خدا)، آنان را به لغزشها و گناهان پنهانی، بی پروا می کند. بنابراین، هدف از بیان علم مطلق الهی در رد آن پندار، این است که: انسانها بر اثر باور و توجه به آگاهی همه جانبه خدا از خطاها – چه در خفا و چه آشکار – از لغزشها باز ایستند.

مؤمنان و خطا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۱۰ – ۷

۷ – مؤمنان ، حتی پیشتازان ایمان (مهاجران و انصار) ، فاقد مصونیت از خطا و نیازمند غفران الهی

و الذین جاءو من بعدهم یقولون ربّنا اغفر لنا و لإخوننا الذین سبقونا بالإیمن

از تأیید خداوند نسبت به استغفار برای پیشتازان راه ایمان، به جا بودن این دعا و نیاز آنان استفاده می شود.

نوح(ع) و خطا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۴۶ – ۸

۸ محدودیت علم و آگاهی نوح (ع) و معصوم نبودن او از خطا و اشتباه

إن ابنی من أهلی . .. إنه لیس من أهلك ... فلاتسئلن ما لیس لك به علم

یعقوب(ع)

و خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ - ۱۳

۱۳ محبت فراوان یعقوب (ع) به یوسف (ع) و بنیامین ، خطا و لغزشی روشن از دیدگاه دیگر فرزندان او

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب . .. إن أبانا لفی ضلل مبین

خطاکار

برخورد کریمانه با همسران خطاکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۳ - ۶

۶ - برخورد کریمانه با همسران خطاکار خویش و به رخ نکشیدن همه اشتباهات آنان ، امری شایسته و بجا است .

عرّف بعضه و أعرض عن بعض

عفو خطاکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۹ - ۱

۱ خداوند پیامبرش را به پیشه ساختن عفو از خطاکاران فرمان داد .

خذ العفو

<أخذ> (مصدر خذ) به معنای گرفتن و از چنگ ندادن است که به مناسبت مورد، کنایه از ملتزم شدن می باشد. بنابراین <خذ العفو> یعنی عفو و گذشت را از چنگ مده و بدان ملتزم باش.

خطاکاران

{خطاکاران}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸ - ۴

۴ - فرعون ، هامان و سپاهیانشان مردمی خطاپیشه

إنّ فرعون و همن و جنودهما کانوا خطئین

آثار عفو از خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۲ - ۱۵

۱۵ - عفو و گذشت کریمانه از خطا های دیگران ، زمینه ساز جلب غفران و آمرزش الهی است .

و لیعفوا و لیصفحوا ألا تحبّون أن یغفر اللّه لکم

آخرت فروشی

خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۴ - ۳

۳ - خطاکاران ، زندگانی اخروی خویش را فاقد توشه های لازم دیده و در حسرت فرصت های برباد رفته بسر می برند .

یلیتنی قدّمت لحیاتی

آمرزش خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۱۲

۱۲ مغفرت و آمرزش بندگان خطاکار ، پرتوی از رحمت و مهربانی خداوند است .

یغفر الله لکم و هو أرحم الرحمین

ابراهیم(ع) و خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۵ - ۱

۱ ابراهیم (ع) ، پیامبری بردبار که هرگز در مؤاخذه خطاکاران تعجیل نمی کرد .

إن إبرهیم لحلیم

علل الشرایع، ص ۵۵۰، ح ۴، ب ۳۴۰; نورالثقلین، ج ۲، ص۳۸۴، ح۱۶۵.

ارزیابی عمل خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۹ - ۲

۲ - اعماق جهنم ، تنها پناهگاهی است که خطاپیشگان را پس از سنجش اعمال آنان در آغوش خواهد گرفت .

فأُمّه هاویه

تعبیر <اُمّ>، کنایه از احاطه جهنم بر خطاپیشگان است; بسان مادری که طفل خود را در آغوش گرفته است.

استغفار برای خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۹

۹ گذشت از خطاکاران و دعا برای آمرزش آنان ، خصلتی نیکو و از صفات محسنان است .

فإن الله لایضیع أجر المحسنین . .. لاتثریب علیکم الیوم یغفر الله لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۸

۹ گذشت از خطاکاران و دعا برای آنان ، خصلتی نیکو و از صفات پیامبران الهی است .

یأبانا استغفر لنا . .. قال سوف أستغفر لکم ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۲ - ۱۷

۱۷ - پرداختن به امور مهم زندگی شخصی ، به جای حل و فصل مسائل اجتماعی ، با اذن رهبری ، خطایی است نیازمند به استغفار به درگاه الهی .

فإذا استئذنوک لبعض شأنهم فأذن لمن شئت منهم و استغفر لهم اللّه

توصیه خداوند به طلب مغفرت کردن پیامبر(ص) برای کسانی که به اذن او عرصه حل و فصل امور اجتماعی را ترک می کنند حاکی از این است که این عمل چون به اذن آن حضرت انجام گرفته جایز است; ولی در عین حال خطایی است که باید برای آن استغفار کرد.

بی ارزشی عمل خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۸ - ۵

۵ - کردار خطاپیشگان ، در قیامت سبک و بی ارزش خواهد بود .

فأمّا من ثقلت موزینه

بینش غلط خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۴ - ۳

۳ - خطاکاران ، زندگانی اخروی خویش را فاقد توشه های لازم دیده و در حسرت فرصت های برباد رفته بسر می برند .

یلیتنی قدّمت لحیاتی

پشیمانی اخروی خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۴ - ۱

۱ - خطاکاران در قیامت ، فرورفته در حسرت و پشیمان از ترک ذخیره سازی توشه آخرت

و جاْیء یومئذ

بجهنّم . .. يقول يليتنى قدّمت لحياتى

پناهگاه خطاكاران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۹ - ۲

۲ - اعماق جهنم ، تنها پناهگاهى است كه خطاپيشگان را پس از سنجش اعمال آنان در آغوش خواهد گرفت .

فأُمّه هاويه

تعبير <اُمّ>، كنايه از احاطه جهنم بر خطاپيشگان است; بسان مادرى كه طفل خود را در آغوش گرفته است.

ترك رابطه با خطاكاران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۸ - ۱۰

۱۰ مبارزه منفى و تحريم روابط با خطاكاران ، از روش هاى مؤثر و سازنده در برخورد با آنان

ضاقت عليهم الأرض . .. و ظنوا أن لا ملجأ من اللّه إلا إليه

برداشت فوق با توجه به شأن نزول آيه شريفه است كه مسلمانان، با متخلفان از جنگ تبوك، قطع رابطه كردند.

تشبيه خطاكاران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۹ - ۴

۴ - تشبيه خطاپيشگان در قيامت ، به جان باختگانى كه تحمّل مرگ آنان براى مادرشان هلاكت آفرين است . *

فأُمّه هاويه

فعل <هوى> در معانى مختلفى از جمله <سَقَطَ> و <مات> به كار رفته است (قاموس). بنابر معناى دوم، كلمه <هاويه>، به معناى <هالكه> خواهد بود نسبت دادن هلاكت به مادر كسى كه ميزان اعمال او سبك است، كنايه از عظمت سختى هاى وارد بر وى است; به گونه اى كه در آن موارد، مادران تاب تحمّل چنين وضعى را براى فرزند خود نداشته و هلاك خواهند

شد. در این صورت مرجع ضمیر <هی> در آیه بعد، عنوان

<داهیه> (مصیبت بزرگ) خواهد بود که مفاد جمله <فأمّه هاویه> است.

تفاوت صالحان و خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۱ - ۱۱

۱۱ - برابر پنداشتن افراد صلاح پیشه و خطاکار ، حکمی ناروا است .

أم حسب . .. ساء ما یحکمون

تنبه اخروی خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۶

۶ - خطاکاران در قیامت با مشاهده جهنم ، فرصت های از دست رفته را به یاد آورده و متوجّه آثار و پیامد های کردار خویش می گردند .

یومئذ یتذکّر الإنسن

<ال> در الإنسان>، ممکن است عهد ذکری و اشاره به انسانی باشد که در آیات پیشین، فریفته نعمت ها و شِ‍کوه گزار تنگدستی ها معرفی شده است. هم چنین می تواند برای استغراق باشد و تذکر یافتن را به همه انسان ها تعمیم دهد. آیات بعد، احتمال نخست را تقویت می کند.

حسابرسی خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۱ - ۶

۶ - ربوبیت خداوند ، مقتضی حسابرسی و مؤاخذه خطاکاران است .

إنّ ربّهم بهم یومئذ لخبیر

حسرت اخروی خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۴ - ۱

۱ - خطاکاران در قیامت ، فرورفته در حسرت و پشیمان از ترک ذخیره سازی توشه آخرت

و جآیء یومئذ بجهنّم . .. یقول یلیتنی قدّمت لحیاتی

حسرت خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۴ - ۳

۳ - خطاکاران ، زندگانی اخروی

خویش را فاقد توشه های لازم دیده و در حسرت فرصت های برباد رفته بسر می برند .

یلیتنی قدّمت لحیاتی

خطاکاران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۹ - ۲

۲ - اعماق جهنم ، تنها پناهگاهی است که خطاپیشگان را پس از سنجش اعمال آنان در آغوش خواهد گرفت .

فأُمّه هاویه

تعبیر <اُمّ>، کنایه از احاطه جهنم بر خطاپیشگان است; بسان مادری که طفل خود را در آغوش گرفته است.

خطاکاران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۷ - ۱

۱ - < غسلین > (خونابه و چرک) ، غذای مخصوص خطاپیشگان در قیامت

غسلین . لایأکله إلّا الخطون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۶

۶ - خطاکاران در قیامت با مشاهده جهنم ، فرصت های از دست رفته را به یاد آورده و متوجّه آثار و پیامد های کردار خویش می گردند .

یومئذ یتذکّر الإنسن

<ال> در الإنسان>، ممکن است عهد ذکری و اشاره به انسانی باشد که در آیات پیشین، فریفته نعمت ها و شِ‍کوه گزار تنگدستی ها معرفی شده است. هم چنین می تواند برای استغراق باشد و تذکر یافتن را به همه انسان ها تعمیم دهد. آیات بعد، احتمال نخست را تقویت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۴ - ۱

۱ - خطاکاران در قیامت ، فرورفته در حسرت و پشیمان از ترک ذخیره سازی توشه آخرت

و جاْیء یومئذ بجهنّم . .. یقول

یلیتنی قدّمت لحیاتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۶ - ۱

۱ - خداوند در قیامت ، خطاکاران را چنان به بند می کشد که از هیچ کس ساخته نیست .

و لایوثق وثاقه أحد

ضمیر <وثاقه> به <ربّک> در آیات پیشین برمی گردد. <وثاق> اسم مصدر برای <ایثاق> (به بند کشیدن) است; نظیر عطا و اعطاء. این کلمه به معنای آنچه چیزی را با آن ببندند، نیز آمده است (مفردات راغب)، ولی این معنا با ترکیب آیه شریفه سازگار نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۹ - ۴

۴ - تشبیه خطاپیشگان در قیامت ، به جان باختگانی که تحمّل مرگ آنان برای مادرشان هلاکت آفرین است . *

فأُمّه هاویه

فعل <هوی> در معانی مختلفی از جمله <سَقَطَ> و <مات> به کار رفته است (قاموس). بنابر معنای دوم، کلمه <هاویه>، به معنای <هالکه> خواهد بود نسبت دادن هلاکت به مادر کسی که میزان اعمال او سبک است، کنایه از عظمت سختی های وارد بر وی است; به گونه ای که در آن موارد، مادران تاب تحمّل چنین وضعی را برای فرزند خود نداشته و هلاک خواهند شد. در این صورت مرجع ضمیر <هی> در آیه بعد، عنوان <داهیه> (مصیبت بزرگ) خواهد بود که مفاد جمله <فأُمّه هاویه> است.

دعا برای خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۹

۹ گذشت از خطاکاران و دعا برای آمرزش آنان ، خصلتی نیکو و از صفات محسنان است .

فإن الله لایضیع أجر المحسنین

. .. لاتثريب عليكم اليوم يغفر الله لكم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – يوسف – ۱۲ – ۹۸ – ۹

۹ گذشت از خطاكاران و دعا براى آنان ، خصلتى نيكو و از صفات پيامبران الهى است .

يأبانا استغفر لنا . .. قال سوف أستغفر لكم ربى

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – مريم – ۱۹ – ۴۷ – ۱۴

۱۴- گذشت از خطاكاران و دعا براى آنان ، خصلتى نيكو و از صفات پيامبران است .

لأرجمنّك واهجرنى . .. سأستغفر لك ربّى

دنياطلبى خطاكاران

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۲۴ – ۳

۳ – خطاكاران ، زندگانى اخروى خويش را فاقد توشه هاى لازم ديده و در حسرت فرصت هاى برباد رفته بسر مى برند .

يليتنى قدّمت لحياتى

روش برخورد با خطاكاران

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۸ – ۱۰،۱۸

۱۰ مبارزه منفى و تحريم روابط با خطاكاران ، از روش هاى مؤثر و سازنده در برخورد با آنان

ضاقت عليهم الأرض . .. و ظنوا أن لا ملجأ من اللّه إلا إليه

برداشت فوق با توجه به شأن نزول آيه شريفه است كه مسلمانان، با متخلفان از جنگ تبوك، قطع رابطه كردند.

۱۸ فراهم آوردن زمینه و شرایط مناسب توبه برای خطاکاران پس از یک دوره مبارزه منفی از روش های مؤثر و سازنده در اصلاح آنان

و علی الثلثه الذین خلّفوا حتی إذا ضاقت علیهم الأرض . .. ثم تاب علیهم لیتوبوا إن

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۰ - ۱۳

۱۳ - داشتن ملاطفت و برخورد محبت آمیز ، روشی پسندیده و بایسته در تبلیغِ دین و برخورد با افراد خاطی و گناه کار

قال یقوم اتّبعوا المرسلین

سبکی عمل خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۸ - ۵

۵ - کردار خطاپیشگان ، در قیامت سبک و بی ارزش خواهد بود .

فأمّا من ثقلت موزینه

طعام خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۷ - ۱

۱ - < غسلین > (خونابه و چرک) ، غذای مخصوص خطاپیشگان در قیامت

غسلین . لایأکله إلّا الخطون

عذاب خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۶ - ۱

۱ - خداوند در قیامت ، خطاکاران را چنان به بند می کشد که از هیچ کس ساخته نیست .

و لایوثق وثاقه أحد

ضمیر <وثاقه> به <ربّک> در آیات پیشین برمی گردد. <وثاق> اسم مصدر برای <ایثاق> (به بند کشیدن) است; نظیر

عطا و اعطاء. ایـن کلمه به معنـای آنچه چیزی را بـا آن ببندنـد، نیز آمـده است (مفردات راغب)، ولی این معنـا بـا ترکیب آیه شریفه سازگار نیست.

عفو از خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۲۷

۲۷ گذشت از خطاکاران پشیمان و تائب و یاد نکردن از خطا های ایشان ، خصلتی نیکو و خلقی پسندیده است .

من بعد أن نزغ الشیطن بینی و بین إخوتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲

- مؤمنون - ۲۳ - ۹۶ - ۷

۷ - < عن أبی عبداللّه (ع) قال : بعث أمیرالمؤمنین (ع) إلی بشر بن عطارد التمیمی فی کلام بلغه فمرّ به رسول أمیرالمؤمنین (ع) فی بنی أسد و أخذه فقام إلیه نعیم بن دجاجه الأسدی فأفلته فبعث إلیه أمیرالمؤمنین (ع) فأتوه به و أمر به أن یضرب فقال له نعیم : أما واللّه إنّ المقام معک لذلّ و إنّ فراقک لکفر قال : فلمّا سمع ذلک منه قال له : یا نعیم قد عفونا عنک إنّ اللّه عزّوجلّ یقول : < ادفع بالتی هی أحسن السیّئه > . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که امیرالمؤمنین(ع) به علت سخنی که بشربن عطارد تمیمی گفته بود [شخصی را] سراغ او فرستاده. فرستاده امام او را در بنی اسد یافت و بازداشت کرد. نعیم بن دجاجه اسدی برخاست و او را آزاد نمود. امیرالمؤمنین(ع) سراغ نعیم فرستاد و او را آوردند و دستور داد او را بزنند. نعیم گفت: به خدا ماندن با تو ذلت است و جدا شدن از تو کفر است راوی گوید: امام(ع) که این را از او شنید، فرمود: ای نعیم! تو را بخشیدم; زیرا خدای عزّوجلّ می فرماید: <ادفع بالتی هی أحسن السیّئه>...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۳ - ۴

۴ - تنها انسان های صابر و شکیبا ، قادر به عفو و بخشش خطاکاران اند .

و لمن صبر و غفر إنّ ذلک لمن عزم الأُمور

ذکر صبر قبل از غفران، می

تواند اشاره به این نکته داشته باشد که اگر روحیه شکیبایی نباشد; آتش انتقام در انسان شعلهور شده و مانع عفو و گذشت می شود.

عفو خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۹

۹ گذشت از خطاکاران و دعا برای آمرزش آنان ، خصلتی نیکو و از صفات محسنان است .

فإن الله لایضیع أجر المحسنین . .. لاتثریب علیکم الیوم یغفر الله لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۸ - ۹

۹ گذشت از خطاکاران و دعا برای آنان ، خصلتی نیکو و از صفات پیامبران الهی است .

یأبانا استغفر لنا . .. قال سوف أستغفر لکم ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۴ - ۳

۳- پذیرفتن عذرخواهی خطاکاران و قبول درخواست عفو و گذشت آنان ، از صفات اولیای الهی است .

لاتؤاخذنی بما نسیت . .. فانطلقا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۷ - ۴

۴- ابراهیم (ع) به هدایت شدن آزر ، در عین اصرار و تعصب او بر بت پرستی امیدوار بود .

سأستغفر لک ربّی

ممکن است مراد ابراهیم(ع) از طلب مغفرت، طلب مقدمات مغفرت (ترک بت پرستی) باشد، زیرا آن حضرت از هدایت یافتن آزر ناامید نشده بود و لذا سعی در رام کردن او از طریق برانگیختن احساسات وی داشت.

قبول عذر خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۴ - ۳

۳- پذیرفتن عذرخواهی خطاکاران و

قبول درخواست عفو و گذشت آنان ، از صفات اولیای الهی است .

لاتؤاخذنی بما نسیت . .. فانطلقا

مؤاخذه خطاکاران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عادیات – ۱۰۰ – ۱۱ – ۶

۶ – ربوبیت خداوند ، مقتضی حسابرسی و مؤاخذه خطاکاران است .

إنّ ربّهم بهم یومئذ لخبیر

مهلت به خطاکاران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۷۶ – ۳

۳– مهلت دادن به خطاکاران و فراموش کاران تا سه مرتبه ، امری روا است .

قال إن سألتک عن شیء بعدها فلاتصحبنی

موسی(ع) در صورت تکرار ناشکیبایی برای بار سوم و عمل بر خلاف توصیه خضر، خود را مستحق جدایی و محرومیت از مصاحبت خضر(ع) دانست. بنابراین، می توان گفت که تا سه مرتبه مهلت دادن به افراد، کاری قابل قبول است.

هدایت خطاکاران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۴۰ – ۷

۷ – در مقابله با بدی ، تنها عفو و گذشت کارساز نیست ; بلکه باید درصدد هدایت خطاکار برآمد . *

فمن عفا و أصلح

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <أصلح> توضیح و نتیجه <عفی> نباشد بلکه حامل پیام مستقل باشد.

خطای باصره

{خطای باصره}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۳ - ۱۰،۱۳

۱۰ امکان خطای چشم (حواس ظاهری)

یرونهم مثلیهم رأیَ العین

۱۳ جلوه غیر واقعی تعداد نیرو ها در جنگ بدر ، امدادی از سوی خداوند برای مؤمنان

یرونهم مثلیهم رأیَ العین و اللّه یؤیّد بنصره من یشاء

خطای باصره

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۴ – ۱،۴،۸

۱ خداوند به هنگام رویارویی و شروع جنگ بدر ، هر یک از دو سپاه ایمان و کفر را در نظر دیگری اندک نمایان ساخت .

و إذ یریکموهم إذالتقیتم فی أعینکم قلیلا

۴ وقوع جنگ بدر با فرجام پیروزی مسلمانان در آن نبرد ، هدف از تصرف خداوند در دید هر یک از دو سپاه و کم نمایاندن هر یک در نظر دیگری

إذ یریکموهم إذالتقیتم فی أعینکم قلیلا . .. لیقضی اللّه أمرا کان مفعولا

۸ کم نمایاندن هر یک از دو سپاه در جنگ بدر در نظر یکدیگر ، امری شایسته و بایسته به یاد داشتن

إذ یریکموهم إذالتقیتم فی أعینکم قلیلا و یقللکم فی أعینهم

برداشت فوق مبتنی بر این است که <إذا> مفعول برای فعل مقدر <اذکروا> باشد.

خطر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خطر

آثار احساس خطر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۱۰ – ۵

۵ – وجود پیوند عمیق روحی عاطفی در مادر ، نسبت به فرزند خود و بروز آن به هنگام احساس خطر برای وی

و أصبح فؤاد أُمّ موسی فرغا إن کادت لتبدی به لولا أن ربطنا علی قلبها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۶۵ – ۴

۴ – احساس خطر ، زمینه بیدار شدن فطرت خداجوی آدمی است .

فإذا رکبوا فی الفلک دعوا اللّه مخلصین له الدّین

آثار خطر مسافرت دریایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۷ - ۱

۱- لحظه های خطرآفرین سفر های

دریایی ، زمینه بروز گرایش انسان به خدای یگانه و رویکرد به او و از یاد بردن غیر او

و إذا مسّکم الضرّ فی البحر ضلّ من تدعون إلاّ إیّاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۵ - ۱

۱ - مشرکان به هنگام حادثه ای مخاطره آمیز در دریا ، خداوند را مخلصانه می خوانند .

فإذا رکبوا فی الفلک دعوا اللّه مخلصین له الدّین

آثار نجات از خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۷ - ۶،۱۰

۶- انسان ها پس از رهایی از خطر های مرگ آفرین ، خدا را فراموش می کنند و از حق روی گردان می شوند .

فلمّا نجّکم إلی البرّ أعرضتم

۱۰- غفلت از یاد خدا در پی نجات از خطرات ، برخاسته از خصلت حق ناشناسی شدید انسان است .

فلمّا نجّکم إلی البرّ أعرضتم و کان الإنسن کفورًا

جمله <و کان الإنسان کفوراً> که بیانگر یک خصلت عام همه انسانهاست به منزله تعلیل برای مطالب قبل است.

احساس خطر اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۴ - ۴

۴ - احساس خطر اشراف ، از پیام توحیدی نوح (ع)

یقوم اعبدوا اللّه ما لکم من إله غیره فقال الملؤا الذین کفروا من قومه ما هذا إ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۶ - ۴

۴ - احساس خطر اشراف و زمامداران قوم نوح از گسترش دعوت وی

قالوا لئن لم تنته ینوح لتکوننّ من المرجومین

تهدید سران قوم

نوح به سخت ترین مجازات همچون رجم، نشانگر نگرانی شدید آنان است.

احساس خطر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۴ - ۳

۳ - قیامت ، روز احساس خطر ; حتی از نزدیک ترین خویشاوندان خود *

یفرّ المرء من أخیه

فرار از برادر، حاکی از خطری است که باقی ماندن در کنار او، آن را محتمل می سازد; چه خطری باشد که فرار از آن سودی نمی بخشد (نظیر گذشت نکردن برادر از حقوقی که برادرش آن را پایمال کرده است) و چه خطری که توهمی بیش نیست (نظیر این گمان که اگر بماند به آتش او بسوزد).

احساس خطر رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶ - ۳

۳ - احساس خطر سران کفر و شرک ، از دعوت پیامبراسلام به توحید و نفی شرک و نفوذ آن حضرت در میان توده ها

و اصبروا علی ءالهتکم

فراخواندن مردم به پراکنده شدن از اطراف رسول خدا(ص) و پایداری بر آیین شرک، گویای برداشت یاد شده است.

احساس خطر رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶ - ۳

۳ - احساس خطر سران کفر و شرک ، از دعوت پیامبراسلام به توحید و نفی شرک و نفوذ آن حضرت در میان توده ها

و اصبروا علی ءالهتکم

فراخواندن مردم به پراکنده شدن از اطراف رسول خدا(ص) و پایداری بر آیین شرک، گویای برداشت یاد شده است.

احساس خطر فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷

- ۱۲۳ - ۶،۷

۶ فرعون ، ایمان ساحران را به موسی (ع) ، خطری برای موقعیت و حکومت خویش احساس کرد .

إن هذا لمکر مکرتموه فی المدینه لتخرجوا منها أهلها

۷ فرعون با توطئه گر خوانـدن موسـی (ع) و ساحران ، براندازی حکومت فرعونیان و بیرون راندن ایشان را ، از پایتخت مصـر از اهداف توطئه آنان شمرد .

إن هذا لمکر . .. لتخرجوا منها أهلها

مراد از <أهلها> هم می توانـد فرعون، درباریان و وابسـتگان به او باشد و هم می تواند مراد از آن تمامی ساکنان مصـر باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۶

۶ - وحشت و احساس خطر فرعون ، هامان و قارون از گسترش آیین موسی و قوت گرفتن پیروان آن حضرت

قالوا اقتلوا أبناء الذین ءامنوا معه

از فرمان فرعون و. .. به قتل ایمان آورندگان به موسی(ع)، برداشت یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۲ - ۳

۳ - رسالت موسی (ع) ، خطری جدی برای فرعون و تحریک کننده او به مقابله ای پی گیر در برابر آن

ثمّ أدبر یسعی

احساس خطر قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۶

۶ - وحشت و احساس خطر فرعون ، هامان و قارون از گسترش آیین موسی و قوت گرفتن پیروان آن حضرت

قالوا اقتلوا أبناء الذین ءامنوا معه

از فرمان فرعون و. .. به قتل ایمان آورندگان به

موسی(ع)، برداشت یاد شده استفاده می شود.

احساس خطر متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱۱ – ۲۰

۲۰ – انگیزه اصلی متخلفان از سفر حدیبیه ، گریز از خطرات احتمالی و حفظ منافع دنیوی خود

قل فمن یملک لکم من اللّه شیئًا إن أراد بکم ضرًّا أو أراد بکم نفعًا

احساس خطر مرگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۲ – ۱۳،۱۴،۱۵،۱۶،۱۷

۱۳ درماندگی ، اضطرار و احساس خطر مرگ ، عرصه ظهور فطرت توحیدی انسان و روی برتافتن از شرک

و جاءهم الموج من کل مکان . .. دعوا اللّه مخلصین له الدین

۱۴ مردم هنگام درماندگی و خطر مرگ ، به درگاه خدا دعا کرده و همراه با سوگند ، قول می دهند که جزو سپاسگزاران او خواهند بود .

و ظنوا أنهم أحیط بهم دعوا اللّه مخلصین له الدین لئن أنجیتنا من هذه لنکوننّ من ال

۱۵ انسان های ناسپاس ، به هنگام احساس خطر مرگ (غرق شدن و . . .) با خدا پیمان مؤکد می بندند که : اگر از آن ورطه نجات یابند ، هرگز گرد گناه نگردند و به جرگه بندگان شاکر و سپاسگزارش بپیوندند .

و ظنوا أنهم أحیط بهم دعوا اللّه . .. لئن أنجیتنا من هذه لنکوننّ من الشکرین

۱۶ درماندگی ، اضطرار و احساس خطر مرگ ، عرصه بریده شدن امید انسان از غیر خدا

و ظنوا أنهم أحیط بهم دعوا اللّه مخلصین له الدین لئن أنجیتنا من هذه لنکوننّ من ال

۱۷ درماندگی ، اضطرار

و احساس خطر مرگ ، عرصه به خاطر آمدن کرده های زشت ، اظهار ندامت و شرمساری در پیشگاه خدا و پوزش طلبی انسان از آن خطا ها و ناسپاسیها

و ظنوا أنهم أحیط بهم دعوا اللّه . .. لنکوننّ من الشکرین

احساس خطر ملکه سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۲ - ۵

۵ - احساس خطر جدی ملکه سبا از نامه سلیمان و تلاش وی برای تحکیم روابط در درون دربار

أفتونی فی أمری ما کنت قاطعه أمرًا حتّی تشهدون

در صورتی که کار مشاوره برای بلقیس امری معمولی بود، وی نیازی نداشته تا در خصوص این موضوع، بر شیوه مشاوره خود تأکید کند. احتمال می رود این تأکید از آن جهت باشد که موضوع را بسیار جدی و خطرناک تلقی کرده و با این سخنان سعی داشته تا دل درباریان را به دست آورد و آنان را با خود همراه سازد.

احساس خطر مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۸

۸ - اقدام مؤمنان ، به بیعت رضوان ، علی رغم همه نگرانی ها و احساس خطر ها *

یبایعونک تحت الشجره فعلم ما فی قلوبهم

می توان گفت: مراد از <ما فی قلوبهم> به قرینه <فأنزل السکینه> نوعی اضطراب و نگرانی و احساس خطر نسبت به رخدادهای آینده آن سفر باشد.

احساس خطر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۸

۸ - نگرانی و احساس خطر نوح (ع) ، درباره به خطر افتادن ایمان

مؤمنان و نسل های آینده جامعه ، از سوی کافران حق ناپذیر و گمراه گر قوم خود

إنّک إن تذرهم یضلّوا عبادك و لایلدوا إلاّ فاجرًا کفّارًا

احساس خطر هامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۶

۶ - وحشت و احساس خطر فرعون ، هامان و قارون از گسترش آیین موسی و قوت گرفتن پیروان آن حضرت

قالوا اقتلوا أبناء الذین ءامنوا معه

از فرمان فرعون و. .. به قتل ایمان آورندگان به موسی(ع)، برداشت یاد شده استفاده می شود.

احساس خطر یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۴ - ۳

۳ فرزندان یعقوب با یادآور شدن کثرت نیرو و توان خویش ، نگرانی او (احساس خطر حمله گرگ ها به یوسف) را نابه جا شمردند .

أخاف . .. قالوا لئن أکله الذئب و نحن عصبه

احساسات خطر برای بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۸

۸ احساس خطر برای بنیامین ، دلیل یعقوب (ع) بر عدم موافقتش با مسافرت وی

جلوگیری می کرد. جمله <إنا له لحافظون> می رساند که از دلایل این امر ، احساس خطر ب

امکان عذاب نجات یافتگان از خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۳

۳- امکان بازگشت دوباره نجات یافتگان از خطر دریا به آن و گرفتار شدن به طوفان دریایی و غرق شدن

أم أمنتم أن يعيدكم فيه تاره أخرى

انذار نجات یافتگان از خطر

جلد - نام سوره - سوره

- آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶۸ – ۱

۱– هشدار خداوند به حق ناسپاسان رهیده از خطرات و مشکلات ، به دچار شدن به خطرات و مهلکه های دیگر

فلمّا نجّکم إلی البرّ أعرضتم . .. أفأمنتم أن یخسف بکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶۹ – ۱

۱– هشدار خداوند به حق ناسپاسان رهیده از خطر ، به دچار آمدن در همان مهلکه

أم أمنتم أن یعیدکم فیه تاره أخری

انسان پس از رفع خطر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۳ – ۲

۲ مردم پس از رهایی از اضطرار و خطر مرگ ، پیمان خود را با خدا می شکنند و به ناسپاسی و تجاوز از حق می پردازند .

لئن أنجیتنا من هذه لنکوننّ من الشکرین. فلما أنجیهم إذا هم یبغون فی الأرض بغیر ال

انسان های ناسپاس هنگام خطر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۲ – ۱۵

۱۵ انسان های ناسپاس ، به هنگام احساس خطر مرگ (غرق شدن و . . .) با خدا پیمان مؤکد می بندند که : اگر از آن ورطه نجات یابند ، هرگز گرد گناه نگردند و به جرگه بندگان شاکر و سپاسگزارش بپیوندند .

و ظنوا أنهم أحیط بهم دعوا اللّه . .. لئن أنجیتنا من هذه لنکوننّ من الشکرین

اهمیت پیش بینی خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۹ - ۳۴

۳۴- لزوم شناسایی خطرات احتمالی و آمادگی

برای مقابله با آن و تلاش برای آسیب ندیدن از سوی دشمنان

و لایشعرنّ بکم أحدًا

اهمیت مصونیت از خطر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۳۷ – ۸

۸ – ایمن بودن از هر گزند و خطری ، مطلوب و پسندیده است .

و هم فی الغرفت ءامنون

حاکمان هنگام خطر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۳۵ – ۷

۷ – به تواضع نشستن حاکمان مستبد و زورمدار ، هنگام احساس خطر و اضطرار

فماذا تأمرون

مشورت خواهی از شخصی چون فرعون که می گوید <لئن اتّخذت إلهًا غیری. ..>، نشانگر حالت اضطرار و ناگزیری او است.

خطر اختلاف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۵۲ – ۱۱

۱۱ جامعه ایمانی در معرض خطر سستی ، تفرقه و سرپیچی از رهبریِ صالح خویش ، پس از نیل به پیروزی

حتّی اذا فشلتم . .. من بعد ما اریکم ما تحبّون

خطر اختلاف بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۹۴ – ۱۱

۱۱ – بنی اسرائیل در خطر تشتت و تفرقه ، در صورت اقدام عملی و جدی هارون (ع) برای مقابله با گوساله پرستان

إنّی خشیت أن تقول فرّقت بین بنی إسرءیل

خطر ارتجاع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۴ – ۸

۸ خطر واپسگرایی مردم صدر اسلام از مسیر رهبری ، پس از رحلت یا شهادت پیامبر (ص)

و ما محمّد الّا رسول

. .. افاین مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم

خطر ارتداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۳ - ۵

۵ - امت ها ، در خطر ارتداد پس از مرگ پیامبرانشان

إذ حضر یعقوب الموت إذ قال لبنیه ما تعبدون من بعدی

خطر ارتکاب گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۱۱

۱۱ - ضرورت فاصله گرفتن از محدوده گناه ، در صورتی که آدمی در خطر ارتکاب آن گناه باشد .

و لاتقربا هذه الشجره فتکونا من الظلمین

خطر ازدیاد جمعیت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴ - ۱۰

۱۰ - خطرآفرینی افزایش جمعیت قوم بنی اسرائیل و جوانان آن ، برای حکومت فرعون

یذبّح أبناءهم

خطر استکبار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۸ - ۶

۶ اشراف و بزرگان هر قوم در معرض استکبار و حق ناپذیری هستند .

قال الملأ الذين استکبروا من قومه

خطر اغواگری ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۲ - ۷

۷ - همه انسان ها ، در معرض اغواگری ابلیس قرار دارند .

لأغوینّهم أجمعین

خطر اغواگری شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۱ - ۱۲

۱۲ - مؤمنان نیز همچون دیگر مردمان ، در معرض پیروی از شیطان و گرفتار شدن به زشتی ها و ناپسندی ها (فحشا و منکرات) قرار دارند .

یأیّها الذین ءامنوا لاتتّبعوا خطوت

الشیطن . .. فإنّه یأمر بالفحشاء و المنکر

هشدار خداوند به مؤمنان از ارتکاب به فحشا و منکر و پیروی از شیطان، گویای حقیقت یاد شده است.

خطر التقاط در دین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۷ – ۱۵

۱۵ معارف و حقایق الهی همواره در خطر مشوب شدن و آمیخته گشتن به اموری باطل است .

أنزل من السماء . .. فاحتمل السیل زبدًا رابیًا و مما یوقدون ... زبد مثله

خطر انحراف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰۱ – ۱۲

۱۲ – معتقدان به مکاتب الهی ، حتی عالمان دینی و دانایان به کتاب های آسمانی ، در خطر انحراف و حق پوشی هستند .

نبذ فریق من الذین أوتوا الکتب کتب اللّه وراء ظهورهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۷ – ۴

۴ پیروان ادیان الهی در خطر غلو و انحراف از دین خویش

یاهل الکتب لاتغلوا فی دینکم

خطر انحراف در ادیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۲۰ – ۲۲

۲۲ – ادیان الهی ، در خطر آمیخته شدن به افکار و اندیشه های برخاسته از هوا های نفسانی

لئن اتبعت أهواءهم

خطر انحراف در شهر نشینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۱ - ۱۴

۱۴ شهرنشینی با وجود در پی داشتن فرهنگ بالاتر ، خطر نفاق و پیچیده تر شدن در طریق انحراف را نیز در پی دارد .

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً

. .. و من أهل المدينه مردوا على النفاق

در آیه <۹۷> با مذمت بادیه نشینان به خاطر فرهنگ پایینشان تلویحاً پیوستن به مجامع بزرگ را تمجید می کند و در این آیه، منافقان اهل مدینه را به مهارت داشتن در نفاق و زبر دست بودن بر بادیه نشینان متهم می کند; یعنی، در کنار آن ارزش، چنین ضد ارزشی بروز می کند.

خطر انحراف زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۶ - ۴

۴ - زنان و مردان مؤمن ، همواره در معرض خطر انحراف و افتادن در ورطه گناه آتش افروز

یأیّها الذین ءامنوا قوا أنفسکم و أهلیکم نارًا

مطلب یاد شده، از خطاب به مؤمنان (یا أیّها الذین آمنوا) استفاده می شود.

خطر انحراف مردان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۶ - ۴

۴ - زنان و مردان مؤمن ، همواره در معرض خطر انحراف و افتادن در ورطه گناه آتش افروز

یأیّها الذین ءامنوا قوا أنفسکم و أهلیکم نارًا

مطلب یاد شده، از خطاب به مؤمنان (یا أیّها الذین آمنوا) استفاده می شود.

خطر انعطاف پذیری رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۴ - ۷

۷- رهبران دینی ، در معرض خطر عقب نشینی از برخی مواضع اصولی خویش ، در برابر کافران

و لولا أن ثبّتنک لقد کدتّ ترکن إلیهم شیئًا قلیلاً

خطر انقراض جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۳ - ۱۲

۱۲ خطر انقراض و نابودی

نسل یک جامعه، هشدار خداوند به جوامع کافر ستم پیشه

إن یشأ یذهبکم . .. کما أنشأکم من ذریه قوم ءاخرین

خطر بدفهمی دین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۵ – ۸

۸ – دین و معارف الهی ، در معرض کج فهمی و تحریف معنوی با توطئه فریبکاران

و لایغرنّکم باللّه الغرور

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که فریب خوردن انسان به وسیله فریبکاران درباره خداوند و دین او، می تواند با تحریف معارف الهی و معرفی نادرست آن صورت پذیرد.

خطر بلایای طبیعی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶۸ – ۷

۷– انسان ها ، همواره در معرض خطرات ناشی از رخداد های طبیعی اند .

ضلّ من تدعون إلاّ إیّاه فلمّا نجّکم إلی البرّ . .. یخسف بکم جانب البرّ أو یرسل

خطر بی احترامی به والدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۲۳ – ۱۳

۱۳– پدران و مادران در سن پیری و سالخوردگی ، در معرض بی احترامی از سوی فرزندان هستند .

إما یبلغنّ عندک الکبر . .. فلاتقل لهما أُفّ و لاتنهرهما و قل لهما قولاً کریمًا

خطاب مطلق احسان به والدین، شامل هر والدینی در هر سن و سالی می شود. ذکر <إمّا یبلغنّ عندک الکبر> ممکن است جهت یادآوری نکته یاد شده باشد.

خطر پیروی از بدعت گزاران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۵۰ – ۹

۹ خطر پیروی از تمایلات منحرفان و بدعتگذاران در کمین مؤمنان

است.

و لا تتبع أهواء الذين كذبوا بأيتنا

گر چه <لا تتبع . .. > خطاب به پیامبر(ص) است، ولی روی سخن در حقیقت با همه مؤمنان است.

خطر پیروی از منحرفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۰ - ۹

۹ خطر پیروی از تمایلات منحرفان و بدعتگذاران در کمین مؤمنان است.

و لا تتبع أهواء الذين كذبوا بأيتنا

گر چه <لا تتبع . .. > خطاب به پیامبر(ص) است، ولی روی سخن در حقیقت با همه مؤمنان است.

خطر تجاوز تاتار ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۴ - ۳

۳- خطر هجوم یأجوج و مأجوج (مغول و تاتار) و تأمین امنیت ، عمده ترین مشکل مردم نواحی شمالی در زمان ذوالقرنین بود .

إنّ يأجوج و مأجوج مفسدون فی الأرض

خطر تجاوز مأجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۴ - ۳

۳- خطر هجوم یأجوج و مأجوج (مغول و تاتار) و تأمین امنیت ، عمده ترین مشکل مردم نواحی شمالی در زمان ذوالقرنین بود .

إنّ يأجوج و مأجوج مفسدون فی الأرض

خطر تجاوز مغولان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۴ - ۳

۳- خطر هجوم یأجوج و مأجوج (مغول و تاتار) و تأمین امنیت ، عمده ترین مشکل مردم نواحی شمالی در زمان ذوالقرنین بود .

إنّ یأجوج و مأجوج مفسدون فی الأرض

خطر تجاوز یأجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ -

۳- خطر هجوم یـأجوج و مأجوج (مغول و تاتار) و تأمین امنیت ، عمـده ترین مشـکل مردم نواحی شـمالی در زمان ذوالقرنین بود .

إنّ یأجوج و مأجوج مفسدون فی الأرض

خطر تحریف دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۵ - ۸

۸ - دین و معارف الهی ، در معرض کج فهمی و تحریف معنوی با توطئه فریبکاران

و لایغرنّکم باللّه الغرور

برداشت یـاد شـده، به خـاطر این نکته است که فریب خوردن انسان به وسـیله فریبکاران درباره خداونـد و دین او، می توانـد با تحریف معارف الهی و معرفی نادرست آن صورت پذیرد.

خطر تزویر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۹،۱۱

۹ ضرورت هشیاری حاکمان و قاضیان نسبت به تزویر دسیسه گران ، برای منحرف ساختن آنان از حکم و داوری بر پایه تعالیم قرآن

و احذرهم ان یفتنوک عن بعض ما أنزل اللّه إلیک

۱۱ دست شستن از تعالیم و احکام قرآن بر اثر تزویر دسیسه گران ، در پی دارنده سختی ها و ناگواریها

و احذرهم ان یفتنوک عن بعض ما أنزل اللّه إلیک

<یفتنوک> ای: یوقعوک فی بلیه و شـده . .. (مفردات راغب) یعنی مبـادا تو را با منصـرف کردن از احکام الهی در عـذاب و ناراحتی قرار دهند.

خطر تصرف در مال یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۲

۲- مال یتیم وسوسه انگیز و زمینه ساز لغزش انسان با تصرف به ناحق در آن است .

و لاتقربوا مال الیتیم إلّا

بالتی هی أحسن

به کار رفتن واژه <لاتقربوا> (نزدیک نشوید) به جای <لاتأکلوا و لاتصرفوا> (نخورید و تصرف نکنید) ممکن است به این دلیل باشد که: اموال یتیمان به دلیل حامی جدّی نداشتن، در معرض دخل و تصرفهای عدوانی و حیف و میلهای به ناحق است.

خطر تضییع حقوق مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۸ - ۱۱

۱۱ - حاکمان و قاضیان ، در خطر رشوه خواری و تضییع حقوق مردم

و تدلوا بها إلی الحکام لتأکلوا فریقاً من أموال الناس بالأثم

خطر تکبر ثروتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۵ - ۷

۷ - عجب و خودپسندی ، خطری در کمین ثروت مندان ; حتی کسانی که نعمت ها را وابسته به خداوند دیده و به ربوبیت او ایمان دارند .

ربّی أکرمن

واژه <ربّی>، نشانگر مؤمن بودن گوینده آن به ربوبیت خداوند است. بنابراین گرچه <الإنسان> مطلق است; ولی سخن درباره خداپرستان است.

خطر تکبر مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۵ - ۷

۷ - عجب و خودپسندی ، خطری در کمین ثروت مندان ; حتی کسانی که نعمت ها را وابسته به خداوند دیده و به ربوبیت او ایمان دارند .

ربّی أکرمن

واژه <ربّی>، نشـانگر مؤمن بودن گوینـده آن به ربوبیت خداونـد است. بنـابراین گرچه <الإنسان> مطلق است; ولی سـخن درباره خداپرستان است.

خطر تهمت به ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۸ - ۱۱

۱۱ - لزوم هشیاری در برابر جعل و

منتسب سازی عقاید انحرافی و ساختگی به پیامبران و مکتب آنان

هذا إلهکم و إله موسی فنسی

نقل افترای سامریان به موسی(ع) و مطرح ساختن عقاید انحرافی خویش، به عنوان عقاید موسی(ع)، هشداری به همه، به ویژه پاسداران ادیان الهی است که همواره خطر جعل و دروغ بستن به پیامبران الهی، در مهم ترین بنیان های جهان بینی وجود دارد.

خطر تهمت به انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۸ - ۱۱

۱۱ - لزوم هشیاری در برابر جعل و منتسب سازی عقاید انحرافی و ساختگی به پیامبران و مکتب آنان

هذا إلهکم و إله موسی فنسی

نقل افترای سامریان به موسی(ع) و مطرح ساختن عقاید انحرافی خویش، به عنوان عقاید موسی(ع)، هشداری به همه، به ویژه پاسداران ادیان الهی است که همواره خطر جعل و دروغ بستن به پیامبران الهی، در مهم ترین بنیان های جهان بینی وجود دارد.

خطر جادوگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۴ - ۴

۴ - پیامبر (ص) ، در معرض خطر از سوی جادوگران و کسانی که با دمیدن در گره هایی مخصوص ، درصدد آزار دادن آن حضرت بودند .

و من شرّ النفّثت فی العقد

خطر جنگ در دوران داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۰ - ۷

۷- مردمی که با داوود (ع) زندگی می کردند ، در معرض هجوم نظامی دشمن قرار داشتند .

داود . .. و علّمنه صنعه لبوس لکم لتحصنکم من بأسکم

آیه شریفه در مقام امتنان بر مردمی است

که با داوود(ع) زندگی می کردند; زیرا مخاطب <کم> دراین آیه آنان هستند. این امتنان آن گاه صحیح است که آنان در معرض هجوم دشمن و مبتلا شدن به خطرات آن باشند.

خطر حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۶ - ۴

۴- مترفان و صاحبان مال و منال بیش از دیگران در معرض نافرمانی خدا و حق ناپذیری قرار دارند .

أمرنا مترفیها ففسقوا فیها

برداشت فوق مبتنی بر این است که مفعول <أمرنا> کلمه محذوفی چون <بالطاعه> و . .. باشد. بنابراین معنای آیه چنین می شود: ما مترفان جامعه را به طاعت و بندگی فرمان می دهیم، ولی آنان برخلاف انتظار راه فسق و نافرمانی پیشه می سازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۸ - ۶

۶ اشراف و بزرگان هر قوم در معرض استکبار و حق ناپذیری هستند .

قال الملأ الذین استکبروا من قومه

خطر حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۸ - ۷

۷- انسان ها ، همواره در معرض خطرات ناشی از رخداد های طبیعی اند .

ضلّ من تدعون إلاّ إیّاه فلمّا نجّکم إلی البرّ . .. یخسف بکم جانب البرّ أو یرسل

خطر در کشتی قصه یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۱ - ۲

۲ – وجود خطر برای کشتی حامل یونس (ع) و رفع آن ، با افکنده شدن یک نفر به دریا

إذ أبق إلی الفلک المشحون . فساهم فکان من المدحضین

خطر دریا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۶۳ – ۱

۱ خداوند، نجاتبخش گرفتاران در تاریکیها و تنگناهای هول انگیز خشکی و دریاست.

قل من ینجیکم من ظلمت البر و البحر تدعونه

خطر دشمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۰۲ – ۲۰

۲۰ حفظ آمادگی نظامی و تدارکاتی در برابر خطر هجوم دشمنان ، وظیفه مسلمانان

ودالذین کفروا لو تغفلون عن اسلحتکم و امتعتکم فیمیلون علیکم میله واحده

خطر دنیاطلبی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۴ – ۹

۹ – دنیاگرایی خطری بزرگ برای عالمان دینی و آگاهان به کتب آسمانی

إن الذین یکتمون ما أنزل اللّه من الکتب و یشترون به ثمناً قلیلا . .. لهم عذاب الی

خطر دنیاطلبی محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۸ – ۱۹

۱۹– پیامبر (ص) ، در صورت نزدیک شدن به رفاه مندان و بریدن از مؤمنان تهیدست ، در خطر گرایش به جلوه های دنیا بود .

و لاتعد عیناک عنهم ترید زینه الحیوه الدنیا

خطر دین فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۳۶

۳۶ مسؤولان قضایی و عالمان دینی ، در خطر دین فروشی و سوداگری با آیات الهی

و لاتشتروا بایتی ثمناً قلیلا

خطر رشوه خواری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۸ - ۱۱

۱۱ - حاکمان و قاضیان ، در خطر رشوه خواری

و تضییع حقوق مردم

و تدلوا بها إلی الحکام لتأکلوا فریقاً من أمول الناس بالأثم

خطر رفاه طلبی در مسلمانان صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۳۱ – ۴

۴ – مسلمانان صدراسلام ، بر اثر مشاهده رفاه کافران ، در خطر توجه به زر و زیور دنیا بودند .

و لاتمدّنّ عینیک إلی ما متّعنا به أزوجًا منهم

این آیه گرچه خطاب به پیامبر(ص) است; ولی ممکن است مراد از آن، تربیت مسلمانان باشد و در صورتی که شخصِ آن حضرت مراد باشد، این خطر برای دیگر مسلمانان قوی تر خواهد بود.

خطر ریا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸۰ – ۱۰

۱۰– اعمال انسان ، همواره در معرض آمیخته شدن به ناخالصیهاست .

ربّ أدخلنی مدخل صدق و أخرجنی مخرج صدق

از اینکه خداوند به پیامبرش امر می کند که <برای کسب اخلاص و صداقت از او استمداد بطلبد> استفاده می شود که اعمال آدمی در معرض ابتلا به ریاست.

خطر سختی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۸ – ۱۱

۱۱ – انسان ، در معرض انواع گرفتاری ها و مصیبت ها

و إذا مسّ الإنسن ضرّ . .. ثمّ إذا خوّله نعمه منه نسی ما کان یدعوا إلیه من قبل

خطر سنگساری اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۰ - ۱

۱- اصحاب کهف ، خود را در صورت اسارت به دست کافران ، محکوم به سنگ سار و یا مجبور به پذیرش آیین شرک

می دیدند .

إنّهم إن یظهروا علیکم یرجموکم أو یعیدوکم فی ملّتهم

<ملّه> به معنای دین و آیین است و جمله <یعیدوکم فی ملّتهم> یعنی: شما را به دین و آیین خود، برمی گردانند.

خطر شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۶

۶ هشدار خداوند به مؤمنان در مورد خطر گرایش آنان به کفر و شرک

الم تر الی الذین اوتوا نصیباً من الکتب یؤمنون بالجبت و الطّاغوت

مخاطب قرار دادن مؤمنان و سپس بیان سرنوشت شرک آلود اهل کتاب، تعریضی به مخاطبان است که چنین خطری شما را نیز تهدید می کند و هشیار باشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۲ - ۵

۵- همه انسان ها ، در معرض خطر شرکند .

لاتجعل مع الله إلهًا ءاخر

برداشت فوق مبتنی بر این است که <لاتجعل> خطاب به پیامبر(ص) نیز باشد. بنابراین از اینکه پیامبر(ص) نیز مخاطب این هشدار قرار گرفته است، معلوم می شود که ابتلای به شرک خطری است همگانی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۹ - ۹

۹- انسان ، همواره در معرض ابتلا به شرک و نیازمند به هشدار است . *

لاتجعل مع الله إلهًاءاخر . .. و قضی ربّک ألاّتعبدوا إلاّ إیّاه ... لاتجعل مع ال

تأکید بر پرهیز از شرک در این مجموعه آیات (آیه ۲۲ ۳۸) که درباره مباحث مختلف خانوادگی و اجتماعی است بیانگر این

نکته است که احتمال لغزش انسانها زیاد است و باید به آنها توجه داده شود.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۵۹ – ۳

۳ – شرک ، خطری جدی در مسیر انسان ها است .

و الذین هم بربّهم لایشرکون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۲۱۳ – ۳

۳ – ابتلای به شرک ، خطری جدی در مسیر عقیده و عمل انسان

فلاتدع مع اللّه إِلهًا ءاخر

نهی الهی آن هم در ظاهر خطاب به پیامبر(ص) نشانگر آن است که اصولاً انسان در معرض چنین خطری قرار دارد؛ زیرا وقتی آن حضرت مورد هشدار قرار گیرد، تکلیف دیگران روشن است.

خطر شیاطین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۹۸ – ۵

۵ – حضور شیاطین ، خطر آفرین برای انسان

و أعوذ بک ربّ أن یحضرون

از آیه فوق استفاده می شود: در آنجا که شیاطین حضور دارند، انسان بیشتر در معرض خطر قرار می گیرد و آنجا که آنها حضور ندارند، ایمن تر است.

خطر شیاطین انس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ناس – ۱۱۴ – ۶ – ۳

۳ – خطر وسوسه گران جن و انس ، بزرگ و سزاوار چاره اندیشی است .

من الجنّه و الناس

خطر شياطين جن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۳

۳ - خطر وسوسه گران جن و انس ، بزرگ و سزاوار چاره انديشى است .

من الجنّه و الناس

خطر شيطان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۶ - ۱۸،۲۲

۱۸ شيطان ، خطرى

و انّی اعیذها بک و ذریتها من الشیطان الرجیم

۲۲ اجابت دعای همسر عمران ، در مورد حفظ مریم (س) و فرزندش از شرّ شیطان

و انّی اعیذها بک و ذریّتها من الشّیطان الرّجیم

رسول خدا (ص): . .. و قال عیسی (ع) فیما یثنی علی ربه: و اعاذنی و امّی من الشّیطان الرجیم فلم یکن له علینا سبیل.

الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۸۴.

خطر عبادت غیر خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۶۵ – ۱

۱ – هشدار خداوند به یکایک پیامبران در باره گرایش پیدا کردن به شرک و پرستش غیر او

و لقد أُوحی إلیک و إلی الذین من قبلک لئن أشرکت لیحبطنّ عملک

مفرد آمدن خطاب در <أشرکت> و <عملک> با آن که همه پیامبران مخاطب وحی الهی بودند می رساند که این وحی به یکایک پیامبران به طور جداگانه و مستقل، ابلاغ شده است.

خطر عجب ثروتمندان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۱۵ – ۷

۷ – عجب و خودپسندی ، خطری در کمین ثروت مندان ; حتی کسانی که نعمت ها را وابسته به خداوند دیده و به ربوبیت او ایمان دارند .

ربّی أکرمن

واژه <ربّی>، نشانگر مؤمن بودن گوینده آن به ربوبیت خداوند است. بنابراین گرچه <الإنسان> مطلق است; ولی سخن

درباره خداپرستان است.

خطر عجب مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۵ - ۷

۷ - عجب و خودپسندی ، خطری در کمین ثروت مندان ; حتی کسانی که نعمت ها را

وابسته به خداوند دیده و به ربوبیت او ایمان دارند .

ربّی أکرمن

واژه <ربّی>، نشانگر مؤمن بودن گوینده آن به ربوبیت خداوند است. بنابراین گرچه <الإنسان> مطلق است; ولی سخن درباره خداپرستان است.

خطر عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۸ - ۴

۴- کفران کنندگان نعمت های الهی و حق ناسپاسان ، در معرض عذاب های دنیوی چون بلعیده شدن به وسیله زمین و گرفتار شدن به طوفان شن

و کان الإنسن کفورًا. أفأمنتم أن یخسف بکم ... أو یرسل علیکم حاصبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۲

۲- انسان های ناسپاس و روی گردان از حق ، هیچ گاه و در هیچ شرایطی ، از عذاب و کیفر دنیوی خداوند ، در دریا و خشکی در امان نیستند .

فلمّا نجّکم إلی البرّ أعرضتم . .. أم أمنتم أن یعیدکم فیه تاره أخری

خطر عذاب دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۴ - ۹

۹ - گنه کاران توبه ناپذیر ، در معرض عذاب الهی در دنیا (عذاب استیصال)

و أنیبوا إلی ربّکم و أسلموا له من قبل أن یأتیکم العذاب

خطر عذاب دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۴ - ۴

۴- کافران و روی گردانان از پـذیرش آیات قرآن ، در خطر گرفتاری به سـرنوشت هلاکت بار پیشـینیان و ابتلا به عـذاب های دنیوی

و إذا تتلی علیهم ءایتنا . .. و کم أهلکنا قبلهم من قرن

خطر عذاب

دنیوی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۱۳

۱۳- گمراهان ، همواره در خطر گرفتاری به عذاب های الهی در دنیا

فلیمدد له الرحمن مدًّا حتّی إذا رأوا ما یوعدون إمّا العذاب و إمّا الساعه

تردید در <إمّا العذاب و إمّا الساعه> و نکره آوردن <مدّاً> و مبهم گذاشتن مقدار مهلت، این نتیجه را می دهد که هر یک از گمراهان، باید هر لحظه منتظر عذاب دنیوی و پایان مهلت در باره خود باشند.

خطر عذاب دنیوی معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۴ - ۴

۴- کافران و روی گردانان از پذیرش آیات قرآن ، در خطر گرفتاری به سرنوشت هلاکت بار پیشینیان و ابتلا به عذاب های دنیوی

و إذا تتلی علیهم ءایتنا . .. و کم أهلکنا قبلهم من قرن

خطر عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۲ - ۱

۱- کافران ، در هر لحظه از شب و روز در معرض عذاب الهی اند .

قل من یکلؤکم . .. من الرحمن

برداشت یاد شده بنابراین است که مراد از <من الرحمان> <من بأس الرحمان و عذابه> باشد. آیه قبل که در باره عذاب الهی است شاهد و مؤید همین نکته است.

خطر عذاب کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۱ - ۸

۸ - مرفهان ناسپاس ، در معرض عذاب و سرنوشت هلاکت بار خویش اند .

و الذین ظلموا من هؤلاء سیصیبهم سیّئات ماکسبوا

خطر

عذاب مرفهان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۵۱ – ۸

۸ – مرفهان ناسپاس ، در معرض عذاب و سرنوشت هلاکت بار خویش اند .

و الذین ظلموا من هؤلاء سیصیبهم سیّئات ماکسبوا

خطر عذاب مسلمانان صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۱۴ – ۲

۲ – مسلمانان صدراسلام ، به خاطر بی مبالاتی و خوش باوری در توطئه < افک > ، در معرض گرفتار شدن به عذابی سخت از سوی خدا قرار داشتند .

و لولا فضل اللّه علیکم . .. لمسّکم فی ما أفضتم فیه عذاب عظیم

خطر عصیان از خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۸۱ – ۱۹

۱۹– انسان در معرض سرکشی ، در برابر خداوند است .

کذلک یتمّ نعمته علیکم لعلّکم تسلمون

استعمال کلمه <لعل> که برای بیان توقع و صرف امکان و انتظار است، نشانگر آن است که اگر توجهی به نعمتهای فراوان خدا نباشد، تسلیم شدن انسانها در برابر او دور می نماید.

خطر عصیان انسان ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۸۱ – ۱۹

۱۹- انسان در معرض سرکشی ، در برابر خداوند است .

کذلک یتمّ نعمته علیکم لعلّکم تسلمون

استعمال کلمه <لعل> که برای بیان توقع و صرف امکان و انتظار است، نشانگر آن است که اگر توجهی به نعمتهای فراوان خدا نباشد، تسلیم شدن انسانها در برابر او دور می نماید.

خطر علمای مسیحیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه -

۹ - ۳۴ - ۱

۱ خداوند ، از فساد مالی و انحراف بسیاری از احبار و راهبان (پیشوایان دینی یهود و نصارا) پرده برداشته و مؤمنان را نسبت به خطر آنان هشدار داد .

یأیها الذین ءامنوا إن کثیراً من الأحبار و الرهبان لیأکلون أمول الناس بالبطل

خطر علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۱

۱ خداوند ، از فساد مالی و انحراف بسیاری از احبار و راهبان (پیشوایان دینی یهود و نصارا) پرده برداشته و مؤمنان را نسبت به خطر آنان هشدار داد .

یأیها الذین ءامنوا إن کثیراً من الأحبار و الرهبان لیأکلون أمول الناس بالبطل

خطر غریزه جنسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۹

۹ غریزه جنسی ، لغزشگاهی خطرناک برای آدمی است .

و إلّا تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ

خطر غفلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۳ - ۲

۲- انسان ، در معرض غفلت از سود و زیان واقعی خویش و نیازمند هشدار پیامبران (ع) است .

قل هل نتبئکم بالأخسرین أعملاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۳ - ۱

۱ - جان و دل آدمی ، در معرض خطر غفلت

بل قلوبهم فی غمره من هذا

<بل> حرف اضراب و برای انتقال از مطلبی (اوصاف مؤمنان راستین، نامه اعمال آنان و داوری عادلانه خدا درباره مردم) به مطلب دیگر (اوصاف کفار و منکران معاد) است. <غمره> به آبی که

تمام قامت انسان را فراگیرد، گفته می شود و دراین جا، استعاره از غفلت فراگیر است.

خطر غفلت از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۲ - ۱۲

۱۲ - سستی در یاد خداوند و غفلت از او ، خطری جدی برای رهروان و قیام کنندگان در راه خدا

اذهب أنت . .. و لاتنیا فی ذکری

خطر غفلت از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۶ - ۱

۱ - خداوند در وادی طوی ، خطر منکران قیامت را در بازداشتن موسی (ع) از توجه به قیامت ، به او گوشزد کرد و او را از فریب کاری آنان برحذر داشت .

فاعبدنی . .. فلایصدّنک عنها من لایؤمن بها

ضمیرهای <عنها> و <بها> به <الساعه> (در آیه قبل) برمی گردد.

خطر غلو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۱ - ۵

۵ پیروان ادیان الهی ، در معرض خطر غلو و گزافه گویی در دین

یاهل الکتب لاتغلوا فی دینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۷ - ۴

۴ پیروان ادیان الهی در خطر غلو و انحراف از دین خویش

یاهل الکتب لاتغلوا فی دینکم

خطر فرعونیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۷ – ۱۲

۱۲ – موسی (ع) ، از برخورد با نیرو های فرعون و بروز مشکلات دیگر در مسیر هجرت از مصر نگران بود .

أسر بعبادی . .. لاتخف درکًا

و لاتخشی

<درک> بـه معنـای ملحق شـدن و رسـیدن و نیز به معنـای پی آمـد است (قـاموس). نفی هرگـونه پی گیری و پی آمـد و نیز اطمینان بخشیدن به موسـی(ع) در مورد امنیت مسـیر هجرت، نشان از وجود زمینه تعقیب شدن و نیز نگرانی های دیگر در این مسیر دارد.

خطر فقر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۳ - ۴

۴ خطر فقر و بیچارگی برای مردم ، در صورت حاکمیت یهود بر آنان

ام لهم نصیب من الملک فاذاً لا یؤتون النّاس نقیراً

برداشت فوق را فرمایش امام باقر (ع) تأیید می کند که در معنای <الملک> در آیه فوق فرمود: یعنی الامامه و الخلافه . .. .

کافی، ج ۱، ص ۲۰۵، ح ۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۹۰، ح ۲۹۹.

خطر قتل موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۶ - ۳

۳ - اقدام بر قتل موسی (ع) ، کاری دشوار ، خطرآفرین و دارای بازتاب ناگوار در میان افکار عمومی درنظر فرعون

و قال فرعون ذرونی أقتل موسی

برداشت یـاد شـده به خـاطر این نکته است که فرعون، در کشـتن فرزنـدان ایمـان آورنـدگان به موسـی(ع) با کسـی به مشاوره نپرداخت (اقتلوا أبناء الذین آمنوا معه); ولی در کشتن موسی(ع) با مشاوران و درباریان خود به رایزنی پرداخت.

خطر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۹۶ – ۴

۴ رهبران الهى ، حتّى پيامبران ، در معرض خطر تأثير منفى شكوه ظاهرى و قدرت اقتصادى كافران

لا يغرّنك تقلّب

الّذین کفروا فی البلاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۰۲ – ۱۴،۱۵

۱۴ خطر شبیخون کافران ، دلیل به همراه داشتن اسلحه به هنگام نماز در میدان جنگ

و لیأخذوا حذرهم و اسلحتهم ودالذین کفروا لو تغفلون

۱۵ کافران ، در کمین و مترصد فرصت برای حمله و شبیخون به مسلمانان

ودالذین کفروا لو تغفلون عن اسلحتکم و امتعتکم فیمیلون علیکم میله واحده

جمله <ودالذین . ..>، بیان یک اصل کلی است و همراه داشتن اسلحه به هنگام نماز برای پیشگیری، تنها یک مصداق از آن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۹ – ۷

۷ – خطر و زیان منافقان برای جامعه اسلامی ، همانند خطر و زیان کافران است .

جهد الکفّار و المنفقین و اغلظ علیهم

خطر کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۱ – ۱۶

خطر کفران کنندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۴ – ۹

۹ – خطر نفوذ و تأثیرگذاری گروه های گناه پیشه و ناسپاس ، در رهبران جامعه ایمانی

و لاتطع منهم ءاثمًا أو كفورًا

خطر گرایش به شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۵ - ۱

۱ - هشدار خداوند به یکایک پیامبران در باره گرایش پیدا کردن به شرک و پرستش غیر او

و لقد أُوحی إلیک و إلی الذین من قبلک لئن أشرکت لیحبطنّ عملک

مفرد آمدن خطاب در <أشرکت> و <عملک> با آن که همه پیامبران مخاطب

وحی الهی بودند می رساند که این وحی به یکایک پیامبران به طور جداگانه و مستقل، ابلاغ شده است.

خطر گرگ در سرزمین کنعان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۳ – ۶

۶ حمله گرگ ها به آدمیان در اطراف کنعان و مراتع آن ، خطری شایع و متوقع در عصر یعقوب (ع)

أخاف أن یأکله الذئب و أنتم عنه غفلون

خطر گرگها در دوران یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۳ – ۶

۶ حمله گرگ ها به آدمیان در اطراف کنعان و مراتع آن ، خطری شایع و متوقع در عصر یعقوب (ع)

أخاف أن یأکله الذئب و أنتم عنه غفلون

خطر گمراهی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۸ – ۳

۳ خطر انحراف پس از هدایت ، برای همگان (حتی راسخین در علم)

و الرّاسخون فی العلم یقولون . .. ربّنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۵ – ۴،۵

۴ مسلمانان در صورت بی توجهی به احکام الهی در خطر گمراهی و گرایش های کفرآمیز

علیکم انفسکم لایضرکم من ضل

۵ انسان همواره بر سر دو راهی هدایت و گمراهی

علیکم انفسکم لایضرکم من ضل إذا اهتدیتم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۷۵ – ۷

۷ انسان ها ، حتی عالمان هدایت یافته ، در خطر پیروی از شیطان و

گام نهادن در مسیر گمراهی هستند .

فانسلخ منها فأتبعه الشیطن فکان من الغاوین

خطر گمراهی انسان ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۳۹ – ۱۰

۱۰– انسان ها ، در معرض اغواگری ابلیسند

لأغوینّهم أجمعین

خطر گمراهی مهتدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – حمد – ۱ – ۷ – ۴،۵

۴ – گروهی از هدایت یافتگان ، بر طریق هدایت ثابت قدم نماندند و در زمره غضب شدگان و یا گمراهان قرار گرفتند .

صرط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم و لاالضآلّین

برداشت فوق بر این اساس است که <غیر المغضوب> صفت احترازی برای <الذین انعمت> باشد. بر این مبنا نعمت داده شدگان یعنی، هدایت یافتگان سه گروه می شوند: ۱ راه یافتگانی که دست از هدایت شسته و از <مغضوبین> می شوند. ۲ هدایت یافتگانی که در بین راه گمراه شده و از <ضالین> می گردند. ۳ هدایت پیشگانی که تا آخر بر صراط مستقیم پایدار می مانند.

۵ – هدایت یافتگان نیز در خطر قرار گرفتن در زمره غضب شدگان و یا گمراهان هستند .

صرط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم و لاالضآلّین

خطر گناه زنان مؤمن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۶ – ۴

۴ – زنان و مردان مؤمن ، همواره در معرض خطر انحراف و افتادن در ورطه گناه آتش افروز

يأيّها الذين ءامنوا قوا أنفسكم و أهليكم نارًا

مطلب ياد شده، از خطاب به مؤمنان (يا أيّها الذين آمنوا) استفاده مى شود.

خطر گناه مردان مؤمن

جلد – نام سوره – سوره – آيه –

فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۶ – ۴

۴ – زنان و مردان مؤمن ، همواره در معرض خطر انحراف و افتادن در ورطه گناه آتش افروز

یأیّها الذین ءامنوا قوا أنفسکم و أهلیکم نارًا

مطلب یاد شده، از خطاب به مؤمنان (یا أیّها الذین آمنوا) استفاده می شود.

خطر گناهکاران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۴ – ۹

۹ – خطر نفوذ و تأثیرگذاری گروه های گناه پیشه و ناسپاس ، در رهبران جامعه ایمانی

و لاتطع منهم ءاثمًا أو کفورًا

خطر لغزش انسان ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۵۵ – ۱۰

۱۰ – همه انسان ها در معرض گناهو لغزش اند .

و استغفر لذنبک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۱۸ – ۳

۳ – انسان ها ، حتی متقین ، همواره در معرض لغزش و نیازمند استغفار مداوم

و بالأسحار هم یستغفرون

خطر مرگ یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۵ - ۶

۶ فرزندان یعقوب با سوگند به خدا ، خطر فرسوده شدن و به هلاکت رسیدنش را به او هشدار دادند .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف حتی تکون حرضًا أو تکون من الهلکین

حرف <تاء> برای قسم است و جمله <تفتؤا تذکر یوسف> به اعتبار غایتی که برای آن ذکر شده (حتی تکون حرضاً . ..) جواب قسم است ; یعنی ، در حقیقت جواب قسم <تکون حرضاً ...> می باشد.

خطر مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱۱ – ۱۴

۱۴ – سفر پیامبر (ص) به سوی مکه (قبل از صلح حدیبیه) ، سفری مخاطره آمیز و نگران کننده برای برخی مسلمانان

سیقول لک المخلّفون من الأعراب . .. یقولون بألسنتهم

عـذرآوری <مخلّفون> و رد عذر آنان از سوی خداوند، می رساند که عامل اصـلی آنان از ترک سـفر، نگرانی از سرنوشـت آن بوده است. قرینه های تاریخی و نیز آیه بعد، مؤید این نکته است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱۲ – ۱

۱ – سفر پیامبر (ص) و مؤمنان در جریان حدیبیه ، سفری پرخطر و بی بازگشت در نظراعراب متخلف

بل ظننتم أن لن ینقلب الرسول و المؤمنون إلی أهلیهم أبدًا

خطر مسافرت دریایی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۶۵ – ۲،۱۰

۲ – سفر دریایی با کشتی ، خطرآفرین است و کشتی نشین ، احساس خطر می کند .

فإذا رکبوا فی الفلک دعوا اللّه مخلصین له الدّین

۱۰ – مردم گرفتـار در خطر دریـا ، پس از رهایی از آن و رسـیدن به خشـکی ، به رغم دعای مخلصانه شان در هنگام خطر ، به خدا شرک میورزند !

فإذا رکبوا فی الفلک دعوا اللّه . .. فلمّا نجّیهم إلی البرّ إذا هم یشرکون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۴۳ – ۶

۶ – هیچ یک از سرنشینان کشتی ها در دریا ها ، امنیت کامل نداشته و امکان غرق شدن آنان به اراده الهی وجود دارد .

و

إن نشأ نغرقهم فلاصريخ لهم و لا هم ينقذون

این آیه شریفه با آیه قبل، درصدد بیان نعمت و آیت الهی می باشد; ولی در عین حال لحن هشدار دهنده نیز دارند که مبادا این نعمت ها موجب غرور بشر شود و آنان از آنها سوء استفاده کنند; که در این صورت ممکن است با قهر الهی دچار غرق و نابودی شوند.

خطر مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۱۰

۱۰ روابط و پیوند های یهود و نصارا با یکدیگر ، خطر و هشداری برای مسلمانان

لاتتخذوا الیهود و النصری أولیاء بعضهم أولیاء بعض

از اینکه دوستی یهود و نصارا با یکدیگر، دلیل بازداشتن مسلمانان از دوستی با آنان قرار گرفته است، استفاده می شود که پیوند آنان، پیوندی خطرناک برای مسلمین است.

خطر مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ - ۷

۷ خطر هجوم مشرکین به مسلمانان ، پس از پایان جنگ احد *

الّذین استجابوا للّه و الرسول من بعد ما اصابهم القرح

زیرا دعوت پیامبر (ص) برای تجهیز نیرو، بیانگر آن است که خطر هجوم مجدد مشرکین وجود داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۶ - ۵

۵ - خطر منافقان برای اسلام و گناه آنان نزد خداوند ، بیش از مشرکان *

و یعذّب المنفقین و المنفقت و المشرکین و المشرکت

تقدم <المنافقين و المنافقات> بر <المشركين و المشركات>، ممكن است اشاره به مطلب بالا داشته باشد.

خطر مصيبت

جلد - نام سوره - سوره - آيه -

فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۱۱

۱۱ - انسان ، در معرض انواع گرفتاری ها و مصیبت ها

و إذا مسّ الإنسن ضرّ . .. ثمّ إذا خوّله نعمه منه نسی ما کان یدعوا إلیه من قبل

خطر منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۳ - ۱۶

۱۶ لزوم دوری جستن از منافقین مخالفت کننده با حکم خدا و رسول (ص) ، به دلیل نگون بختی و گرفتاری ایشان به عذاب الهی

و اذا قیل لهم تعالوا الی ما انزل اللّه و الی الرّسول . .. فاعرض عنهم

امام کاظم (ع) در بیان علت لزوم اعراض از منافقان فرمود: فقد سبقت علیهم کلمه الشّقاء و سبق لهم العذاب . .. .

کافی، ج ۸، ص ۱۸۴، ح ۲۱۱ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۸۷، ح ۳ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۰۹، ح ۳۶۸ ; تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۵۵، ح ۱۸۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۶ - ۵

۵ - خطر منافقان برای اسلام و گناه آنان نزد خداوند ، بیش از مشرکان *

و یعذّب المنفقین و المنفقت و المشرکین و المشرکت

تقدم <المنافقین و المنافقات> بر <المشرکین و المشرکات>، ممکن است اشاره به مطلب بالا داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۴ - ۱۰

۱۰ – منافقان ، دشمنانی بس خطرناک اند .

هم العدوّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۹ – ۷

۷ – خطر و زیان

منافقان برای جامعه اسلامی ، همانند خطر و زیان کافران است .

جهد الکفّار و المنفقین و اغلظ علیهم

خطر نفاق در شهر نشینی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۰۱ – ۱۴

۱۴ شهرنشینی با وجود در پی داشتن فرهنگ بالاتر ، خطر نفاق و پیچیده تر شدن در طریق انحراف را نیز در پی دارد .

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً . .. و من أهل المدینه مردوا علی النفاق

در آیه <۹۷> با مذمت بادیه نشینان به خاطر فرهنگ پایینشان تلویحاً پیوستن به مجامع بزرگ را تمجید می کند و در این آیه، منافقان اهل مدینه را به مهارت داشتن در نفاق و زبر دست بودن بر بادیه نشینان متهم می کند؛ یعنی، در کنار آن ارزش، چنین ضد ارزشی بروز می کند.

خطر وسوسه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۱۶ – ۸

۸ علم الهی به اعماق وجود آدمی ، هشداری به وی در تأثیرپذیری از وسوسه های نفس

و نعلم ما توسوس به نفسه و نحن أقرب إلیه من حبل الورید

تعبیر و <نحن أقرب. ..> در پی <نعلم ما توسوس...> می تواند از آن جهت باشد که آدمی با ناظر دیدن خدا، خود را از بند وسوسه های نفس رها می سازد.

خطر وسوسه انسان ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ناس – ۱۱۴ – ۶ – ۵،۹

۵ – پناه بردن به خداوند از خطر وسوسه جن و انس ، توصیه ای الهی به پیامبر (ص)

قل أعوذ

. .. من الجنّه و الناس

۹ – وسوسه جنیان برای انسان ها ، خطرناک تر از وسوسه هم نوعان شان است .

من الجنّه و الناس

تقدیم <الجنّه>، به جهت یکنواخت شدن آخر آیه های این سوره و یا ناظر به افزون تر بودن خطر وسوسه جنیان است. برداشت یاد شده، ناظر به احتمال دوم است.

خطر وسوسه جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ناس – ۱۱۴ – ۶ – ۵،۹

۵ – پناه بردن به خداوند از خطر وسوسه جن و انس ، توصیه ای الهی به پیامبر (ص)

قل أعوذ . .. من الجنّه و الناس

۹ – وسوسه جنیان برای انسان ها ، خطرناک تر از وسوسه هم نوعان شان است .

من الجنّه و الناس

تقدیم <الجنّه>، به جهت یکنواخت شدن آخر آیه های این سوره و یا ناظر به افزون تر بودن خطر وسوسه جنیان است. برداشت یاد شده، ناظر به احتمال دوم است.

خطر وسوسه های شیطان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۱۷ – ۱۴

۱۴ – زنان و مردان ، هر دو در خطر فریفته شدن به وسوسه های شیطانی اند .

فلایخرجنّکما

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ناس – ۱۱۴ – ۶ – ۱۰

۱۰ – انسان ، همواره در خطر وسوسه های شیطان است .

من الجنّه

<شیطان> چنانچه در برخی از سوره های دیگر آمده است از جنس جن است.

خطر هلاکت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶۸ – ۳

۳- با امکان فرو رفتن انسان

در دل خاک و یا گرفتار طوفان های شن شدن ، احساس امنیت دایمی کردن بیجاست .

فلمّا نجّکم إلی البرّ أعرضتم . .. أفأمنتم أن یخسف بکم جانب البرّ أو یرسل علیکم

<خسف> مصدر فعل <یخسف> در لغت به معنای فرو بردن و <البرّ> به معنای بیابان و خشکی در مقابل <بحر> (دریا) است.

خطر هلاکت ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۹ - ۱۴

۱۴ - جوامع ستم پیشه در معرض عذاب قهر الهی

و ما کنّا مهلکی القری إلاّ و أهلها ظلمون

خطر هلاکت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۴ - ۴

۴- کافران و روی گردانان از پذیرش آیات قرآن ، در خطر گرفتاری به سرنوشت هلاکت بار پیشینیان و ابتلا به عذاب های دنیوی

و إذا تتلی علیهم ءایتنا . .. و کم أهلکنا قبلهم من قرن

خطر هلاکت معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۴ - ۴

۴- کافران و روی گردانان از پذیرش آیات قرآن ، در خطر گرفتاری به سرنوشت هلاکت بار پیشینیان و ابتلا به عذاب های دنیوی

و إذا تتلی علیهم ءایتنا . .. و کم أهلکنا قبلهم من قرن

خطر هواپرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۷

۷ هوا های نفسانی و تمایلات اشخاص و گروه ها ، لغزشگاهی خطرناک برای حاکم و قاضی

و إن احکم بینهم بما أنزل اللّه و لاتتبع اهواءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۵ – انعام – ۶ – ۵۶ – ۵

۵ لغزیدن در دام هوسها و تمایلات مشرکان و منحرفان، خطری برای رهبران دین و همه موحدان

الذین تدعون من دون اللّه قل لا أتبع أهواءکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۲۶ – ۱۴

۱۴ – همه انسان ها ، حتی پیامبران ، در معرض افتادن در دام هوای نفس اند .

یداود . .. فاحکم بین الناس بالحقّ و لاتتّبع الهوی

توصیه به پرهیز از پیروی هوای نفس به داوود(ع)، گویای این حقیقت است که همه انسان ها، حتی پیامبران، در معرض چنین خطری قرار دارند; و گرنه چنین توصیه ای لغو خواهد بود.

خطر هوای نفس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۱۶ – ۸

۸ علم الهی به اعماق وجود آدمی ، هشداری به وی در تأثیرپذیری از وسوسه های نفس

و نعلم ما توسوس به نفسه و نحن أقرب إلیه من حبل الورید

تعبیر و <نحن أقرب. ..> در پی <نعلم ما توسوس...> می تواند از آن جهت باشد که آدمی با ناظر دیدن خدا، خود را از بند وسوسه های نفس رها می سازد.

خطر یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵۱ – ۱۰

۱۰ روابط و پیوند های یهود و نصارا با یکدیگر ، خطر و هشداری برای مسلمانان

لاتتخذوا الیهود و النصری أولیاء بعضهم أولیاء بعض

از اینکه دوستی یهود و نصارا با یکدیگر، دلیل بازداشتن مسلمانان از دوستی با آنان قرار گرفته است، استفاده می شود که پیوند آنان،

پیوندی خطرناک برای مسلمین است.

زمینه خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۵ - ۷

۷- انسان ها بدون تمسّک به ریسمان دین ، در معرض سقوط و ابتلا به خطر ها وآفت های علاج ناپذیراند .

قل إنّما أُنذركم بالوحی

انـذار و اخطـار وحی بیـانگر وجود خطرهـا و آفت های بسـیار بر سـر راه انسان هااست. اگر آنان به این خطرها و آفت ها را به درستی می شـناختند و به علاـج آنها می پرداختنـد، آمـدن انـذار و اخطارهای الهی لغو می بود. بنابراین انـذار الهی بیانگر این است که انسان بدون دین، با آفت ها و خطرهای مهلکی روبه رو خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۳ - ۵

۵ - انسان من های ایمان ، با خطر ها ، آسیب ها و دشواری های علاج ناپذیر روبه رو است .

إن أنت إلّا نذیر

از این که پیامبر(ص) به عنوان منـذر و اخطارگر معرفی شـده است، به دست می آیـد که بر سـر راه انسان ها، خطرها و آسـیب هـای بسـیاری وجود دارد که پیـامبر(ص) دربـاره آنهـا اخطار و هشـدار می دهـد و اگر انسان از رهنمودهای آن حضـرت بهره نگیرد و به ایشان ایمان نیاورد، گرفتار آنها خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶ - ۳

۳ - انسان من های ایمان ، مواجه با خطر ها ، آسیب ها و دشواری های علاج ناپذیر است . *

لتنذر قومًا ما أُنذر ءاباؤهم

از این که خداوند قرآن را وسیله انذار

و اخطار قرار داده است، به دست می آیـد که بر سـر راه انسان ها، خطرها و آسـیب های بسـیاری وجود دارد که پیامبر(ص) به آنان اخطار و انذار کرده است و اگر انسان از رهنمودهای قرآن بهره نگیرد و به آن ایمان نیاورد، گرفتار آنها خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۰ - ۶

۶ - انسانِ من های تعالیم دین و پیامبراسلام ، مواجه با خطر ها ، آسیب ها و دشواری های علاج ناپذیر است . *

و سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم

از انذار کردن رسول اکرم(ص) به دست می آید که بر سـر راه انسان ها، خطرها، آسـیب ها و دشواری های بسـیاری است که پیـامبر(ص) به آنـان انـذار و اخطـار می کنـد و اگر انسان از رهنمودهای اسـلام و پیامبر(ص) بهره نگیرد و به آن ایمان نیاورد، گرفتار آنها خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۵ - ۳

۳ - انسان ، من های ایمان ، با خطر ها ، آسیب ها و دشواری های علاج ناپذیر روبه رو خواهد شد .

قل إنّما أنا منذر

از این که خداونـد پیـامبر(ص) را منـذر و اخطارگر معرفی کرد، روشن می شود که بر سـر راه انسان ها، خطرها و آسـیب های بسیاری وجود دارد و اگر انسان ها از رهنمودهای آن حضرت بهره نگیرند و به ایشان ایمان نیاورند، گرفتار آنها خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۰ - ۴

۴ - انسان ، من های

ایمان ، با خطر ها ، آسیب ها و دشواری های علاج ناپذیر رو به رو خواهد شد .

إنّما أنا نذیر

از این که خداونـد پیامبراسـلام(ص) را منذر و اخطارگر معرفی کرد، روشن می شود که بر سـر راه انسان ها، خطرها و آسـیب هـای بسـیاری وجود دارد که اگر انسـان هـا از رهنمودهـای آن حضـرت بهره نگیرنـد و به ایشـان ایمـان نیاورنـد، گرفتـار آنها خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲ - ۷

۷ - انسان ، بدون رهنمود های وحی و دین الهی ، در معرض خطر ها و تهدید های جدی است .

إنّی لکم نذیر مبین

انذار و اخطار پیامبران، دلیل وجود خطرها و تهدیدهای بسیاری در پیش روی بشر است. بنابراین اگر انسان، انذار و اخطارهای پیامبران را نادیده بگیرد، دچار خطرها و آفت های بسیاری خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲ - ۳

۳ - انسان ، بدون بهره مندی از رهنمود های وحی و پیامبران الهی ، در معرض خطر ها و تهدید های جدی است .

قم فأنذر

انذار و اخطار پیامبران، دلیل وجود خطرها و تهدیدهای بسیاری در پیش روی بشر است. بنابراین اگر انسان، انذار و اخطارهای پیامبران را نادیده بگیرد، دچار خطرها و آفت های بسیاری خواهد شد.

شرک نجات یافتگان از خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۵ - ۱۰

۱۰ - مردم گرفتار در خطر دریا ، پس از رهایی از آن و رسیدن به خشکی ، به رغم دعای

مخلصانه شان در هنگام خطر ، به خدا شرک میورزند !

فإذا رکبوا فی الفلک دعوا اللّه . .. فلمّا نجّیهم إلی البرّ إذا هم یشرکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۶ - ۵

۵ - بازگشت رهیدگان از ناملایمات ، به شرک ، کفران نعمت های خدا است .

فلمّا نجّیهم إلی البرّ إذا هم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم

شگفتی شرک نجات یافتگان از خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۳ - ۱۴

۱۴ - رویکرد افراد رهیده از سختی ها و ناملایمات به شرک ، به رغم توجّه شان به خداوند ، به هنگام ابتلا ، امری غیر منتظره و ناشایست است .

ثمّ إذا أذاقهم منه رحمه إذا فریق منهم بربّهم یشرکون

<إذا> در عبارت <إذا فریق. ..> فجاییه است. کاربرد آن، در جایی است که حادثه ای به صورت غیرمنتظره رخ بدهد. تکرار <ربّهم> با این بیان که ذکر <ربّهم> إشعار به این نکته دارد که آنان به رغم این که خداوند، پروردگارشان است، چنان کردند، مؤید این مطلب است.

عوامل نجات از خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۳ - ۱

۱ خداوند، نجاتبخش گرفتاران در تاریکیها و تنگناهای هول انگیز خشکی و دریاست.

قل من ینجیکم من ظلمت البر و البحر تدعونه

غرق نجات یافتگان از خطر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶۹ – ۳

۳- امکان بازگشت دوباره نجات یافتگان از خطر دریا به آن و گرفتار شدن به

طوفان دریایی و غرق شدن

أم أمنتم أن یعیدکم فیه تاره أخری

منافقان مدینه و خطر مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۶ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، موظف بود که عقیده منافقان مدینه را درباره حفظ جان از خطر مرگ ، تصحیح کند .

إن یریدون إلّا فرارًا . .. قل لن ینفعکم الفرار إن فررتم ...و إذًا لاتمتّعون إلّا

منشأ نجات از خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۵ - ۹

۹ - نجات دهنده گرفتاران ، از خطر ، خداوند است .

فلمّا نجّیهم

ناپسندی شرک نجات یافتگان از خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۳ - ۱۴

۱۴ - رویکرد افراد رهیده از سختی ها و ناملایمات به شرک ، به رغم توجّه شان به خداوند ، به هنگام ابتلا ، امری غیر منتظره و ناشایست است .

ثمّ إذا أذاقهم منه رحمه إذا فریق منهم بربّهم یشرکون

<إذا> در عبارت <إذا فریق. ..> فجاییه است. کاربرد آن، در جایی است که حادثه ای به صورت غیرمنتظره رخ بدهد. تکرار <ربّهم> با این بیان که ذکر <ربّهم> اِشعار به این نکته دارد که آنان به رغم این که خداوند، پروردگارشان است، چنان کردند، مؤید این مطلب است.

خلافت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خلافت

آثار خلافت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۹ - ۷

۷ - کفر ، ناسازگار با خلافت الهی انسان ها و به دور از شأن آنان

هو الذی جعلکم خلئف فی الأرض

فمن کفر فعلیه کفره

از این که خداونـد در آغـاز، مسأله خلافت انسان ها را مطرح ساخته و آن گاه پی آمـد کفر را به آنان یادآور شـده است، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

خلافت آدم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۳۰ – ۳،۲۳،۲۶

۳ – فرشتگان پیش از خلقت و خلافت آدم (ع) ، آفریده شده بودند .

و إذ قال ربّک للملئکه إنی جاعل فی الأرض خلیفه

۲۳ آدم (ع) و نسل او ، جانشین انسانهایی که پیش از آنان در زمین می زیستند .

إنی جاعل فی الأرض خلیفه

<خلیفه> به معنای، جانشـین و جایگزین است و این معنا اقتضا می کنـد کسـی که خلیفه به جای او آمده، در میان باشد و در آیه بیان نشـده است که او کیست و لـذا نظرهای مختلفی ایراد شده است، از جمله: انسانهایی که پیش از آدم (ع) و نسل او در زمین سکونت داشته اند. اطمینان فرشتگان به فسادگری بشر مؤید این احتمال است.

۲۶ داستان خلقت و خلافت آدم (ع) و محاوره خدا و فرشتگان درباره او ، داستانی آموزنده و شایان دقت

و إذ قال ربک للملئکه . .. إنی أعلم ما لاتعلمون

کلمه <إذ> مفعول برای فعل مقدر <اذکر> می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۳۳ – ۴،۱۱

۴ – آدم (ع) ، خلیفه خداوند ، واسطه ای برای رسیدن فیض الهی به فرشتگان

یأدم أنبئهم بأسمائهم فلمّا أنبأهم بأسمائهم

۱۱ – فرشتگان در جریان خلقت و خلافت آدم

(ع) ، امری را در ضمیر خویش پنهان می داشتند و از ابراز آن خودداری می کردند .

و أعلم ما تبدون و ما کنتم تکتمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۴ - ۱،۶

۱ - خداوند پس از تعلیم حقایق هستی به آدم (ع) و اثبات لیاقت وی برای خلافت ، از فرشتگان خواست تا بر او سجده کنند .

و علّم ءادم الأسماء کلها . .. و إذ قلنا للملئکه اسجدوا لأدم

۶ - هدف از طرح خلافت آدم (ع) برای فرشتگان و اثبات فضیلت و برتری او ، ایجاد رغبت در فرشتگان برای اجرای فرمان الهی (سجده بر آدم (ع)) بود .

و إذ قال ربک للملئکه إنی جاعل فی الأرض خلیفه . .. و إذ قلنا للملئکه اسجدوا لأدم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۹ - ۳

۳ - آدم (ع) و نسل او ، جانشین انسان هایی که پیش از آنان در زمین می زیستند .

هو الذی جعلکم خلئف فی الأرض

خلافت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۶

۶ - خداوند ، پیامبران و مؤمنان نیکوکار پیش از اسلام را ، خلیفه و جانشین خود در زمین قرار داده بود .

وعد اللّه الذین ءامنوا. .. کما استخلف الذین من قبلهم

خلافت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۱،۴،۵،۶،۸،۱۶،۲۰،۲۳،۲۵

۱ - خداوند بعد از آفرینش آسمان

ها و مواهب زمین ، به خلقت انسان پرداخت ، تا او را به منصب خلافت برساند .

خلق لکم ما فی الأرض . .. و إذ قال ربّک للملئکه إنی جاعل فی الأرض خلیفه

با توجه به آیه ۳۴ از همین سوره و آیات دیگری که درباره خلقت آدم (ع) است، می توان گفت: سخن خداوند با فرشتگان درباره آدم، قبل از خلقت وی بوده است. بنابراین <إنی جاعل فی الأرض خلیفه> علاوه بر بیان خلافت آدم(ع) دلالت بر آفرینش او نیز دارد; یعنی: می خواهم]موجودی[بیافرینم و او را خلیفه قرار دهم.

۴ - گفتگوی خدا و فرشتگان درباره خلقت و خلافت انسان

و إذ قال ربّک للملئکه . .. قالوا أتجعل فیها من یفسد ... قال إنی أعلم ما لاتعلمون

۵ - خداوند تقدیر خویش را بر خلقت و خلافت انسان در زمین ، به فرشتگان اعلام کرد .

و إذ قال ربّک للملئکه إنی جاعل فی الأرض خلیفه

۶ - خلافت انسان در زمین دارای نوعی ارتباط با فرشتگان

و إذ قال ربّک للملئکه إنی جاعل فی الأرض خلیفه

از آن جایی که مسأله خلقت و خلافت انسان در زمین با فرشتگان در میان گذاشته شد، معلوم می شود وجود انسان در روی زمین ارتباط تنگاتنگی با فرشتگان دارد.

۸ فرشتگان با پیش بینی فسادگری انسان ، او را شایسته خلافت نمی دیدند .

قالوا أتجعل فیها من یفسد فیها و یسفک الدماء

۱۶ انسان دارای ارزش ها و استعدادهایی که وی را شایسته خلقت و زیبنده خلافت می کرد .

إنی أعلم ما لاتعلمون

مقصود از <ما لاتعلمون> می تواند استعداد و قابلیت نهفته در انسان باشد. همچنین مراد از آن

می تواند علوم و حقایقی باشد که بر فرشتگان مخفی بوده و شایستگی دریافت آن را نداشتند. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۲۰ نا آگاهی فرشتگان به ارزش های والای انسان ، موجب شد تا فسادگری او برای فرشتگان جلوه گر شود و به خلقت و خلافتش معترض باشند .

أتجعل فیها من یفسد فیها . .. قال إنی أعلم ما لاتعلمون

۲۳ آدم (ع) و نسل او ، جانشین انسانهایی که پیش از آنان در زمین می زیستند .

إنی جاعل فی الأرض خلیفه

<خلیفه> به معنای، جانشین و جایگزین است و این معنا اقتضا می کند کسی که خلیفه به جای او آمده، در میان باشد و در آیه بیان نشده است که او کیست و لذا نظرهای مختلفی ایراد شده است، از جمله: انسانهایی که پیش از آدم (ع) و نسل او در زمین سکونت داشته اند. اطمینان فرشتگان به فسادگری بشر مؤید این احتمال است.

۲۵ انسان ، شایسته دستیابی به مقام خلافت الهی است .

إنی جاعل فی الأرض خلیفه

به قرینه آیات بعد که آدم (ع) - به عنوان نمونه ای از نوع انسان - برتر از فرشتگان و دارنده علم تمامی اسما معرفی شده و حقایقی (غیب آسمانها و زمین) به وی تعلیم داده شده، این نظر تأیید می شود که مراد از خلافت، خلافت الهی است; چرا که او تنها موجودی معرفی شده که مظهر علم الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ اعتراف فرشتگان به عالمانه و حکیمانه بودن آفرینش انسان و انتخاب او

برای خلافت

إنّک أنت العلیم الحکیم

از هدفهای فرشتگان در توصیف خداوند به علیم و حکیم بودن - پس از اظهار تشکیك در شایستگی انسان برای خلافت - اعتراف و اقرار به ارزش والای انسان و عالمانه و حکیمانه بودن آفرینش اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۹ - ۱،۳

۱ - خداوند ، انسان ها را جانشین خود در زمین برای چگونه زیستن و هرگونه دخل و تصرف و بهره جستن از آن قرار داده است .

هو الذی جعلکم خلئف فی الأرض

<خلافت> به معنای نیابت از غیر است (مفردات راغب). در این که مقصود از نیابت چیست، میان مفسران سه دیدگاه وجود دارد: ۱ جانشنی انسان ها از خداوند در اداره زندگی خویش؛ ۲ جانشینی انسان ها و ملت ها به جای یکدیگر و به ارث بردن تمامی دارایی ها و تمدن های پیشینیان. ۳ جانشنی انسان های حاضر از انسان های پیش از خلقت آدم(ع). برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه نخست است.

۳ - آدم (ع) و نسل او ، جانشین انسان هایی که پیش از آنان در زمین می زیستند .

هو الذی جعلکم خلئف فی الأرض

خلافت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۱

۱ - خداوند ، داوود (ع) را جانشین خود در تدبیر امور مردم قرار داد .

یداود إنّا جعلنک خلیفه فی الأرض

<خلیفه> به معنای کسی است که از ناحیه دیگری و به جای وی به تدبیر امور می پردازد و وقتی گفته شود: فلانی خلیفه خدا در زمین است؛

یعنی، خداوند تدبیر امور بندگانش را در زمین به او سپرده است (مجمع البیان، ذیل آیه).

خلافت در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۵ - ۱،۲

۱ استقرار انسانهای هر عصر در زمین به جانشینی نسلهای گذشته، در اختیار خدا و به دست اوست.

و هو الذی جعلکم خلئف الأرض

<خلائف> جمع خلیفه (جانشین) است. اگر مخاطبان آیه انسانهای موجود در هر عصر باشند، مراد از جانشینی، جانشینی مردم هر عصر از مردم عصر پیشین خواهد بود. و اگر مخاطبان همه انسانها باشند، مقصود از جانشینی انسانها، جانشینی آنان از انسانهای منقرض شده ای است که پیش از بنی آدم بوده اند. این احتمال نیز گفته شده که منظور جانشینی انسان از خداست.

۲ آمدن هر نسلی به جای نسل پیشین، پرتوی از ربوبیت خدا بر انسانهاست.

و هو رب کل شیء . .. و هو الذی جعلکم خلئف الأرض

خلافت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۶،۲۰

۶ - خداوند ، پیامبران و مؤمنان نیکوکار پیش از اسلام را ، خلیفه و جانشین خود در زمین قرار داده بود .

وعد اللّه الذین ءامنوا. .. کما استخلف الذین من قبلهم

۲۰ - عبادت خدای واحد و دوری از شرک ، دلیل و سبب وعده کردن خداوند به مؤمنان صدراسلام برای اعطای خلافت ، پیروزی و امنیت به آنان

وعد اللّه الذین ءامنوا . .. یعبدوننی لایشرکون بی شیئًا

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <یعبدوننی. ..> حال برای ضمایر غایب گذشته و یا جمله ای استینافیه بیانیه باشد; که

در هر صورت بیانگر علت و دلیل اعطای خلافت پیروزی و امنیت به مؤمنان از سوی خداوند است.

خلافت لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۱۷

۱۷ - < عن إبن عمر قال : سمعت رسول اللّه (ص) یقول : حقّاً أقول : لم یکن لقمان نبیّاً و لکن کان عبداً کثیر التفکر حسن الیقین أحبّ اللّه فأحبّه و مَنّ علیه بالحکمه . کان نائماً نصف النهار إذ جاءه نداء یا لقمان ! هل لک أن یجعلک اللّه خلیفه فی الأرض تحکم بین الناس بالحقّ فأجاب الصوت إن خیّرنی ربّی قبلت العافیه و لم أقبل البلاء و إن عزم علیّ فسمعاً و طاعه . . . فأعطی الحکمه ;

عبداللّه بن عمر می گوید: از رسول خدا(ص) شنیدم که می گفت: <به حق می گویم: لقمان، پیامبر نبود، لکن بنده ای بود اهل تفکر، دارای حسن یقین. خدا را دوست داشت و خدا نیز او را دوست داشت و با آموختن حکمت، او را مورد انعام خود قرار داد. در نیمه روز ، خوابیده بود که صدایی شنید: ای لقمان! آیا دوست داری که خداوند، تو را خلیفه خود در زمین قرار دهد تا در میان مردم، به حق قضاوت کنی؟ لقمان در جواب آن صدا گفت: اگر پروردگارم، مرا مخیّر کرده من عافیت را انتخاب می کنم و نه گرفتاری را و اگر بر من واجب می کند، پس سرا پا گوش و مطیع ام>... در این جا به او حکمت داده شد>.

خلافت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۶،۲۰

۶ - خداوند ، پیامبران و مؤمنان نیکوکار پیش از اسلام را ، خلیفه و جانشین خود در زمین قرار داده بود .

وعد اللّه الذین ءامنوا. .. کما استخلف الذین من قبلهم

۲۰ - عبادت خدای واحد و دوری از شرک ، دلیل و سبب وعده کردن خداوند به مؤمنان صدراسلام برای اعطای خلافت ، پیروزی و امنیت به آنان

وعد اللّه الذین ءامنوا . .. یعبدوننی لایشرکون بی شیئًا

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <یعبدوننی. ..> حال برای ضمایر غایب گذشته و یا جمله ای استینافیه بیانیه باشد; که در هر صورت بیانگر علت و دلیل اعطای خلافت پیروزی و امنیت به مؤمنان از سوی خداوند است.

زمینه خلافت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۵

۵ - ایمان و انجام اعمال صالح ، موجب شایستگی انسان برای خلافت در زمین و اداره زندگی بشر

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الأرض

فلسفه خلافت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۱ - ۲

۲ - توان یادگیری حقایق هستی ، حکمت آفرینش انسان و راز لیاقت او برای خلافت در زمین

إنی جاعل فی الأرض خلیفه . .. و علّم ءادم الأسماء کلها

فلسفه خلافت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵۵ – ۲۲

۲۲ – عبادت خالصانه خداوند یکتا ، فلسفه و هدف نهایی خلافت ، حاکمیت و استقرار امنیت در زمین برای مؤمنان است .

وعد اللّه

الذین ءامنوا . .. لیستخلفنّهم ...و لیبدّلنّهم من بعد خوفهم أمنًا یعبدو

برداشت فوق، مبتنی بر این است که جمله <یعبدوننی> استینافیه بیانیه باشد که همواره برای پاسخ گویی به سؤال مقدر است و پاسخ گوی این سؤال مقدر باشد که اعطای خلافت و حاکمیت دین و امنیت به مؤمنان به چه هدفی است و فلسفه آن چیست؟ پاسخ آن، عبادت خالصانه و منزه از شرک است.

ملائکه و خلافت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۶،۸،۱۵،۲۰

۶ - خلافت انسان در زمین دارای نوعی ارتباط با فرشتگان

و إذ قال ربّک للملئکه إنی جاعل فی الأرض خلیفه

از آن جایی که مسأله خلقت و خلافت انسان در زمین با فرشتگان در میان گذاشته شد، معلوم می شود وجود انسان در روی زمین ارتباط تنگاتنگی با فرشتگان دارد.

۸ فرشتگان با پیش بینی فسادگری انسان ، او را شایسته خلافت نمی دیدند .

قالوا أتجعل فیها من یفسد فیها و یسفک الدماء

۱۵ فرشتگان با توجه به حضورشان در هستی و لیاقتشان برای خلافت ، فلسفه ای برای خلقت و خلافت انسان نمی دیدند .

قالوا أتجعل فیها من یفسد فیها . .. و نحن نسبح بحمدک

جمله حالیه <و نحن نسبح . ..> گویای این مطلب است که: فرشتگان علاوه بر اینکه انسان رابه خاطر فسادگری اش شایسته خلافت نمی دانستند، وجود خویش را برای احراز این مقام لایق دانسته و زمین را از خلافت انسان بی نیاز می شمردند.

۲۰ نا آگاهی فرشتگان به ارزش های والای انسان ، موجب شد تا فسادگری او برای فرشتگان جلوه گر شود

و به خلقت و خلافتش معترض باشند .

أتجعل فيها من يفسد فيها . .. قال إنى أعلم ما لاتعلمون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱ – بقره – ۲ – ۳۲ – ۱۰

۱۰ اعتراف فرشتگان به عالمانه و حكيمانه بودن آفرينش انسان و انتخاب او براى خلافت

إنّک أنت العليم الحكيم

از هدفهاى فرشتگان در توصيف خداوند به عليم و حكيم بودن – پس از اظهار تشكيك در شايستگى انسان براى خلافت – اعتراف و اقرار به ارزش والاى انسان و عالمانه و حكيمانه بودن آفرينش اوست.

منشأ خلافت

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۲۶ – ۲

۲ – مقام خلافت (تدبير امور مردم به جاى خدا) ، موهبتى است الهى كه بايد تنها از سوى خدا به فردى واگذار شود .

إنّا جعلنک خليفه فى الأرض

استناد تعيين خليفه به خدا، همراه با تأكيد (إنّا) گوياى برداشت ياد شده است.

نعمت خلافت

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۶ – اعراف – ۷ – ۷۴ – ۳

۳ صالح (ع) از قوم خويش خواست تا نعمت خلافت و سكونت گزيدن در سرزمين حجر را نعمتى از جانب خدا بدانند و آن را همواره به خاطر داشته باشند .

و اذكروا إذ جعلكم خلفاء من بعد عاد و بوأكم فى الأرض

وعده خلافت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۱،۲

۱ - خلافت و جانشین خود قرار دادن در زمین ، وعده أکید خداوند به مؤمنان نیکوکار

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و

عملوا الصلحت ليستخلفنّهم فى الأرض

<خلافت>، به معناى نيابت از غير است (مفردات راغب). در اين كه خلافت و نيابت در آيه شريفه، از طرف چه كسى و يا چه كسانى است، ميان مفسران چند نظريه وجود دارد: ۱ برخى آن را خلافت و جانشينى از خدا در زمين مى دانند. ۲ عده اى ديگر آن را نيابت و جانشينى اقوام هلاكت شده و يا شكست خورده مى شمرند كه با هلاكت و يا شكست آنان مؤمنان نيكوكار جانشين آنها در اداره سرزمين هايشان مى شوند. برداشت ياد شده، مبتنى بر نظريه نخست است.

۲ - خلافت و سلطه در زمين و اداره آن ، وعده أكيد خداوند به مؤمنان داراى عمل صالح

وعد اللّه الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت ليستخلفنّهم فى الأرض

وعده خلافت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۱،۲

۱ - خلافت و جانشين خود قرار دادن در زمين ، وعده أكيد خداوند به مؤمنان نيكوكار

وعد اللّه الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت ليستخلفنّهم فى الأرض

<خلافت>، به معناى نيابت از غير است (مفردات راغب). در اين كه خلافت و نيابت در آيه شريفه، از طرف چه كسى و يا چه كسانى است، ميان مفسران چند نظريه وجود دارد: ۱ برخى آن را خلافت و جانشينى از خدا در زمين مى دانند. ۲ عده اى ديگر آن را نيابت و جانشينى اقوام هلاكت شده و يا شكست خورده مى شمرند كه با هلاكت و يا شكست آنان مؤمنان نيكوكار جانشين آنها در اداره سرزمين هايشان مى شوند. برداشت ياد شده، مبتنى بر نظريه نخست است.

۲

- خلافت و سلطه در زمین و اداره آن ، وعده أکید خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الأرض

خلیفه خدا

{خلیفه خدا}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۲۵،۳۰

۲۵ انسان ، شایسته دستیابی به مقام خلافت الهی است .

إنی جاعل فی الأرض خلیفه

به قرینه آیات بعد که آدم (ع) - به عنوان نمونه ای از نوع انسان - برتر از فرشتگان و دارنده علم تمامی اسما معرفی شده و حقایقی (غیب آسمانها و زمین) به وی تعلیم داده شده، این نظر تأیید می شود که مراد از خلافت، خلافت الهی است; چرا که او تنها موجودی معرفی شده که مظهر علم الهی است.

۳۰ امیر المؤمنین (ع) فرمود : < . . . قالت الملائکه : سبحانک < أتجعل فی ها من یفسد فی ها و یسفک الدماء و نحن نسبح بحمدک و نقدس لک > . . . فاجعله منّا فانا لانفسد فی الأرض و لانسفک الدماء . قال جلّ جلاله . . . < إنی أعلم ما لاتعلمون > انّی ارید ان اخلق خلقاً بیدی اجعل ذریته انبیاء مرسلین و عباداً صالحین و ائمه مهتدین اجعلهم خلفائی فی ارضی . . . ;

. .. ملائکه گفتند: پروردگارا منزهی تو <آیا قرار می دهی در زمین کسی را که فساد و خونریزی می کند و ما تسبیح و حمد تو را به جا می آوریم و تقدیست می کنیم>. پس خلیفه را از ما قرار بده که ما نه در زمین

فساد می کنیم و نه خونریزی می نماییم. خداوند جل جلاله فرمود: من چیزی را می دانم که شما نمی دانید; من اراده نموده ام که با دست خود خلقی را بیافرینم که از نسل او پیامبران مرسل، بندگان صالح و پیشوایان هدایت یافته به وجود آیند که آنان را جانشینان خود بر مخلوقاتم در زمین قرار بدهم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۳ - ۴،۱۴

۴ - آدم (ع) ، خلیفه خداوند ، واسطه ای برای رسیدن فیض الهی به فرشتگان

یأدم أنبئهم بأسمائهم فلمّا أنبأهم بأسمائهم

۱۴ - از امام صادق (ع) روایت شده که : < إن اللّه تبارك و تعالی علّم آدم أسماء حجج اللّه کل ها . . . فقال : . . . < أنبئهم بأسمائهم فلمّا أنبأهم بأسمائهم > وقفوا علی عظیم منزلتهم عنداللّه تعالی فعلموا أنهم أحق بأن یکونوا خلفاء اللّه فی أرضه و حججه علی بریته و قال لهم : < ألم أقل لکم إنی أعلم غیب السماوات و الأرض و أعلم ما تبدون و ما کنتم تکتمون > . . . ;

خداوند تبارك و تعالی اسامی تمام حجتهای خود را به آدم آموخت، پس]خطاب به آدم[فرمود: ملائکه را از اسامی آنان آگاه نما و چون آنان را از اسامی آگاه ساخت ملائکه به جایگاه بزرگ آنان در نزد خداوند واقف شدند و دانستند که آنان برای خلافت خدا در زمین و حجت بر مردمان سزاوارترند. و خداوند به ملائکه فرمود: <آیا به شما نگفتم من غیب آسمانها و زمین را می دانم و

نیز می دانم آنچه شما آن را آشکار می کنید و آنچه آن را پنهان می داشتید> ...>.

خلیفه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۱،۲،۶،۷

۱ - خلافت و جانشین خود قرار دادن در زمین ، وعده أکید خداوند به مؤمنان نیکوکار

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الأرض

<خلافت>، به معنای نیابت از غیر است (مفردات راغب). در این که خلافت و نیابت در آیه شریفه، از طرف چه کسی و یا چه کسانی است، میان مفسران چند نظریه وجود دارد: ۱ برخی آن را خلافت و جانشینی از خدا در زمین می دانند. ۲ عده ای دیگر آن را نیابت و جانشینی اقوام هلاکت شده و یا شکست خورده می شمرند که با هلاکت و یا شکست آنان مؤمنان نیکوکار جانشین آنها در اداره سرزمین هایشان می شوند. برداشت یاد شده، مبتنی بر نظریه نخست است.

۲ - خلافت و سلطه در زمین و اداره آن ، وعده أکید خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الأرض

۶ - خداوند ، پیامبران و مؤمنان نیکوکار پیش از اسلام را ، خلیفه و جانشین خود در زمین قرار داده بود .

وعد اللّه الذین ءامنوا. .. کما استخلف الذین من قبلهم

۷ - خداوند ، کافران حاکم پیش از اسلام را ، شکست داد و پیامبران و مؤمنان نیکوکار را ، پیروز کرده و جایگزین آنان در سطح زمین قرار داد .

وعد اللّه الذین ءامنوا . .. کما استخلف الذین من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۹ - ۱،۷

۱ - خداوند ، انسان ها را جانشین خود در زمین برای چگونه زیستن و هرگونه دخل و تصرف و بهره جستن از آن قرار داده است .

هو الذی جعلکم خلئف فی الأرض

<خلافت> به معنای نیابت از غیر است (مفردات راغب). در این که مقصود از نیابت چیست، میان مفسران سه دیدگاه وجود دارد: ۱ جانشنی انسان ها از خداوند در اداره زندگی خویش; ۲ جانشینی انسان ها و ملت ها به جای یکدیگر و به ارث بردن تمامی دارایی ها و تمدن های پیشینیان. ۳ جانشنی انسان های حاضر از انسان های پیش از خلقت آدم(ع). برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه نخست است.

۷ - کفر ، ناسازگار با خلافت الهی انسان ها و به دور از شأن آنان

هو الذی جعلکم خلئف فی الأرض فمن کفر فعلیه کفره

از این که خداوند در آغاز، مسأله خلافت انسان ها را مطرح ساخته و آن گاه پی آمد کفر را به آنان یادآور شده است، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۱

۱ - خداوند ، داوود (ع) را جانشین خود در تدبیر امور مردم قرار داد .

یداود إنّا جعلنک خلیفه فی الأرض

<خلیفه> به معنای کسی است که از ناحیه دیگری و به جای وی به تدبیر امور می پردازد و وقتی گفته شود: فلانی خلیفه خدا در زمین است; یعنی، خداوند تدبیر امور بندگانش را در زمین به او سپرده است (مجمع البیان، ذیل آیه).

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۷ - ۹

۹ - انسان ، جانشین خداوند در زمین

جعلکم مستخلفین فیه

شؤون خلیفه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۶

۶ - قضاوت و داوری میان مردم ، از شؤون مقام < خلیفه اللهی > است .

إنّا جعلنک خلیفه فی الأرض فاحکم بین الناس بالحقّ

مأموریت داوود(ع) به داوری میان مردم، پس از انتصاب ایشان به مقام <خلیفه اللهی>، گویای برداشت یاد شده است.

قضاوت خلیفه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۶

۶ - قضاوت و داوری میان مردم ، از شؤون مقام < خلیفه اللهی > است .

إنّا جعلنک خلیفه فی الأرض فاحکم بین الناس بالحقّ

مأموریت داوود(ع) به داوری میان مردم، پس از انتصاب ایشان به مقام <خلیفه اللهی>، گویای برداشت یاد شده است.

خلقت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خلقت

آثار تفکر در خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۹ – ۱۲

۱۲- تفکر در چگونگی آفرینش انسان زداینده هرگونه تردید در حاکمیت اراده و قدرت خدا بر اسباب و علل طبیعت

هو علیَّ هیّن و قد خلقتک من قبل و لم تک شیئًا

آثار خلقت آسمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بروج – ۸۵ – ۲ – ۵

۵ – قدرت خداوند بر آفرینش آسمان و برج های آن ، نشانه صداقت او در وعده آمدن قیامت است . *

و السماء ذات البروج . و الیوم الموعود

یاد کردن قیامت پس

از ذکر آسمان و برج های آن ممکن است به این لحاظ باشد که توجّه به آسمان، باور به قیامت را تقویت می کند.

آثار خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۳ - ۵

۵- عارض نگشتن کم ترین ضعف و خستگی بر خداوند ، در نتیجه آفرینش آسمان ها و زمین

و لم یعی بخلقهنّ

مفاد جمله <لم یعی بخلقهنّ> راه نیافتن تعب و خستگی در ذات حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۶ - ۲

۲ - آفرینش آسمان ها و زمین ، نشانی از آفریدگار شایسته عبادت و اطاعت

أم خلقوا السموت و الأرض

خداوند با این پرسش، کافران را به خالقیت خویش توجه داده است; تا از این طریق آنان دست از لجاج بردارند و به اطاعت و عبادت او بگروند.

آثار خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۸ - ۱۳

۱۳ - انفکاک ناپذیری خلقت جهان از تدبیر و ربوبیت آن

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض لیقولنّ اللّه قل أفرءیتم ما تدعون من دون الل

مقصود از بیان مسأله ناتوانی معبودهای مشرکان، پس از اعتراف گرفتن از آنان به انحصار خالقیت به خداوند، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۱۵ – ۱۳

۱۳ – آفرینش انسان و هستی ، روشن ترین نشانه قدرت برتر الهی

أنّ اللّه الذی خلقهم هو أشدّ منهم قوّه

تکیه بر خالقیت خداوند در مقام بیان قدرت برتر او، بیانگر

مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۷ - ۸

۸ - آفریدن جهان و آگاهی از پدیده های آن و اسرار نهفته در دل آدمیان ، نشانه آسان بودن آفرینش مجدد انسان ها از جانب خداوند

خلق السموت . .. و اللّه علیم بذات الصدور ... و ربّی لتبعثنّ ... و ذلک علی اللّه

مطلب یاد شده، از ذکر آفرینش جهان به قدرت خداوند و آگاهی همه جانبه او در آغاز و سپس یاد کردن آسانی برپایی قیامت برای او، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۳ - ۳

۳ - توانمندی خداوند بر ایجاد جهان هستی و اعاده آن ، دلیل قدرت او بر مجازات سخت کافران

إنّه هو یبدیء و یعید

حرف <إنّ> برای تعلیل است و مبنای آیه قبل را بیان می کند.

آثار خلقت ابتدایی موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۵ - ۴

۴ مشاهده خلقت نخستین موجودات و شک در قدرت خداوند برای آفرینش مجدد آنها ، ناسازگار با یکدیگر

أفعیینا بالخلق الأوّل بل هم فی لبس من خلق جدید

از آیه شریفه، استفاده می شود که میان خلقت نخستین موجودات و اعاده آنها از نظر امکان، حکمی یکسان جاری است; اگر اولی ممکن شد دومی نیز ممکن است. حال ممکن شمردن یکی و محال شمردن دیگری، تناقض می باشد.

آثار خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۸ - ۸

۸- آفرینش نخستین انسان ها به

دست خداوند ، دلیل قدرت الهی بر آفرینش دوباره آنان پس از مرگ است .

لقد جئتمونا کما خلقنکم أوّل مرّه

تشبیه حضور آدمیان در قیامت به تولدشان در دنیا، ممکن است در جهت رفع استبعاد معاد و نیز توبیخ مشرکان به جهت انکار معاد باشد; یعنی، آن خلقت نخست، آیا دلیل وافی و کافی برای پذیرش معاد و قدرت خداوند بر محقّق ساختن آن نبود؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۷ - ۴

۴- پدیدارساختن انسان در صحنه هستی و آوردن او از عدم به وجود ، دلیل قدرت خداوند بر احیای مجدد او و معاد

أوَلا یذکر الإنسن . .. و لم یک شیئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۱۰

۱۰- آفرینش انسان از عناصر بی جانی چون : خاک ، نطفه ، علقه و مضغه ، جلوه روشنی از توانایی خدا بر احیای مجدد انسان در روز رستاخیز است .

فإنّا خلقنکم من تراب . .. لنبیّن لکم

<لنبیّن لکم> مفعولٌ له برای <خلقناکم> و به تقدیر <لنبیّن لکم ان اللّه قادر علی أن یحیی الموتی> است; یعنی، ما شما را از خاک و سپس از نطفه و سپس . .. آفریدیم تا روشن سازیم که خدا، بر احیای دوباره شما توانا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۴ - ۴

۴ - آفرینش انسان ها و سیر تکوین آنان ، جلوه عظمت ربوبی خداوند است .

ما لکم لاترجون للّه وقارًا . و قد خلقکم أطوارًا

آثار خلقت انسان ها

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۱۵ – ۱۳

۱۳ – آفرینش انسان و هستی ، روشن ترین نشانه قدرت برتر الهی

أنّ اللّه الذی خلقهم هو أشدّ منهم قوّه

تکیه بر خالقیت خداوند در مقام بیان قدرت برتر او، بیانگر مطلب یاد شده است.

آثار خلقت برجهای آسمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بروج – ۸۵ – ۲ – ۵

۵ – قدرت خداوند بر آفرینش آسمان و برج های آن ، نشانه صداقت او در وعده آمدن قیامت است . *

و السماء ذات البروج . و الیوم الموعود

یاد کردن قیامت پس از ذکر آسمان و برج های آن ممکن است به این لحاظ باشد که توجّه به آسمان، باور به قیامت را تقویت می کند.

آثار خلقت روز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۲ – ۶

۶ آفرینش شب و روز و پدید آمدن روشنایی و تاریکی برای انسان ، سپاس برانگیز است .

و هو الذی جعل الّیل . .. لمن أراد أن یذّکّر أو أراد شکورًا

<شکور> مصدر و مرادف واژه <شکر> است.

آثار خلقت زمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۳۳ – ۵

۵- عارض نگشتن کم ترین ضعف و خستگی بر خداوند ، در نتیجه آفرینش آسمان ها و زمین

و لم یعی بخلقهنّ

مفاد جمله <لم یعی بخلقهنّ> راه نیافتن تعب و خستگی در ذات حق است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۳۶ – ۲

– ۲

آفرینش آسمان ها و زمین ، نشانی از آفریدگار شایسته عبادت و اطاعت

أم خلقوا السموت و الأرض

خداوند با این پرسش، کافران را به خالقیت خویش توجه داده است; تا از این طریق آنان دست از لجاج بردارند و به اطاعت و عبادت او بگروند.

آثار خلقت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۲ - ۶

۶ آفرینش شب و روز و پدید آمدن روشنایی و تاریکی برای انسان ، سپاس برانگیز است .

و هو الذی جعل الّیل . .. لمن أراد أن یذّکّر أو أراد شکورًا

<شکور> مصدر و مرادف واژه <شکر> است.

آثار خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۵ - ۲

۲ آفرینش هر موجود ، خود گواه قدرت خداوند بر آفرینش مجدد آن ، پس از مرگ و نابودی

أفعیینا بالخلق الأوّل

آثار ذکر خلقت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۲ - ۳

۳- توجه به آفرینش آسمان و نقش آن برای اهل زمین ، راهی برای رسیدن به توحید است .

أنّ السموت والأرض . .. و جعلنا السماء سقفًا محفوظًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ - توجه به آفرینش زمین و آسمان و مراحل آن ، عامل پی بردن انسان به قدرت و علم نامحدود خداوند

أئنّكم لتكفرون بالّذى خلق . .. ذلك تقدير العزيز العليم

آثار ذكر خلقت آسمانها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۹

۱– توجه به خلقت آسمان ها و زمین ، عاملی برای پی بردن به قدرت خداوند در آفرینش دوباره انسانها

أو لم یروا أن الله . .. قادر علی أن یخلق مثلهم

آثار ذکر خلقت انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۷ – ۳

۳– توجه انسان به آفرینش و آمدن او از عدم به صحنه وجود ، زمینه استبعاد معاد و انکار آن را از بین می برد .

أوَلا یذکر الإنسن أنّا خلقنه من قبل و لم یک شیئًا

مقصود از عـدم و نیستی، الزاماً عـدم مطلق نیست; بلکه می توانـد عـدم نسبی باشـد; یعنی، انسان قبلاً نبوده و الآن وجود دارد، گرچه مواد و عناصر او در قالب موجوداتی دیگر از قبل نیز وجود داشته باشد. این احتمال نیز هست که جمله <لم یک شیئاً> ناظر به دورانی باشد که عناصر انسان، در قالب هیچ موجودی آفریده نشده بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۵ – ۴

۴– توجه به پیدایش انسان و آفریده شدن وی از عناصری بی جان (خاک ، نطفه ، علقه و مضغه) ، زداینده هر گونه تردید در امکان برپایی رستاخیز و قدرت خدا بر بخشیدن حیات دو باره به مردگان

یأیّها الناس إن کنتم فی ریب من البعث فإنّا خلقنکم . ..ثمّ من مضغه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۶ – ۴،۵

۴ – توّجه انسان به چگونگی خلقت خویش و مرگ و رستاخیز ، زمینه ساز گرایش وی به ایمان و رو

کردن به ارزش های دینی و الهی

ثمّ إنّکم یوم القیمه تبعثون

در آیات نخستین این سوره، سخن از مؤمنان راستین و صفات ارزشی آنان بود. اکنون دراین آیات که سخن از خلقت شگفت انسان و مرگ و رستاخیز او است می تواند رهنمودی باشد به انسان ها برای گرویدن به راه مؤمنان راستین.

۵ - توجه به چگونگی خلقت نخستین انسان ، زداینده هر گونه تردید در امکان معاد و توانایی خدا بر احیای مجدد مردگان

و لقد خلقنا الإنسن . .. ثمّ إنّکم یوم القیمه تبعثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۲ - ۵

۵ - توجه به آفرینش انسان و استمرار مرگ و حیات در زمین ، زداینده هر گونه تردید و دو دلی نسبت به معاد و حیات مجدد انسان

و هو الذی أنشأ لکم السمع . .. و هو الذی یحی و یمیت ... أفلاتعقلون ... قالوا أءذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۷ - ۹

۹ - توجه انسان به مبدأ پیدایش خود ، زمینه ساز ممکن دانستن معاد و تصدیق به آن

أوَلم یر الإنسن أنّا خلقنه من نطفه فإذا هو خصیم مبین

یادآوری مبدأ پیدایش انسان در شرایطی که آیه شریفه و آیات بعد، درصدد اثبات معاد و رد شبهه منکران قیامت است، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۸ - ۲

۲ - توجه به کیفیت پیدایش انسان از منی در رحم ، آسان کننده مسأله پذیرش معاد و توانایی خداوند بر احیای

مجدد مردگان

أفرءیتم ما تمنون

روی سخن در آیه شریفه با منکران معاد است و مفاد آن چنین می باشد: اگر شما به کیفیت پیدایش انسان از نطفه که در رحم می ریزید توجه می کردید، در قدرت و توانایی خداوند بر آفرینش مجدد انسان تردید نمی کردید و به انکار معاد نمی پرداختید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۸ - ۴

۴ - توجه به آفرینش انسان و تداوم نسل او در زمین ، زمینه ساز پذیرش معاد است .

عمّ یتساءلون . .. و خلقنکم أزوجًا

در آیه دو چیز به عنوان دلیل بر معاد ذکر شده است; خلقت انسان ها و زوجیت آنان; یعنی، چنین آفریده ای نمی تواند معاد نداشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۸ - ۲

۲ - توجّه به ماده اولیه خلقت انسان و سیر پیدایش وی ، مانع کفر به خداوند و قدرت او و زمینه ساز باور به معاد

قتل الإنسن ماأکفره . من أیّ شیء خلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۹ - ۴،۵

۴ - توجّه انسان به پیدایش او از نطفه ای ناچیز ، بازدارنده وی از کفرورزی به خداوند و قدرت او و مایه باور به معاد است .

ما أکفره . .. من نطفه خلقه

۵ - توجّه انسان به دوران نطفه بودن و ناتوانی های خویش در آغاز پیدایش ، از میان برنده احساس بی نیازی از رهنمود های خداوند است .

أمّا من استغنى . .. من أيّ شيء خلقه

. من نطفه خلقه

آثار ذکر خلقت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۶ - ۶

۶ - توجه به آفرینش انسان از خون لخته و وابستگی تمام دانش های او به خداوند ، مایه ترک طغیان است .

خلق الإنسن من علق . .. علّم الإنسن ما لم یعلم . کلاّ إنّ الإنسن لیطغی

آثار ذکر خلقت دره ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۱ - ۵

۵- توجه به آفرینش کوه ها ، راه ها و دره ها ، راهی برای رسیدن به توحید است .

و جعلنا فی الأرض روسی . .. لعلّهم یهتدون

متعلق <یهتدون> در آیه ذکر نشده است; ولی به قرینه این که مخاطبان آیات شریفه مشرکان اند و این آیات در صدد اثبات توحید است، برداشت یاد شده قابل استفاده است.

آثار ذکر خلقت راهها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۱ - ۵

۵- توجه به آفرینش کوه ها ، راه ها و دره ها ، راهی برای رسیدن به توحید است .

و جعلنا فی الأرض روسی . .. لعلّهم یهتدون

متعلق <یهتدون> در آیه ذکر نشده است; ولی به قرینه این که مخاطبان آیات شریفه مشرکان اند و این آیات در صدد اثبات توحید است، برداشت یاد شده قابل استفاده است.

آثار ذکر خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۹ - ۱

۱- توجه به خلقت آسمان ها و زمین ، عاملی برای پی بردن به قدرت

خداوند در آفرینش دوباره انسانها

أو لم یروا أن الله . .. قادر علی أن یخلق مثلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ - توجه به آفرینش زمین و آسمان و مراحل آن ، عامل پی بردن انسان به قدرت و علم نامحدود خداوند

أئنّکم لتکفرون بالّذی خلق . .. ذلک تقدیر العزیز العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۶ - ۴

۴ - توجّه به آفرینش زمین و ویژگی های آن ، مایه پی بردن به قدرت خداوند و زمینه ساز پذیرش معاد است .

عن النبأ العظیم . .. ألم نجعل الأرض مهدًا

آثار ذکر خلقت کوهها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۱ - ۵

۵- توجه به آفرینش کوه ها ، راه ها و دره ها ، راهی برای رسیدن به توحید است .

و جعلنا فی الأرض روسی . .. لعلّهم یهتدون

متعلق <یهتدون> در آیه ذکر نشده است; ولی به قرینه این که مخاطبان آیات شریفه مشرکان اند و این آیات در صدد اثبات توحید است، برداشت یاد شده قابل استفاده است.

آثار ذکر مراحل خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۸ - ۵

۵ – توجّه انسان به مراحل آفرینش خویش به دست خداوند ، بازدارنده او از کفران نعمت های الهی

ما أکفره . من أیّ شیء خلقه

در برداشت یاد شده، مراد از کفر در آیه قبل کفران نعمت دانسته شده است.

آثار ذکر مراحل خلقت

زمين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۳۰ – ۳

۳ – توجّه به مراحل پيدايش زمين و تحوّل آن به جايگاهی قابل استفاده جانداران ، مايه پی بردن انسان به قدرت خداوند و زمينه باور داشتن معاد

ءأنتم أشدّ . .. و الأرض بعد ذلک دحيها

آثار غفلت از خلقت انسان

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۵ – يس – ۳۶ – ۷۸ – ۱

۱ – فراموشی و بی توجهی به مبدأ پيدايش انسان ، عامل دور شمردن برپايی قيامت و حيات مجدد انسان ها

و ضرب لنا مثلًا و نسی خلقه

برداشت ياد شده با توجه به اين نکته است که عبارت <و نسی خلقه> حال برای فاعلِ <ضرب> است; يعنی، در حالی که آفرينش خود را فراموش کرد، مَثَلی در رد عقيده به قيامت برای ما آورد.

آثار مطالعه خلقت آسمان

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۶ – ۲

۲ تأمل و انديشه در کيفيت آفرينش ، زيبايی و اتقان بنای آسمان ، زمينه ره جويی به حق

بل کذّبوا بالحقّ . .. أفلم ينظروا إلی السماء ... و ما لها من فروج

واژه <ينظر>، به معنای تأمل و نگاه از روی دقت و تحقيق است.

آثار مطالعه مراحل خلقت زمين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۹ – ۶

۶ – مطالعه در مراحل آفرینش زمین ، زمینه ساز توجه انسان به یگانگی آفریدگار آن

قل أئنّکم لتکفرون بالذی خلق الأرض فی یومین و تجعلون له أندادًا

آسانی خلقت موجودات

جلد – نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۱۹ – ۱۰

۱۰ – ایجاد مستمر موجودات و برگرداندن آنها به حالت نخست ، برای خداوند ، آسان است .

یبدئ اللّه الخلق ثمّ یعیده إنّ ذلک علی اللّه یسیر

آغاز خلقت آسمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۳۰ – ۴

۴ – فراهم شدن شرایط زندگانی در زمین ، با آغاز آفرینش آن و پیدایش آسمان و شب و روز هم زمان نبوده است .

و الأرض بعد ذلک دحیها

فعل <دحاها> دلالت بر وجود زمین قبل از بسط آن دارد و قید <بعد ذلک>، نشانگر آن است که گسترش زمین و آمادگی آن برای زندگانی انسان، از دوران ایجاد آسمان و شب و روز مؤخر بوده است.

آغاز خلقت آسمان ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۱۷ – ۳

۳ – آسمان ها و زمین (جهان هستی) را آغازی بوده است .

بدیع السموت و الأرض

آغاز خلقت آفرینش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۳۰ – ۱

۱– جهان طبیعت (آسمان و زمین) در ابتدای خلقت ، متراکم و به هم پیوسته بوده است .

أنّ السموت والأرض كانتا رتقًا

<رتق> به معنای ضمّ و پیوستن است و <فتق> به معنای فصل و جدا شدن است. مقصود از رتق پیوستگی و با هم بودن آسمان و زمین در آغاز خلقت و مراد از <فتق> جدا شدن و دورگشتن آن دو از هم در دوره بعد است. گفتنی است که

مقصود از رؤیت در <أوَلم یر> رؤیت قلبی و علمی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۷ - ۳

۳ - آسمان ها و زمین (جهان هستی) را آغازی بوده است .

بدیع السموت و الأرض

آغاز خلقت روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۰ - ۴

۴ - فراهم شدن شرایط زندگانی در زمین ، با آغاز آفرینش آن و پیدایش آسمان و شب و روز هم زمان نبوده است .

و الأرض بعد ذلک دحیها

فعل <دحاها> دلالت بر وجود زمین قبل از بسط آن دارد و قید <بعد ذلک>، نشانگر آن است که گسترش زمین و آمادگی آن برای زندگانی انسان، از دوران ایجاد آسمان و شب و روز مؤخر بوده است.

آغاز خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۴ - ۳

۳ - زمین ، در آغاز پیدایشش قابل سکونت و زندگی انسان نبوده است .

اللّه الذی جعل لکم الأرض قرارًا

<جعل> در دو معنا استعمال شده است: خَلَقَ (آفرید) و صَیَّرَ (تبدیل کرد و به گونه ای دیگر در آورد). برداشت یاد شده مبتنی بر معنای دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۰ - ۴

۴ - فراهم شدن شرایط زندگانی در زمین ، با آغاز آفرینش آن و پیدایش آسمان و شب و روز هم زمان نبوده است .

و الأرض بعد ذلك دحیها

فعل <دحاها> دلالت بر وجود زمین قبل از بسط آن دارد و قید <بعد ذلك>،

نشانگر آن است که گسترش زمین و آمادگی آن برای زندگانی انسان، از دوران ایجاد آسمان و شب و روز مؤخر بوده است.

آغاز خلقت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۰ - ۴

۴ - فراهم شدن شرایط زندگانی در زمین ، با آغاز آفرینش آن و پیدایش آسمان و شب و روز هم زمان نبوده است .

و الأرض بعد ذلک دحیها

فعل <دحاها> دلالت بر وجود زمین قبل از بسط آن دارد و قید <بعد ذلک>، نشانگر آن است که گسترش زمین و آمادگی آن برای زندگانی انسان، از دوران ایجاد آسمان و شب و روز مؤخر بوده است.

ابلیس هنگام خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۱ - ۲

۲- ابلیس ، به هنگام خلقت انسان ، در میان فرشتگان بود و از زمره آنان به حساب می آمد .

و إذ قال ربّک للملئکه إنی خلق بشرًا من . .. فإذا سوّیته ... فقعوا له سجدین .

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که استثنا متصل باشد و استثنا شدن ابلیس از فرشتگان، نه به خاطر این است که وی فرشته بود؛ بلکه از بابِ تغلیب، جزئی از آنها به شمار می آمد.

اتقان خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۲

۲ آفرینش آسمانها و زمین، هدفدار و در نهایت استواری است.

و هو الذی خلق السموت و الأرض

<حق> کاربرد معنایی بسیاری دارد، از آن جمله که قرینه ترکیب با جمله <خلق السماوات>، به

معنای هدفداری و حکیمانه بودن آفرینش است، راغب نیز در مفردات به کاربرد این معنی برای <حق> تصریح کرده است.

اتقان خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۲

۲ آفرینش آسمانها و زمین، هدفدار و در نهایت استواری است.

و هو الذی خلق السموت و الأرض

<حق> کاربرد معنایی بسیاری دارد، از آن جمله که قرینه ترکیب با جمله <خلق السماوات>، به معنای هدفداری و حکیمانه بودن آفرینش است، راغب نیز در مفردات به کاربرد این معنی برای <حق> تصریح کرده است.

ارزش خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲ - ۳

۳ - تعلیم قرآن ، نعمت و ارزشی فراتر از اصل خلقت انسان و نعمت های دیگر

علّم القرءان . خلق الإنسن

سوره <الرحمان>، حاوی بیان انواع نعمت هایی است که خداوند به انسان عطا کرده است. از این که مسأله تعلیم قرآن، سرآغاز همه نعمت ها و حتی آفرینش انسان قرار گرفته، مطلب بالا استفاده می شود.

ارزش عنصر خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۴ - ۲

۲ - ماده ای کم ارزش ، مبدأ آفرینش موجودی ارزشمند چون انسان

خلق الإنسن من صلصل کالفخّار

نکره آمدن <صلصال> می تواند برای بیان کم ارزشی ماده ای باشد که خداوند از آن، موجودی والا و ارجمند به نام انسان

را آفریده است.

ارزشمندی خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۹ - ۱

۱- آفرینش آسمان ها و زمین

، آفرینشی بحق ، بایسته ، ارزشمند و هدفدار

و ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما لعبین . ما خلقنهما إلّا بالحقّ

ارزشمندی خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۹ - ۱

۱- آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی بحق ، بایسته ، ارزشمند و هدفدار

و ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما لعبین . ما خلقنهما إلّا بالحقّ

استمرار خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۹ - ۷

۷ - خلق و مرگ پدیده ها ، امری مدام و مستمر است .

کیف یبدئ اللّه الخلق ثمّ یعیده

اعجاز خلقت شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۳ - ۴

۴ - آفرینش ناقه صالح ، به طور غیرعادی و خارج از اسباب و علل طبیعی بود .

ناقه اللّه

از آن جا که همه موجودات، مملوک خدایند، اضافه <ناقه> به نام جلاله <اللّه>، بیانگر ویژگی آن است و از دخالت مستقیم خداوند، در پیدایش آن حکایت دارد.

انسان در بدو خلقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۴ - ۱

۱ انسان در پی مرگ، مانند آفرینش نخستین خویش، تنها نزد خداوند حضور می یابد.

و لقد جئتمونا فردی کما خلقنکم أول مره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۰ - ۴

۴ انسانها در آغاز خلقتشان نه گرفتار گمراهیند و نه هدایتیابی آنان محقق است.

کما بدأکم تعودون. فریقا هدی و فریقا

حق علیهم الضلله

قرآن ریشه گرایش به گمراهی و توفیق هدایتیابی انسانها را با جمله <انهم اتخذوا الشیاطین اولیاء من دون الله> به خود آنان نسبت داده و بدیهی است که آدمی در آغاز پیدایشش نه قدرت انتخاب دارد و نه می توان فعلی را که بر آن مؤاخذه صحیح باشد به وی نسبت داد. بنابراین تحقق هدایت یافتن و یا گمراه گشتن پس از این مرحله، یعنی مرحله قدرت انتخاب، تحقق می یابد.

انسان قبل از خلقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۸ - ۵

۵ - آدمی پیش از زندگی دنیوی خویش ، موجودی مرده و فاقد حیات بود .

کنتم أموتاً فأحیکم

انسان ها در بدو خلقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۸ - ۷

۷- انسان ها ، مانند زمان تولد ، فاقد هرگونه مال و فرزند و عنوان و اعتبار ، در صحنه قیامت حضور خواهند یافت .

لقد جئتمونا کما خلقنکم أوّل مرّه

تشبیه حضور انسان ها در قیامت به زمان تولد آنان، ممکن است از جهت همراه نداشتن امکانات مادّی و خالی بودن از هرگونه عنوان و اعتبار باشد.

اهداف خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۸ - ۶

۶ - رسیدن انسان به هدف آفرینشِ خود ، در گرو معاد او است .

عن النبأ العظیم . .. و خلقنکم

اهمیت خلقت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۴ - ۲۱

۲۱ - تمجید و تحسین خداوند

از خویش به خاطر آفریدن آسمان ، زمین و انسان

اللّه الذی جعل لکم الأرض . .. و صوّرکم ... فتبارک اللّه ربّ العلمین

جمله <فتبارک اللّه ربّ العالمین> دارای آهنگ تمجید و تحسین است.

اهمیت خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۹ - ۳

۳- خلقت آسمان ها و زمین ، به مراتب مهمتر از حیات دوباره انسان پس از مرگ است .

أو لم یروا أن الله الذی خلق السموت و الأرض قادر علی أن یخلق مثلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۱ - ۶

۶ - آفرینش آسمان ها و زمین ، بسی مهم تر و با عظمت تر از آفرینش مجدد انسان ها است .

أوَلیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن یخلق مثلهم

شگفت آور بودن انکار معاد از سوی کافران علی رغم مشاهده قدرت خدا بر خلق جهان طبیعت می تواند ناشی از این حقیقت باشد که آفرینش جهان طبیعت، بسی مهم تر و با عظمت تر از خلق مجدد یکی از پدیده های طبیعت (یعنی انسان) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۷ - ۳

۳ - آفرینش جهان پهناور (آسمان ها و زمین) ، دلیل توانایی خداوند بر آفرینش مجدد و رستاخیز انسان ها و جهان است .

لخلق السموت و الأرض أکبر من خلق الناس

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه در سلسله آیاتی قرار دارد که درباره اثبات معاد و رد دیدگاه مشرکان است;

چنان که در دو آیه بعد از آن بحث به میان آمده است.

اهمیت خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۴ - ۴

۴ دو چیز ، معیار استحقاق معبودیت و سزاوار پرستش بودن است : < توانایی بر پدید آوردن جهان > و < قدرت بر برپا کردن دوباره آن > .

قل هل من شرکائکم من یبدؤا الخلق ثم یعیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۷ - ۳،۴

۳ - آفرینش جهان پهناور (آسمان ها و زمین) ، دلیل توانایی خداوند بر آفرینش مجدد و رستاخیز انسان ها و جهان است .

لخلق السموت و الأرض أکبر من خلق الناس

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه در سلسله آیاتی قرار دارد که درباره اثبات معاد و رد دیدگاه مشرکان است؛ چنان که در دو آیه بعد از آن بحث به میان آمده است.

۴ - آفرینش مجدد انسان ها در قیامت ، برای خداوند آسان تر از آفرینش آغازین جهان و انسان است .

لخلق السموت و الأرض أکبر من خلق الناس

اهمیت خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۴ - ۸،۹

۸ - تمجید و ستایش خداوند از خویش ، به خاطر آفرینش انسان

ثمّ أنشأنه خلقًا ءاخر فتبارک اللّه أحسن الخلقین

۹ - آفرینش انسان ، آفرینشی بس مهم و ستایش برانگیز

ثمّ أنشأنه خلقًا ءاخر فتبارك اللّه أحسن الخلقين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٥ - ص - ٣٨ -

۶ - اهمیت آفرینش انسان در مجموعه نظام هستی

بالملأ الأعلی إذ یختصمون . .. إذ قال ربّک للملئکه إنّی خلق بشرًا من طین

از مجموع آیات مربوط به آفرینش انسان و جهان به دست می آید که خداوند، تنها آفرینش انسان را با فرشتگان در میان گذاشت و نه موجودات دیگر را. بنابراین از این نکته، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۲ - ۱۴

۱۴ - اهمیت آفرینش انسان در مجموعه نظام هستی

إذ قال ربّک للملئکه إنّی خلق بشرًا من طین . .. فقعوا له سجدین

در میان گذاشتن و به اطلاع رساندن آفرینش انسان به ملائکه پیش از آفرینش آدم(ع) می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۵ - ۵

۵ - آفرینش انسان ، آفرینشی بس مهم و با عظمت و مورد توجه ویژه خداوند

ما منعک أن تسجد لما خلقت بیدیّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۴ - ۲۱

۲۱ - تمجید و تحسین خداوند از خویش به خاطر آفریدن آسمان ، زمین و انسان

اللّه الذی جعل لکم الأرض . .. و صوّرکم ... فتبارک اللّه ربّ العلمین

جمله <فتبارک اللّه ربّ العالمین> دارای آهنگ تمجید و تحسین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۴ – ۲

۲ – آفرینش انسان در مقایسه با سایر جانداران زمین ، دارای ویژگی ، امتیاز و اهمیت

و فی خلقکم

و ما يبثّ من دابّه

از این که انسان به صورت مستقل و مقدم بر سایر جانداران یاد شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۲۳ – ۷

۷ – آفرینش انسان ، از مایعی ناچیز و سیر متوازن و تکاملی وی در رحم ، نشانه توانایی خداوند بر برپایی قیامت و احیای مردگان

ألم نخلقكم من ماء . .. فقدرنا فنعم القدرون

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که این آیات تا آخر سوره، درصدد اثبات برپایی قیامت باشد.

اهمیت خلقت انسان ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۵۷ – ۱

۱ – آفرینش مجموعه عالم (آسمان ها و زمین) ، در مقایسه با آفرینش انسان ها بزرگ تر و آفریدن آن سخت تر و مهم تر است .

لخلق السموت و الأرض أكبر من خلق الناس

مقصود از <أكبر>، با عظمت تر، سخت تر و مهم تر بودن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – نوح – ۷۱ – ۲۰ – ۶

۶ – انسان و آفرینش او ، مورد توجه و عنایت ویژه خداوند

و اللّه جعل لكم الأرض بساطًا . لتسلكوا منها سبلًا فجاجًا

خداوند، کره زمین را به گونه ای آفریده که برای بشر قابل بهرهوری باشد و نیز آن را در جهت مصالح و منافع او آفریده است. از این نکته می توان به برداشت یاد شده دست یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۰ - ۳

۳ -

هدایت انسان به راه راست و آسان ساختن سلوک آن ، مهم تر از آفرینش اندام او است .

ثمّ السبیل

حرف <ثمّ> برای تراخی است و چنانچه جمله <ثمّ السبیل یسّره>، تفسیر جمله <قدّره> و بیان گوشه ای از تقدیرات الهی درباره انسان باشد; مراد تراخی رتبی خواهد بود; یعنی، آنچه بعد از ثمّ ذکر شده است، والاتر و ارجمندتر است.

اهمیت خلقت حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۴ - ۲

۲ - آفرینش انسان در مقایسه با سایر جانداران زمین ، دارای ویژگی ، امتیاز و اهمیت

و فی خلقکم و ما یبثّ من دابّه

از این که انسان به صورت مستقل و مقدم بر سایر جانداران یاد شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

اهمیت خلقت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۷ - ۴

۴ - خلقت خورشید شگرف تر و شایان توجه تر از آفرینش ماه *

و من ءایته . .. الشمس و القمر

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم نام خورشید بر قمر، اشاره به اهمیت بیشتر آن در منظومه شمسی و شناخت اجرام آسمانی باشد.

اهمیت خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۹ - ۳

۳- خلقت آسمان ها و زمین ، به مراتب مهمتر از حیات دوباره انسان پس از مرگ است .

أو لم يروا أن الله الذی خلق السموت و الأرض قادر علی أن یخلق مثلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۱ - ۶

۶

- آفرینش آسمان ها و زمین ، بسی مهم تر و با عظمت تر از آفرینش مجدد انسان ها است .

أوَلیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن یخلق مثلهم

شگفت آور بودن انکار معاد از سوی کافران علی رغم مشاهده قدرت خدا بر خلق جهان طبیعت می تواند ناشی از این حقیقت باشد که آفرینش جهان طبیعت، بسی مهم تر و با عظمت تر از خلق مجدد یکی از پدیده های طبیعت (یعنی انسان) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۷ - ۳

۳ - آفرینش جهان پهناور (آسمان ها و زمین) ، دلیل توانایی خداوند بر آفرینش مجدد و رستاخیز انسان ها و جهان است .

لخلق السموت و الأرض أکبر من خلق الناس

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه در سلسله آیاتی قرار دارد که درباره اثبات معاد و رد دیدگاه مشرکان است; چنان که در دو آیه بعد از آن بحث به میان آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۴ - ۲۱

۲۱ - تمجید و تحسین خداوند از خویش به خاطر آفریدن آسمان ، زمین و انسان

اللّه الذی جعل لکم الأرض . .. و صوّرکم ... فتبارک اللّه ربّ العلمین

جمله <فتبارک اللّه ربّ العالمین> دارای آهنگ تمجید و تحسین است.

اهمیت خلقت ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۷ - ۴

۴ - خلقت خورشید شگرف تر و شایان توجه تر از آفرینش ماه *

و من

ءايته . .. الشمس و القمر

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم نام خورشـید بر قمر، اشاره به اهمیت بیشتر آن در منظومه شمسی و شناخت اجرام آسمانی باشد.

برتری خلقت آفرینش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۱ – ۷

۷ – آفرینش انسان از گِل چسبنده ، گواه برتری آفرینش جهان طبیعت بر آفرینش انسان و شاهـد توانایی خدا بر احیای مجدد انسان ها از خاک است .

إنّا خلقنهم من طین لازب

برداشت فوق از آن جا است که جمله <إنّا خلقناهم من طین لازب> تعلیل است برای آنچه مورد استفتا و استفهام در جملات قبل بود.

بهترین خلقت انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۴ – ۱۰

۱۰ – نوع خلقت انسان ، برترین و بهترین شکل آفرینش برای او

ثمّ أنشأنه خلقًا ءاخر فتبارک اللّه أحسن الخلقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۶۴ – ۶

۶ – انسان ، برخوردار از بهترین شکل و شمایل و اندامی موزون

و صوّرکم فأحسن صورکم

بی ارزشی عنصر خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۸ - ۳

۳ - ماده اصلی در آفرینش انسان ، ماده ای پست و ناچیز بوده است .

من أیّ شیء خلقه

استفهام در این آیه، برای تحقیر است. نکره بودن کلمه <شیء> نیز به قرینه سیاق آیات که مراحل تکامل انسان از مرحله نطفه تا مرحله حشر را بر می شمرد مفید تحقیر است.

بینش پوچی خلقت انسان

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۱۵ – ۲

۲ – گزاف و بی هدف شمردن آفرینش انسان ، پنداری غلط و ناروا

أفحسبتم أنّما خلقنکم عبثًا

پرسش از خلقت آسمان ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۵۹ – ۱۰،۱۲

۱۰ انسان ها ، وظیفه دار سؤال کردن از افراد خبیر و آگاه در باره مبدأ و چگونگی آفرینش جهان هستی (آسمان ها ، زمین و . . .)

الذی خلق السموت . .. فسئل به خبیرًا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این مطلب است که <فا> در <فسئل به خبیراً> جواب برای شرط مقدر و تقدیر آن چنین باشد: <إن شئت تحقیق ما ذکر فسئل به خبیراً>. گفتنی است در برداشت فوق، مرجع ضمیر <به> خلق و استوا و <خبیراً> مفعول برای <فسئل> دانسته شد.

۱۲ لزوم رجوع به افراد خبیر و آگاه در مسائل مربوط به معارف الهی ، همچون مبدأ و چگونگی آفرینش آسمان ها و زمین

الحیّ الذی لایموت . .. الذی خلق السموت ... الرحمن فسئل به خبیرًا

پرسش از خلقت زمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۵۹ – ۱۰،۱۲

۱۰ انسان ها ، وظیفه دار سؤال کردن از افراد خبیر و آگاه در باره مبدأ و چگونگی آفرینش جهان هستی (آسمان ها ، زمین و . . .)

الذی خلق السموت . .. فسئل به خبیرًا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این مطلب است که <فا> در <فسئل به خبیراً> جواب برای شرط مقدر و تقدیر

آن چنین باشد: <إن شئت تحقیق ما ذکر فسئل به خبیراً>. گفتنی است در برداشت فوق، مرجع ضمیر <به> خلق و استوا و <خبیراً> مفعول برای <فسئل> دانسته شد.

۱۲ لزوم رجوع به افراد خبیر و آگاه در مسائل مربوط به معارف الهی ، همچون مبدأ و چگونگی آفرینش آسمان ها و زمین

الحیّ الذی لایموت . .. الذی خلق السموت ... الرحمن فسئل به خبیرًا

پوچ انگاری خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۶ - ۱

۱ - انکار معاد و بیهوده شمردن آفرینش انسان ، اهانت به ساحت آفریننده جهان (خدا) است .

أفحسبتم أنّما خلقنکم عبثًا . .. لاترجعون . فتعلی اللّه

<تعالی> (مصدر <تعالی>) به معنای والایی و بلندمرتبگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۶ - ۶

۶ - پوچ انگاری خلقت انسان و بی هدف دانستن زندگی او ، تأثیرگذار در انکار کردن معاد و ایمان نیاوردن به روز قیامت

أیحسب الإنسن أن یترک سدًی

آیه شریفه در سلسله آیات مربوط به تکذیب معاد از سوی کافران قرار دارد. از این رو می تواند درصدد بیان علل تکذیب روز قیامت باشد; هم چنان که می تواند بیانگر نشانه های تحقّق چنین روزی باشد.

تاریخ خلقت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۳

۳ - فرشتگان پیش از خلقت و خلافت آدم (ع) ، آفریده شده بودند .

و إذ قال ربّک للملئکه إنی جاعل فی الأرض خلیفه

- فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۵

۵ - آفرینش حوا ، پس از آدم بود .

خلقکم من نفس وحده ثمّ جعل منها زوجها

برداشت بالا بر اساس این دیدگاه است که <ثمّ> بر تراخی زمانی، دلالت کند.

تاریخ خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۹ - ۲

۲ - آفرینش آسمان ها مقدم بر آفرینش زمین *

و من ءایته خلق السموت و الأرض

تاریخ خلقت ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۶ - ۱۰

۱۰ - سجده در برابر موجودی دیگر ، به فرمان خداوند و در جهت اطاعت او ، مجاز است و نشانه پرستش مسجود نیست .

و إذ قلنا للملئکه اسجدوا لأدم

تاریخ خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۷ - ۳

۳- جن قبل از خلقت انسان ، آفریده شده است .

و الجانّ خلقنه من قبل من نار السموم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۲۸ – ۵

۵- فرشتگان ، قبل از آفرینش انسان ، موجود بودند .

و إذ قال ربّک للملئکه إنی خلق بشرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۱۶ – ۱۰

۱۰ – سجده در برابر موجودی دیگر ، به فرمان خداوند و در جهت اطاعت او ، مجاز است و نشانه پرستش مسجود نیست .

و إذ قلنا للملئکه اسجدوا لأدم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ –

۵۶ - ۶

۶ - آفرینش جن ، قبل از آفرینش انسان ها *

و ما خلقت الجنّ و الإنس

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم لفظی جن بر انس، دال بر تقدم خارجی باشد.

تاریخ خلقت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۷ - ۳

۳- جن قبل از خلقت انسان ، آفریده شده است .

و الجانّ خلقنه من قبل من نار السموم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۱۵

۱۵- جن ، دارای پیشینه ای قدیم تر از آفرینش آدمیان است .

اسجدوا لأدم . .. إلّا إبلیس کان من الجنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۶ - ۶

۶ - آفرینش جن ، قبل از آفرینش انسان ها *

و ما خلقت الجنّ و الإنس

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم لفظی جن بر انس، دال بر تقدم خارجی باشد.

تاریخ خلقت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۵

۵ - آفرینش حوا ، پس از آدم بود .

خلقکم من نفس وحده ثمّ جعل منها زوجها

برداشت بالا بر اساس این دیدگاه است که <ثمّ> بر تراخی زمانی، دلالت کند.

تاریخ خلقت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۷ - ۳

۳ - تقدم خلقت خورشید برماه *

و من ءایته . .. الشمس و القمر

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم ذکر <شمس> بر <قمر> ناظر به مطلب بالا باشد.

تاریخ

خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳ - ۲۴

۲۴ از امام باقر (ع) روایت شده که امیرالمؤمنین (ع) فرمود : < ان اللّه جلّ ذکره و تقدست اسمائه خلق الأرض قبل السماء . . . ;

خدای جل ذکره . .. زمین را قبل از آسمانها آفرید ... >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۹ - ۲

۲ - آفرینش آسمان ها مقدم بر آفرینش زمین *

و من ءایته خلق السموت و الأرض

تاریخ خلقت کلاغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۱۸

۱۸ وجود کلاغ در زمان حضرت آدم (ع)

فبعث اللّه غراباً

تاریخ خلقت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۱ - ۲

۲- پیدایش کوه ها ، پس از آفرینش زمین بوده است . *

و جعلنا فی الأرض روسی أن تمید بهم

ظاهر آن است که قرار دادن شیء در ظرفی فرع وجود ظرف است; بنابراین قرار دادن کوه ها در زمین بیانگر تأخر پیدایش کوه ها از پیدایش خود زمین است.

تاریخ خلقت ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۷ - ۳

۳ - تقدم خلقت خورشید برماه *

و من ءایته . .. الشمس و القمر

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم ذکر <شمس> بر <قمر> ناظر به مطلب بالا باشد.

تاریخ خلقت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۳۰ – ۳

۳ – فرشتگان پیش از خلقت و خلافت آدم (ع) ، آفریده شده بودند .

و إذ قال ربّک للملئکه إنی جاعل فی الأرض خلیفه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۲۸ – ۵

۵– فرشتگان ، قبل از آفرینش انسان ، موجود بودند .

و إذ قال ربّک للملئکه إنی خلق بشرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۱۶ – ۱۰

۱۰ – سجده در برابر موجودی دیگر ، به فرمان خداوند و در جهت اطاعت او ، مجاز است و نشانه پرستش مسجود نیست .

و إذ قلنا للملئکه اسجدوا لأدم

تداوم خلقت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۸ – ۸

۸– آفرینش و ایجاد ، امری دائم و مستمر است .

خلق . .. خلق ... خلقها ... و یخلق ما لاتعلمون

آوردن <یخلق> به صورت مضارع می تواند بیانگر این مطلب باشد که آفریدگاری خداوند عمل مستمری است و منحصر به آنچه در گذشته آفریده، نیست.

تداوم خلقت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۶ - ۴

۴ - خداوند ، همواره در حال افاضه فیض و آفرینش جدید

ممّا یخلق بنات

آمدن تعبیر <یخلق> به جای <خلق> می رساند که کار آفرینش همواره ادامه دارد.

تذکر خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۸ - ۲،۳

۲- پیامبر (ص) ، موظف به یادآوری

قصه خلقت انسان

و إذ قال ربّک للملئکه إنی خلق بشرًا

<إذ> مفعول به برای <اذکر> مقدر است و به قرینه کاف <ربک> مخاطب فعل، پیامبر(ص) است.

۳- قصه خلقت انسان از گِلی بد بو ، خشکیده و متغیر ، شایسته یاد و یادآوری

و إذ قال ربّک للملئکه إنی خلق بشرًا من صلصل من حمإ مسنون

تذکر خلقت زکریا(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۹ – ۹

۹- خداونـد با توجه دادن زکریا (ع) به نو پیدایی و آفرینش وی ، او را به امکان پیدایش یحیی (ع) از وی و همسـر نازایش مطمئن ساخت .

هو علیَّ هیّن و قد خلقتک من قبل و لم تک شیئًا

تشابه خلقت انسان ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۴۶ – ۶

۶ – همگونی مرد و زن در اصل خلقت (نطفه)

و أنّه خلق الزوجین الذکر و الأُنثی . من نطفه إذا تمنی

تشبیه به آغاز خلقت انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۲۹ – ۱۳

۱۳ شباهت و همگونی معاد انسانها با آغاز آفرینش آنان

كما بدأكم تعودون

تشبيه به خلقت ابتدایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۸ - ۷

۷- انسان ها ، مانند زمان تولد ، فاقد هرگونه مال و فرزند و عنوان و اعتبار ، در صحنه قیامت حضور خواهند یافت .

لقد جئتمونا كما خلقنكم أوّل مرّه

تشبیه حضور انسان ها در قیامت به زمان تولد آنان، ممکن است از

جهت همراه نداشتن امکانات مادّی و خالی بودن از هرگونه عنوان و اعتبار باشد.

تشبیه به خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۵ - ۵

۵ - خروج مجدد انسان از زمین و حیات تازه او ، همانند آفرینش نخستین او از زمین خواهد بود .

و منها نخرجکم تاره أُخری

<تاره أخری>; یعنی، بار دیگر گفتنی است که مرتبه اول بیرون آمدن انسان از خاک، همان خلقت اولیه او از نطفه است و بار دوم زمانی است که پس از مرگ مجدداً از زمین برانگیخته خواهد شد. <تاره أخری> اشاره به همین تشابه دارد تا استعبادها را نیز تلویحاً رد کرده باشد.

تشبیه به خلقت گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۷ - ۱

۱ - خداوند ، انسان را همچون نباتات از زمین آفریده است .

و اللّه أنبتکم من الأرض نباتًا

تشبیه خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۸ - ۱

۱ - آفرینش نخستین انسان ها و زنده کردن مجدد آنان پس از مرگ ، برای خداوند همانند آفریدن یک تَن است .

ما خلقکم و لابعثکم إلّا کنفس وحده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۷ - ۱

۱ – خداوند ، انسان را همچون نباتات از زمین آفریده است .

و اللّه أنبتکم من الأرض نباتًا

تشویق به مطالعه خلقت انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۳۶ – ۴

۴ – ترغیب خداوند

، به مطالعه درباره آفرینش انسان و هدف و فلسفه زندگی او

أیحسب الإنسن أن یترک سدًی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱ - ۳

۳ - ترغیب خداوند ، به مطالعه در مبدأ پیدایش انسان و نعمت وجود او در جهان هستی

هل أتی علی الإنسن حین من الدهر لم یکن شیئًا مذکورًا

آغاز شدن سوره با طرح مسأله پیدایش انسان در برهه ای از زمان، می تواند به منظور جلب توجه انسان ها، به این مسأله و ترغیب آنان به مطالعه درباره آن باشد.

تعقل در خلقت آسمان های هفتگانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۵ - ۶

۶ - اندیشه در چگونگی مبدأ آفرینش آسمان ها ، راهی برای شناخت خدا و اوصاف او است .

ألم تروا کیف خلق اللّه سبع سموت طباقًا

تعقل در خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۵ - ۷

۷ - نوح (ع) ، قوم خود را به اندیشه و مطالعه درباره چگونگی و مبدأ آفرینش جهان ، به منظور پی بردن به عظمت خداوند تشویق و تحرض می کرد .

ألم تروا کیف خلق اللّه سبع سموت طباقًا

تعبیر <ألم تروا کیف. ..>، می تواند برای تشویق و تحریض ادا شده باشد.

تعقل در خلقت انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۹۸ – ۷،۹

۷ صاحبان درک از بیان آیات خداوند در زمینه کیفیت آفرینش انسان بهره می برند.

هو الذی أنشأکم . .. قد فصلنا

الأیت لقوم یفقهون

۹ تفکر در چگونگی آفرینش انسان، راهی برای رسیدن به توحید است.

و هو الذی أنشأکم . .. قد فصلنا الأیت لقوم یفقهون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۷۷ – ۱

۱ – خداوند انسان کافر را به دلیل اندیشه نکردن در چگونگی مبدأ پیدایش خود سرزنش کرده است .

أوَلم یر الإنسن أنّا خلقنه من نطفه

برداشت یاد شده از لحن سرزنش آمیز آیه شریفه به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۷۸ – ۲

۲ – دقت و اندیشه در چگونگی پیدایش انسان ، زمینه ساز ممکن دانستن برپایی قیامت و حیات مجدد انسان ها

أوَلم یر الإنسن . .. و ضرب لنا مثلاً و نسی خلقه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۶۷ – ۱۸

۱۸ – چگونگی آفرینش انسان و سیر تحوّل آن ، بستری مناسب برای تعقل و خردورزی

هو الذی خلقکم من تراب . .. لعلّکم تعقلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۱۴ – ۳

۳ – پیدایش موجودی شعورمند و صاحب اراده از گلی خشکیده (چون انسان) ، شایان تأمل و درس آموزی است .

خلق الإنسن من صلصل

تذکر به مبدأ پیدایش انسان، ممکن است نظر به مطلب بالا داشته باشد; چه این که آیات سوره تماماً توحیدی است و در مقام نمایاندن ربوبیت یگانه حق می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۸ - ۴

- ۴

تشویق منکران معاد از سوی خداوند ، به مطالعه در فرایند پیدایش انسان از منی

أفرءیتم ما تمنون

تعقل در خلقت چهارپایان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۷۱ – ۲

۲ – تشویق خداوند به تأمل و اندیشه در جلوه های قدرت الهی در طبیعت (مانند شتر ، گاو و گوسفند)

أوَلم یروا أنّا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعمًا

تعقل در خلقت خورشید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – نوح – ۷۱ – ۱۶ – ۴،۵،۶

۴ – سرزنش شدن قوم نوح از سوی پیامبرشان ، به سبب نیندیشیدن درباره چگونگی آفرینش ماه تابان و خورشید فروزان

ألم تروا کیف خلق اللّه . .. و جعل القمر فیهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

۵ – اندیشه در چگونگی آفرینش ماه و خورشید ، راهی برای شناخت خدا و اوصاف او

ألم تروا کیف . .. و جعل القمر فیهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

۶ – نوح (ع) ، قومش را به اندیشه و مطالعه درباره چگونگی آفرینش ماه و خورشید ، به منظور پی بردن به عظمت خداوند تشویق و تحریض می کرد .

ألم تروا کیف . .. و جعل القمر فیهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

تعقل در خلقت روز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۲ – ۴

۴ تفکر در آفرینش شب و روز و جانشین شدن آن دو به جای یکدیگر ، آموزنده درس خداشناسی

و هو الذی جعل الّیل و النهار خلفه لمن أراد أن یذّکّر

<تذکر>(مصدر <یذّکّر>) از نظر لغت به

معنای یادآوردن چیزی است که فراموش شده است (لسان العرب)؛ ولی این واژه در آیه شریفه به گفته بیشتر مفسران به معنای تفکر و تأمل برای درس آموختن و نتیجه گرفتن از آفرینش شب و روز است.

تعقل در خلقت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۲ - ۴

۴ تفکر در آفرینش شب و روز و جانشین شدن آن دو به جای یکدیگر ، آموزنده درس خداشناسی

و هو الذی جعل الّیل و النهار خلفه لمن أراد أن یذّکّر

<تذکر>(مصدر <یذّکّر>) از نظر لغت به معنای یادآوردن چیزی است که فراموش شده است (لسان العرب)؛ ولی این واژه در آیه شریفه به گفته بیشتر مفسران به معنای تفکر و تأمل برای درس آموختن و نتیجه گرفتن از آفرینش شب و روز است.

تعقل در خلقت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۲

۲ - تشویق خداوند به تأمل و اندیشه در جلوه های قدرت الهی در طبیعت (مانند شتر ، گاو و گوسفند)

أوَلم یروا أنّا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۷ - ۴،۵

۴ - شیوه آفرینش شتر ، شگفت آور و دارای زوایای درخور دقّت و تحقیق است .

أفلاینظرون إلی الإبل کیف خلقت

تکیه بر شناخت ویژگی های شتر، یا به جهت فایده های فراوان این حیوان برای مردم جزیره العرب است و یا این که شتر در بین حیوانات، کمالاتی بی نظیر دارد و می

توان آیه شریفه را ناظر به هر دو نکته دانست.

۵ - کشف و شناسایی ویژگی های شتر ، راهنمای فکری انسان برای اعتقاد به قدرت خداوند

أفلاینظرون إلی الإبل کیف خلقت

تعقل در خلقت گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۲

۲ - تشویق خداوند به تأمل و اندیشه در جلوه های قدرت الهی در طبیعت (مانند شتر ، گاو و گوسفند)

أوَلم یروا أنّا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعمًا

تعقل در خلقت گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۲

۲ - تشویق خداوند به تأمل و اندیشه در جلوه های قدرت الهی در طبیعت (مانند شتر ، گاو و گوسفند)

أوَلم یروا أنّا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعمًا

تعقل در خلقت ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۶ - ۴،۵،۶

۴ - سرزنش شدن قوم نوح از سوی پیامبرشان ، به سبب نیندیشیدن درباره چگونگی آفرینش ماه تابان و خورشید فروزان

ألم تروا کیف خلق اللّه . .. و جعل القمر فیهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

۵ - اندیشه در چگونگی آفرینش ماه و خورشید ، راهی برای شناخت خدا و اوصاف او

ألم تروا کیف . .. و جعل القمر فیهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

۶ – نوح (ع) ، قومش را به انـدیشه و مطالعه درباره چگونگی آفرینش ماه و خورشـید ، به منظور پی بردن به عظمت خـداوند تشویق و تحریض می کرد .

ألم تروا کیف . .. و جعل

القمر فيهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

تعقل در خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۴ - ۲۱

۲۱ - لزوم انديشه و تفكر در آفرينش پديد ها براى رسيدن به توحيد و درک رحمانيت و رحيميت خداوند

إن فى خلق السموت و الأرض . .. لأيت لقوم يعقلون

تعقل در عنصر خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۸ - ۱

۱ - خداوند ، ترغيب كننده انسان ها به انديشه و دقت در نخستين عنصر آفرينش خود

من أىّ شىء خلقه

تفكر در خلقت آفرينش

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱ - ۱

۱ - پيامبر (ص) مأمور توجه دادن كافران و مشركان بر آفرينش انسان و جهان و ترغيب آنان به تأمل و تفكر درباره آنها

فاستفتهم أهم أشدّ خلقًا أم من خلقنا

استفتا و پرسش در آيه شريفه، براى ترغيب به تفكر و تأمل است; نه براى پرسش و استفتاى حقيقى.

تفكر در خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱ - ۱

۱ – پیامبر (ص) مأمور توجه دادن کافران و مشرکان بر آفرینش انسان و جهان و ترغیب آنان به تأمل و تفکر درباره آنها

فاستفتهم أهم أشدّ خلقًا أم من خلقنا

استفتا و پرسش در آیه شریفه، برای ترغیب به تفکر و تأمل است; نه برای پرسش و استفتای حقیقی.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۳۵ – ۱

- خداوند ، خواهان تأمل و اندیشیدن انسان درباره نحوه پیدایش خود

أم خلقوا من غیر شیء

پرسش در آیه شریفه در حقیقت برای واداشته شدن انسان به اندیشه و تفکر صورت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۸ - ۱

۱ - فرایند پیدایش انسان از منی در رحم ، شایان مطالعه و تأمل

أفرءیتم ما تمنون

مراد از <امناء> (مصدر <تمنون>) ریختن منی در رحم است; یعنی، آیا به منی که آن را به صورت نطفه در رحم زن می ریزید اندیشیده اید؟

تقدیر خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۳ - ۴

۴ - ستایش خداوند از خود ، در آفرینش انسان و اندازه گیری های دقیق در خلقت وی

فقدرنا فنعم القدرون

تکامل خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱ - ۲

۲ - پیدایش انسان در زمین ، دارای روند تکاملی بود و با پشت سر گذاشتن دورانی دراز ، به تدریج چهره انسانی یافت .

لم یکن شیًا مذکورًا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که مفاد جمله <لم یکن شیئاً مذکوراً> چنین باشد: انسان در برهه ای از زمان چیزی بود; ولی آن چیز هنوز قابلیت نام انسان را نداشت; بلکه به تدریج تکامل یافته و چهره انسانی پیدا کرد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انفطار – ۸۲ – ۸ – ۳

۳ – مرحله پیدایش قیافه و سیما برای هر انسان ، پس از مراحل آفرینش ، تکمیل و تعدیل

اعضای او است .

فی أیّ صوره ما شاء رکّبک

جمله <فی أیّ صوره. ..> مستأنفه و بیانگر مرحله ای دیگر از مراحل پیدایش انسان است. برخی آن را تفسیر جمله <فعدلک> در آیه قبل، قرار داده و مرحله تعدیل و چهره پردازی را یکی دانسته اند.

تکامل خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۰ - ۴

۴ - خداوند به هر موجودی ، خلقتی کامل و اعضا و ویژگی هایی متناسب با شأن او ، عطا کرده است .

الذی أعطی کلّ شیء خلقه

<خلق>، به معنای ایجاد، یا تقدیر درست و یا هیئت و شکل است (مفردات راغب). معنای دوم و سوم رساننده نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۲ - ۲

۲ - خداوند ، آفریده های خویش را کامل و به دور از هرگونه کاستی و اضافات ، قرار داده است .

فسوّی

تسویه و تعدیل، به یک معنا است (مصباح) و اعتدال هر چیز، به دور ماندن آن از افراط و تفریط است.

جهش در خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۰ - ۱۰

۱۰ - تبدیل شدن خاک پس از گذر از مراحل لازم به انسان ، جهش گون و سریع است .

أن خلقکم من تراب ثمّ إذا أنتم بشر تنتشرون

<إذا> فجاییه است و دلالت بر ناگهانی بودن می کند، لذا از آن، سرعت و حالت جهشی بودن به دست می آید.

حسن خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴

- سجده - ۳۲ - ۷ - ۱،۲،۳،۷

۱ - خداوند ، همه آفریده های خود را ، به صورتی نیکو و شایسته پدید آورده است .

اللّه . .. الذی أحسن کلّ شیء خلقه

۲ - آفرینش موجودات به صورتی نیکو و شایسته ، نشانه تدبیر و علم الهی است .

یدبّر الأمر . .. علم ... الذی أحسن کلّ شیء خلقه

۳ - زیبا و نیکو آفریده شدن پدیده ها ، از جمله آیات الهی است .

اللّه الذی . .. الذی أحسن کلّ شیء خلقه

۷ - خلقت موجودی شگفت مانند انسان از گِلی بی شکل و فاقد حیات ، نمود آفرینش نیکوی خدا است .

أحسن کلّ شیء خلقه و بدأ خلق الإنسن من طین

حقانیت خلقت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۴ - ۱،۵

۱ - خداوند ، آسمان ها و زمین را ، به حق ، آفریده است .

خلق اللّه السموت و الأرض بالحقّ

۵ - خلقت هدف دار آسمان ها و زمین ، نشانه و آیه بزرگ خدا برای مؤمنان است .

خلق اللّه السموت و الأرض . .. إنّ فی ذلک لأیه للمؤمنین

حقانیت خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۵ - ۱

۱- خداوند آسمان ها ، زمین و موجودات در فضا را بر اساس حق (حکیمانه و با مقصودی صحیح) آفرید .

و ما خلقنا السموت و الأرض و ما بينهما إلاّ بالحقّ

یکی از موارد کاربرد واژه <حق> جایی است که کاری به مقتضای حکمت و بر اساس مصلحت انجام پذیرفته باشد (مفردات راغب). برداشت

فوق بر اساس این کاربرد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۹ - ۱،۲،۳

۱- آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی بحق ، بایسته ، ارزشمند و هدفدار

و ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما لعبین . ما خلقنهما إلاّ بالحقّ

۲- آفرینش آسمان ها و زمین ، به دور از هرگونه پوچی ، بیهودگی و بطلان

و ما خلقنا السموت و الأرض . .. لعبین ... إلاّ بالحقّ

۳- حقانیت آفرینش جهان ، مستلزم وجود معاد

إن هی إلاّ موتتنا الأُولی . .. ما خلقنهما إلاّ بالحقّ

از این که حقانیت آفرینش در مقام رد اندیشه منکران معاد مطرح شده، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۲ - ۱

۱ - آفرینش آسمان ها و زمین از سوی خداوند ، آفرینشی به حق و هدفدار

و خلق اللّه السموت و الأرض

<حق> به چیزی گفته می شود که براساس حکمت و فلسفه ای بایسته پدید آمده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۱

۱- آفرینش آسمان ها و زمین و موجودات هستی ، آفرینشی بایسته و بحق

ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما إلاّ بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۳ - ۲

۲ - آفرینش جهان (آسمان ها ، زمین و . . .) ، براساس حق و هدفدار و به دور از بیهوده کاری است .

خلق السموت و الأرض بالحقّ

<حقّ> در مقابل باطل قرار دارد.

یکی از معانی <باطل> عبث و بیهوده کاری است; یعنی، کاری که در آن هدف معقولی لحاظ نشود.

حقانیت خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۴ - ۳

۳ - عالَم ، حق و هدف دار خلق شده است .

خلق اللّه السموت و الأرض بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۳ - ۲،۱۱

۲ - آفرینش جهان (آسمان ها ، زمین و . . .) ، براساس حق و هدفدار و به دور از بیهوده کاری است .

خلق السموت و الأرض بالحقّ

<حقّ> در مقابل باطل قرار دارد. یکی از معانی <باطل> عبث و بیهوده کاری است; یعنی، کاری که در آن هدف معقولی لحاظ نشود.

۱۱ - معاد و بازگشت انسان ها ، به پیشگاه عدل الهی برای کیفر و پاداش ، مقتضای آفرینش به حق و هدفمند جهان است .

خلق السموت و الأرض . .. و إلیه المصیر

ذکر معاد انسان ها پس از بیان آفرینش جهان بر پایه حق و هدفمندی می تواند گویای نکته یاد شده باشد.

حقانیت خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۵ - ۱

۱- خداوند آسمان ها ، زمین و موجودات در فضا را بر اساس حق (حکیمانه و با مقصودی صحیح) آفرید .

و ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما إلاّ بالحقّ

یکی از موارد کاربرد واژه <حق> جایی است که کاری به مقتضای حکمت و بر اساس مصلحت انجام پذیرفته باشد (مفردات راغب). برداشت فوق بر

اساس این کاربرد است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۴۴ – ۱،۵

۱ – خداوند ، آسمان ها و زمین را ، به حق ، آفریده است .

خلق اللّه السموت و الأرض بالحقّ

۵ – خلقت هدف دار آسمان ها و زمین ، نشانه و آیه بزرگ خدا برای مؤمنان است .

خلق اللّه السموت و الأرض . .. إنّ فی ذلک لأیه للمؤمنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۳۹ – ۱،۲

۱– آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی بحق ، بایسته ، ارزشمند و هدفدار

و ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما لعبین . ما خلقنهما إلاّ بالحقّ

۲– آفرینش آسمان ها و زمین ، به دور از هرگونه پوچی ، بیهودگی و بطلان

و ما خلقنا السموت و الأرض . .. لعبین ... إلاّ بالحقّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۲۲ – ۱

۱ – آفرینش آسمان ها و زمین از سوی خداوند ، آفرینشی به حق و هدفدار

و خلق اللّه السموت و الأرض

<حق> به چیزی گفته می شود که براساس حکمت و فلسفه ای بایسته پدید آمده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۳ – ۱

۱- آفرینش آسمان ها و زمین و موجودات هستی ، آفرینشی بایسته و بحق

ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما إلاّ بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۳ - ۲

۲ - آفرینش جهان (آسمان ها

، زمین و . . .) ، براساس حق و هدفدار و به دور از بیهوده کاری است .

خلق السموت و الأرض بالحقّ

<حقّ> در مقابل باطل قرار دارد. یکی از معانی <باطل> عبث و بیهوده کاری است; یعنی، کاری که در آن هدف معقولی لحاظ نشود.

حقانیت خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۱

۱- آفرینش آسمان ها و زمین و موجودات هستی ، آفرینشی بایسته و بحق

ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما إلاّ بالحقّ

حکمت خلقت چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۴

۴ - بهره مندی انسان ها ، فلسفه و حکمت آفرینش شتر ، گاو و گوسفندان

أوَلم یروا أنّا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعمًا

گفتنی است از <لام> <لهم> (به کار رفته در معنای تعلیل) و نیز از این که آیه شریفه در مقام امتنان است، برداشت یاد شده به دست می آید.

خلقت آب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۷ - ۱۰

۱۰ - قبل از انسان ها ، پدیده های دیگری چون گِل (آب و خاک) آفریده شده بودند .

و بدأ خلق الإنسن من طین

خلقت آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۰ - ۶

۶ - خداوند ، آخرت را ، پس از دنیا ، پدید خواهد آورد .

ثمّ اللّه ینشئ النشأه الأخره

خلقت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره -

۲ - ۳۰ - ۲۶

۲۶ داستان خلقت و خلافت آدم (ع) و محاوره خدا و فرشتگان درباره او ، داستانی آموزنده و شایان دقت

و إذ قال ربک للملئکه . .. إنی أعلم ما لاتعلمون

کلمه <إذ> مفعول برای فعل مقدر <اذکر> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۱ - ۱

۱ - خداوند آدم (ع) را با استعداد فراگیری دانشهایی ویژه آفرید و تمامی حقایق و اسامی آنها را به وی آموخت .

و علّم ءادم الأسماء کلها

جمله <علّم آدم> عطف بر جمله ای مقدر است که به خاطر وضوحش در کلام آورده نشده است. آن جمله به قرینه <إنی جاعل ...> می تواند این گونه باشد: فخلق آدم جدیراً للخلافه و ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۳ - ۱۱

۱۱ - فرشتگان در جریان خلقت و خلافت آدم (ع) ، امری را در ضمیر خویش پنهان می داشتند و از ابراز آن خودداری می کردند .

و أعلم ما تبدون و ما کنتم تکتمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۱ - ۳،۴

۳ خداوند، مبدأ و منشأ انسانها (آدم) را آفرید و سپس به او صورت انسانی عطا کرد.

و لقد خلقنکم ثم صورنکم ثم قلنا للملئکه اسجدوا لأدم

<خلقناکم> (شما را در گذشته آفریدیم)، خطاب به همه انسانهاست و چون همه انسانها پیش از فرمان سجده بر آدم آفریده نشده بودند، معلوم می شود آن جمله ناظر به آفرینش چیزی است که می توانسته

مبدأ همگان باشد و به همین لحاظ آفرینش او آفرینش همه انسانها شمرده شده است فراز بعد (ثم قلنا . ..) می رساند که آن چیز همان شد که به <آدم ابوالبشر> معروف است. قابل ذکر است که دلالت آیه بر این که خود آن مبدأ یاد شده آدم(ع) شده باشد به صورت احتمال مطرح است.

۴ خداوند پس از خلقت آدم(ع)، از فرشتگان خواست تا بر او سجده کنند.

ثم قلنا للملئکه اسجدوا لأدم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۹ - ۱۱

۱۱- دستور خداوند به فرشتگان برای سجده بر آدم (ع) پس از آفرینش او

و إذ قال ربّک للملئکه . .. فإذا سوّیته و نفخت فیه من روحی فقعوا له سجدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۸ - ۴

۴ - آفرینش حضرت آدم (ع) با آفرینش نسل او ، متفاوت است .

خلق الإنسن من طین . ثمّ جعل نسله من سلله من ماء مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۹ - ۲

۲ - پیامبر (ص) از مجادله و گفت وگوی فرشتگان با خدا درباره آفرینش آدم ، تنها از راه وحی آگاه بود .

ما کان لی من علم بالملأ الأعلی إذ یختصمون

مقصود از مجادله و خصومت در آیه شریفه به قرینه دو آیه بعد (إذ قال ربّک للملائکه. ..) گفت وگوی فرشتگان با خدا درباره خلقت انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص -

۷ - ۷۲ - ۳۸

۷ - فرمان خداوند به فرشتگان برای سجده بر آدم (ع) پس از آفرینش او

فإذا سوّیته و نفخت فیه من روحی فقعوا له سجدین

خلقت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۲ - ۶،۱۲

۶ - خداوند ، آسمان در جهت منافع انسان ها برافراشته ساخت .

الذی جعل لکم . .. السماء بناء

کلمه <بناء> در لغت عرب معنایی دارد که شامل: ساختمان، خیمه، چادر و مانند اینها می شود. اطلاق <بناء> بر آسمان از باب تشبیه است; یعنی: جعل لکم السماء کالبناء.

۱۲ - آفرینش آسمان ، نزول باران ، به ثمر رسیدن میوه ها و پیدایش روزی برای انسان ها ، جلوه هایی از ربوبیت خداوند است .

اعبدوا ربکم . .. الذی جعل لکم ... رزقاً لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۹ - ۱۱،۱۲

۱۱ - آفرینش آسمان های هفتگانه و مواهب زمین ، آفرینشی عالمانه است .

هو الذی خلق . .. و هو بکل شیء علیم

۱۲ آفرینش موجودات زمین و آسمان های هفتگانه ، دلیل توانایی خدا بر زنده کردن مردگان است .

ثم یحییکم ثم إلیه ترجعون. هو الذی خلق لکم ... فسویهن سبع سموت

جمله <هو الذی . ..> می تواند مرتبط با ذیل آیه قبل باشد و نیز می تواند با صدر آن آیه در ارتباط باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۴ - ۳

۳ - آفرینش آسمان ها و زمین ، حاوی

نشانه هایی بر توحید و حاکی از رحمانیت و رحیمیت خداوند است .

لا إله إلا هو الرحمن الرحیم. إن فی خلق السموت و الأرض ... لأیت

آیه مورد بحث - به قرینه آیه قبل - در مقام استدلال بر توحید و رحمانیت و رحیمیت خداوند است و لذا مقصود از <آیات> در ذیل آیه، نشانه های توحید و رحمت گستری خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۱ - ۲

۲ - نظم کنونی آسمان ها و زمین در بقا ، همانند مرحله آغازین خود ، نیازمند به اراده و تدبیر خداوند است .

إنّ اللّه یمسک السموت و الأرض . . إن أمسکهما من أحد من بعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۱۶،۱۸،۲۰،۲۳

۱۶ - آفریدن جهان هستی (آسمان ، زمین ، انسان و . . .) ، از اوصاف و نشانه های خدای حقیقی (اللّه)

خلق السموت و الأرض . .. خلقکم من نفس وحده ... ذلکم اللّه

<ذلکم> اشاره به کسی است که اشیای ذکر شده را آفریده و صاحب اوصاف خلق و جعل است.

۱۸ - آفرینش جهان (آسمان ، زمین ، خورشید ، ماه و انسان) جلوه ربوبیت خدا است .

خلق السموت و الأرض . .. خلقکم من نفس وحده ... ذلکم اللّه ربّکم

۲۰ - آفرینش آسمان ها ، زمین ، خورشید ، ماه و انسان ، جلوه فرمانروایی مطلق خدا بر جهان هستی است .

خلق السموت و الأرض . .. له الملک

۲۳ - آفرینش جهان (آسمان ، زمین و

انسان) ، دلیل یکتایی خدا و پوچی معبود های دیگر

خلق السموت و الأرض . .. خلقکم من نفس وحده ... لا إله إلّا هو

برداشت بالا مبتنی براین دیدگاه است که جمله <لا إله إلّا هو> که پس از بحث از خلقت جهان آمده است به منزله نتیجه و جمع بندی آن بحث باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۴ - ۵،۱۳

۵ - ثبات زمین و قابل سکونت بودن آن برای بشر و برافراشته ساختن آسمان ، جلوه هایی از قدرت و ربوبیت بی همتای خداوند

ذلکم اللّه ربّکم . .. اللّه الذی جعل لکم الأرض قرارًا

۱۳ - آفرینش زمین ، آسمان ، انسان و روزی های او ، از اوصاف معبود و ربّ حقیقی

اللّه الذی جعل لکم الأرض . .. و صوّرکم فأحسن صورکم و رزقکم من الطّیّبت ذلکم اللّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۱ - ۷

۷ - شکل گیری نظام آسمان ها و زمین ، براساس جاذبه ها و قوانین طبیعت *

قالتا أتینا طائعین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <طوعاً> اشاره به حرکت طبیعی و <کرهاً> حکایت از حرکت قسری داشته باشد و آیه بیانگر حاکمیت حرکت طبیعی حلقه های تکوین در نظام آسمان ها و زمین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۸ - ۳

۳ - هماهنگی اجزای آسمان ، با فاصله ای اندک پس از مرحله آفرینش و برافراشتن آسمان صورت پذیرفته است .

رفع سمکها فسوّیها

فاء در <فسوّاها>، برای تعقیب و

حاکی از تأخّر بدون فاصله تسویه است.

خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند بعد از آفرینش آسمان ها و مواهب زمین ، به خلقت انسان پرداخت ، تا او را به منصب خلافت برساند .

خلق لکم ما فی الأرض . .. و إذ قال ربّک للملئکه إنی جاعل فی الأرض خلیفه

با توجه به آیه ۳۴ از همین سوره و آیات دیگری که درباره خلقت آدم (ع) است، می توان گفت: سخن خداوند با فرشتگان درباره آدم، قبل از خلقت وی بوده است. بنابراین <إنی جاعل فی الأرض خلیفه> علاوه بر بیان خلافت آدم(ع) دلالت بر آفرینش او نیز دارد; یعنی: می خواهم]موجودی[بیافرینم و او را خلیفه قرار دهم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۲۸

۲ آفرینش آسمانها و زمین و پدیدآوردن نور و ظلمت به دست خداوند، دلیل اختصاص ستایش به اوست.

الحمد للّه الذی خلق

<الذی خلق>، صفت <اللّه> و بیان وجه اختصاص حمد به اوست و این تعلیق، که به گفته اهل ادب تعلیق حکم <الحمدللّه> بر وصف <الذی خلق> است، بیانگر انحصار شایستگی ستایش به آفریننده هستی است.

۸ پدیده ظلمت و نور در جهان، نظامی تابع آفرینش آسمانها و زمین

الحمد للّه الذی خلق السموت . .. و جعل الظلمت و النور

در این آیه آفرینش آسمان و زمین با فعل <خلق> بیان شده، ولی درباره ظلمت و نور از فعل <جعل> استفاده شده است. توجیه این تفاوت، به گفته برخی از مفسران، تبعی بودن آفرینش

نور و ظلمت نسبت به مجموعه هستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۳

۳ خداوند آسمانهای متعددی در این جهان آفریده است.

خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۴ - ۱،۴

۱ خداوند ، آفریدگار آسمان ها و زمین و پروردگار راستین انسانهاست .

إن ربکم اللّه الذی خلق السموت و الأرض فی سته أیام

۴ خداوند پس از آفرینش آسمان ها و زمین (نظام هستی) با استیلا بر عرش ، به تدبیر امور آنها پرداخت .

ثم استوی علی العرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷ - ۱۶

۱۶ < عن محمد بن مسلم قال : قال لی أبوجعفر (ع) : کان کل شیء ماءاً و کان عرشه علی الماء ، فأمر الله عز ذکره الماء فاضطرم ناراً ثم أمر النار فخمدت فارتفعت من خمودها دخان فخلق الله عزوجل السموات من ذلک الدخان و خلق الله عزوجل الأرض من الرّماد . . . ;

محمدبن مسلم گوید: امام باقر(ع) به من فرمود: همه چیز آب بود و عرش خدا بر آب قرار داشت; پس خدای عزّ ذکره به آب امر کرد، پس آن آب آتشی برافروخته شد، سپس آتش را امر کرد خاموش شود و خاموش شد، پس بر اثر خاموشی آتش دودی از آن برخاست; آن گاه خداوند آسمانها را از آن دود آفرید و زمین را از خاکستر آفرید . ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸

- رعد - ۱۳ - ۲ - ۱۱

۱۱ آفرینش آسمان های متعدد و رفیع ، تسخیر خورشید و ماه ، از نشانه های توان و اقتدار خدا و یکتایی او در تدبیر هستی است .

یفصّل الأیت

جمله های <الله الذی رفع السموت . ..> حاکی است که متعلق <آیات> اقتدار خداوند ، سلطه او بر هستی و تدبیر آفرینش است ; یعنی: <یفصل الأیات الداله علی قدرته و ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۹ - ۱۳

۱۳- آفرینش آسمان ها و زمین (عالم آفرینش) ، دلیل قدرتمندی خداوند بر تحقق وعده عذاب کافران و حبط عمل نیکشان

من ورائه جهنّم . .. مثل الذین کفروا بربّهم أعملهم کرماد اشتدّت به الریح ... ألم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۲

۲- آفرینش آسمان ها و زمین دلیل و نشانه توحید خداوند است .

الله الذی خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳ - ۴،۷

۴- آفرینش حق مدار آسمان ها و زمین ، گواه وحدانیت خدا و نبود شریک برای او

أن أنذروا أنه لا إله إلاّ أنا فاتقون . خلق السموت و الأرض بالحق تعلی عمّا یشر

جمله <خلق السماوات و الأرض> به منزله تعلیل برای مضمون <لا إله إلاّ أنا> در آیه قبل است.

۷- آفرینش آسمان ها و زمین (جهان هستی) دلیلی بر قدرت خداوند بر محقق ساختن وعده هایش

أتی أمر الله . .. خلق السموت و الأرض بالحق تعلی عمّا یشرکون

جمله <خلق السماوات .

..> می تواند به منزله تعلیلی برای روشن نمودن قدرت خداوند بر محقق ساختن وعده هایش باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۵۱ – ۱

۱– شیاطین ، فاقد کمترین دخالت و نظارت در کار آفرینش آسمان ها و زمین و نیز خلقت خودشان اند .

ما أشهدتّهم خلق السموت والأرض و لاخلق أنفسهم

<إشهاد> یعنی، دیگری را به شهادت و حضور خواندن. نفی شاهد گرفته شدن شیاطین در آفرینش آسمان ها و زمین و خلقت خود آن ها، کنایه از آن است که آنان، هیچ نقشی در الوهیت و تدبیر جهان نداشته اند تا در موقع آفرینش، به حضور فراخوانده شده و شاهد خلقت باشند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۳۰ – ۸

۸– اندیشیدن در پدیده های جهان خلقت ، از راه های دستیابی انسان به توحید و یگانگی خداوند

أوَلم یر الذین کفروا أنّ السموت . .. أفلایؤمنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۵۹ – ۷،۸

۷ آفرینش جهان هستی (آسمان ها ، زمین و . . .) جلوه ای از رحمانیت خداوند

الذی خلق السموت و الأرض . .. الرحمن

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که <الذی خلق> مبتدا و <الرحمان> خبر آن باشد; یعنی، آن کسی که جهان را آفرید، رحمان است و قهراً جهان، جلوه ای از رحمانیتش می باشد.

۸ آفرینش جهان هستی (آسمان ها ، زمین و . . .) جلوه ای از حیات جاویدان خداوند

الحیّ الذی لایموت . .. الذی

خلق السموت و الأرض

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که <الذی خلق> صفت برای >الحیّ> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۲ - ۱،۵

۱ - آفرینش آسمان ها و زمین و گوناگونی زبان ها و رنگ های آدمیان ، از آیات الهی است .

و من ءایته خلق السموت و الأرض و اختلف ألسنتکم و ألونکم

۵ - آیه بودن آفرینش آسمان ها و زمین و تفاوت زبان ها و رنگ های مردم ، برای دانشمندان قابل درک است .

و من ءایته خلق السموت و الأرض و اختلف ألسنتکم و ألونکم إنّ فی ذلک لأیت للعل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۰ - ۱

۱ - خداوند ، آسمان ها را بدون پایه و ستون آفریده است .

خلق السموت بغیر عمد ترونها

<ترونها> احتمال دارد قید توصیحی برای <بغیر عمد> باشد. در این صورت، معنای <خلق السماوات بغیر عمد> این است که خداوند، آسمان ها را بدون ستون آفریده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۱ - ۳

۳ - آفرینش آسمان ها و زمین ، دلیل و نشانه توانایی خداوند بر برپایی قیامت و آفرینش مجدد انسان ها

أوَلیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن یخلق مثلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۱۰

۱۰ – آفرینش و تدبیر آسـمان ها و زمین و پیدایش شب و روز و تسخیر خورشید و ماه ، جلوه های عزت و قدرتمندی خداوند است

.

خلق السموت و الأرض . .. كلّ يجری لأجل مسمًّی ألا هو العزيز

يادآوری عزت و قدرتمندی خداوند در پايان آيه شريفه و پس از يادآوری آفرينش آسمان، زمين و. ..، گويای برداشت ياد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۸ - ۲

۲ - جهان (آسمان ها ، زمين و . . .) ، مخلوق خدا و جلوه قدرت او است .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض ليقولنّ اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۲ - ۱،۱۱

۱ - خداوند ، جهان آفرينش را به صورت هفت آسمان بياراست و نظام بخشيد .

فقضهنّ سبع سموت

۱۱ - آفرينش و تدبير آسمان ها و زمين ، جلوه ای از علم و قدرت الهی است .

ذلك تقدير العزيز العليم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۱ - ۲،۳

۲ - خلقت آسمان ها و زمين ، بدون هيچ گونه سابقه و الگوی پيشين

فاطر السموت و الأرض

<فاطر> (از ماده <فطر>)به معنای ابداع و آفرينش بدون سابقه نيز آمده است.

۳ - آسمان ها و زمين ، پيش از شكل يافتن به وضع موجود به صورت توده ای واحد و متراكم بود .

فاطر السموت و الأرض

<فطر> (مصدر <فاطر>) به معنای دریدن و جدا کردن است. به کارگیری این ماده می تواند به این مطلب اشاره داشته باشد که آسمان ها، پیش از این که به شکل فعلی در آید به صورت یک توده فشرده و متراکمی بود و سپس با انفجار عظیم از

هم جدا و متفرق شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۹ - ۱،۷

۱ - آفرینش آسمان ها و زمین و جانداران ، از نشانه های روشن خدا و قدرت او است .

و من ءایته خلق السموت و الأرض و ما بثّ فیهما من دابّه

۷ - آفرینش آسمان ها ، زمین و موجودات زنده ، تنها بخشی از آیات الهی است .

و من ءایته

با توجه به معنای <من> که برای تبعیض است به دست می آید که جهان هستی سرشار از آیات خداوند است و آفرینش آسمان ها و زمین تنها بخشی از آنها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۵

۵- آفرینش بهینه آسمان ها و زمین و سایر موجودات ، نمود عزت و حکمت الهی است .

من اللّه العزیز الحکیم . ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما إلّابالحقّ

از ارتباط این آیه با ذیل آیه قبل (من اللّه العزیز الحکیم)، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۳ - ۴

۴- آفرینش توانمندانه آسمان ها و زمین از سوی خداوند ، دلیل قدرت او بر تجدید حیات مردگان

اللّه الذی خلق . .. و لم یعی بخلقهنّ بقدر علی أن یحیی الموتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۸ - ۳،۶

۳ - آفرینش آسمان ها و زمین ، نمودی از قدرت عظیم الهی

و لقد خلقنا السموت و الأرض

به قرینه آیات پیشین

که بیـان کننـده قـدرت قـاهره الهی بود و نیز به قرینه ذیـل آیه (و ما مسّـنا من لغوب) طرح مسأله آفرینش آسـمان و زمین برای نمایاندن قدرت الهی است.

۶ – خلقت آسمان ها و زمین بدون کم ترین زحمت و دشواری ، نشان قدرت خداوند بر معاد

و لقد خلقنا . .. و ما مسّنا من لغوب

بـا توجه به این که سـیاق عمـده آیـات پیشـین، در اثبـات معاد بود; طرح خالقیت خـدا و آسان بودن خلقت برای او، می تواند بیانگر امکان معاد و دشوار نبودن آن باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۱۲ – ۹،۱۱،۱۴

۹ – آفرینش آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها ، جلوه ای روشن و نشانه ای گویای از قدرت بی پایان خداوند

اللّه الذی خلق سبع سموت . .. لتعلموا أنّ اللّه علی کلّ شیء قدیر

۱۱ – آفرینش آسمان ها و زمین ، جلوه ای روشن و نشانه ای گویا از علم مطلق و همه جانبه خداوند است .

اللّه الذی خلق سبع سموت . .. لتعلموا ... أنّ اللّه قد أحاط بکلّ شیء علمًا

۱۴ – آفرینش آسـمان هـا و زمین و تـدبیر امور آنها ، نشانه تحقّق وعـده های خداونـد به برپایی قیامت و وجود بهشت و جهنّم است .

أعدّ اللّه لهم عذابًا شدیدًا . .. جنّت تجری من تحتها الأنهر ... اللّه الذی خلق

یادآوری خلقت آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها پس از ذکر دو گروه دوزخیان و بهشتیان در آیات گذشته می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

خلقت آسمان های هفتگانه

جلد –

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۳ – ۴

۴ – آفرینش آسمان هفتگانه ، جلوه و نشانه فرمان روایی و قدرت مطلق و بی چون خداوند

بیده الملک . .. الذی خلق سبع سموت طباقًا

جمله <الذی خلق سبع سماوات طباقاً> توضیح و تبیین دیگری برای آثار و جلوه های ملک و قدرت مطلق خداوند است.

خلقت آسمانها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۳۰ – ۸

۸– اندیشیدن در پدیده های جهان خلقت ، از راه های دستیابی انسان به توحید و یگانگی خداوند

أوَلم یر الذین کفروا أنّ السموت . .. أفلایؤمنون

خلقت آفرینش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۷ – ۲۷

۲۷ مالکیت و سلطنت مطلق خداوند بر هستی ، دلیل توانایی او بر هر نوع آفرینش (مانند آفرینش انسان بدون واسطه پدر)

للّه ملک السموت و الارض و ما بینهما یخلق ما یشاء

بنابر اینکه <یخلق ما یشاء>، نتیجه ای باشد برای <للّه ملک السموت والارض>

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱ – ۱۰

۱۰ توجه به آفرینش مجموعه جهان هستی به دست خداوند، زمینه ساز اعتقاد به توحید ربوبی است.

الحمد للّه الذی خلق السموت و الأرض . .. ثم الذین کفروا بربهم یعدلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۱ - ۱۰

۱۰ آفرینش هستی بر اساس علم گسترده خداوند است.

خلق کل شیء و هو بکل شیء علیم

جلد - نام سوره - سوره

- آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۳۴ – ۵

۵ جهان آفرینش ، جهانی است حادث و ناپایدار .

قل هل من شرکائکم من یبدؤا الخلق ثم یعیده

جمله <یبـدؤا الخلق> مسبوق به عـدم بودن پدیـده های جهان را می رساند و <ثم یعیده> بیانگر این است که این جهان به سوی مرگ و انقراض در حرکت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۲ – ۲۰

۲۰ توان خداوند بر آفرینش هستی و تدبیر امور آن ، دلیل توانایی او بر ایجاد قیامت است .

الله الذی رفع السموت . .. یفصل الأیت لعلکم بلقاء ربکم توقنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳ – ۱

۱ خداوند ، گسترنده زمین و قرار دهنده کوه ها و رود ها در دل آن

و هو الذی مدّ الأرض و جعل فیها روسی و أنهرًا

<مدّ> به معنای گسترانیدن و پهن کردن است. <رواسی> (جمع راسیه) به معنای کوههای استوار است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۸۵ – ۷

۷– حق بودن (هدفدار و حکیمانه بودن) نظام آفرینش ، مقتضی برپایی قیامت

و ما خلقنا السموت . .. إلاّ بالحقّ و إن الساعه لأتیه

جمله <إن السـاعه لأتیه> به منزله نتیجه استـدلال به آیه <و مـا خلقنـا السـموات . .. إلاّ بالحق> است; یعنی، چون جهان بر اساس حق آفریده شده است، قهراً برپایی قیامت قطعی خواهد بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳ – ۷

۷- آفرینش

آسمان ها و زمین (جهان هستی) دلیلی بر قدرت خداوند بر محقق ساختن وعده هایش

أتی أمر الله . .. خلق السموت و الأرض بالحق تعلی عمّا یشرکون

جمله <خلق السماوات . ..> می تواند به منزله تعلیلی برای روشن نمودن قدرت خداوند بر محقق ساختن وعده هایش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۹ - ۷،۸

۷ آفرینش جهان هستی (آسمان ها ، زمین و . . .) جلوه ای از رحمانیت خداوند

الذی خلق السموت و الأرض . .. الرحمن

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که <الذی خلق> مبتدا و <الرحمان> خبر آن باشد; یعنی، آن کسی که جهان را آفرید، رحمان است و قهراً جهان، جلوه ای از رحمانیتش می باشد.

۸ آفرینش جهان هستی (آسمان ها ، زمین و . . .) جلوه ای از حیات جاویدان خداوند

الحیّ الذی لایموت . .. الذی خلق السموت و الأرض

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که <الذی خلق> صفت برای >الحیّ> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۴ - ۸،۱۲

۸ - خلق و تدبیر جهان ، نشأت یافته از مبدأ واحد است .

اللّه الذی خلق . .. ثمّ استوی علی العرش

۱۲ - یکتایی خدا در خلق و تدبیر عالم ، دلیل وجود نداشتن سرپرست و یاوری برای انسان ها جز خود او است .

اللّه الذی خلق . .. ما لکم من دونه من ولیّ و لاشفیع

احتمال دارد ذکر <ما لکم من دونه. ..> پس از بیان یکتایی خداوند در آفریننده گی و

تدبیر، به این منظور باشد که چون همه چیز در دست اقتدار او است، کسی جز او نمی تواند ولیّ و شفیع باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۳ - ۶،۸

۶ - آفرینش جهان هستی چون انسان ، دریا ، خورشید و ماه ، از نشانه های خدای حقیقی (اللّه)

و اللّه خلقکم من تراب . .. ثمّ جعلکم أزوجًا ... و ما یستوی البحران ... و سخّر ال

<ذلکم> اشاره به کسی است که اشیای ذکر شده را آفریده و صاحب خلق و جعل می باشد.

۸ - آفرینش جهان (انسان ، دریا ، خورشید و ماه) ، جلوه ای از ربوبیت خدا است .

اللّه خلقکم من تراب . .. و ما یستوی البحران ... و سخّر الشمس و القمر ... ذلکم ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۱ - ۳

۳ - نیازمندی ممکنات (جهان هستی) در بقا به خداوند ، همانند نیاز آنها در اصل وجود

إنّ اللّه یمسک السموت و الأرض . .. إن أمسکهما من أحد من بعده

این آیه هر چند درباره آسمان ها و زمین بحث کرده; ولی ممکن است به وجود این قانون عام در جهان هستی نیز اشاره داشته باشد که همه ممکنات، در اصل وجود و در بقای خود، به خداوند نیازمند می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۱۶،۱۸،۲۳

۱۶ - آفریدن جهان هستی (آسمان ، زمین ، انسان و . . .) ،

از اوصاف و نشانه های خدای حقیقی (اللّه)

خلق السموت و الأرض . .. خلقکم من نفس وحده ... ذلکم اللّه

<ذلکم> اشاره به کسی است که اشیای ذکر شده را آفریده و صاحب اوصاف خلق و جعل است.

۱۸ - آفرینش جهان (آسمان ، زمین ، خورشید ، ماه و انسان) جلوه ربوبیت خدا است .

خلق السموت و الأرض . .. خلقکم من نفس وحده ... ذلکم اللّه ربّکم

۲۳ - آفرینش جهان (آسمان ، زمین و انسان) ، دلیل یکتایی خدا و پوچی معبود های دیگر

خلق السموت و الأرض . .. خلقکم من نفس وحده ... لا إله إلّا هو

برداشت بالا مبتنی براین دیدگاه است که جمله <لا إله إلّا هو> که پس از بحث از خلقت جهان آمده است به منزله نتیجه و جمع بندی آن بحث باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۱ - ۱۵

۱۵ - آفرینش جهان و ایجاد نظام زوجیت ، تجلی ربوبیت بی همتای خداوند

ذلکم اللّه ربّی . .. جعل لکم من أنفسکم أزوجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۴ - ۵

۵- توانایی بر خلقت جهان و تدبیر امور آن ، شرط شایستگی معبود برای پرستیده شدن

ماذا خلقوا من الأرض أم لهم شرک فی السموت

در این آیه، به ناتوانی بت ها در امر خلقت و تدبیر جهان اشاره شده است و این خود می نمایاند که توانایی بر خلقت و تدبیر، ملاکی است که براساس آن، می توان معبود واقعی را از معبود دروغین، متمایز ساخت.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۸ - ۵

۵ - آفرینش جهان ، با همه گستردگی و عظمت آن ، فاقد کم ترین خستگی و رنج برای خداوند

و لقد خلقنا . .. و ما مسّنا من لغوب

<لغوب> به معنای تعب و خستگی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۶ - ۳

۳ - توجه و ایمان به آفرینش هستی به وسیله خداوند ، متقضی گردن نهادن به دستورات او

أم خلقوا السموت و الأرض

خداوند، برای به اطاعت واداشتن کافران، آنان را به خالقیت خویش تذکر داده است; زیرا پذیرش خالقیت خداوند، مسلتزم اطاعت او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۲ - ۲،۴

۲ - آفرینش نشأه نخستین (جهان فعلی) ، نشانی روشن از توانایی خداوند بر آفرینش نشأه دیگر (جهان آخرت)

و لقد علمتم النشأه الأُولی فلولا تذکّرون

۴ - انکار جهان آخرت به رغم مشاهده قدرت خداوند در آفرینش نشأه نخستین (جهان فعلی) نشانه غفلت و بی توجهی است .

و لقد علمتم النشأه الأُولی فلولا تذکّرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۳ - ۶

۶ - تشویق و ترغیب خداوند ، به نگاه ژرف در مبدأ پیدایش جهان و نظم و هماهنگی میان آنها

ما تری فی خلق الرحمن من تفوت ثمّ ارجع البصر هل تری من فطور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – اعلی – ۸۷ – ۲ – ۶

۶ –

آفریدن و نظام دادن به جهان هستی ، اقتضای ربوبیت خداوند است .

ربّک . .. الذی خلق فسوّی

خلقت آهن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۲۵ – ۲۶

۲۶ – < عن أمیرالمؤمنین (ع) قال : . . .و قال : < و أنزلنا الحدید فیه بأس شدید > فإنزاله ذلک خلقه إیّاه ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است: خداوند می فرماید: . ..<و أنزلنا الحدید فیه بأس شدید> و مراد از <انزال حدید> خلقت آن است>.

خلقت ابتدایی انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۶۴ – ۳

۳ – آفرینش ابتدایی انسان ، خود گواه امکان معاد و احیای مجدد وی

أمّن یبدؤا الخلق ثمّ یعیده

سخن گفتن خداوند درباره <بدء> و پدید آوردن خلق در کنار مسأله معاد، می تواند از آن جهت باشد که به انسان یادآوری کند که اعاده حیات برای پدیدآورنده آن، کاری دشوار و نشدنی نیست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۲۷ – ۴،۱۳

۴ – آفرینش نخست انسان ، نشانه قدرت مندی خداوند بر باز آفرینی او در عالم آخرت است .

و هو الذی یبدؤا الخلق ثمّ یعیده

۱۳ – آفرینش نخست انسان ها و بازآفرینی آنان پس از مرگ ، مقتضای حکمت و عزت خداوند است .

و هو الذی یبدؤا الخلق ثمّ یعیده . .. و هو العزیز الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۴۰ - ۲

۲ - آفرینش آغازین انسان ، از نطفه و علقه

به همراه ساختاری معتدل و هماهنگ ، دلیل قدرت خداوند بر برپایی قیامت و احیای مردگان

ألم یک نطفه من منیّ یمنی . .. فخلق فسوّی ... ألیس ذلک بقدر علی أن یحیی الموتی

خلقت ابتدایی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۱ - ۳

۳ - آفرینش نخستین انسان ، نشانه قدرت مندی خداوند بر باز آفرینی وی در عالم آخرت است .

اللّه یبدؤا الخلق ثمّ یعیده ثمّ إلیه ترجعون

این آیه، به قرینه آیه بعد که درباره برپایی قیامت است درصدد اثبات معاد از طریق توجه دادن به خلقتِ نخستینِ انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۸ - ۱،۳

۱ - آفرینش نخستین انسان ها و زنده کردن مجدد آنان پس از مرگ ، برای خداوند همانند آفریدن یک تَن است .

ما خلقکم و لابعثکم إلاّ کنفس وحده

۳ - فاصله افتادن میان خلقت نخستین انسان و زنده کردن مجدد او پس از مرگ ، تأثیری در آن خلقت ندارد .

ما خلقکم و لابعثکم إلاّ کنفس وحده

چنان چه مفسران گفته اند، مشرکان با تعجب سؤال می کردند که <چگونه امکان دارد که انسانی پس از سال ها مردن، مجدداً زنده شود؟>. آیه در صدد پاسخ به آن پرسش است و تشریح می کند که خلقت نخستین و دوباره، همانند آفریدن یک تن است و فاصله ایجاد شده، تأثیری ندارد.

خلقت ابتدایی موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۵ - ۳

۳ نخستین وجود هر موجود ، برهان

امکان معاد

أفعيينا بالخلق الأوّل

تعبير <أفعيينا بالخلق الأوّل> کافران را به وجود فعلی موجودات توجه می دهد و همين توجّه را برای پی بردن به امکان معاد کافی می شمارد; زيرا آن کس که قادر بر خلق باشد، مرتبه نخست و مرتبه دوم برايش يکسان است.

خلقت ابليس

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۲ - ۵

۵ آفرينش ابليس از آتش موجب احساس برتری وی بر آدم(ع)

قال أنا خير منه خلقتنی من نار و خلقته من طين

خلقت اخروی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۹ - ۶

۶- رستاخيز و معاد انسان ، آفرينشی نو و جديد است .

أءنّا لمبعوثون خلقًا جديدًا

خلقت از آب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۵ - ۱،۱۳

۱ - خداوند ، [در آغاز] هر جانداری را از آب آفريد .

و اللّه خلق کلّ دابّه من ماء

به حيوانات و جانداران روی زمين چه بزرگ و قابل رؤيت باشند و چه کوچک و غير قابل ديدن <دابّه> گويند (لسان العرب).

۱۳ – آفرینش انواع جانداران از جسمی مایع ، جلوه ای از قدرت مطلق خداوند است .

و اللّه خلق کلّ دابّه من ماء . .. یخلق اللّه ما یشاء إنّ اللّه علی کلّ شیء قدیر

خلقت از آتش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۷۶ – ۳

۳ – ابلیس ، آفریده شدنش از آتش و آفرینش آدم از گل را ، دلیل برتری و مهتری

خود بر آدم معرفی کرد .

قال أنا خیر منه خلقتنی من نار و خلقته من طین

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <خلقتنی من نار. ..> در مقام تعلیل و تبیین برای جمله <أنا خیر منه> می باشد.

خلقت از خاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۵،۶،۷

۵- خاک ، مبدأ نخستین آفرینش انسان

فإنّا خلقنکم من تراب

۶- قابلیت خاک برای پیدایش موجودات زنده از آن

فإنّا خلقنکم من تراب

۷- تحول خاک به نطفه ، تبدیل نطفه به علقه و تکامل علقه به مضغه ، روند آفرینش انسان

فإنّا خلقنکم من تراب ثمّ من نطفه ثمّ من علقه ثمّ من مضغه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶ - ۲،۴،۶

۲ آفرینش انسان از خاک ، رشد مرحله به مرحله او در رحم ، صعود تدریجی از طفولیت (مرحله ضعف جسمی و عقلی) به اوج جوانی و نزول تدریجی از اوج بتوانایی (جوانی) به حضیض ناتوانی (کهولت و پیری) ، جلوه های ربوبیت خدا و یگانگی او

فإنّا خلقناکم من تراب . ..لکیلا یعلم من بعد علم شیئًا ... ذلک بأنّ اللّه هو الحق

۴ - آفرینش انسان و انواع گیاهان از بستر خاک مرده و بی جان ، نمایشی است از قدرتمندی و توانایی خداوند بر احیای همه مردگان در روز رستاخیز .

فإنا خلقناکم من تراب. .. و تری الأرض هامده... و أنّه یحی الموتی

جمله <و أنّه یحیی. ..> عطف بر <أنّ الله هو الحقّ> و به تقدیر <و ذلک بأنّ اللّه یحیی

الموتی > می باشد; یعنی، آن قدرت نمایی ها بدان سبب است که خداوند می تواند مردگان را زنده کند.

۶ - آفرینش انسان و رویاندن انواع گیاهان از بستر خاک مرده و بی جان ، نمودی از قدرت بی کران و نامحدود خداوند

و أنّه علی کلّ شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷ - ۶،۸

۶ - آفرینش انسان و انواع گیاهان از بستر خاک مرده و بی جان ، یادآور رستاخیز و دلیلی گویا بر قطعی بودن برپایی آن .

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <الساعه> به برپایی قیامت و <ذلک> در آیه قبل به خلقت انسان و ایجاد انواع گیاهان: إن کنتم فی ریب من البعث فإنّا خلقناکم من تراب. .. فإذا أنزلنا علیها الماء اهتزّت و ربت> اشاره داشته باشد.

۸ - خلقت انسان و رویش انواع گیاهان از خاک بی جان ، نشانگر توانمندی خدا بر احیای مردگان در روز رستاخیز

فإنّا خلقناکم . .. و تری الأرض هامده ... و أنّ اللّه یبعث من فی القبور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۰ - ۱،۲،۳،۴،۶،۸،۹،۱۰

۱ - از جمله آیات خداوند ، آفریدن انسان ها از خاک است .

و من ءایته أن خلقکم من تراب

۲ - خداوند ، پدید آورنده انسان ها از خاک است .

خلقکم من تراب

۳ - خاک ، مبدأ پیدایش انسان ها است .

و من ءایته أن خلقکم من تراب

۴ - پدیدآمدن انسان های زنده از دل خاک مرده ، نمودی از پدید آوردن موجود جان دار از موجود بی جان

به دست خداوند است .

يخرج الحىّ من الميّت . .. و من ءايته أن خلقكم من تراب

۶ - پديد آوردن موجودى زنده مانند انسان از دل خاك مرده ، از نشانه هاى توان مندى خداوند بر احياى مجدد انسان ها است .

و كذلك تخرجون . و من ءايته أن خلقكم من تراب

از اين آيه به بعد، چندين آيه، در صدد شمارش آيات الهى است. از ميان آن آيات، ذكر مناسب ترين آيه با <و كذالك تخرجون> پس از آن، مى تواند در ضمن بيان آيات الهى، اشاره به نكته فوق باشد.

۸ - آفرينش انسان از خاك تا صورت آدمى ، مراحل مختلفى داشته است .

أن خلقكم من تراب ثمّ إذا أنتم بشر تنتشرون

<ثمّ> حرف تراخى است و دلالت بر مهلت و مدت مى كند و از طرفى <إذا> فجاييه است و دلالت بر ناگهانى بودن مى كند. جمع بين اين دو، به اين است كه ميان خلق انسان از مبدأ خاك تا صورت انسانى، مراحلى طى شده كه چندان روشن و آشكار نبوده است.

۹ - پديد آمدن موجودى زنده به نام انسان از خاك مرده ، امرى غير منتظره و سزاوار تأمل است .

أن خلقكم من تراب ثمّ إذا أنتم بشر تنتشرون

<إذا>ى فجاييه در آيه، مى تواند حكايت از اين حقيقت باشد.

۱۰ - تبديل شدن خاك پس از گذر از مراحل لازم به انسان ، جهش گون و سريع است .

أن خلقكم من تراب ثمّ إذا أنتم بشر تنتشرون

<إذا> فجاييه است و دلالت بر ناگهانى بودن مى كند، لذا از آن، سرعت و حالت جهشى بودن به دست مى آيد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۱ - ۱۳

۱۳ - آیه بودن آفرینش انسان از خاک ، برای متفکران ، قابل درک است .

و من ءایته أن خلقکم من تراب . .. إنّ فی ذلک لأیت لقوم یتفکّرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۷ - ۲،۳،۴

۲ - خاک ، مبدأ نخستین آفرینش انسان

خلقکم من تراب

۳ - قابلیت خاک برای پیدایش موجودات زنده از آن

خلقکم من تراب

۴ - تحوّل خاک به نطفه تبدیل نطفه به علقه و تکامل آن ، روند آفرینش انسان

خلقکم من تراب ثمّ من نطفه ثمّ من علقه ثمّ یخرجکم طفلاً

خلقت از دود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۱ - ۲

۲ - آسمان ، پیش از سامان یافتن و شکل گیری به صورت توده هایی از دود بود .

ثمّ استوی إلی السماء و هی دخان

خلقت از علقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۴۰ - ۲

۲ – آفرینش آغـازین انسـان ، از نطفه و علقه به همراه ساختـاری معتـدل و هماهنگ ، دلیل قـدرت خداونـد بر برپایی قیامت و احیای مردگان

ألم یک نطفه من منیّ یمنی . .. فخلق فسوّی ... ألیس ذلک بقدر علی أن یحیی الموتی

خلقت از گل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۲۹ – ۶

۶– گِل بد بو ، سیاه و خشکیده به انضمام روح الهی ، آغاز پیدایش نخستین انسان

إنی خلق بشرًا من صلصل من حمإ

مسنون . فإذا سوّیته و نفخت فیه من روحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶۱ – ۷

۷- ابلیس ، موجود خلق شده از گِل را از جنس خود پست تر و کم ارزش تر می دانست .

ءأسجد لمن خلقت طینًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۲ – ۲،۳

۲ – آفرینش نخستین انسان از عصاره گِل (خاک آمیخته با آب)

و لقد خلقنا الإنسن

سیاق آیات مورد بحث، نشان می دهد که مراد از <انسان>، نوع انسان است که شامل <حضرت آدم> و غیر او می شود. بنابراین مقصود از <خلق> در این آیه، آفرینش ابتدایی آدم است که از <گِل> آفریده شد. آیه بعد نیز، بیانگر آفرینش نسل آدم است که از نطفه آفریده شده و می شود.

۳ – آفرینش انسان از گِلی ناچیز و بی جان ، نمود عظمت و قدرت خیره کننده آفریدگار

و لقد خلقنا الإنسن من سلله من طین

نکره آوردن <سلاله> و <طین> ظاهراً برای تحقیر است; یعنی: به یقین ما انسان را از عصاره ای ناچیز از گِلِی بی مقدار آفریدیم.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۳ – ۳

۳ – آفرینش نسل آدم از نطفه پس از آفرینش خود وی از عصاره گِل

و لقد خلقنا الإنسن من سلله من طین . ثمّ جعلنه نطفه فی قرار مکین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۷۱ – ۴

۴ – گِل ، خمیرمایه آفرینش انسان

إذ قال ربّک للملئکه إنّی

خلق بشرًا من طین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۷۶ – ۳

۳ – ابلیس ، آفریده شدنش از آتش و آفرینش آدم از گل را ، دلیل برتری و مهتری خود بر آدم معرفی کرد .

قال أنا خیر منه خلقتنی من نار و خلقته من طین

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <خلقتنی من نار. ..> در مقام تعلیل و تبیین برای جمله <أنا خیر منه> می باشد.

خلقت از گِل چسبنده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۱ – ۶،۷

۶ – آفرینش آغازین انسان از گِل چسبنده بود .

إنّا خلقنهم من طین لازب

<طین> به معنای <گِل> و <لازب> به معنای <چسبنده> است.

۷ – آفرینش انسان از گِل چسبنده ، گواه برتری آفرینش جهان طبیعت بر آفرینش انسان و شاهد توانایی خدا بر احیای مجدد انسان ها از خاک است .

إنّا خلقنهم من طین لازب

برداشت فوق از آن جا است که جمله <إنّا خلقناهم من طین لازب> تعلیل است برای آنچه مورد استفتا و استفهام در جملات قبل بود.

خلقت از گل خشک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۲۶ – ۴

۴- تبدیل گِل و لای بد بو و تیره رنگ به انسان ، از آیات خداوند است .

و لقد خلقنا الإنسن من صلصل من حمإ مسنون

خلقت از مایعات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۴۵ – ۳

۳ – خداوند ، موجودات جاندار را از انواع مایع های متناسب

خود آفرید .

و اللّه خلق کلّ دابّه من ماء

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که تنکیر <ماء> برای تنویع باشد. بر این اساس معنای <ماء> انواع جسم مایع است و مقصود این است که عنصر اولی و منشأ پیدایش حیات جانداران، از جسم مایع است و حیات هر جانداری از مایعی متناسب خود می باشد.

خلقت از منی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۶ - ۲

۲ - جسم انسان ، از آبی آفریده شده است که از مرد و زن یکباره تخلیه شده و از ظرف خود بیرون می جهد .

ماء دافق

این احتمال وجود دارد که مراد از <ماء دافق>، نطفه مرد و تخمک زن هر دو باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۸ - ۲

۲ - آفرینش انسان از منی ، برهان قدرت خداوند بر معاد و تجدید حیات انسان است .

خلق من ماء . .. یخرج ... إنّه علی رجعه لقادر

خلقت از نطفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۳ - ۳

۳ - آفرینش نسل آدم از نطفه پس از آفرینش خود وی از عصاره گِل

و لقد خلقنا الإنسن من سلله من طین . ثمّ جعلنه نطفه فی قرار مکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۷۷ – ۵

۵ – آفرینش انسان از نطفه ، دلیل و نشانه توانایی خداوند بر برپایی قیامت و زنده کردن انسان

أوَلم یر الإنسن أنّا خلقنه من نطفه

با توجه

به آیات بعـدی و نیز شأن نزول ها که این آیه و آیات بعدی را درباره فردی به نام <عاصب بنوائل> (از منکران معاد) دانسـته است (مجمع البیان و دیگر تفاسیر)، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۶ - ۱،۲،۳

۱ - پیدایش زن و مرد ، از نطفه به اراده خدای یگانه

و أنّه خلق . .. الذکر و الأُنثی . من نطفه

۲ - پیدایش زوجین (نر و ماده) ، از آبی اندک (نطفه) ، شایان تأمل و درس آموزی

و أنّه خلق الزوجین الذکر و الأُنثی . من نطفه

<نطفه> در اصل به آب اندکی گفته می شود که ته ظرف باقی مانده باشد (قاموس المحیط).

۳ - پیدایش انسان از آبی اندک (نطفه) ، نمودی از قدرت و ربوبیت الهی

و أنّ إلی ربّک المنتهی . .. و أنّه خلق ... من نطفه

از ارتباط این آیه با آیه <و أنّ إلی ربّک المنتهی>، مطلب بالا قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۴۰ - ۲

۲ - آفرینش آغـازین انسـان ، از نطفه و علقه به همراه ساختـاری معتـدل و هماهنگ ، دلیل قـدرت خداونـد بر برپایی قیامت و احیای مردگان

ألم یک نطفه من منیّ یمنی . .. فخلق فسوّی ... ألیس ذلک بقدر علی أن یحیی الموتی

خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۴،۵،۱۶،۲۰

۴ - گفتگوی خدا و فرشتگان درباره خلقت و خلافت انسان

و إذ

قال ربّک للملئکه . .. قالوا أتجعل فیها من یفسد ... قال إنی أعلم ما لاتعلمون

۵ - خداوند تقدیر خویش را بر خلقت و خلافت انسان در زمین ، به فرشتگان اعلام کرد .

و إذ قال ربّک للملئکه إنی جاعل فی الأرض خلیفه

۱۶ انسان دارای ارزش ها و استعدادهایی که وی را شایسته خلقت و زیبنده خلافت می کرد .

إنی أعلم ما لاتعلمون

مقصود از <ما لاتعلمون> می تواند استعداد و قابلیت نهفته در انسان باشد. همچنین مراد از آن می تواند علوم و حقایقی باشد که بر فرشتگان مخفی بوده و شایستگی دریافت آن را نداشتند. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۲۰ نا آگاهی فرشتگان به ارزش های والای انسان ، موجب شد تا فسادگری او برای فرشتگان جلوه گر شود و به خلقت و خلافتش معترض باشند .

أتجعل فیها من یفسد فیها . .. قال إنی أعلم ما لاتعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ اعتراف فرشتگان به عالمانه و حکیمانه بودن آفرینش انسان و انتخاب او برای خلافت

إنّک أنت العلیم الحکیم

از هدفهای فرشتگان در توصیف خداوند به علیم و حکیم بودن - پس از اظهار تشکیک در شایستگی انسان برای خلافت - اعتراف و اقرار به ارزش والای انسان و عالمانه و حکیمانه بودن آفرینش اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۸ - ۸

۸ خداوند ، آفریننده هر چیزی است که در رحم به وجود می آید . (خون ، جنین و . . . .)

ما

خلق اللّه فی ارحامهنّ

با توجّه به لفظ <ما> که خود، جنین و . .. را شامل می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱ - ۲،۴،۵،۹،۱۰

۲ آفرینش انسان و تدبیر امور او به دست خداوند ، مقتضی تقوا و پروا از اوست .

اتّقوا ربّکم الّذی خلقکم

جمله <الّذی خلقکم . .. >، صفت برای <ربّکم> و اشاره به علت لزوم رعایت تقواست. یعنی چون شما را خلق کرد و امور شما را تدبیر نمود، لازم است تقوا داشته باشید و احکام او را انجام دهید.

۴ خداوند ، آفریننده انسان ها از شخص واحد (آدم)

ربّکم الّذی خلقکم من نفس واحده

۵ آفرینش آدمیان از شخص واحد و نبودن امتیاز در خلقت آنان ، پرتویی از ربوبیّت الهی نسبت به آنان

اتّقوا ربّکم الّذی خلقکم من نفس واحده

۹ تساوی مردم در اصل آفرینش و نبودن امتیاز در خلقت آنان ، موجب مسؤولیت تمامی آنان در برابر قوانین الهی

اتّقوا ربّکم الذی خلقکم من نفس واحده و خلق منها زوجها

جمله <خلقکم من نفس واحده>، علاوه بر بیان این حقیقت که تمامی انسانها از نسلی واحدند، به این معنا اشاره دارد که بین آنان در خلقت هیچگونه امتیاز و تبعیضی نیست و لذا همه موظف به رعایت تقوا هستند.

۱۰ خداوند ، گسترش دهنده مردان و زنان بسیار (نسل بشر) ، از یک زن و مرد (آدم و حوّا)

خلقکم من نفس واحده . .. و بثّ منهما رجالاً کثیراً و نساءً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴

۱ خداوند ، توانا بر هلاکت تمامی انسان ها و آفرینش انسانهایی دیگر

ان یشأ یذهبکم ایها الناس و یأت باخرین و کان اللّه علی ذلک قدیراً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۷ – ۲۷

۲۷ مالکیت و سلطنت مطلق خداوند بر هستی ، دلیل توانایی او بر هر نوع آفرینش (مانند آفرینش انسان بدون واسطه پدر)

للّه ملک السموت و الارض و ما بینهما یخلق ما یشاء

بنابر اینکه <یخلق ما یشاء>، نتیجه ای باشد برای <للّه ملک السموت والارض>

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۲ – ۱۱،۱۰،۸،۲

۲ گِلی مخصوص، خمیر مایه آفرینش انسان

هو الذی خلقکم من طین

نکره بودن <طین> دلالت دارد که گِلی مخصوص برای آفرینش انسان به کار رفته است.

۸ اراده و قضای الهی حاکم بر پیدایش و مرگ آدمی

هو الذی خلقکم . .. ثم قضی أجلا و أجل مسمی عنده

۱۰ توجه انسان به آفرینش و مرگ خویش، زمینه شناخت ربوبیت یگانه خداوند

بربهم یعدلون. هو الذی خلقکم من طین ثم قضی أجلا ... ثم أنتم تمترون

۱۱ مطالعه در آفرینش انسان و مرگ و حیات وی، زداینده تردید در یگانگی خداوند

هو الذی خلقکم من طین ثم قضی أجلا . .. ثم أنتم تمترون

از جمله <ثم أنتم تمترون>، که بیان استبعاد هر گونه تردید در یگانگی خداوند پس از توجه به مضامین صدر آیه است،

چنین برمی آید که بعد از این توجه، علی القاعده نباید تردیدی در توحید و اعتقاد بدان وجود داشته باشد.

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۲۹ – ۱۴

۱۴ آفرینش نخستین انسان دلیلی بر امکان معاد

کما بدأکم تعودون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۷۲ – ۲،۳

۲ خداوند پس از خلقت هر انسان ، حقیقت وی را در ارتباط با ربوبیت الهی بر او آشکار می سازد .

و إذ أخذ ربک . .. و أشهدهم علی أنفسهم ألست بربکم

<أشهده علی کذا> یعنی او را حاضر کرد تا وجود امری یا تحقق فعلی را ببیند و بر آن آگاه شود تا به هنگام لزوم گواهی دهد. بنابراین <أشهدهم علی أنفسهم>، یعنی خداوند انسانها را به وجود خودشان حاضر کرد تا خود را ببینند. جمله <ألست بربکم> (آیا پروردگار شما نیستم)، بیان می دارد که مراد از شهود خویش، دیدن خود در ارتباط با ربوبیت خداوند است. یعنی خود را ببینند و دریابند که وجودشان وابسته به خداوند و ربوبیت اوست.

۳ هر یک از انسان ها پس از خلقتشان در حیات دنیا ، دارای دو نشئه وجودی هستند : نشئه شهود ارتباط خویش با خداوند و نشئه غیبت و محجوب بودن از خدا

و إذ أخذ ربک . .. و أشهدهم علی أنفسهم

عطف <أشهدهم> بر <أخذ ربک> دلالت می کند که مسأله اشهاد و اقرار در همین حیات دنیوی انسان انجام گرفته است. یعنی هر یک از انسانهای موجود بالعیان ربوبیت خداوند را مشاهده کرده اند. و این در حالی است که عموم انسانها چنین شهود و علم حضوری را نسبت به پروردگار خویش ندارند. لذا می توان گفت انسان دارای دو جنبه

است: جنبه ای که شاهد ربوبیت خدا بوده و جنبه ای که چنین شهودی برای او نیست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۲۶ – ۴

۴- تبدیل گِل و لای بد بو و تیره رنگ به انسان ، از آیات خداوند است .

و لقد خلقنا الإنسن من صلصل من حمإ مسنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۲۸ – ۱،۴

۱- خداوند ، تصمیم خود را مبنی بر آفرینش انسان ، به ملائکه اعلام کرد .

و إذ قال ربّک للملئکه إنی خلق بشرًا

۴- ربوبیت خداوند ، مقتضی بازگویی قصه خلقت انسان برای پیامبر (ص)

و إذ قال ربّک للملئکه إنی خلق بشرًا من صلصل من حمإ مسنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۲۹ – ۱،۲

۱- خداوند ، اجزای انسان را متناسب و آن گونه که شایسته و سزاوار اوست ، آفریده است .

إنی خلق بشرًا . .. فإذا سوّیته

<تسویه> به معنای قرار دادن شیء به گونه ای است که هر جزئی از آن، در جایگاه شایسته خود قرار گرفته باشد.

۲- خداوند ، پس از پدید آوردن بدن انسان با اجزای متناسب از گِل خشکیده ، در او روح دمید و او را حیات بخشید .

فإذا سوّیته و نفخت فیه من روحی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۴ – ۹

۹- آفرینش انسان از نطفه ، به صورت مجادله گری سخنور ، شاهد و گواه وحدانیت خداوند است .

تعلی عمّا یشرکون . خلق

الإنسن من نطفه فإذا هو خصیم مبین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۷۰ – ۱۱

۱۱– آفرینش و مرگ و اعطای دانش و سلب آن از انسان ، جلوه ای از علم و قدرت الهی است .

و الله خلقکم ثمّ یتوفّکم . .. إن الله علیم قدیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۳۷ – ۹

۹– آفرینش انسان از خاک و نطفه و معتدل ساختن او ، دلایلی روشن بر امکان برپایی معاد و کافی در رفع استبعاد قیامت است .

و ما أظنّ الساعه قائمه . .. أکفرت بالذی خلقک من تراب

پاسخ مرد مؤمن به ثروت مند مغرور، با جمله <أکفرت بالذی. ..> حکایت از آن دارد که انکار معاد از جانب او که با جمله <و ما أظنّ...> بیان شده بود، به جهت استبعاد تجدید حیات آدمی پس از مرگ بوده است، لذا مرد مؤمن، با یادآوری قدرت خداوند و بیان سابقه خاک و نطفه بودن آدمی، به رفع این استبعاد و بیان قدرت خداوند پرداخته است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۹ – ۱۱

۱۱– آفرینش انسان ، نمودی از قدرت خداوند است .

و قد خلقتک من قبل و لم تک شیًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۶۶ – ۴

۴ – تجلی ربوبیت خدا در آفرینش و در مرگ و حیات مجدد انسان ها

و هو الذی أحیاکم ثمّ یمیتکم ثمّ یحییکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲

- مؤمنون - ۲۳ - ۱۲ - ۳

۳ - آفرینش انسان از گِلی ناچیز و بی جان ، نمود عظمت و قدرت خیره کننده آفریدگار

و لقد خلقنا الإنسن من سلله من طين

نکره آوردن <سلاله> و <طین> ظاهراً برای تحقیر است; یعنی: به یقین ما انسان را از عصاره ای ناچیز از گِلی بی مقدار آفریدیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۹ - ۲

۲ - گسترش تدریجی نسل بشر در روی زمین ، پس از پیدایش نوع آن

و هو الذى ذرأكم فى الأرض

برداشت فوق، با توجه به معنای <ذرأ> (پراکندن) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۰ - ۷،۸،۱۰

۷ - انسان ها ، در اصل خلقت ، همسان اند .

أن خلقكم من تراب

۸ - آفرینش انسان از خاک تا صورت آدمی ، مراحل مختلفی داشته است .

أن خلقكم من تراب ثمّ إذا أنتم بشر تنتشرون

<ثمّ> حرف تراخی است و دلالت بر مهلت و مدت می کند و از طرفی <إذا> فجاییه است و دلالت بر ناگهانی بودن می کند. جمع بین این دو، به این است که میان خلق انسان از مبدأ خاک تا صورت انسانی، مراحلی طی شده که چندان روشن و آشکار نبوده است.

۱۰ - تبدیل شدن خاک پس از گذر از مراحل لازم به انسان ، جهش گون و سریع است .

أن خلقكم من تراب ثمّ إذا أنتم بشر تنتشرون

<إذا> فجاییه است و دلالت بر ناگهانی بودن می کند، لذا از آن، سرعت و حالت جهشی بودن به دست می آید.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۱ - ۱۳

۱۳ - آیه بودن آفرینش انسان از خاک ، برای متفکران ، قابل درک است .

و من ءایته أن خلقکم من تراب . .. إنّ فی ذلک لأیت لقوم یتفکّرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۷ - ۲،۴

۲ - خداوند ، آغازکننده آفرینش انسان و بازآفریننده او پس از مرگ است .

و هو الذی یبدؤا الخلق ثمّ یعیده

<ال> در <الخلق> به قرینه <تخرجون>، در آیات قبل، می تواند عهد باشد و منظور از آن انسان است.

۴ - آفرینش نخست انسان ، نشانه قدرت مندی خداوند بر باز آفرینی او در عالم آخرت است .

و هو الذی یبدؤا الخلق ثمّ یعیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۰ - ۱۱

۱۱ - خداوند ، انسان ها را با آفرینشی خاص و فطرتی واحد ، آفریده است .

فطرت اللّه الّتی فطر الناس علیها

<فطرت>، مصدری است که دلالت بر هیئت خاصی می کند. از آن جا که <فطر> به معنای <ایجاد و آفریدن> آمده است، مصدر آن دلالت بر نوع خاصی از آفرینش او می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۰ - ۸

۸ - آفرینش انسان ها و تأمین روزی آنان ، از آیات الهی است .

اللّه الذی خلقکم ثمّ رزقکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۴ - ۱۴،۱۳،۱

۱ - انسان ، در مرحله آغازین آفرینش ،

آکنده از ضعف و ناتوانی است .

اللّه الذی خلقکم من ضعف

<من> در <من ضعف> ابتداییه است و ضَعْف در مقابل <قوّه> معنای شناخته شده ای دارد. آورده شدن <من ضعف> (از ضعف آفریده است) به جای عبارت ها و یا واژه گانی مانند <ضعیفاً> برای توجه دادن به این نکته است که انسان ها، در آغاز خلقت، آکنده از ضعف اند.

۱۳ - آفرینش انسان و مراحل حیات وی ، امری عالمانه و از روی آگاهی است .

اللّه الذی خلقکم . .. و هو العلیم القدیر

۱۴ - آفرینش انسان و حالات مختلف او در مدت عمر ، براساس مشیت خداوند است .

اللّه الذی خلقکم من ضعف . .. یخلق ما یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۸ - ۲،۴

۲ - تکوّن وجود انسان ، تنها با بخشی از آب منی است .

و جعل نسله من سلله من ماء مهین

<سلاله> در لغت به معنای <جدا شده و کنده شده> است و مراد از <ماء مهین> منی است و <من> در <من ماء. ..> برای تبعیض و جزئیت است.

۴ - آفرینش حضرت آدم (ع) با آفرینش نسل او ، متفاوت است .

خلق الإنسن من طین . ثمّ جعل نسله من سلله من ماء مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴ - ۴

۴ - خداوند ، ساختار وجودی انسان را ، شکل و سامان داده است .

ما جعل اللّه لرجل من قلبین فی جوفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۱

- ۶،۱۴

۶ - خداوند ، انسان ها را زوج زوج (زن و مرد) آفرید .

ثمّ جعلکم أزوجًا

۱۴ - آفرینش انسان در قالب مرد و زن و آگاهی از بارداری و زایمان زنان و مقدار عمر آدمی ، کاری آسان برای خداوند

و اللّه خلقکم من تراب ثمّ من نطفه . .. و ما یعمّر من معمّر و لاینقص من عمره إلّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۳ - ۶،۸،۱۰

۶ - آفرینش جهان هستی چون انسان ، دریا ، خورشید و ماه ، از نشانه های خدای حقیقی (اللّه)

و اللّه خلقکم من تراب . .. ثمّ جعلکم أزوجًا ... و ما یستوی البحران ... و سخّر ال

<ذلکم> اشاره به کسی است که اشیای ذکر شده را آفریده و صاحب خلق و جعل می باشد.

۸ - آفرینش جهان (انسان ، دریا ، خورشید و ماه) ، جلوه ای از ربوبیت خدا است .

اللّه خلقکم من تراب . .. و ما یستوی البحران ... و سخّر الشمس و القمر ... ذلکم ال

۱۰ - آفرینش انسان ، دریا ، خورشید و ماه ، جلوه ای از فرمانروایی مطلق خدا بر جهان هستی است .

و اللّه خلقکم من تراب . .. و ما یستوی البحران ... و سخّر الشمس و القمر ... له ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۸ - ۱

۱ - آفرینش انسان ، جنبندگان و دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) ، از نشانه های ربوبیت بی همتای خداوند

ألم تر أنّ

اللّه . .. و من الناس و الدّوابّ و الأنعم

<أنعام> جمع <نَعَم> (شتر) می باشد; ولی این واژه در مجموع شتر، گاو و گوسفند نیز به کار می رود; چنان که در آیه شریفه به همین معنا استعمال شده است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۷ - ۴،۵

۴ - انکار معاد و ممکن ندانستن آن در عین آگاهی از مبدأ پیدایش انسان ، امری شگفت آور است .

أوَلم یر الإنسن أنّا خلقنه من نطفه

برداشت یاد شده از آن جا است که همزه در <أوَلم یر. ..> برای استفهام انکاری و تعجبی است. گفتنی است مخاطب آیه شریفه به قرینه آیات بعد منکران قیامت است.

۵ - آفرینش انسان از نطفه ، دلیل و نشانه توانایی خداوند بر برپایی قیامت و زنده کردن انسان

أوَلم یر الإنسن أنّا خلقنه من نطفه

با توجه به آیات بعدی و نیز شأن نزول ها که این آیه و آیات بعدی را درباره فردی به نام <عاصب بنوائل> (از منکران معاد) دانسته است (مجمع البیان و دیگر تفاسیر)، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱ - ۲،۴

۲ - ناچیز بودن آفرینش انسان در مقایسه با آفرینش جهان (آسمان ها ، زمین و . . .)

فاستفتهم أهم أشدّ خلقًا أم من خلقنا

ضمیر جمع <هم> در <فاستفتهم> به قرینه آیات پیشین به کافران و مشرکان بازمی گردد و مقصود از <من خلقنا> آسمان ها، زمین، فرشتگان و دیگر موجودات آسمانی است.

۴ - آفرینش

جهانی سخت تر از آفرینش انسان ، (آسمان ها ، زمین و فرشتگان) گواه قدرت خداوند بر آفرینش مجدد انسان ها در قیامت و آسان و ممکن بودن آن برای او است .

فاستفتهم أهم أشدّ خلقًا أم من خلقنا

برداشت یاد شده از آن جا است که روی سخن آیه شریفه مشرکان اند؛ آنان که منکر معاد بوده و آفرینش مجدد انسان ها را از خاک، امری بعید و بسیار سخت و ناممکن می شمردند و <أءذا مِتنا و کنّا ترابا و عظاما أءنا لمبعوثون>، (آیه ۱۶ همین سوره).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۱ - ۱،۵

۱ - خداوند ، پیش از آفرینش انسان ، فرشتگان را از آن باخبر ساخت .

إذ قال ربّک للملئکه إنّی خلق بشرًا

۵ - ارتباط داشتن آفرینش انسان با ملأاعلی (عالم فرشتگان)

بالملأ الأعلی إذ یختصمون . .. إذ قال ربّک للملئکه إنّی خلق بشرًا

گفتوگوی خداوند با فرشتگان در ملأ اعلی (عالم فرشتگان)، درباره آفرینش انسان، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۴ - ۸،۱۳

۸ - آفرینش انسان خوش اندام و سرشار از استعداد ها و کمالات ، جلوه ای از قدرت و ربوبیت بی همتای خداوند .

و صوّرکم فأحسن صورکم

۱۳ - آفرینش زمین ، آسمان ، انسان و روزی های او ، از اوصاف معبود و ربّ حقیقی

اللّه الذی جعل لکم الأرض . .. و صوّرکم فأحسن صورکم و رزقکم من الطیّبت ذلکم اللّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶

- غافر - ۴۰ - ۶۷ - ۱۶

۱۶ - آفرینشِ انسان و سیر تطور و تحوّل وی از خاک تا پیری و مرگ ، نشانه ای از قدرت و ربوبیت بی همتای خداوند است .

هو الذی خلقکم من تراب . .. و لتبلغوا أجلاً مسمّیً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۳ - ۱،۳

۱ - انسان ، پدیده ای است ساخته خداوند رحمان .

قل هو الذی أنشاکم

۳ - پیدایش بشر و نعمت های نهفته در وجود او (قدرت شنوایی ، بینایی و تعقّل) ، نشانه و جلوه قدرت خدای رحمان

الرحمن . .. هو الذی أنشاکم و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۴ - ۳،۶

۳ - پیدایش انسان و تکثیر نسل او در زمین ، نشانه و جلوه قدرت خداوند رحمان

الرحمن . .. قل هو الذی ذرأکم فی الأرض

۶ - آفرینش بشر و تکثیر نسل او در زمین ، نشانه توانایی خداوند بر رستاخیز و حیات دوباره انسان ها در قیامت

قل هو الذی ذرأکم . .. و إلیه تحشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۶ - ۵

۵ - آفرینش انسان و هدفمندی زندگی او ، نشانه برپایی قیامت

و تذرون الأخره . وجوه یومئذ ناضره ... أیحسب الإنسن أن یترک سدًی

برداشت یاد شـده، با توجه به این نکته است که این آیه، در سلسـله آیاتی قرار دارد که درباره معاد و اثبات برپایی قیامت برای کیفر و پاداش است.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱ - ۱،۴

۱ - انسان در برهه ای از روزگار ، وجود خارجی نداشت ; بلکه موجودی حادث و نوآفریده است .

هل أتی علی الإنسن حین من الدهر لم یکن شیًا مذکورًا

<هل> در این آیه، برای استفهام تقریری است و مفاد آن اثبات مضمون جمله است; یعنی، <قد أتی علی الإنسان>. گفتنی است که جمله <لم یکن شیئاً مذکوراً> به معنای <کان معدوماً> دانسته شده است. بر این اساس، مفاد آیه شریفه این است که انسان موجودی نوپیدا بوده و در برهه ای از زمان، وجود خارجی نداشته است.

۴ - < عن حُمران قال : أباجعفر (ع) عن قول اللّه عزّوجلّ < هل أتی علی الإنسان حین من الدهر لم یکن شیئاً مذکوراً > فقال : کان شیئاً و لم یکن مذکوراً . . . ;

حمران گوید: از امام باقر(ع) از سخن خداوند عزّوجلّ <هل أتی علی الإنسان حین من الدهر لم یکن شیئاً مذکوراً> سؤال کردم فرمود: انسان، موجود بود; ولی هنوز شایستگی نام انسان را نداشت>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۷ - ۵،۶

۵ - آفرینش انسان و هماهنگ ساختن اجزای او ، جلوه کرم خداوند است .

بربّک الکریم . الذی خلقک فسوّیک فعدلک

۶ - آفرینش ، برخورداری از اعضای کامل و هماهنگی اندام با یکدیگر ، سه مرحله پیاپی در سیر پیدایش انسان

خلقک فسوّیک فعدلک

ترتیب که مفاد حرف <فاء> است ممکن است <حقیقی> و یا <ذکری> باشد. برداشت یاد شده، براساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۲۰ – بلد – ۹۰ – ۵ – ۹

۹ – آفرینش نخست انسان ، دلیل قدرت خداوند بر اعاده حیات او است .

لقد خلقنا الإنسن . .. أیحسب أن لن یقدر علیه أحد

چنانچه در این آیه، سخن از قدرت خداوند بر معاد باشد، تعبیر <لقد خلقنا> در آیه قبل، برای رفع استبعاد معاد خواهد بود.

خلقت انسان ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۰ – ۱

۱– میراندن انسان ها و خلق انسانهایی جدید به جای آنان ، کار دشواری برای خداوند نیست .

إن یشأ یذهبکم و یأت بخلق جدید . و ما ذلک علی الله بعزیز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۶ – ۲،۱۶،۱۸،۲۰،۲۳

۲ – همه انسان ها ، از نظر ریشه خلقت و نیز در حقیقت انسانی بی هیچ امتیاز و تبعیضی مشترک و برابراند .

خلقکم من نفس وحده

یادآوری خداوند به این که همه انسان ها از یک نفس آفریده شده اند، می تواند به منظور بیان حقیقت یاد شده باشد.

۱۶ – آفریدن جهان هستی (آسمان ، زمین ، انسان و . . .) ، از اوصاف و نشانه های خدای حقیقی (اللّه)

خلق السموت و الأرض . .. خلقکم من نفس وحده ... ذلکم اللّه

<ذلکم> اشاره به کسی است که اشیای ذکر شده را آفریده و صاحب اوصاف خلق و جعل است.

۱۸ – آفرینش جهان (آسمان ، زمین ، خورشید ، ماه و انسان) جلوه ربوبیت خدا است .

خلق السموت و الأرض . ..

خلقكم من نفس وحده ... ذلكم اللّه ربّكم

۲۰ – آفرینش آسمان ها ، زمین ، خورشید ، ماه و انسان ، جلوه فرمانروایی مطلق خدا بر جهان هستی است .

خلق السموت و الأرض . .. له الملك

۲۳ – آفرینش جهان (آسمان ، زمین و انسان) ، دلیل یکتایی خدا و پوچی معبود های دیگر

خلق السموت و الأرض . .. خلقكم من نفس وحده ... لا إله إلّا هو

برداشت بالا مبتنی براین دیدگاه است که جمله <لا إله إلّا هو> که پس از بحث از خلقت جهان آمده است به منزله نتیجه و جمع بندی آن بحث باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۲۲ – ۷

۷ – قدرت خداوند بر آفرینش انسان ها ، تنظیم توانمندی های آنان ، هدایت تکوینی و نیز میراندن و به گور افکندن آنها ، دلیل قدرت او بر زنده ساختن آنان در قیامت است .

خلقه فقدّره . ثمّ السبيل يسّره . ثمّ أماته فأقبره . ثمّ إذا شاء أنشره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تین – ۹۵ – ۵ – ۴

۴ – حاکمیت خداوند ، بر آغاز و فرجام انسان ها

لقد خلقنا الإنسن . .. ثمّ رددنه

خلقت اولیه انسان ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۷۸ – ۶

۶ – پیدایش انسان های نخستین ، دلیل و شاهدِ امکانِ زنده شدن مجدد آنان پس از مرگ و خاکستر شدن بدن ها

و ضرب لنا مثلًا و نسى خلقه قال من يحيِ العظم و هى

رمیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۹ - ۱

۱ - آفرینش نخستین انسان ها ، دلیل و شاهدِ امکانِ برپایی قیامت و توانایی خدا بر احیای مجدد انسان ها

قل یحییها الذی أنشأها أوّل مرّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۱ - ۹

۹ - خداوند ، خالق و آفریننده انسان ، برای نخستین بار و بدون سابقه و پیشینه

و هو خلقکم أوّل مرّه

مراد از <أوّل مرّه> زمانی است که آدمی وجود نداشت و خداوند او را آفرید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۷ - ۳

۳ - آفرینش نخستین انسان ها ، دلیل امکان حیات مجدد و رستاخیز دوباره آنان از سوی خداوند است .

نحن خلقنکم فلولا تصدّقون

خلقت بدن انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۹ - ۵

۵- خلقت بدن انسان ، مقدم بر روح اوست .

إنی خلق بشرًا من صلصل من حمإ مسنون . فإذا سوّیته و نفخت فیه من روحی

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که ذکر <نفخت> پس از ذکر تسویه بدن، ممکن است اشاره به تقدم خلقت بدن بر

روح داشته باشد.

خلقت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۵ - ۳

۳- بهشت اصحاب الیمین و حوریان آن ، از پیش آفریده شده است .

إنّا أنشأنهنّ إنشاءً

به کارگیری فعل ماضی <أنشأناهنّ>، بیانگر مطلب یاد شده است.

خلقت تاریکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۲

۲ آفرینش آسمانها و زمین و پدیدآوردن نور و ظلمت به دست خداوند، دلیل اختصاص ستایش به اوست.

الحمد للّه الذی خلق

<الذی خلق>، صفت <اللّه> و بیان وجه اختصاص حمد به اوست و این تعلیق، که به گفته اهل ادب تعلیق حکم <الحمدللّه> بر وصف <الذی خلق> است، بیانگر انحصار شایستگی ستایش به آفریننده هستی است.

خلقت تدریجی آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۹ - ۲

۲ - پس از آفریده شدن آدم (ع) با گِل و متناسب شدن اندامش ، در او روح دمیده شد .

و بدأ خلق الإنسن من طین . .. ثمّ سوّیه و نفخ فیه من روحه

خلقت تدریجی آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۴ - ۳

۳ آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی تدریجی ، در شش دوره و مرحله ، بوده است .

خلق السموت و الأرض فی سته أیام

مراد از <یوم> در آیه شریفه معنای متعارف آن (روز و یا شبانه روز) نیست، بلکه مقصود شش دوره و مرحله است. زیرا روز به معنای متعارف آن، پس از آفرینش آسمانها و زمین تحقق یافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷ - ۲،۱۴

۲ آفرینش آسمان ها و زمین ، تدریجی بوده و در شش روز (شش دوره) به انجام رسیده است .

خلق السموت و الأرض فی سته أيام

مراد از <أيام> در آيه شريفه ، معنای متعارف آن

(روزها یا شبانه روزها) نیست; بلکه مقصود ، دوره ها و مرحله هاست; زیرا روز به معنای متعارف آن ، پس از خلقت زمین قابل فرض است.

۱۴ < عن الرضا (ع) قال : إن الله تبارک و تعالی . . . خلق السموات و الأرض فی سته أیام . . . لیظهر للملائکه ما یخلقه منها شیئاً بعد شیء فیستدل بحدوث ما یحدث علی الله تعالی مرّه بعد مرّه . . . و أما قوله عزوجل : < لیبلوکم أیّکم أحسن عملاً > فإنه خلقهم لیبلوهم بتکلیف طاعته و عبادته ، لا علی سبیل الإمتحان والتجربه لأنه لم یزل علیماً بکلّ شیء . . . ;

از امام رضا(ع) روایت شده است که فرمود: همانا خدای تبارک و تعالی . .. آسمانها و زمین را در شش روز آفرید ... تا آنچه را می آفریند برای ملائکه یکی پس از دیگری آشکار کند، که به وسیله حدوث پدیده ها تازه به تازه بر وجود خدا استدلال شود ... و اما قول خدای عزوجل <لیبلوکم أیّکم أحسن عملًا>; یعنی، خدا انسانها را آفرید تا آنان را به وسیله تکلیف به طاعت و عبادت خود آزمایش کند. البته نه برای امتحان و کشف مجهول; زیرا از ازل به همه چیز آگاه بوده و هست ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۴ - ۴

۴ - آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی تدریجی بود و در شش مرحله انجام پذیرفت .

خلق السموت و الأرض فی ستّه أیّام

واژه <یوم> (مفرد <أیّام>) در معنای برهه ای از زمان (کوتاه یا

بلند) نیز به کار می رود. بر این اساس <سته أیّام> (شش روز)، به معنای شش برهه بوده و بیانگر مطلب یاد شده است.

خلقت تدریجی آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۴ - ۴

۴ - آفرینش جهان ، به تدریج و در طی دوران هایی صورت گرفته است .

خلق السموت و الأرض و ما بینهما فی ستّه أیّام

<أیّام> جمع <یوم> است و یوم، به معنای <مقداری از زمان از طلوع خورشید تا غروب آن > و <مدتی از زمان> است (مفردات راغب). احتمال دارد مراد از <أیّام> دوران ها و یا مراحل مختلف باشد. در این صورت، دلالت بر تدریجی خلق شدن عالم می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۸ - ۲،۷،۸

۲ - شکل گیری نظام جهان ، دارای روندی تدریجی و طی دوره های متعدد

و لقد خلقنا . .. فی ستّه أیّام

۷ - معاد و برپایی قیامت ، چونان شکل گیری نخستین جهان روندی تدریجی خواهد داشت . *

و لقد خلقنا . .. فی ستّه أیّام و ما مسّنا من لغوب

با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین که در ارتباط با معاد بود مطرح کردن <ستّه أیّام> می تواند اشاره به این داشته باشد که اگر شکل گیری جهان، به تدریج صورت گرفته، معاد نیز از روند تدریجی و قانونمند برخوردار است.

۸ - شکل گیری تدریجی جهان ، دارای ملاک های حکیمانه و نه معلول خستگی و محدودیت قدرت خداوند *

و لقد خلقنا السموت و الأرض . .. و

ما مسّنا من لغوب

برداشت بالا بدان احتمال است که بیان <ما مسّـنا من لغوب> در پی <ستّه أیّام> نظر به این جهت داشته باشد که اصولاً در آفرینش، رنج و خستگی برای خداوند مطرح نیست و اگر کار آفرینش را در شش مرحله صورت داده است، دلایل دیگری دارد و به سبب محدودیت قدرت او نیست.

خلقت تدریجی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۹ - ۳

۳- خلقت اوّلیه انسان ، به تدریج انجام گرفته است .

إنی خلق بشرًا من صلصل من حمإ مسنون . فإذا سوّیته و نفخت فیه من روحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۹ - ۱،۳

۱ - آفرینش انسان از سوی خداوند ، تدریجی است .

بدأ خلق الإنسن من طین . .. ثمّ جعل نسله ... ثمّ سوّیه و نفخ فیه من روحه

۳ - انسان در مراحل نخستین جنینی ، فاقد روح انسانی است و پس از شکل گیری اندام ، در او روح دمیده می شود .

جعل . .. من ماء مهین . ثمّ سوّیه و نفخ فیه من روحه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۴ - ۲

۲ - آفرینش انسان ها به تدریج و با گذر از چند مرحله (همچون نطفه ، علقه ، مضغه و . . .) است .

و قد خلقکم أطوارًا

<طور> (مفرد <أطوار>) به معنای <مرّه> (یک دفعه) و <حال> آمده است. مقصود در این آیه می تواند مراحل و حالات گوناگونی باشد که در

آفرینش بشر موجود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۷ - ۵

۵ - آفرینش انسان ، تدریجی و تکاملی است .

و اللّه أنبتکم من الأرض نباتًا

برداشت یاد شده، به سبب آن است که خلقت نباتات، دارای چنین خصوصیتی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۸ - ۱

۱ - تبدیل شدن نطفه به علقه ، از مراحل تکوین انسان و به صورت تدریجی است .

ألم یک نطفه . .. ثمّ کان علقه

با توجه به کاربرد <ثمّ> که برای بیان فاصله زمانی است مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۹ - ۵

۵ - آفرینش انسان ، دارای روندی تدریجی و رو به تکامل

فخلق فسوّی . فجعل منه الزوجین

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که حرف <فا> در <فخلق>، <فسوّی> و <فجعل> برای ترتیب معنوی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۵ - ۳

۳ - آفرینش انسان ، تدریجی است .

فلینظر الإنسن ممّ خلق

خلقت تدریجی زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۴ - ۳

۳ آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی تدریجی ، در شش دوره و مرحله ، بوده است .

خلق السموت و الأرض فی سته أیام

مراد از <یوم> در آیه شریفه معنای متعارف آن (روز و یا شبانه روز) نیست، بلکه مقصود شش دوره و مرحله است. زیرا روز

به معنای متعارف آن، پس از آفرینش آسمانها و زمین تحقق یافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷ - ۲،۱۴

۲ آفرینش آسمان ها و زمین ، تدریجی بوده و در شش روز (شش دوره) به انجام رسیده است .

خلق السموت و الأرض فی سته أیام

مراد از <أیام> در آیه شریفه ، معنای متعارف آن (روزها یا شبانه روزها) نیست؛ بلکه مقصود ، دوره ها و مرحله هاست؛ زیرا روز به معنای متعارف آن ، پس از خلقت زمین قابل فرض است.

۱۴ < عن الرضا (ع) قال : إن الله تبارک و تعالی . . . خلق السموات و الأرض فی سته أیام . . . لیظهر للملائکه ما یخلقه منها شیئاً بعد شیء فیستدل بحدوث ما یحدث علی الله تعالی مرّه بعد مرّه . . . و أما قوله عزوجل : < لیبلوکم أیّکم أحسن عملاً > فإنه خلقهم لیبلوهم بتکلیف طاعته و عبادته ، لا علی سبیل الإمتحان والتجربه لأنه لم یزل علیماً بکلّ شیء . . . ;

از امام رضا(ع) روایت شده است که فرمود: همانا خدای تبارک و تعالی .. آسمانها و زمین را در شش روز آفرید ... تا آنچه را می آفریند برای ملائکه یکی پس از دیگری آشکار کند، که به وسیله حدوث پدیده ها تازه به تازه بر وجود خدا استدلال شود ... و اما قول خدای عزوجل <لیبلوکم أیّکم أحسن عملاً>; یعنی، خدا انسانها را آفرید تا آنان را به وسیله تکلیف به طاعت و عبادت خود آزمایش کند. البته نه برای

امتحان و کشف مجهول; زیرا از ازل به همه چیز آگاه بوده و هست ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۴ - ۴

۴ - آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی تدریجی بود و در شش مرحله انجام پذیرفت .

خلق السموت و الأرض فی ستّه أیّام

واژه <یوم> (مفرد <أیّام>) در معنای برهه ای از زمان (کوتاه یا بلند) نیز به کار می رود. بر این اساس <سته أیّام> (شش روز)، به معنای شش برهه بوده و بیانگر مطلب یاد شده است.

خلقت تدریجی موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۰ - ۸

۸- خلق و آفرینش گری خداوند ، مستمر بوده و همه موجودات را به یک باره خلق نکرده است .

إنما قولنا لشیء إذا أردنه أن نقول له کن فیکون

<إذا> برای ظرف زمان مستقبل است و بر وقوع متعلق امر <کن> در آینده دلالت دارد، و نیز فعل <نقول> و <فیکون> به جای <قلنا> و <کان> حاکی است که آفرینش گری خداوند در گذشته و به یک باره انجام نگرفته است; بلکه امری ادامه دار است.

خلقت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۷ - ۶

۶- خلقت جن از آتش ، از آیات خداوند است .

و الجانّ خلقنه من قبل من نار السموم

خلقت جنبندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۰ – ۱۱

۱۱ – خداوند ، از هر نوع جنبنده ای ، در زمین آفریده و در آن گسترانیده

است .

و بثّ فيها من كلّ دابّه

خلقت جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۶ - ۴

۴ - جهنم ، پيش از ظهور در صحنه قيامت ، آفريده شده و موجود است .

و برّزت الجحيم

تعبير <ظاهر شدن> و نه آفريده شدن حاكى از وجود سابق جهنم است.

خلقت چوب آتش زا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۲ - ۳

۳ - آفرينش چوب آتش زنه ، نشانه اى از توانايى خداوند بر آفرينش مجدد انسان ها و برپايى قيامت

ءأنتم أنشأتم شجرتها أم نحن المنشون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۴ - ۲

۲ - آفرينش انسان از منى ، بر آوردن دانه ها از دل خاك و رشد و نموّ دادن آن ، فرو فرستادن باران از آسمان و ايجاد درخت آتش زنه براى بيابان گردان ; بيانگر مبرّا بودن ساحت او از نقص و كاستى

أفرءيتم ما تمنون . .. فسبّح باسم ربّك العظيم

تفريع <فسبّح> بر مطالب آيات پيشين، نشانگر مطلب ياد شده است.

خلقت چهارپايان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۸ - ۱

۱ - آفرینش انسان ، جنبندگان و دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) ، از نشانه های ربوبیت بی همتای خداوند

ألم تر أنّ اللّه . .. و من الناس و الدّوابّ و الأنعم

<أنعام> جمع <نَعَم> (شتر) می باشد; ولی این واژه در مجموع شتر، گاو و گوسفند نیز به کار می رود; چنان

که در آیه شریفه به همین معنا استعمال شده است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۱

۱ - شتر ، گاو و گوسفند ، مخلوق خدا و جلوه هایی از قدرت او

أوَلم یروا أنّا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعمًا

<أنعام> به معنای شتر، گاو و گوسفند است و جمله <ممّا علمت أیدینا> کنایه از قدرت خدا می باشد. گفتنی است که آیه شریفه در مقام بیان جلوه های آن در طبیعت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۱ - ۲

۲ - آفرینش دام ها و کشتی ها ، از نشانه ها و دلایل قدرت و ربوبیت بی همتای خداوند

اللّه الذی جعل لکم الأنعم . .. و علیها و علی الفلک تحملون . و یریکم ءایته

از مصادیق مورد نظر آیه شریفه برای آیات الهی، دام ها و کشتی ها (موضوع بحث آیه قبل) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۱ - ۹

۹ - آفرینش چهارپایان و جفت قرار دادن آنها ، در خدمت منافع آدمی

جعل لکم . .. و من الأنعم أزوجًا

خلقت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۳

۳ - حوا ، قبل از سکونت آدم (ع) در بهشت ، آفریده شده بود .

اسكن أنت و زوجك الجنه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۱ – ۶،۷

۶ خداوند ، آفریننده همسر اولین

انسان (حضرت آدم) ، از او

خلقکم من نفس واحده و خلق منها زوجها

برداشت فوق بر این مبناست که <من> نشویّه باشد ; یعنی: آفرینش حوّا از آدم نشأت گرفته است. صدر آیه که فرمود: <من نفس> و نفرمود: <من نفسین> این معنا را تأیید می کند. مؤیّد برداشت فوق، فرمایش امام صادق (ع) است که فرمود: اِنّ اللّه خلق آدم من الماء و الطین ... و خلق حوّا من آدم ... .

کافی، ج ۵، ص ۳۳۷، ح ۴ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۳۴، ح ۱۶.

۷ خداوند ، آفریننده همسر اولین انسان (حضرت آدم) از جنس او

و خلق منها زوجها

مؤیّد برداشت فوق، فرمایش امام باقر (ع) به نقل از رسول اللّه (ص) است که درباره خلقت حوّا فرمود: اِنّ اللّه تبارک و تعالی قبض قبضهً من طین فخلطها بیمینه . .. فخلق منها آدم و فضلت فضله من الطین فخلق منها حوّا.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۱۶، ح ۷ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۲۹، ح ۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۹ - ۳

۳ خداوند ، همسر آدم (حوا) را از او آفرید .

جعل منها زوجها

برداشت فوق بر این اساس است که <من> در <منها> نشویه باشد. بر این مبنا <جعل منها زوجها> بیانگر این است که آدم(ع)، منشأ خلقت حوا بوده است.

خلقت حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۳۵ – ۳

۳- بهشت اصحاب الیمین و حوریان آن ، از پیش آفریده شده است .

إنّا أنشأنهنّ إنشاءً

به

کار گیری فعل ماضی <أنشأناهنّ>، بیانگر مطلب یاد شده است.

خلقت خاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۷ - ۱۰

۱۰ - قبل از انسان ها ، پدیده های دیگری چون گِل (آب و خاک) آفریده شده بودند .

و بدأ خلق الإنسن من طین

خلقت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۴ - ۱۰

۱۰ خورشید و ماه و ستارگان ، آفریده های خداوند و مقهور امر و اراده او

خلق السموت . .. و الشمس و القمر و النجوم مسخرت بأمره

کلمه <الشمس> و ما بعد آن، عطف به <السموت> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵ - ۷

۷ آفرینش خورشید و ماه و متفاوت قرار داده شدن آن دو در درخشندگی ، جلوه های حکمت خدا و بر پایه حق و هدفی مشخص

هو الذی جعل الشمس ضیاء و القمر نوراً . .. ما خلق اللّه ذلک إلا بالحق

<حق> در مقابل <باطل> (بیهوده) است ; یعنی، خداوند ماه و خورشید را بیهوده و بی هدف نیافریده، بلکه آفرینش آنها بر پایه حق و هدف خاصی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۳ - ۴

۴- آفرینش شب و روز و خورشید و ماه ، نشانی از توحید ربوبی است .

و هو الذی خلق الّیل . .. کلّ فی فلک یسبحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۱ - ۵،۹،۱۰

۵ خداوند در

آسمان ها خورشید آفرید .

و جعل فیها سراجًا

<سراج> به معنای چراغ است; ولی مقصود از آن در آیه شریفه به قرینه آمدن <القمر> (ماه) خورشید است; چنان که در آیه ۱۶ سوره نوح به خورشید سراج گفته شده است (و جعل الشمس سراجًا).

۹ آفرینش ستارگان ، خورشید و ماه تابان ، جلوه ای از برکات و خیرات خداوند .

تبارک الذی جعل فی السماء بروجًا . .. و قمرًا منیرًا

۱۰ آفرینش ستارگان ، خورشید و ماه تابان ، از نشانه های قدرت خدا و یکتایی او

تبارک الذی جعل فی السماء بروجًا . .. و قمرًا منیرًا

برداشت فوق، از آن جا است که آیه شریفه در ردیف سلسله آیاتی قرار دارد که در مقام محکومیت شرک و اثبات توحید و یگانگی خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۳ - ۶،۸،۱۰

۶ - آفرینش جهان هستی چون انسان ، دریا ، خورشید و ماه ، از نشانه های خدای حقیقی (اللّه)

و اللّه خلقکم من تراب . .. ثمّ جعلکم أزوجًا ... و ما یستوی البحران ... و سخّر ال

<ذلکم> اشاره به کسی است که اشیای ذکر شده را آفریده و صاحب خلق و جعل می باشد.

۸ - آفرینش جهان (انسان ، دریا ، خورشید و ماه) ، جلوه ای از ربوبیت خدا است .

اللّه خلقکم من تراب . .. و ما یستوی البحران ... و سخّر الشمس و القمر ... ذلکم ال

۱۰ - آفرینش انسان ، دریا ، خورشید و ماه ، جلوه ای از فرمانروایی مطلق خدا بر جهان هستی

است .

و اللّه خلقكم من تراب . .. و ما يستوى البحران ... و سخّر الشمس و القمر ... له ال

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۱۸،۲۰

۱۸ - آفرينش جهان (آسمان ، زمين ، خورشيد ، ماه و انسان) جلوه ربوبيت خدا است .

خلق السموت و الأرض . .. خلقكم من نفس وحده ... ذلكم اللّه ربّكم

۲۰ - آفرينش آسمان ها ، زمين ، خورشيد ، ماه و انسان ، جلوه فرمانروايى مطلق خدا بر جهان هستى است .

خلق السموت و الأرض . .. له الملك

خلقت در عالم ذر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۹ - ۱۴

۱۴- تمامى انسان هايى كه بر روى زمين پديدار مى شوند ، در گذشته آفريده شده اند . *

و قد خلقتك من قبل و لم تك شيئًا

جمله حاليه <و لم تك شيئًا> ممكن است ناظر به زمانى باشد كه انسان ها آفريده نشده بودند، در اين صورت <خلقتك من قبل> ناظر به عالم ذرّ خواهد بود؛ يعنى، درگذشته ما تو را از هيچ و بدون اسباب متعارف آفريديم، حال چگونه از به وجود آمدن يحيى از پدر و مادرى پير و عقيم شگفت زده مى شوى.

خلقت درخت آتش زا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۲ - ۱،۲

۱ - ايجاد و آفرينش درخت آتش زنه ، خارج از قلمرو توانايى بشر

ءأنتم أنشأتم شجرتها

۲ – تنها خداوند ، قادر بر آفرینش درخت آتش زنه

أم نحن المنشون

مسند محلی به

<ال> <المنشئون> مفید حصر است.

خلقت دریا ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۳ - ۶،۸،۱۰

۶ - آفرینش جهان هستی چون انسان ، دریا ، خورشید و ماه ، از نشانه های خدای حقیقی (اللّه)

و اللّه خلقکم من تراب . .. ثمّ جعلکم أزوجًا ... و ما یستوی البحران ... و سخّر ال

<ذلکم> اشاره به کسی است که اشیای ذکر شده را آفریده و صاحب خلق و جعل می باشد.

۸ - آفرینش جهان (انسان ، دریا ، خورشید و ماه) ، جلوه ای از ربوبیت خدا است .

اللّه خلقکم من تراب . .. و ما یستوی البحران ... و سخّر الشمس و القمر ... ذلکم ال

۱۰ - آفرینش انسان ، دریا ، خورشید و ماه ، جلوه ای از فرمانروایی مطلق خدا بر جهان هستی است .

و اللّه خلقکم من تراب . .. و ما یستوی البحران ... و سخّر الشمس و القمر ... له ال

خلقت روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۲ - ۱۵

۱۵ - < عن الأحول . قال : سألت أباعبداللّه (ع) عن الروح التی فی آدم (ع) قوله : فإذا سوّیته و نفخت فیه من روحی > قال : هذه روح مخلوقه . . . ;

احول گوید: از امام صادق(ع) از روح آدم(ع) در آیه <فإذا سوّیته و نفخت فیه من روحی> سؤال کردم، فرمود: این روح مخلوق و آفریده خدا است; [نه این که از خدا جدا شده باشد]>.

خلقت روح انسان

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۲۹ – ۵

۵- خلقت بدن انسان ، مقدم بر روح اوست .

إنی خلق بشرًا من صلصل من حمإ مسنون . فإذا سوّیته و نفخت فیه من روحی

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که ذکر <نفخت> پس از ذکر تسویه بدن، ممکن است اشاره به تقدم خلقت بدن بر روح داشته باشد.

خلقت روز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۳۳ – ۴

۴- آفرینش شب و روز و خورشید و ماه ، نشانی از توحید ربوبی است .

و هو الذی خلق الّیل . .. کلّ فی فلک یسبحون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۲ – ۲،۳،۷

۲ آفرینش شب و روز و پدید آمدن روشنایی و تاریکی ، بر اثر جانشین شدن آن دو به جای یکدیگر ، تنها به قدرت خدا است .

و هو الذی جعل الّیل و النهار خلفه

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: ۱ معرفه بودن مبتدا و خبر (هو الذی جعل) بیانگر قصر می باشد. ۲- آیه شریفه در مقام بیان قدرت خدا است.

۳ آفرینش شب و روز و پدید آمدن روشنایی و تاریکی بر اثر جانشین شدن آن دو به جای یکدیگر ، از نشانه های قدرت خدا است .

و هو الذی جعل الّیل و النهار خلفه

۷ آفرینش شب و روز ، تنها برای انسان های برخوردار از روح سپاس گزاری ، سپاس برانگیز است .

و هو الذی جعل الّیل . .. لمن أراد أن

يذّكّر أو أراد شكورًا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۵ – ۵،۱۰

۵ – پيدايش مستمر روز و شب و نور و ظلمت ، از نشانه هاى قدرت مطلق و ربوبيت يگانه خداوند است .

يكوّر الّيل على النهار و يكوّر النهار على الّيل

۱۰ – آفرينش و تدبير آسـمان ها و زمين و پيدايش شب و روز و تسخير خورشيد و ماه ، جلوه هاى عزت و قدرتمندى خداوند است .

خلق السموت و الأرض . .. كلّ يجرى لأجل مسمًّى ألا هو العزيز

يادآورى عزت و قدرتمنـدى خداوند در پايان آيه شـريفه و پس از يادآورى آفرينش آسـمان، زمين و. ..، گوياى برداشت ياد شده است.

خلقت زمين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۱ – انبياء – ۲۱ – ۳۰ – ۸

۸– انديشيدن در پديده هاى جهان خلقت ، از راه هاى دستيابى انسان به توحيد و يگانگى خداوند

أوَلم ير الذين كفروا أنّ السموت . .. أفلايؤمنون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱ – بقره – ۲ – ۲۲ – ۲

۲ – آفرينش زمين به گونه اى مناسب براى زندگانى ، پرتوى از ربوبيت خداوند است .

اعبدوا ربكم . .. الذى جعل لكم الأرض فرشاً

<الذى جعل . ..> صفت دوم براى <ربكم> در آيه قبل است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۴ - ۳

۳ - آفرینش آسمان ها و زمین ، حاوی نشانه هایی بر توحید و حاکی از رحمانیت و رحیمیت خداوند است .

لا إله إلا هو الرحمن الرحیم. إن فی خلق السموت

و الأرض ... لأيت

آیه مورد بحث - به قرینه آیه قبل - در مقام استدلال بر توحید و رحمانیت و رحیمیت خداوند است و لذا مقصود از <آیات> در ذیل آیه، نشانه های توحید و رحمت گستری خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۲،۸

۲ آفرینش آسمانها و زمین و پدیدآوردن نور و ظلمت به دست خداوند، دلیل اختصاص ستایش به اوست.

الحمد للّه الذی خلق

<الذی خلق>، صفت <اللّه> و بیان وجه اختصاص حمد به اوست و این تعلیق، که به گفته اهل ادب تعلیق حکم <الحمدللّه> بر وصف <الذی خلق> است، بیانگر انحصار شایستگی ستایش به آفریننده هستی است.

۸ پدیده ظلمت و نور در جهان، نظامی تابع آفرینش آسمانها و زمین

الحمد للّه الذی خلق السموت . .. و جعل الظلمت و النور

در این آیه آفرینش آسمان و زمین با فعل <خلق> بیان شده، ولی درباره ظلمت و نور از فعل <جعل> استفاده شده است. توجیه این تفاوت، به گفته برخی از مفسران، تبعی بودن آفرینش نور و ظلمت نسبت به مجموعه هستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۴ - ۱،۴

۱ خداوند ، آفریدگار آسمان ها و زمین و پروردگار راستین انسانهاست .

إن ربکم اللّه الذی خلق السموت و الأرض فی سته أیام

۴ خداوند پس از آفرینش آسمان ها و زمین (نظام هستی) با استیلا بر عرش ، به تدبیر امور آنها پرداخت .

ثم استوی علی العرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود -

۱۱ - ۷ - ۱۶

۱۶ < عن محمد بن مسلم قال : قال لی أبوجعفر (ع) : کان کل شیء ماءاً و کان عرشه علی الماء ، فأمر الله عز ذکره الماء فاضطرم ناراً ثم أمر النار فخمدت فارتفعت من خمودها دخان فخلق الله عزوجل السموات من ذلک الدخان و خلق الله عزوجل الأرض من الرّماد . . . ;

محمدبن مسلم گوید: امام باقر(ع) به من فرمود: همه چیز آب بود و عرش خدا بر آب قرار داشت; پس خدای عزّ ذکره به آب امر کرد، پس آن آب آتشی برافروخته شد، سپس آتش را امر کرد خاموش شود و خاموش شد، پس بر اثر خاموشی آتش دودی از آن برخاست; آن گاه خداوند آسمانها را از آن دود آفرید و زمین را از خاکستر آفرید . ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۹ - ۱۳

۱۳- آفرینش آسمان ها و زمین (عالم آفرینش) ، دلیل قدرتمندی خداوند بر تحقق وعده عذاب کافران و حبط عمل نیکشان

من ورائه جهنّم . .. مثل الذین کفروا بربّهم أعملهم کرماد اشتدّت به الریح ... ألم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۲

۲- آفرینش آسمان ها و زمین دلیل و نشانه توحید خداوند است .

الله الذی خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۹ - ۲

۲- کره زمین در بدو پیدایش ، دارای حجم گسترده ای نبوده است . *

و الأرض مددنها

<مدّ> در لغت به معنای

<بسط> و <جرّ> است و مراد از آن در آیه فوق، می تواند توسعه حجمی زمین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳ - ۴،۷

۴- آفرینش حق مدار آسمان ها و زمین ، گواه وحدانیت خدا و نبود شریک برای او

أن أنذروا أنه لا إله إلّا أنا فاتقون . خلق السموت و الأرض بالحق تعلی عمّا یشر

جمله <خلق السماوات و الأرض> به منزله تعلیل برای مضمون <لا إله إلّا أنا> در آیه قبل است.

۷- آفرینش آسمان ها و زمین (جهان هستی) دلیلی بر قدرت خداوند بر محقق ساختن وعده هایش

أتی أمر الله . .. خلق السموت و الأرض بالحق تعلی عمّا یشرکون

جمله <خلق السماوات . ..> می تواند به منزله تعلیلی برای روشن نمودن قدرت خداوند بر محقق ساختن وعده هایش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۱ - ۱

۱- شیاطین ، فاقد کمترین دخالت و نظارت در کار آفرینش آسمان ها و زمین و نیز خلقت خودشان اند .

ما أشهدتّهم خلق السموت والأرض و لاخلق أنفسهم

<إشهاد> یعنی، دیگری را به شهادت و حضور خواندن. نفی شاهد گرفته شدن شیاطین در آفرینش آسمان ها و زمین و خلقت خود آن ها، کنایه از آن است که آنان، هیچ نقشی در الوهیت و تدبیر جهان نداشته اند تا در موقع آفرینش، به حضور فراخوانده شده و شاهد خلقت باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۹ - ۷،۸

۷ آفرینش جهان هستی (آسمان ها ، زمین و

. . .) جلوه ای از رحمانیت خداوند

الذی خلق السموت و الأرض . .. الرحمن

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که <الـذی خلق> مبتـدا و <الرحمان> خبر آن باشد؛ یعنی، آن کسـی که جهان را آفرید، رحمان است و قهراً جهان، جلوه ای از رحمانیتش می باشد.

۸ آفرینش جهان هستی (آسمان ها ، زمین و . . .) جلوه ای از حیات جاویدان خداوند

الحیّ الذی لایموت . .. الذی خلق السموت و الأرض

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که <الذی خلق> صفت برای >الحیّ> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۲ - ۱،۵

۱ - آفرینش آسمان ها و زمین و گوناگونی زبان ها و رنگ های آدمیان ، از آیات الهی است .

و من ءایته خلق السموت و الأرض و اختلف ألسنتکم و ألونکم

۵ - آیه بودن آفرینش آسمان ها و زمین و تفاوت زبان ها و رنگ های مردم ، برای دانشمندان قابل درک است .

و من ءایته خلق السموت و الأرض و اختلف ألسنتکم و ألونکم إنّ فی ذلک لأیت للعل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۱ - ۲

۲ - نظم کنونی آسمان ها و زمین در بقا ، همانند مرحله آغازین خود ، نیازمند به اراده و تدبیر خداوند است .

إنّ اللّه یمسک السموت و الأرض . .. إن أمسکهما من أحد من بعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۱ - ۳

۳ - آفرینش آسمان ها و زمین ،

دلیل و نشانه توانایی خداوند بر برپایی قیامت و آفرینش مجدد انسان ها

أوَلیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن یخلق مثلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۱۰

۱۰ - آفرینش و تدبیر آسمان ها و زمین و پیدایش شب و روز و تسخیر خورشید و ماه ، جلوه های عزت و قدرتمندی خداوند است .

خلق السموت و الأرض . .. کلّ یجری لأجل مسمًّی ألا هو العزیز

یادآوری عزت و قدرتمندی خداوند در پایان آیه شریفه و پس از یادآوری آفرینش آسمان، زمین و. ..، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۱۶،۲۰،۲۳

۱۶ - آفریدن جهان هستی (آسمان ، زمین ، انسان و . . .) ، از اوصاف و نشانه های خدای حقیقی (اللّه)

خلق السموت و الأرض . .. خلقکم من نفس وحده ... ذلکم اللّه

<ذلکم> اشاره به کسی است که اشیای ذکر شده را آفریده و صاحب اوصاف خلق و جعل است.

۲۰ - آفرینش آسمان ها ، زمین ، خورشید ، ماه و انسان ، جلوه فرمانروایی مطلق خدا بر جهان هستی است .

خلق السموت و الأرض . .. له الملک

۲۳ - آفرینش جهان (آسمان ، زمین و انسان) ، دلیل یکتایی خدا و پوچی معبود های دیگر

خلق السموت و الأرض . .. خلقکم من نفس وحده ... لا إله إلّا هو

برداشت بالا مبتنی براین دیدگاه است که جمله <لا إله إلّا هو> که پس از بحث از خلقت جهان آمده

است به منزله نتيجه و جمع بندی آن بحث باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۸ - ۲

۲ - جهان (آسمان ها ، زمين و . . .) ، مخلوق خدا و جلوه قدرت او است .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض ليقولنّ اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۴ - ۱۳

۱۳ - آفرينش زمين ، آسمان ، انسان و روزی های او ، از اوصاف معبود و ربّ حقيقی

اللّه الذی جعل لکم الأرض . .. و صوّرکم فأحسن صورکم و رزقکم من الطّيبت ذلکم اللّ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۹ - ۳

۳ - زمين و چگونگی شکل گيری و آفرينش آن ، از نزديک ترين و آشکارترين زمينه های توجه انسان به خالقيت خداوند

قل أئنّکم لتکفرون بالذی خلق الأرض

از اين که خداوند از ميان همه نشانه ها و دلايل، آفرينش زمين را به عنوان دليل خالقيت و آفريدگاری خود ياد کرده است، می توان مطلب بالا را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۱ - ۱،۷

۱ - خداوند ، پس از آفرينش زمين به سامان دادن آسمان پرداخت .

ثمّ استوی إلی السماء

<إستواء> (مصدر <إستوی>) آن گاه که با <إلی> متعدی شود، به معنای آهنگ کردن است. <ثمّ> (در <ثمّ استوی>) می تواند برای ترتيب خارجی و يا ترتيب ذکری باشد. برداشت بالا بر اساس احتمال اول است.

۷ - شکل گیری

نظام آسمان ها و زمین ، براساس جاذبه ها و قوانین طبیعت *

قالتا أتینا طائعین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <طوعاً> اشاره به حرکت طبیعی و <کرهاً> حکایت از حرکت قسری داشته باشد و آیه بیانگر حاکمیت حرکت طبیعی حلقه های تکوین در نظام آسمان ها و زمین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۲ - ۱۱

۱۱ - آفرینش و تدبیر آسمان ها و زمین ، جلوه ای از علم و قدرت الهی است .

ذلک تقدیر العزیز العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۱ - ۲،۳

۲ - خلقت آسمان ها و زمین ، بدون هیچ گونه سابقه و الگوی پیشین

فاطر السموت و الأرض

<فاطر> (از ماده <فطر>)به معنای ابداع و آفرینش بدون سابقه نیز آمده است.

۳ - آسمان ها و زمین ، پیش از شکل یافتن به وضع موجود به صورت توده ای واحد و متراکم بود .

فاطر السموت و الأرض

<فطر> (مصدر <فاطر>) به معنای دریدن و جدا کردن است. به کارگیری این ماده می تواند به این مطلب اشاره داشته باشد که آسمان ها، پیش از این که به شکل فعلی در آید به صورت یک توده فشرده و متراکمی بود و سپس با انفجار عظیم از هم جدا و متفرق شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۹ - ۱،۷

۱ - آفرینش آسمان ها و زمین و جانداران ، از نشانه های روشن خدا و قدرت او است .

و من ءايته خلق السموت و الأرض و ما

بثّ فیهما من دابّه

۷ – آفرینش آسمان ها ، زمین و موجودات زنده ، تنها بخشی از آیات الهی است .

و من ءایته

بـا توجه به معنـای <من> که برای تبعیض است به دست می آیـد که جهـان هستی سـرشار از آیات خداونـد است و آفرینش آسمان ها و زمین تنها بخشی از آنها می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۳ – ۵

۵- آفرینش بهینه آسمان ها و زمین و سایر موجودات ، نمود عزت و حکمت الهی است .

من اللّه العزیز الحکیم . ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما إلّابالحقّ

از ارتباط این آیه با ذیل آیه قبل (من اللّه العزیز الحکیم)، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۳۳ – ۴

۴- آفرینش توانمندانه آسمان ها و زمین از سوی خداوند ، دلیل قدرت او بر تجدید حیات مردگان

اللّه الذی خلق . .. و لم یعی بخلقهنّ بقدر علی أن یحیی الموتی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۳۸ – ۳،۶

۳ – آفرینش آسمان ها و زمین ، نمودی از قدرت عظیم الهی

و لقد خلقنا السموت و الأرض

به قرینه آیـات پیشـین که بیـان کننـده قـدرت قـاهره الهی بود و نیز به قرینه ذیل آیه (و ما مسّـنا من لغوب) طرح مسأله آفرینش آسمان و زمین برای نمایاندن قدرت الهی است.

۶ – خلقت آسمان ها و زمین بدون کم ترین زحمت و دشواری ، نشان قدرت خداوند بر معاد

و لقد

خلقنا . .. و ما مسّنا من لغوب

با توجه به این که سیاق عمده آیات پیشین، در اثبات معاد بود; طرح خالقیت خدا و آسان بودن خلقت برای او، می تواند بیانگر امکان معاد و دشوار نبودن آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۲ - ۹،۱۱،۱۴

۹ - آفرینش آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها ، جلوه ای روشن و نشانه ای گویای از قدرت بی پایان خداوند

اللّه الذی خلق سبع سموت . .. لتعلموا أنّ اللّه علی کلّ شیء قدیر

۱۱ - آفرینش آسمان ها و زمین ، جلوه ای روشن و نشانه ای گویا از علم مطلق و همه جانبه خداوند است .

اللّه الذی خلق سبع سموت . .. لتعلموا ... أنّ اللّه قد أحاط بکلّ شیء علمًا

۱۴ - آفرینش آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها ، نشانه تحقّق وعده های خداوند به برپایی قیامت و وجود بهشت و جهنّم است .

أعدّ اللّه لهم عذابًا شدیدًا . .. جنّت تجری من تحتها الأنهر ... اللّه الذی خلق

یادآوری خلقت آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها پس از ذکر دو گروه دوزخیان و بهشتیان در آیات گذشته می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۹ - ۵

۵ - گستردگی و پهناوری کنونی زمین ، پس از گذشتن چندی از آفرینش نخستین آن بوده است .

و اللّه جعل لکم الأرض بساطًا

<جعل> در چند معنا به کار می رود; از جمله آنها، تغییر دادن از صورت

و حالتی به صورت و حالتی دیگر است (مفردات راغب). برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

خلقت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۱ - ۲

۲ - زنان ، همسان با مردان ، خلق شده اند .

أن خلق لکم من أنفسکم أزوجًا

از قید <من أنفسکم> استفاده می شود که خلق زنان، همسان مردان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۴

۴ - زنان چونان مردان ، بی هیچ امتیاز و تبعیضی ، دارای نفس و حقیقت واحد انسانی اند .

خلقکم من نفس وحده ثمّ جعل منها زوجها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۱ - ۸

۸ - آفرینش زن و مرد از جنس واحد ، لطف الهی نسبت به آدمیان

جعل لکم من أنفسکم أزوجًا

آیه شریفه در مقام امتنان و ذکر نعمت های الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۶ - ۶

۶ - همگونی مرد و زن در اصل خلقت (نطفه)

و أنّه خلق الزوجین الذکر و الأُنثی . من نطفه إذا تمنی

خلقت زندگی دنیوی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۴۵ – ۱۴

۱۴– پدیدار شدن حیات بر روی زمین ، جلوه ای از قدرت لایزال خداوند است .

واضرب لهم مثل الحیوه الدنیا . .. و کان اللّه علی کلّ شیء مقتدرًا

خلقت سایه دار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل –

۱۶ - ۸۱ - ۱

۱- آفرینش موجوداتی که خاصیت سایبانی برای انسان داشته باشد ، به قدرت خداست .

و الله جعل لکم ممّا خلق ظللاً

خلقت ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۴ - ۱۰

۱۰ خورشید و ماه و ستارگان ، آفریده های خداوند و مقهور امر و اراده او

خلق السموت . .. و الشمس و القمر و النجوم مسخرت بأمره

کلمه <الشمس> و ما بعد آن، عطف به <السموت> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۱ - ۴،۹،۱۰

۴ خداوند در آسمان ها ، ستارگانی را آفرید .

الذی جعل فی السماء بروجًا

۹ آفرینش ستارگان ، خورشید و ماه تابان ، جلوه ای از برکات و خیرات خداوند .

تبارک الذی جعل فی السماء بروجًا . .. و قمرًا منیرًا

۱۰ آفرینش ستارگان ، خورشید و ماه تابان ، از نشانه های قدرت خدا و یکتایی او

تبارک الذی جعل فی السماء بروجًا . .. و قمرًا منیرًا

برداشت فوق، از آن جا است که آیه شریفه در ردیف سلسله آیاتی قرار دارد که در مقام محکومیت شرک و اثبات توحید و یگانگی خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۳ - ۷

۷ - ناتوانی غیرخدا از پدید آوردن علایم راهنما (چون ستارگان) و عوامل نویدبخش و رحمت آفرین (چون باد و باران) به گستردگی پهنه زمین

أمّن یهدیکم فی ظلمت البرّ و البحر . .. أءله مع اللّه

از ارتباط <من یهدی> با <أءله مع اللّه> استفاده

می شود که تنها خداوند، قادر به ایجاد عواملی است که انسان را در ظلمت های شب در سراسر زمین (خشکی و دریا) هدایت کند و باران رحمت را در پی بادهای مژده دهنده به دورترین نقاط برساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۲ - ۱۷

۱۷ - سامان دادن آسمان های هفتگانه ، تدبیر امور آنها و آفرینش ستارگان و نگهبانی از آسمان ها ، جلوه ای از ربوبیت خدا و نشانه یکتایی او در تدبیر هستی است .

ذلک ربّ العلمین . .. فقضهنّ سبع سموت

خلقت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۳ - ۴

۴- آفرینش شب و روز و خورشید و ماه ، نشانی از توحید ربوبی است .

و هو الذی خلق الّیل . .. کلّ فی فلک یسبحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۲ - ۲،۳،۷

۲ آفرینش شب و روز و پدید آمدن روشنایی و تاریکی ، بر اثر جانشین شدن آن دو به جای یکدیگر ، تنها به قدرت خدا است .

و هو الذی جعل الّیل و النهار خلفه

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: ۱ معرفه بودن مبتدا و خبر (هو الذی جعل) بیانگر قصر می باشد. ۲- آیه شریفه در مقام بیان قدرت خدا است.

۳ آفرینش شب و روز و پدید آمدن روشنایی و تاریکی بر اثر جانشین شدن آن دو به جای یکدیگر ، از نشانه های قدرت خدا است .

و هو الذی جعل الّیل و النهار

خلفه

۷ آفرینش شب و روز ، تنها برای انسان های برخوردار از روح سپاس گزاری ، سپاس برانگیز است .

و هو الذی جعل الّیل . .. لمن أراد أن یذّکر أو أراد شکورًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۷۲ – ۸

۸ – ناتوانی غیرخدا ، بر ایجاد شب ، در صورت اراده خدا بر ثابت قرار دادن روز

قل أرءیتم إن جعل اللّه علیکم النهار سرمدًا . .. من إله غیر اللّه یأتیکم بلیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۵ – ۵،۱۰

۵ – پیدایش مستمر روز و شب و نور و ظلمت ، از نشانه های قدرت مطلق و ربوبیت یگانه خداوند است .

یکوّر الّیل علی النهار و یکوّر النهار علی الّیل

۱۰ – آفرینش و تدبیر آسمان ها و زمین و پیدایش شب و روز و تسخیر خورشید و ماه ، جلوه های عزت و قدرتمندی خداوند است .

خلق السموت و الأرض . .. کلّ یجری لأجل مسمًّی ألا هو العزیز

یادآوری عزت و قدرتمندی خداوند در پایان آیه شریفه و پس از یادآوری آفرینش آسمان، زمین و. ..، گویای برداشت یاد شده است.

خلقت شتر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۲۸ – ۱

۱ – آفرینش انسان ، جنبندگان و دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) ، از نشانه های ربوبیت بی همتای خداوند

ألم تر أنّ اللّه . .. و من الناس و الدّوابّ و الأنعم

<أنعام> جمع <نَعَم> (شتر) می باشد; ولی این واژه در مجموع

شتر، گاو و گوسفند نیز به کار می رود; چنان که در آیه شریفه به همین معنا استعمال شده است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۱

۱ - شتر ، گاو و گوسفند ، مخلوق خدا و جلوه هایی از قدرت او

أوَلم یروا أنّا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعمًا

<أنعام> به معنای شتر، گاو و گوسفند است و جمله <ممّا علمت أیدینا> کنایه از قدرت خدا می باشد. گفتنی است که آیه شریفه در مقام بیان جلوه های آن در طبیعت است.

خلقت شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۱ - ۱

۱- شیاطین ، فاقد کمترین دخالت و نظارت در کار آفرینش آسمان ها و زمین و نیز خلقت خودشان اند .

ما أشهدتّهم خلق السموت والأرض و لاخلق أنفسهم

<إشهاد> یعنی، دیگری را به شهادت و حضور خواندن. نفی شاهد گرفته شدن شیاطین در آفرینش آسمان ها و زمین و خلقت خود آن ها، کنایه از آن است که آنان، هیچ نقشی در الوهیت و تدبیر جهان نداشته اند تا در موقع آفرینش، به حضور فراخوانده شده و شاهد خلقت باشند.

خلقت طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۹ - ۵

۵- پیدایش و کارایی مظاهر طبیعت ، متّکی به مشیّت و نیروی الهی است .

و لولا إذ دخلت جنّتک قلت ما شاء اللّه لاقوّه إلاّ باللّه

خلقت ظلمت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۵ – ۵

۵ –

پیدایش مستمر روز و شب و نور و ظلمت ، از نشانه های قدرت مطلق و ربوبیت یگانه خداوند است .

یکوّر الّیل علی النهار و یکوّر النهار علی الّیل

خلقت عالمانه آسمان ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۲۹ – ۱۱

۱۱ – آفرینش آسمان های هفتگانه و مواهب زمین ، آفرینشی عالمانه است .

هو الذی خلق . .. و هو بکل شیء علیم

خلقت عالمانه آفرینش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۸۶ – ۲،۵

۲– آفرینش جهان ، آفرینشی عالمانه و آگاهانه است .

إن ربّک هو الخلّق العلیم

برداشت فوق بر این اساس است که <العلیم> صفت برای <الخلّق> باشد.

۵– ربوبیت خداوند ، مقتضی آفرینش عالمانه جهان است .

إن ربّک هو الخلّق العلیم

خلقت عرش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۷ – ۱۷،۱۸

۱۷ < عن علی بن الحسین (ع) قال : إن الله عزوجل خلق العرش . . . من أنوار مختلفه فمن ذلک النور نور أخضر . . . و نور أصفر . . . و نور أحمر . . . و نور أبیض . . . ;

از امـام سـجاد(ع) روایت شـده است که فرمود: . .. همانـا خـدای عزوجل عرش را ... از نورهای گوناگون خلق کرد که از این نورها نور سبز بود ... و نور زرد ... و نور سرخ ... و نور سفید ...>.

۱۸ < عن علی (ع) . . . خلق [الله] عرشه من نوره و جعله علی

الماء . . . و ذلک قوله : < و کان عرشه علی الماء . . . > ;

از امام علی(ع) روایت شـده است که فرمود: . .. [خداونـد] عرش خود را از نور خویش آفرید و آن را بر آب قرار داد ... و این است قول خدا که می فرماید: <و کان عرشه علی الماء ...>.

خلقت عیسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۷۱ – ۱۴،۱۷

۱۴ حضرت عیسی (ع) ، مخلوق و مملوک خداست ، نه خدا و فرزند خدا .

انما المسیح عیسی ابن مریم رسول اللّه و کلمته

برخی بر آننـد که مراد از <کلمه اللّه> همـان کلمه <کن> است که خداونـد با آن مخلوقات را ایجاد می کنـد و از جمله با این کلمه، حضرت مسیح(ع) را ایجاد کرد.

۱۷ حضرت عیسی (ع) ، نفخه الهی است که در حضرت مریم دمیده شد . *

انما المسیح عیسی ابن مریم رسول اللّه و کلمته القها إلی مریم و روح منه

کلمه <روح> عطف بر <کلمته> است و به مقتضـای عطف، <روح منه> می توانـد به جمله <القهـا الی مریم> توصـیف گردد ; یعنی <. .. و روح منه القهـا الی مریم> و در این صورت چنانچه برخی از مفسـران گفته انـد <روح> به معنای نفخه است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۷ – ۱۳،۲۸

۱۳ مسیح (ع) ، فاقد پدر

هو المسیح ابن مریم . .. المسیح ابن مریم و امه

۲۸ خلقت ویژه حضرت مسیح (ع

) ، نباید موجب پیدایش شبهه الوهیت در مورد وی گردد .

لقد کفر الذین . .. یخلق ما یشاء

گویا جمله <یخلق ما یشاء>، در رد پندار کسانی است که به خاطر نحوه خاص آفرینش حضرت مسیح(ع)، قائل به الوهیت وی شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۰ - ۶

۶ - خداوند ، قادر به آفرینش انسان هایی فرشته صفت هم چون عیسی (ع) *

و لو نشاء لجعلنا منکم ملئکه

گروهی از مفسران منظور از این آیه را، ایجاد انسان هایی فرشته صفت دانسته اند که در صدد رفع استبعاد مشرکان نسبت به قدرت ویژه انسان هایی هم چون عیسی(ع) که می توانست مردگان را زنده کند و بیماران را شفا بخشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۱ - ۳

۳ - آفرینش عیسی (ع) ، دلیلی بس روشن و آشکار بر امکان برپایی قیامت

و لمّا ضرب ابن مریم . .. و إنّه لعلم للساعه

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که مقصود از آیه شریفه این باشد که آفرینش شگفت عیسی(ع) به وسیله خداوند نشانگر قدرت و توانایی او بر برپایی قیامت است.

خلقت کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۱ - ۲

۲ - آفرینش دام ها و کشتی ها ، از نشانه ها و دلایل قدرت و ربوبیت بی همتای خداوند

اللّه الذی جعل لکم الأنعم . .. و علیها و علی الفلک تحملون . و یریکم ءایته

از مصادیق مورد نظر آیه شریفه برای آیات الهی، دام

ها و کشتی ها (موضوع بحث آیه قبل) می باشد.

خلقت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۹ - ۳

۳- خداوند ، در زمین کوه های ثابت و استوار پدید آورد .

و ألقینا فیها روسی

<رواسی> (جمع راسیه) به معنای ثابت و استوار است و مراد از آن در این آیه، کوهها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۱ - ۴

۴- آفرینش کوه ها به گونه ای که قابل پناه گرفتن برای انسان باشد ، به قدرت خداست .

و الله . .. جعل لکم من الجبال أکننًا

خلقت گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۸ - ۱

۱ - آفرینش انسان ، جنبندگان و دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) ، از نشانه های ربوبیت بی همتای خداوند

ألم تر أنّ اللّه . .. و من الناس و الدّوابّ و الأنعم

<أنعام> جمع <نَعَم> (شتر) می باشد; ولی این واژه در مجموع شتر، گاو و گوسفند نیز به کار می رود; چنان که در آیه شریفه به همین معنا استعمال شده است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۱

۱ – شتر ، گاو و گوسفند ، مخلوق خدا و جلوه هایی از قدرت او

أوَلم یروا أنّا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعمًا

<أنعام> به معنای شتر، گاو و گوسفند است و جمله <ممّا علمت أیدینا> کنایه از قدرت خدا می باشد. گفتنی است که آیه شریفه

در مقام بیان جلوه های آن در طبیعت است.

خلقت گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۸ - ۱

۱ - آفرینش انسان ، جنبندگان و دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) ، از نشانه های ربوبیت بی همتای خداوند

ألم تر أنّ اللّه . .. و من الناس و الدّوابّ و الأنعم

<أنعام> جمع <نَعَم> (شتر) می باشد; ولی این واژه در مجموع شتر، گاو و گوسفند نیز به کار می رود; چنان که در آیه شریفه به همین معنا استعمال شده است (مفردات راغب).

خلقت ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۴ - ۱۰

۱۰ خورشید و ماه و ستارگان ، آفریده های خداوند و مقهور امر و اراده او

خلق السموت . .. و الشمس و القمر و النجوم مسخرت بأمره

کلمه <الشمس> و ما بعد آن، عطف به <السموت> است.

خلقت ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۳ - ۴

۴- آفرینش شب و روز و خورشید و ماه ، نشانی از توحید ربوبی است .

و هو الذی خلق الّیل . .. کلّ فی فلک یسبحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵ - ۷

۷ آفرینش خورشید و ماه و متفاوت قرار داده شدن آن دو در درخشندگی ، جلوه های حکمت خدا و بر پایه حق و هدفی مشخص

هو الذی جعل الشمس ضیاء و القمر نوراً . .. ما خلق اللّه ذلک إلا بالحق

<حق> در مقابل

<باطل> (بیهوده) است ; یعنی، خداوند ماه و خورشـید را بیهوده و بی هدف نیافریده، بلکه آفرینش آنها بر پایه حق و هدف خاصی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۱ - ۷،۹،۱۰

۷ خداوند در آسمان ها ، ماه تابان را آفرید .

جعل فی السماء . .. قمرًا منیرًا

۹ آفرینش ستارگان ، خورشید و ماه تابان ، جلوه ای از برکات و خیرات خداوند .

تبارک الذی جعل فی السماء بروجًا . .. و قمرًا منیرًا

۱۰ آفرینش ستارگان ، خورشید و ماه تابان ، از نشانه های قدرت خدا و یکتایی او

تبارک الذی جعل فی السماء بروجًا . .. و قمرًا منیرًا

برداشت فوق، از آن جا است که آیه شـریفه در ردیف سلسـله آیاتی قرار دارد که در مقام محکومیت شـرک و اثبات توحید و یگانگی خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۳ - ۶،۸،۱۰

۶ - آفرینش جهان هستی چون انسان ، دریا ، خورشید و ماه ، از نشانه های خدای حقیقی (اللّه)

و اللّه خلقکم من تراب . .. ثمّ جعلکم أزوجًا ... و ما یستوی البحران ... و سخّر ال

<ذلکم> اشاره به کسی است که اشیای ذکر شده را آفریده و صاحب خلق و جعل می باشد.

۸ - آفرینش جهان (انسان ، دریا ، خورشید و ماه) ، جلوه ای از ربوبیت خدا است .

اللّه خلقکم من تراب . .. و ما یستوی البحران ... و سخّر الشمس و القمر ... ذلکم ال

۱۰ - آفرینش انسان ، دریا

، خورشید و ماه ، جلوه ای از فرمانروایی مطلق خدا بر جهان هستی است .

و اللّه خلقکم من تراب . .. و ما یستوی البحران ... و سخّر الشمس و القمر ... له ال

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۶ – ۱۸،۲۰

۱۸ – آفرینش جهان (آسمان ، زمین ، خورشید ، ماه و انسان) جلوه ربوبیت خدا است .

خلق السموت و الأرض . .. خلقکم من نفس وحده ... ذلکم اللّه ربّکم

۲۰ – آفرینش آسمان ها ، زمین ، خورشید ، ماه و انسان ، جلوه فرمانروایی مطلق خدا بر جهان هستی است .

خلق السموت و الأرض . .. له الملك

خلقت مراتع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – اعلی – ۸۷ – ۴ – ۳

۳ – آفرینش چراگاه ها ، از جلوه های ربوبیت خداوند است .

ربّك . .. الذی أخرج المرعی

خلقت مرد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۲۱ – ۲

۲ – زنان ، همسان با مردان ، خلق شده اند .

أن خلق لکم من أنفسکم أزوجًا

از قید <من أنفسکم> استفاده می شود که خلق زنان، همسان مردان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۴

۴ - زنان چونان مردان ، بی هیچ امتیاز و تبعیضی ، دارای نفس و حقیقت واحد انسانی اند .

خلقکم من نفس وحده ثمّ جعل منها زوجها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۱ -

۸ - آفرینش زن و مرد از جنس واحد ، لطف الهی نسبت به آدمیان

جعل لکم من أنفسکم أزوجًا

آیه شریفه در مقام امتنان و ذکر نعمت های الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۶ - ۶

۶ - همگونی مرد و زن در اصل خلقت (نطفه)

و أنّه خلق الزوجین الذکر و الأُنثی . من نطفه إذا تمنی

خلقت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۴ - ۷

۷- وجود ملائکه و مراحل مقدماتی پیدایش آنها و کارهایی که از آنان صادر می شود ، همه مملوک خداوند و در احاطه قدرت او است . *

له ما بین أیدینا و ما خلفنا و ما بین ذلک

گفته شده است: <ما بین أیدینا> (آنچه پیش روی ما است) اشاره به آثار وجودی ملائکه و <ما خلفنا> (آنچه پشت سر نهاده و از آن گذشتیم) اشاره به عناصر اولیه و مقدمات پیدایش آنها و <ما بین ذلك> (آنچه هم اکنون وجود دارد) اشاره به هستی آنان دارد. این توجیه و تفسیر با نوع ملائکه که زمان و مکان درباره آنان بی معنا است تناسب دارد.

خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۹ - ۱۲

۱۲ آفرینش موجودات زمین و آسمان های هفتگانه ، دلیل توانایی خدا بر زنده کردن مردگان است .

ثم يحييكم ثم إليه ترجعون. هو الذى خلق لكم ... فسويهن سبع سموت

جمله <هو الذى . ..> مى تواند مرتبط با ذيل آيه قبل باشد و نيز

می تواند با صدر آن آیه در ارتباط باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۱۷ – ۹

۹ – خداوند ، در ایجاد اشیا بی نیاز از استخدام وسایط است .

إذا قضی أمراً فإنما یقول له کن فیکون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۶۴ – ۱۳

۱۳ – خداوند احیاء کننده زمین ، ایجاد کننده موجودات زنده در آن و منتشر سازنده آنها در سراسر گیتی است .

فأحیا به الأرض . .. و بث فیها من کل دابه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۲ – ۹

۹ آفرینش موجودات در جهت برخورداری آنها از رحمت خداوند

قل لمن ما فی السموت و الأرض قل للّه کتب علی نفسه الرحمه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۴ – ۱۰،۱۱

۱۰ ایجاد و استمرار بقای موجودات به دست خداوند است.

فاطر السموت و الأرض و هو یطعم

۱۱ آفرینش و تأمین نیازمندیهای موجودات، از شؤون ولایت مطلقه الهی است.

قل أغیر اللّه أتّخذ ولیا فاطر السموت و الأرض و هو یطعم و لا یطعم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۵ - ۴

۴ پدید آمدن موجود زنده از دل مردگان و مرده از دل زندگان، قانونی مستمر در طبیعت است.

یخرج الحی من المیت و مخرج المیت من الحی

جمله <یخرج الحی>، که جمله ای است فعلیه و با فعل مضارع آغاز شده،

دال بر استمرار و تجدید است. همچنین جمله دوم (مخرج المیت ...)، که به صورت اسمیه آمده، دال بر دوام و ثبوت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۳۱ – ۱۰

۱۰ پیدایش مستمر و بیوقفه موجودات جاندار از پدیده های بی جان و موجودات بی جان از پدیده های جاندار ، از نشانه های ربوبیت خدا

و من یخرج الحی من المیت و یخرج المیت من الحی . .. فسیقولون اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۷ – ۱۱

۱۱– آفرینش موجودات و تأمین نیازمندی های جسمی و روحی آنان ، دلیل بر توحید ربوبی و خالقیت خداوند است .

خلق السموت . .. تعلی عمّا یشرکون ... خلق الإنسن ... و الأنعم خلقهالکم ... إن

آوردن کلمه <ربّ> بعد از بیان آفرینش آسمانها و زمین و آفرینش انسان و حیوانات از سوی خداوند، بیانگر توحید ربوبی است; کما اینکه اسناد آفرینش همه موجودات به خود بیان توحید در خالقیت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۲ – ۴

۴– وجود یافتن پدیده ها در عالم غیبت ، به فعلیّت رسیدنِ علمِ الهی است .

ثمّ بعثنهم لنعلم أیّ الحزبین

روشن است که خداوند، بر همه چیز آگاه است و ابعاد زمان و مکان، مانعی در برابر علم الهی نیست. بنابراین، <لنعلم> باید معنایی داشته باشد که با این اصل کلّی و مسلّم تنافی نداشته باشد. یکی از وجوه این است که مراد از <علم> در <لنعلم> فعلیّت یافتن علم خداوند باشد; یعنی،

آنچه خداوند به واقع شدن آن عالم است، واقع شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۹ - ۳

۳- خداوند ، هر چه بخواهد ، وجود خواهد یافت .

ما شاء اللّه

<ما> در <ما شاء اللّه> موصول و مبتدا است و خبر آن <کائن> یا چیزی نظیر آن است. معنای جمله، چنین است: <آنچه را خدا خواسته است خواهد شد.>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۵ - ۱۱

۱۱- هیچ فاصله ای بین فرمان الهی بر تحقق چیزی و محقق شدن آن وجود ندارد .

یقول له کن فیکون

عطف <یکون> به وسیله <فاء> بر نبودن هیچ فصلی بین تعلق اراده الهی و تحقق مورد اراده، دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۰ - ۶،۱۱

۶ - وجود حساب و اندازه ، در آفرینش موجودات

أعطی کلّ شیء خلقه

۱۱ - خلقت همه موجودات هستی و هدایت آنها ، برهان ربوبیت خدا است .

ربّنا الذی أعطی کلّ شیء خلقه ثمّ هدی

تفصیل کلام موسی(ع)، به برهانی منطقی و محکم بازگشت دارد که صورت آن آن چنین است: <اللّه ربّ لأنّه خالق و هاد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۹ - ۶

۶ - فرایند پیدایش مستمر موجودات و بازگشت آنان به حالت قبلی ، نمودی از قدرت خداوند است .

کیف یبدئ اللّه الخلق ثمّ یعیده

عطف <یعید> بر فعل <یبدئ> نشان می دهد که تمام موجودات، پس از خلق شدن، باز به حالت سابق شان برمی گردند.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۰ - ۳

۳ - عرصه طبیعت ، مظهر قدرت نمایی خداوند در ایجاد پدیده ها است .

سیروا فی الأرض فانظروا کیف بدأ الخلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۷ - ۱

۱ - آفرینشِ نخستِ موجودات و بازگرداندن مجدد آنها ، تنها به دست خداوند است .

و هو الذی یبدؤا الخلق ثمّ یعیده

<خلق> حاصل مصدر و <ال> در آن، برای جنس است، بنابراین، دلالت بر همه پدیده ها می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۹ - ۸

۸ - احیای زمین مرده و فاقد حیات و پدید آوردن موجودات زنده در این کره ، دلیل قدرت خداوند بر احیای مجدد انسان ها در روز رستاخیز

واللّه الذی أرسل الریح . .. فأحیینا به الأرض بعد موتها کذلک النشور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۱ - ۱۰

۱۰ - آفرینش انبوه پدیده های جهان و آگاهی همه جانبه از احوال آنها ، دلیل و شاهد توانایی خداوند بر احیای مجدد انسان ها در روز قیامت

أوَلیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن یخلق مثلهم بلی و هو الخلّق العلیم

یادآوری آفرینش و علم گسترده خداوند، در پایان آیه و در شرایطی که آیه شریفه در مقام بیان توانایی خداوند بر احیای مجدد انسان ها است; می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۲ - ۱،۲

۱ -

خداوند هر چیزی را اراده کند ، با گفتن < باش > و < به هستی درآ > ، آن را پدید می آورد .

إنّما أمره إذا أراد شيئًا أن يقول له كن فيكون

۲ - خداوند در آفرینش پدیده ها ، از هرگونه ابزار و وسایل و کمک و هم فکری ، بی نیاز است .

إنّما أمره إذا أراد شيئًا أن يقول له كن فيكون

قصر در <إنّما أمره. ..> قصر اضافی است. این عبارت در مقابل عقیده منکران معاد ادا شده است; زیرا آنان تجدید حیات انسان ها از استخوان های پوسیده و پراکنده را، امری غیر ممکن می دانستند; چرا که بر این تصور بودند که جمع کردن استخوان های پوسیده و پراکنده و دمیدن حیات در آن، نیاز به ابزار، وسایل، کمک و هم فکری دیگران داردو بایدوقت و زمانِ بسیاری صرف شود و خداوند از انجام چنین کاری ناتوان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۹ - ۱،۷

۱ - آفرینش آسمان ها و زمین و جانداران ، از نشانه های روشن خدا و قدرت او است .

و من ءايته خلق السموت و الأرض و ما بثّ فيهما من دابّه

۷ - آفرینش آسمان ها ، زمین و موجودات زنده ، تنها بخشی از آیات الهی است .

و من ءايته

با توجه به معنای <من> که برای تبعیض است به دست می آید که جهان هستی سرشار از آیات خداوند است و آفرینش آسمان ها و زمین تنها بخشی از آنها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری

- ۴۲ - ۴۹ - ۵

۵ - حاکمیت مطلق خداوند در جهان هستی ، پشتوانه اجرای مشیت وی در آفرینش موجودات

للّه ملك السموت و الأرض يخلق ما يشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۲ - ۳

۳ - آفرینش انواع موجودات هستی ، نمودی از عزت و دانایی مطلق الهی است .

خلقهنّ العزيز العليم . .. و الذى خلق الأزوج كلّها

<أزواج>، ممکن است به معنای <اصناف> باشد. ارتباط این آیه با دو آیه قبل، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۵

۵- آفرینش بهینه آسمان ها و زمین و سایر موجودات ، نمود عزت و حکمت الهی است .

من اللّه العزيز الحكيم . ما خلقنا السموت و الأرض و ما بينهما إلّابالحقّ

از ارتباط این آیه با ذیل آیه قبل (من اللّه العزیز الحکیم)، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۵ - ۱

۱ راه نیافتن عجز و خستگی در خداوند ، به خاطر آفرینش موجودات

أفعيينا بالخلق الأوّل

از استفهام انکاری (أفعيينا بالخلق)، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۹ - ۱

۱ – خداوند ، اشیا را جفت (نر و ماده) آفریده است .

و من کلّ شیء خلقنا زوجین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۵۰ – ۲،۴

۲ – بی نیازی خداوند به زمان ، برای خلق اشیاء

و ما

أمرنا إلاّ وحده كلمح بالبصر

عبارت <كلمح بالبصر> (مانند چشم به هم زدن) ظاهراً اشاره به سرعت تحقق <امر> دارد; يعنى، به گونه اى است كه ميان فرمان و تحقق شىء هيچ فاصله اى نيست.

۴ - تحقق آفرينش اشيا و تقدير و تنظيم آنها ، با صدور يک فرمان از جانب خداوند و بى نياز از بازنگرى *

إنّا كلّ شىء خلقنه بقدر . و ما أمرنا إلاّ وحده كلمح بالبصر

عبارت <و ما أمرنا> مى تواند نظر به آيه قبل داشته باشد; يعنى، خلقت و اندازه گيرى در دو مرحله صورت نمى گيرد; بلكه با يک فرمان هم آفرينش است و هم تقدير و در اين آفرينش و تقدير تجديد نظر صورت نمى گيرد.

خلقت موجودات سايه دار

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۸ - ۷

۷- پديد آمدن اجسام سايه دار و گردش آن سايه ها ، به دست خداوند است .

أو لم يروا إلى ما خلق الله من شىء يتفيّؤا ظلله عن اليمين و الشمائل

خلقت موجودات ظريف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۳ - ۱۲

۱۲ عن أبى الحسن(ع) فى حديث: . .. انما قلنا اللطيف للخلق اللطيف و لعلمه بالشىء اللطيف او لاترى إلى اثر صنعه فى النبات اللطيف ... و من الحيوان الصغار ... و ما هو اصغر منها ما لا يكاد تستبينه العيون ... .

از ابوالحسن (امام رضا يا امام هادى عليهما السلام) روايت شده است: . .. اطلاق وصف <لطيف> بر خداوند به سبب آن است كه آفريننده اشيايى لطيف است و به

اشیای لطیف علم دارد. آیا نشانه آفرینش او را در گیاهان لطیف، حیوانات ریز و کوچکتر از آنها که به چشم نمی آید مشاهده نمی کنی ... ؟

خلقت نخستین آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۴ - ۶

۶- آسمان بسان خلقت نخستین خود ، پس از در هم پیچیده شدن مجدداً شکل خواهد گرفت .

کما بدأنا أوّل خلق نعیده

برداشت برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <نعیده> اشاره به آفرینش آسمان پس از در هم پیچیده شدن آن باشد و نه تمامی مخلوقات.

خلقت نخستین آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۴ - ۵،۷،۱۰

۵- خداوند ، مخلوقات نابود شده در آستانه قیامت را ، بسان آفرینش نخستین آنها باز خواهد آفرید .

کما بدأنا أوّل خلق نعیده

۷- چگونگی پیدایش مجدد جهان ، در آستانه برپایی قیامت ، مانند آفرینش نخستین آن است .

کما بدأنا أوّل خلق نعیده

۱۰- قدرت خداوند بر خلقت آغازین نظام آفرینش ، نشانگر قدرت او بر آفرینش دوباره آن است .

یوم نطوی . .. إنّا کنّا فعلین

تشبیه <کما> می تواند برای اصل خلقت جهان و آفرینش مجدد آن باشد; یعنی، همان گونه که ما توانستیم جهان را در آغاز پدید آوریم، دوباره نیز می توانیم به وجود آوریم. گفتنی است جمله تأکیدی <إنّا کنّا فاعلین>، بیانگر این است که اصل آفریدن دوباره جهان، مورد انکار بوده و آیه شریفه در صدد بیان امکان آفرینش مجدد است.

خلقت نعمت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ -

۱۱ - آفرینش آسمان های هفتگانه و مواهب زمین ، آفرینشی عالمانه است .

هو الذی خلق . .. و هو بکل شیء علیم

خلقت نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۲

۲ آفرینش آسمانها و زمین و پدیدآوردن نور و ظلمت به دست خداوند، دلیل اختصاص ستایش به اوست.

الحمد للّه الذی خلق

<الذی خلق>، صفت <اللّه> و بیان وجه اختصاص حمد به اوست و این تعلیق، که به گفته اهل ادب تعلیق حکم <الحمدللّه> بر وصف <الذی خلق> است، بیانگر انحصار شایستگی ستایش به آفریننده هستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۵

۵ - پیدایش مستمر روز و شب و نور و ظلمت ، از نشانه های قدرت مطلق و ربوبیت یگانه خداوند است .

یکوّر الّیل علی النهار و یکوّر النهار علی الّیل

دعوت به مطالعه خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۷ - ۴

۴ - فراخواندن خداوند ، به مطالعه درباره مبدأ و مراحل تکوین انسان

ألم یک نطفه من منیّ یمنی

دلایل خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱ - ۱۵

۱۵ - توانایی مطلق خداوند بر انجام هر کاری ، دلیلِ امکان آفرینش پدیده های نو و توسعه جهان طبیعت

یزید فی الخلق ما یشاء إنّ اللّه علی کلّ شیء قدیر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که جمله <إنّ اللّه علی کلّ شیء قدیر>، تعلیل برای جمله <یزید فی

الخلق ما يشاء> می باشد.

ذکر خلقت آسمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۹ – ۵

۵ – شگفت آور بودن انکار معاد و عالم آخرت ، با توجه به مخلوق خدا بودن آسمان و زمین

الذین لایؤمنون بالأخره . .. أفلم یروا إلی ما بین أیدیهم و ما خلفهم

استفهام در <أفلم> تعجیبی است و دلالت می کند بر این که کفر به آخرت و انکار معاد، با توجه به این که آسمان و زمین در احاطه خدا قرار دارند، امر شگفت آوری است.

ذکر خلقت انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۲۸ – ۳

۳– قصه خلقت انسان از گِلی بد بو ، خشکیده و متغیر ، شایسته یاد و یادآوری

و إذ قال ربّک للملئکه إنی خلق بشرًا من صلصل من حمإ مسنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۷۱ – ۳

۳ – داستان آفرینش انسان و مجادله و گفتوگوی فرشتگان با خداوند در این باره ، شایان یاد و یادآوری است .

إذ قال ربّک للملئکه إنّی خلق بشرًا

برداشت یاد شده بر این اساس مبتنی است که <إذ> متعلق به فعل مقدر همچون <أذکر> باشد.

ذکر خلقت انسان بر محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۲۸ – ۴

۴- ربوبیت خداوند ، مقتضی بازگویی قصه خلقت انسان برای پیامبر (ص)

و إذ قال ربّک للملئکه إنی خلق بشرًا من صلصل من حمإ مسنون

ذکر خلقت انسانها

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۲۰ – تین – ۹۵ – ۷ – ۴

۴ – توجّه به آفرینش نیکوی انسان ها و سقوط و انحراف برخی از آنان ، دستاویزی برای تکذیب دین و کیفر های اخروی ، باقی نمی گذارد .

فما یکذّبک بعد بالدین

حرف <فاء> در <فما یکذّبک> و نیز کلمه <بعد>، این آیه را بر آیات پیشین، تفریع کرده است; یعنی، آیا وجود کسانی که در <أحسن تقویم> بوده و خود را به <أسفل سافلین> سقوط داده اند; دلیل ضرورت دین برای پیشگیری از آن سقوط و ضرورت روز جزا، برای کیفر آن منحرفان نیست؟!

ذکر خلقت زمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۹ – ۵

۵ – شگفت آور بودن انکار معاد و عالم آخرت ، با توجه به مخلوق خدا بودن آسمان و زمین

الذین لایؤمنون بالأخره . .. أفلم یروا إلی ما بین أیدیهم و ما خلفهم

استفهام در <أفلم> تعجیبی است و دلالت می کند بر این که کفر به آخرت و انکار معاد، با توجه به این که آسمان و زمین در احاطه خدا قرار دارند، امر شگفت آوری است.

ذکر عنصر خلقت انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – طارق – ۸۶ – ۵ – ۱،۴

۱ – تحقیق درباره منشأ آفرینش انسان و توجّه به عنصر اولیه جسم وی ، زمینه ساز باور به امکان احیای دوباره او است .

فلینظر الإنسن ممّ خلق

جمله <إنّه علی رجعه لقادر> در آیات بعد بیانگر آن است که آنچه از این آیه به بعد مطرح شده، آماده سازنده ذهن انسان برای باور

به امکان معاد است.

۴ – لزوم تحقیق درباره منشأ آفرینش انسان و کشف عنصر اصلی در پیدایش جسم او

فلینظر الإنسن ممّ خلق

ذکر مبدأ خلقت انسانها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۳۹ – ۴

۴ – توجه به مبدأ پیدایش بشر و سیر تکوین او ، راهنمای انسان ها به مسأله معاد

إنّا خلقنهم ممّا یعلمون

مطلب یاد شده، از یادآوری مسأله پیدایش بشر برای منکران قیامت استفاده می شود.

زمان خلقت آب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۷ – ۴

۴ پیش از آفرینش آسمان ها و زمین ، هستی منحصر به آب بود .

و کان عرشه علی الماء

<عرش> به معنای تخت پادشاه می باشد و در آیه، کنایه از سیطره و حکومت است و جمله <وکان عرشه علی الماء> به دلیل وجود <کان> به این معناست که: خداوند، آسمانها و زمین را آفرید در حالی که پیش از آن، بر آبها سیطره وحکومت داشت. این معنا می رساند که آب، پیش از آسمانها و زمین تشکیل دهنده هستی بوده است.

زمینه بینش پوچی خلقت انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۱۵ – ۴

۴ – انکار معاد ، مستلزم بیهوده شمردن آفرینش انسان

أنّما خلقنكم عبثًا و أنّكم إلينا لاترجعون

زمينه خلقت آفرينش

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۹ – نحل – ۱۶ – ۷ – ۱۰

۱۰– آفرينش جهان و انسان و برآوردن نياز های او ، مقتضای رأفت و رحمت پرورد گار است .

خلق السموت . .. تعلی عمّا

یشرکون ... خلق الإنسن ... إن ربّکم لرءوف رحیم

زمینه خلقت فرزند

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۳۷ – ۲

۲ – تأثیر قرار گرفتن نطفه مرد (منی) در رحم زن ، در پیدایش و تکوین فرزند

ألم یک نطفه من منیّ یمنی

برداشت یاد شده را می توان از تعبیر <من منیّ یمنی> (از منی ریخته شده در رحم) استفاده کرد.

زمینه خلقت موجودات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۵۰ – ۱۰

۱۰ – ربوبیت خداوند ، مقتضی آفرینش موجودات و هدایت آفریده ها به کمال وجودی آنها است .

ربّنا الذی أعطی کلّ شیء خلقه ثمّ هدی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۸۰ – ۷

۷ – آمد و شد شب و روز و به وجود آمدن فصل های مختلف ، عامل پیدایش موجودات زنده و جریان مستمر مرگ و حیات در زمین

یحی و یمیت و له اختلف الّیل و النهار

ذکر <اختلاف شب و روز> پس از بیان مرگ و حیات می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

زمینه خلقت نیروهای آفرینش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۴ - ۱۹

۱۹ - علم و حکمت ازلی خداوند ، پشتوانه آفرینش قوای هستی و به کارگیری بهینه آن

و للّه جنود السموت و الأرض و کان اللّه علیمًا حکیمًا

تعبیر <و کان اللّه علیماً حکیماً> در پایان آیه شریفه، می رساند که فتح مؤمنان و انزال سکینه بر آنان و بهره گیری از جنود

آسمان ها و زمین، در پرتو علم و حکمت ازلی صورت می گیرد; زیرا نفس تکوّن جنود و نیز بهره گیری از آنها در موارد مختلف، نیازمند علم و حکمت گسترده است.

زیبایی خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۳ - ۵

۵ - انسان ها ، از نظر ظاهر و باطن و صورت و سیرت ، زیبا و نیکو آفریده شده اند .

فأحسن صورکم

<صورت> عبارت است از هیئت هر شیئی که با آن، از دیگر اشیا جدا و ممتاز می گردد و شامل شکل ظاهری و هویت باطنی آن می شود (اقتباس از مفردات راغب).

سختی خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۷ - ۱

۱ - آفرینش مجموعه عالم (آسمان ها و زمین) ، در مقایسه با آفرینش انسان ها بزرگ تر و آفریدن آن سخت تر و مهم تر است .

لخلق السموت و الأرض أکبر من خلق الناس

مقصود از <أکبر>، با عظمت تر، سخت تر و مهم تر بودن است.

سختی خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱ - ۴

۴ - آفرینش جهانی سخت تر از آفرینش انسان ، (آسمان ها ، زمین و فرشتگان) گواه قدرت خداوند بر آفرینش مجدد انسان ها در قیامت و آسان و ممکن بودن آن برای او است .

فاستفتهم أهم أشدّ خلقًا أم من خلقنا

برداشت ياد شده از آن جا است كه روى سخن آيه شريفه مشركان اند; آنان كه منكر معاد بوده

و آفرینش مجدد انسان ها را از خاک، امری بعید و بسیار سخت و ناممکن می شمردند و <أءذا مِتنا و کنّا ترابا و عظاما أءنا لمبعوثون>، (آیه ۱۶ همین سوره).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۷ - ۱

۱ - آفرینش مجموعه عالم (آسمان ها و زمین) ، در مقایسه با آفرینش انسان ها بزرگ تر و آفریدن آن سخت تر و مهم تر است .

لخلق السموت و الأرض أکبر من خلق الناس

مقصود از <أکبر>، با عظمت تر، سخت تر و مهم تر بودن است.

سختی خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۷ - ۱

۱ - آفرینش مجموعه عالم (آسمان ها و زمین) ، در مقایسه با آفرینش انسان ها بزرگ تر و آفریدن آن سخت تر و مهم تر است .

لخلق السموت و الأرض أکبر من خلق الناس

مقصود از <أکبر>، با عظمت تر، سخت تر و مهم تر بودن است.

سوگند به خلقت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۵ - ۳

۳ - سوگند خداوند ، به بنیان نهادن آسمان و آفرینش آن

و ما بنیها

حرف <ما> مصدری بوده و مفاد آیه شریفه، سوگند به <بناکردن آسمان> است. برخی <ما> را موصول دانسته اند؛ ولی

یک نواختی سوگندها که تمامی آنها سوگند به مخلوقات است مؤید مصدری بودن آن است.

سهولت خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۲ - ۴

۴ -

آفرینش همه چیز برای خداوند ، امری سهل و آسان است .

إنّما أمره إذا أراد شيئًا أن يقول له كن فيكون

برداشت یاد شده از آن جا است که آفرینش هر چیزی به صرف اراده کردن و خواستن خدا و بی هیچ ابزار و وسایلی، گویای این حقیقت است که آفریدن هر چیزی برای او، سهل و آسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۸ - ۶

۶ - آفرینش همه چیز برای خداوند ، امری سهل و آسان است .

فإذا قضى أمرًا فإنّما يقول له كن فيكون

برداشت یاد شده، از آن جا است که آفرینش هر چیزی به صرف تقدیر و اراده آن و بی هیچ ابزار و کمکی، بیانگر این حقیقت است که برای خداوند متعال، آفریدن هر چیزی سهل و آسان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۰ - ۳

۳ - خلقت اشیاء و تحقق بخشیدن به آن ، امری سهل برای خداوند

إنّا كلّ شيء خلقنه بقدر . و ما أمرنا إلّا وحده كلمح بالبصر

برداشت یاد شده بر این احتمال است که عبارت <کلمح بالبصر> اشاره به سهولت داشته باشد.

شگفتی خلقت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۶ - ۳

۳ آفرینش شگفت ، زیبا و متقن آسمان ، نشانی از قدرت خداوند بر احیای مجدد مردگان

ذلك رجع بعيد . .. أفلم ينظروا إلى السماء فوقهم كيف بنينها

شگفتی خلقت از منی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – طارق – ۸۶ –

۳ - ۶

۳ - آفرینش انسان از آب ، شگفت انگیز و نشانه قدرت خداوند بر معاد است .

علیها حافظ . .. خلق من ماء دافق

برداشت یاد شده، با توجه به ارتباط این آیه با جمله <إنّه علی رجعه لقادر> در آیات بعد است.

شگفتی خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۰ - ۹

۹ - پدید آمدن موجودی زنده به نام انسان از خاک مرده ، امری غیر منتظره و سزاوار تأمل است .

أن خلقکم من تراب ثمّ إذا أنتم بشر تنتشرون

<إذا>ی فجاییه در آیه، می تواند حکایت از این حقیقت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۶ - ۳

۳ - آفرینش انسان از آب ، شگفت انگیز و نشانه قدرت خداوند بر معاد است .

علیها حافظ . .. خلق من ماء دافق

برداشت یاد شده، با توجه به ارتباط این آیه با جمله <إنّه علی رجعه لقادر> در آیات بعد است.

شگفتی خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۲ - ۴

۴ - زمین آفریده ای شگفت است و پیدایش شیار و رخنه در آن ، بر شگفتی اش افزوده است .

و الأرض ذات الصدع

شگفتی خلقت شتر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۱۷ – ۴

۴ – شیوه آفرینش شتر ، شگفت آور و دارای زوایای درخور دقّت و تحقیق است .

أفلاینظرون إلی الإبل کیف خلقت

تکیه بر شناخت ویژگی های شتر، یا به جهت فایده های فراوان این

حیوان برای مردم جزیره العرب است و یـا این که شتر در بین حیوانات، کمالاتی بی نظیر دارد و می توان آیه شـریفه را ناظر به هر دو نکته دانست.

شناخت مراحل خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۵ - ۲

۲ - شـناخت مراحل آغازین خلقت انسان ، زمینه ساز پی بردن به تحت مراقبت بودن وی و مایه شناخت قدرت خداوند بر ثبت کردار او است .

علیها حافظ . فلینظر الإنسن ممّ خلق

ارتباط دو آیه، با توجّه به حرف <فاء> در <فلینظر>، بیانگر برداشت یاد شده است.

عبرت از خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۶ - ۴

۴ - لجاجت و عناد ، مانع درس آموزی کافران از آفرینش هستی

أم خلقوا السموت و الأرض بل لایوقنون

عبـارت <بـل لاـیوقنون> بیـانگر این نکته است که موضع گیری نابـاورانه کافران درباره قرآن و پیامبر(ص) برخاسـته از یقین علمی آنان نیست; بلکه صرفاً از روی ستیزه جویی و لجبازی می باشد.

عبرت از خلقت جانداران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۵ - ۸

۸ - طبیعت (پیدایش انواع گوناگون جانداران از جسمی مایع و . . .) ، بستر مناسب برای عبرت آموزی و پندگیری

إنّ فی ذلک لعبره لأُوْلی الأبصر . و اللّه خلق کلّ دابّه من ماء

جمله <و اللّه خلق. ..> عطف بر جمله <يقلّب اللّه الليل...> است. این عطف می تواند به این مناسبت باشد که همان گونه که گردش و جابه جایی شب و روز

مایه عبرت صاحبان بصیرت است آفرینش انواع جانداران نیز می تواند چنین تأثیری داشته باشد.

عبرت از خلقت روز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۲ – ۵

۵ درس آموز بودن آفرینش شب و روز و نظم حاکم بر آن ، به تصمیم و اراده انسان برای درس آموختن بستگی دارد .

و هو الذی جعل الّیل و النهار خلفه لمن أراد أن یذّکّر

آمدن فعل <أراد> در جمله <لمن أراد أن یذّکّر> که در این جمله به منزله قید است می رساند که اراده و تصمیم انسان نقش اساسی در درس آموزی و عبرت گیری او دارد.

عبرت از خلقت شب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۲ – ۵

۵ درس آموز بودن آفرینش شب و روز و نظم حاکم بر آن ، به تصمیم و اراده انسان برای درس آموختن بستگی دارد .

و هو الذی جعل الّیل و النهار خلفه لمن أراد أن یذّکّر

آمدن فعل <أراد> در جمله <لمن أراد أن یذّکّر> که در این جمله به منزله قید است می رساند که اراده و تصمیم انسان نقش اساسی در درس آموزی و عبرت گیری او دارد.

عجز از خلقت موجودات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۴ – ۴

۴- ناتوانی بت ها و معبود های مشرکان ، از آفرینش موجودات زمینی و مشارکت در خلقت و تدبیر امور آسمان ها

ماذا خلقوا من الأرض أم لهم شرک فی السموت

عظمت خلقت آسمان

- سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۷ - ۱

۱ - آسمان ، پدیده ای مقاوم تر از جسم انسان ها و آفرینش آن باعظمت تر از آفرینش آنها است .

ءأنتم أشدّ خلقًا أم السماء

استفهام در <ءأنتم> تقریری است و برای اعتراف گرفتن از مخاطب به کار می رود. <السماء> ممکن است اشاره به آسمان مشهود باشد و نیز ممکن است اسم جنس بوده و بر تمام آسمان ها قابل تطبیق باشد. <شدّت>، به معنای صلابت و استحکام است. این وصف درباره جسم و غیر جسم به کار می رود. بنابراین تعبیر <أشدّ خلقاً> به معنای استحکام بیشتر در خلقت و یا دشوارتر بودن آفرینش [در نظر مخاطبان]است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۵ - ۴

۴ - ساختن آسمان ، کاری بزرگ و نشانه عظمت خداوند است .

و ما بنیها

تعبیر <و مابناها> سوگند به بانی باشد یا بنا نشانگر عظمت هر دو است; زیرا عظمت هر یک، حاکی از عظمت دیگری است.

عظمت خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۹ - ۱۱

۱۱- آفرینش آسمان ها و زمین دارای عظمتی بس فراتر از اعطای زندگی به انسان ها و میراندن آنان

ألم تر أن الله خلق السموت و الأرض بالحقّ إن یشأ یذهبکم و یأت بخلق جدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۹ - ۴

۴- بی دقتی و جهل کافران به عظمت آفرینش آسمان ها و زمین ، زمینه ساز انکار

حیات دوباره انسان از سوی آنان است .

أو لم یروا أن الله الذی خلق السموت و الأرض قادر علی أن یخلق مثلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱ - ۳

۳ - عظمت آفرینش آسمان ها ، زمین ، فرشتگان و دیگر موجودات آسمانی

أهم أشدّ خلقًا أم من خلقنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۷ - ۱

۱ - آفرینش مجموعه عالم (آسمان ها و زمین) ، در مقایسه با آفرینش انسان ها بزرگ تر و آفریدن آن سخت تر و مهم تر است .

لخلق السموت و الأرض أکبر من خلق الناس

مقصود از <أکبر>، با عظمت تر، سخت تر و مهم تر بودن است.

عظمت خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱ - ۲

۲ - ناچیز بودن آفرینش انسان در مقایسه با آفرینش جهان (آسمان ها ، زمین و . . .)

فاستفتهم أهم أشدّ خلقًا أم من خلقنا

ضمیر جمع <هم> در <فاستفتهم> به قرینه آیات پیشین به کافران و مشرکان بازمی گردد و مقصود از <من خلقنا> آسمان ها، زمین، فرشتگان و دیگر موجودات آسمانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۷ - ۱

۱ – آفرینش مجموعه عالم (آسـمان ها و زمین) ، در مقایسه با آفرینش انسان ها بزرگ تر و آفریـدن آن سـخت تر و مهم تر است .

لخلق السموت و الأرض أكبر من خلق الناس

مقصود از <أكبر>، با عظمت

تر، سخت تر و مهم تر بودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۹ - ۸

۸ - جهان آفرینش ، جلوه ای از قدرت شکست ناپذیر و علم گسترده خداوند است .

خلقهنّ العزیز العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۳ - ۹

۹- عظمت آفرینش آسمان ها و زمین ، نمایانگر قدرت مطلقه خداوند بر هر چیز ; علاوه بر قدرت او بر احیای مردگان

خلق السموت و الأرض . .. بلی إنّه علی کلّ شیء قدیر

از ارتباط بخش های این آیه، مطلب بالا استفاده می شود; زیرا در مرحله نخست از آفرینش آسمان ها و زمین، قدرت خداوند بر احیای مردگان استفاده شده است; ولی در مرحله بعد، نتیجه ای کلی تر (قدرت مطلقه الهی) مطرح گردیده است.

عظمت خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۵ - ۵

۵ - آفرینش انسان ، آفرینشی بس مهم و با عظمت و مورد توجه ویژه خداوند

ما منعک أن تسجد لما خلقت بیدیّ

عظمت خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۹ - ۱۱

۱۱- آفرینش آسمان ها و زمین دارای عظمتی بس فراتر از اعطای زندگی به انسان ها و میراندن آنان

ألم تر أن الله خلق السموت و الأرض بالحقّ إن يشأ يذهبكم و يأت بخلق جديد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۹۹ – ۴

۴- بی دقتی و جهل کافران به عظمت آفرینش آسمان

ها و زمین ، زمینه ساز انکار حیات دوباره انسان از سوی آنان است .

أو لم یروا أن الله الذی خلق السموت و الأرض قادر علی أن یخلق مثلهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۱ – ۳

۳ – عظمت آفرینش آسمان ها ، زمین ، فرشتگان و دیگر موجودات آسمانی

أهم أشدّ خلقًا أم من خلقنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۵۷ – ۱

۱ – آفرینش مجموعه عالم (آسمان ها و زمین) ، در مقایسه با آفرینش انسان ها بزرگ تر و آفریدن آن سخت تر و مهم تر است .

لخلق السموت و الأرض أکبر من خلق الناس

مقصود از <أکبر>، با عظمت تر، سخت تر و مهم تر بودن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۳۳ – ۹

۹– عظمت آفرینش آسمان ها و زمین ، نمایانگر قدرت مطلقه خداوند بر هر چیز ; علاوه بر قدرت او بر احیای مردگان

خلق السموت و الأرض . .. بلی إنّه علی کلّ شیء قدیر

از ارتباط بخش های این آیه، مطلب بالا استفاده می شود; زیرا در مرحله نخست از آفرینش آسمان ها و زمین، قدرت خداوند بر احیای مردگان استفاده شده است; ولی در مرحله بعد، نتیجه ای کلی تر (قدرت مطلقه الهی) مطرح گردیده است.

عظمت خلقت زن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – لیل – ۹۲ – ۳ – ۴

۴ – آفرینش مرد و زن و جنس نر و ماده در دیگر مخلوقات ،

کاری بزرگ و نشانه عظمت خداوند است .

و ما خلق الذکر و الأُنثی

تعبیر <و مـا خلق> چه سوگنـد به خالق باشـد و چه خلقت بیانگر عظمت هر دو است; زیرا عظمت هر یک، حاکی از عظمت دیگری است.

عظمت خلقت مذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۳ - ۴

۴ - آفرینش مرد و زن و جنس نر و ماده در دیگر مخلوقات ، کاری بزرگ و نشانه عظمت خداوند است .

و ما خلق الذکر و الأُنثی

تعبیر <و مـا خلق> چه سوگنـد به خالق باشـد و چه خلقت بیانگر عظمت هر دو است; زیرا عظمت هر یک، حاکی از عظمت دیگری است.

عظمت خلقت مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۳ - ۴

۴ - آفرینش مرد و زن و جنس نر و ماده در دیگر مخلوقات ، کاری بزرگ و نشانه عظمت خداوند است .

و ما خلق الذکر و الأُنثی

تعبیر <و مـا خلق> چه سوگنـد به خالق باشـد و چه خلقت بیانگر عظمت هر دو است; زیرا عظمت هر یک، حاکی از عظمت دیگری است.

عظمت خلقت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱ - ۳

۳ - عظمت آفرینش آسمان ها ، زمین ، فرشتگان و دیگر موجودات آسمانی

أهم أشدّ خلقًا أم من خلقنا

عظمت خلقت موجودات آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱ - ۳

۳ - عظمت آفرینش آسمان ها ، زمین ،

فرشتگان و دیگر موجودات آسمانی

أهم أشدّ خلقًا أم من خلقنا

عظمت خلقت مؤنث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۳ - ۴

۴ - آفرینش مرد و زن و جنس نر و ماده در دیگر مخلوقات ، کاری بزرگ و نشانه عظمت خداوند است .

و ما خلق الذكر و الأُنثى

تعبیر <و ما خلق> چه سوگند به خالق باشد و چه خلقت بیانگر عظمت هر دو است; زیرا عظمت هر یک، حاکی از عظمت دیگری است.

عنصر خلقت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۲ - ۳

۳ ابلیس، آفریده شده از آتشی خاص و آدم، آفریده شده از گلی مخصوص

خلقتنی من نار و خلقته من طین

نکره آمدن <نار> و <طین> حکایت از این دارد که آدم و ابلیس از گل و آتشی مخصوص آفریده شدند و چنانچه این معنا در نظر نبود، آن دو کلمه با <ال> جنس آورده می شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۱ - ۱۰

۱۰- حضرت آدم (ع) ، از دو عنصر خاك و آب (گِل) آفریده شد .

خلقت طینًا

<طین> در لغت به معنای <خاك آمیخته با آب (گِل)> آمده است (مفردات راغب).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۳ – ۳

۳ – آفرینش نسل آدم از نطفه پس از آفرینش خود وی از عصاره گِل

و لقد خلقنا الإنسن من سلله من طین . ثمّ جعلنه نطفه فی قرار مکین

جلد – نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۵۴ – ۱

۱ آب ، خمیر مایه و عنصر نخستین آفرینش آدم (ع)

و هو الذی خلق من الماء بشرًا

درباره کلمه <الماء> در آیه شریفه دو احتمال وجود دارد: ۱ مقصود آب است که جزئی از ماده اولیه خلقت آدم می باشد. در این صورت مقصود از <بشراً> حضرت آدم خواهد بود. ۲- مراد منی و نطفه است که در این صورت، مقصود از <بشراً> فرزندان آدم; یعنی، نوع انسان ها خواهد بود. برداشت برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۷ – ۶

۶ – آدم (ع) ، از گِل آفریده شده است .

و بدأ خلق الإنسن من طین

با توجه به آیات قرآن و واقعیت تاریخی، مراد از <الإنسان> در آیه، آدم است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۱۱ – ۸

۸ – آفرینش آدم (ع) از خاك و انسان از نطفه و در قالب زن و مرد ، از نشانه های قدرت خدا و یکتایی او است .

و اللّه خلقکم من تراب ثمّ من نطفه ثمّ جعلکم أزوجًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۷۶ – ۳

۳ – ابلیس ، آفریده شدنش از آتش و آفرینش آدم از گل را ، دلیل برتری و مهتری خود بر آدم معرفی کرد .

قال أنا خیر منه خلقتنی من نار و خلقته من طین

برداشت یاد شده از آن

جا است که جمله <خلقتنی من نار. ..> در مقام تعلیل و تبیین برای جمله <أنا خیر منه> می باشد.

عنصر خلقت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۱ - ۲

۲ - آسمان ، پیش از سامان یافتن و شکل گیری به صورت توده هایی از دود بود .

ثمّ استوی إلی السماء و هی دخان

عنصر خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷ - ۵

۵ آب ماده اصلی برای آفرینش آسمان ها و زمین *

خلق السموت و الأرض فی سته أیام و کان عرشه علی الماء

برداشت فوق، مقتضای ارتباط میان دو جمله <خلق السموات . ..> و <کان عرشه علی الماء> است; یعنی، بیان این معنا که: پیش از آفرینش آسمانها و زمین، هستی منحصر به آب بود و خداوند بر آنها حاکمیت داشت، می تواند به این نکته اشاره داشته باشد که خداوند، آن آبهای پیشین یا قسمتی از آنها را به آسمان و زمین تبدیل کرد.

عنصر خلقت ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۲ - ۳،۱۲

۳ ابلیس، آفریده شده از آتشی خاص و آدم، آفریده شده از گلی مخصوص

خلقتنی من نار و خلقته من طین

نکره آمدن <نار> و <طین> حکایت از این دارد که آدم و ابلیس از گل و آتشی مخصوص آفریده شدند و چنانچه این معنا در نظر نبود، آن دو کلمه با <ال> جنس آورده می شد.

١٢ عن أبى عبدالله(ع): . .. فإن أول من قاس إبليس حين

قال: < خلقتنی من نار و خلقته من طین> فقاس ما بین النار و الطین، و لو قاس نوریه آدم بنوریه النار عرف فضل ما بین النورین ... .

از امام صادق(ع) روایت شده است: . .. اولین کسی که قیاس کرد ابلیس بود آنگاه که (خطاب به خداوند) گفت: <مرا از آتش آفریده ای و او (آدم) را از گل> و بین آتش و خاک قیاس کرد، اگر نورانیت آدم(ع) را با روشنایی آتش مقایسه کرده بود، تفاوت بین آن دو نور را در می یافت ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۱ - ۸

۸- ابلیس ، دارای خلقتی از غیر خاک

قال ءأسجد لمن خلقت طینًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۶ - ۳،۴،۹

۳ - ابلیس ، آفریده شدنش از آتش و آفرینش آدم از گل را ، دلیل برتری و مهتری خود بر آدم معرفی کرد .

قال أنا خیر منه خلقتنی من نار و خلقته من طین

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <خلقتنی من نار. ..> در مقام تعلیل و تبیین برای جمله <أنا خیر منه> می باشد.

۴ - آتش ، مبدأ و عنصر اولیه خلقت ابلیس

خلقتنی من نار

۹ - ابلیس ، از عنصر و ماده اولیه خلقت خود و انسان آگاهی کامل داشت .

خلقتنی من نار و خلقته من طین

عنصر خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۲ - ۱۲

١٢ عن أبى عبدالله(ع): . .. فإن أول من قاس إبليس

حین قـال: < خلقتنی من نـار و خلقته من طین> فقـاس ما بین النار و الطین، و لو قاس نوریه آدم بنوریه النار عرف فضل ما بین النورین ... .

از امـام صـادق(ع) روایت شـده است: . .. اولین کسـی که قیاس کرد ابلیس بود آنگاه که (خطاب به خداونـد) گفت: <مرا از آتش آفریده ای و او (آدم) را از گل> و بین آتش و خاک قیاس کرد، اگر نورانیت آدم(ع) را با روشنایی آتش مقایسه کرده بود، تفاوت بین آن دو نور را در می یافت ... .

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۲۶ – ۱،۲

۱– خداوند ، پدید آورنده انسان ها از گِل خشکیده

و لقد خلقنا الإنسن من صلصل من حمإ مسنون

۲– گل خشکیده ، تیره رنگ ، بد بو و متغیر ، خمیر مایه اصلی آفرینش انسان

و لقد خلقنا الإنسن من صلصل من حمإ مسنون

<صلصال> در لغت به معنای صدای برخاسته از شیء خشک و <حمأ> گل سیاه و بد بو و <مسنون> به معنای متغیر است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۲۸ – ۶

۶– خداوند ، انسان را از گِلی خشکیده ، سیاه ، بد بو و متغیر آفریده است .

و إذ قال ربّک للملئکه إنی خلق بشرًا من صلصل من حمإ مسنون

<صـلصال> در لغت، به معنای صدای برخاسـته از شیء خشک و <حمأ> به معنای گِل سیاه و بد بو و <مسنون> به معنای متغیر است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۲۹ –

۲،۶

۲- خداوند ، پس از پدید آوردن بدن انسان با اجزای متناسب از گِل خشکیده ، در او روح دمید و او را حیات بخشید .

فإذا سوّیته و نفخت فیه من روحی

۶- گِل بد بو ، سیاه و خشکیده به انضمام روح الهی ، آغاز پیدایش نخستین انسان

إنی خلق بشرًا من صلصل من حمإ مسنون . فإذا سوّیته و نفخت فیه من روحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۳ - ۲،۴،۷

۲- ابلیس ، از ماده اوّلیه خلقت انسان ، آگاهی کامل داشت .

قال لم أکن لأسجد لبشر خلقته من صلصل من حمإ مسنون

۴- ابلیس ، با توجه به ماده اوّلیه خلقت انسان ، او را شایسته مسجود شدن موجودی چون خود نمی دید .

قال لم أکن لأسجد لبشر خلقته من صلصل من حمإ مسنون

تعبیر <لم أکن لأسجد> به جای <لا أسجد> یا <لست أسجد>، می تواند بیانگر این نکته باشد که شیطان، مقام خود را برتر از آدم(ع) می دید.

۷- خداوند ، انسان را از گِلی خشکیده ، سیاه ، بد بو و متغیر آفریده است .

لبشر خلقته من صلصل من حمإ مسنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۴،۵،۷

۴- توجه به پیدایش انسان و آفریده شدن وی از عناصری بی جان (خاک ، نطفه ، علقه و مضغه) ، زداینده هر گونه تردید در امکان برپایی رستاخیز و قدرت خدا بر بخشیدن حیات دو باره به مردگان

یأیّها الناس إن کنتم فی ریب من البعث فإنّا خلقنکم . ..ثمّ من مضغه

۵- خاک ، مبدأ

نخستین آفرینش انسان

فإنّا خلقنکم من تراب

۷- تحول خاک به نطفه ، تبدیل نطفه به علقه و تکامل علقه به مضغه ، روند آفرینش انسان

فإنّا خلقنکم من تراب ثمّ من نطفه ثمّ من علقه ثمّ من مضغه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶ - ۴،۶

۴ - آفرینش انسان و انواع گیاهان از بستر خاک مرده و بی جان ، نمایشی است از قدرتمندی و توانایی خداوند بر احیای همه مردگان در روز رستاخیز .

فإنا خلقناکم من تراب. .. و تری الأرض هامده... و أنّه یحی الموتی

جمله <و أنّه یحیی. ..> عطف بر <أنّ الله هو الحقّ> و به تقدیر <و ذلک بأنّ اللّه یحیی الموتی > می باشد; یعنی، آن قدرت نمایی ها بدان سبب است که خداوند می تواند مردگان را زنده کند.

۶ - آفرینش انسان و رویاندن انواع گیاهان از بستر خاک مرده و بی جان ، نمودی از قدرت بی کران و نامحدود خداوند

و أنّه علی کلّ شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷ - ۶،۸

۶ - آفرینش انسان و انواع گیاهان از بستر خاک مرده و بی جان ، یادآور رستاخیز و دلیلی گویا بر قطعی بودن برپایی آن .

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <الساعه> به برپایی قیامت و <ذلک> در آیه قبل به خلقت انسان و ایجاد انواع گیاهان: إن کنتم فی ریب من البعث فإنّا خلقناکم من تراب. .. فإذا أنزلنا علیها الماء اهتزّت و ربت> اشاره داشته باشد.

۸ - خلقت انسان و رویش انواع گیاهان از خاک

بی جان ، نشانگر توانمندی خدا بر احیای مردگان در روز رستاخیز

فإنّا خلقناکم . .. و تری الأرض هامده ... و أنّ اللّه یبعث من فی القبور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۲ - ۲

۲ - آفرینش نخستین انسان از عصاره گِل (خاک آمیخته با آب)

و لقد خلقنا الإنسن

سیاق آیات مورد بحث، نشان می دهد که مراد از <انسان>، نوع انسان است که شامل <حضرت آدم> و غیر او می شود. بنابراین مقصود از <خلق> در این آیه، آفرینش ابتدایی آدم است که از <گِل> آفریده شد. آیه بعد نیز، بیانگر آفرینش نسل آدم است که از نطفه آفریده شده و می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۳ - ۳

۳ - آفرینش نسل آدم از نطفه پس از آفرینش خود وی از عصاره گِل

و لقد خلقنا الإنسن من سلله من طین . ثمّ جعلنه نطفه فی قرار مکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۴ - ۲

۲ نطفه و منی ، خمیرمایه و عنصر نخستین آفرینش انسان

و هو الذی خلق من الماء بشرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۰ - ۱،۲،۳،۴،۶

۱ - از جمله آیات خداوند ، آفریدن انسان ها از خاک است .

و من ءایته أن خلقکم من تراب

۲ – خداوند ، پدید آورنده انسان ها از خاک است .

خلقکم من تراب

۳ – خاک ، مبدأ پیدایش انسان ها است .

و من ءایته أن خلقکم

من تراب

۴ – پدیدآمدن انسان های زنده از دل خاک مرده ، نمودی از پدید آوردن موجود جان دار از موجود بی جان به دست خداوند است .

یخرج الحیّ من المیّت . .. و من ءایته أن خلقکم من تراب

۶ – پدید آوردن موجودی زنده مانند انسان از دل خاک مرده ، از نشانه های توان مندی خداوند بر احیای مجدد انسان ها است .

و کذلک تخرجون . و من ءایته أن خلقکم من تراب

از این آیه به بعد، چندین آیه، در صدد شمارش آیات الهی است. از میان آن آیات، ذکر مناسب ترین آیه با <و کذالک تخرجون> پس از آن، می تواند در ضمن بیان آیات الهی، اشاره به نکته فوق باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۷ – ۵،۷،۸

۵ – آغاز آفرینش انسان (آدم) ، از گِل است .

و بدأ خلق الإنسن من طین

۷ – خلقت موجودی شگفت مانند انسان از گِلی بی شکل و فاقد حیات ، نمود آفرینش نیکوی خدا است .

أحسن کلّ شیء خلقه و بدأ خلق الإنسن من طین

۸ – آفرینش انسان از گِل ، نشانه علم و تدبیر خدا است .

یدبّر الأمر . .. علم الغیب و الشهده ... و بدأ خلق الإنسن من طین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۹ – ۸

۸ – انسان ، از دو عنصر (جسم و روح) است .

ثمّ سوّیه و نفخ فیه من روحه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۱

۲ - خاک ، ماده و عنصر نخستین آفرینش انسان ها است .

و اللّه خلقکم من تراب

۸ - آفرینش آدم (ع) از خاک و انسان از نطفه و در قالب زن و مرد ، از نشانه های قدرت خدا و یکتایی او است .

و اللّه خلقکم من تراب ثمّ من نطفه ثمّ جعلکم أزوجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱ - ۶،۷

۶ - آفرینش آغازین انسان از گِل چسبنده بود .

إنّا خلقنهم من طین لازب

<طین> به معنای <گِل> و <لازب> به معنای <چسبنده> است.

۷ - آفرینش انسان از گِل چسبنده ، گواه برتری آفرینش جهان طبیعت بر آفرینش انسان و شاهد توانایی خدا بر احیای مجدد انسان ها از خاک است .

إنّا خلقنهم من طین لازب

برداشت فوق از آن جا است که جمله <إنّا خلقناهم من طین لازب> تعلیل است برای آنچه مورد استفتا و استفهام در جملات قبل بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۱ - ۴

۴ - گِل ، خمیرمایه آفرینش انسان

إذ قال ربّک للملئکه إنّی خلق بشرًا من طین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۶ - ۵،۹

۵ – گِل ، مبدأ و عنصر اولیه خلقت انسان

خلقته من طین

۹ – ابلیس ، از عنصر و ماده اولیه خلقت خود و انسان آگاهی کامل داشت .

خلقتنی من نار و خلقته من طین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۶۷ – ۲،۴

۲ – خاک ، مبدأ نخستین

آفرینش انسان

خلقکم من تراب

۴ - تحوّل خاك به نطفه تبدیل نطفه به علقه و تکامل آن ، روند آفرینش انسان

خلقکم من تراب ثمّ من نطفه ثمّ من علقه ثمّ یخرجکم طفلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۲ - ۱۵

۱۵ - خاك و عناصر آن ، ماده اصلی پیدایش انسان به اراده الهی

إذ أنشأکم من الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۶ - ۳

۳ - پیدایش انسان از آبی اندك (نطفه) ، نمودی از قدرت و ربوبیت الهی

و أنّ إلی ربّک المنتهی . .. و أنّه خلق ... من نطفه

از ارتباط این آیه با آیه <و أنّ إلی ربّك المنتهی>، مطلب بالا قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۴ - ۱،۳،۴

۱ - انسان ، آفریده شده به اراده خداوند از گِلی خشك همچون سفال

خلق الإنسن من صلصل کالفخّار

<صلصال> به گل خشك و <فخّار> به سفال گفته می شود.

۳ - پیدایش موجودی شعورمند و صاحب اراده از گلی خشکیده (چون انسان) ، شایان تأمل و درس آموزی است .

خلق الإنسن من صلصل

تذکر به مبدأ پیدایش انسان، ممکن است نظر به مطلب بالا داشته باشد; چه این که آیات سوره تماماً توحیدی است و در مقام نمایاندن ربوبیت یگانه حق می باشد.

۴ - آب و خاک ، دارای نقش عمده در شکل گیری وجود انسان

خلق الإنسن من صلصل کالفخّار

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که واژه <صلصال> گر چه به معنای گل

خشکیده است; ولی به هرحال در آن آمیختگی خاک با آب مطرح است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۵ - ۳

۳ - آفرینش انسان و جن ، دو موجود شعورمند ، از دو عنصر کاملاً متفاوت (خاک و آتش) ، نمود قدرت خداوند

خلق الإنسن من . .. و خلق الجانّ من مارج من نار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۶ - ۱،۲،۳

۱ - جلوه های ربوبیت الهی در آفرینش انسان از < خاک > و جن از < آتش > ، غیر قابل انکار و تکذیب ناپذیر است .

خلق الإنسن . .. و خلق الجانّ ... فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

۲ - تبدیل گلی خشکیده به موجودی چون < انسان > و شعله آتش به موجود زنده ای چون < جن > ، نمود ربوبیت یگانه خداوند

خلق الإنسن من صلصل کالفخار. .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

۳ - پیدایش خصلت های ویژه انسانی از مشتی خاک و پیدایش موجود زنده دارای درک و شعورمندی چون جن از شعله آتش ، نعمت هایی شایان تأمل و قدرشناسی *

خلق الإنسن من صلصل . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۷ - ۲،۳

۲ - انسان ، از عناصر زمینی آفریده شده است .

و اللّه أنبتکم من الأرض

۳ - خاک ، عنصر اصلی آفرینش آدم

و اللّه أنبتکم من الأرض

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از <أنبتکم> پیدایش اصل انسان ها (حضرت آدم(ع)) باشد. بر

این اساس <الأرض> اشاره به عنصر خاکی آفرینش آدم خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲ - ۱،۲،۴،۱۱

۱ - نطفه ، مبدأ پیدایش انسان

إنّا خلقنا الإنسن من نطفه أمشاج

۲ - آفرینش انسان از نطفه ، جلوه عظمت و قدرت خداوند

إنّا خلقنا الإنسن من نطفه أمشاج

انتساب آفرینش انسان از نطفه به خداوند، با به کارگیری ضمیر متکلم مع الغیر، بیانگر مطلب یاد شده است.

۴ - مبدأ پیدایش انسان ، آمیزه ای از نطفه مرد و زن است . *

من نطفه أمشاج

به گفته برخی از مفسران، مقصود از <أمشاج>، ممکن است اختلاط نطفه مرد و زن باشد.

۱۱ - آفرینش انسان از نطفه ، دلیل قدرت خداوند بر آفرینش مجدد او در روز رستاخیز

هل أتی علی الإنسن حین من الدهر لم یکن شیئًا مذکورًا . إنّا خلقنا الإنسن من نطف

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است، موضوع آیه ۵ این سوره تا پایان آن، درباره مسائل قیامت (مانند بهشت و جهنم و جایگاه کافران و خوبان و. ..) است. ضمن آن که آیه پایانی سوره پیش که درباره اثبات توانایی خداوند بر احیای مردگان بود تأییدکننده همین مطلب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۰ - ۲،۴

۲ - آفرینش انسان ها ، از مایعی پست و بی مقدار (نطفه)

ألم نخلقکم من ماء مهین

<مهین>، در معانی حقیر، ضعیف و قلیل به کار می رود (قاموس المحیط).

۴ – آفرینش انسان ها از مایعی پست و بی مقدار (نطفه) ، نشانه قدرت و عظمت

خداوند

ألم نخلقكم من ماء مهين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۸ - ۲

۲ - توجّه به ماده اولیه خلقت انسان و سیر پیدایش وی ، مانع کفر به خداوند و قدرت او و زمینه ساز باور به معاد

قتل الإنسن ماأكفره . من أيّ شيء خلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۹ - ۲،۴

۲ - انسان ها ، از نطفه آفریده شده اند .

من نطفه خلقه

۴ - توجّه انسان به پیدایش او از نطفه ای ناچیز ، بازدارنده وی از کفرورزی به خداوند و قدرت او و مایه باور به معاد است .

ما أكفره . .. من نطفه خلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۶ - ۱،۲

۱ - منی (نطفه مرد) ، عنصر اصلی در آفرینش جسم انسان

خلق من ماء دافق

<دَفَقَ الماء>; یعنی، آب به شدّت ریخت; این فعل به صورت لازم و متعدی استعمال می شود; برخی تنها متعدی بودن آن را پذیرفته و <دافق> را به معنای <مدفوق> یا <ذی دفق> معنا کرده اند(مصباح). آب جهنده گرچه می تواند بر منی مرد و تخمک زن تطبیق کند; زیرا هر دو از کیسه منی در مرد و تخمدان در زن بیرون می جهند; ولی انصراف عرفی آن به نطفه مرد است.

۲ - جسم انسان ، از آبی آفریده شده است که از مرد و زن یکباره تخلیه شده و از ظرف خود بیرون می جهد .

ماء دافق

این احتمال وجود دارد که مراد از <ماء دافق>، نطفه

مرد و تخمک زن هر دو باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۸ - ۲

۲ - آفرینش انسان از منی ، برهان قدرت خداوند بر معاد و تجدید حیات انسان است .

خلق من ماء . .. یخرج ... إنّه علی رجعه لقادر

عنصر خلقت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۱۴

۱۴ عناصر زمینی ، خمیرمایه خلقت انسان است .

هو أنشأکم من الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۵ - ۱

۱ - ماده خلقت انسان ها ، فراهم آمده از زمین و عناصر آن

جعل لکم الأرض . .. منها خلقنکم

مرجع ضمیر در <منها> <الأرض> در آیات قبل است.

عنصر خلقت جانداران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۵ - ۱،۲،۳،۱۳

۱ - خداوند ، [در آغاز] هر جانداری را از آب آفرید .

و اللّه خلق کلّ دابّه من ماء

به حیوانـات و جانـداران روی زمین چه بزرگ و قابـل رؤیت باشـند و چه کوچـک و غیر قابـل دیـدن <دابّه> گوینـد (لسـان العرب).

۲ - آب ، از عناصر نخستین پیدایش حیات حیوانی است .

و اللّه خلق کلّ دابّه من ماء

۳ - خداوند ، موجودات جاندار را از انواع مایع های متناسب خود آفرید .

و اللّه خلق کلّ دابّه من ماء

برداشت یـاد شـده، مبتنی بر این نکته است که تنکیر <مـاء> برای تنویع باشـد. بر این اسـاس معنـای <مـاء> انواع جسم مایع است و مقصود این

است که عنصر اولی و منشأ پیدایش حیات جانداران، از جسم مایع است و حیات هر جانداری از مایعی متناسب خود می باشد.

۱۳ – آفرینش انواع جانداران از جسمی مایع ، جلوه ای از قدرت مطلق خداوند است .

و اللّه خلق کلّ دابّه من ماء . .. یخلق اللّه ما یشاء إنّ اللّه علی کلّ شیء قدیر

عنصر خلقت جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۲۷ – ۱،۷،۸

۱– خداوند ، جنیان را از آتش دارای باد های سوزان آفرید .

و الجانّ خلقنه من قبل من نار السموم

<سموم> در لغت به معنای باد سوزان است.

۷– < عن النبی (ص) قال : . . . هذه النار جزء من سبعین جزءاً من نار السموم التی خلق منها الجانّ و تلا هذه الأیه : < و الجانّ خلقناه من قبل من نار السموم > ;

از رسول اکرم(ص) روایت شده است که فرمود: این آتش (دنیا در حرارت و تأثیر) یک هفتادم از آتش سمومی است که جن از آن آفریده شده است و [رسول خدا(ص)]این آیه را تلاوت فرمود: و الجانّ خلقناه من قبل من نار السموم>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۱۵ – ۱،۳،۴

۱ – جن ، آفریده شده به اراده الهی ، از شعله های خالص و بدون دود آتش

و خلق الجانّ من مارج من نار

<مارج>، به معنای آتش خالص بدون دود است (قاموس المحیط).

۳ – آفرینش انسان و جن ، دو موجود شعورمند ، از دو عنصر کاملاً متفاوت (خاک و آتش) ،

نمود قدرت خداوند

خلق الإنسن من . .. و خلق الجانّ من مارج من نار

۴ - < عن الحسین بن علی (ع) کان علی بن أبی طالب (ع) بالکوفه فی الجامع إذ قام إلیه رجل . . . و سأله عن اسم أبی الجنّ فقال : شومان و هو الذی خلق من مارج من نار . . . ;

از امام حسین(ع) روایت شده که حضرت علی(ع) در جامع کوفه بود که مردی برخاست [و در ضمن چند سؤال از آن حضرت] از پدر جن سؤال کرد; حضرت فرمود: پدر جن <شومان> نام داشت [و فرمود:] هو الذی خلق من مارج من نار. ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۶ - ۱،۲،۳

۱ - جلوه های ربوبیت الهی در آفرینش انسان از < خاک > و جن از < آتش > ، غیر قابل انکار و تکذیب ناپذیر است .

خلق الإنسن . .. و خلق الجانّ ... فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

۲ - تبدیل گلی خشکیده به موجودی چون < انسان > و شعله آتش به موجود زنده ای چون < جن > ، نمود ربوبیت یگانه خداوند

خلق الإنسن من صلصل کالفخار. .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

۳ - پیدایش خصلت های ویژه انسانی از مشتی خاک و پیدایش موجود زنده دارای درک و شعورمندی چون جن از شعله آتش ، نعمت هایی شایان تأمل و قدرشناسی *

خلق الإنسن من صلصل . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

عنصر خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷ - ۵

۵

آب ماده اصلی برای آفرینش آسمان ها و زمین *

خلق السموت و الأرض فی سته أيام و كان عرشه علی الماء

برداشت فوق، مقتضای ارتباط میان دو جمله <خلق السموات . ..> و <كان عرشه علی الماء> است; يعنی، بيان اين معنا كه: پيش از آفرينش آسمانها و زمين، هستی منحصر به آب بود و خداوند بر آنها حاكميت داشت، می تواند به اين نكته اشاره داشته باشد كه خداوند، آن آبهای پيشين يا قسمتی از آنها را به آسمان و زمين تبديل كرد.

عنصر خلقت زن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۱ - ۳

۳ - زنان و مردان ، از يک جنس آفريده شده اند .

أن خلقكم من تراب . .. خلق لكم من أنفسكم أزوجًا

عنصر خلقت گياهان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶ - ۴،۶

۴ - آفرينش انسان و انواع گياهان از بستر خاک مرده و بی جان ، نمايشی است از قدرتمندی و توانايی خداوند بر احيای همه مردگان در روز رستاخيز .

فإنا خلقناكم من تراب. .. و تری الأرض هامده... و أنّه يحی الموتی

جمله <و أنّه يحيی. ..> عطف بر <أنّ الله هو الحقّ> و به تقدير <و ذلک بأنّ اللّه يحيی الموتی > می باشد; يعنی، آن قدرت نمايی ها بدان سبب است كه خداوند می تواند مردگان را زنده كند.

۶ - آفرينش انسان و روياندن انواع گياهان از بستر خاک مرده و بی جان ، نمودی از قدرت بی كران و نامحدود خداوند

و أنّه علی كلّ شیء قدير

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷ - ۶۸

۶ - آفرینش انسان و انواع گیاهان از بستر خاك مرده و بی جان ، یادآور رستاخیز و دلیلی گویا بر قطعی بودن برپایی آن .

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <الساعه> به برپایی قیامت و <ذلك> در آیه قبل به خلقت انسان و ایجاد انواع گیاهان: إن کنتم فی ریب من البعث فإنّا خلقناکم من تراب. .. فإذا أنزلنا علیها الماء اهتزّت و ربت> اشاره داشته باشد.

۸ - خلقت انسان و رویش انواع گیاهان از خاك بی جان ، نشانگر توانمندی خدا بر احیای مردگان در روز رستاخیز

فإنّا خلقناکم . .. و تری الأرض هامده ... و أنّ اللّه یبعث من فی القبور

عنصر خلقت مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۱ - ۳

۳ - زنان و مردان ، از یك جنس آفریده شده اند .

أن خلقکم من تراب . .. خلق لکم من أنفسکم أزوجًا

عنصر خلقت همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۱ - ۱

۱ - آفرینش همسران از جنسی همگون ، از آیات الهی است .

و من ءایته أن خلق لکم من أنفسکم أزوجًا

عیسی(ع) و خلقت پرنده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۴۰

۴۰ کافران بنی اسرائیل پس از مشاهده معجزات عیسی (ع) ، وی را ساحری زبردست معرفی کردند .

فقال الذین کفروا منهم ان هذا الا سحر مبین

در برداشت فوق <هذا> اشاره به

مسیح(ع) گرفته شده است، بر این مبنا اطلاق سحر به آن حضرت از باب مبالغه و حاکی از این است که کافران وی را ساحری زبردست می پنداشتند به گونه ای که گویا خود آن حضرت، سحر است.

غفلت از کیفیت خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۶ - ۵

۵ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نیندیشیدن آنان در اهمیت آفرینش خود از خاک و آتش

خلق الإنسن من صلصل . .. فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

غفلت از کیفیت خلقت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۶ - ۵

۵ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نیندیشیدن آنان در اهمیت آفرینش خود از خاک و آتش

خلق الإنسن من صلصل . .. فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

فلسفه خلقت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۴ - ۴

۴ - خداوند ، آسمان را در جهت منافع انسان ها برافراشته ساخت .

اللّه الذى جعل لكم . .. و السماء بناء

<بناء>، در لغت معنایی دارد که شامل: ساختمان، خیمه، چادر و مانند این ها می شود: اطلاق <بناء> بر آسمان از باب تشبیه است; یعنی، <جعل لكم السماء كالبناء>.

فلسفه خلقت آسمان ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۷ – ۹

۹ پدید آمدن نیکوکارترین انسان ها (انسان های کامل) از هدف های آفرینش آسمان

ها و زمین است .

خلق السموت و الأرض . .. لیبلوکم أیّکم أحسن عملاً

<لیبلوکم> متعلق به <خلق السموات . ..> است و بیانگر هدف آفرینش می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۲ - ۱۲

۱۲ - آگاه شدن بشر به قدرت و علم همه جانبه خداوند ، از حکمت های آفرینش آسمان ها و زمین

اللّه الذی خلق سبع سموت . .. لتعلموا أنّ اللّه علی کلّ شیء قدیر و أنّ اللّه قد

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که <لام> در جمله <لتعلموا. ..> تعلیل برای عبارت <خلق سبع سماوات> است و این جمله بیانگر علت و فلسفه آفرینش آسمان ها و زمین است.

فلسفه خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۰ - ۵

۵ - بهرهوری انسان از موهبت های طبیعی ، هدف اصلی از خلقت هستی

الذی جعل لکم الأرض مهدًا و جعل لکم فیها سبلاً

به کار رفتن کلمه <لکم> و تکرار آن، می تواند اشاره به این نکته داشته باشد که هدف از آفرینش نعمت ها بهوسیله خداوند، بهرهوری انسان از آنها است.

فلسفه خلقت اسب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۲

۲- اسب ، استر و الاغ به منظور سوار شدن ، زینت بودن و تجمل آفریده شده است .

و الخیل و البغال و الحمیر لترکبوها و زینه

فلسفه خلقت استر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۲

۲- اسب ، استر و

الاغ به منظور سوار شدن ، زینت بودن و تجمل آفریده شده است .

و الخیل و البغال و الحمیر لترکبوها و زینه

فلسفه خلقت الاغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۲

۲- اسب ، استر و الاغ به منظور سوار شدن ، زینت بودن و تجمل آفریده شده است .

و الخیل و البغال و الحمیر لترکبوها و زینه

فلسفه خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۱ - ۱۰

۱۰ - هدف از آفرینش انسان ها ، نایل شدن آنان به مرتبه تقواست .

خلقکم . .. لعلکم تتقون

برداشت فوق بر این اساس است که: <لعلکم . ..> - علاوه بر تعلقش به <اعبدوا> - به <خلقکم> نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۱،۳۰

۱ - خداوند بعد از آفرینش آسمان ها و مواهب زمین ، به خلقت انسان پرداخت ، تا او را به منصب خلافت برساند .

خلق لکم ما فی الأرض . .. و إذ قال ربّک للملئکه إنی جاعل فی الأرض خلیفه

با توجه به آیه ۳۴ از همین سوره و آیات دیگری که درباره خلقت آدم (ع) است، می توان گفت: سخن خداوند با فرشتگان درباره آدم، قبل از خلقت وی بوده است. بنابراین <إنی جاعل فی الأرض خلیفه> علاوه بر بیان خلافت آدم(ع) دلالت بر آفرینش او نیز دارد; یعنی: می خواهم]موجودی[بیافرینم و او را خلیفه قرار دهم.

۳۰ امیر المؤمنین (ع) فرمود : < . . . قالت

الملائکه : سبحانک < أتجعل فی ها من یفسد فی ها و یسفک الدماء و نحن نسبح بحمدک و نقدس لک > . . . فاجعله منّا فانا لانفسد فی الأرض و لانسفک الدماء . قال جلّ جلاله . . . < إنی أعلم ما لاتعلمون > انّی ارید ان اخلق خلقاً بیدی اجعل ذریته انبیاء مرسلین و عباداً صالحین و ائمه مهتدین اجعلهم خلفائی فی ارضی . . . ;

. .. ملائکه گفتند: پروردگارا منزهی تو <آیا قرار می دهی در زمین کسی را که فساد و خونریزی می کند و ما تسبیح و حمد تو را به جا می آوریم و تقدیست می کنیم>. پس خلیفه را از ما قرار بده که ما نه در زمین فساد می کنیم و نه خونریزی می نماییم. خداوند جل جلاله فرمود: من چیزی را می دانم که شما نمی دانید; من اراده نموده ام که با دست خود خلقی را بیافرینم که از نسل او پیامبران مرسل، بندگان صالح و پیشوایان هدایت یافته به وجود آیند که آنان را جانشینان خود بر مخلوقاتم در زمین قرار بدهم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۱ - ۲

۲ - توان یادگیری حقایق هستی ، حکمت آفرینش انسان و راز لیاقت او برای خلافت در زمین

إنی جاعل فی الأرض خلیفه . .. و علّم ءادم الأسماء کلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۶ - ۴

۴ - رسیدن به مرتبه و منزلت شاکران ، از وظایف اساسی انسان و هدف از خلقت اوست

.

ثم بعثنکم من بعد موتکم لعلکم تشکرون

به نظر می رسـد سپاسـگزاری - که به عنوان هـدف از <بعثناکم> بیان شـده - در برابر خصوص حیات دوباره نباشد، بلکه به عنوان هـدف برای اصل حیات و زندگی مطرح باشد; یعنی، خداوند صاعقه زدگان بنی اسـرائیل را حیات بخشـید و هدف آن بود که در حیات دنیوی سپاسگزار باشند و به منزلت شاکران نایل شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۲

۲ خداوند بسیاری از انسان ها و جنیان را برای ورود به دوزخ آفرید .

و لقد ذرأنا لجهنم کثیراً من الجن و الإنس

<ذرأ> (مصدر ذرأنا) به معنای آفریدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۸ - ۱۰

۱۰- هدف از آفرینش انسان و اعطای نعمت (قوای ادراکی و . . .) به او ، شناخت خداوند و شکر اوست .

و الله أخرجکم من بطون . .. و جعل لکم السمع ... لعلّکم تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷ - ۴،۱۴

۴- تحقّق یافتن بهترین عمل و برترین عامل ، فلسفه آفرینش انسان و موهبت های پیرامون او است .

إنّا جعلنا . .. لنبلوهم أیّهم أحسن عملاً

عبـارت <لنبلوهم. ..> در تبیین علّت و فلسـفه آفرینش موهبت هـای زمین، به ایجـاد زمینه برای تحقّق یافتن دو شاخصه اشاره کرده است: ۱ بهترین عمل کننده از بین افراد انسان; ۲ بهترین عمل از بین عمل ها.

۱۴- < عن علی بن الحسین (ع) : . . .انّ اللّه

عزّوجلّ . . .انّما خلق الدنيا و خلق أهلها ، ليبلوهم فيها أيّهم أحسن عملاً لآخرته ;

از امام سجاد(ع) روايت شده كه فرمود: . .. همانا، خداى، عزّوجلّ، ... دنيا و اهل آن را، تنها، براى اين آفريد تا آنان را در آن بيازمايد كه كدام شان براى آخرت اش بهتر عمل مى كند>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۳۵ - ۴

۴- حكمت و فلسفه خلقت انسان ، امتحان و آزمايش او است .

كلّ نفس ذائقه الموت و نبلوكم بالشرّ و الخير فتنه

از ارتباط دو جمله <كلّ. ..> و <نبلوكم...> استفاده مى شود كه جمله اخير پاسخ سؤال مقدرى است كه: اگر مرگ سرنوشت همگان است، پس چرا انسان ها آفريده شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۵ - ۳

۳ - بينش غلط نسبت به هدف آفرينش (بازگشت به سوى خدا) ، ريشه انحرافات بشر و عامل دوزخى شدن وى

قالوا ربّنا غلبت علينا شقوتنا . .. أفحسبتم أنّما ... لاترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۴ - ۴

۴ - هدف آفرينش انسان ، محدود به زندگى دنيوى وى نيست .

يبدؤا الخلق ثمّ يعيده

اعاده حيات مى رساند كه هدف از آفرينش، در همين زندگى زودگذر دنيايى تكميل نمى شود و گرنه نيازى به اعاده آن نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۷ - ۱۷،۱۹

۱۷ – تعقل و خردورزی ، غایت و هدف معنوی آفرینش انسان ها

است .

هو الذی خلقکم من تراب . .. لعلّکم تعقلون

۱۹ – شناخت خردورزانه مبدأ و منت های آفرینش (خدا و معاد) ، فلسفه خلقت انسان

هو الذی خلقکم من تراب . .. لعلّکم تعقلون

برداشت بالا به خاطر این نکته است که آیه شریفه، در صدد شناساندن خدا به عنوان مبدأ آفرینش انسان و مسأله معاد است که در آیه بعد از آن سخن به میان خواهد آمد (هو الذی یحیی و یمیت . ..).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۳۵ – ۶

۶ – خلقت انسان بدون هیچ هدف ارزشمند ، امری نامعقول است .

أم خلقوا من غیر شیء

برداشت یاد شده بدان احتمال است که واژه <شیء>، کنایه از غایت و هدف باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۴۷ – ۳

۳ – تحقق هدف الهی از آفرینش انسان ، منوط به برپایی قیامت *

و أنّه خلق . .. و أن علیه النشأه الأُخری

از متفرع شدن <علیه النشأه الأخری> بر <خلق الزوجین>، می توان نتیجه گرفت که خلقت دنیوی مرد و زن، به تنهایی کافی نیست و برای تحقق هدف الهی، در خلقت اخروی آنان ضروری است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۳ – ۳

۳ – فلسفه خلقت انسان ، نهفته در مقام رحمانیت خداوند

الرحمن . .. خلق الإنسن

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که وصف <الرحمان> مشعر به علیت باشد; یعنی، چون خداوند دارای رحمت گسترده است، رحمت او مقتضی است که فیض از خلق دریغ ندارد و

نعمت وجود بر اندام آنان بپوشاند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۲ - ۶

۶ - کفر انسان ها به خداوند ، برخلاف مسیر و فلسفه خلقت انسان و جهان و شگفت انگیز است .

هو الذی خلقکم فمنکم کافر و منکم مؤمن

تفریع <فمنکم کافر> بر موضوع آفرینش انسان از سوی خداوند (هو الذی خلقکم) و یادآوری آفرینش حق مدارانه جهان در آیه بعد، می رساند که کفر انسان ها به آفریننده خود، امری شگفت انگیز و بیرون از مسیر خلقت و به دور از انتظار است؛ زیرا انتظار از مخلوق (انسان)، این است که آفریننده خود را انکار نکند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۲ - ۲۳،۱۶،۱۰

۱۰ - تکامل و تعالی و داشتن دستاوردی بهتر ، فلسفه و هدف آغازین خلقت بشر و برخوردار شدن از جزا و پاداش اخروی (بهشت برین) ، فلسفه و هدف نهایی آفرینش او است .

لیبلوکم أیّکم أحسن عملاً

به مقتضای جمله <لیبلوکم أیّکم أحسن عملاًـ>، هدف از خلقت انسان و تقدیر مرگ و حیات برای وی، تکامل و داشتن دستاوردی بهتر در دنیا است؛ ولی چون پاداش و جایزه اصلی آن را در جهان آخرت دریافت می کند، بنابراین می توان گفت: تکامل، هدف مرحله اولی خلقت بشر و بهشت برین، هدف مرحله نهایی آفرینش او است.

۱۶ - تلاش برای تکامل و بهتر شدن ، در راستای هدف و فلسفه خلقت بشر و گناه و کوتاهی او ، بیرون از آن است .

لیبلوکم أیّکم أحسن عملاً

جمله <لیبلوکم أیّکم أحسن عملاً> می

رساند که هر تلاشی برای تکامل و بهتر شدن، در جهت هدف خلقت بشر است. بنابراین، هر گناه و کوتاهی ای که از بشر سر زند، خارج از دایره هدف خلقت است.

۲۳ - < عن الرّضا (ع) : . . .و أمّا قوله : < لیبلوکم أیّکم أحسن عملاً - > فإنّه عزّوجلّ خلق خلقه لیبلوهم بتکلیف طاعته و عبادته ، لا علی سبیل الإمتحان و التجربه لأنّه لم یزل علیماً بکلّ شیء . . . ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: . .. اما سخن خداوند: (لیبلوکم أیّکم أحسن عملًا) پس خداوند عزّوجلّ مخلوقاتش را آفرید تا آنان را بهوسیله تکلیف نمودن به طاعت و عبادت خود، آزمایش کند; ولی این آزمودن، برای تجربه اندوزی و آگاهی یافتن نبود; زیرا خداوند همیشه به تمام اشیا عالم بوده است... .>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۹ - ۶

۶ - مطالعه در مبدأ و مراحل پیدایش انسان ، موجب راه یابی به هدف آفرینش آدمی و فلسفه زندگی او

أیحسب الإنسن أن یترک سدًی . ألم یک نطفه ... فخلق فسوّی . فجعل منه الزوجین الذکر

بیان سیر تکوین انسان پس از طرح موضوع بی هدف نبودن زندگی بشر می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲ - ۸

۸ - آفرینش انسان از سوی خداوند ، حکیمانه و هدفمند و به دور از پوچی و بیهودگی است .

إنّا خلقنا الإنسن من نطفه . .. نبتلیه

تأکید خداوند بر آزمایش شدن انسان از آغاز

خلقت وی، می تواند برای نفی توهّم پوچی و بی هدف بودن آفرینش انسان ها باشد.

فلسفه خلقت انسان ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۷ – ۱۴

۱۴ < عن الرضا (ع) قال : إن الله تبارک و تعالی . . . خلق السموات و الأرض فی سته أیام . . . لیظهر للملائکه ما یخلقه منها شیئاً بعد شیء فیستدل بحدوث ما یحدث علی الله تعالی مرّه بعد مرّه . . . و أما قوله عزوجل : < لیبلوکم أیّکم أحسن عملاً > فإنه خلقهم لیبلوهم بتکلیف طاعته و عبادته ، لا علی سبیل الإمتحان والتجربه لأنه لم یزل علیماً بکلّ شیء . . . ;

از امام رضا(ع) روایت شده است که فرمود: همانا خدای تبارک و تعالی .. آسمانها و زمین را در شش روز آفرید ... تا آنچه را می آفریند برای ملائکه یکی پس از دیگری آشکار کند، که به وسیله حدوث پدیده ها تازه به تازه بر وجود خدا استدلال شود ... و اما قول خدای عزوجل <لیبلوکم أیّکم أحسن عملاً>; یعنی، خدا انسانها را آفرید تا آنان را به وسیله تکلیف به طاعت و عبادت خود آزمایش کند. البته نه برای امتحان و کشف مجهول; زیرا از ازل به همه چیز آگاه بوده و هست ...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱۹ – ۴،۱۱

۴ هدف از خلقت انسانها ، هدایت کردن ایشان به طریق حق و نزول رحمت بر آنان است .

إلاّ من رحم ربک و لذلک خلقهم

مشارالیه

<ذلک> رحمتی است که از جمله <رحم ربک> استفاده می شود.

۱۱ < عن أبی بصیر عن أبی عبدالله (ع) قال : سألته عن قول الله عزوجل : . . . < إلاّ من رحم ربک و لذلک خلقهم > قال : خلقهم لیفعلوا ما یستوجبوا به رحمته فیرحمهم ;

ابوبصیر گوید: از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند <إلاّ من رحم ربک و لذلک خلقهم> سؤال کردم، فرمود: آنان را آفرید تا کارهایی را انجام دهند که مستحق رحمت الهی شوند و در نتیجه خداوند ایشان را مورد رحمت قرار دهد>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۴۶ – ۶

۶ – حیات آخرت ، حیات اصلی و هدف نهایی برای بشر است .

إنّا أخلصنهم بخالصه ذکری الدار

از ستایش شدن پیامبران به آخرت اندیشی و دنیاگریزی، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۵۶ – ۱،۹

۱ – هدف خداوند ، از آفرینش جن و انس ، رسیدن آنان به مرتبه عبودیت و معرفت او است .

و ما خلقت الجنّ و الإنس إلاّ لیعبدون

واژه <لیعبدون> به دلالت التزامی اشاره به حقیقت معرفت دارد; زیرا اصولاً ـ عبودیت واقعی و ستایش حق، جز در پرتو معرفت تحقق نمی یابد.

۹ – < عن أبی بصیر قال : سألت أباعبدالّله (ع) عن قوله عزّوجلّ : < و ما خلقت الجنّ و الإنس إلاّ لیعبدون > قال خلقهم لیأمرهم بالعباده ;

ابی بصیر می گوید: از امام صادق(ع) درباره سخن خدای عزّوجلّ: <و ما خلقت

الجنّ و الإنس إلّا ليعبدون> سؤال نمودم، فرمود: خداوند آنان را آفريد تا آنها را به عبادت فرمان دهد>.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۱۰ – ۵

۵ – ترديد جن پس از ممنوع شدن از استراق سمع آسمان ، در شناخت تقدير الهى درباره اهل زمين و خير و رشد بودن آفرينش آنها *

و أنّا لاندرى أشرّ أُريد بمن فى الأرض أم أراد بهم ربّهم رشدًا

برداشت ياد شده، مبتنى بر اين نكته است كه ممنوعيت جن از استراق سمع آسمان، ظرف زمان براى پيدايش اين سؤال باشد كه خداوند، براى چه منظورى اهل زمين را آفريد; نه اين كه به چه هدفى آنان از استراق سمع، ممنوع شدند؟

فلسفه خلقت جن

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۸ – ذاريات – ۵۱ – ۵۶ – ۱،۹

۱ – هدف خداوند ، از آفرينش جن و انس ، رسيدن آنان به مرتبه عبوديت و معرفت او است .

و ما خلقت الجنّ و الإنس إلّا ليعبدون

واژه <ليعبدون> به دلالت التزامى اشاره به حقيقت معرفت دارد; زيرا اصولاً ـ عبوديت واقعى و ستايش حق، جز در پرتو معرفت تحقق نمى يابد.

۹ – < عن أبى بصير قال : سألت أباعبداللّه (ع) عن قوله عزّوجلّ : < و ما خلقت الجنّ و الإنس إلّا ليعبدون > قال خلقهم ليأمرهم بالعباده ;

ابى بصير مى گويد: از امام صادق(ع) درباره سخن خداى عزّوجلّ: <و ما خلقت الجنّ و الإنس إلّا ليعبدون> سؤال نمودم، فرمود: خداوند آنان را آفريد تا آنها را به عبادت فرمان دهد>.

فلسفه خلقت جنيان

جلد

– نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۷۹ – ۲

۲ خداوند بسیاری از انسان ها و جنیان را برای ورود به دوزخ آفرید .

و لقد ذرأنا لجهنم کثیراً من الجن و الإنس

<ذرأ> (مصدر ذرأنا) به معنای آفریدن است.

فلسفه خلقت چشمه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۳۵ – ۲

۲ – خداوند ، چشمه ساران را به منظور بهره بردن انسان ها از آثار و فواید آنها آفریده است .

و فجّرنا فیها من العیون . لیأکلوا من ثمره

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که ضمیر در <ثمره> به <تفجیر>; یعنی، مصدر <فجّرنا> بازگردد. گفتنی است براساس این احتمال، معنای <ثمر> میوه نیست; بلکه به معنای آثار و فواید است; چنان که به فایده و سود حاصل از تجارت، ثمره تجارت گفته می شود.

فلسفه خلقت چهارپایان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۵ – ۲

۲– آفرینش دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) به منظور بهره گیری انسان از آنهاست .

و الأنعم خلقها لکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۷ – ۷،۸

۷– آفرینش دام ها ، در جهت منافع و بهرهوری انسان ، نشانه ای از رأفت و رحمت خداست .

و الأنعم خلقها لكم . .. و لكم فيها جمال ... و تحمل أثقالكم ... إن ربّكم لرءوف ر

۸- خداوند با آفرینش دام ها ، زمینه های آسایش و رفع مشقت های آدمیان را فراهم ساخته است

.

و الأنعم خلقها لكم . .. و تحمل أثقالكم ... إن ربّكم لرءوف رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۵

۵- آفرینش دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) ، به گونه ای که از پوست آنها خانه و سرپناه سبک و قابل انتقال (برای عشایر و صحرانشین) ساخته شود ، به قدرت خداست .

و الله . .. جعل لکم من جلود الأنعم بیوتًا تستخفّونها یوم ظعنکم و یوم إقامتکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۴ - ۲

۲ - شتر ، گاو و گوسفند ، برای انسان و در خدمت او است .

کلوا وارعوا أنعمکم

به شتر، گاو و گوسفند <أنعام> گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۴

۴ - بهره مندی انسان ها ، فلسفه و حکمت آفرینش شتر ، گاو و گوسفندان

أوَلم یروا أنّا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعمًا

گفتنی است از <لام> <لهم> (به کار رفته در معنای تعلیل) و نیز از این که آیه شریفه در مقام امتنان است، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۲ - ۳،۵

۳ - خداوند برخی از دام ها (چون شتر و گاو) را برای سوار شدن و حمل و نقل آفریده است .

فمنها رکوبهم

<من> در <فمنها> برای تبعیض است; یعنی، برخی از انعام که مقصود از آن شتر و گاو است.

۵ - خداوند ،

شتر ، گاو و گوسفند را برای تغذیه انسان آفرید .

و منها یأکلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۸

۸ - بهره مندی انسان ها ، فلسفه آفرینش دام ها (شتر ، گاو ، گوسفند و بز)

و أنزل لکم من الأنعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۹ - ۱،۴

۱ - خداوند ، دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) را به خاطر منافع و مصالح انسان ها آفریده است .

اللّه الذی جعل لکم الأنعم

لام در <لکم> برای تعلیل است; یعنی، به خاطر شما، <أنعام> (جمع <نَعَمْ>) در اصل به معنای شتر است; ولی گاهی برای مجموع <شتر، گاو و گوسفند> به کار می رود. برداشت یاد شده بر اساس همین احتمال است.

۴ - خداوند ، برخی از دام ها (چون شتر) را برای سوار شدن و برخی دیگر (مانند گوسفند) را به منظور خوردن انسان ها آفریده است .

الأنعم لترکبوا منها و منها تأکلون

فلسفه خلقت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۹ - ۵

۵ خداوند حوا را آفرید تا آدم (ع) در کنار او آرامش یابد .

لیسکن الیها

ضمیر در <الیها> به <زوج . .. > و ضمیر در <لیسکن> به <نفس واحده> برمی گردد، ارجاع ضمیر مذکر به <نفس

واحده> به اعتبار معنا و مقصود از آن (آدم) است.

فلسفه خلقت حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲

- ۶۵ - ۱

۱ - همه موجودات زمین (جمادات ، نباتات و حیوانات) در خدمت انسان و مسخر و رام شده برای بهره برداری او

ألم تر أنّ اللّه سخّر لکم ما فی الأرض

فلسفه خلقت خشکی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۲ - ۲

۲ - بستر خشکی ها و پهنه دریا ها ، در خدمت بهرهوری بشر ، به عنایت و لطف خداوند

و علیها و علی الفلک تحملون

فلسفه خلقت درخت آتش زا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۳ - ۳

۳ - حکمت ایجاد درخت آتش زنه از سوی خداوند ، یاد آوری قدرت الهی ، تداعی کردن روز رستاخیز و بیرون آمدن انسان ها از قبر ها است .

نحن جعلنها تذکره

ضمیر <جعلناها> می تواند به <نار> و یا به <شجره> برگردد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال دوم است؛ یعنی، ما آن درخت را مایه تذکار قرار دادیم تا انسان ها با دیدن آن، به یاد قدرت خداوند بیفتند و پی ببرند کسی که از چوب آتش را بیرون می آورد، قادر است که مردگان را نیز بار دیگر از گورها بیرون آورد.

فلسفه خلقت دریا ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۲ - ۲

۲ - بستر خشکی ها و پهنه دریا ها ، در خدمت بهرهوری بشر ، به عنایت و لطف خداوند

و علیها و علی الفلک تحملون

فلسفه خلقت راه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل

- ۱۶ - ۱۵ - ۴،۵،۷

۴- نهر های آب و راه های زمین ، برای استفاده انسان ها آفریده شده است .

و ألقی فی الأرض . .. و أنهرًا و سبلاً لعلّکم تهتدون

۵- آفرینش نهر ها و راه های طبیعی ، علامتهایی است برای راهیابی آدمیان

أنهرًا و سبلاً لعلّکم تهتدون . و علمت

احتمال دارد مراد از <لعلّکم تهتدون> به قرینه بیان منافع کوهها و نیز <علامات> در آیه بعدی، راهیابی باشد.

۷- غرض از خلقت کوه ها ، نهر ها و راه ها هدایت انسان ها است .

و ألقی فی الأرض روسی . .. و أنهرًا و سبلاً لعلّکم تهتدون

برداشت مذکور، بنابراین نکته است که مراد از <تهتدون> هدایت معنوی باشد.

فلسفه خلقت روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۷ - ۱،۳

۱ خداوند ، شب و روز را به خاطر انسان برقرار کرد .

هو الذی جعل لکم الّیل لتسکنوا فیه و النهار مبصراً

۳ خداوند ، شب را به منظور آرمیدن و روز را با هدف تلاش و تأمین معاش انسان ، برقرار کرده است .

هو الذی جعل لکم الّیل لتسکنوا فیه و النهار مبصراً

به قرینه <مبصراً> لفظ <مظلماً>، بعد از <الّیل> ; و به قرینه <لتسکنوا فیه> جمله <لتعملوا فیه>، بعد از لفظ <مبصراً> مقدر است ; یعنی: هو الذی جعل لکم الّیل مظلماً، لتسکنوا فیه و النهار مبصراً لتعملوا فیه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۳ - ۴

۴ – تلاش جهت به دست آوردن توشه زندگی ، هدف الهی از برقرار کردن روز برای بندگان

جعل

لکم . .. النهار ... لتبتغوا من فضله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۶۱ – ۴،۷،۱۰

۴ – خداوند ، روز را به منظور توانایی بشر بر دیدن و تلاش برای تأمین روزی آفریده است .

اللّه الذی جعل لکم . .. و النهار مبصرًا

در جمله <و النهار مبصراً> به قرینه آمدن <لتسکنوا> در جمله پیش کلمه <لتبصروا فیه> محذوف است.

۷ – آفرینش شب و روز برای تأمین نیاز های بشر ، جلوه ای از ربوبیت خداوند و نشانه توانایی او بر برپا کردن قیامت

إنّ الساعه لأتیه . .. اللّه الذی جعل لکم الّیل لتسکنوا فیه و النهار مبصرًا

آیه شریفه، درصدد اثبات و ارائه نشانه های درستی و راستی برپایی قیامت است که در دو آیه قبل، با صراحت به آن تأکید شده است.

۱۰ – آفرینش شب و روز در راستای تأمین نیاز ها و منافع بشر ، جلوه ای از فضل و احسان خداوند به او است .

اللّه الذی جعل لکم الّیل . .. إنّ اللّه لذو فضل علی الناس

فلسفه خلقت روزی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۳۲ – ۳

۳ هدف از آفرینش زینتها و روزیها، استفاده بندگان خداوند از آنهاست.

زینه الله التی أخرج لعباده

فلسفه خلقت زمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۵۶ – ۲

۲ خداوند زمین را بدون فساد آفرید و آن را برای زندگانی انسان ها جایگاهی شایسته قرار داد .

بعد إصلحها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ -

هود - ۱۱ - ۷ - ۹

۹ پدید آمدن نیکوکارترین انسان ها (انسان های کامل) از هدف های آفرینش آسمان ها و زمین است .

خلق السموت و الأرض . .. لیبلوکم أیّکم أحسن عملاً

<لیبلوکم> متعلق به <خلق السموات . ..> است و بیانگر هدف آفرینش می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۰ - ۱

۱ - زمین ، سامان یافته از سوی خدای رحمان ، در جهت منافع انسان

و الأرض وضعها للأنام

واژه <أنام> در یکی از این معانی استعمال شده است: انسان یا جن و انس و یا همه موجودات روی زمین. در برداشت یاد شده معنای اول انتخاب شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۲ - ۱۲

۱۲ - آگاه شدن بشر به قدرت و علم همه جانبه خداوند ، از حکمت های آفرینش آسمان ها و زمین

اللّه الذی خلق سبع سموت . .. لتعلموا أنّ اللّه علی کلّ شیء قدیر و أنّ اللّه قد

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که <لام> در جمله <لتعلموا. ..> تعلیل برای عبارت <خلق سبع سماوات> است و این جمله بیانگر علت و فلسفه آفرینش آسمان ها و زمین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۵ - ۶

۶ - آفرینش زمین و بستر مناسب بودن آن برای حرکت و روزی انسان ها ، جلوه علم و آگاهی خداوند بر احوال نهان و آشکار انسان ها

إنّه علیم بذات الصدور . .. هو الذی جعل لکم الأرض ذلولاً

... و کلوا من رزقه

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه، درصدد تبیین چگونگی علم خداوند بر احوال و ضمیر انسان ها است که در دو آیه قبل، از آن سخن به میان آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۰ - ۳

۳ - آفرینش زمین به صورت گسترده و پهناور ، به منظور میسّر شدن راه های گشاده و روشن برای بشر است .

و اللّه جعل لکم الأرض بساطًا . لتسلکوا منها سبلاً فجاجًا

برداشت یاد شده، از لام <لتسلکوا> که برای غایت و یا تعلیل است استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۶ - ۳،۴

۳ - آفرینش زمین ، برای حیات و مرگ انسان ها ، جلوه قدرت و عظمت الهی است .

ألم نجعل الأرض کفاتًا . أحیاءً و أموتًا

۴ - < حَمّاد بن عیسی عن أبی عبداللّه (ع) أنّه نظر إلی المقابر ، فقال : یا حمّاد هذه کِفاتُ الأموات و نظر إلی البیوت فقال : هذه کفاتُ الأحیاء ثمّ تلا [هذه الآیه] < ألم نجعل الأرض کفاتاً . أحیاءً و أمواتاً > ;

حمّادبن عیسی از امام صادق(ع) روایت کرده که آن حضرت، نگاهی به قبرستان انداخت و فرمود: ای حمّاد! این کفاتِ مردگان است و نگاهی به خانه ها انداخت و فرمود: این کفاتِ زنده ها است. سپس این آیه را تلاوت فرمود: <ألم نجعل الأرض کفاتاً . أحیاءً و أمواتاً>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ -

نبأ - ۷۸ - ۶ - ۵

۵ - آفرینش زمین ، نعمتی الهی برای انسان ها و در جهت منافع حیاتی آنان است .

ألم نجعل الأرض مهدًا

<مَهْد> و <مِهاد>، به معنای مکانی است که ممهّد و مهیّا باشد (مفردات راغب). بنابراین جمله <ألم نجعل...>، حاکی از این است که خداوند زمین را به گونه ای قرار داده است که برای ادامه حیات بشر آماده باشد.

فلسفه خلقت زینت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۳،۱۰

۳ هدف از آفرینش زینتها و روزیها، استفاده بندگان خداوند از آنهاست.

زینه الله التی أخرج لعباده

۱۰ استفاده مؤمنان از زینتها و نعمتها، مقصود اصلی از آفرینش آنهاست.

قل هی للذین ءامنوا فی الحیوه الدنیا

ذکر نکردن <لغیرهم> پس از <للذین ءامنوا>، علی رغم مقصود بودن آن، برای رساندن این معناست که زینتها و طیبات بالإصاله برای مؤمنان آفریده شده است.

فلسفه خلقت ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۷ - ۱

۱ خداوند ستارگان را برای راهیابی انسان در ظلمتهای دشت و دریا قرار داده است.

و هو الذی جعل لکم النجوم لتهتدوا بها فی ظلمت البر و البحر

فلسفه خلقت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۷ - ۱،۳

۱ خداوند ، شب و روز را به خاطر انسان برقرار کرد .

هو الذی جعل لکم الّیل لتسکنوا فیه و النهار مبصراً

۳ خداوند ، شب را به منظور آرمیدن و روز را با هدف تلاش و تأمین معاش انسان ، برقرار کرده

است .

هو الذی جعل لکم الّیل لتسکنوا فیه و النهار مبصراً

به قرینه <مبصراً> لفظ <مظلماً>، بعد از <الّیل> ; و به قرینه <لتسکنوا فیه> جمله <لتعملوا فیه>، بعد از لفظ <مبصراً> مقدر است ; یعنی: هو الذی جعل لکم الّیل مظلماً، لتسکنوا فیه و النهار مبصراً لتعملوا فیه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۳ - ۳

۳ - تأمین نیاز انسان (نیاز وی به آسایش ، پس از تلاش های روزانه) هدف الهی از برقرار ساختن شب

جعل لکم الّیل . .. لتسکنوا فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۱ - ۱،۷،۱۰

۱ - خداوند ، شب را به منظور آرامش و آرمیدن انسان ها آفریده است .

اللّه الذی جعل لکم الّیل لتسکنوا فیه

۷ - آفرینش شب و روز برای تأمین نیاز های بشر ، جلوه ای از ربوبیت خداوند و نشانه توانایی او بر برپا کردن قیامت

إنّ الساعه لأتیه . .. اللّه الذی جعل لکم الّیل لتسکنوا فیه و النهار مبصرًا

آیه شریفه، درصدد اثبات و ارائه نشانه های درستی و راستی برپایی قیامت است که در دو آیه قبل، با صراحت به آن تأکید شده است.

۱۰ - آفرینش شب و روز در راستای تأمین نیاز ها و منافع بشر ، جلوه ای از فضل و احسان خداوند به او است .

اللّه الذی جعل لکم الّیل . .. إنّ اللّه لذو فضل علی الناس

فلسفه خلقت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۱

۱ خداوند شتر و

گاو نر و ماده را برای بهره برداری انسان آفریده است.

و هو الذی أنشأ . .. و من الإبل اثنین و من البقر اثنین قل ءالذکرین حرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵ - ۲

۲- آفرینش دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) به منظور بهره گیری انسان از آنهاست .

و الأنعم خلقها لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۴ - ۲

۲ - شتر ، گاو و گوسفند ، برای انسان و در خدمت او است .

کلوا وارعوا أنعمکم

به شتر، گاو و گوسفند <أنعام> گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۲ - ۳،۵

۳ - خداوند برخی از دام ها (چون شتر و گاو) را برای سوار شدن و حمل و نقل آفریده است .

فمنها رکوبهم

<من> در <فمنها> برای تبعیض است; یعنی، برخی از انعام که مقصود از آن شتر و گاو است.

۵ - خداوند ، شتر ، گاو و گوسفند را برای تغذیه انسان آفرید .

و منها یأکلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۹ - ۱،۳

۱ - خداوند ، دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) را به خاطر منافع و مصالح انسان ها آفریده است .

اللّه الذی جعل لکم الأنعم

لام در <لکم> برای تعلیل است; یعنی، به خاطر شما، <أنعام> (جمع <نَعَمْ>) در اصل به معنای شتر است; ولی گاهی برای مجموع <شتر، گاو و گوسفند> به کار می رود.

برداشت یاد شده بر اساس همین احتمال است.

۳ - خداوند ، شتران را به خاطر منافع و مصالح انسان ها آفرید .

اللّه الذی جعل لکم الأنعم

جمله <و علیها و علی الفلک تحملون> در آیه بعد، قرینه است براین که مقصود از <أنعام> می تواند تنها شتران (معنای اصلی این واژه) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۰ - ۲،۳،۴

۲ - تأمین خواسته ها و نیاز های بشر در سیر و سفر خویش ، از حکمت های آفرینش شتران

و لتبلغوا علیها حاجه فی صدورکم

۳ - سوار شدن و تأمین خواسته ها و نیاز های بشر در سیر و سفر خویش ، حکمت اصلی آفرینش شتران

لترکبوا منها . .. و لتبلغوا علیها حاجه فی صدورکم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که لام تعلیل تنها بر سر <لترکبوا> و <لتبلغوا. ..> آمده است; نه برای منافع دیگر و حمل و نقل.

۴ - دست یابی به خواسته ها و مقاصد مهم بشر (چون هجرت ، جهاد ، کسب دانش و . . .) از حکمت های آفرینش شتران *

و لتبلغوا علیها حاجه فی صدورکم

تنوین <حاجه> برای تفخیم است و مقید شدن حاجت به <فی صدورکم> (حاجتی که در دل دارید) نشانگر این نکته است که شتران افزون بر تأمین نیازهای مادی و خوراکی بشر، وسیله ای مناسب برای دست یابی بشر (به ویژه بشر آن روز) به مقاصد و منافع مهم (چون هجرت، جهاد، کسب دانش و . ..) می باشند.

فلسفه خلقت طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح -

۷۱ - ۲۰ - ۵

۵ - حکمت آمیز بودن آفرینش طبیعت

و اللّه جعل لکم الأرض بساطًا . لتسلکوا منها سبلًا فجاجًا

فلسفه خلقت عوامل طبیعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۷ - ۱۳

۱۳ پی بردن انسان ها به قدرت خداوند و توجه همواره به آن ، از اهداف آفرینش نیرو های طبیعی در هستی است .

هو الذی یرسل الریح . .. لعلکم تذکرون

در برداشت فوق <لعلکم . .. > غایت برای <یرسل الریح> و جمله های پس از آن گرفته شده است. یعنی از اهداف آفرینش این اسباب و مسببات تذکر یافتن انسانهاست. قابل ذکر است که <تذکر> به معنای دریافتن و پیوسته در ذهن داشتن است.

فلسفه خلقت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۹ - ۹

۹- وجود زمین های هموار و پدیداری کوه ها ، برای ثبات و استقرار زمین و رویش گیاهان و پدیده های معدنی ، از آیات الهی است .

و الأرض مددنها و ألقینا فیها روسی و أنبتنا فیها من کلّ شیء موزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۵ - ۷

۷- غرض از خلقت کوه ها ، نهر ها و راه ها هدایت انسان ها است .

و ألقی فی الأرض روسی . .. و أنهرًا و سبلًا لعلّکم تهتدون

برداشت مذکور، بنابراین نکته است که مراد از <تهتدون> هدایت معنوی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۷ - ۴

۴ - میخکوب شدن کوه

ها در زمین ، نشان قدرت خداوند و ضرورت معاد

عمّ یتساءلون . .. ألم نجعل ... و الجبال أوتادًا

بیان آفرینش کوه ها، در پاسخ آنان که درباره معاد پرسش هایی را مطرح کرده بودند; گویای آن است که اگر معاد نباشد، برای پدیده هایی همچون زمین و کوه های آن توجیهی نمی توان یافت.

فلسفه خلقت گاو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۴۴ – ۱

۱ خداوند شتر و گاو نر و ماده را برای بهره برداری انسان آفریده است.

و هو الذی أنشأ . .. و من الإبل اثنین و من البقر اثنین قل ءالذکرین حرم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۵ – ۲

۲– آفرینش دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) به منظور بهره گیری انسان از آنهاست .

و الأنعم خلقها لکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۵۴ – ۲

۲ – شتر ، گاو و گوسفند ، برای انسان و در خدمت او است .

کلوا وارعوا أنعمکم

به شتر، گاو و گوسفند <أنعام> گفته می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۷۲ – ۳،۵

۳ – خداوند برخی از دام ها (چون شتر و گاو) را برای سوار شدن و حمل و نقل آفریده است .

فمنها رکوبهم

<من> در <فمنها> برای تبعیض است; یعنی، برخی از انعام که مقصود از آن شتر و گاو است.

۵ – خداوند ، شتر ، گاو و گوسفند را برای تغذیه انسان

آفرید .

و منها یأکلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۷۹ – ۱

۱ – خداوند ، دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) را به خاطر منافع و مصالح انسان ها آفریده است .

اللّه الذی جعل لکم الأنعم

لام در <لکم> برای تعلیل است؛ یعنی، به خاطر شما، <أنعام> (جمع <نَعَمْ>) در اصل به معنای شتر است؛ ولی گاهی برای مجموع <شتر، گاو و گوسفند> به کار می رود. برداشت یاد شده بر اساس همین احتمال است.

فلسفه خلقت گوسفند

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۵ – ۲

۲– آفرینش دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) به منظور بهره گیری انسان از آنهاست .

و الأنعم خلقها لکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۵۴ – ۲

۲ – شتر ، گاو و گوسفند ، برای انسان و در خدمت او است .

کلوا وارعوا أنعمکم

به شتر، گاو و گوسفند <أنعام> گفته می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۷۲ – ۵

۵ - خداوند ، شتر ، گاو و گوسفند را برای تغذیه انسان آفرید .

و منها یأکلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۹ - ۱

۱ - خداوند ، دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) را به خاطر منافع و مصالح انسان ها آفریده است .

اللّه الذی جعل لکم الأنعم

لام در <لکم> برای تعلیل است; یعنی، به خاطر شما،

<أنعـام> (جمع <نَعَمْ>) در اصـل به معنـای شتر است; ولی گـاهی برای مجموع <شتر، گـاو و گوسـفند> به کار می رود. برداشت یاد شده بر اساس همین احتمال است.

فلسفه خلقت گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۴ - ۱

۱ - تغذیه انسان و چریدن دام های او از گیاهان و روییدنی های زمین ، از هدف های خلقت نباتات

أزوجًا من نبات . .. کلوا و ارعوا أنعمکم

<رعی> به معنای چرانیـدن است. <ارعوا أنعامکم>; یعنی، دام های خود را به چرا ببریـد تا از نباتات رویانیـده شـده تغـذیه نمایند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۵ - ۱

۱ - همه موجودات زمین (جمادات ، نباتات و حیوانات) در خدمت انسان و مسخر و رام شده برای بهره برداری او

ألم تر أنّ اللّه سخّر لکم ما فی الأرض

فلسفه خلقت ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۲

۲ - ایجاد تقویمی طبیعی و میزانی برای سنجش زمان ، از اهداف آفرینش ماه و پیدایش آن به صورت های مختلف

قل هی موقیت للناس

<مواقیت> (جمع میقات) است و میقات به زمان یا مکانی گفته می شود که برای انجام فعل تعیین می گردد. (لسان العرب)

فلسفه خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۲۱

۲۱ همه موجودات هستی دارای رمز و رازند و اعتراض به وجود هر یک از آنها نشانه جهل به حکمت وجودی آنهاست .

أتجعل فيها

من یفسد . .. قال إنی أعلم ما لاتعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۵ - ۱

۱ - همه موجودات زمین (جمادات ، نباتات و حیوانات) در خدمت انسان و مسخر و رام شده برای بهره برداری او

ألم تر أنّ اللّه سخّر لکم ما فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۶ - ۱۴،۱۶

۱۴ - پدیده های عالم آفرینش ، برای برآوردن منظور و هدفی ، آفریده شده اند .

أن یرسل الریاح مبشّرت و لیذیقکم . .. و لتبتغوا من فضله

۱۶ - شکر و سپاس گزاری از خداوند ، هدف آفرینش پدیده های طبیعی است .

و من ءایته أن یرسل الریاح . .. و لعلّکم تشکرون

فلسفه خلقت نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۹ - ۲

۲ - خداوند ، مواهب زمین را برای انسان ها و در راستای منافع آنان آفرید .

هو الذی خلق لکم ما فی الأرض جمیعاً

برداشت فوق با استفاده از لام انتفاع در <لکم> به دست آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۲ - ۳

۳ - بهره وری مؤمنان از روزی ها و نعمت های خداوند ، مقصود اصلی از اعطای آنها به انسانهاست . *

یأیها الذین ءامنوا کلوا من طیبت ما رزقنکم

قرآن در توصیه به اهل ایمان - مبنی بر بهره گیری از نعمتها - (کلوا من طیبت ما رزقنکم) تصریح کرده که خداوند آن نعمتها را روزی ایشان قرار

داده است ولی در توصیه به عموم مردم در آیه ۱۶۸ (کلوا مما فی الأرض) بیان نداشت که خداوند امکانات زمین را روزی همگان قرار داده است. از مقایسه میان این دو تعبیر و تفاوت یاد شده می توان به برداشت فوق دست یافت.

فلسفه خلقت نعمت ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۳۲ – ۱۰

۱۰ استفاده مؤمنان از زینتها و نعمتها، مقصود اصلی از آفرینش آنهاست.

قل هی للذین ءامنوا فی الحیوه الدنیا

ذکر نکردن <لغیرهم> پس از <للذین ءامنوا>، علی رغم مقصود بودن آن، برای رساندن این معناست که زینتها و طیبات بالإصاله برای مؤمنان آفریده شده است.

فلسفه خلقت نهر ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۵ – ۴،۵،۷

۴– نهر های آب و راه های زمین ، برای استفاده انسان ها آفریده شده است .

و ألقی فی الأرض . .. و أنهرًا و سبلاً لعلّکم تهتدون

۵– آفرینش نهر ها و راه های طبیعی ، علامتهایی است برای راهیابی آدمیان

أنهرًا و سبلاً لعلّکم تهتدون . و علمت

احتمال دارد مراد از <لعلّکم تهتدون> به قرینه بیان منافع کوهها و نیز <علامات> در آیه بعدی، راهیابی باشد.

۷– غرض از خلقت کوه ها ، نهر ها و راه ها هدایت انسان ها است .

و ألقی فی الأرض روسی . .. و أنهرًا و سبلاً لعلّکم تهتدون

برداشت مذکور، بنابراین نکته است که مراد از <تهتدون> هدایت معنوی باشد.

قانونمندی خلقت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۶ - ۱

۱- آفرینش آسمان

و زمین و موجودات فضا (جهان هستی) ، بیهوده و بازیچه نیست ; بلکه جهت دار و هدفمند است .

و ما خلقنا السماء والأرض و ما بینهما لعبین

<لعب> به معنای کاری است بی فایده که مقصود صحیح و مصلحتی در آن نباشد. <لاعبین> نیز حال برای ضمیر <خلقنا> است; یعنی، ما جهان را به قصد بازیچه و سرگرمی نیافریدیم.

قانونمندی خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۸ - ۱

۱- آفرینش آسمان ها و زمین و موجودات هستی ، به دور از بازیگری و اهداف پوچ

و ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما لعبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۶ - ۵

۵ خلقت آسمان ها و کهکشان ها ، براساس دقیق ترین قوانین و به دور از کم ترین کاستی

إلی السماء . .. و زیّنّها ... و ما لها من فروج

قانونمندی خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۵ - ۸

۸ - آفرینش انسان ، هدف دار و برنامه ریزی شده است .

منها خلقنكم . .. و منها نخرجكم تاره أُخری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۳ - ۲

۲ – آفرینش انسان و تقدیر و حسابگری های دقیق در اندام وی از سوی خداوند ، ستایش برانگیز است .

ألم نخلقکم من ماء مهین . .. فقدرنا فنعم القدرون

قانونمندی خلقت انسان ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ –

۷۸ - ۸ - ۵

۵ - آفرینش انسان و تداوم بخشی به نسل او در زمین ، دارای هدفی مشخص

ألم نجعل الأرض مهدًا . .. و خلقنكم أزوجًا

قانونمندی خلقت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵ - ۱

۱ - حاکمیت نظم ، قانون مندی و هدفداری بر زوایای وجودی خورشید و ماه

الشّمس و القمر بحسبان

<حسبان> معادل <حساب> است. نکره آمدن آن، بیانگر انجام گرفتن محاسبه ای دقیق در آفرینش خورشید و ماه است.

قانونمندی خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۶ - ۱

۱- آفرینش آسمان و زمین و موجودات فضا (جهان هستی) ، بیهوده و بازیچه نیست ; بلکه جهت دار و هدفمند است .

و ما خلقنا السماء والأرض و ما بینهما لعبین

<لعب> به معنای کاری است بی فایده که مقصود صحیح و مصلحتی در آن نباشد. <لاعبین> نیز حال برای ضمیر <خلقنا> است; یعنی، ما جهان را به قصد بازیچه و سرگرمی نیافریدیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۸ - ۱

۱- آفرینش آسمان ها و زمین و موجودات هستی ، به دور از بازیگری و اهداف پوچ

و ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما لعبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۶ - ۲

۲ - زمین ، آفریده ای هدف دار است .

ألم نجعل الأرض مهدًا

سخن از آفرینش زمین و ویژگی های آن پس از تهدید منکران معاد گویای آن است که

توجّه به آفرینش زمین، برای رفع شبهه از معاد کافی است؛ زیرا نمی شود برای این زمین غایت و هدفی مورد نظر نباشد.

قانونمندی خلقت کوه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۷ – ۳

۳ – آفرینش کوه ها ، دارای غایت و هدف است .

و الجبال أوتادًا

قانونمندی خلقت ماه (قمر)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۵ – ۱

۱ – حاکمیت نظم ، قانون مندی و هدفداری بر زوایای وجودی خورشید و ماه

الشّمس و القمر بحسبان

<حسبان> معادل <حساب> است. نکره آمدن آن، بیانگر انجام گرفتن محاسبه ای دقیق در آفرینش خورشید و ماه است.

قانونمندی خلقت موجودات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۲۱ – ۴

۴– همه پدیده های عالم ، از نظر وجود و هستی و چگونگی خلقت ، محدود و متناهی و از پیش تعیین شده اند .

و إن من شیء إلاّ عندنا خزائنه و ما ننزّله إلاّ بقدر معلوم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۵۶ – ۲

۲ – هدف مندی کار خداوند ، در آفرینش موجودات

و ما خلقت . .. إلّا ليعبدون

از اين كه خداونـد، براى آفرينش جن و انس، هدفى را معين كرده، اسـتفاده مى شود كه فعل الهى، هدفدار است; و گرنه بيان يك مورد دليلى نداشت.

قانونمندى خلقت موجودات فضا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۱۶ - ۱

۱- آفرينش آسمان و زمين و موجودات

فضا (جهان هستی) ، بیهوده و بازیچه نیست ; بلکه جهت دار و هدفمند است .

و ما خلقنا السماء والأرض و ما بینهما لعبین

<لعب> به معنای کاری است بی فایده که مقصود صحیح و مصلحتی در آن نباشد. <لاعبین> نیز حال برای ضمیر <خلقنا> است; یعنی، ما جهان را به قصد بازیچه و سرگرمی نیافریدیم.

کیفیت خلقت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۵ - ۹

۹ - < عن محمد بن عبیده قال : سألت الرضا (ع) عن قول اللّه عزّوجلّ لإبلیس : < ما منعک أن تسجد لما خلقت بیدیّ > ؟ قال : یعنی بقدرتی و قوّتی ;

محمدبن عبیده می گوید: از امام رضا(ع) از سخن خداوند که خطاب به ابلیس فرموده: <ما منعک أن تسجد لما خلقت بیدیّ> سؤال کردم، امام فرمودند: یعنی او را با قدرت و قوت خود آفریدم>.

کیفیت خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۲ - ۱

۱ خداوند با گرفتن هر یک از انسان ها از صلب پدرانشان ، آنان را به صحنه وجود آورد .

و إذ أخذ ربک من بنی ءادم من ظهورهم ذریتهم

<ذریه> به معنای نسل است. <ظهر> (مفرد <ظهور>) به معنای پشت است که از آن به صلب تعبیر می شود. ضمیر در <ظهورهم> به بنی آدم برمی گردد و <من ظهورهم> بدل برای <من بنی ءادم> است. أخذ نسل بنی آدم از صلب آنان به معنای آفرینش نسل آدمی از صلب پدرانشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۹ - ۳،۵

۳- خلقت اوّلیه انسان ، به تدریج انجام گرفته است .

إنی خلق بشرًا من صلصل من حمإ مسنون . فإذا سوژیته و نفخت فیه من روحی

۵- خلقت بدن انسان ، مقدم بر روح اوست .

إنی خلق بشرًا من صلصل من حمإ مسنون . فإذا سوّیته و نفخت فیه من روحی

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که ذکر <نفخت> پس از ذکر تسویه بدن، ممکن است اشاره به تقدم خلقت بدن بر روح داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۷ - ۶

۶- < عن مالک الجهنی قال : سألت أباعبداللّه (ع) عن قول اللّه تعالی < أوَلا یذکر الإنسان أنّا خلقناه من قبل و لم یک شیئاً > . . . فقال : < لامقدّراً و لامکوّناً ;

از مالک جهنی نقل شده که گفت: از امام صادق(ع) در باره سخن خدای تعالی <أوَلا یذکر الإنسان أنّا خلقناه من قبل و لم یک شیئاً> سؤال کردم، فرمود: [انسان]نه در تقدیر خلقت بود و نه به وجود آمده بود>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱ - ۲

۲ - پیدایش انسان در زمین ، دارای روند تکاملی بود و با پشت سر گذاشتن دورانی دراز ، به تدریج چهره انسانی یافت .

لم یکن شیئًا مذکورًا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که مفاد جمله <لم یکن شیئاً مذکوراً> چنین باشد: انسان در برهه ای از زمان چیزی بود; ولی آن چیز هنوز قابلیت نام انسان را نداشت;

بلکه به تدریج تکامل یافته و چهره انسانی پیدا کرد.

کیفیت خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۷ - ۷،۸

۷ - آفرینش هر موجود در گرو تقدیر خدا و فرمان او به تحقق آن است .

إذا قضی أمراً فإنما یقول له کن فیکون

۸ - فرمان خدا بر پدید آمدن هر چیز ، کافی در تحقق یافتن آن است .

فإنما یقول له کن فیکون

حصر در جمله <إنما یقول . ..> گویای برداشت فوق است.

مبدأ خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۶ - ۱

۱ همه انسانها، فرزندان آدم(ع) و او مبدأ تکوین تمامی آنان است.

یبنی ءادم

چون مخاطب قرآن همه انسانها هستند و نه قشری خاص، معلوم می شود نسبت بین کلمه بنی آدم و مردمان نسبت تساوی است ; یعنی از نظر مصداق متحد هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۵

۵ خدا ، مبدأ پیدایش انسان است .

إنه یبدؤا الخلق

مصداق مورد نظر از <الخلق> به قرینه جمله <لیجزی الذین آمنوا . .. > انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۱

۱ - خداوند ، انسان ها را از یک تن (آدم (ع)) آفرید .

خلقکم من نفس وحده

مفسران بر این دیدگاه اند که مقصود از <نفس واحده> آدم ابوالبشر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۳ - ۲

۲ - پیامبر

(ص) ، مأمور توجه دادن مردم به مبدأ پیدایش بشر و نعمت های نهفته در وجود او

قل هو الذی أنشاکم و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده

مبدأ خلقت انسان ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۲۴ – ۲

۲ – پیامبر (ص) ، مأمور توجه دادن مردم به مبدأ پیدایش انسان ها و تکثیر نسل او

قل هو الذی ذرأکم فی الأرض

مبدأ خلقت زن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۳۹ – ۳

۳ – تساوی زن و مرد ، از جهت مبدأ پیدایش و مراحل تکوین *

أیحسب الإنسن . .. ألم یک نطفه من منیّ یمنی ... فجعل منه الزوجین الذکر و الأُنثی

تـذکّر به این حقیقت که انسان از منی آفریـده شـده و از آن ماده، زوجین (مرد و زن) پدید آمده است، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

مبدأ خلقت مرد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۳۹ – ۳

۳ – تساوی زن و مرد ، از جهت مبدأ پیدایش و مراحل تکوین *

أیحسب الإنسن . .. ألم یک نطفه من منیّ یمنی ... فجعل منه الزوجین الذکر و الأُنثی

تـذکّر به این حقیقت که انسان از منی آفریـده شـده و از آن ماده، زوجین (مرد و زن) پدید آمده است، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

متفکران و خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۱ - ۱۳

۱۳ - آیه بودن آفرینش انسان

از خاک ، برای متفکران ، قابل درک است .

و من ءایته أن خلقکم من تراب . .. إنّ فی ذلک لأیت لقوم یتفکّرون

مجادله درباره خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۱ - ۲

۲ - مجادله و گفتوگوی فرشتگان با خدا ، در ملأ اعلی درباره آفرینش انسان

بالملأ الأعلی إذ یختصمون . .. إذ قال ربّک للملئکه إنّی خلق بشرًا

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <إذ> ظرف زمان ماضی بوده و متعلق به <إذ یختصمون> باشد.

مدت خلقت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۴ - ۲

۲ - آفرینش آسمان ها و زمین و موجودات میان آن دو ، در شش روز (شش مرحله و دوره) انجام گرفته است .

خلق . .. فی ستّه أیّام

مدت خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳ - ۶

۶ آفرینش آسمان ها و زمین در مدتی برابر شش روز

الذی خلق السموت و الأرض فی سته أیام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷ - ۲

۲ آفرینش آسمان ها و زمین ، تدریجی بوده و در شش روز (شش دوره) به انجام رسیده است .

خلق السموت و الأرض فی سته أیام

مراد از <أیـام> در آیه شـریفه ، معنـای متعـارف آن (روزهـا یا شـبانه روزها) نیست; بلکه مقصود ، دوره ها و مرحله هاست; زیرا روز به معنای متعارف آن ، پس از خلقت

زمین قابل فرض است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۹ - ۳

۳ آفرینش آسمان ها و زمین در مدتی برابر شش روز

الذی خلق السموت و الأرض و ما بینهما فی ستّه أیّام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۴ - ۳،۴

۳ - خداوند ، آسمان ها و زمین را در شش روز آفرید

خلق السموت و الأرض فی ستّه أیّام

۴ - آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی تدریجی بود و در شش مرحله انجام پذیرفت .

خلق السموت و الأرض فی ستّه أیّام

واژه <یوم> (مفرد <أیّام>) در معنای برهه ای از زمان (کوتاه یا بلند) نیز به کار می رود. بر این اساس <سته أیّام> (شش روز)، به معنای شش برهه بوده و بیانگر مطلب یاد شده است.

مدت خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۸ - ۵

۵ - خداوند ، عالم را در مدت زمانی معین آفریده است .

ما خلق اللّه السموت و الأرض . .. إلاّ بالحقّ و أجل مسمّی

<أجل مسمّی> در این آیه، احتمال دارد متعلق به <خلق> و <با>ی محذوف در آن، به معنای <فی> باشد. در این صورت، مراد، آفریدن در مدت معیّنی است.

مدت خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳ - ۶

۶ آفرینش آسمان ها و زمین در مدتی برابر شش روز

الذی خلق السموت و الأرض فی سته أیام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود

۲ - ۷ - ۱۱ -

۲ آفرینش آسمان ها و زمین ، تدریجی بوده و در شش روز (شش دوره) به انجام رسیده است .

خلق السموت و الأرض فی سته أیام

مراد از <أیـام> در آیه شـریفه ، معنـای متعـارف آن (روزهـا یا شـبانه روزها) نیست; بلکه مقصود ، دوره ها و مرحله هاست; زیرا روز به معنای متعارف آن ، پس از خلقت زمین قابل فرض است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۴ - ۲

۲ - آفرینش آسمان ها و زمین و موجودات میان آن دو ، در شش روز (شش مرحله و دوره) انجام گرفته است .

خلق . .. فی ستّه أیّام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۹ - ۴

۴ - خداوند ، آفریننده زمین در دو روز

خلق الأرض فی یومین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۴ - ۳،۴

۳ - خداوند ، آسمان ها و زمین را در شش روز آفرید

خلق السموت و الأرض فی ستّه أیّام

۴ - آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی تدریجی بود و در شش مرحله انجام پذیرفت .

خلق السموت و الأرض فی ستّه أیّام

واژه <یوم> (مفرد <أیّام>) در معنای برهه ای از زمان (کوتاه یا بلند) نیز به کار می رود. بر این اساس <سـته أیّام> (شـش روز)، به معنای شش برهه بوده و بیانگر مطلب یاد شده است.

مدت خلقت موجودات فضا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ –

۲ - ۴

۲ - آفرینش آسمان ها و زمین و موجودات میان آن دو ، در شش روز (شش مرحله و دوره) انجام گرفته است .

خلق . .. فی ستّه أیّام

مراحل خلقت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۲ - ۲

۲ - دمیده شدن روح الهی در آدم ، پس از سامان یافتن و تکمیل شدن اندام او

فإذا سوّیته و نفخت فیه من روحی

مراحل خلقت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۲ - ۲،۱۴

۲ - شکل گیری آسمان های هفتگانه در دو روز (دو مرحله) ، به اراده خداوند بود .

فقضهنّ سبع سموت فی یومین

۱۴ - توجه به آفرینش زمین و آسمان و مراحل آن ، عامل پی بردن انسان به قدرت و علم نامحدود خداوند

أئنّکم لتکفرون بالّذی خلق . .. ذلک تقدیر العزیز العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۸ - ۱

۱ - آفرینش آسمان و زمین و موجودات هستی ، بهوسیله خداوند در شش مرحله

و لقد خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما فی ستّه أیّام

مراد از <یوم> در آیه شریفه، معنای متعارف آن (روز یا شبانه روز) نیست; بلکه مقصود شش دوره و مرحله است; زیرا روز

به معنای متعارف آن پس از آفرینش آسمان ها و زمین تحقق یافته است.

مراحل خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۹ - ۹

۹ - خلقت آسمان ها در دو مرحله

: مرحله ای مختلط ، نامتمایز و نامتعادل ; و مرحله تفکیک شده ، متمایز و متعادل

ثم استوی إلی السماء فسویهن سبع سموت

مفرد آوردن کلمه <السماء> در جمله <ثم استوی الی السماء> و ارجاع ضمیر جمع به آن در جمله <فسواهن> می تواند اشاره به این معنا باشد که: آسمانها پیش از هفتگانه شدن و تمایز یافتن به گونه ای مختلط بوده که هم اطلاق آسمان (به صورت مفرد) و هم اطلاق آسمانها (به صورت جمع) بر آن صحیح بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۴ - ۳

۳ آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی تدریجی ، در شش دوره و مرحله ، بوده است .

خلق السموت و الأرض فی سته أیام

مراد از <یوم> در آیه شریفه معنای متعارف آن (روز و یا شبانه روز) نیست، بلکه مقصود شش دوره و مرحله است. زیرا روز به معنای متعارف آن، پس از آفرینش آسمانها و زمین تحقق یافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳ - ۷

۷ آفرینش آسمان ها و زمین ، در شش مرحله

الذی خلق السموت و الأرض فی سته أیام

کلمه <یوم> به معنای مقداری از زمان به کار می رود کوتاه باشد یا بلند بنابراین می توان گفت: <سته أیام> به معنای شش دوره و مرحله است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۹ - ۴

۴ آفرینش آسمان ها و زمین در شش دوره و مرحله بوده است .

الذی خلق السموت

و الأرض و ما بينهما فى ستّه أيّام

کلمه <یوم>، در معنای مقداری از زمان به کار می رود (کوتاه باشد یا بلند). بنابراین می توان گفت: <ستّه أیّام> به معنای شش دوره و مرحله است.

مراحل خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۰ - ۶

۶- لزوم نگرش به تحولات پدیده های جهان خلقت ، در راستای راه یابی به توحید

أوَلم یر الذین کفروا أنّ السموت . ..ففتقنهما و جعلنا من الماء کلّ شیء حیّ أفلای

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۴ - ۲،۴

۲ - آفرینش آسمان ها و زمین و موجودات میان آن دو ، در شش روز (شش مرحله و دوره) انجام گرفته است .

خلق . .. فی ستّه أیّام

۴ - آفرینش جهان ، به تدریج و در طی دوران هایی صورت گرفته است .

خلق السموت و الأرض و ما بینهما فی ستّه أیّام

<أیّام> جمع <یوم> است و یوم، به معنای <مقداری از زمان از طلوع خورشید تا غروب آن > و <مدتی از زمان> است (مفردات راغب). احتمال دارد مراد از <أیّام> دوران ها و یا مراحل مختلف باشد. در این صورت، دلالت بر تدریجی خلق شدن عالم می کند.

مراحل خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۱ - ۵،۱۵

۵ وجود فاصله زمانی بین آفرینش مبداء انسانها و اعطای صورت انسانی به او

و لقد خلقنكم ثم صورنكم

۱۵ عن أبی جعفر(ع) فی قوله: <و لقد خلقنكم ثم صورنكم>: اما <خلقناكم>

فنطفه ثم علقه ثم مضغه ثم عظما ثم لحما، و اما <صورناکم> فالعین و الأنف و الأذنین و الفم و الیدین و الرجلین . .. .

از امام باقر(ع) درباره آیه <و لقد خلقناکم . ..>، روایت شده است: مراد از <خلقناکم> مراحل مختلف آفرینش یعنی نطفه، خون بسته، آنگاه مضغه (چیزی شبیه گوشت جویده) و بعد استخوان و سپس گوشت است. و مراد از <صورناکم> شکل گرفتن با چشم، بینی، دو گوش، دهان، دست و پا می باشد ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۷ - ۶،۷

۶- آفرینش آدمی از خاک و سپس نطفه و تکامل آن به صورت انسانی کامل ، سیر پیدایش انسان است .

بالذی خلقک من تراب ثمّ من نطفه ثمّ سوّیک رجلاً

جمله <خلقک من تراب> یا نظر به این دارد که خداوند، حضرت آدم(ع) را از خاک آفرید بنابراین، اصل همه انسان ها خاک است و یا این که نطفه از غذاهایی تولید می شود که از خاک گرفته شده است.

۷- سیر تکاملی آفرینش انسان ، از حضیض خاک تا اندام کامل و کارای یک مرد (انسان) ، زمینه ای برای توجه او به خداوند است .

أکفرت بالذی خلقک من تراب ثمّ من نطفه ثمّ سوّیک رجلاً

<تسویه> به معنای <تعدیل> است (تاج العروس) و <سوّاک رجلاًـ> یعنی تو را به صورت و حالت یک مرد معتدل ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۰ - ۸

۸- لزوم تصفیه درونی و اعتلای روحی پدر ، هنگام انعقاد نطفه فرزند

قال ربّ

اجعل لی ءایه قال ءایتک ألاّ تکلّم الناس ثلث لیال سویًّا

نشانه ای که زکریا درخواست کرد، اگر برای تشخیص زمان انعقاد نطفه بوده، چنین درخواستی می تواند نشانه حساسیت خاص مسأله باشد و آن حضرت برای مراعات مسائلی خاص و نیز آدابی لازم، زمان آن را خواهان گردید تا با تهیه و تدارک مقدمات روحی لازم، اقدام به انجام مرحله انعقاد نطفه نماید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۷،۸،۹،۱۵،۳۷

۷- تحول خاک به نطفه ، تبدیل نطفه به علقه و تکامل علقه به مضغه ، روند آفرینش انسان

فإنّا خلقنکم من تراب ثمّ من نطفه ثمّ من علقه ثمّ من مضغه

۸- وجود فاصله زمانی ، میان تحول خاک به نطفه ، نطفه به علقه و علقه به مضغه

فإنّا خلقنکم من تراب ثمّ من نطفه ثمّ من علقه ثمّ من مضغه

با توجه به، به کارگیری <ثمّ> که برای بیان فاصله زمانی است برداشت فوق به دست می آید.

۹- مضغه ، مرحله شکل گیری و ظهور تدریجی اعضا و جوارح جنین در رحم مادر است .

ثمّ من مضغه مخلّقه و غیر مخلّقه

و صفت برای <مضغه> است و <غیر مخلقه> نیز عطف بر <مخلقه> می باشد. <تخلیق> (مصدر <مخلقه>) به معنای تصویر و شکل دادن است. توصیف <مضغه> به <مخلقه و غیر مخلقه> می رساند که جنین در این مرحله، مرتباً شکلی را می پذیرد و صورتی را از دست می دهد و این روند تا ظهور کامل اعضا و جوارح ادامه می یابد.

۱۵- وجود فاصله زمانی میان پایان یافتن مراحل رشد جنین در رحم و فرا رسیدن

زمان زایمان

و نقرّ فی الأرحام . .. إلی أجل مسمًّی ثمّ نخرجکم

عطف <نخرج> بر <نقرّ. .. إلی أجل مسمًّی>به وسیله <ثمّ> که برای تراخی در زمان است می رساند که جنین پس از این که مراحل رشد خود را در رحم به پایان رساند، باید مدتی دیگر در رحم بماند تا زمان زایمان فرا برسد.

۳۷- < عن أبی عبدالله بن مسعود قال : حدثنا رسول الله (ص) . . . ان أحدکم یجمع خلقه فی بطن أمّه أربعین یوماً نطفه ، ثمّ یکون علقه مثل ذلک ، ثمّ یکون مضغه مثل ذلک ;

عبدالله بن مسعود می گوید: رسول خدا(ص) به ما فرمود: . ..آفرینش هر یک از شما در شکم مادر[بدین گونه]کامل می شود که چهل روز <نطفه> است; سپس به قدر همین مدّت <علقه> است; سپس به قدر همین مدّت <مضغه> است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶ - ۲

۲ آفرینش انسان از خاک ، رشد مرحله به مرحله او در رحم ، صعود تدریجی از طفولیت (مرحله ضعف جسمی و عقلی) به اوج جوانی و نزول تدریجی از اوج بتوانایی (جوانی) به حضیض ناتوانی (کهولت و پیری) ، جلوه های ربوبیت خدا و یگانگی او

فإنّا خلقناکم من تراب . ..لکیلا یعلم من بعد علم شیًا ... ذلک بأنّ اللّه هو الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۴ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶

۱ - نطفه ، پس از استقرار در رحم ، تبدیل به علقه (خون

بسته) می شود .

ثمّ جعلنه نطفه فی قرار مکین . ثمّ خلقنا النطفه علقه

<خلق> (مصدر خلقنا) در اینجا به معنای تصییر (از حالی به حالی دیگر در آوردن) است. و بدین جهت متعدی به دو مفعول، به کار رفته است. <علقه> نیز به خون غلیظ و بسته گفته می شود.

۲ - پس از آن که نطفه در رحم به صورت علقه (خون بسته) در آمد ، علقه به تدریج از حالت خون بودن خارج می شود و به صورت مضغه (پاره گوشتی بدون استخوان) در می آید .

فخلقنا العلقه مضغه

<مضغه> به پاره گوشت بدون استخوان گفته می شود.

۳ - علقه ، در رحم به صورت مضغه در می آمد ، سپس مضغه تدریجاً به صورت استخوان بندی بدن جنین ، تغییر شکل می دهد .

فخلقنا المضغه عظمًا

<عظم> مفرد <عظام> و به معنای استخوان است.

۴ - پس از شکل گیری و استخوان بندی بدن جنین ، استخوان ها با رویش گوشت پوشیده می شوند .

فکسونا العظم لحمًا

<کَسْو> (مصدر <کسونا>) به معنای پوشانیدن است.

۵ - پیدایش حقیقتی روحانی و غیر مادی ، پس از مرحله شکل گیری کامل جنین

فکسونا العظم لحمًا ثمّ أنشأنه خلقًا ءاخر

<إنشاء> (مصدر <أنشأنا>) به معنای پدید آوردن است; ولی چون در این جا به دو مفعول متعدی شده است، به معنای تصییر (از صورتی به صورتی دیگر در آوردن) می باشد. ضمیر <ه> در <أنشأناه> به مضمون <فکسونا العظام لحماً> (مرحله شکل گیری کامل جنین) باز می گردد.

۶ - رشد جنین و مراحل تکوین انسان در رحم ، جلوه ای از قدرت و توانایی عظیم خداوند

ثمّ خلقنا النطفه

علقه . .. ثمّ أنشأنه خلقًا ءاخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۵ - ۳

۳ - مرگ و انتقال از نشأه دنیا به آخرت ، حلقه ای از مراحل خلقت و تقدیر حیات انسان

ثمّ انّکم بعد ذلک لمیّتون

با توجه به این که آیات فوق، در مقام بیان سیر تکاملی آفرینش انسان می باشد، مسأله مرگ می تواند نه به عنوان صرفاً یک هشدار؛ بلکه به عنوان حلقه ای مرتبط با حلقه های پیشین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۶ - ۲

۲ - رستاخیز و حیات اخروی ، آخرین حلقه در سیر تحولی آفرینش انسان

ثمّ إنّکم یوم القیمه تبعثون

این بخش از آیات، در مقام بیان سیر تکامل آفرینش انسان است. بنابراین مسأله رستاخیز، می تواند نه به عنوان صرفاً یک هشدار؛ بلکه به عنوان آخرین حلقه متصل به حلقه های پیشین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۰ - ۸

۸ - آفرینش انسان از خاک تا صورت آدمی ، مراحل مختلفی داشته است .

أن خلقکم من تراب ثمّ إذا أنتم بشر تنتشرون

<ثمّ> حرف تراخی است و دلالت بر مهلت و مدت می کند و از طرفی <إذا> فجاییه است و دلالت بر ناگهانی بودن می کند. جمع بین این دو، به این است که میان خلق انسان از مبدأ خاک تا صورت انسانی، مراحلی طی شده که چندان روشن و آشکار نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - گِل و روح ، آغاز و پایان سیر تکوین انسان

خلق بشرًا من طین . فإذا سوّیته و نفخت فیه من روحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۷ - ۴

۴ - تحوّل خاک به نطفه تبدیل نطفه به علقه و تکامل آن ، روند آفرینش انسان

خلقکم من تراب ثمّ من نطفه ثمّ من علقه ثمّ یخرجکم طفلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۸ - ۱،۳،۵

۱ - فرایند پیدایش انسان از منی در رحم ، شایان مطالعه و تأمل

أفرءیتم ما تمنون

مراد از <امناء> (مصدر <تمنون>) ریختن منی در رحم است; یعنی، آیا به منی که آن را به صورت نطفه در رحم زن می ریزید اندیشیده اید؟

۳ - منی و نطفه مرد ، عنصر اصلی و مادی پیدایش انسان در رحم

أفرءیتم ما تمنون

۵ - نقش انسان در پیدایش جنین ، تنها ر ها کردن منی در رحم است ; و نه بیشتر از آن .

أفرءیتم ما تمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۹ - ۱،۳

۱ - نقش انسان در پیدایش انسان از نطفه در رحم تنها ، ریختن منی در آن است ; و نه بیشتر از آن .

أفرءيتم ما تمنون . ءانتم تخلقونه

استفهام در <ءأنتم. ..> انكارى است; يعنى، اين شما نيستيد كه منى را به صورت انسان در مى آوريد; بلكه نقش شما تنها ريختن منى در رحم است.

۳ - آفرينش انسان از منى در رحم ، جلوه اى از عظمت و قدرت

بی مانند خداوند

أم نحن الخلقون

به کارگیری ضمیر متکلم مع الغیر (نحن) در مسأله آفرینش انسان از منی در رحم، بیانگر عظمت آفرینش انسان و جلوه ای از قدرت برتر آفریننده آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۴ - ۲

۲ - آفرینش انسان از منی ، بر آوردن دانه ها از دل خاک و رشد و نموّ دادن آن ، فرو فرستادن باران از آسمان و ایجاد درخت آتش زنه برای بیابان گردان ; بیانگر مبرّا بودن ساحت او از نقص و کاستی

أفرءیتم ما تمنون . .. فسبّح باسم ربّک العظیم

تفریع <فسبّح> بر مطالب آیات پیشین، نشانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۴ - ۲،۳

۲ - آفرینش انسان ها به تدریج و با گذر از چند مرحله (همچون نطفه ، علقه ، مضغه و . . .) است .

و قد خلقکم أطوارًا

<طور> (مفرد <أطوار>) به معنای <مرّه> (یک دفعه) و <حال> آمده است. مقصود در این آیه می تواند مراحل و حالات گوناگونی باشد که در آفرینش بشر موجود است.

۳ - آفرینش بشر از سوی خداوند ، در قالب اشکال مختلف و با حالات گوناگون

و قد خلقکم أطوارًا

کاربرد واژه <أطوار> در این آیه، ممکن است مانند کاربرد آن در جمله <الناس أطوار> باشد; یعنی، اصناف و حالات گوناگون.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۳۷ – ۱،۴

۱ – نطفه (منی) ، مبدأ و آغاز تکوین انسان

ألم یک نطفه من منیّ یمنی

۴

- فراخواندن خداوند ، به مطالعه درباره مبدأ و مراحل تکوین انسان

ألم يک نطفه من منىّ يمنى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - قيامه - ۷۵ - ۳۸ - ۱

۱ - تبديل شدن نطفه به علقه ، از مراحل تکوين انسان و به صورت تدريجى است .

ألم يک نطفه . .. ثمّ کان علقه

با توجه به کاربرد <ثمّ> که براى بيان فاصله زمانى است مطلب ياد شده به دست مى آيد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - قيامه - ۷۵ - ۳۹ - ۵

۵ - آفرينش انسان ، داراى روندى تدريجى و رو به تکامل

فخلق فسوّى . فجعل منه الزوجين

برداشت ياد شده، مبتنى بر اين نکته است که حرف <فا> در <فخلق>، <فسوّى> و <فجعل> براى ترتيب معنوى باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲ - ۶

۶ - آفرينش انسان در رحم ، همراه با تحولات و دگرگونى هاى پى درپى

إنّا خلقنا الإنسن من نطفه . .. نبتليه

<إبتلا>، مى تواند استعاره از انتقال از حالتى به حالت ديگر باشد. در اين صورت آيه شريفه، به تبديل نطفه به علقه، علقه به مضغه و... اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۳ - ۶

۶ – آفرینش انسان از مایعی بی مقدار و سیر تکاملی آن در رحم ، جلوه قدرت خداوند

ألم نخلقکم . .. فقدرنا فنعم القدرون

برداشت یاد شده، با توجه به این مطلب است که خداوند، وصف <فنعم القادرون> را پس از طرح مسأله آفرینش بشر و

تقدیر آن، مطرح فرموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۱ - ۱۲

۱۲ - وجود نشانه های خداشناسی ، در مراحل پیدایش تا مرگ انسان

ما أکفره . من أیّ شیء خلقه ... ثمّ أماته فأقبره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۷ - ۶

۶ - آفرینش ، برخورداری از اعضای کامل و هماهنگی اندام با یکدیگر ، سه مرحله پیاپی در سیر پیدایش انسان

خلقک فسوّیک فعدلک

ترتیب که مفاد حرف <فاء> است ممکن است <حقیقی> و یا <ذکری> باشد. برداشت یاد شده، براساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۸ - ۳

۳ - مرحله پیدایش قیافه و سیما برای هر انسان ، پس از مراحل آفرینش ، تکمیل و تعدیل اعضای او است .

فی أیّ صوره ما شاء رکّبک

جمله <فی أیّ صوره. ..> مستأنفه و بیانگر مرحله ای دیگر از مراحل پیدایش انسان است. برخی آن را تفسیر جمله <فعدلک> در آیه قبل، قرار داده و مرحله تعدیل و چهره پردازی را یکی دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۹ - ۲

۲ - ساختار وجودی انسان و مراحل پیدایش او ، فاقد زمینه آلودگی به کفر و گناه است .

الذی خلقک فسوّیک فعدلک . فی أیُّ صوره ما شاء رکّبک . کلاّ

حرف <کلّا> به قرینه آیات پیشین ممکن است برای رفع این توهّم باشد که زمینه کفر و گناه، در وجود کافران و گنه

کاران نهاده شده است; یعنی، با آن تسویه، تعدیل و ترکیب، جایی برای این توهّم نمی ماند; بلکه علت گناه و کفر به خداوند را باید در تکذیب کیفرهای اخروی جست و جو کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۲ - ۲

۲ - انسان ، از خون لخته آفریده شده است .

خلق الإنسن من علق

<علق>; یعنی، مطلق خون یا خونی که به شدت سرخ است، یا خون غلیظ و یا جامد (قاموس). برخی آن را جمع <عَلَقه> دانسته اند که به اعتبار جنس بودن <الإنسان>، وصف آن قرار گرفته است. (الدرّالمصون)

مراحل خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۴ - ۳

۳ آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی تدریجی ، در شش دوره و مرحله ، بوده است .

خلق السموت و الأرض فی سته أیام

مراد از <یوم> در آیه شریفه معنای متعارف آن (روز و یا شبانه روز) نیست، بلکه مقصود شش دوره و مرحله است. زیرا روز به معنای متعارف آن، پس از آفرینش آسمانها و زمین تحقق یافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳ - ۷

۷ آفرینش آسمان ها و زمین ، در شش مرحله

الذی خلق السموت و الأرض فی سته أیام

کلمه <یوم> به معنای مقداری از زمان به کار می رود کوتاه باشد یا بلند بنابراین می توان گفت: <سته أیام> به معنای شش دوره و مرحله است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان

- ۲۵ - ۵۹ - ۴

۴ آفرینش آسمان ها و زمین در شش دوره و مرحله بوده است .

الذی خلق السموت و الأرض و ما بینهما فی ستّه أیّام

کلمه <یوم>، در معنای مقداری از زمان به کار می رود (کوتاه باشد یا بلند). بنابراین می توان گفت: <ستّه أیّام> به معنای شش دوره و مرحله است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۹ - ۵

۵ - خدا ، زمین را در دو مرحله و دوره آفرید . *

بالذی خلق الأرض فی یومین

لفظ <یوم> می تواند کنایه از دوره و مرحله باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ - توجه به آفرینش زمین و آسمان و مراحل آن ، عامل پی بردن انسان به قدرت و علم نامحدود خداوند

أئنّکم لتکفرون بالّذی خلق . .. ذلک تقدیر العزیز العلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۸ - ۱

۱ - آفرینش آسمان و زمین و موجودات هستی ، بهوسیله خداوند در شش مرحله

و لقد خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما فی ستّه أیّام

مراد از <یوم> در آیه شریفه، معنای متعارف آن (روز یا شبانه روز) نیست; بلکه مقصود شش دوره و مرحله است; زیرا روز به معنای متعارف آن پس از آفرینش آسمان ها و زمین تحقق یافته است.

مراحل خلقت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۹ - ۲،۳

۲ - تحوّل نطفه به علقه و تکامل علقه به موجودی

معتدل و هماهنگ از دو صنف زن و مرد ، روند آفرينش انسان

ألم يک نطفه من منىّ يمنى . ثمّ كان علقه فخلق فسوّى . فجعل منه الذكر و الأُنثى

۳ – تساوى زن و مرد ، از جهت مبدأ پيدايش و مراحل تكوين *

أيحسب الإنسن . .. ألم يک نطفه من منىّ يمنى ... فجعل منه الزوجين الذكر و الأُنثى

تـذكّر به اين حقيقت كه انسان از منى آفريـده شـده و از آن ماده، زوجين (مرد و زن) پديد آمده است، مى تواند بيانگر مطلب ياد شده باشد.

مراحل خلقت كوه ها

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۱۰ – ۴

۴ – آفرينش كوه هاى استوار ، ايجاد نعمت ها و تقدير معيشت موجودات زمين در چهار روز (مرحله)

و جعل فيها روسى من فوقها . .. فى أربعه أيّام

برداشت ياد شده براين اساس است كه <فى أربعه أيّام> ظرف براى مجموع عبارت هاى آيه باشد.

مراحل خلقت مرد

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۹ – قيامه – ۷۵ – ۳۹ – ۲،۳

۲ – تحوّل نطفه به علقه و تكامل علقه به موجودى معتدل و هماهنگ از دو صنف زن و مرد ، روند آفرينش انسان

ألم يک نطفه من منىّ يمنى . ثمّ كان علقه فخلق فسوّى . فجعل منه الذكر و الأُنثى

۳ – تساوى زن و مرد ، از جهت مبدأ پيدايش و مراحل تكوين *

أيحسب الإنسن . .. ألم يک نطفه من منىّ يمنى ... فجعل منه الزوجين الذكر و الأُنثى

تذكّر به اين حقيقت كه انسان از منى آفريده شده و از

آن ماده، زوجین (مرد و زن) پدید آمده است، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

مراحل خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۸ - ۱

۱ - آفرینش آسمان و زمین و موجودات هستی ، بهوسیله خداوند در شش مرحله

و لقد خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما فی ستّه أیّام

مراد از <یوم> در آیه شریفه، معنای متعارف آن (روز یا شبانه روز) نیست; بلکه مقصود شش دوره و مرحله است; زیرا روز به معنای متعارف آن پس از آفرینش آسمان ها و زمین تحقق یافته است.

مطالعه خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۰ - ۹

۹ - پدید آمدن موجودی زنده به نام انسان از خاک مرده ، امری غیر منتظره و سزاوار تأمل است .

أن خلقکم من تراب ثمّ إذا أنتم بشر تنتشرون

<إذا>ی فجاییه در آیه، می تواند حکایت از این حقیقت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۶ - ۲

۲ - پیدایش زوجین (نر و ماده) ، از آبی اندک (نطفه) ، شایان تأمل و درس آموزی

و أنّه خلق الزوجین الذکر و الأُنثی . من نطفه

<نطفه> در اصل به آب اندکی گفته می شود که ته ظرف باقی مانده باشد (قاموس المحیط).

مطالعه خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۵ - ۲

۲ - تشویق خداوند ، به مطالعه درباره زمین و چگونگی آفرینش آن برای انسان ها

ألم نجعل الأرض

کفاتًا

مطالعه در خلقت آسمان ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۹۹ – ۲

۲– تشویق و ترغیب آدمیان به تفکر درباره پیدایش آسمان ها و زمین ، جهت درک تحقق معاد

أو لم یروا أن الله الذی خلق السموت و الأرض قادر علی أن یخلق مثلهم

مطالعه در خلقت زمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۹۹ – ۲

۲– تشویق و ترغیب آدمیان به تفکر درباره پیدایش آسمان ها و زمین ، جهت درک تحقق معاد

أو لم یروا أن الله الذی خلق السموت و الأرض قادر علی أن یخلق مثلهم

مطالعه مبدأ خلقت انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۳۹ – ۶

۶ – مطالعه در مبدأ و مراحل پیدایش انسان ، موجب راه یابی به هدف آفرینش آدمی و فلسفه زندگی او

أیحسب الإنسن أن یترک سدًی . ألم یک نطفه ... فخلق فسوّی . فجعل منه الزوجین الذکر

بیان سیر تکوین انسان پس از طرح موضوع بی هدف نبودن زندگی بشر می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۴۰ – ۵

۵ – مطالعه در مبدأ و مراحل آفرینش انسان ، از راه های شناخت معاد و پی بردن به احیای مردگان

ألم يك نطفه من منىّ يمنى . .. فخلق فسوّى ... أليس ذلك بقدر على أن يحيى الموتى

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۲۰ – ۵

۵

- تشویق خداوند ، به مطالعه درباره مبدأ و سیر تکوین انسان ها

ألم نخلقکم من ماء مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۳ - ۸

۸ - مطالعه و تأمّل در آفرینش انسان و مبدأ پیدایش و سیر تکاملی آن ، موجب شناخت معاد و اثبات توانایی خداوند بر آن است .

ألم نخلقکم من ماء . .. فقدرنا فنعم القدرون

از این که ماجرای خلقت انسان با استفهام تقریری (ألم نخلقکم. ..) آغاز شده، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

مطالعه مراحل خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۹ - ۶

۶ - مطالعه در مبدأ و مراحل پیدایش انسان ، موجب راه یابی به هدف آفرینش آدمی و فلسفه زندگی او

أیحسب الإنسن أن یترک سدًی . ألم یک نطفه ... فخلق فسوّی . فجعل منه الزوجین الذکر

بیان سیر تکوین انسان پس از طرح موضوع بی هدف نبودن زندگی بشر می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۴۰ - ۵

۵ - مطالعه در مبدأ و مراحل آفرینش انسان ، از راه های شناخت معاد و پی بردن به احیای مردگان

ألم یک نطفه من منیّ یمنی . .. فخلق فسوّی ... ألیس ذلک بقدر علی أن یحیی الموتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۰ - ۵

۵ – تشویق خداوند ، به مطالعه درباره مبدأ و سیر تکوین انسان ها

ألم نخلقکم من ماء

مهین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۲۳ – ۸

۸ – مطالعه و تأمّل در آفرینش انسان و مبدأ پیدایش و سیر تکاملی آن ، موجب شناخت معاد و اثبات توانایی خداوند بر آن است .

ألم نخلقکم من ماء . .. فقدرنا فنعم القدرون

از این که ماجرای خلقت انسان با استفهام تقریری (ألم نخلقکم. ..) آغاز شده، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

مطالعه منشأ خلقت انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – طارق – ۸۶ – ۵ – ۱،۴

۱ – تحقیق درباره منشأ آفرینش انسان و توجّه به عنصر اولیه جسم وی ، زمینه ساز باور به امکان احیای دوباره او است .

فلینظر الإنسن ممّ خلق

جمله <إنّه علی رجعه لقادر> در آیات بعد بیانگر آن است که آنچه از این آیه به بعد مطرح شده، آماده سازنده ذهن انسان برای باور به امکان معاد است.

۴ – لزوم تحقیق درباره منشأ آفرینش انسان و کشف عنصر اصلی در پیدایش جسم او

فلینظر الإنسن ممّ خلق

معبودان باطل و خلقت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۶ – ۱۹

۱۹ مشرکان علی رغم سراغ نداشتن مخلوقی برای خدایان خویش ، به ولایت و تدبیر آنان معتقد بودند .

أفاتخذتم من دونه أولیاء . .. أم جعلوا لله شرکاء خلقوا کخلقه فتشبه الخلق علیهم

جمله <خلقوا کخلقه> صـفت برای <شرکاء> است. <خلق> در هر دو مورد (<کخلقه> و <الخلق>) مصدر و به معنای اسم مفعول (مخلوقات) است. <تشابُه> (مصدر تشابَه) به قرینه کلمه <علی> به معنای

مشتبه شدن به خاطر مشابهت است. <أم> در جمله فوق أم منقطعه و حاوی استفهام انکاری است و می رساند که خود مشرکان نیز برای شرکا و معبودهای پنداری، آفرینشی را باور نداشتند تا با آفریده های خدا مشتبه شود.

معبودان باطل و خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳ - ۵

۵ معبود های مشرکان ، هیچ نقشی در مرگ ، زندگی و برانگیختن پدیده های جهان ندارند .

ءالهه . .. و لایملکون موتًا و لاحیوه و لانشورًا

ملائکه و خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۱۵،۲۰

۱۵ فرشتگان با توجه به حضورشان در هستی و لیاقتشان برای خلافت ، فلسفه ای برای خلقت و خلافت انسان نمی دیدند .

قالوا أتجعل فیها من یفسد فیها . .. و نحن نسبح بحمدک

جمله حالیه <و نحن نسبح . ..> گویای این مطلب است که: فرشتگان علاوه بر اینکه انسان رابه خاطر فسادگری اش شایسته خلافت نمی دانستند، وجود خویش را برای احراز این مقام لایق دانسته و زمین را از خلافت انسان بی نیاز می شمردند.

۲۰ نا آگاهی فرشتگان به ارزش های والای انسان ، موجب شد تا فسادگری او برای فرشتگان جلوه گر شود و به خلقت و خلافتش معترض باشند .

أتجعل فیها من یفسد فیها . .. قال إنی أعلم ما لاتعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ اعتراف فرشتگان به عالمانه و حکیمانه بودن آفرینش انسان و انتخاب

او برای خلافت

إنّک أنت العلیم الحکیم

از هدفهای فرشتگان در توصیف خداوند به علیم و حکیم بودن - پس از اظهار تشکیک در شایستگی انسان برای خلافت - اعتراف و اقرار به ارزش والای انسان و عالمانه و حکیمانه بودن آفرینش اوست.

منافع خلقت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۰ - ۳

۳ - آفرینش شتر ، برافراشتن آسمان ، استوارسازی کوه ها و هموار ساختن زمین ، دارای منافعی درخور توجه برای انسان ها است .

أفلاینظرون إلی . .. و إلی الأرض کیف سطحت

آیه شریفه، گرچه توجّه دادن انسان ها به مظاهر قدرت خداوند در زمین و آسمان است; ولی تکیه بر اوصاف یاد شده، نشانه سودمند بودن آنها به حال آنان است.

منشأ استبعاد خلقت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۰ - ۷

۷ - بعید شمردن شیوه آفرینش عیسی (ع) ، نشأت یافته از بی توجهی به قدرت بی نهایت خداوند است .

و لمّا ضرب ابن مریم مثلاً . .. إن هو إلاّ عبد أنعمنا ... و لو نشاء لجعلنا منکم م

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: الف) <لمّا ضرب ابن مریم> نظر به جنبه خلقت عیسی(ع) دارد. ب) این آیه در مقام رفع استبعاد و انکار مشرکان مکه است که برای خداوندی که قادر به آفرینش تمامی انسان ها به صورت ملک است، خلقت عیسی(ع) بدون پدر امری ساده می باشد.

منشأ خلقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۴۳ - ۳۰ - روم - ۱۴

۴ – توجّه به منشأ خلقت و روزی و مرگ انسان ، مقتضی رویکرد تمام عیار به دین است .

اللّه الذی خلقکم . .. فأقم وجهک للدین

احتمال دارد <فاء> در <فأقم>تفریع بر آیه <الـذی خلقکم . ..> باشد که در آن، خداوند، برخی از افعال خود را به عنوان نشانه، یادآوری کرده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۷۷ – ۳

۳ – نطفه انسان ، چیزی پست و بی ارزش

أوَلم یر الإنسن أنّا خلقنه من نطفه

برداشت یاد شده از آن جا است که تنکیر <نطفه> بر تحقیر دلالت دارد.

منشأ خلقت آسمان ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۳۶ – ۱

۱ – آفرینش آسمان ها و زمین ، مخصوص خداوند و غیر او فاقد کمترین تأثیر درآن

أم خلقوا السموت و الأرض

منشأ خلقت انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۱۱ – ۳،۵

۳ خداوند، مبدأ و منشأ انسانها (آدم) را آفرید و سپس به او صورت انسانی عطا کرد.

و لقد خلقنکم ثم صورنکم ثم قلنا للملئکه اسجدوا لأدم

<خلقناکم> (شما را در گذشته آفریدیم)، خطاب به همه انسانهاست و چون همه انسانها پیش از فرمان سجده بر آدم آفریده نشده بودند، معلوم می شود آن جمله ناظر به آفرینش چیزی است که می توانسته مبدأ همگان باشد و به همین لحاظ آفرینش او آفرینش همه انسانها شمرده شده است فراز بعد (ثم قلنا . ..) می رساند که آن چیز همان شد که به <آدم ابوالبشر> معروف است. قابل

ذکر است که دلالت آیه بر این که خود آن مبدأ یاد شده آدم(ع) شده باشد به صورت احتمال مطرح است.

۵ وجود فاصله زمانی بین آفرینش مبداء انسانها و اعطای صورت انسانی به او

و لقد خلقنکم ثم صورنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۰ - ۱

۱- آفرینش و مرگ انسان ها به دست خداوند است .

و الله خلقکم ثمّ یتوفّکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹ - ۱۰

۱۰- پیدایش انسان در جهان به اراده خداوند و مسبوق به نیستی مطلق بوده است .

و قد خلقتک من قبل و لم تک شیئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۵ - ۶

۶ - آفرینش انسان از زمین و بازگشت دو باره او به آن و نیز رستاخیز و معاد او ، به اراده و خواست خداوند است .

خلقنکم . .. نعیدکم ... نخرجکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۹ - ۱

۱ - پیدایش نسل انسان در گستره زمین ، تنها به اراده و تدبیر خداوند

و هو الذی ذرأکم فی الأرض و إلیه تحشرون

<ذرء> (مصدر <ذرأ>) به معنای پدید آوردن و پراکندن است. <تحشرون> به قرینه <إلیه> متضمن معنای <ترجعون>

و <حشر> (مصدر مجهول <تحشرون>) به معنای جمع و گردآوری شدن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۱۱ – ۳

۳ – نطفه ، خمیر مایه و منشأ آفرینش انسان ها است

.

خلقکم . .. من نطفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۷ - ۲

۲ - نطفه ، مبدأ پیدایش و خمیرمایه آفرینش انسان است .

أوَلم یر الإنسن أنّا خلقنه من نطفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۱ - ۱۰

۱۰ - آفرینش انسان به وسیله خداوند ، دلیل قدرت او بر اعطای نطق به اعضا و جوارح آدمی

قالوا أنطقنا اللّه . .. و هو خلقکم أوّل مرّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۵ - ۲،۴

۲ - پیدایش انسان ، بدون هیچ علت و مبدأ پدیدآورنده ، امری محال و نامعقول است .

أم خلقوا من غیر شیء

<شیء> می تواند کنایه از علت فاعلی باشد. بنابراین <من غیر شیء>; یعنی، بدون علت و عامل پدیدآورنده.

۴ - نقش خود انسان در پیدایش و خلقت خویش ، امری محال و نامعقول است .

أم هم الخلقون

در آیه شریفه دو فرض مطرح شده است: ۱ این که پیدایش انسان بی علت باشد; ۲ این که انسانِ معدوم، در پیدایش خویش نقش داشته باشد که هر دوی آنها محال عقلی است. از این رو آیه شریفه با استفهام انکاری ادا شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۶ - ۱

۱ - پیدایش زن و مرد ، از نطفه به اراده خدای یگانه

و أنّه خلق . .. الذکر و الأُنثی . من نطفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳ -

۲ - رحمانیت خداوند ، منشأ آفرینش انسان

الرحمن . خلق الإنسن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۷ - ۱

۱ - خداوند ، انسان را همچون نباتات از زمین آفریده است .

و اللّه أنبتکم من الأرض نباتًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۷ - ۳

۳ - تکوین انسان از مایه ای ناچیز (منی) ، از نشانه های قدرت خداوند بر برپایی قیامت

ألم یک نطفه من منیّ یمنی

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که این آیه در سلسله آیاتی قرار دارد که درصدد بیان مسأله معاد و اثبات آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۴۰ - ۲

۲ - آفرینش آغازین انسان ، از نطفه و علقه به همراه ساختاری معتدل و هماهنگ ، دلیل قدرت خداوند بر برپایی قیامت و احیای مردگان

ألم یک نطفه من منیّ یمنی . .. فخلق فسوّی ... ألیس ذلک بقدر علی أن یحیی الموتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۷ - ۳

۳ - خداوند ، قامت انسان را استوار ساخت و اعضای او را هماهنگ و متوازن قرار داد .

فعدلك

فعل <عَدَلَ>، در موردی به کار می رود که چیزی را به پا دارند تا به اعتدال درآید و استقامت یابد(مقاییس اللغه). این فعل در مورد برقرار کردن توازن و تعادل نیز به کار می رود.(قاموس)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۸

۲ - سامان یافتن هر انسان در شکلی خاص ، حاصل ترکیب اجزای او با یکدیگر است .

رکّبک

منشأ خلقت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۸ - ۲

۲ خداوند تمامی آدمیان و نژادها و تیره های مختلف آن را از یک شخص (آدم) آفریده است.

و هو الذی أنشأکم من نفس وحده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۹ - ۳

۳ - آگاهی انسان ها ، از منشأ پیدایش بشر و سیر تکوین او

إنّا خلقنهم ممّا یعلمون

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که <من> در <ممّا>ابتدائیه باشد.

منشأ خلقت پسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۹ - ۶

۶ - دختر و یا پسر شدن فرزندان ، متکی به مشیت خداوندی است .

یهب لمن یشاء إنثًا و یهب لمن یشاء الذکور

منشأ خلقت تاکستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۳۴ – ۱

۱ – خداوند ، باغ هایی از خرما و انگور در زمین آفریده است .

و جعلنا فیها جنّت من نخیل و أعنب

منشأ خلقت جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۱۵ – ۱

۱ – جن ، آفریده شده به اراده الهی ، از شعله های خالص و بدون دود آتش

و خلق الجانّ من مارج من نار

<مارج>، به معنای آتش خالص بدون دود است (قاموس المحیط).

منشأ خلقت دختر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶

- شوری - ۴۲ - ۴۹ - ۶

۶ - دختر و یا پسر شدن فرزندان ، متکی به مشیت خداوندی است .

یهب لمن یشاء إنثًا و یهب لمن یشاء الذکور

منشأ خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۶ - ۱

۱ - آفرینش آسمان ها و زمین ، مخصوص خداوند و غیر او فاقد کمترین تأثیر درآن

أم خلقوا السموت و الأرض

منشأ خلقت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۴ - ۶

۶- عیسی (ع) ، کلمه خداوند و پدیدار شده به فرمان او بود .

ذلک عیسی ابن مریم قول الحقّ

منصوب بودن <قول> ممکن است به جهت حال بودن آن باشد و نیز محتمل است که منصوب به فعل مدح محذوف باشد. براساس این دو احتمال، مراد از <قول الحقّ> گفتار خداوند در خلقت عیسی(ع) (فرمان <کن>) است.

منشأ خلقت مراتع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۴ - ۲

۲ - توجّه به قدرت خداوند بر رویاندن گیاهان و به وجود آوردن چراگاه ها ، مایه منزّه دانستن او از هر عیب و نقص و پیراستن نام او ، از هر وصف ناروا است .

سبّح اسم . .. و الذی أخرج المرعی

منشأ خلقت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۹ - ۴

۴ - آفرینش فرشتگان ، براساس رحمت الهی است .

هم عبد الرحمن

منشأ خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف -

۱۸ - ۱۰۹ - ۶

۶- ربوبیّت خداوند مایه پیدایش آفریده ها و ارائه رهنمود های او است .

لکلمت ربّی . .. کلمت ربّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۵ - ۸،۱۰

۸- آفرینش هر موجود درگرو تقدیر خدا و فرمان او به تحقق آن است .

إذا قضی أمرًا فإنّما یقول له کن فیکون

۱۰- فرمان خداوند بر پدیدار شدن چیزی ، برای تحقق یافتن آن کافی است .

إذا قضی أمرًا فإنّما یقول له کن فیکون

<إنّما> دال بر حصر است؛ یعنی برای تحقق یافتن موجودات، به چیزی جز فرمان الهی نیاز نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۵ - ۵

۵ - پیدایش موجودات ، متکی به مبدئی بی نیاز و قائم به ذات است .

أم خلقوا من غیر شیء أم هم الخلقون

از مجموع آیه شریفه استفاده می شود که پدیده، نیازمند به علتی است که آن علت، خود پدیده و وابسته به غیر نباشد؛ زیرا در غیر این صورت پرسش انکاری همچنان باقی خواهد بود (چگونه معلولی بی علت پدید آمده است).

منشأ خلقت نخلستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۴ - ۱

۱ - خداوند ، باغ هایی از خرما و انگور در زمین آفریده است .

و جعلنا فيها جنّت من نخيل و أعنب

نعمت خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲ - ۳

۳ - تعلیم قرآن ، نعمت و ارزشی فراتر از اصل خلقت انسان و نعمت های دیگر

علّم القرءان

. خلق الإنسن

سوره <الرحمان>، حاوی بیان انواع نعمت هایی است که خداوند به انسان عطا کرده است. از این که مسأله تعلیم قرآن، سرآغاز همه نعمت ها و حتی آفرینش انسان قرار گرفته، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳ - ۵

۵ - وجود انسان از سوی خداوند ، خود نعمتی است الهی .

خلق الإنسن

از آیات بعدی استفاده می شود که خداوند در این آیات درصدد بیان نعمت های الهی برای بشر است. بر این اساس می توان گفت: این آیه، اصل وجود انسان را به عنوان نخستین نعمت الهی معرفی کرده است.

نقش خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۶ - ۳

۳ - خلقت ویژه انسان و برخورداری او از دانش و هنر نویسندگی ، دور ماندن او را از هر گونه انحراف تضمین نمی کند .

خلق الإنسن . .. علّم بالقلم ... کلاّ

حرف <کلاّ> مانع پیدایش پنداری است که ممکن است با شنیدن آیات پیشین که درباره آفرینش انسان و علم او بود، برای مخاطب به وجود آید و انسان را از خطر هر انحرافی دور بداند.

نقش عنصر خلقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۶ - ۶،۷

۶ - تفاوت مبدأ و عنصر اولیه پیدایش موجودات و نوع آنها ، ملاک برتری و مهتری آنان نیست .

قال أنا خیر منه خلقتنی من نار و خلقته من طین

از محکوم شدن ابلیس در داوری و استدلال، درباره برتری خود بر آدم، برداشت یاد

شده استفاده می شود.

۷ – شرافت و برتری انسان و دیگر موجودات ، به خاطر عنصر و ماده اولیه آفرینش آنان نیست ; بلکه به کمالات و اوصاف ناشی از آن عنصر و ماده اولیه بستگی دارد .

قال أنا خیر منه خلقتنی من نار و خلقته من طین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند از یک سوی فرمان داد که ابلیس بر آدم(ع) سجده کند; که این کار نشانه فضیلت و برتری انسان است. از سوی دیگر برتری ابلیس بر آدم را به خاطر تفاوت عنصر و ماده اولیه آنان مردود شمرد. این حقیقت می رساند که فضیلت آدم(ع) بر ابلیس، به خاطر عنصر اولیه آفرینش او نبود; بلکه ناشی از کمالات و اوصاف ناشی از ماده گِل و روح الهی او بوده است.

وقت خلقت آدم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۳۶ – ۲۰

۲۰ از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود : < یوم الجمعه سید الأیام . . . خلق اللّه فیه آدم واهبط فیه آدم إلی الأرض ;

روز جمعه شریف ترین روزهاست . .. در آن روز خداوند آدم را آفرید و در همین روز او را به زمین فرستاد>.

ویژگی خلقت عیسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۷۱ – ۱۲

۱۲ خلقت حضرت عیسی (ع) ، خلقتی خارق العاده و بدون پدر

انما المسیح عیسی ابن مریم رسول اللّه و کلمته القها إلی مریم

انتساب مسیح(ع) به مادرش مریم(ع) دلالت بر خلقت او بدون واسطه پدر

دارد.

ویژگیهای خلقت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۳

۳ - حوا ، از جنس آدم (ع) و برابر با او ، در اصل خلقت و در حقیقت و ویژگی های انسانی

خلقکم من نفس وحده ثمّ جعل منها زوجها

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که مضمون آیه شریفه مانند مضمون آیه <و اللّه جعل لکم من أنفسکم أزواجاً و جعل لکم من أزواجکم بنین و حفده. ..>، (نحل (۱۶) آیه ۷۲) است. مقصود از آن بیان آفرینش نوع انسان و چگونگی پیدایش نسل آدمی و تکثیر نوع بشر است; نه این که حوا از یک تن به نام آدم پدید آمده باشد و در نتیجه همه انسان ها از یک تن به وجود آمده باشند.

ویژگیهای خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۸ - ۲

۲ - شکل گیری نظام جهان ، دارای روندی تدریجی و طی دوره های متعدد

و لقد خلقنا . .. فی ستّه أیّام

ویژگیهای خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ - نوع خلقت انسان ، برترین و بهترین شکل آفرینش برای او

ثمّ أنشأنه خلقًا ءاخر فتبارک اللّه أحسن الخلقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۶۴ – ۶

۶ – انسان ، برخوردار از بهترین شکل و شمایل و اندامی موزون

و صوّرکم فأحسن صورکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – نوح – ۷۱ – ۱۷

۵ -

۵ – آفرینش انسان ، تدریجی و تکاملی است .

و اللّه أنبتکم من الأرض نباتًا

برداشت یاد شده، به سبب آن است که خلقت نباتات، دارای چنین خصوصیتی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – علق – ۹۶ – ۲ – ۶

۶ – آفرینش انسان ، ممتاز و برتر از آفرینش سایر مخلوق ها است .

الذی خلق . خلق الإنسن من علق

آیه قبل، از خالقیت خداوند سخن گفت و در این آیه، خلقت انسان به عنوان نمونه ای از مخلوقات او اختصاص به ذکر یافته است. این عنایت خاص، نشانگر برجستگی ویژه خلقت انسان است.

ویژگیهای خلقت انسان ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۱۹ – ۷

۷ – خداوند ، در پی آفرینش انسان از نطفه ، او را توانمند و مهیّا برای رسیدن به مصلحت های خویش قرار داد .

من نطفه خلقه فقدّره

برخی از اهل لغت، ضمن بر شمردن معانی متعددی برای <تقدیر>، دقّت و تفکر در متعادل ساختن امور و مهیّا ساختن آنها را، از جمله معانی آن قرار داده اند (لسان العرب). <فاء> در <فقدّره> گویای این است که مهیّا شدن انسان برای مصالح خویش، از آثار و پیامدهای سیستم خلقت او است.

ویژگیهای خلقت حوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۶ – ۳

۳ – حوا ، از جنس آدم (ع) و برابر با او ، در اصل خلقت و در حقیقت و ویژگی های انسانی

خلقکم من نفس وحده ثمّ جعل منها زوجها

بیشتر مفسران بر این عقیده اند

که مضمون آیه شریفه مانند مضمون آیه <و اللّه جعل لکم من أنفسکم أزواجاً و جعل لکم من أزواجکم بنین و حفده. ..>، (نحل (۱۶) آیه ۷۲) است. مقصود از آن بیان آفرینش نوع انسان و چگونگی پیدایش نسل آدمی و تکثیر نوع بشر است; نه این که حوا از یک تن به نام آدم پدید آمده باشد و در نتیجه همه انسان ها از یک تن به وجود آمده باشند.

ویژگیهای خلقت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۶ - ۱

۱ - خداوند ، ماه را نورانی و خورشید را همچون چراغ فروزنده آفرید .

و جعل القمر فیهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

ویژگیهای خلقت روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۵ - ۸

۸- روح در پیدایش و وجود ، بی نیاز از اسباب و وسایط خلقت *

قل الروح من أمر ربّی

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <أمر> کلمه <ایجاد> باشد که معنای <کن> است. بنابراین، نیازی به وسایط خلق و آفریدن ندارد.

ویژگیهای خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۴ - ۱،۲

۱ - خداوند ، کره زمین را با ثبات و آرام قرار داد .

اللّه الذی جعل لکم الأرض قرارًا

<قرار> می تواند مصدر <قَرَّ> (مرادف سَکَنَ و ثَبَتَ) باشد. در این صورت قرار، مقابل اضطراب و لرزیدن و از اوصاف

زمین به شمار می رود. هم چنین می تواند به معنای مستقر و جایی باشد که در آن ثبات و آرامش

است; یعنی، <جعلها مستقراً لکم>. در این صورت مقصود آن است که زمین را به گونه ای قرار دادیم که جایی برای سکونت شما انسان ها باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است.

۲ - خداوند ، زمین را به گونه ای آفریده که قابل سکونت و زندگی برای بشر باشد .

اللّه الذی جعل لکم الأرض قرارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۵ - ۱

۱ - خداوند ، زمین را برای انسان رام و قابل بهره برداری قرار داد .

هو الذی جعل لکم الأرض ذلولاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۰ - ۲

۲ - خداوند ، زمین را به گونه ای آفرید که انسان بتواند در آن راه های وسیع برای خود بسازد .

لتسلکوا منها سبلًا فجاجًا

برخی از مفسران، بر آنند که چون فعل <سلک> با <من> متعدی شده است، متضمن معنای اتخاذ است; یعنی، <لتتخذوا لأنفسکم منها سبلًا. ..>.

ویژگیهای خلقت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۷ - ۷

۷ - آفرینش شتر ، با ویژگی های برجسته آن ، نشان قدرت خداوند بر اعاده انسان ها است .

أفلاینظرون إلی الإبل کیف خلقت

با توجّه به این که آغاز سوره با یاد قیامت شروع شده، این آیات نیز ناظر به معاد و امکان آن خواهد بود.

ویژگیهای خلقت طبیعت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۱ – ۶

۶- طبیعت به گونه ای آفریده شده است که نیاز های انسان

را به خوبی تأمین می کند .

هو الذی أنزل من السّماء ماء لکم . .. ینبت لکم

تکرار <لکم> در دو آیه، هم چنین فعل <تسیمون> جملگی دلالت بر آن دارند که: این مجموعه برای منافع آدمی ایجاد گشته و در نتیجه با نیازهای او تناسب و هماهنگی دارد.

ویژگیهای خلقت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۷ - ۷

۷ - عیسی (ع) انسانی تکوین یافته بدون واسطه پدر

و ءاتینا عیسی ابن مریم

قرآن با تصریح به اینکه عیسی(ع) فرزند مریم(ع) است - بر خلاف آنچه متعارف است که انسان را به پدرش منسوب می کنند - اشاره به نکاتی دارد; از جمله، پیدایش عیسی(ع) بدون واسطه پدر و رد پندار ناروای یهودیان که او را به مردی نجار نسبت می دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۲ - ۳

۳- عیسی (ع) در برشمردن ویژگی هایش ، بر پیدایش خود بدون پدر تأکید ورزید .

و برًّا بولدتی

عیسی(ع) در مورد نیکی کردن، تنها از مادر خود یاد کرد و ذکری از پدر به میان نیاورد تا در گفتار هم این مطلب را که مادرش پاکدامن است، تأیید کرده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۴ - ۳،۷

۳- عیسی (ع) ، بدون پدر تکوین یافته بود .

ذلك عیسی ابن مریم

نسبت دادن عیسی(ع) به مادرش مریم با توجه به غیر متعارف بودن انتساب به مادر گویای برداشت یاد شده است.

۷- در باره ماهیت حضرت عیسی

(ع) (بشربودن و تکوین یافتن او بدون پدر) در طول تاریخ تردیدهایی ناروا وجود داشته است .

ذلک عیسی ابن مریم . .. الذی فیه یمترون

<الـذی> وصف است برای <عیسـی> یـا <قول الحقّ> و <إمتراء> (مصـدر <یمترون>) به معنای شک و تردیـد کردن است. غایب ذکرشدن صیغه <یمترون> از آن حکایت دارد که کسانی غیر از مسلمانان در باره حضرت عیسی(ع) به عقایدی پای بند بودند که برپایه یقین استوار نبود.

ویژگیهای خلقت ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۶ - ۱

۱ - خداوند ، ماه را نورانی و خورشید را همچون چراغ فروزنده آفرید .

و جعل القمر فیهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

هدفداری خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۲

۲ آفرینش آسمانها و زمین، هدفدار و در نهایت استواری است.

و هو الذی خلق السموت و الأرض

<حق> کاربرد معنایی بسیاری دارد، از آن جمله که قرینه ترکیب با جمله <خلق السماوات>، به معنای هدفداری و حکیمانه بودن آفرینش است، راغب نیز در مفردات به کاربرد این معنی برای <حق> تصریح کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۹ - ۱

۱- خداوند ، آسمان ها و زمین را هدفمند و بر اساس حکمت آفرید .

ألم تر أن الله خلق السموت و الأرض بالحقّ

<حق> در برابر باطل (بیهوده) است و مراد از آن، این است که فاعل حق برای کارش هدفی پسندیده در نظر دارد.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۸ – ۳

۳ – آسمان ها و زمین و تمامی موجودات هستی ، آفریده هایی هدف دار و پیراسته از هرگونه باطل اند .

ما خلق اللّه السموت و الأرض و ما بینهما إلاّ بالحقّ

<باء> در <بالحقّ> برای <ملابسه> است و دلالت می کند که حق بودن آفرینش، وصف انفکاک ناپذیر آن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۳۸ – ۲

۲– وجود معاد و حیات اخروی ، معنادهنده به آفرینش آسمان ها و زمین و سایر پدیده های جهان

إنّ هؤلاء لیقولون . .. و ما خلقنا السموت ... لعبین

خداوند، پس از بیان عقیده باطل کافران در زمینه نفی معاد و در جهت تبیین ضرورت معاد، به هدف مند بودن آفرینش اشاره کرده است; یعنی، اگر زندگی در حیات دنیا خلاصه شود، آفرنیش معنایی عالمانه و حکیمانه پیدا نخواهد کرد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۳۹ – ۱

۱– آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی بحق ، بایسته ، ارزشمند و هدفدار

و ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما لعبین . ما خلقنهما إلاّ بالحقّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۲۲ – ۱

۱ – آفرینش آسمان ها و زمین از سوی خداوند ، آفرینشی به حق و هدفدار

و خلق اللّه السموت و الأرض

<حق> به چیزی گفته می شود که براساس حکمت و فلسفه ای بایسته پدید آمده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴

- ۳ - ۲

۲ - آفرینش جهان (آسمان ها ، زمین و . . .) ، براساس حق و هدفدار و به دور از بیهوده کاری است .

خلق السموت و الأرض بالحقّ

<حقّ> در مقابل باطل قرار دارد. یکی از معانی <باطل> عبث و بیهوده کاری است; یعنی، کاری که در آن هدف معقولی لحاظ نشود.

هدفداری خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۲

۲ - آفرینش جهان (آسمان ، زمین و . . .) ، هدفدار و به دور از عبث کاری است .

خلق السموت و الأرض بالحقّ

<حقّ> در مقابل باطل قرار دارد و باطل گاهی در معنای عبث به کار می رود. بنابراین حق به معنای هدفدار بودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۲ - ۶

۶ - برپایی قیامت ، بخشی از اهداف الهی در آفرینش جهان

بالحقّ و لتجزی کلّ نفس بما کسبت

برداشت بالا- بنابراین نکته است که <و لتجزی> عطف بر محذوف باشد; یعنی، آفرینش به حق هستی اهداف متعددی را دنبال می کند و از آن میان، تنها یک مورد ذکر شده است که جزای عادلانه مردم است و قیامت صحنه اصلی بروز و ظهور آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۲

۲ - خداوند ، در آفرینش جهان ، دارای هدفی بایسته و به دور از کمترین کاستی و بیهودگی

ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما إلاّ بالحقّ

اطلاق <الحقّ> با همه گستردگی

و شمول آن بر آفرینش خداوند، می رساند که در آفرینش او، کمترین ضعف، سستی، بیهودگی و. .. وجود ندارد; بلکه از همه جهات در نهایت حقانیت و کمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۸ - ۸

۸ - شکل گیری تدریجی جهان ، دارای ملاک های حکیمانه و نه معلول خستگی و محدودیت قدرت خداوند *

و لقد خلقنا السموت و الأرض . .. و ما مسّنا من لغوب

برداشت بالا بدان احتمال است که بیان <ما مسّنا من لغوب> در پی <ستّه أیّام> نظر به این جهت داشته باشد که اصولاً در آفرینش، رنج و خستگی برای خداوند مطرح نیست و اگر کار آفرینش را در شش مرحله صورت داده است، دلایل دیگری دارد و به سبب محدودیت قدرت او نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۰ - ۴

۴ - آفرینش زمین و نظام هستی از سوی خدا ، هدفمند است .

و السّماء رفعها و . .. و الأرض وضعها للأنام

خداوند متعال در این آیه، نمایانده است که اصولاً سامان یافتن زمین و شکل گیری آن از آغاز، بدان هدف صورت گرفته که زیستگاه آدمیان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۳ - ۲،۱۱

۲ - آفرینش جهان (آسمان ها ، زمین و . . .) ، براساس حق و هدفدار و به دور از بیهوده کاری است .

خلق السموت و الأرض بالحقّ

<حقّ> در مقابل باطل قرار دارد. یکی از معانی <باطل> عبث و

بیهوده کاری است; یعنی، کاری که در آن هدف معقولی لحاظ نشود.

۱۱ - معاد و بازگشت انسان ها ، به پیشگاه عدل الهی برای کیفر و پاداش ، مقتضای آفرینش به حق و هدفمند جهان است .

خلق السموت و الأرض . .. و إلیه المصیر

ذکر معاد انسان ها پس از بیان آفرینش جهان بر پایه حق و هدفمندی می تواند گویای نکته یاد شده باشد.

هدفداری خلقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۵ - ۶،۷

۶ - خلقت انسان بدون هیچ هدف ارزشمند ، امری نامعقول است .

أم خلقوا من غیر شیء

برداشت یاد شده بدان احتمال است که واژه <شیء>، کنایه از غایت و هدف باشد.

۷ - هدفداری خلقت انسان ، مستلزم بعثت رسولان و هدایت آدمیان به سوی اهداف بایسته

أم خلقوا من غیر شیء

چنانچه عبارت <من غیر شیء> به معنای <من غیر غایه> باشد; از ارتباط مسأله هدفداری خلقت انسان با آیات پیشین که درباره حقانیت رسالت پیامبر(ص) و قرآن بود مطلب بالا استفاده می شود.

هدفداری خلقت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲ - ۱۱

۱۱ - خلقت انسان ، هدفمند و جهت دار است .

خلق الموت و الحیوه لیبلوکم أیّکم أحسن عملاً

هدفداری خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۲

۲ آفرینش آسمانها و زمین، هدفدار و در نهایت استواری است.

و هو الذی خلق السموت و الأرض

<حق> کاربرد معنایی بسیاری دارد، از آن جمله که قرینه ترکیب

با جمله <خلق السماوات>، به معنای هدفداری و حکیمانه بودن آفرینش است، راغب نیز در مفردات به کاربرد این معنی برای <حق> تصریح کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۹ - ۱

۱- خداوند ، آسمان ها و زمین را هدفمند و بر اساس حکمت آفرید .

ألم تر أن الله خلق السموت و الأرض بالحقّ

<حق> در برابر باطل (بیهوده) است و مراد از آن، این است که فاعل حق برای کارش هدفی پسندیده در نظر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۸ - ۳

۳ - آسمان ها و زمین و تمامی موجودات هستی ، آفریده هایی هدف دار و پیراسته از هرگونه باطل اند .

ما خلق اللّه السموت و الأرض و ما بینهما إلاّ بالحقّ

<باء> در <بالحقّ> برای <ملابسه> است و دلالت می کند که حق بودن آفرینش، وصف انفکاک ناپذیر آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۸ - ۲

۲- وجود معاد و حیات اخروی ، معنادهنده به آفرینش آسمان ها و زمین و سایر پدیده های جهان

إنّ هؤلاء لیقولون . .. و ما خلقنا السموت ... لعبین

خداوند، پس از بیان عقیده باطل کافران در زمینه نفی معاد و در جهت تبیین ضرورت معاد، به هدف مند بودن آفرینش اشاره کرده است; یعنی، اگر زندگی در حیات دنیا خلاصه شود، آفرنیش معنایی عالمانه و حکیمانه پیدا نخواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۹ - ۱

۱- آفرینش آسمان

ها و زمین ، آفرینشی بحق ، بایسته ، ارزشمند و هدفدار

و ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما لعبین . ما خلقنهما إلّا بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۲ - ۱

۱ - آفرینش آسمان ها و زمین از سوی خداوند ، آفرینشی به حق و هدفدار

و خلق اللّه السموت و الأرض

<حق> به چیزی گفته می شود که براساس حکمت و فلسفه ای بایسته پدید آمده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۰ - ۴

۴ - آفرینش زمین و نظام هستی از سوی خدا ، هدفمند است .

و السّماء رفعها و . .. و الأرض وضعها للأنام

خداوند متعال در این آیه، نمایانده است که اصولاً سامان یافتن زمین و شکل گیری آن از آغاز، بدان هدف صورت گرفته که زیستگاه آدمیان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۳ - ۲

۲ - آفرینش جهان (آسمان ها ، زمین و . . .) ، براساس حق و هدفدار و به دور از بیهوده کاری است .

خلق السموت و الأرض بالحقّ

<حقّ> در مقابل باطل قرار دارد. یکی از معانی <باطل> عبث و بیهوده کاری است; یعنی، کاری که در آن هدف معقولی لحاظ نشود.

هدفداری خلقت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۱۷ – ۳

۳ – شتر ، مخلوق خداوند و آفریده ای هدف دار است .

أفلاینظرون إلی الإبل کیف خلقت

در آیه شریفه، گرچه سخن از آفریننده شتر

به میان نیامده است; ولی سیاق آیات که در مقام برشمردن نعمت های خداوند، توجّه دادن انسان به قدرت مندی او و ضرورت معاد می باشد بیانگر این است که خداوند، آن را خلق کرده و آفریدن آن لغو نبوده است.

هدفداری خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۸ - ۳

۳ - آسمان ها و زمین و تمامی موجودات هستی ، آفریده هایی هدف دار و پیراسته از هرگونه باطل اند .

ما خلق اللّه السموت و الأرض و ما بینهما إلّا بالحقّ

<باء> در <بالحقّ> برای <ملابسه> است و دلالت می کند که حق بودن آفرینش، وصف انفکاک ناپذیر آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۶ - ۱۴

۱۴ - پدیده های عالم آفرینش ، برای برآوردن منظور و هدفی ، آفریده شده اند .

أن یرسل الریاح مبشّرت و لیذیقکم . .. و لتبتغوا من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۸ - ۲

۲- وجود معاد و حیات اخروی ، معنادهنده به آفرینش آسمان ها و زمین و سایر پدیده های جهان

إنّ هؤلاء لیقولون . .. و ما خلقنا السموت ... لعبین

خداوند، پس از بیان عقیده باطل کافران در زمینه نفی معاد و در جهت تبیین ضرورت معاد، به هدف مند بودن آفرینش اشاره کرده است; یعنی، اگر زندگی در حیات دنیا خلاصه شود، آفرنیش معنایی عالمانه و حکیمانه پیدا نخواهد کرد.

خمر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خمر

آثار خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره

- ۲ - ۲۱۹ - ۶

۶ شراب و قمار ، موجب کُندی و بازماندن انسان از ثواب و خیر

قل فیهما اثم کبیر

<الاثم>: اسم للافعال المُبطئه عن الثواب (مفردات راغب.)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۲،۹

۲ شراب و قمار ، ابزار شیطان برای ایجاد کینه و عداوت

انما یرید الشیطن . .. فی الخمر و المیسر

۹ قماربازی و میگساری ابزار شیطان برای بازداشتن مردم از یاد خدا و برپایی نماز

انما یرید الشیطن . .. فی الخمر و المیسر و یصدکم عن ذکراللّه و عن الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۷ - ۳

۳ - شراب ، مایه ضرر و زیان و آسیب رسان به عقل و هوش آدمی

لا فیها غول و لا هم عنها ینزفون

برداشت یاد شده از مفهوم آیه شریفه به دست می آید.

اجتناب از خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۵،۱۱

۵ اهل ایمان وظیفه دار اجتناب از شرابخواری ، قماربازی و مظاهر شرک

یایها الذین ءامنوا انما الخمر و المیسر . .. فاجتنبوه

۱۱ پرهیز از شراب خواری ، قماربازی و مظاهر شرک ، زمینه ساز نیل به فلاح و رستگاری *

انما الخمر و المیسر و الانصاب و الازلم . .. فاجتنبوه لعلکم تفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۱۸

۱۸ بیان احکام و مفاسد شراب و قمار ، بیانی رسا در تحریم میگساری و قماربازی و از

میان برنده هرگونه تردیدی در ضرورت پرهیز از آنها

انما الخمر و المیسر . .. و یصدکم عن ذکراللّه و عن الصلوه فهل انتم منتهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۲ - ۶

۶ دوری جستن از پلیدی ها (شراب ، قمار ، مظاهر شرک) نشانگر اطاعت از خدا و رسول (ص)

انما الخمر و المیسر و الانصاب و الازلم . .. و اطیعوا اللّه و اطیعوا الرسول

احکام خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۹ - ۴

۴ حرمت شرابخواری و قمار بازی

یسئلونک عن الخمر و المیسر قل فیهما اثم کبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۱۴

۱۴ هر نوشیدنی مستی آور ، خمر است و حرام

انما الخمر . .. من عمل الشیطن فاجتنبوه

از امام باقر(ع) درباره <خمر> در آیه فوق روایت شده: فکل مسکر من الشراب خمر اذا اخمر فهو حرام . .. .

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۸۰; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۸، ح ۳۴۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۱۸

۱۸ بیـان احکـام و مفاسـد شـراب و قمـار ، بیـانی رسـا در تحریـم میگسـاری و قماربـازی و از میـان برنـده هرگونه تردیـدی در ضرورت پرهیز از آنها

انما الخمر و المیسر . .. و یصدکم عن ذکراللّه و عن الصلوه فهل انتم منتهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۷ - ۱۲

-۱۲

< عن أبی عبدالله (ع) قال : . . . قد أنزل الله . . . < و من ثمرات النخیل و الأعناب تتّخذون منه سكراً و رزقاً حسناً > فكان المسلمون بذلك ثمّ أنزل الله آیه التحریم هذه الأیه : < إنما الخمر و المیسر و الأنصاب . . . فاجتنبوه . . . > فهذه آیه التحریم ، و هی نسخت الأیه الأخری

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود:. .. به تحقیق خداوند نازل فرمود:... <و من ثمرات النخیل و الأعناب تتّخذون منه سكراً و رزقاً حسناً> پس مسلمان هم به همین گونه (گرفتن شراب و خوردن آن) عمل می كردند; سپس خداوند آیه تحریم شراب را كه این آیه باشد <إنما الخمر و المیسر و الأنصاب ... فاجتنبوه ...> نازل فرمود ... پس این آیه تحریم است و این آیه، آیه دیگر را نسخ كرده است>.

پرسش از خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۹ - ۱

۱ پرسش مردم از پیامبر (ص) ، درباره شراب و قمار

یسئلونک عن الخمر و المیسر

پلیدی خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۱

۱ شراب ، قمار ، بت ها و چوب های مخصوص برد و باخت ، به تمامی پلید و ناپاك اند .

انما الخمر و المیسر و الانصاب و الازلم رجس

<انصاب> جمع كلمه نصب است، برخی آن را به معنای بت گرفته اند و برخی گفته اند <انصاب> سنگهایی بوده كه بر آستان بتها نصب می

شـده و جایگاه ذبـح قربانی برای بتها بوده است و بدان جهت مشـرکان آنها را مایه تبرک می پنداشـتند و محترم می شـمردند. <ازلام> جمع زلم (تیر قمار) از انواع وسائل قمار و بردو باخت به شمار می رفته است.

تاریخ تهیه خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۷ - ۴

۴- تهیه شراب از خرما و انگور ، در صدر اسلام رواج داشت .

و من ثمرت النخیل و الأعنب تتّخذون منه سکرًا

تاریخ شرب خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ شراب خواری در میان حاکمان مصر باستان ، امری رایج بوده است .

إنی أرینی أعصر خمرًا

تحریم خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۱۸

۱۸ بیـان احکـام و مفاسـد شـراب و قمـار ، بیـانی رسـا در تحریم میگسـاری و قماربـازی و از میـان برنـده هرگونه تردیـدی در ضرورت پرهیز از آنها

انما الخمر و المیسر . .. و یصدکم عن ذکراللّه و عن الصلوه فهل انتم منتهون

ترک خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۳ - ۳

۳ تبرئه مؤمنان از گناه شراب خواری و قماربازی ، مشروط به دست کشیدن از آن پس از نهی خداوند

لیس علی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فیما طعموا إذا ما اتقوا

تشریع حرمت خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۷ - ۱۲

۱۲- > عن أبی عبدالله (ع

) قال : . . . قـد أنزل الله . . . < و من ثمرات النخيل و الأعناب تتّخـذون منه سـكراً و رزقاً حسـناً > فكان المسـلمون بـذلك ثمّ أنزل الله آيه التحريم هـذه الأيه : < إنما الخمر و الميسـر و الأنصاب . . . فاجتنبوه . . . > فهذه آيه التحريم ، و هی نسـخت الأيه الأخری

از امـام صادق(ع) روايت شـده است كه فرمود:. .. به تخقيق خداونـد نازل فرمود:... <و من ثمرات النخيل و الأعناب تتّخـذون منه سـكراً و رزقاً حسـناً> پس مسـلمان هم به همين گونه (گرفتن شـراب و خوردن آن) عمل می كردند; سپس خداوند آيه تحريم شـراب را كه اين آيه باشد <إنما الخمر و الميسر و الأنصاب ... فاجتنبوه ...> نازل فرمود ... پس اين آيه تحريم است و اين آيه، آيه ديگر را نسخ كرده است>.

تهيه خمر از انگور

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۷ - ۴

۴- تهيه شراب از خرما و انگور ، در صدر اسلام رواج داشت .

و من ثمرت النخيل و الأعنب تتّخذون منه سكرًا

تهيه خمر از خرما

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۷ - ۴

۴- تهيه شراب از خرما و انگور ، در صدر اسلام رواج داشت .

و من ثمرت النخيل و الأعنب تتّخذون منه سكرًا

حرمت خمر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۱۴

۱۴ هر نوشيدنی مستی آور ، خمر است و حرام

انما الخمر . .. من

عمل الشیطن فاجتنبوه

از امام باقر(ع) درباره <خمر> در آیه فوق روایت شده: فکل مسکر من الشراب خمر اذا اخمر فهو حرام . .. .

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۸۰; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۸، ح ۳۴۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۳ - ۱۸

۱۸ عن أبی الحسن(ع): . .. قول الله تبارک و تعالی: <قل إنما حرم ربی الفواحش ما ظهر منها و ما بطن و الأثم و البغی بغیر الحق ... > اما قوله: <و ما بطن> یعنی ما نکح من الآباء فإن الناس کانوا قبل أن یبعث النبی(ص) إذا کان للرجل زوجه و مات عنها تزوجها إبنه من بعده إذا لم تکن أمه فحرم الله ذلک و اما <الإثم> فإنها الخمره بعینها ... و اما قوله: <البغی> فهو الزنا سرّا ... .

از امام کاظم(ع) درباره <ما بطن> در آیه <قل إنما حرم ربی الفواحش . .. > روایت شده است: یعنی ازدواج با همسر پدر ; زیرا قبل از بعثت رسول خدا(ص) شخصی که از دنیا می رفت اگر همسری از او باقی می ماند، پسر متوفی او را اگر مادرش نبود به همسری برمی گزید خداوند، این ازدواج را تحریم فرمود. اما <اثم> همان شراب است ... و اما <بغی> همان زنای پنهانی است ... .

خمر در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۹ - ۱۳

۱۳ رواج شرابخوارگی و قماربازی در عصر بعثت

یسئلونک عن الخمر و المیسر قل فیهما اثم کبیر و منافع للناس

فعل مضارع <یسئلونک>، دلالت بر تکرار سؤال

دارد و تکرار سؤال، بیانگر رواج مورد سؤال است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۹۰ – ۱۰

۱۰ رواج شراب خورای ، قمار بازی و گرایش به مظاهر شرک در عصر بعثت

یایها الذین ءامنوا انما الخمر . .. رجس من عمل الشیطن فاجتنبوه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۶۷ – ۴

۴- تهیه شراب از خرما و انگور ، در صدر اسلام رواج داشت .

و من ثمرت النخیل و الأعنب تتّخذون منه سکرًا

خمر قبل از تحریم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۹۳ – ۲،۵

۲ استفاده مؤمنان نیک کردار از شراب و قمار پیش از حکم خداوند به حرمت آنها ، خالی از سرزنش و گناه

لیس علی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فیما طعموا

مراد از <ما> در <ما طعموا> شراب و درآمدهای حاصل از قمار بازی است بنابراین اراده شراب خواری و مصرف آن درآمدهای قمار از <طعام> که تنها در مورد خوراکیها به کار برده می شود میتواند از باب تغلیب باشد.

۵ مؤمنان دارای عمل صالح که شراب نوشیدند و از درآمد های قمار بهره جستند و زمان تحریم آن را درک نکردند بر خلاف توهم گروهی از مسلمانان اهل نجات و رستگاری هستند .

لیس علی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فیما طعموا

در برخی از شأن نزولهای آمده که آیه <لیس علی الذین . ..> رد پندار آن گروه از مسلمانان است که پس از تصریح به حرمت قمار و

شراب و پلید شمردن آنها، نسبت به فرجام مؤمنان صالح حتی شهیدان راه خدا که شرابی نوشیدند و از عوائد قمار بهره جستند، تشکیک می کردند و آنان را از زمره رستگاران نمی شمردند.

زیان خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۷ - ۳

۳ - شراب ، مایه ضرر و زیان و آسیب رسان به عقل و هوش آدمی

لا فیها غول و لا هم عنها ینزفون

برداشت یاد شده از مفهوم آیه شریفه به دست می آید.

شرب خمر حاکمان مصرباستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ شراب خواری در میان حاکمان مصر باستان ، امری رایج بوده است .

إنی أرینی أعصر خمرًا

شرب خمر در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۳ - ۱

۱ برخی از مسلمانان عصر بعثت تا پیش از نزول آیه < انما الخمر . . . > به شرابخواری و قماربازی مبتلا بودند .

لیس علی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فیما طعموا

فعل ماضی <طعموا> دلالت بر این دارد که برخی از مسلمانان پیش از نزول این بخش از آیات، از شراب خواری و قماربازی پرهیز نداشتند.

شرب خمر در مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۱۷

۱۷ شراب خواری و قماربازی برخی مسلمانان صدر اسلام حتی پس از تحریم آن

فهل انتم منتهون

بیان رسای آیات مورد بحث در تحریم شراب و قمار و تذییل آن با جمله

ای مذمت آمیز همراه با تردید نسبت به پرهیز مسلمانان از آن (آیا دست از قمار بازی و شرابخواری می کشید)، می رساند که تحریم قمار و شراب قبلا اعلام شده ولی برخی از مسلمانان شاید به توهم تصریح نداشتن آن آیات در تحریم، همچنان به شرابخواری و قماربازی ادامه می دادند گفتنی است که شأن نزول های نقل شده درباره این آیات برداشت فوق را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۳ - ۱،۲

۱ برخی از مسلمانان عصر بعثت تا پیش از نزول آیه < انما الخمر . . . > به شرابخواری و قماربازی مبتلا بودند .

لیس علی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فیما طعموا

فعل ماضی <طعموا> دلالت بر این دارد که برخی از مسلمانان پیش از نزول این بخش از آیات، از شراب خواری و قماربازی پرهیز نداشتند.

۲ استفاده مؤمنان نیک کردار از شراب و قمار پیش از حکم خداوند به حرمت آنها ، خالی از سرزنش و گناه

لیس علی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فیما طعموا

مراد از <ما> در <ما طعموا> شراب و درآمدهای حاصل از قمار بازی است بنابراین اراده شراب خواری و مصرف آن درآمدهای قمار از <طعام> که تنها در مورد خوراکیها به کار برده می شود میتواند از باب تغلیب باشد.

ضرر خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۹ - ۵

۵ شراب و قمار ، دارای زیانی بزرگ و منافعی اندک

قل فیهما اثم کبیر و منافع للناس

کلمه <اثم>،

به قرینه مقابل آن (منافع)، می تواند به معنای زیان باشد.

فلسفه تحریم خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۴،۱۰

۴ حراست از وحدت جامعه ایمانی و دور نگاهداشتن آن از کینه و دشمنی فلسفه تحریم شراب خواری و قماربازی

انما یرید الشیطن ان یوقع بینکم العدوه و البغضاء

۱۰ باز نماندن از نماز و یاد خدا از حکمت های تحریم میگساری و قماربازی

انما یرید الشیطن . .. فی الخمر و المیسر و یصدکم عن ذکراللّه و عن الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۹ - ۲

۲ - فلسفه ممنوعیت باده نوشی در دنیا ، وجود عوارض بد آن (سر درد و از دست دادن عقل) است .

لایصدّعون عنها و لاینزفون

جمله <لایصدّعون . ..> می تواند پاسخ سؤال مقدر باشد و آن این که: اگر شراب نوشی در آخرت پسندیده است، چرا در دنیا نباشد؟ پاسخ این است که شراب آخرت، عوارض ناگوار ندارد (برعکس شراب های دنیا).

فلسفه حرمت خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۲۳

۲۳ - < محمد بن عذافر عن بعض رجاله عن ابی جعفر (ع) قال قلت له لم حرم اللّه عزو جل الخمر و المیته و الدم و لحم الخنزیر ؟ فقال : ان اللّه تبارک و تعالی . . . خلق الخلق . . . و علم ما یضرهم فنهاهم عنه و حرمه علیهم ثم احله للمضطر فی الوقت الذی لایقوم بدنه إلا به فأمره

أن ينال منه بقدر البلغه لاغير ذلک . . . ;

امام باقر(ع) در پاسخ از علت حرمت خمر، مردار، خون و گوشت خوک فرمودند: خداوند انسانها را آفرید . .. و می دانست چه چیزی موجب ضرر و زیان آنان است و آنان را از آن نهی نموده و برایشان حرام کرده است، سپس برای مضطر در وقتی که بدن او به آن نیاز پیدا کرده، حلال شمرده است که به اندازه کفاف بخورد نه بیشتر از آن ... >.

فواید خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۹ - ۵،۸

۵ شراب و قمار ، دارای زیانی بزرگ و منافعی اندک

قل فیهما اثم کبیر و منافع للناس

کلمه <اثم>، به قرینه مقابل آن (منافع)، می تواند به معنای زیان باشد.

۸ گناه شرابخواری و قماربازی ، از منفعت آنها بیشتر است .

یسئلونک عن الخمر و المیسر . .. اثمهما اکبر من نفعهما

گناه خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۹ - ۷،۸

۷ میگساری و قماربازی از گناهان بزرگ

یسئلونک عن الخمر و المیسر قل فیهما اثم کبیر . .. و اثمهما اکبر

<اثم> به معنای گناه و کاری است که انجام آن حرام است. (القاموس المحیط)

۸ گناه شرابخواری و قماربازی ، از منفعت آنها بیشتر است .

یسئلونک عن الخمر و المیسر . .. اثمهما اکبر من نفعهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – مائده – ۵ – ۹۰ – ۳

۳ شرابخواری و قماربازی از گناهان کبیره

انما الخمر و الميسر . .. رجس من

عمل الشیطن فاجتنبوه

چون خداوند شراب و قمار را پلید و کار شیطانی شمرد و رستگاری را در گرو ترک آن دانست و در آیه بعد آنها را عامل دشمنی و کینه توزی و مایه فراموشی یاد خدا و نماز معرفی کرد معلوم می شود شراب خواری و قماربازی نمی تواند گناه کوچکی محسوب شود.

گناه شرب خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۷ - ۱۰

۱۰ ارتکاب گناهانی همچون شرابخواری ، زنا و نپرداختن زکات ، با اعتقاد به گناه بودن آنها ، کفر است .

إنّ الذین ءامنوا ثم کفروا

ابو بصیر از معصوم(ع) روایت کرده است که پس از تلاوت <ان الذین ءامنوا ثم کفروا ثم ءامنوا ثم ازدادوا کفراً> امام فرمود: من زعم ان الخمر حرام ثم شربها، و من زعم ان الزنا حرام ثم زنی، و من زعم ان الزکوه حق و لم یؤدها.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۸۱، ح ۲۸۸; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۶۳، ح ۶۲۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۳ - ۳

۳ تبرئه مؤمنان از گناه شراب خواری و قماربازی ، مشروط به دست کشیدن از آن پس از نهی خداوند

لیس علی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فیما طعموا إذا ما اتقوا

مفاسد خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۱۸

۱۸ بیان احکام و مفاسد شراب و قمار ، بیانی رسا در تحریم میگساری و قماربازی و از میان برنده هرگونه تردیدی در

ضرورت پرهیز از آنها

انما الخمر

و المیسر . .. و یصدکم عن ذکراللّه و عن الصلوه فهل انتم منتهون

موارد خمر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۹۰ – ۱۴

۱۴ هر نوشیدنی مستی آور ، خمر است و حرام

انما الخمر . .. من عمل الشیطن فاجتنبوه

از امام باقر(ع) درباره <خمر> در آیه فوق روایت شده: فکل مسکر من الشراب خمر اذا اخمر فهو حرام . .. .

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۸۰; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۸، ح ۳۴۲.

ناپسندی شرب خمر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۹۰ – ۲

۲ شراب خواری ، قمار بازی ، گرایش به مظاهر شرک و تفأل های مرسوم در جاهلیت ، کرداری شیطانی است

انما الخمر . .. من عمل الشیطن

خمس از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خمس

اجتناب از ادای خمس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۱ – ۱۲

۱۲ مسلمانان دارای زمینه هایی برای تخلف از دستور خمس و رساندنش به صاحبان آن

و اعلموا أنما غنمتم من شيء . .. إن كنتم ءامنتم

از اينكه پرداخت خمس نشانه ايمان به خدا و آيات او دانسته شده و به اين وسيله مورد تأكيد قرار گرفته، برداشت فوق به دست مى آيد.

احكام خمس

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۴۱ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷

۱ پيكارگران مسلمان بايد خمس غنايم جنگى به دست آمده را بپردازند .

أنما غنمتم من شيء فأن للّه خمسه

از مصاديق مورد نظر براى <ما غنمتم> به دليل وقوع آن در بين آيات جنگ،

چیزهایی است که از دشمن گرفته می شود که به آن غنایم جنگی اطلاق می گردد.

۲ باید خمس (یک پنجم) استفاده های مالی ، هر چند اندک باشد ، پرداخت شود .

و اعلموا أنما غنمتم من شیء فأن للّه خمسه

<غُنم> مصدر <غنمتم> به معنای به دست آوردن فایده است. راغب در مفردات می گوید: غنم به معنای به دست آوردن گوسفندان بوده و سپس در مورد هر چیزی که بدان دست یافته شود، استعمال شده است ; چه در جنگ از دشمنان به دست آید و یا از طریقی دیگر. <من شیء> بیان و توضیحی است برای <ما>ی موصوله و دلالت می کند بر اینکه باید خمس آن فایده به دست آمده، هر چند اندک باشد، پرداخت شود.

۳ ضرورت توجه به حکمِ شرعی غنایم در کنار مسایل جنگ و جهاد

و اعلموا أنما غنمتم من شیء

۴ غنیمت های جنگ و دیگر استفاده های مالی ، بجز خمس آن ، از آنِ غنیمت گیرنده و استفاده برنده است .

و اعلموا أنما غنمتم من شیء فأن للّه خمسه

۵ خمس غنایم جنگ و دیگر درآمد ها از آنِ خدا و پیامبر (ص) و خویشان اوست .

فأن للّه خمسه و للرسول و لذی القربی

<ذی القربی> به معنای خویش است و چون خویشی یک معنای اضافی است با قراین کلامی روشن می شود که خویشان چه کسی مراد است. در اینجا مراد از <ذی القربی> به دلیل کلمه <الرسول>، خویشان پیامبر(ص) هستند. در حقیقت <ال> در <القربی> جانشین مضاف إلیه است ; یعنی: للرسول و لذی قرباه.

۶ یتیمان ، مساکین و در

راه ماندگان ، باید از خمس غنایم و دیگر درآمد ها بهره مند شوند .

و الیتمی و المسکین و ابن السبیل

۷ یتیمان ، مساکین و در راه ماندگان در صورتی می توانند از خمس استفاده کنند که از وابستگان پیامبر (ص) باشند . *

و الیتمی و المسکین و ابن السبیل

برداشت فوق مبتنی بر این است که <ال> در <الیتامی> و . .. جانشین مضاف إلیه باشد ; یعنی یتامی الرسول و ... .

ادای خمس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۱ - ۱۰

۱۰ پرداخت خمس غنیمت ها و دیگر استفاده های مالی ، نشان ایمان به خدا و ایمان به پیروزی آفرینی خدا در جنگ بدر است .

فأن للّه خمسه و للرسول . .. إن کنتم ءامنتم باللّه و ما أنزلنا علی عبدنا

مراد از <ما أنزلنا . .. > می تواند همان امدادهای غیبی الهی باشد که مسلمانان در پرتو آن به پیروزی در جنگ بدر دست یافتند.

اهمیت خمس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۵ - ۴

۴ - لزوم انفاق و کمک به سائلان و محرومان جامعه ، افزون بر پرداخت زکات و خمس

للسائل و المحروم

انفاق به سائلان و محرومان جامعه همان گونه که مفسران یادآور شده اند پیش از واجب شدن زکات و خمس مقرر شده است. از آن جایی که دلیل قاطعی بر نفی این فریضه و یا تبدیل آن به زکات و خمس به دست نیامده است; می توان مطلب یاد شده را استفاده کرد.

خمس غنایم

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۱ – ۱،۵،۱۰

۱ پیکارگران مسلمان باید خمس غنایم جنگی به دست آمده را بپردازند .

أنما غنمتم من شیء فأن للّه خمسه

از مصادیق مورد نظر برای <ما غنمتم> به دلیل وقوع آن در بین آیات جنگ، چیزهایی است که از دشمن گرفته می شود که به آن غنایم جنگی اطلاق می گردد.

۵ خمس غنایم جنگ و دیگر درآمد ها از آنِ خدا و پیامبر (ص) و خویشان اوست .

فأن للّه خمسه و للرسول و لذی القربی

<ذی القربی> به معنای خویش است و چون خویشی یک معنای اضافی است با قراین کلامی روشن می شود که خویشان چه کسی مراد است. در اینجا مراد از <ذی القربی> به دلیل کلمه <الرسول>، خویشان پیامبر(ص) هستند. در حقیقت <ال> در <القربی> جانشین مضاف إلیه است ; یعنی: للرسول و لذی قرباه.

۱۰ پرداخت خمس غنیمت ها و دیگر استفاده های مالی ، نشان ایمان به خدا و ایمان به پیروزی آفرینی خدا در جنگ بدر است .

فأن للّه خمسه و للرسول . .. إن کنتم ءامنتم باللّه و ما أنزلنا علی عبدنا

مراد از <ما أنزلنا . .. > می تواند همان امدادهای غیبی الهی باشد که مسلمانان در پرتو آن به پیروزی در جنگ بدر دست یافتند.

شرایط استفاده از خمس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۱ – ۷

۷ یتیمان ، مساکین و در راه ماندگان در صورتی می توانند از خمس استفاده کنند که از وابستگان پیامبر (ص)

باشند . *

و الیتمی و المسکین و ابن السبیل

برداشت فوق مبتنی بر این است که <ال> در <الیتامی> و . .. جانشین مضاف إلیه باشد ; یعنی یتامی الرسول و ... .

فلسفه خمس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۱ - ۱۱،۱۹

۱۱ آزمودن مسلمانان در ادعای ایمانشان به خدا و آیات او منشایی برای تشریع دستور خمس

و اعلموا أنما غنمتم

برداشت فوق ناظر بر این اساس است که جمله <و اللّه علی کل شیء قدیر> ناظر به لزوم پرداخت خمس باشد. یعنی این فرمان نه از آن روست که خداوند نیازمند اموال شماست و بر رفع نیاز بینوایان توانا نیست، بلکه هدف از این فرمان اولا تمایز مؤمنان راستین از غیر ایشان است و ثانیا این است که نیاز نیازمندان هر جامعه توسط همان جامعه تأمین شود.

۱۹ رفع نیاز های جامعه ایمانی از سوی خود مسلمانان ، منشأ تشریع خمس ، نه ناتوانی خداوند بر تأمین آن نیازها

و اعلموا أنما غنمتم من شیء . .. و اللّه علی کل شیء قدیر

مالک خمس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۱ - ۵

۵ خمس غنایم جنگ و دیگر درآمد ها از آنِ خدا و پیامبر (ص) و خویشان اوست .

فأن للّه خمسه و للرسول و لذی القربی

<ذی القربی> به معنای خویش است و چون خویشی یک معنای اضافی است با قراین کلامی روشن می شود که خویشان چه کسی مراد است. در اینجا مراد از <ذی القربی> به دلیل کلمه <الرسول>، خویشان پیامبر(ص) هستند. در

حقیقت <ال> در <القربی> جانشین مضاف إلیه است ; یعنی: للرسول و لذی قرباه.

مسلمانان و خمس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۱ - ۱۲

۱۲ مسلمانان دارای زمینه هایی برای تخلف از دستور خمس و رساندنش به صاحبان آن

و اعلموا أنما غنمتم من شیء . .. إن کنتم ءامنتم

از اینکه پرداخت خمس نشانه ایمان به خدا و آیات او دانسته شده و به این وسیله مورد تأکید قرار گرفته، برداشت فوق به دست می آید.

مصارف خمس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۱ - ۶،۷

۶ یتیمان ، مساکین و در راه ماندگان ، باید از خمس غنایم و دیگر درآمد ها بهره مند شوند .

و الیتمی و المسکین و ابن السبیل

۷ یتیمان ، مساکین و در راه ماندگان در صورتی می توانند از خمس استفاده کنند که از وابستگان پیامبر (ص) باشند . *

و الیتمی و المسکین و ابن السبیل

برداشت فوق مبتنی بر این است که <ال> در <الیتامی> و . .. جانشین مضاف إلیه باشد ; یعنی یتامی الرسول و ... .

خنده از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خنده

اهمیت خنده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۳ - ۴

۴ - خنده و گریه ، از بارزترین نمود ها و ویژگی های طبیعت انسان

و أنّه هو أضحک و أبکی

از اختصاص به ذکر یافتن خنده و گریه در میان سایر افعال انسان، مطلب بالا استفاده می شود.

خنده در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ -

نجم - ۵۳ - ۴۳ - ۵

۵ - قیامت ، روز خنده و گریه خلایق *

ثمّ یجزیه الجزاء الأوفی . .. و أنّه هو أضحک و أبکی

برداشت یاد شده بدین احتمال است که این آیه به قرینه آیات پیشین در ارتباط با قیامت باشد.

خنده رویان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۹ - ۱

۱ - گروهی از مردم ، با چهره های خندان در صحنه قیامت حضور خواهند داشت .

ضاحکه

خنده منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۲ - ۱

۱ خوشحالی و خنده منافقان متخلف از جهاد ، اندک و زودگذر در مقایسه با عذاب ها و گریه های اخروی آنان

فلیضحکوا قلیلا و لیبکوا کثیراً

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <فلیضحکوا> در مورد دنیا و <و لیبکوا> در مورد آخرت باشد.

خنده ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۰ - ۴

۴ - زندگی آکنده از خنده و سرخوشی و به دور از اندوه معنوی ، مورد نکوهش الهی است .

و تضحکون و لاتبکون

روش خنده انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۲

۲ - تبسم ، خنده پیامبران

فتبسّم ضاحکًا من قولها

<ضاحکاً> حال برای ضمیر فاعل در <تبسّم> و <من قولها> متعلق به <ضاحکاً> است; یعنی، تبسم کرد در حالی که از سخن مورچه خنده اش گرفته بود. مقصود این است که سلیمان با این که از سخن مورچه خنده اش گرفته

بود، با صدای بلند خنده نکرد; بلکه تنها تبسم نمود.

سرور اخروی خنده رویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۹ - ۲

۲ - کسانی که درخشان چهره و خنده لب در صحنه قیامت حضور یافته اند ، غرق سرور بوده و چهره ای شکفته خواهند داشت .

مستبشره

<إستبشار>; یعنی، شادمان بودن (لسان العرب). <بشر و استبشر> به یک معنا است. در این موارد فایده باب استفعال، مبالغه افزون تر است. راغب می گوید: بشارت دادن، به معنای ابلاغ خبری است که بشره و پوست صورت را شکفته سازد.

عوامل خنده رویی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۹ - ۳،۴

۳ - پاکی ، تذکّرپذیری ، هدایت جویی و خداترسی ، چهره انسان را در قیامت خندان و شادمان خواهد ساخت .

لعلّه یزّکّی . أو یذّکّر ... جاءک یسعی . و هو یخشی ... ضاحکه مستبشره

۴ - ایمان و دوری از گناه ، مایه بشّاش و خندان بودن چهره مؤمنان در قیامت

وجوه . .. ضاحکه مستبشره

به قرینه آخرین آیه این سوره (أولئک هم الکفره الفجره)، مراد از <وجوه> در این آیات، چهره های کسانی است که کافر نبوده و از فسق و فجور پاک و منزه اند.

منشأ خنده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۳ - ۲

۲ – بازگشت تمامی افعال انسان حتی خنده و گریه او به خداوند ، نمودی از تدبیر مطلقه الهی

و أنّ إلی ربّک المنتهی . و أنّه هو أضحک و أبکی

از ارتباط

این آیه با آیه قبل، مطلب بالا استفاده می شود.

نشاط اخروی خنده رویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۹ - ۲

۲ - کسانی که درخشان چهره و خنده لب در صحنه قیامت حضور یافته اند ، غرق سرور بوده و چهره ای شکفته خواهند داشت .

مستبشره

<إستبشار>; یعنی، شادمان بودن (لسان العرب). <بشر و استبشر> به یک معنا است. در این موارد فایده باب استفعال، مبالغه افزون تر است. راغب می گوید: بشارت دادن، به معنای ابلاغ خبری است که بشره و پوست صورت را شکفته سازد.

خنده رویان

خنده رویان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۹ - ۱

۱ - گروهی از مردم ، با چهره های خندان در صحنه قیامت حضور خواهند داشت .

ضاحکه

سرور اخروی خنده رویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۹ - ۲

۲ - کسانی که درخشان چهره و خنده لب در صحنه قیامت حضور یافته اند ، غرق سرور بوده و چهره ای شکفته خواهند داشت .

مستبشره

<إستبشار>; يعنى، شادمان بودن (لسان العرب). <بشر و استبشر> به يك معنا است. در اين موارد فايده باب استفعال، مبالغه افزون تر است. راغب مى گويد: بشارت دادن، به معناى ابلاغ خبرى است كه بشره و پوست صورت را شكفته سازد.

نشاط اخروى خنده رويان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۹ - ۲

۲ - كسانى كه درخشان چهره و خنده لب در صحنه قيامت حضور يافته اند

، غرق سرور بوده و چهره ای شکفته خواهند داشت .

مستبشره

<إستبشار>; يعنی، شادمان بودن (لسان العرب). <بشر و استبشر> به يک معنا است. در اين موارد فايده باب استفعال، مبالغه افزون تر است. راغب می گويد: بشارت دادن، به معنای ابلاغ خبری است که بشره و پوست صورت را شکفته سازد.

خواب از ديدگاه قرآن در تفسير راهنما

خواب

آثار خواب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۱،۲،۳

۱ فروفرستادن خوابی آرام بخش از سوی خداوند بر پيکارگران احد ، به دنبال اندوههايی که در آن کارزار بر ايشان گذشت .

ثمّ انزل عليکم من بعد الغمّ امنه نعاساً

<امنه> (آرامش خاطر)، مفعول برای <انزل> است و <نعاساً> به معنای خواب، عطف بيان و يا بدل از <امنه> است.

۲ خواب آرامش بخش به دنبال هجوم پی در پی اندوه ها ، موهبتی الهی به بندگان

ثمّ انزل عليکم من بعد الغمّ امنه نعاساً

۳ خواب از عوامل آرام بخش انسان های اندوهگين و حاضر در کوران مشکلات

ثمّ انزل عليکم من بعد الغمّ امنه نعاساً

بنابر اينکه <امنةً> مفعول له برای <نعاساً> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۲ - ۶

۶ - جدا شدن روح از بدن به هنگام خواب

و الّتی لم تمت فی منامها

در برداشت یاد شده <و الّتی> عطف بر <الأنفس> دانسته شده است; یعنی، <یتوفّی نفس الّتی لم تمت فی منامها; خدا دریافت می کند روح کسی که نمرده و در حال خواب است>.

ابرار و خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۲۳ -

۲ - چشم نیکوکاران در آخرت ، بی نیاز از خواب است و حتی به هنگام آرمیدن بر تختخواب ، نظاره گر زیبایی نعمت ها است . *

علی الأرائک ینظرون

<أرائک> (تخت خواب ها)، به معنای محل خوابیدن است که در آیه شریفه محل نظاره گری معرفی شده است. شاید این تعبیر، به نبود خواب در بهشت اشاره داشته باشد.

اختلاف در مدت خواب اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۶ - ۱

۱- مدّت درنگ اصحاب کهف در غار ، میان مردم عصر پیامبر (ص) مورد اختلاف بود .

قل اللّه أعلم

جمله <قل اللّه. ..> نشانه آن است که برخی از مردم، در باره مدّت بیان شده در آیه قبل، تشکیک کرده و نظری غیر آن را مطرح ساخته بودند. پیامبر(ص) در پاسخ آنان، با بیان علم برتر الهی به زمان بندی یاد شده، تأکید کرده و تردید در آن را مردود دانسته است.

الهام در خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴ - ۱۰

۱۰ < عن أبی جعفر (ع) قال : الأنبیاء علی خمسه أنواع . . . . و منهم من یتبّأ فی منامه مثل یوسف ;

از امام باقر(ع) روایت شده: پیامبران بر پنج دسته هستند . .. بعضی از آنان در خوابشان آگاه می شوند مانند یوسف>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۹ - ۶

۶ رؤیا ها می تواند دربردارنده الهامات و رموزی راهگشا برای انسان ها باشد .

یوسف أیّها الصدیق أفتنا

. .. قال تزرعون ... ثم يأتی من بعد ذلك

بیداری از خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۰ - ۴،۶،۱۱

۴ خداوند بیدارکننده و برانگیزنده آدمی از خواب شبانگاه

هو الذی یتوفکم بالّیل و یعلم ما جرحتم بالنهار ثم یبعثکم فیه

۶ خداوند در عین آگاهی به اعمال روز گذشته آدمیان (اعمال ناروا)، آنان را از خواب شب بیدار می کند و روح را به آنان بازمی گرداند.

هو الذی یتوفکم بالّیل و یعلم ما جرحتم بالنهار ثم یبعثکم فیه

۱۱ تا زمانی که اجل آدمی فرا نرسیده باشد، خداوند وی را از خواب شبانگاهی برانگیخته و بیدار می کند.

ثم یبعثکم فیه لیقضی أجل مسمی

تحولات جامعه هنگام خواب اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۲۰

۲۰- جوامع پدید آمده در طول خواب چندین ساله اصحاب کهف ، در عقاید خویش ، دستخوش تحوّلات مهمّی شده بودند .

إذ یتنزعون بینهم أمرهم

در جامعه ای که اصحاب کهف از آن کناره گیری کردند، طبقه حاکم مشرکانی بودند که در صدد نابود ساختن موحدان برآمده بودند; ولی در عصر بیداری آنها اعتقاد به معاد و بحث و مناظره درباره آن، در میان مردم رواج کامل داشت و جوّ حاکم به سود مؤمنان بود.

ترک خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۱۶ – ۲

۲ – ایمان حقیقی ، مستلزم چشم پوشی از آسایش و ترک خواب است .

إنّما یؤمن بأیتنا . .. تتجافی جنوبهم عن المضاجع

تشبیه به خواب

جلد – نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۱ – ۱۱

۱۱ مرگ و رستاخیز ، پدیده ای مانند خواب و بیداری است .

لیعلموا. .. أنّ الساعه لاریب فیها

به خواب رفتن اصحاب کهف و بیداری آنان پس از چند قرن و استشهاد قرآن به این واقعه برای بیان حقانیّت معاد، گواه این مدعا است که مرگ، مانند خواب، و رستاخیز قیامت، بسانِ بیداری از خواب است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۹ – ۶

۶ – مرگ و معاد انسان ، شبیه خواب و بیداری است .

و جعلنا نومکم سباتًا

یاد کردن از خواب در میان آیاتی که به منظور رفع استبعاد از معاد مطرح شده; ممکن است به جهت تشابهی باشد که بین خواب و مرگ و نیز بیداری و معاد وجود دارد.

تشبیه خواب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۴۲ – ۷

۷ – خواب ، پدیده ای شبیه به مرگ

اللّه یتوفّی الأنفس حین موتها و الّتی لم تمت فی منامها

کاربرد <توفّی> در مورد خواب انسان، به مانند کاربرد آن در مورد مرگ او، ناظر به شباهت مرگ و خواب می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۹ – ۴

۴ – خواب برای انسان ، نوعی مرگ است .

و جعلنا نومکم سباتًا

فعل <سُبِتَ> علاوه بر معنای <بی هوش شد>، به معنای <مُرد> نیز استعمال می شود (مصباح). بنابراین، احتمال می رود که <سبات> به معنای مرگ باشد.

تعقل درباره خواب

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۶۰ – ۸

۸ دقت و تأمل در خوابیدن و بیدار شدن آدمی، راهی برای خداشناسی و توحید

هو الذی یتوفکم بالّیل و یعلم ما جرحتم بالنهار ثم یبعثکم فیه

توفّی در خواب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۶۰ – ۱،۳،۱۸

۱ تنها خداوند است که با قبض روح آدمی وی را در شب به خواب می برد.

هو الذی یتوفکم بالّیل

<توفی> در آیه به معنای قبض روح است و چون در خواب نیز روح آدمی گرفته می شود، از آن به <توفی> تعبیر شده است.

۳ خواب، پدیده ای شبیه به مرگ

هو الذی یتوفکم بالّیل

<توفی> به معنای قبض روح است. کاربرد این کلمه در مورد <خوابیدن> ناظر به شباهت مرگ و خواب است.

۱۸ قال رسول الله(ص): مع کل انسان ملک إذا نام یأخذ نفسه، فإن إذن الله فی قبض روحه قبضه و إلا رد إلیه فذلک قوله: <یتوفاکم باللیل>.

رسول خدا(ص) فرمود: همراه هر انسانی فرشته ای است که هنگام خواب، روح او را می گیرد ; پس اگر خداوند اذن در قبض روح آن شخص بدهد، او را قبض روح می کند و گر نه به او برمی گرداند و این است، معنای سخن خداوند: <یتوفاکم باللیل>.

حس شنوایی و خواب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۱ – ۵

۵– حسِّ شنوایی ، رابطه نزدیکی با خواب انسان دارد . *

فضربنا علی ءاذانهم فی الکهف سنین عددًا

به خواب بردن را با <زدن حجاب و مانع بر گوش ها> بیان کردن

که مفاد <ضربنا. ..> است می رساند که ارتباط تنگاتنگی میان خواب و حسِّ شنوایی وجود دارد.

حقیقت خواب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۶۰ – ۱،۳

۱ تنها خداوند است که با قبض روح آدمی وی را در شب به خواب می برد.

هو الذی یتوفکم بالّیل

<توفی> در آیه به معنای قبض روح است و چون در خواب نیز روح آدمی گرفته می شود، از آن به <توفی> تعبیر شده است.

۳ خواب، پدیده ای شبیه به مرگ

هو الذی یتوفکم بالّیل

<توفی> به معنای قبض روح است. کاربرد این کلمه در مورد <خوابیدن> ناظر به شباهت مرگ و خواب است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۴۲ – ۷،۱۴،۱۸

۷ – خواب ، پدیده ای شبیه به مرگ

اللّه یتوفّی الأنفس حین موتها و الّتی لم تمت فی منامها

کاربرد <توفّی> در مورد خواب انسان، به مانند کاربرد آن در مورد مرگ او، ناظر به شباهت مرگ و خواب می باشد.

۱۴ – حقیقت خواب ، خروج روح از بدن و حقیقت بیداری بازگشت آن به بدن است .

اللّه یتوفّی الأنفس حین موتها و الّتی لم تمت فی منامها . .. و یرسل الأُخری إلی أ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند می فرماید: جان انسان ها را در حال خواب دریافت می کنم و کسانی که مرگشان در آن حال مقدر شده باشد در همین حال می میرند و آن دسته که برایشان مقدر نشده باشد آن جان رها و آزاد می گردد تا اجلشان فرا

رسد. پس روح انسان در حال خواب قبض می شود و این همان حقیقت خواب است و وقتی در حال بیداری به بدن بازمی گردد تا اجل فرا رسد، این همان حقیقت بیداری می باشد.

۱۸ < عن أبی جعفر (ع) قال : ما من أحد ینام إلاّ عرجت نفسه إلی السماء و بقیت روحه فی بدنه و صار بینهما سبب کشعاع الشمس فإن أذن اللّه فی قبض الأرواح اجابت روح النفس و إذا اذن اللّه فی رد الروح أجابت النفس الروح و هو قوله سبحانه : < اللّه یتوفّی الأنفس حین موت ها و الّتی لم تمت فی منام ها > ;

امام باقر(ع) فرمود: هیچ کس نیست که به خواب رود مگر این که نفس او به آسمان می رود و روح او در بدنش می ماند و ارتباطی مشابه خورشید و شعاعش بین نفس و روح باقی می ماند. پس اگر خداوند اجازه در قبض روح ها دهد، روح نفس را اجابت می کند [و مرگ حاصل می شود] و اگر خداوند اجازه دهد روح برگردد و (قبض نشود) نفس آن را پذیرفته و به او ملحق می شود و این سخن خداوند سبحان است که می فرماید: اللّه یتوفّی الأنفس حین موتها>.

خدا و خواب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۵۵ – ۷

۷ هیچگاه خواب سبک (چُرت) و سنگین ، خداوند را فرانمی گیرد .

لا تأخذه سنه و لا نَوم

خواب از آیات خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ –

۱۵ - < حیات و مرگ > و < خواب و بیداری > ، در بردارنده آیات متعدد خداوند و جلوه های گوناگون قدرت او

اللّه یتوفّی الأنفس حین موتها . .. فیمسک ... و یرسل الأُخری ... إنّ فی ذلک لأیت

جمع آمدن <آیات> می رساند که آیه و نشانه بودن <حیات و مرگ> و <خواب و بیداری>، از جهات مختلف و گوناگون است.

خواب اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۹ - ۲

۲ - در خواب بودن باغداران یمنی ، به هنگام نزول بلای ویرانگر بر بوستان آنان

فطاف . .. و هم نائمون

خواب اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۱ - ۱،۳

۱- خداوند ، با مسلّط کردن خواب بر اصحاب کهف ، دعای آنان را مستجاب کرد .

فقالوا ربّنا ءاتنا . .. فضربنا علی ءاذانهم

عبارت <ضربنا علی اذانهم> کنایه از آن است که خداوند، خواب را بر آنان مسلّط کرد، به گونه ای که گوش آنان نمی شنید. و عطف جملهه <ضربنا> با حرف تفریع بر جملات قبل که متضمن دعای اصحاب کهف بود گویای آن است که تسلّط خواب بر ایشان، در مسیر اجابت دعای آنان صورت گرفته است.

۳- حیات طولانی اصحاب کهف در خواب ، از آیات الهی است .

کانوا من ءایتنا عجبًا . .. فضربنا علی ءاذانهم فی الکهف سنین عددًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۸ – ۱،۳،۴،۵

۱- اصحاب کهف ، با احساس امنیت از خطر دشمن

، در غار به خواب رفتند .

و هم رقود

۳- پیکر و اعضای بدن اصحاب کهف ، در تمام مدّتی که در خواب بودند ، آسیبی ندید و تغییر چشم گیری نیافت .

و تحسبهم أیقاظًا و هم رقود

مفاد جمله <تحسبهم. ..> این است که هر بیننده ای، اگر در دوران خوابِ اصحاب کهف، به آنان نظر می افکند، نه تنها آن ها را اجسادی از هم گسیخته نمی یافت، بلکه انسان هایی به خواب رفته نیز نمی دید; یعنی، آن ها، افرادی بیدار به نظر می آمدند که حیات عادی خود را می گذرانند.

۴- خداوند ، پیکر های اصحاب کهف را در زمان چیرگی خواب بر آنان ، به راست و چپ گردش می داد .

و نقلّبهم ذات الیمین و ذات الشمال

۵- گردیدن اصحاب کهف به چپ و راست ، از عوامل مصونیّت آنان در برابر آسیب های جسمی بود . *

و نقلّبهم ذات الیمین و ذات الشمال

اسناد <نقلّب> (گرداندن) به خداوند، در جمله <نقلّبهم. ..> گویای این است که این تغییر حالت، از الطاف الهی بوده است. بیان این نکته، پس از اشاره به خواب اصحاب کهف، می تواند ناظر به برخی از علل سالم ماندن بدن آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۹ - ۳،۱۸

۳- بیدارسازی اصحاب کهف ، فراهم آورنده فرصتی مناسب برای پرسوجوی آنان از همدیگر درباره خواب خویش بود .

بعثنهم لیتساءلوا

<ل> در <لیتساءلوا> بیانگر علّت بیدارسازی است. هدف از به خواب بردن و بیدار ساختن اصحاب کهف چنان چه از تفریع آیات یازدهم و دوازدهم بر آیه دهم به دست

آمد اعطای رحمت و رشدی بود که اصحاب کهف درخواست کرده بودند. بنابراین، باید به خداوند، آنان را از خواب بیدار می کرد تا از راه پرسش و غیر آن، به حوادثی که بر آنان گذشته بود، پی ببرند و در مسیر خداشناسی رشد یابند.

۱۸- اصحاب کهف ، به عادی نبودن خواب خویش پی نبردند و احتمال آن نیز به فکر آنان خطور نکرد .

فابعثوا أحدکم بورقکم

خواب انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۰ - ۱

۱ تنها خداوند است که با قبض روح آدمی وی را در شب به خواب می برد.

هو الذی یتوفکم بالّیل

<توفی> در آیه به معنای قبض روح است و چون در خواب نیز روح آدمی گرفته می شود، از آن به <توفی> تعبیر شده است.

خواب در روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۳ - ۲

۲ - فراهم بودن امکان خواب در شب و روز برای انسان ها از آیات الهی است .

و من ءایته منامکم بالیل و النهار

بنابر این که <و النهار> عطف به <اللیل> باشد، استفاده می شود که شب و روز، هر دو ظرفی مناسب برای خواب هستند.

خواب در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۰ - ۱،۹

۱ تنها خداوند است که با قبض روح آدمی وی را در شب به خواب می برد.

هو الذی یتوفکم بالّیل

<توفی> در آیه به معنای قبض روح است و چون در خواب نیز روح آدمی گرفته می شود، از آن

به <توفی> تعبیر شده است.

۹ خداوند شب را زمان مناسب برای خواب و آرامش و روز را برای تلاش و کار قرار داده است.

هو الذی یتوفکم بالّیل و یعلم ما جرحتم بالنهار ثم یبعثکم فیه

اگر چه خواب و بیداری اختصاصی به شب و روز ندارد، ولی اینکه ظرف <توفی> شب است و ظرف <جرحتم> روز است، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۰ - ۵

۵ - شب ، بهترین زمان استراحت و خواب

و جعلنا نومکم سباتًا . و جعلنا الّیل لباسًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۷ - ۳،۵

۳ خداوند ، شب را به منظور آرمیدن و روز را با هدف تلاش و تأمین معاش انسان ، برقرار کرده است .

هو الذی جعل لکم الّیل لتسکنوا فیه و النهار مبصراً

به قرینه <مبصراً> لفظ <مظلماً>، بعد از <الّیل> ; و به قرینه <لتسکنوا فیه> جمله <لتعملوا فیه>، بعد از لفظ <مبصراً> مقدر است ; یعنی: هو الذی جعل لکم الّیل مظلماً، لتسکنوا فیه و النهار مبصراً لتعملوا فیه.

۵ شب ، ظرفی مناسب برای آرمیدن و روز فرصتی شایسته برای تلاش است .

هو الذی جعل لکم الّیل لتسکنوا فیه و النهار مبصراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۳ - ۲،۳،۱۱

۲ - فراهم بودن امکان خواب در شب و روز برای انسان ها از آیات الهی است .

و من ءایته منامکم بالیل و النهار

بنابر این که <و النهار> عطف به <اللیل> باشد، استفاده

می شود که شب و روز، هر دو ظرفی مناسب برای خواب هستند.

۳ - شب ، وقتی مناسب و طبیعی برای خواب است .

و من ءایته منامکم بالیل و النهار

بنابراین که تقدیم و تأخیری در آیه باشد و <النهار> مجرور به حرف جر محذوف و متعلق به <إبتغاء> و <بالّیل> متعلق به <منامکم> باشد، نکته فوق استفاده می شود.

۱۱ - آیه بودن خواب در شب و تلاش در روز برای کسب روزی ، برای دارندگان گوش شنوا ، قابل درک است .

إنّ فی ذلک لأیت لقوم یسمعون

خواب مجاهدان غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۱،۵

۱ آرامش روحی مجاهدان پیش از جنگ بدر ، موجب فراگیری خوابی سبک بر تمامی آنان

إذ تستغیثون . .. إذ یغشیکم النعاس أمنه منه

<غشاوه> به معنای احاطه است و فعل <یغشیکم>، از باب تفعیل، دلالت بر کثرت احاطه دارد. می توان گفت نمود آن کثرت، فراگیری خواب بر تمامی افراد بوده است. کلمه <أمنه>، که به معنای نبودن ترس است، مفعولٌ له حصولی برای <یغشیکم> است. یعنی به علت اینکه آرامش یافتید، خواب شما را فراگرفت

۵ استراحت و آرامش روحی مجاهدان و فراگیری خواب بر آنان در آستانه جنگ بدر ، نعمتی الهی بر ایشان و شایسته به یاد داشتن

إذ یغشیکم النعاس أمنه منه

شگفتی خواب اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۹ - ۲

۲- بیداری اصحاب کهف ، همچون خواب شگفت و سلامت جسم شان در آن مدّت طولانی ، آیت و نشانه ای الهی

بود .

و كذلك بعثنهم

مشاراليه <ذلك> كه بعث و بيدارسازى اصحاب كهف به آن تشبيه شده است خواب طولانى آنان و تدابيرى است كه در مدّت خواب براى سلامت آنان به كار برده شده بود. وجه شبه مورد نظر آنگونه كه از جمله <ذلك من آيات اللّه من يهد اللّه فهو المهتد> در آيه هفده به دست مى آيد نشانه بودن و دلالت اين حوادث بر امدادهاى هدايت گرانه خداوند، به موحّدان است.

عذاب در خواب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - اعراف - ۷ - ۴ - ۳

۳ گروهى از امتهاى متخلف پيشين شب هنگام و گروهى ديگر در حال خواب نيمروز، گرفتار عذاب الهى شدند.

فجاءها بأسنا بيتا أو هم قائلون

<أو> در جمله <أو هم قائلون> براى تنويع است. <قائله> به معناى نيمروز است و <قائل> به كسى گفته مى شود كه آن هنگام در خواب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۷ - ۱

۱ امت هاى تكذيب كننده انبيا در معرض گرفتار آمدن به عذاب الهى به هر هنگام ، بويژه شبانگاهان در حال خواب و بى خبرى

أفأمن أهل القرى أن يأتيهم بأسنا بيتا و هم نائمون

تفريع جمله <أفأمن . .. > بر <و لكن كذبوا فأخذنهم ... > مى رساند كه مراد از <أهل القرى> امتهاى تكذيب كننده انبياست.

فوايد خواب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۴۷ – ۳

۳ خواب ، مایه آرامش جسم و جان و تعادل یافتن روان آدمی است .

و النوم

سباتًا

برخی از اهل لغت <سبت> (ریشه <سباتاً>) را به معنای <راحت> دانسته اند (لسان العرب). برخی نیز آن را به معنای <قطع> گرفته اند (مفردات راغب). و بر مبنای معنای دوم، شب به این خاطر به قطع توصیف شد که چون در شب هنگام، تمامی فعالیت ها و تلاش های روزانه قطع می شود و در نتیجه جسم و جان آدمی آرامش می یابد.

مدت خواب اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۱ - ۲،۸

۲- فرو رفتن اصحاب کهف در خوابی عمیق و چندین ساله ، به اراده خدا بود .

فضربنا علی ءاذانهم فی الکهف سنین عددًا

<عدداً> مصدر و به معنای <معدوده> و یا <ذات عدد> است. توصیف <سنین> به این که دارای عدد و شمارش است در نظر برخی از مفسران به کثرت آن سال ها اشاره دارد; زیرا تعداد سال ها، اگر اندک باشد، نیاز به شمارش ندارد.

۸- غار ، محلِّ به خواب رفتن چند ساله اصحاب کهف

فضربنا علی ءاذانهم فی الکهف سنین عددًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۲ - ۲،۳

۲- هدف از بیدار ساختن اصحاب کهف ، نمایاندن ارزیابی آنان درباره مدّت زمان خواب خویش بود .

ثمّ بعثنهم لنعلم أیّ الحزبین أحصی لما لبثوا أمدًا

با توجه به این که <لنعلم> (تا بدانیم) در مورد خداوند به معنای کسب علم نیست، بلکه محقّق ساختن معلوم است، در برداشت فوق از دانستن خدا به <نمایاندن> تعبیر شده. <أمد> به معنای <وقت ممتدّ> و نیز <پایان مدّت> است. در این آیه،

به قرینه <أحصى>، معنای نخست مراد است. کلمه <أحصى> محتمل است که فعل ماضی باشد و <أمداً> مفعول آن، که در نتیجه، <لما لبثوا> به <أمداً> تعلّق خواهد داشت. و ممکن است که <أحصى> اسم تفضیل و <أمداً> تمییز آن باشد.

۳-میان اصحاب کهف ، در برآورد مدّت خواب خویش ، دو دستگی به وجود آمد . *

أیّ الحزبین أحصى لما لبثوا

با توجه به آیات بعد که گفت و گوی اصحاب کهف را با هم نقل کرده است (قالوا لبثنا) چنین برمی آید که آنان، خود، به دو گروه (الحزبین) تقسیم شده بودند و درباره مدّت زمان خواب خویش اختلاف نظر داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۹ - ۵،۸،۹

۵- خواب اصحاب کهف ، در نظر گروهی از آنان ، درنگی یک روزه ، یا کمتر از آن بود .

قالوا لبثنا یومًا أو بعض یوم

حرف <أو> برای تردید است و منشأ تردید در <یوماً أو بعض یوم> این بود که گویندگان این سخن، با نگاه به جایگاه خورشید، مردّد ماندند که: <آیا شبی بر آن ها گذشته و در نتیجه یک شبانه روز در خواب بودند، یا هنوز در همان روزی به سر می برند که در آن به خواب رفتند؟>. براساس این تقریب، کلمه <یوماً> به معنای یک شبانه روز خواهد بود و به جز ساعات نزدیک غروب، هر لحظه ای از روز را می توان لحظه آغاز خواب آنان تصوّر کرد.

۸- اصحاب کهف از براورد دقیق مدّت زمان خواب خویش ناتوان بودند .

قالوا لبثنا یومًا أو بعض یوم قالوا ربّکم أعلم بما لبثتم

۹-

گروهی از اصحاب کهف ، با اعتراف به ناتوانی خود از تشخیص مدّت خواب اندک بودن آن را احتمالی ناصحیح دانسته و گفتوگو درباره خواب را بی ثمر خواندند و تنها خداوند را به زمان دقیق آن آگاه دانستند .

قالوا ربّکم أعلم بما لبثتم

کلمه <ربّکم> قرینه بر این است که گویندگان جمله <ربّکم أعلم> افرادی غیر آن دسته بودند که گفتند: <لبثا یوماً. ..> زیرا، در غیر این صورت، گفتن <ربّنا> مناسب می نمود. آن ها، با بیان آگاهی خداوند، در حقیقت، همراهان خود را در حدس شان (لبثنا یوماً أو بعض یوم) تخطئه کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۰ - ۱۳

۱۳- اصحاب کهف ، از مدّت زمان خواب خویش ، کاملاً بی اطلاع بودند .

إنّهم إن یظهروا . .. و لن تفلحوا إذًا أبدًا

بدیهی است اگر اصحاب کهف، احتمال گذشت چندین قرن از زمان خوابیدن خویش را می دادند، هرگونه تغییر و تحوّلی را محتمل می دیدند و وضعیت سیاسی و اجتماعی جامعه را، همان وضعیت دوران خویش فرض نمی کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۵ - ۱،۲،۳،۴

۱- درنگ اصحاب کهف در غار ، سیصد و نُه سال بوده است .

و لبثوا فی کهفهم ثلث مأئه سنین وازدادوا تسعًا

<سنین> بدل است برای <ثلاثمئه>. این کلمه علاوه بر مشخص ساختن مراد از <سیصد> نشانه این است که گذشت سالیانی چند بر خواب اصحاب کهف، امری شگفت است.

۲- اصحاب کهف ، در تمام مدّت سیصد و نُه سال ، در همان غاری بودند که به آن

پناهنده شده بودند .

و لبثوا فی کهفهم

۳- اصحاب کهف ، براساس سال های شمسی ، سیصد سال و براساس سال های قمری ، سیصد و نُه سال در غار ماندند .

و لبثوا فی کهفهم ثلث مأْئه سنین وازدادوا تسعًا

ضمیر در <ازدادوا> به اصحاب کهف مربوط است و تفکیک نُه سال از سیصد سال، شاید ناظر به این باشد که آن ها، به حساب سال های شمسی، سیصد سال آرمیده بودند و شمار این سال ها، موافق سال های قمری، از سیصد و نُه سال اندکی (کمتر از سه ماه) بیشتر می شود که معمولاً، این مقدار را در زمان بندی حوادث نادیده می گیرند.

۴- < روی أنّ یهودیاً سأل علی بن أبی طالب عن مدّه لبثهم (أی لبث أصحاب الکهف) فأخبر بما فی القرآن فقال : < إنّا نجد فی کتابنا ثلاثمئه ! > . فقال : ذک بسنی الشمس و هذا بسنی القمر . > ;

روایت شده که یهودی ای از علی(ع) از مدّت درنگ اصحاب کهف در غار سؤال کرد. امام، او را به آنچه در قرآن است، خبر داد. یهودی گفت: <ما در کتاب مان، درنگ آنان را سیصد سال می یابیم.>. امام(ع) فرمود: <آن نقل، براساس سال شمسی است و این نقل، به سال قمری است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۶ - ۲

۲- اِخبار خداوند از مدّت خواب اصحاب کهف ، متکی بر علم برترش است و قابل قیاس با دیگر نظریه ها نیست .

قل اللّه أعلم بما لبثوا

مکان خواب اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۱ - ۸

۸- غار ، محلِّ به خواب رفتن چند ساله اصحاب کهف

فضربنا علی ءاذانهم فی الکهف سنین عددًا

منشأ خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۱ - ۲

۲ خوابانیدن و بیدار کردن تا زمان اجل و سپس بازگشت به خداوند و محاسبه اعمال، نشانه تسلط خداوند بر امور بندگان است.

هو الذی یتوفکم بالّیل . .. و هو القاهر فوق عباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۲ - ۱۳

۱۳ - < زندگی و مرگ > و < خواب و بیداری > انسان ها ، تحت تدبیر خداوند قرار دارد .

اللّه یتوفّی الأنفس حین موتها و الّتی لم تمت فی منامها . .. و یرسل الأُخری إلی أ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۹ - ۵

۵ - قدرت خداوند بر ایجاد حالت خواب در انسان ، دلیل امکان معاد است .

عمّ یتساءلون . .. و جعلنا نومکم سباتًا

منشأ خواب اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۱ - ۲،۴

۲- فرو رفتن اصحاب کهف در خوابی عمیق و چندین ساله ، به اراده خدا بود .

فضربنا علی ءاذانهم فی الکهف سنین عددًا

<عدداً> مصدر و به معنای <معدوده> و یا <ذات عدد> است. توصیف <سنین> به این که دارای عدد و شمارش است در نظر برخی از مفسران به کثرت آن سال ها اشاره دارد; زیرا تعداد سال ها، اگر

اندک باشد، نیاز به شمارش ندارد.

۴- خداوند ، با تصرّف در حسِّ شنوایی اصحاب کهف ، آنان را در خوابی چندین ساله ، در غار نگاه داشت .

فضربنا علی ءاذانهم فی الکهف سنین عددًا

نعمت خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۵

۵ استراحت و آرامش روحی مجاهـدان و فراگیری خواب بر آنان در آسـتانه جنگ بدر ، نعمتی الهی بر ایشان و شایسـته به یاد داشتن

إذ یغشیکم النعاس أمنه منه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۷ - ۷

۷ آفرینش شب همچون لباس برای انسان ، خواب آرامش بخش و روز پرتلاش ، از نعمت های الهی

و هو الذی جعل لکم الّیل لباسًا و النوم سباتًا و جعل النهار نشورًا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه در مقام امتنان و برشمردن نعمت های الهی برای انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۹ - ۲

۲ - خواب ، از نعمت های خداوند برای انسان ها است .

و جعلنا نومکم سباتًا

نقش خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۱ – ۷

۷– سیستم بدن انسان ، برای زندگی طولانی و بدون تغذیه در خواب ، قابلیت دارد . *

فضربنا علی ءاذانهم فی الکهف سنین عددًا

از ظاهر آیات سوره کهف، برمی آید که اصحاب کهف، در آن سال های متمادی، زنده، ولی در خواب بودند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴

- روم - ۳۰ - ۲۳ - ۱

۱ - پدیده خواب ، از آیات الهی است .

و من ءایته منامکم بالیل و النهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۲ - ۱۵

۱۵ - < حیات و مرگ > و < خواب و بیداری > ، در بردارنده آیات متعدد خداوند و جلوه های گوناگون قدرت او

اللّه یتوفّی الأنفس حین موتها . .. فیمسک ... و یرسل الأُخری ... إنّ فی ذلک لأیت

جمع آمدن <آیات> می رساند که آیه و نشانه بودن <حیات و مرگ> و <خواب و بیداری>، از جهات مختلف و گوناگون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۹ - ۱

۱ - خواب ، پایان دهنده کار و تلاش روزمرّه انسان و زمینه آرامش و راحتی او است .

و جعلنا نومکم سباتًا

<سباتاً> ; یعنی، از حرکت باز ایستادن (لسان العرب از زجاج) و معنای اصلی آن، راحت است. (مصباح)

وقت خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۷ - ۳،۵

۳ خداوند ، شب را به منظور آرمیدن و روز را با هدف تلاش و تأمین معاش انسان ، برقرار کرده است .

هو الذی جعل لکم الّیل لتسکنوا فیه و النهار مبصراً

به قرینه <مبصراً> لفظ <مظلماً>، بعد از <الّیل> ; و به قرینه <لتسکنوا فیه> جمله <لتعملوا فیه>، بعد از لفظ <مبصراً> مقدر است ; یعنی: هو الذی جعل لکم الّیل مظلماً، لتسکنوا فیه و النهار مبصراً لتعملوا فیه.

۵ شب ، ظرفی مناسب برای آرمیدن و روز فرصتی

شایسته برای تلاش است .

هو الذی جعل لکم الّیل لتسکنوا فیه و النهار مبصراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۳ - ۳

۳ - شب ، وقتی مناسب و طبیعی برای خواب است .

و من ءایته منامکم بالیل و النهار

بنابراین که تقدیم و تأخیری در آیه باشد و <النهار> مجرور به حرف جر محذوف و متعلق به <إبتغاء> و <بالّیل> متعلق به <منامکم> باشد، نکته فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۰ - ۵

۵ - شب ، بهترین زمان استراحت و خواب

و جعلنا نومکم سباتًا . و جعلنا الّیل لباسًا

وقت خواب محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۷ - ۵

۵ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله : < إنّ لک فی النهار سبحاً طویلاً > یقول : فراغاً طویلاً لنومک و لحاجتک ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند: <إنّ لک فی النهار سبحاً طویلًا> روایت شده که خدا [به رسول خود]می فرماید: تو در روز برای خواب و رفع نیازهایت، فراغت طولانی خواهی داشت>.

ویژگیهای خواب اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۸ - ۲،۱۳،۱۵،۱۶،۲۰

۲- خواب اصحاب کهف ، به گونه ای بود که هر بیننده ای آنان را بیدار می پنداشت .

و تحسبهم أيقاظًا و هم رقود

<يَقِظ> به شخص بیدار گفته می شود و <أيقاظ> جمع آن است. <رقود> جمع <راقد> است و <راقد>; یعنی، شخصی که به خواب

رفته است.

۱۳- آرمیدن اصحاب کهف در غار ، به گونه ای بود که اگر کسی به جایگاه آنان دست می یافت ، از ناحیه آنان احساس خطر می کرد و می گریخت .

لو اطلعت علیهم لولّیت منهم فرارًا

به قرینه جمله <لبثنا یوماً أو بعض یوم> در آیه بعد که گویای پیدا نشدن تغییر عمده ای در جسم اصحاب کهف است، می توان دریافت که چهره آنان هول ناک نگردیده، بلکه کیفیت قرار گرفتن آنان در غار، منظره آنان را رعب انگیز ساخته بود.

۱۵- بیدارنمایی اصحاب کهف ، دارای نقشی به سزا در هول انگیز ساختن منظره آنان

و تحسبهم أیقاظًا . .. لملئت منهم رعبًا

۱۶- منظره هراس انگیز اصحاب کهف ، در حالت خواب ، وسیله ای الهی برای حفاظت آنان

و نقلّبهم . .. لو اطلعت علیهم لولّیت منهم فرارًا و لملئت منهم رعبًا

ضمیر فاعلی در <نقلّبهم. ..> قرینه است بر این که تمام ویژگی های یاد شده برای اصحاب کهف، عنایت و لطف خداوند بر آنان بوده است و به تناسب مورد می توان فهمید که هدف مورد نظر از آن الطاف، حفاظت آنان از خطرها و آسیب ها بوده است.

۲۰- < [عن الصادق (ع) فی قصّه أصحاب الکهف أنّه قال] : . . . لهم فی کلّ سنه نقلتان ینامون سته أشهر علی جنوبهم الیمنی و سته أشهر علی جنوبهم الیسری . . . ;

[از امام صادق(ع) در قصّه اصحاب کهف، روایت شده که فرمود]: . .. برای آنان، در هر سال، دو گردیدن بود: شش ماه بر پهلوی راست شان و شش ماه بر پهلوی چپ شان

می خوابیدند...>.

خواسته از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خواسته

آثار اجابت خواسته های کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸ - ۵

۵- در صورت تحقق درخواست کافران برای نزول ملائکه ، تمامی آنان هلاک می شوند و مهلتی برای ایمان نخواهند داشت .

ما ننزّل الملئکه إلّا بالحقّ و ما کانوا إذًا منظرین

انظار مصدر <منظر> به معنای تأخیر انداختن است و حصر در آیه، نشان می دهد که با آمدن ملائکه، اجل هیچ کدام از کفار به تأخیر نخواهد افتاد و به هلاکت خواهند رسید.

آثار رد خواسته های یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۲ - ۴

۴ - ترش رویی در برابر یتیمان و رد خواسته های آنان ، دورسازنده انسان از قرب به خداوند است .

فذلك

<ذلك>، اسم اشاره ای است که برای دور به کار می رود و در آیه شریفه یا برای تحقیر به کار رفته و یا نشانگر دوری از خداوند است.

اجابت خواسته های انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۱ - ۶

۶- جایگاه خوب ، جایی است که تمامی خواسته های انسان در آن برآورده شود .

و لنعم دار المتّقين . جنّت عدن ... لهم فيها ما يشاءون

اجابت خواسته های بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳۱ – ۴

۴- تمامی خواسته های تقواپیشگان در بهشت ، برآورده می شود .

دار المتّقین . جنّت عدن یدخلونها ... لهم فیها ما یشاءون

جلد – نام سوره – سوره – آیه –

فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۳۵ – ۱،۳،۵

۱ – بهشت ، در بردارنده همه آرزو ها و برآورنده همه خواسته های بهشتیان

لهم ما یشاءون فیها

۳ – بازدارندگان خویش از هوس ها ، برخوردار از هر آرزو در بهشت

و أُزلفت الجنّه للمتّقین . .. أوّاب حفیظ ... لهم ما یشاءون فیها

با توجه به این که <تقوا> و خودداری از گناه و هوای نفس، به عنوان بارزترین صفت اهل بهشت یاد شده است، نوید <لهم ما یشاءون فیها> می تواند بیانگر معنای بالا باشد.

۵ – اعطای خواسته های بهشتیان به ایشان ، فراتر از حد انتظارشان *

لهم ما یشاءون فیها و لدینا مزید

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <مزید> در مقایسه با خواسته بهشتیان (ما یشاءون) مطرح شده باشد; یعنی، آنچه آنان بخواهند، فزون ترش را داریم و در اختیار آنان قرار می دهیم.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۲۲ – ۴

۴ – نبود محدودیت برای بهشتیان ، در رسیدن به مشتهیات و خواسته های خویش

و أمددنهم بفکهه و لحم ممّا یشتهون

اجابت خواسته های کافران مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۸ – ۸

۸– در صورت تحقق خواسته کافران مکه ، مبنی بر نزول ملائکه ، آنان گرفتار عذابی مرگبار می شدند .

ما ننزّل الملئکه إلاّ بالحقّ و ما کانوا إذًا منظرین

یکی از احتمالاـتی که برای آیه داده شـده، این است که ملاـئکه، در صورتی که بخواهنـد برای کـافران نـازل شونـد، برایشـان عذاب به ارمغان خواهند آورد; عذابی که هیچ کدام از آنان را زنده نخواهد

گذاشت.

اجابت خواسته های متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۱ - ۴،۷،۹

۴- تمامی خواسته های تقواپیشگان در بهشت ، برآورده می شود .

دار المتّقین . جنّت عدن یدخلونها ... لهم فیها ما یشاءون

۷- ورود به بهشت جاودان و رسیدن به تمامی خواسته ها در آن ، پاداش خداوند به تقواپیشگان است .

دار المتّقین . جنّت عدن ... لهم فیها ما یشاءون

۹- نیل به سعادت اخروی ، جای گرفتن در بهشت و برآورده شدن تمامی خواسته ها در آن ، پاداش خداوند به تقواپیشگان

و لنعم دار المتّقین . جنّت عدن ... لهم فیها ما یشاءون کذلک یجزی الله المتّقین

ارزش خواسته های مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۵ - ۱۱

۱۱ - برتری درخواست ها و نیاز های معنوی و اخروی ، بر درخواست ها و نیاز های مادی و دنیایی در دعا و عرض حاجت به درگاه الهی

قال ربّ اغفر لی و هب لی ملکًا

ارزش خواسته های معنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۵ - ۱۱

۱۱ - برتری درخواست ها و نیاز های معنوی و اخروی ، بر درخواست ها و نیاز های مادی و دنیایی در دعا و عرض حاجت به درگاه الهی

قال ربّ اغفر لی و هب لی ملکًا

اهمیت رد خواسته های کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۴ - ۱

۱ - هشدار خداوند به پیامبر (ص) ، نسبت به اجابت خواسته

های کافران تکذیب گر و سازش و مسامحه با آنان ، به صرف ثروت و نیروی انسانی بسیار آنان

و لاتطع کلّ حلّاف . .. أن کان ذا مال و بنین

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که جمله <أن کان ذا مال . ..> متعلق به <لاتطع> باشد. گفتنی است در آغاز <أن> لام تعلیل در تقدیر است.

پادشاه مصر و خواسته های یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱

۱ پادشاه مصر ، پیشنهاد یوسف (ع) را پذیرفت و مدیریت کشت و برداشت محصولات و ذخیره سازی و توزیع آنها را به او سپرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض . .. و کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض

تأخیر در قبول خواسته یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۱۵

۱۵ < عن رسول الله (ص) : رحم الله أخی یوسف لو لم یقل : اجعلنی علی خزائن الأرض لولّاه من ساعته و لکنّه أخّر ذلک سنه ;

از رسول خدا(ص) روایت شده است: خدا رحمت کند برادرم یوسف را اگر نمی گفت: مرا سرپرست خزاین زمین قرار بده، همان وقت این مقام را به او می داد ; ولی [این تقاضا سبب شد] که سرپرستی او بر خزاین زمین یک سال به تأخیر افتد>.

تأمین خواسته ها در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۲ - ۴

۴- بهشت ، سرایی جاودان و دل خواه و نعمت های آن ارضا کننده تمامی امیال و

خواسته های آدمی است .

و هم فی مااشتهت أنفسهم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۶ - ۳،۶

۳ تأمین تمامی خواسته های متقین در بهشت جاویدان ، وعده تخلف ناپذیر و متعهدانه خداوند به آنان

لهم فیها ما یشاءون خلدین کان علی ربّک وعدًا مسئولاً

۶ بهشت جاویدان ، تنها جایی است که تمامی خواسته ها و تمایلات بشر در آن تأمین و ارضا خواهد شد .

لهم فیها ما یشاءون خلدین

این که خداوند وعده داد که: <تمامی خواسته های متقین در بهشت تأمین می شود (نه در دنیا)> می توان به برداشت یاد شده دست یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۱ - ۸

۸ - آدمی ، در بهشت به تمامی آنچه می خواهد و طلب می کند ، خواهد رسید .

و لکم فیها ما تشتهی أنفسکم و لکم فیها ما تدّعون

تقدیم <فیها> بر <تشتهی> گویای حصر است; یعنی، آنچه می خواهید و آرزو می کنید تنها در بهشت بدان دست می یابید و در غیر بهشت این گونه نیست که آدمی هر آنچه بخواهد، بتواند آن را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۱ - ۹

۹ - تنها بهشت ، محل تأمین تمامی خواسته ها و لذت های انسان

و فیها ما تشتهیه الأنفس

تقدیم <فیها> اشعار به این نکته دارد که تمایلات وجودی انسان، به طور کامل تنها در بهشت تأمین می شود.

تأمین خواسته ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۳۴ – ۱۲

۱۲ – قیامت ، تنها عرصه شایسته برای برآورده شدن تمامی خواسته های بشر

لهم ما یشاءون عند ربّهم

<عنـد ربّهم> به منزله قید برای <لهم ما یشاءون> است. این قید می رساند که برآورده شدن خواسته های بشر در قیامت و در پیشگاه خداوند میسر است نه در دنیا; چنان که خداوند در جای دیگر از قرآن می فرماید: <...و فیها ما تشتهیه الأنفس و تلذّ الأعین...; در آن جا (بهشت) هرچه دل ها خواهش و آرزو کند و چشم ها از دیدن آن لذت برد، وجود دارد. زخرف (۴۳)، آیه (۷۱).

تأمین خواسته های اخروی متقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۱۶ – ۱،۳،۷

۱ متقین ، در جایگاه ابدی خویش در بهشت ، هر آنچه را که بخواهند آماده است .

لهم فیها ما یشاءون خلدین

۳ تأمین تمامی خواسته های متقین در بهشت جاویدان ، وعده تخلف ناپذیر و متعهدانه خداوند به آنان

لهم فیها ما یشاءون خلدین کان علی ربّک وعدًا مسئولاً

۷ تحقق وعده الهی بر تأمین تمامی خواسته ها در بهشت جاویدان ، انتظار و توقع متقین از خداوند

لهم فیها ما یشاءون خلدین کان علی ربّک وعدًا مسئولاً

<مسؤول>; یعنی، کسی که مورد سؤال و مطالبه مستحقان و حق داران است و در آیه شریفه به قرینه مقام مقصود این است که متقین، می توانند توقع و انتظار داشته باشند که خداوند به وعده خود عمل کند.

تأمین خواسته های انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ - ۳۴ -

۴ - تمامی خواسته های پیامبران و پیروان آنان در قیامت ، از پیش آماده شده و به آنان داده خواهد شد .

و الذی جاء بالصدق و صدّق به . .. لهم ما یشاءون عند ربّهم

تأمین خواسته های بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۱ - ۴

۴ - تمامی تمایلات و خواسته های مؤمنان قابل دستیابی برای آنان در بهشت

و لکم فیها ما تشتهی أنفسکم و لکم فیها ما تدّعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۲ - ۱۳،۱۴،۱۹

۱۳ - تمامی خواسته های مادی و معنوی مؤمنان نیک کردار ، در بهشت فراهم است .

لهم ما یشاءون عند ربّهم

۱۴ - اراده و خواست مؤمنان بهشتی ، مؤثر در پدید آمدن نعمت ها و خواسته های آنان

لهم ما یشاءون عند ربّهم

۱۹ - تحقق همه خواسته های انسان در بهشت ، نمود فضل بزرگ خداوند است .

لهم ما یشاءون . .. ذلک هو الفضل الکبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۶ - ۷

۷ - نعمت های اعطایی خداوند به بهشتیان ، تأمین کننده تمام خواسته های ایشان است .

حسابًا

<حساباً> اسم مصدر برای <إحساب> است و <أحسب>; یعنی، عطا را افزایش داد تا حدی که دریافت کننده گفت: <حسبی> ;یعنی، مرا کافی است (تاج العروس) و ممکن است <حساباً> مصدر و به معنای محاسبه کردن باشد. در هر صورت به دلیل صفت بودن آن برای <عطاء>، معنای مصدری ندارد; بلکه به معنای <مُحْسَب> (کافی) و یا <محسوب> (شمرده

شده) است. در برداشت یاد شده، معنای اول مورد نظر است.

تأمین خواسته های پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۴ - ۴

۴ - تمامی خواسته های پیامبران و پیروان آنان در قیامت ، از پیش آماده شده و به آنان داده خواهد شد .

و الذی جاء بالصدق و صدّق به . .. لهم ما یشاءون عند ربّهم

تأمین خواسته های صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۲ - ۱۳

۱۳ - تمامی خواسته های مادی و معنوی مؤمنان نیک کردار ، در بهشت فراهم است .

لهم ما یشاءون عند ربّهم

تأمین خواسته های متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۴ - ۱،۲،۳،۵

۱ - تمامی خواسته های تقواپیشگان ، در پیشگاه الهی برآورده می شود .

هم المتّقون . لهم ما یشاءون عند ربّهم

۲ - برآورده شدن تمامی خواسته های تقواپیشگان ، وعده خداوند به آنان

لهم ما یشاءون عند ربّهم

کلمه <عند> برای التزام و وعده به کار می رود; مثل <لک عندی. ..> (برای تو پیش من چنین و چنان است).

۳ - تمامی خواسته های تقواپیشگان به صرف اراده کردن و بدون اظهار کردن آنها ، از پیش آماده شده است .

لهم ما یشاءون عند ربّهم

برداشت یـاد شـده به خـاطر این نکته است که <مشیّت> به معنـای خواسـتن و اراده کردن است و خداونـد در وعـده خود به بهشتیان، تنها به همین مشیت و اراده کردن آنان اکتفا کرده و فرموده است که هر آنچه آنان بخواهند و اراده

کنند، بدون هیچ اظهاری به آنان اعطا خواهد کرد.

۵ - تأمین تمامی خواسته های تقواپیشگان در آخرت ، مقتضای ربوبیت پروردگار است .

هم المتّقون . لهم ما یشاءون عند ربّهم

تأمین خواسته های محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۴ - ۶

۶ - برآورده شدن تمامی خواسته های احسان کنندگان در قیامت ، به صرف اراده کردن آنان

لهم ما یشاءون عند ربّهم ذلک جزاء المحسنین

<احسان> هم شامل نیکی به خود می باشد که در این صورت مقصود نیک کرداری است و هم شامل نیکی به دیگران می شود (لسان العرب). این واژه در آیه شریفه، ممکن است در هر دو معنابه کار رفته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۵ - ۴،۹،۱۰

۴ - برآورده شدن تمامی خواسته های محسنان از سوی خداوند ، به خاطر نادیده گرفتن بدترین اعمال احتمالی گذشته آنان است .

لهم ما یشاءون عند ربّهم . .. لیکفّر اللّه عنهم أسوأ الذی عملوا

برداشت یاد شده مبتنی بر این فرض است که لام <لیکفّر>، برای تعلیل و متعلق به فعل محذوفی است که جمله <لهم ما یشاءون. ..> بر آن دلالت می کند; بر این اساس تقدیر چنین می شود: <وعدهم اللّه بذلک و یسر لهم لیکفّر...>.

۹ - برآورده شدن تمامی خواسته های محسنان از سوی خداوند ، به خاطر اعطای پاداش بهترین عمل ها به آنان

لهم ما یشاءون عند ربّهم . .. و یجزیهم أجرهم بأحسن الذی کانوا یعملون

۱۰ - فراهم شدن تمامی خواسته های محسنان در قیامت ، پاداشی است بر

مبنای بهترین عمل آنان .

لهم ما یشاءون عند ربّهم . .. و یجزیهم أجرهم بأحسن الذی کانوا یعملون

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <یجزیهم. ..> می تواند توضیح و بیان برای جمله <لهم ما یشاءون...> باشد; یعنی، برآورده شدن خواسته های محسنان در قیامت، همان پاداش مطابق با بهترین عمل ها است که خداوند برای آنان مقرر داشته است.

تأمین خواسته های مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۲ - ۲

۲ - تأمین نیاز ها و ارضای همه تمنیات اهل ایمان ، پیش پذیرایی خداوند از آنان هنگام ورود به بهشت

نزلاً من غفور رحیم

با توجه به معنای <نُزُل> (غذای هنگام نزول و پیش درآمد پذیرایی از میهمان) مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۲ - ۱۳،۱۴

۱۳ - تمامی خواسته های مادی و معنوی مؤمنان نیک کردار ، در بهشت فراهم است .

لهم ما یشاءون عند ربّهم

۱۴ - اراده و خواست مؤمنان بهشتی ، مؤثر در پدید آمدن نعمت ها و خواسته های آنان

لهم ما یشاءون عند ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۶ - ۱،۳

۱ - خداوند ، دعا ها و خواسته های مؤمنان نیک کردار را اجابت می کند .

و یستجیب الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

۳ - خداوند ، بیش از خواسته ها و دعا های مؤمنان نیک کردار ، به آنان عطا خواهد کرد .

و یزیدهم من فضله

تذکر اجابت خواسته ها در بهشت

جلد - نام سوره - سوره

- آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۴۸ – ۶

۶- یادآوری برآورده شدن خواسته های انسان در بهشت ، از روش های هدایت و جذب انسان ها به دین *

إن المتقین فی جنّت و عیون . ادخلوها بسلم ءامنین . و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ

خواسته بیجا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۱۲ – ۱۵

۱۵ درخواست های نابجا از پیامبران الهی ، نشانه بی تقوایی

ان ینزل علینا مائده . .. اتقوا اللّه ان کنتم مؤمنین

خواسته پسندیده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۲ – ۲۸

۲۸ درخواست روزی افزونتر از روزی مقدّر از درگاه خداوند ، خواسته ای پسندیده و سزاوار

و سئلوا اللّه من فضله

امام صادق (ع): انّ اللّه قسّم الارزاق بین عباده و افضل فضلا کثیراً لم یقسّمه بین احد قال اللّه عز و جل: <و سئلوا اللّه من فضله>.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۳۹، ح ۱۱۷ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۵، ح ۲۲۰ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۶، ح ۴ ; بحارالانوار، ج ۵، ص ۱۴۵، ح ۵.

خواسته حواریون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۱ - ۸،۹

۸ حواریون پس از اظهار ایمان خالصانه ، از خداوند خواستند تا بر نیلشان به مقام تسلیم گواه باشد .

و اذ اوحیت . .. و اشهد باننا مسلمون

۹ حواریون عیسی (ع) از وی خواستند تا به تسلیمشان در برابر خدا و رسولش گواه باشد .

قالوا ءامنا و

اشهد باننا مسلمون

برداشت فوق بر این اساس است که مخاطب فعل <اشهد> حضرت عیسی(ع) باشد. نیاوردن ربنا و مانند آن در مقام درخواست از خداوند می تواند مؤید این احتمال باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۱۲ – ۱،۲،۴،۷،۹،۱۴

۱ میهمانی بر سفره غذایی آسمانی و نازل شده از جانب خداوند ، درخواست حواریون از عیسی (ع)

اذ قال الحواریون . .. هل یستطیع ربک ان ینزل علینا مائده من السماء

کلمه <مائده> به معنای غذا و سفره ای است که بر آن غذا نهاده شده باشد.

۲ حواریون ، در صدد پی بردن به قدرت الهی ، با درخواست مائده آسمانی

هل یستطیع ربک ان ینزل علینا مائده من السماء

۴ حواریون ، خواستار معجزه ای اختصاصی برای خویش افزون بر سایر معجزات عیسی (ع)

ان ینزل علینا مائده

کلمه <علینا> به قرینه <نأکل> و <قلوبنا> و <نعلم> و <نکون> در آیه بعد نشانگر این است که حواریون خواستار معجزه ای بودند که تنها خودشان از آن بهره مند گردند.

۷ حواریون عیسی خواهان معجزه ای ویژه (نزول مائده آسمانی) علی رغم ادعای ایمان به رسالت مسیح (ع)

هل یستطیع ربک ان ینزل علینا مائده من السماء قال اتقوا اللّه ان کنتم مؤمنین

۹ حضرت مسیح (ع) با بیان ناسازگاری درخواست حواریون با ایمان و تقوا در صدد بازداشتن آنان از درخواست نزول مائده

قال اتقوا اللّه ان کنتم مؤمنین

۱۴ حواریون عیسی مورد سرزنش وی به خاطر پیشنهاد معجزه ویژه و نزول مائده آسمانی ، علی رغم مشاهده معجزات فراوان

قال اتقوا

اللّه ان كنتم مؤمنين

آيات پيشين دلالت مى كند كه عيسى حتى در كودكى و قبل از دعوت مردمان به ايمان، معجزاتى را به مردمان ارائه مى كرد. بنـابراين مى توان گفت انتقـاد و اعتراض حضـرت مسـيح(ع) بـدين جهت بوده كه چرا بـا وجود معجزات فراوان باز هم از وى درخواست معجزه دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۳ - ۱،۲،۳

۱ تناول از غذاى آسمانى و اطمينان به توانايى خداوند از انگيزه هاى حواريون براى درخواست مائده آسمانى

قالوا نريد ان نأكل منها و تطمئن قلوبنا و نعلم ان قد صدقتنا

۲ يقين به رسالت عيسى (ع) و تبليغ آن با گواه بودن بر نزول مائده از انگيزه هاى حواريون براى درخواست مائده آسمانى

و نكون عليها من الشهدين

۳ انگيزه هاى چهارگانه حواريون (تغذيه ، اطمينان و . . .) توجيه آنان براى درخواست نابجاى نزول مائده آسمانى *

قال اتقوا اللّه ان كنتم مؤمنين. قالوا نريد ان نأكل منها ... من الشهدين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۴ - ۱

۱ حضرت مسيح (ع) با پذيرش تقاضاى حواريون ، از خداوند خواست سفره غذايى از آسمان فرو فرستد .

قال عيسى ابن مريم اللّهم ربنا أنزل علينا مائده من السماء

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۵ - ۲

۲ مائده درخواستى حواريون به صورت تدريجى بر آنان فرو فرستاده شد .

قال اللّه انى منزلها عليكم

به كارگيرى <منزّل> از مصدر تنزيل مى تواند حاكى از

آن باشد که اجزاء مائده آسمانی یکجا نازل نشده است.

خواسته شیطان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۶۰ – ۱۲

۱۲ ارجاع داوری ها به طاغوت (کسانی که بر خلاف احکام خداوند ، حکم می کنند) ، خواسته شیطان است .

و یرید الشّیطان ان یضلّهم

خواسته عاقلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۹۳ – ۱۷

۱۷ خردمندان ، خواستار همراهی و همگامی با ابرار تا به هنگام مرگ

و توفّنا مع الابرار

<مع الابرار> حال برای <نا>، در <توفّنا> است. یعنی ما را بمیران، در حالی که همراه و همگام با ابرار باشیم.

خواسته علمای یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۶۲ – ۷

۷ عالمان ژرفنگر یهود ، خواسته نابجا از پیامبر اسلام (ص) نداشته و از صفات زشت و اعمال ناروای یهودیان (پیمان شکنی ، انکار آیات الهی و . . .) بر حذر بودند .

یسئلک أهل الکتب . .. لکن الرسخون فی العلم منهم و المؤمنون یؤمنون

خداوند در آیه ۱۵۳ تا آیه مورد بحث بهانه گیریها و صفات زشت اهل کتاب و به خصوص یهودیان را بیان نموده و آیه مورد بحث با کلمه <لکن> مؤمنان واقعی و عالمان ژرفنگر را، استثنا کرده است.

خواسته عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۴ - ۱،۶،۷،۹

۱ حضرت مسیح (ع) با پذیرش تقاضای حواریون ، از خداوند خواست سفره غذایی از

آسمان فرو فرستد .

قال عیسی ابن مریم اللّهم ربنا أنزل علینا مائده من السماء

۶ برجای ماندن خاطره ای سرورانگیز در جامعه مسیحیت از انگیزه های عیسی (ع) برای درخواست مائده آسمانی

أنزل علینا مائده من السماء تکون لنا عیداً لاوّلنا و ءاخرنا

۷ مسیح (ع) خواهان عید قرار گرفتن روز نزول مائده آسمانی در جامعه مسیحیت

أنزل علینا مائده من السماء تکون لنا عیداً لاوّلنا و ءاخرنا

۹ برجای ماندن نشانه و آیتی الهی در جامعه مسیحیت با نزول مائده آسمانی ، از انگیزه های مسیح برای درخواست آن از خداوند

أنزل علینا مائده من السماء تکون . .. ءایه منک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۵ - ۹

۹ نزول نان و گوشت (مائده آسمانی) بر حواریین از سوی خداوند پس از درخواست حضرت عیسی (ع)

قال اللّه انی منزلها علیکم

رسول خدا(ص) در توصیف مائده ای که بر حواریین نازل شد فرمود: نزلت المائده خبزاً و لحماً . .. .

مجمع البیان، ج ۳، ص ۴۱۰; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۹۱، ح ۴۳۷.

خواسته قابیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۱۶

۱۶ نفس قابیل ، دام خواسته وی و پذیرای تصمیم او بر قتل برادرش هابیل

فطوعت له نفسه قتل اخیه

<طوعت> می توانـد به معنای <تابعت> باشـد، یعنی نفس قابیل در قتل برادرش هابیل پیرو او گردید. بر اساس این احتمال، قابیل نفس خو را فریب داده و آن را رام خود ساخته بود، نه اینکه فریفته وسوسه های خویش شده

باشد.

خواسته کافران کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۱،۲،۵

۱ کافران مکه از خداوند خواستند چنانچه قرآن حقیقتی از جانب اوست ، آنان را سنگباران کند و یا عذاب دردناک دیگری بر آنان فروفرستد .

و إذ قالوا . .. فأمطر علینا حجاره

۲ نابحق جلوه دادن قرآن با درخواست عذاب از درگاه خدا ، از حیله های کافران مکه در مبارزه با قرآن و رسالت پیامبر (ص)

و یمکرون . .. و إذ قالوا اللّهم ... فأمطر علینا حجاره من السماء

برخی در توجیه عذاب خواهی کافران (فامطر علینا . ..) چنین گفته اند که آنان برای فریب دیگران و یا اقناع خویش این نفرین را در حق خود روا داشتند تا با اجابت نشدن آن، خویشتن را در انکار قرآن و حقانیت رسالت پیامبر(ص) محق بشمارند. آیه قبل که سخن از مکر کافران داشت، می تواند تأییدی برای این نظریه باشد.

۵ کافران مکه معتقد به تأثیر دعا به درگاه خدا برای تحقق بخشی به درخواست های آنان

اللّهم إن کان هذا هو الحق من عندک فأمطر علینا حجاره

خواسته مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۷ - ۱۳

۱۳ ضرورت بی اعتنایی مبلغان دین به خواسته های انحرافی مردمان به هنگام اجرای فرمان های الهی و تبلیغ احکام دین

بلغ . .. و اللّه یعصمک من الناس

خواسته مسلمانان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۷ – ۲۵

۲۵ مسلمانان هراسناک از نبرد ،

خواهان لغو حکم جهاد شدند .

و قالوا ربّنا لم کتبت علینا القتال لو لا اخّرتنا الی اجل قریب

برخی برآنند که مراد از <اجل قریب> زمان مرگ است. و تأخیر حکم جهاد تا زمان مرگ به معنای لغو آن است.

خواسته مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۲،۳

۲ برخی از مسلمانان صدر اسلام خواستار نبرد با کفّار ، قبل از تشریع جهاد و مبارزه مسلّحانه

الم تر الی الّذین قیل لهم کفّوا ایدیکم . .. فلمّا کتب علیهم القتال

از جمله <فلمّا کتب> به دست می آید که مراد از <کفّوا>، خودداری از نبرد و جنگ مسلحانه است.

۳ برخی از مسلمانان صدر اسلام خواهان نبرد با کافران ، پیش از فراهم آمدن زمینه های آن

الم تر الی الّذین قیل لهم کفّوا ایدیکم

جمله <فلما کتب . .. >، چنانچه گذشت، می تواند به معنای تشریع جهاد باشد، و می تواند به معنی فراهم آمدن زمینه جهاد و پیش آمدن شرایط آن باشد ; یعنی آنگاه که پیامبر (ص) مسلمانان را به سوی جهاد فراخواند ... .

خواسته مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۲۸

۲۸ برخی مؤمنان خواستار آگاهی از غیب و نهان انسان ها بودند تا افراد مؤمن را از غیر مؤمن (طیّب و خبیث) ، تمییز دهند .

و ما کان اللّه لیطلعکم علی الغیب

در شأن نزول آیه آمده است که برخی مؤمنان، خواهان علامتی بودند تا با آنان منافقان را از مؤمنان بازشناسند. آنگاه خداوند آیه فوق را

نازل فرمود.

خواسته های آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۹ - ۱۰

۱۰ آدم (ع) و حوا با نیایش به درگاه خدا از وی خواستند تا فرزندی سالم و شایسته بقا به آنان عنایت کند .

دعوا اللّه ربهما لئن ءاتیتنا صلحاً لنکونن من الشکرین

صالح در لغت به کسی یا چیزی گفته می شود که فساد در آن نباشد. و مراد از آن به مناسبت مورد، فرزند سالم و مبرا از عیب و نقص است به گونه ای که استعداد زنـده ماندن را دارا باشد. گفتنی است که جمله <فلما ءاتیهما صـلحا ... > دلالت بر آن دارد که مراد از صالح، معنای متعارف در شرع (نیکوکار و پاکدامن) نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۰ - ۱

۱ خداوند با پذیرش درخواست آدم (ع) و حوا ، فرزندی سالم و شایسته به آنان عطا کرد .

دعوا اللّه ربهما لئن . .. فلما ءاتیهما صلحاً

خواسته های آسیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۹ - ۹،۱۱

۹ - زنده گذاشتن موسی (ع) و چشم پوشی از قتل وی ، درخواست آسیه از فرعون

و قالت امرأت فرعون . .. لاتقتلوه

۱۱ - همسر فرعون ، خواستار نگه داری موسی (ع) با امید به منتفع شدن از خدمات وی ، یا برگزیدن او به فرزندی خویش

عسی أن ینفعنا أو نتّخذه ولدًا

خواسته های ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ -

بقره - ۲ - ۱۲۴ - ۱۵

۱۵ - علاقه ابراهیم (ع) به ذریه خود و تمنای او برای رسیدن آنان به مقامات معنوی

و من ذرّیتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۶ - ۱،۳،۵

۱ - تبدیل زمین های اطراف کعبه به شهری دارای امنیت ، درخواست ابراهیم (ع) از درگاه خداوند

و إذ قال إبرهیم رب اجعل هذا بلداً ءامناً

ظاهر آن است که مشارالیه <هذا> زمینهای اطراف کعبه باشد. بر این مبنا جمله <اجعل ...> حاکی از دو درخواست است: ۱ شهر شدن زمینهای اطراف کعبه; ۲ برقرار بودن امنیت در آن شهر. قابل ذکر است که کلمه <بلد> به معنای سرزمینِ دارای حدود و مشخصات و نیز به معنای شهر است. برداشت فوق بر اساس دومین احتمال می باشد.

۳ - رونق اقتصادی شهر مکه و بهره مند شدن شهروندان مؤمن آن از انواع ثمرات و میوه ها ، دعای ابراهیم (ع) به درگاه خداوند

و ارزق أهله من الثمرت من ءامن منهم

۵ - ابراهیم (ع) از خداوند خواست تا کافران مکه را از روزی های خویش بهره مند نسازد .

و ارزق . .. من ءامن منهم باللّه و الیوم الأخر

<من ءامن> به عنوان بدل برای <أهله> بیانگر مقصود ابراهیم(ع) از کلمه <أهله> است. آن حضرت با آوردن <من ءامن> اشاره به این معنا دارد که: خواهان اعطای ثمرات به کافران مکه نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۸ - ۷،۸،۱۰

۷ - تشریح و تبیین طریقه عبادت خدا و چگونگی آداب آن

، از درخواست های ابراهیم و اسماعیل (ع) از خداوند

و أرنا مناسکنا

مَنسَـِك (مفرد مناسک) به معنـای طریقه عبـادت است (لسـان العرب). بنابراین <أرنا مناسـکنا>; یعنی، خـدایا! شـیوه عبادت کردنت را به ما ارائه کن.

۸ – ابراهیم و اسماعیل (ع) به هنگام ساختن کعبه ، از خداوند خواستند تا چگونگی اعمال حج را به آنان بیاموزد .

ربنا . .. أرنا مناسکنا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مناسـک – چنـانچه برخی از اهـل لغت و نیز برخی از مفسـران گفته انـد – به معنای اعمال حج باشد.

۱۰ – ابراهیم و اسماعیل (ع) ، از خداوند خواستند تا توبه خود و فرزندانشان را بپذیرد .

و تب علینا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۲۹ – ۱،۲،۳

۱ – بعثت پیامبری از نسل اسماعیل ، از دعا ها و درخواست های ابراهیم و اسماعیل (ع) به هنگام بنای کعبه

و من ذریتنا أمه مسلمه لك . .. ربنا وابعث فیهم رسولا منهم

ضمیر در <فیهم> و <منهم> محتمل است به <أمه مسلمه> در آیه قبل برگردد و نیز محتمل است به <أهله> در آیه ۱۲۶ بازگردانـده شـود. برداشـت فـوق بر اسـاس احتمـال اول است; یعنی، <ربنـا وابعث فی ذریتنـا المسـلمه رسولاـ منهم>. دعـای مشـترک ابراهیـم و اسـماعیل گویـای این است که: پیـامبر مـورد نظر ابراهیم نیز فردی از نسـل اسـماعیل است نه از نسـل دیگر فرزندانش.

۲ – تلاـوت آیـات الهی ، تعلیم کتـاب آسـمانی ، آموزش حکمت (معـارف و احکـام دین و . . .) و پاکسازی نسل ابراهیم و اسماعیل (ع

) از آلودگی ها و ناخالصی ها ، از ویژگی های پیامبری که ابراهیم و اسماعیل (ع) خواستار بعثت او بودند .

ربنا وابعث فیهم رسولا منهم یتلوا علیهم ءایتک و یعلمهم الکتب و الحکمه و یزکّیهم

۳ - محمد (ص) پیامبری که ابراهیم و اسماعیل (ع) خواستار بعثت آن حضرت از میان نسلشان بودند .

ربنا وابعث فیهم رسولا منهم . .. یزکّیهم

به گفته همه مفسران، مراد از <رسولا> پیامبر عظیم الشأن اسلام، حضرت محمد(ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۲ - ۱۰

۱۰ - ابراهیم و یعقوب (ع) ، از پسرانشان خواستند تا همواره تسلیم خدا بوده و مطیع فرمان او باشند .

فلاتموتن إلا و أنتم مسلمون

جمله <فلاتموتن . ..> کنایه از لزوم تسلیم همیشگی در برابر خدا و همواره مطیع او بودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۴ - ۴

۴- ابراهیم (ع) پس از دریافت خبر فرزنددار شدنش از فرشتگان ، خواستار توضیح و اطلاعات بیشتری از آنان شد .

فبم تبشّرون

برداشت فوق بر این اساس است که <با> در <فبم> برای ملابست باشد و استفهام در جمله <فبم تبشّرون> سؤال از چگونگی تحقق چنین بشارتی (فرزنددار شدن) باشد و نه تردید و سؤال از اصل فرزنددار شدن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۷ - ۱

۱ - تقاضای حضرت ابراهیم (ع) از میهمانان ، برای خوردن غذا همراه با نهادن آن در دسترس آنان

فقربّه إلیهم

خواسته

های ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۴ - ۱

۱ ابلیس، خواستار مهلت و زنده ماندن خویش تا روز رستاخیز آدمیان (قیامت) گردید.

قال أنظرنی إلی یوم یبعثون

انظار (مصدر <انظر>) به معنای تأخیر و مهلت دادن است و مراد از آن تأخیر زمان مرگ می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۲ - ۲

۲- ابلیس ، از خداوند خواستار با خبر شدن از فلسفه بزرگداشت آدم (ع) و برتر دانستن او بر خود شد .

قال أرءیتک هذا الذی کرّمت علیّ

عبارت <أرأیت> معمولاً ـ در آغاز جمله و برای سؤال می آید و به معنای <أخبرنی> است; بنابراین مراد از آن این است که: خداوندا! به من اطلاع بده که چرا آدم را بر من برتری دادی؟

خواسته های اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۸ - ۱

۱ - درخواست کافرانِ پیرو در قیامت ، از خداوند برای دو برابر کردن عذاب رهبران گمراهگرشان .

یوم تقلّب وجوههم . .. و قالوا ربّنا إنّا أطعنا سادتنا ... ربّنا ءاتهم ضعفین من ا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۹ - ۱،۸،۹

۱ - کافران در قیامت ، خواهان شناسایی عاملان گمراهی خویش به منظور انتقام جویی از آنان

و قال الذین کفروا ربّنا أرنا الذین أضلّانا . .. نجعلهما تحت أقدامنا

۸ - کفرپیشگان ، در قیامت خواستار ذلت و خواری بیشتر و عذاب شدیدتر برای رهبران اغواگر خویش خواهندبود .

نجعلهما تحت أقدامنا

ليكونا من الأسفلين

۹ - (فى المجمع) < و قال الذين كفروا فى النار أرنا الذين أضـلّانا من الجن و الإنس > يعنون إبليس الأبالسه و قابيل بن آدم أوّل من أبدع المعصيه . روى ذلك عن على (ع) ؛

در مجمع البيـان راجع به قول خداونـد كه مى فرمايـد: <و قال الـذين كفروا فى النار أرنا الـذين . ..> آمـده است كه: مقصود آنـان رئيس أبليس هـا و قابيـل فرزنـد آدم است كه گنـاه و نافرمانى را پايه گـذارى نمود و اين مطلب از على(ع) روايت شـده است.>.

خواسته هاى اخروى كافران پيرو

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۸ - ۶

۶ - كافران پيرو ، از خداوند ، خواهانِ مورد لعن فراوان قرار دادن رهبران گمراه سازشان ، خواهند بود .

و قالوا . .. ربّنا ... و العنهم لعنًا كبيرًا

<كبير> صفت مفعول مطلق <إلْعَن> است. در آيه، اين واژه به معناى <شدت> و مراد از آن، كثرت و زيادت است.

خواسته هاى اخروى گناهكاران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۹،۱۳،۱۹

۹ - مجرمان در قيامت ، براى بازگشت به دنيا ، به ربوبيت الهى متمسك مى شوند .

ربّنا أبصرنا و سمعنا فارجعنا

۱۳ - مجرمان در قيامت ، براى بازگشت به دنيا و يافتن فرصت انجام اعمال نيك ، تمنا مى كنند .

فارجعنا نعمل صلحًا

۱۹ - به يقين رسيدن مجرمان درباره معاد ، در قيامت دليل درخواست شان از خدا جهت بازگشت به دنيا است .

فارجعنا نعمل صلحًا إنّا موقنون

<إنّا موقنون> به منزله تعلیل

برای درخواست است.

خواسته های اخروی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۱ - ۳

۳ - تقواپیشگان در باغ های بهشتی ، خواستار میوه ها و نوشیدنی های بسیار عالی ، متنوع و گوناگون

یدعون فیها بفکهه کثیره و شراب

مقصود از کثرت میوه هـا و نوشـیدنی هـا، تنوع آنهـا است و تنکیر <فاکهه> و <شـراب> برای تفخیم می باشـد; یعنی، میوه های عالی و نفیس.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۵ - ۱

۱- تقواپیشگان بهشتی ، برخوردار از هرگونه میوه مورد تمایل خویش

یدعون فیها بکلّ فکهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۲ - ۱

۱ - بهره مندی تقواپیشگان ، از میوه ها و گوشت های مورد تمایل خویش در بهشت ، علاوه بر نعمت های سرشار دیگر

فی جنّت و نعیم . .. و أمددنهم بفکهه و لحم ممّا یشتهون

خواسته های اخروی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۳ - ۳

۳ تکذیب کنندگان قیامت ، به هنگام گرفتاری در تنگنای آتشین دوزخ ، مرگ و نابودی خویش را خواهند خواست .

و إذا أَلقوا منها مكانًا ضيّقًا مقرّنين دعوا هنالك ثبورًا

<ثبوراً> به معنای هلاکت است و <دعا> (ریشه <دعوا>) به معنای خواندن با صدای بلند است و مقصود از <دعوا> این است که تکذیب کنندگان قیامت، فریاد می کشند و مرگ را آرزو و طلب می کنند.

خواسته های اخروی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۲ - ۵

۵ منکران معاد ، با مشاهده ملائکه در قیامت ، از آنان درخواست خواهند کرد که متعرض ایشان نشده و اقدامی علیه آنان انجام ندهند .

یوم یرون الملئکه لابشری . .. و یقولون حجرًا محجورًا

<حجراً محجوراً> سخنی است که عرب به هنگام روبه رو شدن با دشمن و یا هجوم بلاـ و حوادث هولناک می گوید و مقصود اصلی در این کلام، امان خواستن و پناه بردن است.

خواسته های اخروی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۸ - ۱۳،۱۵

۱۳ - مؤمنان در عرصه قیامت ، از خداوند خواستار اتمام و ازدیاد نور خویش اند .

یقولون ربّنا أتمم لنا نورنا

۱۵ - مؤمنان در عرصه قیامت ، خواستار آمرزش الهی اند .

و اغفرلنا

خواسته های اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۸ - ۷،۸،۱۰

۷ - تشریح و تبیین طریقه عبادت خدا و چگونگی آداب آن ، از درخواست های ابراهیم و اسماعیل (ع) از خداوند

و أرنا مناسکنا

مَنسِک (مفرد مناسک) به معنای طریقه عبادت است (لسان العرب). بنابراین <أرنا مناسکنا>; یعنی، خدایا! شیوه عبادت کردنت را به ما ارائه کن.

۸ - ابراهیم و اسماعیل (ع) به هنگام ساختن کعبه ، از خداوند خواستند تا چگونگی اعمال حج را به آنان بیاموزد .

ربنا . .. أرنا مناسکنا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مناسک - چنـانچه برخی از اهـل لغت و نیز برخی از مفسـران گفته انـد - به معنای اعمال حج باشد.

۱۰ - ابراهیم و

اسماعیل (ع) ، از خداوند خواستند تا توبه خود و فرزندانشان را بپذیرد .

و تب علینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۹ - ۱،۲،۳

۱ - بعثت پیامبری از نسل اسماعیل ، از دعا ها و درخواست های ابراهیم و اسماعیل (ع) به هنگام بنای کعبه

و من ذریتنا أمه مسلمه لک . .. ربنا وابعث فیهم رسولا منهم

ضمیر در <فیهم> و <منهم> محتمل است به <أمه مسلمه> در آیه قبل برگردد و نیز محتمل است به <أهله> در آیه ۱۲۶ بازگردانده شود. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است; یعنی، <ربنا وابعث فی ذریتنا المسلمه رسولاـ منهم>. دعای مشترک ابراهیم و اسماعیل گویای این است که: پیامبر مورد نظر ابراهیم نیز فردی از نسل اسماعیل است نه از نسل دیگر فرزندانش.

۲ - تلاوت آیات الهی ، تعلیم کتاب آسمانی ، آموزش حکمت (معارف و احکام دین و . . .) و پاکسازی نسل ابراهیم و اسماعیل (ع) از آلودگی ها و ناخالصی ها ، از ویژگی های پیامبری که ابراهیم و اسماعیل (ع) خواستار بعثت او بودند .

ربنا وابعث فیهم رسولا منهم یتلوا علیهم ءایتک و یعلمهم الکتب و الحکمه و یزکّیهم

۳ - محمد (ص) پیامبری که ابراهیم و اسماعیل (ع) خواستار بعثت آن حضرت از میان نسلشان بودند .

ربنا وابعث فیهم رسولا منهم . .. یزکّیهم

به گفته همه مفسران، مراد از <رسولا> پیامبر عظیم الشأن اسلام، حضرت محمد(ص) است.

خواسته های اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۲۹ – ۸

۸ مطرود شدن مؤمنان تهی دست از پیرامون نوح (ع) ، از شرایط سران و اشراف قوم نوح برای ایمان آوردن به آن حضرت

و ما أنا بطارد الذین ءامنوا

خواسته های اصحاب ایکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۸۷ – ۱

۱ – مردم اَیکه ، خواهان فرو ریختن قطعات آسمانی بر سرشان توسط شعیب (ع)

فأسقط علینا کسفًا من السماء إن کنت من الصدقین

<کِشفه> (مفرد <کِسَف>) مرادف <قطعه> است.

خواسته های اصحاب کهف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۹ – ۲۸،۳۰

۲۸– بازدید اغذیه فروشی های متعدّد و انتخاب پاک ترین و شایسته ترین خوراک ها ، خواسته اصحاب کهف از فرستاده ویژه خویش بود .

فلینظر أیّها أزکی طعامًا

<زکاه> (مصدر <أزکی>) به معنای <طهارت> و نیز <صلاح> آمده است (لسان العرب). ضمیر در <أیّها> به <المدینه> برمی گردد و مراد از آن به طریقه استخدام مکان های مدینه است.

۳۰– اصحاب کهف ، از فرستاده خویش خواستند در خرید غذا ، به مقدار تغذیه و ارتزاق آنان اکتفا کند .

فلیأتکم برزق منه

<رزق> طعامی است که با آن تغذیه کنند (مفردات راغب). <من> در <منه> برای ابتدا یا تبعیض است و مفاد <فلیأتکم

برزق منه> این است که از طعام مورد نظر، مقداری خریداری شود که رزق افراد قرار گیرد و به مقدار مصرف شان باشد.

خواسته های اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۰ - ۲۸

-۲۸

اقوام کافر پیشین ، ضمن طرح شبهاتی در مقابل دعوت روشن انبیا ، از آنان خواستار دلیلی قاطع و روشن (معجزه) بودند .

إن أنتم إلّا بشر مثلنا . .. فأتونا بسلطن مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۵ - ۳،۴

۳- انبیا و اقوام کافر مخالف آنان ، هر یک خواستار پیروزی بر یکدیگر شدند .

و استفتحوا

بنابر اینکه مرجع ضمیر <استفتحوا> هر دو گروه انبیا و اقوام کافر باشد، قرینه <و خاب کل جبّار عنید> حاکی است که هر کدام از آنان، در پی پیروزی بر دیگری بوده اند; اما اقوام کافر از پیروزی محروم شدند.

۴- درخواست اقوام کافر و انبیا برای غلبه بر یکدیگر ، نه تنها ثمری برای کفار نداشت ، بلکه هلاکت دنیوی آنان را نیز به همراه داشت .

و استفتحوا و خاب کلّ جبّار عنید

<خاب> در لغت به معنای <هلك> آمده است و به قرینه <استفتحوا> مراد از <خیبه> می تواند هلاکت باشد.

خواسته های امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۹ - ۲،۷،۸

۲- برخی از معجزات درخواستی امت های پیشین ، از سوی خداوند به آنان اعطا گردید .

و ما منعنا أن نرسل . .. إلّا أن كذّب بها الأوّلون

معجزه از کلمه <الأیات> - به قرینه ذکر <ناقه> پس از آن - استفاده می شود و از اینکه خداوند فرمود: <تکذیب پیشینیان مانع ارسال معجزه از سوی ما شد> حکایت از این دارد که خداوند، به خواست آنان برای معجزه جواب مثبت داده است.

۷- امت های مشرک و کافر

پیشین ، پس از مشاهده معجزات درخواستیشان ، آنها را مورد انکار و تکذیب قرار دادند .

و ما منعنا أن نرسل بالأيت إلّا أن كذّب بها الأوّلون

۸- تکذیب معجزات درخواستی از سوی امت های پیشین ، دلیل بهانه جویی و بی صداقتی تقاضا کنندگان معجزات متعدد است .

و ما منعنا أن نرسل بالأيت إلّا أن كذّب بها الأوّلون

از اینکه تکذیب معجزات درخواستی (اقتراحی) از سوی پیشینیان، دلیل امتناع خداوند از ارائه معجزات برای امتهای بعدی مطرح شده است می تواند نشان از بی صداقتی و بهانه جویی این امتها باشد و خداوند به همین دلیل به معجزات درخواستی اینها، پاسخ منفی داده است.

خواسته های انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۵ - ۳،۴

۳- انبیا و اقوام کافر مخالف آنان ، هر یک خواستار پیروزی بر یکدیگر شدند .

و استفتحوا

بنابر اینکه مرجع ضمیر <استفتحوا> هر دو گروه انبیا و اقوام کافر باشد، قرینه <و خاب کل جبّار عنید> حاکی است که هر کدام از آنان، در پی پیروزی بر دیگری بوده اند; اما اقوام کافر از پیروزی محروم شدند.

۴- درخواست اقوام کافر و انبیا برای غلبه بر یکدیگر ، نه تنها ثمری برای کفار نداشت ، بلکه هلاکت دنیوی آنان را نیز به همراه داشت .

و استفتحوا و خاب كلّ جبّار عنيد

<خاب> در لغت به معنای <هلك> آمده است و به قرینه <استفتحوا> مراد از <خیبه> می تواند هلاکت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۲ - ۲

۲ - پیامبران (ع) ، حق درخواست شریک

و معاون برای خویش از خداوند را دارند .

واجعل لی وزیرًا . .. و أشرکه فی أمری

خواسته های انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – حمد – ۱ – ۵ – ۱۹

۱۹ – خداوند ، توانا بر انجام تمامی خواسته های بندگان است .

و إیاک نستعین

برداشت فوق لازمه این معناست که مراد از استعانت، استعانت در همه امور باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۲ – ۷

۷ انسان ها خواهان سعادت همیشگی و عمری جاودانه اند .

هم فیها خلدون

وعده به پاداش در صورتی مؤثر و ترغیب کننده آدمی است که وی خواهان آن باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۲۰ – ۸،۱۰

۸ – انسان ، خواهان زندگی جاوید و ملک و مالکیت فنا ناپذیر است .

هل أدّلک علی شجره الخلد و ملک لایبلی

شیطان برای کارگر ساختن وسوسه خویش در آدم، از زمینه هایی بهره برد که در آدم وجود داشت. آن زمینه ها، میل به جاودانگی و مالکیت فنا ناپذیر است.

۱۰ – شیطان ، به خواسته ها و آرزو های انسان ، آگاه است .

هل أدّلك علی شجره الخلد و ملك لایبلی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۸۹ – ۶

۶- حفظ دستاورد های زندگی پس از مرگ در پرتو داشتن فرزند ، خواسته طبیعی انسان است .

و زکریّا إذ نادی ربّه ربّ لاتذرنی فردًا و أنت خیر الورثین

از این که پیامبری چون زکریا(ع)، خواستار حفظ دستاوردهای خود در پرتو فرزنددار شدن بود،

می توان استفاده کرد که همه انسان ها چنین خواسته ای دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۸ - ۶

۶ - راه یافتن به راه درست زندگی ، از آرمان ها و خواسته های همه انسان ها است .

قال فرعون . .. و ما أهدیکم إلاّ سبیل الرشاد ... و قال الذی ءامن یقوم اتّبعون أه

این که فرعون و مؤمن آل فرعون، هر دو مدعی نشان دادن راه صواب به مردم اند، می رساند که همه مردم خواستار چنین راهی می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۹ - ۱۰

۱۰ - حیات جاویدان و سرای پایدار ، خواسته طبیعی انسان ها است .

و إنّ الأخره هی دار القرار

تذکر به ناپایداری زندگی دنیوی و جاودانگی حیات اخروی، خود گویای مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۹ - ۱۰

۱۰ - انسان در خواسته ها و کار های خود ، نه فاقد اراده است و نه دارای استقلال مطلق .

و ما تشاءون إلاّ أن یشاء اللّه

خواسته های انسان و اراده خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۴ - ۱۰

۱۰ خواست انسان ها و تلاش آنان در برابر اراده خداوند ، شکست خورده و بی ثمر است .

فصرف عنه کیدهنّ

خواسته های اهل ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۳ - ۷

۷ ماهیانی که روز شنبه بر ساحل دریای

ایله ظاهر می شدند ، ماهیان دلخواه مردم آن سامان بودند .

إذ تأتیهم حیتانهم

اسناد ماهیان به مردم ایله با اضافه <حیتان> به <هم> (حیتانهم، یعنی ماهیان آنان)، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد. یعنی علت اینکه آن ماهیان، ماهیان قوم ایله گفته شده، علاقه وافرشان به آن ماهیهای خاص بوده است.

خواسته های اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۱،۳،۴

۱ نزول کتاب و نوشته ای از آسمان بر اهل کتاب ، خواسته گزاف و بی جای آنان از پیامبر (ص)

یسئلک أهل الکتب أن تنزل علیهم کتباً من السماء

۳ عناد ، لجاجت و بهانه جویی ، ریشه درخواست های بی جای اهل کتاب از حضرت محمد (ص) و موسی (ع)

فقد سألوا موسی أکبر من ذلک . .. فأخذتهم الصعقه بظلمهم

لحن مذمت آمیز آیه در بیان خواستهای اهل کتاب، می رساند که آنان نه به خاطر حق جویی بلکه از سر بهانه جویی و عنادورزی چنین تقاضاهایی را مطرح می کرده اند.

۴ درخواست معجزه های بی مورد ، شیوه اهل کتاب در برابر دعوت پیامبران

یسئلک أهل الکتب . .. فقد سألوا موسی أکبر من ذلک

خواسته های برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۲ - ۱۱

۱۱ < عن أبی جعفر (ع) : . . .فقالوا کما حکی الله عزوجل < . . . أرسله معنا غداً یرتع و یلعب > أی یرعی الغنم و یلعب ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: . ..

برادران یوسف همان گونه که خداوند حکایت فرموده، گفتند: <...أرسله معنا غداً یرتع و یلعب> ; یعنی، او را با ما بفرست تا گوسفندها را بچراند و بازی کند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۳

۳ فرزندان یعقوب با اظهار محبت به بنیامین از پدرشان خواستند او را به همراه آنان روانه مصر کند .

فأرسل معنا أخانا

هدف فرزندان یعقوب از نام نبردن بنیامین و یاد کردن از او به عنوان <أخانا> (برادرمان) اظهار محبت به اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۱۱

۱۱ مشاهده نیکوکار بودن یوسف ، مایه تشجیع فرزندان یعقوب به تقاضای آزادی بنیامین و بازداشت یکی از آنان به جای وی

فخذ أحدنا مکانه إنا نریک من المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۲ - ۴

۴ لاوی به برادرانش سفارش کرد از یعقوب بخواهند که وی از اهالی مصر و نیز از همسفران ایشان ، داستان سرقت بنیامین را جویا شود .

فقولوا یأبانا . .. وسئل القریه ... والعیر التی أقبلنا فیها

<اقبال> (مصدر أقبلنا) به معنای روی آوردن است و متعلق آن <إلیک> و مانند آن است که به خاطر وضوحش در کلام نیامده و <فیها> حال برای ضمیر <أقبلنا> می باشد. بنابراین <وسئل ... العیر التی ...> ; یعنی، از کاروانی بپرس که ما در میان آنها به سوی شما آمدیم. قابل ذکر است که آیه مورد بحث نیز مانند آیه سابق، از سفارشهای لاوی به برادرانش می باشد.

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۵ – ۵

۵ فرزندان یعقوب از وی تقاضا کردند یوسف (ع) را فراموش کرده و یاد او را از خاطر بزداید .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۸ – ۸،۱۲،۱۴

۸ فرزندان یعقوب با بیان تنگدستی و نداشتن بهای لازم برای خرید سهمیه خویش ، از یوسف (ع) خواستند جیره آنان را به طور کامل پرداخت کند .

مسّنا و أهلنا الضر و جئنا ببضعه مزجیه فأوف لنا الکیل

۱۲ فرزندان یعقوب از یوسف (ع) تقاضا کردند برادرشان بنیامین را به آنان باز گرداند .

و تصدق علینا

در اینکه مقصود فرزندان یعقوب از عطیه درخواستی چیست سه نظر ایراد شده است: ۱منظور بنیامین است که به ظاهر ملک یوسف(ع) می باشد. ۲ مقصود آنان مقداری بیش از سهمیه و جیره ایشان است. ۳مراد همان سهمیه است بدون دریافت همه بهای آن. برداشت فوق، ناظر به اولین احتمال است.

۱۴ برادران یوسف به دلیل سخت شدن معیشت بر خاندان یعقوب (ع) از او تقاضا کردند بیش از سهمیه سرانه ، آذوقه و غلات به آنان ببخشد .

مسّنا و أهلنا الضر . .. فأوف لنا الکیل و تصدق علینا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۷ – ۴،۸

۴ فرزندان یعقوب با لحنی ملتمسانه از وی خواستند برای آمرزش گناهانشان از خداوند ، طلب آمرزش کند .

یأبانا استغفر لنا ذنوبنا

تصریح فرزندان یعقوب به <یا أبانا> (ای پدر ما) برای جلب مهر و محبت و

برانگیختن عواطف اوست که از آن به <لحنی ملتمسانه> تعبیر شد.

۸ فرزندان یعقوب از او خواستند تا از آنان نزد یوسف (ع) شفاعت کند و گذشت از خطاهایشان را از وی بخواهد . *

یأبانا استغفر لنا ذنوبنا

نبودن <ربنا> در سخن فرزندان یعقوب (استغفر لنا ذنوبنا) در مقابل تصریح یعقوب(ع) به <ربی> در پاسخ آنان (سوف أستغفر لکم ربی) مبنای برداشت فوق است. تصریح یعقوب(ع) به اینکه تنها خداوند آمرزنده و مهربان است، می تواند مؤید این احتمال باشد.

خواسته های بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۳ - ۱۰

۱۰ بندگان خالص خداوند ، به هنگام رو به رو شدن با گفتار جاهلانه و بدور از ادب و منطق جاهلان ، از آنان خواستار سلامت و امنیت و همزیستی مسالمت آمیز می شوند .

و إذا خاطبهم الجهلون قالوا سلمًا

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که <سلاماً> مفعولٌ به برای فعل مقدر باشد; یعنی، <نتسلم منکم تسلیماً>. در این صورت <سلام> به جای <تسلیم> نشسته است.

خواسته های بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۵ - ۲،۳،۵،۱۳

۲ - بنی اسرائیل عصر موسی ، خواهان مشاهده خداوند شدند .

لن نؤمن لک حتی نری اللّه جهره

۳ - بنی اسرائیل ، تصدیق رسالت موسی را منوط به آشکارا دیدن خداوند کردند .

لن نؤمن لک حتی نری اللّه جهره

۵ – قوم موسی در پی کفر به او و تقاضای ناروایشان (دیدن خداوند) ، به هلاکت رسیدند .

لن نؤمن لک . .. فأخذتکم الصعقه

<اخذ> (مصدر اخذت)

به معنای گرفتن است و به قرینه آیه بعد کنایه از کشتن می باشد.

۱۳ - قوم موسی ، در پی تقاضای رؤیت خدا ، شاهد فرود آمدن صاعقه بر خود بودند .

فأخذتكم الصعقه و أنتم تنظرون

مفعول <تنظرون> (نگاه می کردید) فرود آمدن صاعقه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۴،۵،۶،۱۴،۱۵،۲۱

۴ - بنی اسرائیل ، از موسی (ع) خواستند تا رفع یکنواختی طعامشان را از درگاه خدا مسألت کند و آنان را به غذا های متنوع برساند .

لن نصبر علی طعام وحد فادع لنا ربک

به قرینه <لن نصبر . ..> مورد دعا بر طرف شدن یکنواختی خوراکیهاست و به دلیل <یخرج لنا ...> مورد دعا دستیابی به خوراکیهای گیاهی نیز هست. بنابراین بنی اسرائیل دو تقاضا داشتند: ۱ بر طرف شدن یکنواختی غذا; ۲ دستیابی به خوراکیهای گیاهی.

۵ - بنی اسرائیل ، از موسی (ع) خواستند تا برای رسیدن به خوراکی های گیاهی به درگاه خدا دعا کند .

فادع لنا ربک یخرج لنا مما تنبت الأرض

۶ - قوم موسی ، خواهان خوراکی های گیاهی و روییده شده از زمین بودند .

فادع لنا ربک یخرج لنا مما تنبت الأرض من بقلها و . .. بصلها

عبارت <مما تنبت الأرض> (آنچه از زمین برویانـدش) دلالت بر این دارد که: قوم موسی، خوراکیهایی را طلب می کردند که گیاهی بوده و محصول زمین باشد. اضافه شدن کلمات <بقل> و <بصل> به ضمیر <ها> - که به <الأرض> بر می گردد - (سبزیجات زمین و ... پیاز زمین)، بیانگر تأکید آنان بر زمینی بودن خوراکیهای درخواستی

است.

۱۴ – سبزیجات ، خیار ، گندم ، عدس و پیاز از خوراکیهایی که قوم موسی خواهان آن بودند .

یخرج لنا مما تنبت الأرض من بقلها و . .. بصلها

<فوم> به معنای گندم است. برخی از اهل لغت گفته اند که به معنای سیر نیز به کار می رود و نیز گفته شده که <فوم> به گندم و دیگر حبوباتی که با آن نان پخته شود اطلاق می گردد.

۱۵ – < منّ > و < سلوی > خوراکی بهتر در مقابل آنچه که قوم موسی در پی دستیابی به آن بودند .

قال أتستبدلون الذی هو أدنی بالذی هو خیر

<أدنی> از <دنو> و به معنای نزدیکتر است که به قرینه <خیر> مراد از آن پست تر می باشد. قابل ذکر است که برخی <أدنی> را از <دنائه> (پست) دانسته اند. بر این مبنا معنای حقیقی <أدنی> پست تر خواهد بود.

۲۱ – موسی (ع) در پی تقاضای قومش (درخواست خوراکی های زمینی) از آنان خواست تا به یکی از شهر ها در آیند و شهرنشینی را انتخاب کنند .

قال أتستبدلون . .. اهبطوا مصراً فان لکم ما سألتم

چنانچه ضمیر در <قال> به <ربک> برگردد، جمله <اهبطوا . ..> سخن خداوند است و اگر به موسی (ع) ارجاع شود، آن جمله گفته موسی(ع) خواهد بود. برداشت فوق به لحاظ احتمال دوم است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۶۸ – ۳

۳ – قوم موسی ، از وی خواستند تا مشخصه های گاوی را که باید ذبح شود از خداوند بخواهد و برای ایشان بیان کند .

قالوا

ادع لنا ربک یبین لنا ما هی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۹ - ۲

۲ - قوم موسی ، از وی تقاضا کردند تا رنگ گاوی را که باید ذبح شود ، از خداوند سؤال کند و برای ایشان بیان دارد .

قالوا ادع لنا ربّک یبین لنا ما لونها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۰ - ۱

۱ - قوم موسی ، بیان رنگ و سن گاو مورد نظر را مشخص کننده ندانسته و خواهان توضیح بیشتری درباره ویژگی های آن شدند .

قالوا ادع لنا ربّک یبین لنا ما لونها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۸ - ۶،۸،۱۰

۶ - بنی اسرائیل ، پرسش ها و درخواستهایی نابه جا از موسی (ع) داشتند .

کما سئل موسی من قبل

۸ - قوم موسی ، نمونه ای بارز از اقوام بهانه جو در برخورد با پیامبران و دارای توقعات و خواسته های بی جا از آنان

أم تریدون أن تسئلوا رسولکم کما سئل موسی من قبل

چون بعید به نظر می رسد که در میان امتهای گذشته، تنها قوم موسی پرسشها و درخواستهای نا به جا از پیامبرشان داشتند، می توان به این نتیجه رسید که: یاد کردن از قوم موسی، به خاطر رواج بیشتر این خصیصه در میان آنان بوده است.

۱۰ - درخواست ها و پرسش های نابه جای قوم موسی از وی ، آنان را به کفر ورزی کشانید و از ایمان به دور ساخت .

و من یتبدل الکفر بالأیمن

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۲ – ۳،۵

۳ خروج جباران از سرزمین مقدس ، شرط اعلام شده از سوی قوم موسی (ع) برای ورود به آن سرزمین

و إنّا لن ندخلها حتّی یخرجوا منها

۵ فتح سرزمین مقدس بدون مبارزه و درگیری ، انتظار نابجای قوم موسی (ع)

إنّا لن ندخلها حتّی یخرجوا منها فان یخرجوا منها فانا دخلون

آیه و سیاق آن، حکایت از تخطئه اندیشه قوم موسی(ع) (فتح سرزمین قدس بدون مبارزه) دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۴ – ۴،۵،۸،۱۱

۴ خروج جباران از سرزمین مقدس ، شرط اعلام شده از سوی بنی اسرائیل برای ورود به آن سرزمین

إنّا لن ندخلها ابداً ما داموا فیها

۵ فتح سرزمین مقدس بدون مبارزه ، انتظار نابجای قوم موسی (ع)

إنّا لن ندخلها ابداً ما داموا فیها

۸ بنی اسرائیل ، گستاخانه خواهان رهسپاری موسی (ع) و خدایش به نبرد با زورگویان سرزمین مقدس

قالوا . .. فاذهب انت و ربک فقتلا

۱۱ بنی اسرائیل ، با اعلام کناره گیری از نبرد ، خواستار معجزه موسی (ع) و امداد خاص الهی برای فتح سرزمین مقدس

فاذهب انت و ربک فقتلا

امدادهای الهی و معجزات موسی(ع) برای نابودی فرعونیان در حضور بنی اسرائیل، می تواند مؤید این احتمال باشد که مراد از <اذهب . ..>، توقع و درخواست امداد خداوند و معجزه موسی(ع) برای نابودی جباران است، به گونه ای که نیاز به جهاد و مبارزه نباشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه –

فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۸ - ۹،۱۰

۹ بنی اسرائیل از موسی خواستند تا خدایی مانند خدایان بت پرستان برای آنان قرار دهد .

اجعل لنا إلهاً کما لهم ءالهه

۱۰ بنی اسرائیل با مشاهده بت پرستان و کرنش آنان در برابر معبودهایی محسوس ، خواستار معبودی ملموس و محسوس شدند .

فأتوا علی قوم یعکفون علی أصنام لهم قالوا یموسی اجعل لنا إلهاً کما لهم ءالهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۷

۷ بنی اسرائیل با توسل به موسی (ع) خواستار برطرف شدن مشکل کمبود آب شدند .

إذ استسقه قومه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۶ - ۶،۷

۶ بنی اسرائیل ، خواهان هجرت از سرزمین مصر به سرزمین دیگر بودند .

و نجنا برحمتک من القوم الکفرین

۷ بنی اسرائیل ، در دعای خویش از خداوند خواستند : زمینه هجرتشان از سرزمین مصر به سرزمینی دیگر را فراهم کند .

و نجنا برحمتک من القوم الکفرین

جمله <و نجنا برحمتک من القوم الکافرین> به معنای (ما را از کافران خلاص نما) است و مقصود از آن می تواند درخواست هجرت به سرزمین دیگر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۷ - ۱۱

۱۱ – قوم خیرخواه قارون ، خواهان بسنده کردن وی به سهم خویش و صرف کردن مازاد آن در راه خدا

و لاتنس نصیبک من الدنیا

خواسته های بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۰ –

۱۴ از امـام بـاقر (ع) روايت شـده است : < . . . و إذا اراد المـؤمن شـيئاً او اشـتهى انمـا دعـواه فى هـا إذا أراد ، أن يقـول : < سبحانـك اللّهم > فـاذا قال ها تبادرت إليه الخـدم بما اشـتهى من غير ان يكون طلبه منهم أو أمر به و ذلك قول اللّه عز و جل : < دعواهم فى ها سبحانك اللّهم و تحيتهم فى ها سـلام > يعنى الخدام قال : < و آخر دعواهم أن الحمد للّه رب العالمين > يعنى بذالك عند ما يقضون من لذاتهم من الجماع و الطعام و الشراب يحمدون اللّه عز و جل عند فراغتهم . . . ;

. .. هر گـاه مؤمن [در بهشت] چيزى را اراده كرد يـا بـدان ميـل پيـدا كرد، دعا [و گفتار] او در آن جا اين است كه مى گـويـد: <سبحانک اللّهم>. پس وقتى اين ذكر را گفت، خادمان آنچه را او خواسته برايش حاضر مى كنند بدون اينكه آن را طلبيده يـا دسـتور داده باشـد و اين است معنـاى قول خـدا <دعواهم فيها سبحانک اللهم>. [و اينكه خـدا مى فرمايـد] <تحيتهم فيها سلاـم>; يعنى، تحيـت مؤمنــان در بهشـت، ســلام خادمـان بهشـتى اسـت. امـام فرمـود: <و آخر دعـواهم أن الحمــد لله رب العـالمين>; يعنى، مؤمنـان هنگامى كه از لـذت آميزش و خوردنيها و آشاميـدنيها، بهره منـد شدنـد، با گفتن <الحمـدللّه رب العالمين> خداى عزوجل را حمد مى گويند ... .

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۱ – انبياء – ۲۱ – ۱۰۲ – ۳

۳– بهشتيان ، غرق و جاودان در نعمت هاى دل

خواه خویش خواهند بود .

و هم فی مااشتهت أنفسهم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۹ - ۴

۴ - مؤمنان بهشتی ، خواستار مشاهده و قرائت شدن نامه اعمالشان در عرصه قیامت

فیقول هآؤُم اقرءوا کتبیه

<هآؤُم> اسم فعل امر و به معنای <خذوا> (بیایید بگیرید) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۶ - ۵

۵ - اندازه گیری و هندسه ظرف ها و جام های بهشتی و مقدار محتوای آنها ، به سفارش و خواسته خود بهشتیان است .

قدّروها تقدیرًا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که فاعل <قدّروا> خود ابرار باشد.

خواسته های بیجای مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۴ - ۴

۴ با نزول قرآن جایی برای نزول معجزات درخواستی مشرکان متصور نیست.

و لو أننا نزّلنا إلیهم . .. أفغیر الله أبتغی حکما و هو الذی أنزل إلیکم الکتب

به نظر می رسد جمله استفهامی توبیخی <أفغیر الله أبتغی . ..> به قرینه آیات قبل، تعریض به کسانی باشد که دلیل و معجزه ای غیر از قرآن طلب می کردند و جمله <و هو الذی أنزل ...> تتمیمی بر این تعریض است. یعنی با وجود قرآن جایی برای درخواستهای دیگر نمی ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۰ - ۵

۵ درخواست تسریع عذاب استیصال از سوی مشرکان ، خواسته ای نابخردانه و مایه شگفتی است .

إن أتیکم عذابه . .. ماذا یستعجل منه المجرمون

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲ - ۱۸،۹

۱ تکـذیب پیـامبر از سوی مشـرکان به خـاطر مطرح کردن قیـامت و نیز پیشـنهاد های نابه جای ایشان ، آن حضـرت را در خطر ترک و عدم ابلاغ برخی از آیات قرار داده بود .

فلعلّك تارك بعض ما یوحی إلیك و ضائق به صدرك أن یقولوا لولا أُنزل علیه كنز

روشن است که خوف و شـکی که <لعـلّ> دلالـت بر آن می کنـد به لحاظ متکلم (خداونـد) نیست; بلکه حاکی از خوف و تردید مخاطب (پیامبر) و یا موقعیت خاصـی است که هر انسانی احتمال ترک برخی از آیات را دور از انتظار نمی بیند. بنابراین <لعلك تارك ...> می رسانـد که پیامبر در شـرایطی بود که این خوف و احتمال وجود داشت که در ابلاغ برخی از آیات به تردید بیفتد و مصـلحت ببیند که آنها را موقتاً ابلاغ نکند تا شرایط و جو پیشامده تغییر کند. <أن یقولوا ...> به تقدیر <لام> و <لا> ی نـافیه (لأـن لایقولوا...) بیانگر علت و ریشه پدیـد آمـدن زمینه و شـرایط آن خوف و احتمال است. تفریع <لعلّك تارك...> بر آیه هفتم می رساند که تکذیب قیامت نیز می توانست در پدید آمدن آن شرایط مؤثر باشد.

۸ نزول فرشته ای همراه و همگام با پیامبر (ص) ، از پیشنهاد های مشرکان برای اطمینان به حقانیت آن حضرت

أن یقولوا لولا . .. جاء معه ملك

۹ پیشنهاد های نابه جای مشرکان و معجزه های درخواستی آنان ، موجب دلتنگی و ناراحتی پیامبر (ص) می شد .

و ضائق به صدرك أن یقولوا لولا أُنزل

علیه کنز أو جاء معه ملک

برداشت فوق ، بر این اساس است که: ضمیر در <به> به <أن یقولوا . ..> برگردد و به تعبیری دیگر <أن یقولوا ...> بدل برای ضمیر در <به> باشد; یعنی: و ضائق صدرک بأن یقولوا ....

خواسته های بیگانگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۸ - ۷

۷ بیگانگان ، خواهان گرفتاری جامعه ایمانی به رنج ، مشقّت و ضرر

ودّوا ما عنتّم

<ما> در <ما عنتّم>، مصدریّه است و <عنت> به معنای شدت گرفتاری و رنج است.

خواسته های پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۳ - ۶

۶ پادشاه مصر ، از معبّران و بزرگان دربار خواست تا رؤیای شگفتش را تعبیر کنند .

و قال الملک إنی أری . .. یأیها الملأ أفتونی

<ملأ> به معنای بزرگان است ، که به مناسبت مورد می توان گفت: مراد از آن در آیه شریفه ، خواب گزاران دربار است که از موقعیتی خاص برخوردار بودند و از بزرگان و دانشمندان محسوب می شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۳

۳ پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر رؤیایش ، خواهان حضور یوسف (ع) در نزد خویش شد .

و قال الملک ائتونی به

خواسته های پیروان طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۱ - ۱

۱ - پیروان طاغیان ، از خداوند می خواهند عذاب طغیان گران را در دوزخ دوچندان کند .

قالوا ربّنا من

قدّم لنا هذا فزده عذابًا ضعفًا فى النار

<ضعف> به معنای دوچندان است.

خواسته های جادوگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۳ - ۷

۷ ساحران پس از اعلام آمادگی برای مبارزه با موسی (ع) از فرعون خواستند تا در صورت پیروزی از پاداشی گران برخوردار شوند .

قالوا إن لنا لأجراً إن كنا نحن الغلبين

جمله <إن لنا . .. > استفهامی است و حرف استفهام مقدر می باشد. یعنی: إن لنا ... . نکره آمدن کلمه <أجراً> دلالت بر بزرگی و گرانسنگی پاداش دارد.

خواسته های جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۴ - ۱

۱ فرعون به خواسته ساحران (اعطای پاداش در صورت پیروزی) ، پاسخ مثبت داد .

ان لنا لأجراً . .. قال نعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۹

۹ صبر در برابر تحمل شکنجه های فرعون و تسلیم خدا بودن تا آخرین لحظه حیات ، درخواست ساحران مؤمن در دعا به درگاه خداوند

ربنا أفرغ علينا صبراً و توفنا مسلمين

خواسته های جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۸ - ۹

۹ - پیامبراکرم (ص) ، تحت فشار از سوی عناصر نابخرد برای پذیرش طرح ها و پیشنهاد های جاهلانه آنان

و لاتتّبع أهواء الذین لایعلمون

با توجه به تبعیت بی چون و چرای پیامبر(ص) از وحی، نهی <لاتتّبع> تعبیری کنایی برای بازداشتن دیگر مؤمنان خواهد بود و یا این که

فشارهای ناآگاهان جدی بوده و خداوند به پیامبر در این باره هشدار داده است برداشت یاد شده ناظر به دومین احتمال است.

خواسته های جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۰ - ۲

۲ - جهنم ، تقاضامند دریافت مجرمان هر چه بیشتر

و تقول هل من مزید

خواسته های جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۰ - ۱،۷

۱ دوزخیان با فریادی بلند از بهشتیان تقاضا می کنند که از آب های بهشت یا دیگر مواهب آن بر ایشان فروریزند .

و نادی اصحب النار . .. أن أفیضوا علینا من الماء او مما زرقکم اللّه

۷ تحریم روزی های بهشت بر اهل دوزخ ، دلیل خودداری بهشتیان از اهدای آب و دیگر مواهب درخواستی دوزخیان به ایشان

أن أفیضوا علینا . .. قالوا إن اللّه حرمهما علی الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۷

۱۷- آب های غلیظ و گداخته ، بسان گدازه مس ، پاسخی برای استغاثه و آب طلبی کافران در دوزخ است .

و إن یستغیثوا یغاثوا بماء کالمهل

<مهل> به معنای <درده روغن> و نیز <مس گداخته> است (مقاییس اللغه) و نیز به <خونابه ای که از لاشه مردار بیرون آید> گفته می شود. (قاموس) وصف آنان با عبارت <یشوی الوجوه> با معنای <مس گداخته> سازگارتر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۰۷ – ۴،۶

۴ – دوزخیان ، خواستار مجازات خویش در صورت بازگشت دوباره به گناه و

عصیان ، بعد از فرصت داده شده

ربّنا أخرجنا منها فإن عدنا فإنّا ظلمون

۶ - < و فی الحدیث أنّ أهل النار إذا دخلوها . . . < فقالوا ربّنا غلبت علینا شقوتنا و کنّا قومًا ضالّین ، ربّنا أخرجنا منها فإن عدنا فإنّا ظالمون > فیقفون أربعین سنه ذلّ الهوان لایجابون . . . ، ثم یجیبهم اللّه جلّ جلاله < اخسئوا فیها و لاتکلّمون > قال : فعند ذالک ییأسون من کلّ فرج و راحه و یغلق أبواب جهنّم علیهم . . . ;

در حدیث آمده است که جهنمیان آن گاه که وارد آتش می شوند [می گویند:]. ..<فقالوا ربّنا غلبت علینا شقوتنا و کنّا قومًا ضالّین...> پس چهل سال با ذلت و خواری توقف می کنند، در حالی که پاسخ داده نمی شوند... سپس خداوند جلّ جلاله جواب آنان را چنین می دهد: <اخسئوا فیها و لاتکلّمون>. امام(ع) فرمود: در این هنگام است که آنان از هر گونه گشایش و راحتی، مأیوس می گردند و درب های جهنم به روی آنها بسته می شود...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۳ - ۳

۳ تکذیب کنندگان قیامت ، به هنگام گرفتاری در تنگنای آتشین دوزخ ، مرگ و نابودی خویش را خواهند خواست .

و إذا أُلقوا منها مکانًا ضیّقًا مقرّنین دعوا هنالک ثبورًا

<ثبوراً> به معنای هلاکت است و <دعا> (ریشه <دعوا>) به معنای خواندن با صدای بلند است و مقصود از <دعوا> این است که تکذیب کنندگان قیامت، فریاد می کشند و مرگ را آرزو و طلب می کنند.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۸ - ۷

۷ - درخواست نجات از سوی دوزخیان ، به منظور انجام اعمال صالح ، صادقانه نبوده و آنان باز به رفتار زشت خود ادامه خواهند داد .

فما للظلمین من نصیر . إنّ اللّه علم غیب السموت و الأرض إنّه علیم بذات الصدور

یادآوری علم همه جانبه خداوند پس از نفی وجود یاور برای کافران می تواند پاسخی به این سؤال باشد که چرا و کجا آنان بی ناصراند؟ پاسخ این است که: چون خداوند به راز دل ها آشنا است، می داند که آنان هرگز ایمان نمی آورند و در نتیجه از نصرت و یاری کسی بهره مند نخواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۲ - ۷

۷ - < عن أبی عبداللّه (ع) قال : . . . < یوم التناد > یوم ینادی أهل النار أهل الجنّه أن أفیضوا علینا من الماء أو ممّا رزقكم اللّه . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده فرمود: <یوم التناد> روزی است که دوزخیان بهشتیان را صدامی زنند که از فیض آب ها یا آنچه را خدا به شما عطافرموده ما را مستفیض کنید. ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۹ - ۱

۱ - درخواست دوزخیان از نگهبانان جهنم ، مبنی بر شفاعت کردن نزد خداوند جهت تخفیف اندکی از عذابشان حتّی به مقدار یک روز

و قال الذین فی النار لخزنه جهنّم ادعوا ربّكم یخفّف عنّا یومًا من العذاب

خواسته های حوا

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۹ - ۱۰

۱۰ آدم (ع) و حوا با نیایش به درگاه خدا از وی خواستند تا فرزندی سالم و شایسته بقا به آنان عنایت کند .

دعوا اللّه ربهما لئن ءاتیتنا صلحاً لنکونن من الشکرین

صالح در لغت به کسی یا چیزی گفته می شود که فساد در آن نباشد. و مراد از آن به مناسبت مورد، فرزند سالم و مبرا از عیب و نقص است به گونه ای که استعداد زنده ماندن را دارا باشد. گفتنی است که جمله <فلما ءاتیهما صلحا ... > دلالت بر آن دارد که مراد از صالح، معنای متعارف در شرع (نیکوکار و پاکدامن) نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۰ - ۱

۱ خداوند با پذیرش درخواست آدم (ع) و حوا ، فرزندی سالم و شایسته به آنان عطا کرد .

دعوا اللّه ربهما لئن . .. فلما ءاتیهما صلحاً

خواسته های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۴ - ۳

۳ خداوند ، خواهان رسوایی و خواری منافقان در جامعه اسلامی ، حتی پس از مرگشان

و لاتصل علی أحد منهم مات أبداً و لاتقم علی قبره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۲ - ۴

۴ خداوند ، خواهان خارج نشدن انسان از حالت خوف و رجا

عسی اللّه یتوب علیهم

خداوند، به طور قطع نفرموده است که توبه آنان پذیرفته می شود; بلکه فرموده: امید است

که پذیرفته شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۸ – ۱۴

۱۴ خداوند ، خواهان توبه انسان های خطاکار و فراهم کننده زمینه توبه برای آنان

ثم تاب علیهم لیتوبوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۶ – ۶

۶ خداوند ، خواهان هدایت و توبه همه انسان ها حتی منافقان

أو لا یرون أنهم یفتنون . .. ثم لا یتوبون و لا هم یذّکّرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۴۱ – ۱۴

۱۴– آگاه شدن از فواید دنیوی هجرت در راه خدا و پاداش اخروی آن ، مورد تمنی خداوند

و الذین هاجروا . .. لو کانوا یعلمون

از جمله معناها و استعمالهای <لو> تمنی است و برداشت فوق بر این اساس است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۵۳ – ۴

۴– خداوند ، خواهان موضع گیری شایسته و سخن نیک انسان ، در قبال گفتار و برخورد های ناشایست دیگران

قل لعبادی یقولوا التی هی أحسن

در آیات قبل، سخن ناروای کافران در مسحور خواندن پیامبر(ص) ذکر شده است و در این آیه می فرماید: <شما بهترین را بگویید>. از مجموع این فرازها برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۱۰ - ۷

۷ - نعمت های خداوند ، فراتر از خواسته های او از انسان است .

فاوی . .. فأغنی ... فلاتقهر ... فلاتنهر

خداوند، در بیان نعمت هایش بر پیامبر(ص)، از پناه دادن و

ثروتمند ساختن آن حضرت سخن می گوید; ولی در مقابل او را تنها به مقهور نساختن یتیم و جواب رد ندادن به سائل مکلف می سازد. مقایسه این دو روش، و جنبه اثباتی و سلبی در آنها، بیانگر نکته یاد شده است.

خواسته های خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۰ - ۳

۳- خضر ، خواهان تعجیل نکردن موسی در فهم اسرار بود و او را بر متابعت بی چون و چرا از خود ، الزام نکرد .

حتّی أُحدث لکَ منه ذکرًا

خواسته های داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۱۱

۱۱ خداوند علومی را که مشیّت او اقتضا می کرد به داود آموخت .

و علّمه ممّا یشاء

خواسته های دشمنان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۵ - ۳

۳- انبیا و اقوام کافر مخالف آنان ، هر یک خواستار پیروزی بر یکدیگر شدند .

و استفتحوا

بنابر اینکه مرجع ضمیر <استفتحوا> هر دو گروه انبیا و اقوام کافر باشد، قرینه <و خاب کل جبّار عنید> حاکی است که هر کدام از آنان، در پی پیروزی بر دیگری بوده اند; اما اقوام کافر از پیروزی محروم شدند.

خواسته های دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۸ - ۱۱

۱۱ دنیاطلبان ، مردمانی دون همت

أرضیتم بالحیوه الدنیا من الأخره فما متع الحیوه الدنیا فی الأخره إلا قلیل

خواسته های رهبران ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵

- انعام - ۶ - ۱۲۴ - ۲

۲ درخواست رسالت و دریافت وحی، شرط بی جای سردمداران مجرم برای ایمان آوردن به پیامبر(ص)

و إذا جاءتهم ءایه قالوا لن نؤمن حتی نؤتی مثل ما أوتی رسل الله

خواسته های زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵ - ۸

۸- زکریا (ع) ، خواستار فرزندی صالح و جانشینی از نسل خود

فهب لی من لدنک ولیًّا

مراد زکریا از <ولیّاً> به قرینه <هب لی> و نیز <یرثنی. ..> در آیه بعد فرزند بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸ - ۲

۲- زکریا (ع) ، مایل بود بداند چگونه علی رغم مساعد نبودن شرایط طبیعی ، دارای فرزند خواهد شد .

أنّی یکون لی غلم . .. و قد بلغت من الکبر عتیًّا

تعبیر <أنّی یکون لی غلام> بیانگر اشتیاق زکریا به اطلاع یافتن بر چگونگی تحقق وعده الهی است، نه این که قدرت خداوند بر آن بعید شمرده باشد، او با توجه به موانع موجود، درخواست خود را مطرح کرده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۰ - ۱،۲

۱- زکریا (ع) خواستار نشانه ای از خداوند ، برای شناخت زمان آمادگی او و همسرش برای برخورداری از فرزند

قال ربّ اجعل لی ءایه

هدف زکریا از خواستن آیه و علامت، یا رفع تردید در صحت بشارت بوده و یا آمادگی برای رعایت آداب هم بستری و یا پرداختن به شکرگزاری و امثال آن. برای احتمال سوم در آیه

شاهدی وجود ندارد. برخی احتمال اول را نیز به دلیل نسبت دادن تردید به پیامبران، نپذیرفته و احتمال دوم را صحیح دانسته اند. برداشت یاد شده براین اساس است.

۲- زکریا (ع) ، خواهان علامت و نشانه ای بر الهی بودن بشارت تولد یحیی به وی *

قال ربّ اجعل لی ءایه

علامت خواهی زکریا ممکن است از آن جهت باشد که وی اطمینان یابد آنچه او دریافت داشته، وحی الهی بوده است و نه القاآت شیطانی; امکان تردید در این امور برای پیامبران با توجه به این نکته است که آنان تنها با امدادهای خداوند از آزار شیاطین و القاآت آنها مصون می ماندند و خداوند گاه با ارائه نشانه و گاه با وسیله دیگر آنان را مطمئن می ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۴ - ۱۱

۱۱- حضرت یحیی (ع) ، فرزند دلخواه زکریا (ع) و دارای اخلاق و رفتاری رضایت بخش

و کان تقیًّا . و برًّا بولدیه و لم یکن جبّارًا عصیًّا

برشمردن ویژگی های یحیی پس از بیان دعاهای زکریا که در آن آمده بود: <واجعله ربّ رضیّاً>، می تواند گویای مطابقت اوصاف یحیی، با خواسته زکریا باشد.

خواسته های زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۲۱،۳۲

۲۱ یوسف (ع) در پاسخ به دعوت و فرمان زلیخا ، خداوند را سزاوارتر برای اطاعت ، قدرشناسی و سپاس دانست .

قال معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای

۳۲ < عن علی بن الحسین (ع) : . . . فلما

راهق یوسف راودته إمرأه الملک عن نفسه . . . ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است: . .. چون حضرت یوسف در آستانه بلوغ جنسی قرار گرفت ، همسر پادشاه از او درخواست کرد که تا با او درآمیزد ...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳۱ – ۱۰

۱۰ زلیخا به منظور برخورد نکردن زنان دعوت شده با یوسف (ع) ، از او خواسته بود در اتاق های اندرونی ساختمان بماند .

و قالت اخرج علیهنّ

کلمه <خروج> به معنای از داخل به بیرون آمـدن است. بنابراین <اخرج علیهنّ> می رساند که یوسف(ع) هنگامی که زنان در مجلس ضیافت حاضر شدند، در مکانی بود که نسبت به مجلس آنان داخل حساب می شد ; یعنی، اگر مجلس پذیرایی در اتاق بیرونی بود زلیخا، یوسف(ع) را در اتاق اندرونی نگه داشته بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳۵ – ۱۱

۱۱ < عـن أبی جعفر (ع) فی قـوله : < ثم بـدا لهم من بعـد مـا رأوا الأیـات لیسـجننه حـتی حین > فالأیـات شـهاده الصـبی و القمیص المخرّق من دبر و استباقهما الباب حتی سمع مجاذبت ها إیّاه علی الباب فلما عصاها فلم تزل ملحّه بزوجها حتی حبسه . . . ;

از امام باقر(ع) درباره سـخن خـدا که فرمود: <ثم بـدا لهم . ..> روایت شـده است: آن نشانه ها گواهی کودک و پیراهن پاره شده از پشت و سبقت آن دو به طرف در بود، به گونه ای که شنیده شد آن زن پشت در، یوسف را

به طرف خود می کشد ; پس چون یوسف درخواست بانو را نپذیرفت به طور پیگیر به شوهرش اصرار نمود تا [شوهرش] او را زندانی کرد>.

خواسته های ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۷

۷ ساقی دربار ، از پادشاه و بزرگان دربار خواست وی را به زندان نزد یوسف (ع) بفرستند تا تعبیر خواب را از او جویا شود .

أنا أُنبّئکم بتأویله فأرسلون

حرف <ن> در <فأرسلون> نون وقایه و کسره آن، حاکی از <یاء> متکلم محذوف است. متعلق آن (إلی یوسف فی السجن) نیز به خاطر وضوحش، در کلام آورده نشده است. بنابر این <فأرسلون> ; یعنی: پس مرا به سوی یوسف(ع) - که در زندان است - بفرستید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۵

۵ ساقی دربار ، از یوسف (ع) خواست تا رؤیایی را که در آن هفت گاو لاغر دیده شده که هفت گاو چاق را می خورند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک دیده شده ، تعبیر کند .

أفتنا فی سبع بقرت سمان یأکلهنّ سبع عجاف و سبع سنبلت خضر و أُخر یابست

خواسته های سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۳ - ۱،۲،۳،۷

۱ - جنّیان در خدمت سلیمان (ع) ، هر چه او می خواست انجام می دادند .

و من الجنّ من یعمل بین یدیه . .. یعملون له ما یشاء

۲ - جنّیان برای سلیمان (ع) ،

طبق خواست او قصرهایی می ساختند .

یعملون له ما یشاء من محریب

<محاریب> جمع <محراب> (از ریشه <حرب>) است و آن به جایی گفته می شود که محل جنگ با دشمن است. این واژه، به قصرهایی اطلاق می شده که بر بالای آنها، جایگاه مخصوصی برای دفاع ساخته می شده است.

۳ - جنّیان برای سلیمان (ع) طبق خواست او محل هایی برای عبادت بنا می کردند .

یعملون له ما یشاء من محاریب

<محراب> (جمع <محاریب>) به معنای مسجد آمده است (مفردات راغب).

۷ - جنّیان ، طبق خواست سلیمان (ع) ، برای او کاسه های بزرگی به اندازه حوض می ساختند .

یعملون له ما یشاء من . .. و جفان کالجواب

<جفان> جمع <جفنه> است و آن به معنای ظرف غذا می باشد. <جواب> جمع <جابیه> و به معنای جمع کننده و دربردارنده است (مفردات راغب). گفتنی است که <جواب> به معنای حوض هم آمده است (لسان العرب).

خواسته های شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۲۵،۲۶

۲۵ شعیب (ع) پس از یأس از ایمان مردم کفرپیشه با دعا به درگاه خداوند از وی خواست تا بین او و کفرپیشگان قضاوت کند .

ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق و أنت خیر الفتحین

از معانی کلمه <فتح> داوری کردن و قضاوت نمودن است.

۲۶ شعیب (ع) در دعای خویش خواستار امداد های غیبی خداوند شد .

ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٨ – هود – ١١ – ٩٣ – ١

١ شعيب (

ع) از سر تهدید و هشدار ، از کفرپیشگان لجوج خواست تا همچنان بر مواضع نادرستشان پافشاری کنند .

و یقوم اعملوا علی مکانتکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۷۹ – ۲

۲ – شعیب (ع) ، خواهان اطاعت اصحاب ایکه از او ، به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری اش

إنّی لکم رسول أمین . فاتّقوا اللّه و أطیعون

برداشت یاد شده از تفریع <اتّقوا. ..> بر <إنّی لکم رسول> به دست می آید.

خواسته های شیطانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۱۹ – ۱۴

۱۴ آمال و آرزو ها ، زمینه اجرای خواسته های شیطان است .

و لامنینهم و لامرنهم فلیبتکن . .. فلیغیرن خلق اللّه

تقدیم جمله <و لامنیهم> (آنان را به خیال گرائی وا می دارم) بر جمله <لامرنهم> بیانگر آن است که شیطان ابتدا انسان را به آرزوهای توخالی وا می دارد و سپس اوامر خویش را به او القا می کند.

خواسته های صالح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۷۳ – ۲۰

۲۰ صالح از قوم خویش خواست تا ناقه را برای چریدن آزاد بگذراند .

فذروها تأکل فی أرض اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۳

۳ صالح (ع) از قوم خویش خواست تا نعمت خلافت و سکونت گزیدن در سرزمین حجر را نعمتی از جانب خدا بدانند و آن را همواره به خاطر داشته باشند .

و اذکروا إذ

جعلکم خلفاء من بعد عاد و بوأکم فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۴ - ۴

۴ صالح (ع) از قوم خویش خواست تا ناقه را برای چریدن آزاد بگذارند .

فذروها تأکل فی أرض الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۴ - ۲

۲ - صالح (ع) ، خواهان اطاعت ثمودیان از او به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری وی

إنّی لکم رسول أمین . فاتّقوا اللّه و أطیعون

تفریع <اتّقوا اللّه> بر<إنّی لکم رسول أمین> می تواند مفید این مطلب باشد.

خواسته های ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۴ - ۶

۶ - ستمکاران ، خواهان بازگشت به دنیا و جبران گناهان گذشته خود به هنگام مشاهده عذاب

و تری الظلمین لمّا رأوا العذاب یقولون هل إلی مردّ من سبیل

خواسته های عبدالله بن ام مکتوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۲ - ۳

۳ - ابن ام مکتوم ، خواهان فراگیری معارف قرآن بود .

فمن شاء ذکره

آیه شـریفه تلویحاً حاضـران مجلس پیامبر(ص) را به دو دسته تقسیم می کند و به قرینه آیات پیشین عبارت <من شاء> به ابن ام مکتوم نظر دارد.

خواسته های عزیز مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۸

۸عزیز مصر ، اداره امور یوسف (ع) را به همسرش زلیخا واگذار کرد ، و از او خواست

تا یوسف (ع) را گرامی داشته و منزلتش را پاس دارد .

لامرأته أکرمی مثویه

<مثوی> اسم مکـان و به معنـای منزل و اقامتگاه است. عبارت <أکرمی مثواه> ; یعنی ، منزل و مقامش را گرامی دار. اکرام منزل و اقامتگاه ، تأکید بر بزرگداشت شخصی است که در آن منزل اقامت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۹ - ۱،۳

۱ عزیز مصر از یوسف (ع) خواست تا ماجرای زلیخا را نادیده انگاشته و آن را مخفی سازد .

یوسف أعرض عن هذا

اعراض کردن از مـاجرای زلیخـا که مفاد عبارت <أعرض عن هـذا> است در حقیقت توصـیه به مخفی نگه داشـتن و نادیـده گرفتن است ، نه لب به شـکایت نگشودن ; زیرا اقـدام علیه زلیخـا بـا ملاـحظه موقعیت یوسف(ع) - که برده ای زرخریـد بوده ناسازگار است.

۳ عزیز مصر ، پس از روشن شدن خطای زلیخا ، از وی خواست استغفار کند و از گناه خویش پوزش بطلبد .

واستغفری لذنبک إنک کنت من الخاطئین

در جمله <اسـتغفری لذنبک> (برای گناهت طلب آمرزش کن) بیان نشده که زلیخا باید از چه کسی آمرزش بخواهد. برخی از مفسران گفته اند: مراد ، استغفار به درگاه خداوند است و برخی برآنند که مقصود ، پوزش خواستن از عزیز مصر می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۰ - ۱۰

۱۰ < عن علی بن الحسین (ع) : . . . فلما سمع الملک کلام الصبی . . . قال لیوسف : < أعرض عن هذا

. . . > و اكتمه قال : فلم يكتمه يوسف و أذاعه فى المدينه حتى قلن نسوه منهنّ إمرأه العزيز تراود فتاها عن نفسه . . . ;

از امام سجاد(ع) نقل شده است: . .. همین که پادشاه سخن کودك را شنید ... به یوسف گفت: از این ماجرا درگذر ... و آن را پوشیده بدار. [امام فرمود:] یوسف ماجرا را پوشیده نداشت و آن را در شهر منتشر کرد تا اینکه عده ای اززنان شهر گفتند: همسر عزیز غلام خود را به خویش دعوت کرده است ...>.

خواسته های فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۶ - ۲

۲ فرعون از موسی خواست چنانچه قادر به ارائه معجزه است ، آن را ارائه کند .

قال إن كنت جئت بئايه فأت بها

روشن است که در جمله های شرطیه نباید شرط و جزا از نظر مفهوم همانند باشد و نمی توان گفت: اگر آورده ای بیاور. بنابراین جمله <إن كنت جئت بايه> (اگر آیت و معجزه ای آورده ای) به این معناست: اگر قادر به ارائه معجزه هستی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۷ - ۱

۱ موسی (ع) در پاسخ فرعون (درخواست آیت رسالت) عصای خویش را ر ها ساخت .

فألقى عصاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۸ - ۱

۱ موسی (ع) در پی درخواست فرعون (آوردن معجزه) دومین آیت رسالت خویش را ارائه کرد .

إن كنت جئت

بئایه فأت بها . .. و نزع یده فإذا هی بیضاء للنظرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۵۸ – ۸،۱۰

۸ – فرعون از موسی (ع) خواست به وی اطمینان دهد که او نیز در میعادگاه حاضر خواهد شد .

و لا أنت

۱۰ – فرعون ، برای مقابله با معجزات موسی (ع) از او خواست مکانی مناسب و هموار را در نظر گیرد .

فاجعل . .. مکانًا سوًی

<مکاناً> بدل است برای <موعداً> و <سوی> به معنای مستوی است. <مکاناً سوی>; یعنی، زمینی که مسطح باشد. این وصف، آگاهی طرفین را بر آنچه انجام می گیرد، ممکن می سازد.

خواسته های فرعونیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۳۴ – ۲،۶،۱۰

۲ فرعونیان پس از گرفتار شدن به عذاب شدید ، رو به موسی (ع) آورده از وی خواستند تا برای برطرف شدن آن دعا کند .

و لما وقع علیهم الرجز قالوا یموسی ادع لنا ربک

۶ فرعونیان ، موسی (ع) را به منزلتش نزد خدا (مستجاب الدعوه بودنش) قسم دادند تا زوال عذاب را از خداوند درخواست کند .

ادع لنا ربک بما عهد عندک

<باء> در <بما عهد> در برداشت فوق، باء قسم گرفته شده است.

۱۰ فرعونیان با موسی (ع) پیمان بستند و سوگند یاد کردند که در صورت برطرف ساختن عذاب شدید از آنان ، به وی ایمان آورند و بنی اسرائیل را آزاد سازند .

لئن کشفت عنا الرجز لنؤمنن لک و لنرسلن معک بنی إسراءیل

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۵ - ۱

۱ موسی (ع) با پذیرش تقاضای فرعونیان (دعا برای رفع عذاب) ، برطرف شدن عذاب را از خداوند درخواست کرد .

فلما کشفنا عنهم الرجز

سیاق آیه نشان می دهد که جمله ای همانند <فدعا موسی فکشفنا عنهم الرجز> در تقدیر است که به سبب وضوحش در کلام آورده نشده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۴ - ۴۸

۴ - حضور با تمام قوا و با آرایش منظم و با هیبت ، طرح پیشنهادی فرعونیان برای قدرت نمایی در صحنه مقابله با موسی (ع)

فأجمعوا کیدکم ثمّ ائتوا صفًّا

۸ - فرعونیان ، پذیرش دعوت های موسی (ع) را ، به توان مندی او در آوردن سِحری بی نظیر مشروط کرده بودند .

و قد أفلح الیوم من استعلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۹ - ۶

۶ - درخواست عاجزانه فرعونیان از موسی (ع) ، در رفع عذاب از آنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۰ - ۱

۱ - پاسخ مثبت موسی (ع) به تقاضای فرعونیان و دعای او برای رفع عذاب از ایشان

ادع لنا ربّک . .. فلمّا کشفنا عنهم العذاب

از ارتباط این آیه با آیه قبل، استفاده می شود که در آیه شریفه ایجاز و حذفی صورت گرفته است. بدین صورت که آنان از حضرت موسی(ع) درخواست دعا کردند و او خواسته آنها

را اجابت نمود.

خواسته های قریش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۶۶ – ۴

۴ قریش و مشرکان از سر استهزا، خواهان عملی شدن عذاب موعود بر خود به دست پیامبر(ص) بودند.

و کذّب به قومك . .. قل لست علیکم بوکیل

چنانچه مرجع ضـمیر <به> در <کذب به> عذاب باشد، جمله <قل . .. > گویا پاسخی است به سؤال ضمنی مشرکان مبنی بر این که اگر عـذاب واقع شـدنی است بایـد پیـامبر(ص) آن را عملی سـازد. بنـابراین جمله <قل لست ... > قرینه ای است بر مطرح شدن سؤال از ناحیه مشرکان.

خواسته های قوم ابراهیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۶۱ – ۱

۱– بت پرستان ، خواهان احضار ابراهیم (ع) و بازجویی علنی از وی برای کشف شکننده بت ها

قالوا فأتوا به علی أعین الناس

خواسته های قوم ثمود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۶۳ – ۱۴

۱۴ کفرپیشـگان قوم ثمود از صالح (ع) می خواستند که از ادعای خویش دست بردارد و از فراخوانی مردم به توحید منصرف شود .

فمن ینصرنی من الله إن عصیته فما تزیدوننی غیر تخسیر

<فـاء> در <فمـا تزیـدوننی . ..> فای فصیحه است و حاکی از جمله ای مقـدر می باشـد و به قرینه <أتنهنا ...> در آیه قبل

مفاد آیه چنین است: بنابراین اگر به خواسته شما (ترک ابلاغ توحید) گردن نهم، شما جز خسارت زدن چیزی بر من نخواهید افزود.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۵۹ – ۱۱

۱۱– تقاضای قوم ثمود در اعطای معجزه مورد نظرشان (ناقه = شتر ماده) از سوی خداوند اجابت شد .

و ءاتینا ثمود الناقه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۵۴ – ۵

۵ – ثمودیان ، خواستار نشانه و معجزه ای از صالح (ع) برای پی بردن به صدق ادعای وی

فأت بئایه إن کنت من الصدقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۲۷ – ۲

۲ – قوم ثمود ، تقاضامند معجزه ای (ناقه) از صالح پیامبر (ع)

إنّا مرسلوا الناقه

جمله <إنّا مرسلوا الناقه> در مقام وعده و اخبار از آینده است. <الف و لام> در <الناقه> برای عهد بوده و اشاره به همان معجزه مورد درخواست قوم ثمود دارد.

خواسته های قوم عاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۷۰ – ۱۱

۱۱ قوم عاد با ناباوری به صداقت و راستگویی هود ، از وی خواستند تا تهدید های خویش را تحقق بخشد .

فأتنا بما تعدنا إن کنت من الصدقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۴ - ۵

۵- قوم عاد ، گرفتار کم آبی و چشم انتظار نزول باران قبل از گرفتار شدن به عذاب *

قالوا هذا عارض ممطرنا

از تعبیر <هذا عارض ممطرنا>، استفاده می شود که آنان در انتظار باران بودند; چه این که اگر انتظار آن را نداشتند، بی تفاوت بدان می نگریستند.

خواسته

های قوم لوط

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۲۹ – ۱۱

۱۱ – تنها پاسخ قوم لوط به لوط (ع) در برابر سرزنش و وعده عذاب ، درخواست نزول عذاب بود .

فما کان جواب قومه إلاّ أن قالوا ائتنا بعذاب اللّه

خواسته های قوم نوح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۳۲ – ۴

۴ کفرپیشگان قوم نوح ، از او خواستند که به بحث و مناظره با آنان پایان دهد و تهدید های خویش را تحقق بخشد .

قالوا ینوح قد جدلتنا فأکثرت جدلنا فأتنا بما تعدنا

جمله <فأکثرت جدالنا> (با ما بسیار مناظره کردی) به قرینه تفریع جمله <فأتنا بما تعدنا> بر آن کنایه از این است که دلیل و برهان آوردن کافی است ، به این امر پایان ده.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۳۳ – ۳،۹

۳ نوح (ع) در پاسخ به عذاب طلبی کفرپیشگان ، نزول عذاب را در گرو مشیت الهی دانست و گریز از عذاب های الهی را غیرممکن شمرد .

قال إنما یأتیکم به الله إن شاء و ما أنتم بمعجزین

۹ پاسخ نوح (ع) به عذاب طلبی کفرپیشگان ، پاسخی آمیخته با درس توحید و خداشناسی بود .

فأتنا بما تعدنا . .. قال إنما یأتیکم به الله إن شاء و ما أنتم بمعجزین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۳۴ – ۱

۱ نوح (ع) ، در پی درخواست قومش

(تحقق بخشیدن به عذاب های موعود) از ایمان آوردن آنان سخت به تردید افتاد .

فأتنا بما تعدنا . .. قال ... لاینفعکم نصحی إن أردت أن أنصح لکم

خواسته های کارگزاران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۱۱ – ۵

۵ سران دربار فرعون از وی خواستند با تأخیر مجازات موسی و هارون موافقت کرده و ساحران زبردست و کاردان را از اطراف و اکناف احضار کند .

و أرسل فی المدائن حشرین

<حشرین> به معنای جمع کنندگان و کوچ دهندگان است و مفعول آن به قرینه آیه قبل و بعد <ساحرین> می باشد و خود <حشرین> مفعول برای <أرسل> است. بنابراین جمله <أرسل ... > یعنی: نیروهایی را برای جمع آوری و گسیل ساحران بسیج کن.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۱۲ – ۳

۳ احضار همه ساحران زبردست برای مبارزه با موسی (ع) ، درخواست اشرافیان دربار فرعون از فرعون

یأتوک بکل سحر علیم

خواسته های کارگزاران یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۴ – ۲

۲ کارگزاران یوسف از متهمان (فرزندان یعقوب) خواستند ، تا خودشان کیفر سارق جام پادشاه را تعیین کنند .

قالوا فما جزؤه إن کنتم کذبین

ضمیر در <جزاؤه> به سارق جامی شاهی ، که از جمله های قبل استفاده می شود ، برمی گردد.

خواسته های کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۸ – ۱،۴،۶

۱ مشاهده نزول فرشتگان بر پیامبر(ص)،

درخواست نابجا و بهانه جویانه کافران

و قالوا لو لا أنزل علیه ملک و لو أنزلنا ملکا لقضی الأمر

۴ کفرپیشگان حتی با نزول کتابی ملموس بر پیامبر(ص)، ایمان نمی آورند و خواهان نزول فرشتگان می شوند.

و لو نزلنا علیک کتبا فی قرطاس فلمسوه بأیدیهم لقال . .. و قالوا لو لا أنزل علیه م

بر اساس این احتمال که <قالوا> بر جواب <لو> در آیه قبل عطف شده باشد.

۶ ناآگاهی کافران از عواقب هلاکتبار درخواست نزول آشکار ملائکه

و لو أنزلنا ملکا لقضی الأمر ثم لا ینظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹ - ۲

۲ درخواست نزول فرشته به عنوان پیامبر، از بهانه های کفرپیشگان

و لو جعلنه ملکا

جمله <و لو جعلناه ملکا . .. >، می تواند منقطع از آیه قبل بوده و جواب از درخواست دیگر کفار، که فرستادن فرشته به عنوان پیامبر است، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰ - ۵

۵ استهزای کفار نسبت به پیامبر اکرم(ص)، با درخواست نزول کتاب ملموس و مشاهده فرشتگان

و لو نزلنا علیک کتبا فی قرطاس فلمسوه . .. و لقد استهزیء برسل من قبلک

یادآوری استهزا شدن انبیای گذشته برای تسلی پیامبر(ص)، پس از بیان بهانه جوییها و توقّعات بیجای کافران چنین می نماید که همین بهانه جوییها، از مصادیق استهزاگری کافران در مورد رسولان الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۴ - ۱

۱- پافشاری مشرکان بر شرک خود ، پیامبر (ص) را آماده درخواست عذابی

سریع برای آنان کرده بود .

فلاتعجل علیهم إنّما نعدّ لهم عدًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۱،۲،۳

۱ فرود آمدن گنجی از آسمان برای پیامبر (ص) جهت تأمین زندگی او ، انتظار بی جای مشرکان و کافران

و قالوا . .. أو یلقی إلیه کنز

انتظار کافران و مشرکان به فرود آمدن گنجی برای پیامبر(ص) به قرینه سخن قبلی آنان که کار و داد و ستد در بازار را خلاف شأن پیامبری می دانستند به منظور تأمین معاش آن حضرت بوده است.

۲ داشتن باغی پوشیده از درختان با ثمر برای تأمین نیاز های غذایی و معیشتی خویش ، توقع بی جای مشرکان در باره پیامبر (ص)

و قالوا. .. أو تکون له جنّه یأکل منها

۳ ارائه معجزه ای محسوس و قابل رؤیت ، توقع مشرکان از پیامبر (ص) جهت اثبات درستی ادعای نبوت خویش *

أو یلقی إلیه کنز أو تکون له جنّه یأکل منها

درخواست و انتظار فرود آمدن گنجی برای پیامبر(ص) و یا داشتن باغ های پرثمر که امری محسوس و مملوس است می تواند به این خاطر باشد که کافران، به دنبال معجزه ای محسوس و قابل رؤیت از پیامبر(ص) بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۰ - ۳

۳ خداوند ، توانا بر مهیّا ساختن باغ هایی با نهر های روان برای پیامبر (ص) به مراتب بهتر از آنچه که مشرکان توقع آن را برای پیامبر (ص) داشتند .

أو تکون

له جنّه يأكل منها . .. تبارك الذى إن شاء جعل لك خيرًا من ذلك جنّت تجرى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۲ - ۲

۲ كافران ، متوقف كردن دعوت به اسلام و محدود ساختن آن را ، از پيامبر (ص) خواستار شدند .

و لو شئنا لبعثنا فى كلّ قريه نذيرًا . فلاتطع الكفرين

با توجه به معناى لغوى <طاعت> (عمل كردن به آنچه كه از انسان خواسته شده است) مى توان برداشت ياد شده را به دست آورد; زيرا آنچه كه كافران از پيامبر(ص) خواسته بودند با توجه به آيه قبل كه سخن از جهانى بودن رسالت پيامبراسلام(ص) بود و آيه شريفه متفرع بر آن شده (فلاتطع الكافرين) مى تواند توقف و محدود شدن رسالت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۳ - ۱،۳

۱ - كافرانِ منكرِ آيات الهى ، از پيامبر (ص) خواهانِ تعجيل در عذاب خود بودند .

و يستعجلونك بالعذاب

۳ - كافران منكر آيات الهى ، بر عذاب خواهى خود از پيامبر (ص) ، مصرّ بودند و بر آن پافشارى مى كردند .

و يستعجلونك بالعذاب

فعل مضارع <يستعجلون> دلالت بر استمرار و پافشارى دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۴ - ۱،۳

۱ - كافران منكر آيات الهى ، از پيامبر (ص) خواستار تعجيل در عذاب خود بودند .

يستعجلونك بالعذاب

۳ - كافران منكر آيات الهى ، بر عذاب خواهى خود از پيامبر (ص) پافشارى مى

کردند .

یستعجلونک بالعذاب

فعل مضارع <یستعجلون> بر استمرار و اصرار، دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۴ - ۳

۳ - کافران ، از روی ناباوری خواستار تعجیل در برپایی قیامت

یسئلون أیّان یوم الدین . .. هذا الذی کنتم به تستعجلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۹ - ۸

۸ - تعجیل کافران در نزول عذاب ، ناشی از بی توجهی آنان به نابودی یاران گذشته خویش

فإنّ للذین ظلموا ذنوبًا مثل ذنوب أصحبهم فلایستعجلون

از <فلایستعجلون> استفاده می شود که کافران، ناباورانه تقاضای عذاب می کردند و آنها اگر آنان به راستی در سرنوشت یاران گذشته خویش تأمل می کردند، هرگز چنین ناباورانه مجازات الهی را به استهزا نمی گرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۷ - ۴

۴ - کافران و منکران معاد ، خواستار تحقق سریع وعده برپایی قیامت

و یقولون متی هذا الوعد . .. و قیل هذا الذی کنتم به تدّعون

<تدّعون> می تواند از ماده <دعا> باشد. در این صورت به معنای <تطلبون> (درخواست می کردید) خواهد بود. برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۸ - ۳

۳ – سازش و دست برداشتن از مواضع عقیدتی ، درخواست کافران تکذیب گر از پیامبر (ص) بود .

فلاتطع المکذّبین

آیه بعد، قرینه است که مورد اطاعت، سازش بر سر مواضع عقیدتی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴

- ۵۲ - ۵

۵ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < بل یرید کلّ امریء منهم أن یؤتی صحفاً منشّره > و ذلک أنّهم قالوا : یا محمد قد بلغنا أنّ الرجل من بنی اسرائیل کان یذنب الذنب فیصبح و ذنبه مکتوب عند رأسه و کفّارته ، فنزل جبرئیل علی النبیّ (ص) و قال : یسألک قومک سنّه بنی إسرائیل فی الذنوب فإن شاؤوا فعلنا ذلک بهم و أخذناهم بما کنّا نأخذ به بنی إسرائیل . . . ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <بل یرید کلّ امریء منهم أن یؤتی صحفاً منشّره> روایت شده که آنان [به رسول خدا]گفتند: ای محمد! به ما خبر رسیده که مردی از بنی اسرائیل، گناهی مرتکب می شد و از خواب برمی خاست، در حالی که گناهش در بالای سرش همراه با کفّاره آن نوشته شده بود. سپس جبرئیل بر رسول خدا(ص) نازل شد و فرمود: قومت از تو می خواهند، همان سنّت بنی اسرائیل در مورد گناهان درباره آنان جاری شود، اگر آنان بخواهند ما درباره آنان انجام می دهیم و آنان را گرفتار می کنیم; به همان عذابی که بنی اسرائیل را گرفتار می کردیم...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۳ - ۲

۲ - نازل شدن نامه ای سر گشاده از سوی خداوند ، برای یکایک انسان ها در اثبات رسالت پیامبر (ص) ، درخواستی نابجا و غیرمنطقی

بل یرید کلّ امریء منهم . .. کلاّ

خواسته های کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵

- انعام - ۶ - ۸ - ۱

۱ مشاهده نزول فرشتگان بر پیامبر(ص)، درخواست نابجا و بهانه جویانه کافران

و قالوا لو لا أنزل علیه ملك و لو أنزلنا ملکا لقضی الأمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۰ - ۳

۳ کفرپیشگان عصر بعثت علی رغم نزول پی در پی آیات و سوره های قرآن خواستار نزول معجزه ای دیگر بودند .

و یقولون لو لا أنزل علیه ءایه من ربه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۷ - ۲،۷

۲ کافران هماره خواستار معجزه ای جز قرآن برای باور به حقانیّت رسالت پیامبر (ص)

یقول الذین کفروا لولا أُنزل علیه ءایه من ربه

به کـارگیری فعل مضارع (یقول) به جای فعل ماضـی (قال) برای رسانـدن این معناست که کافران سـخن مـذکور را نه تنها در گذشته مدعی شده اند که در آینده نیز خواهند گفت و بر آن اصرار خواهند ورزید.

۷ ارائه معجزه درخواستی کفرپیشگان خارج از مسؤولیت پیامبر (ص) بود .

لولا أُنزل علیه ءایه من ربه إنما أنت منذر

جمله <إنما أنت منذر> حاکی از حصر است و حصر در آن اضافی و در قیاس با ارائه معجزه است. بنابراین آن جمله حاوی دو معناست: ۱ تو انذار دهنده ای ; ۲ ارائه معجزه کار تو نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۷ - ۲

۲ کافران خواستار معجزه ای جز قرآن برای باور به حقانیّت رسالت پیامبر (ص) و پذیرش توحید

و یقول

الذین کفروا لولا أَنزل علیه ءایه من ربه

جمله <إن الله یضل من یشاء و یهدی . ..> قرینه بر این است که کافران مشاهده معجزه از پیامبر(ص) را برای هدایت شدن و پذیرش رسالت پیامبر(ص) که سرلوحه آن توحید است می خواستند ; یعنی، می گفتند: اگر معجزه ای ارائه کنی، رسالت تو را می پذیریم و به توحید می گرویم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۹ - ۳

۳- مشرکان و کفار ، معجزات متعددی را از پیامبراکرم (ص) درخواست کردند .

و ما منعنا . .. إلاّ أن کذّب بها الأوّلون

از اینکه خداوند با صراحت تمام به مشرکان می گوید: <ما هر چه معجزه برای پیشینیان فرستادیم، آنها را تکذیب کردند و این مانع ارسال معجزه شد> نشان می دهد که مشرکان صدراسلام، درخواستهای متعدد و مکرری برای معجزه داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۶ - ۱

۱ - مشرکان و کافران صدراسلام ، خواهان مشاهده عذاب الهی بودند .

أفبعذابنا یستعجلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۹ - ۷

۷ - کافران عصر بعثت ، درخواست کننده عذاب الهی ، از سر استهزا و ناباوری

للذین ظلموا ذنوبًا . .. فلایستعجلون

نهی الهی (فلایستعجلون) می رساند که کافران، ناباورانه تقاضاکننده نزول عذاب بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱ - ۱

۱ - گروهی از کافران عصر بعثت ، خواستار شتاب در نزول عذاب الهی در دنیا

سأل

سائل بعذاب واقع

به گفته مفسران، سؤال در این آیه، به معنای طلب و دعا است; ازاین رو بهوسیله <با> متعدی شده است; یعنی، <دعا داع بعذاب واقع>.

خواسته های کافران ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۵ - ۴

۴- کافران ظالم ، پس از مشاهده عذاب الهی و قطعیت کیفر ، خواهان تخفیف و تأخیر مجازات خویشند .

فلایخفّف عنهم العذاب و لا هم ینظرون

تذکر الهی به عدم تخفیف عذاب و دادن مهلت به ظالمان، اشاره ای به تخفیف و مهلت خواهی آنان دارد.

خواسته های کافران قبل از اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۳ - ۶

۶- کافران عصر های پیش از اسلام ، در انتظار آمدن فرشتگان و یا نزول امر ویژه ای از سوی خداوند جهت تأیید حقانیت کتاب آسمانی خود بودند .

و إذا قیل لهم ماذا أنزل ربّکم قالوا أسطر الأولین . .. قد مکر الذین من قبلهم ...

خواسته های کافران قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۷ - ۴

۴ کفرپیشگان قوم ثمود پس از کشتن ناقه صالح ، از وی خواستند تا تهدیدش (نزول عذاب دردناک) را به اجرا گذارد .

قالوا یصلح ائتنا بما تعدنا إن کنت من المرسلین

مراد از <ما تعدنا> عذابی است که در آیه ۷۳ (فیأخذکم عذاب ألیم) بیان شده است.

خواسته های کافران مدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۸۹ – ۶

۶ شعیب (ع

) در آخرین پاسخ خویش به خواسته کافران مدین ، بازگشت خود و همگامانش را به آیین شرک امری ناممکن دانست .

و ما یکون لنا أن نعود فیها إلا أن یشاء اللّه ربنا

جمله <ما یکون لنا . .. > که حکایت از عدم امکان بازگشت به آیین شرک دارد، هم می تواند به معنای عدم امکان تکوینی باشد و هم می تواند مراد از آن عدم امکان تشریعی (ناشایست بودن و جایز نبودن) باشد. برداشت فوق براساس احتمال اول است. گفتنی است که بر مبنای اول، مشیت الهی (إلا أن یشاء اللّه) مشیت تکوینی است و بر اساس احتمال دوم، مشیت الهی، مشیت تشریعی است.

خواسته های کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷ - ۱،۳

۱- کافران مکه ، از پیامبر (ص) خواستار آوردن فرشتگان برای تصدیق نبوت آن حضرت بودند .

قالوا . .. لو ما تأتینا بالملئکه إن کنت من الصدقین

<لو ما> مانند <هلا> و <لولا> برای تحضیض است.

۳- کافران مکه ، از پیامبر (ص) خواستار آوردن ملائکه به عنوان معجزه بودند .

لو ما تأتینا بالملئکه إن کنت من الصدقین

آوردن ملائکه توسط پیامبر(ص) که مورد درخواست کفار بود احتمال دارد برای تصدیق نبوت پیامبر(ص) باشد و احتمال دارد معجزه درخواستی باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸ - ۳،۴

۳- درخواست کافران مکه ، برای آوردن ملائکه توسط پیامبر (ص) ، درخواستی نابه جا و باطل بود .

لو ما تأتینا بالملئکه

. .. ما ننزّل الملئکه إلّا بالحقّ

جمله <ما ننزل الملائکه إلّا بالحق> حصری و احترازی است و کنایه از این است که درخواست کفار نابه جاست.

۴- درخواست نزول ملائکه ، جهت اثبات حقانیت ادعای پیامبر (ص) از سوی کافران مکه ، بهانه ای بیش نبود .

لو ما تأتینا بالملئکه . .. ما ننزّل الملئکه إلّا بالحقّ

قیـد <إلّابالحق> می تواند احترازی باشد; یعنی، نزول فرشـتگان تنها در صورت وجود مصـلحت و حکمت تحقق پذیر است، در حـالی که در تقاضـای کفـار چنین مصـلحتی نیست. مضافاً به اینکه <إذاً منظرین> نیز دلالت می کنـد بر اینکه آنان، حتی پس از آمدن ملائکه هم حقانیت پیامبر(ص) را نمی پذیرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۳ - ۲

۲- کافران حق ناپذیر مکه ، در انتظار معجزه آمدن فرشتگان و یا امر ویژه ای از جانب خداوند برای تأیید حقانیت قرآن بودند

و إذا قیل لهم ماذا أنزل ربّکم قالوا أسطر الأولین . .. هل ینظرون إلّا أن تأتیهم

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمـال است که عبـارت <تـأتیهم الملائکه أو یـأتی أمر ربک> (ملائکه برای آنان بیایـد و یا امر پروردگـارت بیایـد) به قرینه آیـات سـابق که دربـاره قرآن کریم بود بر آمـدن ملائکه یا امر خداونـد جهت تأییـد قرآن دلالت داشته باشد.

خواسته های لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۱ - ۳،۴،۵،۷

۳ لاوی از برادرانش خواست ، به پـدرشان تفهیم کننـد که به دزدی بنیـامین اطمینـان پیـدا کردنـد و گزارش و شـهادت آنـان عالمانه است .

إن ابنک

سرق و ما شهدنا إلّا بما علمنا

در اینکه مراد از شـهادت در <ما شـهدنا> چیست، چند نظر ابراز شده است. از جمله آنهاست همین شـهادت برادران یوسـف نزد یعقوب به دزدی کردن فرزنـدش بنیامین (إن ابنک سـرق). بر این اساس مفاد جمله <ما شـهدنا ...> چنین می شود: آنچه هم اکنون در نزد تو می گوییم (إن ابنک سرق) شهادتی است از روی علم و ما بدان اطمینان و یقین داریم.

۴ لاوی به برادرانش سفارش کرد ، دسته جمعی به حضور پدر برسند و همگان بر دزدی بنیامین شهادت دهند .

ارجعوا إلی أبیکم فقولوا . .. ما شهدنا إلّا بما علمنا

تصریح لاوی به صیغه های جمع <قولوا> و <ما شهدنا> و <علمنا> گویای برداشت فوق است.

۵ لاوی از برادرانش خواست ، گزارش سفر و دزدی بنیامین را با لحنی مشفقانه ، به پدر بیان کنند .

یأبانا

تصـریح لاوی به اینکه در ابتـدای سـخن پدر را با جمله <یأبانا> مخاطب قرار دهید ، رساننده این است که به گونه ای سـخن بگویید که شفقت او را بر خویش جلب کنید.

۷ لاوی از برادرانش خواست برای پدرشان بیان کنند که بنیامین در نهان و به دور از چشم آنان دزدی کرد .

و ما کنا للغیب حفظین

در معنـای جمله <و ما کنا . ..> چنـد نظر ابراز شـده است. با توجه به اطمینان برادران یوسف به دزدی بنیامین که جمله <إن ابنـک سـرق> گویـای آن است، این معنـا به نظر روشن تر می رسـد که: ما نمی توانستیم آنچه را در غیاب و به دور از چشـم انجام می گیرد، نگهبان باشیم ; یعنی، دزدی بنیامین در نهان انجام

گرفت. از این رو نتوانستیم او را باز داریم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۲ - ۶

۶ لاوی از برادرانش خواست نزد پدر بر راستگویی خویش در سرقت بنیامین تأکید کنند .

و إنا لصدقون

خواسته های لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۷،۱۷

۷ لوط (ع) ، با پیشنهاد ازدواج مهاجمان با دخترانش ، از آنان خواست تا از کردار ناشایست لواط و تعرض به مهمانانش برحذر باشند .

یقوم هؤلاء بناتی هنّ أطهر لکم

۱۷ لوط (ع) از مهاجمان تبه کار خواست تا متعرض مهمانانش نشده و او را خوار و بی مقدار نسازند .

و لاتخزون فی ضیفی

اخزاء (مصدر لاتخزون) به معنای خوار ساختن و رسوا کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۲۵

۲۵ لوط (ع) از فرشتگان خواست تا در عذاب قومش تعجیل کنند . *

إن موعدهم الصبح ألیس الصبح بقریب

استفهام در <ألیس . ..> تقریری است و هدف از آن، اقرار و اعتراف مخاطب به مضمون جمله ای است که پس از آن واقع می شود. اقرار و اعتراف گرفتن از لوط(ع) بر اینکه هنگام فرا رسیدن عذاب قومش نزدیک است، می رساند که وی خواهان تعجیل در عذاب آن قوم بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۲ - ۲

۲- حضرت لوط (ع) پس از ورود فرشتگان به محضر ایشان ، از آنان خواستار معرفی خود

گردید .

قال إنكم قوم منكرون

عبارت فوق اگرچه اخباری است، ولی كنايه از درخواست معرفی است و جواب ملائكه كه در آيه بعد آمده است مؤيد نكته فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۰ - ۴

۴- قوم لوط در پاسخ به درخواست حضرت لوط (ع) مبنی بر اجتناب از هتك آبروی وی ، خود او را مقصر اصلی آن معرفی كردند .

فلاتفضحون . .. و لاتخزون. قالوا أو لم ننهك عن العلمين

اينكه قوم لوط در جواب درخواست او و برای اجتناب از ايجاد فضاحت و آبروريزی گفتند: تو را از پيش از پذيرش هرگونه مهمان بيگانه منع كرده بوديم، حكايت از اين نكته می كند كه آنان با اين بيان، می خواستند مقصر اصلی چنين عملی را خود او معرفی كنند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۳ - ۴

۴ - لوط (ع) ، خواهان اطاعت قومش از او به دليل آشكار بودن صداقت و امانت داری وی

فاتّقوا اللّه و أطيعون

تفريع <اتّقواللّه> بر <إنّی لكم رسول أمين> بيانگر مطلب ياد شده است.

خواسته های مادی مشركان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۰ - ۶

۶- مشركان ، حتی در صورت برآورده شدن خواسته های مادی شان و دارای امكانات فراوان بودن ، از انفاق آن إبا می كردند . *

لن نؤمن لک حتی تفجر لنا . .. قل لو أنتم تملکون خزائن رحمه ربّی إذًا لأمسکتم

اینکه خداوند در آیات قبل، خواسته های مادی مشرکان (برخورداری

از چشمه و . ..) را از پیامبر(ص) مطرح کرد و در این آیه، از بخل آنان در صورت برخورداری از امکانات فراوان سخن می گوید، می تواند به خاطر نکته یاد شده باشد.

خواسته های متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۹

۹ - متخلفان از سفر حدیبیه ، معترف به گناه خویش و متقاضی عفو و استغفار پیامبر (ص)

سیقول لک المخلّفون من الأعراب . .. فاستغفر لنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۲

۲ - تمایل متخلّفان از سفر حدیبیه ، به شرکت در جنگ خیبر برای دستیابی به غنایم و یا پوشاندن گذشته خود

سیقول المخلّفون إذا انطلقتم إلی مغانم . .. ذرونا نتّبعکم

هدف متخلّفان از شرکت در جنگ خیبر، یا رسیدن به غنایم و یا توجیه گذشته تاریک خود بود. تعبیر <إلی مغانم>، بیانگر نکته اول و <یریدون أن یبدلّوا...> حاکی از نکته دوم است.

خواسته های محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۱ - ۱

۱ پیامبر (ص) از سر تهدید و هشدار از کفرپیشگان لجوج خواست تا همچنان بر مواضع ناصوابشان پافشاری کنند .

و قل للذین لایؤمنون اعملوا علی مکانتکم إنا عملون

<اعملوا> امری است که به داعی تهدید و هشدار ایراد شده است و <مکانه> به معنای توان و قدرت و نیز به معنای مکان و جهت آمده است. بر اساس معنای نخست <اعملوا ...>; یعنی، هر اندازه توان دارید عمل کنید و کوتاهی

نکنید و بر اساس دومین معنا; یعنی، بر همان جهت و موضعی که اتخاذ کرده اید عمل کنید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۱۴ – ۹

۹ – نزول سریع تر تمامی قرآن و تکمیل زودرس مجموعه آیات آن ، خواسته قلبی پیامبر (ص) بود .

و لاتعجل بالقرءان من قبل أن یقضی إلیک وحیه

در وجه نزول این آیه، دیدگاههایی وجود دارد: ۱ پیامبر(ص)، همراه قرائت جبرئیل، آیات را قرائت می کرد تا به دریافت کامل آن اطمینان یابد. ۲ پیامبر(ص) پیش از روشن شدن معنای آیات، آن را بر اصحاب املا می فرمود. ۳پیامبر(ص) خواستار نزول تمامی قرآن درزمانی کوتاه تر بود. و چون تعبیر <القرآن> با اراده مجموعه قرآن سازگارتر است، می توان سومین احتمال را ترجیح داد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۲۷ – ۳

۳ – درخواست پیامبر (ص) از مشرکان ، برای نمایاندن هویت و جایگاه خدایانشان به او ، جهت ارزیابی حقانیت آنان

قل أرونی الذین ألحقتم به شرکاء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۴۰ – ۲

۲ – پیامبر (ص) ، در بحث و گفت وگو با مشرکان ، از آنان خواستار ارائه دلیل عقلی و نقلی روشن بر اثبات درستی عقاید خویش

قل أرءیتم شرکاءکم الذین تدعون من دون اللّه أرونی ماذا خلقوا من الأرض . .. أم ءات

<أرءیتم> به معنای <أخبرونی> (به من خبر دهید) است و <ماذا> اسم استفهام می باشد و این سؤال عقلی درباره نقش معبودها

در جهان است <أم> نیز برای استفهام بوده و در آن از مشرکان خواسته شده که نوشته ای از سوی خداوند که حاکی از حقانیت عقاید آنان باشد ارائه دهند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۳۹ – ۱

۱ – پیامبر (ص) از سر تهدید و هشدار ، از کفرپیشگان لجوج خواست تا همچنان بر مواضع نادرستشان پافشاری کنند .

قل یقوم اعملوا علی مکانتکم

آهنگ آیه شریفه، آهنگی تهدیدآمیز و هشدار دهنده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – کوثر – ۱۰۸ – ۱ – ۷

۷ – پیامبر (ص) ، خواهان تداوم نسل خویش و در آرزوی داشتن ذرّیه بود .

إنّا أعطینک الکوثر

لحن بشارت آمیز آیه شریفه، بیانگر اشتیاق پیامبر(ص) به داشتن فرزند است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – کافرون – ۱۰۹ – ۶ – ۶

۶ – پیامبر (ص) پس از ناامیدی از ایمان کافران ، از آنان خواست برای پایبندی او به دین خود ، مشکل آفرین نباشند .

و لی دین

خواسته های مردم صدر اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵۰ – ۱

۱ بسیاری از مردمان عصر بعثت ، خواستار داوری پیامبر (ص) بر اساس قوانین جاهلی

افحکم الجهلیه یبغون

خواسته های مریم(س)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۲۰ – ۳

۳- حضرت مریم (س) از جبرئیل خواست او را از چگونگی پیدایش فرزندی بدون پدر آگاه سازد

.

قالت أنّی یکون لی غلم و لم یمسسنی بشر و لم أک بغیًّا

خواسته های مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۴

۴ - مستکبران ، دشمن سعادت و خوشبختی مردم و خواستار ضلالت و گمراهی آنان

و من الناس من یجدل . ..لیضلّ عن سبیل اللّه

جمله <لیضل عن سبیل اللّه> به تقدیر <لیضل الناس عن سبیل اللّه> است; یعنی، جدال این گروه نادان و استکبارپیشه با توحید و یکتاپرستی و جلوگیری از گرایش مردم به آن، نه بدان جهت است که آنان خواستار سعادت مردم اند; بلکه بدان منظور است که مردم را از راه خدا - که راه خوشبختی است - بازدارند و آنان را به ضلالت و گمراهی سوق دهند.

خواسته های مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۸ - ۱،۴

۱ - برخی از مسلمانان صدر اسلام در صدد درخواست تغییر و تبدیل بعضی از احکام اسلام بودند .

أم تریدون أن تسئلوا رسولکم

کلمه <سؤال> و مشتقات آن، هرگاه با واسطه حرف جر]همانند <عن>[به مفعول دوم متعدی گردد، به معنای پرسش کردن و در غیر این صورت به معنای درخواست کردن می باشد. از آن جا که در آیه شریفه مفعول دوم ذکر نشده، هر دو معنا محتمل است; بر این احتمال که <أن تسئلوا> به معنای درخواست باشد، مورد تقاضا به قرینه آیه قبل، نسخ برخی احکام است.

۴ - مسلمانانی که در صدد درخواست نسخ و تبدیل برخی از احکام بودند ، مورد نکوهش شدید خداوند قرار گرفتند .

أم تریدون

أن تسئلوا رسولكم

در اینکه مخاطب <أن تسئلوا> مسلمانان هستند یا اهل کتاب، دو نظر ابراز شده است. <کما سئل موسی> تأیید کننده این نظر است که مخاطب مسلمانان هستند و گرنه در عبارت بعد گفته می شد: <کما سألتم موسی>. جمله <أم تریدون> (آیا می خواهید) دلالت می کند که درخواست یا پرسش، انجام نشده بود و لذا در برداشت گفته شد: <در صدد درخواست ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۱۳

۱۳ - یهود و نصارا ترغیب کننده مسلمانان به پرسش ها و درخواست های نابه جا از پیامبر (ص)

أم تریدون أن تسئلوا . .. ودّ کثیر من أهل الکتب لو یردونکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۸

۸ مؤمنان عصر بعثت ، خواهان ظهور معجزه ای برای گرایش پیدا کردن کافران به اسلام و قرآن بودند .

أفلم یأیئس الذین ءامنوا أن لو یشاء الله لهدی الناس جمیعًا

اعتراض خداوند به مؤمنان با جمله <أفلم یأیئس الذین ءامنوا> و بیان این حقیقت که امر هدایت و ضلالت به دست خداوند است نه وابسته به ارائه معجزه، می رساند که مؤمنان خواهان آن بودند که معجزات درخواستی کافران تحقق یابد، شاید که آنان هدایت شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱ - ۲

۲- مسلمانان صدراسلام ، خواهان تحقق زودرس وعده خدا در مورد غلبه اسلام و توحید بودند .

أتی أمر الله فلاتستعجلوه

در مورد مخاطب <لاتستعجلوه> دو احتمال وجود دارد: اول آنکه تعجیل از جانب مسلمانان

صورت می گرفته و دیگر آنکه مشرکان خواهان شتاب در تحقق وعده های الهی (عذاب، یا غلبه توحید، یا قیامت) بودند. برداشت فوق بر مبنای اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۰ - ۱

۱- مؤمنان عصر پیامبر (ص) ، در اشتیاق نزول سوره ای که تعیین کننده تکلیف آنان در قبال دشمنان باشد .

و یقول الذین ءامنوا لولا نزّلت سوره

محتوای <فإذا أنزلت سوره محکمه و ذکر فیها القتال> قرینه ای است بر این که سوره مورد انتظار مؤمنان، در زمینه تعیین تکلیف آنان با کافران بوده است.

خواسته های مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۹

۹ - یهود و نصارا نیز همانند مشرکان ، خواهان سخن گفتن خدا با آنان درباره راستی و درستی رسالت پیامبران بودند .

کذلک قال الذین من قبلهم مثل قولهم

در آیه ۱۱۳ مشرکان با تعبیر <الذین لایعلمون> در قبال یهود و نصارا مطرح شده اند و در آیه مورد بحث مشرکان با همان تعبیر در قبال <الذین من قبلهم> قرار گرفته اند. از این مقایسه معلوم می شود: مقصود از <الذین من قبلهم> یهود و نصارا است.

خواسته های مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱۱

۱۱ - گروهی از مشرکان ، خواهان عمری طولانی هزار ساله هستند .

و من الذین أشرکوا یود أحدهم لو یعمر الف سنه

برداشت فوق مبتنی بر این است که <و من الذین أشرکوا> خبر برای مبتدایی محذوف باشد نه عطف بر <الناس>; یعنی:

<و من الذین أشـرکوا طائفه یود أحدهم>. بر این مبنا، جمله <و من الذین...> جمله حالیه است و <یود أحدهم> توصیف همین دسـته از مشرکان خواهد بود. بر این اساس مفاد آیه چنین است: یهودیان از همه مردم به دنیا دلبسته ترند و این در حالی است که گروهی از مشرکان خواهان عمری هزار ساله هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۱،۲،۳،۹

۱ - مشرکان ، خواهان گفتگوی مستقیم خداوند با آنان درباره حقانیت رسالت پیامبر (ص)

و قال الذین لایعلمون لولا یکلمنا اللّه

آیه بعد (انا ارسلنا بالحق . ..) دلالت بر آن دارد که پیشـنهاد اعتراض آمیز مشـرکان (لولا یکلمنا اللّه; چرا خدا با ما سخن نمی گوید) درباره حقانیت رسالت پیامبر(ص) است.

۲ - مشرکان ، برای پذیرش رسالت پیامبر (ص) خواهان نشانه و معجزه ای بر حقانیت او بودند .

و قال الذین لایعلمون لولا . .. أو تأتینا ءایه

۳ - مشرکان خواهان تحقق معجزه ای بودند که خود آن را پیشنهاد می کردند . *

و قال الذین لایعلمون لولا . .. أو تأتینا ءایه

۹ - یهود و نصارا نیز همانند مشرکان ، خواهان سخن گفتن خدا با آنان درباره راستی و درستی رسالت پیامبران بودند .

کذلک قال الذین من قبلهم مثل قولهم

در آیه ۱۱۳ مشـرکان با تعبیر <الـذین لایعلمون> در قبال یهود و نصارا مطرح شده اند و در آیه مورد بحث مشـرکان با همان تعبیر در قبال <الـذین من قبلهم> قرار گرفته انـد. از این مقایسه معلوم می شود: مقصود از <الـذین من قبلهم> یهود و نصارا است.

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۵۸ – ۵

۵ تحقق معجزات ویژه، بدان صورت که مشرکان می خواستند، در اختیار پیامبر(ص) نبود.

قل لو أن عندی ما تستعجلون به

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۶۶ – ۴

۴ قریش و مشرکان از سر استهزا، خواهان عملی شدن عذاب موعود بر خود به دست پیامبر(ص) بودند.

و کذّب به قومک . .. قل لست علیکم بوکیل

چنانچه مرجع ضمیر <به> در <کذب به> عذاب باشد، جمله <قل . .. > گویا پاسخی است به سؤال ضمنی مشرکان مبنی بر این که اگر عذاب واقع شدنی است باید پیامبر(ص) آن را عملی سازد. بنابراین جمله <قل لست ... > قرینه ای است بر مطرح شدن سؤال از ناحیه مشرکان.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۱۱ – ۱

۱ نزول ملائکه بر مشرکان و سخن گفتن مردگان با ایشان، از معجزات درخواستی آنان بوده است.

لئن جاءتهم ءایه . .. و لو أننا نزّلنا ... ما کانوا لیؤمنوا

ذکر نزول ملائکه و سخن گفتن با مردگان در آیه حکایت از آن دارد که این قبیل معجزات مورد درخواست مشرکان بوده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۱۵ – ۱۵

۱۵ خداوند شنوای گفته ها و خواسته های مشرکان و آگاه به همه جوانب آن است.

و أقسموا بالله . .. زخرف القول غرورا ... و تمت کلمت ربک ... و هو السمیع العلیم

آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۵۸ – ۱،۲

۱ آمدن فرشتگان و یا آشکار شدن خداوند، از شرایط مشرکان تکذیب کننده قرآن برای ایمان به آن

هل ینظرون إلا أن تأتیهم الملئکه أو یأتی ربک

<نظر>، مصدر <ینظرون>، در اینجا به معنای انتظار و توقع است. استفهام به دلیل <إلا ـ> استفهام انکاری می باشد و بنابراین <هل ینظرون> یعنی <ما ینتظرون>. انتظارهایی که در آیه شریفه مطرح شده هم می تواند توقعاتی باشد که از سوی مشرکان مطرح شده و هم می تواند بیان حالت آنان باشد. یعنی اگر کسی قرآن را، که دلیلی روشن است، نپذیرد، تنها در صورتی که فرشتگان بر او حاضر شوند و یا ... ایمان می آورد. برداشت فوق ناظر به احتمال اول است.

۲ تحقق برخی از آیات الهی (برخی از حقایق مطرح شده در قرآن، مانند قیامت) از شرایط مشرکان تکذیب کننده قرآن برای ایمان به آن

هل ینظرون إلا أن . .. یأتی بعض ءایت ربک

مراد از <بعض آیات ربک>، به دلیل <لا ـ ینفع نفساً إیمانها>، آیتی است که مشاهده آن، حتی منکران قرآن را به ایمان وامی دارد. بنابراین می توان گفت مقصود، قیامت و مانند آن است. گفتنی است تکرار فعل <إتیان> (تأتیهم، یأتی ربک و یأتی بعض آیات) در آیه شریفه حکایت از تفاوت معنای اراده شده از هر یک دارد. <إتیان> در <یأتی بعض آیات> به معنای تحقق یافتن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۹۴ – ۸

۸ ناتوانی معبودان از اجابت خواسته های پرستشگران خویش ، افشاگر پندار باطل و دروغین مشرکان

(پندار شریک برای خداوند)

فادعوهم فلیستجیبوا لکم إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۲ - ۳

۳ - خدایان مشرکان ، قادر به پاسخ گویی به خواسته های آنان نیستند .

قل ادعوا الذین زعمتم من دون اللّه لایملکون مثقال ذرّه

<لایملکون> در مقام جواب واقع شده است. گویا عبارت این معنا را القا می کند که آنان پس از درخواست چه جوابی می دهند؟ پاسخ این است که جوابی نمی دهند، به دلیل عدم مالکیتشان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۶ - ۶

۶ - < عن علی (ع) فی قول اللّه عزّوجلّ < و قالوا ربّنا عجلّ لنا قطّنا قبل یوم الحساب > قال : نصیبهم من العذاب ;

از امام علی(ع) روایت شده که درباره سخن خداوند عزّوجلّ <و قالوا ربّنا عجّل لنا قطّنا قبل یوم الحساب> فرمود: [مراد مشرکان از کلمه <قطّنا>] نصیب آنها از عذاب بود [که از روی تمسخر درخواست می کردند زودتر به آنان برسد]>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۹ - ۷

۷- مشرکان ، خوستار اخبار و پیشگویی پیامبر (ص) از آینده و سرنوشت افراد

و ما أدری ما یفعل بی و لا بکم

از پاسخ آیه شریفه، انتظار مذکور دانسته می شود.

خواسته های مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۶ - ۱

۱ پرستش بتها و سازش در اصول اعتقادی، خواسته نابجای مشرکان صدر اسلام از پیامبر(ص)

قل

لا أتبع أهواءكم قل إنی نهیت أن أعبد الذین تدعون من دون اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۵۷ – ۷

۷ مشرکان و منکران رسالت پیامبر(ص)، خواهان تحقق زودرس وعده های آن حضرت در مورد نزول عذاب بودند.

و کذبتم به به ما عندی ما تستعجلون به

در آیات متعددی، مانند آیه ۶، ۹ و ۱۱ سوره انعام، به کافران وعده عذاب و کیفر دنیوی داده شده است. لذا ممکن است مراد از <ما تستعجلون> نزول عذاب باشد که کافران از سر انکار و تمسخر خواهان نزول سریع آن بودند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۰۹ – ۳

۳ مشرکان خواهان دریافت معجزه ای، جز آنچه پیامبر(ص) ارائه می نمود، بودند.

و أقسموا باللّه جهد أیمنهم لئن جاءتهم ءایه

بـدیهی است که پیامبر(ص) قطعاً معجزاتی را به آنان نمایانده است و با این وصف آنان از سـر بهانه جویی معجزات دیگری را طلب می کردند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۵ – ۷،۹

۷ مشـرکان ، در راسـتای مخالفت با قرآن ، به پیامبر (ص) پیشنهاد می کردند : برای آنان به جای قرآن ، کتاب دیگری را که موافق خواسته ها و تمایلاتشان باشد بخواند .

و إذا تتلی علیهم ءایاتنا . .. قال الذین لا یرجون لقاءنا ائت بقرءان غیر هذا

۹ تبـدیل و برگردانـدن محتوای قرآن به موضوعـاتی بـاب طبع بـا حفـظ نظـام و ساختار ظاهری آن یکی دیگر از پیشـنهاد های مشرکان

به پیامبر (ص) در راستای مخالفت با قرآن

و إذا تتلی علیهم ءایاتنا بینت قال الذین لا یرجون لقاءنا . .. أو بدّله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۴۸ – ۴

۴ مشرکان ، با تمسخر و استهزا ، از پیامبر (ص) و مؤمنان خواستار تعیین زمان وقوع عذاب استیصال و تسریع در آن بودند .

و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۵۰ – ۴

۴ مشرکان ، خواستار تسریع نزول عذاب استیصال بودند .

إن أتیکم عذابه . .. ماذا یستعجل منه المجرمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۵۱ – ۶،۷

۶ مشرکان ، پیش از نزول عذاب ، بطور مستمر خواستار تسریع آن بودند .

أثم إذا ما وقع . .. و قد کنتم به تستعجلون

۷ مشرکان ، به هنگام وقوع عذاب استیصال ، از خداوند خواستار رفع آن خواهند شد .

أثم إذا ما وقع ءامنتم به ءالئن و قد کنتم به تستعجلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱ – ۴

۴- مشرکان صدراسلام از سر عناد و از روی استهزا ، خواهان تحقق زودرس وعده های الهی (عذاب ، غلبه اسلام و قیامت) بودند .

أتی أمر الله فلاتستعجلوه

محتمل است مخاطب <لاتستعجلوه> مشرکانی باشد که خواهان تحقق وعده های الهی بودند، و از آن جایی که معمولاً کسی خواهان پیروزی دشمن و شکست و خذلان خویش نیست، می

توان گفت: تعجیل مشرکان برای آمدن عذاب، از سر عناد و تمسخر بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۹ - ۳،۴

۳- مشرکان و کفار ، معجزات متعددی را از پیامبراکرم (ص) درخواست کردند .

و ما منعنا . .. إلّا أن کذّب بها الأوّلون

از اینکه خداوند با صراحت تمام به مشرکان می گوید: <ما هر چه معجزه برای پیشینیان فرستادیم، آنها را تکذیب کردند و این مانع ارسال معجزه شد> نشان می دهد که مشرکان صدراسلام، درخواستهای متعدد و مکرری برای معجزه داشته اند.

۴- خداوند ، به درخواست های متعدد معجزه از سوی مشرکان بهانه جوی عصر پیامبر (ص) پاسخ منفی داد .

و ما منعنا أن نرسل بالأیت إلّا أن کذّب بها الأوّلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵ - ۷

۷- مشرکان ، از پیامبر (ص) خواهان معجزه ای همانند معجزات پیامبران پیشین بودند .

فلیأتنا بایه کما أُرسل الأوّلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۱ - ۱

۱ منکران ملاقات با خدا (معاد) ، در صدراسلام ، معترضانه خواستار نزول ملائکه بر خویش و رؤیت آنها بودند .

و قال الذین لایرجون لقاءنا لولا أُنزل علینا الملئکه

<رجاء> در لغت به معنای امید است; ولی در جمله <لایرجون لقاءنا> کنایه از انکار قیامت و روبه رو شدن با جزای الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۶ - ۱

۱ – مشرکان و کافران

صدراسلام ، خواهان مشاهده عذاب الهی بودند .

أفبعذابنا یستعجلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۸ - ۱

۱ - درخواست تمسخرآمیز مشرکان عصر بعثت ، نسبت به برپایی هر چه زودتر قیامت

یستعجل بها الذین لایؤمنون بها

درخواست برپایی قیامت از سوی کسانی که مؤمن به آن نیستند، نشانگر استهزاآمیز بودن خواسته آنان است.

خواسته های مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۸ - ۳

۳ مشرکان مکه خواهان تحقق سریع عذاب موعود پیامبر(ص) بر خویش بودند.

قل لو أن عندی ما تستعجلون به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۰ - ۶

۶ مشرکان مکه با وجود ایمان نیاوردن به پیامبر(ص) با معجزات ارائه شده، مجدداً خواهان معجزات دیگری از پیامبر(ص) بودند.

و أقسموا . .. لئن جاءتهم ءایه ... إذا جاءت لایؤمنون ... کما لم یؤمنوا به أول مره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۰ - ۱،۲،۴

۱- ایجاد چشمه ای پر آب و جوشان در مکه توسط پیامبر (ص) برای مشرکان ، پیش شرط آنان در ایمان به پیامبر (ص)

و قالوا لن نؤمن لکَ حتی تفجر لنا من الأرض ینبوعًا

۲- ایجاد چشمه ای جوشان برای مشرکان مکه ، معجزه درخواستی (اقتراحی) آنان از پیامبر (ص)

و قالوا لن نؤمن لکَ حتی تفجر لنا من الأرض ینبوعًا

۴- مشرکان مکه ، علی رغم مشاهده آیات گوناگون الهی ، از پیامبر (ص) درخواست معجزه حسی کردند

.

و لقد صرّفنا . .. من كلّ مثل فأبى ... و قالوا لن نؤمن لک حتى تفجر لنا من الأرض ى

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۹۱ – ۳،۴

۳– مشرکان مکه ، علی رغم مشاهده آیات گوناگون الهی ، از پیامبر (ص) درخواست معجزه حسی کردند .

و لقد صرّفنا . .. من كلّ مثل فأبى ... و قالوا لن نؤمن لک حتى ... تكون لک جنّه من

نکته یاد شده با این احتمال در آیه قابل استفاده است که: آنان ایجاد باغی با صفات یاد شده را به وسیله معجزه درخواست کرده باشند.

۴– ایجاد باغ بزرگ خرما و انگور با نهر های آب جاری ، معجزه درخواستی (اقتراحی) مشرکان مکه از پیامبر (ص)

لن نؤمن لک حتى . .. تكون لک جنّه من نخيل و عنب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۹۲ – ۱،۶،۸

۱– فرود آوردن قطعاتی از آسمان ، از معجزات اقتراحی و مورد درخواست مشرکان مکه از پیامبر (ص)

أو تسقط السّماء . .. علينا كسفًا

<کِسَف> جمع <کَسْف> به معنای قطعه است (لسان العرب).

۶– مشرکان مکه ، خواهان حضور یافتن خدا و ملائکه نزد آنان ، برای گواهی دادن به حقانیت پیامبر (ص)

أو تأتى بالله و الملئكه قبيلًا

<قبیلًا> به معنای <مقابله> (رو در رو شدن) آمده است و در این آیه، می تواند به منظور افاده مطلب فوق باشد.

۸– آوردن خداوند و ملائکه به صورت دسته دسته در نزد مشرکان مکه ، معجزه درخواستی (اقتراحی) آنان

از پیامبر (ص)

لن نؤمن لک حتی . .. أو تأتی بالله و الملئکه قبیلاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <قبیلاً> جمع <قبیله> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۳ - ۱،۴،۵،۱۰،۱۵

۱- ایجاد خانه ای از طلا برای خود ، معجزه مورد درخواست (معجزه اقتراحی) مشرکان مکه ، از پیامبر (ص)

أو یکون لک بیت من زخرف

به قرینه سیاق آیات که در آنها معجزه های درخواستی مشرکان مطرح شده است مراد از <أو یکون لک بیت من زخرف> ایجاد خانه ای طلایی از طریق معجزه است.

۴- مشرکان مکه ، علی رغم مشاهده آیات گوناگون الهی ، از پیامبر (ص) درخواست معجزه حسی کردند .

و لقد صرّفنا . .. من کلّ مثل فأبی ... و قالوا لن نؤمن لک حتی ... یکون لک بیت من

۵- صعود پیامبر (ص) به آسمان و آوردن دستخطی قابل خواندن و گواه بر صعود واقعی خویش ، معجزه درخواستی مشرکان مکه از آن حضرت

أو ترقی فی السّماء و لن نؤمن لرقیّک حتی تنزّل علینا کتبًا نقرؤه

۱۰- پیامبر (ص) ، مأمور پاسخ گویی به معجزه های درخواستی بیجای مشرکان مکه و تنزیه خداوند از برآوردن چنین خواسته هایی

و قالوا لن نؤمن لک حتی تفجر لنا . .. قل سبحان ربّی

۱۵- پیامبر (ص) ، موظف به اعلام محدوده مسؤولیت خویش و بیان ناتوانی خود از ارائه معجزات درخواستی مشرکان

قالوا . .. قل ... هل کنت إلاّ بشرًا رسولاً

پاسخ <هل کنت. ..> در قبال درخواستهای مشرکان، می تواند گویای این معنا باشد

که: درخواستهای آنان، ربطی به رسالت و مسؤولیتهای پیامبر(ص) نداشته و یا در توان او نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۰ - ۱،۲

۱ - مشرکان مکه ، خواستار تحقق معجزاتی چند به دست پیامبر اکرم (ص) بودند .

و قالوا لولا أنزل علیه ءایت من ربّه

۲ - مشرکان مکه ، نزول وحی را ، به عنوان آیه ای از جانب خدا قبول نکرده و خواستار معجزه حسّی شدند .

و کذلک أنزلنا إلیک الکتب . .. و ما یجحد بأیتنا ... و قالوا لولا أنزل علیه ءای

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۶ - ۱،۳

۱- مشرکان برای پذیرش درستی معاد ، زنده شدن نیاکانشان را از پیامبر (ص) خواستار شدند .

فأتوا بابائنا إن کنتم صدقین

۳- مشرکان مکه ، خواهان شهود حسی برای ایمان به حقایق غیبی

فأتوا بابائنا إن کنتم صدقین

با این که معاد اخروی از امور غیبی به حساب می آید، مشرکان با پیشنهاد زنده شدن پدرانشان، خواهان محسوس شدن آن بودند.

خواسته های معنوی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۸ - ۱۴

۱۴ - دعا به درگاه خداوند ، مؤثر در برآورده شدن خواسته های معنوی انسان است .

ربنا واجعلنا مسلمین لک . .. و تب علینا

خواسته های مکذبان آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۳ - ۱،۳

۱ - کافرانِ منکرِ آیات الهی ، از پیامبر (ص) خواهانِ تعجیل در

عذاب خود بودند .

و یستعجلونک بالعذاب

۳ - کافران منکر آیات الهی ، بر عذاب خواهی خود از پیامبر (ص) ، مصرّ بودند و بر آن پافشاری می کردند .

و یستعجلونک بالعذاب

فعل مضارع <یستعجلون> دلالت بر استمرار و پافشاری دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۴ - ۱،۳

۱ - کافران منکر آیات الهی ، از پیامبر (ص) خواستار تعجیل در عذاب خود بودند .

یستعجلونک بالعذاب

۳ - کافران منکر آیات الهی ، بر عذاب خواهی خود از پیامبر (ص) پافشاری می کردند .

یستعجلونک بالعذاب

فعل مضارع <یستعجلون> بر استمرار و اصرار، دلالت دارد.

خواسته های مکذبان ربوبیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۶ - ۲

۲ منکران ربوبیت خدا و کافران به قیامت از سر استهزا و ناباوری ، خواهان تعجیل در فرا رسیدن عذاب های موعود

یستعجلونک بالسیئه

<استعجال> (مصدر یستعجلون) به معنای درخواست عجله است. حرف <باء> در <بالسیئه> برای تعدیه و <ال> در آن عهد ذهنی است ; یعنی، آن بدی و مراد از آن به قرینه <قد خلت من قبلهم المثلات> عذاب است. بنابراین <یستعجلونک بالسیئه> ; یعنی، از تو می خواهند در آوردن آن عذاب وعده داده شده تعجیل کنی.

خواسته های مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۸ - ۱،۲

۱ آمدن فرشتگان و یا آشکار شدن خداوند، از شرایط مشرکان تکذیب کننده قرآن برای ایمان به آن

هل ینظرون إلا أن تأتیهم الملئکه أو یأتی ربک

<نظر>، مصدر <ینظرون>، در اینجا

بـه معنـای انتظـار و توقـع اسـت. اسـتفهام بـه دلیـل <إلا ـ> اسـتفهام انکـاری می باشـد و بنـابراین <هـل ینظرون> یعنی <ما ینتظرون>. انتظارهـایی که در آیه شـریفه مطرح شـده هم می توانـد توقعاتی باشـد که از سوی مشـرکان مطرح شـده و هم می تواند بیان حالت آنان باشد. یعنی اگر کسـی قرآن را، که دلیلی روشن است، نپذیرد، تنها در صورتی که فرشـتگان بر او حاضر شوند و یا ... ایمان می آورد. برداشت فوق ناظر به احتمال اول است.

۲ تحقق برخی از آیات الهی (برخی از حقایق مطرح شده در قرآن، مانند قیامت) از شـرایط مشـرکان تکذیب کننده قرآن برای ایمان به آن

هل ینظرون إلا أن . .. یأتی بعض ءایت ربک

مراد از <بعض آیـات ربـک>، به دلیـل <لا ـ ینفع نفساً إیمانها>، آیتی است که مشاهـده آن، حتی منکران قرآن را به ایمان وامی دارد. بنـابراین می توان گفت مقصود، قیـامت وماننـد آن است. گفتنی است تکرار فعل <إتیان> (تأتیهم، یأتی ربک و یـأتی بعض آیـات) در آیه شـریفه حکـایت از تفاوت معنای اراده شـده از هر یک دارد. <إتیان> در <یأتی بعض آیات> به معنای تحقق یافتن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۳۳ – ۱

۱– منکران اعجاز قرآن ، پیامبر (ص) را به خاطر ارائه نکردن معجزات اقتراحی و پیشنهادی آنان ، مورد انتقاد قرار می دادند .

و قالوا لولا یأتینا بَایه من ربّه

خواسته های مکذبان قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۶ – ۲

۲ منکران ربوبیت خدا و کافران

به قیامت از سر استهزا و ناباوری ، خواهان تعجیل در فرا رسیدن عذاب های موعود

یستعجلونک بالسیئه

<استعجال> (مصدر یستعجلون) به معنای درخواست عجله است. حرف <باء> در <بالسیئه> برای تعدیه و <ال> در آن عهد ذهنی است ; یعنی، آن بدی و مراد از آن به قرینه <قد خلت من قبلهم المثلات> عذاب است. بنابراین <یستعجلونک بالسیئه> ; یعنی، از تو می خواهند در آوردن آن عذاب وعده داده شده تعجیل کنی.

خواسته های مکذبان لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۱ - ۱

۱ منکران ملاقات با خدا (معاد) ، در صدراسلام ، معترضانه خواستار نزول ملائکه بر خویش و رؤیت آنها بودند .

و قال الذین لایرجون لقاءنا لولا أُنزل علینا الملئکه

<رجاء> در لغت به معنای امید است; ولی در جمله <لایرجون لقاءنا> کنایه از انکار قیامت و روبه رو شدن با جزای الهی است.

خواسته های مکذبان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۷ - ۹

۹ منکران رسالت پیامبر(ص) اصرار داشتند که آن حضرت معجزه دلخواه آنان را سریعاً ارائه کند.

ما عندی ما تستعجلون به

همان گونه که در آیات همین سوره، مانند آیه ۸، ۳۷ مطرح شده، از خواسته های منکران، نزول معجزاتی ویژه بوده است. لذا ممکن است مراد از <ما تستعجلون> همین گونه درخواستها باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۷ - ۳

۳ - تکذیب کنندگان پیامبر (ص) ، خواستار نزول سریع و بدون تأخیر عذاب بودند .

و یستعجلونک

بالعذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۸ - ۳

۳ - سازش و دست برداشتن از مواضع عقیدتی ، درخواست کافران تکذیب گر از پیامبر (ص) بود .

فلاتطع المکذّبین

آیه بعد، قرینه است که مورد اطاعت، سازش بر سر مواضع عقیدتی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۲ - ۳

۳ - درخواست نامه های سرگشاده و جداگانه برای خود ، جلوه نابخردی و سبک مغزی کافران مخالف پیامبر (ص)

فما لهم عن التذکره معرضین . .. بل یرید کلّ امریء منهم أن یوتی صحفًا منشّره

خواسته های مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۱ - ۱

۱ منکران ملاقات با خدا (معاد) ، در صدراسلام ، معترضانه خواستار نزول ملائکه بر خویش و رؤیت آنها بودند .

و قال الذین لایرجون لقاءنا لولا أُنزل علینا الملئکه

<رجاء> در لغت به معنای امید است; ولی در جمله <لایرجون لقاءنا> کنایه از انکار قیامت و روبه رو شدن با جزای الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۷ - ۴

۴ - کافران و منکران معاد ، خواستار تحقق سریع وعده برپایی قیامت

و یقولون متی هذا الوعد . .. و قیل هذا الذی کنتم به تدّعون

<تدّعون> می تواند از ماده <دعا> باشد. در این صورت به معنای <تطلبون> (درخواست می کردید) خواهد بود. برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

خواسته های ملائکه

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۷۶ – ۲

۲ فرشتگان از ابراهیم (ع) خواستند تا از شفاعت درباره قوم لوط صرف نظر کند و بر آن اصرار نورزد .

یإبرهیم أعرض عن هذا

<هذا> اشاره به <جدالی> است که از <یجادلنا> در آیه قبل استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۵۳ – ۱

۱– مهمانان حضرت ابراهیم (فرشتگان) به او دلداری داده و از وی خواستند که از حضورشان مضطرب و هراساک نشود .

قالوا لاتوجل إنا نبشّرك بغلم علیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶۵ – ۱

۱– فرشتگان ، از حضرت لوط (ع) خواستار خارج ساختن خاندانش از شهر در پاسی از شب ، جهت نجات از عذاب الهی شدند .

فأسر بأهلك بقطع من الّیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۵ – ۹

۹ – فرشتگان ، خواهان نزول وحی بر اهل زمین *

و یستغفرون لمن فی الأرض

برداشت یاد شده با توجّه به دو مطلب زیر است: الف) مغفرت بدون سبب تحقق پیدا نمی کند. ب) مراد از سبب مغفرت، نزول وحی و تشریع دین باشد که اهل زمین بدین وسیله مشمول مغفرت الهی شوند.

خواسته های منازعان قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۲ - ۱۱،۱۰،۶

۶ - نزاع کنندگان و شاکیان ، از داوود خواستند که براساس حق و به دور از هرگونه افراط و ستمی درباره شان داوری کند .

فاحکم

بيننا بالحقّ و لاتشطط

<شطط> در اصل به معناى تجاوز از حد و اندازه است و بيشترين كاربرد آن در معناى افراط، زياده روى و ستم مى باشد.

۱۰ - نزاع كنندگان و شاكيان ، از داوود (ع) خواستار نماياندن راه درست زندگى به آنان

و اهدنا إلى سواء الصرط

<سواء> در اصل به معناى وسط و ميانه است. مقصود از آن در آيه شريفه، راه درست و ميانه و به دور از افراط و تفريط در زندگى است.

۱۱ - نزاع كنندگان و شاكيان ، از داوود (ع) خواستند كه براى حل مشكلات و اختلافات اقتصادى آنها ، راه درست و ميانه را به آنان بياموزد .

و اهدنا إلى سواء الصرط

برداشت ياد شده براساس اين ديدگاه است كه درخواست هدايت به راه درست، ممكن است به موضوع مورد اختلافشان مربوط باشد كه از موضوعات اقتصادى است.

خواسته هاى موحدان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - حمد - ۱ - ۶ - ۱

۱ - درخواست هدايت به صراط مستقيم ، مهمترين خواسته انسان عارف به مقام الهى است .

الحمد للّه . .. إياك نستعين. إهدنا الصرط المستقيم

چنانچه <اهدنا الصراط المستقيم> در ارتباط با <الحمد للّه رب العالمين . ..> ملاحظه شود، حاوى اين پيام است كه انسان پس از شناخت خدا هدفش سلوك در صراط مستقيم خواهد بود; يعنى، همان راهى كه خداوند منتهى اليه آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - حمد - ۱ - ۷ - ۶

۶ - خداشناسان موحد ، خواهان هدايت به راه ثابت قدمان بر هدايت هستند .

الحمد للّه . .. إهدنا

الصرط المستقیم. صرط الذین انعمت علیهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶ – ۱۶

۱۶– مردان الهی ، حتی در آرمان های مادی خویش ، به ارزش های معنوی ، توجه دارند .

فهب لی من لدنک ولیًّا یرثنی . .. واجعله ربّ رضیًّا

خواسته های موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۲۸ – ۱۳

۱۳ موسی (ع) خواهان حاکمیت یافتن تقواپیشگان شد .

استعینوا . .. و العقبه للمتقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۳۴ – ۱۲

۱۲ ایمان به رسالت موسی و آزادی بنی اسرائیل ، از مهمترین خواسته های موسی (ع) از فرعونیان

لنؤمنن لک و لنرسلن معک بنی إسراءیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۴۲ – ۱۴

۱۴ خداوند از موسی (ع) خواست تا مناجات و عبادت ویژه او در مکانی به دور از بنی اسرائیل باشد .

و وعدنا موسی . .. اخلفنی فی قومی

از اینکه موسی برای آمدن به میقات، هارون را به جانشینی خویش معرفی کرد، معلوم می شود وی در مدت میقات در میان بنی اسرائیل نبوده و از آنان فاصله داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۳ - ۵،۶،۷،۱۱

۵ رؤیت خداوند ، درخواست موسی (ع) به هنگام سخن گفتن خدا با وی در میعادگاه مناجات

قال رب أرنی أنظر إلیک

۶ تکلم خدا با موسی (ع

) وادارکننده وی برای تقاضای رؤیت خدا

و کلمه ربه قال رب أرنی أنظر إلیک

از اینکه تقاضای رؤیت از سوی موسی(ع) در پی سخن گفتن خدا با وی مطرح شد (و لما . .. کلمه ربه قال ...)، می توان گفت حضرت موسی(ع) بر اثر شنیدن سخن خدا و شیوایی گفتار باری تعالی، مشتاق دیدار جمال زیبای او شد.

۷ ناممکن بودن رؤیت خدا ، پاسخ خداوند به درخواست موسی (ع) (تقاضای مشاهده او)

قال لن ترنی

۱۱ خداوند در پاسخ به درخواست موسی (ع) (رؤیت خدا) از وی خواست تا به کوه مقابل خویش نظر افکند و اثر تجلی خداوند را بر آن مشاهده کند .

قال لن ترنی و لکن انظر إلی الجبل

<ال> در <الجبل> عهد حضوری است ; یعنی: انظر إلی هذا الجبل.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۴ - ۴

۴ دلجویی خداوند از موسی (ع) ، به سبب پاسخ منفی او در تقاضای رؤیت وی

قال لن ترنی . .. قال یموسی إنی اصطفیتک علی الناس

به نظر می رسد بیان نعمتهای ویژه خداوند به موسی(ع) پس از رد تقاضای وی (رؤیت خدا) به هدف دلجویی از او باشد. یعنی اگر رؤیت برای تو ممکن نشد، ولی خدا نعمتهایی ارزانی تو داشت که به دیگران عطا نکرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۱ - ۷،۹

۷ فراگیری رحمت الهی بر موسی (ع) و هارون ، از دعا ها و درخواست های موسی (ع

) از خداوند .

و أدخلنا فى رحمتک

۹ موسى (ع) با توجه به ربوبیت خدا و توصیف او به < أرحم الراحمین > ، خواسته هاى خویش را از وى تقاضا کرد .

و أنت أرحم الرحمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۵ - ۲۱

۲۱ موسى (ع) در مناجات خویش با خداوند ، در پى هلاکت همراهانش در میعادگاه مناجات ، از خداوند خواست تا وى و همراهانش را ببخشاید و بر آنان ترحم کند .

فاغفرلنا و ارحمنا و أنت خیر الغفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۱

۱ تقدیر زندگانى نیکو در دنیا و آخرت ، درخواست موسى (ع) از خداوند براى خود و همراهانش در میعادگاه مناجات

و اکتب لنا فى هذه الدنیا حسنه و فى الاخره

با توجه به آیه قبل معلوم مى شود مراد از <نا> در <لنا>، موسى(ع) و همراهان او در میعادگاه مناجات است. کتابت در آیه شریفه به معناى مقدّر کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۰ - ۲

۲ حضرت موسى (ع) ، پس از رویارویى با انبوه ساحران ، از آنان خواست تا با به کار گرفتن تمام توان خود آنچه را که به قصد میدان انداختن آورده اند ، به زمین بیندازند .

فلما جاء السحره قال لهم موسى ألقوا ما أنتم ملقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۶ - ۳،۶

-۳

موسی (ع) از قوم خویش خواستار آن شد تا یادآور نعمت های اعطایی خداوند بر خود باشند .

و إذ قال موسی لقومه اذکروا نعمه الله علیکم

۶- نجات بنی اسرائیل از شکنجه و کشتار فرعونیان ، نعمت چشمگیر و به یاد ماندنی خداوند بر آنان بود .

إذ قال موسی لقومه اذکروا نعمه الله علیکم إذ أنجکم من ءال فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۷ - ۲

۲- موسی (ع) از قوم خود خواست تا به یاد فرمان و توصیه خداوند باشند که هر کس شکرگزاری نماید خداوند نعمتش را افزون می کند و هر کس کفران نماید دچار عذاب شدید خواهد شد .

اذکروا نعمه الله علیکم . .. و إذ تأذّن ربّکم لئن شکرتم لأزیدنّکم و لئن کفرتم إن

این برداشت مبتنی بر این نکته است که <إذ تأذّن> مقول قول موسی(ع) و عطف به <اذکروا نعمه الله> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۲ - ۵

۵- موسی (ع) پس از گذر از مجمع البحرین ، در آغاز روز ، از همسفر خویش درخواست تهیه چاشت کرد .

ءاتنا غداءنا لقد لقینا من سفرنا هذا نصبًا

<غداء> به معنای طعامی است که در ساعات آغازین روز خورده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۳ - ۵

۵- همسفر موسی ، در پی درخواست تهیه چاشت از جانب موسی (ع) ، ماجرای رفتن ماهی به دریا را به یادآورد .

ءاتنا غداءنا . .. قال أرءیت

... فإنّی نسیت الحوت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۷۰ – ۱

۱– خضر ، با درخواست موسی (ع) در مورد همراهی با او ، به صورت مشروط ، موافقت کرد .

قال فإن اتبعتنی فلاتسئلنی عن شیء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۷۳ – ۹

۹– موسی بر همراهی با خضر (ع) مصرّ بود .

لاتؤاخذنی . .. و لاترهقنی من أمری عسرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۷۸ – ۷

۷– علمی که موسی (ع) در پی آموختن آن از خضر (ع) بود ، علم تأویل و تحلیل حوادث و شناخت حقایق پشت پرده رخداد ها بود .

هل أتّبعک علی أن تعلّمن ممّا علّمت . .. سأنبّئک بتأویل ما لم تستطع علیه صبرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۳۵ – ۲

۲ – موسی (ع) در عین ارائه پیشنهاد در باره امور رسالت خویش ، در محضر خداوند ، به آگاهی کامل او اعتراف کرد و تصمیمات او را دقیق و صحیح دانست .

و أشرکه فی أمری . .. إنّک کنت بنا بصیرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۴۷ – ۳

۳ – آزادی بنی اسرائیل و گسیل داشتن آنان با موسی و هارون (ع) ، نخستین خواسته آن دو از فرعون بود .

فقولا . .. فأرسل معنا بنی إسرءیل

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸ - ۵

۵ - ادعای رسالت الهی و درخواست آزاد گذاشتن بنی اسرائیل برای خروج از سرزمین مصر از سوی موسی (ع) ، دور از انتظار فرعون و عملی جسورانه در نظر وی بود .

فقولا إنّا رسول ربّ العلمین . أن أرسل معنا بنی إسرءیل . قال ألم نربّک ... و لبث

برداشت یاد شده از به رخ کشیدن دوران کودکی و بخشی از عمر موسی(ع) پس از اظهاراتش درباره رسالت الهی و آزاد سازی بنی اسرائیل، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۹ - ۸

۸ - موسی (ع) از خانواده اش خواست که تا بازگشت وی از وادی طور درنگ کنند .

قال لأهله امکثوا . .. لعلّی ءاتیکم منها بخبر أو جذوه من النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۴ - ۸

۸ - موسی (ع) خواسته خویش (همراهی هارون با وی) را با خداوند در میان گذاشت .

قال ربّ . .. و أخی هرون ... إنّی أخاف أن یکذّبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۷ - ۲

۲ - موسی (ع) ، داوری میان خود و فرعونیان را به خداوند حواله کرد .

و قال موسی ربّی أعلم

وقتی موسی(ع) با ارائه معجزات روشن و غیر قابل انکار، با تکذیب فرعونیان روبه رو شد; چاره ای ندید جز این که خدا را به داوری میان خود و

آنان بخواند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۱۸ – ۱،۵

۱– رهایی بنی اسرائیل از نظام فرعونی ، یکی از مهم ترین خواسته های موسی (ع) از فرعونیان

أن أدّوا إلیّ عباد اللّه

چنانچه مراد از <عباداللّه> بنی اسرائیل باشد از این که خداوند در رأس همه سخنان موسی درخواست آزادی بنی اسرائیل را مطرح ساخته اهمیت آن استفاده می شود.

۵- تذکر موسی (ع) به فرعونیان ، نسبت به خیراندیشی خود در پیشنهاد رهایی بنی اسرائیل

أن أدّوا . .. إنّی لکم رسول أمین

لام در <لکم> برای منفعت و <رسول أمین> تأکیدی بر رعایت امانت در نصیحت است; یعنی، بنی اسرائیل را رها کنید و بدانید که در این پیشنهاد، منفعت واقعی شما نهفته است و من در این سخن صداقت دارم.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۲۱ – ۱

۱– درخواست آزادی بیان ، پیشنهاد موسی (ع) به فرعونیان پس از یأس از ایمان آوردن آنان

و إن لم تؤمنوا لی فاعتزلون

<فاعتزلون>، کنایه از این است که اگر خود اهل ایمان نیستید، لااقل متعرض من نباشید تا آزادانه پیامم را به مردم برسانم.

خواسته های موسی(ع) از فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۰۵ – ۹

۹ موسی (ع) در راستای رهاسازی بنی اسرائیل از فرعون خواست تا از مهاجرت آنان با وی جلوگیری نکند .

فأرسل معی بنی إسراءیل

خواسته های مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹

۴ - مؤمنان بهشتی ، خواستار مشاهده و قرائت شدن نامه اعمالشان در عرصه قیامت

فیقول هآؤُم اقرءوا کتبیه

<هآؤُم> اسم فعل امر و به معنای <خذوا> (بیایید بگیرید) است.

خواسته های نعمان بن حارث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱ - ۵

۵ - < عن جعفربن محمد (ع) عن آبائه (ع) قال : لمّا نصب رسولُ اللّه عليّاً يوم غدير خم . . . فقَدِمَ على رسول اللّه النُّعمان بن الحرث الفِهْرى فقال : أمرتَنا عن اللّه أن نشهدَ أن لا إله إلاّ اللّه و أنّك رسولُ اللّه . . . فقَبِلْناها ثمّ لم تَرْضَ حتّى نصبتَ هذا الغلام . . . فهذا شىء منك أو أمرٌ من عند اللّه . . . فولّى النعمان الحرث و هو يقول : < اللّهم إن كان هذا هو الحقّ من عندك فأمطر علينا حجاره من السماء > . . . و أنزل اللّه تعالى : < سأل سائل بعذاب واقع . . . > ;

امام صادق(ع) از پدرانش روایت نموده است: چون رسول خدا(ص) در غدیرخم علی(ع) را به امامت منصوب کرد . .. نعمان بن حرث فهری، جلوی آن حضرت ایستاد و با [اعتراض] گفت: از جانب خدا به ما امر کردی که شهادت به یگانگی خدا و رسالت تو دهیم، و ما پذیرفتیم. سپس راضی نگشتی تا این جوان را بر ما منصوب کردی ... حال این (نصب علی(ع)) از طرف خودت می باشد یا دستوری از جانب خداوند است ... نعمان در حالی که به رسول خدا(ص) پشت کرده

بود، می گفت: <اللّهم إن کـان هـذا هو الحقّ من عنـدک فـأمطر علینا حجاره من السـماء> ... پس خداونـد متعال آیه <سأل سائل بعذاب واقع...> را نازل نمود>.

خواسته های نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۸ - ۵

۵ - نوح (ع) ، خواهان اطاعت قومش از او به خاطر صداقت و امانت داری وی

إنّی لکم رسول أمین . فاتّقوا اللّه و أطیعون

خواسته های هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۰ - ۲۲،۲۶

۲۲ هـارون بـا بیان موضع خویش در برابر منحرفان بنی اسـرائیل از موسـی (ع) خواست تا با مؤاخـذه وی دشـمنان دین را شاد نسازد .

و کادوا یقتلوننی فلا تشمت بی الأعداء

<ال> در <الأعداء> برای جنس است و مراد از آن، به قرینه <القوم الظلمین>، دشـمنان دین و توحید، یعنی همان گوساله پرسـتان، است. <اشـمات> (مصـدر <لا تشـمت>) به معنای خشـنود ساختن و <باء> در <بی> سـببیه است. بنابراین <لا تشمت بی الأعداء> یعنی دشمنان دین را با مؤاخذه من شاد نکن.

۲۶ هارون با بیان مبارزه خویش علیه شـرکورزی بنی اسـرائیل ، از موسـی (ع) خواست تا وی را همسـنگ سـتمکاران شـرک پیشه قرار ندهد .

إن القوم استضعفونی و کادوا یقتلوننی . .. و لاتجعلنی مع القوم الظلمین

روشن است که موسـی(ع) هرگز گمـان نمی کرد که هـارون از سـتمکاران باشـد. بنابراین <مع> در جمله <لا تجعلنی مع> معیت حکمی است ; یعنی مرا در حکم ستمکاران قرار مده.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- طه - ۲۰ - ۴۷ - ۳

۳ - آزادی بنی اسرائیل و گسیل داشتن آنان با موسی و هارون (ع) ، نخستین خواسته آن دو از فرعون بود .

فقولا . .. فأرسل معنا بنی إسرءیل

خواسته های همبندان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۷

۷ هم بندان یوسف (ع) ، از او خواستند رؤیایشان را تعبیر کرده و تأویل آن را بیان کند .

نبّئنا بتأویله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۱

۱ یوسف (ع) ، تقاضای هم بندان خویش را پذیرفت و آنان را به تعبیر کردن رؤیایشان پیش از رسیدن غذای آنان مطمئن ساخت .

نبّئنا بتأویله . .. قال لایأتیکما طعام ترزقانه إلّا نبّأتکما بتأویله

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از ضمیر در <تأویله> رؤیای هر یک از هم بندان یوسف باشد. بر این مبنا جمله <قال لایأتیکما...> چنین معنا می شود: غذایی که به شما اعطا می شود، برایتان حاضر نمی گردد مگر آنکه تعبیر رؤیا را به شما گزارش کرده ام.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۱ - ۷

۷ هم بندان زندانی یوسف (ع) ، با اصرار و تقاضای مکرر از او خواستند رؤیاهایشان را تعبیر کند و تأویل آنها را بیان دارد .

قضی الأمر الذی فیه تستفتیان

آوردن فعل مضارع <تستفتیان> (پرسش می کنید) به جای فعل ماضی <استفتیا> (پرسش کردید) دلالت بر استمرار دارد و

گویای اصرار و تقاضای مکرر

هم بندان یوسف(ع) است.

خواسته های همسر فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۱۱ – ۳

۳ – درخواست همسر فرعون از خداوند ، مبنی بر زیستن در جوار رحمت او و بنا کردن خانه ای در بهشت برای وی

إذ قالت ربّ ابن لی عندک بیتًا فی الجنّه

خواسته های همسران محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۲۸ – ۱

۱ – همسران پیامبر (ص) ، از آن حضرت ، خواستار امکانات و نفقه های زیاد و زیورآلات بودند .

قل لأزوجک إن کنتنّ تردن الحیوه الدنیا و زینتها

طبق شأن نزولی که مفسران نقل کرده اند، آیه ناظر به خواسته هایی است که همسران پیامبر(ص) از آن حضرت داشته اند و خداوند، به آن حضرت رهنمود می دهد که با آنان چه رفتاری پیشه کند. (مجمع البیان، ذیل همین آیه)

خواسته های هود(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۲۶ – ۲

۲ – هود (ع) ، خواهان اطاعت قومش از او ، به دلیل آشکار بودن صداقت وامانت داری وی

إنّی لکم رسول أمین . فاتّقوا اللّه و أطیعون

تفریع <اتقوا اللّه وأطیعون> بر <إنّی لکم رسول أمین> مفید مطلب یاد شده است.

خواسته های یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۲ - ۱۰

۱۰ - ابراهیم و یعقوب (ع) ، از پسرانشان خواستند تا همواره تسلیم خدا بوده و مطیع فرمان او باشند .

فلاتموتن إلا و أنتم مسلمون

جمله <فلاتموتن

. ..> کنایه از لزوم تسلیم همیشگی در برابر خدا و همواره مطیع او بودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۶

۶ یعقوب (ع) از فرزندانش خواست صورت ناتوانی و عذر را ، در سوگندشان بر محافظت از بنیامین و باز گرداندن او استثنا کنند .

لتأتنّنی به إلاّ أن یحاط بکم

ظاهر این است که عبارت <إلاّ أن یحاط بکم> استثنا از قسم که مفاد <لتأتنّنی به> است می باشد. بر این اساس یعقوب(ع) به فرزندانش توصیه کرد که در اجرای صیغه سوگند مورد عذر و ناتوانی را استثنا کنند و چنین بگویند: <والله لنأتینك به إلاّ أن یحاط بنا> (به خدا سوگند بنیامین را به تو باز می گردانیم مگر مغلوب شویم و همه راهها و چاره ها بر ما بسته شود).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۴

۴ یعقوب (ع) از فرزندانش خواست برای یافتن یوسف (ع) و بنیامین تلاشی پی گیر داشته و از یافتن آنها هرگز مأیوس نشوند .

و لاتاْیئسوا من روح الله

خواسته های یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۹ - ۷

۷ یوسف (ع) از هم بندان خویش خواست تا با مقایسه و سنجش عقیده توحیدی با عقیده به خدایان متعدد ، عقیده درست را برگزینند .

ءأرباب متفرقون خیر أم الله الوحد القهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۱۸

یوسف (ع) از هم بند خویش ، ساقی پادشاه ، خواست تا پس از رهایی ، داستان او را برای پادشاه بیان کند .

وقال للذی ظنّ أنه ناج منهما اذکرنی عند ربک

۸ ساقی پادشاه پس از رهایی از زندان ، درخواست یوسف (ع) (یادآوری وضعیت او) را فراموش کرد .

فأنسیه الشیطن ذکر ربه

<انساء> (مصدر أنساه) یعنی به فراموشی انداختن. ضمیر در <أنساه> و <ربه> به <الذی> - که مراد از آن ساقی پادشاه است - برمی گردد. بر این اساس، جمله <فأنساه ...> چنین معنا می شود: شیطان از خاطر ساقی زدود که داستان یوسف(ع) را نزد پادشاه یادآور شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۶،۷،۸

۶ یوسف (ع) پیک دربار را باز گرداند تا از پادشاه بخواهد درباره ماجرای مهمانان زلیخا تحقیق کند .

قال ارجع إلی ربک فسئله ما بال النسوه

<بال> به معنای شأن و کار مهم است و مراد از آن در آیه شریفه ، ماجرا و داستان می باشد.

۷ بازجویی از زنانی که در ماجرای میهمانی زلیخا دست های خویش را بریدند ، شرط یوسف (ع) برای بیرون آمدن از زندان و حاضر شدن در نزد پادشاه

قال ارجع إلی ربک فسئله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

۸ رفع اتهام و اثبات بی گناهی ، هدف یوسف (ع) از تقاضای تحقیق در ماجرای زنانی که دست های خویش را با مشاهده یوسف (ع) بریدند .

قال ارجع إلی ربک فسئله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۳

۳ بازجویی پادشاه از زنان اشراف ، پاسخی به پیام و تقاضای یوسف (ع) بود .

فسئله ما بال النسوه . .. قال ما خطبکنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۱،۱۶،۱۸

۱ یوسف (ع) از پادشاه خواست وی را به وزارت کشاورزی مصر و تصدی انبار های غله ، منصوب کند .

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

از آن جا که یوسف(ع) در تعبیر رؤیای پادشاه بیان داشت که باید هفت سال با جدیّت به امر کاشت و برداشت و ذخیره سازی ارزاق بپردازند، چنین برمی آید که مقصود وی از <مرا بر گنجینه های زمین بگمار> این است که امور یاد شده را به من بسپار ; یعنی، امر کشت و برداشت (وزارت کشاورزی) و نیز انبارهای غلّه در اختیار من باشد.

۱۶ < عن علی بن موسی الرضا (ع) : . . . ان یوسف (ع) . . . لما دفعته الضروره إلی تولی خزائن العزیز قال : اجعلنی علی خزائن الأرض . . . ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: . .. هنگامی که ضرورت ایجاب کرد ، یوسف سرپرستی خزاین عزیز مصر را بپذیرد گفت: <اجعلنی علی خزائن الأرض ...>.

۱۸ < عن أبی عبدالله (ع) أنه قال لقوم ممّن یظهرون الزّهد و یدعون الناس أن یکونوا معهم علی مثل الذی هم علیه من التقشّف . . . أخبرونی أین أنتم عن . . .یوسف النبی (ع) حیث قال لملک مصر :

< اجعلنی علی خزائن الأرض . . . > فکان من أمره الذی کان أن اختار مملکه الملک و ما حول ها إلی الیمن . . . فلم نجد أحداً عاب ذلک علیه . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده خطاب به گروهی که اظهار زهد می کردند و مردم را دعوت می نمودند که همانند آنان زندگی را بر خود سخت گیرند . .. فرمود: مرا خبر دهید شما درباره یوسف پیغمبر(ع) چگونه می اندیشید که او به پادشاه مصر گفت: <اجعلنی علی خزائن الأرض ...>؟ پس کار یوسف به آن جا رسید که همه کشور پادشاه و اطراف آن تا یمن را در اختیار گرفت ... در عین حال نیافتیم کسی را که این را بر او عیب گرفته باشد ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۷

۷ یوسف (ع) از برادرش بنیامین خواست گذشته برادرانش را نادیده انگارد و از رفتار ناروای پیشین آنان اندوهی به خود راه ندهد .

فلاتبتئس بما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۲،۴،۹

۲ یوسف (ع) از برادرانش خواست پیراهن او را به صورت یعقوب (ع) بیفکنند تا بینا شود .

فألقوه علی وجه أبی یأت بصیرًا

<یأت> در آیه شریفه به معنای یصیر (می گردد و مبدل می شود) است. جمله <فارتد بصیراً> در آیه ۹۶ مؤید این معناست. قابل ذکر است که برخی برآنند که <یأت> به معنای <می آید> است و <بصیراً> حال می باشد; یعنی، او به

مصر می آید در حالی که بیناست.

۴ یوسف (ع) از برادرانش خواست در افکندن پیراهنش به چهره یعقوب (ع) تعجیل کرده و آن را به تأخیر نیندازند .

اذهبوا . .. فألقوه علی وجه أبی

برداشت فوق از حرف <فاء> در <فألقوه> استفاده شده است. <فألقوه> ; یعنی ، به مجرد رسیدن به کنعان و قبل از هر کار دیگری چنین کنید.

۹ یوسف (ع) از برادران خویش خواست تمام اهل و عیالشان (خاندان یعقوب) را به مصر کوچ دهند .

وأتونی بأهلکم أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۱۰

۱۰ یوسف (ع) پس از انجام مراسم استقبال ، از پدر و مادر و خویشانش خواست به مصر وارد شوند و در آن دیار سکنی گزینند .

قال ادخلوا مصر إن شاء الله ءامنین

امنیت خاندان یعقوب از ناحیه حکومت و دوران قحطی که <آمنین> بدان اشاره دارد با این معنا سازگار است که مقصود یوسف(ع) از <ادخلوا . ..> سکنی گزینی و اقامت خاندان یعقوب در مصر باشد.

خواسته های یوشع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۴ - ۳

۳- همسفر موسی ، با وجود ناآگاهی از علائم جایگاه ملاقات او با خضر ، همگام موسی (ع) وخواهان به مقصد رسیدن او بود .

ذلک ما کنّا نبغ

خواسته های یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۶ – ۸

۸ – فرد فرد یهود ، خواهان عمر طولانیِ هزار ساله هستند

.

یود أحدهم لو یعمر الف سنه

<یعمّر> از تعمیر و به معنای عمر داده شود، است. آوردن <أحدهم> به عنوان فاعل <یود> و استفاده نکردن از ضمیر جمع (یودون) تصریح به این معنا دارد که: عمر طولانی هزار ساله، خواسته فرد فرد آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۹

۹ - یهود و نصارا نیز همانند مشرکان ، خواهان سخن گفتن خدا با آنان درباره راستی و درستی رسالت پیامبران بودند .

کذلک قال الذین من قبلهم مثل قولهم

در آیه ۱۱۳ مشرکان با تعبیر <الذین لایعلمون> در قبال یهود و نصارا مطرح شده اند و در آیه مورد بحث مشرکان با همان تعبیر در قبال <الذین من قبلهم> قرار گرفته اند. از این مقایسه معلوم می شود: مقصود از <الذین من قبلهم> یهود و نصارا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۲

۲ در آتش سوختن قربانی پیامبر (ص) ، شرط یهود برای ایمان به آن حضرت

الّذین قالوا انّ اللّه . .. حتّی یاتینا بقربان تاکله النّار

<قربان> به معنای هر چیزی است که انسان به وسیله آن به خداوند تقرب جوید و قربانِ امّتهای گذشته، گاو، گوسفند و شتری بود که برای تقرّب به خدا ذبح می شد (تاج العروس).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۲،۵،۹

۲ آشکارا دیدن خداوند ، تقاضای نابجای یهودیان از موسی (ع)

فقد سألوا موسی أکبر من ذلک فقالوا أرنا اللّه جهره

خداوند از سوی یهود ، درخواستی ظالمانه و موجب گرفتار شدن آنان به صاعقه

فقالوا أرنا اللّه جهره فأخذتهم الصعقه بظلمهم

۹ درخواست یهود از موسی (ع) (دیدن خدا) ، نابجاتر از درخواست آنان از پیامبر (ص) (نزول کتاب آسمانی بر آنان)

یسئلک أهل الکتب . .. فقد سألوا موسی أکبر من ذلک

درخواست از غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۴ - ۸

۸ خواندن غیر خدا و درخواست حاجت کردن از غیر او کفر است .

له دعوه الحق . .. و ما دعاء الکفرین إلّا فی ضلل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۵ - ۱

۱- عبادت گران غیر خدا و حاجت طلبان از درگاه غیر او ، گمراه ترین وسرگشته ترین انسان ها

و من أضلّ ممّن یدعوا من دون اللّه من لایستجیب له

رد خواسته های اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۴ - ۱

۱ - پاسخ منفی نوح (ع) به درخواست اشراف مبنی بر طرد محرومان از پیرامون خویش

أنؤمن لک و اتبعک الأرذلون . .. و ما أنا بطارد المؤمنین

رد خواسته های بخیلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۱۲ – ۲

۲ – پیامبر (ص) ، مأمور پرهیز از اجابت خواسته های افراد بخیل و خسیس

و لاتطع کلّ . .. منّاع للخیر

برخی از مفسران، احتمال داده اند که <خیر> در این آیه، به معنای

مال است و مقصود از <منّاع للخیر> کسانی انـد که از دادن مال خود به دیگران خودداری می کننـد; یعنی، بخیل و خسـیس اند.

رد خواسته های بداخلاقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۳ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور پرهیز از اجابت خواسته های افراد درشت خوی و بدخلق

و لاتطع کلّ . .. عتلّ

<عتّل> مرادف با <فظ و غلیظ> (درشت خوی و خشن) است (لسان العرب).

رد خواسته های خسیسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۲ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، مأمور پرهیز از اجابت خواسته های افراد بخیل و خسیس

و لاتطع کلّ . .. منّاع للخیر

برخی از مفسـران، احتمـال داده انـد که <خیر> در این آیه، به معنای مال است و مقصود از <منّاع للخیر> کسانی انـد که از دادن مال خود به دیگران خودداری می کنند; یعنی، بخیل و خسیس اند.

رد خواسته های دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۳

۳- خداوند ، پیامبر (ص) را در شیوه برخورد با دنیاگرایان و رد پیشنهاد های نادرست آنان تعلیم داد .

و لاتطع من . .. و قل الحقّ من ربّکم

رد خواسته های زنازاده ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۳ - ۴

۴ - پیامبر (ص) ، مأمور پرهیز از اجابت خواسته های افراد بی ریشه و تبار

و لاتطع کلّ . .. زنیم

<زنیم> به زنازاده

و کسی که خود را به قومی می چسباند ولی از آنان نیست گفته می شود (لسان العرب). بنابه نوشته مفسران، آیات این بخش درباره ولیدبن مغیره نازل شده است.

رد خواسته های سخن چینان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۱ - ۴

۴ - پیامبر (ص) ، مأمور پرهیز از اجابت خواسته های سخن چینان

و لاتطع کلّ . .. مشّاء بنمیم

رد خواسته های سوگند خورندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۰ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور پرهیز از اجابت خواسته های سوگند خورندگان بی مبالات

و لاتطع کلّ حلّاف

<حلّاف> صیغه مبالغه است. ازاین رو می رساند که حلّاف کسی است که بسیار سوگند یاد می کند و بر این کار عادت کرده است; چه آن که راست و بجا باشد و چه دروغ و بی جا. بدین جهت در برداشت یاد شده، تعبیر بی مبالاتی آمده است.

رد خواسته های عیب جویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۱ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور پرهیز از اجابت خواسته های افراد عیب جو

و لاتطع کلّ . .. همّاز

<همّاز>، مرادف <عیّاب> و به معنای عیب جو است.

رد خواسته های فرومایگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۰ - ۴

۴ - پیامبر (ص) ، مأمور پرهیز از اجابت خواسته های فرومایگان

و لاتطع کلّ. .. مهین

<مهانت> (از ماده <مهین>) به

معنای حقارت و قلّت تدبیر است.

رد خواسته های گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۴ - ۱

۱ - درخواست مجرمان در قیامت برای بازگشت به دنیا ، از سوی خداوند شدیداً رد می شود .

فارجعنا نعمل صلحًا . .. فذوقوا بما نسیتم لقاء یومکم هذا

احتمال دارد امر <ذوقوا> جواب درخواست مشرکان باشد که در آیه پیش (۱۲) مطرح شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۲ - ۸

۸ - پیامبر (ص) ، مأمور پرهیز از اجابت خواسته های گناه پیشگان

و لاتطع کلّ . .. أثیم

رد خواسته های مانعان خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۲ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور پرهیز از اجابت خواست کسانی که مانع خیر در جامعه اند .

و لاتطع کلّ . .. منّاع للخیر

رد خواسته های متجاوزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۲ - ۵

۵ - پیامبر (ص) ، مأمور پرهیز از اجابت خواسته های تجاوزگران

و لاتطع كلّ . .. معتد

رد خواسته های مشركان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۱ - ۵

۵- عدم اعطای معجزات اقتراحی مشركان از سوی خداوند ، به دليل علم خدا به حق ناپذيری آنان

و لقد ءاتينا موسی . .. فقال له فرعون إنی لأظنّك يموسی مسحورًا

يادآوری كفر فرعون، علی رغم ارائه معجزات فراوان از سوی موسی(ع) در پی رد درخواستهای

مشرکان، می رساند که دلیل عدم اجابت خواسته های مشرکان، تصمیم آنان بر عدم ایمان است.

ردّ خواسته های مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۴ - ۱،۲

۱ استغاثه و درخواست تکذیب کنندگان قیامت برای رهایی از آتش جهنم نتیجه بخش نبوده و عذابشان ادامه خواهد یافت .

لاتدعوا الیوم ثبورًا وحدًا و ادعوا ثبورًا کثیرًا

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که مقصود از درخواست هلاـکت، در حقیقت کنایه از نجات از وضع بسیار سخت دوزخ است; نه مرگ و نابودی واقعی.

۲ درخواست تکذیب کنندگان قیامت برای مرگ و هلاکت خویش ، بی نتیجه بوده و آنان برای همیشه در آتش خشمگین جهنم خواهند سوخت .

بل کذّبوا بالساعه . .. لاتدعوا الیوم ثبورًا وحدًا و ادعوا ثبورًا کثیرًا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مقصود از <و ادعوا ثبوراً کثیراً> کنایه از این باشد که چون درخواست کافران برای مرگ و یا نجات، پذیرفته نمی شود و باید تا ابد در آتش بسوزند. از این رو از روی استهزا به آنان گفته می شود: بسیار درخواست هلاکت[و یا نجات] کنید.

روش تحصیل خواسته ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۵

۵ کافران مکه معتقد به تأثیر دعا به درگاه خدا برای تحقق بخشی به درخواست های آنان

اللّهم إن کان هذا هو الحق من عندک فأمطر علینا حجاره

زمینه اجابت خواسته ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٢٠ – ليل – ٩٢ – ٢١ – ٢

– ٢

انفاق همراه باتقوا و اخلاص ، مایه رسیدن به تمام خواسته ها و آرزو ها در قیامت است .

و لسوف یرضی

رسیدن به مرحله رضایت، به معنای دست یافتن به تمام اموری است که شخص به آن رغبت دارد.

زمینه تأمین خواسته ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۳۴ – ۱۱

۱۱ – تقوا و احسان ، موجب دستیابی انسان به تمامی خواسته های خود در قیامت

أُولئک هم المتّقون . لهم ما یشاءون عند ربّهم ذلک جزاء المحسنین

زمینه تأمین خواسته های انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۱۶ – ۴

۴ برآورده شدن تمامی خواسته ها و ارضای همه تمایلات انسان ، تنها در سایه تقواپیشگی میسّر است .

جنّه الخلد التی وعد المتّقون . .. لهم فیها ما یشاءون خلدین

زمینه تحصیل خواسته ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۳ – ۱۸

۱۸ لزوم اتکا به خداوند و امید داشتن به او ، برای دستیابی به خواسته ها و رهایی از دشواریها

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۳۷ – ۲۸

۲۸ – عنایت خداوند ، به مؤمنان ، در هموار کردن و رفع دشواری های فرهنگی ، برای رسیدن به خواسته هایشان

زوّجنکها لکی لایکون علی المؤمنین حرج فی أزوج أدعیائهم

صالح(ع) و خواسته های قوم ثمود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۶۳ – ۹،۱۵

۹ صالح (ع)

به مردم خویش اعلام کرد : در صورت پذیرش خواسته آنان (ترک دعوت به توحید) گنه کار و مستحق عذاب الهی خواهد بود .

فمن ینصرنی من الله إن عصیته

۱۵ صالح (ع) ، توجه کردن به درخواست کافران قومش (ترک ابلاغ توحید) را ، مایه خسارت و تباهی خویش دانست .

فما تزیدوننی غیر تخسیر

<تخسیر> به معنای خسارت زدن می باشد و فاعل آن قوم ثمود است.

عوامل تحصیل خواسته ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۳۶ – ۴

۴ – دعا و درخواست از خداوند ، در برآورده شدن خواسته ها و رسیدن به آن ، مؤثر است .

قال ربّ اشرح . .. قال قد أُتیت سؤلک

برآورده شدن خواسته های موسی(ع) پس از دعا و تقاضای ملتمسانه او به درگاه خداوند بود و این نشان دهنده نقش دعا در اجابت خواسته ها است.

عوامل تحقق خواسته های اهل کتاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بینه – ۹۸ – ۳ – ۶

۶ – بعثت پیامبر (ص) همراه با قرآن ، تحقّق بخش پیش شرط اهل کتاب و مشرکان برای ترک آیین خویش

لم یکن . .. منفکّین حتّی تأتیهم البیّنه . رسول ... فیها کتب قیّمه

برداشت یاد شده، براساس یکی از احتمالاتی است که درباره نخستین آیه بیان شد. در آن احتمال، آیه شریفه، بیانگر ادّعای کافران دانسته شده بود.

عوامل تحقق خواسته های مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۳ - ۶

۶ - بعثت پیامبر (ص

) همراه با قرآن ، تحقّق بخش پیش شرط اهل کتاب و مشرکان برای ترک آیین خویش

لم یکن . .. منفکّین حتّی تأتیهم البیّنه . رسول ... فیها کتب قیّمه

برداشت یاد شده، براساس یکی از احتمالاتی است که درباره نخستین آیه بیان شد. در آن احتمال، آیه شریفه، بیانگر ادّعای کافران دانسته شده بود.

فرعون و خواسته فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۷ - ۱۱

۱۱ فرعون با پذیرش پیشنهاد اشرافیان (سرکوبی موسی (ع) و قوم او) بر کشتار وسیع پسران بنی اسرائیل و زنده نگاه داشتن زنانشان مصمم شد .

قال سنقتّل أبناءهم و نستحی نساءهم

تقتیل (مصدر تقتّل) به معنای کشتار وسیع است. <استحیاء> از ماده <حیات> به معنای زنده نگاه داشتن است.

فلسفه خواسته های قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۷ - ۴

۴ - معجزه خواهی ثمودیان ، پیشنهادی بهانه جویانه بود ; نه درخواستی صادقانه .

فأت بئایه إن کنت من الصدقین . .. فعقروها

فلسفه خواسته های مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶ - ۸

۸- درخواست معجزه از سوی مشرکان ستم پیشه مکه ، در جهت بهانه جویی بود ; نه حقیقت طلبی .

فلیأتنا. .. أفهم یؤمنون

خداوند، درخواست معجزه از طرف مشـرکان را به این دلیل ردّ فرمود که آنان مانند مشرکان اقوام گذشته، قصد ایمان آوردن نداشتند. بنابراین چنین درخواستی بهانه و دست آویزی بیش نبود.

فلسفه خواسته های موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۳۴ – ۱

۱ – هدف موسی (ع) از تقاضای نبوت و رسالت برای هارون (ع) ، به دست آوردن فرصت بسیار برای ذکر خداوند و حمد و ثنای مکرر او بود .

و أشرکه فی أمری . .. و نذکرک کثیرًا

فاعل <نذکرک> موسی و هارون(ع) است و مراد از کثرت ذکر خدا، افزایش تبلیغات توحیدی براثر همراهی آن دو است که متضمن مدح و ثنای خداوند می باشد.

فلسفه خواسته های یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۵ – ۲

۲ پیشگیری از بروز فاجعه برای مردم مصر به سبب قحطی و خشکسالی ، از هدف های یوسف (ع) در تقاضای منصب حکومتی

اجعلنی علی خزائن الأرض

فلسفه ردّ خواسته های کافران مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۸ – ۶

۶– فلسفه عدم تحقق درخواست کافران مکه ، مبنی بر نزول ملائکه ، مهلت دادن به آنان و جلو نینداختن اجلشان است .

ما تسبق من أمه أجلها . .. ما ننزّل الملئکه إلاّ بالحقّ و ما کانوا إذًا منظرین

فلسفه رد خواسته های مسلمانان صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۵۹ – ۲۲

٢٢- < عن أبى جعفر (ع) فى قوله : < و مـا منعنـا أن نرسـل بالأيـات > و ذلـك أن محمـداً (ص) سأله قومه أن يأتيهم بآيه فنزل جبرئيل قال : إن الله يقول : < و ما منعنا

أن نرسـل بالأيات إلى قومک إلاّ أن کـذب بها الأوّلون > و کنّاإذا أرسـلنا إلى قريه آيه فلم يؤمنوا بها أهلکناهم فلـذلک أخّرنا عن قومک الأيات ;

از امام باقر(ع) در باره سخن خداوند <و ما نرسل بالأيات> روايت شده است که فرمود: داستان اين بود که: قوم محمد از آن حضـرت درخواست کردنـد که معجزه ای برای آنـان بيـاورد، پس جبرئيل نازل شـد و گفت: خـدا می فرمايـد: <و ما منعنا أن نرسل بالأيات . ..> و سـنت ما چنين بوده است که هرگاه معجزه ای را به سوی قريه ای فرستاديم و آنان به آن ايمان نياوردند، آنان را هلاک کرديم. پس به خاطر همين، فرستادن معجزات را برای قومت به تأخير انداختيم>.

قبول خواسته های آسيه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۹ - ۱۳

۱۳ - پذيرفته شدن خواسته آسيه (نگه داری موسی (ع)) از سوی فرعون

و قالت امرأت فرعون . .. لاتقتلوه

سکوت فرعون در برابر خواسته آسيه، نشان از پذيرفته شدن آن از سوی فرعون دارد.

قبول خواسته های جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۲ - ۱

۱ - پاسخ مثبت فرعون ، به امتيازطلبی ساحران برای غلبه بر موسی (ع)

قالوا لفرعون أئنّ لنا لأجرًا . .. قال نعم

قبول خواسته های خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۱ - ۱

۱- موسی (ع) با پذيرش شروط خضر ، همراه او حرکت کرد .

فانطلقا حتّى إذا ركبا فى

السفینه

<انطلاق> به معنای <روانه شدن و حرکت کردن> است. <فاء> در <فانطلقا> دلالت دارد که موسی(ع) شرایط خضر را پذیرفت و خضر(ع) به همراهی وی رخصت داد.

قبول خواسته های قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۵ - ۱

۱ - پاسخ مثبت صالح (ع) ، به معجزه خواهی ثمودیان

فأت بایه . .. قال هذه ناقه ... شرب یوم معلوم

منشأ تأمین خواسته ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۲ - ۲

۲ - انسان هر چه بخواهد و طلب کند ، کلید دستیابی به آن تنها نزد خداوند است .

له مقالید السموت

تقدیم <له> بر <مقالید السموت> می تواند برای افاده حصر باشد.

منشأ تأمین خواسته های اخروی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۶ - ۵

۵ تأمین خواسته های متقین در بهشت ، برخاسته از ربوبیت خداوند

لهم فیها ما یشاءون خلدین کان علی ربّک وعدًا مسئولاً

منشأ خواسته های انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۹ - ۳،۴،۷

۳ - هر یک از خواسته های انسان ، مسبوق به خواست الهی است .

و ما تشاءون إلاّ أن یشاء اللّه

آیه شریفه با توجّه به مضارع بودن فعل های <تشاءون> و <یشاء>، بر دو چیز دلالت دارد: ۱. <خواستن> و <مشیّت> در انسان ها، عطای خداوند و براساس خواست او است; ۲. هر یک از خواسته های روز مرّه انسان، وابسته به خواست خداوند در همان مورد است. برداشت

یاد شده گویای نکته دوم است.

۴ - انسان ، بدون خواست خداوند ، حتی از خواستن و تصمیم گرفتن نیز عاجز است .

و ما تشاءون إلاّ أن یشاء اللّه

۷ - ربوبیت خداوند بر انسان ها و سلطه او بر تمام امور آنان ، علت مشروط بودن خواسته های آنان به خواست خداوند است .

و ما تشاءون إلاّ أن یشاء اللّه ربّ العلمین

توصیف <اللّه> به وصف <ربّ العالمین>، به منزله بیان علّت برای نکته مطرح شده در آیه شریفه است.

منشأ خواسته های موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۸ - ۶

۶- درخواست رهایی بنی اسرائیل از سوی موسی (ع) ، نشأت یافته از رسالت آن حضرت و نه انگیزه های قومی و طبقاتی

أن أدّوا . .. إنّی لکم رسول أمین

از تأکید موسی(ع) بر <إنّی لکم رسول أمین> استفاده می شود که آنچه آن حضرت به فرعونیان پیشنهاد کرده، نه از آن جهت است که با بنی اسرائیل پیوند نژادی و طبقاتی دارد; بلکه صرفاً در این سخن، پیامداری امین از جانب خداوند است.

منشأ قبول خواسته های کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۸ - ۵

۵ - اجابت درخواست های کافران از سوی پیامبران ، منوط به اذن الهی

فأسقط علینا کسفًا . .. قال ربّی أعلم بما تعملون

برداشت یاد شده از آن جا است که شعیب(ع)، پاسخ گویی به درخواست مردم <ایکه> را، به خدا و علم او محول کرد.

نقش خواسته های انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف

- ۱۲ - ۳۴ - ۹

۹ خواست خود آدمی ، در رقم خوردن سرنوشت او از ناحیه خداوند ، نقشی بسزا دارد .

قال رب السجن أحب . .. فصرف عنه کیدهنّ

نوح(ع) و خواسته های اشراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۹

۹ مخالفت شدید و قاطعانه نوح (ع) با درخواست نابه جای سران و اشراف (طرد مؤمنان تهی دست)

و ما أنا بطارد الذین ءامنوا

آوردن جمله اسمیه و <با> ی زایده ، حکایت از تأکید فراوان دارد.

نوح(ع) و خواسته های قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۳ - ۹

۹ پاسخ نوح (ع) به عذاب طلبی کفرپیشگان ، پاسخی آمیخته با درس توحید و خداشناسی بود .

فأتنا بما تعدنا . .. قال إنما یأتیکم به الله إن شاء و ما أنتم بمعجزین

وابستگی خواسته های انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳۰ - ۱

۱ - مشیّت و خواست انسان ، در طول مشیّت و خواست خدا و وابسته به آن است .

و ما تشاءون إلاّ أن یشاء اللّه

مقصود آیه شریفه، این است که خواست بشر، وابسته به خواست خداوند است و تا او اذن ندهد، بشر نمی تواند چیزی را

مستقلاً بخواهد و یا آن را تحقق بخشد.

یعقوب(ع) و خواسته های برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۳ - ۱،۵

۱ یعقوب (ع) با فرستادن یوسف (ع

) به همراه فرزندانش ، موافق نبود و از آن اعتذار می جست .

قال إنی لیحزننی أن تذهبوا به

۵ ترسیدن بر جان یوسف (ع) از حمله گرگها ، از دلایل مخالفت یعقوب (ع) با فرستادن یوسف به همراه فرزندانش

قال إنی . .. أخاف أن یأکله الذئب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۱

۱ یعقوب (ع) سرانجام با مسافرت بنیامین به مصر همراه دیگر فرزندانش ، موافقت نمود .

قال لن أُرسله معکم حتی تؤتون موثقًا

یوسف(ع) و خواسته های زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۲۸،۱۰،۹

۹ یوسف (ع) علی رغم فراهم بودن همه شرایط و سلطه ظاهری زلیخا بر او ، تمنّای وی را نپذیرفت و به خواسته اش تن در نداد .

رودته . .. و قالت هیت لک قال معاذ الله

<معاذ> مصدر و مفعول مطلق برای فعل مقدر <أعوذ> است ; یعنی ، <أعوذ بالله معاذاً>.

۱۰ یوسف (ع) در برابر صحنه های پر جاذبه شهوانی (تمنّای زلیخا ، ابراز اشتیاق او ، خلوت بودن قصر و بسته بودن درب ها) به خدا پناه برد .

قال معاذ الله

۲۸ یوسف (ع) ، تسلیم شدن در برابر تمنای نامشروع زلیخا را ، مصداقی از ستم کاری می دانست .

إنه لایفلح الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۱۸،۱۹

۱۸ یوسف (ع) پذیرش تقاضای نامشروع زلیخا و همپالگی های او را ، سقوط

به ورطه سفاهت و بی خردی می دانست .

و إلاّ تصرف . .. أصب إليهنّ و أكن من الجهلين

جهل به معنای سفاهت در مقابل عقل ، و نیز به معنای نادانی در مقابل علم می باشد. برداشت فوق ، ناظر به معنای نخست است.

۱۹ یوسف (ع) ، ارتکاب گناه و پذیرش تقاضای زلیخا و همپالگی های او را ، موجب از دست دادن علم و حکمت خدادادی خویش می دانست .

ءاتینه حکمًا و علمًا . .. و إلاّ تصرف عنی کیدهنّ أصب إليهنّ و أكن من الجهلين

برداشت فوق ، بر این مبناست که مراد از جهل نادانی باشد. بر این مبنا می توان گفت: مقصود یوسف(ع) از جاهل شدن ، سلب گشتن علم و حکمتی است که خداوند به او عطا کرده بود (ءاتیناه حکماً و علماً) <آیه ۲۲>.

خواسته ها

تأمین خواسته ها در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۲ - ۴

۴- بهشت ، سرایی جاودان و دل خواه و نعمت های آن ارضا کننده تمامی امیال و خواسته های آدمی است .

و هم فی مااشتهت أنفسهم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۶ - ۳،۶

۳ تأمین تمامی خواسته های متقین در بهشت جاویدان ، وعده تخلف ناپذیر و متعهدانه خداوند به آنان

لهم فیها ما یشاءون خلدین کان علی ربّك وعدًا مسئولاً

۶ بهشت جاویدان ، تنها جایی است که تمامی خواسته ها و تمایلات بشر در آن تأمین و ارضا خواهد شد .

لهم فیها ما یشاءون خلدین

این که خداوند وعده داد که:

<تمامی خواسته های متقین در بهشت تأمین می شود (نه در دنیا)> می توان به برداشت یاد شده دست یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۱ - ۸

۸ - آدمی ، در بهشت به تمامی آنچه می خواهد و طلب می کند ، خواهد رسید .

و لکم فیها ما تشتهی أنفسکم و لکم فیها ما تدّعون

تقدیم <فیها> بر <تشتهی> گویای حصر است؛ یعنی، آنچه می خواهید و آرزو می کنید تنها در بهشت بدان دست می یابید و در غیر بهشت این گونه نیست که آدمی هر آنچه بخواهد، بتواند آن را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۱ - ۹

۹ - تنها بهشت ، محل تأمین تمامی خواسته ها و لذت های انسان

و فیها ما تشتهیه الأنفس

تقدیم <فیها> اشعار به این نکته دارد که تمایلات وجودی انسان، به طور کامل تنها در بهشت تأمین می شود.

تأمین خواسته ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۴ - ۱۲

۱۲ - قیامت ، تنها عرصه شایسته برای برآورده شدن تمامی خواسته های بشر

لهم ما یشاءون عند ربّهم

<عند ربّهم> به منزله قید برای <لهم ما یشاءون> است. این قید می رساند که برآورده شدن خواسته های بشر در قیامت و در پیشگاه خداوند میسر است نه در دنیا؛ چنان که خداوند در جای دیگر از قرآن می فرماید: <...و فیها ما تشتهیه الأنفس و تلذّ الأعین...؛ در آن جا (بهشت) هرچه دل ها خواهش و آرزو کند

و چشم ها از دیدن آن لذت برد، وجود دارد. زخرف (۴۳)، آیه (۷۱).

تذکر اجابت خواسته ها در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۴۸ – ۶

۶- یادآوری برآورده شدن خواسته های انسان در بهشت ، از روش های هدایت و جذب انسان ها به دین *

إن المتقین فی جنّت و عیون . ادخلوها بسلم ءامنین . و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ

روش تحصیل خواسته ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳۲ – ۵

۵ کافران مکه معتقد به تأثیر دعا به درگاه خدا برای تحقق بخشی به درخواست های آنان

اللّهم إن کان هذا هو الحق من عندک فأمطر علینا حجاره

زمینه اجابت خواسته ها در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – لیل – ۹۲ – ۲۱ – ۲

۲ – انفاق همراه باتقوا و اخلاص ، مایه رسیدن به تمام خواسته ها و آرزو ها در قیامت است .

و لسوف یرضی

رسیدن به مرحله رضایت، به معنای دست یافتن به تمام اموری است که شخص به آن رغبت دارد.

زمینه تأمین خواسته ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۳۴ – ۱۱

۱۱ – تقوا و احسان ، موجب دستیابی انسان به تمامی خواسته های خود در قیامت

أُولئك هم المتّقون . لهم ما یشاءون عند ربّهم ذلك جزاء المحسنین

زمینه تحصیل خواسته ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۸۳ – ۱۸

۱۸ لزوم اتکا به

خداوند و امید داشتن به او ، برای دستیابی به خواسته ها و رهایی از دشواریها

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۷ - ۲۸

۲۸ - عنایت خداوند ، به مؤمنان ، در هموار کردن و رفع دشواری های فرهنگی ، برای رسیدن به خواسته هایشان

زوّجنکها لکی لایکون علی المؤمنین حرج فی أزوج أدعیائهم

عوامل تحصیل خواسته ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۶ - ۴

۴ - دعا و درخواست از خداوند ، در برآورده شدن خواسته ها و رسیدن به آن ، مؤثر است .

قال ربّ اشرح . .. قال قد أُتیت سؤلک

برآورده شدن خواسته های موسی(ع) پس از دعا و تقاضای ملتمسانه او به درگاه خداوند بود و این نشان دهنده نقش دعا در اجابت خواسته ها است.

منشأ تأمین خواسته ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۲ - ۲

۲ - انسان هر چه بخواهد و طلب کند ، کلید دستیابی به آن تنها نزد خداوند است .

له مقالید السموت

تقدیم <له> بر <مقالید السموت> می تواند برای افاده حصر باشد.

خواهر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خواهر

آثار تلاش خواهر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۱

۱ - به ثمر رسیدن تلاش خواهر موسی ، در بازگرداندن برادر خویش به آغوش مادر

قالت هل أدلّکم علی أهل بیت . .. فرددنه إلی أُمّه

خواهر موسی با دنبال کردن برادر، ورود به کاخ فرعون و بالاخره استفاده از فرصت به

دست آمده، توانست موسی را به مادرش بازگرداند.

ارث خواهر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۷۶ – ۴

۴ برادر و خواهر میت در صورتی از وی ارث خواهند برد که وی پدر و یا فرزند چه دختر و چه پسر نداشته باشد .

قل اللّه یفتیکم فی الکلله ان امرؤا هلك لیس له ولد و له اخت . .. و هو

جمله <لیس له ولد> بیان شرطی برای اصل ارث بری خواهر از برادر است نه شرط برای مقدار سهم او (نصف) ; زیرا در این صورت باید سهم خواهر را با وجود فرزند میت نیز ذکر می کرد و با توجه به موضوع آیه یعنی کلاله به دست می آید که نبود پدر نیز شرط است. چون کلاله در لغت به کسی گفته می شود که نه پدر دارد نه فرزند.

ازدواج با دو خواهر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۲۳ – ۹،۱۰،۱۱،۱۲،۱۳،۱۵،۱۸،۲۵

۹ حرمت جمع بین دو خواهر در ازدواج

حرّمت . .. و ان تجمعوا بین الاختین

۱۰ جواز ازدواج با خواهر همسر ، در صورت جدایی از آن همسر (به طلاق یا مرگ و یا . . .)

حرّمت . .. و ان تجمعوا بین الاختین

چون متعلق حرمت، جمع بین دو خواهر در ازدواج است، معلوم می شود در صورت جدا شدن از یک خواهر می توان با خواهر دیگر ازدواج نمود.

۱۱ حرمت جمع بین دو خواهر در ازدواج ، شامل ازدواجهایی که قبل از نزول آیه انجام گرفته است ،

نمی شود .

حرّمت . .. و ان تجمعوا بين الاختين الّا ما قد سلف

۱۲ بطلان ازدواج های انجام شده با دو خواهر با نزول آيه < حرمّت . . . الّا ما قد سلف > و صحت آنها تا قبل از نزول آن

و ان تجمعوا بين الاختين الّا ما قد سلف

چون حرمت ازدواج بـا دو خواهر و ديگر محـارم نـاظر به بطلان آنهـا نيز می باشـد، می توان گفت مراد از اسـتثناء <الّا ما قد سلف> اين معنـاست كه آنچه در گذشـته (قبل از نزول آيه) انجام شـده، محكوم به صـحت است، ولی از اين به بعـد حكم به بطلان آن می شود.

۱۳ جواز تـداوم زنـدگی زنـاشويی بـا دو خواهر ، در صورتی كه ازدواج با آنان قبل از نزول آيه < ان تجمعوا . . . > صورت گرفته باشد . *

الّا ما قد سلف

تحريم در <حرّمت . .. ان تجمعوا> ناظر به حال و آينده است ; چون افعال گذشـته را نمی توان تحريم كرد. بنابراين اسـتثناء، يعنی <الّا ما قـد سـلف>، بيان حليّت جمع بين دو خواهر در زمان حال و آينـده می باشد به شـرط اينكه ازدواج با آنها قبل از نزول آيه صورت گرفته باشد.

۱۵ ازدواج با محارم و جمع بين دو خواهر در ازدواج ، از سنن جاهلی

حرّمت . .. و ان تجمعوا بين الاختين الّا ما قد سلف

۱۸ حكم خداونـد به صـحت ازدواج بـا دو خواهر و نيز بـا محـارم تـا پيش از بيان حرمت آن ، جلوه ای از رحمت او نسبت به بندگان

و ان تجمعوا بين الاختين الّا ما قد سلف انّ

اللّه كان غفوراً رحيماً

۲۵ مرد مسلمانی که پیش از اسلام آوردن ، همسر دو خواهر بوده ، موظّف به طلاق یکی از آن دو ، بسته به انتخاب خویش ، می باشد .

و ان تجمعوا بين الاختين الّا ما قد سلف

رسول خدا (ص) به کسی که قبل از مسلمان شدن جمع بین دو خواهر در ازدواج کرده بود فرمود: طلّق ايّتهما شئت.

الدّر المنثور، ج ۲، ص ۴۷۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۴ - ۴

۴ حرمت ازدواج با محارم و زنان شوهردار و جمع بین دو خواهر ، از احکام ثابت و قطعی الهی است .

حرّمت . .. كتاب اللّه عليكم

اعتماد به خواهر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۱ - ۶

۶ - خواهر موسی ، مورد اعتماد مادر و شریک او در مسائل با اهمیت

و قالت لأُخته قصّيه

پیشنهاد خواهر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۲ - ۸

۸ - اعلام آمادگی خواهر موسی ، برای راهنمایی کسان فرعون به خانواده ای مناسب جهت سرپرستی وی

قالت هل أدلّكم على أهل بيت يكفلونه لكم و هم له نصحون

تلاش خواهر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۱ - ۹

۹ - تلاش خواهر موسی برای اطلاع نیافتن دیگران ، از پی جویی سرنوشت آن کودک به وسیله او

فبصرت به عن جُنُب

خواهر رضاعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ -

۲ حرمت ازدواج با مادر و خواهر رضاعی و مادر همسران

حرّمت علیکم . .. و امّهاتکم التی ارضعنکم و اخواتکم من الرّضاعه و امّهات نسائکم

خواهر موسی(ع) در دربار فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۲ - ۶

۶ - حاضر شدن خواهر موسی در جمع خاندان فرعون و دایگان

و حرّمنا علیه المراضع من قبل فقالت هل أدلّکم

خواهر موسی(ع) و فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۰ - ۷

۷ - خواهر موسی ، آمادگی خود را برای معرفی دایه به فرعونیان ، مکرر به آنان گوشزد می کرد .

فتقول هل أدلّکم

فعل مضارع <تقول> بر استمرار کار در گذشته دلالت دارد.

خواهر میت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۶ - ۳،۴

۳ برادران و خواهران میت از جمله وارثان وی

قل اللّه یفتیکم فی الکلله . .. و إن کانوا اخوه و رجالا و نساءً

مراد از برادران و خواهران در این آیه بنا به گفته تمامی مفسران خواهر و برادر پدر و مادری و خواهر و برادر پدری است، و

سهام خواهر و برادر مادری در آیه ۲۱ از همین سوره تبیین شده است.

۴ برادر و خواهر میت در صورتی از وی ارث خواهند برد که وی پدر و یا فرزند چه دختر و چه پسر نداشته باشد .

قل اللّه یفتیکم فی الکلله ان امرؤا هلك لیس له ولد و له اخت . .. و هو

جمله <لیس له ولد> بیان شرطی برای

اصل ارث بری خواهر از برادر است نه شرط برای مقدار سهم او (نصف) ; زیرا در این صورت باید سهم خواهر را با وجود فرزند میت نیز ذکر می کرد و با توجه به موضوع آیه یعنی کلاله به دست می آید که نبود پدر نیز شرط است. چون کلاله در لغت به کسی گفته می شود که نه پدر دارد نه فرزند.

خوردن از خانه خواهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۳،۱۰

۳ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأکلوا من ... بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم

۱۰ - استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم .

رازداری خواهر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۰ - ۹

۹ - خواهر موسی ، دختری زیرک و راز نگه دار بود .

هل أدلّکم علی من یکفله

سهم ارث خواهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۲ - ۲۲

۲۲ تنها برادر و خواهر مادری میت ، وارث یک ششم یا شریک در یک

سوم میراث می باشند .

و ان کان رجل یورث کلاله او امراه و له اخ او اخت فلکل واحد منهما السّدس . .. فهم

امام صادق (ع) در مورد کلاله در آیه فوق فرمود: . .. انما عنی بذلک الاخوه و الاخوات من الامّ خاصه.

کافی، ج ۷، ص ۱۰۱، ح ۳ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۵۵، ح ۱۲۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۶ - ۵،۶،۱۱،۱۲،۱۳،۱۴،۲۴

۵ میت در صورتی که مرد باشد و وارث او تنها یک خواهر باشد ، سهم الارث آن خواهر نصف ماترک است .

ان امرؤا هلک لیس له ولد و له اخت فلها نصف ما ترک

۶ میت در صورتی که زن باشد و وارث او تنها یک خواهر باشد ، سهم الارث آن خواهر نصف ماترک است . *

ان امرؤا هلک لیس له ولد و له اخت فلها نصف ما ترک

با توجه به اینکه آیه در صدد بیان ارث کلاله است و قطعا این عنوان شامل ارث بری خواهر از خواهر و برادر از برادر و مانند آن می شود، به نظر می رسد اگر سهم الارث خواهر از خواهر خویش تفاوتی با سهم الارث او از برادرش می داشت، خداوند آن را ذکر می کرد. مؤید این معنا این است که در مسایلی که تصریح به آن شده در هیچ موردی سهم الارث با مرد بودن و زن بودن میت تفاوتی نکرده است.

۱۱ در صورتی که میت چه مرد و چه زن ، وارثانش دو خواهر باشند ، سهم الارث آنان دو سوم ماترک است .

فان

کانتا اثنتین فلهما الثلثان مما ترک

وقوع جلمه <فان کانتا . ..> پس از بیان ارث بری خواهر از برادر و برادر از خواهر، می رساند که موضوع مسأله ارث بری دو خواهر، مرگ برادر و یا خواهر ایشان است ; بنابراین مرجع ضمیر در <مماترک>، <احدهما> خواهد بود که از جمله <ان امرؤا هلک> و <هو یرثها> استفاده می شود.

۱۲ وارثان میت در صورتی که دو خواهر باشند ، سهم الارث آنان (دو سوم) را باید به طور مساوی تقسیم کنند .

فان کانتا اثنتین فلهما الثلثان مما ترک

چنانچه بین دو خواهر در سهم الارث، تفاوتی بود آن را بیان می کرد.

۱۳ در صورتی که میت چه زن و چه مرد وارثانش برادران و خواهران وی باشند ، سهم ارث آنان تمام ماترک است .

و إن کانوا اخوه و رجالا و نساءً فللذکر مثل حظ الانثیین

تعیین نکردن سهم الارث برای مجموعه خواهران و برادران، رسای این است که آنان تمام ماترک را به ارث خواهند برد.

۱۴ وارثان میت در صورتی که برادران و خواهران وی باشند ، سهم الارث هر برادر ، دو چندان سهم الارث هر خواهر می باشد .

و إن کانوا اخوه و رجالا و نساءً فللذکر مثل حظ الانثیین

مراد از <اخوهً>، می تواند یک خواهر و یک برادر، یک خواهر و چند برادر، چند برادر و چند خواهر و یک برادر و چند خواهر باشد.

۲۴ اگر میتی که پدر و مادر و فرزند ندارد تنها یک خواهر داشته باشد ، در صورتی که خواهر پدر و مادری یا پدری او باشد ، نصف ارث را

می برد .

ان امرؤا هلك ليس له ولد و له اخت فلها نصف ما ترک

امـام صادق(ع) درباره <اخت> در آیه فوق فرمود: انما عنی اللّه الاخت من الاب و الام او اخت لاب فلها النصف مما ترک و هو یرثها ان لم یکن لها ولد و . .. .

کافی، ج ۷، ص ۱۰۱، ح ۳; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۲۹، ح ۵.

شجاعت خواهر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - خواهر موسی ، شجاع ، زیرک و کاردان بود .

بصرت به عن جُنُب . .. قالت هل أدلّکم علی أهل بیت یکفلونه لکم و هم له نصحون

صفات خواهر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۰ - ۹

۹ - خواهر موسی ، دختری زیرک و راز نگه دار بود .

هل أدلّکم علی من یکفله

علم خواهر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۰ - ۲

۲ - خواهر موسی ، از افکنده شدن برادر کوچکش به نیل مطلع و نگران بود و گام به گام به تعقیب جعبه حامل وی پرداخت .

إذ تمشی أختک فتقول

حرکت کردن خـواهر موسـی در پی او، نشـانگر آن است که وی از جریـان موسـی(ع) و به آب افکنـده شـدن او و نیز اجمـال حوادثی که در پیش است، مطلع بوده است.

فضایل خواهر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - خواهر موسی ، شجاع ، زیرک و

کاردان بود .

بصرت به عن جُنُب . .. قالت هل أدلّكم على أهل بيت يكفلونه لكم و هم له نصحون

قبول پیشنهاد خواهر موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۴۰ – ۸

۸ – دایه پیشنهادی خواهر موسی ، از سوی درباریان فرعون پذیرفته و از وی استقبال شد .

هل أدلّكم على من يكفله فرجعنك إلى أُمّك

<فاء> در <فرجعناك> فصیحه است; یعنی، از جملاتی محذوف خبر می دهد که از پذیرش پیشنهاد خواهر موسی حکایت دارد.

محدوده حجاب خواهر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۱ – ۱۹

۱۹ – زنان مؤمن ، مجاز به آشکار ساختن زینت های خویش و مواضع آنها (بدن) بر پسران شوهر ، برادران ، پسران برادر و پسران خواهر خود هستند .

و لایبدین زینتهنّ إلاّ. .. ؤو أبناء بعولتهنّ أو أخونهنّ أو بنی إخونهنّ أو بنی أخ

محرمیت خواهر زاده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۱ – ۱۹،۲۵

۱۹ – زنان مؤمن ، مجاز به آشکار ساختن زینت های خویش و مواضع آنها (بدن) بر پسران شوهر ، برادران ، پسران برادر و پسران خواهر خود هستند .

و لایبدین زینتهنّ إلاّ. .. ؤو أبناء بعولتهنّ أو أخونهنّ أو بنی إخونهنّ أو بنی أخ

۲۵ – پـدر شوهر ، پسرهمسـر ، پسـر برادر ، پسـر خواهر ، زنـان مؤمن ، بردگـان ، خـدمت کـاران بی میـل به زن و زنـاشویی و کودکان بی خبر از مسائل جنسی ، از محارم زنان اند .

و لایبدین

زینتهنّ إلاّ لبعولتهنّ . .. أو الطفل الذین لم یظهروا علی عورت النساء

مسؤولیت خواهر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۱ - ۴

۴ - مأموریت خواهر موسی از سوی مادر برای دنبال کردن موسی در پی افکنده شدنش در آب نیل

و قالت لأُخته قصّیه

نظارت خواهر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۱ - ۷،۸

۷ - خواهر موسی ، از دور نظاره گر سرنوشت برادر خود بر روی آب نیل

فبصرت به عن جُنُب

<جُنُب> معادل دور است; یعنی، او موسی را از دور زیر نظر گرفت.

۸ - خواهر موسی ، شاهد بر گرفته شدن برادرش از آب به وسیله کسان فرعون

فبصرت به عن جُنُب

برداشت یاد شده برپایه این احتمال است که <بصرت به. ..> به این معنا باشد که خواهر موسی، از دور دید که فرعونیان او را از آب گرفتند.

نقش خواهر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۰ - ۱۲

۱۲ - خواهر موسی ، تلاش و نقشی مؤثر در بازگرداندن او به مادرش داشت .

إذ تمشی أَختک . .. فرجعنک إلی أَمّک

یادکردن از خواهر موسی(ع) و تلاش او، نشان از نقش مؤثر و کارساز او در بازگرداندن وی به مادر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۱ - ۵،۶

۵ - حضور خواهر موسی در کنار مادر ، هنگام افکندن موسی در رود نیل

و قالت لأُخته قصّیه

۶ - خواهر موسی ، مورد اعتماد مادر و شریک او در مسائل

با اهمیت

و قالت لأُخته قصّیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۱۲ – ۵،۷

۵ – درماندگی خاندان فرعون از یافتن دایه ای مناسب و مورد پذیرش موسی (ع) و اقدام خواهر وی برای بهره گیری از آن فرصت

حرّمنا علیه المراضع من قبل فقالت هل أدلّکم

۷ – اقدام به موقع خواهر موسی ، برای بازگرداندن وی به آغوش مادر

و حرّمنا علیه المراضع . .. قالت هل أدلّکم علی أهل بیت یکفلونه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۱۳ – ۱

۱ – به ثمر رسیدن تلاش خواهر موسی ، در بازگرداندن برادر خویش به آغوش مادر

قالت هل أدلّکم علی أهل بیت . .. فرددنه إلی أُمّه

خواهر موسی با دنبال کردن برادر، ورود به کاخ فرعون و بالاخره استفاده از فرصت به دست آمده، توانست موسی را به مادرش بازگرداند.

نگرانی خواهر موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۴۰ – ۲،۳

۲ – خواهر موسی ، از افکنده شدن برادر کوچکش به نیل مطلع و نگران بود و گام به گام به تعقیب جعبه حامل وی پرداخت .

إذ تمشی أختک فتقول

حرکت کردن خواهر موسی در پی او، نشانگر آن است که وی از جریان موسی(ع) و به آب افکنده شدن او و نیز اجمال

حوادثی که در پیش است، مطلع بوده است.

۳ – خواهر موسی ، تا زمان نجات او از آب و مشاهده تلاش درباریان فرعون برای یافتن دایه ، به تعقیب وی ادامه داد .

إذ تمشی أُختک فتقول هل أدلّكم

ظاهر

<هل أدلّكم> آن است كه خواهر موسى، تصاحب او را از سوى فرعونيان ديـده و با رساندن خود به درباريان، پيشنهاد خود را بدون واسطه با مقامات دربار و كسانى كه در طلب دايه بودند، مطرح كرده بود.

هوشيارى خواهر موسى(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۰ - ۹

۹ - خواهر موسى ، دخترى زيرك و راز نگه دار بود .

هل أدلّكم على من يكفله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - خواهر موسى ، شجاع ، زيرك و كاردان بود .

بصرت به عن جُنُب . .. قالت هل أدلّكم على أهل بيت يكفلونه لكم و هم له نصحون

خوبان از ديدگاه قرآن در تفسير راهنما

خوبان

اهميت معرفى خوبان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۹ - ۷

۷ بيـان چهره هـاى خوب هر قوم به همراه انتقـاد از چهره هـاى نامطلوب ، از شـيوه هاى قرآن در ترسـيم رفتار امت ها و جوامع بشرى است .

و من قوم موسى امه يهدون

خوبان در قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۲۱ – ۱

۱ – قیامت ، روز جدایی خوبان و بدان و حق مداران و باطل گرایان و داوری میان آنان است .

هذا یوم الفصل

<فصل> به معنای فاصله و جدایی میان دو شیء است و مقصود از آن در آیه شریفه، جدایی میان خوبان و بدان و حق پویان و باطل گرایان و داوری میان آنان است.

فضایل خوبان

جلد – نام سوره – سوره

- آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۱ - ۱۲

۱۲ < عن أبی عبدالله (ع) [فی قوله : < أوَلم یروا أنّا نأتی الأرض ننقصها >] : ننقص ها بذهاب علمائها و فقهائها و خیار أهلها ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: [مراد از<ننقصها> در سخن خدا: <أو لم یروا أنَّا نأتی الأرض ننقصها . ..> این است که]: با رفتن علما، فقها و خوبان اهل زمین، از زمین می کاهیم>.

خوبی

اهمیت درخواست خوبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۶ - ۴

۴ درخواست سعادت و نیکی و نه بدی و عذاب توصیه خداوند به بندگان

یستعجلونک بالسیئه قبل الحسنه

خوبی در مقابل بدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۲ - ۱۴

۱۴ خوبی کردن در پاسخ به بدی ها و ستم های دیگران ، خصلتی ارزشمند و از ویژگی های خردمندان است .

إنما یتذکّر أُولُوا الألبب . .. الذین ... یدرءون بالحسنه السیئه

برداشت فوق بر اساس دومین احتمال است که در توضیح برداشت شماره ۱۲ آورده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۴ - ۷،۱۳

۷ - دفع بدی دیگران با خوبی کردن به آنان ، رفتاری ارزشمند و توصیه خداوند به اهل ایمان

و یدروءن بالحسنه السیّئه

<درء> (مصدر <یدرءون>) به معنای دفع کردن است.

۱۳ – در پاسخ بدی ، خوبی کردن و انفاق بخشی از دارایی ها ، باید برنامه همیشگی اهل ایمان باشد و نه مقطعی .

و یدروءن بالحسنه . .. و ممّا رزقنهم

ينفقون

برداشت ياد شده با توجه به فعل هاى <يدرءون> و <ينفقون> كه حكايت از تجدد و استمرار دارد استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - شورى - ۴۲ - ۴۰ - ۶

۶ - عفو و اغماض از خطاى ديگران و اصلاح بدى آنان با نيكى و گذشت ، موجب اجر و پاداش ويژه خداوند است .

و جزؤا سيّئه سيّئه مثلها فمن عفا و أصلح فأجره على اللّه

دعوت به خوبى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۶ - ۳

۳ - انجام نيكى ها و پرهيز از بدى ها ، يكى ديگر از محور هاى تبليغى صالح پيامبر (ع)

يقوم لم تستعجلون بالسيّئه قبل الحسنه

قياس خوبى با بدى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۴ - ۱

۱ - مساوى نبودن خوبى و بدى ، امرى روشن و آشكار

و لا تستوى الحسنه و لا السيّئه

وضوح تفاوت خوبى و بدى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۴ - ۱

۱ - مساوى نبودن خوبى و بدى ، امرى روشن و آشكار

و لا تستوی الحسنه و لا السیّئه

خود از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خود

آثار اضرار به خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۰ - ۹،۱۰،۱۱

۹ زیانکاری و تباه کردن خویشتن، مانع ایمان است.

الذین خسروا أنفسهم فهم لا یؤمنون

۱۰ ایمان نیاوردن اهل کتاب به پیامبر(ص)، ناشی از تباه کردن جانهایشان است.

الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه . .. الذین خسروا أنفسهم

فهم لا يؤمنون

۱۱ آنان که سرمایه جان به خسارت از کف داده اند، رسالت پیامبر(ص) را انکار می کنند.

الذین خسروا أنفسهم فهم لا یؤمنون

آثار خود باوری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۴ - ۹

۹- خودیابی و مراجعه به وجدان ، زمینه ساز اعتراف به حقایق

فرجعوا إلی أنفسهم فقالوا إنّکم أنتم الظلمون

از این که بت پرستان پس از به خود آمدن و رجوع به وجدان و ضمیر خویش، به بطلان شرک و راستی توحید پی بردند، مطلب یاد شده را می توان استفاده کرد.

آثار خود فراموشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۹ - ۷۸

۷ - غافلان از خدا و خویش ، همان فاسقان واقعی و پرده دران حریم ارزش هایند .

و لاتکونوا کالذین نسوا اللّه فأنسیهم أنفسهم أُولئک هم الفسقون

۸ - فسق و گناه پیشگی ، دارای پیوندی عمیق با غفلت از خدا و خویش

و لاتکونوا کالذین نسوا اللّه فأنسیهم أنفسهم أُولئک هم الفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۰ - ۲

۲ - دوزخ ، فرجام نهایی فاسقان و غافلان از یاد خدا و خویش

و لاتكونوا كالذين نسوا اللّه . .. أَولئك هم الفسقون. لايستوى أصحب النار

آثار ظلم به خود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۴۴ - ۳

۳ حق ستيزى و هدايت ناپذيرى كافران ، پيامد ظلمى است كه آنان بر خودشان كرده اند .

و منهم من يستمعون إليك . .. و منهم من ينظر

إليک ... و لکن الناس أنفسهم يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۴۵ - ۷

۷- ظلم به نفس در پی دارنده هلاکت و کيفر الهی در دنيا

و سکنتم فی مسکن الذين ظلموا أنفسهم . .. و ضربنا لکم الأمثال

برداشت فوق، مبتنی بر اين است که: مقصود از <ظلموا أنفسهم> ظلم به نفس باشد نه ظلم به ديگران چنان که از ظاهر آن به دست می آيد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۸۸ - ۵،۹

۵- ظلم به خويش ، دارای پی آمد های اندوه بار و رهايی از آن نيازمند امداد الهی است .

إنّی کنت من الظلمين . فاستجبنا له و نجّينه من الغمّ

۹- ظلم به نفس ، موجب گرفتاری انسان به غم و اندوه است .

فظنّ أن لن نقدر عليه . .. إنّی کنت من الظلمين ... و نجّينه من الغمّ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۹ - ۲۴

۲۴ - عذاب و کيفر جوامع تکذيب کننده ، نتيجه ظلم و ستم آنان به خودشان بود .

فما کان اللّه ليظلمهم و لکن کانوا أنفسهم يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۹ - ۹

۹ - سباييان با ظلم به خويش ، باعث از هم فروپاشی کامل خود شدند .

و ظلموا أنفسهم فجعلنهم أحاديث و مزّقنهم كلّ ممزّق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۳ - ۴

۴ - ظلم به خويشتن ، نشانه كفر

و مصداق بارز بی دینی است .

و من ذرّیّتهما محسن و ظالم لنفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۹ - ۴

۴ - ظلم آدمی بر خویشتن ، مایه ابتلای او به عذاب اخروی و نبود راه رهایی برای وی

و لن ینفعکم الیوم إذ ظلمتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۶ - ۱

۱ - جاودانگی مجرمان در دوزخ ، نتیجه ظلم آنان به خودشان

و ما ظلمنهم

آثار مکر با خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۳ - ۱۵،۱۹

۱۵ خودفریبی مشرکان و آراسته دیدن پندار شرک ، آنان را از گرایش به توحید باز داشت .

و صدّوا عن السبیل

<صدّ> (مصدر صدّوا) به معنای بازگرداندن است. به نظر می رسد فاعل محذوف از <صدّوا> مکر و حیله که مایه شرکورزی مشرکان شده است، باشد.

۱۹ مکر ها و خودفریبی های مشرکان در اتخاذ خدایان دروغین ، زمینه ساز تعلق اراده الهی به گمراهی آنان

بل زیّن للذین کفروا مکرهم . .. و من یضلل الله فما له من هاد

قرآن از یک سو حیله و مکرها را مایه گمراهی مشرکان می داند و از سویی دیگر خداوند را گمراه کننده ایشان می شمرد. این دو حقیقت اشاره به نکاتی دارد، از جمله اینکه هر چند که خداوند گمراه کننده است ; ولی آدمی خود زمینه آن را فراهم

می سازد و در حقیقت گمراه سازی آنان، کیفر مرام خود آنهاست.

آگاهی از عقیده باطل خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸

- هود - ۱۱ - ۲۱ - ۵

۵ کافران ، به پوچی و بی اساس بودن بافته های دروغین و عقاید واهی خویش ، پی خواهند برد .

و ضلّ عنهم ما کانوا یفترون

احسان به خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۳ - ۲

۲ - از نسل ابراهیم و اسحاق (علیهماالسلام) ، برخی نیکوکار و برخی ظالم به خویشتن گشتند .

و من ذرّیّتهما محسن و ظالم لنفسه

اظهار فضایل خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۳ - ۱۸

۱۸- بیان فضایل و کمالات خود ، به منظور راهنمایی و هدایت دیگران جایز و نیکو است .

إنّی قد جاءنی من العلم ما لم یأتک فاتّبعنی أهدک صرطًا سویًّا

اعتماد به خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۹ - ۹

۹ - توکل و اتکال پیامبراسلام (ص) بر خداوند ، سبب اعتماد به نفس و پشت گرمی آن حضرت در مبارزه با دشمنان و نیل به اهداف رسالت

قل حسبی اللّه علیه یتوکّل المتوکّلون . قل یقوم اعملوا علی مکانتکم إنّی عمل فسو

یادآوری توکل و اتکال بر خداوند (در آیه قبل) پیش از اعلام موضع قاطع خود به دشمنان، می تواند گویای برداشت بالا باشد.

اقرار علیه خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۵ - ۶

۶ اقرار منافقان صدر اسلام به ناخالصی و صالح نبودن خویش

و منهم من عهد اللّه . .. لنکوننّ من الصلحین

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۱ – ۱۹

۱۹ اعتراف زلیخا به دروغگویی خویش در متهم ساختن یوسف (ع) به درخواست کام جویی

أنا رودته عن نفسه و إنه لمن الصدقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۱ – ۸،۹

۸ تأکید و اقرار برادران یوسف به ارتکاب خطا در حق برادرشان یوسف (ع)

و إن کنّا لخطئین

<إن> در جمله فوق به اصطلاح مخفّفه از مثقّله (إنّ) است. دلیل آن حرف <لام> در <لخاطئین> می باشد.

۹ برادران یوسف در حضور او به گناه و خطای خویش اعتراف نموده و از رفتار گذشته خود اظهار ندامت کردند .

و إن کنّا لخطئین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۷ – ۱

۱ فرزندان یعقوب در حضور وی خویشتن را گنهکار دانسته و به گناه خویش اقرار و اعتراف کردند .

قالوا یأبانا استغفر لنا ذنوبنا إنا کنّا خطئین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۴۹ – ۱۴

۱۴– مجرمان ، در قیامت ، خود به بدکاری و استحقاق عقوبت خویش ، معترف خواهند بود .

یویلتنا مال هذا الکتب . .. و وجدوا ما عملوا حاضرًا و لایظلم ربّک أحدًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۶۳ – ۵

۵ – اقرار پیشوایان شرک در قیامت ، به نقش اغواگرانه خویش در گرویدن مردم به شرک

قال الذین حقّ علیهم القول ربّنا هؤلاء الذین أغوینا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات

- ۳۷ - ۳۱ - ۴

۴ - پیشوایان شرک در عرصه قیامت ، به دوزخی بودن خویش و این که مستحق کیفر الهی اند ، اعتراف خواهند کرد .

فحقّ علینا قول ربّنا إنّا لذائقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۲ - ۱،۴

۱ - اعتراف سران شرک به دست داشتن خود در گمراهی توده های مشرک

فأغوینکم

۴ - اعتراف سردمداران شرک در عرصه قیامت به گمراهی خود

إنّا کنّا غوین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۸ - ۹

۹ - اعتراف کافران و گنه کاران به نقش خود در تعیین سرنوشت خویش

أن تقول نفس یحسرتی علی ما فرّطت . .. و إن کنت لمن السخرین ... لو أنّ لی کرّه ف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۱ - ۷

۷ - اعتراف کافران حق ناپذیر در قیامت ، به گناهان خود پس از مشاهده قدرت الهی در آخرت

فاعترفنا بذنوبنا فهل إلی خروج من سبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۸ - ۱

۱ - اعتراف مستکبران به مشترک بودنشان با مستضعفان پیرو خود ، در کیفر و عذاب الهی

قال الذین استکبروا إنّا کلّ فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۴۷ – ۱۳

۱۳ – اعتراف مشرکان در قیامت ، به بطلان باورهایشان نسبت به معبود های خویش

و یوم ینادیهم أین شرکاءی قالوا ءاذنّک ما منّا من شهید

اقرار علیه خود در قیامت

جلد – نام سوره – سوره

- آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۹

۹ کافران جن و انس در قیامت با اعتراف به آمدن رسولان الهی، علیه خود شهادت خواهند داد.

ألم يأتكم رسل منكم . .. قالوا شهدنا على أنفسنا

انبیا در سرزمین خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۴ - ۱

۱- وعده خداوند به اسکان انبیا در سرزمین خویش ، در پی تهدید به اخراج شدن آنان از سوی اقوام کافر

و قال الذين كفروا لرسلهم لنخرجنّكم من أرضنا. .. فأوحى إليهم ... و لنسكننّكم الأر

انتقاد از خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۶ - ۶

۶- انتقاد از خود و انصاف در قضاوت نسبت به خویشتن و پذیرش مسؤولیت عملکرد خود ، از صفات ارزشمند و شایسته است .

إن سألتك عن شیء بعدها فلاتصحبنی قد بلغت من لدنّی عذرًا

موسی(ع) با وجود آن که در مرحله قبل، عذر نسیان را مطرح کرد، ولی در این مرحله، اولاً، مسؤولیت عمل خود را بر عهده گرفت و ثانیاً، در مورد خود، رأیی منصفانه صادر کرد و خضر(ع) را در جدا شدن از او، محق دانست.

اهمیت حسابرسی خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۷ - ۶

۶- توجه همیشگی انسان به اَعمال گذشته خویش و نقد و بررسی آنها ، لازم است .

و من أظلم ممّن . .. نسی ما قدّمت يداه

اهمیت خود دوستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۴ - ۴

۴

حب نفس ، قوی ترین غریزه در انسان است .

و لو أن لکل نفس ظلمت ما فی الأرض لافتدت به

اینکه شخص معذب، حاضر است تمامی آنچه را که در زمین است اگر در اختیارش می بود جهت نجات خود، نثار کند، می تواند بیانگر مطلب فوق باشد.

اهمیت دفاع از خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۳،۵

۳ لزوم دفاع از خویش در برابر اتهام های ناروا

قالت ما جزاء . .. قال هی رودتنی عن نفسی

۵ یوسف (ع) مراوده زلیخا و وصال خواهی او را تا زمان دفاع از خویش ، پنهان کرده و فاش نساخته بود .

قالت . .. قال هی رودتنی عن نفسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۵

۵ لزوم تلاش برای رفع اتهام ناروا از خویش

ذلک لیعلم أنی لم أخنه بالغیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۹ - ۹

۹- دفاع از آبرو و حرمت خود و حفظ عزت و شرافت خویشتن ، امری لازم و بایسته

قال . .. فلاتفضحون ... و لاتخزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۲۱ – ۹

۹ – لزوم اعطای فرصت به متخلف برای دفاع از خود

لأُعذّبنّه . .. أو ليأتينّى بسلطن مبين

اهميت محافظت از خود

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۲۱ – ۳

۳ – هجرت به منظور حفظ جان ، كارى حكيمانه است .

ءاتينه

حكمًا و علمًا . .. فخرج منها خائفًا يترقّب

بازگشت آثار انفاق به خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۶ - ۹

۹ - انفاق کردن مال ، به نفع خود انسان است .

و أنفقوا خيرًا لأنفسكم

بازگشت آثار عمل به خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۵ - ۸

۸ - سود و زیان عمل هر کس ، تنها به خود وی بازمی گردد .

لنا أعملنا و لكم أعملكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶ - ۱،۵

۱ - دستاورد تلاش و کوشش هرکسی در راه خدا ، از آن خود او است .

و من جهد فإنّما يجهد لنفسه

<إنّ اللّه لغنيّ. ..> قرینه است بر این که مراد از تلاش، در آیه، مطلق تلاش نیست و بلکه تلاش در راه خدا است.

۵ - بی نیازی مطلق خداوند از همه ، دلیل بازگشت دستاورد تلاش هرکسی به خود او است .

و من جهد فإنّما يجهد لنفسه إنّ اللّه لغنيّ عن العلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۶ - ۵،۶،۷،۸

۵ – عبادت و تقوا ، دارای خیری است که سودش به عبادت کننده و متقی ، بازمی گردد .

اعبدوا اللّه و اتّقوه ذلکم خیر لکم

۶ – توجه دادن مردم به بازگشت خیر و منفعت اعمال دینی به خودشان ، از شیوه های تبلیغی ابراهیم (ع) بود .

اعبدوا اللّه و اتّقوه ذلکم خیر لکم

۷ – جهل و ناآگاهی ، ریشه بی اطّلاعی

انسان از بازگشت خیر و منفعت اعمال دینی به خودش است .

اعبدوا اللّه و اتّقوه ذلکم خیر لکم إن کنتم تعلمون

۸ - تحریص و تشویق خداوند مردم را به کسب معرفت درباره خیر بودن اعمال دینی و بازگشت منفعت آن به خود انسان

اعبدوا اللّه و اتّقوه ذلکم خیر لکم إن کنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۸ - ۲

۲ - عذاب سخت و فوق تصور ستمگران در قیامت ، بازتاب کردار و رفتار خود آنان است .

و بدا لهم سیّئات ما کسبوا

آمدن ماده <کسب> به جای ماده <فعل>، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۶ - ۱،۲

۱ - پیامد عمل نیک انسان ، به خود وی بازمی گردد .

من عمل صلحًا فلنفسه

۲ - بدکاران ، گرفتار پیامد اعمال ناشایست خویش اند .

من أساء فعلیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۵ - ۲۶،۲۷

۲۶ - پیامد های عملکرد نیک و بد انسان ، متوجه خود او است .

لنا أعملنا و لکم أعملکم

۲۷ - خصومت و ستیز پیروان ادیان توحیدی با توجه به وحدت پروردگار و بازگشت عمل هر انسان به خودش ، فاقد منطق و

توجیه

اللّه ربّنا و ربّکم لنا أعملنا و لکم أعملکم **لا** حجّه بیننا و بینکم

بنابراین که مراد از <لاحجّه>، نفی خصومت و نزاع باشد، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۱ - ۱۱

۱۱ - بازتاب

گناهان انسان به صورت مشکلات دنیایی ، تدبیری الهی در جهت بازداشتن انسان از سرکشی و تجاوز است .

و ما أصبکم من مصیبه فبما کسبت أیدیکم . .. و ما أنتم بمعجزین فی الأرض و ما لکم م

سیاق آیات، نشانگر بیان گونه های مختلف از یک حقیقت است; چه این که باران، غفران، ولایت و نصرت گونه هایی از روزی خداوند برای انسان ها است که از پس خشکسالی، گناه و مصیبت به انسان ارزانی می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۵ - ۱

۱ - بازتاب نتایج اعمال نیک و بد آدمی ، تنها متوجه خود او است .

من عمل صلحًا فلنفسه و من أساء فعلیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۲ - ۹

۹ - بازگشت نتیجه کردار و اندوخته های انسان ، به خود وی در دنیا و آخرت

محیاهم و مماتهم . .. و لتجزی کلّ نفس بما کسبت

آیه شریفه پاسخ و ردی است بر کسانی که صالح و ناصالح را در زندگی و مرگ مساوی می پنداشتند از این مطلب، استفاده می شود که دنیا و آخرت هر دو میدان جزا و پاداش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۱۳

۱۳- بازتاب نهایی اعمال آدمیان ، تنها متوجه خود آنان است .

إنّ الذین کفروا و . .. و سیحبط أعملهم

از ارتباط <إنّ الذین کفروا. ..> با <سیحبط أعمالهم> و تأکید بر <لن یضرّوا اللّه شیئاً> با توجه به الغای خصوصیت استفاده می

شود که اعمال انسان ها، در نهایت به خودشان باز خواهد گشت.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱۶ – ۵

۵ – کیفر دوزخ برای تکذیب کنندگان دین ، بازتاب قهری عملکرد مستمر خود آنان

إنّما تجزون ما کنتم تعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۲۴ – ۷

۷ – ثمره و منفعت انفاق به خود انفاقگران برمی گردد .

و من یتولّ فإنّ اللّه هو الغنیّ الحمید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۱۲ – ۵

۵ – صدقه دادن ، بهترین عمل است و نفع آن به خود صدقه دهنده بازمی گردد .

ذلک خیر لکم

کلمه <ذلک> اشاره به اعطای صدقه دارد. واژه <خیر> می تواند به معنای خوب (در مقابل) بد و یا اسم تفضیل و به معنای بهتر باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال دوم است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۹ – ۲

۲ – کردار هر کس ، تنها گریبان گیر شخص او بوده و نامه عمل او با دیگر نامه های اعمال ، مشتبه نخواهد شد .

ما سجّین . کتب مرقوم

بغض علیه خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۲،۳،۵

۲ - بغض و دشمنی شدید کافران حق ناپذیر با خویشتن در قیامت

من مقتکم أنفسکم

۳ - بغض و دشمنی خداوند با کافران حق ناپذیر ، بیشتر و شدیدتر از بغض و دشمنی کافران نسبت به خویشتن است .

لمقت اللّه

أكبر من مقتكم أنفسكم

۵ - پشیمانی و بغض شدید کافران نسبت به خویشتن ، بر اثر رد دعوت به ایمان و کفرورزی آنان است .

مقتكم أنفسكم إذ تدعون إلى الإيمن فتكفرون

تردیدی نیست که بغض شدید کافران نسبت به خویشتن در قیامت، ناشی از رد ایمان و کفرشان است. این بغض نشانه پشیمانی شدید آنان از عمل خود می باشد.

تباهی سرمایه خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۰ - ۱۰،۱۱

۱۰ ایمان نیاوردن اهل کتاب به پیامبر(ص)، ناشی از تباه کردن جانهایشان است.

الذين ءاتينهم الكتب يعرفونه . .. الذين خسروا أنفسهم فهم لا يؤمنون

۱۱ آنان که سرمایه جان به خسارت از کف داده اند، رسالت پیامبر(ص) را انکار می کنند.

الذين خسروا أنفسهم فهم لا يؤمنون

تبرئه خود از تهمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۷ - ۱۳

۱۳ - تلاش برای تبرئه کردن خویش از اتهامات ناروا ، امری نیکو و شایسته

قالوا أتتخذنا هزواً قال أعوذ باللّه أن أكون من الجهلين

تحقیر خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۱ - ۱۲

۱۲ – لطمه زدن به شخصیت دیگر مؤمنان ، در حقیقت لطمه زدن به خویشتن است .

و لا تلمزوا أنفسكم

بـا توجه به این که در آیه قبـل، خداونـد همه مؤمنـان را برادر یکـدیگر و عضو یـک خانواده معرفی کرده است; دراین آیه از یک سو به مؤمنان تـذکر داده است که برای دیگرمؤمنان عیب نجوییـد و از سوی دیگر به آنان یادآور شـده که در نظام واحد این

خانواده، عیب گرفتن برای دیگری، در حقیقت معیوب ساختن خویشتن است.

تحمیل دروغ بر خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۴ - ۲

۲ شرک، باطل و اعتقاد به آن تحمیل دروغ بر خویشتن است.

انظر کیف کذبوا علی أنفسهم

جمله <کذبوا . ..> بیان حال مشرکان در دنیا می تواند باشد. یعنی مشرکان در دنیا با عقیده شرک بر خود نیز دروغ بستند. زیرا فطرت و جان آدمی گواه بر توحید است.

حسابرسی از خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۸ - ۵

۵ - در قیامت ، انسان خود ، محاسبه و ارزشیابی خواهد شد .

فسوف یحاسب

فعل <یحاسب> به شخص استناد یافته است؛ نه به عمل؛ بنابراین حسابرسی قیامت در مورد خود اشخاص خواهد بود. می توان گفت: اعمال و نیت های انسان برای او، رتبه وجودی خاصی می بخشد؛ زیرا ملکه او شده و ابعاد وجودی او را شکل می دهد و در نتیجه سنجش آن انسان، در حقیقت محاسبه اعمال او است.

حق دفاع از خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۴ - ۹

۹ - لزوم فرصت دادن به متهمان برای دفاع از خود

لاتأخذ بلحیتی و لابرأسی إنّی خشیت

خود برتربینی مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۸ - ۱۳

۱۳ یهودیان و مسیحیان خود را انسانهایی ممتاز و برتر می پندارند .

و قالت الیهود و النصری نحن ابنؤا اللّه . .. بل انتم بشر ممن خلق

از اینکه

خداونـد در رد پندار یهود و نصارا فرموده است که شـما مانند دیگر انسانها هستید، معلوم می شود آنها برای خود امتیازی ویژه می پندارند و خود را برتر از دیگران می شمارند.

خود برتربینی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۸ - ۱۳

۱۳ یهودیان و مسیحیان خود را انسانهایی ممتاز و برتر می پندارند .

و قالت الیهود و النصری نحن ابنؤا اللّه . .. بل انتم بشر ممن خلق

از اینکه خداونـد در رد پنـدار یهود و نصـارا فرموده است که شـماماننـد دیگر انسانهـا هستیـد، معلوم می شود آنهـا برای خود امتیازی ویژه می پندارند و خود را برتر از دیگران می شمارند.

خیانت به خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۹

۹ - نافرمانی از دستورات خدا و نادیده گرفتن احکام دین ، خیانت به خویشتن است .

کنتم تختانون أنفسکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۷ - ۴

۴ خیانت آدمی به امانت های مسلمانان ، خیانت به خویشتن است .

و تخونوا أمنتکم

معمولا انسان امانتدار دیگران است نه امانتدار خویش. بنابراین اسـناد امانتهای دیگران به امانتدار، با اضافه کلمه <امانات> به <کم> بیانگر این است که امانت دیگران به منزله امانت خود اوست و خیانت در آن، خیانت به امانت خویش است.

دشمنی با خود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۱۰ – ۲،۳

۲ – بغض و دشمنی شدید کافران حق ناپذیر با خویشتن در قیامت

من

مقتکم أنفسکم

۳ - بغض و دشمنی خداوند با کافران حق ناپذیر ، بیشتر و شدیدتر از بغض و دشمنی کافران نسبت به خویشتن است .

لمقت اللّه أکبر من مقتکم أنفسکم

دفاع از خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۱ - ۱،۳،۷

۱ نوح با پاسخی رأفت آمیز به قوم خود ، خویشتن را از هر گونه گمراهی مبرا دانست .

قال یقوم لیس بی ضلله

مخاطب قرار دادن مردم با <یا قوم> (ای مردم من) دلالت بر اظهار مهربانی نوح نسبت به قوم خود دارد. نکره بودن کلمه <ضلله> پس از نفی دلالت بر عموم دارد. بنابراین <لیس بی ضلله> یعنی حتی اندکی گمراهی در من نیست.

۳ نوح (ع) با اعلان دریافت سخنان خویش از خداوند ، خود را پیراسته از هر گونه گمراهی خواند .

لیس بی ضلله و لکنی رسول من رب العلمین

۷ مبلغان دین باید در برابر اتهام های ناروا از خویشتن دفاع کنند .

إنا لنریک فی ضلل مبین. قال یقوم لیس بی ضلله و لکنی رسول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۷ - ۱،۳،۶

۱ هود با پاسخی رأفت آمیز به قوم خود ، خویشتن را از هر گونه سفاهت و دروغگویی مبرا دانست .

قال یقوم لیس بی سفاهه و لکنی رسول من رب العلمین

۳ هود با استناد به رسالت الهی خود ، خویشتن را از هر گونه سفاهت و کم خردی مبرا دانست .

قال یقوم لیس بی سفاهه و لکنی رسول من رب العلمین

۶ مبلغان دین باید در برابر

اتهام های ناروا از خویشتن دفاع کنند .

قال یقوم لیس بی سفاهه و لکنی رسول من رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۱،۴،۶

۱ دفاع یوسف (ع) از خویش ، در برابر اتهام زلیخا

قال هی رودتنی عن نفسی

۴ افشای گناه دیگران در محدوده دفاع از خویش جایز است .

قال هی رودتنی عن نفسی

۶ طمأنینه و آرامش یوسف (ع) به هنگام دفاع از خویش

قال هی رودتنی عن نفسی

یوسف(ع) در بیان رفع اتهام از خویش ، در سخن خود (هی رودتنی عن نفسی) نه از ادات تأکید استفاده کرد و نه جمله خویش را با قسم و مانند آن بیان داشت. این کار نشان دهنده آرامش و اطمینان یوسف(ع) در آن عرصه سخت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۹ - ۳

۳ - پیکار با دشمن مهاجم و ستم پیشه ، حق مشروع ستمدیدگان

أُذن للذین یقتلون بأنّهم ظلموا

دفاع از خود در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۱ - ۱،۳

۱- قیامت ، روز دفاع سرسختانه هر انسانی از خویش (عقاید ، رفتار و انگیزه ها)

یوم تأتی کلّ نفس تجدل عن نفسها

۳- تلاش و توجه هر فردی در قیامت ، تنها معطوف به دفاع از شخص خویش است .

یوم تأتی کلّ نفس تجدل عن نفسها

رفع تهمت از خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۳

۳ لزوم دفاع از خویش در برابر

اتهام های ناروا

قالت ما جزاء . .. قال هی رودتنی عن نفسی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۲ – ۵

۵ لزوم تلاش برای رفع اتهام ناروا از خویش

ذلک لیعلم أنی لم أخنه بالغیب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۳۳ – ۱۰

۱۰– برشمردن امتیازات و ویژگی ها ، به منظور رفع اتهام از خود یا دیگران ناپسند نیست .

قال إنّی عبد اللّه . .. و یوم أُبعث حیًّا

زمینه ظلم به خود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۱ – ۱۶

۱۶ – تجاوز از حدود الهی و مرز های دینی ، ظلم به نفس است .

و من یتعدّ حدود اللّه فقد ظلم نفسه

زمینه نگرانی از فرجام خود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۵۷ – ۱

۱ – اعتقاد راستین به ربوبیت یگانه خداوند ، مستلزم بیم داشتن از عذاب او و نگران بودن از فرجام کار خویش

إنّ الذین هم من خشیه ربّهم مشفقون

<خشیه> بـه معنـای ترس، بیم و هراس است. عبـارت <من خشـیه ربّهم>، به تقـدیر <من خشـیه عـذاب ربّهم> می باشـد. <إشفاق> (مصدر <مشفقون>) نیز به معنای نگرانی، پریشانی، تشویش خاطر، اضطراب و در بیم و امید بودن است.

زیان به خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۱ - ۱،۲،۴

۱ دروغ بستن به خدا وبازداری مردم از راه او ، موجب خسارت و تباه کردن سرمایه عمر است .

و من أظلم

ممن افترى على الله كذبًا . .. أَولئک الذين خسروا أنفسهم

۲ تلاش برای منحرف نشان دادن راه خدا و انکار سرای آخرت ، موجب خسارت و تباهی سرمایه عمر است .

الذين . .. يبغونها عوجًا و هم بالأخره هم كفرون ... أُولئک الذين خسروا أنفسهم

۴ باور به معبودهایی غیر از خدای یکتا ، باوری واهی و مایه خسران و تباهی است .

أُولئک الذين خسروا أنفسهم و ضلّ عنهم ما كانوا يفترون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۸ – ۵

۵- فایده شکر نعمت و ضرر و زیان کفران آن به خود انسان باز می گردد .

لئن شكرتم لأزيدنّكم و . .. إن تكفروا أنتم و من فى الأرض جميعًا فإن الله لغنى حمى

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۹۴ – ۷

۷- ضرر و زیان نقض سوگند و فریب دادن مردمان ، دامنگیر خود نقض کنندگان سوگند و فریب دهندگان خواهد شد .

و لاتتخذوا أيمنكم دخلًا بينكم فتزلّ قدم بعد ثبوتها و تذوقوا السوء

از اینکه خداوند، ضرر و زیان حنث سوگند و فریب را به خود کسانی که سوگند خود نقض می کنند داده و آنان را مخاطب قرار داده است (و تذوقوا السوء) مطلب فوق استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۵ – ۱

۱- نفع هدایت و ضررِ گمراهی هر کسی متوجه خود اوست .

من اهتدى فإنما يهتدى لنفسه و من ضلّ فإنما يضلّ عليها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ - کهف -

۱۸ - ۳۵ - ۵

۵- آسیب و زیان ناسپاسی توانگران در برابر نعمت های الهی ، دامنگیر خود ایشان است .

فقال . .. أنا أكثر منك مالاً و أعزّ نفرًا ... و هو ظالم لنفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱۵

۱۵ - پیامد گناه هر کسی ، گریبان گیر خود او است .

لكلّ امری منهم ما اكتسب من الإثم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۴ - ۴

۴ - ضرر و زیان گناه و نافرمانی مردم از اطاعت خدا و رسول او ، به خود آنان بازمی گردد نه به پیامبر (ص)

قل أطيعوا اللّه و أطيعوا الرسول فإن تولّوا فإنّما عليه ما حمّل و عليكم ما حملتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۴ - ۱،۴

۱ - کفر ، امری خسارت بار است و بازتاب خسارت آن ، برای خود کافر است .

من كفر فعليه كفره

<علیه> جار و مجرور و متعلق به <کفره> است. مقدم شدن آن، برای بیان این نکته است که پیامدهای ناگوار کفر، به خود کافران اختصاص دارد.

۴ - بازتاب خسارت کفر ، از آنِ کافر ، و پیامد فواید ایمان و عمل صالح ، فراگیر است . *

من كفر فعليه كفره و من عمل صلحًا فلأنفسهم يمهدون

احتمال دارد این که در جواب شرط جمله نخست، ضمیر مفرد آورده شده و در جواب شرط جمله دوم، به رغم مفرد بودن اسم شرط، ضمیر جمع آورده شده است، اشاره به نکته یاد شده باشد.

جلد

- نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ - خسارت كفران نعمت الهى ، به خود كفران كننده بازمى گردد .

و من كفر فإنّ اللّه غنىّ

به قرينه مقابله، <و من يشكر. ..> جواب شرط <من كفر> حذف شده است و <إنّ اللّه...> تعليل براى جواب مقدر است; يعنى، هركس كفران نعمت كند ضررش به خودش برمى گردد; چون خداوند نيازى ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۰ - ۳

۳ - گمراهى ، داراى ضرر و خسارت براى خود گمراه است .

قل إن ضللت فإنّما أضلّ على نفسى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۹ - ۵

۵ - پى آمد زيان بار كفر ، متوجه خود انسان ها است .

فمن كفر فعليه كفره

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۳ - ۴،۵،۶

۴ - خسارت و پى آمد سوء مكر ها و حيله ها ، تنها دامنگير صاحبان آن خواهد شد .

و لايحيق المكر السّيِّى إلاّ بأهله

۵ - خسارت و پى آمد سوء مكر و حيله مخالفان دين اسلام ، دامنگير خود آنان خواهد گشت .

فلمّا جاءهم نذير ما زادهم إلاّ نفورًا. .. و مكر السّيِّى و لايحيق المكر السّيِّى

۶ - برگشت مکر مکاران مخالف با ادیان الهی به خود آنان ، سنت الهی است .

فهل ینظرون إلّا سنّت الأوّلین

جمله <فهل ینظرون. ..> هم می تواند ناظر به بازگشت مکر مکاران علیه خود آنان باشد و هم می تواند اشاره به کیفر الهی

درباره مکاران گذشته داشته باشد. برداشت یاد شده براساس احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۱۱

۱۱ - ضرر و زیان گمراهی ، تنها متوجه خود گمراهان است .

و من ضلّ فإنّما یضلّ علیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۳ - ۶

۶ - ضرر و زیان گناه و اسراف ، متوجه خود انسان است .

الذین أسرفوا علی أنفسهم

برداشت یاد شده از آمدن لفظ <علی> به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۳ - ۵

۵ - کفر و انکار آیات الهی ، بی تردید به زیان انسان ها است .

و الذین کفروا بأیت اللّه أُولئک هم الخسرون

<خسارت> ضد ربح (سود) به معنای ضرر و زیان است و آمدن ضمیر فصل (هم)، دلالت بر حصر و تأکید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۸ - ۱۶

۱۶ - زیان دروغ ، بیشتر از همه ، به خود دروغ گو باز می گردد .

وإن یک کذبًا فعلیه کذبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۳۷ – ۱۴

۱۴ – توطئه ها و نیرنگ های فرعون علیه موسی (ع) ، سرانجام به زیان و نابودی او انجامید .

و ما کید فرعون إلّا فی تباب

<تباب> به معنای خسارت و هلاکت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۴۵ – ۱۶

- ستمکاران ، عامل خسران و بدبختی خود و محرومیت از خانواده خویش

إنّ الخسرین الذین خسروا أنفسهم و أهلیهم یوم القیمه

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <خسروا. .. أهلیهم> به معنای از دست دادن خانواده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۸ - ۷

۷- بخل از انفاق در راه خدا ، مایه خسارت خود انسان

و من یبخل فإنّما یبخل عن نفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۰ - ۸

۸ - نتایج ناگوار پیمان شکنی با پیامبر (ص) و رهبری الهی ، تنها متوجه خود انسان است .

فمن نکث فإنّما ینکث علی نفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۴ - ۸

۸ - کسانی که از انفاق کردن روی برمی گردانند ، به خود ضرر وارد می کنند ; نه به خداوند .

و من یتولّ فإنّ اللّه هو الغنیّ الحمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۱۷

۱۷ - ضرر و زیان عمل نکردن به احکام الهی و شکستن مرز های دینی ، به خود متجاوزان بازمی گردد .

و من یتعدّ حدود اللّه فقد ظلم نفسه

سرزنش خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۴ - ۲

۲- قوم بت پرست ابراهیم پس از آگاه شدن از ناتوانی بت ها از سخن گفتن ، به یک دیگر مراجعه کرده و به سرزنش هم پرداختند .

فرجعوا إلى أنفسهم فقالوا إنّكم أنتم الظلمون

برداشت،

براساس این احتمال است که مقصود از <أنفسهم> رجوع هر یک از بت پرستان به یک دیگر باشد که با مخاطب قرار دادن هم دیگر (فقالوا إنّکم أنتم. ..) به ملامت هم پرداختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ - اظهار پشیمانی کردن سلیمان (ع) و مورد سرزنش قرار دادن خود به خاطر غفلت کردن از یاد خدا ، در اثر سان دیدن طولانی از اسب ها

فقال إنّی أحببت حبّ الخیر عن ذکر ربّی حتّی توارت بالحجاب

در صورتی که معنای آیه شریفه، این باشد که سلیمان(ع) به خاطر علاقه به اسب ها از یاد خدا غفلت ورزید; قهراً سخن آن حضرت (فقال إنّی. ..) نوعی سرزنش خود و اظهار پشیمانی محسوب می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۰ - ۱

۱ - باغداران یمنی پس از مشاهده محرومیت خود و مستمندان از محصولات باغ ، به سرزنش همدیگر پرداختند .

فأقبل بعضهم علی بعض یتلومون

سرزنش علیه خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۳ - ۵

۵- اولیای خداوند و افراد کامل ، خطای خود را در صورت فراموشی نیز مایه استحقاق مؤاخذه می دانند .

لاتؤاخذنی بما نسیت

در خواست موسی از خضر(ع) مبنی بر مؤاخذه نشدن، دال بر آن است که خطا، حتی در صورت نسیان نیز قابلیت مؤاخذه دارد.

سرزنش مکر با خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۱ - ۱۶

۱۶ - خودفریبی و تجاهل در

برخورد با حقایق ، امری نکوهیده و ناروا

نبذ فریق من الذین أوتوا الکتب . .. کأنهم لایعلمون

سوگند برای تبرئه خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۳ - ۱،۲

۱ فرزندان یعقوب در حضور یوسف (ع) و کارگزارانش ، بر منزه بودنشان از سرقت و نداشتن قصد فسادگری و خرابکاری در مصر ، سوگند یاد کردند .

تالله لقد علمتم ما جئنا لنفسد فی الأرض و ما کنا سرقین

گرچه مقسم علیه (آنچه بر انجام آن سوگند یاد می شود) در آیه شریفه <لقد علمتم> است ; ولی در حقیقت <ما جئنا . ..> مقسم علیه می باشد. بنابراین معنای جمله چنین می شود: به خدا سوگند که ما برای فساد به مصر نیامده ایم و هرگز سارق نبوده ایم و شما این حقیقت را به خوبی دانستید.

۲ جواز سوگند به نام خدا برای تبرئه خویش از فسادگری و ارتکاب گناه

تالله لقد علمتم ما جئنا لنفسد فی الأرض

ظلم به خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۱،۳

۱ - قوم موسی با گوساله پرستی ، بر خویشتن ستم کرده و مستحق کیفر شدند .

یقوم إنکم ظلمتم أنفسکم باتخاذکم العجل

۳ - آدمی ، با شرک ورزی و پرستش غیر خدا به خود ستم می کند .

إنکم ظلمتم أنفسکم باتخاذکم العجل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۷ - ۱۲،۱۷،۱۹

۱۲ - قوم موسی با بهره گیری حرام از < منّ > و < سلوی > مرتکب گناه شده ، بر خود

ستم کردند . *

کلوا من طیبت ما رزقنکم و ما ظلمونا و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

جمله <و لکن کانوا . ..> دلالت بر آن دارد که قوم موسی مرتکب حرام خواری شدند. به نظر می رسد از مصداقهای حرام خواری آنان - به قرینه وقوع جمله مذکور پس از بیان نزول منّ و سلوی - بهره گیری حرام از منّ و سلوی، همانند تجاوز به سهم دیگران باشد.

۱۷ - ناسپاسی قوم موسی و تمردشان از فرمان های خدا ، ستمی بود که آنان بر خودشان روا داشتند .

و ما ظلمونا و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

۱۹ - تخلف از فرمان های خدا و ناسپاسی در برابر نعمت های او ، ظلمی است از ناحیه انسان به خویشتن

و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۲ - ۱۰

۱۰ - ارتداد قوم موسی و گرایش آنان به گوساله پرستی ، از جمله ستم های آنان

ثم أتخذتم العجل من بعده و أنتم ظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۲،۳

۲ خطا و لغزش آدم و حوا ستمی بود که آنان بر خویشتن روا داشتند.

قالا ربنا ظلنا أنفسنا

۳ گناه و عصیان، ظلمی است از ناحیه انسان به خویشتن.

قالا ربنا ظلنا أنفسنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۳۰،۳۱

۳۰ ناسپاسی قوم موسی و تمرد ایشان از فرمان های خدا ، ستمی بود که آنان بر خود روا داشتند .

و قطّعنهم . .. و ما ظلمونا و لکن

كانوا أنفسهم يظلمون

۳۱ تخلف از فرمان خدا و ناسپاسی در برابر نعمت های او ، ظلمی است از ناحیه انسان به خویشتن

و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۷ - ۲،۵

۲ کفرپیشگان با تکذیب آیات الهی همواره بر خویش ستم می کنند .

و أنفسهم كانوا يظلمون

۵ کسانی که با تکذیب آیات الهی بر خود ستم می کنند ، حالتی شوم و ناهنجار دارند .

ساء مثلا القوم الذين . .. أنفسهم كانوا يظلمون

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <أنفسهم كانوا يظلمون> عطف بر <كذبوا بأيتنا> باشد ; یعنی: <ساء مثلا القوم الذين أنفسهم كانوا يظلمون>. قابل ذکر است که در برداشتهای گذشته جمله <أنفسهم كانوا يظلمون> عطف بر جمله <ساء مثلا ... > گرفته شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۶ - ۹

۹ شکستن حرمت ماه های حرام (پرداختن به جنگ در آن) ، ظلم به خویش و جامعه بشری است .

فلا تظلموا فيهن أنفسكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۱۸

۱۸ کفرورزی و انکار دلایل روشن انبیا ، ظلم انسان به خویش و پیامد آن دامنگیر خود اوست .

أتتهم رسلهم بالبيّنت فما كان اللّه ليظلمهم و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۳ - ۱۳

۱۳ از زید بن اسلم نقل شده که رسول خدا (ص) فرمود : < لا

يؤخر اللّه عقوبه البغى فان اللّه قال : < إنما بغيكم على أنفسكم > ;

خداوند، كيفر ستم را به تأخير نمى اندازد ; زيرا خدا فرمود: همانا ستم شما بر خود شماست>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۱ - ۳،۴،۵

۳ شركورزى ، انكار پيامبران و ارتكاب گناه ، ستمهايى است كه مشركان ، كافران و گنه كاران در حقِ خود روا مى دارند .

و لكن ظلموا أنفسهم

مقصود از ظلم به نفس كه جمله <ظلموا أنفسهم> گوياى آن است هم گناهان و هم آثار و تبعات آن مى باشد. برداشت فوق ناظر به لِحاظ نخست است.

۴ گرفتارى كافران ، مشركان و گنه كاران به عذاب هاى الهى ، ستم و كيفرى است كه آنان خود براى خويشتن فراهم مى كنند .

و لكن ظلموا أنفسهم

چنان چه گذشت، مقصود از <ظلم به نفس> گناهان و نيز آثار و تبعات گناهان مى باشد; برداشت فوق ناظر به دومين لحاظ است. بنابراين <ظلموا أنفسهم...>; يعنى، نزول عذاب بر كافران كه از آثار و تبعات گناهانشان است ستمى بود كه آنان بر خود روا داشتند.

۵ اقوام هلاك شده گذشته : قوم نوح ، عاديان ، ثموديان ، قوم شعيب و لوط و فرعونيان ، با شركورزى و انكارِ رسالت پيامبران ، بر خويش ستم كردند .

و ما ظلمنهم و لكن ظلموا أنفسهم

مراد از ضمير <هم> و مانند آن در آيه مورد بحث ، اقوامى است كه سرگذشت آنان در سوره هود بيان شده است; يعنى: قوم نوح ، عادو . ...

جلد - نام سوره - سوره - آيه

- فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۴ - ۱۴،۱۷،۱۸

۱۴- انسان به خویشتن ستمکار و در برابر نعمت و احسان ، بسیار ناسپاس است .

و إن تعدّوا نعمت الله لاتحصوها إنّ الإنسن لظلوم کفّار

مقصود از <ظلوم> بودن انسان، به قرینه بیان نعمتها و داده های الهی به وی، ظلم به خویشتن است.

۱۷- کفران و ناسپاسی نعمت های الهی ، ظلم به خویشتن است .

و إن تعدّوا نعمت الله لاتحصوها إنّ الإنسن لظلوم کفّار

۱۸- سرشت انسان با نوعی از ظلم به خویشتن و ناسپاسی عجین است .

إنّ الإنسن لظلوم کفّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۱،۲،۳،۴،۱۲

۱- کافران ، کسانی اند که با کفر خود ، به خویش ستم می کنند .

الکفرین . الذین تتوفّهم الملئکه ظالمی أنفسهم

<الذین> صفت <الکافرین> و <ظالمی> حال برای آن است. مراد از <ظالمی أنفسهم> به قرینه لفظ <الکافرین> ظلم کنندگان به خود با انتخاب کفر است.

۲- کافرانی که با حالت ظلم به نفس (کفر) از دنیا بروند ، در قیامت گرفتار خواری و ذلت خواهند شد .

إن الخزی الیوم و السوء علی الکفرین . الذین تتوفّهم الملئکه ظالمی أنفسهم

۳- کفر ، ظلم به نفس است .

الکفرین . الذین ... ظالمی أنفسهم

۴- شرک ، ظلم به نفس است .

و یقول أین شرکاءی . .. الکفرین . الذین تتوفّهم الملئکه ظالمی أنفسهم

۱۲- کسانی که با ارتکاب اعمال زشت در دنیا به خود ستم کرده اند ، در قیامت منکر آن اعمال می شوند .

الذین تتوفّهم الملئکه ظالمی أنفسهم . .. ما کنّا نعمل من سوء

برداشت فوق، بنابراین احتمال است که

مراد از <ظالمی أنفسهم> به قرینه <ما کنّا نعمل من سوء> (ما مرتکب عمل زشت نمی شدیم) اعمال ناپسند و زشتی باشد که مرتکبان آنها، آن را از خود نفی می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۹ - ۱۲

۱۲- کافران ظالم به نفس خویش ، متکبرند .

الکفرین . الذین تتوفّهم الملئکه ظالمی أنفسهم ... فلبئس مثوی المتکبّرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۲ - ۴

۴- تقواپیشگان ، به هنگام قبض روح از هرگونه ظلم به نفس به دورند .

المتّقین . .. الذین تتوفّهم الملئکه طیّبین

به قرینه مقابله با آیه <الکافرین . الذین تتوفّیهم الملائکه ظالمی أنفسهم> احتمال دارد مراد از طیب (پاکی) به دور بودن از ظلم به نفس باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۳ - ۸،۹،۱۰

۸- کافران ، با انکار حقانیت کتاب های آسمانی ، به خود ستم کردند .

و ما ظلمهم الله و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

۹- کفر به وحی و کتاب های آسمانی ، ظلم به خویش است .

هل ینظرون إلاّ أن تأتیهم الملئکه أو یأتی أمر ربّک کذلک فعل الذین من قبلهم و ما

۱۰- ظلمی که به کافران از ناحیه ایستادگی در برابر کتاب های آسمانی شده است ، از ناحیه خداوند نبوده و از سوی خود آنان بوده است .

و ما ظلمهم الله و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳۴ – ۱۲

۱۲– ارتکاب اعمال زشت و

به استهزا گرفتن وعده عذاب الهی ، ظلم به نفس است .

و ما ظلمهم الله و لکن کانوا أنفسهم یظلمون . فأصابهم سیئات ما عملوا و حاق بهم ما

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۱۹ – ۳

۳- هر نوع عمل زشت و ناشایست ، ظلم به خویشتن است .

و لکن کانوا أنفسهم یظلمون . .. للذین عملوا السوء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۳۵ – ۲،۳

۲- خودبرتربینی و تحقیر دیگران ، ظلم بر خویشتن است .

أنا أکثر منک مالاً و أعزّ نفرًا . .. و دخل جنّته و هو ظالم لنفسه

۳- فریفتگی به جلوه های مادّی دنیا ، ستم انسان بر خویش است .

أکثر منک مالاً و أعزّ نفرًا . .. و هو ظالم لنفسه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۵۷ – ۵

۵- از یاد بردن اَعمال و دستاورد های ناروا و به فراموشی سپردن گناهان گذشته خود ، بزرگ ترین ستم انسان بر خویش است .

و یجدل . .. و من أظلم ... و نسی ما قدّمت یداه

<نسی ما قدّمت یداه> یعنی: <فراموش کرد کردار پیشین خود را. >. مقصود از <ما> به قرینه آیه قبل جدال به باطل در برابر حق و استهزای آیات الهی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۸۷ – ۱۸

۱۸- در دیدگاه یونس (ع) ، خروج از میان قوم خود بدون اذن الهی ، ظلمی به خویش بود .

إذ

ذهب مغضبًا . .. إنّی کنت من الظلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۸۸ – ۳

۳- نقش تهلیل و تسبیح خدا و اقرار به ظلم به خویشتن ، در استجابت دعا و رهایی از غم ها

فنادی فی الظلمت أن لاإله إلّاأنت سبحنک إنّی کنت من الظلمین . فاستجبنا له و ن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۲۵ – ۱۷

۱۷ – < عن۷۵ أبی الصباح الکنانی قال : سألت أباعبداللّه (ع) عن قول اللّه عزّوجلّ : و من یرد فیه بالحاد بظلم نذقه من عذاب ألیم > فقال : کلّ ظلم یظلمه الرجل نفسه بمکّه من سرقه أو ظلم أحد أو شیء من الظلم فإنّی أراه ألحاداً ;

ابی الصباح کنانی گفت: از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند عزّوجلّ <و من یرد فیه بالحاد بظلم نذقه من عذاب ألیم> سؤال کردم فرمود: هر ظلمی که شخص در مکّه بر خویش کند; خواه دزدی باشد، یا ستم به دیگری و یا هرگونه ستمی، من آن را الحاد و انحراف می بینم>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۴۴ – ۱۱

۱۱ – شرک و پیمودن راه باطل ، ستم بر خویش است .

وجدتها و قومها یسجدون للشمس . .. قالت ربّ إنّی ظلمت نفسی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۱۶ – ۱،۳

۱ – قتل مرد قبطی ، ظلم موسی (ع) به خود و باعث به خطر افتادن جان او از

سوی فرعونیان

فوکزه موسی فقضی علیه . .. قال ربّ إنّی ظلمت نفسی

موسی(ع) در پیشگاه پروردگار اعتراف کرد که مرتکب خطای بزرگی شده و با کشتن مرد قبطی، در معرض خطری جدی قرار گرفته است.

۳ - ارتکاب هر عمل خطا و ناپسند ، ظلم به خویشتن است .

قال ربّ إنّی ظلمت نفسی فاغفرلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۰ - ۱۹،۱۶،۱۴

۱۴ - هلاکت قوم عاد و ثمود و قارون و هامان و فرعون با عذاب های الهی ، نتیجه ظلمی بود که خود ، در حق خود ، روا داشتند .

فکلاًّ أخذنا بذنبه . .. و ما کان اللّه لیظلمهم ولکن کانوا أنفسهم یظلمون

۱۶ - آلوده شدن به گناه ، ستم به خویش است .

فکلاًّ أخذنا بذنبه . .. ولکن کانوا أنفسهم یظلمون

۱۹ - اقوام عاد و ثمود و نیز قارون و فرعون و هامان ، با آلودگی مداومِ به گناه ، همواره به خود ، ستم روا داشتند .

فکلاًّ أخذنا بذنبه . .. ولکن کانوا أنفسهم یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۹ - ۲۸،۲۲

۲۲ - انجام دادن عملی که منجر به گرفتار شدن در عذاب الهی شود ، ستم بر خویش است .

و جاءتهم رسلهم بالبیّنت فما کان اللّه لیظلمهم و لکن کانواأنفسهم یظلمون

۲۸ - انکار و تکذیب پیامبران و دلایل شان ، ستم به خویشتن است .

و جاءتهم رسلهم بالبیّنت . .. کانوا أنفسهم یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۹ - ۳،۴

۳ - سباییان ،

نعمت امنیت راه ها و نزدیکی منزل گاه های سفر را کفران نموده و به خویش ستم روا داشتند .

فقالوا ربّنا بعد بین أسفارنا و ظلموا أنفسهم

۴ – برنتابیدن وفور نعمت و امنیت و آسایش ، ستم بر خویش است .

و جعلنا بینهم و بین القری التی برکنا فیها قرًی ظهره . ..سیروا فیها ... ءامنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۲ – ۱۰

۱۰ – تمسّک به قرآن و پیروی از رهنمود های آن ، به خیر و صلاح جامعه و ترک آن ظلم به خویشتن است .

ثمّ أورثنا الکتب . .. فمنهم ظالم لنفسه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۷ – ۱۶

۱۶ – بهره نبردن از عمر و فرصت های مناسب ، در جهت دین داری و در سایه تعالیم آسمانی ، ظلم به خویشتن است .

و الذین کفروا . .. أوَلم نعمّرکم ما یتذکّر فیه من تذکّر و جاءکم النذیر فذوقوا فم

برداشت یاد شده به این خاطر است که خداوند کسانی را که به قرآن و کتاب های آسمانی ایمان نیاورده اند و از انذار پیامبران پند نگرفته و به دعوت آنان پاسخ مثبت نداده اند، با عنوان ظالم یاد کرده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۱۳ – ۲،۵

۲ – از نسل ابراهیم و اسحاق (علیهماالسلام) ، برخی نیکوکار و برخی ظالم به خویشتن گشتند .

و من ذرّیّتهما محسن و ظالم لنفسه

۵ – کفر و شرک ، ظلم به خویشتن است .

و من

ذرّیّتهما محسن و ظالم لنفسه

تعبیر <ظالم به نفس> درباره کافران و مشرکان، رساننده مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۱ - ۹

۹ - ناتوانی انسان ها در دنیا ، از دفع عذاب الهی و پیامد های هلاکت بار ستم خویش

و الذین ظلموا من هؤلاء سیصیبهم سیّئات ماکسبوا و ما هم بمعجزین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۳ - ۵

۵ - گناه ، جنایتی علیه خود و تعدی به جان خویشتن است .

قل یعبادی الذین أسرفوا علی أنفسهم

برداشت بالاـ از تعبیر <أنفسهم> به همراه <علی> به دست می آید. از این رو بسیاری از مفسران عبارت <أسرفوا علی أنفسهم> را به <جنوا علیها> معناکردند (روح المعانی آلوسی و الکشاف زمخشری).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۹ - ۳

۳ - اعتقاد انسان به ولایت غیرخدا ، ظلم و ستم بر خویشتن

و الظلمون ما لهم من ولیّ و لانصیر . أم اتّخذوا من دونه أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۹ - ۳

۳ - خدافراموشی و روی گرداندن از یاد او ، ظلم و ستم آدمی بر خویشتن است .

و من یعش عن ذکر الرحمن . .. إذ ظلمتم

از ارتباط آیه شریفه با جمله <و من یعش عن ذکر الرحمان. ..> استفاده می شود که اعراض از یاد خدا، ظلم بر خویشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۵ -

۷ – نافرمانی در برابر دعوت پیامبران و روی آوری به شرک ، ظلم آدمی به خویشتن

فاتّقوا اللّه و أطیعون . .. فاعبدوه ... فویل للذین ظلموا من عذاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱۶ – ۷

۷ – عذاب دوزخ ، ستمی از سوی کافران به خویش و نه از جانب خداوند

إنّما تجزون ما کنتم تعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۱ – ۱۸

۱۸ – رعایت نکردن احکام و حدود الهی درباره طلاق از سوی همسران ، ظلم به نفس و زیان رساندن به خویشتن است .

فطلّقوهنّ لعدّتهنّ . .. و من یتعدّ حدود اللّه فقد ظلم نفسه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۲۹ – ۴،۵

۴ – اعتراف باغداران یمنی ، به ستمکار بودن خویش بر اثر بخل ورزی و محروم ساختن بینوایان

إنّا کنّا ظلمین

۵ – نپرداختن سهم بینوایان از امولال خود ، ظلم به خویشتن است .

إنّا کنّا ظلمین

عمل به سخن خود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۳۲ – ۷

۷ – لزوم پایداری و تلاش افزون تر مبلغان ، در عمل به توصیه های خود

وأمر أهلك بالصلوه واصطبر عليها

وظیفه صبر شدید بر نماز، پس از توصیه خانواده به آن، گویای نکته یاد شده است.

عوامل از خود بیگانگی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۶۴ – ۸

۸- شرك و بت پرستی ، مصداقی آشکار از خود بیگانگی انسان است

.

ءأنت فعلت هذا بالهتنا . .. فرجعوا إلى أنفسهم فقالوا إنّكم أنتم الظلمون

از این که بت پرستان پس از به خود آمدن و متنبه شدن به بطلان شرک پی برده بودند، می توان استفاده کرد که بت پرستان انسان های از خود بیگانه هستند.

عوامل تباهی خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۱۰،۱۲

۱۰ - کافران به قرآن و پیامبر (ص) خسارت دیدگان واقعی و تباه کنندگان خویش هستند .

و من یکفر به فأولئک هم الخسرون

۱۲ - ترک دستورات قرآن و پیامبر (ص) ، موجب تباهی و خسران است .

و من یکفر به فأولئک هم الخسرون

چنانچه مراد از تلاوت در جمله <یتلونه> پیروی کردن باشد، می توان گفت: مراد از کفر در <و من یکفر>، به قرینه مقابله، ترک دستورات قرآن - که از آن به <کفر عملی> تعبیر می کنیم - باشد.

عوامل خود فراموشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۹ - ۵،۶

۵ - خودفراموشی ، کیفر الهی برای خدافراموشان

و لاتکونوا کالذین نسوا اللّه فأنسیهم أنفسهم

۶ - خدافراموشی انسان ، عامل غفلت او از سعادت و حقایق وجودی خویش

و لاتکونوا کالذین نسوا اللّه فأنسیهم أنفسهم

عوامل ظلم به خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۰ - ۹

۹ - ابلیس ، عامل کفران مردم سبأ و برانگیزنده آنان به ظلم به نفس

و لقد صدّق علیهم إبلیس ظنّه فاتّبعوه إلاّ فریقًا من المؤمنین

در عبارت <صدّق علیهم. .. ظنّه> ایجاز به حذف وجود دارد; برای

این که صدق ظن، فرع بر دعوت و جواب مثبت دادن مردم است. بنابراین، معلوم می شود که ابلیس از آنان خواسته و آنان نیز او را اجابت نموده و نعمت های خدا را کفران کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۶ - ۶

۶ - گام نهادن آدمی در وادی کفر ، شرک و گناه ، در حقیقت ظلم آدمی به خویشتن است .

إنّ المجرمین . .. و ما ظلمنهم و لکن کانوا هم الظلمین

به کار رفتن واژه <ظالم> به جای <مجرم>، حاکی از آن است که جرم و گناه بیان شده در آیات پیشین، همان ظلم و ستم آدمی به خویش است.

گواهی علیه خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۷ - ۹

۹ - اصحاب اخدود در قیامت ، بر کردار خویش شهادت خواهند داد .

و هم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود

آیات <و الیوم الموعود> و <و شاهد و مشهود> در آغاز سوره، می تواند قرینه بر نکته یاد شده باشد.

محافظت از خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۹ - ۸،۱۴

۸ - فلسفه فرمان به زنان مؤمن برای حفظ حجاب خود ، مصون ماندن شان از آزار و اذیت است .

قل . .. و نساء المؤمنین یدنین علیهنّ من جلبیبهنّ ذلک أدنی أن یعرفن فلایؤذین

۱۴ - همان گونه که کسی حق آزار مؤمنان را ندارد ، بر مؤمنان نیز لازم است خود را از عوامل و مقتضیات اذیت ، دور نگه دارند .

و الذين يؤذون

المؤمنين و المؤمنت . .. فقد احتملوا ...إثمًا ... قل ... و نساء ال

مكر با خود

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱ – بقره – ۲ – ۹ – ۵،۶

۵ – خدعه و نيرنگ با خدا و مؤمنان ، خودفريبی و نيرنگ زدن به خويشتن است .

و ما يخدعون إلا أنفسهم

۶ – منافقان ، به خودفريبیِ خويش و نيرنگبازی با خود ، ناآگاه هستند .

و ما يخدعون إلا أنفسهم و ما يشعرون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۳ – ۱۲

۱۲ مشركان در پرستش خدايان دروغين ، خويشتن را فريب داده بودند .

بل زيّن للذين كفروا مكرهم

در اينكه فاعل محذوف از <زيّن> چيست؟ چند احتمال وجود دارد ۱ شيطان ۲ سران كفر و شرك ۳خودِ كافران. برداشت فوق بر اساس سومين احتمال است. بر اين مبنا معنای جمله چنين می شود: <زيّن الكافرون لأنفسهم مكرَهم> و مفاد آن اين است كه كفرپيشگان با دليلهايی واهی شرك را توجيه كردند و كم كم آنها را زيبا ديدند.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۴۳ – ۶

۶ – برگشت مكر مكاران مخالف با اديان الهی به خود آنان ، سنت الهی است .

فهل ينظرون إلاّ سنّت الأوّلين

جمله <فهل ينظرون. ..> هم می تواند ناظر به بازگشت مكر مكاران عليه خود آنان باشد و هم می تواند اشاره به كيفر الهی درباره مكاران گذشته داشته باشد. برداشت ياد شده براساس احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۲

۴ - مکر و توطئه کافران علیه دین و پیامبر (ص) ، شکست پذیر و گریبانگیر خود آنان

فالذین کفروا هم المکیدون

مکر به خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۶ - ۹،۴

۴- خداوند ، تمامی مکر ها و توطئه های توطئه گران علیه دین را به خود آنان باز گرداند .

قد مکر الذین من قبلهم فأتی الله بنینهم من القواعد فخّر علیهم السقف من فوقهم

احتمال دارد فراز <فأتی الله بنیانهم من القواعد. ..> بیان تمثیلی باشد نه حقیقی. بنابراین مراد آیه چنین می شود: آنان تلاشهای زیاد و بنیان های فکری قوی علیه دین تدارک دیده بودند، ولی خداوند آن بنیان ها را علیه خود آنان به کار گرفت.

۹- توطئه گران علیه دین ، هیچ گاه گمان نمی کردند که مکرشان علیه دین ، دامنگیر خود آنان خواهد شد .

قد مکر الذین من قبلهم فأتی الله بنینهم من القواعد . .. و أتهم العذاب من حیث لا

منفعت به خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۲ - ۶

۶ - بازتاب و منافع هدایت پذیری انسان ، تنها متوجه خود او است .

فمن اهتدی فإنّما یهتدی لنفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۰ - ۹

۹ - فایده هدایت شدن ، به خود هدایت شده بازمی گردد .

إن ضللت فإنّما أضلّ على نفسی و إن اهتدیت فبما یوحی إلیّ ربّی

به قرینه مقابله، (إن ضللت فإنّما أضلّ. ..) از ذکر <فلها> در <إن اهتدیت> چشم پوشی شده و

به منشأ هدایت پرداخته شده است. این مسأله دلالت می کند که هدایت فایده دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۴۱ – ۹

۹ – منفعت و بهره هدایت ، تنها متوجه خود هدایت یافتگان است .

فمن اهتدی فلنفسه

موارد ظلم به خود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۴۵ – ۸

۸- کفر و تکذیب رسولان الهی ، ظلم به نفس می باشد و پیامد آن متوجه خود انسان است .

نجب دعوتک و نتّبع الرسل . .. و سکنتم فی مسکن الذین ظلموا أنفسهم

نشانه های ظلم به خود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳۴ – ۵

۵- گرفتار شدن به کیفر عمل خویش ، نمود و مظهر ظلم به نفس است .

و لکن کانوا أنفسهم یظلمون . فأصابهم سیئات ما عملوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۷۸ – ۵

۵ – حق گریزی ، ظلم و ستم آدمی به خویشتن است .

و لکن کانوا هم الظلمین . .. و لکنّ أکثرکم للحقّ کرهون

از ارتباط آیات می توان استفاده کرد که ظلم و ستم مجرمان، چیزی جز حق گریزی آنان نیست.

نگرانی از فرجام خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۲ - ۴

۴ - لزوم نگرانی همواره انسان از کردار و فرجام کار خویش و مطمئن نبودن به آمرزش الهی

و الذی أطمع أن یغفرلی خطیئتی یوم الدین

وقتی حضرت ابراهیم(ع) خود را صرفاً امیدوار به

مغفرت الهی معرفی کند، جای اطمینانی برای آنچه برای دیگران نخواهد بود.

خود دوستی

اهمیت خود دوستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۴ - ۴

۴ حب نفس ، قوی ترین غریزه در انسان است .

و لو أن لکل نفس ظلمت ما فی الأرض لافتدت به

اینکه شخص معذب، حاضر است تمامی آنچه را که در زمین است اگر در اختیارش می بود جهت نجات خود، نثار کند، می تواند بیانگر مطلب فوق باشد.

خودآرایی

اجتناب از خودآرایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۳ - ۳،۴

۳ - فرمان خداوند به همسران پیامبر ، برای پرهیز از خودنمایی و خودآرایی های دوران جاهلیت

و لاتبرّجن تبرّج الجهليّه الأُولی

<تبرّج> از مصدر <برَج> به معنای <فراخی و زیبایی چشم> و یا از <بُرج> به معنای <قصر> است. کاربرد آن درباره خودنمایی، از باب تشبیه بوده و به معنای نشان دادن زیبایی ها و محاسن است (مفردات راغب). گفتنی است که در کلام، دو مضاف، مقدر است و آن، <نساء أيّام> است. در واقع عبارت چنین است: <لاتبرّجن تبرّج نساء أيّام الجاهليه...>.

۴ - شایسته است که زنان ، خود را از معرض نگاه نامحرمان ، دور نگاه داشته و از خودآرایی ، به منظور در معرض نمایش گذاشتن زیبایی هایشان ، خودداری کنند .

و قرن فی بیوتکنّ و لاتبرّجن تبرّج الجهليّه الأُولی

خودآرایی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۳ - ۵

۵ - زنان ، در دوران هایی پیش از اسلام ، خودآرایی نموده و

در معرض نگاه نامحرمان قرار می گرفتند .

و لاتبرّجن تبرّج الجهليّه الأُولى

خودسازی

{خودسازی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۷ - ۸

۸ توجّه به خودسازی (جهاد اکبر) ، به همراه پیکار با دشمن (جهاد اصغر) ، ویژگی پرورش یافتگان مکتب انبیا

و ما کان قولهم الّا ان قالوا ربّنا اغفرلنا ذنوبنا و اسرافنا فی امرنا و ثبّت . ..

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۴ - ۷،۱۱

۷ تلاوت آیات الهی ، تزکیه نفوس و تعلیم کتاب و حکمت ، سرلوحه برنامه ها و مسؤولیت های پیامبر (ص)

اذا بعث فیهم رسولا . .. یتلوا علیهم ءایته و یزکّیهم و یعلّمهم الکتب و الحکمه

۱۱ پاکسازی جان ها و آموزش تعالیم دین ، دو مرحله از هدایت انسانها

یزکّیهم و یعلّمهم الکتب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین

هدایت انسانها، که مفهوم جمله <و ان کانوا . .. > دلالت بر آن دارد، بیانگر هدف کلّی بعثت است. بنابراین تلاوت و تزکیه و تعلیم می تواند مراحلی برای تحقق این هدف، یعنی هدایت انسانها باشد.

اهمیت خودسازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۷ - ۱۲

۱۲ خودسازی و پاك شدن از گناهان و پیروزی بر دشمنان دین ، از اهداف انبیا و همگامان با ایشان

ربّنا اغفرلنا ذنوبنا . .. و انصرنا على القوم الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ -

۱۱ لزوم خودسازی ، پیش از نبرد با کفّار

و اقیموا الصلوه و اتوا الزکوه فلمّا کتب علیهم القتال

خودسازی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۱۱

۱۱ لزوم خودسازی ، پیش از نبرد با کفّار

و اقیموا الصلوه و اتوا الزکوه فلمّا کتب علیهم القتال

خودسازی در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۷ - ۸

۸ توجّه به خودسازی (جهاد اکبر) ، به همراه پیکار با دشمن (جهاد اصغر) ، ویژگی پرورش یافتگان مکتب انبیا

و ما کان قولهم الّا ان قالوا ربّنا اغفرلنا ذنوبنا و اسرافنا فی امرنا و ثبّت . ..

زمینه خودسازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۷ - ۱۶،۲۱

۱۶ پایبندی به عهد الهی و پیمان های خود ، زمینه بهره مندی از تزکیه خداوند

انّ الّذین یشترون بعهد اللّه و ایمانهم . .. و لا یزکّیهم

از مفهوم آیه استفاده شده است.

۲۱ تجلّی محبّت الهی نسبت به بندگان ، با تکلّم و نظر به آنها در قیامت و تزکیه آنها در دنیا

بلی من اوفی بعهده و اتقی فانّ اللّه یحبّ المتقین. انّ الذین یشترون ... و لا یزکی

از ارتباط آیه قبل با مفهوم این آیه برداشت فوق استفاده شده است و چون جمله <لا یزکیهم> را مقیّد به <یوم القیمه> نکرده بر خلاف فرازهای قبلی، می توان گفت تزکیه مربوط به دنیاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل

عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۳۹

۳۹ پالایشِ درونی اهل ایمان و سازندگی آنان ، هدف خداوند از ابتلای آنان به مشکلات و سختیها

و لیمحّص ما فی قلوبکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۴ - ۸

۸ تلاوت آیات قرآن (ارائه نشانه های خدا و حقانیّت اسلام) زمینه ساز تربیت و تزکیه انسانها

یتلوا علیهم ءایته و یزکّیهم

تقدّم ذکری تلاوت قرآن بر تزکیه، دلالت بر تقدّم رتبه ای آن دارد.

عوامل خودسازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۳ - ۷

۷ رابطه اطاعت خاضعانه با پیراسته گشتن نفس از ناخالصی ها *

اصطفیک . .. یا مریم اقنتی

خداوند سه نعمت را به مریم ارزانی داشت: گزینش (اصطفیک)، تطهیر (طهّرک) و سرآمد بودن (اصطفیک علی نساء العالمین). و در برابر این سه نعمت، سه مسؤولیت از وی خواست: قنوت، سجود، رکوع. به نظر می رسد هر یک از آن سه نعمت به ترتیب، مقتضی هر یک از این سه مسؤولیت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۹ - ۱۳

۱۳ تعلیم و تعلم کتب آسمانی ، زمینه ربّانی شدن انسان

کونوا ربّانیّن بما کنتم تعلّمون الکتاب و بما کنتم تدرسون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۶ - ۱۴

۱۴ نقش سازنده یادآوری حماسه شجاعت و پایداری مجاهدان راه خدا و یاوران پیامبران در پیکار و مبارزه

و کأیّن من نبیّ قاتل . .. و اللّه یحبّ

الصّابرين

آیه شریفه با یادآوری حماسه <ربیّون>، در صدد سازندگی مسلمانان است تا دیگر بار همانند نبرد احد، سستی و زبونی به خود راه ندهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۷ - ۶،۷،۹

۶ نقش سازنده دعا در میدان جنگ و تشویق الهی به آن

و ما کان قولهم الّا ان قالوا ربّنا اغفرلنا ذنوبنا . .. و انصرنا علی القوم الکافر

۷ نقش بنیادین و سازنده دعا در صلابت ، قوّت و تسلیم ناپذیری پیکارگران

فما وهنوا . .. و ما ضعفوا و ما استکانوا ... و ما کان قولهم الّا ان قالوا ربّنا ا

یادآوری دعای مجاهدان ربّانی پس از بیان استقامت آنان، می تواند اشاره ای باشد به اینکه دعا از موجبات استقامت و حماسه آفرینی است.

۹ هنگامه های دشوار ، عرصه پالایش روحی دست پروردگان الهی

فما وهنوا . .. و ما کان قولهم الّا ان قالوا ربّنا اغفرلنا ذنوبنا

جمله <و ما کان قولهم . .. >، می رساند که مجاهدان راه خدا به هنگام درگیری با دشمن، تنها به یاد خدا هستند و چیز دیگری فکر و قلب آنان را به خود مشغول نمی سازد و این حالت خلوص و روح پالایش یافته آنان، نتیجه گام نهادن در عرصه های دشوار نبرد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۹ - ۲

۲ تزکیه و پیراسته نمودن جان ها از آلودگی ، از شؤون خداوند است .

بل اللّه یزکّی من یشاء

بنابر اینکه <یزکّی> از <تزکیه> به معنای برطرف کردن و زایل نمودن ناپاکیها باشد، نه از

<تزکیه> به معنای توصیف به پاکی و طهارت.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۷ – ۸

۸ نقش اقامه نماز و پرداخت زکات ، در خودسازی و آمادگی برای جهاد و فداکاری

الم تر الی الّذین قیل لهم کفّوا ایدیکم و اقیموا الصلوه و اتوا الزکوه فلمّا کتب ع

فرمان خداوند به برپایی نماز و ادای زکات، پس از نهی از مبارزه مسلحانه، دلالت بر این دارد که تا اقامه نماز و ادای زکات جایگاه خویش را در جامعه نیابد، شرایط برای مبارزه و جهاد آماده نمی شود.

موانع خودسازی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۷۷ – ۱۴،۱۵،۲۲

۱۴ سوداگران عهد الهی و پیمان شکنان ، محروم از پاک شدن و رشد یافتن به دست خداوند .

انّ الّذین یشترون بعهد اللّه . .. و لا یزکّیهم

تزکیه از ماده <زکَوَ> و یا <زکَیَ>، به معنای پاک شدن و نیز به معنای رشد یافتن می باشد.

۱۵ علمای اهل کتاب به لحاظ سوداگری بر سر عهد الهی و پیمان شکنی ، مورد غضب خداوند ، و محروم از سخن و نظر او در قیامت و بی بهره از تزکیه او

و منهم من ان تأمنه بدینار . .. انّ الذین یشترون ... و لا یکلّمهم اللّه و لا ینظر

۲۲ دنیاپرستی ، موجب محرومیت از مواهب اخروی و سخن و نظر خدا در قیامت و مانع رشد یافتن و پاک گشتن

انّ الذین یشترون . .. ثمناً قلیلا ... و لا یزکیهم

خودستایی

آثار خودستایی

جلد – نام سوره – سوره – آیه –

فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۳۴ – ۷

۷ – اعتقاد به پاکی و بی گناهی خویش ، از زمینه های ترک انفاق

فلاتزکّوا أنفسکم . .. أفرءیت الذی ... و أعطی قلیلاً و أکدی

عبارت <أفرأیت. ..> پس از <فلاتزکّوا...>، می توانـد ناظر به آن باشـد که ترک کنندگان انفاق، به واسـطه عجب و غرور، گرفتار بخل و امساک شدند.

اجتناب از خودستایی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۳۲ – ۱۸

۱۸ – لزوم اجتناب از دعوی بی گناهی و پاکی ، در برابر خداوندِ آگاه به آشکار و نهان انسان ها

هو أعلم بکم . .. فلاتزکّوا أنفسکم

احکام خودستایی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۶۸ – ۱۲

۱۲ بیان صفات نیک خویش در راستای انجام وظایف الهی ، امری روا و پسندیده

أبلغکم رسلت ربی و أنا لکم ناصح أمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۵ – ۹،۱۷

۹ بیان ویژگی های مثبت خویش برای تصدّی امری که وظیفه دینی و انسانی است ، جایز و شایسته است .

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

۱۷ < قال سـفيان : قلت لأبی عبدالله (ع) يجوز أن يزكّی الرجل نفسه ؟ قال : نعم إذا اضطّر إليه ، أما سمعت قول يوسف : < . . .إنی حفيظ عليم > . . . ;

سفيـان گويـد: به امام صادق(ع) گفتم: آيا جايز است انسان از خود سـتايش كنـد؟ فرمود: آری اگر ناچار شود. آيا نشـنيده ای سخن يوسف را كه گفت: <...إنی

حفیظ علیم >...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۳ - ۱۸

۱۸- بیان فضایل و کمالات خود ، به منظور راهنمایی و هدایت دیگران جایز و نیکو است .

إنّی قد جاءنی من العلم ما لم یأتک فاتّبعنی أهدک صرطًا سویًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۱۸

۱۸ - جواز ستایش از خود در موارد لزوم

ستجدنی إن شاء اللّه من الصلحین

خودستایی جایز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۸ - ۱۲

۱۲ بیان صفات نیک خویش در راستای انجام وظایف الهی ، امری روا و پسندیده

أبلغکم رسلت ربی و أنا لکم ناصح أمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۹،۱۷

۹ بیان ویژگی های مثبت خویش برای تصدّی امری که وظیفه دینی و انسانی است ، جایز و شایسته است .

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

۱۷ < قال سفیان : قلت لأبی عبدالله (ع) یجوز أن یزکّی الرجل نفسه ؟ قال : نعم إذا اضطّر إلیه ، أما سمعت قول یوسف : < . . .إنی حفیظ علیم > . . . ;

سفیـان گویـد: به امام صادق(ع) گفتم: آیا جایز است انسان از خود سـتایش کنـد؟ فرمود: آری اگر ناچار شود. آیا نشـنیده ای سخن یوسف را که گفت: <...إنی حفیظ علیم>...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۳ - ۱۰

۱۰- برشمردن امتیازات و ویژگی ها ، به منظور رفع

اتهام از خود یا دیگران ناپسند نیست .

قال إنّی عبد اللّه . .. و یوم أُبعث حیًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۴۳ – ۱۸

۱۸- بیان فضایل و کمالات خود ، به منظور راهنمایی و هدایت دیگران جایز و نیکو است .

إنّی قد جاءنی من العلم ما لم یأتک فاتّبعنی أهدک صرطًا سویًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۲۷ – ۱۸

۱۸ – جواز ستایش از خود در موارد لزوم

ستجدنی إن شاء اللّه من الصلحین

خودستایی یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۵ – ۱۷

۱۷ < قال سفیان : قلت لأبی عبدالله (ع) یجوز أن یزکّی الرجل نفسه ؟ قال : نعم إذا اضطّر إلیه ، أما سمعت قول یوسف : < . . .إنی حفیظ علیم > . . . ;

سفیان گوید: به امام صادق(ع) گفتم: آیا جایز است انسان از خود ستایش کند؟ فرمود: آری اگر ناچار شود. آیا نشنیده ای سخن یوسف را که گفت: <...إنی حفیظ علیم>...>.

سرزنش خودستایی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۴۹ – ۸

۸ ناپسندی خودستایی و ادعای رشدیافتگی و کمال

الم تر الی الذین یزکّون انفسهم بل اللّه یزکّی من یشاء

منشأ خودستایی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۳۲ – ۱۹

۱۹ – خودستایی ، زاییده غفلت انسان از علم احاطه دار خداوند

هو أعلم بکم . .. فلاتزکّوا أنفسکم

تفریع <فلاتزکّوا أنفسکم> بر

<هو أعلم. ..>، نشانگر آن است که تزکیه نفس و ستایش های دروغین انسان از خویش، نتیجه غفلت او از علم نامحدود خداوندی است.

ناپسندی خودستایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۲ - ۲۰

۲۰ - ستایش از خویشتن و دعوی پاکی ، با وجود زمینه های طبیعی آلودگی به گناه ، امری ناروا و ناشایست *

هو أعلم بکم . .. و إذ أنتم أجنّه فی بطون أُمّهتکم فلاتزکّوا أنفسکم

ذکر <أنشأکم من الأرض> و <أنتم أجنّه> احتمالاً برای آن است که انسان خاکی که دوران جنینی را گذرانده و از عوامل مختلف تأثیر پذیرفته است چگونه می تواند ادعای پاکی و خطاناپذیری، داشته باشد.

خودفراموشی

زمینه خودفراموشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۷ - ۲۳

۲۳ عبدالعزیز بن مسلم گوید : از امام رضا (ع) درباره سخن خدا که می فرماید : < نسوا اللّه فنسیهم > سؤال کردم فرمود : < ان اللّه تعالی لا ینسی و لا یسهو . . . و انما یجازی من نسیه و نسی لقاء یومه بان ینسیهم أنفسهم . . . ;

خدای تعالی نه فراموشی دارد و نه اشتباه . .. همانا خداوند کسانی را که او و دیدار قیامت را فراموش کرده اند به این صورت مجازات می کند که خودشان را از یادشان ببرد ... >.

خودفریبی

آثار خودفریبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۰ - ۳

۳ – انسان ، تنها با فریب دادن خرد خویش می تواند

از ادیان الهی گریزان شود .

و من یرغب عن مله إبرهیم إلا من سفه نفسه

<نفسه> مفعول برای <سفه> است. بنابراین <من سفه نفسه>; یعنی، کسی که خود را به سفاهت واداشته است. در برداشت فوق از آن فریب دادن خرد، تعبیر شده.

خودمحوری

سرزنش خودمحوری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵۲ – ۱۵

۱۵ گسستن سرنوشت خویش از سرنوشت اسلام و مسلمین ، علی رغم اظهار دیانت ، نشانه بیماری دل و سستی ایمان

فتری الذین فی قلوبهم مرض . .. یقولون نخشی ان تصیبنا دائره

خودنمایی

آثار خودنمایی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۷۹ – ۶

۶ – خودنمایی و تجمل گرایی عده ای ، عامل گرایش مردم به دنیاطلبی و زخارف آن

فخرج علی قومه فی زینته قال الذین یریدون الحیوه الدنیا یلیت لنا مثل ما أُوتی قر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۸۱ – ۱۰

۱۰ – طغیان ، سرمستی ، فسادانگیزی ، فخرفروشی و خودنمایی ، از عوامل هلاکت و نابودی

إنّ قرون . .. فبغی ... لاتفرح ... و لاتبغ الفساد ... فخرج علی قومه فی زینته ...

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند پس از برشـمردن تعدادی از اوصاف ناپسند قارون، مسأله نابودی وی را مطرح فرمود. این نکته می رساند که اوصاف یاد شده در نابودی وی مؤثر بوده است.

آثار خودنمایی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۹ - ۷

۷ - خودنمایی و تجمل

گرایی قارون ، باعث برانگیخته شدن خوی دنیاخواهی عناصر غافل و دنیاطلب بود .

قال الذین یریدون الحیوه الدنیا . .. إنّه لذو حظّ عظیم

خودنمایی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۳ - ۵

۵ - زنان ، در دوران هایی پیش از اسلام ، خودآرایی نموده و در معرض نگاه نامحرمان قرار می گرفتند .

و لاتبرّجن تبرّج الجهلیّه الأُولی

خودنمایی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۹ - ۱

۱ - اقدام قارون به خودنمایی و فخرفروشی بر قوم خویش

فخرج علی قومه فی زینته

تعبیر <علی قومه> به جای <إلی قومه>، نشان می دهد که وی با انگیزه بزرگ نمایی و تحقیر مردم بر آنان ظاهر شده بود.

گناه خودنمایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۲

۲ - فخرفروشی و خودنمایی ، گناهی بس بزرگ در پیشگاه خداوند

فخرج علی قومه فی زینته . .. فخسفنا به و بداره الأرض

برداشت یاد شده با توجه به تفریع <خسفنا> بر <فخرج علی قومه فی زینته> به دست می آید; زیرا قارون پس از فخرفروشی و خودنمایی در میان مردم، به هلاکت رسید.

ناپسندی خودنمایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۹ - ۴

۴ - تجمل و آرایش برای خودنمایی ، فخرفروشی ، رفتاری است ناپسند و مردود .

فخرج علی قومه فی زینته

خودنمایی

آثار خودنمایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۹ - ۶

۶ - خودنمایی

و تجمل گرایی عده ای ، عامل گرایش مردم به دنیاطلبی و زخارف آن

فخرج علی قومه فی زینته قال الذین یریدون الحیوه الدنیا یلیت لنا مثل ما أُوتی قر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۱ - ۱۰

۱۰ - طغیان ، سرمستی ، فسادانگیزی ، فخرفروشی و خودنمایی ، از عوامل هلاکت و نابودی

إنّ قرون . .. فبغی ... لاتفرح ... و لاتبغ الفساد ... فخرج علی قومه فی زینته ...

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند پس از برشـمردن تعدادی از اوصاف ناپسند قارون، مسأله نابودی وی را مطرح فرمود. این نکته می رساند که اوصاف یاد شده در نابودی وی مؤثر بوده است.

آثار خودنمایی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۹ - ۷

۷ - خودنمایی و تجمل گرایی قارون ، باعث برانگیخته شدن خوی دنیاخواهی عناصر غافل و دنیاطلب بود .

قال الذین یریدون الحیوه الدنیا . .. إنّه لذو حظّ عظیم

خودنمایی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۳ - ۵

۵ - زنان ، در دوران هایی پیش از اسلام ، خودآرایی نموده و در معرض نگاه نامحرمان قرار می گرفتند .

و لاتبرّجن تبرّج الجهلیّه الأُولی

خودنمایی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۹ - ۱

۱ - اقدام قارون به خودنمایی و فخرفروشی بر قوم خویش

فخرج علی قومه فی زینته

تعبیر <علی قومه> به جای <إلی قومه>، نشان می دهد که وی با

انگیزه بزرگ نمایی و تحقیر مردم بر آنان ظاهر شده بود.

گناه خودنمایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۲

۲ - فخرفروشی و خودنمایی ، گناهی بس بزرگ در پیشگاه خداوند

فخرج علی قومه فی زینته . .. فخسفنا به و بداره الأرض

برداشت یاد شده با توجه به تفریع <خسفنا> بر <فخرج علی قومه فی زینته> به دست می آید; زیرا قارون پس از فخرفروشی و خودنمایی در میان مردم، به هلاکت رسید.

ناپسندی خودنمایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۹ - ۴

۴ - تجمل و آرایش برای خودنمایی ، فخرفروشی ، رفتاری است ناپسند و مردود .

فخرج علی قومه فی زینته

خودکشی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خودکشی

توبه با خودکشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۶ - ۵

۵ رویگردانی مردم جز گروهی اندک از توبه در صورت مشروط بودن آن به خودکشی و یا ترک خانه و کاشانه

و لو انّهم اذ ظلموا انفسهم جاؤک فاستغفروا اللّه . .. و لو انّا کتبنا ... ما فعلو

حرمت خودکشی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۹۵ – ۴

۴ – حرمت خودکشی و انتخاب طریق و روشی که به هلاکت آدمی می انجامد .

و لاتلقوا بأیدیکم إلی التهلکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۲۹ – ۸

۸ حرمت انتحار و خودکشی *

و لا تقتلوا انفسکم

خودکشی بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه

- فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۷،۹،۱۴،۱۹،۲۱

۷ - کشتن یکدیگر ، توبه تعیین شده ای برای گوساله پرستان بنی اسرائیل

فتوبوا إلی بارئکم فاقتلوا أنفسکم

حرف <فاء> در <فاقتلوا> تفسیریه است; یعنی، بیانگر این است که جمله <أقتلوا أنفسکم> تفسیر و توضیح جمله قبل (توبوا . ..) می باشد. در معنای جمله <فاقتلوا أنفسکم> دو نظر ایراد شده است. ۱ فاقتلوا بعضکم بعضاً (یکدیگر را بکشید); ۲ هر کسی خود را بکشد.

۹ - حضرت موسی (ع) با زمینه سازی فکری و روانی برای مرتدان بنی اسرائیل ، آنان را برای پذیرش و اجرای امر خدا (کشتن یکدیگر) آماده کرد .

یقوم إنکم ظلمتم أنفسکم

موسی(ع) از انتساب بنی اسرائیل به خویش با گفتن <یا قوم> (ای مردم من) در صدد تفهیم این حقیقت است که: او از روی دلسوزی آنان را به توبه دعوت می کند و از آنان می خواهد که به حکم خدا گردن نهند. تصریح به اینکه بنی اسرائیل با گوساله پرستی به خود ستم کردند نیز در راستای این معناست.

۱۴ - موسی (ع) خیر و سعادت مرتدان قومش را در توبه و کشتن یکدیگر دانست .

فاقتلوا أنفسکم ذلکم خیر لکم عند بارئکم

۱۹ - مرتد شدگان بنی اسرائیل (گوساله پرستان) پس از فرمان موسی (ع) به کشتن یکدیگر پرداختند .

فاقتلوا أنفسکم . .. فتاب علیکم

جمله <تاب علیکم> عطف بر جمله ای مقدر است; یعنی: <ففعلتم ما أمرتم به فتاب علیکم> پس آنچه را بدان موظف شدید انجام دادید و خداوند توبه شما را پذیرفت>. قابل ذکر است که ضمیر در <تاب> به قرینه

جمله بعد به <بارئکم> (خالق شما) بر می گردد.

۲۱ - داستان توبه مرتدان بنی اسرائیل و اجرای فرمان خدا مبنی بر کشتن یکدیگر ، داستانی آموزنده و درخور به خاطر داشتن

و إذ قال موسی . .. فتاب علیکم

<إذ قال . ..> عطف بر <نعمتی> در آیه ۴۷ است; یعنی: <اذکروا إذ قال ...>.

سرزنش خودکشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۵ - ۷

۷ - خودکشی ، تلاش بی ثمر در جهت رهایی از سرخوردگی و بن بست در زندگی

من کان یظنّ أن لن ینصره اللّه. .. فلیمدد بسبب الی السماء... هل یذهبنّ کیده ما یغ

ظلم خودکشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۰ - ۶

۶ خودکشی ، تجاوز و ستمگری است و موجب گرفتاری به عذاب دوزخ . *

و لا تقتلوا انفسکم . .. و من یفعل ذلک ... فسوف نُصلیه ناراً

کیفر خودکشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۰ - ۱۰

۱۰ حضور جاودانه در آتش دوزخ ، پیامد و مجازات خودکشی

فسوف نُصلیه ناراً

امام صادق (ع): من قتل نفسه متعمداً فهو فی نار جهنّم خالداً فیها قال اللّه تعالی: <و لا تقتلوا انفسکم . .. فسوف نصلیه ناراً>.

من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۷۴، ح ۲۳، ب ۱۷۹ ; تفسير برهان، ج ۱، ص ۳۶۴، ح ۱۲.

گناه خودکشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۱ - ۹

۹ انتحار و خودکشی ، از گناهان کبیره *

لا

تقتلوا انفسکم . .. ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه

موارد خودکشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۹ - ۲۰،۲۱،۲۲

۲۰ وضو و غسل در هوای سرد با وجود خطر جانی ، در حکم خودکشی است .

و لا تقتلوا انفسکم

رسول اللّه (ص) در پاسخ سؤال از وضو و غسل در هوای سرد با وجود خطر جانی فرمود: و لا تقتلوا انفسکم انّ اللّه کان بکم رحیماً.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۳۶، ح ۱۰۲ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۲، ح ۲۰۱ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۳، ح ۸.

۲۱ یورش مسلمان به تنهایی بر اجتماع دشمن مشرک و خود را در معرض کشته شدن قرار دادن ، در حکم خودکشی است .

و لا تقتلوا انفسکم

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: . .. عنی بذلک الرجل من المسلمین یشدّ علی المشرکین وحده یجیء فی منازلهم فیقتل فنهاهم اللّه عن ذلک.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۳۵، ح ۹۸ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۳، ح ۲.

۲۲ جنگیدن بدون توان و آمادگی برای پایداری ، در حکم خودکشی است .

و لا تقتلوا انفسکم

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: لا تخاطروا بنفوسکم فی القتال فتقاتلون من لا تطیقونه.

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۱۸۰ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۲، ح ۲۰۰ ; مجمع البیان، ج ۳، ص ۶۰.

خوردن از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خوردن

بت ها و خوردن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۱ - ۲

۲ - استهزای معبود های مشرکان در بتکده از سوی ابراهیم (ع) ،

با توجه به ناتوانی آنان از خوردن بود .

فراغ إلی ءالهتهم فقال ألا تأکلون

استفهام در <ألا تأکلون> برای استهزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۲ - ۳

۳ - مشرکان عصر ابراهیم ، پرستشگر معبودهایی ناتوان از خوردن و گفتوگو کردن

فقال ألا تأکلون . ما لکم لاتنطقون

تشبیه به خوردن گوشت مرده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۲ - ۱۶،۱۹

۱۶ - ریختن آبروی برادر مؤمن با غیبت ، به منزله خوردن گوشت بدن بی جان او است .

أیحبّ أحدکم أن یأکل لحم أخیه میتًا

۱۹ - تجسّس در عیب ها و کاستی های مؤمنان ، همانند غیبت به منزله خوردن گوشت آنان است . *

و لاتجسّسوا . .. أیحبّ أحدکم أن یأکل لحم أخیه میتًا

برداشت بالا بدان احتمال است که <أیحبّ. ..> تنها در جهت ترسیم قبح غیبت نباشد; بلکه علاوه بر غیبت شامل تجسّس نیز بشود.

تعبیر رؤیای خوردن پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۱ - ۳

۳ یوسف (ع) ، رؤیای حمل نان و خوردن پرندگان از آن را ، به دار کشیده شدن صاحب رؤیا و خوردن پرندگان از سر او تفسیر کرد .

و أما الأخر فيصلب فتأكل الطير من رأسه

<صلب> (مصدر يصلب) يعنی ، کشتن به طريق بستن به چوبه دار

حرمت خوردن خون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۱

۱ - خوردن مردار ، خون ، گوشت خوك و حيوانی كه به

نام غیر خدا ذبح شده ، حرام است .

إنما حرم علیکم المیته و الدم و لحم الخنزیر و ما أهل به لغیر اللّه

<اهلال> (مصدر (أهلّ) به معنای بلند کردن صداست و مقصود از آن در آیه - چنانچه اهل تفسیر برآنند - نام بردن است و لام در <لغیر اللّه> برای تعدیه می باشد. بنابراین <ما أهل به لغیر اللّه>; یعنی، حیوانی که]به هنگام ذبح[نام غیر خدا بر او برده شود.

حرمت خوردن مردار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۱

۱ - خوردن مردار ، خون ، گوشت خوک و حیوانی که به نام غیر خدا ذبح شده ، حرام است .

إنما حرم علیکم المیته و الدم و لحم الخنزیر و ما أهل به لغیر اللّه

<اهلال> (مصدر (أهلّ) به معنای بلند کردن صداست و مقصود از آن در آیه - چنانچه اهل تفسیر برآنند - نام بردن است و لام در <لغیر اللّه> برای تعدیه می باشد. بنابراین <ما أهل به لغیر اللّه>; یعنی، حیوانی که]به هنگام ذبح[نام غیر خدا بر او برده شود.

خرما خوردن مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۶ - ۱

۱- حضرت عیسی (ع) در آغاز تولد خویش ، مادرش مریم (س) را به خوردن خرمای تازه و نوشیدن از آب نهر فرا خواند .

فنادیها من تحتها . .. تحتک سریًا ... رطبًا جنیًا . فکلی واشربی

خوردن آتش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۰

۲ خوردن ظالمانه مال یتیم در واقع ، خوردن آتش است .

انّ الّذین یاکلون اموال الیتامی ظلماً انّما یاکلون فی بطونهم ناراً

خوردن از خانه برادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۳،۱۰

۳ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأکلوا من ... بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم

۱۰ - استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم .

خوردن از خانه پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۳،۱۰

۳ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأکلوا من ... بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم

۱۰ - استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأکلوا من

بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم .

خوردن از خانه خاله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۳،۱۰

۳ - نابینایـان ، لنـگ ها و مریضان ، در اسـتفاده از خوراکی های منازل پـدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأکلوا من ... بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم

۱۰ - اسـتفاده از خوراکی های منازل پـدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بـدون اذن خواسـتن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم .

خوردن از خانه خواهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۳،۱۰

۳ - نابینایـان ، لنـگ ها و مریضان ، در اسـتفاده از خوراکی های منازل پـدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأکلوا من ... بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم

۱۰ - اسـتفاده از خوراکی های منازل پـدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بـدون اذن خواسـتن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم .

خوردن از خانه خویشاوندان

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۶۱ – ۱۴،۲۲

۱۴ – استفاده از خوراکی های موجود در منازل خویشاوندان ، بدون اذن خواستن از ایشان ، از حقوق خویشاوندی است .

لیس علی الأعمی حرج . .. و لا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ...

مجاز بودن استفاده از خوراکی های منازل پدر، مادر، برادر، خواهر، عمو و. .. که از خویشاوندان محسوب می شوند و بدون هیچ اذنی از آنان، حاکی از حقی است میان آنان که باید رعایت شود.

۲۲ – مسلمانان ، در عین مجاز بودن از تناول کردن خوراکی های منازل خویشاوندان و دوستان خویش ، می توانند با هم و یا جدا از آنان و بدون اذن ، غذا میل کنند .

لیس علی الأعمی حرج . ..و لا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أ

خوردن از خانه دایی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۶۱ – ۳،۱۰

۳ – نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأکلوا من ... بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم

۱۰ – استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأکلوا من بیوتکم أو

بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم .

خوردن از خانه دوست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۴،۱۳،۱۵،۲۲،۳۹

۴ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازلی که کلید های آنها را در دست دارند و نیز از منازل دوستان خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأکلوا من بیوتکم ... أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم

۱۳ - استفاده از خوراکی های منازل دوستان ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأکلوا من بیوتکم ... أو صدیقکم

۱۵ - استفاده از خوراکی های موجود در منازل دوستان ، بدون اذن خواستن از ایشان از حقوق دوستی است .

لیس علی الأعمی حرج . .. و لا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم ... أو ما ملکتم مفات

۲۲ - مسلمانان ، در عین مجاز بودن از تناول کردن خوراکی های منازل خویشاوندان و دوستان خویش ، می توانند با هم و یا جدا از آنان و بدون اذن ، غذا میل کنند .

لیس علی الأعمی حرج . ..و لا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أ

۳۹ - < عن أبی عبدالله (ع) فی قول الله عزّوجلّ : < أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم > قال : هولاء الذین سمّی الله عزّوجلّ فی هذه الآیه تأکل بغیر إذنهم من التمر و المأدوم . . . فأمّا ما خلا ذالک من الطعام فلا ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدای عزّوجلّ <أو ما

ملکتم مفـاتحه أو صـدیقکم> فرمود: افرادی که خداونـد عزّوجل در این آیه ذکر کرده است، بـدون اجازه شان از خرما و نان خورشتشان بخورید. .. و غیر از آن، از بقیه طعام ها نمی توانید بدون اجازه بخورید>.

خوردن از خانه عمو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۶۱ – ۳،۱۰

۳ – نابینایـان ، لنـگ ها و مریضان ، در اسـتفاده از خوراکی های منازل پـدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأکلوا من ... بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم

۱۰ – اسـتفاده از خوراکی های منازل پـدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بـدون اذن خواسـتن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم .

خوردن از خانه عمه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۶۱ – ۳،۱۰

۳ – نابینایـان ، لنـگ ها و مریضان ، در اسـتفاده از خوراکی های منازل پـدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأکلوا من ... بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم

۱۰ – استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود

، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم .

خوردن از خانه فرزند

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۶۱ – ۲،۹

۲ – نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های اهل خانه خود (فرزندان و همسر) بدون هیچ اجازه ای ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج و لا علی الأعرج حرج و لا علی المریض حرج . .. أن تأکلوا من بیو

برداشت فوق، مبتنی بر این است که جمله <و لا ـ علی أنفسکم أن تـأکلوا من بیـوتکم> عطف بر جمله پیشین باشد. گفتنی است مقصود از <بیوتکم> (خانه های خود) خانه همسر و فرزندان است که از افراد خودی هر شخصی محسوب می شوند.

۹ – استفاده از خوراکی های اهل خانه خود (فرزندان و همسر) بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . .. و لا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم

خوردن از خانه مادر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۶۱ – ۳،۱۰

۳ – نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأکلوا من ... بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم

۱۰ – استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ،

عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأكلوا من بیوتكم أو بیوت ءابائكم ... أو بیوت أخوتكم .

خوردن از خانه موكل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۶۱ – ۴،۱۱،۱۲،۳۶،۳۹

۴ – نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراكی های منازلی كه كلید های آنها را در دست دارند و نیز از منازل دوستان خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأكلوا من بیوتكم ... أو ما ملكتم مفاتحه أو صدیقكم

۱۱ – استفاده از خوراكی های منازلی كه كلید های آنها در دست انسان است ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأكلوا من بیوتكم ...أو ما ملكتم مفاتحه

۱۲ – انبارداران و كسانی كه وكیل افراد در نگه داری خوردنی ها و مواد غذایی اند ، می توانند بدون اذن خواستن از صاحبان آنها ، از آن خوردنی ها تناول كنند .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأكلوا من بیوتكم ... أو ما ملكتم مفاتحه

برخی از مفسران بر آنند كه مقصود از <ما ملكتم مفاتحه> كسانی اند كه وكیل و قیم دیگران در آب ملك و حیواناتی مانند گاو، گوسفند و شتر می باشند. این افراد حق دارند بدون اذن خواستن، از خوراكی های موجود در انبارها و نیز از شیر و دیگر فراورده های حیوانات تحت حفاظت خود، به مقدار مصرف شخصی خود بهره گیرند.

۳۶ – < عن أبی عبدالله (ع

) فی قول اللّه عزّوجلّ : < أو ماملکتم مفاتحه > قال : الرجل یکون له وکیل یقوم فی ماله فیأکل بغیر إذنه ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که در باره سخن خدای عزّوجلّ <أو ما ملکتم مفاتحه> فرمود: این مانند آن است که شخص، وکیلی دارد که اداره مال او در دست وی است. او می تواند بدون اجازه صاحب مال از آن بخورد>.

۳۹ - < عن أبی عبداللّه (ع) فی قول اللّه عزّوجلّ : < أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم > قال : هولاء الذین سمّی اللّه عزّوجلّ فی هذه الآیه تأکل بغیر إذنهم من التمر و المأدوم . . . فأمّا ما خلا ذالک من الطعام فلا ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدای عزّوجلّ <أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم> فرمود: افرادی که خداوند عزّوجل در این آیه ذکر کرده است، بدون اجازه شان از خرما و نان خورشتشان بخورید. .. و غیر از آن، از بقیه طعام ها نمی توانید بدون اجازه بخورید>.

خوردن از خانه همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۲،۹

۲ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های اهل خانه خود (فرزندان و همسر) بدون هیچ اجازه ای ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج و لا علی الأعرج حرج و لا علی المریض حرج . .. أن تأکلوا من بیو

برداشت فوق، مبتنی بر این است که جمله <و لا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم> عطف بر جمله پیشین باشد.

گفتنی است مقصود از <بیوتکم> (خانه های خود) خانه همسر و فرزنـدان است که از افراد خودی هر شخصـی محسوب می شوند.

۹ – استفاده از خوراکی های اهل خانه خود (فرزندان و همسر) بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . .. و لا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم

خوردن جنین در جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۳۹ – ۱،۳،۴

۱ مشـرکان عصـر جاهلی خوردن جنین دامهای وقف شـده برای خـدا و یا بتها را در صورت زنـده بر آمدن بر مردان مجاز و بر زنان حرام می شمردند.

و قالوا ما فی بطون هذه الأنعم خالصه لذکورنا و محرم علی أزوجنا

مراد از <ازواج> به قرینه تقابل آن با <ذکور> مطلق <زن> است نه خصوص همسران

۳ مشرکان عصر جاهلی استفاده از جنین مرده حیوانات وقف شده برای خدا و یا بتها را برای زنان و مردان مجاز می شمردند.

و محرم علی أزوجنا و إن یکن میته فهم فیه شرکاء

۴ خوردن جنین مرده دام در برخی موارد از نظر مشرکان عصر جاهلی جایز بود.

و إن یکن میته فهم فیه شرکاء

خوردن خوک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۳ – ۲

۲ – به هنگام اضطرار بهره برداری از مردار ، خون ، گوشت خوک و ذبیحه ای که نام غیر خدا بر او برده شده ، حلال است .

فمن اضطر . .. فلا إثم علیه

خوردن خون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ -

۲ – ۱۷۳

۲ – به هنگام اضطرار بهره برداری از مردار ، خون ، گوشت خوک و ذبیحه ای که نام غیر خدا بر او برده شده ، حلال است .

فمن اضطر . .. فلا إثم علیه

خوردن در شبهای ماه رمضان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۸۷ – ۲۰

۲۰ – خوردن و آشامیدن در شب های رمضان تا طلوع فجر جایز است .

کلوا و اشربوا حتی یتبیّن لکم الخیط الأبیض من الخیط الأسود من الفجر

خوردن ذبیحه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۱۹ – ۱،۲

۱ برخی از مردم عصر جاهلیت خوردن گوشت حیوانی را که با نام خدا ذبح شده باشد حرام می دانستند.

و ما لکم ألا تأکلوا مما ذکر اسم الله علیه

۲ برخی از مسلمانان صدر اسلام به جهت شبهه های ایجاد شده مشرکان از خوردن ذبیحه با نام خدا خودداری می کردند.

فکلوا مما ذکر اسم الله . .. و ما لکم ألا تأکلوا

لحن عتاب گونه آیه چنین می نمایاند که بر اثر تبلیغات کافران و سخنان فریبنده آنان برخی از مسلمانان از خوردن ذبیحه حلال خودداری می کردند.

خوردن ذبیحه حرام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۱۹ – ۱۰

۱۰ در صورت اضطرار خوردن از حیوانی که هنگام ذبح نام خدا بر آن برده نشده باشد، جایز است.

و قد فصل لکم ما حرم علیکم إلا ما اضطررتم إلیه

خوردن قربانی حج

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج –

۲۲ - ۳۶ - ۱۳،۱۰

۱۰ - خوردن گوشت قربانی برای حاجیان مجاز است .

فإذا وجبت جنوبها فکلوا منها

<وجوب> (مصدر <وجبت>) به معنای سقوط و افتادن است. <جنوب> نیز جمع <جنب> و به معنای پهلو است; یعنی، وقتی شتران افتادند و به پهلو غلتیدند (جان دادند)، از گوشت آنها بخورید و به نیازمندان بخورانید. گفتنی است که عرب جاهلی، می پنداشتند قربانی مال خدایان است و کسی حق ندارد از آن استفاده کند. خداوند در این جا تذکر می دهد که این پندار، گمانی است غلط و مسلمانان نباید قربانی را به حال خود رها کنند به گمان این که اینها شعائر الهی اند و خوردن آنها هتک حرمت شعائر است; بلکه همین که قربانی جان داد، باید بخشی از آن را برای خود بردارند و بقیه را به نیازمندان بدهند.

۱۳ - منع استفاده انحصاری حاجیان از گوشت قربانی و دریغ کردن از اطعام آن به نیازمندان

فکلوا منها

با توجه به کلمه <من> معنای جمله فوق چنین است: بخشی از آن را بخورید; (نه همه اش را).

خوردن گوشت اسب در صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۱۰

۱۰- خوردن گوشت اسب ، استر و الاغ در میان مردم عصر بعثت متداول نبوده است .

و الأنعم خلقها لکم . .. و منها تأکلون ... و الخیل و البغال و الحمیر لترکبوها و

خوردن گوشت استر در صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۱۰

۱۰- خوردن گوشت اسب ، استر و الاغ در میان مردم عصر بعثت متداول

نبوده است .

و الأنعم خلقها لكم . .. و منها تأكلون ... و الخيل و البغال و الحمير لتركبوها و

خوردن گوشت الاغ در صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۸ – ۱۰

۱۰- خوردن گوشت اسب ، استر و الاغ در میان مردم عصر بعثت متداول نبوده است .

و الأنعم خلقها لكم . .. و منها تأكلون ... و الخيل و البغال و الحمير لتركبوها و

خوردن گوشت چهارپایان در صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۸ – ۹

۹- خوردن گوشت دام ها (گاو ، گوسفند و شتر) در میان مردم عصر بعثت ، امری رایج و متداول بوده است .

و الأنعم خلقها لكم . .. و منها تأكلون ... و الخيل و البغال و الحمير لتركبوها و

با توجه به اینکه در ردیف منافع انعام (گاو، شتر و گوسفند) استفاده از گوشت ه نها ذکر شده ، ولی برای اسب، استر و الاغ چنین استفاده ای بیان نگردیده و از طرفی این آیات در صدد برشمردن نعمتهاست و تا زمانی که استفاده از چیزی متداول نباشد نعمت بر آن صدق نمی کند، معلوم می شود که خوردن گوشت گاو، گوسفند و شتر متداول بوده; ولی خوردن گوشت اسب، استر و الاغ متداول نبوده است.

خوردن گوشت شتر در صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۸ – ۹

۹- خوردن گوشت دام ها (گاو ، گوسفند و شتر) در میان مردم عصر بعثت ، امری رایج

و متداول بوده است .

و الأنعم خلقها لكم . .. و منها تأكلون ... و الخيل و البغال و الحمير لتركبوها و

بـا توجه به اینکه در ردیف منافع انعام (گاو، شتر و گوسـفند) اسـتفاده از گوشت ه نها ذکر شـده ، ولی برای اسب، استر و الاغ چنین اسـتفاده ای بیـان نگردیـده و از طرفی این آیات در صـدد برشـمردن نعمتهاست و تا زمانی که اسـتفاده از چیزی متـداول نباشـد نعمت بر آن صـدق نمی کنـد، معلـوم می شـود که خـوردن گـوشت گـاو، گوسـفند و شـتر متـداول بوده; ولی خوردن گوشت اسب، استر و الاغ متداول نبوده است.

خوردن گوشت گاو در صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۹

۹- خوردن گوشت دام ها (گاو ، گوسفند و شتر) در میان مردم عصر بعثت ، امری رایج و متداول بوده است .

و الأنعم خلقها لكم . .. و منها تأكلون ... و الخيل و البغال و الحمير لتركبوها و

بـا توجه به اینکه در ردیف منافع انعام (گاو، شتر و گوسـفند) اسـتفاده از گوشت ه نها ذکر شـده ، ولی برای اسب، استر و الاغ چنین اسـتفاده ای بیـان نگردیـده و از طرفی این آیات در صـدد برشـمردن نعمتهاست و تا زمانی که اسـتفاده از چیزی متـداول نباشـد نعمت بر آن صـدق نمی کنـد، معلـوم می شـود که خـوردن گـوشت گـاو، گوسـفند و شـتر متـداول بوده; ولی خوردن گوشت اسب، استر و الاغ متداول نبوده است.

خوردن گوشت گوسفند در صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶

۹- خوردن گوشت دام ها (گاو ، گوسفند و شتر) در میان مردم عصر بعثت ، امری رایج و متداول بوده است .

و الأنعم خلقها لکم . .. و منها تأکلون ... و الخیل و البغال و الحمیر لترکبوها و

با توجه به اینکه در ردیف منافع انعام (گاو، شتر و گوسفند) استفاده از گوشت ه نها ذکر شده ، ولی برای اسب، استر و الاغ چنین استفاده ای بیان نگردیده و از طرفی این آیات در صدد برشمردن نعمتهاست و تا زمانی که استفاده از چیزی متداول نباشد نعمت بر آن صدق نمی کند، معلوم می شود که خوردن گوشت گاو، گوسفند و شتر متداول بوده; ولی خوردن گوشت اسب، استر و الاغ متداول نبوده است.

خوردن مردار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۲

۲ - به هنگام اضطرار بهره برداری از مردار ، خون ، گوشت خوک و ذبیحه ای که نام غیر خدا بر او برده شده ، حلال است .

فمن اضطر . .. فلا إثم علیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۱ - ۴،۶

۴ خوردن میته حرام است.

و لا تأکلوا مما لم یذکر اسم الله علیه

از موارد و مصادیق مسلم برای <ما لم یذکر اسم الله>، حیوانی است که خود مرده باشد.

۶ خوردن از حیوانی که با نام خدا ذبح نشده باشد، عصیانی است که شناعت آن پنهان است. *

و إن الشیطین لیوحون إلی أولیائهم

تأکید بر <فسق> بودن خوردن از حیوانی که نام خدا بر آن

برده نشده، پس از تقسیم گناهان به <ظاهر الإثم و باطنه> در آیه قبل، حکایت از آن دارد که این گناه از نوع <باطن الإثم> است.

رؤیای خوردن پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۵

۵ حمل نان بر بالای سر و خوردن پرندگان از آن ، رؤیای یکی دیگر از هم بندان یوسف (ع)

و قال الأخر إنی أرینی أحمل فوق رأسی خبزًا تأكل الطیر منه

<طیر> جمع طائر و به معنای پرندگان است.

طعام خوردن انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۰ - ۱

۱ همه پیامبران الهی در طول تاریخ ، همچون سایر مردمان ، نیازمند به تناول غذا و داد و ستد با مردم

و ما أرسلنا قبلك من المرسلین إلّا إنّهم لیأكلون الطعام و یمشون فی الأسواق

عجز از خوردن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۱ - ۲

۲ - استهزای معبود های مشرکان در بتکده از سوی ابراهیم (ع) ، با توجه به ناتوانی آنان از خوردن بود .

فراغ إلی ءالهتهم فقال ألا تأكلون

استفهام در <ألا تأكلون> برای استهزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۹۲ – ۳

۳ – مشرکان عصر ابراهیم ، پرستشگر معبودهایی ناتوان از خوردن و گفتوگو کردن

فقال ألا تأکلون . ما لکم لاتنطقون

ناپسندی خوردن مال یتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۳۸ – ۲

۲– شرک به خدا ،

پرخاش به والدین ، تبذیر ، فرزندکشی ، زنا ، قتل ناحق ، خوردن مال یتیم ، پیروی از راهی که پشتوانه علمی ندارد و مغرورانه راه رفتن ، اعمال ناپسند و منفور خداوند

کلّ ذلک کان سیّئه عند ربّک مکروهًا

خوردنیها

اجتناب از خوردنیهای حرام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۵۷ – ۲۰

۲۰ – ضرورت پرهیز از خوراکی های ناپاک و غیر طیب

کلوا من طیبت . .. و ما ظلمونا و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

احکام خوردنیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۲ – ۴،۵

۴ – اصل و قاعده اولیه در خوراکی های طیب ، حلیت است .

کلوا من طیبت ما رزقنکم

۵ – استفاده از خوراکی های خبیث (ناپاک و ناملایم با طبع) حرام است .

کلوا من طیبت ما رزقنکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۳ – ۱،۲

۱ – خوردن مردار ، خون ، گوشت خوک و حیوانی که به نام غیر خدا ذبح شده ، حرام است .

إنما حرم علیکم المیته و الدم و لحم الخنزیر و ما أهل به لغیر اللّه

<اهلال> (مصدر (أهلّ) به معنای بلند کردن صداست و مقصود از آن در آیه - چنانچه اهل تفسیر برآنند - نام بردن است و لام در <لغیر اللّه> برای تعدیه می باشد. بنابراین <ما أهل به لغیر اللّه>; یعنی، حیوانی که]به هنگام ذبح[نام غیر خدا بر او برده شود.

۲ - به هنگام اضطرار بهره برداری از مردار ، خون ، گوشت خوک و

ذبیحه ای که نام غیر خدا بر او برده شده ، حلال است .

فمن اضطر . .. فلا إثم علیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱ - ۵،۶،۷،۹،۱۴

۵ حلیت خوردن گوشت برخی از چهارپایان و سایر بهره برداری ها از آن

أحلت لکم بهیمه الانعم الا ما یتلی علیکم

<بهیمه> اسم است برای هر حیوان چهارپای صحرایی و یا دریایی (مجمع البیان). و <انعام> به گاو و شتر و گوسفند گفته می شود. (مفردات راغب). و اضافه <بهیمه> به <انعام>، اضافه بیانیه است. قابل ذکر است که چون حلیت به خود بهیمه تعلق گرفته نه به خصوص خوردن از گوشت آنها، معلوم می شود علاوه بر استفاده خوراکی، سایر بهره برداریها نیز مورد نظر می باشد.

۶ حرمت خوردن گوشت برخی از چهارپایان و سایر بهره برداری ها از آن

أحلت لکم بهیمه الانعم الا ما یتلی علیکم

۷ حرمت خوردن برخی از اجزای چهارپایان حلال گوشت

أحلت لکم بهیمه الانعم الا ما یتلی علیکم

بنابر اینکه استثنای در <الا مایتلی> نسبت به اجزای مستثنی منه باشد نه از افراد آن.

۹ خوردن گوشت و سایر بهره برداری ها از حیوانی که در حال احرام شکار شود ، حرام است .

غیر محلی الصید

بنابر اینکه <صید> به معنای اسم مفعول باشد ; یعنی حیوان شکار شده.

۱۴ حلیت خوردن گوشت برخی از چهارپایان (شتر ، گاو و گوسفند) و حرمت برخی دیگر و حرمت صید و شکار در حال احرام ، از عهد ها و پیمان های الهی با مؤمنان

اوفوا بالعقود أحلت لکم بهیمه الانعم الا ما یتلی علیکم

غیر محلی الصید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۴،۵،۷،۸،۹،۱۲،۳۵

۴ حرمت استفاده از حیوانی که طعمه و شکار درندگان شده و بمیرد .

حرمت . .. و ما اکل السبع

۵ تذکیه حیوان ، موجب حلیت آن می گردد ، اگر چه به واسطه خفگی ، زدن ، پرت شدن ، شاخ خوردن و دریده شدن توسط درندگان در آستانه مردن باشد .

حرمت . .. الا ما ذکیتم

۷ حرمت تعیین سهام گوشت حیوان ، به وسیله تیر های قمار

حرمت . .. و إن تستقسموا بالازلم

<ازلام> تیرهای مخصوصی بوده که برای قمار از آن استفاده می کردند. و استقسام چهارپایان به وسیله <ازلام>، به معنای سهم بندی آنها با تیرهای مخصوص است.

۸ حرمت استفاده از گوشتی که به وسیله تیر های قمار سهم بندی شود .

حرمت . .. و إن تستقسموا بالازلم

چون آیه شریفه درباره حیواناتی است که بهره گیری از آنها حرام است، به نظر می رسد علاوه بر حرمت سهم بندی به وسیله تیرهای قمار، دلالت بر تحریم استفاده از گوشتی که آن گونه تقسیم شده نیز داشته باشد.

۹ خوردن مردار ، خون و گوشت خوک ، بردن غیر نام خدا در ذبح ، قربانی برای بت ها و تقسیم گوشت حیوانات با قمار ، از اعمال مردم در جاهلیت

حرمت علیکم . .. و ما ذبح علی النصب و إن تستقسموا بالازلم

۱۲ قسمت بندی گوشت به حکم قمار و استفاده از آن و خوردن گوشت حیوانی که به نام غیر خدا و یا بر آستان بت ها ذبح شود ،

فسق است .

حرمت علیکم . .. و ما ذبح علی النصب و إن تستقسموا بالازلم ذلکم فسق

۳۵ استفاده از مردار ، خون ، گوشت خوک و حیوانی که نام غیر خدا به هنگام ذبح بر آن برده شود ، در حال اضطرار جایز است .

حرمت علیکم . .. فمن اضطر فی مخمصه غیر متجانف لاثم فإنّ اللّه غفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۳،۵،۱۳،۱۴،۱۵،۱۷،۱۸،۲۳،۳۱

۳ خوردن طیبات (چیز های پاکیزه و ملایم با طبع) حلال است .

قل احل لکم الطیبت

۵ خوردن خبائث ، حرام است .

احل لکم الطیبت

۱۳ خوردن شکاری که به وسیله سگ تعلیم دیده صید و کشته شده باشد ، حلال است .

فکلوا مما امسکن علیکم

بیان اوصافی برای سگان شکاری و شرایطی برای حلیت شکار آنها نشانه آن است که شکار آنها نیازی به تذکیه ندارد. برداشت فوق را فرمایش امام صادق(ع) تأیید می کند که در پاسخ از سؤال از حلیت شکاری که توسط سگ تعلیم دیده، صید و کشته شده باشد فرمود: لابأس قال اللّه عزوجل <فکلوا مما امسکن علیکم ... >.

کافی، ج ۶، ص ۲۰۲، ح ۸; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۲، ح ۴۳.

۱۴ وجود حیوانات حلال گوشت در میان حیوانات وحشی

و ما علمتم من الجوارح مکلبین تعلمونهن مما علمکم اللّه فکلوا مما امسکن

چون سگ و دیگر درندگان را برای شکار حیوانات وحشی به کار می گیرند، برداشت فوق به دست می آید.

۱۵ خوردن شکاری که به وسیله حیوانات درنده تعلیم دیده (از قبیل سگ ، شیر ، باز شکاری

و . . .) صید شود ، حلال است .

و ما علمتم من الجوارح مکلبین . .. فکلوا

کلمه <جوارح> جمع <جارحه> به هر حیوان درنـده گفته می شود. گفتنی است که اگر <مکلبین> حالی باشـد که تشبیه را افاده کنـد، نمی توانـد <جوارح> را مقیـد به خصوص سـگان شـکاری کند. مضافاً اینکه تقیید کلی به یک مصداق خاص دور از فصاحت است.

۱۷ صید درندگان شکاری در صورتی حلال است که همانند سگان شکاری تعلیم دیده ، عمل کنند .

و ما علمتم من الجوارح مکلبین . .. فکلوا مما امسکن

<مکلبین> جمع <مکلب> (تعلیم دهنـده سـگان)، حال برای فاعل <علمتم> است و معنای تشبیه را افاده می کنـد، بنابراین معنای آیه چنین می شود: شکار درندگانی که آنها را همانند سگان شکاری تعلیم داده اید، حلال است.

۱۸ صید سگ شکاری تعلیم دیده از طیبات است .

احل لکم الطیبت و ما علمتم من الجوارح

عطف <ما علمتم>، عطف خاص بر عام است.

۲۳ صـید سگ شکاری و دیگر درندگان تعلیم دیده در صورتی حلال است که از جانب صیاد روانه شکار شود ، نه سرخود و بدون فرمان .

فکلوا مما امسکن علیکم

کلمه <علیکم> جواز اسـتفاده را مشـروط به این می کند که درنده شـکاری، شکار را برای صیاد گرفته باشد نه برای خود. و این در صورتی است که حیوان شکاری به اشاره و فرمان صیاد به سوی شکار رود، نه سرخود و بدون فرمان.

۳۱ رعایت مقررات الهی در خوردنی ها و شکار حیوانات ، نشانه تقوا و پرهیزگاری است .

احل لکم الطیبت . .. و اذکروا اسم اللّه علیه و اتقوا اللّه

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵ - ۳،۴،۶،۷،۱۰،۱۵،۱۹،۳۸

۳ جواز استفاده مسلمانان از غذا های اهل کتاب

و طعام الذین اوتوا الکتب حل لکم

۴ جواز استفاده مسلمانان از ذبایح اهل کتاب *

و طعام الذین اوتوا الکتب حل لکم

از مصادیق مورد نظر برای <طعام الـذین>، به قرینه آیات گذشـته که درباره ذبـح و تذکیه حیوانات بود، می تواند ذبیحه اهل کتاب باشد.

۶ حلیت غذای مسلمانان برای اهل کتاب

و طعامکم حل لهم

۷ حلیت غذای مسلمانان برای اهل کتاب در قوانین آنان *

و طعامکم حل لهم

بنـابر اینکه جمله <طعـامکم حـل لهم> اخبـار از حکمی در شـریعت آنـان باشـد. یعنی آنـان در کتاب خود، دلیلی بر حرمت غذای شما مسلمانان ندارند.

۱۰ تغذیه و احکام آن ، مورد توجه و عنایت دین اسلام

الیوم احل لکم الطیبت . .. و طعامکم حل لهم

۱۵ حلیت طیبات و غذا های اهل کتاب و جواز ازدواج با زنان پاکدامن آنان ، امتنان خداوند بر مسلمانان

الیوم احل لکم

علاوه بر سیاق و لحن آیه، از <لام انتفاع> در <لکم>، امتنان استفاده می شود.

۱۹ اعتقاد به خدا و رسالت انبیا ، ملاک حلیت غذای اهل کتاب و حلیت ازدواج با زنان آنان

احل لکم الطیبت و طعام الذین اوتوا الکتب . .. و المحصنت من الذین اوتوا الکتب

مراد از <الـذین اتوا الکتب>، یهود و نصارا هسـتند، ولی از آنان به <اوتوا الکتاب> تعبیر شده تا به علت حکم اشاره داشـته باشد. و مشخصه اهل کتاب در بین سایر کافران، اعتقاد به خدا و رسالت پیامبران است.

۳۸ جواز استفاده از غذا های اهل کتاب مگر ذبایح

آنان

و طعام الذین اوتوا الکتب حل لکم

از امام صادق(ع) روایت شده که در رد کسی که برای حلیت ذبیحه اهل کتاب به آیه فوق تمسک کرد فرمود: کان ابی یقول: انما هو الحبوب و اشباهها.

کافی، ج ۶، ص ۲۴۰، ح ۱۰; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۳، ح ۴۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۶ - ۲،۳،۴،۵،۸،۱۰

۲ جواز خوردن حیوان های صید شده دریایی ، برای محرم و غیر محرم

احل لکم صید البحر و طعامه متعاً لکم و للسیاره

در برداشت فوق ضمیر در <طعامه> به <صید البحر> برگردانده شده است. بر این مبنا مراد از <طعام> معنای مصدری است.

۳ مسافران غیر محرم مجاز به صید حیوان های دریایی و خوردن آن

احل لکم صید البحر و طعامه متعاً لکم و للسیاره

کلمه <السیاره> به معنای جماعتی است که در حال سیر هستند که از آنان به مسافر تعبیر می شود.

۴ جواز استفاده از خوراکی های دریا برای محرم و غیر محرم

احل لکم صید البحر و طعامه متعاً لکم و للسیاره

در برداشت فوق ضمیر در <طعامه> به <البحر> برگردانده شده است بر این مبنا طعام به معنای <مایؤکل> خوراکیها است اعم از صید و غیر صید.

۵ شکار حیوان های دریایی در صورتی جایز است که به منظور بهره گیری شکار شوند نه به خاطر تفریح و امثال آن

احل لکم صید البحر و طعامه متعاً لکم و للسیاره

چنانچه متاعاً مفعول له باشد بیانگر علت تجویز صید و طعام بوده و در نتیجه حکم حلیت دائر مدار آن می باشد بنابراین شکار دریائی تنها در صورت تمتع

و بهرهوری مجاز شمرده شده است.

۸ حرمت خوردن شکار صحرایی در حال احرام هر چند شخص محرم آن را شکار نکند .

احل لکم صید البحر و طعامه . .. و حرم علیکم صید البر

در برداشت فوق کلمه <صید> به معنای اسم مفعول حیوان شکار شده گرفته شده است. و این معنا اعم از این است که خود محرم و یا شخص دیگری آن حیوان را شکار کند.

۱۰ صید حیوانات صحرایی و خوردن گوشت آنها در حال احرام بی تقوایی است .

و حرم علیکم صید البر ما دمتم حرماً و اتقوا اللّه

از مصادیق مورد نظر برای <تقوا> به قرینه <حرم علیکم . ..> پرهیز از صید در حال احرام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۹ - ۵،۶،۱۰

۵ خداوند محدوده دقیق خوردنیهای حرام را قبل از نزول آیات سوره انعام برای مردم تبیین کرده بود.

و قد فصل لکم ما حرم علیکم

<قد فصل> فعل ماضی محقق و به معنی <قد بین> است و بر وقوع حتمی فعل در گذشته دلالت دارد. بنابراین باید قبل از نزول این آیات، آیاتی در تحریم برخی خوردنیها نازل شده باشد، که ظاهراً آیه ۱۱۵ سوره نحل است.

۶ اصل در خوردنیها حلیت است.

و ما لکم ألا تأکلوا مما ذکر اسم الله علیه و قد فصل لکم ما حرم علیکم

در آیه شریفه با استناد به بیان محرمات، بقیه موارد مباح و مجاز شمرده شده است. لذا اصل در خوردنیها حلیت است، مگر آنچه حرمتش بیان شود.

۱۰ در صورت اضطرار خوردن از حیوانی که هنگام ذبح نام خدا

بر آن برده نشده باشد، جایز است.

و قد فصل لکم ما حرم علیکم إلا ما اضطررتم إلیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۱ - ۱،۲،۴

۱ خوردن ذبیحه ای که نام خدا بر آن برده نشده، حرام است.

و لا تأکلوا مما لم یذکر اسم الله علیه

۲ خوردن از ذبیحه ای که نام خدا بر آن برده نشده، فسق (خروج از طاعت خداوند) است.

و لا تأکلوا مما لم یذکر اسم الله علیه و إنه لفسق

مرجع ضمیر <إنه>، <أکل> می تواند باشد که از جمله <لا تأکلوا> گرفته شده است.

۴ خوردن میته حرام است.

و لا تأکلوا مما لم یذکر اسم الله علیه

از موارد و مصادیق مسلم برای <ما لم یذکر اسم الله>، حیوانی است که خود مرده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ - ۹

۹ جواز استفاده از انواع میوه ها و محصولات کشاورزی برای انسان

کلوا من ثمره إذا أثمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۲

۲ جواز خوردن گوشت چهارپایان (شتر، گاو، گوسفند)

و من الأنعم . .. کلوا مما رزقکم الله

<أنعام> جمع <نعم> به شتر، گاو و گوسفند، اطلاق می شود. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳ - ۲،۵

۲ حليت خوردن از بز و گوسفند نر و ماده و جنين آنها

من الضأن . .. قل ءالذكرين حرم أم الأنثيين أما اشتملت عليه أرحام الأنثيين

۵ اصل در مأكولات حليت و اثبات

حرمت آن نیازمند ارائه دلیل علم آور است.

قل ءالذکرین حرم . .. نبئونی بعلم إن کنتم صدقین

چون خداونـد در آیه شـریفه دلیل تحریمهای بیجا را جویا شـده است، آن هم دلیلی که <علمی> باشـد، چنین بر می آید که حلیت نیازمند دلیل نیست، آنچه محتاج دلیل است تحریم می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۲

۲ استفاده از گوشت شتر و گاو نر و ماده و جنین آنها حلال است.

و من الإبل اثنین . .. قل ءالذکرین حرم أم الأنثیین أما اشتملت علیه أرحام الأنثیین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۱۸،۱۶،۱۵،۷،۶،۴

۴ همگان (زن و مرد و . ..) در حلیت بهرهوری از خوردنیهای حلال برابرند.

قل لا أجد . .. طاعم یطعمه

تعبیر <طاعم یطعمه> ظاهراً ردی است بر تبعیض مشرکان بین زن و مرد در بهره برداری از برخی چهارپایان که در آیات قبل به آن اشاره شد. (و محرم علی أزواجنا.)

۶ خوردن گوشت مردار، خوک، خون و حیوانی که هنگام ذبح نام خدا بر آن برده نشده، حرام است.

إلا أن یکون میته أو دما مسفوحا أو لحم خنزیر فإنه رجس أو فسقا أهل لغیر اللّه به

۷ ممنوعیت بهره گیری از مردار، خون و خوک، منحصر به خوردن آنهاست. *

محرما علی طاعم یطعمه إلا أن یکون میته

۱۵ اضطرار، مجوز خوردن غذاهای حرام به مقدار رفع ناچاری

فمن اضطر غیر باغ و لاعاد

<عاد> از <عدو> به معنی تجاوز است. بنابراین مراد از <لاعاد> در آیه شریفه می تواند <لاعاد من حد

الإضطرار> باشد.

۱۶ خوردن خون، گوشت مردار، خوک و حیوان تذکیه نشده بر مضطر جایز است.

إلا أن یکون میته أو دما . .. فمن اضطر ... فإن ربک غفور رحیم

۱۸ کسی که با اراده و خواست خود، خویش را به اضطرار بیندازد، حکم مضطر را ندارد و خوردنیهای حرام بر او حلال نمی شود.

فمن اضطر غیر باغ و لاعاد

<باغ> از <بغی> به معنای طلب است <و غیر باغ>، به قرینه جملات قبل، یعنی <غیر طالب للإضطرار>. بنابراین کسی که خود را مضطر کند، مشمول حکم آیه نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۶ - ۱،۳

۱ خداوند خوردن گوشت حیوانات دارای ناخن (چنگال) را بر یهود حرام کرده بود.

و علی الذین هادوا حرمنا کل ذی ظفر

۳ خوردن دنبه و پیه گاو و گوسفند بر یهود، جز آنچه بر پشت و چسبیده بر روده و استخوان بوده، حرام بوده است.

و من البقر و الغنم حرمنا علیهم شحومهما إلا ما حملت

<شحم> به معنی چربی و پیه است و <ظهر> یعنی پشت و <حوایا>، جمع <حویه>، به معنی روده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۱ - ۵

۵ اسراف و زیاده روی در بهره گیری از خوردنیها و آشامیدنیها، امری حرام برای تمامی انسانها

کلوا و اشربوا و لاتسرفوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۹

۹ جواز استفاده مؤمن و کافر از زیباییها و روزیهای پاکیزه خدا در دنیا

قل هی للذین ءامنوا فی الحیوه الدنیا خالصه یوم

القیمه

کلمه <خالصه> حال است برای <هی> و <یوم القیامه> متعلق به آن می باشد. ذکر نشدن این کلمه در مورد <الحیاه الدنیا> حاکی از انحصاری نبودن مواهب دنیا برای مؤمنان است. یعنی: قل هی للذین آمنوا و لغیر هم فی الحیاه الدنیا و لهم خالصه یوم القیامه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۶ - ۱۱

۱۱ جواز بهرهوری مؤمنان از هر روزی طیب و پاکیزه

و رزقکم من الطیبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۹ - ۱

۱ غنیمت های به دست آمده از دشمنان دین ، حلال و بهرهوری از آنها جایز است .

فلکوا مما غنمتم حللا طیبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۴ - ۱۴

۱۴- ملاک و معیار خوردنی های مجاز ، مطابق با طبع و ذائقه طبیعی انسان و حلال شرعی بودن است .

فکلوا ممّا رزقکم الله حللاً طیبًا

برداشت فوق، بر این اساس است که آیه شریفه به قرینه آیه بعد (إنما حرّم علیکم المیته . ..) درصدد بیان قلمرو خوردنیهای مجاز و غیر مجاز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۵ - ۱،۲،۳

۱- خوردن مردار ، خون و گوشت خوک ، حرام است .

حرّم علیکم المیته و الدم و لحم الخنزیر

۲- خوردن گوشت حیوانی که به هنگام ذبح ، نام غیر خدا بر آن برده شود ، حرام است .

حرّم علیکم . .. ما أهلّ لغیر الله به

برداشت فوق، بنابراین مبناست که مراد از

<ما أهلّ . ..> بر زبان آوردن نام غير خدا مانند بت ، به هنگام ذبح حيوانات باشد.

۳- حرمت خوردن گوشت حيوان قربانى شده براى غير خدا

حرّم عليكم . .. ما أهلّ لغير الله به

برداشت فوق، بنابراين نكته است كه مراد از <ما أهلّ . ..> قربانيهايى باشد كه مشركان براى بتها انجام مى دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۵

۱۵ - شتر ، گاو و گوسفند ، چهارپايانى حلال گوشت

على ما رزقهم من بهيمه الأنعم فكلوا منها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۸،۹،۱۱

۸ - شتر ، گاو و گوسفند ، چهار پايانى حلال گوشت

و أُحلّت لكم الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معناى شتر است. بنابراين <أنعام>; يعنى، شتران لكن گاهى <أنعام>; گفته مى شود و از آن مجموع شتر، گاو و گوسفند اراده مى شود. مقصود از <أنعام>در جمله فوق استعمال دوم است. گفتنى است كه جمله <أحلت لكم الأنعام> به تقدير <أحلت لكم أكل لحوم الأنعام> مى باشد; يعنى، براى شما خوردن گوشت شتر، گاو و گوسفند حلال شده است.

۹ - استفاده از گوشت شتر ، گاو و گوسفند ، به جز در مواردى كه از سوى خدا تحريم شده ، حلال و جايز است .

و أُحلّت لكم الأنعم إلاّ ما يتلى عليكم

۱۱ - استفاده از گوشت حيوانى كه با نام غير خدا ذبح شده باشد حرام است .

و أُحلّت لكم الأنعم إلاّ ما يتلى عليكم

كلمه <ما> در <إلاّ ما يتلى عليكم> هر چند كه عام است و شامل

همه مواردی می شود که در آیات <محرمات أکل> بیان شده است; لکن به قرینه جمله <و یذکروا اسم اللّه. .. علی ما رزقهم من بهیمه الأنعام> در دو آیه پیشین، و نیز تفریع جمله <فاجتنبوا الرجس من الأوثان...> (ذیل آیه) بر جمله <أحلت لکم الأنعام إلاّ ما یتلی علیکم>، می توان گفت که مراد از <ما> خصوص موردی است که حیوانی با نام غیر خدا (بت ها)، ذبح شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۲،۳،۴،۹،۱۰،۱۱،۱۲،۱۳،۲۲

۲ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های اهل خانه خود (فرزندان و همسر) بدون هیچ اجازه ای ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج و لا علی الأعرج حرج و لا علی المریض حرج . .. أن تأکلوا من بیو

برداشت فوق، مبتنی بر این است که جمله <و لا ـ علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم> عطف بر جمله پیشین باشد. گفتنی است مقصود از <بیوتکم> (خانه های خود) خانه همسر و فرزندان است که از افراد خودی هر شخصی محسوب می شوند.

۳ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأکلوا من ... بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم

۴ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازلی که کلید های آنها را در دست دارند و نیز از منازل

دوستان خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأكلوا من بیوتكم ... أو ما ملكتم مفاتحه أو صدیقكم

۹ - استفاده از خوراكی های اهل خانه خود (فرزندان و همسر) بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . .. و لا علی أنفسكم أن تأكلوا من بیوتكم

۱۰ - استفاده از خوراكی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأكلوا من بیوتكم أو بیوت ءابائكم ... أو بیوت أخوتكم .

۱۱ - استفاده از خوراكی های منازلی كه كلید های آنها در دست انسان است ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأكلوا من بیوتكم ...أو ما ملكتم مفاتحه

۱۲ - انبارداران و كسانی كه وكیل افراد در نگه داری خوردنی ها و مواد غذایی اند ، می توانند بدون اذن خواستن از صاحبان آنها ، از آن خوردنی ها تناول كنند .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأكلوا من بیوتكم ... أو ما ملكتم مفاتحه

برخی از مفسران بر آنند كه مقصود از <ما ملكتم مفاتحه> كسانی اند كه وكیل و قیم دیگران در آب ملك و حیواناتی مانند گاو، گوسفند و شتر می باشند. این افراد حق دارند بدون اذن خواستن، از خوراكی های موجود در انبارها و نیز از شیر و دیگر فراورده های حیوانات تحت حفاظت خود، به مقدار مصرف شخصی خود بهره گیرند.

۱۳ - استفاده از خوراكی های منازل دوستان

، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأکلوا من بیوتکم ... أو صدیقکم

۲۲ - مسلمانان ، در عین مجاز بودن از تناول کردن خوراکی های منازل خویشاوندان و دوستان خویش ، می توانند با هم و یا جدا از آنان و بدون اذن ، غذا میل کنند .

لیس علی الأعمی حرج . ..و لا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۲ - ۶

۶ - بخش زیادی از اجزای بدن شتر ، گاو و گوسفند قابل خوردن است ; نه همه آنها .

و منها یأکلون

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که <من> در <منها> برای تبعیض و ناظر به بعضیت در اجزاء باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۹ - ۵

۵ - جواز خوردن گوشت شتر ، گاو و گوسفند

الأنعم . .. و منها تأکلون

استفاده از خوردنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۳ - ۶

۶ توهم حرمت بهره گیری مؤمنان از انواع خوراکی ها و نوشیدنی ها و گمان ناسازگاری آن با مراحل تقوا و ایمان ، توهم و گمانی واهی و نادرست .

لیس علی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فیما طعموا

برداشت فوق بر این اساس است که آیه مورد بحث تکمیل و توضیحی برای آیه ۸۷ از همین سوره باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۱ -

۴ جواز بهره گیری از خوردنیها و نوشیدنیها تا آنجا که به اسراف نینجامد.

کلوا و اشربوا و لاتسرفوا

اسراف در خوردنیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۳۱ – ۵۸

۵ اسراف و زیاده روی در بهره گیری از خوردنیها و آشامیدنیها، امری حرام برای تمامی انسانها

کلوا و اشربوا و لاتسرفوا

۸ زیاده روی در زینت دادن خویش، و اسراف در خوردن و آشامیدن، موجب محرومیت از محبت خداوند است.

خذوا زینتکم . .. و لاتسرفوا إنه لایحب المسرفین

امتحان با خوردنیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۷۱ – ۱۴

۱۴ – خوردن ، آشامیدن ، تجمل ، زیبایی ، داشتن همدم و همراهانی موافق ، از مهم ترین جاذبه و دلبستگی های انسان و وسیله آزمون او

یطاف علیهم بصحاف . .. و فیها ما تشتهیه الأنفس

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: الف) موارد بالا در این آیات بیان شده و تخصیص به ذکر یافته است. ب) خداوند به اهل تقوا نوید داده است که اگر در این زمینه ها کنترل و تقوا داشته باشند و از حدود الهی نگذرند، در بهشت به همه آنها دست خواهند یافت.

بهترین خوردنیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۶۷ – ۷

۷- فرآورده های درختان خرما و انگور ، از بهترین و سالم ترین فرآورده های خوراکی و نوشیدنی برای انسان

نسقیکم ممّا . .. و من ثمرت النخیل و الأعنب تتّخذون منه سکرًا و رزقًا حسنًا

اختصاص به ذکر یافتن فرآورده های

درختان خرما و انگور، از میان مجموعه خوراکیها و نوشیدنیها، می تواند حاکی از نکته یاد شده باشد.

پاکیزگی خوردنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۴

۴ پاکیزگی و سازگاری خوردنی ها با طبع ، ملاکی در حلیت آنها

احل لکم الطیبت

تبیین احکام خوردنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۱۶

۱۶ بیان احکام خوراکیها، نوشیدنیها، زینتها و تعیین حد و مرز حلیت آنها، نمونه ای از تبیین احکام و آیات الهی از سوی خداوند است.

خذوا زینتکم عند کل مسجد و کلوا و اشربوا و لاتسرفوا . .. کذلک نفصل الأیت

تحریم خوردنیهای مباح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۹ - ۱

۱ برخی از مردم عصر جاهلیت خوردن گوشت حیوانی را که با نام خدا ذبح شده باشد حرام می دانستند.

و ما لکم ألا تأکلوا مما ذکر اسم الله علیه

تشریع احکام خوردنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۹ - ۵

۵ خداوند محدوده دقیق خوردنیهای حرام را قبل از نزول آیات سوره انعام برای مردم تبیین کرده بود.

و قد فصل لکم ما حرم علیکم

<قد فصل> فعل ماضی محقق و به معنی <قد بین> است و بر وقوع حتمی فعل در گذشته دلالت دارد. بنابراین باید قبل از نزول این آیات، آیاتی در تحریم برخی خوردنیها نازل شده باشد، که ظاهراً آیه ۱۱۵ سوره نحل است.

تکرار نزول آیات خوردنیهای حرام

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۱۰

۱۰ - نزول آیات متعدد درباره خوردنی های حرام و بیان مکرر آنها برای مردم از سوی خداوند

و أُحلّت لكم الأنعم إلاّ ما يتلى عليكم

برخی از مفسران برآنند که <یتلی> برای زمان استقبال است; یعنی، <گوشت چهارپایانی مانند شتر، گاو و گوسفند برای شما حلال است مگر آنچه را که در آینده برای شما بیان خواهد شد>. بنابراین کلمه <یتلی> اشاره دارد به آیه ۳ سوره <مائده> است که: <حرّمت علیکم المیته والدم ولحم الخنزیر و...> که بعد از آیه مورد بحث، نازل شده است. برخی دیگر از مفسران نیز برآنند که کلمه <یتلی> مضارع استمراری است و اشاره به آیاتی دارد که پیش از آن در مکه (آیه ۱۴۵ سوره انعام و آیه ۱۱۵ سوره نحل) و در مدینه پس از گذشت شش ماه از هجرت (آیه ۱۷۳ سوره بقره) نازل شده است. برداشت یاد شده، بر پایه دیدگاه دوم است.

حلیت خوردنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۶

۶ حلیت، قانون اولی و اصل کلی در بهره گیری از زینتها، خوراکیها و نوشیدنیهاست.

قل من حرم زينه الله التى أخرج لعباده

استفهام انکاری در <من حرم . ..> دلالت می کند بر این که اگر دلیلی برای حرمت اشیای ذکر شده یافت نشد، باید آنها را حلال دانست و منتظر دلیل خاص نبود، و این معنای اصل کلی و قانون اولی است.

خوردنی سلوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۶

۶ -

خداوند ، بر بنی اسرائیل زمان موسی (ع) ، خوردنی های < منّ > (ترنجبین) و < سلوی > (بلدرچین) نازل کرد .

و نزّلنا علیکم المنّ والسلوی

<منّ> قطراتی است که از آسمان بر درخت ها و سنگ ها می نشیند و به صورت عسل در می آید. طعم آن شیرین است و مانند شیره درخت خشک می شود (قاموس). برخی از مفسران آن را ترنجبین معنا کرده اند. <سلوی>، پرنده ای است شبیه کبوتر با پا و گردنی درازتر که حرکتی سریع دارد و رنگ آن شبیه رنگ بلدرچین است (مصباح). برخی آن را همان بلدرچین می دانند.

خوردنی من

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۶

۶ - خداوند ، بر بنی اسرائیل زمان موسی (ع) ، خوردنی های < منّ > (ترنجبین) و < سلوی > (بلدرچین) نازل کرد .

و نزّلنا علیکم المنّ والسلوی

<منّ> قطراتی است که از آسمان بر درخت ها و سنگ ها می نشیند و به صورت عسل در می آید. طعم آن شیرین است و مانند شیره درخت خشک می شود (قاموس). برخی از مفسران آن را ترنجبین معنا کرده اند. <سلوی>، پرنده ای است شبیه کبوتر با پا و گردنی درازتر که حرکتی سریع دارد و رنگ آن شبیه رنگ بلدرچین است (مصباح). برخی آن را همان بلدرچین می دانند.

خوردنیهای حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱ - ۶،۷،۹

۶ حرمت خوردن گوشت برخی از چهارپایان و

سایر بهره برداری ها از آن

أحلت لکم بهیمه الانعم الا ما یتلی علیکم

۷ حرمت خوردن برخی از اجزای چهارپایان حلال گوشت

أحلت لکم بهیمه الانعم الا ما یتلی علیکم

بنابر اینکه استثنای در <الا مایتلی> نسبت به اجزای مستثنی منه باشد نه از افراد آن.

۹ خوردن گوشت و سایر بهره برداری ها از حیوانی که در حال احرام شکار شود ، حرام است .

غیر محلی الصید

بنابر اینکه <صید> به معنای اسم مفعول باشد ; یعنی حیوان شکار شده.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۶ - ۸

۸ حرمت خوردن شکار صحرایی در حال احرام هر چند شخص محرم آن را شکار نکند .

احل لکم صید البحر و طعامه . .. و حرم علیکم صید البر

در برداشت فوق کلمه <صید> به معنای اسم مفعول حیوان شکار شده گرفته شده است. و این معنا اعم از این است که خود محرم و یا شخص دیگری آن حیوان را شکار کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۹ - ۵

۵ خداوند محدوده دقیق خوردنیهای حرام را قبل از نزول آیات سوره انعام برای مردم تبیین کرده بود.

و قد فصل لکم ما حرم علیکم

<قد فصل> فعل ماضی محقق و به معنی <قد بین> است و بر وقوع حتمی فعل در گذشته دلالت دارد. بنابراین باید قبل از نزول این آیات، آیاتی در تحریم برخی خوردنیها نازل شده باشد، که ظاهراً آیه ۱۱۵ سوره نحل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - ۱۲۱

۴ خوردن میته حرام است.

و لا تأكلوا مما لم يذكر اسم الله عليه

از موارد و مصاديق مسلم براى <ما لم يذكر اسم الله>، حيوانى است كه خود مرده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۶

۶ خوردن گوشت مردار، خوك، خون و حيوانى كه هنگام ذبح نام خدا بر آن برده نشده، حرام است.

إلا أن يكون ميته أو دما مسفوحا أو لحم خنزير فإنه رجس أو فسقا أهل لغير اللّه به

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۵ - ۱،۲،۳

۱- خوردن مردار ، خون و گوشت خوك ، حرام است .

حرّم عليكم الميته و الدم و لحم الخنزير

۲- خوردن گوشت حيوانى كه به هنگام ذبح ، نام غير خدا بر آن برده شود ، حرام است .

حرّم عليكم . .. ما أهلّ لغير الله به

برداشت فوق، بنابراين مبناست كه مراد از <ما أهلّ . ..> بر زبان آوردن نام غير خدا مانند بت ، به هنگام ذبح حيوانات باشد.

۳- حرمت خوردن گوشت حيوان قربانى شده براى غير خدا

حرّم عليكم . .. ما أهلّ لغير الله به

برداشت فوق، بنابراين نكته است كه مراد از <ما أهلّ . ..> قربانيهايى باشد كه مشركان براى بتها انجام مى دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۸ - ۶

۶- یکسانی محرمات اصلی خوردنی ها ، در همه شریعت های آسمانی

و علی الذین هادوا حرّمنا . .. و ما ظلمنهم و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

چنان که از ارتباط این

آیه با آیه قبل استفاده می شود، آیه شریفه در مقام پاسخ به سؤالی مقدر است که چرا یهودیان به تکالیف فزون تر مکلف شده اند; ولی در مقام بیان نگفته است که هر شریعتی تکلیف خاص به خود را دارد; بلکه یکسانی تکالیف را پذیرفته و بر اساس آن، عملکرد ظالمانه خود یهود را دلیل حرام شدن برخی از حلالها شمرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۱۱

۱۱ - استفاده از گوشت حیوانی که با نام غیر خدا ذبح شده باشد حرام است .

و أُحلّت لكم الأنعم إلاّ ما يتلى عليكم

کلمه <ما> در <إلاّ ما یتلی علیکم> هر چند که عام است و شامل همه مواردی می شود که در آیات <محرمات أکل> بیان شده است; لکن به قرینه جمله <و یذکروا اسم اللّه. .. علی ما رزقهم من بهیمه الأنعام> در دو آیه پیشین، و نیز تفریع جمله <فاجتنبوا الرجس من الأوثان...> (ذیل آیه) بر جمله <أحلت لکم الأنعام إلاّ ما یتلی علیکم>، می توان گفت که مراد از <ما> خصوص موردی است که حیوانی با نام غیر خدا (بت ها)، ذبح شده باشد.

خوردنیهای حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۱

۱ پرسش مکرر مردم از پیامبر (ص) ، درباره خوردنیهایی که بر آنان حلال است .

يسئلونک ماذا احل لهم قل احل لکم الطيبت

فرازهای بعدی آیه همانند <فکلوا>، نشان می دهد که سؤال درباره خوردنیهای حلال بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ -

مائده – ۵ – ۹۶ – ۵

۵ شکار حیوان های دریایی در صورتی جایز است که به منظور بهره گیری شکار شوند نه به خاطر تفریح و امثال آن

احل لکم صید البحر و طعامه متعاً لکم و للسیاره

چنانچه متاعاً مفعول له باشد بیانگر علت تجویز صید و طعام بوده و در نتیجه حکم حلیت دائر مدار آن می باشد بنابراین شکار دریائی تنها در صورت تمتع و بهرهوری مجاز شمرده شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۱۸ – ۲

۲ خوردن ذبیحه ای که هنگام ذبح نام خدا بر آن برده شده، مجاز است.

فکلوا مما ذکر اسم الله علیه إن کنتم بأیته مؤمنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۴۲ – ۲

۲ جواز خوردن گوشت چهارپایان (شتر، گاو، گوسفند)

و من الأنعم . .. کلوا مما رزقکم الله

<أنعام> جمع <نعم> به شتر، گاو و گوسفند، اطلاق می شود. (لسان العرب).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۴۳ – ۲

۲ حلیت خوردن از بز و گوسفند نر و ماده و جنین آنها

من الضأن . .. قل ءالذکرین حرم أم الأنثیین أما اشتملت علیه أرحام الأنثیین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۴۴ – ۲

۲ استفاده از گوشت شتر و گاو نر و ماده و جنین آنها حلال است.

و من الإبل اثنین . .. قل ءالذکرین حرم أم الأنثیین أما اشتملت علیه أرحام الأنثیین

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۱۵ – ۵

۵- اصل و قاعده اولیه در تمام خوراکی ها ، حلال بودن آنهاست .

فکلوا . .. حللاً طیبًا ... إنما حرّم علیکم المیته ... و ما أهلّ لغیر الله به

اطلاق <کلوا> و حصر مستفاد از <إنما حرم> مفید مطلب فوق است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۲۸ – ۱۵

۱۵ – شتر ، گاو و گوسفند ، چهارپایانی حلال گوشت

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم فکلوا منها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۳۰ – ۸

۸ – شتر ، گاو و گوسفند ، چهار پایانی حلال گوشت

و أُحلّت لکم الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتر است. بنابراین <أنعام>; یعنی، شتران لکن گاهی <أنعام>; گفته می شود و از آن مجموع شتر، گاو و گوسفند اراده می شود. مقصود از <أنعام>در جمله فوق استعمال دوم است. گفتنی است که جمله <أحلت لکم الأنعام> به تقدیر <أحلت لکم أکل لحوم الأنعام> می باشد; یعنی، برای شما خوردن گوشت شتر، گاو و گوسفند حلال شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۷۲ – ۶

۶ – بخش زیادی از اجزای بدن شتر ، گاو و گوسفند قابل خوردن است ; نه همه آنها .

و منها یأکلون

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که <من> در <منها> برای تبعیض و ناظر به بعضیت در اجزاء باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۳ -

۱ – شتر ، گاو و گوسفند علاوه بر خوردن و سوار شدن دارای منافع بسیار و انواع سود ها برای بشر است .

فمنها رکوبهم و منها یأکلون . و لهم فیها منفع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۷۹ – ۵

۵ – جواز خوردن گوشت شتر ، گاو و گوسفند

الأنعم . .. و منها تأکلون

خوردنیهای خبیث

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۲ – ۵

۵ – استفاده از خوراکی های خبیث (ناپاك و ناملایم با طبع) حرام است .

کلوا من طیبت ما رزقنکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۳ – ۳

۳ – مردار ، خون ، گوشت خوك و حیوانی که برای بت ها ذبح شود ، یا به نام غیر خدا سر بریده شود ، از خوراکی های خبیث و پلید هستند .

کلوا من طیبت . .. إنما حرم علیکم المیته ... و ما أهل به لغیر اللّه

خوردنیهای سالم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۶۷ – ۷

۷- فرآورده های درختان خرما و انگور ، از بهترین و سالم ترین فرآورده های خوراکی و نوشیدنی برای انسان

نسقیکم ممّا . .. و من ثمرت النخیل و الأعنب تتّخذون منه سکرًا و رزقًا حسنًا

اختصاص به ذکر یافتن فرآورده های درختان خرما و انگور، از میان مجموعه خوراکیها و نوشیدنیها، می تواند حاکی از نکته یاد شده باشد.

خوردنیهای طیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۶۸ – ۳

۳ – پاکیزه و موافق طبع بودن و حلیت ، دو شرط اساسی در توصیه خداوند به خوردن و بهره برداری از فراورده های زمین

کلوا مما فی الأرض حللا طیباً

در برداشت فوق <حلالـ> و <طیباً> حال برای <ما> گرفته شده است. کلمه <طیب> - چنانچه از موارد استعمال به دست می آید - معادل کلمه <خوب> در فارسی است و لذا در هر جمله ای، مناسب حکمی که در آن جمله مطرح است، تفسیر می شود.

خوردنیهای مباح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۴ – ۴

۴– استفاده از مظاهر طبیعت ، برای خوراک ، پوشاک و زیورآلات مباح است .

لتأکلوا منه لحمًا طریًّا و تستخرجوا منه حلیه تلبسونها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۱۲ – ۹

۹ – استفاده از مظاهر طبیعت ، برای خوراک ، پوشاک و زیور آلات ، مجاز و روا است .

و من کلٍّ تأکلون لحمًا طریًّا و تستخرجون حلیه تلبسونها

درخواست خوردنی گیاهی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۶۱ – ۵،۶

۵ – بنی اسرائیل ، از موسی (ع) خواستند تا برای رسیدن به خوراکی های گیاهی به درگاه خدا دعا کند .

فادع لنا ربک یخرج لنا مما تنبت الأرض

۶ – قوم موسی ، خواهان خوراکی های گیاهی و روییده شده از زمین بودند .

فادع لنا ربک یخرج لنا مما تنبت الأرض من بقلها و . .. بصلها

عبارت <مما تنبت الأرض> (آنچه از زمین

برویانـدش) دلالت بر این دارد که: قوم موسـی، خوراکیهایی را طلب می کردنـد که گیاهی بوده و محصول زمین باشد. اضافه شـدن کلمـات <بقـل> و <بصـل> به ضـمیر <هـا> - که به <الأـرض> بر می گردد - (سبزیجات زمین و ... پیاز زمین)، بیانگر تأکید آنان بر زمینی بودن خوراکیهای درخواستی است.

شرایط استفاده از خوردنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۸ - ۳

۳ - پاکیزه و موافق طبع بودن و حلیت ، دو شرط اساسی در توصیه خداوند به خوردن و بهره برداری از فراورده های زمین

کلوا مما فی الأرض حللا طیباً

در برداشت فوق <حلالـ> و <طیباً> حـال برای <مـا> گرفته شـده است. کلمه <طیب> - چنـانچه از موارد اسـتعمال به دست می آیـد - معادل کلمه <خوب> در فارسـی است و لـذا در هر جمله ای، مناسب حکمی که در آن جمله مطرح است، تفسیر می شود.

شرایط حلیت خوردنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۴ - ۱۴

۱۴- ملاک و معیار خوردنی های مجاز ، مطابق با طبع و ذائقه طبیعی انسان و حلال شرعی بودن است .

فکلوا ممّا رزقکم الله حللاً طیّبًا

برداشت فوق، بر این اسـاس است که آیه شـریفه به قرینه آیه بعـد (إنمـا حرّم علیکم المیته . ..) درصـدد بیان قلمرو خوردنیهای مجاز و غیر مجاز است.

علاقه به خوردنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۱ - ۱۴

۱۴ - خوردن ، آشامیدن ، تجمل ، زیبایی ، داشتن همدم و همراهانی

موافق ، از مهم ترین جاذبه و دلبستگی های انسان و وسیله آزمون او

یطاف علیهم بصحاف . .. و فیها ما تشتهیه الأنفس

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: الف) موارد بالا در این آیات بیان شده و تخصیص به ذکر یافته است. ب) خداوند به اهل تقوا نوید داده است که اگر در این زمینه ها کنترل و تقوا داشته باشند و از حدود الهی نگذرند، در بهشت به همه آنها دست خواهند یافت.

نعمت خوردنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۱ - ۴

۴ - خوردنی ها ، رزق و عطیه الهی است .

کلوا من طیّبت ما رزقنکم

نقش خوردنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۱ - ۱۵

۱۵ - وجود زمینه های خطرناک برای طغیان گری ، در خوردنی ها

کلوا . .. و لاتطغوا فیه

ضمیر در <فیه> ممکن است به مصدر برگرفته شده از فعل <کلوا> (یعنی <أکل>) بازگردد و ممکن است <ما> در <ما رزقناکم> به اعتبار ارتباط با فعل <کلوا> مرجع ضمیر باشد. در هر صورت می توان به برداشت یاد شده دست یافت.

خورشید از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خورشید

{خورشید}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۵۸ – ۱۴

۱۴ طلوع دائمی خورشید از مشرق ، جلوه ای از قدرت الهی و نشانه ربوبیّت او

حاجّ ابرهیم فی ربّه . .. فان اللّه یأتی بالشمس من المشرق

آثار مطالعه در خورشید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۱۳ – ۳

۳

– مطالعه در ویژگی های خورشید و فواید آن برای انسان ، زمینه ساز پی بردن به قدرت خداوند و پذیرش معاد است .

عمّ یتساءلون . .. ألم نجعل ... و جعلنا سراجًا وهّاجًا

آثار نور خورشید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – شمس – ۹۱ – ۲ – ۳

۳ – نور ماه ، تابع نور خورشید است . *

و القمر إذا تلیها

جانشین بودن ماه برای خورشید و نه عکس آن، بیانگر فرع بودن نور ماه است.

استفاده از خورشید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۲ – ۲،۶

۲– رام و مسخر بودن خورشید ، ماه ، شب و روز از نعمت های الهی و در جهت بهره برداری انسان است .

و سخّر لکم الّیل و النهار و الشمس و القمر

۶– بهره بردن آدمی از شب ، روز ، ماه و خورشید متفاوت با بهره بردن او از ستارگان است .

سخّر لکم . .. الشمس ... و النجوم مسخّرت بأمره

با توجه به اینکه خداوند در رابطه با تسخیر شب، روز، ماه و خورشید لفظ <سخّر لکم> را به کار برد، ولی برای تسخیر ستارگان لفظ <مسخّرات بأمره> را بدون لفظ <لکم> آورد، مطلب فوق به دست می آید.

انقیاد خورشید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۲ – ۵،۱۵

۵ خورشید و ماه مقهور خدا و رام فرمان اویند .

سخر الشمس و القمر

<تسخیر> (مصدر سخّر) به معنای رام کردن و غلبه یافتن است.

۱۵ نظام هستی (برافراشته بودن آسمانها ، رام بودن خورشید و ماه به

فرمان خدا و حرکت آنها) دلیل و آیتی بر ربوبیت خداوند

الله الذی رفع السموت . .. لعلکم بلقاء ربکم توقنون

چون خداوند در ابتدای آیه با جمله <الله الذی . ..> توصیف و معرفی شد، ظاهر آن بود که در جمله <لعلکم ...> نیز <لعلکم بلقاء الله> آورده شود. این تعویض ; یعنی، آوردن <ربکم> به جای <الله> می رساند که مقصود اصلی از توصیف <الله> به ویژگیهای یاد شده، اثبات ربوبیّت اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۸ - ۱

۱ - سجده (خضوع و انقیاد) اهل آسمان و زمین و نیز خورشید ، ماه ، ستارگان ، کوه ها ، درختان و جنبندگان برای خدا

ألم تر أنّ اللّه یسجد له من فی السموت و من فی الأرض . .. و الشجر و الدواب

<سجود> (مصدر <یسجد>) به معنای اظهار خضوع و انقیاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۹ - ۶

۶ - خورشید و ماه ، مقهور و مسخر (تحت فرمان) خداوندند .

و سخّر الشمس و القمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۳ - ۳

۳ - خورشید و ماه ، مسخر خدا و رام اراده او

و سخّر الشمس و القمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۶

۶ - خورشید و ماه ، مسخر خدا و رام اراده او هستند .

و سخّر الشمس و القمر

اهمیت خلقت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۷ - ۴

۴ - خلقت خورشید شگرف تر و شایان توجه تر از آفرینش ماه *

و من ءایته . .. الشمس و القمر

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم نام خورشید بر قمر، اشاره به اهمیت بیشتر آن در منظومه شمسی و شناخت اجرام آسمانی باشد.

اهمیت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۶ - ۳

۳ - ماه تابان و خورشید فروزنده ، جلوه قدرت و عظمت خداوند

مالکم لاترجون للّه وقارًا . .. و جعل القمر فیهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

اهمیت ذکر طلوع خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۸ - ۴

۴ - خداوند ، خواهان توجه جن و انس به نقش مهم نقطه طلوع و غروب خورشید ، در زندگی آنان

ربّ المشرقین . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

خداوند متعال، با پرسش انکارآمیز خویش (فبأیّ ءالآء. ..) جن و بشر را به تأمل درباره اهمیت دو مشرق دو مغرب (میل اعظم شمالی در آغاز تابستان و میل اعظم جنوبی در آغاز زمستان) فرا خوانده است.

اهمیت ذکر غروب خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۸ - ۴

۴ – خداوند ، خواهان توجه جن و انس به نقش مهم نقطه طلوع و غروب خورشید ، در زندگی آنان

ربّ المشرقین . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

خداوند متعال، با پرسـش انکارآمیز خویش (فبأیّ ءالآء. ..) جن و بشر را به تأمل درباره اهمیت دو مشرق دو مغرب (میل اعظم شمالی در

آغاز تابستان و میل اعظم جنوبی در آغاز زمستان) فرا خوانده است.

اهمیت طلوع خورشید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۵ – ۸

۸ – اهمیت و نقش حیاتی طلوع و غروب خورشید در زندگی بشر

ربّ المشرق

از اختصاص به ذکر یافتن ربوبیت خدا نسبت به مشرق های خورشید با آن که خورشید جزئی از آسمان ها است برداشت یاد شده به دست می آید.

اهمیت غروب خورشید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۵ – ۸

۸ – اهمیت و نقش حیاتی طلوع و غروب خورشید در زندگی بشر

ربّ المشرق

از اختصاص به ذکر یافتن ربوبیت خدا نسبت به مشرق های خورشید با آن که خورشید جزئی از آسمان ها است برداشت یاد شده به دست می آید.

بی منطقی خورشید پرستی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۳۷ – ۵

۵ – پرستش خورشید و ماه و دیگر آیات الهی ، امری ناروا و به دور از اندیشه و معرفت

و من ءایته . .. لاتسجدوا للشمس و لا للقمر

بـا توجه به این که قرآن نخست انسان ها را به مطالعه آیات و معرفت هستی فراخوانـده و پس از آن از پرسـتش خورشـید نهی

کرده است، این نکته به دست می آید که قرآن، پرستش خورشید و ماه را نتیجه اندیشه نکردن در هستی یا عدم شناخت صحیح آن می داند.

پایان گردش خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۸ -

۲ – حرکت خورشید ، روزی به پایان رسیده و در موعد مقرر و زمان مشخص ، عمرش به سر خواهد رسید .

و الشمس تجری لمستقر لها

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که <مستقر> اسم زمان و <لام> در آن، برای تعلیل و متضمن معنای <انتهاء> باشد؛ یعنی، خورشید به علت رسیدن به انتهای حرکت خود، روان می شود.

تأثیرپذیری خورشید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۱ – ۳

۳ – امکان تأثیر عوامل دیگر بر خورشید

إذا الشمس کوّرت

فعل <کوّرت> مجهول است و بر تأثیرپذیری خورشید دلالت دارد.

تابش خورشید به غار اصحاب کهف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۷ – ۱،۳،۶،۸

۱– غار اصحاب کهف ، به گونه ای بود که خورشید ، صبح گاهان به سمت راست آن و عصر ، به جانب چپ آن می تابید .

و تری الشمس إذا طلعت تزور عن کهفهم ذات الیمین و إذا غربت تقرضهم ذات الشمال

<تزاوُر> به معنای منحرف شدن و مایل گشتن است (لسان العرب). بنابراین، مفاد عبارت <إذا طلعت تزاور عن کهفهم ...> این است که خورشید، به هنگام طلوع، به جانب راست غار متمایل می گشت. <قرض> به معنای بریدن و قطع کردن است، از این رو، جمله <و إذا غربت تقرضهم ذات الشمال> یعنی، خورشید، به هنگام غروب، در جانب چپ از آنان درمی گذشت.

۳– اندکی از اشعه آفتاب در آستانه غروب ، به داخل غار اصحاب کهف تابیده می شد . *

إذا طلعت تزور عن كهفهم . .. و إذا غربت تقرضهم ذات

الشمال

در بیان نحوه تابش آفتاب بر اصحاب کهف به هنگام طلوع و غروب، دو تعبیر مختلف به کار گرفته شده است: در مورد طلوع، غار، محل تابش قرار گرفته، ولی در مورد غروب، خود اصحاب کهف. (تقرضهم).

۶- بدن اصحاب کهف ، در غار ، از تابش مستقیم نور آفتاب ، در امان بود .

تزور عن کهفهم ذات الیمین . .. تقرضهم ذات الشمال و هم فی فجوه منه

<فجوه> به مکان و فضای وسیعی که در بین دو چیز قرار گرفته باشد، گفته می شود. قرار داشتن محل استراحت اصحاب کهف در <فجوه> و فضای وسیع غار و ذکر آن پس از بیان نحوه تابش آفتاب، چنین می نماید که به مصون بودن بدن های آنان از تابش نور مستقیم، اشاره داشته باشد.

۸- موقعیّت جغرافیایی ویژه غار و استراحت گاهِ اصحاب کهف و نحوه تابش خورشید به آن ، از آیات الهی است .

ذلک من ءایت اللّه

مشارالیه <ذلک> مطالب مطرح شده در آیه، درباره وضعیّت جغرافیایی غار و نحوه قرار گرفتن اصحاب کهف در آن و دیگر خصوصیّات است.

تاریخ خلقت خورشید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۳۷ – ۳

۳ – تقدم خلقت خورشید برماه *

و من ءایته . .. الشمس و القمر

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم ذکر <شمس> بر <قمر> ناظر به مطلب بالا باشد.

تاریخ خورشید پرستی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۷۸ – ۱

۱ پرستش خورشید، آیینی رایج در میان مردم زمان ابراهیم بود.

فلما رءا الشمس بازغه قال هذا ربی

تداوم

حرکت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۳ - ۲

۲- خورشید و ماه دارای حرکتی با روال مشخص و وضعیتی همیشگی

و سخّر لکم الشمس و القمر دائبین

<دائبین> تثنیه <دائب> و از ریشه <دأب> و به معنای عادت و روال همیشگی است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۷

۷ - حرکت منظم و بی وقفه خورشید و ماه

و سخّر الشمس و القمر کلّ یجری

فعل مضارع <یجری>، دلالت بر استمرار جریان حرکت خورشید و ماه دارد.

تداوم گردش خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۳ - ۴

۴ - حرکت منظم و بیوقفه خورشید و ماه

و سخّر الشمس و القمر کلّ یجری

فعل مضارع <یجری>، دلالت بر استمرار جریان حرکت خورشید و ماه دارد.

تدبیر گردش خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۸ - ۱

۱ - تجلی ربوبیت الهی ، در تدبیر و طرح ریزی نظام گردش خورشید

ربّ المشرقین . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

تسخیر خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲ - ۱۱

۱۱ آفرینش آسـمان های متعـدد و رفیع ، تسـخیر خورشـید و ماه ، از نشانه های توان و اقتـدار خدا و یکتایی او در تدبیر هستی است .

یفصّل الأیت

جمله های <الله الذی رفع السـموت . ..> حاکی است که متعلق <آیات> اقتدار خداوند ، سـلطه او بر هستی و تدبیر آفرینش است ; یعنی: <یفصل الأیات الداله

علی قدرته و ...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۳۳ – ۱،۴،۵

۱– خداوند ، رام سازنده خورشید و ماه برای بهره برداری انسان

و سخّر لکم الشمس و القمر دائبین

۴– رام کردن خورشید ، ماه و شب و روز برای انسان ، دلیل توحید خداوند

الله الذی خلق . .. و سخّر لکم الشمس و القمر دائبین و سخّر لکم الّیل و النهار

۵– رام بودن خورشید ، ماه و شب و روز برای انسان ، نمودی از نعمت و لطف خداوند بر بندگان و شایسته شکر و سپاس

الله الذی خلق . .. و سخّر لکم الشمس و القمر دائبین و سخّر لکم الّیل و النهار

آیه در مقام امتنان و برشماری نعمتهای الهی است و آهنگ آن مشوّق بندگان به شکر و سپاس در برابر نعمتهای پروردگار است. گفتنی است جمله <إن الإنسان لظلوم كفّار> در آیه بعد مؤید برداشت فوق است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۲ – ۱،۲،۷

۱– خداوند شب ، روز ، خورشید و ماه را برای آدمیان رام و مسخر ساخته است .

هو الذی . .. و سخّر لکم الّیل و النهار و الشمس و القمر

۲– رام و مسخر بودن خورشید ، ماه ، شب و روز از نعمت های الهی و در جهت بهره برداری انسان است .

و سخّر لکم الّیل و النهار و الشمس و القمر

۷– رام و مسخر بودن شب ، روز ، خورشید ، ماه و ستارگان نشانه هایی از خدا و نمونه هایی از قدرت اوست .

و سخّر لکم الّیل و

النهار و الشمس و القمر . .. إن فی ذلک لأیت لقوم یعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۱ - ۱،۴،۵

۱ - مشرکان ، به خالقیت خدا برای آسمان ها و زمین و مسخِّر کننده خورشید و ماه ، باور داشتند .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض و سخّر الشمس و القمر لیقولنّ اللّه

۴ - خورشید و ماه ، از سوی خداوند ، رام و مسخَّر شده اند .

من . .. و سخّر الشمس و القمر لیقولنّ اللّه

۵ - انکار آیات خدا و ایمان به باطل ، از سوی مشرکان ، به رغم باور آنان بر خالقیت خدا و تسخیر خورشید و ماه از سوی او ، امری شگفت آور است .

و ما یجحد بأیتنا إلاّ الکفرون . .. و قالوا لولا أنزل علیه ءایت ... و الذین ءا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۹ - ۹،۲۰

۹ - مسخّر و رام بودن ماه و خورشید ، از آیه های خداوند است .

ألم تر أنّ اللّه . .. و سخّر الشمس و القمر

۲۰ - توجه ژرف به گردش شب و روز و رام بودن و در مدار مشخص بودن خورشید و ماه ، انسان را به قابل فهم بودن آگاهی خداوند از اَعمال انسان ها ، رهنمون می کند .

ألم تر . .. و أنّ اللّه بما تعملون خبیر

<أنّ اللّه بما. ..> عطف بر <أنّ اللّه یولج...> است. بنابراین، ارتباط <أنّ اللّه...> با فراز قبلی هم روشن می شود و آن این است که هر کس

چنان ساخت و سازی را ببیند، خواهد فهمید که خداوند، به کردار انسان ها آگاه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۱۰

۱۰ - آفرینش و تدبیر آسمان ها و زمین و پیدایش شب و روز و تسخیر خورشید و ماه ، جلوه های عزت و قدرتمندی خداوند است .

خلق السموت و الأرض . .. کلّ یجری لأجل مسمًّی ألا هو العزیز

یادآوری عزت و قدرتمندی خداوند در پایان آیه شریفه و پس از یادآوری آفرینش آسمان، زمین و. ..، گویای برداشت یاد شده است.

تشبیه خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۶ - ۱

۱ - خداوند ، ماه را نورانی و خورشید را همچون چراغ فروزنده آفرید .

و جعل القمر فیهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

تشبیه غروب خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۶ - ۳

۳- غروب خورشید در نقطه پایانی سفر ذوالقرنین به جانب مغرب ، چونان فرو رفتن آن در چشمه ای تیره فام بود .

وجدها تغرب فی عین حمئه

از جمله معانی <عین> چشمه است و به قرینه <وجدها> (آن را چنان یافت که) مراد آیه آن نیست که خورشید، در چشمه ای دارای گل سیاه فرو می رفت، بلکه منظره غروب خورشید را ذوالقرنین آنگونه مشاهده کرد.

تعبیر رؤیای سجده خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۹

۹ خضوع و سجود ستارگان ، ماه و خورشید برای انسان در رؤیا ، نشان برگزیده

شدن و دستیابی او به علم و دانش است .

إنی رأیت أحد عشر کوکبًا . .. کذلک یجتبیک ربک و یعلمک

تعقل در خلقت خورشید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – نوح – ۷۱ – ۱۶ – ۴،۵،۶

۴ – سرزنش شدن قوم نوح از سوی پیامبرشان ، به سبب نیندیشیدن درباره چگونگی آفرینش ماه تابان و خورشید فروزان

ألم تروا کیف خلق اللّه . .. و جعل القمر فیهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

۵ – اندیشه در چگونگی آفرینش ماه و خورشید ، راهی برای شناخت خدا و اوصاف او

ألم تروا کیف . .. و جعل القمر فیهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

۶ – نوح (ع) ، قومش را به اندیشه و مطالعه درباره چگونگی آفرینش ماه و خورشید ، به منظور پی بردن به عظمت خداوند تشویق و تحریض می کرد .

ألم تروا کیف . .. و جعل القمر فیهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

تغییر عناصر خورشید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۱ – ۴

۴ – ساختمان داخلی خورشید ، تشکیل یافته از عناصری قابل تغییر

إذا الشمس کوّرت

تنوع نور خورشید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۵ – ۳

۳ خورشید ، دارای نور های گوناگون

هو الذی جعل الشمس ضیاء

<ضیاء> می تواند جمع <ضوء> باشد. برداشت فوق بر همین پایه است.

جذب ماه توسط خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۹ - ۱

۱ - در آستانه برپایی قیامت ، کره ماه

بهوسیله خورشید جذب و بلعیده خواهد شد .

و جمع الشمس و القمر

حاکم خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲ - ۱۰

۱۰ تدبیر امور عالم تنها درخور برافرازنده آسمانها ، سلطه دار عرش ، و اختیاردار خورشید و ماه است .

الله الذی رفع السموت . .. یدبر الأمر

در ترکیب <الله الذی . ..> دو وجه گفته شده است:$۱ <الله> مبتدا و <الذی> صفت آن است و جمله <یدبر الأمر> خبر برای <الله>. ۲ <الله> مبتدا و <الذی> خبر آن است. برداشت فوق از هر دو وجه استفاده می شود، اگرچه بنابر وجه دوم دلالت آیه بر برداشت فوق صریح تر و روشن تر است.

حرکت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲ - ۶،۱۵

۶ آسمانها ، عرش ، خورشید و ماه تا سرآمدی معیّن در حرکتند .

کل یجری لأجل مسمًّی

مضاف الیه محذوف از کلمه <کل> ضمیری است که به <السموت>، <عرش>، <شمس> و <قمر> باز می گردد. <مسمّی> یعنی مشخص و معین. <اجل> در لغت به معنای مدت و نیز به معنای پایان مدت آمده است. برداشت فوق بر اساس دومین معناست. گفتنی است که بر این مبنا <لام> در <لأجل> به معنای <إلی> خواهد بود.

۱۵ نظام هستی (برافراشته بودن آسمانها ، رام بودن خورشید و ماه به فرمان خدا و حرکت آنها) دلیل و آیتی بر ربوبیت خداوند

الله الذی رفع السموت . .. لعلکم بلقاء ربکم توقنون

چون خداوند در ابتدای آیه با جمله <الله الذی . ..> توصیف و معرفی شد، ظاهر آن بود

که در جمله <لعلکم ...> نیز <لعلکم بلقاء الله> آورده شود. این تعویض ; یعنی، آوردن <ربکم> به جای <الله> می رساند که مقصود اصلی از توصیف <الله> به ویژگیهای یاد شده، اثبات ربوبیّت اوست.

خالق خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۳ - ۱

۱- تنها خداوند ، آفریننده شب و روز و خورشید و ماه است .

و هو الذی خلق الّیل والنهار والشمس والقمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۷ - ۹

۹ - خداوند ، آفریدگار شب و روز و خورشید و ماه

و من ءایته . .. الذی خلقهنّ

خاموشی خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱ - ۱

۱ - خورشید در آستانه آخرت ، با چرخاندنی شدید در هم پیچانده شده و خاموش خواهد شد .

إذا الشمس کوّرت

<کَوْر> و <تکویر> به معنای پیچانـدن است، جز این که <تکویر> بر مبالغه نیز دلالت دارد. مراد آیه شریفه این است که خورشید، به شدت بهم پیچانده خواهد شد. برخی <تکویر شمس> را به معنای نابود ساختن خورشید و گروهی دیگر به معنای از بین بردن نور آن دانسته اند. (لسان العرب)

خلقت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۵۴ – ۱۰

۱۰ خورشید و ماه و ستارگان ، آفریده های خداوند و مقهور امر و اراده او

خلق السموت . .. و الشمس و القمر و النجوم مسخرت بأمره

کلمه <الشمس> و ما بعد آن، عطف به <السموت> است.

جلد – نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۵ – ۷

۷ آفرینش خورشید و ماه و متفاوت قرار داده شدن آن دو در درخشندگی ، جلوه های حکمت خدا و بر پایه حق و هدفی مشخص

هو الذی جعل الشمس ضیاء و القمر نوراً . .. ما خلق اللّه ذلک إلا بالحق

<حق> در مقابل <باطل> (بیهوده) است ; یعنی، خداوند ماه و خورشید را بیهوده و بی هدف نیافریده، بلکه آفرینش آنها بر پایه حق و هدف خاصی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۳۳ – ۴

۴- آفرینش شب و روز و خورشید و ماه ، نشانی از توحید ربوبی است .

و هو الذی خلق الّیل . .. کلّ فی فلک یسبحون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۱ – ۵،۹،۱۰

۵ خداوند در آسمان ها خورشید آفرید .

و جعل فیها سراجًا

<سراج> به معنای چراغ است; ولی مقصود از آن در آیه شریفه به قرینه آمدن <القمر> (ماه) خورشید است; چنان که در آیه ۱۶ سوره نوح به خورشید سراج گفته شده است (و جعل الشمس سراجًا).

۹ آفرینش ستارگان ، خورشید و ماه تابان ، جلوه ای از برکات و خیرات خداوند .

تبارک الذی جعل فی السماء بروجًا . .. و قمرًا منیرًا

۱۰ آفرینش ستارگان ، خورشید و ماه تابان ، از نشانه های قدرت خدا و یکتایی او

تبارک الذی جعل فی السماء بروجًا . .. و قمرًا منیرًا

برداشت فوق، از آن جا است که آیه شریفه در ردیف سلسله

آیاتی قرار دارد که در مقام محکومیت شرک و اثبات توحید و یگانگی خداوند است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۱۳ – ۶،۸،۱۰

۶ – آفرینش جهان هستی چون انسان ، دریا ، خورشید و ماه ، از نشانه های خدای حقیقی (اللّه)

و اللّه خلقکم من تراب . .. ثمّ جعلکم أزوجًا ... و ما یستوی البحران ... و سخّر ال

<ذلکم> اشاره به کسی است که اشیای ذکر شده را آفریده و صاحب خلق و جعل می باشد.

۸ – آفرینش جهان (انسان ، دریا ، خورشید و ماه) ، جلوه ای از ربوبیت خدا است .

اللّه خلقکم من تراب . .. و ما یستوی البحران ... و سخّر الشمس و القمر ... ذلکم ال

۱۰ – آفرینش انسان ، دریا ، خورشید و ماه ، جلوه ای از فرمانروایی مطلق خدا بر جهان هستی است .

و اللّه خلقکم من تراب . .. و ما یستوی البحران ... و سخّر الشمس و القمر ... له ال

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۶ – ۱۸،۲۰

۱۸ – آفرینش جهان (آسمان ، زمین ، خورشید ، ماه و انسان) جلوه ربوبیت خدا است .

خلق السموت و الأرض . .. خلقکم من نفس وحده ... ذلکم اللّه ربّکم

۲۰ – آفرینش آسمان ها ، زمین ، خورشید ، ماه و انسان ، جلوه فرمانروایی مطلق خدا بر جهان هستی است .

خلق السموت و الأرض . .. له الملك

خورشید از آیات خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه

- فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۸ - ۴

۴ - خورشید ، به هنگام روان شدن به سوی قرارگاه ویژه اش ، از آیات و نشانه های بزرگ قدرت خداوند است .

و الشمس تجری لمستقر لها

برداشت یاد شده از آن جا است که <والشمس> عطف بر <اللیل> است و همان گونه که شب از آیات الهی شناسانده شده (و آیه لهم اللیل) خورشید نیز چنین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۷ - ۱

۱ - < شب و روز > و < خورشید و ماه > ، از آیات و نشانه های خداوند است .

و من ءایته الّیل و النهار والشمس والقمر

خورشید پرستی در دوران ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۸ - ۱

۱ پرستش خورشید، آیینی رایج در میان مردم زمان ابراهیم بود.

فلما رءا الشمس بازغه قال هذا ربی

خورشید پرستی در صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۷ - ۶

۶ - وجود گرایش های خورشیدپرستی و ماه پرستی ، در میان مردم عصر پیامبر (ص)

لاتسجدوا للشمس و لا للقمر

مطلب بالا با توجه به این نکته است که نهی در موردی معنا دارد که زمینه ارتکاب منهی عنه وجود داشته باشد.

خورشید در جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۱ – ۶

۶ – < عن أبی مریم انّ النبی (ص) قال : فی قوله < إذا الشمس کوّرت > قال :

کوّرت فی جهنّم ;

از ابی مریم روایت شده که پیامبر(ص) درباره سخن خداوند <إذا الشمس کوّرت> فرمود: خورشید در جهنم در هم پیچیده خواهد شد>.

خورشید در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۱ – ۱،۵

۱ – خورشید در آستانه آخرت ، با چرخاندنی شدید در هم پیچانده شده و خاموش خواهد شد .

إذا الشمس کوّرت

<کَوْر> و <تکویر> به معنای پیچاندن است، جز این که <تکویر> بر مبالغه نیز دلالت دارد. مراد آیه شریفه این است که خورشید، به شدت بهم پیچانده خواهد شد. برخی <تکویر شمس> را به معنای نابود ساختن خورشید و گروهی دیگر به معنای از بین بردن نور آن دانسته اند. (لسان العرب)

۵ – < عن النبی (ص) قال : الشمس و القمر مکوّران یوم القیامه ;

از پیامبر(ص) روایت شده که فرمود: خورشید در روز قیامت به هم پیچانده شده و ماه نیز چنین خواهد شد>.

درهم پیچیدگی خورشید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۱ – ۱،۵،۶

۱ – خورشید در آستانه آخرت ، با چرخاندنی شدید در هم پیچانده شده و خاموش خواهد شد .

إذا الشمس کوّرت

<کَوْر> و <تکویر> به معنای پیچاندن است، جز این که <تکویر> بر مبالغه نیز دلالت دارد. مراد آیه شریفه این است که خورشید، به شدت بهم پیچانده خواهد شد. برخی <تکویر شمس> را به معنای نابود ساختن خورشید و گروهی دیگر به معنای از بین بردن نور آن دانسته اند. (لسان العرب)

۵ – < عن النبی (ص) قال : الشمس و القمر مکوّران

یوم القیامه ;

از پیامبر(ص) روایت شده که فرمود: خورشید در روز قیامت به هم پیچانده شده و ماه نیز چنین خواهد شد>.

۶ - < عن أبی مریم انّ النبی (ص) قال : فی قوله < إذا الشمس کوّرت > قال : کوّرت فی جهنّم ;

از ابی مریم روایت شده که پیامبر(ص) درباره سخن خداوند <إذا الشمس کوّرت> فرمود: خورشید در جهنم در هم پیچیده خواهد شد>.

ذوالقرنین و خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۹ - ۴

۴- < عن أمیرالمؤمنین (ع) : . . . < ثمّ أتبع سبباً > ذوالقرنین من الشمس سبباً ;

از امیرالمؤمن ین(ع) [در توضیح این سخن خدا]: <ثمّ أتبع سبباً> روایت شده: ذوالقرنین، از خورشید، به عنوان یک سبب بهره گرفت>.

ردّ خورشید پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۸ - ۲

۲ ابراهیم(ع) در مقام مجادله و برای ابطال عقاید شرک آمیز قوم خویش تظاهر به خورشیدپرستی کرد.

فلما رءا الشمس بازغه قال هذا ربی

ردّ ربوبیت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۸ - ۶

۶ افول پذیری و پنهان گشتن خورشید، گواه بر دخیل نبودن آن در <ربوبیت> هستی است.

قال هذا ربی هذا أکبر فلما أفلت

روشنایی خورشید از آیات خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۲ – ۳

۳- محو شدن نور ماه در شب و روشنگری خورشید ، دو نشانه از نشانه های خداست .

فمحونا ءایه الّیل

و جعلنا ءایه النهار مبصره

این برداشت بنابراین است که منظور از <آیه اللیل> ماه و <آیه النهار> خورشید باشد.

زوال پذیری خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱ - ۲

۲ - خورشید ، جاودان نیست .

إذا الشمس کوّرت

زوال خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱ - ۱

۱ - خورشید در آستانه آخرت ، با چرخاندنی شدید در هم پیچانده شده و خاموش خواهد شد .

إذا الشمس کوّرت

<کَوْر> و <تکویر> به معنای پیچانـدن است، جز این که <تکویر> بر مبالغه نیز دلالت دارد. مراد آیه شـریفه این است که خورشـید، به شـدت بهم پیچانـده خواهـد شـد. برخی <تکویر شـمس> را به معنای نابود ساختن خورشـید و گروهی دیگر به معنای از بین بردن نور آن دانسته اند. (لسان العرب)

سجده بر خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۴ - ۲

۲ - سجده در برابر خورشید ، شیوه پرستش مردم سبا

یسجدون للشمس

سجده خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۸ - ۱

۱ - سجده (خضوع و انقیاد) اهل آسمان و زمین و نیز خورشید ، ماه ، ستارگان ، کوه ها ، درختان و جنبندگان برای خدا

ألم تر أنّ اللّه یسجد له من فی السموت و من فی الأرض . .. و الشجر و الدواب

<سجود> (مصدر <یسجد>) به معنای اظهار خضوع و انقیاد است.

سجده خورشید بر یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ -

یوسف - ۱۲ - ۴ - ۱،۲،۴

۱ یوسف (ع) در رؤیایی دید که یازده ستاره به همراه ماه و خورشید بر او سجده می کنند .

إنی رأیت أحد عشر کوکبا والشمس والقمر رأیتهم لی سجدین

۲ یوسف (ع) در رؤیای خویش دریافت که سجده ماه ، خورشید و ستارگان بر او ، سجده ای از سر شعور و آگاهی است .

رأیتهم لی سجدین

ضمیر <هم> و نیز جمعهای مذکر سالم نظیر ساجدین، مخصوص دارندگان عقل و شعور است. به کارگیری آن ضمیر و آن گونه جمع در بیان سجده ستارگان، ماه و خورشید می رساند که یوسف(ع) چنان می دید که آنها از سر عقل و شعور بر او سجده می کنند و در مقابل او خاضعند.

۴ ستارگان ، ماه و خورشید در رؤیای یوسف ، همگی یک جا و دسته جمعی بر او سجده کردند . *

إنی رأیت أحد عشر کوکبا . .. رأیتهم لی سجدین

برداشت فوق ، احتمالی است که می توان آن را از تکرار فعل <رأیت> به دست آورد.

سجده خورشید در رؤیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴ - ۴

۴ ستارگان ، ماه و خورشید در رؤیای یوسف ، همگی یک جا و دسته جمعی بر او سجده کردند . *

إنی رأیت أحد عشر کوکبا . .. رأیتهم لی سجدین

برداشت فوق ، احتمالی است که می توان آن را از تکرار فعل <رأیت> به دست آورد.

سوگند به خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱ - ۱

۱ - سوگند خداوند

به خورشید

و الشّمس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – شمس – ۹۱ – ۹ – ۳

۳ – خداوند ، در تأکید بر رستگاری اهل تزکیه ، به < خورشید و نور آن > ، < ماه > ، < روز و شب > ، < آسمان و زمین > ، < روح > و < ذات خویش > ، سوگند یاد کرده است .

و الشمس . .. قد أفلح من زکّیها

جمله <قد أفلح . ..> جواب قسم هایی است که از آغاز سوره مطرح شده بود. برخی آن را جمله معترضه دانسته، جواب قسم را جمله <کذّبت ثمود...> و یا محذوف دانسته اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – شمس – ۹۱ – ۱۰ – ۴

۴ – خداوند ، در تأکید بر زیان کاری و تباهی گناه کاران ، به < خورشید و نور آن > ، < ماه > < روز و شب > ، < آسمان و زمین > ، < نفس انسان > و < ذات خویش > سوگند یاد کرده است .

و الشّمس . .. و قد خاب من دسّیها

تکرار <قد>، نشانگر آن است که جمله <قد خاب. ..>، جوابی مستقل برای قسم های پیشین است.

سوگند به غروب خورشید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – شمس – ۹۱ – ۴ – ۲

۲ – سوگند خداوند ، به هنگامی که شب ، خورشید را می پوشاند .

و الّیل إذا یغشیها

در برداشت یاد شده، مرجع ضمیر مفعولی در <یغشاها>، <الشمس> دانسته شده است.

سوگند به نور خورشید

جلد - نام سوره

- سوره - آيه - فيش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱ - ۲

۲ - سوگند خداوند ، به نور گسترده خورشيد به هنگام چاشت

و ضحيها

<ضحى> در معانى گسترش نور خورشيد و <پهناور شدن روز> (مفردات راغب) و اندكى پس از بالا آمدن روز (قاموس) به كار مى رود. اضافه شدن <ضحى> به ضميرى كه به خورشيد برمى گردد، بيانگر آن است كه مراد از آن، گسترش نور خورشيد است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۹ - ۳

۳ - خداوند ، در تأكيد بر رستگارى اهل تزكيه ، به < خورشيد و نور آن > ، < ماه > ، < روز و شب > ، < آسمان و زمين > ، < روح > و < ذات خويش > ، سوگند ياد كرده است .

و الشمس . .. قد أفلح من زكّيها

جمله <قد أفلح . ..> جواب قسم هايى است كه از آغاز سوره مطرح شده بود. برخى آن را جمله معترضه دانسته، جواب قسم را جمله <كذّبت ثمود...> و يا محذوف دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۰ - ۴

۴ - خداوند ، در تأكيد بر زيان كارى و تباهى گناه كاران ، به < خورشيد و نور آن > ، < ماه > < روز و شب > ، < آسمان و زمين > ، < نفس انسان > و < ذات خويش > سوگند ياد كرده است .

و الشّمس . .. و قد خاب من دسّيها

تكرار <قد>، نشانگر آن است كه جمله

<قد خاب. ..>، جوابی مستقل برای قسم های پیشین است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ضحی – ۹۳ – ۱ – ۱،۲

۱ – سوگند خداوند ، به چاشت گاه و به گسترش نور خورشید در آن زمان

و الضحی

<ضحی> در معانی گسترش نور خورشید و <پهناور شدن روز> (مفردات راغب) و <اندکی پس از بالا آمدن روز> (قاموس) به کار می رود.

۲ – وقت چاشت و زمان پرتو افشانی خورشید ، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و الضحی

شعور خورشید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۴ – ۲

۲ یوسف (ع) در رؤیای خویش دریافت که سجده ماه ، خورشید و ستارگان بر او ، سجده ای از سر شعور و آگاهی است .

رأیتهم لی سجدین

ضمیر <هم> و نیز جمعهای مذکر سالم نظیر ساجدین، مخصوص دارندگان عقل و شعور است. به کارگیری آن ضمیر و آن گونه جمع در بیان سجده ستارگان، ماه و خورشید می رساند که یوسف(ع) چنان می دید که آنها از سر عقل و شعور بر او سجده می کنند و در مقابل او خاضعند.

شگفتی خورشید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – شمس – ۹۱ – ۱ – ۳

۳ – خورشید و نور گسترده آن هنگام چاشت ، آفریده هایی با عظمت و شگفت

و ضحیها

شگفتی نور خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱ - ۳

۳ - خورشید و نور گسترده آن هنگام چاشت ، آفریده هایی با عظمت و شگفت

و ضحیها

طلوع خورشید

جلد

- نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۸ - ۶

۶ - نظامِ طلوع و غروب خورشيد ، نيازمند تدبير و نشانگر وجود پروردگار يگانه

قال ربّ المشرق و المغرب

<مشرق> و <مغرب> مى تواند مصدر ميمى و به معناى شروق (طلوع) و غروب باشد. بنابراين <ربّ المشرق و المغرب>; يعنى، پروردگار طلوع و غروب.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۰ - ۱

۱ - نزديك شدن سپاه فرعون به بنى اسرائيل ، به هنگام طلوع آفتاب

فأتبعوهم مشرقين

واژه <مشرقين> از مصدر <اشراق> (داخل شدن در وقت طلوع خورشيد) مشتق شده است و حال از ضمير فاعل <أتبعوهم> مى باشد; يعنى، <فلحقوا بهم حالكونهم داخلين فى وقت طلوع الشمس>. گفتنى است كه <إتباع> (مصدر <أتبعوا>) در اين جا به معناى ملحق شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۰ - ۹،۵

۵ - خورشيد ، داراى مشرق ها و مغرب ها

بربّ المشرق و المغرب

بسيار از مفسران، برآنند كه مقصود از <مشارق> و <مغارب>، مشرق ها و مغرب هاى متعدد خورشيد است كه در هر روز از سال، از نقطه اى غير از نقطه روز قبل و بعد، طلوع و غروب مى كند.

۹ - < عن الأَصْبَغ بن نُباته قال : خطبنا أميرُالمؤمنين (ع) . . . فقام إليه ابن الكوّاء فقال : يا أميرالمؤمنين . . . يقول : < رب المشارق و المغارب > . . . قال (ع) . . . أمّا قوله < ربّ المشارق و المغارب > فإنّ

لها ثلاث مائه و ستّین بُرجاً تطلُع کلّ یوم من برج و تغیب فی آخر فلاتعود إلیه إلاّ من قابل فی ذلک الیوم . . . ;

اصبغ بن نباته می گوید: علی(ع) برای ما خطبه می خواند . .. ابن کوّاء برخاست و گفت: ای امیرمؤمنان! ...[خداوند]می فرماید: (ربّ المشارق و المغارب)... حضرت فرمود: ... اما سخن خداوند (ربّ المشارق و المغارب) [جمع بودن <مشارق> و <مغارب>] به این دلیل است که برای [خورشید]۳۶۰ برج است، که هر روز از برجی طلوع نموده و در برجی دیگر غایب می شود و تا سال آینده مثل همین روز، دیگر به آن برج برنمی گردد...>.

طلوع خورشید از مغرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۸ - ۱۲

۱۲ عن أبی جعفر و أبی عبداللّه علیهما السلام فی قوله: <یوم یأتی بعض آیات ربک لا ینفع نفسا إیمانها> قال: طلوع الشمس من المغرب و خروج الدابه و الدجال . .. .

از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده است: مراد از <بعض آیات ربک> در آیه، طلوع خورشید از مغرب و خروج دابه و دجال است . .. .

عظمت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱ - ۳

۳ - خورشید و نور گسترده آن هنگام چاشت ، آفریده هایی با عظمت و شگفت

و ضحیها

عظمت نور خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱ - ۳

۳ - خورشید و نور گسترده آن هنگام

چاشت ، آفریده هایی با عظمت و شگفت

و ضحیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ضحی – ۹۳ – ۱ – ۲

۲ – وقت چاشت و زمان پرتو افشانی خورشید ، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و الضحی

عقیده به ربوبیت خورشید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۷۸ – ۴

۴ مردم سرزمین ابراهیم (بابل) خورشید را در تدبیر امور خویش مؤثر می دانستند.

فلما رءا الشمس بازغه قال هذا ربی هذا أکبر

علم خدا به تابش خورشید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۴ – ۹

۹ – آگاهی خداوند ، به هر آنچه از آسمان به زمین نازل می شود (باران ، فرشتگان ، تابش خورشید ، ماه ، ستارگان و . . .) و هر آنچه از زمین به آسمان بالا می رود (بخار آب ، فرشتگان ، اعمال مردمان و . . .)

یعلم . .. و ما ینزّل من السّماء و ما یعرج فیها

عمر خورشید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۲ – ۸

۸ عمر آسمان ها و خورشید و ماه (جهان آفرینش) محدود و تمام شدنی است .

کل یجری لأجل مسمًّی

غروب خورشید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۷۸ – ۶

۶ افول پذیری و پنهان گشتن خورشید، گواه بر دخیل نبودن آن در <ربوبیت> هستی است.

قال هذا ربی هذا أکبر فلما أفلت

جلد – نام سوره – سوره

- آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۲۸ – ۶

۶ – نظامِ طلوع و غروب خورشید ، نیازمند تدبیر و نشانگر وجود پروردگار یگانه

قال ربّ المشرق و المغرب

<مشرق> و <مغرب> می تواند مصدر میمی و به معنای شروق (طلوع) و غروب باشد. بنابراین <ربّ المشرق و المغرب>; یعنی، پروردگار طلوع و غروب.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۴۰ – ۵،۹

۵ – خورشید ، دارای مشرق ها و مغرب ها

بربّ المشرق و المغرب

بسیار از مفسران، برآنند که مقصود از <مشارق> و <مغارب>، مشرق ها و مغرب های متعدد خورشید است که در هر روز از سال، از نقطه ای غیر از نقطه روز قبل و بعد، طلوع و غروب می کند.

۹ – < عن الأَصْبَغ بن نُباته قال : خطبنا أميرُالمؤمنين (ع) . . . فقام إليه ابن الكوّاء فقال : يا أميرالمؤمنين . . . يقول : < رب المشارق و المغارب > . . . قال (ع) . . . أمّا قوله < ربّ المشارق و المغارب > فإنّ لها ثلاث مائه و ستّين بُرجاً تطلُع كلّ يوم من برج و تغيب فى آخر فلاتعود إليه إلاّ من قابل فى ذلك اليوم . . . ;

اصبغ بن نباته می گوید: علی(ع) برای ما خطبه می خواند . .. ابن کوّاء برخاست و گفت: ای امیرمؤمنان! ...[خداوند]می فرماید: (ربّ المشارق و المغارب)... حضرت فرمود: ... اما سخن خداوند (ربّ المشارق و المغارب) [جمع بودن <مشارق> و <مغارب>] به این دلیل است که برای [خورشید]۳۶۰ برج است، که هر

روز از برجی طلوع نموده و در برجی دیگر غایب می شود و تا سال آینده مثل همین روز، دیگر به آن برج برنمی گردد...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – شمس – ۹۱ – ۲ – ۴

۴ – ماه و ظهورِ آن پس از غروب خورشید ، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و القمر إذا تلیها

فرجام خورشید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۲۹ – ۱۶

۱۶ – مرحله به پایان رسیدن جریان خورشید و ماه ، قابل مشاهده و رؤیت برای پیامبر (ص) بود . *

ألم تر أنّ اللّه . .. و سخّر الشمس و القمر کلّ یجری إلی أجل مسمًّی

برداشت بالا، مبتنی بر این نکته است که خطاب <ألم تر> اختصاص به پیامبر(ص) داشته باشد و <کلّ یجری. ..> حال برای <الشمس و القمر> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۵ – ۸

۸ – حرکت خورشید و ماه ، تا وقت معینی بوده و زمانی به پایان می رسد .

و سخّر الشمس و القمر کلّ یجری لأجل مسمًّی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۱ – ۱

۱ – خورشید در آستانه آخرت ، با چرخاندنی شدید در هم پیچانده شده و خاموش خواهد شد .

إذا الشمس کوّرت

<کَوْر> و <تکویر> به معنای پیچانـدن است، جز این که <تکویر> بر مبالغه نیز دلالت دارد. مراد آیه شـریفه این است که خورشید، به شدت بهم پیچانده خواهد شد. برخی <تکویر شمس> را به معنای نابود

ساختن خورشید و گروهی دیگر به معنای از بین بردن نور آن دانسته اند. (لسان العرب)

فرجام گردش خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۹ - ۱۱

۱۱ - جریان خورشید و ماه ، دارای پایانی حتمی و مشخص و نه ابدی و نامعلوم است .

و سخّر الشمس و القمر کلّ یجری إلی أجل مسمًّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۳ - ۵

۵ - حرکت خورشید و ماه ، تا وقت معینی بوده و زمانی به پایان می رسد .

و سخّر الشمس و القمر کلّ یجری لأجل مسمًّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۸ - ۲

۲ - حرکت خورشید ، روزی به پایان رسیده و در موعد مقرر و زمان مشخص ، عمرش به سر خواهد رسید .

و الشمس تجری لمستقر لها

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که <مستقر> اسم زمان و <لام> در آن، برای تعلیل و متضمن معنای <انتهاء> باشد؛ یعنی، خورشید به علت رسیدن به انتهای حرکت خود، روان می شود.

فلسفه حرکت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲ - ۷

۷ حرکت آسمانها ، عرش ، خورشید و ماه برای سپری شدن مدت معین شده برای حیات دنیاست .

کل یجری لأجل مسمًّی

برداشت فوق بر این اساس است که <لأجل> به معنای مدت باشد. بر این اساس <لام> در <لأجل> به معنای غایت و هدف است.

فلسفه سوگند به نور خورشید

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۳ - ۷

۷ - خداونـد ، در تأکیـد بر قطع نشدن ارتباط او با پیامبر (ص) و ناخرسـند نبودن از آن حضـرت ، به نور خورشـید و تاریکی شب سوگند یاد کرده است .

و الضحی . و الّیل إذا سجی . ما ودّعک ربّک و ما قلی

این آیه، جواب قسم هایی است که در آغاز سوره آمده بود.

فلک خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۸ - ۶

۶ - حرکت خورشید بر مدار مشخص و به سمت و سوی قرارگاه ویژه خود ، جلوه ای از عزت و علم خداوند است .

و الشمس تجری لمستقر لها ذلک تقدیر العزیز العلیم

یاد شـدن دو صـفت <عزت> و <علم> خداونـد، پس از طرح مسأله حرکت خورشـید، می توانـد گویای برداشت یاد شـده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۰ - ۱،۳

۱ - هر یک از خورشید و ماه در قرارگاه ویژه خود دور از هم در حرکتند و هرگز با هم تلاقی نخواهند کرد .

لا الشمس ینبغی لها أن تدرک القمر و لا الّیل سابق النهار

مقصود از نرسـیدن خورشـید به ماه (لا الشـمس ینبغی لها أن تدرک القمر)، به قرینه آیات پیشین که درباره حرکت خورشید و مـاه به سـوی قرارگـاه ویژه خـود بـود این است که آن دو کره در دو مسیر مجزا در حرکت بوده و به دور از هم قرار دارنـد و هرگز باهم تلاقی نخواهند کرد.

۳ - خورشید

و ماه ، در مداری به سرعت و شتابان در حرکت اند .

لا الشمس ینبغی لها أن تدرک القمر . .. و کلّ فی فلک یسبحون

<سبح> (مصدر <یسبحون>) به معنای حرکت سریع در آب و هوا است (مفردات راغب) و مقصود از <فلک> مدار حرکت ماه و خورشید و ستارگان است.

فواید خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۸ - ۱۲

۱۲- < عن أمیرالمؤمنین (ع) قال : . . . دلاله الصلاه . . . الشمس یقول الله جلّوعزّ < أقم الصلاه لدلوک الشمس إلی غسق اللیل و قرآن الفجر . . . > فلاتعرف مواقیت الصلاه إلاّ بالشمس . . . ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است که فرمود: راهنمای [وقت] نماز . .. خورشید است. خدای عزّوجلّ می فرماید: <أقم الصلاه لدلوک الشمس إلی غسق اللیل و قرآن الفجر...> پس اوقات نماز شناخته نمی شود مگر به وسیله خورشید...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۵ - ۱۰،۱۱

۱۰ - درخت زیتون ، در صورت تابش مستقیم نور خورشید بر آن در طول روز ، پربارتر و مرغوب تر خواهد شد .

من شجره مبرکه زیتونه لاشرقیّه و لاغربیّه یکاد زیتها یضیء و لو لم تمسسه نار

برداشت یاد شده بر این اساس است که عبارت <لاـ شرقیّه و لا غربیّه> این گونه تفسیر شود که: درخت زیتون نه فقط در ناحیه شرق است که تنها به وقت عصر از شعاع خورشید بهره گیرد و نه فقط در ناحیه غرب است که تنها

در صبح از شعاع خورشید بهره مند باشد; بلکه از مزایای هر دو جهت و از تابش نور مستقیم خورشید از صبح تا به غروب استفاده می کند و روشن است که چنین درختی، از ثمره ای فراوان تر و مرغوب تر برخوردار خواهد بود.

۱۱ - تابش مستقیم نور خورشید به درختان از همه جوانب ، موجب برکت و مرغوبیت میوه آنها خواهد شد .

شجره مبرکه زیتونه لاشرقیّه و لاغربیّه یکاد زیتها یضیء و لو لم تمسسه نار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۵ - ۶

۶ خورشید ، دلیل و راهنمای انسان ها بر حرکت سایه ها و مقدار امتداد و گسترده شدن آنها

کیف مدّ الظلّ . .. ثمّ جعلنا الشمس علیه دلیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵ - ۸

۸ - اهمیت و نقش حیاتی طلوع و غروب خورشید در زندگی بشر

ربّ المشرق

از اختصاص به ذکر یافتن ربوبیت خدا نسبت به مشرق های خورشید با آن که خورشید جزئی از آسمان ها است برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۳ - ۱

۱ - خداوند خورشید را چراغ فروزان و منبع نور و حرارت قرار داده است .

و جعلنا سراجًا وهّاجًا

<وَهَج> (ریشه <وهّاج>)، به معنای آتش و روشنایی آن است. (مقاییس اللغه)

قانونمندی خلقت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵ - ۱

۱ - حاکمیت نظم ، قانون مندی و

هدفداری بر زوایای وجودی خورشید و ماه

الشّمس و القمر بحسبان

<حسبان> معادل <حساب> است. نکره آمدن آن، بیانگر انجام گرفتن محاسبه ای دقیق در آفرینش خورشید و ماه است.

قانونمندی خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۹ - ۲

۲ - بی توجّهی به آیه خداوند بودن نوسان شب و روز و قانون مند بودن خورشید و ماه ، مورد سرزنش خداوند است .

ألم تر أنّ اللّه یولج الّیل فی النهار و یولج النهار فی الّیل

<ألم تر> در آیه، استفهام انکاری بوده و نکته یاد شده را می رساند.

قانونمندی گردش خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۹ - ۱۰

۱۰ - نظام روز و شب و جریان خورشید و ماه ، دارای طرحی مشخص و نه پدیده ای تصادفی است .

یولج الّیل . .. و سخّر الشمس و القمر کلّ یجری إلی أجل مسمًّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۸ - ۳

۳ - خورشید ، دارای حرکت منظم و هدفمند است .

و الشمس تجری لمستقر لها

برداشت یاد شده از آن جا است که لازمه وجود حرکت به سمت و سوی قرارگاه معین و یا در زمان محدود و مشخص، داشتن حرکت منظم و هدفمند است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۴۰ – ۱

۱ – هر یک از خورشید و ماه در قرارگاه ویژه خود دور از هم در حرکتند و هرگز با هم تلاقی نخواهند کرد .

لا

الشمس ينبغی لها أن تدرک القمر و لا الّيل سابق النهار

مقصود از نرسيدن خورشيد به ماه (لا الشمس ينبغی لها أن تدرك القمر)، به قرينه آيات پيشين که درباره حرکت خورشيد و ماه به سوی قرارگاه ويژه خود بود اين است که آن دو کره در دو مسير مجزا در حرکت بوده و به دور از هم قرار دارند و هرگز باهم تلاقی نخواهند کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵ - ۲،۳

۲ - حرکت قانون مند خورشيد و ماه ، نمودی از رحمت و نعمت الهی

الرحمن . .. الشّمس و القمر بحسبان

۳ - توجه به قانون مندی خورشيد و ماه ، پيامدار درس توحيد برای انسان

الرحمن . .. الشّمس و القمر بحسبان

آغاز سوره با وصف <الرحمان>، در مقام نمایاندن جلوه های الهی به انسان است که از آن جمله، قانون مندی خورشيد و ماه است.

قرارگاه خورشيد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - يس - ۳۶ - ۳۸ - ۱

۱ - خورشيد به سمت و سوی قرارگاه ويژه خود در حرکت است .

و الشمس تجری لمستقر لها

برداشت ياد شده، بر اين اساس است که <مستقر> اسم مکان و لام در آن به معنای <إلی> باشد.

گردش خورشيد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۳۳ - ۲

۲- هر یک از خورشید و ماه ، در مدار مخصوص به خود در حال حرکت است .

کلّ فی فلک یسبحون

<فلک> به معنای مدار ستارگان و <سبح> و <سباحه> به معنای شنا کردن است (لسان العرب)

و (قاموس المحیط).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۲۹ – ۵،۱۷

۵ – جریان مستمر و دقیق و حساب شده خورشید و ماه ، به تدبیر الهی است .

و سخّر الشمس و القمر کلّ یجری إلی أجل مسمًّی

۱۷ – خورشید و ماه ، در مدار سالانه معینی است که با آن ، سال شمسی و قمری به وجود می آید . *

و سخّر الشمس و القمر کلّ یجری إلی أجل مسمًّی

احتمال دارد مراد از <أجل مسمّی> به قرینه <ألم تر> آخر سال شمسی و قمری باشد که خورشید، از نقطه فلکی برج فرضی، در آغاز سال شروع می کند و در پایان یک سال، به آن نقطه می رسد و ماه نیز از نقطه ای شروع می کند و به همان مدار در طول یک سال می رسد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۳۰ – ۱،۲

۱ – اداره نظام عالَم با گردش همواره شب و روز و جریان دائمی خورشید و ماه ، برخاسته از حق محض بودن خداوند است .

ألم تر أنّ اللّه یولج الّیل . .. ذلک بأنّ اللّه هو الحقّ

۲ – نوسان های مداوم شب و روز ، حرکت منظم و قانون مند خورشید و ماه ، آگاهی خداوند به اَعمال انسان ها ، بر حق محض بودن او دلالت دارد .

ألم تر أنّ اللّه یولج الّیل . .. و یولج النهار ... و سخّر الشمس و ... و أنّ اللّ

<ذلک بأنّ اللّه. ..> می تواند در جایگاه نتیجه برای دلیل های یاد شده باشد.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۸ - ۱،۴،۶

۱ - خورشید به سمت و سوی قرارگاه ویژه خود در حرکت است .

و الشمس تجری لمستقر لها

برداشت یاد شده، بر این اساس است که <مستقر> اسم مکان و لام در آن به معنای <إلی> باشد.

۴ - خورشید ، به هنگام روان شدن به سوی قرارگاه ویژه اش ، از آیات و نشانه های بزرگ قدرت خداوند است .

و الشمس تجری لمستقر لها

برداشت یاد شده از آن جا است که <والشمس> عطف بر <اللیل> است و همان گونه که شب از آیات الهی شناسانده شده (و آیه لهم اللیل) خورشید نیز چنین است.

۶ - حرکت خورشید بر مدار مشخص و به سمت و سوی قرارگاه ویژه خود ، جلوه ای از عزت و علم خداوند است .

و الشمس تجری لمستقر لها ذلک تقدیر العزیز العلیم

یاد شدن دو صفت <عزت> و <علم> خداوند، پس از طرح مسأله حرکت خورشید، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۰ - ۳

۳ - خورشید و ماه ، در مداری به سرعت و شتابان در حرکت اند .

لا الشمس ینبغی لها أن تدرک القمر . .. و کلّ فی فلک یسبحون

<سبح> (مصدر <یسبحون>) به معنای حرکت سریع در آب و هوا است (مفردات راغب) و مقصود از <فلک> مدار حرکت ماه و خورشید و ستارگان است.

مخلوقیت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۶ - ۳

۳ - خورشید و تمام مظاهر

آفرینش ، خود تحت تدبیر و ربوبیت خداوند قرار دارند و سزاوار الوهیت و پرستش نیستند .

یسجدون للشمس . .. اللّه لا إله إلّا هو ربّ العرش العظیم

بیان توحیدی و استدلالی آیه یاد شده، تعریضی نسبت به عمل ناروای قوم سبا در پرستش خورشید است.

مدت حرکت خورشید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۵ – ۸

۸ – حرکت خورشید و ماه ، تا وقت معینی بوده و زمانی به پایان می رسد .

و سخّر الشمس و القمر کلّ یجری لأجل مسمًّی

مدت نورانیت خورشید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۸ – ۲

۲ – تابندگی خورشید ، تا آستانه برپایی قیامت

و خسف القمر

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که نور ماه، بازتاب نور خورشید است و بی فروغ شدن ماه در آستانه برپایی قیامت، به سبب بی فروغ شدن خورشید است.

مشرق خورشید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۱۷ – ۴

۴ – خداوند ، تدبیرگر مشرق و مغربی خاص ، برای هر یک از ماه و خورشید

ربّ المشرقین و ربّ المغربین

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که تثنیه آمدن <المشرقین> و <المغربین>، از این جهت باشد که یک مشرق و مغرب برای خورشید و مشرق و مغربی دیگر برای ماه تدبیر شده است.

مغرب خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۷ - ۴

۴ - خداوند ، تدبیرگر مشرق و مغربی خاص ، برای هر یک از ماه

و خورشید

ربّ المشرقین و ربّ المغربین

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که تثنیه آمدن <المشرقین> و <المغربین>، از این جهت باشد که یک مشرق و مغرب برای خورشید و مشرق و مغربی دیگر برای ماه تدبیر شده است.

مکان استقرار خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۱ - ۶

۶ خداوند در برج ها و منزلگاه های آسمانی ، خورشید را قرار داد .

و جعل فیها سراجًا

برداشت فوق، بر این اساس مبتنی است که ضمیر <فیها> به <بروج> بازگردد.

منشأ تسخیر خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۶

۶ - خورشید و ماه ، مسخر خدا و رام اراده او هستند .

و سخّر الشمس و القمر

منشأ گردش خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۸ - ۵

۵ - حرکت خورشید بر مداری مشخص و سمت و سوی قرارگاه ویژه خود ، به تقدیر و تدبیر خداوند است .

و الشمس تجری لمستقر لها ذلک تقدیر العزیز

منشأ نور خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۱ - ۱۰

۱۰ - ایجاد روشنایی هم چون درخشش خورشید ، خارج از توان غیر خداوند است .

من إله غیر اللّه یأتیکم بضیاء

تنوین در <ضیاء> اصطلاحاً تنوین تفخیم نامیده می شود; یعنی، <ضیاء عظیم> و آن به درخشش بزرگ و خیره کننده خورشید اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۶ - ۲

۲ - مایه و

سرچشمه نور خورشید ، از درون خود آن و نور ماه از بیرون آن است .

و جعل القمر فیهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

مطلب یاد شده از تعبیر <سراج> (چراغ) درباره خورشید و <نور> در مورد <ماه> استفاده می شود; زیرا نور <خورشید> مانند چراغ از درون خودش می چوشد. اما نور <ماه> از درون خودش نیست; بلکه مانند بازتابی که از آینه منعکس می شود، از نور خورشید است.

منشأ نورانیت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۳ - ۱

۱ - خداوند خورشید را چراغ فروزان و منبع نور و حرارت قرار داده است .

و جعلنا سراجًا وهّاجًا

<وَهَج> (ریشه <وهّاج>)، به معنای آتش و روشنایی آن است. (مقاییس اللغه)

ناپسندی خورشید پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۷ - ۵

۵ - پرستش خورشید و ماه و دیگر آیات الهی ، امری ناروا و به دور از اندیشه و معرفت

و من ءایته . .. لاتسجدوا للشمس و لا للقمر

با توجه به این که قرآن نخست انسان ها را به مطالعه آیات و معرفت هستی فراخوانده و پس از آن از پرستش خورشید نهی کرده است، این نکته به دست می آید که قرآن، پرستش خورشید و ماه را نتیجه اندیشه نکردن در هستی یا عدم شناخت صحیح آن می داند.

نظم خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۶ - ۴،۵

۴ خورشید و ماه تحت حاکمیت همه جانبه و دقیق نظم و حساب و برنامه قرار

دارند.

و الشمس و القمر حسبانا

برداشت فوق بر این مبناست که جمله <جعل . .. الشمس و القمر حسبانا> از باب مبالغه باشد، مانند <زید عدل> یعنی خورشید و ماه عین حساب و برنامه هستند. این بیان گویای آن است که هیچ ذره ای از ذرات و حرکتی از حرکات و ... از حساب خارج نیست.

۵ شکافته شدن صبح، آرامش شب و نظم و حساب خورشید و ماه، بر اساس برنامه ریزی خداوند عزیز و داناست.

فالق الإصباح . .. ذلک تقدیر العزیز العلیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۱۳ – ۴

۴ – حرکت منظم و بیوقفه خورشید و ماه

و سخّر الشمس و القمر کلّ یجری

فعل مضارع <یجری>، دلالت بر استمرار جریان حرکت خورشید و ماه دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۵ – ۱

۱ – حاکمیت نظم ، قانون مندی و هدفداری بر زوایای وجودی خورشید و ماه

الشّمس و القمر بحسبان

<حسبان> معادل <حساب> است. نکره آمدن آن، بیانگر انجام گرفتن محاسبه ای دقیق در آفرینش خورشید و ماه است.

نظم در طلوع خورشید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۱۷ – ۳

۳ – وجود نظم و برنامه در طلوع و غروب خورشید ، نشانی از پروردگار جهان

ربّ المشرقين و ربّ المغربين

نظم در غروب خورشيد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۱۷ – ۳

۳ – وجود نظم و برنامه در طلوع و غروب خورشید ، نشانی از پروردگار جهان

ربّ المشرقین و

ربّ المغربين

نعمت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۱ - ۱۱

۱۱ ستارگان ، خورشید و ماه تابان ، از نعمت های الهی برای انسان ها است .

تبارک الذی جعل فی السماء بروجًا . .. قمرًا منیرًا

برداشت فوق، به خاطر این است که آیه شریفه، ضمن آن که بیانگر قدرت خدا است، می تواند در صدد امتنان و برشمردن نعمت های الهی برای انسان ها نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۳ - ۲

۲ - خورشید پر فروغ ، نعمتی الهی است .

و جعلنا سراجًا وهّاجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱ - ۴

۴ - خورشید و نور آن ، نعمتی الهی است .

و الشمس و ضحیها

<سوگند>، زمانی می تواند مخاطب را به قبول سخن وادار سازد که آنچه به آن سوگند یاد شده است; مورد علاقه او بوده و به حال او سودمند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۲ - ۵

۵ - ماه و پیدایش آن پس از خورشید ، از نعمت های خداوند برای انسان ها است .

و القمر إذا تليها

سوگند، نشانه علاقه مخاطب به چیزی است که به آن سوگند یاد شده است.

نعمت طلوع خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۸ - ۳

۳ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی ، متجلی در

طلوع و غروب خورشید

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان>، ظاهراً به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۱ - ۳

۳ - نور خورشید و برآمدن آن در صبحگاه ، نعمتی الهی است .

و الضحی

نعمت غروب خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۸ - ۳

۳ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی ، متجلی در طلوع و غروب خورشید

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان>، ظاهراً به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

نعمت گردش خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۸ - ۲،۵

۲ - نظام گردش خورشید ، در جهت تأمین نیاز های بشر و نعمتی غیرقابل انکار و تکذیب ناپذیر

ربّ المشرقین و ربّ المغربین . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

از ارتباط بین دو آیه و نعمت خواندن گردش خورشید، مطلب بالا برداشت می شود.

۵ - جن همانند انسان ، برخوردار از نعمت چرخش منظم خورشید *

فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

بنابراين كه مخاطب <ربّكما> انسان و جن باشند، برداشت ياد شده به دست مى آيد.

نعمت نور خورشيد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱ - ۴

۴ - خورشيد و نور آن ، نعمتى الهى است .

و الشمس و ضحيها

<سوگند>، زمانى مى تواند مخاطب را به قبول سخن وادار سازد كه آنچه به آن سوگند ياد شده است; مورد

علاقه او بوده و به حال او سودمند باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ضحی – ۹۳ – ۱ – ۳

۳ – نور خورشید و برآمدن آن در صبحگاه ، نعمتی الهی است .

و الضحی

نقش خورشید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۹۶ – ۳

۳ خداوند خورشید و ماه را وسیله ای برای محاسبه زمان و اندازه گیری آن قرار داده است.

و الشمس و القمر حسبانا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۳۳ – ۱۰

۱۰– دریا ها ، رودخانه ها ، خورشید ، ماه و شب و روز ، هر کدام آیتی مستقل برای خداشناسی و برطرف کننده نیازی از نیاز های انسان

و سخّر لکم الفلک . .. و سخّر لکم الأنهر . و سخّر لکم الشمس و القمر دائبین و

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۲۲ – ۳

۳ – نقش اساسی باران ، آفتاب و هوا ، در فراهم آمدن روزی آدمیان *

و فی السّماء رزقکم

از آن جایی که باران، آفتاب و هوا از طرف بالا مشرف بر زمین اند و نقش اساسی در پیدایش غذای آدمیان دارند، تعبیر <و فی السماء رزقکم> آمده است.

نقش طلوع خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۳ - ۴

۴ - ظهور خورشید ، از آثار پیدایش روز است .

و النهار إذا جلّیها

در صورتی که ضمیر مفعولی <جلّاها> به <الشمس> برگردد چنان که برخی از مفسران

احتمال داده انـد مفاد آیه این خواهد شد که: پدید آمدن روز کاری نیست که مسـتند به خورشـید باشد; بلکه حالتی از حالت های زمین است که در آن حالت، <خورشید> پدیدار می گردد.

نقش مشرق خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۷ - ۲

۲ - نقش اساسی نقطه طلوع و غروب خورشید ، در پیدایش فصول و تأمین نیاز های بشر *

ربّ المشرقین و ربّ المغربین

بـا توجه به این که پیـدایش فصول هم زمان با تغییر میل خورشـید در طلوع و غروب صورت می گیرد احتمال می رود یاد کرد <مشـرقین و مغربین>، اشاره به پیامـدهای مهم آن (پیـدایش فصول) داشـته باشد که بشـر از این رهگذر، به امکانات زندگی دست می یابد.

نقش مغرب خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۷ - ۲

۲ - نقش اساسی نقطه طلوع و غروب خورشید ، در پیدایش فصول و تأمین نیاز های بشر *

ربّ المشرقین و ربّ المغربین

بـا توجه به این که پیـدایش فصول هم زمان با تغییر میل خورشـید در طلوع و غروب صورت می گیرد احتمال می رود یاد کرد <مشـرقین و مغربین>، اشاره به پیامـدهای مهم آن (پیـدایش فصول) داشـته باشد که بشـر از این رهگذر، به امکانات زندگی دست می یابد.

نورانی کننده خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵ - ۱

۱ تنها خداست که خورشید را فروزان و ماه را تابان قرار داده است .

هو الذی جعل الشمس ضیاء و القمر نوراً

نورانیت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵ - ۲

۲ فروزندگی خورشید و تابندگی ماه ، جلوه هایی از ربوبیت و تدبیر خدا نسبت به اهل زمین

إن ربکم اللّه . .. هو الذی جعل الشمس ضیاء و القمر نوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۶ - ۱

۱ - خداوند ، ماه را نورانی و خورشید را همچون چراغ فروزنده آفرید .

و جعل القمر فیهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۳ - ۲

۲ - خورشید پر فروغ ، نعمتی الهی است .

و جعلنا سراجًا وهّاجًا

ویژگیهای خلقت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۶ - ۱

۱ - خداوند ، ماه را نورانی و خورشید را همچون چراغ فروزنده آفرید .

و جعل القمر فیهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

خورشید پرستی

بی منطقی خورشید پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۷ - ۵

۵ - پرستش خورشید و ماه و دیگر آیات الهی ، امری ناروا و به دور از اندیشه و معرفت

و من ءایته . .. لاتسجدوا للشمس و لا للقمر

بـا توجه به این که قرآن نخست انسان ها را به مطالعه آیات و معرفت هستی فراخوانـده و پس از آن از پرسـتش خورشـید نهی کرده است، این نکته به دست می آید که قرآن، پرستش خورشید و ماه را نتیجه اندیشه نکردن در هستی یا عدم

شناخت صحیح آن می داند.

تاریخ خورشید پرستی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۷۸ – ۱

۱ پرستش خورشید، آیینی رایج در میان مردم زمان ابراهیم بود.

فلما رءا الشمس بازغه قال هذا ربی

خورشید پرستی در دوران ابراهیم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۷۸ – ۱

۱ پرستش خورشید، آیینی رایج در میان مردم زمان ابراهیم بود.

فلما رءا الشمس بازغه قال هذا ربی

خورشید پرستی در صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۳۷ – ۶

۶ – وجود گرایش های خورشیدپرستی و ماه پرستی ، در میان مردم عصر پیامبر (ص)

لاتسجدوا للشمس و لا للقمر

مطلب بالا با توجه به این نکته است که نهی در موردی معنا دارد که زمینه ارتکاب منهی عنه وجود داشته باشد.

ردّ خورشید پرستی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۷۸ – ۲

۲ ابراهیم(ع) در مقام مجادله و برای ابطال عقاید شرک آمیز قوم خویش تظاهر به خورشیدپرستی کرد.

فلما رءا الشمس بازغه قال هذا ربی

ناپسندی خورشید پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۷ - ۵

۵ - پرستش خورشید و ماه و دیگر آیات الهی ، امری ناروا و به دور از اندیشه و معرفت

و من ءایته . .. لاتسجدوا للشمس و لا للقمر

با توجه به این که قرآن نخست انسان ها را به مطالعه آیات و معرفت هستی فراخوانده و پس از آن

از پرستش خورشید نهی کرده است، این نکته به دست می آید که قرآن، پرستش خورشید و ماه را نتیجه اندیشه نکردن در هستی یا عدم شناخت صحیح آن می داند.

خورشید پرستی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خورشید پرستی

بی منطقی خورشید پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۷ - ۵

۵ - پرستش خورشید و ماه و دیگر آیات الهی ، امری ناروا و به دور از اندیشه و معرفت

و من ءایته . .. لاتسجدوا للشمس و لا للقمر

با توجه به این که قرآن نخست انسان ها را به مطالعه آیات و معرفت هستی فراخوانده و پس از آن از پرستش خورشید نهی کرده است، این نکته به دست می آید که قرآن، پرستش خورشید و ماه را نتیجه اندیشه نکردن در هستی یا عدم شناخت صحیح آن می داند.

تاریخ خورشید پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۸ - ۱

۱ پرستش خورشید، آیینی رایج در میان مردم زمان ابراهیم بود.

فلما رءا الشمس بازغه قال هذا ربی

خورشید پرستی در دوران ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۸ - ۱

۱ پرستش خورشید، آیینی رایج در میان مردم زمان ابراهیم بود.

فلما رءا الشمس بازغه قال هذا ربی

خورشید پرستی در صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۳۷ – ۶

۶ – وجود گرایش های خورشیدپرستی و ماه پرستی ، در میان مردم عصر پیامبر (ص)

لاتسجدوا للشمس و لا للقمر

مطلب بالا با توجه به

این نکته است که نهی در موردی معنا دارد که زمینه ارتکاب منهی عنه وجود داشته باشد.

ردّ خورشید پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۸ - ۲

۲ ابراهیم(ع) در مقام مجادله و برای ابطال عقاید شرک آمیز قوم خویش تظاهر به خورشیدپرستی کرد.

فلما رءا الشمس بازغه قال هذا ربی

ناپسندی خورشید پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۷ - ۵

۵ - پرستش خورشید و ماه و دیگر آیات الهی ، امری ناروا و به دور از اندیشه و معرفت

و من ءایته . .. لاتسجدوا للشمس و لا للقمر

با توجه به این که قرآن نخست انسان ها را به مطالعه آیات و معرفت هستی فراخوانده و پس از آن از پرستش خورشید نهی کرده است، این نکته به دست می آید که قرآن، پرستش خورشید و ماه را نتیجه اندیشه نکردن در هستی یا عدم شناخت صحیح آن می داند.

خوشرفتاری از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خوشرفتاری

آثار خوشرفتاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۳ - ۱۱

۱۱ برخورد کریمانه و بزرگوارانه بندگان خالص خدا در برابر گفتار جاهلانه افراد نادان ، برخاسته از روح فروتنی و نرم خویی آنان است .

و إذا خاطبهم الجهلون قالوا سلمًا

عطف جمله <و إذا خاطبهم الجهلون. ..> بر جمله قبل بدون تکرار شدن اسم موصول (الذین)، نشانگر وجود وحدت و ارتباط نزدیک میان این دو صفت است. از سوی دیگر تقدم بیان صفت تواضع بر صفت برخورد کریمانه با افراد جاهل، حاکی از آن است که این

صفت، سبب چنین برخورد پسندیده ای است.

اهمیت خوشرفتاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۶ - ۱۶

۱۶- انتخاب خوش رفتاری در مواجهه با کافران ، بهتر از به کارگیری شدّت و خشونت است .

و إمّا أن تتّخذ فیهم حسنًا

جمله <تتّخذ فیهم حسناً> در بیان طریقه مقابل عذاب، تلقین کننده اختیار این شیوه از بین دو نوع برخوردی است که ذوالقرنین بین آن ها مخیّر بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۳ - ۸

۸ جایگاه ویژه صفت تواضع و فروتنی و رفق و مدارا ، در مقایسه با دیگر اوصاف پسندیده و ارزشمند ، در نگاه وحی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونًا

آمدن صفت تواضع و فروتنی به عنوان نخستین صفت از سلسله اوصاف <عباد الرحمان> که در چند آیه از آنها یاد شده است می تواند گویای برداشت فوق باشد.

اهمیت خوشرفتاری با همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۲ - ۴

۴ - لزوم خوش رفتاری و رعایت موازین شرع و عقل ، در روابط میان خود از سوی همسران

فأمسکوهنّ بمعروف أو فارقوهنّ بمعروف

آیه شریفه، هرچند در مورد ادامه زندگی یا جدایی کامل مرد با همسر خویش نازل شده است; ولی شامل تمامی مواردی می شود که باهم ارتباط برقرار می کنند.

خوشرفتاری با جاهلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۳ – ۹،۱۱،۱۲،۱۳

۹ بندگان خالص خدا ، به هنگام روبه رو شدن با گفتار

جاهلانه و به دور از ادب و منطق افراد جاهل ، با گفتار شایسته و عالمانه و به دور از بیهودگی و بی ادبی به آنان پاسخ می گویند .

و إذا خاطبهم الجهلون قالوا سلمًا

برداشت فوق، بر این مبنا است که <سلاماً> صفت برای مفعولٌ به مقدر باشد; یعنی، <قالوا قولاً سلاماً> در این صورت معنای <سلاماً> به قرینه جمله قبل که سخن از گفتار جاهلانه و ناشایست افراد جاهل است سخن عالمانه و شایسته و دور از بیهودگی و بی ادبی می باشد.

۱۱ برخورد کریمانه و بزرگوارانه بندگان خالص خدا در برابر گفتار جاهلانه افراد نادان ، برخاسته از روح فروتنی و نرم خویی آنان است .

و إذا خاطبهم الجهلون قالوا سلمًا

عطف جمله <و إذا خاطبهم الجهلون. ..> بر جمله قبل بدون تکرار شدن اسم موصول (الذین)، نشانگر وجود وحدت و ارتباط نزدیک میان این دو صفت است. از سوی دیگر تقدم بیان صفت تواضع بر صفت برخورد کریمانه با افراد جاهل، حاکی از آن است که این صفت، سبب چنین برخورد پسندیده ای است.

۱۲ برخورد کریمانه و شایسته با گفتار جاهلانه و به دور از ادب و منطق ، از آثار بندگی خدای رحمان و ایمان به او است .

و عباد الرحمن الذین . .. و إذا خاطبهم الجهلون قالوا سلمًا

آغاز شدن آیه شریفه با عنوان <عباد> (بندگان) و سپس طرح شدن مسأله برخورد کریمانه و شایسته با گفتار جاهلانه و. ..، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

۱۳ تشویق خداوند به فروتنی و مدارا با مردم و برخورد کریمانه و شایسته با افراد جاهل و ناسزاگو

و إذا

خاطبهم الجهلون قالوا سلمًا

از سیاق و آهنگ آیه شریفه، چنین برمی آید که خداوند در صدد تشویق و تحریص انسان ها به آراسته شدن به چنین اوصاف و خصلت هایی است.

خوشرفتاری با کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۳ – ۱۶

۱۶ – معاشرت نیکو با همگان حتی با کافران ، از وظایف اهل ایمان است .

و قولوا للناس حسناً

مراد از <الناس> می تواند افراد همان ملتی باشد که مخاطب جمله <قولوا> است و می تواند مراد از آن افراد ملتهای دیگر باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال دوم است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۶ – ۱۶

۱۶– انتخاب خوش رفتاری در مواجهه با کافران ، بهتر از به کارگیری شدّت و خشونت است .

و إمّا أن تتّخذ فیهم حسنًا

جمله <تتّخذ فیهم حسناً> در بیان طریقه مقابل عذاب، تلقین کننده اختیار این شیوه از بین دو نوع برخوردی است که ذوالقرنین بین آن ها مخیّر بود.

خوشرفتاری با مردم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۳ – ۴،۶،۱۶،۱۸

۴ – با مردمان به نیکی سخن گفتن و معاشرت نیکو داشتن ، از عهد ها و پیمان های خداوند با بنی اسرائیل

و قولوا للناس حسناً

<حسناً> مصدر است به معنای وصف (حَسَناً = نیکو) این کلمه می تواند صفت برای مفعول مطلق و جانشین آن باشد; یعنی: <قولوا للناس قولا حسناً; با مردم سخن نیکو بگویید>. در المیزان آمده که جمله مذکور کنایه از معاشرت نیک است.

۶ - گفتار نیک و معاشرت

نیکو با سایر اقوام و ملت ها ، میثاق خدا با بنی اسرائیل

و قولوا للناس حسناً

مراد از <الناس> می تواند همان اسرائیلیان باشد و می تواند اقوام و ملتهای دیگر هم باشد. برداشت فوق مبتنی بر دومین احتمال است.

۱۶ - معاشرت نیکو با همگان حتی با کافران ، از وظایف اهل ایمان است .

و قولوا للناس حسناً

مراد از <الناس> می تواند افراد همان ملتی باشد که مخاطب جمله <قولوا> است و می تواند مراد از آن افراد ملتهای دیگر باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال دوم است.

۱۸ - معاشرت نیکو با مردم اقامه نماز و ادای زکات ، از مصداق های اعمال شایسته است .

و عملوا الصلحت . .. و قولوا للناس حسناً و أقیموا الصلوه و ءاتوا الزکوه

خوشرفتاری با مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۲ - ۳۸

۳ - از سرگیری زندگی با زن مطلّقه و یا جدایی همیشگی از او ، پس از گذشت زمان عدّه ، باید به صورت پسندیده و براساس موازین عقل و شرع باشد .

فامسکوهنّ بمعروف أو فارقوهنّ بمعروف

<معروف> اسم برای هر کاری است که از نظر عقل و شرع، حسن و خوبی آن شناخته شده باشد (مفردات راغب).

۸ - برخورد شایسته با زنان مطلّقه ، ادای حقّ آنان و انتخاب دو شاهد عادل بر امر طلاق یا رجوع ، از موعظه های الهی به مردان و زنان مؤمن

لاتخرجوهنّ من بیوتهنّ . .. و أقیموا الشهده للّه ذلکم یوعظ به

<ذلک> اشاره به مجموعه رهنموهای الهی در دو آیه این سوره است.

فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۵ – ۱

۱ – احکام طلاق و عدّه زنان مطلّقه و ادای حقوق آنان (همچون مسکن ، هزینه زندگی و برخورد شایسته) فرمان های نازل شده از سوی خداوند

إذا طلّقتم النساء فطلّقوهنّ لعدّتهنّ . .. ذلک أمر اللّه أنزله إلیکم

خوشرفتاری با والدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۳ – ۲۸

۲۸ – ابی ولاد حناط می گوید : < سألت ابا عبداللّه (ع) عن قول اللّه عز و جل < و بالوالدین احساناً > ما هذا الاحسان ؟ فقال : الاحسان ان تحسن صحبتهما و ان لاتکلفهما ان یسألاک شیئاً مما یحتاجان الیه و ان کانا مستغنین . . . ;

از امام صادق(ع) از آیه <و بالوالدین احساناً> سؤال نمودم که این احسان چیست؟ امام فرمود: احسان]به پدر و مادر[آن است که با آنان خوشرفتار باشی و کاری نکنی که آنان مجبور شوند از تو چیزی که نیاز دارند درخواست کنند ولو اینکه مستغنی باشند . ..>.

خوشرفتاری بندگان خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۳ – ۳

۳ بندگان خالص خدا ، مظهر مدارا و نرمی و منزه از روح خشونت و درشتی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونًا

خوشرفتاری محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۳۴ – ۲

۲ – برخورد نیک و شایسته در برابر رفتار های زشت و ناپسند دشمنان ، توصیه خداوند به پیامبر (ص)

و لاتستوی الحسنه و لا

السّیّئه ادفع بالتی هی أحسن

خوشگذرانی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خوشگذرانی

خوشگذرانی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۳ - ۴

۴- غوطهوری در زندگی مادی و خوش گذرانی ، شیوه زندگی در جوامع ستمگر

قریه کانت ظالمه . .. وارجعوا إلی ما أُترفتم فیه

خوشگذرانی فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۷ - ۲،۳

۲- جامعه فرعونی ، جامعه ای خوشگذران و عشرت طلب

و نعمه کانوا فیها فکهین

۳- حضور در محافل عشرت و خوش گذرانی ، از برنامه های فرعونیان

و نعمه کانوا فیها فکهین

<فاکهین> (از <فکاهه>) به معنای حدیث انس می باشد و تعبیر <کانوا> می رساند که برنامه آنان چنین بوده است.

خوشگذرانی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۹ - ۳،۴

۳ - سرخوشی و سرمستی ثمودیان در خانه های کوهستانی خویش

و تنحتون من الجبال بیوتًا فرهین

<فارهین> می توانـد از مصـدر<فره> (نشاط و سرخوشـی) مشـتق شـده باشد. گفتنی است که <فارهین> بنابراین احتمال، صفت برای <بیوتاً> و به تقدیر <فارهین فیها> است; یعنی، خانه هایی که در آن مست و سرخوشید.

۴ - سرزنش ثمودیان از سوی صالح (ع) ، به خاطر ساختن خانه ها در دل کوه ها و خوش گذرانی در آن

و تنحتون من الجبال بیوتًا فرهین

برداشت یادشده بدان احتمال است که این آیه به قرینه واقع شدن در حیز اسـتفهام (اسـتفهام در<أتترکون فی ما ههنا>) جمله استفهامی بوده و به تقدیر <أو تنحتون. ..> باشد.

مسابقه برای خوشگذرانی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۲۰

مطففین - ۸۳ - ۲۶ - ۳

۳ - به کار گرفتن تمام تلاش برای رقابت با دیگران ، تنها شایسته خوش گذرانی و شراب خواری در جهان آخرت است .

و فی ذلک فلیتنافس المتنفسون

<تَنافُس>; یعنی، هر یک از رقابت کنندگان، نیروی نَفْس خویش را در برابر دیگری آشکار سازد (مقاییس اللغه). <ذلک>، به محتوای آیات <علی الأرائک ینظرون> و <یسقون> اشاره دارد.

ناپایداری خوشگذرانی دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۵ - ۵

۵ - خداوند ، آگاه به وجود نشیب و فراز در مراحل حیات دنیوی و اخروی انسان و ناپایدار ماندن محفل های خانوادگی و خوش گذرانی های دنیامداران

بلی إنّ ربّه کان به بصیرًا

هر چند ضمیر در <ربّه> و <به>، به منکر معاد برمی گردد; ولی محتوای آیه شریفه، به جنبه انسان بودن آنان مربوط است.

خوشگذرانان

زمینه عبرت خوشگذرانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۷ - ۵

۵- امکانات دنیوی به جای مانده از مستکبران فرعونی ، درس عبرت برای دنیاخواهان عشرت طلب

کم ترکوا من جنّت . .. و نعمه کانوا فیها فکهین

تعبیر <کم ترکوا. ..> در مقام درس آموزی و تأمل برانگیزی آدمیان در سونوشت فرعونیان است.

خوشگذران

ظلم خوشگذران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۴ - ۴

۴- رفاه زدگان و خوشگذرانان جوامع ، ظالم و ستمگراند .

قریه کانت ظالمه . .. ما أُترفتم فیه ... إنّا کنّا ظلمین

خوشنامی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خوشنامی

آرزوی خوشنامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۴ -

۱ – ابراهیم (ع) آرزومند باقی ماندن نام نیک او در میان نسل های آینده و تقاضاکننده آن از خداوند

و اجعل لی لسان صدق فی الأخرین

مفسران، تعبیر<لسان صدق> را کنایه از آوازه و نام نیک گرفته اند.

۲ – پسندیده بودن آرزوی انسان مبنی بر بقای آوازه نیکو از او در میان نسل ها

و اجعل لی لسان صدق فی الأخرین

اظهار خوشنامی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – شرح – ۹۴ – ۴ – ۵

۵ – خوش نامی ، نعمتی الهی و سزاوار بازگو کردن و اظهار خرسندی است .

وامّا بنعمه ربّک فحدّث. .. و رفعنا لک ذکرک

اهمیت خوشنامی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۷۸ – ۳

۳ – باقی ماندن نام و آوازه نیک از انسان در میان آیندگان ، امری شایسته و پسندیده

و ترکنا علیه فی الأخرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۰۸ – ۳

۳ – برجای ماندن نام و آوازه نیک از انسان در میان آیندگان ، امری شایسته و پسندیده

و ترکنا علیه فی الأخرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۹ - ۳

۳ - باقی ماندن نام و آوازه نیک از انسان در میان آیندگان ، امری شایسته و پسندیده

و ترکنا علیهما فی الأخرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۹ - ۳

۳ - باقی ماندن نام و آوازه نیک از انسان در میان آیندگان ، امری شایسته و پسندیده

و ترکنا علیه

فی الأخرین

تذکر خوشنامی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۴ - ۶

۶ - خداوند ، با توجه دادن پیامبر (ص) به نعمت خوش نامی ، آن را عطای ویژه خویش به آن حضرت خواند .

و رفعنا لک ذکرک

خوشنامی ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۴ - ۱

۱ - ابراهیم (ع) آرزومند باقی ماندن نام نیک او در میان نسل های آینده و تقاضاکننده آن از خداوند

و اجعل لی لسان صدق فی الأخرین

مفسران، تعبیر<لسان صدق> را کنایه از آوازه و نام نیک گرفته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۸ - ۱،۲

۱ - خداوند ، از ابراهیم (ع) نام و آوازه نیکی در میان آیندگان برجای گذاشت .

و ترکنا علیه فی الأخرین

برداشت یاد شده، بر این اساس مبتنی است که مفعول <ترکنا> محذوف بوده و تقدیر آن چنین باشد: <و ترکنا ثناء علیه> گفتنی است فعل <ترکنا> در آیه شریفه، به معنای <أبقینا> (باقی گذاشتیم) است.

۲ - برجا ماندن نام و آوازه ابراهیم (ع) در میان آیندگان ، از نعمت ها و الطاف الهی به ایشان

و ترکنا علیه فی الأخرین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های خداوند بر حضرت ابراهیم(ع) و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۰ - ۳

۳ - فرزنددار شدن ابراهیم (ع)

و برجای ماندن نام و آوازه نیک آن حضرت ، از پاداش های خداوند به ایشان

فبشّرنه بغلم حلیم . .. سلم علی إبرهیم . کذلک نجزی المحسنین

خوشنامی ابراهیم(ع) در جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۹ - ۲

۲ - حضرت ابراهیم و موسی (ع) ، پیامبرانی شناخته شده در جزیره العرب و دارای طرفدارانی بسیار

صحف إبرهیم و موسی

از آن جا که کتاب های پیشینیان محدود به صحیفه های حضرت ابراهیم و موسی(ع) نبود; تصریح به این دو می تواند برخاسته از نفوذ چشمگیر این پیامبران در جزیره العرب عصر پیامبر(ص) باشد.

خوشنامی الیاس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۹ - ۱

۱ - خداوند ، از الیاس پیامبر نام و آوازه ای نیک در میان آیندگان برجای گذاشت .

و ترکنا علیه فی الأخرین

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که مفعول <ترکنا> محذوف بوده و تقدیر آن چنین باشد: <ترکنا ثناء علیه>. گفتنی است فعل <ترکنا> در این آیه، به معنای <أبقینا> (باقی گذاشتیم) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۱ - ۳

۳ - باقی ماندن نام و آوازه نیک الیاس پیامبر (ع) ، از پاداش های خداوند به ایشان

و ترکنا علیه فی الأخرین . .. إنّا کذلک نجزی المحسنین

خوشنامی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۴

۴ خداوند ، پیامبران را از میان انسانهایی که خوش نام و به نیکی

معروفند ، انتخاب می کند .

قد کنت فینا مرجوًّا قبل هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۷ - ۱۶

۱۶ خداوند ، پیامبران را از میان انسانهایی که به نیکی معروفند ، انتخاب می کند .

إنک لأنت الحلیم الرشید

خوشنامی در رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۴ - ۴

۴ - آبرومندی نزد مردم ، از ویژگی های لازم و سودمند برای رهبران الهی

و رفعنا لک ذکرک

خوشنامی شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۸ - ۶

۶ - شعیب (ع) ، شخصیتی خوشنام و امانت دار ، نزد مردم ایکه

إنّی لکم رسول أمین

تأکید شعیب(ع) بر امین بودن خود، در صورتی ثمربخش است که وی از پیشینه ای همراه با خوشنامی و امانت داری نزد مردم ایکه برخوردار باشد.

خوشنامی صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۳ - ۶

۶ - صالح (ع) ، شخصیتی خوشنام و امانت دار در میان ثمودیان

إنّی لکم رسول أمین

تأکید صالح(ع) بر امین بودن خود، در صورتی ثمربخش است که وی از پیشینه ای همراه با خوشنامی و امانت داری برخوردار باشد.

خوشنامی عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۷ - ۷

۷ - عیسی بن مریم (ع) ، شخصیتی شناخته شده و نامی آشنا در مکه عصر بعثت

و لمّا ضرب ابن مریم

خوشنامی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۲ - ۶

۶ - لوط (ع) ، شخصیتی خوشنام و امانت دار در میان قوم خود

إنّی لکم رسول أمین

تأکید لوط(ع) بر امین بودن خود، در صورتی ثمربخش است که وی از پیشینه ای همراه با خوشنامی و امانت داری برخوردار باشد.

خوشنامی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۶ - ۷

۷ - پیامبر (ص) ، سالیان درازی در میان مردم زندگی می کرد و آنان آن حضرت را به عقل و درایت می شناختند .

ثمّ تتفکّروا ما بصاحبکم من جِنّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۴ - ۲،۸،۹

۲ - پیامبر (ص) ، فردی آبرومند و دارای مقامی ارجمند ، در دیدگاه مردم عصر خویش

و رفعنا لک ذکرک

یاد رفیع، کنایه از احترام گذاشتن یادکنندگان است.

۸ - شخصیت رسول اکرم (ص) ، زیبنده نیک نامی و آبرومندی بود .

و رفعنا لک ذکرک

در برداشت یاد شده، <لام> در <لک> برای تعلیل فرض شده و بیانگر آن است که پیامبر(ص)، خود علتی کافی برای آوازه بلند و شایسته رفعت ذکر است.

۹ - < عن رسول اللّه (ص) قال : أتانی جبرئیل فقال : إنّ ربّک یقول : تدری کیف رفعت ذکرک ؟ قلت : اللّه أعلم ، قال :

إذا ذُكِرتُ ذُکرتَ معی ;

از رسول خـدا(ص) روایت شده که فرمود: جبرئیل نزد من آمد و گفت: پروردگارت می فرماید: آیا می دانی چگونه آوازه تو را بلند ساختم؟ رسول خدا(ص) فرمود: خدا آگاه تر

است [جبرئیل عرض کرد:] خداوند می فرماید: آن هنگام که من یاد می شوم تو نیز همراه من یاد می شوی [مانند یاد خدا در اذان و اقامه و تشهد نماز]>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – شرح – ۹۴ – ۵ – ۲

۲ – شرح صدر و سبک بار بودن پیامبر (ص) و بلندآوازگی آن حضرت ، نمونه ای از انفکاک ناپذیری مشکلات از آسانی ها

ألم نشرح . .. و وضعنا... و رفعنا... فإنّ مع العسر یسرًا

جمله <فإنّ. ..> بیانگر آن است که آنچه در آیات پیشین آمد، ریشه در یک قانون کلی دارد و آن همراه بودن <عسر> با <یسر> است. حرف <فاء>، بیان قانون را بر کاشف آن، تفریع کرده است؛ یعنی، آنچه برای تو انجام دادیم، باید انجام می گرفت؛ زیرا سختی بدون آسانی نمی شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – کوثر – ۱۰۸ – ۳ – ۱،۵

۱ – یکی از دشمنان پیامبر (ص) ، آن حضرت را نسل بریده و آینده او را خالی از ذکر خیر خواند .

إنّ شانئک هو الأبتر

<شانئک>؛ یعنی، کسی که با تو بغض و دشمنی دارد (تاج العروس). بیشتر مفسران، او را پدر عَمروعاص دانسته اند که پس از فوت پسران پیامبر(ص)، آن حضرت را <ابتر> خواند. <أبتر> به معنای کسی است که از او به خیر و نیکی یاد نشود. <بَتْر> (ریشه <أبتر>) در بریدن دُم به کار می رود و به همین جهت شخصی را که نسل او قطع شده است، <ابتر> گویند (مفردات)؛ زیرا نسلی که نام نیک او

را زنده نگه دارد، وجود ندارد.

۵ - گسترش آوازه پیامبر (ص) و بقای نام نیک برای او و مهجور ماندن نام دشمنان دین در تاریخ ، بشارت خداوند به آن حضرت و از خبر های غیبی قرآن

إنّ شانئک هو الأبتر

خوشنامی موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۹ - ۱،۲

۱ - خداوند از موسی و هارون (علیهماالسلام) نام و آوازه نیکی در میان آیندگان برجای گذاشت .

و ترکنا علیهما فی الأخرین

برداشت یاد شده، بر این اساس مبتنی است که مفعول <ترکنا> محذوف بوده و تقدیر آن چنین باشد: <و ترکنا ثناء علیهما>. گفتنی است که فعل <ترکنا> در این آیه، به معنای <أبقینا> (باقی گذاشتیم) است.

۲ - باقی ماندن نام و آوازه موسی و هارون (علیهماالسلام) در میان آیندگان ، از نعمت ها و الطاف الهی به ایشان

و ترکنا علیهما فی الأخرین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های خداوند بر موسی و هارون (علیهماالسلام) و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۱ - ۳

۳ - نجات موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان از اندوهی بزرگ ، اعطای کتاب آسمانی و باقی ماندن نام و آوازه نیک آنان ، از پاداش های خداوند به ایشان

و نجّینهما و قومهما من الکرب العظیم . .. إنّا کذلک نجزی المحسنین

خوشنامی موسی(ع) در جزیره العرب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – اعلی – ۸۷ –

۲ - ۱۹

۲ - حضرت ابراهیم و موسی (ع) ، پیامبرانی شناخته شده در جزیره العرب و دارای طرفدارانی بسیار

صحف إبرهیم و موسی

از آن جا که کتاب های پیشینیان محدود به صحیفه های حضرت ابراهیم و موسی(ع) نبود؛ تصریح به این دو می تواند برخاسته از نفوذ چشمگیر این پیامبران در جزیره العرب عصر پیامبر(ص) باشد.

خوشنامی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۷ - ۶

۶ - نوح (ع) ، شخصیتی خوشنام و امانتدار در میان قومش

إنّی لکم رسول أمین

تأکید نوح(ع) بر <أمین> بودن خود در ابلاغ پیام الهی، در صورتی ثمر بخش خواهد بود که وی در میان قومش، از سابقه امانت داری و خوش نامی برخوردار بوده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۸ - ۱

۱ - خداوند ، از نوح (ع) نام و آوازه نیک در میان آیندگان برجای گذاشت .

و ترکنا علیه فی الأخرین

برداشت یاد شده بر این اساس مبتنی است که مفعول <ترکنا> محذوف بوده و تقدیر آن چنین باشد: <و ترکنا ثناءً علیه>. گفتنی است فعل <ترکنا> در آیه شریفه، به معنای <أبقینا> (باقی گذاشتیم) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۰ - ۳

۳ - اجابت دعا ، نجات از مشکلاتِ اندوه بار ، باقی ماندن نسل و نام نیک و تحیت الهی ، از پاداش های خداوند به حضرت

نوح (ع)

و لقد نادينا نوح فلنعم المجيبون . .. سلم على نوح فى العلمين

. إنّا کذلک نجزی ا

خوشنامی هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۹ - ۱،۲

۱ - خداوند از موسی و هارون (علیهماالسلام) نام و آوازه نیکی در میان آیندگان برجای گذاشت .

و ترکنا علیهما فی الأخرین

برداشت یاد شده، بر این اساس مبتنی است که مفعول <ترکنا> محذوف بوده و تقدیر آن چنین باشد: <و ترکنا ثناء علیهما>. گفتنی است که فعل <ترکنا> در این آیه، به معنای <أبقینا> (باقی گذاشتیم) است.

۲ - باقی ماندن نام و آوازه موسی و هارون (علیهماالسلام) در میان آیندگان ، از نعمت ها و الطاف الهی به ایشان

و ترکنا علیهما فی الأخرین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های خداوند بر موسی و هارون (علیهماالسلام) و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۱ - ۳

۳ - نجات موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان از اندوهی بزرگ ، اعطای کتاب آسمانی و باقی ماندن نام و آوازه نیک آنان ، از پاداش های خداوند به ایشان

و نجّینهما و قومهما من الکرب العظیم . .. إنّا کذلک نجزی المحسنین

خوشنامی هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۵ - ۶

۶ - هود (ع) ، شخصیتی خوشنام و امانت دار در میان قوم خویش

إنّی لکم رسول أمین

تأکید هود(ع) بر <أمین> بودن خود، در صورتی ثمربخش است که وی از پیشینه امانت داری و خوشنامی برخوردار باشد.

ذکر نعمت خوشنامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۴ - ۷

۷ - توجّه پیامبر (ص) ، به خدادادی بودن نعمت خوش نامی ، مایه اطمینان آن حضرت به دوری اش از قهر و خشم خداوند

ما ودّعک ربّک و ما قلی . .. و رفعنا لک ذکرک

زمینه خوشنامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۰ - ۵

۵ - تأثیر احسان و نیکوکاری در اجابت دعا ، بقای نسل و نام نیک ، تقرب به پیشگاه خداوند و محبوبیت در میان خلق

و لقد نادینا نوح فلنعم المجیبون . .. سلم علی نوح فی العلمین . إنّا کذلک نجزی ا

سرور خوشنامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۴ - ۵

۵ - خوش نامی ، نعمتی الهی و سزاوار بازگو کردن و اظهار خرسندی است .

وامّا بنعمه ربّک فحدّث. .. و رفعنا لک ذکرک

عوامل خوشنامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۰ - ۴

۴- خداوند ، خوش نامی و بلندآوازگی را ، به پاس پایداری ابراهیم (ع) در توحید ، به او و فرزندانش عنایت کرد .

فلمّا أعتزلهم . .. و جعلنا لهم لسان صدق علیًّا

عوامل خوشنامی ابراهیم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۵۰ – ۴

۴- خداوند ، خوش نامی و بلندآوازگی را ، به پاس پایداری ابراهیم (ع) در توحید ، به او و فرزندانش عنایت

کرد .

فلمّا أعتزلهم . .. و جعلنا لهم لسان صدق عليًّا

عوامل خوشنامی فرزندان ابراهیم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۵۰ – ۴

۴- خداوند ، خوش نامی و بلندآوازگی را ، به پاس پایداری ابراهیم (ع) در توحید ، به او و فرزندانش عنایت کرد .

فلمّا أعتزلهم . .. و جعلنا لهم لسان صدق عليًّا

منشأ خوشنامی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۵۰ – ۶

۶- نام نیک و بلندآوازگی ، مزیّتی شایسته و پرتویی از رحمت الهی است .

و وهبنا لهم من رحمتنا و جعلنا لهم لسان صدق عليًّا

منشأ خوشنامی محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – شرح – ۹۴ – ۴ – ۱

۱ – خداوند ، پیامبر (ص) را در عصر بعثت ، نامدار و بلندآوازه ساخت و آن حضرت را در اوج شهرت قرار داد .

و رفعنا لك ذكرك

نعمت خوشنامی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۷۸ – ۲

۲ - باقی ماندن نام و آوازه نوح (ع) در میان آیندگان ، از نعمت ها و الطاف الهی به ایشان

و ترکنا علیه فی الأخرین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه در مقام برشمردن نعمت های خداوند بر حضرت نوح(ع) و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۸ - ۲

۲ - برجا ماندن نام و آوازه ابراهیم (ع)

در میان آیندگان ، از نعمت ها و الطاف الهی به ایشان

و ترکنا علیه فی الأخرین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های خداوند بر حضرت ابراهیم(ع) و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۹ - ۲

۲ - باقی ماندن نام و آوازه موسی و هارون (علیهماالسلام) در میان آیندگان ، از نعمت ها و الطاف الهی به ایشان

و ترکنا علیهما فی الأخرین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های خداوند بر موسی و هارون (علیهماالسلام) و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۹ - ۲

۲ - باقی ماندن نام و آوازه الیاس پیامبر در میان آیندگان ، از نعمت ها و الطاف الهی به ایشان

و ترکنا علیه فی الأخرین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام بر شمردن نعمت های خدا به حضرت الیاس و امتنان بر ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۴ - ۱۰

۱۰ - نام و آوازه نیک ، نعمتی است خدادادی و دارای مسؤولیت . *

و إنّه لذکر . .. و سوف تسئلون

برداشت بالا بدان احتمال است که منظور از <ذکر> یاد و نام خوش باشد; و نه تذکر، یادآوری و هشدار.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۴ - ۵

۵ -

خوش نامی ، نعمتی الهی و سزاوار بازگو کردن و اظهار خرسندی است .

وامّا بنعمه ربّک فحدّث. .. و رفعنا لک ذکرک

نقش خوشنامی محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – شرح – ۹۴ – ۴ – ۳

۳ – بلند آوازگی و شهرت پیامبر (ص) ، دارای نقشی بسزا در رفع مشکلات رسالت الهی و کاهش سنگینی آن

و وضعنا عنک وزرک . .. و رفعنا لک ذکرک

حرف <لام> در <لک> یا برای تعلیل است و یا انتفاع. در صورت دوم دلالت دارد که <رفعت ذکر>، برای پیامبر(ص) سودمند است. گفتنی است که خطاب به پیامبر(ص) در <لک> به قرینه <وزرک الذی أنقض ظهرک> به اعتبار مقام رسالت و رهبری آن حضرت است.

خوک از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خوک

اجتناب از خوک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۴۵ – ۹

۹ خوک، حیوانی آلوده و کثیف و نجس که باید از آن اجتناب کرد.

إلا أن یکون . .. فإنه رجس

بنابراین که ضمیر <انه> به خنزیر برگردد، نه به لحم خنزیر. در لسان العرب آمده است: <الرجس، القذر و القذار ضد النظافه ... و رجس، نجس>.

احکام خوک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۶،۹،۱۶

۶ خوردن گوشت مردار، خوک، خون و حیوانی که هنگام ذبح نام خدا بر آن برده نشده، حرام است.

إلا أن يكون ميته أو دما مسفوحا أو لحم خنزير فإنه رجس أو فسقا أهل لغير اللّه به

۹ خوک، حیوانی آلوده و کثیف و نجس که باید از آن اجتناب کرد.

إلا

أن یکون . .. فإنه رجس

بنابراین که ضمیر <انه> به خنزیر برگردد، نه به لحم خنزیر. در لسان العرب آمده است: <الرجس، القذر و القذار ضد النظافه ... و رجس، نجس>.

۱۶ خوردن خون، گوشت مردار، خوک و حیوان تذکیه نشده بر مضطر جایز است.

إلا أن یکون میته أو دما . .. فمن اضطر ... فإن ربک غفور رحیم

استفاده از گوشت خوک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳ – ۱،۱۱،۳۵،۳۹،۵۶

۱ حرمت استفاده از مردار ، خون و گوشت خوک

حرمت علیکم المیته و الدم و لحم الخنزیر

۱۱ استفاده از مردار ، خون ، گوشت خوک ، حیوان خفه شده ، زده شده ، پرت شده ، شاخ خورده ، دریده شده و بدون تذکیه ، فسق و خروج از طاعت خداوند است .

حرمت علیکم . .. ذلکم فسق

بنابر اینکه <ذلکم> اشاره باشد به جمیع عناوین یاد شده در آیه، نه خصوص آخرین عنوان.

۳۵ استفاده از مردار ، خون ، گوشت خوک و حیوانی که نام غیر خدا به هنگام ذبح بر آن برده شود ، در حال اضطرار جایز است .

حرمت علیکم . .. فمن اضطر فی مخمصه غیر متجانف لاثم فإنّ اللّه غفور رحیم

۳۹ استفاده از مردار ، خون ، گوشت خوک ، تنها به مقدار ضرورت جایز است .

حرمت . .. فمن اضطر فی مخمصه غیر متجانف لاثم فإنّ اللّه غفور رحیم

۵۶ بهره گیری مضطر از مردار ، خون ، گوشت خوک و حیوان ذبح شده به نام غیر خدا و . . . ، مشروط به آن است

که از روی عمد و قصد گناه نباشد .

فمن اضطر فی مخمصه غیر متجانف لاثم

از امام باقر(ع) در توضیح <غیر متجانف> در آیه فوق روایت شده: غیر متعمد لاثم.

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۶۲; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۴۷، ح ۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۱۶

۱۶ خوردن خون، گوشت مردار، خوک و حیوان تذکیه نشده بر مضطر جایز است.

إلا أن یکون میته أو دما . .. فمن اضطر ... فإن ربک غفور رحیم

پلیدی خوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۹،۱۰

۹ خوک، حیوانی آلوده و کثیف و نجس که باید از آن اجتناب کرد.

إلا أن یکون . .. فإنه رجس

بنابراین که ضمیر <انه> به خنزیر برگردد، نه به لحم خنزیر. در لسان العرب آمده است: <الرجس، القذر و القذار ضد النظافه ... و رجس، نجس>.

۱۰ آلودگی و پلیدی گوشت مردار و خوک و خون، فلسفه تحریم آنها از سوی خداوند است.

إلا أن یکون . .. فإنه رجس

مرجع ضمیر <إنه> می تواند مجموعه آنچه در آیه ذکر شده، باشد. برداشت فوق بنابر این اساس است.

حرمت خوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۵ - ۱

۱- خوردن مردار ، خون و گوشت خوك ، حرام است .

حرّم علیکم المیته و الدم و لحم الخنزیر

حرمت گوشت خوك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۱

۱ - خوردن مردار ، خون ، گوشت

خوک و حیوانی که به نام غیر خدا ذبح شده ، حرام است .

إنما حرم علیکم المیته و الدم و لحم الخنزیر و ما أهل به لغیر اللّه

<اهلال> (مصدر (أهلّ) به معنای بلند کردن صداست و مقصود از آن در آیه - چنانچه اهل تفسیر برآنند - نام بردن است و لام در <لغیر اللّه> برای تعدیه می باشد. بنابراین <ما أهل به لغیر اللّه>; یعنی، حیوانی که]به هنگام ذبح[نام غیر خدا بر او برده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۱

۱ حرمت استفاده از مردار ، خون و گوشت خوک

حرمت علیکم المیته و الدم و لحم الخنزیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۶

۶ خوردن گوشت مردار، خوک، خون و حیوانی که هنگام ذبح نام خدا بر آن برده نشده، حرام است.

إلا أن یکون میته أو دما مسفوحا أو لحم خنزیر فإنه رجس أو فسقا أهل لغیر اللّه به

خباثت خوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۳

۳ - مردار ، خون ، گوشت خوک و حیوانی که برای بت ها ذبح شود ، یا به نام غیر خدا سر بریده شود ، از خوراکی های خبیث و پلید هستند .

کلوا من طیبت . .. إنما حرم علیکم المیته ... و ما أهل به لغیر اللّه

خوردن خوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۲

۲ - به هنگام اضطرار

بهره برداری از مردار ، خون ، گوشت خوک و ذبیحه ای که نام غیر خدا بر او برده شده ، حلال است .

فمن اضطر . .. فلا إثم علیه

فلسفه تحریم خوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۱۰

۱۰ آلودگی و پلیدی گوشت مردار و خوک و خون، فلسفه تحریم آنها از سوی خداوند است.

إلا أن یکون . .. فإنه رجس

مرجع ضمیر <إنه> می تواند مجموعه آنچه در آیه ذکر شده، باشد. برداشت فوق بنابر این اساس است.

فلسفه حرمت گوشت خوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۲۳

۲۳ - < محمد بن عذافر عن بعض رجاله عن ابی جعفر (ع) قال قلت له لم حرم اللّه عزو جل الخمر و المیته و الدم و لحم الخنزیر ؟ فقال : ان اللّه تبارک و تعالی . . . خلق الخلق . . . و علم ما یضرهم فنهاهم عنه و حرمه علیهم ثم احله للمضطر فی الوقت الذی لایقوم بدنه إلا به فأمره أن ینال منه بقدر البلغه لاغیر ذلک . . . ;

امام باقر(ع) در پاسخ از علت حرمت خمر، مردار، خون و گوشت خوک فرمودند: خداوند انسانها را آفرید . .. و می دانست چه چیزی موجب ضرر و زیان آنان است و آنان را از آن نهی نموده و برایشان حرام کرده است، سپس برای مضطر در وقتی که بدن او به آن نیاز پیدا کرده، حلال شمرده است که به اندازه کفاف بخورد نه بیشتر از آن

.< ...

محدوده حرمت خوک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۴۵ – ۷

۷ ممنوعیت بهره گیری از مردار، خون و خوک، منحصر به خوردن آنهاست. *

محرما علی طاعم یطعمه إلا أن یکون میته

مسخ به خوک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶۰ – ۶،۹،۱۹

۶ خداوند گروهی از اهل کتاب را به میمون و خوک مسخ کرد .

و جعل منهم القرده و الخنازیر

بسیاری از مفسران بر آنند که اصحاب سبت یهودیانی که با حیله های شرعی قداست روز شنبه را شکستند به میمون تبدیل شدند و آن گروه از مسیحیان که مائده نازل شده بر عیسی(ع) را منکر شدند به خوک مبدل گشتند.

۹ گرفتاری اهل کتاب به لعنت و غضب خداوند ، پرستش طاغوت و مسخ شدنشان به میمون و خوک ، سزای رفتار های زشت آنان

هل انبئکم بشرّ من ذلک مثوبه عند اللّه من لعنه . .. و عبد الطغوت

کلمه <مثوبه> (سزا و جزا) می رساند که غضب و . .. به عنوان پیامدهای شومی است که اعمال ناروای اهل کتاب آنها را اقتضا می کرده است.

۱۹ پیشینیان اهل کتاب بر اثر گرفتاری به لعنت و غضب خدا و در آمدن به شکل میمون و خوک و پرستش طاغوت ، دارای بدترین جایگاه و منزلت در پیشگاه خداوند

من لعنه اللّه . .. أولئک شر مکاناً و اضل عن سواء السبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۱۵

۱۵ مسخ

گروهی از بنی اسرائیل بصورت خوک ، در اثر لعن حضرت داود (ع) و بصورت میمون ، در اثر لعن حضرت عیسی (ع)

لعن الذین کفروا من بنی اسرءیل علی لسان داود و عیسی

از امام صادق(ع) درباره آیه فوق روایت شده: الخنازیر علی لسان داود(ع) و القرده علی لسان عیسی ابن مریم(ع).

کافی، ج ۸، ص ۲۰۰، ح ۲۴۰; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۰، ح ۳۱۱.

نجاست خوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۹

۹ خوک، حیوانی آلوده و کثیف و نجس که باید از آن اجتناب کرد.

إلا أن یکون . .. فإنه رجس

بنابراین که ضمیر <انه> به خنزیر برگردد، نه به لحم خنزیر. در لسان العرب آمده است: <الرجس، القذر و القذار ضد النظافه ... و رجس، نجس>.

خون از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خون

احکام خون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۶،۸،۱۶

۶ خوردن گوشت مردار، خوک، خون و حیوانی که هنگام ذبح نام خدا بر آن برده نشده، حرام است.

إلا أن یکون میته أو دما مسفوحا أو لحم خنزیر فإنه رجس أو فسقا أهل لغیر اللّه به

۸ عدم حرمت خون باقیمانده در بدن حیوان پس از ذبح

إلا أن يكون ميته أو دما مسفوحا

<مسفوح> به معناى ريخته شده است. ذكر اين قيد در مورد خون، بنا به گفته مفسران، بدان جهت است كه خون باقى مانده در رگها و اعضاى بدن حيوان ذبح شده را از شمول حكم حرمت خارج سازد.

۱۶ خوردن خون، گوشت مردار، خوك و حيوان تذكيه نشده بر مضطر جايز

است.

إلا أن یکون میته أو دما . .. فمن اضطر ... فإن ربک غفور رحیم

استفاده از خون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۱،۱۱،۳۵،۳۹،۵۶

۱ حرمت استفاده از مردار ، خون و گوشت خوک

حرمت علیکم المیته و الدم و لحم الخنزیر

۱۱ استفاده از مردار ، خون ، گوشت خوک ، حیوان خفه شده ، زده شده ، پرت شده ، شاخ خورده ، دریده شده و بدون تذکیه ، فسق و خروج از طاعت خداوند است .

حرمت علیکم . .. ذلکم فسق

بنابر اینکه <ذلکم> اشاره باشد به جمیع عناوین یاد شده در آیه، نه خصوص آخرین عنوان.

۳۵ استفاده از مردار ، خون ، گوشت خوک و حیوانی که نام غیر خدا به هنگام ذبح بر آن برده شود ، در حال اضطرار جایز است .

حرمت علیکم . .. فمن اضطر فی مخمصه غیر متجانف لاثم فإنّ اللّه غفور رحیم

۳۹ استفاده از مردار ، خون ، گوشت خوک ، تنها به مقدار ضرورت جایز است .

حرمت . .. فمن اضطر فی مخمصه غیر متجانف لاثم فإنّ اللّه غفور رحیم

۵۶ بهره گیری مضطر از مردار ، خون ، گوشت خوک و حیوان ذبح شده به نام غیر خدا و . . . ، مشروط به آن است که از روی عمد و قصد گناه نباشد .

فمن اضطر فی مخمصه غیر متجانف لاثم

از امام باقر(ع) در توضیح <غیر متجانف> در آیه فوق روایت شده: غیر متعمد لاثم.

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۶۲; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۴۷، ح ۱.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۱۶

۱۶ خوردن خون، گوشت مردار، خوک و حیوان تذکیه نشده بر مضطر جایز است.

إلا أن یکون میته أو دما . .. فمن اضطر ... فإن ربک غفور رحیم

پلیدی خون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۱۰

۱۰ آلودگی و پلیدی گوشت مردار و خوک و خون، فلسفه تحریم آنها از سوی خداوند است.

إلا أن یکون . .. فإنه رجس

مرجع ضمیر <إنه> می تواند مجموعه آنچه در آیه ذکر شده، باشد. برداشت فوق بنابر این اساس است.

حرمت خوردن خون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۱

۱ - خوردن مردار ، خون ، گوشت خوک و حیوانی که به نام غیر خدا ذبح شده ، حرام است .

إنما حرم علیکم المیته و الدم و لحم الخنزیر و ما أهل به لغیر اللّه

<اهلال> (مصدر (أهلّ) به معنای بلند کردن صداست و مقصود از آن در آیه - چنانچه اهل تفسیر برآنند - نام بردن است و لام در <لغیر اللّه> برای تعدیه می باشد. بنابراین <ما أهل به لغیر اللّه>; یعنی، حیوانی که]به هنگام ذبح[نام غیر خدا بر او برده شود.

حرمت خون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۱

۱ حرمت استفاده از مردار ، خون و گوشت خوک

حرمت علیکم المیته و الدم و لحم الخنزیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶

۶ - ۱۴۵ - ۶

۶ خوردن گوشت مردار، خوک، خون و حیوانی که هنگام ذبح نام خدا بر آن برده نشده، حرام است.

إلا أن یکون میته أو دما مسفوحا أو لحم خنزیر فإنه رجس أو فسقا أهل لغیر اللّه به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۵ - ۱

۱- خوردن مردار ، خون و گوشت خوک ، حرام است .

حرّم علیکم المیته و الدم و لحم الخنزیر

خباثت خون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۳

۳ - مردار ، خون ، گوشت خوک و حیوانی که برای بت ها ذبح شود ، یا به نام غیر خدا سر بریده شود ، از خوراکی های خبیث و پلید هستند .

کلوا من طیبت . .. إنما حرم علیکم المیته ... و ما أهل به لغیر اللّه

خوردن خون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۲

۲ - به هنگام اضطرار بهره برداری از مردار ، خون ، گوشت خوک و ذبیحه ای که نام غیر خدا بر او برده شده ، حلال است .

فمن اضطر . .. فلا إثم علیه

خون بدن ذبیحه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۸

۸ عدم حرمت خون باقیمانده در بدن حیوان پس از ذبح

إلا أن یکون میته أو دما مسفوحا

<مسفوح> به معنای ریخته شده است. ذکر این قید در مورد خون، بنا به گفته مفسران، بدان جهت است که خون باقی مانده در

رگها و اعضای بدن حیوان ذبح شده را از شمول حکم حرمت خارج سازد.

خون پیراهن یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۲،۴،۵،۱۹،۲۰

۲ برادران یوسف ، پیراهن وی را به خونی دروغین (خونی غیر از خون او) آغشته کردند .

و جاءو علی قمیصه بدم کذب

۴ خونین بودن روی پیراهن یوسف ، نشانه ای آشکار بر طعمه گرگ نشدن او بود .

و جاءو علی قمیصه بدم کذب

<بدم> مفعول برای <جاءو> است و <علی قمیصه> حال برای <دم> می باشد. بنابراین <جاءو ...> ; یعنی، خون دروغینی را آوردند در حالی که آن خون بر روی پیراهن بود و از آن جا که معمولاً ـ قسمت زیرین و آستر لباس مصدوم آغشته به خون می شود، ولی روی لباس یوسف خونین بود، یعقوب(ع) دریافت که فرزندش طعمه گرگ نشده است.

۵ خونی که برادران یوسف پیراهن او را با آن آغشته کردند ، به خوبی نشان می داد که خون یوسف نیست .

جاءو علی قمیصه بدم کذب

<کذب> مصدر است و در آیه شریفه به معنای اسم فاعل <کاذب> می باشد به کارگیری مصدر به جای اسم فاعل حاکی از مبالغه است بنابراین <دم کذب> یعنی خون دروغین که دروغ بودنش خیلی روشن و واضح بود.

۱۹ < عن أبی عبدالله (ع) قال لما أوتی بقمیص یوسف إلی یعقوب . . . کان به نضح من دم ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: هنگامی که پیراهن یوسف برای یعقوب آورده شد . .. روی آن قطراتی از خون پاشیده شده بود>.

۲۰ < عن أبی جعفر (

ع) فی قوله < و جاؤوا علی قمیصه بدم کذب > قال : إنهم ذبحوا جدیاً علی قمیصه ;

از امام باقر(ع) روایت شده درباره سخن خدا که فرموده: <و جاؤوا . ..> فرمود: آنان بزغاله ای بر روی پیراهن او ذبح کرده بودند>.

خون مباح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۸

۸ عدم حرمت خون باقیمانده در بدن حیوان پس از ذبح

إلا أن یکون میته أو دما مسفوحا

<مسفوح> به معنای ریخته شده است. ذکر این قید در مورد خون، بنا به گفته مفسران، بدان جهت است که خون باقی مانده در رگها و اعضای بدن حیوان ذبح شده را از شمول حکم حرمت خارج سازد.

عذاب با خون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۳ - ۲

۲ جاری شدن سیلاب و هجوم ملخ ها ، شپش ها و قورباغه ها و آلوده شدن زندگانی به خون ، از عذاب های نازل شده بر فرعونیانِ منکر رسالت موسی

فأرسلنا علیهم الطوفان و الجراد و القمل و الضفادع و الدم

<طوفان> آب فراوانی است که بر منطقه و یا مناطقی مستولی می شود. هر یک از <جراد> (ملخ) و <قمل> (شپش) اسم جنس است. ضفادع جمع ضَفدَع یا ضفدَع (قورباغه) است.

فلسفه تحریم خون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۱۰

۱۰ آلودگی و پلیدی گوشت مردار و خوک و خون، فلسفه تحریم آنها از سوی خداوند است.

إلا أن يكون . .. فإنه رجس

مرجع ضمير <إنه> می تواند

مجموعه آنچه در آیه ذکر شده، باشد. برداشت فوق بنابر این اساس است.

فلسفه حرمت خون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۲۳

۲۳ - < محمد بن عذافر عن بعض رجاله عن ابی جعفر (ع) قال قلت له لم حرم اللّه عزو جل الخمر و المیته و الدم و لحم الخنزیر ؟ فقال : ان اللّه تبارک و تعالی . . . خلق الخلق . . . و علم ما یضرهم فنهاهم عنه و حرمه علیهم ثم احله للمضطر فی الوقت الذی لایقوم بدنه إلا به فأمره أن ینال منه بقدر البلغه لاغیر ذلک . . . ;

امام باقر(ع) در پاسخ از علت حرمت خمر، مردار، خون و گوشت خوک فرمودند: خداوند انسانها را آفرید . .. و می دانست چه چیزی موجب ضرر و زیان آنان است و آنان را از آن نهی نموده و برایشان حرام کرده است، سپس برای مضطر در وقتی که بدن او به آن نیاز پیدا کرده، حلال شمرده است که به اندازه کفاف بخورد نه بیشتر از آن ... >.

محدوده حرمت خون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۷

۷ ممنوعیت بهره گیری از مردار، خون و خوک، منحصر به خوردن آنهاست. *

محرما علی طاعم یطعمه إلا أن یکون میته

خویشاوندان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خویشاوندان

اتکا به خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۴ - ۳

۳- تکیه ثروت مند مغرور ، به زیادی مال و نیروی فرزندان ، خویشان و

هواخواهان خود بود .

فقال لصحبه . .. أنا أكثر منک مالاً و أعزّ نفرًا

به قبیله و عشیره انسان و نیز به گروهی که در کاری به هم کمک کنند، <نفر> اطلاق می شود (لسان العرب) و به قرینه <أنا أقلّ منك مالاً و ولداً> در آیه ۳۹ برجسته ترین مصداق آن برای گوینده این سخن، فرزندان وی بوده است.

احترام خویشاوندان شعیب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۹۱ – ۹،۱۰

۹ خاندان شعیب ، قبیله ای شایسته احترام در نزد مردم مدین

لولا رهطك لرجمنك

<رهط> به گروه و دسته ای گفته می شود که از ده نفر تجاوز نکند و آن گاه که به کلمه ای همانند رجل اضافه شود (رهط الرجل) به معنای قبیله ، قوم و خاندان است.

۱۰ عزت و احترام قبیله شعیب در نزد مردم مدین ، مانع آنان از کیفر دادن و سنگسار کردن آن حضرت

و لولا رهطك لرجمنك

از آن جا که مردم مدین تصریح می کنند که شعیب(ع) در میان آنان ضعیف است، معلوم می شود مقصود آنان از <لولا رهطك> این معنا نیست که آنان توان مقابله با خاندان او را ندارند; بلکه به قرینه <ما أنت علینا بعزیز> و <أرهطی أعز. ..> در آیه بعد مراد از <لولا رهطك>، <لولا عزه قومك و کرامتهم عندنا ...> است.

احسان به خویشاوندان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۳ – ۳،۱۷

۳ – احسان به پدر و مادر ، خویشان ، یتیمان و درماندگان ، از جمله پیمان های خداوند با بنی

اسرائیل

و إذ أخذنا میثق بنی إسرءیل لاتعبدون إلا اللّه و بالولدین إحساناً و ذی القربی و ا

<إحساناً> مفعول مطلق برای فعل محذوف <تحسنون> یا <احسنوا> می باشد. کلمات <ذی القربی و ...> عطف بر <الوالدین> است.

۱۷ - یکتا پرستی و احسان به والدین ، خویشان ، یتیمان و درماندگان ، از مصادیق اعمال شایسته است .

و عملوا الصلحت . .. لاتعبدون إلا اللّه و بالولدین إحساناً ... و المسکین

آیه مورد بحث در حقیقت تفسیری برای آیه پیشین و بیان مصادیقی از <الصالحات> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱ - ۱۶،۱۹

۱۶ لزوم اهتمام و توجه به خویشاوندان (صله رحم)

و اتّقوا اللّه الّذی تسآءلون به و الارحام

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: هی ارحام النّاس، انّ اللّه عز و جل امر بصلتها و عظّمها الا تری انّه جعلها معه.

کافی، ج ۲، ص ۱۵۰، ح ۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۳۷، ح ۲۵.

۱۹ توجه به مراقبت دایمی خداوند ، زمینه ساز رعایت تقوای الهی و اهتمام به خویشاوندان

و اتّقوا اللّه الّذی تسآءلون به و الارحام انّ اللّه کان علیکم رقیباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۶ - ۱۹،۱۰،۹،۸

۸ ضرورت احسان و نیکی به خویشاوندان ، یتیمان و درماندگان

و بالوالدین احساناً و بذی القربی و الیتامی و المساکین

۹ اولویت احسان به پدر و مادر ، بر احسان به خویشان

و بالوالدین احساناً و بذی القربی

۱۰ اولویت احسان به خویشان ، بر احسان به دیگران

و بذی القربی و الیتامی . .. و

ما ملکت ایمانکم

۱۹ احسان به پدر ، مادر ، خویشان ، همسایگان و زیردستان ، زمینه جلب محبّت الهی

و بالوالدین احساناً . .. انّ اللّه لا یحبّ من کان مختالا فخوراً

از مصادیق مورد نظر برای <مختالاـ فخوراً>، ترک احسان به پدر، مادر و . .. می باشد. در نتیجه ترک احسان مانع محبّت الهی و احسان عامل جلب آن خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۰ - ۱،۳،۱۸

۱- خداوند به رعایت عدل ، احسان و بخشش به خویشاوندان ، فرمان می دهد .

إن الله یأمر بالعدل و الإحسن و إیتایءِ ذی القربی

۳- بخشش به خویشاوندان ، دارای اهمیتی ویژه در میان سایر نیکیها

إن الله یأمر بالعدل و الإحسن و إیتایءِ ذی القربی

برداشت فوق، به خاطر این است که بخشش به خویشاوندان قطعاً از مصادیق <احسان> است و اینکه دوباره به صورت مجزا ذکر شده، مشعر به اهمیت آن است.

۱۸- عدل و احسان و بخشش به خویشاوندان ، از تمایلات فطری انسان

یأمر بالعدل و الإحسن و إیتایءِ ذی القربی . .. لعلّکم تذکّرون

برداشت فوق بر این اساس است که خداوند امر به عدل و . .. را مواعظی در جهت تذکر آدمیان می شمارد و در واژه <تذکّر> این معنا نهفته است که: اصل گرایش به ارزشهای مذکور، در نهاد همگان موجود است و در صورت غفلت نیازمند یادآوری می باشد.

ادای حقوق خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۶ - ۱،۲

۱- ادای حق خویشاوندان ، امری واجب و لازم است .

و ءات ذاالقربی حقّه

۲- پیامبر

(ص) موظف به ادای حقوق خویشاوندان ، مساکین و در راه ماندگان با رعایت اعتدال و اجتناب از تبذیر

و ءات ذاالقربی حقّه و المسکین و ابن السبیل و لاتبذّر تبذیرًا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مخاطب در آیه پیامبر(ص) باشد، هر چند دیگران را نیز شامل می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۹ - ۲

۲- مؤمنان ، وظیفه دار پرهیز از بخل و خودداری از ادای حق خویشان و مستمندان

و ءات ذاالقربی حقّه . .. و لاتجعل یدک مغلوله إلی عنقک

ارث خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۵ - ۸

۸ خویشاوندان در ارث بردن از یکدیگر بر غیر خویشان اولویت دارند .

و أولوا الأرحام بعضهم أولی ببعض

برداشت فوق با توجه به روایات متعددی که درباره <اولوا الارحام> آمده، استفاده شده است. علاوه بر آن مفسران بزرگ شیعه و سنی جمله <اولوا الأرحام بعضهم ... > را بیان حکم ارث دانسته اند.

ارث خویشاوندان مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶ - ۱۶

۱۶ - خویشاوندان مؤمنان و مهاجران ، به ارث بردن از آنها نسبت به دیگران ، اولویت دارند .

و أُولوا الأرحام بعضهم أولی ببعض . .. من المؤمنین و المهجرین

برداشت بالا، بنابراین است که <من المؤمنین> متعلق به عامل مقدر و وصف <أُولواالأرحام > باشد.

ارث خویشاوندان مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶ - ۱۶

۱۶ - خویشاوندان مؤمنان و مهاجران ،

به ارث بردن از آنها نسبت به دیگران ، اولویت دارند .

و أُولوا الأرحام بعضهم أولی ببعض . .. من المؤمنین و المهجرین

برداشت بالا، بنابراین است که <من المؤمنین> متعلق به عامل مقدر و وصف <أُولواالأرحام > باشد.

ارث خویشاوندان نسبی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۶ – ۹

۹ – خویشاوندان نَسبی ، در ارث بردن از هم ، بر مؤمنان و مهاجران اولویت دارند .

و أُولوا الأرحام بعضهم أولی ببعض فی کتب اللّه من المؤمنین و المهجرین

نوع مفسران برآن اند که مراد از اولویت خویشاوندان بر دیگران، اولویت در ارث است.

استقبال از خویشاوندان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۹ – ۳

۳ به استقبال پدر ، مادر و بستگان رفتن و در خارج شهر به انتظار قدوم آنان ماندن ، رسمی نیکو و از آداب معاشرت است .

فلما دخلوا علی یوسف . .. قال ادخلوا مصر

اصحاب یمین و خویشاوندان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۹ – ۲،۳

۲ – کسانی که نامه عمل آنان به دست راستشان عطا شود ، در قیامت با خویشاوندان خود مأنوس خواهند بود .

و ینقلب إلی أهله

فعل <ینقلب> دلالت می کند که مراد از <أهل>، همان خویشاوندان انسان در دنیا است که در قیامت نیز در کنار او

خواهند بود. برخی مراد از <أهل> را، حور و غلمان بهشتی دانسته اند; ولی واژه انقلاب (رجوع کردن) و نیز جمله <إنّه کان فی أهله مسروراً> در آیات بعد، دیدگاه نخست را تأیید می

کند.

۳ – دریافت کنندگان نامه عمل با دست راست ، با آسان گذراندن مرحله حسابرسی ، شادمان به نزد خویشاوندان خود بر خواهند گشت .

فأمّا من أُوتی کتبه بیمینه . .. و ینقلب إلی أهله مسرورًا

اصلاح خویشاوندان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۸۵ – ۵

۵ – آغاز کردن تبلیغ دین و حرکت اصلاحی از نزدیکان و اطرافیان ، شیوه ابراهیم (ع)

إذ قال لأبیه و قومه ماذا تعبدون

برداشت یاد شده از آن جا است که ابراهیم(ع) در آغاز تبلیغ خود، پدر و اطرافیان خود را مخاطب قرار داد.

اطعام به خویشاوندان یتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بلد – ۹۰ – ۱۵ – ۲

۲ – رساندن غذا به خویشاوندان یتیم خود ، بر تغذیه دیگر نیازمندان مقدم است .

یتیمًا ذا مقربه

<مقربه> مصدر و با <قرابه> (خویشاوندی) به یک معنا است. (صحاح اللغه)

اعراض از تأمین خویشاوندان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۲۸ – ۷

۷– ناتوانی مالی و عدم امکانات مناسب ، عذری پذیرفته شده و بجا در ترک انفاق و ادای حق خویشاوندان و مستمندان

و ءات ذاالقربی حقّه . .. و إمّا تعرضنّ عنهم ابتغاء رحمه من ربّک ترجوها

اقلیت خویشاوندان شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۱ - ۷

۷ شعیب (ع) در شهر مدین ، دارای طایفه ای انگشت شمار بود .

لولا رهطك لرجمنك

امداد اخروی به خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ -

عبس - ۸۰ - ۳۷ - ۳

۳ - شدايد قيامت ، ازميان برنده فرصت بهره رساندن خويشاوندان به يكديگر است .

يوم يفرّ المرء من أخيه . .. لكلّ امرىء منهم يومئذ شأن يغنيه

جمله <لكلّ امرىء . ..>، بيانگر علت فرار خويشاوندان از يكديگر است و نشان مى دهد كه در آن سرا گرچه عواطف خويشاوندى هم وجود داشته باشد; ولى سودى نخواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۲ - ۳

۳ - گرفتارى به آثار كفر و گناه در قيامت ، فرصت هرگونه يارى رسانى به ديگران حتى نزديك ترين خويشاوندان را از كافران و گنه كاران سلب خواهد كرد .

يوم يفرّ المرء . .. لكلّ امرىء منهم يومئذ شأن يغنيه ... أولئك هم الكفره الفجره

امداد به خويشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۱۱

۱۱ يارى به خويشان و وابستگان ، خصلتى نيكو و از ويژگى هاى نيكوكاران است .

وأتونى بأهلكم أجمعين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۸ - ۶

۶- مؤمن ، آرزومند داشتن امكانات ، براى رسيدگى به خويشاوندان و محرومان جامعه

و إمّا تعرضنّ عنهم ابتغاء رحمه من ربّك ترجوها

امدادهاى خويشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ – نحل – ۱۶ – ۷۲ – ۷

۷- برخورداری انسان در زنـدگی خانوادگی از یاری بی دریغ افرادی چون نوادگان و خویشاونـدان ، از نعمت های خداوند و از نشانه های اوست .

و جعل لکم من أزوجکم بنین و حفده

ماده <حفده> در

مورد یارانی به کار می رود که از خدمت گزاری تعدی نمیورزند که مفسّران مصداق این معنا را نوادگان یا همه خویشاوندان دانسته اند.

انذار خویشاوندان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۴ - ۱

۱ - مأموریت پیامبر (ص) برای انذار و اخطار بستگان نزدیک خویش از عواقب شرکورزی و مخالفت با خدا

فلاتدع مع اللّه . .. و أنذر عشیرتک الأقربین

انفاق به خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۵ - ۷

۷ والدین ، خویشاوندان ، یتیمان ، فقرا و در راه ماندگان ، به ترتیب از موارد مصرف انفاق هستند .

فللوالدین و الاقربین و الیتامی و المساکین و ابن السبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۸ - ۱۴

۱۴- کسانی که به خاطر ناتوانی مالی ، از دستگیری خویشاوندان ، مساکین و در راه ماندگان خودداری می کنند ، نباید به گونه ای به آنان وعده و نوید بدهند که دچار مشکل شوند .

و إمّا تعرضنّ . .. ابتغاء رحمه من ربّک ترجوها فقل لهم قولاً میسورًا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <قل لهم قولاـ میسوراً> به این معنا باشد که اکنون که ناتوان از کمک به نیازمندان هستید، به آنان قول و وعده ای بدهید که برای شما عسر و حرج آفرین نباشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ – در انفاق ، خویشاوندان نیازمند بر دیگر نیازمندان ، اولویت و تقدم

دارند .

و لایأتل أُوْلوا الفضل منکم و السعه أن یؤتوا أُوْلی القربی و المسکین و المهجری

برداشت یاد شده، مبتنی بر این اساس است که تقدم ذکری <أُوْلی القربی> بر <مساکین> و <مهاجرین> حاکی از تقدم رتبی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۸ - ۱،۲،۴

۱ - پیامبر (ص) مأمور انفاق به خویشان خود و مساکین و در راه ماندگان بود .

فَأت ذا القربی حقّه و المسکین و ابن السبیل

۲ - انفاق بر خویشاوندان و مساکین و در راه ماندگان ، لازم است .

فَأت ذا القربی حقّه و المسکین و ابن السبیل

مخاطب آیه، اگر چه پیامبر(ص) است، اما پیروان آن حضرت، به تبع او، مشمول حکم آیه هستند.

۴ - خویشاوندان نزدیک ، در اعطای حقوق مالی و انفاق ، در اولویت اند . *

فَأت ذا القربی حقّه

انفاق به خویشاوندان نیازمند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۲۱

۲۱ - تقدیم خویشاوندان نیازمند بر دیگر مستمندان ، از آداب انفاق است .

و ءاتی المال علی حبه ذوی القربی و الیتمی و المسکین

تقدیم کلمه <ذوی القربی> بر دیگران، گویای این است که: اهل ایمان در مرحله نخست باید در رفع نیاز خویشاوندان خود بکوشند و سپس به دیگران بپردازند.

انفاق خویشاوندان اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۵ - ۸

۸- وفاداربودن اسماعیل (ع) به وعده ها و اصرار او بر پای بندی بستگانش به نماز ، زکات و انفاق ، مایه جلب رضایت خداوند

إنّه کان صادق

الوعد . .. و كان يأمر أهله بالصلوه والزكوه و كان عند ربّه مرضيًّا

اولويت خويشاوندان

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۲۱۴ – ۲

۲ – لزوم پرداختن به اصلاح نزديكان خود ، قبل از اقدام به اصلاح جامعه و تود هاى مردم

فلاتدع مع اللّه . .. و أنذر عشيرتك الأقربين

با توجه به اين كه رسالت پيامبر(ص) جهانى است ولى در اين آيات خداوند نخست انذار بستگان را فرمان داده است، مى توان مطلب ياد شده را به دست آورد.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۶ – ۱۰

۱۰ – اولويت خويشان در ارث بردن ، حكمى ثابت در كتاب خدا است .

و أُولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض فى كتب اللّه

<فى كتاب> مى تواند خبر مبتداى محذوف مثل <هذا الحكم> باشد. در اين صورت، استفاده مى شود كه حكم اولويت ياد شده جزء احكام كتاب خداوند است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۸۵ – ۵

۵ – آغاز كردن تبليغ دين و حركت اصلاحى از نزديكان و اطرافيان ، شيوه ابراهيم (ع)

إذ قال لأبيه و قومه ماذا تعبدون

برداشت ياد شده از آن جا است كه ابراهيم(ع) در آغاز تبليغ خود، پدر و اطرافيان خود را مخاطب قرار داد.

اولويت خويشاوندان نسبى

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۶ – ۸،۹

۸ – خویشاوندان نَسبی ، در حقوق مقرر شده ، بر دیگران ترجیح دارند .

و أُولوا الأرحام بعضهم أولی ببعض فی کتب

اللّه

۹ – خویشاوندان نَسبی ، در ارث بردن از هم ، بر مؤمنان و مهاجران اولویت دارند .

و أُولوا الأرحام بعضهم أولی ببعض فی کتب اللّه من المؤمنین و المهجرین

نوع مفسران برآن اند که مراد از اولویت خویشاوندان بر دیگران، اولویت در ارث است.

اهل مدین و خویشاوندان شعیب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۹۱ – ۹

۹ خاندان شعیب ، قبیله ای شایسته احترام در نزد مردم مدین

لولا رهطک لرجمنک

<رهط> به گروه و دسته ای گفته می شود که از ده نفر تجاوز نکند و آن گاه که به کلمه ای همانند رجل اضافه شود (رهط الرجل) به معنای قبیله ، قوم و خاندان است.

اهمیت احترام به خویشاوندان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۹ – ۹

۹ لزوم احترام به خویشاوندان خصوصاً به پدران و مادران

فلما دخلوا علی یوسف ءاوی إلیه أبویه و قال ادخلوا مصر

اهمیت اصلاح خویشاوندان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۵۵ – ۵

۵– اصلاح خانواده و بستگان ، دارای اهمیت ویژه و مورد اهتمام پیامبران الهی

و کان یأمر أهله بالصلوه و الزکوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۴ - ۲

۲ - لزوم پرداختن به اصلاح نزدیکان خود ، قبل از اقدام به اصلاح جامعه و تود های مردم

فلاتدع مع اللّه . .. و أنذر عشیرتک الأقربین

با توجه به این که رسالت پیامبر(ص) جهانی است ولی در این آیات خداوند نخست انذار بستگان را فرمان داده

است، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

اهمیت تأمین خویشاوندان یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۶ - ۴

۴ - فضیلتِ تغذیه خویشاوندان یتیم خود ، برتر از رساندن غذا به دیگر اقشار محروم جامعه است .

یتیمًا ذا مقربه . أو مسکینًا ذا متربه

اهمیت حقوق خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۹

۹ رعایت حقوق خویشاوندان اگر چه دشمن باشند لازم است .

و إن یظهروا علیکم لایرقبوا فیکم إلّاً

خداوند مشرکان را به خاطر رعایت نکردن حق خویشاوندی خود با مسلمانان که درحال ستیز و دشمنی با آنان بودند محکوم کرد و آنها را متجاوز خواند (هم المعتدون)؛ این می رساند که حق خویشاوندی را در هر شرایط (جنگ و دشمنی و . ..) باید رعایت کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰ - ۴

۴ رعایت حقوق خویشاوندان ، واجب است .

لایرقبون فی مؤمن إلّاً

آیه فوق که در توصیف مشرکان است، رعایت نکردن حق خویشاوندان را از خصوصیات مشرکان شمرده و به همین خاطر آنان را انسانهای متجاوز معرفی کرد (هم المعتدون) این توصیف، حکایت دارد که رعایت حق خویشاوندان امری لازم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۲۶ – ۴

۴- رعایت حقوق خویشاوندان پس از ادای حق والدین ، بر سایر حقوق اجتماعی ، اولویت دارد .

و بالولدین إحسنًا . .. و ءات ذاالقربی حقّه و المسکین

فاصله شدن <حقّه> میان

<ذاالقربی> و دو مورد بعد و نیز تقدمش بر آن دو، می تواند إشعار به تمایز <ذی القربی> و اولویت مرتبه آن داشته باشد.

اهمیت خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۲ - ۸

۸- نقش مهم تعاون خویشاوندی در زندگی انسان

و جعل لکم . .. حفده

برداشت فوق از آن جاست که خداوند ضمن برشمردن چند نعمت مهم، پس از موضوع همسرداری و فرزند، به مسأله تعاون خویشاوندی اشاره فرموده است که از معنای لغوی <حفده> استفاده می شود.

اهمیت رعایت عواطف خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۸ - ۱۳

۱۳- توجه به عواطف خویشاوندان و مستمندان و پرهیز از رنجیده ساختن آنان ، امری لازم و شایسته است .

و إمّا تعرضنّ . .. فقل لهم قولاً میسورًا

اهمیت سعادت خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۶ - ۵

۵ - لزوم احساس مسؤولیت مؤمنان ، نسبت به سعادت و فرجام خویشاوندان خود

قالوا إنّا کنّا قبل فی أهلنا مشفقین

از این که احساس مسؤولیت نسبت به خانواده، عامل رهیابی به بهشت معرفی شده است؛ اهمیت و ضرورت آن استفاده می شود.

اهمیت هدایت خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۲ - ۹

۹- اصلاح بستگان نزدیک و هدایت آنان نسبت به دیگر افراد جامعه ، در اولویت نخست قرار دارد .

إذ قال لأبيه و قومه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۶ - ۹

۹ -

مسؤولیت ویژه انسان در برابر هدایت و ارشاد بستگان نزدیک خود *

و إذ قال إبرهیم لأبیه و قومه

تقدیم <لأبیه> می تواند توجه بیشتر ابراهیم(ع) به هدایت پدر را برساند; که از آن اولویت هدایت و ارشاد بستگان نزدیک استفاده می شود.

ایمان خویشاوندان لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۳ - ۳

۳ از میان قوم لوط تنها خانواده و بستگانش به وی ایمان آوردند .

فانجینه و أهله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۲ - ۶

۶ - از خویشاوندان لوط افرادی به وی ، ایمان آورده بودند .

لننجّینّه و أهله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۳ - ۱۵

۱۵ - جمعی از خویشان لوط (ع) به وی ، ایمان آورده بودند .

إنّا منجّوک و أهلک

برخورد با خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸ - ۲،۳

۲ لزوم برخورد نیک با خویشاوندان ، یتیمان و مساکین به هنگام بهره مند ساختن آنان از میراث

و اذا حضر القسمه . .. فارزقوهم منه و قولوا لهم قولاً معروفاً

۳ لزوم توجّه به نیازمندی های خویشاوندان ، یتیمان و مساکین و برخورد نیک با آنان

اولوا القربی و الیتامی و المساکین، فارزقوهم منه و قولوا لهم قولا معروفاً

بی لیاقتی خویشاوندان زکریا(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۵ – ۲

۲- بستگان زکریا ، در نظر وی برای تسلط بر امور مادی و اجتماعی

او صلاحیت نداشتند . *

و إنّی خفت المولی من وراءی

از معانی <موالی> خویشاوندانی از قبیل پسر عمو، پسر خواهر و نظایر آنان است (تاج العروس).

تأمین خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۹،۲۰

۹ - لزوم دستگیری از خویشاوندان نیازمند و صرف مال برای برطرف کردن نیاز های آنان

و ءاتی المال علی حبه ذوی القربی

<ذوی القربی> به معنای خویشاوندان است و از آن جا که در شمار یتیمان و مساکین و . .. قرار گرفته اند، می توان دریافت که مراد، نیازمندان ایشان است.

۲۰ - پرداخت مال برای رفع نیازمندی خویشان ، یتیمان ، مساکین ، در راه ماندگان و فقیران مشخصه نیکوکاران است .

و لکن البر من . .. و ءاتی المال علی حبه ذوی القربی و السائلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸ - ۳

۳ لزوم توجّه به نیازمندی های خویشاوندان ، یتیمان و مساکین و برخورد نیک با آنان

اولوا القربی و الیتامی و المساکین، فارزقوهم منه و قولوا لهم قولا معروفاً

تأمین نیازهای خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۲ - ۵،۹

۵ - تأمین نیازمند های خویشاوندان ، بینوایان و مهاجران ، بر اغنیا و ثروتمندان واجب است .

و لایأتل أَوْلوا الفضل منکم و السعه أن یؤتوا أَوْلی القربی و المسکین و المهجری

۹ - دستگیری از بینوایان و خویشاوندان و مهاجران نیازمند ، نشانگر فضیلت و کرامت آدمی است .

و لایأتل أُوْلوا الفضل منکم و السعه أن یؤتوا أُوْلی القربی و المسکین و

المهجری

برداشت براساس این است که مقصود از فضل در <أُوْلوا الفضل> فضیلت معنوی و انسانی باشد.

تبلیغ خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۷ - ۶

۶ - مبلّغان ، در تبلیغ دین ، باید اقوام و خویشان خود را در اولویت قرار دهند .

و لقد أرسلنا من قبلك رسلًا إلی قومهم

بی شک، هدف از ارسال انبیا، هدایت همه مردم بوده است و اختصاص به ذکر قوم آنان (قومهم) ممکن است به خاطر در اولویت بودن آنان باشد. در این صورت، نکته یاد شده، قابل استفاده است.

تبلیغ در خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۴ - ۹

۹ تبلیغ در بین خویشاوندان و بزرگان و سردمداران، دارای اولویت است. *

و إذ قال إبرهیم لأبیه ءازر

<آزر> علاوه بر این که از خویشان ابراهیم بود، به تصریح <قومک> از بزرگان و رؤسای قوم خویش نیز محسوب می شده است. و چون ظاهراً دعوت ابراهیم از این نقطه آغاز گشته، می تواند به عنوان الگو و معیاری در تبلیغ مطرح باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۵ - ۵

۵ - آغاز کردن تبلیغ دین و حرکت اصلاحی از نزدیکان و اطرافیان ، شیوه ابراهیم (ع)

إذ قال لأبیه و قومه ماذا تعبدون

برداشت یاد شده از آن جا است که ابراهیم(ع) در آغاز تبلیغ خود، پدر و اطرافیان خود را مخاطب قرار داد.

ترک انفاق به خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ -

۱ - خداوند ، توانگران صدراسلام را از سوگند بر ترک انفاق به خویشاوندان ، بینوایان و مهاجران به صرف گناه گذشته آنان ، بر حذر داشت .

ولایأتل أُوْلوا الفضل منکم و السعه أن یؤتوا أُوْلی القربی و المسکین و المهجرین

<إیتلاء> (مصدر <یأتلی>) می تواند مشتق از <الو> به معنای <تقصیر و منع> باشد. هم چنین می تواند از <الیّه> به معنای <حلف> و سوگند خوردن باشد. در صورتی که به معنای <حلف> باشد، <یؤتوا> منفی به <لا> ی محذوف است; یعنی، <لایحلفوا أن لایؤتوا...> درباره شأن نزول آیه شریفه دو نظر وجود دارد: ۱ آیه درباره کسانی نازل شد که پس از ماجرای <افک>، سوگند یاد کردند که از انفاق به گروهی که در این ماجرا دست داشتند خودداری کنند. ۲- در خصوص ابوبکر نازل شد که او پس از ماجرای <افک>، از انفاق به <مسطح بن اثاثه> که پسرخاله یا پسر خواهر وی بود امتناع ورزید.

۲ - سوگند بر ترک نیکی و انفاق به خویشاوندان ، مستمندان و مهاجران ، به صرف لغزش گذشته آنان ، نشانه تأثیر پذیری از وسوسه شیطان و پیروی از او است .

لاتتّبعوا خطوت الشیطن . .. و لایأتل أُوْلوا الفضل منکم و السعه أن یؤتوا أُوْلی

جمله <و لایأتل. ..> می تواند عطف بر <و لا-تتّبعوا خطوات الشیطان...> از نوع عطف خاص بر عام باشد که حاکی از اهمیت موضوع مورد بحث خاص است. بر این اساس معنا و پیام آیه چنین خواهد شد: <ای مؤمنان! از گام های شیطان، بویژه اگر شما را به ترک انفاق خویشاوندان و ... فرا بخواند

پیروی نکنید>.

تفدیه خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۳ - ۱

۱ - مجرمان در قیامت ، برای نجات خود از عذاب الهی ، آماده فدا کردن بستگان نزدیک خویش اند .

و فصیلته الّتی تویه

توقّعات خویشاوندان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۴ - ۷

۷ خویشاوندان مشرک پیامبر توقع داشتند که پیامبر(ص) به جهت خویشی آنان را به توحید فرا نخواند. *

و إذ قال إبرهیم لأبیه ءازر

موظف شدن پیامبر(ص) به یاد نمودن گفتگوی ابراهیم(ع) با آزر شاید بدان جهت باشد که در خویشاوندان پیامبر(ص) این انگیزه که آن حضرت از دعوت آنان به توحید باز ایستد وجود داشته است.

حفظ منافع خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۲ - ۱۴

۱۴ حفظ منافع خویشان و یا دفع ضرر از آنان نباید آدمی را به ناحق گویی وادارد.

و إذا قلتم فاعدلوا و لو کان ذاقربی

اسم <کان> ضمیری است که به <المقول له> و مانند آن، که از <إذا قلتم> به دست می آید، برمی گردد; یعنی هر چند آن کسی که سخن درباره او گفته می شود، خویشاوند گوینده باشد.

حقوق خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۰ - ۱۴

۱۴ - مسؤولیت انسان بالاخص دارندگان ثروت ، درباره پدر و مادر و سایر خویشاوندان *

الوصیه للولدین و الأقربین بالمعروف حقاً علی المتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸ -

۱،۲

۱ لزوم بهره مند ساختن نزدیکانِ نیازمند ، یتیمان و مساکین از اموال میت ، در صورت حضور آنان هنگام تقسیم ارث

و اذا حضر القسمه اولوا القربی و الیتامی و المساکین، فارزقوهم منه

ذکر <اولوا القربی> در ردیف یتیم و مسکین، حاکی از آن است که مراد از <اولوا القربی> خویشان نیازمند هستند نه خویشان ثروتمندی که با یتیمان و مساکین تناسبی ندارند. ذیل آیه که ترغیب به عطوفت و برخورد نیک با آنان است، این معنا را تأیید می کند.

۲ لزوم برخورد نیک با خویشاوندان ، یتیمان و مساکین به هنگام بهره مند ساختن آنان از میراث

و اذا حضر القسمه . .. فارزقوهم منه و قولوا لهم قولاً معروفاً

حقوق خویشاوندان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۶ - ۲،۱۵

۲- پیامبر (ص) موظف به ادای حقوق خویشاوندان ، مساکین و در راه ماندگان با رعایت اعتدال و اجتناب از تبذیر

و ءات ذاالقربی حقّه و المسکین و ابن السبیل و لاتبذّر تبذیرًا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مخاطب در آیه پیامبر(ص) باشد، هر چند دیگران را نیز شامل می شود.

۱۵- < عن أبی الحسن موسی (ع) : . . . ان الله تبارک و تعالی لمّا فتح علی نبیه (ص) فدک . . . فأنزل الله علی نبیه (ص) < و ءات ذاالقربی حقّه > فلم یدر رسول الله (ص) من هم . . . فأوحی الله إلیه أن ادفع فدک إلی فاطمه (ع) . . . ;

از ابی الحسن موسی بن

جعفر(ع) روایت شـده است:. .. آنگاه که خداوند تبارک و تعالی فدک را برای پیامبرش فتح کرد ... پس بر او این آیه را نازل فرمود: <و ءات ذاالقربی حقّه>. پس رسول خـدا(ص) نـدانست نزدیکـان چه کسانی انـد ... پس خداونـد به او وحی کرد که فدک را به حضرت فاطمه(س) بدهد ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۸ - ۱۷

۱۷ - < فی مجمع البیان : روی أبوسعید الخدری و غیره أنّه لمّا نزلت هـذه الأیه علی النبیّ (ص) أعطی فاطمه (س) فدکاً و سلّمه إلیها . و هو المرویّ عن أبی جعفر و أبی عبداللّه (ع) . . . ;

در مجمع البیـان آمـده است که ابوسعید خـدری و دیگران، روایت کرده انـد که هنگـامی که این آیه بر پیغمـبر نـازل گشـت <فآت ذا القربی حقّه> آن حضـرت، فدک را به فاطمه (علیهاالسـلام) داد و آن را به وی تسلیم کرد. همین مطلب، از امام باقر و امام صادق(ع) نیز روایت شده است>.

حقوق خویشاوندان نسبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶ - ۸

۸ - خویشاوندان نَسبی ، در حقوق مقرر شده ، بر دیگران ترجیح دارند .

و أُولوا الأرحام بعضهم أولی ببعض فی کتب اللّه

حقوق مالی خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۸ - ۳،۴

۳ - بستگان نزدیک ، در اموال و دارایی انسان دارای حقوق شرعی اند .

فأَت ذا القربی حقّه

امر <ءاتِ> و نیز اضافه شدن

<حق> به ضمیر <ه>، دلالت بر نکته بالا می کند.

۴ - خویشاوندان نزدیک ، در اعطای حقوق مالی و انفاق ، در اولویت اند . *

فَأت ذا القربی حقّه

حمایت از خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۳ - ۴

۴ - توجه به گسسته شدن روابط خانوادگی در قیامت ، مانع از دست زدن انسان به کار های خلاف ، به انگیزه حمایت از خانواده و خویشان

لن تنفعکم أرحامکم و لا أولدکم یوم القیمه

خوردن از خانه خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۱۴،۲۲

۱۴ - استفاده از خوراکی های موجود در منازل خویشاوندان ، بدون اذن خواستن از ایشان ، از حقوق خویشاوندی است .

لیس علی الأعمی حرج . .. و لا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ...

مجاز بودن استفاده از خوراکی های منازل پدر، مادر، برادر، خواهر، عمو و. .. که از خویشاوندان محسوب می شوند و بدون هیچ اذنی از آنان، حاکی از حقی است میان آنان که باید رعایت شود.

۲۲ - مسلمانان ، در عین مجاز بودن از تناول کردن خوراکی های منازل خویشاوندان و دوستان خویش ، می توانند با هم و یا جدا از آنان و بدون اذن ، غذا میل کنند .

لیس علی الأعمی حرج . ..و لا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أ

خویشاوندان ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۷ - ۱،۲

۱ خداوند برخی از پدران

و فرزندان و برادران انبیای گذشته را (ابراهیم، اسحاق، یعقوب(ع) و . ..) برگزید و به صراط مستقیم هدایت کرد.

و من ءابائهم و ذریتهم و إخونهم و اجتبینهم و هدینهم إلی صرط مستقیم

۲ خداوند برخی از پدران و فرزندان و برادران انبیای گذشته را (ابراهیم، اسحق(ع) و . ..) بر همه مردم عصرشان برتری بخشید.

کلاً فضلنا علی العلمین . .. و من ءابائهم و ذریتهم و إخونهم

خویشاوندان اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۷ - ۱،۲

۱ خداوند برخی از پدران و فرزندان و برادران انبیای گذشته را (ابراهیم، اسحاق، یعقوب(ع) و . ..) برگزید و به صراط مستقیم هدایت کرد.

و من ءابائهم و ذریتهم و إخونهم و اجتبینهم و هدینهم إلی صرط مستقیم

۲ خداوند برخی از پدران و فرزندان و برادران انبیای گذشته را (ابراهیم، اسحق(ع) و . ..) بر همه مردم عصرشان برتری بخشید.

کلاً فضلنا علی العلمین . .. و من ءابائهم و ذریتهم و إخونهم

خویشاوندان اصحاب یمین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۹ - ۶

۶ - < قاسم بن محمد عن علیّ قال : سمعت أباعبدالله (ع) یقول : إنّ الله تبارك و تعالی إذا أراد أن یحاسب المؤمن أعطاه کتابه بیمینه و حاسبه . . . و هو قول الله عزّوجلّ < . . . و ینقلب إلی أهله مسروراً > قلت : أیُّ أهل ؟ قال : أهله فی الدنیا هم أهله فی الجنّه إن کانوا مؤمنین ;

قاسم بن محمد

از علی [بـن ابی حمزه] روایت نمـوده که گفت: از امـام صـادق(ع) شـنیدم که می فرمـود: خـدای تبـارک و تعـالی، زمـانی که بخواهد شـخص مؤمن را محاسـبه کند، نامه عملش را به دست راست او می دهد و او را محاسبه می کند . .. و این است سخن خدای عزّوجلّ <... و ینقلب إلی أهله مسروراً>. گفتم: مراد کدام اهل است؟ فرمود: آنان که در دنیا اهل او بودند; اگر مؤمن باشند در آخرت نیز اهل او خواهند بود>.

خویشاوندان برتر انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۷ - ۲

۲ خداونـد برخی از پـدران و فرزنـدان و برادران انبیـای گذشـته را (ابراهیـم، اسـحق(ع) و . ..) بر همـه مردم عصـرشان برتری بخشید.

کلًا فضلنا علی العلمین . .. و من ءابائهم و ذریتهم و إخونهم

خویشاوندان برگزیده انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۷ - ۱

۱ خداونـد برخی از پـدران و فرزنـدان و برادران انبیـای گذشـته را (ابراهیـم، اسـحاق، یعقـوب(ع) و . ..) برگزیـد و به صـراط مستقیم هدایت کرد.

و من ءابائهم و ذریتهم و إخونهم و اجتبینهم و هدینهم إلی صرط مستقیم

خویشاوندان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۸ - ۴،۵

۴ - در قیامت ، حتی خویشاوندان هم از به دوش کشیدن بارگناه کسان خود ، سر باز می زنند .

و إن تدع مثقله إلی حملها لایحمل منه شیء و لو کان ذاقربی

۵ - بی یاوری انسان در قیامت ، حتی

از سوی خویشاوندان خود

و إن تدع مثقله إلی حملها لایحمل منه شیء و لو کان ذاقربی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۱۰ – ۱،۲

۱ – در روز رستاخیز ، هیچ دوست صمیمی و خویشاوندی ، از حال دیگری جویا نمی شود .

و لایسئل حمیم حمیمًا

<حمیم>به فردی می گویند که به انسان نزدیک و دلسوز باشد. از مصادیق بارز آن، خویشاوندان و دوستان صمیمی و دلسوز است.

۲ – در روز محشر ، هیچ خویشاوندی و دوست صمیمی از یکدیگر استمداد نمی کند .

و لایسئل حمیم حمیمًا

یکی از کاربردهای واژه <سؤال>، طلب و درخواست (استمداد) است. برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۱۱ – ۲

۲ – اهل محشر ، در عین دیدن و شناختن کامل خویشان و دوستان صمیمی خود ، از حال آنان جویا نشده و از آنان استمداد نخواهند کرد .

و لایسئل حمیم حمیمًا . یبصّرونهم

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که جمله <یبصّرونهم>، حال برای جمله پیشین (لایسئل حمیم حمیمًا) باشد.

خویشاوندان زکریا(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۵ – ۱۴

۱۴– < عن أبی جعفر (ع) [فی قوله تعالی] : < و إنّی خفت الموالی > قال هم العمومه و بنو العمّ ;

از امـام بـاقر(ع) روایت شـده که در بـاره سـخن خـدا: <و إنّی خفت المـوالی> فرمـود: (مراد از) مـوالی عموهـا و پسـرعموها هستند>.

خویشاوندان شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۳

۳ وجود رابطه خویشاوندی و نسبی میان شعیب (ع) و مردم مدین

و إلى مدين أخاهم شعيبًا

مراد از <أخاهم> این است که شعیب(ع) با اهل مدین ، خویشاوند بود و یا اینکه او برای آنان ، دلسوزی می کرد. برداشت فوق ، بر اساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۱ - ۸

۸ خاندان شعیب ، او را از خود طرد نکرده و از او حمایت می کردند .

لولا رهطك لرجمنك

خویشاوندان صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۳

۳ خویشاوندی صالح (ع) با قوم ثمود

و إلى ثمود أخاهم صلحًا

تصریح به اینکه صالح(ع) ، برادر قوم ثمود بود (أخاهم صالحاً) می تواند اشاره ای باشد به خویشاوندی صالح(ع) با قوم ثمود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۵ - ۳

۳ - رابطه خویشاوندی صالح پیامبر با قوم ثمود

و لقد أرسلنا إلى ثمود أخاهم صلحًا

قیـد <أخـاهم> هر چنـد کنـایه از رحمت و عطوفت است; لکن با توجه به این که این تعبیر در مورد برخی از پیامبران به کار نرفته است بـا این که همه پیـامبران نسـبت به قومشان رحمت و عطوفت داشـته انـد می توان گفت واژه یاد شـده اشاره به پیوند خویشاوندی نیز دارد.

خویشاوندان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۳ - ۱۱

۱۱ اندوهناك شدن بر هلاکت کفرپیشگان لجوج ، حتی

در صورت خویش و هموطنی با آنان ، امری نکوهیده و ناروا

فکیف ءاسی علی قوم کفرین

خویشاوندان کافر محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۷ - ۲

۲ - موضع گیری پیامبر (ص) در قبال کفرورزی و عصیان خویشاوندان ، دارای پی آمد های دشوار و نگران کننده

و أنذر عشیرتک . .. فإن عصوک فقل إنّی بریءٌ ... و توکّل علی العزیزالرحیم

دستور <توکّل علی اللّه> پس از <فقل إنّی بریءٌ ممّا تعملون> بیانگر مطلب یاد شده است.

خویشاوندان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۴ - ۴

۴ - راه نداشتن کمترین سازش در دعوت تبلیغی پیامبر (ص) ; حتی نسبت به کسان و خویشاوندان آن حضرت

و أنذر عشیرتک الأقربین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۸ - ۲

۲ - انفاق بر خویشاوندان و مساکین و در راه ماندگان ، لازم است .

فأَت ذا القربی حقّه و المسکین و ابن السبیل

مخاطب آیه، اگر چه پیامبر(ص) است، اما پیروان آن حضرت، به تبع او، مشمول حکم آیه هستند.

خویشاوندان مریم(س) کنار مسجدالاقصی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۱۶ – ۴،۵

۴– خویشاوندان مریم ، در غیر جهت شرقی مسجد الاقصی سکونت داشتند .

انتبذت من أهلها مكانًا شرقيًا

۵– مریم (س) در آستانه حامله شدن به عیسی (ع) ، در نزدیکی مسجدالاقصی ، بستگانی داشت که در میان آنان به سر می برد .

إذ انتبذت من أهلها مكانًا

شرقیًا

به قرینه <مکاناً قصیّاً> در آیه بیست و دوم که ناظر به مکان دومی است که مریم(س) برگزید، مکان شرقی مسجد الاقصی به منطقه مسکونی مردم نزدیک بوده است.

خویشاوندان منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۲ - ۷

۷- اخبار خداوند از فسادگری و خویشاوندکشیِ عناصر سست ایمان منافق ، درصورت رسیدن به حکومت

فهل عسیتم إن تولّیتم أن تفسدوا فی الأرض و تقطّعوا أرحامکم

برداشت بالاـ بنابر این نکته است که <تولّیتم> از ماده <ولایت> و به معنای بر عهده گرفتن حاکمیت باشد و مخاطب آن بیماردلانی باشند که به دلیل سست ایمانی به هنگام فرمان جهاد، به وحشت افتاده و از آن طفره می روند.

خویشاوندان مؤمنان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۹ - ۶

۶ - < قاسم بن محمد عن علیّ قال : سمعت أباعبداللّه (ع) یقول : إنّ اللّه تبارک و تعالی إذا أراد أن یحاسب المؤمن أعطاه کتابه بیمینه و حاسبه . . . و هو قول اللّه عزّوجلّ < . . . و ینقلب إلی أهله مسروراً > قلت : أیُّ أهل ؟ قال : أهله فی الدنیا هم أهله فی الجنّه إن کانوا مؤمنین ;

قاسم بن محمد از علی [بن ابی حمزه] روایت نموده که گفت: از امام صادق(ع) شنیدم که می فرمود: خدای تبارک و تعالی، زمانی که بخواهد شخص مؤمن را محاسبه کند، نامه عملش را به دست راست او می دهد و او را محاسبه می کند . .. و این است سخن خدای عزّوجلّ

<... و ينقلب إلى أهله مسروراً>. گفتم: مراد كدام اهل است؟ فرمود: آنان كه در دنيا اهل او بودند; اگر مؤمن باشند در آخرت نيز اهل او خواهند بود>.

خويشاوندان هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۰ - ۳

۳ وجود رابطه خويشاوندى و نسبى ميان هود (ع) و قوم عاد

و إلى عاد أخاهم هودًا

تصريح به اينكه هود(ع) برادر قوم عاد بود ، مى تواند به خويشاوندى آن حضرت با قوم عاد ، اشاره داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۴ - ۱

۱ - هود (ع) ، پيامبرى از نژاد قوم عاد و داراى پيوند خويشاوندى با آنان

إذ قال لهم أخوهم هود

قيد <أخوهم> مى تواند براى بيان پيوند خويشاوندى هود(ع) با قومش و يا تعبيرى كنايى از شفقت و دلسوزى آن حضرت نسبت به آن قوم باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۱ - ۳

۳- پيامبر قوم عاد (هود) ، از تبار ايشان و داراى رابطه خويشاوندى با آنان *

و اذكر أخا عاد . .. إذ أنذر

واژه <أخ> ممكن است اشاره به رابطه خويشاوندى داشته باشد.

خويشاوندان يعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ – انعام – ۶ – ۸۷ – ۱

۱ خداوند برخی از پدران و فرزندان و برادران انبیای گذشته را (ابراهیم، اسحاق، یعقوب(ع) و . ..) برگزید و به صراط مستقیم هدایت کرد.

و من ءابائهم و ذریتهم و إخونهم و اجتبینهم و هدینهم إلى

صرط مستقیم

دشمنی خویشاوندان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۱ - ۶

۶ - خویشاوندی مخالفان اسلام با پیامبر (ص) ، مانع نکوهش خداوند از آنان نیست .

تبّت یدا أبی لهب و تبّ

دعوت از خویشاوندان اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۵ - ۱

۱- اسماعیل صادق الوعد ، همواره خویشاوندان و خانواده اش را به نماز و زکات فرمان می داد .

و کان یأمر أهله بالصلوه والزکوه

اهل هر مردی، قبیله و خویشاوندان او است (لسان العرب).

دوستی با خویشاوندان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۳ - ۳

۳ ایجاد پیوند موالات و دوستی با خویشاوندان کافر هر چند پدر یا برادر باشند حرام است .

یأیها الذین ءامنوا لا تتخذوا ءاباءکم و إخونکم أولیاء إن استحبوا الکفر علی الإیمن

رابطه با خویشاوندان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۴ - ۷

۷ نگرانی برخی از مسلمانان صدر اسلام ، از قطع روابط خویشاوندی ، کسادی تجارت و از دست دادن خانه های دلپسندشان بر اثر ممنوع شدن از برقراری روابط با کافران

يأيها الذين ءامنوا لا تتخذوا . .. قل إن كان ءاباؤكم و أبناؤكم

رفع مشکلات خویشاوندان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۲۶ – ۹

۹- رسیدگی به مشکلات خویشاوندان حتی در صورت عدم مسکنت و در راه ماندگی آنان ، امری لازم و واجب است

.

و ءات ذاالقربی حقّه و المسکین و ابن السبیل

ذکر <ذاالقربی> به صورت جداگانه، می تواند إشعار به مطلب فوق داشته باشد.

روابط خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۵ - ۸

۸ اهمیّت روابط خانوادگی

قل ما انفقتم من خیر فللوالدین

روش برخورد با خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۸ - ۴

۴- لزوم برخورد مناسب با خویشاوندان ، مسکینان و در راه ماندگان با بیانی نرم و دلپذیر و معذرتی شایسته ، در صورت عدم امکان ادای حق ایشان

و ءات ذاالقربی . .. و إمّا تعرضنّ عنهم ... فقل لهم قولاً میسورًا

رؤیت خویشاوندان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۱ - ۱

۱ - در عرصه قیامت ، خویشان و دوستان هر فردی ، به وی نشان داده خواهند شد .

حمیمًا . یبصّرونهم

زکات خویشاوندان اسماعیل(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۵۵ – ۸

۸– وفاداربودن اسماعیل (ع) به وعده ها و اصرار او بر پای بندی بستگانش به نماز ، زکات و انفاق ، مایه جلب رضایت خداوند

إنّه کان صادق الوعد . .. و کان یأمر أهله بالصلوه والزکوه و کان عند ربّه مرضیًّا

زمینه دشمنی خویشاوندان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۱۴ – ۳

۳ – ایمان به دین اسلام ، ممکن است دشمنی برخی از مردم ، حتی خویشاوندانی همچون همسر و فرزندان را برانگیزاند .

یأیّها

الذین ءامنوا إنّ من أزوجکم و أولدکم عدوًّا لکم

زمینه قتل خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۲ - ۷

۷- اخبار خداوند از فسادگری و خویشاوندکشیِ عناصر سست ایمان منافق ، درصورت رسیدن به حکومت

فهل عسیتم إن تولّیتم أن تفسدوا فی الأرض و تقطّعوا أرحامکم

برداشت بالاـ بنابر این نکته است که <تولّیتم> از ماده <ولایت> و به معنای بر عهده گرفتن حاکمیت باشد و مخاطب آن بیماردلانی باشند که به دلیل سست ایمانی به هنگام فرمان جهاد، به وحشت افتاده و از آن طفره می روند.

زیان به خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۸

۸ لزوم ادای شهادت به حق ، گر چه به ضرر خود یا پدر و مادر و نزدیکان باشد .

کونوا قومین بالقسط شهداء للّه و لو علی أنفسکم او الولدین و الاقربین

<شهداء>، خبر دوم برای <کونوا> است. بنابراین شهادت به حق تکلیفی لازم الاجرا است. گفتنی است که متعلق شهادت در برداشت فوق به قرینه <و لو علی انفسکم> کلمه <بالحق> گرفته شده است.

سرزنش افساد در خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۲۴

۲۴ ایجاد فساد میان خویشاوندان و واداشتن آدمیان به قطع رحم ، کاری شیطانی است .

من بعد أن نزغ الشیطن بینی و بین إخوتی

صدقه به خویشاوندان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۱۵

۱۵ اعطای صدقه به فرزندان و خاندان پیامبران ، جایز

و امری شایسته و نیکوست .

و تصدق علینا إن الله یجزی المتصدقین

<تصـدق> به معنای اعطای صـدقه است و <صـدقه> آن گونه که در <کشاف> آمـده است عطیه و بخششـی است که به منظور رسیدن به ثواب پرداخت می شود.

عذرخواهی از خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۸ - ۴

۴- لزوم برخورد مناسب با خویشاوندان ، مسکینان و در راه ماندگان با بیانی نرم و دلپذیر و معذرتی شایسته ، در صورت عدم امکان ادای حق ایشان

و ءات ذاالقربی . .. و إمّا تعرضنّ عنهم ... فقل لهم قولاً میسورًا

عفو خویشاوندان گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۲ - ۱۲

۱۲ - گـذشت از لغزش هـای خویشاونـدان ، بینوایـان و مهاجرانِ راه خـدا و برخورد کریمانه با آنان ، وظیفه ای الهی بر عهـده توانگران

و لایأتل أُولوا الفضل منکم و السعه أن یؤتوا أُوْلی القربی . .. و لیعفوا و لیصفحو

<عفو> در لغت به معنای گذشت است و <صـفح> به معنای گذشت همراه با ترک ملامت نسبت به خطا کار است (فروق اللغه). چنین گذشتی، حاکی از کرامت و بزرگواری گذشت کننده است.

علاقه به خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۴ - ۲،۳،۴

۲ محبت پدر ، فرزند ، برادر ، همسر و خویشاوندان نباید محبت خدا و رسول و جهاد در راه خدا را تحت الشعاع قرار دهد .

قل إن كان ءاباؤكم و أبناؤكم . .. أحب إليكم من اللّه و رسوله و جهاد فى سبيله

۳

مذمت خدا از دلبستگی به خویشاوندان و به مال و منال و دلواپسی برای تجارت و مسکن در صورتی که مایه غفلت از خدا و رسول و جهاد در راه خدا شود .

قل إن کان ءاباؤکم . .. و أموال اقترفتموها و تجره تخشون کسادها و مسکن ... أحب إلی

۴ روی گردانان از جهاد ، به خاطر علقه های عاطفی (محبت پدر ، فرزند ، برادر ، همسر و خویشاوندان) و دلبستگی مادی (مال ، شغل و مسکن) مورد تهدید خداوند

قل إن کان ءاباؤکم . .. و أمول اقترفتموها و ... أحب إلیکم ... و جهاد فی سبیله فتر

عمل ناپسند خویشاوندان صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۸ - ۸

۸- صدور کردار ناروا از فرزندان انسان های صالح و خویشاوندانِ شخصیت های برجسته ، نکوهیده تر و شرم آورتر از ارتکاب آن از سوی دیگران است .

یأخت هرون ما کان أبوک امرأ سوء و ما کانت أُمّک بغیًّا

عوامل تجاوز به حقوق خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰ - ۷

۷ زیر پا نهادن حقوق خویشاوندی ، برخاسته از روح تجاوزپیشگی است .

لایرقبون فی مؤمن إلاًّ و لاذمه و أولئک هم المعتدون

<أولئک> اشاره به مشرکان است با اوصافی که برای آنان ذکر شده است و از جمله آنهاست وصف <لا یرقبون . .. > یعنی، اینان که نه به رعایت حقوق خویشاوندی و نه به عهد و پیمان ملتزمند، مردمانی تجاوزپیشه اند.

عوامل محرومیت از امداد خویشاوندان

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۱۸ – ۱۲

۱۲ – ظلم ، موجب محرومیت از یاری دوست و نزدیکان دلسوز و شفاعت شفیعان در هنگام مرگ و روز قیامت

ما للظلمین من حمیم و لا شفیع یطاع

از یاد شدن کافران و مشرکان با عنوان ظالمان، برداشت بالا به دست می آید.

غفلت از خویشاوندان یتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بلد – ۹۰ – ۱۵ – ۵

۵ – بی اعتنایی ثروتمندان به نیاز های خویشاوندان یتیم خود ، دور از انتظار و نکوهیده تر از بی توجّهی آنان به دیگر نیازمندان است .

یقول أهلکت مالاً لبدًا . .. یتیمًا ذا مقربه

فضیلت تأمین خویشاوندان یتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بلد – ۹۰ – ۱۶ – ۴

۴ – فضیلتِ تغذیه خویشاوندان یتیم خود ، برتر از رساندن غذا به دیگر اقشار محروم جامعه است .

یتیمًا ذا مقربه . أو مسکینًا ذا متربه

قضاوت خویشاوندان انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۸۹ – ۴

۴ برخی از پدران و فرزندان و برادران پیامبران پیشین (ابراهیم(ع)، اسحق و . ..) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بوده اند.

و من ءابائهم و ذریتهم و إخونهم . .. أولئك الذین ءاتینهم الكتب و الحكم و النبوه

قضاوت خویشاوندان زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۸،۹

۸ مردی از خویشان زلیخا ، در ماجرای وی و یوسف (ع

) دخالت کرد و میان آنان به داوری پرداخت .

و شهد شاهد من أهلها

۹ داور مـاجرای یوسف (ع) و زلیخـا ، علی رغم خویشـی او با زلیخا ، بی طرفی کامل را رعایت کرد ، و قضاوتی بر حق ارائه نمود .

و شهد شاهد من أهلها إن کان قمیصه قُدّ من قُبل

کیفر خویشاوندان رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۲ - ۴

۴ - رهبران دینی ، نباید به خاطر خویشاوندی و روابط نسبی از مؤاخذه مقصران چشم پوشی کنند .

قال یهرون ما منعک

گواهی علیه خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۱۰

۱۰ شهادت آدمی ، علیه پدر ، مادر و دیگر خویشاوندان ، دارای اعتبار قانونی و حقوقی است .

شهداء للّه و لو علی أنفسکم او الولدین و الاقربین

متجاوزان به حقوق خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ زیرپاگذارندگان حقوق خویشاوندی ، مردمانی تجاوزپیشه اند .

لایرقبون فی مؤمن إلّاً و لاذمه و أولئک هم المعتدون

محدوده اختیارات خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۱۴

۱۴ - استفاده از خوراکی های موجود در منازل خویشاوندان ، بدون اذن خواستن از ایشان ، از حقوق خویشاوندی است .

لیس علی الأعمی حرج . .. و لا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ...

مجاز بودن استفاده از خوراکی های منازل پدر، مادر، برادر، خواهر، عمو و. ..

که از خویشاوندان محسوب می شوند و بدون هیچ اذنی از آنان، حاکی از حقی است میان آنان که باید رعایت شود.

محرومان از امداد خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۸ - ۹،۱۱،۱۳

۹ - محرومیت ستمکاران در قیامت ، از یاری دوست و نزدیکان دلسوز و شفاعت شفیعان

ما للظلمین من حمیم و لا شفیع یطاع

<حمیم> در لغت به معنای دوست (العین) و به <القریب المشفق> (نزدیک دلسوز) معنا شده است (مفردات راغب).

۱۱ - محرومیت ستمگران به هنگام دشواری مرگ از هرگونه یاری دوست و نزدیکان دلسوز خود و شفاعت شفیعان

ما للظلمین من حمیم و لا شفیع یطاع

۱۳ - کفر و شرک ، ظلم است و کافران و مشرکان ، از هرگونه یاری دوست و نزدیکان دلسوز خود و شفاعت شفیعان محروم اند .

ما للظلمین من حمیم و لا شفیع یطاع

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که این آیات، در سلسله آیاتی قرار دارد که درباره کافران و مشرکان سخن می گوید و مقصود از <ظالمین> آنان می باشند.

محرومیت از حمایت خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۵ - ۱،۲

۱ - کافران صاحب زر و زور (اصحاب الشمال) ، محروم از حمایت نزدیکان و دوستانِ دلسوز در قیامت

فلیس له الیوم ههنا حمیم

<حمیم> به فردی می گویند که به انسان نزدیک و دلسوز باشد. از مصادیق بارز آن خویشاوندان و دوستان صمیمی و دلسوز است.

۲ – ایمان نیاوردن و ترغیب نکردن دیگران به تغذیه گرسنگان و بینوایان ، سبب محرومیت از

حمایت نزدیکان و دوستان صمیمی در قیامت

إنّه کان لایؤمن . .. فلیس له الیوم ههنا حمیم

محرومیت از همنشینی با خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۳ - ۲

۲ - دوزخیان در آخرت ، از حضور شادمانه نزد خویشاوندان خود محروم خواهند بود .

إنّه کان فی أهله مسرورًا

مقایسه دو تعبیر <ینقلب إلی أهله> (در آیات پیشین) و <کان فی أهله>، گویای این است که گرفتاران دوزخ، از لذت همنشینی با خویشاوندان خود بهره ای نمی برند.

محمد(ص) و خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۸ - ۱

۱- پیامبر (ص) موظف به برخورد مناسب با خویشاوندان ، مسکینان و در راه ماندگان با بیانی نرم و دلپذیر در صورت خودداری از کمک به آنها به خاطر ناتوانی مالی

و ءات ذاالقربی حقّه . .. و إمّا تعرضنّ عنهم ابتغاء رحمه من ربّک ترجوها

عبارت <ابتغاء رحمه من ربّک> (جویای رحمت پروردگارت هستی) و شواهد تاریخی حکایت از آن دارد که: خودداری پیامبر(ص) از کمک به افراد یاد شده، به دلیل ضعف مالی بوده است.

مراد از خویشاوندان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۶ - ۱۳،۱۴

۱۳- < عن أبی عبدالله (ع) : . . . < و ءات ذاالقربی حقّه > فکان علی (ع) و کان حقّه الوصیه التی جعلت له و الإسم

الأکبر و میراث العلم و آثار علم النبوه ;

از امام صادق(ع) در باره سخن خدا روایت شده است که فرمود: پس مراد

از <ذاالقربی> علی(ع) است و حق او، جانشینی پیامبر(ص) بود که برای او قرار داده شده بود و اسم اکبر و میراث علم و آثار علم نبوت است>.

۱۴- < عن علی بن الحسین (ع) فی قوله تعالی : < و ءات ذاالقربی حقّه > . . . قال : نحن أُولئک الـذین أمر الله (عزّوجلّ) نبیه (ص) أن یؤتیهم حقّهم . . . ;

از امـام سـجاد(ع) دربـاره سـخن خـدا: <و ءات ذاالقربی حقّه> روایت شـده است که فرمود: ما [اهل بیت]همانانی هستیم که خداوند عزّوجلّ به پیامبرش فرمان داد حقشان را به آنان بدهد>.

مسکن خویشاوندان مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۶ - ۴،۵

۴- خویشاوندان مریم ، در غیر جهت شرقی مسجد الاقصی سکونت داشتند .

انتبذت من أهلها مکانًا شرقیًا

۵- مریم (س) در آستانه حامله شدن به عیسی (ع) ، در نزدیکی مسجدالاقصی ، بستگانی داشت که در میان آنان به سر می برد .

إذ انتبذت من أهلها مکانًا شرقیًا

به قرینه <مکاناً قصیّاً> در آیه بیست و دوم که ناظر به مکان دومی است که مریم(س) برگزید، مکان شرقی مسجد الاقصی به منطقه مسکونی مردم نزدیک بوده است.

مسؤولیت خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۵ - ۵

۵ مسؤولیت بیشتر خویشاوندان زن و شوهر ، در نظارت بر سلامت خانواده و حلّ اختلاف های آنان

فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها

مسؤولیت خویشاوندان انبیا

- آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۴ - ۳

۳ - بستگان و نزدیکان پیامبران و رهبران دینی ، سزاوارترین افراد به رعایت اصول و ارزش ها

و أنذر عشیرتک الأقربین

مسؤولیت خویشاوندان رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۴ - ۳

۳ - بستگان و نزدیکان پیامبران و رهبران دینی ، سزاوارترین افراد به رعایت اصول و ارزش ها

و أنذر عشیرتک الأقربین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۹ - ۶

۶ - وابستگان نزدیک رهبران دینی ، در عمل به تکالیف و وظایف شان ، باید بر دیگران سبقت داشته باشند .

قل لأزوجک و بناتک . .. یدنین علیهنّ من جلبیبهنّ

مشرکان و خویشاوندان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰ - ۱

۱ شرک پیشگان صدر اسلام ، درباره هیچ مؤمنی به رعایت حق خویشاوندی ، ملتزم نبودند .

لایرقبون فی مؤمن إلّاً

<رقبه> و <رُقبان> (مصدر یرقبون) به معنای حفظ و نگهداری و <إلّ> به معنای قرابت و خویشاوندی است. قابل ذکر است که لفظ <مؤمن> و <إلّ> هر دو نکره در سیاق نفی و مفید عمومند; یعنی، مشرکان درباره هیچ مؤمنی حرمت قرابت و خویشاوندی را نگه نمی دارند.

مصالح خویشاوندان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۳۵ – ۱۳،۲۰

۱۳ منافع شخصی و رعایت مصالح والدین ، بستگان ، فقیران و ثروتمندان ، باید تحت الشعاع حق و رضایت خدا باشد .

کونوا . .. شهداء للّه و

لو علی أنفسکم او الولدین و الاقربین ان یکن

۲۰ مقدم داشتن مصالح خویش ، والدین و بستگان بر شهادت به حق ، هواپرستی و عدالت شکنی است .

کونوا قومین بالقسط شهداء للّه و لو علی أنفسکم . .. فلاتتبعوا الهوی

مقامات خویشاوندان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۴

۴ برخی از پدران و فرزندان و برادران پیامبران پیشین (ابراهیم(ع)، اسحق و . ..) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بوده اند.

و من ءابائهم و ذریتهم و إخونهم . .. أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

مکر به خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ حسد ، آدمی را به گناهانی همانند دروغ گفتن و نیرنگ زدن حتی به محبوب ترین نزدیکانش ، وادار می سازد .

قالوا یأبانا ما لک لاتأمنّا علی یوسف و إنا له لنصحون

ممنوعیت ترک انفاق به خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۲ - ۴

۴ - کوتاهی در تأمین نیاز خویشاوندان ، بینوایان و مهاجران ، به خاطر لغزش های گذشته آنان ، ممنوع است .

و لایأتل أُوْلوا الفضل منکم و السعه أن یؤتوا أُوْلی القربی و المسکین و المهجری

مهربانی با خویشاوندان محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۲۱۵ – ۷

۷ – توصیه الهی به پیامبر (ص) مبنی بر گسترانیدن بال های مهر و عطوفت برای کسان

و خویشاوندان مؤمن خویش

و أنذر عشیرتک الأقربین . و اخفض جناحک لمن اتبعک من المؤمنین

تقدیر <من المؤمنین> به قرینه آیه پیش، می تواند <من المؤمنین من عشیرتک> باشد.

نبوت خویشاوندان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۴

۴ برخی از پدران و فرزندان و برادران پیامبران پیشین (ابراهیم(ع)، اسحق و . ..) بهره مند از تعالیم آسمانی (کتاب) و دارای منصب قضاوت و مقام نبوت بوده اند.

و من ءابائهم و ذریتهم و إخونهم . .. أولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

نجات خویشاوندان لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۳ - ۲

۲ خداوند با خارج ساختن لوط و بستگان قومش از دیارشان ، وی را از عذاب مقدر شده برای قوم لوط نجات بخشید .

فانجینه و أهله

چون جمله <فانجینه> در مقابل جمله <کانت من الغبرین> (همسر لوط در زمره باقی ماندگان بود) قرار گرفته است، معلوم می شود نجات از عذاب قوم لوط در گرو خارج شدن از شهر و دیار آنان بوده است. بنابراین <فانجینه> یعنی: فانجینه باخراجنا ایاه من بینهم.

نعمت خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۲ - ۷

۷- برخورداری انسان در زندگی خانوادگی از یاری بی دریغ افرادی چون نوادگان و خویشاوندان ، از نعمت های خداوند و

از نشانه های اوست .

و جعل لكم من أزوجكم بنين و حفده

ماده <حفده> در مورد یارانی به کار می رود که از خدمت گزاری تعدی نمیورزند که مفسّران مصداق این معنا

را نوادگان یا همه خویشاوندان دانسته اند.

نعمت زندگی با خویشاوندان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۰۰ – ۲۰

۲۰ زندگی خویشاوندان و بستگان در کنار یکدیگر بدون کدورت و تباهی ، از نعمت های خداوند است .

قد أحسن بی إذ . .. جاء بکم من البدو

چنـان چه منظور یوسف(ع) در <جاء بکم من البـدو> تنها رها شـدن خانـدانش از صحرانشـینی بود و به حضور آنان در کنار خویش نظر نداشت، فعل <جاءبکم> را به کار نمی برد ; بلکه مثلاً می گفت: <إذ أنجاکم من البدو> قید <من بعد أن نزغ . ..> گویای این است که حسن زندگانی جمعی بستگان منوط به نبود فساد و تباهی در میان آنان است.

نماز خویشاوندان اسماعیل(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۵۵ – ۸

۸– وفـاداربودن اسـماعیل (ع) به وعـده هـا و اصـرار او بر پـای بنـدی بسـتگانش به نماز ، زکات و انفاق ، مایه جلب رضایت خداوند

إنّه کان صادق الوعد . .. و کان یأمر أهله بالصلوه والزکوه و کان عند ربّه مرضیًّا

وصیت برای خویشاوندان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۸۰ – ۴،۱۱،۱۲

۴ – آدمی باید اموالی را برای پرداخت به پدر و مادر و خویشان نزدیک وصیت کند .

کتب علیکم . .. الوصیه للولدین و الأقربین

۱۱ – اولویت پدر و مادر نسبت به دیگر خویشاوندان در امر وصیت

الوصیه للولدین و الأقربین

برداشت فوق از تقدیم کلمه <والدین> بر <الأقربین> استفاده شده است.

۱۲ - توصیه به پرداخت

اموالی به پدر ، مادر و خویشان ، مقتضای تقوا و پرهیزگاری است .

کتب علیکم . .. الوصیه للولدین و الأقربین بالمعروف حقاً علی المتقین

ولایت در خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۵ - ۷،۱۳

۷ خویشاوندان در برخوردار شدن از حقوق ولایت مقرر شده در میان مؤمنان ، بر غیر خویشان اولویت دارند .

و أولوا الأرحام بعضهم أولی ببعض فی کتب اللّه

۱۳ حکم ولایت مهاجر و انصار بر یکدیگر و اولویت خویشان در آن ولایت ، حکمی بر اساس علم مطلق الهی

إن اللّه بکل شیء علیم

جمله <إن اللّه . .. > پس از بیان احکام ذکر شده، در این آیه و آیات پیشین، اشاره به این حقیقت دارد که احکام و قوانین یاد شده احکامی عالمانه و نشأت گرفته از علم مطلق خداوند است.

هبه به خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۰ - ۱،۳،۷،۱۸

۱- خداوند به رعایت عدل ، احسان و بخشش به خویشاوندان ، فرمان می دهد .

إن الله یأمر بالعدل و الإحسن و إیتایءِ ذی القربی

۳- بخشش به خویشاوندان ، دارای اهمیتی ویژه در میان سایر نیکیها

إن الله یأمر بالعدل و الإحسن و إیتایءِ ذی القربی

برداشت فوق، به خاطر این است که بخشش به خویشاوندان قطعاً از مصادیق <احسان> است و اینکه دوباره به صورت مجزا ذکر شده، مشعر به اهمیت آن است.

۷- رعایت عدالت ، بایسته تر و اولی تر از احسان به مردم و بخشش به خویشاوندان است .

إن الله يأمر بالعدل و الإحسن و إيتایءِ ذی القربی

از تقدم

ذکری <عدل> بر <احسان> و <بخشش به خویشاوندان> می توان تقدم رتبی را استفاده کرد; زیرا رعایت عدالت تکلیفی همگانی و بدون اغماض است و بدون رعایت آن، احسان و بخشش بی ارزش خواهد بود.

۱۸- عدل و احسان و بخشش به خویشاوندان ، از تمایلات فطری انسان

یأمر بالعدل و الإحسن و إیتایءِ ذی القربی . .. لعلّکم تذکّرون

برداشت فوق بر این اساس است که خداوند امر به عدل و . .. را مواعظی در جهت تذکر آدمیان می شمارد و در واژه <تذکّر> این معنا نهفته است که: اصل گرایش به ارزشهای مذکور، در نهاد همگان موجود است و در صورت غفلت نیازمند یادآوری می باشد.

هدایت خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۲ - ۱۳

۱۳- خویشاوندی و پیوند های اجتماعی ، نباید مانعی برای تبلیغ و مخالفت با الحاد گردد .

إذ قال لأبیه یأبت لِمَ تعبد ما لایسمع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۶ - ۳

۳ - مردان الهی ، دارای احساس مسؤولیت بیشتر برای هدایت بستگان خویش

و اغفر لأبی إنّه کان من الضالّین

هدایت خویشاوندان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۷ - ۱

۱ خداوند برخی از پدران و فرزندان و برادران انبیای گذشته را (ابراهیم، اسحاق، یعقوب(ع) و . ..) برگزید و به صراط مستقیم هدایت کرد.

و من ءابائهم و ذريتهم و إخونهم و اجتبينهم و هدينهم إلى صرط مستقيم

همسفرگی با خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۲

نور – ۲۴ – ۶۱ – ۲۱

۲۱ – هریک از مسلمانان ، می توانند با اعضای خانواده خود و نیز خویشاوندان و دوستان خویش به صورت جمعی (بر سر یک سفره) و یا جداگانه ، غذا میل کنند .

لیس علی الأعمی حرج. ..و لا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أو

همنشینی با خویشاوندان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۹ – ۲،۴

۲ – کسانی که نامه عمل آنان به دست راستشان عطا شود ، در قیامت با خویشاوندان خود مأنوس خواهند بود .

و ینقلب إلی أهله

فعل <ینقلب> دلالت می کند که مراد از <أهل>، همان خویشاوندان انسان در دنیا است که در قیامت نیز در کنار او خواهند بود. برخی مراد از <أهل> را، حور و غلمان بهشتی دانسته اند; ولی واژه انقلاب (رجوع کردن) و نیز جمله <إنّه کان فی أهله مسروراً> در آیات بعد، دیدگاه نخست را تأیید می کند.

۴ – انس با خویشاوندان و سربلندی نزد آنان در قیامت ، از زمره پاداش های الهی است .

و ینقلب إلی أهله مسرورًا

یأس خویشاوندان محتضر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۲۷ – ۲

۲ – لحظه ناامیدی حاضران بر بستر محتضر و بر زبان آوردن کلمات یأس ، شایان یادآوری برای دلبستگان دنیا

و قیل من راق

خویشاوندی

آثار تعصب خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۳،۴،۵

۳ - اساسِ جدالِ کافران درباره خدا ، برخاسته از تقلید و تعصّب خویشاوندی آنان

بود .

یجدل فی اللّه . .. قالوا بل نتّبع ما وجدنا علیه ءاباءنا

۴ - متعصّانِ تابعِ احساسات خویشاوندی ، هر دعوتی را ، از هر کسی ، برای پیروی از تعالیم آسمانی ، جواب منفی می دهند .

و إذا قیل لهم اتّبعوا ماأنزل اللّه قالوا بل نتّبع ما وجدنا علیه ءاباءنا

آورده شدن فعل مجهول <قیل> به جای این که دعوت کننده و گوینده خاصی را، مانند انبیا، مشخص کند، احتمال دارد به خاطر نکته یاد شده باشد.

۵ - تعصّب خویشاوندی و سنّت گرایی ، از موانع حق پذیری است .

و إذا قیل لهم اتّبعوا ما أنزل اللّه قالوا بل نتّبع ما وجدنا علیه ءاباءنا

آثار خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۱۳

۱۳ اعمال صالح خانواده نوح (پرستش خدا و . . .) مایه نجات آنان از حادثه طوفان بود نه انتسابشان به حضرت نوح (ع) .

إنه لیس من أهلک إنه عمل غیر صلح

تصریح خداوند به این که <هلاکت فرزند نوح به خاطر اعمال ناصالحش بوده است> ، اشاره به این معنا دارد که: نجات دیگر اعضای خانواده نوح ، به خاطر انتسابشان به آن حضرت نبوده; بلکه منزه بودنشان از اعمال ناشایست ، مایه نجاتشان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۰ - ۴

۴- پیوند خویشاوندی ، امری مسؤولیت آور و منشأ پیدایش حقوق ویژه است .

إن الله یأمر . .. و إیتایءِ ذی القربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۲۶

۳- پیوند خویشاوندی ، منشأ پیدایش حقوقی ویژه میان انسانهاست .

و ءات ذاالقربی حقّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۶۱ – ۱۷،۲۶

۱۷ – رابطه خویشاوندی و دوستی ، منشأ پیدایش حق است .

لیس علی الأعمی حرج . .. و لا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ...

۲۶ – پیوند خویشاوندی و دوستی و ارتباطات نزدیک ، نباید موجب سهل انگاری در رعایت ادب اسلامی و آداب معاشرتی میان خویشاوندان و دوستان گردد .

لیس علی الأعمی حرج . .. و لا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم ... أو صدیقکم ... فإ

برداشت یاد شده به خاطر این است که غالباً پیوند دوستی و خویشاوندی، سبب سهل انگاری در رعایت ادب فیمابین می شود. از این رو می توان گفت: خداوند توصیه فرمود که مسلمانان به هنگام ملاقات با دوستان و خویشاوندان خود، سلام کنند و....

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۷۱ – ۳

۳ – نجات و رستگاری انسان ، در پرتو ایمان او است ; و نه در پیوند های خویشاوندی .

فنجّینه و أهله أجمعین . إلّا عجوزًا فی الغبرین

استثنا شدن همسر لوط، نشان می دهد که وی جزء مؤمنان نبوده است; گرچه عضو خانواده لوط(ع) بوده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۲۱۴ – ۵

۵ – پیوند خویشاوندی ، درپی دارنده مسؤولیت های فزون تر

و أنذر عشیرتک الأقربین

مأموریت خاص پیامبر(ص) به تبلیغ خویشاوندان خود با این که تبلیغ، عموماً وظیفه پیامبر است

می تواند مطلب یاد شده را افاده کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۱۳ – ۸

۸ – تأثیر نسب و پیوند خویشاوندی در سرنوشت فرزندان و در هدایت و گمراهی آنان ، امری مطلق ، قطعی و جبری نیست .

و من ذرّیّتهما محسن و ظالم لنفسه مبین

دو گروه شدن نسل ابراهیم و اسحاق(علیهماالسلام) گویای این حقیقت است که تأثیر نسب و خویشاوندی، در سرنوشت انسان و در هدایت و گمراهی فرزندان، مطلق و جبری نیست; بلکه فرزندان از هر خانواده ای ممکن است خوب و یا بد باشند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ممتحنه – ۶۰ – ۳ – ۳

۳ – عواطف خانوادگی و خویشاوندی ، از زمینه های انحراف و تمایل به دشمنان خداوند

تسرّون إلیهم بالمودّه . .. لن تنفعکم أرحامکم و لا أولدکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۱۴ – ۸

۸ – دوستی و پیوند خویشاوندی ، نباید مانع دینداری و انجام تکالیف شرعی (همچون جهاد ، هجرت و . . .) شود .

یأیّها الذین ءامنوا إنّ من أزوجکم و أولدکم عدوًّا لکم فاحذروهم

آثار خویشاوندی با انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۲۷ – ۱۳

۱۳ – خویشاوندی با پیامبران ، نمی تواند مایه مصونیت از کیفر الهی گردد .

فاسلک فیها . .. إلاّ من سبق علیه القول منهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۵۷ – ۵

۵ – نجات از

کیفر دامنگیر الهی ، در گرو ایمان به پیامبران است ، نه پیوند خانوادگی و خویشاوندی با آنان

فأنجینه و أهله إلّاامرأته

همسر لوط با او پیوند نزدیک خانوادگی داشت; ولی این پیوند، ثمری برای او نداشت; چه این که او با خط فکری و عقیدتی لوط(ع) هماهنگ نبود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۵ - ۵

۵ - انتساب به خوبان (چونان پیامبران) ، هیچ تأثیری در سرنوشت اخروی و کیفر و پاداش الهی ندارد .

إذ نجّینه و أهله أجمعین . إلّا عجوزًا فی الغبرین

آثار خویشاوندی با پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۰ - ۹

۹- صرف داشتن رابطه خویشاوندی با پاکان ، دلیل پاکی و خوبی نیست .

إلّا ءال لوط إنا لمنجّوهم . .. إلّا امرأته قدّرنا إنها لمن الغبرین

آثار خویشاوندی با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۳ - ۱۲

۱۲ خویشاوندی با پیامبر (ص) مانع از عذاب و دوزخی شدن فرد مشرک نیست .

ما کان للنبی . .. أن یستغفروا للمشرکین و لو کانوا أولی قربی ... أنهم أصحب الجحیم

آثار خویشاوندی نسبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶ - ۱۵

۱۵ - آنچه باعث ارث بردن می شود ، خویشاوندی نَسبی است و نه شبه خویشاوندی ، مانند فرزند خواندگی ، مادری همسران پیامبر (ص) ، برادری دینی و . . .

ادعوهم لأباءهم . .. و أزوجه أمّهتهم و أُولوا

الأرحام بعضهم أولی ببعض فی کتب ال

آثار روابط خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۸ - ۶

۶ - پیوند خویشاوندی ، منشأ پیدایش حقوقی ویژه ، میان انسان ها است .

فَأت ذا القربی حقّه

آوردن <حقّه> پس از <ذا القربی> و نیاوردن آن پس از <ابن السبیل>، ممکن است به این جهت باشد که خویشاوندان، به خاطر قرابت، حقوق خاصی پیدا می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۲ - ۱۶

۱۶ روابط عاطفی و خویشاوندی خطر آفرین برای رعایت عدل و انصاف

و إذا قلتم فاعدلوا و لو کان ذاقربی

آثار عواطف خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۴ - ۱،۴

۱ عواطف خویشاوندی (علاقه به پدر ، فرزند ، برادر ، همسر و خویشاوندان) و امکانات مادی (مال ، شغل و مسکن) زمینه های انحراف انسان و روی گردانی وی از فرمان خدا و رسول و ر ها کردن جهاد

قل إن کان ءاباؤکم . .. و أموال اقترفتموها ... أحب إلیکم من اللّه و رسوله و جهاد

۴ روی گردانان از جهاد ، به خاطر علقه های عاطفی (محبت پدر ، فرزند ، برادر ، همسر و خویشاوندان) و دلبستگی مادی (مال ، شغل و مسکن) مورد تهدید خداوند

قل إن کان ءاباؤکم . .. و أمول اقترفتموها و ... أحب إلیکم ... و جهاد فی سبیله فتر

ارزش خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ -

توبه - ۹ - ۱۱۳ - ۴

۴ پیوند خویشاوندی ، پیوندی ارزشمند در بینش الهی

ما کان . .. و لو کانوا أولی قربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۵

۵ - ایمان به خداوند و پیامبر (ص) ، ارزشی والاتر و محبوب تر از پیوند های خویشاوندی و نسبی (همچون پدری ، فرزندی ، برداری و . . .)

لاتجد قومًا . .. یوادّون ... و لو کانوا ءاباءهم ... أو عشیرتهم

ارزش روابط خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۶ - ۱۱

۱۱- از دیدگاه حضرت ابراهیم (ع) پیوند دینی ، بس ارزشمندتر و نیرومندتر از قرابت خویشاوندی است .

فمن تبعنی فإنّه منّی و من عصانی

برداشت فوق به این سبب است که حضرت ابراهیم(ع) پس از دعا برای فرزندان خود، پیروی از دستورها و رهنمودهای خویش را ملاک ارزش و منزلت قرار داد.

اسلام و خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۵ - ۱۰

۱۰ توجه خاص اسلام به روابط خویشاوندی

و أولوا الأرحام بعضهم أولی ببعض فی کتب اللّه

اقسام خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۴ - ۴

۴ انسان ها ، دارای دو نوع قرابت و خویشاوندی اند : نسبی و سببی .

فجعله نسبًا و صهرًا

<نسب> که جمع آن <انساب> است به معنای قرابت و خویشاوندی از ناحیه پدر است و <صهر> به معنای قرابت و خویشاوندی از

ناحیه زن است که به سبب ازدواج به وجود می آید (خویشاوندی سببی مثل دامادی و. ..) (برگرفته از لسان العرب). گفتنی است جمله <فجعله نسباً و صهراً> به تقدیر مضاف است; یعنی، <فجعله ذانسب و صهر>.

اهمیت خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۵ - ۱۰

۱۰ توجه خاص اسلام به روابط خویشاوندی

و أولوا الأرحام بعضهم أولی ببعض فی کتب اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶ - ۱۱

۱۱ - خویشاوندی و حفظ آن ، امری مورد توجه صاحب شریعت است .

و أُولوا الأرحام بعضهم أولی ببعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۵

۵ - ایمان به خداوند و پیامبر (ص) ، ارزشی والاتر و محبوب تر از پیوند های خویشاوندی و نسبی (همچون پدری ، فرزندی ، برداری و . . .)

لاتجد قومًا . .. یوادّون ... و لو کانوا ءاباءهم ... أو عشیرتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۳ - ۵

۵ - ارزش های دینی ، مقدّم بر روابط خویشاوندی و عواطف خانوادگی

لاتتّخذوا عدوّی . .. لن تنفعکم أرحامکم و لا أولدکم یوم القیمه

اهمیت رعایت حقوق خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۰ - ۱۶

۱۶- رعایت عـدالت ، احسان ، ادای حق خویشاوندان و دوری از فحشا ، اعمال زشت و سـتم ، از موعظه های خداوند به انسان است .

إن

الله يأمر بالعدل . .. و ينهى عن الفحشاء ... يعظكم

اهميت روابط خويشاوندی

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۹ – نحل – ۱۶ – ۹۰ – ۵

۵- سياست اسلام بر تحکيم پيوند خويشاوندی و رفع مشکلات موجود ميان خويشاوندان است .

إن الله يأمر . .. و إيتایءِ ذی القربی

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۱ – انبياء – ۲۱ – ۶۷ – ۹

۹- پيوند خويشاوندی و عاطفی ، بايد تحت الشعاع روابط عقيدتی و دينی باشد .

إذ قال لأبيه و قومه ما هذه التماثيل التی أنتم لها عکفون . .. أُفّ لکم و لماتعب

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۵ – ۸

۸ – حفظ روابط خانوادگی و خويشاوندی ، امری بس مهم و شايان توجه است .

و وصّينا الإنسن بولديه . .. أن اشکرلی و لولديک... إن جهداک علی أن تشرک بی ...

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۴ – ۷

۷ – اهتمام اسلام ، به موضوع مخلوط نشدن نطفه ها و روشن بودن نسب ها و پيوند های خويشاوندی ميان انسان ها

و الّئی يئسن من المحيض . .. فعدّتهنّ ثلثه أشهر ... وأُولت الأحمال أجلهنّ أن ی

مطلب ياد شده، از مجموع دستورات و رهنمودهای خداوند درباره عدّه زنان و شمارش دقيق آن به ويژه درباره زنان يائسه ای که صرفاً احتمال داده شود با نطفه همسران قبلی خود باردار شده اند به دست می آيد.

بی اعتباری خویشاوندی عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۲۱۶ – ۲

۲ – کفر و عصیان ، عامل بی اعتباری مسؤولیت خویشاوندی

و أنذر عشیرتک . .. فإن عصوک فقل إنّی بریءٌ ممّا تعملون

بی اعتباری خویشاوندی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸ – ۶

۶ دشمنان اسلام و کافران حق ستیز در صورت تسلط بر مسلمانان هرگز بر پیمان و پیوند دوستی و خویشاوندی پایبند نخواهند بود .

کیف و إن یظهروا علیکم لایرقبوا فیکم إلّاً و لاذمه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۲۱۶ – ۲

۲ – کفر و عصیان ، عامل بی اعتباری مسؤولیت خویشاوندی

و أنذر عشیرتک . .. فإن عصوک فقل إنّی بریءٌ ممّا تعملون

بی اعتباری خویشاوندی مشرکان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸ – ۶،۷

۶ دشمنان اسلام و کافران حق ستیز در صورت تسلط بر مسلمانان هرگز بر پیمان و پیوند دوستی و خویشاوندی پایبند نخواهند بود .

کیف و إن یظهروا علیکم لایرقبوا فیکم إلّاً و لاذمه

۷ شرک پیشگان صدر اسلام در صورت پیروزی بر مسلمانان ، از زیر پا گذاشتن حقوق خویشاوندی و شکستن پیمان ، باکی

نداشتند .

و إن يظهروا عليكم لايرقبوا فيكم إلّاً و لاذمه

بی اعتنایی به حقوق خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۱۹

۱۹ عدم رعایت حقوق خویشاوندی ، برخاسته از روحیه فسق و حق گریزی است .

لایرقبوا فیکم إلّاً . .. و أکثرهم فسقون

جلد - نام سوره

– سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۰ – ۱

۱ شرک پیشگان صدر اسلام ، درباره هیچ مؤمنی به رعایت حق خویشاوندی ، ملتزم نبودند .

لایرقبون فی مؤمن إلّاً

<رقبه> و <رُقبان> (مصدر یرقبون) به معنای حفظ و نگهداری و <إلّ> به معنای قرابت و خویشاوندی است. قابل ذکر است که لفظ <مؤمن> و <إلّ> هر دو نکره در سیاق نفی و مفید عمومند; یعنی، مشرکان درباره هیچ مؤمنی حرمت قرابت و خویشاوندی را نگه نمی دارند.

بی تأثیری خویشاوندی با انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۱۰ – ۱۱

۱۱ – بی تأثیر بودن پیوند خویشاوندی با نیکان و صالحان (همچون پیامبران الهی) ، در سرنوشت اخروی انسان ها

قیل ادخلا النار مع الدخلین

بی تأثیری خویشاوندی با صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۱۰ – ۱۱

۱۱ – بی تأثیر بودن پیوند خویشاوندی با نیکان و صالحان (همچون پیامبران الهی) ، در سرنوشت اخروی انسان ها

قیل ادخلا النار مع الدخلین

بی تأثیری خویشاوندی در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۳۴ – ۲

۲ – رابطه خویشاوندی هر چند قوی باشد برای نجات از سختی های قیامت سودی ندارد .

یوم یفرّ المرء من أخیه

فرار از برادر، به معنای تنها گذاشتن او در شداید قیامت است.

تضییع حقوق خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۷

۷ شرک پیشگان صدر اسلام

در صورت پیروزی بر مسلمانان ، از زیر پا گذاشتن حقوق خویشاوندی و شکستن پیمان ، باکی نداشتند .

و إن یظهروا علیکم لایرقبوا فیکم إلّاً و لاذمه

تعصب خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۰ - ۶

۶ - تعصب های نژادی و فامیلی ، امری نکوهیده و زمینه ساز حق ناپذیری است .

و إذا قیل لهم اتبعوا ما أنزل اللّه قالوا بل نتبع ما ألفینا علیه ءاباءنا

حقوق خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۶ - ۳

۳- پیوند خویشاوندی ، منشأ پیدایش حقوقی ویژه میان انسانهاست .

و ءات ذاالقربی حقّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۱۴

۱۴ - استفاده از خوراکی های موجود در منازل خویشاوندان ، بدون اذن خواستن از ایشان ، از حقوق خویشاوندی است .

لیس علی الأعمی حرج . .. و لا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ...

مجاز بودن استفاده از خوراکی های منازل پدر، مادر، برادر، خواهر، عمو و. .. که از خویشاوندان محسوب می شوند و بدون هیچ اذنی از آنان، حاکی از حقی است میان آنان که باید رعایت شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۸ - ۶

۶ – پیوند خویشاوندی ، منشأ پیدایش حقوقی ویژه ، میان انسان ها است .

فأَت ذا القربی حقّه

آوردن <حقّه> پس از <ذا القربی> و نیاوردن آن پس از <ابن السبیل>، ممکن است به این جهت باشد که خویشاوندان، به

خاطر قرابت، حقوق خاصی پیدا می کنند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۶ – ۱۲

۱۲ – قرآن ، به عنوان کتاب الهی ، منبعی برای تشریع قوانین مربوط به حقوق خویشاوندی است .

و أُولوا الأرحام بعضهم أولی ببعض فی کتب اللّه

خویشاوندی انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۸۷ – ۳

۳ پیامبران الهی دارای ارتباط نسبی با یکدیگر بودند. *

و من ءابائهم و ذریتهم و إخونهم

تصریح به اسامی تعدادی از پیامبران در آیات پیش و بیان اجمالی تعدادی دیگر با عنوان <آباء> و <ذریات> و <اخوان> گویا به منظور استقصای همه پیامبران انجام گرفته باشد. بر این اساس حصر پیامبران در افراد مذکور، که خویشاوند یکدیگر هستند، برداشت فوق را ثابت می کند.

خویشاوندی انسان ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۱ – ۱۷

۱۷ خویشاوندی کلیه افراد بشر با یکدیگر *

خلقکم من نفس واحده . .. و اتّقوا اللّه ... و الارحام

<ارحام>، به معنای خویشان است، از آن رو که بازگشتشان به یک رحم است. بنابراین واقع شدن <الارحام> پس از <خلقکم من نفس واحده>، می تواند اشاره به این باشد که تمامی انسانها با یکدیگر خویشاوند هستند.

خویشاوندی اهل مکه و ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۱۰

۱۰ - پیوند نسبی مردم مکّه صدراسلام با حضرت ابراهیم (ع)

ملّه أبیکم إبرهیم

مخاطب ضمیر <کم> در <أبیکم>، می تواند عموم مسلمانان و یا خصوص مردم

مكّه باشد. برداشت فوق برپايه احتمال دوم است.

خويشاوندى با انبيا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۱۰

۱۰ - خويشاوندى با پيامبران و از نسل ايشان بودن ، در قيامت كارساز نبوده و موجب رهايى از پيامد هاى اعمال نخواهد شد .

تلك أمه قد خلت لها ما كسبت و لكم ما كسبتم

بيان اين معنا كه پاداش عمل پيامبران براى ديگران سودمند نخواهد بود، در خطاب كسانى كه از نسل پيامبرانى چون ابراهيم، اسحاق و يعقوب هستند، گوياى برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۱۰

۱۰ - خويشاوندى با پيامبران و از نسل ايشان بودن ، در قيامت كارساز نبوده و موجب رهايى از پيامد هاى اعمال نخواهد شد .

تلك أمه قد خلت لها ما كسبت و لكم ما كسبتم

بيان اين معنا - كه پاداش عمل پيامبران براى ديگران سودمند نخواهد بود - در خطاب به كسانى كه از نسل پيامبرانى چون: ابراهيم، اسحاق و يعقوب هستند، گوياى برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۲۸

۲۸ بى تأثيرى نسب و پيوند خويشى با انبيا و اوليا در پذيرش و رد اعمال از سوى خدا

و اتل عليهم نبأ ابنى ءادم بالحق . .. انما يتقبل اللّه من المتقين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۳ - ۷

۷ داشتن روابط خويشاوندى با پيامبران در رهايى از مجازات هاى الهى بى تأثير است .

إلا امرأته

كانت من الغبرين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – هود – ۱۱ – ۴۰ – ۱۵

۱۵ روابط خانوادگى (نسبى يا سببى) با پيامبران ، تأثيرى در نجات آنان از عذاب هاى الهى ندارد .

و أهلك إلاّ من سبق عليه القول

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – هود – ۱۱ – ۴۶ – ۱۳

۱۳ اعمال صالح خانواده نوح (پرستش خدا و . . .) مايه نجات آنان از حادثه طوفان بود نه انتسابشان به حضرت نوح (ع) .

إنه ليس من أهلك إنه عمل غير صلح

تصريح خداوند به اين كه <هلاـكت فرزند نوح به خاطر اعمال ناصالحش بوده است> ، اشاره به اين معنا دارد كه: نجات ديگر اعضاى خانواده نوح ، به خاطر انتسابشان به آن حضرت نبوده; بلكه منزه بودنشان از اعمال ناشايست ، مايه نجاتشان بوده است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – هود – ۱۱ – ۵۰ – ۳

۳ وجود رابطه خويشاوندى و نسبى ميان هود (ع) و قوم عاد

و إلى عاد أخاهم هودًا

تصريح به اينكه هود(ع) برادر قوم عاد بود ، مى تواند به خويشاوندى آن حضرت با قوم عاد ، اشاره داشته باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – هود – ۱۱ – ۶۱ – ۳

۳ خويشاوندى صالح (ع) با قوم ثمود

و إلى ثمود أخاهم صلحًا

تصریح به اینکه صالح(ع) ، برادر قوم ثمود بود (أخاهم صالحاً) می تواند اشاره ای باشد به خویشاوندی صالح(ع) با قوم ثمود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۸۱ – ۲۰

۲۰ رابطه خویشاوندی با پیامبران ، بی تأثیر در نجات از عذاب های الهی است .

إلّا امرأتک إنه مصیبها ما أصابهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۸۴ – ۳

۳ وجود رابطه خویشاوندی و نسبی میان شعیب (ع) و مردم مدین

و إلی مدین أخاهم شعیبًا

مراد از <أخاهم> این است که شعیب(ع) با اهل مدین ، خویشاوند بود و یا اینکه او برای آنان ، دلسوزی می کرد. برداشت فوق ، بر اساس احتمال اول است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۳۲ – ۸

۸ – داشتن رابطه خانوادگی با پیامبری از پیامبران الهی ، انسان را از عذاب نجات نمی دهد .

لننجّینّه و أهله إلّا امرأته کانت من الغبرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۳۳ – ۱۸

۱۸ – رابطه خویشاوندی با پیامبری از پیامبران الهی ، تأثیری در نجات از عذاب ندارد .

إنّا منجّوک . .. إلّا امرأتک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۳۵ – ۳

۳ - صرف انتساب به خداوند و یا پیوند خویشاوندی با پیامبران ، موجب نجات و سعادت انسان نمی شود .

ءال لوط نجّینهم . .. کذلک نجزی من شکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۶ - ۶

۶ - تمامی پیامبرانی که پس از نوح و ابراهیم (ع) مبعوث شدند ، با مردم خود دارای خویشاوندی

نَسبی بودند .

و لقد أرسلنا نوحًا و إبرهیم و جعلنا فی ذرّیّتهما النبوّه

خویشاوندی با مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۸

۸ وجود پیوند های قرابت و خویشاوندی میان مسلمانان صدر اسلام و مشرکان

و إن یظهروا علیکم لایرقبوا فیکم إلّاً و لاذمه

خویشاوندی داماد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۲ - ۱۵

۱۵- < الحفده ، هم أختان الرجل علی بناته و هو المروی عن أبی عبدالله (ع) ;

<الحفده> به شوهران دختران (داماد) انسان گفته می شود و این معنا از امام صادق(ع) روایت شده است>.

خویشاوندی در ارث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶ - ۱۷،۲۰،۲۱،۲۵،۲۷

۱۷ - خویشاوندان نَسبی دارای ایمان ، از مؤمنان ارث می برند و نه خویشاوندان کافر آنان .

و أُولوا الأرحام بعضهم أولی ببعض . .. من المؤمنین

واژه <من> ممکن است بیانی باشد; یعنی، أُولوا الأرحام مؤمن و مهاجر، در ارث، بر خویشان کافر اولویت دارند.

۲۰ - اولویت خویشاوندان نَسبی برای ارث بردن ، امری است که در لوح محفوظ ثبت است .

و أُولوا الأرحام بعضهم أولی ببعض فی کتب اللّه . .. کان ذلک فی الکتب مسطورًا

احتمـال دارد که مراد از <الکتـاب> لوح محفوظ باشـد و احتمال دارد که منظور، کتاب هایی باشـد که به انبیا(ع) داده شـده است. برداشت بالا، بنابر احتمال نخست است.

۲۱ - اولویت خویشاوندان نَسبی برای ارث بردن ، از جمله تعالیم آسمانی نازل شده در قرآن است .

و أُولوا الأرحام بعضهم

أولی ببعض . .. کان ذلک فی الکتب مسطورًا

<ال> در <الکتاب> می تواند عهد و اشاره به قرآن باشد.

۲۵ - < عن أبی جعفر (ع) فی قول اللّه < و أُولوا الأرحام بعضهم أولی ببعض فی کتاب اللّه > إنّ بعضهم أولی بالمیراث من بعض لأنّ أقربهم إلیه [رحماً] أولی به . . . ;

از امام باقر(ع) درباره این سخن خداوند < و أُولوا الأرحام بعضهم أولی ببعض فی کتاب اللّه> روایت شده که فرمود: بعضی از خویشاوندان، در ارث بردن بر دیگران مقدم اند، چون هر کس از نظر نَسبی نزدیک تر است، در ارث بردن مقدم است. ..>

۲۷ - < عن النبیّ (ص) قال : ما من مؤمن إلاّ و أنا أولی الناس به فی الدنیا و الأخره اقرأوا إن شئتم : < النبیّ أولی بالمؤمنین من أنفسهم > فأیّما مؤمن ترک مالاً فلیرثه عصبته من کانوا . فإنْ ترک دیناً أو ضیاعاً فلیأتنی فأنا مولاه ;

از نبی اکرم(ص) روایت شده است که فرمود: هیچ مؤمنی نیست مگر این که من به ولایت بر او از مردم دیگر در دنیا و آخرت سزاوارترم. اگر خواستید، بخوانید: <النبیّ أولی بالمؤمنین من أنفسهم> پس هر مؤمنی که مالی را بعد از خود بگذارد، خویشان اش هر که باشند، آن رابه ارث می برند. اگر بدهی برجا گذاشته باشد و یا نان خوران فقیری از او باقی مانده اند، باید به من رجوع کند; زیرا من ولیّ او هستم>.

خویشاوندی در دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۵ - ۶

- ۶

لزوم نادیده گرفتن پیوند خویشاوندی ، در دفاع از اصول دین و مبارزه با انحرافات عقیدتی

إذ قال لأبیه و قومه ماذا تعبدون

خویشاوندی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۱۰

۱۰ - خویشاوندی با پیامبران و از نسل ایشان بودن ، در قیامت کارساز نبوده و موجب رهایی از پیامد های اعمال نخواهد شد .

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

بیان این معنا که پاداش عمل پیامبران برای دیگران سودمند نخواهد بود، در خطاب کسانی که از نسل پیامبرانی چون ابراهیم، اسحاق و یعقوب هستند، گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۱۰

۱۰ - خویشاوندی با پیامبران و از نسل ایشان بودن ، در قیامت کارساز نبوده و موجب رهایی از پیامد های اعمال نخواهد شد .

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

بیان این معنا - که پاداش عمل پیامبران برای دیگران سودمند نخواهد بود - در خطاب به کسانی که از نسل پیامبرانی چون: ابراهیم، اسحاق و یعقوب هستند، گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۳ - ۱،۶

۱ - پیوند های خویشاوندی و خانوادگی ، بی ثمر در روز قیامت

لن تنفعکم أرحامکم

۶ - قیامت روز گسسته شدن پیوند ها و جدایی خویشاوندان و فرزندان از والدین

لن تنفعکم . .. یوم القیمه یفصل بینکم

خویشاوندی سببی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۵۴

۴ انسان ها ، دارای دو نوع قرابت و خویشاوندی اند : نسبی و سببی .

فجعله نسبًا و صهرًا

<نسب> که جمع آن <انساب> است به معنای قرابت و خویشاوندی از ناحیه پدر است و <صهر> به معنای قرابت و خویشاوندی از ناحیه زن است که به سبب ازدواج به وجود می آید (خویشاوندی سببی مثل دامادی و. ..) (برگرفته از لسان العرب). گفتنی است جمله <فجعله نسباً و صهراً> به تقدیر مضاف است; یعنی، <فجعله ذانسب و صهر>.

۶ آفرینش انسان ها از عنصری مایع (نطفه یا آب) و ایجاد دو نوع پیوند خویشاوندی نسبی و سببی میان آنان ، از نشانه های ربوبیت و قدرت بی انت های خداوند است .

و هو الذی خلق من الماء بشرًا . .. فجعله نسبًا و صهرًا و کان ربّک قدیرًا

یادآوری ربوبیت خداوند در پایان آیه شریفه و نیز در آغاز نخستین آیات مربوط به بحث از آفرینش پدیده های جهان (ألم تر إلی ربّک. ..) می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

خویشاوندی شعیب(ع) با اهل مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۶ - ۲

۲ - شعیب (ع) ، با مردم مدین ، خویشاوندی داشت .

و إلی مدین أخاهم شعیبًا

خویشاوندی صالح(ع) با قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۳

۳ وجود رابطه خویشاوندی میان صالح و قوم ثمود

و إلی ثمود أخاهم صلحاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۲

۱ - صالح (ع) ، پیامبری از نژاد ثمودیان و دارای پیوند خویشاوندی با آنان

إذ قال لهم أخوهم صلح

قید <أخوهم> می تواند برای بیان پیوند خویشاوندی صالح(ع) با قومش و نیز تعبیری کنایی از شفقت و دلسوزی آن حضرت نسبت به آن قوم باشد.

خویشاوندی قارون و موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۶ - ۱۸

۱۸ - < إنّ قارون کان من قوم موسی > أی کان من بنی اسرائیل ثمّ من سبط موسی و هو ابن خالته . . . روی ذلک عن أبی عبدالله (ع) ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند: <إنّ قارون کان من قوم موسی> روایت شده که قارون از قوم بنی اسرائیل و از تیره موسی(ع) و پسرخاله آن حضرت بود>.

خویشاوندی قوم ثمود با صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۵ - ۳

۳ - رابطه خویشاوندی صالح پیامبر با قوم ثمود

و لقد أرسلنا إلی ثمود أخاهم صلحًا

قید <أخاهم> هر چند کنایه از رحمت و عطوفت است; لکن با توجه به این که این تعبیر در مورد برخی از پیامبران به کار نرفته است با این که همه پیامبران نسبت به قومشان رحمت و عطوفت داشته اند می توان گفت واژه یاد شده اشاره به پیوند خویشاوندی نیز دارد.

خویشاوندی قوم عاد با هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۴ - ۱

۱ - هود (ع) ، پیامبری از نژاد قوم عاد و دارای پیوند

خویشاوندی با آنان

إذ قال لهم أخوهم هود

قید <أخوهم> می تواند برای بیان پیوند خویشاوندی هود(ع) با قومش و یا تعبیری کنایی از شفقت و دلسوزی آن حضرت نسبت به آن قوم باشد.

خویشاوندی لوط(ع) با قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۱ - ۱

۱ - لوط (ع) ، پیامبری از نژاد قوم خود و دارای پیوند خویشاوندی با آنان

إذ قال لهم أخوهم لوط

قید <أخوهم> می تواند برای بیان پیوند خویشاوندی نسبی لوط(ع) با قومش باشد. و نیز می تواند تعبیری کنایی از شفقت و دلسوزی آن حضرت نسبت به آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۳ - ۳

۳ لوط پیامبر ، دارای خویشاوندی با قوم مورد دعوت خویش *

کذّبت قبلهم . .. و إخون لوط

واژه <إخوان> می رساند که میان لوط و قومش، روابط خویشاوندی بوده است.

خویشاوندی منازعان قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۳ - ۱

۱ - وجود نسبت برادری میان دو فرد نزاع کننده و متخاصم در نزد داوود (ع)

إنّ هذا أخی

خویشاوندی نسبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۴ - ۴،۶

۴ انسان ها ، دارای دو نوع قرابت و خویشاوندی اند : نسبی و سببی .

فجعله نسبًا و صهرًا

<نسب> که جمع آن <انساب> است به معنای قرابت و خویشاوندی از ناحیه پدر است و <صهر> به معنای قرابت و خویشاوندی از ناحیه زن است که

به سبب ازدواج به وجود می آید (خویشاوندی سببی مثل دامادی و. ..) (برگرفته از لسان العرب). گفتنی است جمله <فجعله نسباً و صهراً> به تقدیر مضاف است; یعنی، <فجعله ذانسب و صهر>.

۶ آفرینش انسان ها از عنصری مایع (نطفه یا آب) و ایجاد دو نوع پیوند خویشاوندی نسبی و سببی میان آنان ، از نشانه های ربوبیت و قدرت بی انت های خداوند است .

و هو الذی خلق من الماء بشرًا . .. فجعله نسبًا و صهرًا و کان ربّک قدیرًا

یادآوری ربوبیت خداوند در پایان آیه شریفه و نیز در آغاز نخستین آیات مربوط به بحث از آفرینش پدیده های جهان (ألم تر إلی ربّک. ..) می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

خویشاوندی نوح(ع) با قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۶ - ۱

۱ - نوح (ع) ، پیامبری از نژاد قوم خویش و دارای پیوند خویشاوندی با آنان

إذ قال لهم أخوهم نوح

قید <أخوهم> هم می تواند بیانگر پیوند خویشاوندی نوح(ع) با قومش باشد و هم تعبیر کنایی از اشفاق و دلسوزی آن حضرت نسبت به آنان.

خویشاوندی و عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۶ - ۸

۸ - روابط قومی و خویشاوندی ، نباید بر گرایش های اعتقادی انسان اثر بگذارد .

و إذ قال إبرهیم لأبیه و قومه إنّنی براء ممّا تعبدون

طرح داستان ابراهیم(ع) در راستای تأثیرناپذیری از عقاید و باورهای باطل قومی، صورت گرفته است.

خویشاوندی و کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸

- هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱۶

۱۶ لزوم پرهیز از ملاحظه نسب و حسب انسان ها در اجرای کیفر ها و مجازات های مطرح شده در دین

و أهلك إلّا من سبق علیه القول

بیان این بخش از داستان نوح(ع) (احمل فیها .. أهلك إلاّ من سبق علیه القول) رساننده این پیام است که: نباید به خاطر خویشی خطاکاران حتی با افراد برجسته ای چون پیامبران ، از کیفر آنان چشم پوشید.

خویشاوندی و مجازات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱۶

۱۶ لزوم پرهیز از ملاحظه نسب و حسب انسان ها در اجرای کیفر ها و مجازات های مطرح شده در دین

و أهلك إلّا من سبق علیه القول

بیان این بخش از داستان نوح(ع) (احمل فیها .. أهلك إلاّ من سبق علیه القول) رساننده این پیام است که: نباید به خاطر خویشی خطاکاران حتی با افراد برجسته ای چون پیامبران ، از کیفر آنان چشم پوشید.

خویشاوندی هود(ع) با قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۵ - ۳

۳ وجود رابطه خویشاندی و نسبی میان هود (ع) و قوم عاد

و إلی عاد أخاهم هوداً

تصریح به اینکه هود برادر قوم عاد بود، می تواند اشاره به این باشد که آن حضرت از خویشان قوم عاد بوده و نیز می تواند اشاره به این باشد که وی برای آنان، حتی پیش از نبوتش، انسانی دلسوز بوده و به آنان محبت داشته است. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۱ - ۳

۳- پیامبر قوم عاد (هود) ، از تبار ایشان و دارای رابطه خویشاوندی با آنان *

و اذکر أخا عاد . .. إذ أنذر

واژه <أخ> ممکن است اشاره به رابطه خویشاوندی داشته باشد.

رد خویشاوندی جن با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۸ - ۶

۶ - میان خدا و جن ، نسبت خویشاوندی و یا ارتباط ویژه ای (چون شریک بودن) وجود ندارد .

و جعلوا بینه و بین الجنّه نسبًا و لقد علمت الجنّه إنّهم لمحضرون

یادآوری آگاهی جن از احضارشان در روز رستاخیز که در پاسخ به ادعای وجود پیوند خویشاوندی و یا شریک بودن جن با خدا مطرح گردیده بیانگر دو نکته است: ۱ منتفی بودن ارتباط خویشاوندی و شریک نبودن جن با خدا; زیرا اگر جن شریک خدا بود و ارتباط خویشاوندی با او می داشت، برای حسابرسی احضار نمی شد. ۲ تأثیر نداشتن این ارتباط در سرنوشت بندگان (بر فرض وجود چنین ارتباطی).

روابط خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۵ - ۱۰

۱۰ توجه خاص اسلام به روابط خویشاوندی

و أولوا الأرحام بعضهم أولی ببعض فی کتب اللّه

روابط خویشاوندی در ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۴۶ – ۱۱

۱۱ سلب پیوند ها و روابط خویشاوندی ، براثر اعمال ناشایست ، در مکاتب الهی

إنه لیس من أهلك إنه عمل غیر صلح

روابط خویشاوندی در قیامت

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۱۸ – ۶

۶ – روابط فامیلی و عاطفی ، هیچ تأثیری در سرنوشت انسان در روز رستاخیز ندارد .

و إن تدع مثقله إلی حملها لایحمل منه شیء و لو کان ذاقربی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۱۳ – ۳

۳ – تأثیر نداشتن پیوند خویشاوندی و روابط فامیلی ، در نجات انسان مجرم از عذاب الهی در قیامت

یودّ المجرم لویفتدی من عذاب یومئذ ببنیه . .. و فصیلته الّتی تویه

زمینه های حقوق خویشاوندی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۹۰ – ۴

۴– پیوند خویشاوندی ، امری مسؤولیت آور و منشأ پیدایش حقوق ویژه است .

إن الله یأمر . .. و إیتایءِ ذی القربی

عقیده به خویشاوندی جن با خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۵۸ – ۱

۱ – مشرکان ، معتقد به وجود نسبت خویشاوندی میان خدا و جن

و جعلوا بینه و بین الجنّه نسبًا

<نسب>، به معنای قرابت و پیوند خویشاوندی است.

عقیده به خویشاوندی خدا با ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۸ - ۴

۴ - مشرکان ، معتقد به وجود پیوند خویشاوندی (پدر و فرزندی) میان خدا و فرشتگان

و جعلوا بینه و بین الجنّه نسبًا

برداشت یاد شـده مبتنی بر این دیـدگاه است که جمله <و جعلوا بینه و بین الجنّه نسـباً> تأکید دختر نبودن ملائکه برای خدا و نفی فرزنددار بودن او است که در آیات پیشین از

آن یاد شده است (أم خلقنا الملائکه إناثاً. .. لیقولون . ولد اللّه...).

علایق خویشاوندی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۲۴ – ۵۸

۵ ترجیح محبت خویشاوندان و امکانات مادی بر محبت خدا و پیامبر (ص) و جهاد ، فسق و انحراف است .

قل إن کان ءاباؤکم . .. أحب إلیکم ... و اللّه لایهدی القوم الفسقین

۸ ترجیح محبت خدا و رسول و جهاد بر علایق خویشاوندی و تعلقات مادی ، نشانه مؤمنان راستین

یأیها الذین ءامنوا . .. قل إن کان ءاباؤکم ... و جهاد فی سبیله

عواطف خویشاوندی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۲۴ – ۲

۲ محبت پدر ، فرزند ، برادر ، همسر و خویشاوندان نباید محبت خدا و رسول و جهاد در راه خدا را تحت الشعاع قرار دهد .

قل إن کان ءاباؤکم و أبناؤکم . .. أحب إلیکم من اللّه و رسوله و جهاد فی سبیله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۳ – ۳

۳ عواطف و احساسات فامیلی ، باید تحت الشعاع روابط دینی و مکتبی باشد .

ما کان للنبی . .. أن یستغفروا للمشرکین و لو کانوا أولی قربی

عواطف خویشاوندی زکریا(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶ – ۷

۷- اهتمام زکریا به حفظ یادگار های به جامانده از اجداد خویش *

فهب لی من لدنک ولیًّا . یرثنی و یرث من ءال یعقوب

عواطف خویشاوندی مشرکان مکه

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۱۳

۱۳ - بهره گیری از عواطف خویشاوندی برای ترغیب مشرکان مکّه به گرویدن به اسلام

و ما جعل علیکم فی الدین من حرج ملّه أبیکم إبرهیم

قطع روابط خویشاوندی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۱ - ۳

۳ - گسستن روابط خویشاوندی میان انسان ها ، در روز رستاخیز

فإذا نفخ فی الصور فلاأنساب بینهم یومئذ

محدوده روابط خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۴ - ۸

۸ خویشاوندی و پیوندهای اجتماعی نباید مانعی برای تبلیغ و مخالفت با الحاد گردد.

و إذ قال إبرهیم لأبیه ءازر . .. و قومک

یاد آور شدن گفتگوی ابراهیم(ع) با خویشاوندانش بدان جهت می تواند باشد که ضرورت ملاحظه نکردن روابط خویشاوندی و قومی در مسائل اساسی عقیدتی را یادآور شود.

موانع خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۶ - ۲

۲ - کفر و عصیان ، عامل بی اعتباری مسؤولیت خویشاوندی

و أنذر عشيرتک . .. فإن عصوک فقل إنّی برىءٌ ممّا تعملون

نقش خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۲۸

۲۸ بی تأثیری نسب و پیوند خویشی با انبیا و اولیا در پذیرش و رد اعمال از سوی خدا

و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم بالحق . .. انما یتقبل اللّه من المتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۵ - ۷،۸،۹

۷

خویشاوندان در برخوردار شدن از حقوق ولایت مقرر شده در میان مؤمنان ، بر غیر خویشان اولویت دارند .

و أولوا الأرحام بعضهم أولی ببعض فی کتب اللّه

۸ خویشاوندان در ارث بردن از یکدیگر بر غیر خویشان اولویت دارند .

و أولوا الأرحام بعضهم أولی ببعض

برداشت فوق با توجه به روایات متعددی که درباره <اولوا الارحام> آمده، استفاده شده است. علاوه بر آن مفسران بزرگ شیعه و سنی جمله <اولوا الأرحام بعضهم ... > را بیان حکم ارث دانسته اند.

۹ اولویت خویشان در ارث بردن از یکدیگر ، حکمی است ثبت شده در کتاب الهی (قرآن)

و أولوا الأرحام بعضهم أولی ببعض فی کتب اللّه

<فی کتب اللّه> می تواند متعلق به کلمه ثابت و مانند آن و خبر برای مبتدایی محذوف باشد ; یعنی: هذا الحکم ثابت فی کتب اللّه. همچنین می تواند متعلق به مضمون جمله <بعضهم أولی ببعض> باشد ; یعنی متعلق به نسبت خبریه در آن جمله باشد. قابل ذکر است که مآل هر دو فرض به یک معناست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۲ - ۱۳

۱۳- خویشاوندی و پیوند های اجتماعی ، نباید مانعی برای تبلیغ و مخالفت با الحاد گردد .

إذ قال لأبیه یأبت لِمَ تعبد ما لایسمع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۳ - ۷

۷- خویشاوندی ، نبایستی موجب ترک تبلیغ دین و توحید و مبارزه با شرک گردد .

یأبت لِمَ تعبد . .. یأبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ -

۵ – ۲۱۵

۵ – ملاک ارزش در بینش الهی ایمان است ; نه پیوند های قبیله ای و خویشاوندی .

و أنذر عشیرتک الأقربین . و اخفض جناحک لمن اتبعک من المؤمنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۵۸ – ۷

۷ – نسبت ها ، نزدیکی ها و پیوند های خویشاوندی ، هیچ تأثیری در سرنوشت بندگان و مجازات آنان ندارد .

و جعلوا بینه و بین الجنّه نسبًا و لقد علمت الجنّه إنّهم لمحضرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۲۲ – ۸

۸ – پیوند نسبی (پدری ، فرزندی ، برادری و خویشاوندی) ، قوی ترین و پایدارترین سبب مودت و دوستی ها است .

و لو کانوا ءاباءهم أو أبناءهم أو إخونهم أو عشیرتهم

با این که اسباب دوستی زیاد است، اختصاص به ذکر یافتن پیوند نسبی، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بلد – ۹۰ – ۱۵ – ۴

۴ – خویشاوندی ، رابطه ای مسؤولیت آفرین و انگیزه ای مؤثر ، در کمک رسانی به یکدیگر است .

ذا مقربه

نقش خویشاوندی با پاکان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶۰ – ۳

۳- صرف رابطه خویشاوندی با پاکان ، سبب رهایی از عذاب الهی و پیامدکار زشت نخواهد شد .

إلّا امرأته قدّرنا إنها لمن الغبرين

نقش خویشاوندی با محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مسد – ۱۱۱ – ۱ – ۶

۶ – خویشاوندی مخالفان اسلام با پیامبر

(ص) ، مانع نکوهش خداوند از آنان نیست .

تبّت یدا أبی لهب و تبّ

نقش عواطف خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳ - ۷

۷- استفاده از گرایش ها و عواطف خویشاوندی برای هدایت مردم ، از روش های هدایتی قرآن

ألاّتتخذوا من دونی وکیلًا. ذرّیه من حملنا مع نوح

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <ذرّیه من حملنا. ..> از سخنان قرآن باشد نه آموزه های تورات.

نقش عواطف خویشاوندی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳ - ۶

۶- استفاده < تورات > از گرایش ها و عواطف خویشاوندی بنی اسرائیل ، جهت هدایت و گرایش آنان به توحید

و ءاتینا موسی . .. ذرّیه من حملنا مع نوح

این برداشت با توجه به دو نکته است ذیل است: ۱ بنابراین که نصب <ذرّیه> به حرف ندای محذوف و ادامه کلام تورات در آیه قبل باشد (و آتینا موسی الکتاب . ..ألاّتتخذوا ... یا ذرّیه من حملنا مع نوح). ۲- آیه در پی دعوت از بنی اسرائیل به توحید، به آنان یادآوری می کند که آنها از فرزندان همراهان نجات یافته نوح هستند، تا به این وسیله ایشان را به قبول دعوت برانگیزاند.

خویش

اقرار علیه خویش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۹

۹ اقرار انسان علیه خویش ، نافذ و دارای اعتبار قانونی است .

شهداء للّه و لو علی أنفسکم

خیانت به خویش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء

۳ - ۱۰۷ - ۴ -

۳ خیانت و نیرنگ به دیگران ، در حقیقت خدعه و خیانت به خویشتن است .

و لاتجدل عن الذین یختانون انفسهم

در آیه شریفه خیانت به دیگران، خیانت به نفس شمرده شده است.

زیان به خویش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۷ - ۱۴

۱۴ محروم نمودن خویش از مواهب پاکیزه و حلال الهی ، زیان رسانی به خود آدمی است .

و لاتحرموا طیبت ما احل اللّه لکم و لاتعتدوا

چنانچه تحریم طیبات به معنای محروم ساختن خویش از مواهب الهی گرفته شود جمله <لاتعتدوا> می تواند بیانگر فلسفه ای برای جمله <لاـتحرموا . ..> باشد یعنی مبادا طیبات را از خود دریغ دارید چرا که این کار تعدی به خود و پایمال کردن حقوق خویش است.

ظلم به خویش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۰ - ۵

۵ گناه ، ستم بر خویشتن است .

و من یعمل سوءاً او یظلم نفسه ثم یستغفر اللّه

خیال پردازی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خیال پردازی

آثار خیال پردازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۴۰ – ۴

۴ شرکورزی و اعتقاد به معبودهایی غیر از خدای یکتا ، زاییده پندار و توهم آدمیان است .

إلّا أسماءً سمیتموها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۶۸ – ۸

۸ – جامعه داستان پرداز و افسانه گرا ، دارای ذهنیتی ناتوان و مغشوش در تشخیص حق و باطل

إن هذا إلّا أسطیر الأوّلین

کافران عقیده به معاد را <أسطوره> می پنداشتند واین

پنـدار نشـانگر رواج افسـانه هـا در میـان جوامع پیشـین و ذهنیت مغشوش است که در نتیجه شـیوع خرافات، پدیـد آمـده بود و براساس آن هر سخن تازه ای را حکایتی ساخته و پرداخته افراد تلقی می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۱ - ۳

۳ - غفلت از ارزش ها ، معلول غرق شدن در گرداب پندار ها و تمنیات نفسانی است . *

الخرّصون . الذین هم فی غمره ساهون

از ارتبـاط <فی غمره> بـا <سـاهون> ممکن است چنین اسـتفاده شود که انسان، زمانی گرفتار غفلت و حق ستیزی می شود که دل مشغولی های دنیا و حفره های جاه و مال و شهوت، او را در خود فرو برده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۳ - ۴

۴ - شرک و بت پرستی ، برخاسته از خیال پردازی و موهوم گرایی بشر و فاقد هر گونه پشتوانه منطقی

سمّیتموها أنتم و ءاباؤکم ما أنزل اللّه بها من سلطن

از تأکید خداوند بر این که بت ها، جز نام های ساخته و پرداخته بشـر، چیزی نیسـتند; می توان به دست آورد که خیال پردازی و موهوم گرایی انسان، او را به وادی شرک کشانیده است.

تنزیه از خیال پردازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۷ - ۳

۳ - ساحت شاعران مؤمن ، مبرّا از خیال پردازی ، گزافه گویی و گفتار بدون عمل

و الشعراء. .. فی کلّ واد یهیمون... یقولون ما لایفعلون . إلاّ الذین ءامنوا

تهمت خیال پردازی به محمد(ص)

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۲۲۴ – ۴

۴ – اتهام مشرکان به پیامبر (ص) مبنی بر ابداع قرآن با وهم و خیال خویش

و الشعراء یتّبعهم الغاون

خیال پردازی شاعران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۲۲۵ – ۲

۲ – توسن سرگشته کلام شاعران خیال پرداز ، ر ها شده در هر وادی بی حاصل

ألم تر أنّهم فی کلّ واد یهیمون

مقصود از برداشت یاد شده این است که شاعران گزافه گوی و بی ملاک، در هر زمینه ای بی تأمل شعر می سارینـد; زیبا را زشت و زشت را زیبا می کنند; حق را باطل و باطل را حق جلوه می دهند و. .. .

خیال پردازی عوام یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۸ – ۵،۷

۵ – حدس و گمان ، پایه و اساس تفکرات دینی عوام یهود

إن هم لایظنون

۷ – پذیرش خیالات واهی به جای محتوای کتاب آسمانی و پایه قرار دادن حدس و گمان در تفکرات و معتقدات دینی ، از دلایل نابجا بودن انتظار ایمان از عوام یهود

أفتطمعون أن یؤمنوا لکم . .. و منهم أمیون ... إن هم إلا یظنون

خیال پردازی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۶ - ۵

۵ - موضع گیری های کافران در قبال قرآن و پیامبر (ص) ، متکی به پندار و نه دلیل یقینی

أم خلقوا السموت و الأرض بل لایوقنون

خیال پردازی مشرکان

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۲۸ – ۳

۳ – پندارگریی و گمان محوری ، شالوده هویت مشرکان بی باور به آخرت

إنّ الذین لایؤمنون بالأخره . .. إن یتّبعون إلاّ الظنّ

با توجه به حصر در <إن یتّبعون إلاّ الظنّ>، مطلب بالا استفاده می شود.

خیال پردازی مکذبان آخرت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۲۷ – ۵

۵ – پیروی از هوا و گمان و آرزوپردازی های بی حاصل ، از ویژگی های ناباوران به آخرت

إن هی إلاّ أسماء سمّیتموها . .. إن یتّبعون إلاّ الظنّ و ما تهوی الأنفس ... أم لل

ارتباط آیات، نشانگر این است که منکران آخرت، از ویژگی های یاد شده برخوردارند.

زمینه خیال پردازی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۱۱ – ۲

۲ – انسان اسیر شده در گرداب کفر و لجاجت ، گرفتار پندارگرایی و غافل از وعده های حق الهی

الخرّصون. الذین هم فی غمره ساهون

از ارتباط <خرّاصون> با <غمره> و <ساهون> مطلب بالا استفاده می شود.

شاعران مؤمن و خیال پردازی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۲۲۷ – ۳

۳ – ساحت شاعران مؤمن ، مبرّا از خیال پردازی ، گزافه گویی و گفتار بدون عمل

و الشعراء. .. فی کلّ واد یهیمون... یقولون ما لایفعلون . إلّا الذین ءامنوا

علاقه به خیال پردازی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۲۲۵ – ۴

۴ – گمراهان ، دوستدارِ مطالب سست ، بی

بنیاد و خیال انگیز

و الشعراء یتّبعهم الغاون . ألم تر أنّهم فی کلّ واد یهیمون

از ارتباط دو آیه استفاده می شود که گمراهان، در پی شاعرانی بی اصالت و وهم گرا هستند.

خیال پردازان

استهزاهای خیال پردازان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۲ - ۲

۲ - پندارگرایان دنیا زده غافل ، درصدد انکار معاد با تمسخر و استهزا *

الخرّصون . الذین هم فی غمره ساهون . یسئلون أیّان یوم الدّین

از ارتباط <یسئلون. ..> با آیات پیشین، استفاده می شود که این سؤال نمونه ای از غفلت و دنیازدگی آنان است که گاه اصل را انکار می کنند و گاه با پرسش از زمان معاد، آن را بعید و غیر علمی می نمایانند.

تکذیبگری خیال پردازان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۲ - ۲

۲ - پندارگرایان دنیا زده غافل ، درصدد انکار معاد با تمسخر و استهزا *

الخرّصون . الذین هم فی غمره ساهون . یسئلون أیّان یوم الدّین

از ارتباط <یسئلون. ..> با آیات پیشین، استفاده می شود که این سؤال نمونه ای از غفلت و دنیازدگی آنان است که گاه اصل را انکار می کنند و گاه با پرسش از زمان معاد، آن را بعید و غیر علمی می نمایانند.

خیانت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خیانت

{خیانت}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۵ - ۵،۹،۱۷

۵ خیانتکاری برخی از اهل کتاب ، حتی در ناچیزترین امانتها

و منهم من ان تأمنه بدینار لا یؤدّه الیك

۹ دیدگاه های متفاوت اهل کتاب درباره غیر

همکیشان خود ، موجب حفظ امانت و یا خیانت در آن

و من اهل الکتاب . .. و منهم من ان تأمنه ... ذلک بانّهم قالوا لیس علینا فی الامّی

<ذلک>، اشاره به طایفه دوم است.

۱۷ نسبت تجویز خیانت در امانت ، به خداوند ، دروغ بستن به اوست .

و منهم من ان تأمنه بدینار لا یؤدّه الیک . .. قالوا لیس علینا فی الامّیّن سبیل و

رسول اللّه (ص) در پی نزول آیه فوق فرمود: کـذب اعـداء اللّه مـا من شـیء کـان فی الجـاهلیه الاّـ و هو تحت قـدمیّ هاتین الاّ الامانه فانّها مؤدّاه الی البرّ و الفاجر.

الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۴۴ ; مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۷۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۶ - ۸

۸ خیانت در امانت و بدعتگذاری در دین از سوی اهل کتاب ، برخاسته از بی تقوایی آنان

و منهم من ان تأمنه بدینار . .. و یقولون علی اللّه الکذب ... بلی من اوفی بعهده و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۱۶،۵،۲،۱

۱ ساحت پیامبران ، پاک و منزّه از هر گونه خیانت است .

و ما کان لنبیّ ان یغلّ

<یغلّ> از ماده غلول و غَلل، به معنای خیانت است.

۲ ناسازگاری خیانت با مقام نبوّت و رسالت الهی

و ما کان لنبیّ ان یغلّ

۵ گمان باطل برخی از مسلمانان صدر اسلام مبنی بر خیانت پیامبر (ص) در غنایم جنگی

و ما کان لنبیّ ان یغلّ

در برخی از شأن نزولهایِ مربوط به آیه آمده که غنیمتی

از غنایم جنگی بدر مفقود شد و عدّه ای چنین پنداشتند که پیامبر (ص) آن را تصاحب کرده است. (مجمع البیان، ذیل آیه.) و از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: ... الم ینسبوا نبیّنا محمّداً (ص) ... الم ینسبوه یوم بدر الی انّه اخذ لنفسه من المغنم قطیفه حمراء حتّی اظهره اللّه عزّ و جلّ علی القطیفه و برء نبیّه من الخیانه و انزل بذالک فی کتابه <و ما کان لنبیّ ان یغلّ ... >.

امالی صدوق، ص ۹۲، مجلس ۲۲، ح ۳ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۴، ح ۱.

۱۶ به مجازات رسیدن خیانتکاران در اموال امام در قیامت

و من یغلل یأت بما غلّ

امام صادق (ع): الغلول کلّ شیء غلّ عن الامام.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۵، ح ۱۴۸ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۴، ح ۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۲ - ۶،۹

۶ جویای رضای الهی از سوی پیامبر (ص) ، دلیل و نشانگر پاکی ساحت وی از هر گونه خیانت

و ما کان لنبیّ ان یغلّ . .. افمن اتّبع رضوان اللّه

جمله <افمن اتّبع رضوان اللّه> به منزله دلیل و تعلیل برای جمله <و ما کان لنبیّ ان یغلّ> است ; یعنی آیا امکان دارد پیامبری که همواره در پی جلب رضای الهی است، خیانت کند و از همان کسانی باشد که خدا بر آنان خشم گرفته است.

۹ نسبت خیانت به پیامبر (ص) ، زمینه ساز خشم و غضب الهی

ما کان لنبیّ ان یغلّ . .. کمن بآء بسخط من اللّه

جمله

<کمن بآء بسخط> می تواند اشاره به کسانی باشد که به ساحت پاک پیامبر (ص) چنین اتهاماتی را وارد کردند ; چنانچه در آیه قبل بدان اشاره شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۳،۱۰،۱۳،۱۴،۱۹

۳ مؤمنان ، پاک هستند و غیر آنان (منافقان) ، پلید و خبیث .

ما کان اللّه لیذر المؤمنین علی ما انتم علیه حتّی یمیز الخبیث من الطّیّب

۱۰ جریان مداوم آمیختگی پاکان و ناپاکان و جدا شدن آنان از یکدیگر

ما کان اللّه لیذر المؤمنین علی ما انتم علیه حتّی یمیز الخبیث من الطّیّب

۱۳ ایمان و کفر (پاکی و ناپاکی) انسان ها از امور غیبی

و ما کان اللّه لیطلعکم علی الغیب

چنانچه مراد از <الغیب>، جنس باشد، کفر و ایمان از مصادیق مورد نظر است. البتّه این احتمال نیز به نظر می رسد که الف و لام <الغیب>، عهد باشد; یعنی خصوص کفر و ایمان.

۱۴ سنّت الهی ، بر تفکیک صفوف پاکان از ناپاکان به وسیله آگاه ساختن مردم به غیب و اسرار دل ها ، نیست .

ما کان اللّه لیذر المؤمنین علی ما انتم علیه حتّی یمیز الخبیث من الطّیّب و ما کان

<و ما کان اللّه لیطلعکم . .. >، در صدد بیان این است که گر چه خداوند، ناپاکان را از پاکان مشخص خواهد کرد، ولی این تفکیک از طریق مشکلات و جنگها و مسائل دیگر از این قبیل است، نه از راه آشنا ساختن مردم به غیب و نهان.

۱۹ پیامبر (ص) ، آگاه به پاکان و ناپاکان (مؤمن

و منافق) امّت خویش ، از طریق علم به غیب

و ما کان اللّه . .. و لکنّ اللّه یجتبی من رسله من یشاء

مراد از <من رسله> چه برخی از رسولان باشند و چه تمامی آنان قطعاً پیامبر اسلام (ص) از جمله آنان خواهد بود.

آثار ترک خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۲ - ۳

۳ امانتداری و ترک خیانت ، از موجبات جلب خشنودی و رضای خداوند

و ما کان لنبیّ ان یغلّ . .. افمن اتّبع رضوان اللّه کمن بآء بسخط من اللّه

آثار خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۲ - ۷

۷ خیانتکاری و اختلاس ، زمینه ساز خشم و غضب الهی

و من یغلل یأت بما غلّ . .. افمن اتّبع رضوان اللّه کمن بآء بسخط من اللّه

از مصادیق مورد نظر برای <من بآء بسخط>، خیانتکارانی هستند که در آیه قبل به رسوایی آنان اشاره رفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۷ - ۳

۳ خیانت و نیرنگ به دیگران ، در حقیقت خدعه و خیانت به خویشتن است .

و لاتجدل عن الذین یختانون انفسهم

در آیه شریفه خیانت به دیگران، خیانت به نفس شمرده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۱۱ – ۳

۳ آثار زیانبار خیانت به دیگران ، دامنگیر خود خیانتکار خواهد شد .

إنّ اللّه لایحب من کان خواناً . .. و من یکسب اثماً فانما یکسبه علی

نفسه

به مقتضای آیات گذشته، مصداق مورد نظر از <اثماً>، همان خیانتکاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۸ - ۹

۹ خیانت ، حتی نسبت به کافران ، امری ناروا و در پی دارنده محرومیت از محبت خدا

فانبذ إلیهم علی سواء إن اللّه لایحب الخائنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۱ - ۶

۶ کافران جنگ بدر به سبب خیانتهایشان به خدا و دین او ، مغلوب مجاهدان شده و گروهی از آنان به اسارت درآمدند .

فقد خانوا اللّه من قبل فأمکن منهم

امکان (مصدر امکن)، به معنای تسلط بخشیدن است. تفریع جمله <امکن منهم> بر <فقد خانوا> به وسیله حرف <فاء> دلالت می کند بر اینکه خیانت کافران به دین خدا موجب شد که خداوند آنان را در سیطره مسلمانان قرار دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸ - ۴

۴ - خیانت کاری و پیمان شکنی ، نشانه ضعف ایمان و مایه محرومیت از سعادت اخروی

قد أفلح المؤمنون . .. و الذین هم لأمنتهم و عهدهم رعون

آثار خیانت بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۳ - ۳

۳ - بنی نضیر ، به خاطر توطئه و خیانت ، مستحق کیفر و مجازاتی سخت بودند و اجرای حکم تبعید علیه آنان ، تقدیری همراه با تخفیف برای ایشان بود .

و لولا أن . .. لعذّبهم فی الدنیا

آثار خیانت به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۶ – انفال – ۸ – ۲۷ – ۷

۷ پیامد های شوم خیانت به خدا و رسول و زشتی خیانت آدمی به امانت های جامعه ، امری روشن و بی نیاز از برهان

لاتخونوا اللّه . .. و أنتم تعلمون

در اینکه مفعول <تعلمون> چیست، نظرهای مختلفی ایراد شده که از جمله آنهاست، زشتی خیانت، پیامدهای شوم آن و حرمت آن از دیدگاه عقل و شرع.

آثار خیانت به محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۲۷ – ۷

۷ پیامد های شوم خیانت به خدا و رسول و زشتی خیانت آدمی به امانت های جامعه ، امری روشن و بی نیاز از برهان

لاتخونوا اللّه . .. و أنتم تعلمون

در اینکه مفعول <تعلمون> چیست، نظرهای مختلفی ایراد شده که از جمله آنهاست، زشتی خیانت، پیامدهای شوم آن و حرمت آن از دیدگاه عقل و شرع.

آثار خیانت تاجران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۳ – ۱

۱ – تاجرانی که در سنجش کالا خیانت ورزیده و هنگام فروش آن از پیمانه و وزن می کاهند ، به عذاب الهی گرفتار خواهند شد .

و إذا کالوهم أو وزنوهم یخسرون

آثار خیانت در جنگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۳ - ۱۰

۱۰ پذیرش دوستی و سرپرستی کفار ، خیانت در جنگ ، خدعه با خدا ، سستی در عبادت ، ریاکاری و کم به یاد خدا بودن ، موجب گمراهی و محرومیت دایمی از هدایت الهی است .

و من یضلل اللّه فلن

تجد له سبیلا

از مصادیق مورد نظر برای (من یضلل)، کسانی هستند که در آیات قبل (از ۱۳۸ تا ۱۴۳) خصلتهای آنان بر شمرده شد.

آثار خیانت در معامله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۰ - ۳

۳ - کم فروشی و خیانت در معامله ، تکذیب عملی روز قیامت است .

ویل للمطفّفین . .. ویل یومئذ للمکذّبین

آیات مورد بحث درباره <مطفّفین> است و آنان را با عناوین <فجّار> و <مکذّبین> تهدید به عذاب الهی می کند. مراد از <یومئذ> همان <یوم یقوم الناس...> است که در آیات پیشین گذشت. تکذیب می تواند، شامل تکذیب عملی و قولی باشد; بنابراین آیه اختصاص به کافران ندارد.

آثار خیانت مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۱ - ۹

۹ - پافشاری برخی از مشرکان بر شرک ، معلول تعصب یا اهداف خائنانه است ، نه ناشی از نادانی صرف .

بل أکثرهم لایعلمون

قید <أکثر> بیانگر این واقعیت است که در میان مشرکان، کسانی وجود دارند که علی رغم آگاهی به بطلان شرک، به خاطر اهداف نادرستی از آن حمایت می کنند.

آثار ذکر خیانت منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۵

۵ توجه به گوشه ای از خیانت ها و تزویر های منافقان ، مستلزم عدم اعتمادبه آنان برای همیشه

لن نؤمن لكم قد نبأنا اللّه من أخباركم

برداشت فوق مبتنی بر این است که <من> در <أخباركم> برای تبعیض و <لن> در <لن نؤمن> برای نفی ابدی باشد.

اجتناب از خیانت

جلد - نام

سوره – سوره – آيه – فيش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۸ – ۳

۳ پرهيز شاهدان وصيت از خيانت در شهادت و تجاوز به حقوق ديگران ، تكليفى الهى بر عهده ايشان و نشان تقواپيشگى آنان است .

ذلك ادنى ان يأتوا بالشهده على وجهها . .. و اتقوا اللّه و اسمعوا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۶ – انفال – ۸ – ۲۷ – ۳

۳ حفظ امانت هاى مسلمانان و پرهيز از خيانت در آن ، وظيفه ايمانى مؤمنان

يأيها الذين ءامنوا لاتخونوا اللّه و الرسول و تخونوا أمنتكم

در برداشت فوق <تخونوا أمنتكم> عطف بر <تخونوا اللّه> گرفته شده است. بنابراين حرف نهى <لاـ> در معطوف نيز لحاظ شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – يوسف – ۱۲ – ۵۲ – ۶

۶ رعايت عفّت و پرهيز از خيانت به ويژه در نهان و به دور از چشم مردم ، خصلتى ارزشمند و نيكوست .

ذلك ليعلم أنى لم أخنه بالغيب

<بالغيب> (در نهان) مى تواند حال براى ضمير فاعلى و نيز براى ضمير مفعولى در <لم أخنه> باشد. بنابراين <لم أخنه بالغيب> ; يعنى، به او خيانت نكردم آن گاه كه وى [از چشم ما] نهان بود و يا من از او در نهان بودم.

اجتناب از خيانت در معامله

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۳۵ – ۳

۳- خير و مصلحت واقعى انسان و جامعه ، در اجتناب كردن از كم فروشى و خيانت اقتصادى است .

و أوفوا الكيل . .. وزنوا بالقسطاس المستقيم ذلك خير

احتمال خيانت

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۱ - ۴

۴ احتمال ادامه خیانت از سوی اسیران نباید مانعی برای رهاسازی آنان محسوب شود .

و إن یریدوا خیانتک

این احتمال همواره وجود دارد که اسیران پس از آزاد شدن بار دیگر به حمایت از سایر مشرکان برآمده و علیه نظام اسلامی تلاش کنند. این احتمال ممکن است رهبران نظام اسلامی را از آزادسازی اسیران بازدارد. گویا آیه شریفه <و إن یریدوا ... > در صدد رفع این نگرانی است. یعنی اگر مصلحت بر آزادسازی باشد، این نگرانی شما را از آزاد کردن اسیران بازندارد.

افشای خیانت مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۲ - ۳

۳ - افشاگری خداوند ، در مورد اهداف خائنانه و توطئه گرانه مشرکان علیه جان پیامبر (ص)

نتربص به ریب المنون . .. أم یریدون کیدًا

طبق گفته مفسران، ممکن است عبارت <یریدون . ..> نظر به توطئه <دارالندوه> داشته باشد.

پاداش اجتناب از خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۸ - ۶

۶ پایبندی به ارزش های الهی و پرهیز از خیانت به دین ، دارای پاداشی عظیم نزد خداوند

لاتخونوا اللّه . .. أنما أمولکم و أولدکم فتنه و أن اللّه عنده أجر عظیم

پیشگیری از خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۸ - ۵

۵ رهبران جامعه اسلامی باید به احتمال وقوع خیانت از سوی جوامع کفرپیشه ترتیب اثر داده و نباید برای تصمیمات لازم در

انتظار وقوع خیانت باشند .

و إما تخافن من قوم خيانه فانبذ إليهم على سواء

تشخیص خیانت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۸ - ۴

۴ بررسی و تشخیص شواهد و نشانه های خیانتکاری کافران ، وظیفه ای بر عهده پیامبر (ص) و رهبران جامعه اسلامی

و إما تخافن من قوم خيانه

تکرار خیانت با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۴ - ۱۰

۱۰ - همسران خطاکار پیامبر (ص) (حفصه و عایشه) ، در معرض تکرار خطا و خیانت علیه آن حضرت بودند .

و إن تظهرا عليه

از تعبیر <إن تظاهرا عليه> (اگر علیه پیامبر هم پشتی کنید)، استفاده می شود که حفصه و عایشه، در معرض تکرار چنین خطاهایی بودند.

حرمت خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۹

۹ حرمت خیانتکاری

و من يغلل يأت بما غلّ يوم القيمه ثمّ توفّى كلّ نفس ما كسبت

خیانت اسیران غزوه بدر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۷۱ – ۲

۲ اسیران جنگ بدر از خیانتکاران به دین خدا تا پیش از آن نبرد

و إن یریدوا خیانتک فقد خانوا اللّه من قبل

خیانت اکثریّت یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۳ – ۲۲

۲۲ تلاش مستمر اکثریت یهود در عصر بعثت برای خیانت به پیامبر (ص) و اسلام

و لاتزال تطلع علی خائنه منهم

چون آیه

فوق در بیـان خیانتکـاری بنی اسـرائیل، پیـامبر(ص) را مخـاطب قرار داده (و لاـتزال تطلع . ..) معلوم می شود این خیانت درباره پیامبر(ص) و مسلمانان صورت می گرفته است.

خیانت الغای معاهدات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۵۸ – ۸

۸ بی اعتبار شمردن و الغای عهدنامه ها بدون آگاه ساختن طرف مقابل ، خیانت است .

فانبذ إلیهم علی سواء إن اللّه لایحب الخائنین

برداشـت فـوق بر این اسـاس است که <إن اللّه . .. > تعلیـل برای <علی سـواء> باشـد. یعنی اگر این دسـتور (آگـاه سـاختن دشمن به لغو عهدنامه او) را اجرا نکنی، خیانتکاری و خداوند خیانتکاران را دوست ندارد.

خیانت اهل کتاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۷۵ – ۵

۵ خیانتکاری برخی از اهل کتاب ، حتی در ناچیزترین امانتها

و منهم من ان تأمنه بدینار لا یؤدّه الیک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۳۲ – ۵

۵- مخالفت اهل کتاب با اسلام و پیامبر (ص) ، مخالفتی خائنانه و نه از روی جهل و بی خبری *

إنّ الذین کفروا و . .. من بعد ما تبیّن لهم الهدی

می توان گفت: مراد از <الذین کفروا. ..> به قرینه <تبیّن لهم الهدی> اهل کتاب است.

خیانت بر محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۴۲ – ۳

۳ – افشاگری خداوند ، در مورد اهداف خائنانه و توطئه گرانه مشرکان علیه جان پیامبر (ص)

نتربص به ریب

المنون . .. أم يريدون كيدًا

طبق گفته مفسران، ممکن است عبارت <يريدون . ..> نظر به توطئه <دارالندوه> داشته باشد.

خيانت بنی اسرائيل

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۴ – مائده – ۵ – ۱۳ – ۲۰

۲۰ خيانت پيشگی اکثريت بنی اسرائيل

و لاتزال تطلع علی خائنه منهم إلاّ قليلا منهم

خيانت بنی نضير

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۱۱ – ۳

۳ – روابط خائنانه منافقان مدينه ، با کافران اهل کتاب (يهود بنی نضير)

الذين نافقوا يقولون لإخونهم الذين کفروا من أهل الکتب لئن أخرجتم لنخرجنّ معکم

خيانت به اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۴ – نساء – ۴ – ۱۴۱ – ۸

۸ منافقان ، خائنِ به جبهه اسلام و مؤمنان و خوش خدمت به کافرانند .

قالوا ألم نستحوذ عليکم و نمنعکم من المؤمنين

<استحوذ> به معنای غلبه و استيلا است و مراد از جمله <و ان کان للکافرين . .. الم نستحوذ> با توجه به سياق آيه اين است که منافقان پس از پيروزی کافران به آنان می گويند: در هنگامه جنگ ما بر شما استيلا داشتيم ولی شما را نکشتيم، بر اين اساس جمله <نمنعکم من المؤمنين> به اين معنا خواهد بود که بين شما و اهل ايمان حائل شديم و نگذاشتيم آنان نيز به شما دسترسی پيدا کنند، تا پيروزی برای شما حاصل شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۸ - ۳

۳ دلبستگی به مال و فرزند ، زمینه ابتلای انسان به

انحراف از دین و خیانت به آن

لاتخونوا اللّه . .. و اعلموا أنما أمولکم و أولدکم فتنه

خیانت به امانت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۷ - ۷

۷ پیامد های شوم خیانت به خدا و رسول و زشتی خیانت آدمی به امانت های جامعه ، امری روشن و بی نیاز از برهان

لاتخونوا اللّه . .. و أنتم تعلمون

در اینکه مفعول <تعلمون> چیست، نظرهای مختلفی ایراد شده که از جمله آنهاست، زشتی خیانت، پیامدهای شوم آن و حرمت آن از دیدگاه عقل و شرع.

خیانت به بیت المال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۱۶

۱۶ به مجازات رسیدن خیانتکاران در اموال امام در قیامت

و من یغلل یأت بما غلّ

امام صادق (ع): الغلول کلّ شیء غلّ عن الامام.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۵، ح ۱۴۸ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۴، ح ۲.

خیانت به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۱ - ۶

۶ کافران جنگ بدر به سبب خیانتهایشان به خدا و دین او ، مغلوب مجاهدان شده و گروهی از آنان به اسارت درآمدند .

فقد خانوا اللّه من قبل فأمکن منهم

امکان (مصـدر امکن)، به معنای تسـلط بخشـیدن است. تفریع جمله <امکن منهم> بر <فقد خانوا> به وسـیله حرف <فاء> دلالت می کند بر اینکه خیانت کافران به دین خدا موجب شد که خداوند آنان را در سیطره مسلمانان قرار دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال

- ۸ - ۲۷ - ۱،۲،۵

۱ خیانت به خدا و پیامبر (ص) ، حرام و به دور از شأن اهل ایمان

یأیها الذین ءامنوا لاتخونوا اللّه و الرسول

۲ خیانت به پیامبر (ص) ، خیانت به خداست .

لاتخونوا اللّه و الرسول

تکرار نکردن فعل <لاتخونوا> در مورد خدا و رسول و تکرار آن در مورد سایر مردمان، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که خیانت به هر یک از خدا و رسول در حکم خیانت به دیگری است و قابل تفکیک نیست.

۵ افشای اسرار جامعه اسلامی ، خیانت به خدا ، رسول اکرم (ص) و مؤمنان است .

لاتخونوا اللّه و الرسول

شأن نزول آیه درباره فردی از مسلمانان صدر اسلام است که برخی از اسرار نظامی جامعه را فاش کرد. بنابراین افشای اسرار نظامی جامعه ایمانی، از مصادیق مورد نظر برای خیانت به خدا و رسول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۸ - ۴

۴ خیانت برخی از مسلمانان صدر اسلام به خدا و رسول به خاطر حفظ مال و فرزند خویش

لاتخونوا اللّه و الرسول . .. و اعلموا أنما أمولکم و أولدکم فتنه

در ضمن شأن نزول یاد شده در آیه قبل آمده است که هدف آن مسلمانی که مرتکب خیانت شده و اسرار نظامی مسلمانان را فاش ساخت، حفظ مال و فرزندانش بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۰ - ۵

۵ شکست کافران مکه در توطئه علیه پیامبر (ص) ، عبرتی برای همه خائنان به خدا

و رسول

لاتخونوا اللّه و الرسول . .. و یمکرون و یمکر اللّه

یادآوری شکست توطئه های کافران مکه پس از اشاره به خیانت برخی از مسلمانان برای تفهیم این حقیقت است که خائنان به خدا و رسول، هر چند اظهار اسلام کنند، همان گونه که کافران موفق نشدند، آنان نیز موفق نمی شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۱ - ۸

۸- شکستن عهد و سوگند خود با خدا ، به منزله خیانت به ضمانت الهی است .

و لاتنقضوا الأیمن بعد توکیدها و قد جعلتم الله علیکم کفیلاً

خیانت به خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۹

۹ - نافرمانی از دستورات خدا و نادیده گرفتن احکام دین ، خیانت به خویشتن است .

کنتم تختانون أنفسکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۷ - ۴

۴ خیانت آدمی به امانت های مسلمانان ، خیانت به خویشتن است .

و تخونوا أمنتکم

معمولا انسان امانتدار دیگران است نه امانتدار خویش. بنابراین اسناد امانتهای دیگران به امانتدار، با اضافه کلمه <امانات> به <کم> بیانگر این است که امانت دیگران به منزله امانت خود اوست و خیانت در آن، خیانت به امانت خویش است.

خیانت به خویش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۰۷ – ۳

۳ خیانت و نیرنگ به دیگران ، در حقیقت خدعه و خیانت به خویشتن است .

و لاتجدل عن الذین یختانون انفسهم

در آیه شریفه خیانت به دیگران، خیانت به نفس شمرده شده

است.

خیانت به دستاوردهای زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵ - ۳

۳- زکریا (ع) پیش بینی می کرد که پس از وی دست های فراوانی حاصل تلاش او را به یغما برده و زحمات او را بی نتیجه خواهند ساخت .

و إنّی خفت المولی من وراءی

آنچه زکریا برای از دست رفتن یا انحراف آن پس از مرگ خود نگران بود، نبوت نبود، زیرا خداوند تنها صالحان را به مقام نبوت می رساند، بلکه مناصب و موقعیت های دینی اجتماعی او در میان مردم و یا اموالی بود که دخل و تصرف در آن به عهده او بود. وصف <یرثنی و یرث...> در آیه بعد احتمال دوم را ترجیح می دهد.

خیانت به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۱ - ۲،۶،۱۰

۲ اسیران جنگ بدر از خیانتکاران به دین خدا تا پیش از آن نبرد

و إن یریدوا خیانتک فقد خانوا اللّه من قبل

۶ کافران جنگ بدر به سبب خیانتهایشان به خدا و دین او ، مغلوب مجاهدان شده و گروهی از آنان به اسارت درآمدند .

فقد خانوا اللّه من قبل فأمکن منهم

امکان (مصدر امکن)، به معنای تسلط بخشیدن است. تفریع جمله <امکن منهم> بر <فقد خانوا> به وسیله حرف <فاء> دلالت می کند بر اینکه خیانت کافران به دین خدا موجب شد که خداوند آنان را در سیطره مسلمانان قرار دهد.

۱۰ علم و حکمت گسترده الهی ، پشتوانه وعده الهی به ناکامی خائنان به پیامبر (ص) و

دین الهی

فقد خانوا اللّه من قبل فأمکن منهم و اللّه علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۸ - ۶

۶ پایبندی به ارزش های الهی و پرهیز از خیانت به دین ، دارای پاداشی عظیم نزد خداوند

لاتخونوا اللّه . .. أنما أمولکم و أولدکم فتنه و أن اللّه عنده أجر عظیم

خیانت به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۸ - ۹

۹ خیانت ، حتی نسبت به کافران ، امری ناروا و در پی دارنده محرومیت از محبت خدا

فانبذ إلیهم علی سواء إن اللّه لایحب الخائنین

خیانت به لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۷،۸

۷ - خیانت همسران نوح و لوط به شوهران خود

فخانتاهما

۸ - کفر و نفاق همسران نوح و لوط ، خیانت به آن دو پیامبر بود .

فخانتاهما

مفسران، مصداق بارز خیانت همسران نوح و لوط را، کفر و نفاق آنان دانسته اند و نیز روایت کرده اند که آنان با تطمیع دیگران علیه همسران خود اقدام کردند; مثلاً آنان اسرار خانه همسران خود را به دشمنان منتقل می کردند و. .. .

خیانت به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۱ - ۱۰

۱۰ علم و حکمت گسترده الهی ، پشتوانه وعده الهی به ناکامی خائنان به پیامبر (ص) و دین الهی

فقد خانوا اللّه من قبل فأمکن منهم و اللّه علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴

- مائده - ۵ - ۱۳ - ۲۲

۲۲ تلاش مستمر اکثریت یهود در عصر بعثت برای خیانت به پیامبر (ص) و اسلام

و لاتزال تطلع علی خائنه منهم

چون آیه فوق در بیان خیانتکاری بنی اسرائیل، پیامبر(ص) را مخاطب قرار داده (و لاتزال تطلع . ..) معلوم می شود این خیانت درباره پیامبر(ص) و مسلمانان صورت می گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۷ - ۱،۲،۵

۱ خیانت به خدا و پیامبر (ص) ، حرام و به دور از شأن اهل ایمان

یأیها الذین ءامنوا لاتخونوا اللّه و الرسول

۲ خیانت به پیامبر (ص) ، خیانت به خداست .

لاتخونوا اللّه و الرسول

تکرار نکردن فعل <لاتخونوا> در مورد خدا و رسول و تکرار آن در مورد سایر مردمان، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که خیانت به هر یک از خدا و رسول در حکم خیانت به دیگری است و قابل تفکیک نیست.

۵ افشای اسرار جامعه اسلامی ، خیانت به خدا ، رسول اکرم (ص) و مؤمنان است .

لاتخونوا اللّه و الرسول

شأن نزول آیه درباره فردی از مسلمانان صدر اسلام است که برخی از اسرار نظامی جامعه را فاش کرد. بنابراین افشای اسرار نظامی جامعه ایمانی، از مصادیق مورد نظر برای خیانت به خدا و رسول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۸ - ۴

۴ خیانت برخی از مسلمانان صدر اسلام به خدا و رسول به خاطر حفظ مال و فرزند خویش

لاتخونوا اللّه و الرسول . .. و اعلموا

أنما أمولكم و أولدكم فتنه

در ضـمن شأن نزول ياد شده در آيه قبل آمده است كه هدف آن مسلمانى كه مرتكب خيانت شده و اسرار نظامى مسلمانان را فاش ساخت، حفظ مال و فرزندانش بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۳۰ - ۵

۵ شكست كافران مكه در توطئه عليه پيامبر (ص) ، عبرتى براى همه خائنان به خدا و رسول

لاتخونوا اللّه و الرسول . .. و يمكرون و يمكر اللّه

يادآورى شكست توطئه هاى كافران مكه پس از اشاره به خيانت برخى از مسلمانان براى تفهيم اين حقيقت است كه خائنان به خدا و رسول، هر چند اظهار اسلام كنند، همان گونه كه كافران موفق نشدند، آنان نيز موفق نمى شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۵۹ - ۳

۳ كافران هرگز با نقض پيمان و خيانت به رسول اكرم (ص) نخواهنـد توانست بر پيامبر (ص) پيشـى گيرند و وى را از ادامه رسالت ناتوان سازند .

و إما تخافن من قوم خيانه . .. و لايحسبن الذين كفروا سبقوا إنهم لايعجزون

برداشت فوق مبتنى بر اين است كه مفعول <سبقوا> و <لايعجزون> پيامبر(ص) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - تحريم - ۶۶ - ۴ - ۱۶

۱۶ - دلدارى خداوند به پيامبر (ص) ، در برابر خيانت ها و توطئه ها عليه ايشان

و إن تظهرا عليه فإنّ اللّه هو موليه . .. و الملئكه بعد ذلك ظهير

خيانت به مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۸

۸ منافقان ، خائنِ به جبهه اسلام و مؤمنان و خوش خدمت به کافرانند .

قالوا ألم نستحوذ علیکم و نمنعکم من المؤمنین

<استحوذ> به معنای غلبه و استیلا است و مراد از جمله <و ان کان للکافرین . .. الم نستحوذ> با توجه به سیاق آیه این است که منافقان پس از پیروزی کافران به آنان می گویند: در هنگامه جنگ ما بر شما استیلا داشتیم ولی شما را نکشتیم، بر این اساس جمله <نمنعکم من المؤمنین> به این معنا خواهد بود که بین شما و اهل ایمان حائل شدیم و نگذاشتیم آنان نیز به شما دسترسی پیدا کنند، تا پیروزی برای شما حاصل شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۷ - ۵

۵ افشای اسرار جامعه اسلامی ، خیانت به خدا ، رسول اکرم (ص) و مؤمنان است .

لاتخونوا اللّه و الرسول

شأن نزول آیه درباره فردی از مسلمانان صدر اسلام است که برخی از اسرار نظامی جامعه را فاش کرد. بنابراین افشای اسرار نظامی جامعه ایمانی، از مصادیق مورد نظر برای خیانت به خدا و رسول است.

خیانت به نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۷،۸

۷ - خیانت همسران نوح و لوط به شوهران خود

فخانتاهما

۸ - کفر و نفاق همسران نوح و لوط ، خیانت به آن دو پیامبر بود .

فخانتاهما

مفسران، مصداق بارز خیانت همسران نوح و لوط را، کفر و نفاق آنان دانسته اند و نیز روایت کرده

انـد که آنـان بـا تطمیع دیگران علیه همسـران خود اقـدام کردنـد; مثلًا آنان اسـرار خانه همسـران خود را به دشـمنان منتقل می کردند و. .. .

خیانت به یتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۲ – ۱۰

۱۰ خیانت در اموال یتیمان ، گناهی بزرگ

انّه کان حوباً کبیراً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳ – ۲،۳

۲ ممنوعیّت ازدواج با دختران یتیم ، در صورت ترس از خیانت در اموال آنان

و اتوا الیتامی اموالهم . .. و ان خفتم الّا تقسطوا فی الیتامی فانکحوا

از جمله <ان خفتم . .. >، اسـتفاده می شود که ازدواج بـا دخـتران یتیم در صورت ترس از بی عـدالتی ممنوع است و به قرینه آیه قبل مراد از بی عدالتی (الّا تقسطوا) رعایت نشدن قسط در اموال آنان است.

۳ ازدواج با یتیمان ، لغزشگاهی برای خیانت در اموال آنان و انحراف از عدالت

و ان خفتم الّا تقسطوا فی الیتامی

خیانت تجاوز جنسی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۲ – ۷

۷ تجاوز به ناموس مردم خیانت به آنان است .

ذلک لیعلم أنی لم أخنه بالغیب

خیانت چشم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۹ - ۸

۸ - < قـال سـألت أباعبـدالله (ع) ، عن قوله عزّوجلّ < يعلم خائنه الأعين > فقال : ألم تَرَ إلى الرجل ينظر إلى الشـيء و كأنّه لاينظر إليه فذلک خائنه الأعين ;

[راوی] می گوید: از امام صادق(ع)

از آیه <یعلم خائنه الأعین> سؤال نمودم، حضرت فرمود: آیا ندیده ای که شخصی به چیزی به گونه ای [زیر چشمی]نگاه می کند که گویا به آن نگاه نمی کند و این همان خیانت چشم ها است>.

خیانت حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۷ - ۱

۱ خیانت به خدا و پیامبر (ص) ، حرام و به دور از شأن اهل ایمان

یأیها الذین ءامنوا لاتخونوا اللّه و الرسول

خیانت در امانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۳ - ۶،۱۴

۶ حرمت خیانت در امانت

فلیؤدّ الّذی اؤتمن امانته و لیتّق اللّه ربّه

۱۴ هشدار خداوند به خیانتکارانِ در امانت و کتمان کنندگان شهادت

فلیؤدّ الّذی اؤتمن امانته . .. و لا تکتموا الشّهاده ... و اللّه بما تعملون علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۸ - ۷،۱۷

۷ یهود ، خائن به امانت ها و داورانی ستمگر

یقولون . .. هؤلاء اهدی من الذین امنوا ... اذا حکمتم بین النّاس ان تحکموا بالعدل

جمله <ان تحکموا بالعدل> می تواند اشاره باشد به حکومت و قضاوت ناعادلانه یهود درباره مؤمنان ; آنگاه که راه مشرکان را به صواب نزدیکتر معرفی کردند.

۱۷ هشدار خداوند به خیانتکاران در امانت و ستمگران در قضاوت

انّ اللّه . .. انّ اللّه کان سمیعاً بصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۷ - ۳،۴

۳ حفظ امانت های مسلمانان و پرهیز از خیانت در آن ،

وظیفه ایمانی مؤمنان

یأیها الذین ءامنوا لاتخونوا اللّه و الرسول و تخونوا أمنتکم

در برداشت فوق <تخونوا أمنتکم> عطف بر <تخونوا اللّه> گرفته شده است. بنابراین حرف نهی <لا ـ> در معطوف نیز لحاظ شده است.

۴ خیانت آدمی به امانت های مسلمانان ، خیانت به خویشتن است .

و تخونوا أمنتکم

معمولا انسان امانتدار دیگران است نه امانتدار خویش. بنابراین اسناد امانتهای دیگران به امانتدار، با اضافه کلمه <امانات> به <کم> بیانگر این است که امانت دیگران به منزله امانت خود اوست و خیانت در آن، خیانت به امانت خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۸ - ۵

۵ - دشمنی با دین خدا ، خیانت در امانت او و ناسپاسی در برابر نعمت هدایت او است .

إنّ اللّه یدفع . .. إنّ اللّه لایحبّ کلّ خوّان کفور

خیانت در امانتداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۵ - ۵،۹،۱۷

۵ خیانتکاری برخی از اهل کتاب ، حتی در ناچیزترین امانتها

و منهم من ان تأمنه بدینار لا یؤدّه الیک

۹ دیدگاه های متفاوت اهل کتاب درباره غیر همکیشان خود ، موجب حفظ امانت و یا خیانت در آن

و من اهل الکتاب . .. و منهم من ان تأمنه ... ذلک بانّهم قالوا لیس علینا فی الامّی

<ذلک>، اشاره به طایفه دوم است.

۱۷ نسبت تجویز خیانت در امانت ، به خداوند ، دروغ بستن به اوست .

و منهم من ان تأمنه بدينار لا يؤدّه اليک . .. قالوا ليس علينا فى الامّيّن سبيل و

رسول اللّه (ص) در پى نزول آيه فوق فرمود:

کذب اعداء اللّه ما من شیء کان فی الجاهلیه الاّ و هو تحت قدمیّ هاتین الاّ الامانه فانّها مؤدّاه الی البرّ و الفاجر.

الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۴۴ ; مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۷۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۶ - ۸

۸ خیانت در امانت و بدعتگذاری در دین از سوی اهل کتاب ، برخاسته از بی تقوایی آنان

و منهم من ان تأمنه بدینار . .. و یقولون علی اللّه الکذب ... بلی من اوفی بعهده و

خیانت در سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۸ - ۷

۷ ناخشنودی خداوند از خیانت و نیرنگ ، حتی در مرحله پندار و گفتار

اذ یبیتون ما لایرضی من القول

<اذ یبیتون>، حاکی از اندیشه خیانت و گناه است. و جمله <ما لایرضی>، تصریح به ناخشنودی خداوند و نکوهش از چنین پندار و اندیشه ای دارد.

خیانت در گواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۱۲،۱۶،۱۷،۱۸،۲۳

۱۲ نماز دارای نقشی بسزا در پاکسازی روحیات آدمی برای پرهیز از سوگند های دروغ و خیانت در شهادت

تحبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان باللّه

۱۶ شاهدان بر وصیت باید در خاتمه سوگند خویش تأکید کنند که اگر در ادای شهادت خیانت کرده باشند از گنهکاران محسوب می شوند .

فیقسمان باللّه . .. إنّا اذاً لمن الاثمین

۱۷ شاهدان نباید به بهانه منافع شخصی و یا خویشاوندی ، در شهادت های خویش خیانت کنند

لانشتری به ثمناً و لو کان ذا قربی . ..

إنّا اذاً لمن الاثمين

اگر چه آیه شریفه درباره شهادت بر وصیت است ولی از جهت ضرورت پرهیز از خیانت بین شهادت بر وصیت و شهادت بر اموری دیگر تفاوتی نیست و لذا می توان گنهکار بودن هر خیانتکار در شهادت را استفاده کرد.

۱۸ مال پرستی و وابستگی های خانوادگی از جمله عوامل لغزش و خیانت در شهادت

لانشتری به ثمناً و لو کان ذا قربی

۲۳ دستیابی به منافع شخصی و یا نفع رسانی به خویشان با خیانت و شهادت گناه است .

لانشتری به ثمناً و لو کان ذا قربی . .. إنّا اذاً لمن الاثمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۷ – ۹

۹ شاهدان جایگزین در امر وصیت باید در خاتمه سوگند خویش تأکید کنند که در صورت خیانت در شهادت از ستمکاران محسوب می شوند .

فیقسمان باللّه إنّا اذاً لمن الظلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۸ – ۳،۱۰

۳ پرهیز شاهدان وصیت از خیانت در شهادت و تجاوز به حقوق دیگران ، تکلیفی الهی بر عهده ایشان و نشان تقواپیشگی آنان است .

ذلک ادنی ان یأتوا بالشهده علی وجهها . .. و اتقوا اللّه و اسمعوا

۱۰ خیانت در شهادت و سوگند دروغ ، فسق و مایه محرومیت از هدایت خاص الهی است .

فان عثر علی انهما استحقا . .. و اللّه لایهدی القوم الفسقین

خیانت در مسلمانان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۰۸ – ۶

۶ برخی از مسلمانان ، در زمان پیامبر

(ص) مرتکب سرقت و خیانت شدند و با نقشه و توطئه در صدد متهم کردن دیگران بودند .

و هو معهم اذ یبیتون ما لایرضی من القول

در شأن نزول آمده که طعمه بن ابیرق پس از سرقت با خود اندیشید که کالای مسروقه را به خانه یک یهودی بیندازد و در حضور پیامبر(ص) سوگند یاد کند که آن یهودی سرقت کرده و خود از هر خیانتی مبراست.

خیانت دشمنان مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۸ - ۸

۸ - خصومت کنندگان با اهل ایمان ، مردمی خیانتکار و ناسپاس اند .

إنّ اللّه یدفع . .. إنّ اللّه لایحبّ کلّ خوّان کفور

خیانت زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۱۰

۱۰ زنان اشراف مصر و متهم کنندگان یوسف (ع) به خیانت ، از زمره خائنان بودند .

أن الله لایهدی کید الخائنین

مصداق مورد نظر برای <الخائنین> زلیخا و زنان اشراف و نیز درباریانی می باشند که تصمیم به زندانی کردن یوسف(ع) گرفتند (ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأیات لیسجننه) آیه ۳۵.

خیانت عهدشکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۸ - ۷

۷ پیمان شکنان و کسانی که در اندیشه شکستن پیمان های خویشند ، خائن و محروم از محبت خداوند هستند .

إن اللّه لایحب الخائنین

برداشت فوق بر اين اساس است كه جمله <إن اللّه . .. > تعليل براى <فانبـذ إليهم> باشـد ; يعنى كسانى كه در صدد پيمان شكنى هستند، خائنند

و چون خداونـد خائنـان را دوست نـدارد، تو ای پیامبر(ص) موظف هستی معاهـده آنان را لغو کنی تا راه برای نبرد با آنان باز شود.

خیانت کاتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۴۵،۴۹

۴۵ حرمت زیان رساندن و خیانت نویسنده و گواه مبادلات ، بر طرفین قرارداد

و لا یضارّ کاتب و لا شهید

در صـورتی که <لاـ یضـارّ> معلـوم باشـد و نه مجهـول، متعلّق آن، متعـاملین خواهنـد بود. یعنی: لاـ یضـارّ کـاتب ولاـ شـهید المتبایعین.

۴۹ خیانت نویسنده و گواه مبادلات ، فسق و انحراف از حق است .

و لا یضارّ کاتب و لا شهید و ان تفعلوا فانّه فسوق بکم

بر مبنای معلوم بودن <لا یضار>

خیانت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۸ - ۵

۵ رهبران جامعه اسـلامی بایـد به احتمال وقوع خیانت از سوی جوامع کفرپیشه ترتیب اثر داده و نبایـد برای تصـمیمات لازم در انتظار وقوع خیانت باشند .

و إما تخافن من قوم خیانه فانبذ إلیهم علی سواء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۹ - ۳،۵

۳ کافران هرگز با نقض پیمان و خیانت به رسول اکرم (ص) نخواهنـد توانست بر پیامبر (ص) پیشـی گیرند و وی را از ادامه

رسالت ناتوان سازند .

و إما تخافن من قوم خيانه . .. و لايحسبن الذين كفروا سبقوا إنهم لايعجزون

برداشت فوق مبتنى بر اين است كه مفعول <سبقوا> و <لايعجزون> پيامبر(ص) باشد.

۵ كافران با پيمان شكنى و خيانت هاى خود

، قادر به کسب پیروزی پایدار نخواهند بود .

و إما تخافن من قوم خیانه . .. و لایحسبن الذین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۷۱ – ۶

۶ کافران جنگ بدر به سبب خیانتهایشان به خدا و دین او ، مغلوب مجاهدان شده و گروهی از آنان به اسارت درآمدند .

فقد خانوا اللّه من قبل فأمکن منهم

امکان (مصدر امکن)، به معنای تسلط بخشیدن است. تفریع جمله <امکن منهم> بر <فقد خانوا> به وسیله حرف <فاء> دلالت می کند بر اینکه خیانت کافران به دین خدا موجب شد که خداوند آنان را در سیطره مسلمانان قرار دهد.

خیانت گواه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۸۲ – ۴۵،۴۹

۴۵ حرمت زیان رساندن و خیانت نویسنده و گواه مبادلات ، بر طرفین قرارداد

و لا یضارّ کاتب و لا شهید

در صورتی که <لاـ یضارّ> معلوم باشد و نه مجهول، متعلّق آن، متعاملین خواهند بود. یعنی: لاـ یضارّ کاتب ولاـ شهید المتبایعین.

۴۹ خیانت نویسنده و گواه مبادلات ، فسق و انحراف از حق است .

و لا یضارّ کاتب و لا شهید و ان تفعلوا فانّه فسوق بکم

بر مبنای معلوم بودن <لا یضار>

خیانت مشرکان صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۳۸ – ۹

۹ - شرك پیشگان حق ستیز عصر بعثت ، مردمانی خیانت کار و ناسپاس بودند .

إنّ اللّه یدفع عن الذین ءامنوا إنّ اللّه لایحبّ کلّ خوّان کفور

خیانت منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل

عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۳،۱۹

۳ مؤمنان ، پاک هستند و غیر آنان (منافقان) ، پلید و خبیث .

ما کان اللّه لیذر المؤمنین علی ما انتم علیه حتّی یمیز الخبیث من الطّیّب

۱۹ پیامبر (ص) ، آگاه به پاکان و ناپاکان (مؤمن و منافق) امّت خویش ، از طریق علم به غیب

و ما کان اللّه . .. و لکنّ اللّه یجتبی من رسله من یشاء

مراد از <من رسله> چه برخی از رسولان باشند و چه تمامی آنان قطعاً پیامبر اسلام (ص) از جمله آنان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۸

۸ منافقان ، خائنِ به جبهه اسلام و مؤمنان و خوش خدمت به کافرانند .

قالوا ألم نستحوذ علیکم و نمنعکم من المؤمنین

<استحوذ> به معنای غلبه و استیلا است و مراد از جمله <و ان کان للکافرین . .. الم نستحوذ> با توجه به سیاق آیه این است که منافقان پس از پیروزی کافران به آنان می گویند: در هنگامه جنگ ما بر شما استیلا داشتیم ولی شما را نکشتیم، بر این اساس جمله <نمنعکم من المؤمنین> به این معنا خواهد بود که بین شما و اهل ایمان حائل شدیم و نگذاشتیم آنان نیز به شما دسترسی پیدا کنند، تا پیروزی برای شما حاصل شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۹،۱۲

۹ توبیخ منافقان ، به خاطر حرکت های خیانت آمیز علیه اسلام و پیامبر (ص) با وجود

برخورداری از تفضلات خدا و رسولش

و ما نقموا إلا أن أغنیهم اللّه و رسوله من فضله

۱۲ خیانت در برابر خدمت ، از خصلت های منافقان است .

و ما نقموا إلا أن أغنیهم اللّه و رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۷ - ۳،۳

۳- کیفر سخت منافقان به هنگام مرگ ، براساس علم الهی به نهان کاری های خائنانه آنان

و اللّه یعلم إسرارهم . فکیف إذا توفّتهم الملئکه

از ارتباط عبارت <فکیف إذا. ..> که بیانگر کیفر سخت منافقان است با ذیل آیه قبل (واللّه یعلم إسرارهم) استفاده می شود که علم و آگاهی خداوند، پشتوانه کیفر منافقان به هنگام مرگ شان، خواهد بود.

۳- کیفر سخت منافقان به هنگام مرگ ، براساس علم الهی به نهان کاری های خائنانه آنان

و اللّه یعلم إسرارهم . فکیف إذا توفّتهم الملئکه

از ارتباط عبارت <فکیف إذا. ..> که بیانگر کیفر سخت منافقان است با ذیل آیه قبل (واللّه یعلم إسرارهم) استفاده می شود که علم و آگاهی خداوند، پشتوانه کیفر منافقان به هنگام مرگ شان، خواهد بود.

خیانت منافقان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۴ - ۱،۵

۱ - در صورت ورود احزاب متّحد از نواحی و اطراف به خانه های منافقان در مدینه و درخواست اظهار شرک ، آنان ، با ایشان همسویی می کردند .

و لو دخلت علیهم من أقطارها ثمّ سئلوا الفتنه لأتوها و ما تلبّثوا بها إلاّ یسیرًا

نایب فاعل فعل <دخلت> می تواند <بیوت> و می تواند <یثرب> باشد. برداشت یاد شده، براساس احتمال

نخست است. لازم به ذکر است که <اقطار> جمع <قطر> است که به معنای جانب است (مفردات راغب). مراد از <الفتنه> به قرینه مقام، شرک است.

۵ - در صورت نفوذ دشمن به مدینه ، پس از محاصره از سوی احزاب متّحد ، منافقان به جای دفاع ، به تلاش به نفع دشمن می پرداختند .

و لو دخلت علیهم من أقطارها ثمّ سئلوا الفتنه لأتوها

برداشت بالا بنابراین است که ضمیر در <دخلت> به <یثرب> برگردد و مراد از <الفتنه>، تلاش تخریبی علیه مسلمانان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۱ - ۳

۳ - روابط خائنانه منافقان مدینه ، با کافران اهل کتاب (یهود بنی نضیر)

الذین نافقوا یقولون لإخونهم الذین کفروا من أهل الکتب لئن أخرجتم لنخرجنّ معکم

خیانت همسر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۷،۹

۷ - خیانت همسران نوح و لوط به شوهران خود

فخانتاهما

۹ - بی تأثیر بودن اقدام حضرت نوح و لوط (ع) ، برای نجات همسران خیانت کار خود از عذاب الهی

فلم یغنیا عنهما من اللّه شیئًا

خیانت همسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۷،۹

۷ - خیانت همسران نوح و لوط به شوهران خود

فخانتاهما

۹ - بی تأثیر بودن اقدام حضرت نوح و لوط (ع) ، برای نجات همسران خیانت کار خود از عذاب الهی

فلم یغنیا عنهما من اللّه شیئًا

خیانت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ -

۷ یهود ، خائن به امانت ها و داورانی ستمگر

یقولون . .. هؤلاء اهدی من الذین امنوا ... اذا حکمتم بین النّاس ان تحکموا بالعدل

جمله <ان تحکموا بالعدل> می تواند اشاره باشد به حکومت و قضاوت ناعادلانه یهود درباره مؤمنان ; آنگاه که راه مشرکان را به صواب نزدیکتر معرفی کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۲۱

۲۱ مراقبت مستمر پیامبر (ص) بر اعمال و رفتار یهودیان عصر خویش و آگاهی وی به خیانت های آنان

و لاتزال تطلع علی خائنه منهم

زشتی خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۷ - ۷

۷ پیامد های شوم خیانت به خدا و رسول و زشتی خیانت آدمی به امانت های جامعه ، امری روشن و بی نیاز از برهان

لاتخونوا اللّه . .. و أنتم تعلمون

در اینکه مفعول <تعلمون> چیست، نظرهای مختلفی ایراد شده که از جمله آنهاست، زشتی خیانت، پیامدهای شوم آن و حرمت آن از دیدگاه عقل و شرع.

زمینه خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳ - ۱۳

۱۳ جواز تعدد همسران ، مشروط به رعایت عدالت در نفقه آنها

فان خفتم الّا تعدلوا فواحده

امام صادق (ع) درباره <فان خفتم الّا تعدلوا> در آیه فوق فرمود: یعنی فی النفقه.

کافی، ج ۵، ص ۳۶۳، ح ۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۳۹، ح ۳۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۲۳

۲۳ نقض پیمان

های الهی ، زمینه خیانت پیشگی

فبما نقضهم . .. علی خائنه منهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۲۸ – ۳

۳ دلبستگی به مال و فرزند ، زمینه ابتلای انسان به انحراف از دین و خیانت به آن

لاتخونوا اللّه . .. و اعلموا أنما أمولکم و أولدکم فتنه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۴ – ۱۵

۱۵ فقدان رحم و ترحم ، زمینه ساز خیانت به مردم است .

قال هل ءامنکم علیه . .. فالله خیر حفظًا و هو أرحم الرحمین

زیان خیانت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۱۱ – ۳

۳ آثار زیانبار خیانت به دیگران ، دامنگیر خود خیانتکار خواهد شد .

إنّ اللّه لایحب من کان خواناً . .. و من یکسب اثماً فانما یکسبه علی نفسه

به مقتضای آیات گذشته، مصداق مورد نظر از <اثماً>، همان خیانتکاری است.

عوامل خیانت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۷۹ – ۴

۴ ایمان ، موجب طهارت و پاکی و نفاق ، موجب پلیدی است .

ما كان اللّه ليذر المؤمنين على ما انتم عليه حتّى يميز الخبيث من الطّيّب

فرجام خيانت به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۷۱ - ۸

۸ ذلت و ناكامى ، فرجام خائنان به خدا

فقد خانوا اللّه من قبل فأمكن منهم

كيفر خيانت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳

۱۱ خیانتکاران ، دریافت کنندگان کامل (بدون کم و زیاد) جزای رفتار ناپسند خویش ، در روز رستاخیز

و من یغلل . .. ثمّ توفّی کلّ نفس ما کسبت و هم لایظلمون

۱۵ هر کس در چیزی خیانت کند ، در قیامت آنرا در جهنّم دیده و باید در آتش جهنّم رفته و آن را بیرون آورد .

و من یغلل یأت بما غلّ یوم القیمه

امام باقر (ع) درباره آیه فوق فرمود: . .. و من غلّ شیئا رآه یوم القیمه فی النّار ثمّ یکلّف ان یدخل الیه فیخرجه من النّار.

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۲۲ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۰۶، ح ۴۱۷.

۱۶ به مجازات رسیدن خیانتکاران در اموال امام در قیامت

و من یغلل یأت بما غلّ

امام صادق (ع): الغلول کلّ شیء غلّ عن الامام.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۵، ح ۱۴۸ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۴، ح ۲.

گناه خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲ - ۱۰

۱۰ خیانت در اموال یتیمان ، گناهی بزرگ

انّه کان حوباً کبیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۷ - ۸

۸ خیانت و نیرنگ ، گناه است .

إنّ اللّه لایحب من کان خواناً اثیماً

در برداشت فوق، <اثیماً>، صفت توضیحی برای <خواناً> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۸

۸ خیانت به مردم ، گناه و رفتاری نکوهیده است .

ذلک لیعلم أنی لم أخنه بالغیب

گناه خیانت در گواهی

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۶ – ۲۷

۲۷ خیانت در شهادت ، گناه است .

لانشتری به ثمناً . .. إنّا اذاً لمن الاثمین

مبغوضیّت خیانت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۰۸ – ۷

۷ ناخشنودی خداوند از خیانت و نیرنگ ، حتی در مرحله پندار و گفتار

اذ یبیتون ما لایرضی من القول

<اذ یبیتون>، حاکی از اندیشه خیانت و گناه است. و جمله <ما لایرضی>، تصریح به ناخشنودی خداوند و نکوهش از چنین پندار و اندیشه ای دارد.

منشأ خیانت در امانت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۳۲ – ۳

۳ – خیانت در امانت و پیمان شکنی ، نشانه ضعف ایمان

و الذین هم لأمنتهم و عهدهم رعون

موارد خیانت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۰۷ – ۱۳

۱۳ دفاع از خائنین ، خیانت و گناهی بزرگ است .

و لاتجدل عن الذین یختانون انفسهم إنّ اللّه لایحب من کان خواناً اثیماً

مراد از <خواناً اثیماً> می تواند قاضیانی باشد که از خیانتکاران دفاع می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۸ - ۸

۸ بی اعتبار شمردن و الغای عهدنامه ها بدون آگاه ساختن طرف مقابل ، خیانت است .

فانبذ إلیهم علی سواء إن اللّه لایحب الخائنین

برداشت فوق بر این اساس است که <إن اللّه . .. > تعلیل برای <علی سواء> باشد. یعنی اگر این دستور (آگاه ساختن دشمن به لغو عهدنامه

او) را اجرا نکنی، خیانتکاری و خداوند خیانتکاران را دوست ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۷

۷ تجاوز به ناموس مردم خیانت به آنان است .

ذلک لیعلم أنی لم أخنه بالغیب

موارد خیانت به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۱ - ۳

۳ مبارزه با رسولان الهی و نبرد با ایشان ، از مصادیق خیانت به خداوند است .

و إن یریدوا خیانتک فقد خانوا اللّه من قبل

مراد از <فقد خانوا اللّه من قبل> (این اسیران پیش از اسارت نیز به خدا خیانت کردند) همان مبارزه و لشکرکشی مشرکان علیه پیامبر(ص) در جنگ بدر است و خداوند این مبارزه را خیانت به خود شمرده است. بنابراین مبارزه با پیامبر(ص) و مسلمانان خیانت به خداوند محسوب می شود.

موانع خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۴ - ۳

۳ - اعتقاد به معاد ، حتی در حد گمان ، بازدارنده انسان از خیانت در سنجش کالای دیگران

ألا یظنّ أُولئک أنّهم مبعوثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۶ - ۶

۶ - توجّه به لحظه حضور در پیشگاه خداوند و در انتظار صدور حکم او بودن ، بازدارنده انسان از کم فروشی و خیانت به

اموال مردم

ویل للمطفّفین . .. یوم یقوم الناس لربّ العلمین

موجبات خیانت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۷۵ – ۹،۱۱

۹ دیدگاه های متفاوت اهل کتاب

درباره غیر همکیشان خود ، موجب حفظ امانت و یا خیانت در آن

و من اهل الکتاب . .. و منهم من ان تأمنه ... ذلک بانّهم قالوا لیس علینا فی الامّی

<ذلك>، اشاره به طایفه دوم است.

۱۱ پنـدار باطـل برخی از اهـل کتاب به جواز تصـرّف در اموال دیگران و تضـییع آنها ، عامل خیانتشان به حقوق غیر همکیشان خود

ذلک بانّهم قالوا لیس علینا فی الامّیّن سبیل

ناپسندی خیانت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۵۸ – ۹

۹ خیانت ، حتی نسبت به کافران ، امری ناروا و در پی دارنده محرومیت از محبت خدا

فانبذ إلیهم علی سواء إن اللّه لایحب الخائنین

خیر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

خیر

{خیر}

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۲۶ – ۱۶

۱۶ اعطای ملک و عزّت و نیز سلب آن از جانب خداوند ، تنها بر اساس خیر و مصلحت است .

مالک الملک تؤتی الملک . .. بیدک الخیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۰۴ – ۲،۱۴

۲ اتّحاد ، اعتصام به ریسمان الهی و اُلفت بین دل ها و برادری میان اهل ایمان ، از مصادیق خیر و نیکی

و اعتصموا بحبل اللّه جمیعاً . .. و لتکن منکم امه یدعون الی الخیر

لام در <الخیر> می توانـد عهد ذکری و اشاره به مطالب آیه قبل باشد و یا به مقتضای ارتباط دو آیه، ویژگیهای ذکر شده در آیه قبل از مصادیق مورد نظر کلمه <خیر> باشد.

۱۴ خیر ، پیروی نمودن از قرآن و

سنّت پیامبر (ص) است .

و لتکن منکم امه یدعون الی الخیر

رسول خدا (ص) پس از تلاوت آیه فوق فرمود: الخیر اتباع القرآن و سنّتی.

الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۸۹.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۷ – ۱۰

۱۰ توجّه به < ربوبیّت > خداوند ، برانگیزنده انسان به دعا و درخواست از او

ربّنا اغفرلنا ذنوبنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۳ – ۱۵

۱۵ – < خیر > ، از اوصاف خداوند است .

واللّه خیر

آثار اخروی عمل خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مزمل – ۷۳ – ۲۰ – ۳۲

۳۲ – هر کار خیری ، ذخیره ای است که انسان در این جهان ، برای حیات اخروی خویش می فرستد .

و ما تقدّموا لأنفسکم من خیر تجدوه عند اللّه هو خیرًا

آثار برخورداری از خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۲۱ – ۱

۱ – انسان ، به هنگام دستیابی به خیر و خوبی ، از بهره مند شدن دیگران از آن به شدت منع می کند .

و إذا مسّه الخیر منوعًا

آثار پیشگامی در عمل خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۰ – ۱۸،۱۹

۱۸– پیشی گرفتن در کار های نیک ، دعای همراه با رغبت و بیم و نیز خشوع پیامبران (ع) ، عامل بهره مندی آنان از موهبت های الهی بود .

و لقد ءاتینا موسی و هرون .

.. إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت ... و کانوا لنا خش

برداشت یـاد شـده با توجه به دو نکته است: ۱ ضـمیرهای جمع در جمله <إنّهم کـانوا یسـارعون. ..> به پیامبران بازگردد، چه این که آیات پیشین در مورد آنان بود. ۲ جمله <إنّهم کانوا یسارعون...> و جملات بعد، در مقام تعلیل باشد.

۱۹- نقش مؤثر پیشی گرفتن در کار های نیک و دعای همراه با رغبت و امید و خشوع به درگاه الهی ، در استجابت دعا

فاستجبنا له . .. إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت ... و کانوا لنا خشعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۱ - ۲

۲ - سبقت و پیشتازی در امور خیر ، مایه تقرب به درگاه خداوند در جهان آخرت

و السبقون السبقون . أُولئک المقرّبون

آثار ترک عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۱ - ۲۲

۲۲ < عن علی بن الحسـین (ع) یقـول : الـذنوب الـتی تغیر النعم ، البغی علی النـاس و الزوال عن العـاده فی الخیر ، و اصـطناع المعروف ، و کفران النعم ، و ترک الشکر . قال الله عزوجل : < إن الله لایغیّر ما بقوم حتی یغیّروا ما بأنفسهم > . . . ;

از امـام زین العابـدین(ع) روایت شـده است که می فرمود: گناهانی که موجب تغییر نعمتها می شونـد عبارتنـد از: سـتمگری بر مردم، دوری از عادت به کار خیر و از انتخاب کردار نیک، کفران نعمتها و ترک شـکرگزاری. خداوند عزوجل فرموده: إن الله لایغیّر ما بقوم حتی یغیّروا ما بأنفسهم>.

آثار دعوت

به خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۶ - ۳

۳ اعتصام به ریسمان الهی ، دعوت به نیکی ها ، امر به معروف و نهی از منکر ، موجب روسفیدی در قیامت

و اعتصموا بحبل اللّه . .. و لتکن منکم امّه یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ی

به مقتضای ارتباط با آیات قبل، سفیدرویی می تواند پاداش نیکیهای مذکور در آیات قبل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۷ - ۲،۴

۲ اعتصام به حبل اللّه ، دعوت به نیکی ها و امر به معروف و نهی از منکر ، موجب استغراق در رحمت جاودانه الهی

و اعتصموا بحبل اللّه . .. و لتکن منکم امه یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف ...

به مقتضای ارتباط این آیه و آیات پیشین، روسفیدی می تواند نتیجه اعمال نیک یاد شده در آیات قبل باشد.

۴ تمسک کننـدگان به ریسـمان الهی و دعوت گران به خیر ، امرکنندگان به معروف و نهی کنندگان از منکر ، روسـفیدان در قیامت و مستغرق در رحمت جاودانه الهی

و اعتصموا بحبل اللّه . .. یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف ... اما الذین ابیضّت

مستفاد از ارتباط میان این آیه و آیات قبل.

آثار رضایت به عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۱ - ۶

۶ خرسندی و رضا به اعمال و کردار نیک دیگران ، انسان را در منافع آن سهیم می کند .

لی عملی و لکم عملکم أنتم بریئون مما

أعمل و أنا بریء ممّا تعملون

جمله <أنتم بريئون مما أعمل . .. > می تواند تعلیل برای حصر در جمله های <لی عملی> و <لکم عملکم> باشد ; یعنی، چون شما مشرکان از اعمال من بیزارید، منافع اعمال من ویژه خود من و چون من از کردار شما بیزارم، ضررهای اعمال شما ویژه خود شما خواهد بود.

آثار سبقت در عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۴ - ۶

۶ - شتاب در کار خیر و تعجیل در وفای به وعده ، موجب جلب رضایت خدا است .

و ما أعجلك . .. و عجلت إليك ربّ لترضى

هر چند که موسی(ع) به جهت جدا شدن از مردم، مورد پرس و جوی خداوند قرار گرفت; ولی هدف او از این تعجیل، مورد نقد قرار نگرفته است; یعنی، تسریع در وفای به وعده و حضور در میقات، به خودی خود، کار مطلوبی بوده است.

آثار عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۷ - ۱۰

۱۰ - اقامه نماز ، طاعت و بندگی خدا و انجام کار نیک ، مایه فلاح و رستگاری انسان ها است .

ارکعوا . .. لعلّکم تفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۲ - ۸

۸ - عاید شدن نفع و خیر به مکلفان ، از حکمت ها و ملاک های لحاظ شده در تشریع احکام الهی

ذلك خير لكم و أطهر

آثار ممانعت از خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ -

۳ - ۱۶

۳ - تکذیب عمدی دین و رذایل اخلاقی (همچون سوگند دروغ ، پستی ، عیب جویی ، سخن چینی ، مانع خیر شدن ، گناه پیشگی ، درشت خویی و بی تباری) ، از زمینه های ابتلا به عذاب خفّت بار الهی

فلاتطع المکذّبین . .. کلّ حلّاف مهین ... عتلّ بعد ذلک زنیم ... سنسمه علی الخرطوم

ابزار شناخت خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۱ - ۳

۳ - انسان ، به دلیل برخورداری از ابزار های شناخت (توانایی بر دیدن و گفتن و نیز تشخیص راه خیر و شر) توانا بر پذیرش تکالیف دشوار و برداشتن گام های سنگین در راه خیر

ألم نجعل . .. فلااقتحم العقبه

اجتناب از زیاد شمردن عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۶ - ۶

۶ - < عن أبی عبدالله (ع) قال : . . . قال رسول الله (ص) . . . فی قوله تعالی : < و لاتمنن تستکثر > قال : لاتستکثر ما عملتَ من خیر لله ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: رسول خدا(ص) در توضیح سخن خدای تعالی: <و لاتمنن تستکثر> فرمود: عمل خیری را که برای خداوند انجام می دهی، زیاد به حساب نیاور>.

ارزش پیشگامی در عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۲۰

۲۰- شتاب و پیشگامی در کار های خیر ، دعای همراه با رغبت و امید و خشوع به درگاه

الهی ، از ارزش های والا و صفات برجسته مردان الهی

إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت و یدعوننا رغبًا و رهبًا و کانوا لنا خشعین

برداشت یاد شده به خاطر این است که آیه شریفه، در توصیف پیامبران الهی است و از میان ده ها صفات و ویژگی های ایشان، تنها به این سه صفت و ویژگی اشاره شده است.

ارزش تشخیص خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۲ – ۴

۴ – شناختن هستی ، آن گونه که هست و تشخیص کار خیر و انجام دادن آن (حکمت) ، امری بس مهم و ارزش مند است .

و لقد ءاتینا لقمن الحکمه

حکمت در لغت، به معنای <معرفت پیدا کردن به موجودات> و نیز <انجام دادن کارهای خیر> است. (مفردات راغب)

ارزش تشویق به عمل خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – زلزله – ۹۹ – ۸ – ۶

۶ – ترغیب به کار خیر و وعده پاداش به آن ، مقدّم بر تهدید در امر تربیت

فمن یعمل مثقال ذرّه خیرًا یره . و من یعمل مثقال ذرّه شرًّا یره

امتحان با خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۳۵ – ۳،۱۰

۳– آدمیان ، به وسیله شرّ و خیر موجود در جهان آزموده می شوند .

و نبلوکم بالشرّ و الخیر فتنه

١٠- < روى عن أبى عبـدالله (ع) : إنّ أميرالمؤمنين (ع) مرض فعـاداه إخوانه فقـالوا : كيف تجـدك يا أميرالمؤمنين (ع) ؟
قال : بشرٍّ قالوا : ما هذا كلام مثلك

قال : إنّ اللّه تعالی یقول : < ونبلوکم بالشرّ والخیر فتنه > فالخیر الصحه والغنی و الشرّ المرض و الفقر ;

از امام صادق(ع) روایت شده: امیرالمؤمنین(ع) بیمار شد، برادران [دینی] وی از آن حضرت عیادت کردند و گفتند:[حال] خود را چگونه می یابی ای امیر مؤمنان؟ فرمود: به شرّ[مبتلی شده ام]، گفتند: این کلام افرادی مانند شما نیست؟ فرمود: خداوند تعالی می فرماید <و نبلوکم بالشرّ والخیر فتنه> سلامتی و بی نیازی خیر و بیماری و تنگدستی شرّ است>.

امتناع از سخن خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۹ - ۱۳

۱۳ عن أبی جعفر(ع) فی قوله: <الذین کذبوا بایاتنا صم و بکم> یقول: <صم> عن الهدی و <بکم> لایتکلمون بخیر <فی الظلمات> یعنی ظلمات الکفر . .. .

از امام باقر(ع) درباره آیه <الذین کذبوا بایاتنا . ..> روایت شده است: تکذیب کنندگان آیات الهی <کرانند> از (شنیدن آیات) هدایت، <لالند> از سخن خیر گفتن، <در تاریکیها قرار دارند> یعنی تاریکیهای کفر ... .

انتخاب خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۰ - ۵

۵ - انسان ، موجودی مختار و توانا بر حرکت در راه خیر یا شر و دارای ابزار لازم آن

ألم نجعل له . .. و هدینه النجدین

بیان برخورداری انسان از چشم و زبان پیش از اشاره به آشناسازی او با راه های خیر و شرّ به منظور اتمام حجت بر او است که برای شناخت راه صحیح و انتخاب آن، ابزار لازم در اختیار او نهاده شده است.

انجام عمل خیر

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۷ - ۸

۸ - اقامه نماز ، عبودیت و بندگی خدا و انجام کار های نیک ، مشخصه های جامعه اسلامی

یأیّها الذین ءامنوا . .. و افعلوا الخیر

انگیزه عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۳۹

۳۹ - حسن ایجاد انگیزه در انسان هابه کار های خیر ، برای زمینه سازی بهتر و بیشتر انجام دادن آنها

و ما تقدّموا لأنفسکم من خیر تجدوه عند اللّه هو خیرًا و أعظم أجرًا

اهمیت عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۱

۱۱- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، مأمور به انجام کار نیک ، برپاداشتن نماز و پرداخت زکات

و أوحینا إلیهم فعل الخیرت و إقام الصلوه و إیتاء الزکوه

بخل در خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۹ - ۱۹

۱۹ - منافقان مدینه در کار خیر ، بخیل بودند .

أشحّه علی الخیر

بقای عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۷ - ۲

۲ - کار های خیر ، هر چند به وزن مورچه ای ریز و یا ذرّات معلق در هوا باشد ، باقی مانده ، در قیامت بر انسان عرضه خواهد شد .

فمن یعمل مثقال ذرّه خیرًا یره

<مثقال>; یعنی، وسیله ای که با آن، وزن چیزی سنجیده شود (مفردات). <ذرّه> (مفرد <ذرّ>) به معنای کوچک ترین نوع مورچه است (صحاح

اللغه). برخی آن را یک صدم وزن <جو> دانسته و برخی گفته اند: مراد ذرّاتی است که در شعاع خورشید، مشاهده می شود. (لسان العرب)

پاداش اخروی عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۷ - ۱

۱ - انجام دهندگان کار خیر ، در قیامت پاداش دیده ، با کردار خویش مواجه خواهند شد .

فمن یعمل مثقال ذرّه خیرًا یره

پاداش پیشگامان عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۳ - ۳

۳ - پیشگامان در انجام کار های خیر و وارثان قرآن کریم ، بهره مند از بهشت پاینده

جنّت عدن یدخلونها

پاداش دعوت به خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۴ - ۸،۹

۸ دعوت کنندگان مردم به دستگیری از مستمندان ، بهره مند از پاداش عظیم الهی

الا من امر بصدقه . .. فسوف نؤتیه أجراً عظیماً

۹ فراخوانی مردم به همزیستی مسالمت آمیز ، دارای پاداشی عظیم الهی

الا من امر بصدقه او معروف او اصلح بین الناس . .. نؤتیه أجراً عظیماً

پاداش سبقت در عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۴ - ۱۰

۱۰ - ربوبیت خداوند ، مقتضی پاداش به دارندگان نیت خیر و سبقت گیرندگان در کار نیک

و عجلت إلیک ربّ لترضی

پاداش عمل خیر وارث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۳۴

۳۴ - انجام هر کار خیری در حیات خویش ، دارای برتری و

پاداشی افزون تر از انجام آن پس از مرگ به وسیله وارثان و یا از طریق وصیت است .

و ما تقدّموا لأنفسكم من خير تجدوه عند اللّه هو خيرًا و أعظم أجرًا

برخی از مفسران بر آنند که به قرینه <ما تقدّموا. ..>، جمله ای مانند <من الذی تأخّرونه إلی الوصیه عند الموت> در تقدیر است.

پاداش مضاعف عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۳۳،۳۴،۳۶

۳۳ - انسان ها ، تمامی کار های خیر خود را در پیشگاه خداوند ، بهتر از آنچه انجام داده اند ، می بینند و بیشتر از پاداشی که انتظارش را داشته و شایسته آن بوده اند ، دریافت می کنند .

و ما تقدّموا لأنفسكم من خير تجدوه عند اللّه هو خيرًا و أعظم أجرًا

۳۴ - انجام هر کار خیری در حیات خویش ، دارای برتری و پاداشی افزون تر از انجام آن پس از مرگ به وسیله وارثان و یا از طریق وصیت است .

و ما تقدّموا لأنفسكم من خير تجدوه عند اللّه هو خيرًا و أعظم أجرًا

برخی از مفسران بر آنند که به قرینه <ما تقدّموا. ..>، جمله ای مانند <من الذی تأخّرونه إلی الوصیه عند الموت> در تقدیر است.

۳۶ - پاداش کار های خیر از سوی خداوند ، افزون تر از استحقاق و بر پایه تفضل و لطف او است .

تجدوه عند اللّه هو خيرًا و أعظم أجرًا

مطلب یاد شده، از مقرر شدن پاداش بهتر و افزون تر، استفاده می شود.

پیشگامان در عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون -

۲۳ - ۶۱ - ۴

۴ - موحدانِ بیمناک از پروردگار و روز قیامت ، پیشتاز در انجام کار های نیک

و هم لها سبقون

<لها> متعلق به <سابقون> است که مفعول آن محذوف می باشد. پس تقدیر آن چنین می شود: <و هم سابقون غیرهم لها>. <سبق> به معنای پیشی گرفتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۰ - ۲

۲ - کسانی که در دنیا در انجام امور خیر از دیگران سبقت می گیرند ، در آخرت نیز پیش از دیگران مشمول رحمت ، پاداش و غفران الهی خواهند بود .

و السبقون السبقون

برخی از مفسران بر آنند که مراد از سبقت در <السابقون> اول، سبقت در انجام امور خیر در دنیا و مراد از سبقت در <السابقون> دوم، پیشی گرفتن از دیگران در آخرت در دریافت رحمت و پاداش الهی است.

پیشگامان عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۲ - ۹

۹ - پیشتازان در انجام خیرات ، مهم ترین صفت مسلمانان پیرو قرآن و انسان های قرآنی

و منهم سابق بالخیرت

برداشت یاد شده به این خاطر است که پیشتازان در تمسک به قرآن و حافظان ارث الهی، در این آیه به عنوان پیشتازان در خیرات معرفی شده اند.

پیشگامی در عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۶۱ – ۲،۵

۲ – شتاب ورزی در انجام کار های نیک نشانه مؤمنان راستین

أُولئک یسرعون فی الخیرت

۵ – شتاب در انجام کار های نیک و پیشتازی در میدان ارزش ها ، خصلت هایی

ارجمند و مورد توصیه و ستایش خداوند

أُولئک یسرعون فی الخیرت و هم لها سبفون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۲ – ۱۴

۱۴ – توفیق پیشتازی در انجام کار های خیر ، فضل بزرگ الهی است .

و منهم مقتصد و منهم سابق بالخیرت بإذن اللّه ذلک هو الفضل الکبیر

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که <ذلک> اشاره به <سبق> در <سابق بالخیرات> باشد.

تجسم عمل خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – زلزله – ۹۹ – ۷ – ۴

۴ – تجسّم و قابل رؤیت شدن تمام اعمال نیکِ انسان حتی سبکوزن ترین آنها در آخرت

خیرًا یره

تحصیل خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۸ – ۱۱

۱۱ دستیابی به خیرات و نعمت های الهی ، نیازمند ایمان و عمل

ءامنوا معه جهدوا . .. و أولئک لهم الخیرت

ترک دعوت به خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۰۶ – ۴

۴ دعوت نکردن به خیر و ترک امر به معروف و نهی از منکر ، موجب روسیاهی در قیامت

یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر . .. و تسودّ وجوه

به مقتضای ارتباط با آیات قبل، روسیاهی می تواند کیفر گناهان مذکور در آن آیات باشد.

تشبیه عمل خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – زلزله – ۹۹ – ۷ – ۲

۲ – کار های خیر ، هر چند به وزن مورچه ای ریز و یا

ذرّات معلق در هوا باشد ، باقی مانده ، در قیامت بر انسان عرضه خواهد شد .

فمن یعمل مثقال ذرّه خیرًا یره

<مثقال>; یعنی، وسیله ای که با آن، وزن چیزی سنجیده شود (مفردات). <ذرّه> (مفرد <ذرّ>) به معنای کوچک ترین نوع مورچه است (صحاح اللغه). برخی آن را یک صدم وزن <جو> دانسته و برخی گفته اند: مراد ذرّاتی است که در شعاع خورشید، مشاهده می شود. (لسان العرب)

تشخیص عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۷ - ۹

۹ - توانایی انسان بر شناخت نیک و بد

و افعلوا الخیر

در جمله یاد شده خداوند، مؤمنان را به انجام دادن کار نیک توصیه کرده; اما سخنی از این به میان نیاورده است که کدام عمل، نیک و کدام عمل، بد است و اصولاً معیار نیکی و بدی در اعمال چیست؟ این می تواند بدان جهت باشد که انسان خود مستقلاً می تواند حسن و قبح و نیکی و بدی را بشناسد.

تشویق به خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۷ - ۱۰

۱۰ ترغیب به انجام اعمال نیک در حج

فمن فرض فیهن الحجّ . .. و ما تفعلوا من خیر یعلمه اللّه

تشویق به عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۸

۸ لزوم بهره گیری از ابزار های تشویق (پاداش و . . .) در گرایش دادن انسان ها به اطاعت خدا و هر کار نیک

إن اللّه اشترى . .. بأن لهم الجنه

اینکه خداوند

مؤمنان را با نوید بهشت، به جهاد تشویق کرده است، برداشت فوق به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۸ – ۸

۸ – بهره جستن از خصلت نفع طلبی انسان ها ، از روش های قرآن برای تشویق آنان به کار های خیر و انفاق در راه خداوند

و أقرضوا اللّه . .. یضعف لهم و لهم أجر کریم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مزمل – ۷۳ – ۲۰ – ۳۵،۳۸

۳۵ – توصیه و ترغیب خداوند به انجام دادن کار های خیر ، پیش از فرا رسیدن مرگ

و ما تقدّموا لأنفسکم من خیر تجدوه عند اللّه هو خیرًا و أعظم أجرًا

۳۸ – بهره جستن از خصلت نفع طلبی انسان ها ، از روش های قرآن برای تشویق آنان به انفاق در راه خدا و انجام دادن کار های خیر

و ءاتوا الزکوه . .. و ما تقدّموا لأنفسکم من خیر تجدوه عند اللّه هو خیرًا و أعظم

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که خداوند، با یادآوری پاداش بزرگ و فراوان، ایجاد انگیزه نموده و از خصلت نفع طلبی انسان ها بهره جسته است.

تعجیل در عمل خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۲۰ – ۱۰

۱۰ – شتاب در کار خیر و در دفاع از دین و مبلغان دینی ، کاری است شایسته و بایسته .

و جاء من أقصا المدینه رجل یسعی قال یقوم اتّبعوا المرسلین

تکبر بر عمل خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

حج - ۲۲ - ۷۷ - ۱۱

۱۱ - مؤمنان ، همواره باید میان بیم و امید به سر برند و به اعمال نیک مغرور نشوند .

یأیّها الذین ءامنوا ارکعوا . .. لعلّکم تفلحون

توصیه به خیر در نجوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۹ - ۵

۵ - نجوای مؤمنان ، باید آراسته به سفارش به نیکی و توصیه به تقوای الهی باشد .

و تنجوا بالبرّ و التقوی

توصیه به عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۵ - ۱

۱ توصیه شدن گنهکاران توبه کننده از جانب خدا به انجام اعمال خیر و استفاده هر چه بیشتر از فرصت ها برای جبران گذشته ها

ألم یعلموا أن اللّه یقبل التوبه . .. و قل اعملوا فسیری اللّه عملکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۷ - ۷

۷ - انجام دادن کار های نیک ، توصیه خداوند به مؤمنان

و افعلوا الخیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۶ - ۱۱

۱۱ - توصیه خداوند ، به انجام کارهایی که موجب خیر و سعادت بشر است .

خیرًا لأنفسکم

طبق نظر برخی از مفسران و ادیبان (مانند زمخشری و سیبویه)، نصب <خیراً> به خاطر <مفعولٌ به> بودن آن برای فعل محذوف (مانند <اتوا> و یا <افعلوا>) است; یعنی، <و اتوا خیراً لأنفسکم و افعلوا ما هو خیر لها و انفع>.

حاکمیّت تکوینی خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ -

۴ – ۷۹

۴ حاکمیت نظام تکوینی خیر و شرّ بر تمامی انسان ها ، و حتی پیامبر (ص)

ما اصابکَ من حسنه فمن اللّه و ما اصابک من سیّئه فمن نفسک

حرمت اطاعت از مانعان خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۱۲ – ۳

۳ – اطاعت و اجابت خواسته های کسانی که بخیل و مانع خیراند ، ممنوع و حرام است .

و لاتطع کلّ . .. منّاع للخیر

خیر اخروی مجاهدان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۸ – ۹

۹ مؤمنان راستین و مجاهد ، برخوردار از همه خیرات دنیا و آخرت

و أولئکَ لهم الخیرت

کلمه <الخیرات> جمع محلی به <ال> و مفید استغراق است.

خیر اخروی مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۸ – ۹

۹ مؤمنان راستین و مجاهد ، برخوردار از همه خیرات دنیا و آخرت

و أولئکَ لهم الخیرت

کلمه <الخیرات> جمع محلی به <ال> و مفید استغراق است.

خیر الحاکمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۹ - ۱۰

۱۰ خداوند ، بهترین حاکم و داور است .

و هو خیر الحکمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۰ - ۱۲

۱۲ خداوند ، بهترین داور و حکم کننده است .

و هو خیر الحکمین

خیر الراحمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۹ - ۱۱

۱۱ - خدا ، بهترین و مهربان ترین

مهربانان

و أنت خير الرحمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۸ - ۸

۸ - خدا ، بهترین رحمت کنندگان و مهربانان است .

و أنت خير الرحمين

خیر الرازقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۸ - ۶

۶ - خدا ، بهترین روزی دهنده است .

و إنّ اللّه لهو خير الرزقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۲ - ۱۱

۱۱ - خدا ، بهترین روزی دهندگان است .

و هو خير الرزقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۹ - ۸

۸ - خداوند ، < خیرالرازقین > (بهترین روزی دهندگان) است .

و هو خير الرزقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – جمعه – ۶۲ – ۱۱ – ۱۳

۱۳ – خداوند ، < خیرالرازقین > (بهترین روزی دهنده) است .

و اللّه خیر الرزقین

خیر المنزلین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۲۹ – ۱۰

۱۰ – خدا ، بهترین میزبان و مهمان نواز است .

و أنت خیر المنزلین

خیر الوارثین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۸۹ – ۹

۹– خداوند ، بهترین وارثان است .

أنت خیر الورثین

خیر بودن آخرت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۰۹ – ۱۳

۱۳ سرای آخرت برای تقواپیشگان و پرهیزکنندگان از شرک و مخالفت با پیامبران ، سرایی نیکوست .

و

لدار الأخره خير للذين اتقوا

متعلق <اتقوا> به قرينه آيات گذشته ، شرك و مخالفت با پيامبران است.

خير تعاليم انبيا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۲۹

۲۹ پيام هاى انبيا سراسر خير و موجب سعادت انسانهاست .

ذلكم خير لكم

خير تقوا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۶ - ۵

۵ - عبادت و تقوا ، داراى خيرى است كه سودش به عبادت كننده و متقى ، بازمى گردد .

اعبدوا اللّه و اتّقوه ذلكم خير لكم

خير دنيوى مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۹

۹ مؤمنان راستين و مجاهد ، برخوردار از همه خيرات دنيا و آخرت

و أولئك لهم الخيرت

كلمه <الخيرات> جمع محلى به <ال> و مفيد استغراق است.

خير دنيوى مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۹

۹ مؤمنان راستین و مجاهد ، برخوردار از همه خیرات دنیا و آخرت

و أولئك لهم الخیرت

کلمه <الخیرات> جمع محلی به <ال> و مفید استغراق است.

خیر عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۶ - ۵

۵ - عبادت و تقوا ، دارای خیری است که سودش به عبادت کننده و متقی ، بازمی گردد .

اعبدوا اللّه و اتّقوه ذلکم خیر لکم

دعوت به خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۱ - ۲۱

۲۱ خداوند ، دعوت کننده انسان ها

به بهشت و آمرزش خویش است .

و اللّه یدعوا الی الجنّه و المغفره باذنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۵ - ۲

۲ دعوت خداوند از مردم ، برای پیروی از آیین ابراهیم (ع)

فاتّبعوا ملّه ابراهیم حنیفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۴ - ۱،۳،۴،۶،۹،۱۰،۱۱

۱ ضرورت وجود جمعی از اهل ایمان ، برای دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر

و لتکن منکم امّه . .. عن المنکر

بنابراینکه <من> در <منکم>، تبعیضیّه باشد.

۳ ضرورت وجود جمعی از اهل ایمان ، برای دعوت جامعه به اتحاد و اُلفت میان دل ها و برادری میان آنها

و اعتصموا بحبل اللّه . .. و لتکن منکم امه یدعون الی الخیر

۴ دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر ، از شیوه های ایجاد وحدت در میان مؤمنین

و اعتصموا بحبل اللّه جمیعاً . .. و لتکن منکم امه یدعون الی الخیر

به نظر می رسد <ولتکن> به مقتضای ارتباط با آیه قبل، ارائه راهی برای تحقق اعتصام به ریسمان الهی باشد.

۶ امر به معروف و نهی از منکر ، دعوت به خیر است . *

و لتکن منکم امّه یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر

بنابراینکه <واو> در <و یأمرون>، تفسیریّه برای <یدعون الی الخیر> باشد، و یا مصداقی از دعوت به خیر.

۹ دعوت به نیکی ها و امر به معروف و نهی از منکر (نظارت همگانی) ، وظیفه همه افراد جامعه اسلامی

و لتكن

منکم امه یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر

بنابراینکه من در <منکم> بیانیّه باشد.

۱۰ تنها دعوتگران به خیر و امرکنندگان به معروف و نهی کنندگان از منکر ، اهل رستگاری هستند .

و لتکن منکم . .. اولئک هم المفلحون

بنابراینکه مشارالیه <اولئک>، دعوت کنندگان به خیر و امرکنندگان و نهی کنندگان باشند.

۱۱ نقش بنیادین دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر ، در رستگاری جامعه

و لتکن منکم امّه . .. و اولئک هم المفلحون

بنابراینکه مشارالیه <اولئک> جامعه اسلامی باشد; یعنی تنها خودِ امرکنندگان به معروف و نهی کنندگان از منکر رستگار نیستند، بلکه افراد جامعه بخاطر وجود چنین افرادی بهره مند از رستگاری هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۵ - ۲،۳

۲ دعوت به نیکی ها ، امر به معروف و نهی از منکر ، مانع بروز تفرقه و اختلاف در جامعه

و لتکن منکم امّه یدعون الی الخیر . .. و لا تکونوا کالذین تفرّقوا

جمله <لا تکونوا . .. >، احتمالا بیان نتیجه آیه قبل است.

۳ سرانجام ترک دعوت به نیکی ها و ترک امر به معروف و نهی از منکر ، تفرقه و اختلاف در جامعه

و لتکن منکم امه یدعون . .. و لا تکونوا کالذین تفرّقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۸ - ۳

۳ فرمان به اعتصام به حبل الهی ، پرهیز از تفرقه ، دستور به دعوت خیر ، امر به معروف و نهی از منکر ، از آیات بحق الهی

و

اعتصموا بحبل اللّه جميعاً و لا تفرّقوا . .. و لتكن منكم امّه ... تلك ايات اللّ

بنابراينكه مشاراليه <تلك>، تمامى مطالب گذشته در آيات قبل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۴ - ۱۲

۱۲ گفتگوى محرمانه در مورد توصيه به قرض الحسنه ، كارى پسنديده و شايسته

لا خير فى كثير من نجويهم الا من امر بصدقه او معروف

امام صادق(ع) در مورد <معروف> در آيه فوق فرمود: يعنى بالمعروف القرض.

كافى، ج ۴، ص ۳۴، ح ۳; نورالثقلين، ج ۱، ص ۵۴۹، ح ۵۵۸.

دوست بى خير

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۶۵ - ۱۴

۱۴ روى عن أبى عبدالله(ع) إنه قال: معنى <عذابا من فوقكم> السلطان الجائر <و من تحت أرجلكم> السفله و من لاخير فيه . .. <و يذيق بعضكم بأس بعض> قال: سوء الجوار.

امام صادق(ع) فرمود: معناى <عذابا من فوقكم>، سلطان ستمگر و معناى <و من تحت ارجلكم>، زيردستان و افراد بى خيرو معناى <و يذيق بعضكم بأس بعض>، بدرفتارى همسايگان است.

ذكر خير صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۲۱

۲۱ يادكرد از عناصر صالح يك امت به هنگام سرزنش از ناصالحان ايشان ، امرى لازم و پسنديده

و لو انهم اقاموا التوريه . .. منهم امه مقتصده و كثير منهم ساء ما يعملون

راه خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بلد – ۹۰ – ۱۰ – ۳،۷

۳ – خداوند ، به راه خیر و شرّ و رهروان هر

یک ، آگاه است .

و هدینه النجدین

اسناد هـدایت به خداونـد در <هـدینا> بـا تـوجّه به <أیحسب أن لم یره أحـد> در آیـات پیشـین بیـانگر آن است که چـون خداوند راه خیر و شرّ را به دیگران شناسانده است; پس خود به آن آگاه است و رهروان آنان بر او مشتبه نمی شوند تا مدعیان حقیقیِ انفاق را، از غیر آنهاتشخیص ندهد.

۷ - < عن حمزه بن محمّـد عن أبی عبـداللّه (ع) قال : سألته عن قول اللّه عزّوجلّ < و هـدیناه النجـدین > قال : نجد الخیر و الشرّ ;

حمزه بن محمـد گوید: از امام صادق(ع) درباره سـخن خداوند عزّوجلّ <و هدیناه النجدین> سؤال کرد، فرمود: مراد راه خیر و شرّ است>.

رد خواسته های مانعان خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۲ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور پرهیز از اجابت خواست کسانی که مانع خیر در جامعه اند .

و لاتطع کلّ . .. منّاع للخیر

روش تشویق به عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۱ - ۶

۶ - بهره جستن از خصلت نفع طلبی انسان ها ، از روش های قرآن برای تشویق آنان به کار های خیر و انفاق در راه خداوند

من ذا الذی یقرض اللّه . .. فیضعفه له

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۷ - ۶

۶ - بهره جستن از خصلت نفع طلبی و خیرجویی انسان ها ، از روش های قرآن برای تشویق آنان

به انفاق و انجام کار های خیر

وأنفقوا خیرًا لأنفسکم . .. إن تقرضوا اللّه قرضًا حسنًا یضعفه لکم

روش دعوت به خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۸ – ۱۴

۱۴ موعظه ، روشی مفید برای دعوت مردم به نیکیها

انّ اللّه نعمّا یعظکم به

چون خداوند بهترین پاداشها را برای تربیت برمی گزیند، معلوم می شود موعظه از روشهای بسیار مفید برای تربیت مردم است.

رؤیت اخروی عمل خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – زلزله – ۹۹ – ۷ – ۴

۴ – تجسّم و قابل رؤیت شدن تمام اعمال نیکِ انسان حتی سبکوزن ترین آنها در آخرت

خیرًا یره

زمینه ازدیاد عمل خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مزمل – ۷۳ – ۲۰ – ۳۹

۳۹ – حسن ایجاد انگیزه در انسان هابه کار های خیر ، برای زمینه سازی بهتر و بیشتر انجام دادن آنها

و ما تقدّموا لأنفسکم من خیر تجدوه عند اللّه هو خیرًا و أعظم أجرًا

زمینه پاداش عمل خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۴ – ۱۰

۱۰ – ربوبیت خداوند ، مقتضی پاداش به دارندگان نیت خیر و سبقت گیرندگان در کار نیک

و عجلت إلیک ربّ لترضی

زمینه خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰۶ – ۸

۸ – احکام الهی ، دارای مصلحت برای انسان و تضمین کننده خیر و سعادت او

نأت بخیر منها أو مثلها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲

- بقره - ۲ - ۲۶۹ - ۴

۴ حکمت ، خیرآفرین است .

و من یؤت الحکمه فقد اوتی خیراً کثیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۵

۵ بازگشت به خدا و توبه به درگاه او ، زمینه ساز نایل شدن به خیر و سعادت دنیا و برخوردار شدن از حیات نیکوی آخرت است .

و اکتب لنا فی هذه الدنیا حسنه و فی الاخره إنا هدنا إلیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۱۰

۱۰ ایمان و جهاد ، تضمین کننده همه خیر ها و ارزش ها برای انسان

ءامنوا معه جهدوا . .. و أولئک لهم الخیرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۳

۳ - تعظیم و بزرگداشت حدود و مقرارت الهی و رعایت حریم آنها ، مایه خیر و سعادت و خوشبختی برای اهل ایمان

و من یعظّم حرمت اللّه فهو خیر له عند ربّه

ضمیر <هو>در <فهو خیر له> به <تعظیم> (مصدر <یعظّم>) بازمی گردد; یعنی، <فالتعظیم خیر له عند ربّه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۳۱

۳۱ - سلام کردن مؤمنان به یکدیگر ، مایه برکت و خیر فراوان و پاکیزگی است .

فسلّموا على أنفسكم تحيّه من عند اللّه مبركه طيّبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۶ - ۴

۴ - دستیابی به خیر ، در گروِ خداپرستی و تقوا است .

اعبدوا اللّه و اتّقوه

ذلکم خیر لکم

زمینه عمل خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۵۶ – ۱۶

۱۶ توجّه به نظارت و بینایی خداوند به کردار آدمیان ، برانگیزنده آدمی به نبرد و پیکار در راه خدا (اعمال پسندیده)

انّ الّذین تولّوا منکم . .. و اللّه بما تعملون بصیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۸۰ – ۵

۵ توجّه به از جانب خدا بودن دارایی ها ، آسان کننده انفاق و بخشش و بیانگر زشتی و شناعت بخلورزی

و لا یحسبنّ الّذین یبخلون بما اتیهم اللّه من فضله

تذکّر خداوند به اینکه داراییهای شما، فضلی از جانب اوست (بما آتیهم اللّه من فضله)، برای این هدف است که انفاق را بر آدمی آسان کند و زشتی بخل را بر او آشکار سازد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۲۹ – ۱۴

۱۴ توجه حاکمان به نظارت خداوند بر اعمال ایشان ، زمینه ساز گرایش آنان به کردار نیک و پرهیزشان از اعمال نارواست .

و یستخلفکم فی الأرض فینظر کیف تعملون

هدف از تذکار نظارت خداوند بر اعمال آدمی این است که وی با توجه به این حقیقت از اعمال ناروا بپرهیزد و به اعمال نیک رو آورد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۶۱ – ۱،۶

۱ – ترس از خدا و قیامت ، بر انگیزاننده انسان ها به انجام کار های نیک

إنّ الذين هم من خشيه ربّهم مشفقون . .. أَولئك يسرعون فى

الخيرت

<أُولئك> اشاره به موحدانی است که وصفشان در آیات پیش بیان شد. <مسارعه> (مصدر <یسارعون>) به معنای شتاب کردن است.

۶ - خدا ترسی و بیمناک بودن از روز رستاخیز ، برانگیزاننده انسان به پیشتازی در انجام کار های نیک

و هم لها سبقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۲ - ۱۲

۱۲ - اذن خداوند ، شرط رسیدن به مقام پیشتازی در دین داری ، زندگی قرآنی و انجام کار های خیر

و منهم سابق بالخیرت بإذن اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۰ - ۱۰

۱۰ توجه به بازگشت همه چیز به سوی خداوند ، زمینه تسلیم شدن در برابر او و پرهیز از پیروی شیطان

و لا تتبعوا خطوات . .. و الی اللّه ترجع الأمور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۵ - ۱۳

۱۳ توجّه انسان به علم خداوند نسبت به اعمال خیر ، مُشوّق او برای انجام آن

و ما تفعلوا من خیر فانّ اللّه به علیم

زمینه های عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۷ - ۱۰

۱۰ توجّه به < ربوبیّت > خداوند ، برانگیزنده انسان به دعا و درخواست از او

ربّنا اغفرلنا ذنوبنا

سبقت در خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۸ - ۵،۶

۵ - لزوم انجام کار های خیر و پیشی گرفتن در آنها

فاستبقوا الخیرت

۶ - ملاک برتری امت ها ، پیشی گرفتن در انجام

کار های نیک است نه داشتن قبله ای خاص

و لکل وجهه هو مولّیها فاستبقوا الخیرت

جمله <فاستبقوا الخیرت> پس از <هو مولّیها> حقیقتی دیگر را درباره نابجایی بحث و مشاجره درباره تغییر و تعیین قبله گوشزد می کند و آن این است که: مجرد رو به سوی قبله داشتن کارساز نیست; آنچه تعیین کننده می باشد انجام کارهای نیک است. پس در آنها پیشی بگیرید.

سختی عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۷ - ۴

۴ سختی و دشواری عمل نیک ، معیاری در ارزش گذاری آن بوده و موجب افزونی ثواب و پاداش است .

لقد تاب اللّه علی النبی . .. اتبعوه فی ساعه العسره

سرزنش ممانعت از خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۲ - ۴

۴ - مانع خیر شدن و بخل ، صفتی مذموم و ناپسند

و لاتطع کلّ . .. منّاع للخیر

شرایط عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۴ - ۸

۸ - خوبی هرکار ، علاوه بر صدور آن به نیت خیر ، در گرو هماهنگی آن با سایر خواسته ها و دستورات خداوند است .

و ما أعجلک . .. و عجلت إلیک ربّ لترضی

با وجود آن که موسی(ع) در تعجیل خود، نیت خیر داشته است; ولی بازخواست شدن او دال براین مطلب است که صرف

داشـتن نیت خیر، برای برتری یافتن عمل کافی نیست؛ بلکه باید با ادله دیگر آن عمل را سـنجید. اگر در تعارض نبود، آن گاه بدان اقدام کرد.

شفاعت در عمل خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۸۵ – ۱۱

۱۱ توجّه به حفظ اعمال از سوی خدا ، برانگیزنده انسان به وساطت در کار خیر و پرهیز از وساطت در کار شرّ

و من یشفع . .. و کان اللّه علی کل شیء مقیتا

جمله <کان اللّه . .. > در حقیقت تشویق و تهدید است و به این منظور آورده شده که با توجّه به آن، انگیزه برای انجام اعمال نیک فراهم شود و ترس از انجام اعمال بد به وجود آید.

عجز از درک خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۳ – ۸

۸– بیماردلانِ منافق ، ناتوان از درک خیر واقعی خویش و پیمودن راه صدق و جهاد

فلو صدقوا اللّه لکان خیرًا لهم . .. أولئک ... فأصمّهم و أعمی أبصرهم

با توجه به ارتباط آیات، ممکن است به میان آوردن <أصمّ> و <أعمی> در پی <فلو صدقوا اللّه لکان خیراً لهم> بیانگر این معنا باشد که صداقت با خدا و دستورات او، تضمین گر منافع آدمی است; اما افسوس که بیماردلان در نتیجه کوری باطنی عاجز از درک مصالح آن اند.

علم به عمل خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انفطار – ۸۲ – ۱۳ – ۳

۳ – کاتبان نامه عمل از انجام دادن کار های خیر ابرار آگاه شده ، آن را ثبت می کنند .

کتبین . یعلمون ما تفعلون . إنّ الأبرار لفی نعیم

عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲

- آل عمران - ۳ - ۹۲ - ۱۱

۱۱ توجّه دادن به ثبت کار های نیک انسان ، از روش های قرآن برای تشویق به نیکیها

لن تنالوا . .. فانّ اللّه به علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۸ - ۱۱

۱۱ - پرداختن به کار های خیر ، مانند انفاق به نیازمندان با توجّه به دستاورد بدِ کار های نادرست لازم است .

تصبهم سیّئه بما قدّمت أیدیهم . .. فأَت ذا القربی حقّه

<فا> در <فآت> می توانـد فصیحه و مربوط به فراز <إن تصبهم> در آیات قبل باشد; یعنی: <حال که سیّئه، در پی دارنده ناگواری است، پس، از آن پرهیز و حقوق خویشاوندان و. .. را ادا کنید>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۳ - ۵

۵ - برای تصمیم به انجام دادن عمل خوب و یا ترک امری ناپسند ، خوب است که آن تصمیم ، به صورت عهدی با خداوند در میان گذاشته شود .

من المؤمنین رجال صدقوا ما عهدوا اللّه علیه فمنهم من قضی نحبه

تعبیر از تکلیفی که مؤمنان انجام دادند به <ما عاهدوا اللّه علیه> و نیز آوردن واژه <نحب> که به معنای <نذر> است دلالت می کند که مؤمنان، برای انجام دادن تکلیف شان، آن را به صورت عهدی با خدا در میان گذاشتند و خداوند نیز از چنین کاری ستایش کرده است. این، نشان می دهد که انجام دادن تکلیف به صورت عهد بستن با خدا، امری سزاوار و شایسته است.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ - تمسّک به قرآن و پیروی از رهنمود های آن ، به خیر و صلاح جامعه و ترک آن ظلم به خویشتن است .

ثمّ أورثنا الکتب . .. فمنهم ظالم لنفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۵ - ۸

۸ - نیت عملِ خیر و فراهم ساختن زمینه های انجام آن ، برابر است با انجام کامل آن در بینش الهی

قد صدّقت الرءیا إنّا کذلک نجزی المحسنین

برداشت یاد شده از آن جا است که ابراهیم(ع) به قصد قربانی کردن فرزندش اسماعیل، تمامی مقدمات آن را تا خواباندن وی بر زمین و به دست گرفتن کارد انجام داد و خداوند همین مقدار از تلاش آن حضرت را، انجام کامل ذبح تلقی فرمود و از ایشان قبول کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۲ - ۶

۶ - صدقه دادن به نیازمندان ، عملی سراسر خیر و نیکی در بینش الهی

ذلک خیر

در صورتی که <خیر> در مقابل <شرّ> باشد; معنای <ذلک خیر> این خواهد بود که صدقه صرفاً خیر است و هیچ بدی در آن راه ندارد.

عمل خیر ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۱،۱۲

۱۱- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، مأمور به انجام کار نیک ، برپاداشتن نماز و پرداخت زکات

و أوحينا إليهم فعل الخيرت و إقام الصلوه و إيتاء الزكوه

۱۲- خداوند ، به ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) کار

های نیک را شناساند و چگونگی انجام آنها را از طریق وحی به آنان آموخت .

و أوحینا إلیهم فعل الخیرت

برداشت یاد شده مبتنی براین است که نصب <فعل الخیرات> به خاطر مفعول بودن آن برای <أوحینا> باشد. براین اساس وحی و الهام فعل خیرات می تواند به این معنا باشد که خدا هر آن چه در میزان الهی و در واقع، کار خیر است به آنان شناساند و چگونگی انجام دادن آنها را از طریق وحی به آنان آموخت. و به سخن دیگر <أوحینا> متضمن معنای <علّمنا> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۵

۱۵- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذوالکفل ، یونس ، زکریا ، و یحیی (علیهم السلام) بود .

و لقد ءاتینا موسی و هرون . .. یحیی ... إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۷ - ۴

۴ - ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) ، از افراد خیّر و نیکوکار بودند .

و إنّهم . .. الأخیار

اخیار به دو معنا است: ۱ جمع <خیّر> با تشدید یاء به معنای نیکوکار است. ۲ جمع <خیْر> به سکون یاء در مقابل <شرّ> است. برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است.

عمل خیر ادریس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۵

۱۵- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذوالکفل ، یونس ، زکریا ، و یحیی (علیهم السلام) بود .

و لقد ءاتینا موسی و هرون . .. یحیی ... إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

عمل خیر اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۱۱،۱۲

۱۱- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، مأمور به انجام کار نیک ، برپاداشتن نماز و پرداخت زکات

و أوحینا إلیهم فعل الخیرت و إقام الصلوه و إیتاء الزکوه

۱۲- خداوند ، به ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) کار های نیک را شناساند و چگونگی انجام آنها را از طریق وحی به آنان آموخت .

و أوحینا إلیهم فعل الخیرت

برداشت یاد شده مبتنی براین است که نصب <فعل الخیرات> به خاطر مفعول بودن آن برای <أوحینا> باشد. براین اساس وحی و الهام فعل خیرات می تواند به این معنا باشد که خدا هر آن چه در میزان الهی و در واقع، کار خیر است به آنان شناساند و چگونگی انجام دادن آنها را از طریق وحی به آنان آموخت. و به سخن دیگر <أوحینا> متضمن معنای <علّمنا> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۵

۱۵- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ،

موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذوالکفل ، یونس ، زکریا ، و یحیی (علیهم السلام) بود .

و لقد ءاتینا موسی و هرون . .. یحیی ... إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۴۷ – ۴

۴ – ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) ، از افراد خیّر و نیکوکار بودند .

و إنّهم . .. الأخیار

اخیار به دو معنا است: ۱ جمع <خیّر> با تشدید یاء به معنای نیکوکار است. ۲ جمع <خیْر> به سکون یاء در مقابل <شرّ> است. برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است.

عمل خیر اسماعیل(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۰ – ۱۵

۱۵– انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذوالکفل ، یونس ، زکریا ، و یحیی (علیهم السلام) بود .

و لقد ءاتینا موسی و هرون . .. یحیی ... إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۴۸ – ۳

۳ – اسماعیل ، الیسع و ذاالکفل (علیهم السلام) ، از افراد خیّر و نیکوکار بودند .

و کلّ من الأخیار

اخیار به دو معنا است: ۱

جمع <خيّر> با تشديـد ياء به معناى نيكوكار است. ۲ جمع <خيْر> به سـكون ياء در مقابل <شـرّ> است. برداشت ياد شده مبتنى بر فرض نخست است.

عمل خير اليسع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۸ - ۳

۳ - اسماعيل ، اليسع و ذاالكفل (عليهم السلام) ، از افراد خيّر و نيكوكار بودند .

و كلّ من الأخيار

اخيار به دو معنا است: ۱ جمع <خيّر> با تشديـد ياء به معناى نيكوكار است. ۲ جمع <خيْر> به سكون ياء در مقابل <شرّ> است. برداشت ياد شده مبتنى بر فرض نخست است.

عمل خير انبيا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۵،۱۸

۱۵- انجام كار هاى خير ، مورد علاقه و سيره مستمر پيامبران الهى ، موسى ، هارون ، ابراهيم ، لوط ، اسحاق ، يعقوب ، نوح ، داوود ، سليمان ، ايوب ، اسماعيل ، ادريس ، ذوالكفل ، يونس ، زكريا ، و يحيى (عليهم السلام) بود .

و لقد ءاتينا موسى و هرون . .. يحيى ... إنّهم كانوا يسرعون فى الخيرت

۱۸- پيشـى گرفتن در كار هاى نيك ، دعاى همراه با رغبت و بيم و نيز خشوع پيامبران (ع) ، عامل بهره مندى آنان از موهبت هاى الهى بود .

و لقد ءايتنا موسى و هرون . .. إنّهم كانوا يسرعون فى الخيرت ... و كانوا لنا خش

برداشت ياد شده با توجه به دو نكته است: ۱ ضميرهاى جمع در جمله <إنّهم

کـانوا یسـارعون. ..> به پیـامبران بازگردد، چه این که آیات پیشـین در مورد آنان بود. ۲ جمله <إنّهم کـانوا یسارعون...> و جملات بعد، در مقام تعلیل باشد.

عمل خیر اولیاء الله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۰ – ۲۰

۲۰– شـتاب و پیشـگامی در کار های خیر ، دعای همراه با رغبت و امیـد و خشوع به درگاه الهی ، از ارزش های والا و صـفات برجسته مردان الهی

إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت و یدعوننا رغبًا و رهبًا و کانوا لنا خشعین

برداشت یـاد شـده به خـاطر این است که آیه شـریفه، در توصـیف پیـامبران الهی است و از میـان ده هـا صـفات و ویژگی های ایشان، تنها به این سه صفت و ویژگی اشاره شده است.

عمل خیر ایوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۰ – ۱۵

۱۵– انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذوالکفل ، یونس ، زکریا ، و یحیی (علیهم السلام) بود .

و لقد ءاتینا موسی و هرون . .. یحیی ... إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

عمل خیر بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۴ – ۹

۹ – سپاس گزاری بهشتیان از خداوند ، به خاطر آمرزش خطا های آنان و قدردانی از کار های نیکشان

و قالوا الحمد للّه . .. إنّ ربّنا

لغفور شکور

جمله <إنّ ربّنا لغفور شکور> بیان دیگری از فلسفه سپاس گزاری از خداوند است.

عمل خیر داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۵

۱۵- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذوالکفل ، یونس ، زکریا ، و یحیی (علیهم السلام) بود .

و لقد ءاتینا موسی و هرون . .. یحیی ... إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

عمل خیر ذوالکفل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۵

۱۵- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذوالکفل ، یونس ، زکریا ، و یحیی (علیهم السلام) بود .

و لقد ءاتینا موسی و هرون . .. یحیی ... إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۸ - ۳

۳ - اسماعیل ، الیسع و ذاالکفل (علیهم السلام) ، از افراد خیّر و نیکوکار بودند .

و کلّ من الأخیار

اخیار به دو معنا است: ۱ جمع <خیّر> با تشدید یاء به معنای نیکوکار است. ۲ جمع <خیْر> به سکون یاء در مقابل <شرّ> است. برداشت یاد شده مبتنی

بر فرض نخست است.

عمل خیر زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۲،۱۳،۱۵

۱۲- زکریا (ع) و همسر و فرزند او (یحیی) شتابان به انجام کار های خیر می پرداختند و در آن پیش قدم و پیشگام بودند .

إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إنّهم کانوا یسارعون. ..> به زکریا(ع) و همسر و فرزند او (یحیی) بازگردد.

۱۳- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر زکریا (ع) و همسر و فرزند او (یحیی) بود .

و زکریّا . .. و وهبنا له یحیی و أصلحنا له زوجه إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

فعل مضارع <یسارعون> و فعل <کانوا> پیش از آن بیانگر استمرار و تداوم است و متعدی شدن فعل <یسارعون> به <فی> حکایت از جدّیت و علاقه به کار دارد.

۱۵- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذوالکفل ، یونس ، زکریا ، و یحیی (علیهم السلام) بود .

و لقد ءاتینا موسی و هرون . .. یحیی ... إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

عمل خیر سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۵

۱۵- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ،

اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذوالکفل ، یونس ، زکریا ، و یحیی (علیهم السلام) بود .

و لقد ءاتینا موسی و هرون . .. یحیی ... إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

عمل خیر لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۰ – ۱۵

۱۵– انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذوالکفل ، یونس ، زکریا ، و یحیی (علیهم السلام) بود .

و لقد ءاتینا موسی و هرون . .. یحیی ... إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

عمل خیر موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۰ – ۱۵

۱۵– انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذوالکفل ، یونس ، زکریا ، و یحیی (علیهم السلام) بود .

و لقد ءاتینا موسی و هرون . .. یحیی ... إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

عمل خیر مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۶۱ – ۳

۳ – انجام کار های خیر ، سیره همیشگی مؤمنان راستین است ، نه امری مقطعی و موقت .

أُولئک یسرعون فی الخیرت

از

به کارگیری فعل مضارع (یسارعون) که بیانگر استمرار است برداشت فوق استفاده می شود.

عمل خیر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۵

۱۵- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذوالکفل ، یونس ، زکریا ، و یحیی (علیهم السلام) بود .

و لقد ءاتینا موسی و هرون . .. یحیی ... إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

عمل خیر هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۵

۱۵- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذوالکفل ، یونس ، زکریا ، و یحیی (علیهم السلام) بود .

و لقد ءاتینا موسی و هرون . .. یحیی ... إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

عمل خیر همسر زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۲،۱۳

۱۲- زکریا (ع) و همسر و فرزند او (یحیی) شتابان به انجام کار های خیر می پرداختند و در آن پیش قدم و پیشگام بودند .

إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إنّهم کانوا یسارعون. ..>

به زکریا(ع) و همسر و فرزند او (یحیی) بازگردد.

۱۳- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر زکریا (ع) و همسر و فرزند او (یحیی) بود .

و زکرّیا . .. و وهبنا له یحیی و أصلحنا له زوجه إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

فعل مضارع <یسارعون> و فعل <کانوا> پیش از آن بیانگر استمرار و تداوم است و متعدی شدن فعل <یسارعون> به <فی> حکایت از جدّیت و علاقه به کار دارد.

عمل خیر یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۲،۱۳،۱۵

۱۲- زکریا (ع) و همسر و فرزند او (یحیی) شتابان به انجام کار های خیر می پرداختند و در آن پیش قدم و پیشگام بودند .

إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إنّهم کانوا یسارعون. ..> به زکریا(ع) و همسر و فرزند او (یحیی) بازگردد.

۱۳- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر زکریا (ع) و همسر و فرزند او (یحیی) بود .

و زکرّیا . .. و وهبنا له یحیی و أصلحنا له زوجه إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

فعل مضارع <یسارعون> و فعل <کانوا> پیش از آن بیانگر استمرار و تداوم است و متعدی شدن فعل <یسارعون> به <فی> حکایت از جدّیت و علاقه به کار دارد.

۱۵- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ،

اسماعیل ، ادریس ، ذوالکفل ، یونس ، زکریا ، و یحیی (علیهم السلام) بود .

و لقد ءاتینا موسی و هرون . .. یحیی ... إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

عمل خیر یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۳ – ۱۱،۱۲

۱۱– ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، مأمور به انجام کار نیک ، برپاداشتن نماز و پرداخت زکات

و أوحینا إلیهم فعل الخیرت و إقام الصلوه و إیتاء الزکوه

۱۲– خداوند ، به ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) کار های نیک را شناساند و چگونگی انجام آنها را از طریق وحی به آنان آموخت .

و أوحینا إلیهم فعل الخیرت

برداشت یاد شده مبتنی براین است که نصب <فعل الخیرات> به خاطر مفعول بودن آن برای <أوحینا> باشد. براین اساس وحی و الهام فعل خیرات می تواند به این معنا باشد که خدا هر آن چه در میزان الهی و در واقع، کار خیر است به آنان شناساند و چگونگی انجام دادن آنها را از طریق وحی به آنان آموخت. و به سخن دیگر <أوحینا> متضمن معنای <علّمنا> است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۰ – ۱۵

۱۵– انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذوالکفل ، یونس ، زکریا ، و یحیی (علیهم السلام) بود .

و لقد ءاتینا موسی و هرون

. .. يحيى ... إنّهم كانوا يسرعون فى الخيرت

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۴۷ – ۴

۴ – ابراهيم ، اسحاق و يعقوب (عليهم السلام) ، از افراد خيّر و نيكوكار بودند .

و إنّهم . .. الأخيار

اخيار به دو معنا است: ۱ جمع <خيّر> با تشديد ياء به معناى نيكوكار است. ۲ جمع <خيْر> به سكون ياء در مقابل <شرّ> است. برداشت ياد شده مبتنى بر معناى نخست است.

عمل خير يونس(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۱ – انبياء – ۲۱ – ۹۰ – ۱۵

۱۵– انجام كار هاى خير ، مورد علاقه و سيره مستمر پيامبران الهى ، موسى ، هارون ، ابراهيم ، لوط ، اسحاق ، يعقوب ، نوح ، داوود ، سليمان ، ايوب ، اسماعيل ، ادريس ، ذوالكفل ، يونس ، زكريا ، و يحيى (عليهم السلام) بود .

و لقد ءاتينا موسى و هرون . .. يحيى ... إنّهم كانوا يسرعون فى الخيرت

عوامل خير

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲ – آل عمران – ۳ – ۲۷ – ۲

۲ نوسان در مدت شب و روز ، دربردارنده خير و مصالح انسان

بيدك الخير . .. تولج الّيل فى النهار

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۷ – توبه – ۹ – ۱۰۵ – ۱۳

۱۳ توجه به علم همه جانبه خداوند به نهان و آشكار ، و غيب و شهود ، بازدارنده آدمى از گناه و توبه شكنى و برانگيزنده وى

به خیر

و صلاح

و قل اعلموا فسیری اللّه عملکم . .. فینبئکم بما کنتم تعملون

بیان علم همه جانبه خداوند پس از تشویق و توصیه به توبه و عمل می تواند به منظور مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۶ - ۵

۵ خیر و سعادت امتها ، در ایمان و باور به معارف الهی و عمل به احکام دین است .

بقیّت الله خیر لکم

برخی از مفسران مراد از <بقیّت الله> را اطاعت از خدا و برخی مقصود از آن را احکام و معارف دانسته اند. برداشت فوق، براساس این نظریه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۴

۴ - احکام و مقررات الهی ، در راستای خیر و سعادت انسان

و من یعظّم حرمت اللّه فهو خیر له عند ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۶ - ۱۰،۱۱

۱۰ - انفاق ، موجب خیر و سعادت بشر

أنفقوا خیرًا لأنفسکم

برداشت یاد شده بر این اساس است که <خیراً> خبر برای فعل محذوف <یکن> باشد. در این صورت تقدیر کلام چنین می شود: <فأنفقوا إن تنفقوا یکن خیراً لأنفسکم>.

۱۱ - توصیه خداوند ، به انجام کارهایی که موجب خیر و سعادت بشر است .

خیرًا لأنفسکم

طبق نظر برخی از مفسران و ادیبان (مانند زمخشری و سیبویه)، نصب <خیراً> به خاطر <مفعولٌ به> بودن آن برای فعل محذوف (مانند <اتوا> و یا <افعلوا>) است; یعنی، <و اتوا خیراً لأنفسکم و افعلوا ما هو خیر لها و انفع>.

عوامل محرومیت از خیر

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۰ - ۱۳،۱۶،۱۸

۱۳ آدمی با اعمال، خویش خود را محروم از خیر و ثواب می سازد و به ورطه هلاکت و تباهی می اندازد.

أن تبسل نفس بما کسبت

<بسل> به معنی منع و حبس است و نتیجه آن هلاکت و تباهی است. در لسان العرب آمده است: <أبسلت فلانا إذا أسلمته للهلکه>.

۱۶ بازیچه قرار دادن دین موجب تباهی و محرومیت از خیر و ثواب می شود.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا . .. و ذکر به أن تبسل نفس

در آیه قبل سخن از بازیگری با دین بود و جمله <ذکر به . .. > در مقام هشدار و بیان نتیجه کار آنان است.

۱۸ کسانی که با اعمال ناروای خود، خویشتن را تباه و محروم از خیر نموده اند، هیچ دوست و یاور و شفیعی در بین مخلوقات نخواهند داشت.

أن تبسل نفس بما کسبت لیس لها من دون الله ولی و لا شفیع

فاقدان خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۳ - ۵،۶

۵ فاقدان خیر و استعداد کمال ، ناشایست برای شمول هدایت های ویژه خداوند و توفیق یافتن به پذیرش معارف دین

و لو علم اللّه فیهم خیرا لأسمعهم

۶ فاقدان خیر و استعداد کمال ، اگر چه مشمول هدایت های ویژه خداوند شوند ، از آن رویگردان و گریزانند .

و لو أسمعهم لتولوا و هم معرضون

ضمیر مفعولی در <أسمعهم> همان کسانی هستند که با جمله <و لو علم . .. .> توصیف شدند. بنابراین جمله <و لو

أسـمعهم ... > چنین معنا می شود: <و لو اسـمع الـذین لیس فیهم خیرا ... > یعنی اگر خداوند هدایت ویژه اش را شامل حال کسانی کند که در آنها خیری نیست ... .

فضایل پیشگامان در عمل خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۲ – ۷

۷ – پیشتازان در انجام کار های خیر ، از بهترین مردم و والاترین آنان در پیشگاه خداوند

و منهم سابق بالخیرت

از تقسـیم بنـدی سه گانه مردم در تمسّک به قرآن و دین داری (ضـعیف، قوی و. ..) و آمـدن گروه پیشـتاز در انجام خیرات به عنوان آخرین و قوی ترین گروه، برداشت یاد شده به دست می آید.

فقرا و خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۳۱ – ۱۶،۱۱،۱۰

۱۰ سران و اشراف قوم نوح ، محرومان و مستضعفان را ، ناتوان از رسیدن به خیر و نیکی می پنداشتند .

لاأقول للذین تزدری أعینکم لن یؤتیهم الله خیراً

جمله <لن یؤتیهم الله خیراً> بیـان انـدیشه سـران و اشـراف قوم نوح دربـاره محرومـان و تهی دسـتان جامعه است. این جمله با توجه به کلمه <لن> حکایت از آن دارد که: اشراف دستیابی محرومان را به خیر و نیکی ، نامحتمل می دانستند.

۱۱ محروم بودن انسان از مال و منال (مادیات) ، نشانه ناشایستگی او برای دستیابی به خیر های معنوی و الهی نیست .

لاأقول للذین تزدری أعینکم لن یؤتیهم الله خیراً

۱۶ ناشایست شمردن تهی دستان ، برای کسب خیر و مقام های معنوی ، گناه و پنداری است به دور از واقعیت

.

لا أقول للذين تزدری أعینكم . .. إنی إذًا لمن الظلمین

گرایش به خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۷ – ۲۹

۲۹ وجود زمینه های گرایش به خیر و شر در انسان از آغاز آفرینش

قال لاقتلنك . .. انما یتقبل اللّه من المتقین

با توجه به اینكه هابیل و قابیل هر دو فرزندان آدم بودند، لكن راههای متضادی را برگزیدند، معلوم می شود گرایشهای درونی انسانها متفاوت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۴۳ – ۹

۹ انسان دارای گرایش فطری به سوی نیكیها و زیباییهاست.

و زین لهم الشیطن ما كانوا یعملون

حركت انسان به دنبال شیطان، پس از زینت و زیبا جلوه دادن اعمال، بیانگر این نكته است كه آدمی زیباییها را می طلبد و خواهان حركت به دنبال آن است. از این روست كه شیطان همان زشتیها را زیبا جلوه می دهد و آدمی را می فریبد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۱ – ۱،۲

۱– انسان ، شرّ و بدی را چونان خیر و خوبی ، طالب و خواستار است .

و یدع الإنسن بالشرّ دعاءه بالخیر

مراد از <دعا> مطلق درخواست است اعم از اینكه به لفظ دعا باشد و یا به غیر آن.

۲– خیرطلبی در انسان ، اصیل و در پی شرّ بودنش ، تبعی و غیر اصیل است .

و یدع الإنسن بالشرّ دعاءه بالخیر

برداشت فوق از تشبیه شرخواهی انسان به طالب خیر بودنش استفاده گردیده است; یعنی، همان طور که انسان همواره و به طور طبیعی

و اصیل طالب خیر است، به دنبال شر هم خواهد رفت.

مانعان خیر در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۵ - ۱

۱ سدکنندگان راه ارزش ها و تجاوزگران و شکّاکان در حق ، محکوم به آتش دوزخ

ألقیا فی جهنّم کلّ . .. منّاع للخیر معتد مریب

محرومان از خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۷ - ۲۴

۲۴ از حضرت علی (ع) روایت شده که درباره سخن خدا : < نسوا اللّه فنسیهم > فرمود : فانما یعنی انهم نسوا اللّه فی دار الدنیا فلم یعملوا له بالطاعه و لم یؤمنوا به و برسوله فنسیهم فی الآخره ای لم یجعل لهم فی ثوابه نصیباً فصاروا منسیین من الخیر ;

علی (ع) درباره سخن خدا که می فرماید: <آنان خدا را فراموش کردند، پس خدا آنان را فراموش کرد> فرمود: همانا مقصود خدا این است که آنان خدا را در دنیا فراموش نمودند و از او اطاعت نکردند و به او و رسولش ایمان نیاوردند، خدا نیز در قیامت آنان را فراموش کرد ; یعنی، برای آنان بهره ای از ثواب خود قرار نداد، پس آنان از خیر فراموش شدند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۱۳

۱۳ محرومیت منافقان ، از خیر و فلاح واقعی

رضوا بأن یکونوا . .. لکن الرسول ... جهدوا ... و أولئک لهم الخیرت و أولئک هم المف

مراد از خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

انبیاء - ۲۱ - ۳۵ - ۱۰

۱۰- < روی عن أبی عبدالله (ع) : إنّ أمیرالمؤمنین (ع) مرض فعاداه إخوانه فقالوا : کیف تجدک یا أمیرالمؤمنین (ع) ؟ قال : بشرٍّ قالوا : ما هذا کلام مثلک قال : إنّ الله تعالی یقول : < ونبلوکم بالشرّ والخیر فتنه > فالخیر الصحه والغنی و الشرّ المرض و الفقر ;

از امام صادق(ع) روایت شده: امیرالمؤمنین(ع) بیمار شد، برادران [دینی] وی از آن حضرت عیادت کردند و گفتند:[حال] خود را چگونه می یابی ای امیر مؤمنان؟ فرمود: به شرّ[مبتلی شده ام]، گفتند: این کلام افرادی مانند شما نیست؟ فرمود: خداوند تعالی می فرماید <و نبلوکم بالشرّ والخیر فتنه> سلامتی و بی نیازی خیر و بیماری و تنگدستی شرّ است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۳۶

۳۶ - < عن أبی عبدالله (ع) فی قوله الله عزّوجلّ < فکاتبوهم إن علمتم فیهم خیراً > قال الخیر أن یشهد أن لا إله إلاّ الله و أنّ محمداً رسول الله ، و یکون بیده عمل یکتسب به أو یکون له حرفه ;

از امام صادق(ع) درباره قول خدای عزّوجل <. ..إن علمتم فیهم خیراً> روایت شده است: خیر این است که به وحدانیت خدا و رسالت حضرت محمد(ص) شهادت دهد و در دست او کاری باشد که با آن کسب درآمد کند، یا حرفه ای داشته باشد>.

مسابقه در عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۱ - ۵

۵ - رقابت در

کار های پسندیده ، امری است شایسته و مورد سفارش خداوند .

سابقوا إلی مغفره من ربّکم

مسلمانان و عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۲ - ۵

۵ - مسلمانان در انجام کار های خیر ، به سه دسته ستمکار ، میانه رو و پیشتاز تقسیم می شوند .

فمنهم ظالم لنفسه و منهم مقتصد و منهم سابق بالخیرت

این برداشت، براساس دیدگاه برخی از مفسران است که اظهار داشته اند: قید <بالخیرات> در <سابق بالخیرات> قرینه بر این که ظلم به نفس و یا میانه روی، در مقایسه با <خیرات> سنجیده شده است. و به قرینه آمدن این قید در <سابق بالخیرات>، از جمله های <ظالم لنفسه> و <منهم مقتصد> حذف شده است.

ملاک استحقاق خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۷ - ۶

۶ خیرات و نعمت های خداوند بر پایه تفضل اوست نه بر اساس لیاقت و استحقاق انسان .

و إن یردک بخیر فلا راد لفضله

ممانعت از خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۸ - ۳

۳ - گروهی از شیاطین جنی ، درصدد فسادانگیزی و اخلال گری در کار خیراند .

و ءاخرین مقرّنین فی الأصفاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۱ - ۱

۱ - انسان ، به هنگام دستیابی به خیر و خوبی ، از بهره مند شدن دیگران از آن به شدت منع می کند .

و إذا مسّه الخیر منوعًا

ممنوعیت اطاعت از مانعان خیر

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۱۲ – ۳

۳ – اطاعت و اجابت خواسته های کسانی که بخیل و مانع خیراند ، ممنوع و حرام است .

و لاتطع کلّ . .. منّاع للخیر

منابع خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۲۹ – ۳

۳ – قرآن ، منبع خیر و برکت و موجب رشد و تعالی بشر

کتب أنزلنه إلیک مبرک

<برکه> به معنای رشد و فزونی است و <مبارک> به چیزی گفته می شود که در آن رشد و فزونی باشد (مفردات راغب). مقصود از مبارک بودن قرآن این است که این کتاب، منبع خیر و برکت و مایه رشد و تعالی برای کسانی است که در آن تدبر کنند و درس بیاموزند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۱۲ – ۳

۳ – آسمان و زمین ، گنجینه های خیرات و روزی موجودات

له مقالید السموت و الأرض یبسط الرزق

از کلمه <مقالید> (کلیدها) و نیز جمله <یبسط الرزق>، مطلب یاد شده استفاده می شود.

منشأ خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰۵ – ۳،۴

۳ – خداوند ، سرچشمه خیر ها و برکت ها برای انسانهاست .

أن ينزل عليكم من خير من ربكم

۴ - نزول خير ها و بركت ها از ناحيه خدا ، پرتوى از ربوبيت او بر انسانهاست .

أن ينزل عليكم من خير من ربكم

برداشت فوق، با توجه به اسم <رب> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ -

بقره - ۲ - ۲۱۶ - ۸

۸ خداوند ، خواهان خیر و سعادت انسان است .

کتب علیکم . .. و اللّه یعلم ... عسی ان تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۶ - ۳،۱۲،۱۴،۱۵،۱۷

۳ لزوم اقرار به مالکیّت و قدرت مطلقه خدا ، و اینکه همه نیکی ها به دست اوست .

قل اللّهم مالک الملک تؤتی الملک من تشاء . .. بیدک الخیر

۱۲ اصل ، در مشیّت الهی ، اعطای خیر و رحمت به انسان است .

تؤتی الملک من تشاء . .. و تعزّ من تشاء

از تقدیم اعطای ملک بر گرفتن آن <تؤتی الملک . .. و تنزع ... >، و از تقدیم اعطای عزّت بر ذلّت <تعزّ من تشاء و تذلّ ... >، مطلب فوق استفاده شده است.

۱۴ منشأ هر گونه خیر در هستی ، تنها خداوند است .

بیدک الخیر

انحصار در برداشت فوق (تنها . ..)، مستفاد از تقدیم خبر بر مبتدا است و عموم (هر گونه ...)، مستفاد از الف و لام استغراق در <الخیر>.

۱۵ اراده و مشیّت الهی ، جز به خیر تعلق نمی گیرد . *

بیدک الخیر

۱۷ قدرت مطلق خداوند ، مقتضی نشأت یافتن هر خیری از جانب اوست .

بیدک الخیر انّک علی کلّ شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۹ - ۱۵

۱۵ خداوند در بعضی از امور ناخوشایند انسان ، خیر بسیار قرار داده است .

فعسی ان تکرهوا شیئاً و یجعل اللّه فیه خیراً کثیراً

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۸ – ۶،۸،۱۰

۶ خیر ها را از جانب خدا دانستن و شر ها را از ناحیه پیامبر (ص) پنداشتن ، اندیشه برخی از مسلمانان عصر پیامبر (ص)

و ان تصبهم حسنه یقولوا هذه من عنداللّه و ان تصبهم سیّئه یقولوا هذه من عندک

ظاهراً مراد از ضمیر در <تصبهم> مسلمانان ضعیف الایمان هستند. آنها می پنداشتند مشکلاتی که پس از مسلمان شدنشان به آنها روی آورده، از ناحیه پیامبر (ص) بوده است.

۸ خداوند ، سرچشمه و منشأ همه امور (خوبی ها و بدی ها)

قل کلّ من عند اللّه

۱۰ نسبت دادن خوبی ها به خدا و بدی ها به پیامبر (ص) (ثنویت) ، نشانه دوری کامل از درک دقیق معارف الهی

فمال هؤلاء القوم لا یکادون یفقهون حدیثا

مراد از <حدیثا> به مناسبت مورد، معارف الهی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۹ – ۱،۷

۱ هر نیکی به انسان رسد ، از خدا است و هر بدی به او رسد ، از خود او .

ما اصابک من حسنه فمن اللّه و ما اصابک من سیّئه فمن نفسک

اگر چه مخاطب این آیه پیامبر (ص) است، ولی مقصود از آن همه افراد هستند. چون بین پیامبر (ص) و دیگران از نظر احکام واقعی و حقیقی هیچ تفاوتی نیست.

۷ پیامبر (ص) رسولی در جهت خیر و سعادت مردم ، نه منشأ شرور

و ان تصبهم سیّئه یقولوا هذه من عندک . .. و ارسلناک للنّاس

رسولا

جمله <و ارسلناك للناس> (تو پیامبری سودمند بری مردم هستی)، در رد پندار کسانی است که وی را منشأ شرور معرفی می کردند: <یقولوا هذه من عندك>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۷ - ۲،۳،۴،۵،۶،۸،۱۲

۲ هیچ موجودی توان جلوگیری از خیری را که خداوند به پیامبر(ص) برساند، ندارد.

و إن یمسسك اللّه بخیر

۳ هیچ موجودی توان دفع آسیب و یا خیری را که از ناحیه خدا باشد، ندارد.

و إن یمسسك اللّه بضر فلا كاشف له إلا هو و إن یمسسک بخیر

۴ خداوند، قادر بر رساندن هر گونه خیر و ضرر به آدمی

و إن یمسسك اللّه بضر . .. و إن یمسسک بخیر فهو علی كل شیء قدیر

۵ تنها خدای قادر بر رساندن هر گونه ضرر و یا منفعت به آدمی، شایسته پرستش و ولایت می باشد.

أغیر اللّه أتخذ ولیا . .. و إن یمسسك اللّه بضر ... فهو علی كل شیء قدیر

۶ اقتدار بر رساندن هر گونه خیر و شر، از شؤون ولایت الهی است.

أغیر اللّه أتخذ ولیا . .. و إن یمسسك اللّه بضر ... فهو علی كل شیء قدیر

۸ تعدد منشأ برای خیر و شر، پنداری باطل و موهوم است.

و إن یمسسك اللّه بضر فلا كاشف له إلا هو و إن یمسسک بخیر فهو علی كل شیء قدیر

۱۲ برای رفع کاستیها و جلب خیر، تنها باید به خدا متکی و امیدوار بود.

و إن یمسسك اللّه بضر فلا كاشف له إلا هو و إن یمسسک بخیر فهو علی كل شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۸ – ۲،۵

۲ قدرت بدون رقیب خداوند در رساندن خیر و شر به آدمی، نشانه اقتدار و غلبه او بر تمامی بندگان

و إن یمسسک اللّه بضر . .. و هو القاهر فوق عباده

۵ نفع و ضرر رساندن خداوند به آدمیان بر اساس حکمت و آگاهی

و إن یمسسک اللّه بضر فلا کاشف له إلا هو . .. هو الحکیم الخبیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۵۴ – ۱۳،۱۴

۱۳ خداوند ، سرچشمه افاضه خیر ها و برکت ها به تمام جهانیان

تبارک اللّه رب العلمین

۱۴ افاضه خیر ها و برکت ها بر جهانیان ، برخاسته از ربوبیت خداوند است .

تبارک اللّه رب العلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۳۱ – ۱۳

۱۳ خداوند ، اعطاکننده خیر و نیکی به انسان ها و رساننده آنان به مقام های معنوی است .

لا أقول . .. لن یؤتیهم الله خیراً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۷۶ – ۶

۶– همه خیرات و ارزش های موجودات عالم ، از آنِ خداوند است .

أینما یوجّهه لایأت بخیر

بی تردید همه موجودات از نوعی خیر و ارزش رسانی برخوردارند. بنابراین نفی خیررسانی از موجودات، دلیل بر این است که منشأ همه خیرات خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۹

۹- خداوند ، تنها خیر و نعمت به انسان ها عطا می کند .

إذا أنعمنا على الإنسن . .. و

إذا مسّه الشرّ

از اینکه در آیه خداوند منشأ نعمتها معرفی شده اما شرور به او نسبت داده نشده است نکته فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۱ - ۴

۴- اعطای خیر و برکت به موجودات ، در اختیار خداوند و به خواست او است .

و جعلنی مبارکًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۱۰

۱۰ - خداوند خیر محض و پاینده ترین موجود است .

واللّه خیر و أبقی

<خیر> در دو معنا به کار می رود: ۱ معنای وصفی (خیر مقابل شر) ۲ معنای تفضیلی در این آیه گر چه هر دو معنا قابل توجیه است، ولی در برداشت یاد شده معنای وصفی مورد نظر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۰ - ۱،۶

۱- قرآن ، منشأ برکات و خیرات فراوان و منافع بسیار و دائمی برای بشر

و هذا ذکر مبارک أنزلنه

مشارالیه <هذا> قرآن است که در اذهان حضور دارد و <البرکه> به معنای خیر بسیار و ثابت و سود فراوان است. توصیف قرآن به <مبارک> گویای این معنا است که قرآن منشأ خیرات و منافع بسیار برای بشر است.

۶- قرآن ، به عنوان کتاب بیدارگر و منشأ خیر و برکت ، قابل انکار و تردید نیست .

هذا ذکر مبارک أنزلنه أفأنتم له منکرون

خداوند، قرآن را به عنوان کتاب بیدارگر (ذکر) و مایه خیر و برکت (مبارک) معرفی کرده و سپس انکار این حقیقت از سوی

مشرکان را مورد سرزنش قرار داده است. این سرزنش می

تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۸۰ – ۱۲

۱۲– پیامبران ، واسطه خیر رساندن به مردم از ناحیه خدا

داود . .. و علّمنه صنعه لبوس لکم لتحصنکم من بأسکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۱ – ۱

۱ – خداوند ، منشأ خیرات و برکات است .

تبارک الذی

<تبارُک> (مصدر <تبارَک>) هم می تواند از <بَرَک> (لزم و ثبت) باشد وهم از <برکه> (خیر بسیار) (برگرفته از لسان العرب). برداشت یاد شده براساس احتمال دوم است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۲ – ۲

۲ فرمان روایی خداوند بر جهان هستی ، نشانگر منشأ خیرات بودن او برای جهانیان است .

تبارک الذی نزّل الفرقان علی عبده . .. الذی له ملک السموت و الأرض

برداشت یاد شده بر این مبنا استوار است که جمله <الذی له. ..> بدل برای جمله <الذی نزّل...> باشد. بر این اساس، ارتباط میان مبارک بودن خداوند و پادشاهی او، حقیقت یاد شده را، می رساند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۱۰ – ۱

۱ خداوند ، منشأ خیرات و برکات است .

تبارک الذی

<تبارُك> (مصدر <تبارَك>) می تواند از <بَرَك> (لزوم و ثبت) باشد. و یا از <برکه> (خیر بسیار) باشد (برگرفته از لسان العرب). برداشت فوق، براساس احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۱ - ۱

۱ خداوند ، منشأ خیرات

و برکات

تبارک الذی

<تبارُک> (مصدر <تبارَک>) می تواند از <بَرَک> (لَزَم و ثَبَت) و یا از <برکه> (خیر بسیار) باشد. برداشت فوق، بر پایه احتمال دوم است (برگرفته از لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸ - ۵

۵ - خدای تعالی ، منبع خیرات و برکات

أن بورک من فی النّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۵ - ۵

۵ - خدا ، سرچشمه همه خوبی ها و زیبایی ها است .

و قالا الحمد للّه

ستایش، همواره در برابر کمال ها و زیبایی ها واقع می شود و به مقتضای <الحمد للّه> که هر ستایشی را مخصوص خدا قرار داده، استفاده می شود که هر خوبی و حسن از آن او و او سرچشمه همه آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۴ - ۱۴،۱۵

۱۴ - خداوند ، منشأ خیرات و برکات برای جهانیان

فتبارک اللّه ربّ العلمین

<تبارُک> (مصدر <تبارَک>) چنانچه از برکت گرفته شده باشد، به معنای افاضه برکت ها و خیرها و اگر از بَرَکَ (لَزَمَ و ثَبَتَ) گرفته شده باشد، به معنای جاودانگی و همیشگی خواهد بود (برگرفته از لسان العرب).

۱۵ - افاضه خیر ها و برکت ها بر جهانیان ، برخاسته از ربوبیت خداوند است .

فتبارك اللّه ربّ العلمين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۷ – حجرات – ۴۹ – ۵ – ۶

۶ – رعايت حرمت پيامبر (ص) ، داراى خير و منفعت براى خود مؤمنان

و لو أنّهم صبروا . .. لكان خيرًا

لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۸ - ۳،۵

۳ - خداوند ، سرچشمه همه خیر ها و برکت ها

تبرک اسم ربّک

<تبارک>، چنانچه از <بَرَکَ> (لزم و ثبت) گرفته شده باشد دربردارنده معنای جاودانگی است و اگر از <برکه> گرفته شده باشد، متضمن افاضه خیرها و برکت ها است.

۵ - افاضه خیر ها و برکت ها ، برخاسته از ربوبیت خداوند

تبرک اسم ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱ - ۲،۴،۷

۲ - خداوند ، منشأ خیرات و برکات است .

تبرک

۴ - افاضه خیر ها و برکت ها از سوی خداوند ، برخاسته از فرمانروایی انحصاری او بر جهان است .

تبرک الذی بیده الملک

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <الذی بیده الملک> می تواند در مقام توضیح و تبیین <تبارک> باشد.

۷ - افاضه خیر ها و برکت ها از سوی خداوند ، برخاسته از قدرت مطلق و بی پایان او است .

تبرک الذی . .. هو علی کلّ شیء قدیر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که جمله <و هو علی کلّ شیء قدیر> می تواند در مقام توضیح و تبیین <تبارک> قرار داشته باشد.

منشأ خیر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۴ - ۴

۴ - خیر دنیا و آخرت ، به دست خداوند است .

ربّک . .. و للأخره خیر لک من الأُولی

منشأ خیر بودن محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ -

۱ - خداوند ، پیامبر (ص) را از خوبی های فراوان برخوردار ساخت .

إنّا أعطینک الکوثر

بر حروف اصلی <کوثر> (کاف، ثاء و راء)، حرف <واو> اضافه شد تا بر افزون بودن وصف کثرت دلالت کند؛ این کلمه نام نهری در بهشت نیز می باشد (مقاییس اللغه). به مردی که سرور و دارای خیر فراوان باشد <کوثر> گفته می شود (صحاح) و در معنای آن، عدد فراوان نیز گفته شده است. (مصباح)

منشأ خیر دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۴ - ۴

۴ - خیر دنیا و آخرت ، به دست خداوند است .

ربّک . .. و للأخره خیر لک من الأُولی

موارد خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۰ - ۳

۳ - ثروت و دارایی خیر است .

إن ترک خیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۴ - ۱۵،۱۷،۱۹،۲۱

۱۵ - تکالیف دینی اگر از سر میل و رغبت انجام گیرد ، در پی دارنده ثمراتی نیکوست .

فمن تطوع خیراً فهو خیر له

<تطوع> از طاعت (پیروی کردن) گرفته شده است و چون متعدی استعمال شده، متضمن معنای <أتی> (انجام داد) نیز می

باشد. بنابراین <فمن تطوع خیراً ...>; یعنی، هر کس کار نیکی را از روی طاعت به جا آورد.

۱۷ – پرداخت فدیه به جای روزه – در صورت مشقت بار بودن روزه – از اعمال خیر است .

و علی الذین یطیقونه فدیه . .. فمن تطوع خیراً

۱۹ – روزه از اعمال خیر و در بردارنده

منافعی برای روزه داران است .

و أن تصوموا خیر لکم

۲۱ – تنها افراد دانا ، به نیکویی و منفعت بخشی روزه آگاهند .

و أن تصوموا خیر لکم إن کنتم تعلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۱۵ – ۴،۱۴

۴ دارایی های انسان ، خیر است .

قل ما انفقتم من خیر

<من خیر>، بیان <ما> در <ما انفقتم> است.

۱۴ انفاق ، عملی پسندیده و خیر است .

ما انفقتم من خیر . .. و ما تفعلوا من خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۲۰ – ۶،۹

۶ اصلاح امور ایتام ، خیر است .

اصلاح لهم خیر

۹ معاشرت و اصلاح امور ایتام ، بهتر از پرهیز از معاشرت با آنان است .

و یسئلونک عن الیتامی قل اصلاح لهم خیر و ان تخالطوهم فاخوانکم

بنابراینکه <خیر>، افعل التفضیل باشد. گویا مسلمانان به خاطر آیات شدیداللّحنی که درباره چگونگی رفتار با ایتام و اموال آنان نازل شده بود از معاشرت با آنان پرهیز داشتند که آیه مزبور، پرهیز را رد کرده و معاشرت برادرانه و دخالت اصلاح طلبانه در امور آنان را تجویز کرده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۲۳

۲۳ رعایت حقوق زنان ، یتیمان ، مستضعفان و اقامه قسط ، از مصادیق بارز خیرات و نیکیها

و ما تفعلوا من خیر فإنّ اللّه کان به علیماً

<من خیر> می تواند اشاره به تکالیفی باشد که در آیه آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال

- ۸ - ۱۹ - ۴

۴ خیر و صلاح انسان ها در پرهیز از ستیزه جویی با خدا و رسول او

و إن تنتهوا فهو خیر لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳ - ۹

۹ اسلام ، مایه خیر و سعادت انسانهاست .

فإن تبتم فهو خیر لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۹ - ۴

۴ خیر و رستگاری واقعی ، دستیابی به بهشت و زندگی جاودان بهشتی است .

أولئک لهم الخیرت و أولئک هم المفلحون. أعد اللّه لهم جنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۳۷

۳۷ - شب زنده داری ، تلاوت قرآن ، اقامه نماز ، پرداخت زکات و انفاق ، از مظاهر نیکوکاری و مصداق های بارز کار های خیر

تقوم أدنی من ثلثی الّیل . .. فاقرءوا ما تیسّر من القرءان ... و ما تقدّموا لأنفسک

موانع خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۹ - ۶

۶ شراب و قمار ، موجب کُندی و بازماندن انسان از ثواب و خیر

قل فیهما اثم کبیر

<الاثم>: اسم للافعال المُبطئه عن الثواب (مفردات راغب.)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۳ - ۴

۴ رفتار و کردار بازدارنده از خیر و ثواب، از محرمات الهی است.

إنما حرم ربی . .. الإثم

کلمه <الإثم> به معنای افعالی است که مایه تأخیر در رسیدن به ثواب می شود. (مفردات راغب).

موجبات خیر

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱ - ۵

۵ قرآن ، مایه خیر و برکت بسیار برای انسان های مؤمن

تبارک الذی نزّل الفرقان

برداشت فوق به خاطر این نکته است که قرآن، برای انسان ها نازل شده است. پس برکات و خیرات این کتاب مبارک هم به انسان ها باز خواهد گشت.

موفقیت در عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۲۶

۲۶ موفقیت آدمی در انجام کار های نیک ، در گرو امداد و یاری خداوند است .

و ما توفیقی إلاّ بالله

نزول خیر بر مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۵ - ۲۸

۲ - کفرپیشگان (یهود ، نصارا و مشرکان) ناخشنود از نزول کمترین خیر ، بر مسلمانان

ما یودّ الذین کفروا . .. أن ینزل علیکم من خیر

نکره آوردن <خیر> به همراه <من> زایده در آیه، حکایت از آن دارد که: مشرکان کمترین خیری را برای مسلمانان نمی پسندیدند.

۸ - ناخشنودی کفرپیشگان از نایل شدن مؤمنان به خیر و برکت ، بازدارنده رحمت الهی بر اهل ایمان نخواهد شد .

ما یودّ الذین کفروا . .. أن ینزل علیکم من خیر و اللّه یختص برحمته من یشاء

نشانه های خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۱ – ۹

۹ آفرینش ستارگان ، خورشید و ماه تابان ، جلوه ای از برکات و خیرات خداوند .

تبارك الذی جعل فی السماء بروجًا . .. و قمرًا منیرًا

نیت

در عمل خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۴ – ۸

۸ – خوبی هرکار ، علاوه بر صدور آن به نیت خیر ، در گرو هماهنگی آن با سایر خواسته ها و دستورات خداوند است .

و ما أعجلك . .. و عجلت إليك ربّ لترضى

با وجود آن که موسی(ع) در تعجیل خود، نیت خیر داشته است; ولی بازخواست شدن او دال براین مطلب است که صرف داشتن نیت خیر، برای برتری یافتن عمل کافی نیست; بلکه باید با ادله دیگر آن عمل را سنجید. اگر در تعارض نبود، آن گاه بدان اقدام کرد.

نیت عمل خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۰۵ – ۸

۸ – نیت عملِ خیر و فراهم ساختن زمینه های انجام آن ، برابر است با انجام کامل آن در بینش الهی

قد صدّقت الرءيا إنّا كذلك نجزى المحسنين

برداشت یاد شده از آن جا است که ابراهیم(ع) به قصد قربانی کردن فرزندش اسماعیل، تمامی مقدمات آن را تا خواباندن وی بر زمین و به دست گرفتن کارد انجام داد و خداوند همین مقدار از تلاش آن حضرت را، انجام کامل ذبح تلقی فرمود و از ایشان قبول کرد.

واسطه خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۸۰ – ۱۲

۱۲– پیامبران ، واسطه خیر رساندن به مردم از ناحیه خدا

داود . .. و علّمنه صنعه لبوس لكم لتحصنكم من بأسكم

وعده پاداش عمل خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – زلزله – ۹۹ –

۶ - ترغیب به کار خیر و وعده پاداش به آن ، مقدّم بر تهدید در امر تربیت

فمن یعمل مثقال ذرّه خیرًا یره . و من یعمل مثقال ذرّه شرًّا یره

هماهنگی ممانعت از خیر با حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۵ - ۲

۲ کفر ، حق ستیزی ، سد کردن راه خیر و خوبی ، تجاوز و شکّ آفرینی ، حلقه هایی به هم پیوسته

فی جهنّم کلّ کفّار عنید . منّاع للخیر معتد مریب

هماهنگی ممانعت از خیر با شبهه افکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۵ - ۲

۲ کفر ، حق ستیزی ، سد کردن راه خیر و خوبی ، تجاوز و شکّ آفرینی ، حلقه هایی به هم پیوسته

فی جهنّم کلّ کفّار عنید . منّاع للخیر معتد مریب

هماهنگی ممانعت از خیر با کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۵ - ۲

۲ کفر ، حق ستیزی ، سد کردن راه خیر و خوبی ، تجاوز و شکّ آفرینی ، حلقه هایی به هم پیوسته

فی جهنّم کلّ کفّار عنید . منّاع للخیر معتد مریب

خیر و شر

{خیر و شر}

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۱۶ – ۲،۳،۴،۵،۶،۱۲،۱۵

۲ جنگ و خونریزی ، امری ناخوشایند برای انسان

کتب علیکم القتال و هو کُره لکم

۳ وجود اموری ناخوشایند که نهایتاً برای انسان خیر است .

عسی ان تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم

۴ وجود

اموری خوشایند ، که نهایتاً برای انسان شرّ است .

و عسی ان تحبّوا شیئاً و هو شر لکم

۵ جنگ و جهاد ، امری خیر برای مؤمنان ، علی رغم ظاهر ناخوشایند آن

کتب علیکم القتال و هو کره لکم و عسی ان تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم

۶ خوشایندی و ناخوشایندی انسان ، ملاک خیر و شر نیست .

و عسی ان تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم

۱۲ آگاهی خداوند به مصالح و مفاسد احکام و خیر و شر امور

و اللّه یعلم و انتم لا تعلمون

۱۵ محدودیّت آگاهی انسان ، نسبت به کلیّه مصالح و مفاسد احکام و خیر و شر امور

و انتم لا تعلمون

خیرخواهان

خیرخواهان برای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۱۱

۱۱ خیرخواهان برای خدا و رسول ، از محسنانند .

إذا نصحوا للّه و رسوله ما علی المحسنین من سبیل

خیرخواهان قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۷ - ۱۱

۱۱ - قوم خیرخواه قارون ، خواهان بسنده کردن وی به سهم خویش و صرف کردن مازاد آن در راه خدا

و لاتنس نصيبك من الدنيا

خيرخواهان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۱۱

۱۱ خيرخواهان براى خدا و رسول ، از محسنانند .

إذا نصحوا للّه و رسوله ما على المحسنين من سبيل

خيرخواهان موسى(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۰ - ۷

۷ - مرد ناشناس ، از جمله خيرخواهان موسى (

ع) بود .

إنّی لک من النصحین

قبول مواعظ خیرخواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۹ - ۹

۹ ضرورت محبت به خیرخواهان جامعه و پذیرش پند ها و نصایح آنان

و لکن لاتحبون النصحین

قوم ثمود و خیرخواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۹ - ۷

۷ اشراف کفرپیشه قوم ثمود ، بیزار از خیرخواهان و نصیحت گران

نصحت لکم و لکن لاتحبون النصحین

محبت به خیرخواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۹ - ۹

۹ ضرورت محبت به خیرخواهان جامعه و پذیرش پند ها و نصایح آنان

و لکن لاتحبون النصحین

خیرخواهی

{خیرخواهی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۶ - ۱۷

۱۷ تحریک احساسات خیرخواهانه ، از روش های قرآن ، جهت ایجاد انگیزه برای انجام وظایف

متّعوهنّ . .. حقّاً علی المحسنین

معمولا جمله هایی نظیر <نیکوکاران چنین و چنان می کنند> که حکم، مستند به نیکوکاران و امثال آنان شده، برای تحریک حِسّ خیرخواهی و نیکوکاری است که خداوند، از این روش استفاده کرده است.

آثار اعراض از خیرخواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۹ - ۸

۸ جوامع بی اعتنا به پیام های الهی و بیزار از خیرخواهی نصیحت گران ، در خطر هلاکت و نابودی

فأخذتهم الرجفه . .. نصحت لکم و لکن لاتحبون النصحین

آثار خیرخواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹

- ۹۱ - ۱۲،۱۳،۱۴

۱۲ اشخاص معذور و معاف شده از جهاد ، در صورت داشتن حسن نیت و خیرخواه بودن ، از محسنان به حساب می آیند .

لیس علی الضعفاء . .. إذا نصحوا للّه و رسوله ما علی المحسنین من سبیل

۱۳ اشخاص معذور از جهاد ، در صورت خیرخواهی برای دین و رهبر جامعه اسلامی ، مصون از عذاب و کیفر تخلف از جنگ

الذین کفروا منهم عذاب ألیم . .. ما علی المحسنین من سبیل

۱۴ معاف شدگان از جهاد ، در صورت داشتن حسن نیت و خیرخواه بودن ، باید از هر گونه تعرض در جامعه مصون باشند .

لیس علی الضعفاء . .. إذا نصحوا للّه و رسوله ما علی المحسنین من سبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۰ - ۱۴

۱۴ - حاکمیت رحمت الهی بر جامعه ، منوط به خیر خواهی آحاد مردم نسبت به یکدیگر *

إنّما المؤمنون إخوه فأصلحوا بین أخویکم و اتّقوا اللّه لعلّکم ترحمون

خطاب <لعلّکم ترحمون> عام است و به حاکمیت رحمت الهی بر عموم جامعه نظر دارد و صدر آیه، حرکت اصلاح آفرین افراد جامعه را شرط این رحمت فراگیر قلمداد کرده است.

آثار خیرخواهی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۸ - ۱۶

۱۶ - اقدامات خردمندانه و حرکت های خیرخواهانه اجتماعی اهل ایمان ، مکمل عبادت های فردی آنان است .

و أقاموا الصلوه و أمرهم شوری بینهم و ممّا رزقنهم ینفقون

ارزش خیرخواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ۶۲

۹ خیرخواهی برای مردم ، از ارزش های متعالی در ادیان الهی

و أنصح لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۸ - ۱۱

۱۱ خیرخواهی و امین بودن ، از ارزش های متعالی در ادیان الهی

و أنا لکم ناصح أمین

اشتهار به خیرخواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۸ - ۸

۸ هود در میان قومش به درستکاری و خیرخواهی شهرت داشت .

أبلغکم . .. و أنا لکم ناصح أمین

آوردن <ناصح> و <أمین> به صورت وصف، در مقابل بیان تبلیغ رسالت به صورت فعل <أبلغکم>، می تواند اشاره به این نکته داشته باشد که خیرخواهی و درستکاری هود(ع) مخصوص زمان رسالت وی نبوده بلکه پیش از آن نیز بدان شهرت داشته است.

اشراف قوم ثمود و خیرخواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۴ - ۱

۱ - مبارزه اشراف جامعه پس از نوح با پیامبرشان ، در چهره خیر اندیشی و مصلحت طلبی برای مردم

و لئن أطعتم بشرًا . .. لخسرون

اشراف قوم عاد و خیرخواهی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۳۴ – ۱

۱ – مبارزه اشراف جامعه پس از نوح با پیامبرشان ، در چهره خیر اندیشی و مصلحت طلبی برای مردم

و لئن أطعتم بشرًا . .. لخسرون

اصالت خیرخواهی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۱ – ۲

۲– خیرطلبی در انسان ، اصیل و در پی شرّ بودنش

، تبعی و غیر اصیل است .

و یدع الإنسن بالشرّ دعاءه بالخیر

برداشت فوق از تشبیه شرخواهی انسان به طالب خیر بودنش استفاده گردیده است; یعنی، همان طور که انسان همواره و به طور طبیعی و اصیل طالب خیر است، به دنبال شر هم خواهد رفت.

اظهار خیرخواهی برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱ - ۸

۸ فرزندان یعقوب در حضور او ، بر خیرخواهی خویش نسبت به یوسف (ع) تأکید کردند .

ما لک لاتأمنّا علی یوسف و إنا له لنصحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۲ - ۴

۴ برادران یوسف با اظهار علاقه به رفع نیاز های طبیعی یوسف (ع) (حضور در مرتع و گردش و بازی) درصدد اثبات خیرخواهی خویش نسبت به او بودند .

و إنا له لنصحون. أرسله معنا غدًا یرتع و یلعب

<رتع> (مصدر یرتع) استفاده فراوان از خوراکیها و نوشیدنیهای باغستانها ، مزارع و مراتع است.

اظهار خیرخواهی شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۸ - ۵

۵ - تأکید شعیب (ع) بر خیرخواهی خود ، مبنی بر تضمین منافع مردم < ایکه > در پرتو رسالت وی

إنّی لکم رسول أمین

برداشت یاد شده با توجه به قید <لکم> (با لام انتفاع) استفاده می شود.

اظهار خیرخواهی صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۳ - ۵

۵ - تصریح صالح (ع) بر خیرخواهی خود و تضمین منافع ثمودیان

در پرتو رسالت خويش

إنّی لکم رسول أمين

برداشت ياد شده، با توجه به قيد <لکم> (همراه با لام انتفاع) استفاده می شود.

اظهار خيرخواهی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۲ - ۵

۵ - تصريح لوط (ع) بر خيرخواهی خود و تضمين منافع ثموديان در پرتو رسالت وی

إنّی لکم رسول أمين

برداشت ياد شده با توجه به قيد <لکم> (برای شما) به دست می آيد.

اظهار خيرخواهی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۷ - ۵

۵ - تلاش نوح (ع) برای نماياندن خيرخواهی خود و تضمين منافع قومش در پرتو رسالت خويش

إنّی لکم رسول أمين

برداشت ياد شده با توجه به قيد <لکم> به دست می آيد.

اظهار خيرخواهی هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۵ - ۵

۵ - تصريح هود (ع) بر خيرخواهی خود و تضمين منافع عاديان در پرتو رسالت خويش

إنّی لکم رسول أمين

برداشت یاد شده با توجه به قید <لکم> با لام انتقاع استفاده می شود.

اهمیت خیرخواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۰ - ۱۴

۱۴ - حاکمیت رحمت الهی بر جامعه ، منوط به خیر خواهی آحاد مردم نسبت به یکدیگر *

إنّما المؤمنون إخوه فأصلحوا بین أخویکم و اتّقوا اللّه لعلّکم ترحمون

خطاب <لعلّکم ترحمون> عام است و به حاکمیت رحمت الهی بر عموم جامعه نظر دارد و صدر آیه، حرکت اصلاح آفرین افراد جامعه را شرط این رحمت فراگیر قلمداد

کرده است.

تظاهر به خیرخواهی رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۸ - ۳،۵

۳ - پیشوایان شرک با تظاهر به خیرخواهی ، عامل اصلی فریب خوردن و دور شدن از مسیر خیر و حق در دیدگاه مشرکانِ گمراه شده

قالوا إنّکم کنتم تأتوننا عن الیمین

<یمین> می تواند مشتق از <یمن> (خیر و برکت) باشد. بر این اساس، معنای آیه چنین می شود: شما از سر خیرخواهی به سراغ ما می آمدید. اما متعدی شدن فعل <تأتوننا> به <عن> که برای مجاوزت است موجب می شود که این کلمه متضمن معنای <تصددننا> که متناسب با معنای مجاوزت است باشد. بر این اساس، پیام اصلی آیه چنین خواهد بود: شما بودید که در ظاهر از سر خیرخواهی به سراغ ما آمده و ما را از مسیر حق و خیر گمراه می کردید.

۵ - استفاده از قدرت و تظاهر به خیرخواهی ، از روش های پیشوایان کفر و شرک برای فریب و گمراهی توده ها

قالوا إنّکم کنتم تأتوننا عن الیمین

تظاهر به خیرخواهی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۰ - ۷

۷ - پوشش خیرخواهی ، روش شیطان برای وسوسه در دل آدمیان و فریب آنان

فوسوس إلیه الشیطن فقال هل أدّلک

تظاهر به خیرخواهی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۶ - ۱۳

۱۳ - تظاهر به خیرخواهی و صلاح اندیشی ، برای دین و دنیای مردم از سوی فرعون

إنّی أخاف أن یبدّل دینکم أو أن یظهر فی

الأرض الفساد

خیرخواهی ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۶ - ۳

۳ - ابراهیم (ع) برای قوم خود ، خیرخواه بود .

و إبرهیم إذ قال لقومه اعبدوا اللّه . .. ذلکم خیر لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۴ - ۳

۳ - قوم ابراهیم ، برای رویارویی با خیرخواهی او برای آنان ، به خشونت متوسل شدند .

و إبرهیم إذ قال لقومه . .. ذلکم خیر لکم ... فما کان جواب قومه إلاّ أن قالوا اقتل

خیرخواهی ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۶ - ۷

۷ ادیان الهی خواستار بهبود وضع اقتصادی مردم و خواهان برخورداری آنان از انواع خیر ها و برکت های مادی

لفتحنا علیهم برکت من السماء و الأرض

خیرخواهی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۲ - ۸

۸ پیامبران الهی ، خیرخواه امت های خویش

و أنصح لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۸ - ۹

۹ پیامبران ، خیرخواه امت های خویش و انسانهایی امین و درستکار

و لکنی رسول . .. و أنا لکم ناصح أمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۲

۲ پیامبران الهی در اندیشه رساندن امت خویش به حیاتی زیبنده و نیکو در دنیا و سعادت و نیکبختی در آخرت

و اکتب لنا فی هذه الدنیا حسنه و فی الاخره

خیرخواهی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱ - ۱،۲

۱- انسان ، شرّ و بدی را چونان خیر و خوبی ، طالب و خواستار است .

و یدع الإنسن بالشرّ دعاءه بالخیر

مراد از <دعا> مطلق درخواست است اعم از اینکه به لفظ دعا باشد و یا به غیر آن.

۲- خیرطلبی در انسان ، اصیل و در پی شرّ بودنش ، تبعی و غیر اصیل است .

و یدع الإنسن بالشرّ دعاءه بالخیر

برداشت فوق از تشبیه شرخواهی انسان به طالب خیر بودنش استفاده گردیده است; یعنی، همان طور که انسان همواره و به طور طبیعی و اصیل طالب خیر است، به دنبال شر هم خواهد رفت.

خیرخواهی برای خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۶ - ۳

۳ - خیرخواهی برای اعضای خانواده و تربیت دینی آنان ، تکلیفی بایسته برعهده سرپرست و مدیر خانواده

قوا . .. أهلیکم نارًا

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که مصداق اصلی تلاش برای حفاظت اعضای خانواده از دوزخی شدن آنان، تربیت دینی آنان و گزینش راه و روش خیرخواهانه در این راستا است.

خیرخواهی برای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۷

۷ معاف شدگان از جنگ ، باید در پشت جبهه حمایتگر رزمندگان و خیرخواه خدا و رسولش باشند .

لیس علی الضعفاء . .. إذا نصحوا للّه و رسوله

خیرخواهی برای دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۹،۱۰،۱۳

۹ لزوم

خیرخواهی مؤمنان برای دین و پیامبر (ص) و رهبر الهی

إذا نصحوا للّه و رسوله

۱۰ خیرخواهی برای دین و رهبر الهی ، تکلیفی همگانی و ساقط نشدنی

لیس علی الضعفاء . .. إذا نصحوا للّه و رسوله

برداشت فوق بدان دلیل است که جهاد در موارد ضعف، بیماری و تهیدستی ساقط می شود ولی <نصح> (خیرخواهی) ساقط نمی شود.

۱۳ اشخاص معذور از جهاد ، در صورت خیرخواهی برای دین و رهبر جامعه اسلامی ، مصون از عذاب و کیفر تخلف از جنگ

الذین کفروا منهم عذاب ألیم . .. ما علی المحسنین من سبیل

خیرخواهی برای رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۹،۱۰،۱۳

۹ لزوم خیرخواهی مؤمنان برای دین و پیامبر (ص) و رهبر الهی

إذا نصحوا للّه و رسوله

۱۰ خیرخواهی برای دین و رهبر الهی ، تکلیفی همگانی و ساقط نشدنی

لیس علی الضعفاء . .. إذا نصحوا للّه و رسوله

برداشت فوق بدان دلیل است که جهاد در موارد ضعف، بیماری و تهیدستی ساقط می شود ولی <نصح> (خیرخواهی) ساقط نمی شود.

۱۳ اشخاص معذور از جهاد ، در صورت خیرخواهی برای دین و رهبر جامعه اسلامی ، مصون از عذاب و کیفر تخلف از جنگ

الذین کفروا منهم عذاب ألیم . .. ما علی المحسنین من سبیل

خیرخواهی برای محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۱ – ۷،۹

۷ معاف شدگان از جنگ ، باید در پشت جبهه حمایتگر رزمندگان و خیرخواه خدا و رسولش باشند .

لیس علی الضعفاء . .. إذا

نصحوا للّه و رسوله

۹ لزوم خیرخواهی مؤمنان برای دین و پیامبر (ص) و رهبر الهی

إذا نصحوا للّه و رسوله

خیرخواهی برای مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۹ - ۶

۶ صالح ، پیامبری دلسوز و خیرخواه مردم

و نصحت لکم

خیرخواهی برای مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۱ - ۷

۷- خداوند ، حامی مؤمن و تقدیر کننده خیر و مصلحت برای او است .

فکان أبواه مؤمنین . .. فأردنا أن یبدلهما ربّهما خیرًا منه زکوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۸ - ۱۷

۱۷ - مؤمنان نمی توانند در برابر جامعه خویش بی تفاوت باشند ; بلکه باید برای دوستان و همکیشان خود ، خیرخواه و نسبت به کافران و دشمنانِ اصلاح ناپذیر ، آرزوی نابودی کنند .

ربّ اغفر لی . .. و للمؤمنین و المؤمنت و لاتزد الظلمین إلاّ تبارًا

برداشت یاد شده، از دعای خیر نوح(ع) برای مؤمنان و نفرین علیه کافران و دشمنان دعوتش، استفاده می شود.

خیرخواهی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۴ - ۲۱

۲۱ دعا برای صلاح و نیک شدن همسر و فرزندان و خیرخواهی برای ایشان ، از اوصاف بندگان خالص خدا و امری پسندیده و مورد تشویق خداوند

و الذین یقولون ربّنا هب لنا من أزوجنا و ذرّیّتنا قرّه أعین و اجعلنا للمتّقین إم

خیرخواهی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص

۱۳ - ۷۷ - ۲۸ -

۱۳ - رواج اخلاق خیرخواهی و امر به معروف و نهی از منکر ، در میان مردم عصر موسی

و ابتغ فیما ءاتیک اللّه الدار الأخره و لاتنس نصیبک من الدنیا و أحسن

خیرخواهی پیروان موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۰ - ۶

۶ - موسی (ع) ، برخوردار از هوادارانی وفادار ، دلسوز و خیرخواه در کاخ فرعون

إنّی لک من النصحین

تعبیر <من الناصحین> نشانگر آن است که هواداران موسی در کاخ فرعون بسیار بودند و مرد ناشناس تنها یکی از آنان بود.

خیرخواهی حبیب نجار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۰ - ۵

۵ - حبیب نجار ، مردی خیرخواه و در امر دین کوشا بود .

و جاء من أقصا المدینه رجل یسعی

برداشت یاد شده از تعبیر <یسعی> استفاده شده است که صفت برای <رجل> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۷ - ۵

۵ - خیرخواهی مؤمن انطاکیه ، برای مردمش حتی پس از مرگ خود

قیل ادخل الجنّه قال یلیت قومی یعلمون . بما غفر لی ربّی و جعلنی من المکرمین

برداشت یاد شده از آن جا است که مؤمن انطاکیه بعد از شهادت خود، به فکر مردمش بوده و آرزو می کرد که آنان آگاه

شوند.

خیرخواهی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۸ - ۱۳

۱۳ لطف و عنایت و خیرخواهی خداوند نسبت به بندگان

انّ اللّه نعمّا یعظکم به

با توجّه به

کلمه <موعظه> که در آن خیرخواهی و لطف و عنایت موعظه کننده نهفته است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۹ – ۲۸

۲۸ خیراندیشی و فرجام نگری ، مبنای توصیه های خداوند

ذلك خیر و احسن تاویلا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۱ – ۷

۷– خداوند ، حامی مؤمن و تقدیر کننده خیر و مصلحت برای او است .

فکان أبواه مؤمنین . .. فأردنا أن یبدلهما ربّهما خیرًا منه زکوه

خیرخواهی دایه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۱۲ – ۹

۹ – خیرخواهی و توانمندی بر دایگی و پرستاری ، از معیار های بایسته برای گزینش دایه و سرپرست برای فرزندان شیرخوار

قالت هل أدلّکم علی أهل بیت یکفلونه لکم و هم له نصحون

خیرخواهی در ادیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۶۲ – ۹

۹ خیرخواهی برای مردم ، از ارزش های متعالی در ادیان الهی

و أنصح لکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۶۸ – ۱۱

۱۱ خیرخواهی و امین بودن ، از ارزش های متعالی در ادیان الهی

و أنا لكم ناصح أمين

خیرخواهی ذوالقرنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۹۴ – ۴

۴– قوم درگیر با یأجوج و مأجوج ، به ذوالقرنین و به توان مندی و خیرخواهی وی اذعان کردند .

قالوا يذا القرنين إنّ يأجوج و مأجوج مفسدون فی الأرض

با این که

<ذوالقرنین> بومی منطقه مورد بحث نبود، ولی با قرائن و شواهد و دیدن قدرت علمی و اجرایی او، مردم، به این نکته واقف شدند که او، کسی است که می تواند سدّی غیر قابل نفوذ در برابر حملات دشمنان برای آنان برپا کند و نیز به خیر خواهی او و این که او غرضی مادّی و قصدی سلطگرانه ندارد، پی بردند، لذا پیشنهاد خود را با او مطرح کردند.

خیرخواهی شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۳ - ۷،۸

۷ شعیب (ع) ، پیامبری دلسوز و خیرخواه مردم

و نصحت لکم

۸ خیرخواهی شعیب تنها در جهت منافع مردم بود ، نه آمیخته به منفعت های شخصی خویش

و نصحت لکم

<لام> در <لکم> اشاره به خلوص شعیب در خیرخواهیش دارد.

خیرخواهی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۱ - ۱

۱ شیطان با سوگند دروغ و مؤکد خویشتن را از خیرخواهان آدم و حوا قلمداد کرد.

و قاسمهما إنی لکما لمن النصحین

به کارگیری فعل <قاسم> از باب مفاعله می تواند برای تأکید باشد. یعنی شیطان با سوگند مؤکد سخنش را به آنان القا کرد.

خیرخواهی صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۹ - ۶

۶ صالح ، پیامبری دلسوز و خیرخواه مردم

و نصحت لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۵ - ۴

۴ - موضع صالح (ع) در میان جامعه خود ، موضعی برادرانه و خیرخواهانه

و لقد أرسلنا إلی

ثمود أخاهم صلحًا

واژه <أخاهم> چه دلالت بر خویشاوندی داشته باشد یا نداشته باشد، در هر صورت عطوفت و رحمت صالح پیامبر را نسبت به قومش می رساند.

خیرخواهی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۹ - ۱۵

۱۵ - فرعون ، خود را فردی خیرخواه و پایبند به اندیشه ها و عقاید خویش و نیز به دور از دورویی معرفی کرد .

قال فرعون ما أریکم إلّا ماأری

برداشت یاد شده از آن جااست که فرعون با گفتن <ما أریکم إلّا ما أری> (من جز آنچه را که تشخیص می دهم به شما ارائه نمی دهم)، می خواست خویشتن را فردی صادق، خیرخواه و پایبند به اندیشه ها و نظرات خود، جلوه دهد.

خیرخواهی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۲

۲ - تصمیم قوم لوط مبنی بر اخراج و تبعید لوط (ع) و خانواده اش ، تنها پاسخ آنان به هشدار های خیرخواهانه او

فما کان جواب قومه إلّا أن قالوا أخرجوا ءال لوط من قریتکم

خیرخواهی مبلغان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۲ - ۱۰

۱۰ مبلغان دین باید خیرخواه مردم بوده و نصایح خویش را آمیخته به منافع شخصی نسازند .

أبلغکم رسلت ربی و أنصح لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۶۸ – ۱۰

۱۰ مبلغان دین باید خیرخواه مردم باشند و خیرخواهی خویش را به منافع شخصی آمیخته نسازند .

أبلغکم رسلت ربی و أنا لکم ناصح

أمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۳ - ۹

۹ مبلغان دين بايد خيرخواه مردم و نصايح خويش را به منافع شخصى آميخته نسازند .

و نصحت لكم

خيرخواهى متقين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۶ - ۴

۴ - اهتمام تقواپيشگان به سعادت اخروى خانواده خويش و خير خواهى شديد نسبت به آنان

قالوا إنّا كنّا قبل فى أهلنا مشفقين

خيرخواهى محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۶۱ - ۸،۱۱

۸ گوش فرادادن پيامبر (ص) به سخن همه مردم ، در جهت منافع آنان و به خطر و صلاح جامعه

و يقولون هو أذن قل أذن خير لكم

برداشت فوق بدين احتمال است كه اضافه <أذن> به <خير>، از باب اضافه موصوف به صفت باشد ; يعنى، پيامبر(ص) شنواىِ خوبى است براى شما و اين صفت در جهت صلاح جامعه ايمانى است.

۱۱ ترتيب اثر دادن پيامبر (ص) ، تنها به سخنانى بود كه در جهت منافع مؤمنان باشد .

و يقولون هو أذن قل أذن خير لكم . .. و يؤمن للمؤمنين

برداشت فوق با توجه به <لام> در <للمؤمنين>، كه براى افاده منفعت است، استفاده مى شود.

خیرخواهی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۲ - ۱۳

۱۳ خیرخواهیهای مشرکان مبنی بر زیانبار بودن حضور مؤمنان ضعیف در کنار پیامبر(ص) نباید موجب طرد و محرومیت آنان از محضر پیامبر(ص) گردد.

ما علیک من حسابهم من شیء و ما من حسابک

علیهم من شیء فتطردهم

<حسابهم> می تواند اضافه مصدر به فاعل خود (هم) باشد ; یعنی حسابگریهای مشرکان درباره مؤمنان و فقر و محرومیت آنها.

خیرخواهی معذوران از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۱۲،۱۳

۱۲ اشخاص معذور و معاف شده از جهاد ، در صورت داشتن حسن نیت و خیرخواه بودن ، از محسنان به حساب می آیند .

لیس علی الضعفاء . .. إذا نصحوا للّه و رسوله ما علی المحسنین من سبیل

۱۳ اشخاص معذور از جهاد ، در صورت خیرخواهی برای دین و رهبر جامعه اسلامی ، مصون از عذاب و کیفر تخلف از جنگ

الذین کفروا منهم عذاب ألیم . .. ما علی المحسنین من سبیل

خیرخواهی مکذبان آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱ - ۳

۳- منکران آخرت شرّ و بدی را بسان خیر و خوبی خواستارند .

و أن الذین لایؤمنون بالأخره . .. و یدع الإنسن بالشرّ دعاءه بالخیر

برداشت فوق مبتنی بر این نکته است که مقصود از <الإنسان> مطلق انسانها نباشد چنانکه برخی از مفسّران گفته اند ; بلکه الف و لام <الإنسان> برای عهد ذکری است و اشاره به منکران معاد می باشد که در آیه قبل (الذین لایؤمنون بالأخره. ..) آمده است.

خیرخواهی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۳ - ۴

۴ دروغگویی منافقان ، در ادعای خیرخواهی و صلحجویی

ان اردنا الّا احساناً و توفیقاً. اولئك الّذین یعلم اللّه ما فی قلوبهم

خیرخواهی موسی(ع)

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۱۴

۱۴ - موسی (ع) خیر و سعادت مرتدان قومش را در توبه و کشتن یکدیگر دانست .

فاقتلوا أنفسکم ذلکم خیر لکم عند بارئکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۱ - ۱

۱ - پرسش مؤمن آل فرعون از قوم خود ، درباره انگیزه مخالفت آنان با دعوت و خیرخواهی های او

و یقوم مالی أدعوکم إلی النجوه و تدعوننی إلی النار

گفتنی است که به قرینه خطاب در جمله حالیّه <تدعوننی . ..>، عبارت <مالی> در اصل <مالکم> می باشد. این جمله در زبان عرب به جای <أخبرونی عنکم> (از حالتان به من خبر دهید) به کار می رود و مقصود از آن پرسش از انگیزه و دلیل وضعیت به وجود آمده از مخاطب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۸ - ۵

۵- تذکر موسی (ع) به فرعونیان ، نسبت به خیراندیشی خود در پیشنهاد رهایی بنی اسرائیل

أن أدّوا . .. إنّی لکم رسول أمین

لام در <لکم> برای منفعت و <رسول أمین> تأکیدی بر رعایت امانت در نصیحت است; یعنی، بنی اسرائیل را رها کنید و بدانید که در این پیشنهاد، منفعت واقعی شما نهفته است و من در این سخن صداقت دارم.

خیرخواهی مؤمن آل فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۰ - ۷

۷ - مرد ناشناس ، از جمله خیرخواهان موسی (ع) بود .

إنّی لک من النصحین

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۴ - ۱،۲،۳

۱ - هشدار تهدیدآمیز مؤمن آل فرعون به قوم خود ، از دچار شدن آنان به سرنوشتی شوم بر اثر غفلت و بی توجهی شان به خیرخواهی های او

فستذکرون ما أقول لکم

۲ - فرعونیان ، سخن حکیمانه و خیرخواهانه مؤمن آل فرعون را ، به خوبی درک نکرده و در غفلت شدید به سر می برند .

فستذکرون ما أقول لکم

۳ - هدایت ها و خیر خواهی های مؤمن آل فرعون ، در قومش تأثیر نگذاشت .

فستذکرون ما أقول لکم

خیرخواهی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۶ - ۵

۵ - لزوم احساس مسؤولیت مؤمنان ، نسبت به سعادت و فرجام خویشاوندان خود

قالوا إنّا کنّا قبل فی أهلنا مشفقین

از این که احساس مسؤولیت نسبت به خانواده، عامل رهیابی به بهشت معرفی شده است; اهمیت و ضرورت آن استفاده می شود.

خیرخواهی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۲ - ۵،۶،۷،۱۳

۵ نوح (ع) ، پیامبری دلسوز و خیرخواه مردم

و أنصح لکم

۶ خیرخواهی نوح (ع) تنها در جهت منافع مردمان ، نه آمیخته به منفعت های شخص خود بود .

و أنصح لکم

آوردن <لام> پس از مشتقات <نصیحت>، همانند <أنصح لکم>، حکایت از خلوص کامل نصیحت کننده نسبت به نصیحت شونده دارد. یعنی در نصیحتش (خیرخواهیش) هیچ شائبه منفعت شخصی ندارد و تنها خیر او را در نظر گرفته است.

۷ ابلاغ پیام های خداوند به مردم ، جلوه ای از خیرخواهی

نوح برای مردم خویش بود .

أبلغکم رسلت ربی و أنصح لکم

۱۳ آگاهی نوح (ع) به حقایقی از جانب خدا ، از عوامل پایداری وی در تبلیغ رسالت های الهی و خیرخواهی خالصانه برای مردم

أبلغکم رسلت ربی و أنصح لکم و أعلم من اللّه ما لاتعلمون

به نظر می رسد جمله <أعلم من اللّه . .. > به منزله تعلیلی باشد برای <أبلغکم> و <أنصح لکم>. یعنی آگاه بودن من بر حقایقی پوشیده بر شما مرا در ابلاغ رسالتهای الهی پایدار می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۴ - ۸

۸ نوح (ع) پیامبری خیرخواه و دلسوز مردم

لاینفعکم نصحی إن أردت أن أنصح لکم

خیرخواهی هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۸ - ۱،۶،۷،۸

۱ هود (ع) در پاسخ قوم عاد ، خویشتن را مبلّغ پیام های خداوند ، خیرخواه مردم و فردی امین و سزاوار اطمینان خواند .

أبلغکم رسلت ربی و أنا لکم ناصح أمین

۶ خیرخواهی هود ، تنها در جهت منافع مردم بود ، نه آمیخته به منفعت های شخصی خویش

و أنا لکم ناصح أمین

<لام> در <لکم> اشاره به خلوص هود در خیرخواهی دارد.

۷ ابلاغ پیام های خداوند به مردم ، جلوه ای از درستکاری و خیرخواهی هود برای مردم خویش

أبلغکم رسلت ربی و أنا لکم ناصح أمین

۸ هود در میان قومش به درستکاری و خیرخواهی شهرت داشت .

أبلغکم . .. و أنا لکم ناصح أمین

آوردن <ناصح> و <أمین> به صورت وصف، در مقابل بیان تبلیغ رسالت

به صورت فعل <أبلغكم>، می توانـد اشـاره به این نکته داشـته باشـد که خیرخواهی و درسـتکاری هود(ع) مخصوص زمـان رسالت وی نبوده بلکه پیش از آن نیز بدان شهرت داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۱ - ۴

۴- هود (ع) ، برادری دلسوز و خیرخواه برای قوم عاد

و اذکر أخا عاد

واژه <أخ> چه اشاره به روابط عاطفی خویشاونـدی داشـته باشـد و چه اشاره به اخوت معنوی; به هر حال پیامـدار دلسوزی و محبت عمیق است.

خیرخواهی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۱۸

۱۸ عزیز مصر (یوسف) در دیده فرزندان یعقوب حاکمی خداشناس ، خیرخواه و اهل جود و کرم بود .

فأوف لنا الکیل و تصدق علینا إن الله یجزی المتصدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۶

۶ یوسف (ع) از خداوند خواستار آمرزش خطا ها و گناهان برادرانش شد .

یغفر الله لکم

جمله <یغفر. ..> می تواند دعایی باشد و می تواند خبری باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال نخست است.

دلایل خیرخواهی مؤمن آل فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۰ - ۸

۸ - توصیه به خروج از شهر ، نمود خیرخواهی مرد ناشناس نسبت به موسی (ع)

فاخرج إنّی لک من النصحین

زمینه خیرخواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۲ - ۱۳

۱۳ آگاهی نوح (ع)

به حقایقی از جانب خدا ، از عوامل پایداری وی در تبلیغ رسالت های الهی و خیرخواهی خالصانه برای مردم

أبلغکم رسلت ربی و أنصح لکم و أعلم من اللّه ما لاتعلمون

به نظر می رسد جمله <أعلم من اللّه . .. > به منزله تعلیلی باشد برای <أبلغکم> و <أنصح لکم>. یعنی آگاه بودن من بر حقایقی پوشیده بر شما مرا در ابلاغ رسالتهای الهی پایدار می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۸ - ۱۱

۱۱ - خیرخواهی ، تبلیغ دین و ارشاد مردم به راه درست زندگی ، از مقتضیات ایمان و دینداری

و قال الذی ءامن یقوم اتّبعون أهدکم سبیل الرشاد

توصیف مؤمن آل فرعون به مؤمن بودن و تکرار آن در سه نوبت (آیه های ۲۸، ۳۰ و ۳۸) می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

موانع تأثیر خیرخواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۲ - ۹

۹- سرمستی و غفلت ، مانع پذیرفتن نصیحت و خیراندیشی ناصحان

لعمرک إنهم لفی سکرتهم یعمهون

موانع خیرخواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۵ - ۱۰

۱۰ - استکبار و انحراف ، مانع از پذیرش نصیحت و خیرخواهی

و إذا قیل لهم . .. و رأیتهم یصدّون و هم مستکبرون

خیرطلبی

ادعای خیرطلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۴

۴- کافران ، مدعی ارزش گرایی و خیرطلبی

لو کان خیرًا ما سبقونا إلیه

خیرطلبی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء -

۴ - ۱۷۰ - ۸

۸ انسان ، موجودی خیر طلب و کمال جو

یأیها الناس . .. فامنوا خیراً لکم

جمله <خیراً لکم> خیرجویی و سعادت طلبی را برای انسان مفروض و طبیعی دانسته و تنها وی را به مصداق واقعی خیر و سعادت که ایمان به قرآن و پیامبر(ص) باشد، رهنمون ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۵ - ۹

۹ انسان ، موجودی نیکوگزین و در اندیشه به دست آوردن بهترین ها

قل أذلک خیر أم جنّه الخلد التی وعد المتّقون

خداوند، مردم را به گزینش بهترین راه و روش زندگی، با مقایسه میان دو نوع طرز تفکر و روش زیستن، فراخوانده است. این فراخوانی، گویای این نکته است که گزینش بهترین و برترین، امری طبیعی و مشترک میان همه انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۲ - ۲

۲ - انسان ، طالب خیر و دنبال بهترین ها برای خویش است .

أذلک خیر نزلاً أم شجره الزقّوم

از پرسش درباره خوب یا خوب تر بودن دو نوع زندگی، می توان استفاده کرد که انسان طبیعتاً طالب خیر و به دنبال بهترین ها است؛ ولی در تشخیص آن ممکن است دچار خطا شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۹ - ۱

۱ - انسان ، موجودی خستگی ناپذیر در طلب خیر و منافع خویش

لایسئم الإنسن من دعاء الخیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۶ - ۱۲

۱۲ - انسان ، موجودی

خیر طلب و کمال جو

أنفقوا خيرًا لأنفسكم

جمله <خيراً لأنفسكم>، خیرجویی و کمال طلبی را برای انسان مفروض و طبیعی دانسته و تنها وی را به مصداق های واقعی خیر و سعادت (انفاق و. ..) رهنمون ساخته است.

فطریت خیرطلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۹

۹- گرایش به خیر و خوبی ، امری فطری برای انسان ها

لو كان خيرًا ما سبقونا إليه

از این که حتی کافران خود را خیرجو دانسته اند، مطلب یاد شده استفاده می شود.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹